498

مصا

3

[illegible]

البينة [illegible] الحمد [illegible]

[illegible]

[illegible] السن [illegible]

[illegible] الحمد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

کتاب شجره طیبه

بسم الله الرحمن الرحیم

مصباح زبان در مشکات دهان صدر نشینان
محفل بلاغت از فروغ انوار حمد خداوندی عمّت نعمته
روشن است که مرآت قلوب سالکان مسالک حاجات را
بصیقل دعوی از زنگ زنگار یاس و حرمان پرداخته
بزیور شاهد حصول مامول ساخت و مقراض مقال انجمن
آرایان مجلس فصاحت از پرتو اشراق ثنای کردگار عمّ
آلاؤه منور است که بصایر دوایر ناسکان مناسک بکحل
الجواهر و ان اعبدونی از رمد نظار نقوش مدرکه
بر آورد تا دیدار شاهد یگانه وحدت را شناسند معبودی
که سحرخیزان کوی عبودیتش را خلوت عبادت از پرتو
مشاعل ادعیه منقوله چراغانست و محفل بند بارگاه
گلهای الوان اذکار و اوراد ماثوره گلریزان جام باده
پیمایان وادی معرفتش را بزیور کلام قدیم شریف و

بخطاب خاص یا بنی آدم از سایر مکونات ممتاز و ابواب تکالیف
بر روی طاقت این سرگشتگان بادیه حیرت باز کردانند
پیوسته عالمیان معالم وحی و تنزیل را بجهت تعلیم قواعد معرفت
و تفهیم رسوم عبودیت ارسال فرمود تا طالبان اوامر
متکلفه را بنور هدایت از ظلمات جهالت رهانند و
سالکان شاه راه طریقت راه نمائی خضر متابعت بسر منزل
مقصود رسانند تا خلق سوی کعبه مقصود ره برند
لطفش همیشه خضر رهی پیش راه داشت وزهی لطف شامل
و کرم کامل که ما پس ماندگان قافله شهود و کاهل قدمان
عرصه وجود را بمنصب هدایت و ارشاد و دولت
اطاعت و انقیاد راهبری سرافراز فرمود که نور دانش
درسرادق صمدیت پیشتر از صفوف انبیا و مرسلین است
و ظهور صفاتش در حریم احدیت باعث ایجاد خلق
اولین و آخرین سروری که صیت صلای شریعت غرای
او در مواطن بر و بحر پیچیده و آفتاب ایجاب متابعت
ملت بیضای او بر سراپای احوال اسود و احمر تابیده والاکری

که بی‌ضیای ولایش شمع قبول در خلوت حسن عمل روشنی
ندهد وبی فروغ اشعهٔ رضایش چراغ نجات در زاویهٔ توبه
وانابت پرتو نیفکند انبیا را بولایش افتخار واوصیا را
بشفاعتش کمال استظهار عریضهٔ دعائی که بثنای او
وآل اخیارش معنون نباشد ایستادگان پایهٔ سریر
اجابت از دست کسی بگیرند وذریعهٔ نیازی که بدرود
او وعترت اطهارش موشح نباشد مجلس نشینان
بارگاه قبول از کسی نپذیرد زینت چهرهٔ عبادت از
متابعت اوست وآرایش رخسار طاعت از اطاعت او
اعنی صاحب لی مع الله اعظم واقدم مقربان درگاه اله
متمکن بساط دنی فتدلی صدر نشین ایوان قاب
قوسین او ادنی افسر تارک آل طه ویس فوایح نفحات
صلوات نثار عتبهٔ منورهٔ سروری که مشکوة هیاکل
ارضی از فیض انوار مصباح شریعتش رشک زجاجهٔ
افلاک ودیدهٔ حملهٔ عرش برین در تمنای غبار رهگذر
براقش حسرت کش کحل الجواهر خاکست خورشید وماه

ثنا نیست از نقش سم براقش بجا مانده وتهلیل حمله
عرش امتثالیست که او امر شریفش از بر کرسی نشانده اعنی
سیدنا ونبینا وشفیع ذنوبنا ابو القاسم محمد المصطفی که
الوف صلوات زاکیات وصنوف تحیات مبارکات بران
سید اخیار وسرور ابرار وعترت اطهار او وسیما بر وزیری
که بزرگی ذاتش فوق مرتبهٔ ادراک عقول وافهام وعلو
صفاتش خارج از حیطهٔ تصور اوهام امامی که آیهٔ کریمهٔ
انما ولیکم الله شطریست از دیوان عظمت وجلالت او
شهریاری که ولایش رکن اعظم ایمان ورضایش مفتاح
ابواب ثمانیهٔ جنان بزرگواری که هر که از ساغر محبتش
سرخ رو گردید در صف روسفیدان محشر رنگ زردی
نکشید اطاعتش دهر وجهان دستگیر ومحبتش سرخط
آزادی جان وپیر مقربان ملأ اعلی را دیده دل بنور ولایش
روشن ومحرمان سرادق کبریا را خلوت خاطر بفروغ
محبتش مزین صدف گوهر اسرار لدنی گوهر صدف انت منی
فارس مضمار لا فتی رافع لوای لو کشف الغطاء اصل شجرهٔ

طیبه مصداق سورهٔ هل اتی مورد خطاب انت منی بمنزلة
هرون من موسی اعنی ابن عم و نفس رسول صلعم و وصی و خلیفهٔ
اول و زوج بتول محرم اسرار ربوبیت مهبط انوار الوهیت
سرحلقه مقربان درگاه زینت عنوان اللهم وال من والاه
مظهر العجایب و مظهر الغرایب اسد الله الغالب ابی الحسنین
علی بن ابی طالب علیه الصلوة و علیه السلام و اولاد امجاد
او که هریک آفتاب سپهر امامت و خلافت و ثمرهٔ شجرهٔ نبوت
و رسالت اند پیشوایانی که هر که متمسک بحبل المتین ولای ایشان
شد بر مسند حصول امانی و آمال نشست و برگزیدگانی
که هر کس متشبث بعروة الوثقی رضای ایشان گردید بخشنودی
حضرت ذو الجلال پیوست صلوات الله و سلامه علیه و
علیهم اجمعین اما بعد بر مرآت ضمیر عارفان خبیر و ناقدان
بصیر بمعنی پرتو افکنست که گرانبهاترین جنسی که از زندگی
ثمن اعمار و گنجایش صرف نقود انظار داشته باشد
تحصیل معارف یقینیه و اکتساب معالم دینیه
است و زیباترین گهری که مسامع صوامع ملکوت را

زینت گوشوار و اکالیل مفارق کروبیان از زینت تارک
افتخار بوده باشد مواظبت دعوات و قیام بلوازم و
ظایف عبادات است چنانکه کریمتین فلولا نفر من کل
فرقة منهم طائفة لیتفقهوا فی الدین و ما خلقت
الجن و الانس الا لیعبدون بر صدق این دعوی دو
شاهد عدلند کدامین فرخنده فال لیالی عمر را از فروغ
طلب آن نبراس عرش اقتباس منور ساخت که صبح آمال
خود را مطلع نیر مقصود ندید و کدامین برومند نهال
از فیض این سحاب مفضال سرسبزی آغاز نمود که لب
تمنای او بر روی ثمرهٔ مراد شکوفه وار نخندید ید بیضای
موسوی بروز فروغ آن گوهر شب چراغ پنجهٔ خسرو سیارگانرا
می تابید و نفس عیسوی از فیض این سرچشمهٔ حیوان بساط
جان بخشی بر خود میچید فروغ شعلهٔ طور که شمع بزم تقدس
بود از سیمای مصباح آن عیان و آب حیوان که خضر لب تشنهٔ
طلب او بود در ظلمات شب زنده داری این یک نهادست
و چون این فقیر محتاج بعفو کریم لم یزلی ابن المرحوم المغفور

شاهوردی بیك توشمال باشی محمد علی آغا عن جلّی پروردهٔ
نعمای خانوادهٔ مصطفوی چاکر درگاه دودمان مرتضوی
غلام زادهٔ با اخلاص سیّد سلاطین جهان مستند خواقین
دوران مهبط الطاف ربّانی مورد فیوضات سبحانی
مظهر فتوحات غیبی مجمع توفیقات لاریبی غرّهٔ ناصیهٔ سلطنت
وکامکاری قرّهٔ باصرهٔ عظمت وشهریاری زیبندهٔ تاج و
تخت کیانی وارث مرتبهٔ سلیمانی گلدستهٔ گلستان
مصطفوی نوبادهٔ بوستان مرتضوی منتخب مجموعهٔ وجود
فهرست صحیفهٔ جود طرازندهٔ اورنگ نگارندهٔ عقل و
فرهنگ رایض توسن مراد فارس میدان عدل وداد
مؤیّد بتاییدات ربّانی موفق بتوفیقات سبحانی السّلطان
بن السّلطان الخاقان بن الخاقان خلیفهٔ امن وامان
سلطان شاه سلیمان موسوی صفوی حسینی خلّد الله
ملکه وابّد علی العالمین برّه وعدله واحسانه بوده در تحصیل
دعای خیر بجهت ذات اقدس ارفع اعلی می باشد علی
الخصوص در این اوقات که این ذرّهٔ بیمقدار بمیامن اقبال

روز

روز وشب بدعاگویی دوام دولت قاهره مشغول میباشم امید
که بکرم عمیم ولطف جسیم مقبول الطبع اشرف گردیده آن اعلا
حضرت سامی رتبت از فواید آن منتفع گردد وبا وجود کمال
عظمت شان ونهایت جلالت مکان واشتمال بر خواص
تلاوت آنها مخصوص بزمانی خاص نیست بلکه هر وقت
که توفیق رفیق شود بوسیلهٔ آنها جلب منافع دینی ودنیوی
ودفع مضرّات صوری ومعنوی میتوان نمود وچون
ترجمهٔ فضایل مذکوره باعث اطّلاع اکثر عبّاد وعبّاد
بر فواید آنها وزیادتی رغبت عامّهٔ صلحا
ونهّاد در تلاوت آنها میگردد مناسب مینماید
که بترجمهٔ فضایل آنها بحسب المقدور اقدام نماید
اما چون نقل فضایل در اثنای ذکر ادعیه کماهی
مخلّ بحال داعی میباشد سبب آنست که ترجمهٔ فضایل
ادعیه وشرح آن هریك علیحده در جای خود مع آداب
تلاوت وذکر بعضی از آداب نماز واجب وسنّت
ونوافل یومیّه وذکر ادعیهٔ ماثوره که از اهل بیت

علیهم السلام مروی شده و احادیثی که از ایشان
وارد شده سمت تحریر پذیرفت امید که مستحسن رای
مؤمنان و زمرهٔ صلحا گشته گاهی کمترین را بدعای خیر یاد آوری
نماید و مرتب گردانیدم بر مقدمه و دوازده باب و خاتمه
مقدمه در بیان عقل باب اول در فضایل عقل و علم که از اهل
حکمت و نبوت صلوات الله علیهم مرویست و آنچه متعلق باوست
و آن بر پنج فصل است فصل اول در شرف عقل فصل دوم در بیان
فضیلت مؤمن و افعال و خصال حمیدهٔ مؤمنان فصل سیم
سیم در مکارم اخلاق حسنه و صفات محموده مؤمنان
فصل چهارم در بیان تفکر بمعرفت و بی اعتباری دنیا
فصل پنجم در فضیلت نظافت باب دوم در آداب
حمام رفتن و وضو و غسل و غیر آن از اعمالی که مخصوص
است و آن بر پنج فصل است فصل اول در آداب حمام
رفتن و غسل کردن و وضو گرفتن فصل دویم در بیان
شارب گرفتن و جامه پوشیدن و ناخن چیدن
و سرمه و خضاب کردن و شانه و در آینه نگریستن فصل سیم

در آداب

در آداب قضای حاجت فصل چهارم در فضیلت مسواک کردن
فصل پنجم در آداب وضو گرفتن و غسل کردن و ادعیهٔ آن
باب سیم در فضایل نمازهای یومیه و نوافل و ذکر جماعت
و آداب آن و آن بر هشت فصلست فصل اول در نمازهای
یومیه و وجوب نماز جمعه و طریق گذاردن آن فصل دوم
در ذکر نوافل یومیه و آداب آن فصل سیم در بیان اوقات
نماز و فضایل و احکام آن فصل چهارم در بیان فضایل مسجد و
آداب فصل پنجم در بیان اذان و اقامة و ثواب آن فصل
[illegible] در کیفیت [illegible]ال نماز و آداب آن فصل هفتم در ذکر بعضی
افعال که در اثنای نماز توان کرد فصل هشتم در آداب جماعت
و آداب امام و مأموم باب چهارم در بیان فضیلت دعا و آداب و شرایط
و اوقات اجابت دعا و ادعیهٔ مطلقه و اوراد صبح و شام
و ظهر و عصر و غیره و آن بر سه فصلست فصل اول در اوراد
صبح و شام و ثواب آن فصل دویم در بعض دعاهای صحیفه
و ادعیه که از اهل بیت طاهرین علیهم السلام وارد شده
و آداب هر یک فصل سیم در ادعیهٔ روز جمعه و طریقه خواندن

دعای سمات و فضیلت آن **باب پنجم** در آداب خواب و
فضیلت خواندن دعا و افعالی که بران مترتب است
و آن بر سه فصل است **فصل اول** در آداب خواب و
فضیلت خواندن دعا و ثواب آن **فصل دویم** در ادعیه
که بجهت برخاستن از خواب و ادعیه نماز شب و
طریق گذاردن ان **فصل سیم** در فضیلت شب جمعه
و ادعیه و ثواب آن **باب ششم** در آداب نماز طلب باران
و طریق نماز آیات و نماز جعفر طیار و غیره و ثواب
هر یک از اینها و این بر سه فصلست **فصل اول** در آداب
نماز آیات طلب باران و ادعیه ان [illegible] در
گذاردن نماز آیات **فصل سیم** در طریق بعضی نمازها و نماز
جعفر طیار و ثواب آن و نماز علی بن ابی طالب ع
بجهت حصول مطالب و نماز فاطمه زهرا و حسن و حسین
باب هفتم در بیان سهو و شک در نماز واجبی و سنتی
و احکامی که بر آن مترتب است مشتمل است بر سه فصل
فصل اول در سهو نماز و تدارک آن **فصل دویم** در چه جای

شک یا سهو نموده، **فصل سیم** شک در نماز و تدارک آن **باب هشتم**
در آداب نماز قصر و طریقه آن و حد مسافت و احکام آن و
غیره و آن بر چهار فصلست **فصل اول** در آداب نماز قصر و
طریقه آن **فصل دویم** در آداب سفر و ادعیه و لوازم آن **فصل
سیم** در احکام رؤیت هلال و ادعیه آن **فصل چهارم** در باب
اسب و فضیلت نگه داشتن آن **باب نهم** در اعمال و فضیلت
ماه رجب المرجب و ماه شعبان المعظم و ماه مبارک رمضان
و ادعیه روز و شب و ثواب روزه آنها و انچه متعلق
بانهاست و این بر چهار فصلست **فصل اول** در آداب ماه
رجب و اعمال و ادعیه و ثواب روزه آن **فصل دوم** در اعمال
ماه شعبان و ادعیه و ثواب روزه آن **فصل سیم** در افعال
و اعمال ماه مبارک رمضان و انچه متعلق باوست **فصل
چهارم** در ثواب خواندن جوشن کبیر و صغیر و فضیلت
آن **باب دهم** در اعمال ماه شوال و سایر شهور و آن بر ده فصلست
فصل اول در افعال شب و روز اول ماه شوال که عید فطر
و شب آن از لیالی ادعیه است و طریق گذاردن نماز عید

وادعیه آن فصل دویم دراعمال ماه ذی قعدة الحرام و
اعمال ماه ذی حجة الحرام وآن بر سه قسم است قسم اول در
ادعیه دههٔ اول قسم دویم در روز عرفه وافعال روز وشب
عید اضحی واحکام آن قسم سیم در فضیلت وادعیه عید
غدیر واداب نماز واحکام آن واداب روز مباهله
وادعیه آن فصل چهارم دراعمال ماه محرم الحرام واداب تعزیه
وزیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام فصل پنجم
درادعیه ماه صفر وزیارت اربعین واعمال آن فصل ششم
دراعمال ماه ربیع الاول وفضیلت آن واعمال عید بابا
شجاع الدین وطریق زیارت مولود سعادت مسعود
محمد المصطفی صلی الله علیه واله فصل هفتم دراعمال ماه ربیع
الآخر فصل هشتم دراعمال ماه جمادی الاول فصل نهم دراعمال ماه
جمادی الآخر فصل دهم دراعمال وافعال روز نوروز وادعیه
وفضیلت آن باب یازدهم در بر والدین وصله رحم وپند و
مواعظ وسایر امور وفضیلت هریک وآن بر چهل وپنج
فصلست فصل اول در فضیلت بر والدین فصل دویم در صله رحم

وفضیلت آن فصل سیم در فضیلت ورعایت حق جوار فصل چهارم
در محبت والفت وزیارت مومنان فصل پنجم در آداب ملاقات
ومجالست فصل ششم در فضیلت سکوت فصل هفتم در فضیلت
اکرام مومن وتوقیر آن فصل هشتم در فضیلت سرور وقضای
حاجت مومنان فصل نهم در رذایل معاصی ومناهی فصل دهم در
دوای معاصی وسیئات فصل یازدهم در فضایل قران وآداب
تلاوت آن فصل دوازدهم در فضایل ذکر وآداب ومنافع آن
فصل سیزدهم در حرز از مخایف ومکاره وایمن بودن از شر موذیات
وکلاب وسباع وغیره فصل چهاردهم جهة وسعت معیشت و
برآمدن حاجات فصل پانزدهم در مکاسب ومعاملات فصل شانزدهم در ثواب
مرض وعیادت مریض ومعالجات امراض بدعا ودوا فصل
هفدهم در انواع لباس وآداب آن فصل هجدهم در قدر طعام خوردن
وطریق واثر آن وخاصیت هریک از ماکولات فصل نوزدهم در باب
آب نوشیدن وآداب وخاصیت آن فصل بیستم در آداب مسکن
وطریق آن فصل بیست ویکم در نوادر این باب وطریق استخارات
بیست ودویم در فضایل ضیافت وآداب وخاصیت آن بیست وسیم

در فضایل زکوة و عقوبت مانع الزکوة و حدود و احکام آن
بیست و چهارم در حقوق اموال و رعایت احوال بیست و پنجم در فضایل
صلهٔ اهل بیت طاهرین بیست و ششم در فضایل معروف و احسان
بیست و هفتم در فضایل صدقه بیست و هشتم در مذمت سؤال و رد سائل
بیست و نهم در اعانت حال عیال سی‌ام در احسان مؤمن بطعام
و جامه فصل سی و یکم در فضایل قرض دادن فصل سی و دویم در وجوه خیر
و حق معلوم فصل سی و سیم در فضایل تزویج و کراهت عزوبت
فصل سی و چهارم در فضایل متعه فصل سی و پنجم در اختیار زوجه و صفات
زنان فصل سی و ششم در اوقات تزویج و آداب آن سی و هفتم در اوقات
زفاف و اعمال آن سی و هشتم در ثواب مباشرت و آداب آن فصل
سی و نهم در طلب فرزند و ادعیه آن فصل چهلم در فضایل حمل و آداب
و احکام آن چهل و یکم در آداب تولد طفل و نام کذاشتن و عقیقه
کردن و ختنه نمودن فصل چهل و دوم در فضائل اولاد و آداب تربیت
دادن چهل و سیم در حقوق زوجین بر یکدیگر فصل چهل و چهارم در بعضی
از روایات و نوادر چهل و پنجم در ادعیه که بجهت حصول مطالب
و ایمن بودن از هر شدتی و خوفی باب دوازدهم در زیارت هر یک

از ائمه

از ائمه علیهم السلام و فضیلت و آداب آن و وصایای حضرت رسول صلعم
و حضرت امیر المؤمنین و سایر ائمه علیهم السلام و اعمال و افعال حج
و آن برده فصلست فصل اول در زیارت امیر المؤمنین علی علیه
السلام فصل دوم که در زیارت امام حسین علیه السلام از دور و حضور
فصل سیم در زیارت جامعه که از حضرت امام ضامن ع مرویست
فصل چهارم که در فضایل اماکن مقدسه فصل پنجم در طریق زیارت طیبین
و صلحای مؤمنین و ثواب آن فصل ششم در آداب زیارت هر یک
از ائمه فصل هفتم در وصایای حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
بعلی بن ابی طالب علیه السلام فصل هشتم در وصایائی که بابی ذر نموده اند
و وصایائی که امام جعفر علیه السلام به بعضی از شیعیان و با بن جندب
نموده فصل نهم از وصایائی که علی بن ابی طالب ع بمحمد حنفیه نموده
و بعضی از پند و مواعظ فصل دهم در اعمال و افعال حج و آداب
آن و زیارت حمزه و ائمه بقیع و فاطمه زهرا و شهدا و غیره
خاتمه در مکتوبی حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام بمالک اشتر
نخعی نوشته در هنگامی که او را بمصر والی فرموده و در نهج البلاغه
منقولست مقدمه بدانکه اول چیزی که الله تعالی آفرید عقل

بود که وارد شد اول ما خلق الله العقل و در قرآن مجید
خطابات که واقع شده همه جا با اولو الالباب و صاحبان
عقل شده و مرتبه و درجهٔ علم بمرتبه ایست که الله سبحانه
و تعالی در کلام معجز نظام فرموده در باب صاحبان علم
هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ پس ظاهر شد
که عقل و علم را در جناب مقدس الهی قدر و منزلتی ایست
که معارضه با او نتواند کرد هیچ مرتبه و همچنین باید دانست
که واجبست بر هر صاحب عقلی که ایمان خود را از راه یقین
و اعتقاد درست داند که هیچ عملی بی دین و فعلی بی یقین
در معرض یقین نیاید و ثمره از ان نیابد بجز عذاب الیم و
نار جحیم و سخط رب کریم و معرفت بایمان و تصدیق بجنان
از راه یقین و برهان واجبست بر هر فرد از انسان نه از راه
تقلید و قول بلسان و در احادیث ائمه علیهم السلم ثابت و
محقق گشته که الله تعالی ایمان را بر اعضای انسان قسمت
و بهر عضوی جزوی از ان احسان کرده مثلا بر دل واجب
گردانیده یقین کردن و اعتقاد نمودن بانکه الله تعالی

منزه

منزه است از انکه او را شریك و نظیر و شبیه و وزیر باشد
یا احدی را در مملکت و سلطنت او دخلی و تصرفی و تدبیری
تواند بود و مقدس از آنست که عیب و عار و قصور و انکسار
بجناب جلال او گذار تواند نمود و رفیعتر از انکه مکان و
زمان و حرکت و انتقال و تغیر احوال پیرامون جلال
کبریای او تواند گردید و قوی تر از انکه ظلم و زور و عجز و
فتور بجوار قدرت او از نزدیك و دور توهم عبور تواند نمود
و اعتقاد نمودن باینکه انچه بفکر و خیال و اندیشهٔ عقل
تو می آید آن نهایت عقل و فکر تست چنانچه گفته اند
انچه پیش تو غیر آن ره نیست ٭ غایت فکر تست الله نیست
و منزه است ذات مقدس او از انکه بفکر و اندیشه راهی
بان و بسعی و جهد نشانی از ان توانی یافت مگر انکه سلب
کنی از و تصورات و تخیلات نفسانی را و مبرا داری ذات
و صفات او را از تبعیض و تجزیه عدد و متعالی دانی او را از
انکه ادراك کنند ذات او را و برسند صفات او را و اعتقاد
کردن بانکه محمد مصطفی صم خاتم انبیا و سید مرسلین و افضل

اولین وآخرین است وهرچه فرموده از حلال وحرام ومدایح
ومذام همه را از جانب خدا گفته وهمه حق وصدقست
وبآنکه اهل بیت طاهرین که اول ایشان حضرت امیر المؤمنین
ویعسوب الدین وقاید الغر المحجلین علی بن ابی طالب سید
الوصیین وآخر ایشان حضرت صاحب العصر والزمان و
قاطع البرهان وخلیفة الرحمن محمد مهدی علیه الصلوة
والسلام اوصیا وخلفاء خدا واعلام رشاد وائمه هدایند
وافضل واکمل جمیع اهل عالم واشرف واعظم کل نوع بنی آدم اند
وایشانند وسیلهٔ فیض ورحمت وواسطهٔ فضل ونعمت
خدایند در دنیا وآخرت وهر که انکار ایشان کرده وغصب
حق ایشان نموده وهر که اعانت ایشان کرده وراضی بآن
بوده کافر وملعون ومنافق ومطعونست وواجبست
بغض او وبرائت از او ونیز بر دل واجب کردانیده راضی
بودن وتسلیم نمودن بهرچه الله تعالی وپیغمبر وخلفای
او صلی الله علیه وعلیهم گفته وکرده وخواسته وبر زبان
واجب کردانیده اقرار کردن واعتراف نمودن بهرچه دلها

اعتقاد کرده وهمچنین بر چشم وگوش ودست وپا وهریک
از اعضا عبادتی وطاعتی واجب کرده وبهریک خدمتی فرموده
وبهریک امری چند حرام ونهی فرموده وروایت شده از ائمه
علیهم السلام که صفات حسنه را علامات اسلام وایمان و
صفات ذمیمه را بعض علامات کفر وبعضی علامات ضلال
شمرده اند وباز از ایشان علیهم السلام مرویست که ایمان سه قسمست
تمام وناقص وزاید ایمان تمام آنست که از جمیع محرمات ومعاصی
اجتناب نماید وجمیع فرایض وواجبات را بعمل آورد بحیثیتی
که هیچ معصیتی صادر نشود وهیچ فریضه ترک نکردد وایمان
ناقص آنکه بعض معاصی بصدور آید یا بعضی واجبات ترک
شود وبقدر آنکه از واجبات کمتر ومعاصی بیشتر باشد نقصان
ایمان بیشتر بود وایمان زاید آنکه زیاده بر واجبات مستحبات
ومندوبات نیز صادر شود وزیاده بر محرمات مکروهات
ومذمومات نیز صادر نشود وهر قدر مستحبات بیشتر ومکروهات
کمتر ایمان زیاده تر باشد وچون کسی مرتکب معصیتی شود
یا ترک فریضه نماید وآنرا حلال نداند از ایمان بیرون رود و

اسم مؤمن بر وصادق نباشد واما از اسلام بیرون نرود
مگر انکه توبه کند که باز عود با یمان میکند واگر حلال نیز دانند
از اسلام نیز بیرون رود وکافر باشد ودر اخبار بسیار آمده
که اگر کسی ترك فریضه کند که در ان لذتی وشهوتی نبوده باشد
ترك نماز کافر شود زیرا که سبب در نصورت بغیر استخفاف
وبیحرمتی بآن فریضه چیزی دیگر نباشد وهر که استخفاف
بفریضه نماید کافر باشد واز امام همام محمد بن علی الباقر علیه السلم
مرویست که فرمود ای جابر آیا بس است کسی را که دعوای تشیع
ما میکند وتشیع را بر خود می بندد وهمینکه بگوید من دوست دار
اهل بیتم والله که شیعهٔ ما نیست مگر کسی که از معصیت خدای
پرهیز کند واطاعت خدای نماید وایجماعت نتوان شناخت مگر
بتواضع وخشوع وامانت وذکر خدای تعالی وبیاد داشتن
الله تعالی در مجاری احوال وسوانح اعمال ونماز گذارند وروزه
گیرند واطاعت والدین نمایند ورضای ایشان جویند وتعهد
احوال همسایگان وفقرا ومساکین وقرض داران وایتام نمایند
واعانت ایشان کنند ودین ایشان ادا نمایند وحاجت ایشان

براورند

بر آورند وراست گوی باشند وتلاوت قران نمایند وزبان
از مردمان باز دارند مگر بخیر وامین قبیلهٔ خود باشند
پس گفت جابر یا ابن رسول الله باین صفات کسی که میفرمائی
درین روزگار نمی شناسم پس آنحضرت علیه السلم فرمود که ای
جابر خیالهای بی فایده مکن وراههای بی منفعت مرو آیا
بس است همینکه گوید علی را دوست میدارم وتولی با و
می نمایم وحال انکه اطاعت او نکند وفرمان او نبرد پس
اگر گوید رسول الله را صـ دوست میدارم وحال انکه رسول
الله را صلی الله علیه وآله بهتر از علی علیه السلام بود پی روی
او نکند وطریقهٔ او نپیماید وعمل بسنت او ننماید محبت
او انکس را سود ندهد پس از خدای تعالی بپرهیزید و
اطاعت الله تعالی نمایید تا بکرامت فضل وثواب او
فایز شوید میان خدای تعالی وهیچیک از بندگان خویشی
وقرابتی نیست که اعتماد بران کند وتوسل بان جوید ودوسترین
بندگان نزد الله تعالی آنانند که پرهیزکارتر باشند وعمل بطاعت
او بیشتر نمایند ای جابر والله که نزدیکی بخدا حاصل نشود مگر

بطاعت او وبرات کسی از آتش با ماینست وکسی را حجتی بر خدای
نه هرکس مطیع خداست دوست ماست وهرکه عاصی خدا
باشد دشمن ما وهیچکس را بدوستی ما دست رس نبود مکر
بطاعت خدا وفرمان بری ما وورع از معصیت خدا ونافرمانی
ما واز امام همام جعفر صادق علیه السلام مرویست که ما
اصل هر خیریم وفرع ماست هر نیکوئی واز انجمله است توحید
خدا ونماز وروزه وخشم فرو بردن وعفو نمودن از کسی که
بدی نسبت باو کرده باشد وترحم بر فقرا وتعهد احوال همسایکان
واقرار نمودن برای هر صاحب فضلی وحقی بفضل او ودشمنان
ما اند اصل هر شری وفروع ایشانست هر قبیحی واز انجمله است دروغ
کوئی وبخیلی وسخن چینی وارتکاب فواحش ومعاصی ظاهر و
پنهانی وزنا ودزدی وهرچه مانند این باشد از قبایح و
مناهی پس کسی که دعوی محبت وولایت ما کند ومتعلق بفروع
اعدای ما باشد در دعوی خویش کاذب باشد واز مجموع این
احادیث واخبار ومانند این روایات بسیار است که ذکر همه
آن در حوصلهٔ این مقدمه نکنجد بر ظاهر ومحقق ومبین است

که هرکسی بقدر آنکه ورع وطاعت وتقوی وطهارتش بیشتر
نسبتش باهل بیت طهارت وعصمت بیشتر ودرجهٔ اثر با ایشان
نزدیکتر بود وهرکرا معصیت وفجور وسرورش بیشتر از ایشان
بیکانه‌تر ودورتر وبدشمنان ایشان نسبتش بیشتر ومرتبه
اش نزدیکتر بود پس چون روز قیامت عدل الهی خیر وشر
وطیب وخبیث را از یکدیکر جدا کند نعوذ بالله اکر رحمت
الهی وشفقت نامتناهی مانند وامانکان را همراهی ننماید و
هر فرعی باصل خویش ملحق کردد ولا عِصمَةَ الّا بالله وصلّی الله
علی محمد واله الطّاهرین ولعنَ الله علی اعدائهم اجمعین وجعلنا
معهم ولا فرّق بیننا وبینهم بفضله ومنّه **باب اوّل** در فضایل
عقل وعلم که از اهل حکمت ونبوت صلوات الله علیهم وانچه متعلق
باوست وآن بر پنج فصلست **فصل اوّل** مرویست که افضل عطایا
واشرف مواهب الهی عقل است واکر عقل نبودی دین تمام
نشدی واوامر ونواهی که مدار ثواب وعقاب وفضایل و
کمالات وارتفاع درجات در جناب عالیات ومنازل سامی
ومراتب کرامی وکرامات نامتناهی وقرب جناب الهی است متحقق

در بیان فضیلت عقل وعلم

نکشتی وجبرئیل برسالت عقل ودین وحیا را نزد آدم علیه السلم
آورد وگفت هرکدام را خواهی اختیار کن عقل را اختیار کرد پس
جبرئیل علیه السلم بدین وحیا گفت شما برا خود روید گفتند
خدا یتعالی ما را رخصت مفارقت از عقل نداده هرجا عقل
باشد ما ملازم باشیم هرکرا عقل مطیع تر مرتبه اش رفیع تر
چونکه عمل را مثل نماز وروزه وغیر آن چند کس کنند با انکه
عمل یکیست فضل وثواب بقدر تفاوت عقول متفاوت
باشد دکلینی مرویست که عابدی مدتها در جزیره عبادت
میکرد فرشته را نظر باو افتاد واز کثرت عبادت او تعجب نمود
از جناب الهی خواست که منزلت وثوابش را ببیند چون باو
نمودند در برابر آن عبادت قلیل پنداشت خطاب رب
العزة باو رسید که نزول نموده عقلش را امتحان نمای آن ملک
پیش او آمد صحبت آغاز کرد وگفت خوب حالی وخوش مکانی
داری عابد گفت بلی اما کاش خدا را خری بودی تا درین جزیره
رعایت کردمی وآب وعلف باین لطافت ضایع نگشتی چون
ملک این مکالمه دید رجوع نموده گفت مگر خدا را خری نیست

پس

پس الله تعالی بان ملک وحی نموده فرمود بقدر عقلش ثوابش
دهم کسی را بکثرت عبادت ستایش مینمودند حضرت امام ع
فرمود عقلش چونست گفتند که انقدری نیست فرمود از ان
عبادت نیز انقدر بهره نیست وامثال این احادیث واخبار
بسیار است وانحضرت امام علیه السلم پرسیدند که عقل کدامست
فرمود انکه در امور دین امین ودر کار عقبی بینا باشد و
بآن اکتساب جنان واجتناب از نیران حاصل شود پس گفتند
انچه معاویه داشت چه بود فرمود مکر وشیطنت بود وهم
از ایشان علیه السلم مرویست که طلب علم فرضست بر هر مسلم
وعالمی که مردم از علمش منتفع شوند بهتر است از هفتاد هزار
عابد وفضل عالم بر عابد مثل فضل ماه چهارده است بر سایر
کواکب ودر روز قیامت مداد علما را با دماء شهدا وزن کنند
مداد علما راجح باشد واز حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
مرویست که فرمود علماء شیعه ما مرابطانند فی سبیل الله در سرحد
ابلیس وجنودش که تا ایشان منع کنند از انکه بر شیعه ما خروج
کنند وبر ایشان مسلط شوند پس هر که از شیعه ما که خود را

برین کار دارند و دوستان ما را تعلیم علوم و آداب دین کنند
و ارشاد و هدایت و موعظه و نصیحت و امر بمعروف و نهی
از منکر نماید افضلست از کسی که با روم و ترک هزار هزار جهاد
کند چه او دفع اعدا از دین دوستان ما میکند و این از بدن
ایشان و چون کسی راهی راست و علمی خیر تعلیم کسی کند اگر آن
در تمام عالم منتشر شود و همه خلایق تا روز قیامت بان عمل
کنند مثل ثواب همه ایشان برایش ثبت کرده بی آنکه از ایشان
چیزی کم شود و همچنین اگر راه باطل و علم شر تعلیم کند و علم
راهیست راست تا بهشت و مونسیست در وحشت و مصاحبست
در غربت و همنشین صحبت و همزبان خلوت و زینت احبا
و سلاح اعدا و نور چشم و قوت بدن و حیوة دل و فکر در علم
برابرست با صیام و مدارسه با قیام و تعلیمش صدقه و تعلمش
حسنه و مذاکره اش تسبیح و عمل بمقتضایش جهاد اکبر و ملائکه
با علما محبت نمایند و برای ایشان دعا کنند و همه خلایق نیز
ایشانرا دعا کنند حتی ماهیان دریا و سباع صحرا و خواب ایشان
عبادتست و مطالعه علم افضلست از هفتاد ساله عبادت

و دو رکعت نماز عالم افضلست از هفتاد رکعت عابد یکساعت
پیش او نشستن افضلست از هزار سال عبادت کردن و نظر بر روی
عالم افضلست از یکسال اعتکاف در مسجد الحرام و زیارتش
افضلست از هفتاد حج و عمره و چون کسی ساعتی با علما نشیند درجه
برایش بلند و الله تعالی برو رحمت کند و بهشت واجب گرداند
و چون کسی بطلب علم رود راهی تا بهشت برایش گشوده شود و
ملایک بال گشایند تا بران پا گذارد و اهل آسمان و زمین حتی
ماهی دریا برایش استغفار کنند و اگر عالم یک ورق علم گذارد و آن
ورق میان او و آتش پرده حجابی باشد و بعدد هر حرف از ان
خدا تعالی در بهشت مدینه عطا کند هفت مرتبه وسیع تر
از تمام دنیا و چون عالمی بمیرد فرشتگان و بقاع زمین که
دران عبادت میکرد و درهای آسمان که اعمالش از انجا بالا
میرفت همه برو بگریند و رخنه در دین پیدا شود که هیچ چیز
علاج آن نکند و علم را لوازم و علامات چند هست از انجمله تقوی
و ورع و صلاح و طاعت و عمل کردن بمقتضای آن که علم بی عمل
وزر و وبالست همچنانکه عمل بی علم حیرت و ضلال عظیم تر بی حسرتها

در روز قیامت حسرت عالمیست که دیگران عمل بعلم او نموده واو خود محروم ماند و باشد وهفتاد گناه از جاهل امرزیده شود تا یك گناه از عالم آمرزیده شود واز امام جعفر علیه السلم تفسیر آیهٔ فَلِلّٰهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ پرسیدند فرمود در روز قیامت خدا تعالی از بندگان سؤال کند که خیر وحق را میدانستید یا نه اگر گویند میدانستیم گوید چرا تحصیل علم نکردید تا عمل کنید پس ایشانرا ملزم کرداند واز انجمله خضوع وخشوع وخشیه وزهد در دنیا ورغبت باخرت وعلم ووقار وکلام بحق وسکوت از باطل وتحلی بمکارم وتخلی از رذائلست مرویست که عالم آنست که فعلش تصدیق قولش کند یعنی پستی وهر که چنین نباشد عالم نباشد واز انجمله است سلامت نفس وتواضع هرچند علم بیشتر آثار وعلامات در وی بیشتر حضرت عیسی ع روزی باحواریین گفت مرا باشما حاجتیست گفتند یا روح الله حاجت باجابت مقرونست پس برخاست وپای ایشانرا شست وبروایت دیگر بوسید گفتند یا روح الله این کار بما انسبست فرمود که سزاوارترین مردم بتواضع علمااند واین نهایت مرتبه تواضع بود چنین کردم تا بدانید با

مردم چه حد تواضع باید کرد وعلم را حقوق چند نیز هست اما حق خدا تعالی بر عالم انکه هرچه نداند نگوید وهرچه ندانسته گوید ملائکه رحمت وعذاب همه برو لعنت کنند وهر که بقولش عمل کند در وزرش شریك باشد وانچه داند در مقام لایق از اهلش دریغ ندارد واگر نه ظلم کرده باشد وچون کسی دوای جراحتی تواند ونکند چنانست که خود جراحت کرده باشد وهر کس یکنفس را زنده کند چنانست که همهٔ ناس را زنده کرده باشد وزنده کردن بعلم افضل است از هر زنده کردن چه علم حیات دل وجان وبقای جاوید در جنان ورواج دین وقوت مؤمنین است واز غیر اهل پنهان دارد که هر کس حفظ سر از بیگانه نکند مستحق زیادتی حرمان شود وموجب فساد عظیم وضلالت ضعفا باشد وهر کس یکنفس بکشد چنانست که همهٔ ناس را کشته باشد وکشتن بضلالت عظیمتر است از هر کشتنی شخصی از حضرت امام پرسید که بر ما واجبست که هرچه ندانیم سؤال کنیم فرمود بلی گفت بر شما واجبست که هرچه سؤال کنیم جواب گوئید فرمود نه هرچه مصلحت دانیم گوئیم عالم مثل طبیب حاذقست دوا را در موضع مناسب استعمال کند واز غیر آن نگاه دارد وحق عالم

هذا الحدیث مروی فی روضة الکلینی

بر مردم آنست که چون کسی در مجلسی که جمع باشند داخل شود
بر همه سلام کند و عالم را بزیادتی تحیت و اکرام اختصاص دهد
و برابر رویش نشیند که عالم محتاج روگردانیدن نشود و
دامنش نباید گرفت و اشاره بجانبش نباید کرد و نباید سؤال
بسیار نمودن و خلاف قول او نگوید که فلان و فلان چنین
و چنان گفته اند و مجملا هرچه خلاف ادب باشد احتراز کند
و حق متعلم بر عالم آنکه با او مهربان باشد و هرچه مناسب او داند
از وی دریغ ندارد از حوائج و مسایلش اعراض نکند و در تعلیم
میان تلامذه تفاوت نگذارد و مجملا آنچه مقتضای شفقت
باشد رعایت کند **فصل دوم در بیان فضیلت مؤمن و افعال او** مرویست مروی فی الکافی
از اهل بیت علیهم السلام که مؤمن کسیست که در دین خدا بینا
و بر اسم آن دانا باشد و در دین صلب تر از کوه گران و در طاعت
خدا سخت تر از سنگ و سندان باشد کوه را با تیشه توان شکافت
و درستی بر دین مؤمن نتوان یافت رویش شکفته و خندان
و دلش محزون و گریان راغب بمحاسن از قبایح گریزان خاطرش
منزه از حسد و کینه با خلق صاف دل همچو آینه نه عیب جوئی

عیب جالس و نه غیبت گوی عار کمالش نه طالب شهرت و نام و نه
خواهان صیت و نشان زبان از فضول بسته و در غم خویش
نشسته در نعمت شکور و در مصیبت صبور نه نعمت او را مورث
فرح و غفلت و نه مصیبت باعث جزع و وحشت در فکر خود
مغموم و بفقر خود مسرور خلقش موافق و طبعش ملایم وفایش
ثابت و خفایش زایل نه در کلامش کذب را گذری و نه از هتک
عرض در او اثری اگر بخندد غافل نشود و اگر نخندد طیش نکند
ضحکش بنحو تبسم و سؤالش برای تعلم کثیر العلم عظیم الحلم نه در کارها
شتاب و استعجال و نه در مقام حق دلگیری و ملال حکمش از
حیف و میل مبرا و علمش از جهل وجود معرا نفسش در دین
سخت تر از سنگ و معامله اش شیرین تر از شهد نه در نعمت خروج
و نه در فقر عروج نه مدعی لاف و دعوای گزاف نه عهدش را
ننگ فقود و نه شرطش را کسر و فقود با مردم وصول و مهربان و
متحمل مکاره از ایشان رحمتش کثیر و فضولش قلیل راضی بقضای خدا
مخالف نفس و هوا از غلظت و درشتی منزه و از خوض در ما لا یعنی
معتدن ناصر دین و حامی مؤمنین و پناه مسلمین نه مدح و ثنا را

در نظرش عیاری و نه از طمع دنیا دلش را فکاری و نه لهو را در حکمش
اثری و نه جاهل را از علمش خبری قولش دلیل فعل و فعلش مصدق
قول علمش وافر و رسا و دلش آگاه و بینا با مومنان در کمال وصول
و با فقرا در نهایت بذول نه در وصلش عنف و خلاف و نه
بذلش بخل و اسراف نه معامله اش را عیب خدعه و غدر و نه
مخالطه اش را ننگ حیله و مکر نه پی دو عیوب مومنان و نه
نزد رسد مضرت ایشان معین ضعفا و دستگیر درماندگان
شیوه اش وسعت خلق و پیشه اش سعی در حوایج خلق نه
هتک ستر عیب فعالش و نه کشف ستر قصور کمالش با نواع
بلا مبتلا و زبان از شکایت در قفا حفظ غیب پیشه اش
و ستر عیب اندیشه اش عذرخواهان را عذر پذیر و از عفو
و بخشش ناکزیر خیرخواهی مومنان کارش و بر اصلاح میان
ایشان مدارش با مردم خویش کان و نیکوکردار امین قوم
و قبیله و آراسته با خلاق جمیله و منزه از صفات رذیله
دوستیش برای خدا از روی دانش و دشمنیش برای او و از راه
بینش مذکر عالم و معلم جاهل نه کس را از وبیم آزار و شدت

و نه اندیشه تعب و مشقت و همه کس در نظرش از و بهتر در پیش
خود از همه بدتر همنشین فقرا و مصادق اهل صدق معین
غربا و مددکار اهل حق یتیمان را پدر و بیوکان را شوهر مهربان
با مساکین غمخوار مومنین در هر بلیه امید با و در حادثه توقع
از و با مردمان خندان و شکفته و غم و اندوه در رویش نهفته
فارغ از جستجوی کسی و عیب کسی و مشغول بعیب خود در هر
نفسی با مردم پاکیزه اختلاط و در کارها بحزم و احتیاط بقسمت
خود قانع و از خلق مستغنی خیالش غالب بر شهوت و مودتش
زاید بر حسد و عفوش بیشتر و سخن نکو ید مکر بخیر و چشم پوشنده
از معایب غیر رفتارش بتواضع و در طاعت حق خاضع و خاشع
از خدا راضی در همه حال و برضای خدا در همه افعال نظرش عبرت
و سکوتش فکرت کلامش حکمت در سر و علانیه خیرخواه و از غش
و خدعه در پناه نه او را از نعمت دنیا فرح و سرور و نه از فقدان
آن تاسف و فتور نه محزون از شداید ایام و نه او را رغبتی بحرام
نه از مومنان هجرت کند و نه ایشان را غیبت کند علمش ممزوج بحلم
و عقلش مقرون بصبر بعید الکسل قریب الامل دایم النشاط قلیل الزلل

همیشه منتظر اجل دلش دایم در ذکر خدا خاشع نفسش بقلیلی
قانع کار دنیایش سهل و خفیف و از بیم خدا محزون و بخوف
لذت و شهوتش مرده دلش بطاعت الهی زنده مردم از و
در امان و او در تعب از ایشان هر زمان نه در دلش شایبه
کبر و نه در زبانش گفتگوی زِبر کارهایش محکم و متین نه
مانعی او را از معالم دین کلامش نه از روی تجبّر و سکوتش از
روی تکبّر دوریش از مردم برای نزاهت و نزدیکیش از روی
رحمت پی روی نیکان گذشته و مقتدای خوبان آینده علم
خلیلش و حلم وزیرش و صبر امیر عسکرش و رفق و لین برادر و
برادرش نه داعیش بر فعل سمعه و ریا و نه مانعش از خیر شرم
و حیا و اگر بخیر مذکور شود بذکر ایشان مغرور نشود و اگر
چنانست که ایشان گویند خدا را برای شکر کند و اگر بخیانست
استغفار نماید و اگر بشر مذکور گردد از گفته ایشان آشفته
نگردد و اگر چنانست استغفار کند و در رفع و دفع آن کوشد
و اگر نه چنانست در سر شکر گذاری و اعانت از جناب الهی
جوید اینست مجملی از احوال مؤمن و اطوار او و مناسب این مقام

امید

امید حق سبحانه ما و شما را باین سعادت رساند بمحمد و علی **فصل سیم**
در مکارم اخلاق و صفات مرویست از ائمه علیهم السلم که راس
هر طاعت صبر و رضاست در قضای الهی و حکم او خواه موافق
خواهش بنده باشد و خواه نه همچنین که سر از بدن برخیزد بدن
بمیرد همچنین چون صبر از ایمان برخیزد ایمان زایل شود و صبر
بر سه قسمت یکی در بلیّه و محنت دوم در مشقت طاعت
سیم در ترک معصیت هر کس در بلیّه صبر کند الله تعالی برایش
سیصد درجه بلند کند ما بین هر دو درجه مثل ما بین آسمان
و زمین باشد و هر که در طاعت صبر کند ششصد درجه بلند
کند که ما بین هر چه از اطراف زمین باشد تا ابتدای عرش و
هر که در ترک معصیت صبر کند نهصد درجه بلند کند که ما بین
هر دو درجه از اطراف زمین باشد تا منتهای عرش و بهشت محفوف
بمکاره و صبر و دوزخ محفوف بلذّات و شهوات هر کس بر مکاره
صبر کند داخل بهشت شود و هر که پیروی شهوات نماید لایق دوزخ
بود و چون مؤمن داخل بهشت شود نماز در دست راستش بایستد
و زکوة در دست چپ و برّ بر سرش سایه کند و صبر در کناری ایستاده

گویند شما در جواب نکیر و منکر اعانت صاحب خود کنید اگر عاجز
آیید من او را دریابم و هر که صبر کند بقضای خدا در نفع و ضرر و
خیر و شر رضا دهد و غیر از رضا و تسلیم چیزی بخاطرش خطور
نکند حق تعالی برای او بغیر خیر راضی نشود و هیچ چیز از خدا
نخواهد مگر آنکه مستجاب شود و الله تعالی برای عباد خود
نخواهد مگر خیر اگر یکی را بانواع بلا مبتلا سازد و خیرش
در آن باشد و اگر دیگری را پادشاه مغرب و مشرق گرداند
مصلحتش در آن بود و خدای تعالی فرموده که هر کس بقضای من
رضا دهد و صبر بر بلای من کند و نعمای مرا شکر کند او در نزد
من از جمله صدیقین باشد و هر که بقضای خدا رضا دهد قضا
بر و بگذرد و اجرش عظیم بود و اگر بقضای راضی نشود قضا
خود بگذرد و اجرش باطل شود و فرموده که هر که از همه خلق قطع
امید کند و طمع برگیرد و توکل و اعتماد بر من کند و پناه بمن
آورد و در این امر نیتش صادق باشد اگر تمام سموات و ارض
و اهل آن در صدد کید و مکر و ضرر او باشند من او را از ایشان
حفظ کنم و هیچ ضرر باو نرسد و اگر اعتماد بخلق کند و تکیه بر

بر ایشان نماید اسباب رحمت از او قطع کنم و هرچه بر سرش آید پروا
نکنم و حضرت صادق علیه السلام فرمود هر که خواهد که هیچ چیز
از خدا سوال نکند مگر آنکه عطا فرماید باید قطع امید از هر کس
نماید و امیدی بغیر خدا ندارد و چون خدای تعالی دلش را
در این صادق یابد هرچه سوال کند عطا فرماید و معنی توکل
نه اینست که کسی ترک سعی و کسب و کار رها کند که چنین کسی
اگر دعا کند مستجاب نشود بلکه اینست که مکاسب و معاملات
و هرچه مقدور باشد از راه حلال میکرده باشد اما اعتماد
بر آنها و بر هیچ چیز غیر خدا نداشته باشد و غیر از هیچ چیز
و هیچکس را کارساز نداند و سعی و معاملات و غیر اینها همه
واسطه و وسیله چند داند که خدای تعالی برای مصلحت حال
و نظام خلق مقدر فرموده تا هر که حکم و رضای او را در آن
رعایت کند و بامر او عمل نماید مستحق فضل و ثواب و نعیم
بیحساب شود و هر کس مخالفت آن کند و متابعت نفس و هوا
و اطاعت شیطان نماید و بحلال اکتفا ننموده دست در حرام
زند مستوجب زجر و عقاب گردد و حضرت امام علیه السلام کسی

کفت همیشه دعا کن که خدا یتعالی ترا از جملهٔ معارین نکرداند
و از حد تقصیر بیرون نیاورد انکس کهفت معارین میدانم که
آنانند که ایمان مدتی پیش ایشان عاریت است بعد از ان سلب شود
اما معنی خروج از حد تقصیر چیست فرمود انکه هر چند عبادت
بیشتر کنی خود را دران مقصر دانی که حق عبادت خدا را هیچ کس
نتواند کذارد و خدا یتعالی فرموده تکیه بر عبادت و عمل نکنید
که اکر کسی تمام عمر در عبادت من کذراند و لمحهٔ فارغ نباشد
هنوز مُقصّر باشد و چون بنده کی بجای نیاورده باشد بلکه
اعتماد بر رحمت من کنید و امید بفضل من دارید و بحسن ظن
با من معامله نمایید که من بپیش ظن بنده کان خودم هر چه بنده
کان و از من امید داشته باشند با ایشان معامله نمایم و انقدر
خوف از عقوبتش باید داشت که اکر با حسنات ثقلین آید قبول
نفرماید در دل مؤمن دو سطر از نور نوشته یکی خوف و یکی رجا
که اکر با هم سنجیده شوند هیچکدام بقدر ذرّه نکنند بحضرت صادق
علیه السلم کفتند که جمعی از موالی شما معصیت میکنند و میکویند
ما امید برحمت خدا داریم فرمود دروغ میکویند نه موالی ما اند

و نزد جا دارند هر کرا امید بچیزی باشد طالب آن بود و هر کرا خوف از
چیزی باشد از ان بکریزد والله که شیعهٔ ما نیست مکر کسی که طاعت
خدا کند و از معصیت او اجتناب کند پیغمبر صلی الله علیه و آله روزی
فرمود که ای بنی عبد المطّلب بکویید که محمد از ماست هر جا و باشد ما بنی
هاشیم والله که اولیاء من نیستند مکر متّقیان من عند شما خواسته
و از عهدهٔ آن بیرون آمده ام چون روز قیامت شما دنیا و دیکران
آخرت بر دوش خود کرفته آیید شما را نشناسیم و خویشی شما را سود
ندهد و حضرت امیر المؤمنین علیه السلم روزی خطبه خواند فرمود
ای مردمان والله که من یکدرهم از حق شما نقصان نکنم عقیل برادر
آنحضرت برخواست و کفت تو مرا و سیاه حبشی را برابر میدهی فرمود
خاموش باش چه امتیاز ترا با سیاه حبشی هر که تقوایش بیشتر درجه اش
رفیعتر از حضرت صادق ع سوال کردند از تفسیر آیه وَقَدِمْنَا اِلٰی
مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا یعنی روز قیامت متوجه
اعمال ایشان شویم و چون غبار برباد دهیم فرمود والله که ایشان
جمعی اند که اعمال و عبادتشان در خوبی بکمال رسیده اما چون مانع
از میان ایشان و معصیت برخیزد اجتناب ننمایند پس اعمالشان

سود ندهد پیغمبر صلی الله علیه واله فرمود زمانی بیاید که
مردم عبادت وطاعت را برای ریا و اغراض دنیوی کنند
پس الله تعالی ایشان را بعقوبت و بلا مبتلا کرداند هر چند مثل
غریق دست و پا زنند و تضرع و دعا کنند مستجاب نشود درو ست
که نکاه داشتن عمل مشکل تر است از اصل کردن که چون کسی
عمل صالحی مثل تصدق وصله وغیر آن پنهانی برای خدا کند
ثوابش پنهانی است یعنی هفتاد مرتبه مضاعف نویسند واگر
بعد از آن بگوید واظهار آن کند محو کنند وعلانیه یعنی یکمرتبه
بنویسند وچون مرتبه دیگر بگوید محو کردانند وریا نویسند وهر که
خود را برای خدا کند وکارهای خود را برای او خالص کرداند خدا
هم برای او باشد واو را برای خود خالص دارد ودلش را از معرفت
وحکمت لبریز سازد وچون اراده عمل خیر کنی در آن تعجیل نمای
که نمیدانی بعد ازین چه رو دهد وهر کاه که در آن تاخیر شود شیطان را
در آن فرصتی باشد که شاید حیله کند ومانع آن شود وبسا باشد
که بنده در کعبه نماز کند یا یکروز روزه کیرد ویا تصدقی کند و
هر عمل صالحی که کند خدا را از آن خوش آید وبسبب آن کناهانش

بیامرزد وفرماید که بعد ازین هرگز کناه بر تو ننویسیم واگر عمل غیر
خیر بخاطر رسد ترک کن که شیطان کام خود کیرد وبسا باشد
که بنده عملی کند که الله تعالی را از آن بد آید وفرماید بعزت و
جلال من که بعد ازین هرگز ترا نیامرزم وخدای تعالی فرموده که
هر بنده که اطاعت من کند ورضای من جوید من او را بدیگری نکذارم
ورضای او جویم وهر بنده که مرا معصیت کند ومخالفت رضای
من نماید او را بخودش واگذارم وپروا نکنم هر جا که هلاک شود
وحضرت امام محمد باقر علیه السلم فرموده ای مدعیان محبت و
ولایت ما فریفته مشوید وطاعت خدا کنید والله که میان ما
وخدا قرابتی نیست وما را بر خدای حجتی نی وتقرب بخدا حاصل نشود
مکر بطاعت او پس هر کس مطیع خدا باشد ولایت او را نافع بود
وهر کس معصیت خدا کند ولایت ما او را سود ندهد مردی
از حضرت صادق علیه السلم پرسید که از شما حدیثی روایت کنند
که هر که شیعه ما باشد هر چه خواهد کند فرمود بلی چنین است
کفت اکرچه زنا ودزدی وشرب خمر کند فرمود انا لله وانا الیه
راجعون مردم انصاف ندارند ما خود بطاعت وعبادت امید

نجات وبهشت داديم چون ديكران ازرخصت معصيت دهيم كه
بطاعت بمجض محبت ما نجات يابند ونيز فرمود كه الله تعالى
اِبا دارد ازانكه جمعى كه دعواى محبت وولايت جمعى كنند ودر
عمل خلاف ايشان باشند روز قيامت ايشان را باهم در يك
منزل نزول فرمايد بخداى كعبه قسم كه هركز نشود ومرويست
كه فرمودند كه اكر شيعيان را غربال كنيم ونيك وبد ايشان از هم
جدا سازيم از هزار كس يكى خالص نباشد كه اكثر ايشان اهل قولند
واهل فعل درميان ايشان بسيار نادراست همه بر مسند ما
تكيه كنند وبراحت دين پرورى برايند وكويند ما شيعه ما
على ايم شيعه على عليه السلم نيست مكر كسى كه اطاعت على نمايد
وفعلش تصديق قولش كند فصل چهارم در بيان تفكر بمعرفت وبى اعتبارى دنيا
از ائمه عليهم السلم مرويست كه افضل عبادات تفكر است وتفكر
دو قسم است يكى تفكر در معرفت خدا وعلم وفضايل اين قسم از
حد شرع بيرونست وشمه ازان سابقا مذكور شد دويم تفكر
در احوال دنيا وبى اعتبارى آن وبيحاصلى لذات آن ويكساعت
اين تفكر افضلست از يكشب عبادت كه سبب زهد در دنيا

وبى رغبتى بان شود وعيوب وقصور آنرا ظاهر كند ومحبت آنرا
از دل بيرون برد ودل را مشتاق آخرت كرداند وموجب طاعت
وعبادت وترك متابعت هوا وهوس وشهوت ومعصيت باشد
وهركس از دنيا بى رغبت شود الله تعالى دلش را از نور معرفت
وحكمت مملو كرداند واز دنيا بسلامت بيرون رفته بدار السلام
كه منزل امن وامان ومحل نعمت وراحت جاودانست رود
وحرامست بر هر دل كه حلاوت ايمان دريابد تا محبت دنيا
ازو بيرون نرود ودر انكه روز قيامت كه در پيش خدا ايستاده
باشى چهار چيز از تو سوال كنند جوانى كه بچه عمل به پيرى رسانيدى
وعمر را كه بچه چيز كذرانيدى ومال را كه از كجا كسب كردى و
بكجا صرف نمودى پس مهياى جواب باش واز غم دنيا فارغ باش
وكمال زهد آنست كه ترك حرام كنند از خوف عذاب وترك
حلال از بيم حساب مكر بقدر ضرورت وازان يكمرتبه پست تر
انكه دست از حرام باز دارد وهر يكرا بقدر عمل ودرجات بلند
شود وبا هركس بقدر عمل معامله نمايند هركس از خدا بقليلى
روزى راضى شود خدا نيز ازو بقليلى از عمل راضى شود وهركس را

جاه ومال بسیار عبادات واعمال بسیار باید وفرموده که
شیعیان خالص ما را در زمان دولت باطل هرچند بمشرق
ومغرب دوند زیاده از قوتی نصیب نباشد وهرچند کسی را
ایمان زیاده تر معیشت برو تنک تر اکر تمام دنیا در پیش خدا
اعتبار بال مکسی میداشت شربتی آب از آن بکافر نمیچشانید
فقرای مومنان چهل خریف پیشتر از اغنیای ایشان در ریاض
بهشت مشغول صحبت و نعمت باشند واغنیا در موقف کرفتار
حساب باشند ومرویست که یک خریف هزار عامست ویک عام
هزار سال دنیا ومرویست که دو مومن را باهم بحساب آورند
یکی غنی ودیکری فقیر فقیر کوید خدایا تو میدانی که نه منصبی
بمن دادی که عدل یا جور کرده باشم ونه مالی دادی که جود یا
بخل ورزیده باشم فرماید که راست میکوید دست ازو باز
دارید پس خلاص کشته داخل بهشت شود غنی مشغول حساب
کردد وآنقدر توقف کند که از عرقش چهل شتر سیراب توانند
شد پس چون داخل بهشت شود رفیق فقیرش او را ببیند کوید
این همه چرا دیر کردی کوید طول حساب کرفتارم داشت الله تعالی

هریک عمل مرا می بخشید عمل دیکر پیش می آمد تا آخر همه را بخشید
ورحمت فرمود که نجات یافتم ومرویست که چون روز قیامت
فضل ودرجات فقرا مشاهده شود وهرکس آرزو کند که کاش
در دنیا زیاده از قوتی نمیداشت وباز مرویست که فقرا امانتیست
از خدا در پیش بندکان هرکه آنرا پنهان دارد مثل اجر صایم
قایم یابد وهرکه اظهار آن بمخالفین وظالمین کند شکایت
خدا پیش دشمن او کرده باشد واکر بمومنی اظهار کند که قادر
بر قضای حاجتش باشد ونکند چنانست که او را کشته باشد
وروز قیامت خدای تعالی مثل کسیکه از دوستی عذر خواهی
کند بفقرای مومنین کوید بعزت خودم که من در دنیا شما را از
روی حقارت فقیر نکردم بلکه برای فضل وثواب درجات
بهشت فقیر کردم امروز ببینید که چون تلافی آن کنم هریک
از شما را هفتاد مثل آن که از ابتدای دنیا تا انتهای آن باهل
دنیا داده ام عطا فرمایم وهرکه در دنیا بشما مهربانی واحسان
نموده دستش را کرفته بهر جایی از بهشت که خواهید برید
وباز از ائمه علیهم السلم مرویست که کاملترین مومنان در ایمان

کسی است کہ خلقش بهتر باشد و بعد از فرایض هیچ عمل بهتر از
خلق خوب نیست و صاحب خلق خوش درجهٔ صایم قایم
واجر مجاهد یابد و اکثر امت بدو خصلت داخل بهشت
شوند بتقوی و حسن خلق و حسن خلق خطیئه را بگدازد
چنانکه آفتاب یخ را و حسن خلق و نیکوئی موجب درازی
عمر و معموری بلاد باشد و حیا صفتیست کہ در هر کس
باشد اسلامش کامل و از گناه خالص گردد و اگرچه سرتا پا
گناه داشته باشد والله تعالی ازو راضی باشد اوّل آنکه بوعده
وفا کند دوم آنکه راست گوی باشد سیّم آنکه از قبایح در پیش
خدا و خلق حیا کند چهارم آنکه با اهل خود و سایر ناس خوش
خلقی نماید و خلق بد عمل را فاسد کند چنانکه سرکه عسل را
و هیچ جرعه نزد خدای تعالی دوستر از دو جرعه نباشد یکی
جرعهٔ خشم کہ بحلم رد نمائی و دیگر جرعهٔ غمی کہ بصبر دفع نمائی
و هیچکس خشم فرو نبرد مگر خدای تعالی در دنیا و آخرت عزتش
بیفزود و چون قادر بر انتقام باشد و خشم فرو برد الله تعالی
اجر شهیدی باو عطا فرماید و روز قیامت دلش را از امن و

امان و رضا مملو گرداند و هر کہ غضب خود را حفظ کند
حق تعالی عذاب قیامت ازو برگیرد و عیوبش را بپوشد
و حق تعالی در مناجات بحضرت موسی علیه السّلم فرمود
کہ در حال غضب مرا یاد کن تا من نیز در حال غضب ترا
یاد کنم و غضب کلید هر شریست و ایمان را فاسد کند چنانکه
سرکه عسل را و چون دو کس باهم منازعه کنند دو ملک نازل
شوند و هر یک از ایشان کہ سفاهت و ناخوشی بیشتر کنند باو
گویند کہ هرچه گفتی تو لایق آنی زود باشد کہ جزایت را
بیابی و بآن دیگر کہ صبر و حلم ورزیده گویند کہ زود باشد کہ
گناهانت آمرزیده آمرزیده شود اگر حلم خود را تمام کنی و
مثل آن سفاهت نکنی و دشمنان ترا و جهالان ترا هیچ مکافات
بهتر ازین نباشد کہ ایشان معصیت کنند و تو صبر و طاعت
نمائی و بهترین اخلاق دنیا و آخرت اینست کہ چون کسی بر تو
ظلم کند تو عفو کنی و اگر از تو قطع و دوری کند تو وصل و
نزدیکی نمائی و اگر ترا از خیر و نعمتی محروم سازد و بخل کند تو
جود و عطا کنی و اگر با تو بدی کند تو نیکوئی و احسان فرمائی

وچون باین صفات آراسته باشی حق تعالی عزت را زیاده
نماید وسه خصلت است که در هرکس نباشد عمل وطاعتش
تمام نبود ورعی که او را از معصیت نگاه وباز دارد وخلقی
که با مردم مدارا کند وحلمی که جهل جاهلانرا دفع نماید و
مدارا با مردم نصف ایمانست وملایمت با ایشان نصف
زندگانی وهرکس را ملایمت نصیب گشت ایمان نصیب گشت
وهیچکس را ملایمت نصیب نباشد مگر انکه زینتش باشد
وهیچکس ازان محروم نگردد مگر انکه عار وننگش بود وجمعی را
که ملایمت روزی شود روزی ایشان وسیع شود وچون
ازان بی نصیب باشند خیر از ایشان بی نصیب باشد وچون
دوکس باهم مصاحبت کنند انکه را مدارا و ملایمتش بیشتر بود
اجرش عظیمتر بود وهرکه درشتی نصیبش شود وایمان ازو محجوب
گردد وهرکه برای الله تعالی تواضع کند خدا یتعالی او را بلند
گرداند وهرکه تکبر کند خدایتعالی او را پست گرداند ونزدیکترین
مردم بخدا متواضعانند ودورترین متکبران پرسیدند که
حد تواضع چیست امام علیه السلام فرمود که درجات بسیار

اما ازانجمله اینکه کسی که قدر خود بشناسد وزیاده از مرتبه
خود توقع نکند وبا مردم چنان کند که میخواهد با او چنان
کنند وچون با او بد کنند به نیکی دفع کنند وخشم فرو برد
وعفو کننده باشد ومرویست که ازجمله تواضع اینست که
در مجلس پایینتر از مرتبه خود نشینی وبهرکس رسی تواضع
کنی وترک خصومت نمائی اگرچه حق با تو باشد ونخواهی که
ترا مدح ودعا کنند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود کیست که چهار صفت از من ضامن شود تا من برای
او چهار خانه در بهشت ضامن شوم کسی که عطا وبخشش کند
واز فقر نترسد وکسی که افشای سلام کند در عالم وترک
خصومت کند اگرچه محق باشد واز انصاف نگذرد وهرکه
با انصاف باشد وبا فقرا در مال مواسات کند وبحقیقت
مؤمن باشد الله تعالی عزیزش گرداند ونیز فرموده سید اعمال
سه خصلت است انصاف ومواسات وذکر حق تعالی در
همه حال نه همین تنها سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
والله اکبر است بلکه در احوال وافعال خدا را یاد آورد اگر رضای

خدا دران باشد کند واگر نه از آن بگذرد وهر که منصف
باشد وعیب مردم نکند در چیزی تا آنرا از خود سلب نکند
وکسی را در پیشوائی تقدیم وتاخیر نکند تا رضای خدا را
دران نداند در سایهٔ عرش خدا باشد روزی که هیچکس را
پناهی نباشد وسه کس نزدیکترین مردم اند بخدا در روز
قیامت کسی که در حال غضب بی اختیار نشود تا بر زیردست
خود ظلم نکند وکسی که چون در معامله میان مرد و کس
داخل شود وبیکطرف میل نکند وکسی که در معامله و منازعه
از انصاف وحق نگذرد وخدا را بهشتی است که داخل او
نشود مگر سه کس یکی آنکه بر نفس خود حکم بر حق کند وهر که
ایمان بخدا وآخرت دارد باید که بوعده وفا کند ووعدهٔ مؤمن
نذریست که هیچ کفاره ندارد مگر وفای بآن وهر که خلف
وعده کند اول خلف با خدا کرده ومتعرض سخط او گشته
باشد وپیغمبر خدا صلی الله علیه وآله فرموده از ما نیست کسی
که امانت را خلاف کند وامانت جلب رزق وخیانت جلب
فقر نماید حضرت سید الساجدین علیه السلم فرموده که اگر قاتل

پدرم شمشیری که بآن شهید کرده بمن بامانت سپارد
هر آینه او را ادا کنم حضرت صادق علیه السلم فرموده که اگر
قاتل علی علیه السلم با من مشورت کند وخیر جوید واگر
شمشیر بمن امانت دهد ومن قبول کرده باشم هر آینه ادای
امانتش کنم وچهار صفت است که در هر مؤمن باشد الله
تعالی او را در اعلی علیین در بالاترین غرفهای شرف و
کرامت ساکن گرداند وکسی که یتیمی را در پناه خود آورد
واز برای او بمنزلهٔ پدر باشد وبر ضعفا ترحم کند واعانت
در حوایج ایشان نماید و والدین را نفقه دهد وبا ایشان
ملایمت وملاطفت کند وخدمتی که بمملوک خود رجوع
کند خود نیز مدد واعانتش نماید **فصل پنجم** در فضیلت
نظافت از اسد الله الغالب علی بن ابی طالب علیه السلم مرویست
که فرمود که پاک کنید بدن وجامه را از بوی بد که حق تعالی
دشمن دارد کثافت وبوی بد را وباز آنحضرت فرمود که
شستن جامه دلگیری را می برد وجامه را برای نماز پاک
کنید واز اهل بیت علیهم السلم مرویست که پاک کردن جامه و

بدن از کثافت از جمله اخلاق انبیاست علیهم السلم **باب دوم در آداب
حمام رفتن و وضو و غسل و غیر آن و آن برپنج فصلست فصل اول** در آداب
حمام رفتن مرویست که چون داخل حمام شوید پای چپ پیش
گذاشته بسم الله بگوید و بخوان این دعا را اَعُوذُ بِاللهِ مِنَ
الرِّجْسِ النِّجْسِ الْخَبِیْثِ الْمُخْبِثِ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ و هر کاری که در
حمام کنی یا در غیر حمام از نشستن و برخاستن هرچه باشد بسم الله
بگو تا از شرکت شیطان ایمن باشی و در وقت غروب آفتاب
و میان نماز شام و خفتن بحمام نباید رفت که شیاطین درین
وقت متفرق باشند و چون خواهی که جامه بیرون کنی بگوی
این دعا را اَللّٰهُمَّ انْزِعْ عَنِّیْ رِبْقَةَ النِّفَاقِ وَ ثَبِّتْنِیْ عَلَی الْاِیْمَانِ
و باید که لنگ ببندید تا عورت پوشیده باشد و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله مرویست که هر که ایمان بخدا و رسول خدا و
روز جزا دارد باید که بی لنگ داخل حمام نشود و از حضرت امیر
المؤمنین علیه السلم مرویست که چون برهنه شوید عورت را
بپوشید تا شیطان نظر نکند و طمع ننماید و چون بخانه اول
حمام روید بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ شَرِّ نَفْسِیْ وَ اَسْتَعِیْذُ

بِکَ مِنْ اَذَاهُ و چون بخانه دوم روید بگوید اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ
عَنِّی الرِّجْسَ النِّجْسَ وَ طَهِّرْ جَسَدِیْ وَ قَلْبِیْ و قدر آب گرم بر سر ریزد
و اگر تواند جرعه بنوشد که مثانه را پاک و طراوت جمال بیفزاید
و درد و الم از بدن بیرون برد و در این خانه اندک توقف
کند و چون بخانه سیم رود بگوید نَعُوْذُ بِاللهِ مِنَ النَّارِ وَ نَسْأَلُهُ
الْجَنَّةَ و تا هنگامی که در حمام باشی مکرر همین کلمه را بگوی
و در حمام آب سرد باید ننوشد که معده را فاسد می کرداند و
سفال ببدن نباید مالید که پیسی می آورد و بپای نمالد که مورث
جذام باشد و لنگ حمام بر روی نمالد که آب رو را می برد و گل
مصر بر سر نمالد که بی غیرت و دیوث می کند و در حوض مظنه
آمد و شد مخالفین مذهب و زنا کنندگان و امثال ایشان
باشد نروید که باعث جذام میشود و شانه در حمام بموی نزنید
که موی تنک میشود و بدن را بکیسه و مانند آن پاک کنید
و یکروز در میان بحمام رفتن بدن را فربه کند و هر روز رفتن
مورث سل باشد و بی لنگ قران نخواند و اگر عورت پوشیده
باشد قصوری ندارد و بی لنگ باب مروید که در آب ملائکه

باشند وچون خواهید بحمام روید اندک چیزی تناول
کنید که صفرا وحرارت غلبه نکند واما شکم پر نباشد که مزاج
وبدن ضعیف شود وگاه باشد که هلاک شود ونظر
بعورت مسلمانان نکند ولنگ را وانکند که مردم عورت
او را به بینند که آن هر دو ملعون باشند وهر که نظر بر عورت
مسلمانی کند هفتاد هزار ملك لعنتش کنند وباید فرزند
با پدر بحمام نرود که مبادا عورت پدر را به بیند ودر حمام مسواك
نکند که دندانها ضعیف وبی قوت شود ومستحب است نوره
کشیدن وتاکید بسیار رسیده که شیطان را دور کند وآفات وامراض را
دفع کند وبدن را از کثافت وچرك وبوی بد پاك کند واز جمله
اخلاق انبیاست وسنت هر دو هفته ویکهفته وسه روز
نیز در کافی از ابی عبدالله علیه السلم روایت واقع شده که بابی بصیر
فرموده وتاکید بسیار در کشیدن نوره واقع شده وزیر بغل را
نوره کشیدن افضل از تراشیدن فرموده اند واگر بیست روز
مکذرد وزر نداشته باشد قرض کند که ادای آن باخداست و
زیاده از یکماه ترك نوره نباید کرد که فضل وثواب نماز بسیار کم

میشود

میشود تا آنکه کویا نماز نکرده وروایت واقع شده در کافی که هر که
ایمان بخدا وروز قیامت دارد موی ظهار را یکهفته بیش
نگذارد وباز بهمین قسم وارد شده که بیش از چهل روز زنان
زیاده از بیست روز نکذرانند وزیر بغل را نکنند که چشم
وشانه را ضعیف میکند وموی زیر بغل را دراز نگذارند که
شیطان دران پنهان شود وماوای خود سازد وبتراشند
یا نوره کشند که این افضلست چنانچه کذشت وچون اراده
نوره کشیدن کند اول بانکشت بردارد وببوید وبسر بینی
رساند وبکوید این دعا را اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ سُلَيْمَانَ بْنَ دَاوُدَ كَمَا
اَمَرَنَا بِالنُّورَةِ تا بدن را نسوزاند وچون نوره کشد بکوید
اَللّٰهُمَّ طَيِّبْ مَا طَهُرَ مِنِّي وَطَهِّرْ مَا طَابَ مِنِّي وَاَبْدِلْنِي شَعْرًا
لَا يَعْصِيكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي تَطَهَّرْتُ اِبْتِغَاءَ سُنَّةِ الْمُرْسَلِينَ وَابْتِغَاءَ
رِضْوَانِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَحَرِّمْ شَعْرِي وَبَشَرِي عَلَى النَّارِ وَطَهِّرْ
خَلْقِي وَطَيِّبْ خُلْقِي وَزَكِّ عَمَلِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَلْقَاكَ عَلَى الْحَنِيفِيَّةِ
السَّمْحَةِ مِلَّةِ اِبْرٰهِيمَ خَلِيلِكَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
حَبِيبِكَ وَرَسُولِكَ عَامِلًا بِشَرَايِعِكَ تَابِعًا لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ آخِذًا بِهِ

مُنَادِيًا بِحُسْنِ تَأْدِيبِكَ وَتَأْدِيبِ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ غَذَوْتَهُمْ
بِآدَابِكَ وَزَرَعْتَ الْحِكْمَةَ فِي صُدُورِهِمْ وَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ
لِحِكْمَتِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ در کافی مذکور است که چون این دعا
بخواند الله تعالی او را پاک کرداند در دنیا از کدورتها و علتها
وگناهها و بدل کند موی او را بموئی که گناه نکند و بعدد هر موئی
که در بدن او باشد فرشته بیافریند که الله تعالی را تسبیح کند
تا روز قیامت و ثواب آن همه از آنکس باشد و هر یک تسبیح ملائکه
برابر باشد با هزار تسبیح اهل زمین و تا مدتی که نوره در بدن
باشد بسیار بگوید لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ که بدن نسوزد
و روز چهارشنبه واقع شده نوره نباید کشید که روز نحس است و بیم
برص است و روز جمعه در حدیث آمده که نوره کشیدن موجب
پیسی و بیم برص باشد و اما در حدیث دیگر آمده که روز جمعه
روز طهور است و کدام طهور بهتر از نوره است و در حدیث
دیگر وارد شده که بعد از نوره حنا بر بدن بمالید که دفع مضرت
کند و چون نوره در بدن باشد نباید نشست که علت باد فتق
بهم میرسد و بعد از نوره تمام بدن را از سر تا پا حنا بمالید که حنا بعد از

نوره

نوره دفع پریشانی و دیوانگی و پیسی و جذام کند و بوی عرق
ببرد و دفع علة آکله بفتح الف زخمیست که در هر عضوی که
حادث شود گوشت آن عضو را بخورد و بکسر الف خاریدن را
گویند الله اعلم که درینجا مراد معصوم علیه السلم کدام باشد
و حنا را ابتدا از سر نماید و مستحب است در هر هفته سر تراشیدن
و از بیخ باید موی را گرفت که گردن قوی گردد و چرک و شپش
کم شود و چشم جلا یابد و جمال بیفزاید و ابتدا از پیش سر از
جانب راست نماید و بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ
اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ
الْقِيٰمَةِ و چون فارغ شوید بگوید اللَّهُمَّ زَيِّنِّي بِالتَّقْوَىٰ
وَجَنِّبْنِي الرَّدَىٰ و هر هفته با خطمی سر بشوید که امانست
از پیسی و دیوانگی و دفع پریشانی شود و روزی زیاد گردد

فصل دوم در بیان شارب گرفتن و جامه پوشیدن و ناخن چیدن و سرمه و خضاب و شانه و در آینه نگریستن

مرویست که هر کس روز جمعه شارب بگیرد و ناخن
چیند و سر بخطمی شوید چنانست که بنده آزاد کرده باشد و هر که
با برگ سدر سر بشوید دلگیری برد و روزی بیفزاید والله تعالی

هفتاد روز وسوسهٔ شیطانرا از وی دور کند وهر که هفتاد
روز وسوسهٔ شیطان از وی دور شود کناه نکند وهر که کناه
نکند ببهشت رود وچون از حمام بیرون آید آب سرد برپای
ریزد که کوفت وماندکی از بدن دور کند وسر را بپوشد خواه
در زمستان باشد وخواه در تابستان که امانست از درد سر
وچون جامه بپوشد بکوید اَللّٰهُمَّ اَلْبِسْنِی التَّقْوٰی وَجَنِّبْنِی
الرَّدٰی واول پیراهن بپوشد وچون زیر جامه پوشد کوید
اَللّٰهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِی وَاَعِفَّ فَرْجِی وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّیْطَانِ فِیهِ
نَصِیبًا وَلَا لَهُ فِی ذٰلِكَ وُصُولًا وَیَصْنَعُ فِیَ الْمَکَایِدَ وَیُهَیِّجُنِی
لِارْتِکَابِ مَحَارِمِكَ وایستاده زیر جامه نپوشد که مورث
غم باشد وروبقبله وبمردم نپوشد وچون عمامه بر سر کذارد
یا انکشتر بدست کند بکوید اَللّٰهُمَّ سَوِّمْنِی بِسِیمَاءِ الْاِیمَانِ وَ
تَوِّجْنِی بِتَاجِ الْکَرَامَةِ وَقَلِّدْنِی حَبْلَ الْاِسْلَامِ وَلَا تَخْلَعْ رِبْقَةَ
الْاِیمَانِ مِنْ عُنُقِی وچون کسی را که از حمام بیرون آمده باشد
تحیت کنی بکو باین نحو که امام حسن علیه السلم تعلیم نموده در
کافی مذکور طَهُرَ مَا طَابَ مِنْكَ وَطَابَ مَا طَهُرَ مِنْكَ واکر

کسی ترا تحیت کند در جواب او بکو اَنْعَمَ اللّٰهُ بَالَكَ وَاَصْلَحَ حَالَكَ
وفضیلت شارب کرفتن وناخن چیدن وبوی خوش
بکار بردن وخضاب نمودن وموی شانه کردن وغسل
جمعه کردن وآداب هریك را انشاالله در باب آداب روز
وشب جمعه ذکر خواهیم کرد اما سرمه کشیدن وآینه دیدن
وآداب آن از ائمه علیهم السلم مرویست که سرمه کشیدن
در روز زینت است ودر شب چشم را نافع باشد و
در وقت خواب امانست از نزول آب بچشم ودهن را
خوش بو کند ونفعش تا چهل روز بماند وهر که ایمان بخدا
وروز جزا دارد سرمه بکشد وسنك سرمه چشم را جلا
دهد وموی مژکان را بروياند وقوت دهد واعانت طول
سجود نماید ودهن را خوشبو کند وقوة باه بیفزاید وچشمی
که ضعیف باشد در وقت خواب هفت میل سرمه کشد چهار
در چشم راست وسه در چشم چپ ودر وقت سرمه کشیدن
بسم الله کوید واین دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِی بَصَرِی وَالْبَصِیرَةَ فِی دِینِی وَ

الیقین فی عملی والسلامة فی نفسی والسعة فی رزقی
والشکر لک ابدا ما ابقیتنی و مستحبست در آینه نگاه کردن
واگر کثافتی در روی وموی بیند بردارد تا در نظر مومنان
مکروهی ننماید وچون آینه بدست بدست گیرد بسم الله
گوید وبدست چپ گیرد وچون نگاه بآینه کند دست
راست بر سر وروی کشد وبگوید الحمد لله الذی خلقنی
فاحسن خلقی وصورنی فاحسن صورتی الحمد لله الذی
زان منی ما شان من غیری واکرمنی بالاسلام واگر خواهد بگوید اللهم
کما حسنت خلقی فحسن خلقی ورزقی وچون آینه از دست گذارد بگوید
اللهم لا تغیر ما بنا من نعمتک واجعلنا لانعمک من الشاکرین **فصل سیم**
در بیان قضای حاجت وآداب آن چون تقاضای بول وغایط شود نباید
از انگه داشتن از ائمه علیهم السلام مرویست که اگر کسی احتباس بول ویا غایت
کند نمازش مقبول نباشد وچنان باشد که در دامن داشته وچون اراده
آن کند جائی اختیار کند که کسی او را نبیند وبول بروی ترشح نکند ودر
سایها وجایهائی که مردم انجا نشینند وقافله فرود آیند ننشیند که ملعون
باشد ودر کنار نهرها وراهها که مردم تردد نمایند وبر در مسجدها وخانها

نشاید

نشاید نشست ودر پای درخت که میوه داشته باشد ننشیند که ملائکه انجا ساکن باشند
ودر ایستاده فراموشی آرد وچون جای مناسب اختیار نموده خواهد داخل
شود پای چپ پیش گذارد وبگوید بسم الله وبالله اعوذ بالله من الرجس النجس
الخبیث المخبث الشیطان الرجیم وچون عورت را برهنه کند بسم الله بگوید تا
شیطان نگاه نکند ورو وپشت بقبله وباد وآفتاب وماه بر حقیقت که بر عورت
نتابد ننشیند واگر سهوا روی بقبله نشسته باشد ودر آن اثنا خبردار شود
برای تعظیم قبله روی بگرداند هنوز از جای خود برنخاسته باشد که گناهانش
آمرزیده شود وایستاده بول کردن بیم دیوانگی بود وچون بنشیند بگوید اللهم
کما اطعمتنیه طیبا فی عافیة فاخرجه منی خبیثا فی عافیة وبر هر کس ملکی
ودر روایت دیگر دو ملک موکلست که گردنا ورا کج میکنند که نگاه بغایت
خود و میگویند ای آدمی رزقست که بمشقت تحصیل نمودی ملاحظه کن از کجا
بهم رسانیدی وآخرش چه میشود وچون نگاه کند بگوید اللهم ارزقنی الحلال
وجنبنی الحرام وچون برخیزد دست را بر شکم بمالد وبگوید الحمد لله الذی اماط
عنی الاذی وهنأنی طعامی وشرابی وعافانی من البلوی ودر خلا بسیار توقف
ننماید که مورث بواسیر باشد ودر روایت دیگر بجای بواسیر جراحت آمده و
باید سر برهنه نباشد وانگشتر یا درهمی که بر آن نام خدا نقش باشد در کیسه

ویاد دربغل پنهان کند و مادامی که در خلا باشد بی ضرورت با کسی سخن نگوید و
هر که در خلا سخن گوید حاجتش بر نیاید و قران نیز نخواند بغیر از آیة الکرسی و آیه
الحمد لله رب العالمین و اگر آواز اذان بشنود حکایت آن تواند نمود و ذکر خدا کند
در حالتی که باشد و مسواک نکند که مورث بوی دهن باشد و چون نظر بر آب کند بگوید
الحمد لله الذی جعل الماء طهورا ولم یجعله نجسا و چون خواهد استنجا نماید اول استبرا
کند باین طریق که از پیش مقعد تا پیش ذکر و از انجا تا سر او سه مرتبه دست بکشد
و سه مرتبه ذکر را بیفشرد تا قطرات بول هر چه مانده باشد بریزد و چون استبرا کند بعد
از آن اگر رطوبتی ظاهر شود هر چند بسیار باشد بول نباشد و نباید شست و اعاده
وضو نیز نباید کرد و در وقت استنجا بگوید اللهم حصن فرجی واعفه واستر عوراتی
وحرمنی علی النار و استنجا با دست راست نکند و دست راست بر عورت نزند و
در دست چپ اگر انگشتری باشد که نام خدا بران نقش باشد بیرون کند و چون
خواهد که بیرون آید پای راست پیش گذارد و بگوید بسم الله والحمد لله الذی
عافانی من الخبیث المخبث واماط عنی الاذی **فصل چهارم در بیان مسواک کردن و فوائد آن**
مرویست از ائمه علیهم السلم که در مسواک دوازده خصلت سنت انبیا است و
دهن را پاک کند و چشم را جلا دهد و الله تعالی از و راضی شود و دندانها را
سفید کند و بیخ دندانها را محکم سازد و گوشت را قوت دهد و اشتها آورد
و بلغم را دفع کند و قوت حافظه بیفزاید طاعات و حسنات و مضاعف

شود

شود و ملائکه را خوش آید و مستحب است در وقت هر وضو و نماز مسواک کردن لا اقل
با انگشت که دو رکعت نماز با مسواک افضلست از هفتاد رکعت بی آن و مسواک
پیش از وضو باید کرد و اگر بعد از آن کند سه مرتبه بعد از آن دهن را بشوید و
پیغمبر صلی الله علیه وآله هر شب سه مرتبه مسواک میفرمودند در وقت خواب
و در وقت بیدار شدن بجهت عبادت و وقت نماز صبح و میفرمودند اگر
بدانید چه قدر منفعت در مسواک است در وقت خوابیدن از خود جدا
نمیکردید و مسواک را بعرض دندان استعمال نمایید و در حمام و بیت الخلا مسواک
کردن مورث بوی دهن باشد **فصل پنجم** در فضایل وضو و غسل و آداب آن
از ائمه علیهم السلم مرویست که استعمال الطهور بسیار کنید که عمر را دراز کند و اگر توانید
روز و شب همیشه با طهارت باشید که اگر کسی با طهارت بمیرد شهید باشد و چون خوا
که وضو کنید بسم الله بگوئید که تمام بدن طاهر شود چنانکه گویا غسل کرده و آن وضو
کفاره گناهان باشد تا وضوی دیگر و اگر بسم الله نگوید هران عضوی که آب رسیده باشد
شود و چون دست بر آب گذارد و بسم الله بگوید گناهانی که با دست کرده همه فرو
ریزد و شیطان دور شود و چون مضمضه نماید حق تعالی دل و زبان او را بحکمت
منور گرداند و چون استنشاق نماید بوی آتش دوزخ نشنود و چون روی شوید گناهانی
که با چشم و دهن کرده همه بریزد و روز قیامت رو سفید باشد و چون ساعدین بشوید

كناهان از دست وى بريزد و غلهاى آتش بر وى حرام شود و چون مسح
كند حق تعالى او را از سيئات پاك كند و چون مسح پاى كند كناهان
پاى همه بريزد و از صراط بكذرد در روزى كه قدمها در ان بلغزد و چون
براى نماز صبح وضو كند كفاره كناهانى باشد كه در ان شب كرده غير از
كباير و چون براى نماز شام وضو سازد كفاره كناهان ان روز باشد سواى
كباير و اكر وضو داشته باشد و بى انكه حدث روى دهد تجديد وضو كند
خدا يتعالى توبه او را بقبول تجديد كند و وضو بر سر وضو نور است بر سر نور
و ده حسنه دارد و چون خواهد وضو كند چون نظر بر آب كند بكويد
الحمد لله الذى جعل الماء طهورا و لم يجعله نجسا و چون دست بر آب كذارد
بكويد بسم الله و بالله اللهم اجعلنى من التوابين و اجعلنى من المتطهرين و اكر
در مثل طشت يا كاسه وضو كند مستحب است از بر جانب راست كذارد و اول
دستها را تا بند دست بشويد اكر بعد از خواب يا بول باشد يكمرتبه و بعد از
غايط دو مرتبه و بعد از جنابت سه مرتبه و چون مضمضه كند بكويد اللهم
لقنى حجتى يوم القاك و اطلق لسانى بذكرك و چون استنشاق كند بكويد
اللهم لا تحرم على ريح الجنة و اجعلنى ممن يشم ريحها و روحها و طيبها و چون
روى بشويد بكويد اللهم بيض وجهى يوم تسود فيه الوجوه و لا تسود وجهى

يوم تبيض فيه الوجوه و در شستن روى چشمها را بكشايد كه آب وضو بچشم رسد
تا آتش جهنم را نه بيند و چون دست راست را شويد بكويد اللهم اعطنى كتابى
بيمينى و الخلد فى الجنان بيسارى و حاسبنى حسابا يسيرا و چون دست چپ شويد
بكويد اللهم لا تعطنى كتابى بشمالى و لا تجعلها مغلولة الى عنقى و اعوذ بك
من مقطعات النيران و مردان آب را بر پشت دست و زنان بر شكم دست
ريزند و چون مسح سر كند بكويد اللهم غشنى برحمتك و بركاتك و عفوك و
چون مسح پاى كند بكويد اللهم ثبتنى على الصراط يوم تزل فيه الاقدام و اجعل
سعيى فيما يرضيك عنى يا ذا الجلال و الاكرام و چون باين قسم وضو كند و اين
دعا را بخواند الله تعالى از هر قطره آب فرشته خلق كند كه خدا را تسبيح كند و تهليل و
تكبير كويند و ثواب آن همه انكس را باشد و براى او نويسند و چون از وضو فارغ شود
الحمد لله رب العالمين بكويد و هر كه بعد از وضو و بعد از غسل جنابت بكويد
سبحانك اللهم و بحمدك اشهد ان لا اله الا انت استغفرك و اتوب اليك
و اشهد ان محمدا عبدك و رسولك و اشهد ان عليا وليك و خليفتك
بعد نبيك على خليقتك و ان اولاده خلفاؤك و اوصياؤه كناهانش
فرو ريزد مانند برك از درخت و بعدد هر قطره از آب وضو و غسل ملكى خلق
شود كه خدا را تسبيح و تقديس و تهليل و تكبير كويد و صلوات بر محمد و آل

طیبین او فرستد و ثواب آن هم از و باشد بعد از ان الله تعالی فرماید که آن
وضو و غسل را بخاتم رب العزة مختوم کردانند بعد از ان برند بزیر عرش بجائی
که دست دزدان و دشمنان شیطان بان نرسد تا انکه روز قیامت با و تسلیم
کنند و در بهشت انقدر ثواب با و دهند که حساب ان بغیر خدای تعالی کسی
نداند و کناهانش همه آمرزیده شود تا انکه نمازش نافله و هدیه شود و آب
وضو را اکر خشک کند وضو یک حسنه داشته باشد و اکر خشک نکند سی حسنه
و چون غسل جنابت از حلال کند بعدد هر قطره خانه در بهشت برای او بنا
کند و در وقت غسل جنابت بکوید اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِی وَزَکِّ عَمَلِی وَتَقَبَّلْ سَعْیِی
وَاجْعَلْ مَا عِنْدِی خَیْراً لِی و بعد از غسل همان دعائی که مذکور شد بخواند
و مستحب است که وضو و غسل سر آب باشند آب بجهت وضو تخمینا بقدر یک چهار یک و آب
غسل بقدر یکمن بوزن تبریز باشد و متعفن و کثیف نباشد و اکر کسی را چند
غسل باشد مثل جنابت و جمعه و زیارت و طواف و حیض و نفاس و غیر آن
چون یک غسل کند به نیت جنابت که بروست مجزی است برای همه و غسل روز
جمعه و تاکید بر آن و آداب و دعاهای آن انشا الله تعالی در باب آداب روز
جمعه مذکور خواهد شد **باب سیم** در باب فضایل نمازهای یومیه و
ذکر جماعتی از ائمه معصومین علیهم السلم منقولست که بعد از ایمان بخدا و معرفت

هیچ

هیچ علی و عبادتی بهتر از نماز نیست **فصل اول در بیان نمازهای یومیه و وجوب**
نماز جمعه چون مؤمن مشغول نماز شود خدای تعالی متوجه جانب او شود و
از اطراف آسمان تا اطراف زمین رحمت برو نازل شود و اطراف و را از پیش
قدمش تا اطراف آسمان ملائکه فرو کیرند و ملکی ندا کند و کوید ای بندهٔ
مؤمن که مشغول نماز کشته اکر بدانی کیست که متوجه تو شده و با که در کفت و
کوئی هرکز از اینجا بجای دیکر نروی و یک نماز بهتر است از هزار حج که هر حجی بهتر است
از تمام دنیا و هرچه در وست از نعمتها و راحتها و نماز در میان عبادتها مانند
ستون خیمه است که اکر محکم و برجای باشد پردها و طنابها و میخها برقرار و خیمه
برقرار باشد هرچند کهنه و زبون باشد و اکر ستون برجای نباشد قصور و شکستکی
یابد خیمه از هم بریزد و قرار نکیرد هرچند پاکیزه و نو باشد و هر مؤمن نماز فریضه را
بجای آورد بعدد مخالفان شیعه ملائکه در عقب سر او نماز کنند و برای او دعا
کنند تا از نماز فارغ شود و حق تعالی فرشته ایست که در هر وقت نماز از
خدای تعالی برات میکیرد برای نماز کنندکان پس چون وقت صبح شود و
مؤمنان برخیزند و وضو سازند و نماز صبح کذارند از خدا برات ایشان بکیرد
و دران برات نوشته است که منم خدای پاینده ای بندکان من شما در پناه منید
و شما را در حفظ و حمایت خود دارم و وا نکذارم و کناهان شما آمرزیده باشد

تا وقت ظهر و چون وقت ظهر شود برخیزند و وضو سازند و نماز ظهر کذارند
برات ایشان کیرد باین مضمون که منم خدای توانا ای بندکان من سیئات
شما را آمرزیدم و بدل بحسنات نمودم و شما را در دار جلال جای دادم و چون
وقت عصر رسد و وضو کیرند و نماز عصر کذارند برات ایشان باین مضمون
کیرد منم خدای بزرکوار ای بندکان من جسد شما را بر آتش حرام کردم و شما را
در مسکن نیکان ساکن کردانیدم و شر بدان را از شما دور نمودم و چون وقت
نماز شام رسد و وضو کیرند و نماز شام کذارند برات ایشان باین مضمون
کیرد که منم خدای جبار بزرک متعال ای بندکان من فرشتکان از پیش شما
راضی آمدند حق است بر ما که شما را راضی کردانم در روز قیامت آرزوهای
شما را بشما رسانم و چون وقت خفتن در آید و وضو سازند و نماز خفتن
کذارند برات ایشان باین مضمون کیرد که منم خدائی که معبودی غیر من
نیست و پروردکاری سوای من نه ای بندکان من در خانهای خود وضو
کردید و بخانهٔ من آمدید و مشغول ذکر من شدید و حق مرا شناختید و فرایض
من بجای آوردید ای ملک تو و سایر ملائکه همه کواه باشید من از ایشان راضی
شدم و هر مومن نماز فریضه بجای آورد بعد از آن او را دعای مستجاب باشد
و هر وقت نماز فرشته ندا کند و کوید ای مردمان برخیزید و بنماز بشتابید

آتشها را

آتشها را که از کناهان بر دوش خود افروخته اید و چون پنج وقت نماز کذارد
از کناهان پاک شود و هر که پنج نماز را در وقت خود کذارد و محافظت شروط
و ارکان آن نماید آن نماز را روشن و نورانی باسمان برند و آن نماز او را دعا
کند و کوید همچنانکه تو مرا محافظت نمودی و ضایع نکردانیدی خدا تعالی
ترا محافظت کند و ضایع نکذارد و اکر بی وقت کذارد و محافظت آن
نکند سیاه و ظلمانی بر کردد و کوید مرا ضایع کردی خدا تعالی ترا ضایع کند
و هر که استخفاف بنماز کند و حدود او را ضایع کرداند از حوض کوثر
بی نصیب و از شفاعت اهل بیت علیهم السلام محروم باشد و حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله روزی در مسجد نشسته بود مردی آمد و نماز بشتاب کذارد
و رکوع و سجود بی تانی کرد آنحضرت فرمود این مرد مانند کلاغ دانه میچیند
اکر باین نماز بمیرد بر دین من نباشد و هر که نماز را بی تانی کذارد و بشتاب نماید
حق تعالی کوید ای ملائکه ببینید که این بندهٔ من کمان دارد که حاجتهای او
در دست دیکریست غیر من که باین شتاب عبادت میکند نمیداند که حاجتش را
غیر من کسی نتواند بر آورد و هر کس عمداً ترک نماز کند کافر باشد و افضل
نمازها نماز جمعه است بتفصیل بیان آن مینمایم نماز جمعه بر هر مسلمی واجب
است مکر بر پنج کس مریض و مملوک و مسافر و زنان و اطفال نابالغ و در بعضی

روایات چهار کس نیاده برین مذکور است اعمی و مجنون و پیر عاجز کشته و کسی که
منزلش زیاده از دو فرسخ دور باشد و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده الله
تعالی نماز جمعه را بر شما فرض کردانیده پس هر که آن را از روی انکار یا استخفاف
ترک نماید و بشرطی که امام عادل داشته باشد در ایام حیوة یا بعد از وفات
من خدای تعالی جمعیتش را پریشان کند و احوالش را نظام ندهد و کارهاش را
مبارک نکرداند و نماز و روزه و زکوة و حج و هیچ کار خیر از و قبول نکند
تا آنکه توبه کند و هر کس سه جمعه را پی در پی بی علتی ترک کند حق تعالی
دلش را بخاتم نفاق مهر کند و در روز جمعه ملائکه مقربین از آسمان
نزول نمایند با قلمهای طلا و لوحهای نقره و بر در مسجدها بر کرسیهای نور نشینند
و نام جماعتی که بنماز جمعه حاضر شوند بنویسند بترتیب هر که بیشتر رود بیشتر نویسند
و هر که آخر تر آخر تر نویسند و روز جمعه بهشت را آیین بندند و زینت کنند
برای جمعی که بنماز جمعه روند و هر که زودتر رود زودتر داخل بهشت شود و هر که
بنماز جمعه رود از کناهان پاک شود و هر قدمی که بنماز جمعه حرکت کند خدای
تعالی جسدش را بر آتش حرام کند و شخصی بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله شکایت
کرد و گفت چند مرتبه تهیهٔ حج کردم و مقدورم نشد فرمود نماز جمعه بکذار
که حج مساکین است و باز از آنحضرت مرویست که هر که غسل جمعه کند و صباح زود

بنماز

بنماز جمعه رود و نزدیک با امام نشیند و خاموش باشد و لغو نکند و نکوید کلام
که بر دارد و بکذارد اجر عبادت یکساله یابد که همه روزهای آن روزه باشد و همه
شبهای آن عبادت کند و اکر مسافر نماز جمعه کذارد بجهت رغبت و محبتش که بآن
نماز است ثواب صد نماز جمعه مقیم باو عطا فرمایند و هر که وضو نیکو سازد و نزدیک
امام نشیند و کوش بخطبه دارد و خاموش باشد از آن روز تا جمعه دیکر و سه روز دیکر ده
بر آن کناهش آمرزیده شود و الله تعالی دو کفل ثواب باو دهد و اکر دور بنشیند و
خاموش باشد و کوش کند یک کفل ثواب دهد و اکر نزدیک نشیند و حرف زند
و کوش نکند دو کفل وزر داشته باشد و اکر بکسی کوید خاموش باش و حرف
زده باشد و هر که حرف زند نمازش مقبول نباشد و آنکه مشهور شده که در نماز جمعه
ظهور امام معصوم شرطست و باین سبب حرمان کافه اسلام کشته از فضایل
این فریضه عظمی باز مانده اند محض توهم است که از تقیه شیعیان در زمان غیبت
جور و طغیان ارباب نفاق و عدوان ناشی شده و در حدیث و قرآن بهیچ وجه
اصلی ندارد بلکه همه جا امر فرموده اند و هیچکس را بغیر از کسی که مذکور شد با آنکه
محل تقیه باشد رخصت ترک نداده اند بلی در احادیث امام عادل وارد شده
چنانچه در نماز جماعت وارد شده و سنت ماکد است نماز را بجماعت کذاردن
یک رکعت نماز با جماعت بهتر است از بیست و چهار رکعت بی جماعت که هر رکعتی بهتر از

از چهل ساله عبادت وهر که بمسجد رود برای اینکه نماز جماعت کذارد هر کامی که
بر میدارد هفتاد هزار حسنه برای او ثبت نمایند وهفتاد هزار سیئه ازو محو
کنند واکر درین حالت بمیرد الله تعالی هزار فرشته برو موکل کرداند که او را در
قبر عیادت کنند وبشارت دهند وبا او موانست نمایند وبرای او استغفار
کنند تا آنکه از قبر بیرون آید وهر که نماز صبح وخفتن را بجماعت کذارد در امان
خدای تعالی باشد وهر که برو ظلم کند بر خدا ظلم کرده باشد وهر که او را حقیر شمرد
تحقیر الله تعالی کرده باشد وهر که نماز صبح را بجماعت کذارد ودر جای نماز بنشیند
وذکر الله تعالی کند تا طلوع آفتاب او را در جنت فردوس هفتاد درجه باشد
که میان هر دو درجه آنقدر مسافت باشد که اسب دونده رهوار هفتاد سال
طی کند واکر نماز ظهر بجماعت کذارد در جنات عدن پنجاه درجه باشد او را
که مابین هر دو درجه پنجاه ساله راه است که بر اسب دونده سوار باشد واکر نماز
عصر را بجماعت کذارد اجر آن داشته باشد که هشتاد بنده از اولاد اسمعیل پیغمبر
آزاد کند که همه صاحب خانه وعیال باشند واکر نماز شام بجماعت کذارد ثواب یک حج و
یک عمره مقبول داشته باشد واکر نماز خفتن بجماعت کذارد چنان باشد که در لیلة
القدر عبادت کرده باشد وهر که نماز مغرب وعشا وصبح را در مسجد بجماعت
کذارد چنانست که تمام شب احیا داشته باشد وبهترین صفوف صف اولست و

بهترین

بهترین مواضع آن با امام نزدیکتر باشد ونماز در صف اول جهاد است در راه
خدا وهر که محافظت صف اول وتکبیر اول نماید بجهتی که آزار مومنان نکند
ثواب موذنان داشته باشد وفضل جانب راست هر صف بر جانب چپ
مثل فضل جماعت باشد بر انفراد **فصل دویم** در ذکر نوافل یومیه وآداب آن وفضایل
این سنت سنیه از اهل بیت طاهرین علیهم السلام ماثور است که خدا تعالی شرم
دارد که از عبادت بندکان کمتر از ثلث را قبول کند باین سبب حضرت پیغمبر صلی الله
علیه واله در شبانروزی سی وچهار نماز سنت کردانید که دو برابر فرایض یومیه است
که اکر در فرایض سهو ونقصانی باشد حق تعالی از این نوافل تمام نماید وترک این بی
ضرورت وعذری معصیت باشد چنانچه ترک فریضه کفر است ونماز شب
کفاره کناهان روز وصحت بدن ووسعت رزق وشرف وعزت وموجب
رضای الهی وباعث جلای چشم ونورانی کننده روی است در دنیا وآخرت وانشاء الله
تعالی آداب وادعیه وفضایل آن مذکور خواهد شد وهر که بعد از نماز شام بنشیند
وتعقیب بخواند وباکسی سخن نکوید تا آنکه دو رکعت نماز نافله بکذارد وآن نافله را
برای آن در علیین ثبت نمایند واکر چهار رکعت کذارد حج مبروری برای او نویسند
واکر نافله فوت شود قضای آن باید کرد که الله تعالی را خوش آید ومباهات کند بدان بنده
وکوید ای ملائکه ببینید بنده مرا عبادتی که برو فرض نکرده ام قضا میکند کواه باشید کناهانش را

آمرزیدم و اگر کسی را خواب غلبه کند و بجهة نوافل شب بیدار نشود چون نوافل قضا کند
و اهتمام بقضاء آن داشته باشد الله تعالی بعد از این او را بیدار کند و عدد نوافل
یومیه سی و چهار رکعت است دو رکعت نافلهٔ صبح و هشت رکعت از پیشین و هشت
رکعت از عصر این هجده رکعت است که قبل از نماز واجبی باید کرده شود در اول وقت
و چهار رکعت نافلهٔ شام و دو رکعت نشسته وتیره خفتن که یک رکعت ایستاده
محسوب است و اگر این دو رکعت را ایستاده کنند افضل است این نافلهٔ شام و نماز
اگر ایستاده یا نشسته دو رکعت را باید کرده شود ۱۲
وتیره را بعد از فریضه باید کرده شود و اما در سفر نافلهٔ ظهر و عصر ساقط
می‌شود و سایر نوافل در سفر و حضر همیشه بحال خود باشند و نوافل را در اثناء
راه پیاده و سواره توان گذارد و اگر چه ضرورتی نباشد و رکوع و سجود را بسر ایما ۱۲
کند و ایماء سجود پست‌تر از رکوع باشد و نشسته نیز از روی اختیار توان گذارد
و اگر خواهد فضیلت ایستاده را دریابد قرائت را نشسته کند چون بآخر سوره رسد برخیزد
و سوره را ایستاده تمام کند پس رکوع کند و سجده رود و همان فضل نماز ایستاده را
داشته باشد **فصل سیم** در بیان اوقات نماز و فضایل و احکام متعلقه بآن از
اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین مرویست که هر نمازی را دو وقت است
و وقت اول افضل است از وقت دوم آنقدر که آخرت افضل است از دنیا و بهتر است
از برای مؤمن از فرزند و مالش و اول وقت رضای خداست و آخر وقت عفو او

وعفو

وعفو نباشد مگر از گناهی یعنی کسی که از اول وقت بی‌عذری تاخیر کند گناهی
کرده باشد پس اگر در آخر وقت بگذارد آن گناه عفو شود و هیچ کس را رخصت
نیست که بی‌ضرورتی تاخیر نماز کند که موجب غضب الهی باشد و کار خیر هر چند
زودتر کرده شود خدا را خوشتر آید و در اوقات نماز درهای آسمان گشوده شود
تا اعمال بندگان را بالا برند و حضرت امام علیه السلام فرمود که نمی‌خواهم عمل کسی پیش
از عمل من بالا رود و نام دیگری پیش از نام من ثبت شود و در وقت ظهر درهای
آسمان گشوده شود و دعا مستجاب گردد پس خوشا کسی که در آن وقت از وی عملی
صالحی بالا برند و اول طلوع صبح وقتیست که ملائکهٔ شب بآسمان روند و ملائکه
روز بزمین آیند پس کسی که نماز صبح را در آن وقت گذارد هر دو طایفهٔ ملائکه
شاهد باشند و آن نماز را دو مرتبه ثبت نمایند و هر که تاخیر نماز صبح کند
تا آنکه ستارها نمایند ملعون باشد و هر که تاخیر نماز عصر کند تا وقتی که
آفتاب زرد شود یا غروب کند در بهشت موتور باشد یعنی اهل و مال نداشته
باشد و هر که نماز شام را تاخیر کند بگمان فضیلت تا آنکه ستاره بسیار شود
و دست بهم دهد اهل بیت علیهم السلام از وی بیزار شوند و هر که بخواهد و نماز خفتن را
تاخیر کند تا آنکه نصف شب شود ملکی موکل است که نفرین کند و گوید نصیب
چشمت نشود و چون بیدار شود باید که نماز را قضا کند و آن روز را روزه دارد

در باب قضا نماز فیما بین فقهاء خلاف است بعضی از فقها را

بجهت عقوبت این عمل و بیان وقتها آنکه وقت اول نماز صبح از طلوع صبح
صادق است تا آنکه دو شاخ صبح در آسمان پهن شود و وقت دویمش تا
طلوع آفتاب و وقت اول ظهر از زوال آفتاب تا آنکه سایه دو قدم زیاد شود
و وقت دویمش تا آنکه بقدر چهار رکعت نماز از آفتاب بماند و وقت
اول عصر بعد از قدر چهار رکعت از اول زوالست تا آنکه سایه چهار قدم زیاده
شود و اگر تا شش قدم تاخیر کند تضییع نماز کرده باشد و وقت دویمش
تا غروب آفتاب و وقت اول شام از غروب آفتابست تا آنکه سرخی شفق
مغرب زایل شود و اگر از غروب آفتاب اندکی تاخیر کند تا آنکه سرخی مشرق
زایل شود افضل باشد و وقت دویمش تا آنکه ربع شب بگذرد و تا ثلث شب
و نصف شب نیز روایات وارد شده و وقت اول خفتن از زوال سرخی
مغربست تا ثلث شب و وقت دویمش تا نصف شب و هرچند نمازها
باول وقت نزدیکتر باشد افضل باشد و وقت نوافل شب از نصف شب است
تا طلوع صبح صادق و هرچند بصبح نزدیکتر افضلتر باشد و نافله صبح بعد
از نماز شب است تا آنکه سرخی نمایان شود و نوافل ظهر از اول زوال تا آنکه
دو قدم سایه زیاد شود و نوافل عصر بعد از فریضه ظهر تا آنکه چهار قدم
سایه زیاد شود و نوافل شام تا آنکه سرخی مغرب زایل شود و روز جمعه

چهار رکعت بر نوافل ظهر و عصر بیفزایند و مجموع بیست رکعت را پیش از ظهر
بگذارد و آداب و طریقه نافله جمعه را بعد از این در باب آداب روز جمعه
نقل خواهیم نمود و هر یک از نوافل همین که وقتش بگذرد دیگر ابتدا بفریضه
باید کرد و نافله را بعد از آن قضا کرد و اگر از نوافل ظهر و عصر یک رکعت را
در وقت خود گذارده باشد تتمه را نیز زود زود بگذارد اگرچه وقت بگذرد
و اگر وقت نماز شب تنگ باشد و صبح بسیار نزدیک اول نماز شفع و وتر را
بگذارد و اگر هنوز صبح طلوع نکرده باشد نماز شب بگذارد و اگر طلوع کرده
باشد نافله صبح را بگذارد و نماز شب را بعد از فریضه قضا کند و اگر چهار رکعت
از نماز شب گذارده باشد که صبح طلوع کند تتمه نماز را زود زود تمام کند
و افضل اینست که نافله صبح را بگذارد و تتمه را قضا کند تا فریضه از وقت
نگذرد و اما شناختن وقت ظهر و عصر و نوافل آن چنانست که چوبی راست
بر زمین مستوی هموار نصب کنند و مقدار چوب را که از زمین مرتفع است
بر روی هفت قسمت نمایند و هر قسمی را یک قدم گویند و آفتاب چون طلوع
کند سایه چیزها در کمال درازیست و آهسته آهسته کم شود تا وقت ظهر بحدی
رسد که از آن کمتر نشود آن حد را نشان کنند همین که از آن حد شروع بزیادتی
کند اول ظهر باشد پس آنچه زیاد میشود بقدر دو قدم چون رسد وقت ظهر

وناقله اش بود وسایر اول ظهر که نهایت حدکوتاهی بود داخل حساب نیست

فصل چهارم در فضایل مسجد وآداب آن از اهل بیت علیهم السلم مرویست

که یکنماز در مسجد جامع برابرست با صد نماز در مسجد محله با بیست و

پنج نماز ودر مسجد بازار با دوازده نماز وچون کسی بمسجد رود بر هیچ

موضعی قدم نکذارد مکر انکه موضع تا زمین هفتم برای او تسبیح کند

وکسیکه در خانه خود طهارت کیرد وبمسجد رود از کناهان پاك شود

وزیارت خدای کرده باشد وحقست بر مزور که اکرام زاین نماید وهرکه

بمسجد تردد نماید یکی از هشت نعمتها وعطا فرماید یا برادر مومنی

دهد یا علم تازه یا آیه محکمی یا کلمه که براه راست او را هدایت نماید

یا رحمت تازه که پیش ازان نبوده یا کلمه کوید که او را از مهلکه نجات دهد

ویا ترك کناهی کند از ترس خدا یا از روی شرم وحیا وبهترین خانها مساجد است

وبهترین اهل مساجد آنانند که بیشتر داخل شوند وپس بیرون آیند وممرویست

که هرکه آواز اذان در مسجد بشنود ونماز نکذارده بیرون رود منافق

باشد مکر انکه اراده رجوع داشته باشد وبهترین مساجد برای زنان

خانهای ایشانست وخانه پسینه بجهت زنان افضلست از اصل خانه و

اصل خانه افضلست از صحن خانه وصحن افضلست از بام خانه وچون کسی متوجه

شود واز خانه بیرون آید بکوید بسم الله الذی خلقنی فهو یهدین والذی هو

یطعمنی ویسقین واذا مرضت فهو یشفین والذی یمیتنی ثم یحیین

والذی اطمع ان یغفر لی خطیئتی یوم الدین رب هب لی حکما والحقنی

بالصالحین واجعل لی لسان صدق فی الاخرین واجعلنی من ورثة

جنة النعیم واغفر لابی وچون این بکوید خدا تعالی او را بایمان وحق

هدایت کند واز اطعمه واشربه بهشت سیر کرداند وکفاره کناهانش باشد

وموتش را مثل موت شهدا وحیوتش را مثل حیوة سعدا کرداند وهر

خطیه که کرده باشد بیامرزد واکرچه بیشتر از کف دریا باشد وحکمت و

علمها وعطا فرماید وبصلحاء کذشته وآینده ملحقش سازد واو را از

جمله صادقان ثبت نمایند ومنازل کریم در رجب نعیم باو کرامت فرمایند

وکناهان پدر ومادرش را بیامرزند وچون خواهد داخل مسجد شود کفش را

ملاحظه نماید که نجاست وکثافتی نداشته باشد وپای راست پیش کذارد

وبکوید بسم الله وبالله ومن الله والی الله وخیر الاسماء کلها لله توکلت

علی الله لاحول ولا قوة الا بالله اللهم صل علی محمد وال محمد وافتح لی

ابواب رحمتک وتوبتک واغلق عنی ابواب معصیتک واجعلنی من

زوارک وعمار مساجدک وممن یناجیک فی اللیل والنهار ومن الذین هم

فی صلوتهم خاشعون وادحر عنی الشیطان الرجیم وجنود ابلیس اجمعین

وچون داخل مسجد شود بگوید أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاللهُ
أَكْبَرُ كَبِيرًا وَسُبْحَانَ اللهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ
الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ برابر است با یك حج مقبول واگر ارادهٔ
نشستن داشته باشد بی طهارت داخل نشود ودر مسجد شعر نباید خواند
واگر کسی در مسجد شعر بخواند روایت شده که با او بگویند فَضَّ اللهُ فَاكَ
یعنی حق تعالی دهنت را بشکند وآب دهن انداختن در مسجد خطیئه است
وکفاره اش آنست که دفن کنند او را واگر بجهت تعظیم مسجد آب دهن ودماغ را
فرو برد خدا تعالی برای او حسنه ثبت کند وسیئه محو فرماید وتوشش را
بیفزاید وبهیچ کوفت وعلتی نرسد مگر آنکه اثر از ایل گرداند وروز قیامت
خوشحال وخندان مبعوث شود ونامه عملش را بر دست راستش دهند و
حرفهای باطل وگفتگوی دنیا نکنند که مسجد جای عبادت است وجستجوی گم
شده نکنند ومرویست که با او بگویند لَا رَدَّ اللهُ عَلَيْكَ بغیر الله گم شده ات را
بتو نرساند وباید آواز بلند نکنند واطفال ومجانین وبیع وشرا را از مسجد
دور کنند واگر کسی در مسجد تجارت کند با او بگویند لَا أَرْبَحَ اللهُ تِجَارَتَكَ
یعنی سود ندهد الله تعالی تجارت ترا وهر که چراغی در مسجد روشن کند
تا روشنی آن باقی باشد حمله عرش برای او استغفار کنند وهر که در مسجد جاروب
کند ثواب آزادی بنده دارد واگرچه بقدر ذره گرد رخشیم افتد کثافتی

یعنی تضعیف کرده دو مثل است

بیرون برد الله تعالی دو کفل از رحمت خود دهد واگر روز پنجشنبه وشب جمعه
جاروب کند بقدر سرمه که در چشم کشند کثافتی بیرون برد گناهانش آمرزیده
شود وچون خواهد که از مسجد بیرون آید بر در مسجد بایستد وبگوید اللّٰهُمَّ
اللّٰهُمَّ دَعَوْتَنِي فَأَجَبْتُ دَعْوَتَكَ وَصَلَّيْتُ مَكْتُوبَتَكَ وَانْتَشَرْتُ فِي
أَرْضِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَمَلَ بِطَاعَتِكَ وَاجْتِنَابَ
سَخَطِكَ وَالْكَفَافَ مِنَ الرِّزْقِ بِرَحْمَتِكَ ودر وقت بیرون آمدن پای
چپ را پیش گذارد وبسم الله بگوید وصلوات بر پیغمبر صلی الله علیه وآله
بفرستد وبگوید اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَافْتَحْ أَبْوَابَ فَضْلِكَ **فصل پنجم** در
فضایل اذان واقامه وتوجه نماز واحکام متعلق باذان از اهل بیت
علیهم السلم مرویست که چون برای تهیه نماز برخیزی بگوی الْحَمْدُ لِلّٰهِ نُورِ
السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ أَنْتَ الْحَقُّ وَإِنَّ أَمْرَكَ الْحَقُّ وَقَوْلَكَ الْحَقُّ
وَلِقَائَكَ الْحَقُّ وَالْجَنَّةُ حَقٌّ وَالنَّارُ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ حَقٌّ اللّٰهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ
وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْكَ أَنَبْتُ وَبِكَ خَاصَمْتُ وَإِلَيْكَ
حَاكَمْتُ فَاغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَأَخَّرْتُ وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ أَنْتَ
إِلٰهِي لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وچون برخیزی وخواهی مشغول نماز شوی بگوی
اللّٰهُمَّ إِنِّي أُقَدِّمُ إِلَيْكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَتِي وَأَتَوَجَّهُ
بِهَا إِلَيْكَ فَاجْعَلْنِي بِهِ وَجِيهًا عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ وَ

وَاجْعَلْ صَلَوَاتِی بِهِ مَقْبُولَةً وَذَنْبِی بِهِ مَغْفُورًا وَدُعَائِی بِهِ مُسْتَجَابًا
إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ وچون روی بقبله کنی بکوی اللهم إليك
توجهت ومرضاتك طلبت وثوابك ابتغيت وبك آمنت وعليك توكلت
اللهم صل على محمد وآل محمد وافتح مسامع قلبي لذكرك وثبتني على
دينك ودين نبيك ولا تزغ قلبي بعد إذ هديتني وهب لي من لدنك
رحمة إنك أنت الوهاب وچون خواهی شروع در نماز کنی برای نماز فریضه
اذان واقامه بکوی واکر کسی اذان واقامت هر دو را بکوید دو صف ملائکه
در عقب او نماز کنند واکر اقامت تنها بکوید یك صف که هر صفی از مشرق
باشد تا مغرب ومؤذنی که بجهة خدا اذان بکوید بدون اراده اجرت وریا
در روز قیامت در بهشت بالای تلی از مشك باید ودر میان اذان و اقامة
اجر شهیدی که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد حق تعالی باو دهد
شخصی کفت یا رسول الله مردم در اذان بیش دستی میکنند وفرصت نمیدهند
فرمود زمانی بیاید که اذان کفتن را از روی تکبر بضعفا واکذارند و
کوشت ایشانرا حق تعالی بر آتش حرام کردانیده وکسی که برای خدا اذان
کوید الله تعالی ثواب چهل هزار صدیق باو دهد وچهل هزار کناه کاررا
بشفاعت او ببهشت برند وچون اشهد ان لا اله الا الله بکوید هفتاد
هزار فرشته برای او دعا کنند استغفار نمایند ودر روز قیامت در سایه

عرش

عرش خدا باشد تا حساب مردم تمام شود وچون بکوید اشهد ان محمدا
رسول الله چهل هزار فرشته ثواب انرا بنویسند واکر کسی یکسال در شهری
از شهرهای اسلام اذان کوید کناهانش تمام آمرزیده شود واکر چه مثل کوه احد
باشد وبهشت او را واجب شود واذانرا بتانی وبلند باید کفت که
آوازش بهر خشك وتری که برسد برای او شهادت دهد وهر قدر بلند
شود کناهانش آمرزیده شود وهر که با او نماز کذارد در ثواب او شریك
باشد وبعد هر که با او نماز کذارد برای او حسنه ثبت شود وخدای
تعالی بادی را برای اذان موکل کردانیده که آواز اذانرا باسمان برد وچون
ملائکه بشنوند کویند این آواز امت محمد است صلی الله علیه وآله که
توحید خدا میکنند پس برای ایشان استغفار کنند تا آنکه از نماز فارغ
شوند واکر در خانه اذان بلند کوید شیطان را دور کند وبرای وی
نیکو باشد که صدای اذان وصیت ایمان همیشه بشنوند وبیماری
وپریشانی زایل کند راوی کوید من واهل خانه همیشه بیمار وعلیل
می بودیم وکاه میشد که هیچکس نمی ماند که خدمت کند تا این حدیث
شنیدم وبان عمل نمودم بیماری وکوفت از خانه من زایل شد وشخصی
دیکر از بیماری وبی فرزندی بخدمت امام رضا علیه السلم شکایت کرد
فرمود در خانه خود اذان را بلند بکوی چنین کرد بیماریش زایل شد و

اولادش بسیار کردید و اقامت را آهسته تر و روان تر کویند و هر مرتبه
که نام حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله را بکوید کوینده و شنونده صلوات
بفرستند و اذان را نشسته و سواره و در راه و بی طهارت و بغیر قبله
الا شهادتین را کرد رو بقبله باید تجویز نموده اند و اما اقامت را بشرایط
و هیئات نماز بکویند و در اثنای اذان و اقامت حرف زدن جایز است
اما ترکش افضل است بتخصیص در اثنای اقامت و چون قد قامت
الصلوة کفته شود احادیث وارد شده که حرف زدن حرام می شود بر مؤذن
و سایر جماعت مکر برای امامت کسی را کویند پیش بایست و برخی از علما
تجویز حرف زدن برای بعضی چیزهائی که متعلق بنماز باشد نموده اند
واکر حرف زند اقامت را اعاده کند و اکر چیزی از اذان یا اقامت را فراموش
کند رجوع نماید و از آنجا کوید تا آخر واکر داخل نماز نشده باشد و بخاطرش
رسد که اقامت نکفته صلوة بر پیغمبر صلی الله علیه وآله فرستد و
اقامت بکوید بعد از آن نماز کند واکرچه هنوز شروع در قراءت نکرده
باشد و در روایت دیکر واقع شده که اکر رکوع نکرده باشد رجوع نماید و
اذان و اقامت بکوید و بر آن اذان و اقامت انفرد تاکید ندارد اما افضل
آنست که بکوید و میان اذان و اقامت بلحظه فاصله کند اقلش اینکه یک نفسی
بکشد اما الحمد لله یا سبحان الله بکوید یا بنشیند یا سجده کند و بکوید اکر

بنشیند

بنشیند این دعا را اللّهمّ اجعل قلبی بارّا و رزقی دارّا واجعل عند
قبر نبیّک محمّد صلّی الله علیه وآله مستقرّا و قرارا واکر سجده کند بکوید
در سجده اول لا اله الا انت ربی سجدت لک خاضعا خاشعا
فصلّ علی محمّد وآله واغفرلی وارحمنی وتب علیّ انک انت التوّاب
و در سجده دویم بکوید اللّهمّ لا اله الا انت ربی خاضعا خاشعا
الله تعالی همه کناهانش را بیامرزد واکر میان اذان و اقامت شام
بنشیند چنانست که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد و
در ظهر و عصر شش رکعت نافله را پیش از اذان دو رکعت را میان
اذان و اقامت کذارد و اکر در نماز جماعت باشند مؤذن که اذان
کوید همه بنشینند و چون قد قامت الصلوة کوید همه برخیزند و چون
مؤذن اذان کوید کسی که بشنود و هرچه او کوید آهسته او نیز بکوید
روزیش زیاد شود و چون مؤذن شهادتین کوید شنونده بکوید از روی
تصدیق انا اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا رسول الله اکتفی
بها عمّن ابی وجحد واعین بها من اقرّ وشهد بعد هر کس که شهادت
داده و ایمان آورده و هر کس که انکار نموده و ایمان نیاورده اجر و ثواب داشته
باشد و در روایتی آمده که چون مؤذن حیّ علی الصلوة کوید شنونده حوقله کوید

یعنی حیّ علی الصلوة
یعنی لا حول ولا قوة الا بالله

وچون اذان صبح وشام شنود بگوید اللّهمّ انّی اسئلک باقبال
نهارک وادبار لیلک وحضور صلواتک واصوات دعائک وتسبیح
ملائکتک ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد وان تتوب علیّ انّک انت التوّاب
الرّحیم ودر شام بجای باقبال نهارک وادبار لیلک بگوید باقبال لیلک
وادبار نهارک اگر دران روز یا دران شب بمیرد تائب وشهید مرده
باشد **فصل ششم** بدانکه در باب اشاره باسرار مقدمات واعمال نماز که
تعقیبه وآداب وافعال آن از اهل بیت علیهم السّلام مرویست که بهترین جامها
وزینت ترین لباسها برای مؤمنان لباس تقوی وپرهیزکاریست از هرچه
الله تعالی حرام گردانیده وازان مکروه داشته ولباس ظاهری نعمتیست کرامت فرموده
تا عورات بدن واعضا وعیوب وقبایح آن بآن پوشیده شود وتوبه و
تقوی کرامتیست که احسان فرموده تا گناهان باطن وهوسهای فاسد وارادها
باطل بآن پنهان گردد ومخفی نماند که الله سبحانه وتعالی آب را طهور گردانیده تا
فضلات ونجاسات بان بشوئی وازکدورت احداث وکثافات تنزّه یابی
ودر جدول توبه واستغفار جاری ساختی تا نجاسات ذنوب وسیآت بان تطهیر دهی
وتا ازاله نجاسات ظاهر نکنی ودست وروی در وضو نشوئی قابل آن نباشی
که روی بدان بقبله گردانی وباعضای طاهر داخل مسجد شوی وبر سجاده نشینی

وبزبان

وبازبان ودهان تسبیح ومناجات نمائی پس ازاله نجاسات باطن نانموده وخاطر
از محبت باطل نشسته وشو نداده ونیّت را برای خدای تعالی خالص نگردانیده
چگونه لایق آن باشی که روی دل بسوی خدا کنی وبر بساط قرب وکرامت تکیه
فرمائی ودر حضرت عزت حدیث اسرار سرائی نمائی وچون بمسواک دندانها را
از کثافت چرک واثار طعام جلا دهی ودهان از کراهت آن بوی صفا دهی چگونه
جوارح را از نجاست عصیان واطاعت شیطان ومخالفت رحمن پاک ودل را
بمحبت دنیا که سر هر خطیه است نبذی وبتضرع وخشوع وانابت وخضوع طهارت
ندهی وچون متوجه قبله شوی وبر پای ایستی روی از جمیع چیزها بگردانی
وروی دل از وسوسه دنیا نگردانی وایستادن موقف عرض اعمال وظاهر شدن
خفیات اسرار یاد نکنی پس چون اذان نماز بشنوی از ندای روز قیامت یاد
آر وچون روی بقبله کنی روی دل از هرچه غیر خداست چنان بنیت کن که
در خدمت خدا ایستاده وبا حضرت احدیت در مکالمه واو دانائیست که هر ظاهر و
پنهانی را داند وتوانائیست که هرچه بخاطر گذرانی تواند وپادشاهیست که
آسمان وزمین در وسعت مملکت او ذره ایست وهر دو جهان نزد بحار خزاین
رحمت او قطره ایست در خدمت او چنان بایست که ضعیف ترین بنده در خدمت
عظیم ترین پادشاه اگر سرش نخارد نخارد کاهل وخواب آلود وسنگین بیمار مخز

که این از جمله صفات منافقین است و با ریش دست بازی مکن و انگشتان
در میان یکدیگر میار که اینها همه در نماز نقصان است و دستها بر سینه مگذار که
این عمل و شیوهٔ مجوسانست و خمیازه با دهن و اعضا مکن که از جملهٔ اعمال شیطانست
و اگر کسی در نماز انگشت بشکند نصیبش از نماز همان باشد و چون تکبیر گوئی
بزرگی و عظمت خدا را بیاد آری و هرچه غیر اوست در نزد بزرگی او خوار شماری
و اگر دل بدیگری داری و دیگری را بزرگتر شماری الله تعالی گوید ای دروغ گوی
مرا می فریبی بزبان الله اکبر میگوئی و دل بدیگری میدهی بعزت و جلال
خودم که از شیرینی ذکر خویش محرومت سازم و از نزدیکی جناب خود دورت
گردانم و از لذت مناجات بی نصیب و محجوب دارم و در نماز دستها را بر روی
ران بیندازد و انگشتان بهم چسبیده باشد و سر و گردن و کمر راست بگیرد و
بطرفی میل و بچیزی تکیه مکن و زنان دستها را بسینه چسبانند تا به پستان متصل
شود و بلندی پستان نماید و در اثنای نماز آب دماغ میفگن که هر که بجهة تعظیم
الهی از فرو برد خدای تعالی او را تا وقت ممات صحت بدن با و کرامت فرماید
و پایها را برابر هم بگذارد که پیش و پس نباشد و بی ضرورت چیزی بر دهن
نبندد که نقصان نماز بود و نظر از موضع سجده برندارد و باطراف التفات
نکند که هر که در نماز باطراف نگاه کند خدای تعالی گوید ای بندهٔ من بکجا نگاه

میکنی و که را میطلبی آیا خدائی غیر من میخواهی یا جوادی سوای من میجوئی منم کریم اکرمین
و منم اجود الاجودین منم بهترین معطین منم که انقدر ثواب دهم ترا که هیچکس قدر
آن نداند روی بجانب من کن که من روی با تو دادم و ملائکه روی با تو دارند پس
اگر روی بگردانی و متوجه نماز گناه انچه کرده زایل شود و اگر باز التفات بطرفی
نماید خدای تعالی همان مکالمه فرماید و همچنین تا چهار مرتبه و مرتبه چهارم
روی از وی بگرداند و ملائکه روی از وی بگردانند و فرماید که ای بندهٔ من واگذاشتم
ترا بانچه میخواهی نعوذ بالله و در روایت دیگر وارد شده که مرتبه سیم الله تعالی
رو بگرداند و بعد از ان هرگز با و نظر نکند اینها همه بعنوان مجاز است حقیقت
در جناب الهی نه روی حقیقیست العیاذ بالله و در نماز دل با خدای دار و خیال
غیر نماز بخاطر میار که دو رکعت نماز با تفکر بهتر است از قیام لیل و هر که دو رکعت
نماز گذارد و بداند که چه میگوید میان او و خدا هیچ گناه نماند مگر آنکه آمرزیده شود
و هر که قدر از نماز که دل با آن باشد ناحساب شود و هرچه غافل باشند بر هم بپیچند
و بر روی صاحبش زنند و در رکوع چشم را بپوش یا در نظر در میان هر دو پای
بدار و دراز کردن گردن در رکوع معنیش اینست که گردن از بندگی خدا نکشم
و سر از اطاعت او نه پیچم اگر چه گردنم بزنند و هیچ بنده رکوعی بحقیقت نکرده که الله
تعالی بنورهای خویش مزین گردانیده و در سایهٔ کبریای خود پناهش داده و خلعت اصفیا

اطاعت
بروپوشانیده و در کوع ذلت و خضوع و بسجود قربت و عزت کسی که ادب
ضایع کند اهلیت قرب نداشته باشد و سر بسجده گذاشتن معنیش اینست که
خدایا اصل من همین خاکست ذلیل که هر کسی پا برو گذارد و چون سر بردارد یعنی
مرا ازین خاک آفریده و از خاک برداشته و چون سجده دوم کند یعنی باید دیگر
مرا بمیرانی و با خاک یکسان گردانی و چون سر بردارد یعنی مرتبه دیگر مرا زنده
سازی مرویست که والله زیان نکرده کسی که سجود بحقیقت کرده اگرچه بتمام
عمر خود یکمرتبه باشد و سود ننموده کسی که حق آن ضایع نموده و مانند فریبندگان دل
غافل از رتبه ساجدان با خدا خلوت ننموده و هرگز از خدا دور نشود کسی که
در سجود بکلی دست از خود بردارد و خود را یکبارگی بخدا سپارد و هرگز بخدا
نزدیک نگردد کسی که حرمت سجود ضایع کند و دران حال دل بغیر خدا دهد
و عارفی گفته رکوع دعوی بندگیست و دو سجده بعد از ان دو شاهد بران
و چون قنوت بخوانی آداب آن رعایت نمائی و بدانی که چه میگوئی و با که در
گفتگوئی بشنود هرچه بزبان برانی و ببیند هرچه در دل گذرانی پس سعی بلیغ
کن تا آنچه میطلبی خیر و نجات باشد و زبان در دعا و دل با غیر خدا
نباشد که دعای دل غافل مستجاب نگردد و چون تشهد خوانی اقرار بپادشاهی
و یگانگی خدا کنی و اعتراف برسالت و نبوت پیغمبر او نمایی و عهد بندگی

و طاعت خود تجدید سازی و چون صلواة بر پیغمبر و آلش فرستی ایشان شفیع
خود گردانی پس چنانچه بزبان اقرار میکنی دلرا نیز با زبان موافق دار و آنچه
میگوئی غافل مدار تا مانند فریبندگان باطنت تکذیب ظاهر ننماید و درین
مقام ذکر حدیث دیگر کنیم که مشتمل بر فضایل افعال نماز بالا آداب و اسرار
آن مرویست از امام همام حسن بن علی العسکری از آبای کرام خود از حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله که فرمود چون بندهٔ مؤمن متوجه مصلای خود شود تا
نماز گذارد خدا تعالی گوید ای ملائکه من ببینید این بنده مرا که از همه خلایق
بریده و بامید رحمت و شفقت من روی نیاز بمن آورده گواه باشید که او را برحمت
و کرامت خویش مخصوص گردانم و چون دست بردارد و الله اکبر گوید فرماید
ببینید تبری و بیزاری مینماید از نسبت شریک و تشبیه و نظیر برای من
چنانچه اعدای من نسبت میکنند و مرا از ان بزرگ و منزه میدارد گواه باشید
که او را از آثار گناهان پاک سازم و در مملکت و بزرگی خود بزرگش گردانم
و از عذاب جهنم نجات دهم و چون الحمد و سوره دیگر بخواند فرماید ببینید بندهٔ
مرا که چون از قراءت کلام من لذت می‌یابد گواه باشید که روز قیامت باو بگویم
که بخوان در بهشت کلام مرا و بالا رو در درجات جنان پس بعدد هر حرفی که
خواند درجه از طلا و درجه از نقره و درجه از لؤلؤ و درجه از گوهر و درجه از زبرجد سبز

ودرجی از نور رب العزّة ودرجی از زمرد سبز یاد و دو چون رکوع کند فرماید
ببینید که چون تواضع میکند در پیش جلال وعظمت من گواه باشید که
او را در دیار جلال وکبریای خود بزرگ کردانم وچون از رکوع بردارد فرماید
ببینید چون بر اعدای من ترفع میکند همچنانکه برای من تواضع میکند در
خدمت من راست می ایستد گواه باشید که عاقبتش را بهترین عاقبتها کردانم
ودر بهشت خویش ماوای عطا فرمایم وچون سجده نماید فرماید ببینید که چون
تواضع میکند ومیگوید اگر چه در دنیا مکین وحلیم امّا چون حقّ وعظمت تو بر من
ظاهر شود حقیر وذلیل گواه باشید که او را بحق بلند نمایم وباطل را ودفع کردانم
وچون سر از سجدهٔ اوّل بردارد فرماید ببینید چون میگوید که همچنانکه در پیش
عظمت تو تواضع نمودم در حضرت خدمت تو برای بندگی وطاعت بجا آوردت
وذلّت راست کنم ودرین مقام ظاهر عبارتی از نسخهای این حدیث افتاده
باشد وگویا باین مضمون باشد که او را عزیز کردانم وبرحمت خویش اختصاص
دهم وچون سجدهٔ دویم کند فرماید ببینید بنده مرا چون بتواضع من عود نموده
گواه باشید که رحمت خود را با واعاده نمایم وچون برای رکعت دیگر از جای برخیزد
فرماید ای ملائکه من ببینید چون برخواست بنماز او را از مذلّت بردارم وبعزّت
بلند کردانم وهر رکعتی که گذارد حقّ تعالی همچنان فرماید تا آنکه بتشهد نشیند

امرکما

الله تعالی فرماید ای ملائکه بنده من خدمت وعبادت مرا بجای آورد واکنون
نشسته ومرا ثنا میگوید وبر پیغمبر من صلواة میفرستد من نیز با ملکوت سموات و
ارض او را ثنا گویم وبر روح او در میان ارواح صلوات فرستم وچون امیر المومنین
در نماز صلوات فرستد فرماید که من بر تو صلوات فرستم همچنانکه تو بر وصلوات فرستادی
واو را شفیع تو کردانم همچنانچه تو او را شفیع خود ساختی وچون سلام نماز دهد
خدای تعالی وملائکه بر وسلام کنند ودر روایت دیگر آمده که سلام بعد از هر نماز
امانست یعنی هر کس فرمان خدا وسنّت پیغمبر صلی الله علیه وآله بخضوع وخشوع
بجای آورد امانست او را از بلای دنیا وعذاب آخرت مخفی نماناد که مراد از
صلوات بر امیر المؤمنین علیه السّلم اینست که بعد از صلوات بر پیغمبر صلی الله
علیه وآله او فرستد زیرا که آل او امیر المؤمنین وفاطمه ویازده امام دیگر اند
صلی الله علیهم اجمعین واحادیث دیگر وارد شده که سلمان فارسی وسایر
شیعیان نیز از جملهٔ آل آن حضرتند ودر صلوات بر ایشان شیعیان را
نیز باید قصد نمود و در کیفیّت اشتغال بنماز وآداب آن از اهل بیت علیهم
السّلم مرویست که هر کس پیش از آنکه داخل نماز شود بگوید اَللّهمَّ اِنّی اَتَوَجَّهُ
اِلَیکَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاُقَدِّمُهُم بَینَ یَدَی صَلَواتی وَاَتَقَرَّبُ بِهِم اِلَیکَ
وَاجعَلنی بِهِم وَجیهًا فِی الدُّنیا وَالآخِرَةِ وَمِنَ المُقَرَّبینَ مَنَنتَ عَلَیَّ

بمعرفتهم فاختم لی بطاعتهم و معرفتهم و ولایتهم فانها السعادة
اختم لی بها انک علی کل شیء قدیر و بعد از فراغ از نماز بگوید اللهم
اجعلنی مع محمد و آل محمد فی کل عافیة و بلاء تا آخر دعا که در فضل
تعقیب مذکور خواهد شد با محمد و آل محمد می باشد ص و افتتاح نماز بیک تکبیر
واجب و بسه تکبیر افضل و بهفت از همه افضل تر و یکی ازین جمله
تکبیر احرام واجب و باقی مستحب و بعد از تکبیر سیم بگوید اللهم انت
الملک الحق لا اله الا انت سبحانک و بحمدک عملت سوءً و ظلمت
نفسی فاغفرلی انه لا یغفر الذنوب الا انت و بعد از تکبیر پنجم بگوید
لبیک و سعدیک و الخیر فی یدیک و الشر لیس الیک و المهدی
من هدیت عبدک و ابن عبدیک ذلیل بین یدیک لا ملجأ و لا
منجا و لا مفر منک الا الیک تبارکت و تعالیت سبحانک و حنانیک
سبحانک ربنا و رب البیت و هر که پیش از تکبیر احرام بگوید یا محسن
قد اتاک المسیء و قد امرت المحسن و انا المسیء بحق محمد و آل محمد
صل علی محمد و آل محمد و تجاوز عن قبیح ما تعلم منی خدا تعالی
بملائکه گوید گواه باشید که گناهانش را عفو نمودم و هر که پیش او
حقی یا مظلمه بود از و راضی نمودم پس اگر تکبیر هفتم را قصد تکبیر احرام کند

این

این دعا پیش از آن بخواند و بعد از تکبیر هفتم بخواند اینها را وجهت وجهی
للذی فطر السموات و الارض علی ملة ابراهیم و دین محمد و منهاج علی و
الائتمام بالائمة من آل محمد صلی الله علیه و آله حنیفا مسلما و ما انا من
المشرکین ان صلوتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین لا
شریک له و بذلک امرت و انا من المسلمین اللهم اجعلنی من المسلمین و در
حال ایستادن و رکوع کردن پایها را از هم بگشاید بقدر سه انگشت تا یک وجب
و زنان در هر دو حال با هم نزدیک گذارند تا فاصله نباشد پس از شیطان
رجیم پناه بخدا برده بگوید اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم
و پس از آن حمد و سوره در دو رکعت اول هر نماز بخوانند و افضل آنست
که در دو رکعت اول نماز عصر و مغرب سورهای کوتاه بخوانند مثل انا انزلنا
و قل هو الله و اذا جاء و در نماز ظهر و خفتن سورهای متوسط مثل و الشمس
و سبح اسم و در نماز صبح ازین درازتر مثل عم و هل اتی و در رکعتهای دویم
قل هو الله زیرا که بعد از آن قنوت خوانده میشود و دعا بعد از خواندن
قل هو الله مستجابست و در نماز شام و صبح و خفتن جمعه سوره جمعه و
قل هو الله و مرویست که اگر کسی را فضل و ثواب سوره خواهد بخواند و بعوض
آن سوره انا انزلنا و قل هو الله بخواند همان ثواب را داشته باشد با ثواب این

دو سوره اما در نماز جمعه و ظهر آن سوره جمعه و منافقین باید خواند
که افضلست و بعضی از اصحاب واجب دانسته اند و اگر پنج نماز بگذارد که
قل هو الله نخواند فرشته ندا کند که ای بنده خدا تو از جمله نماز کنندگان
نیستی و مردان باید که دو رکعت اول نماز شام و خفتن و صبح را بلند
قرائت نمایند و همچنین نماز جمعه و دو رکعت اول ظهر جمعه را اگر منفرد
باشد و باقی رکعتها را آهسته و اگر عمداً نماز جهر را اخفات و اخفات را
جهر کند باطل باشد و اعاده باید کرد و حد آهستگی آنست که خود بشنود
و اگر آهسته از این باشد مجزی نباشد و حد بلندی آنست که بسیار بلند
و آواز شدید نباشد بلکه حد وسط باشد و چون نمازهای جهر را بلند
بخواند آنقدر که آوازش برسد آتش دوزخ از او دور شود و بر صراط بگذرد
و روز قیامت مسرور و خوشحال باشد تا آنکه داخل بهشت شود و
بعد از تمام الحمد و همچنین بعد از سوره بقدر نفسی ساکت باشد و بعد
از فراغ از قرائت ایستاده تکبیر بگوید و رکوع کند و دستها را بر زانوها گذارد
و انگشتان را بگشاید چنانچه زانو را در مشت گیرد و زانو را بعقب میل دهد
و پشت را آنقدر خم کند که اگر قطره آبی بر پشتش ریخته شود قرار گیرد و
بطرفی حرکت نکند و گردن را دراز کند و سر را راست بگیرد و بالها

از هم بگشاید و اعضا بر یکدیگر تکیه نکند و زنان دستها را بالاتر از زانو
بگذارند تا بسیار خم نشوند و اعضای ایشان بهم جمع تر باشد و سه مرتبه
بتانی بگوید سُبحانَ رَبِّیَ العَظیمِ وَبِحَمدِه و اگر این تسبیح رکوع و سجود را
یکمرتبه گوید یکثلث نماز کرده باشد و اگر دو مرتبه دو ثلث و اگر هیچ
نگوید هیچ نماز نکرده باشد و پنج مرتبه افضلست و هفت مرتبه افضل از آن
و هرچند بیشتر گوید افضل تر بود مرویست که هر که رکوع را تمام کند از وحشت
قبر ایمن باشد و چون سر از رکوع بردارد و راست بایستد و اگر بعد از
رکوع پشت راست نکند نماز نکرده باشد و ایستاده بگوید سمع الله لمن
حمده الحمد لله رب العالمین اهل الجبروت والکبریاء والعظمة لله رب
العالمین پس همچنان ایستاده تکبیر بگوید و سر از برای سجود رود و هر دو دست را
با هم پیشتر از زانو بر زمین گذارد چنانکه برابر دو زانو باشد و انگشتان
بهم چسبیده برابر قبله باشد و ساعدها از هم بردارد و بالها بگشاید چنانچه
هیچ عضو بر عضو دیگر تکیه نکند و زنان اول بنشینند و زانوها پیشتر از دست
بر زمین گذارند و بعد از آن سجده کنند و اعضا را مجتمع دارند و ساعدها
بر زمین بچسبانند و سجده بهفت عضو باید پیشانی و دو کف دست و
دو زانو و دو انگشت بزرگ پای و سر بینی هفت اول واجب و آخر سنت مرویست

که هر که بینی را بر انچه پیشانی میگذارد ونگذارد نمازش مجزی نباشد ومستحبست
کف دستها را بر چیزی گذاشتن که سجده بران صحیح باشد تا انکه روز
قیامت غل بران نگذارند ودر سجده سه مرتبه یا پنج یا هفت یا بیشتر بگوید
سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ وکسی که سجده را طول دهد ابلیس فریاد کند وگوید
وای او اطاعت کرد ومن معصیت واو سجده کرد ومن سرکشی ومستحبست
که سجده بتربت امام حسین علیه السلم کنند که در میان بنده وخدای تعالی
حجابها بشکافد وتا زمین هفتم را نورانی کند وچون سر از سجده بردارد
وپشت راست کند وبر جانب چپ بنشیند چنانکه هر دو پا از جانب راست
بیرون آید وپشت پای راست را بر کف پای چپ باشد ونشسته تکبیر بگوید
پس بگوید اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَاَتُوبُ اِلَيْهِ پس همچنان نشسته تکبیر بگوید
وسجده دیگر بهمان دستور بکند وچون سر بردارد وتکبیر بگوید وبنشیند
پس برکعت دیگر برخیزد واز سجده راست برپا نخیزد که آن بدعت
جبارانست ودر وقت برخاستن هر دو کف دست بر زمین گذارد و
بگوید بِحَوْلِ اللّٰهِ تَعَالَى وَقُوَّتِهِ اَقُومُ وَاَقْعُدُ واگر خواهد وَاَرْكَعُ وَاَسْجُدُ
نیز زیاده کند وبعد از فراغ از رکعت دویم تکبیر گوید ودستها برداشته
قنوت بخواند هر ذکر ودعائی که خواهد مجزی باشد واقلش آنکه سه مرتبه سبحان الله

گوید وهر چند بیشتر طول دهد روز قیامت راحتش بیشتر باشد وافضل
نمازها آنست که قنوتش طویلتر باشد واز جمله ذکرهای قنوت کلمات
فرج فضل بسیار دارد وبعد از کلمات فرج صلوات فرستد وهر حاجت
ومطلب دنیوی واخروی ورحمت ومغفرت برای خود ودیگران خواهد
بطلبد واز جمله دعاهای ماثوره که متضمن همه اینها باشد اینست اَللّٰهُمَّ
اِنِّي اَسْئَلُكَ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِوُلْدِي وَاَهْلِ بَيْتِي وَاِخْوَانِيَ الْمُؤْمِنِينَ فِيكَ
الْيَقِينَ وَالْعَفْوَ وَالْمُعَافَاتَ وَالرَّحْمَةَ وَالْمَغْفِرَةَ وَالْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَ
الْاٰخِرَةِ ودر نماز صبح این قنوت مستحبست اَللّٰهُمَّ مَنْ كَانَ اَصْبَحَ وَلَهُ ثِقَةٌ
وَرَجَاءٌ غَيْرُكَ فَاَنْتَ ثِقَتِي وَرَجَائِي يَا اَجْوَدَ مَنْ سُئِلَ وَيَا اَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ
اِرْحَمْ ضَعْفِي وَمَسْكَنَتِي وَقِلَّةَ حِيلَتِي وَامْنُنْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ وَفُكَّ رَقَبَتِي
مِنَ النَّارِ وَعَافِنِي فِي نَفْسِي وَفِي جَمِيعِ اُمُورِي بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
ودر نماز جمعه دو قنوت است یکی در رکعت اول پیش از رکوع ویکی در
رکعت دویم بعد از رکوع ودر قنوت اول کلمات فرج را بگوید وبعد از آن
بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ كَمَا اَكْرَمْتَنَا بِهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ اخْتَرْتَهُ لِدِينِكَ وَخَلَقْتَهُ لِجَنَّتِكَ
اَللّٰهُمَّ لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ

الوهاب ودر قنوت دویم این دعا را بخواند که اللهم تم نورك فهديت
فلك الحمد ربنا وبسطت يدك فاعطيت فلك الحمد ربنا ووجهك
اكرم الوجوه وجهتك خير الجهات وعطيتك افضل العطيات واهناها
تطاع ربنا فتشكر وتعصى ربنا فتغفر لمن شئت تجيب المضطر وتكشف
الضر وتشفي السقيم وتنجي من الكرب العظيم لا يجزى بآلائك احد ولا
يحصي نعماءك قول قائل اللهم اليك شخصت الابصار ونقلت الاقدام
ومدت الاعناق ورفعت الايدي وانت دعيت بالالسن واليك
سرهم ونجواهم في الاعمال ربنا اغفر لنا وارحمنا وافتح بيننا وبين قومنا
بالحق وانت خير الفاتحين اللهم انا نشكو اليك غيبة نبينا وشدة
الزمان علينا ووقوع الفتن بنا وتظاهر الاعداء وكثرة عدونا
وقلة عددنا فافرج ذلك يا رب بفتح منك تعجله ونصر منك تعزه
وامام عدل تظهره اله الحق رب العالمين واز حضرت امام همام علي بن موسی
الرضا عليه السلام مرويست كه از كسی پرسيد كه در نماز جمعه چه قنوت ميخوانی
گفت آنچه مردم ميخوانند حضرت فرمود اين قنوت بخوان اللهم اصلح
عبدك وخليفتك بما اصلحت به انبياءك ورسلك وحفه بملائكتك
وايده بروح القدس من عندك واسلكه من بين يديه ومن خلفه

رصدا يحفظونه من كل سوء وابدله من بعد خوفه امنا يعبدك لا يشرك
بك شيئا ولا تجعل لاحد من خلقك على وليك سلطانا واذن له في جهاد
عدوك وعدوه واجعلنا من انصاره انك على كل شيء قدير وبعضی
از علما نقل كرده اند كه در قنوت دستها را برابر روی بگيرد چنانچه انگشتان
برابر قبله بهم چسبيده باشد وچون از قنوت فارغ شود تكبير ركوع گويد
وبعد از سجود بهيأتی كه مذكور شد بنشيند وتشهد باين طريق بخواند
بسم الله وبالله والحمد لله وخير الاسماء لله اشهد ان لا اله الا
الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله ارسله
بالحق بشيرا ونذيرا بين يدي الساعة اشهد انك نعم الرب و
ان محمدا نعم الرسول اللهم صل على محمد وآل محمد وتقبل شفاعته
في امته وارفع درجته وبعد از ان دو بار يا سه بار الحمد لله بگويد
ودر ركعت سيم وچهارم احاديث بسيار وارد شده كه تسبيح وبالحمد
هر دو مساويست هر كدام خواهد بخواند وتسبيح اينست سبحان الله و
الحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر استغفر الله ربي واتوب اليه و
چون سلام دهد چنين گويد السلام عليك ايها النبي ورحمة الله و
بركاته السلام على انبياء الله ورسله السلام على جبرئيل وميكائيل

وَالْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ لَا نَبِيَّ بَعْدَهُ السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الْهَادِينَ الْمَهْدِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ وسلامی که بعد از آن تمام میشود سلام آخر است خواه امام باشد وخواه ماموم وخواه منفرد وباین سلام پیغمبر صلی الله علیه وآله وائمه علیهم السلام را قصد کند وسلامهای دیگر مستحب است وامام بعد از سلام نماز خطاب بمومنین کند وبگوید السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته وماموم بعد از سلام دو سلام گوید یکی جواب امام واگر کسی در جانب راستش باشد باین سلام نیز قصد کند ویکی بجانب چپ اگر کسی باشد واگر نباشد در کار نباشد **فصل هفتم** در ذکر بعضی افعال که در اثنای نماز توان کرد مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که در اثنای نماز ودر هر مقامش که باشد هرچه دعا ومناجات با خدا وذکر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله باشد توان کرد واز نماز خارج نباشد وهر کس در اثنای هر فعل از افعال نماز مثل رکوع وسجود وغیر آن بگوید صلی الله علی محمد وآل محمد آن فعل مضاعف نوشته شود واگر در نماز ذکر آن حضرت بکند ودو صلوات فرستد ده حسنه نوشته شود وهیجده فرشته موکل اند که هر کس در اثنای نماز صلوات فرستد بجانب او بشتابند تا هر کدام را نصیب باشد شتابند و

هرحاجت

وهر حاجت که خواهد برای دنیا وآخرت در اثنای نماز توان خواست خصوصا در سجده که بنده در سجده نزدیکتر است بخدا تعالی از جمیع احوال گریه کردن در نماز از ترس خدا وبرای شوق جنت وخوف نار افضل اعمال ونور چشم مومن است اما برای ذکر اموات نماز را قطع کند **فصل هشتم** در آداب جماعت وآن دو قسمت یکی آداب تعلق بامام ودوم آداب تعلق بماموم وچون امام باداب خود اعرف است از آنکه در این مجموعه حاجت تذکر آن باشد همین اکتفا بذکر آداب ماموم نموده گوئیم مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که اگر کسی نماز بانفراد کرده باشد بعد از آن جماعتی دریابد افضل اینست که اعاده کند که خدا تعالی هر کدام را دوست تر دارد بفریضه وآن دیگر بنافله حساب کند واگر دو رکعت بانفراد بگذارده باشد نیت نافله کند وسلام دهد پس بجماعت بگذارد واگر یک رکعت کرده باشد نیت نافله نموده یک رکعت دیگر بآن ضم کند وسلام دهد واگر ماموم یک مرد باشد در پهلوی راست امام بایستد واگر یک زن باشد در پشت سر بایستد بجانب راست واگر یک مرد باشد ویک زن خواه یکی وخواه بیشتر مرد در پهلوی راست وزنان در عقب بایستند واگر زیاده از یک مرد باشد همه در عقب بایستند واگر ماموم در پهلوی امام ایستاده باشد ودر اثنای نماز دیگری برسد یا امام بیشتر رود یا امام پس تر آید واگر مرد آخر بعد

از رکوع رکعت آخر برسد نه امام و نه ماموم حرکت بکنند بلکه آن مرد در پشت
امام بنشیند و چون امام سلام دهد برخاسته نماز خود را تمام کند و
میان امام و صف اول و همچنین میان هر دو صف فاصله زیاده از
آنکه سجده توان کرد نباشد مرویست که اگر فاصله بیشتر باشد آن امام
برای ایشان امام نباشد و اهل هر صف دوش بدوش بایستند پیش
و پس نباشند و در میان فرجه خالی نباشد تا اگر شیطان بر ایشان دست
نیابد و اگر در صف پیشتر جای خالی بینند بروند تا آن موضع را بگیرند اگر
چه در اثنای نماز باشد مرویست که هیچ گامی نزد الله تعالی دوستر از
گامی نیست که برداری تا صف خالی را پر کنی اما در اثنای نماز بصف عقب
نتوان رفت مگر آنکه جا تنگی کند که درین وقت به پیش و پس و هر جا وسعتی
که آن دارد توان حرکت کرد و یک کس تنها در صف نایستد مگر آنکه در صفوف
جا نباشد که درین وقت تنها تواند ایستاد اما چنان بایستد که محاذی
امام باشد و اگر امام در زمینی پست بایستد و ماموم در موضعی بلند
مثل بام یا سکوئی جایز بود اما عکس آن جایز نبود مگر آنکه زمین سرازیر
باشد که بعض موضعش بقدر یک انگشت یا کمتر یا بیشتر پست تر باشد که درین
وقت جایزاست که امام در موضع بلند بایستد و اگر میان ماموم و امام

برده یا دیواری فاصله باشد نماز ماموم جایز نباشد مگر کسی که در برابر او
باشد اما ستونها که در مساجد میان صفوف واقع میشود ضرری ندارد
و چون امام قراءت کند ماموم را جایز نباشد قراءت کردن مرویست که اگر
کسی با امامی که راضی باشد و اقتدا کند و خود قراءت کند چون بمیرد بغیر
فطرت اسلام محشور شود و در نمازهای اخفاتی ماموم برای خود ذکر کند و
اگر جهری باشد و صدای امام بشنود اگر چه همهمه باشد و کلمات را تمیز
نکند گوش کند و اگر جهری باشد و صدای امام حتی همهمه هم نرسد افضل اینست
که ماموم آهسته خود قراءت کند و اگر اکتفا بقراءت امام کند مجزیست و سایر
اذکار و افعال را خود بجای آورد و در قیام و رکوع و سجود و همه افعال
تابع امام باشد پیشتر نکند و بیشتر سر بر ندارد مگر در تشهد که اگر امام
طول تشهد دهد و ماموم را ضرورتی باشد تواند که پیش از امام سلام دهد
و برود و باید که ماموم اذکار را آهسته گوید و صدای خود با امام نرساند
و چون امام از قراءت حمد فارغ شود و همچنین بعد از رکوع سمع الله لمن حمده
گوید ماموم بگوید سمع الله لمن حمده والحمد لله رب العالمین و ماموم اگر
در اثنای نماز با امام رسد در هر جای نماز باشد تکبیر احرام گوید و داخل نماز
شود و اگر رکوع را دریابد با امام آن رکعت حساب کند و اگر بعد از رکوع

یا در سجود و یا در تشهد داخل شود آن فعل را با امام بجای بیاورد اگرچه
سجدهٔ آخر یا تشهد آخر نماز باشد که فضل جماعت را بآن دریابد اما آنرا
بچیزی حساب نکند و آن زیادتی بنمازش ضرر نکند و چون امام سلام
دهد او سلام ندهد و برخیزد و نماز را بجای آورد و اگر سهواً سلام دهد
ضرر ندارد و برخیزد و نماز را تمام کند و اگرچه بعد از سلام عمداً حرف
زده باشد و چون سلامش از روی سهو بوده باشد ضرر ندارد و بعد
از نماز سجدهٔ سهو کند و اگر تکبیر رکوع را از امام نشنیده باشد احتیاط
اینست که در آن رکوع داخل نشود بلکه چون امام سر بردارد داخل شود
و هرگاه امام تشهد را بخواند و نیز بخواند که موضع تشهد خودش نباشد
که تشهد برکت است اما باید که درست ننشیند و بر سر پا نشیند و چون
تشهد خودش رسد نشسته تشهد بخواند و زود برخیزد تا با امام
ملحق شود و اگر در رکعت دوم با امام برسد با امام قنوت بخواند و همین
قنوت را از قنوت خودش حساب کند مجزیست و اگر سیم و چهارم امام اول
و دویم ماموم باشد چون امام تسبیح گوید او خود حمد و سوره بخواند
و اگر امام رکوع کند و فرصت خواندن سوره نباشد همان الحمد مجزیست
و اما در نماز اخفاتی چون امام قرائت کند او نکند و در جهری چون قرائت

امام را بشنود خود قرائت کند در وقتی که صدا باو نرسد و اگر شخصی
از دور رسد و بیند که امام در رکوع است یا برکوع میرود و ترسد
که تا بصف رسیدن امام سر بردارد در همانجا تکبیر گفته رکوع نماید و اگر
خواهد سجود نیز بکند و بعد از آن برخاسته بصف ملحق شود دیگر اگر
ایستاده باشد بایستد و اگر نشسته باشد بنشیند و اگر خواهد همچنین
در رکوع برود تا ملحق شود و اگر پیش از آنکه امام سر از رکوع یا سجود بردارد
ماموم سر بردارد باز سر بگذارد تا با امام برخیزد و اگر کسی با امام رکوع
کند و بسبب کثرت و ازدحام سجود نتواند کرد تا آنکه داخل رکعت
دیگر شود و در این رکعت با امام رکوع نکند و بر نیت رکعت سابق
سجود با امام کند که آن رکوع با این سجود مجموع یک رکعت شود و اگر سجده
بر نیت همین رکعت کرده باشد با این سجده بهیچ رکعت حساب نشود
بلکه سجدهٔ دیگر بر نیت رکعت سابق کند تا آن تمام شود و اگر بسبب ازدحام
رکوع نیز از و فوت شود تنها رکوع و سجود کند بعد از آن با امام ملحق شود
و اگر در نماز جمعه یک رکعت را با امام دریابد چون امام سلام دهد یک رکعت تنها
گذارد و اگر بعد از رکوع آخر با امام رسد چهار رکعت نماز ظهر را گذارد

باب چهارم در بیان فضیلت دعا و آداب و شرایط و اوقات اجابت دعا و غیره

بدانکه در آیات و احادیث ترغیب بسیار بدعا واقع شده و فضیلت و
ثواب دعا از حیز حصر بیرونست چنانکه از حضرت امام محمد باقر علیه السلم پرسیدند
که کدام عبادت افضل است آنحضرت فرمود که چیزی نزد خدا افضل نیست
از آنکه از و چیزی سوال کنند و حاجتی بخواهند و از امام جعفر ع منقولست
که هر که از فضل خدای سوال نکند و طلب ننماید او فقیر و محتاج شود و حضرت
رسول صلعم فرمود که دعا سلاح مومن است و عماد دین و نور آسمانها و زمینها
و حضرت امام رضا ع اصحاب خود را امر مینموده ببرداشتن سلاح پیغمبران
کسی پرسید که سلاح انبیا چیست آنحضرت فرمود که دعا و در روایت دیگر
هست که نجات میدهد از دشمنان و روان میسازد روزی را و نیز هست که دعا
قضای مبرم را دور میسازد و بلای نازل را دفع میکند و در بعضی روایات
هست که دعا در نماز افضلست از قراءت قرآن و احادیث در این باب بسیارست
و اما شرایط و آداب دعا آنست که داعی بر طهارت باشد و دعا از روی اخلاص
با دل پاک از کدورات و صفات بد و با توجه تمام باشد نه چنانکه بر زبان
دعا کند و در دل غافل باشد و در دعا مبالغه و الحاح بسیار کند و اگر در
برآمدن حاجت تاخیر شود ترک دعا نکند و ناامید نشود و اعتقاد این
داشته باشد که مصلحت او در تاخیر حاجتست و آنچه خدا نسبت به بنده

مومن

مومن میکند محض لطف و عین مصلحت اوست و سزاوار آنست که پیش از
دعا چیزی تصدق کند و استعمال بوی خوش نماید و بمسجد برود و از
روی خضوع و خشوع و گریه و زاری دعا کند و در خبر است که در روز قیامت
هر چشمی گریانست الا سه چشم چشمی که پوشیده شده از چیزهای حرام و
چشمی که بیداری کشیده در راه خدا و چشمی که در دل شب گریسته از ترس
خدای و اگر گریه میسر نباشد خود را بگریه دارد و بصورت گریه کنندگان
در آید و سزاوار آنست که پیش از دعا مدح و حمد و ثنای خدا را بجا آورد
و باسما و اوصاف شریفه او را بستاید و صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله بفرستد
و رو و از دعا ملول نشود و ترک آن نکند و پیش از دعا توبه از گناهان کند بلکه
گناهان خود را ذکر کند و استغفار نماید و نعمتهای خدای عز و جل را بشمارد
و اعتراف کند و از لقمه حرام و شبهه دار اجتناب نماید و سنتست که دست بدعا
بردارد و اگر طلب روزی کند کف دستها را بجانب آسمان پهن سازد و اگر از
پناه بخدا برد کف دستها را بطرف قبله کند و اگر تضرع کند انگشت سبابه را
حرکت دهد و مستحب است که وقت استعا نت بجوید بدعای صالحان و مومنان و در
دعا جمعی را با خود شریک سازد و از امام جعفر علیه السلم منقولست که جمع نشوند
گروه چهل در دعا کردن جهت حاجتی مگر آنکه دعای ایشان مستجاب شود و اگر

چهل کس نباشد چهار کس ده نوبت دعا کنند و از الله تعالی طلب حاجت
کنند ممکن آنکه دعای ایشان مستجاب شود و سزاوار آنست که داعی را حضور قلب
تمام باشد و در وقت دعا اعتقاد او این باشد که بزودی روا میشود و
بعد از دعا از گناهان اجتناب کند تا حاجت او بر آید و سزاوار آنست که
خاتم فیروزه و عقیق در دست او باشد و اختتام دعا بصلوات بر رسول
و آل او باشد و بعد از دعا بگوید ما شاء الله لا قوة الا بالله **اوقات استجابت
دعا** از امام جعفر ع منقولست که دعا را در چهار ساعت طلب کنید نزد
وزیدن بادها و گشتن سایها و آمدن بارانها و اول قطره ریختن خون مومن
مقتول که درهای آسمان در این اوقات بالجمله گشاده میشود و از آنحضرت
منقولست که دعا در چهار وقت مستجاب میشود در نماز وتر و بعد از
فجر و بعد از ظهر و بعد از مغرب و از امیر المومنین علیه السلم منقولست که
در چهار وقت دعا را غنیمت دانید نزد قرائت قرآن و نزد اذان و
نزد آمدن باران و نزد رسیدن دو صف بیکدیگر و در بعضی روایات
هست که در وقت رقت قلب دعا کنید که آن علامت اخلاص است
و از اوقات استجابت دعا وقت سحر است تا طلوع آفتاب که در آن وقت
درهای آسمان گشاده میشود و روزی قسمت میگردد و حاجات روا

میشود

میشود و از احوال اجابت حال سجود است ما بین اذان و اقامت و در روز
جمعه دو ساعت است که دعا مستجاب میگردد یکی وقتی که خطیب از خطبه
جمعه فارغ شود تا وقتی که صفها راست گردد دوم ساعت آخر روز تا غروب
آفتاب و از اوقات اجابت روز جمعه است و شب جمعه و اوقات رمضان
المبارک خصوصا شب نوزدهم و بیست و یکم و شب بیست و سیم و شب
عید فطر و روز عید فطر و اضحی و روز عید غدیر و مباهله و شب نیمه
شعبان و روز استفتاح **و اما مکان استجابت دعا** مسجد الحرام و مسجد
مدینه و مسجد کوفه و مسجد بیت المقدس و روضه حضرت امام حسین
علیه السلم و سایر روضات ائمه علیهم السلم و مساجد شریفه و مزارات شهدا
کوه عرفات و مشعر الحرام و صفا و مروه و کسانی که دعای ایشان مستجاب است
صایم و حاج و معتمر و جهاد کننده در راه خدا و پادشاه عادل و دعا
خصوصا جهت برادر مومن غایبانه و دعای مظلوم در حق ظالم و دعای مریض
در حق کسی که بعیادت او آمده باشد و دعای فرزند صالح در حق مادر
و پدر و دعای والدین در حق فرزند خود قبل از نزول بلا **وجمعی که دعا
ونفرین ایشان مستجابست ده فرقه اند** انبیا و اوصیا و مومنین و کسی
که تمجید و تحمید الهی نماید و کسی که صلوات بر پیغمبر ص و آل او فرستد و کسی که

که استغفار از گناهان کرده حاجت طلب نماید و کسی که ده نوبت
یا الله و یا شش مرتبه یا رباه و یا هفت مرتبه یا سیداه و یا هشت مرتبه
یا رب و هفت یا ارحم الراحمین گفته دعا کند و کسی که در سجده شصت و
شش مرتبه یا الله گوید و کسی که هر بار از آسمانی کرده نوبت باید گفت
چندان بگوید که نفسش قطع شود و بعد از آن دعا کند و کسی که سه نوبت
بگوید یا من یفعل ما یشاء احد غیره و کسی که صد نوبت بگوید یا رب
صل علی محمد و آل محمد بر آورده میشود برای او صد حاجت که سی حاجت
از آن برای دنیا باشد و کسی که حسن ظن بالله تعالی داشته باشد و
کسی که از صمیم قلب مایوس باشد از جمیع مردم و نباشد از برای او امیدی
مگر از الله تعالی و کسی که اعتصام بخالق کند نه بمخلوق و کسی که الله تعالی
ضار و نافع داند و چهل مؤمن که بر یک طلبی دعا کنند و چهار مؤمن که
که بر یک طلب که هر یک ده نوبت دعا کنند و یک مؤمن بر یک طلب چهل
نوبت دعا کند کسی که از دل پاک دعا کند و کسی که مجتنب باشد از لقمهٔ
حرام و کسی که سوال نماید چیزی را که رضای الله تعالی در او باشد بروی
نمیبرد او را الله تعالی از دنیا تا آنکه بدهد آن مطلب را و کسی که دعا کرده باشد
پیش از نزول بلا و مؤمنی که دعا کند برای برادر مؤمن که مواسات کند او را بقول بیت

معصومین

معصومین و کسی که جمعی از مؤمنین را بخانهٔ خود برده اطعام نموده و طلب
دعا نماید و ایشان دعا کنند از برای او مستجاب میشود و مومنی که غایبانه
دعا کند مومنی را مستجاب میشود و بجهت داعی و مدعو له و مومنی که
نفرین کند بر برادر مؤمن که مضطر شده باشد بسوی او و آن مواسات
کند او را با وجود قدرت و غذا کننده در راه خدا خصوصا که دعا کند
برای کسانی که خوب غمخواری کنند با زماندگان او و او عمره گذارنده و حج
کننده بشرح غازی تا وقتی که بخانه خود برگردد و کسی که باستقبال ایشان
رود و مریض خصوصا برای عاید و مریض چون نفرین کند بر کسی که او را بخشم
آورد و ملتنگ کند و سائل چون دعا کند برای معطی وقتی که عطا کرده باشد
او را و والد چون دعا کند بر فرزند خصوصا وقتی که به والد نیکوکار باشد
سیما که والد صالح باشد و والد چون نفرین کند بر فرزندی که عاق باشد
و فرزند صالح برای والدین و روزه دار تا وقت افطار و صایم نزد افطار
و متنعم بنعمتهای حلال بعد از آنی که شکر آن نموده باشد و مظلوم چون
نفرین کند بر ظلم کننده و اگرچه بعد از مدتی باشد و مظلوم چون هر
دعا کند برای کسی که انتقام کشیده باشد از ظالم او و کسی که روز چهارشنبه
و پنجشنبه و جمعه را روزه گرفته نماز حاجت گذارده حاجت طلب کند و

کسی که در ثلث آخر شب جمعه پانزده مرتبه سورهٔ قدر بخواند و دعا کند
وکسی که صد آیه از قرآن خوانده هفت نوبت یا الله کفته بعد از آن دعا
کند وکسی که بکوید لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ رَبُّنا لا اُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وکسی که در وقت
تلاوت قرآن در آیات رحمت تمنی و در آیات عذاب استعاذه نماید
وکسی که بکوید اَللّٰهُمَّ اَنْتَ بِحاجَتِي وَ الْقادِرُ عَلیٰ طَلِبَتِي تَعْلَمُ حاجَتِي
فَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمّا قَضَيْتَها لِي و حاجت طلب کند وکسی که
پیش از وقت در مصلای خود نشسته انتظار وقت نماز کشد
اما کسانی که دعا و نفرین ایشان مستجاب نمیشود بیست و دو کس اند
کسی که الله تعالی را نشناسد وکسی که اعتصام کند بمخلوق نه بخالق و
کسی که از قضای حاجت غیر الله تعالی را شریک داند وکسی که بزبان دعا
کند و دلش غافل و لاهی باشد و نیکان که نفرین کنند بر اشرار در روی
کرا امر بمعروف و نهی از منکر نکنند و اشرار بر ایشان مسلط شوند وکسی
که بحق دعا کند وکسی که عمدا حرام خورده باشد تا چهل روز وکسی که
پیش از نزول بلا دعا نکرده باشد و بعد از آن دعا کند وکسی که بی آداب
و شرایط خصوصا بی ثنا و نعت دعا کند وکسی که ظاهر خود را خوب نماید
و باطنش بد باشد وکسی که سوال المحال نماید وکسی که سوال الغیر حلال کند

وکدایان

وکدایان در بارهٔ خود شان جهت آنکه دروغ میکویند و نفرین دوست بد و دوست
وکسی که قرض دهد و نوشته و شاهد نکیرد وکسی که همه مال خود را صرف
کند هر چند به نیکوئی و تقوی باشد و باز روزی طلبد وکسی که در خانه
نشیند و از الله تعالی روزی طلبد و سعی در راهها نکه فرموده اند نماید
وکسی که نفرین کند همسایه را با وجود امکان فروختن خانه خود وکسی که
نفرین کند بر ذی رحم خود وکسی که نفرین کند بر زن خود با وجود قدرت
بر طلاق وکسی که بنده او سه نوبت کریخته و نفروخته باشد وکسی که
از زین حادث شکسته زود نکذرد بر آنکه در رغبه و رهبه و تضرع و تبتل
و ابتهال و بصبصه و استعاذه در اخبار مختلفه در کیفیت اثر آنها وارد
شده لهذا بترتیب بیان مینماید رغبه یک قسم است یعنی پهن کند دستها را
در وقت سوال بقسمی که باطن آنها بجانب آسمان باشد رهبه یعنی پشت دستها را
بجانب آسمان کند تضرع پنج قسم است اول حرکت سبابه راست بجانب راست
و چپ دویم برداشتن دستها ست سیم حرکت انکشتان است چهارم کذاشتن دستها ست
بر دوشها و بعد از آن پهن کردن پنجم حرکت انکشت سبابه است بجای روی خود
و آن دعای وقت ترس است تبتل نیز بر پنج قسم است اول حرکت دادن سبابه
چپ است بطرف آسمان بتانی و فرود آوردن دویم دستها را بر روی و بالا آوردن

گردانیدن سیم دعا کند بیک انگشت واشاره کند بآن چهارم ایما کند بانگشت
شهادت پنجم بلند کند انگشتان را یکنوبت و فرو کذارد ابتهال برسه قسم است اول
پهن کردن هر دو دست است باذراع بجانب آسمان دویم دستها را بلند
کردن است چندی که از سر بکذرد سیم کشیدن دستهاست برابر رو بطرف
قبله و ابتهال وقتی خوبست که دیده باشد در خود اسباب گریه را و
یا وقتی که جاری شود اشک تبصبص نیز برسه قسم است اول بلند کردن
دو انگشت سبابه است بجانب آسمان وحرکت دادن آنهاست در حال دعا
دویم بلند کردن انگشتانست سیم خواندن الله تعالی است بدو انگشت
استغاثه شکم دستها را بطرف قبله کند و معصومین علیهم السلم فرموده اند
که می باید بنده وقتی که دست برداشته باشد بلد کاه کاهی دستها را
بسر و روی و سینهٔ خود بمالد در آخر دعا که الله تعالی فیض و رحمت خود را
بدستها میکذارد فصل اول در بیان ادعیه مطلقه و اوراد صبح و
شام وغیر آن اما اوراد صبح که از طلوع صبح است تا طلوع آفتاب بدانکه
احادیث بسیار از ائمه علیهم السلم در فضیلت اینوقت وارد شده و این وقت را
ساعت غفلت کویند چنانچه از فرو رفتن آفتاب تا بر طرف شدن
شفق را هم ساعت غفلت مینامند وسنت است که آدمی در اینوقت

بیدار

بیدار باشد زیرا که خواب در اینوقت شوم است و محمد بن بابویه در
من لا یحضره الفقیه نقل نموده که حضرت امام محمد باقر علیه السلم فرمود
که خواب صباح شوم است و روزی را می رماند و رنگ رو را زرد میکند
و متغیر می سازد و آن خواب بی شوم است و بتحقیق که الله تعالی
قسمت میکند روزیهای بنی آدم را در وقتی که میان طلوع فجر است
تا طلوع آفتاب پس حذر کنید از این خواب و باز فقیه نقل نموده
که حضرت ابو الحسن الرضا علیه السلم در تفسیر آیه فالمقسمات امرا فرموده
که مراد فرشتگانند که قسمت میکنند روزیهای بنی آدم را در میان
طلوع صبح تا طلوع آفتاب پس کسی که خواب کند در اینوقت خوابیده است
از روزی خود پس سزاوار آنست که درین وقت مشغول باشد بذکر
و دعا و دعاهائی که در اینوقت فرموده اند و از جهة هر یک فضیلتی
بیان فرموده اند که به تفصیل بیان می نمائیم ذکر [illegible] از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلم منقولست که بعد از فریضه دوازده مرتبه سورهٔ توحید
بخوان و بعد از آن بخوان این دعا را و در اخبار مبالغه بسیار در خواندن
سورهٔ توحید بعد از فریضه نیز شده اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ
الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الطّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبارَكِ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ

وسلطانك القديم يا واهب العطايا يا مطلق الأسارى يا فكاك
الرقاب من النار اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تعتق
رقبتي من النار وان تخرجني من الدنيا آمنا وان تدخلني الجنة
سالما وان تجعل دعائي اوله فلاحا واوسطه نجاحا وآخره صلاحا
انك انت علام الغيوب **وبخوان آية الكرسي تا هم فيها خالدون**
الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تاخذه سنة ولا نوم له ما في
السموات وما في الارض من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه يعلم
ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما
شاء وسع كرسيه السموات والارض ولا يؤده حفظهما وهو
العلي العظيم لا اكراه في الدين قد تبين الرشد من الغي
فمن يكفر بالطاغوت ويؤمن بالله فقد استمسك بالعروة
الوثقى لا انفصام لها والله سميع عليم الله ولي الذين آمنوا
يخرجهم من الظلمات الى النور والذين كفروا اولياؤهم الطاغوت
يخرجونهم من النور الى الظلمات اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون
وآية شهد الله شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم
قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم ان الدين عند الله

الاسلام

الاسلام وما اختلف الذين اوتوا الكتاب الا من بعد ما جاءهم
العلم بغيا بينهم ومن يكفر بآيات الله فان الله سريع الحساب **وآية الملك**
قل اللهم مالك الملك تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء و
تعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير انك على كل شيء قدير تولج الليل
في النهار وتولج النهار في الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت من الحي
وترزق من تشاء بغير حساب **وآية سخره** ان ربكم الله الذي خلق
السموات والارض في ستة ايام ثم استوى على العرش يغشي الليل
النهار يطلبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره
الا له الخلق والامر تبارك الله رب العالمين ادعوا ربكم
تضرعا وخفية انه لا يحب المعتدين ولا تفسدوا في الارض بعد
اصلاحها وادعوه خوفا وطمعا ان رحمت الله قريب من المحسنين
وآية آخر سوره الكهف قل لو كان البحر مدادا لكلمات ربي لنفد البحر قبل
ان تنفد كلمات ربي ولو جئنا بمثله مددا قل انما انا بشر مثلكم
يوحى الي انما الهكم اله واحد فمن كان يرجو لقاء ربه فليعمل
عملا صالحا ولا يشرك بعبادة ربه احدا **واول والصافات**
بسم الله الرحمن الرحيم والصافات صفا فالزاجرات زجرا فالتاليات

ذكرا ان الهكم لواحد رب السموات والارض وما بينهما
ورب المشارق انا زينا السماء الدنيا بزينة الكواكب وحفظا
من كل شيطان مارد لا يسمعون الى الملأ الاعلى ويقذفون من كل
جانب دحورا ولهم عذاب واصب الا من خطف الخطفة فاتبعه
شهاب ثاقب وآيه آخر والصافات سبحان ربك رب العزة عما يصفون
وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين وسه آيه از سوره الرحمن
يا معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات
والارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان فباي آلاء ربكما تكذبان
يرسل عليكما شواظ من نار ونحاس فلا تنتصران وچهار آيه از آخر سوره حشر
لو انزلنا هذا القرآن على جبل لرايته خاشعا متصدعا من خشية
الله وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذي
لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي
لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار
المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور
له الاسماء الحسنى يسبح له ما في السموات والارض وهو العزيز
الحكيم وآيه آخر البقره آمن الرسول بما انزل اليه من ربه والمؤمنون

كل

كل آمن بالله وملائكته وكتبه ورسله لا نفرق بين احد
من رسله وقالوا سمعنا واطعنا غفرانك ربنا واليك المصير
لا يكلف الله نفسا الا وسعها لها ما كسبت وعليها ما اكتسبت
ربنا لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطانا ربنا ولا تحمل علينا اصرا كما
حملته على الذين من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف
عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولانا فانصرنا على القوم الكافرين
منقولست این دعا که بهر نیت بخواند کفایت میشود یا حی یا قیوم یا الله یا
رحمن یا رحیم یا ذا الجلال والاکرام یا نور السموات والارض وما بینهما یا
قریبا غیر بعید یا الله یا رحمن یا رحیم یا ارحم الراحمین بجهت برآمدن مهمات
کلی هفتاد و یکبار بخواند مجربست انشاالله تعالی یا حی یا قیوم یا حلیم
یوم لا ینفع مال ولا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم وازلفت
الجنة للمتقین غیر بعید در میان روز یا در میان شب هر که گوید
در میان خلق برگزیده شود الرافع الذی رفع السما بغیر عمد و هر که
بعد از هر نمازی یکمرتبه بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله
اکبر از سوختن و غرق شدن و خرابه ماندن و خوردن جانوران
درنده و مردن بوجه بد و بلیه که در آن روز نازل شود ایمن باشد

وهر که بعد از نماز صبح وشام پیش از انکه حرف زند و پا را از وضعی که
نشسته است تغییر دهد صد مرتبه بگوید بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَلا
حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ صد نوع بلا از و دفع شود
که سهلترین آن برص وجذام وشیطان وسلطان باشد واگر هفت
مرتبه بگوید هفتاد نوع بلا دفع شود که سهلترین جنون وجذام
وبرص باشد واگر شقی باشد از دیوان اشقیا محو گردد و در زمرهٔ سعدا
ثبت شود واگر بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید باسم اعظم نزدیکتر
باشد از سیاهی چشم بسفیدی واسم اعظم در آن داخل باشد در کافی
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم مرویست کسی که خواهد از بلاها
ایمن باشد اول صبح پیش از انکه احدی را دیده باشد با انگشتر عقیق
در دست کرده نگین او را بطرف دست کرده دست را بر دارد
وسورهٔ انا انزلناه را بخواند ونظر باب عقیق نموده بخواند این دعا را
تا انشاء الله از همه بلاها ایمن باشی دعا اینست بخوان اٰمَنْتُ بِاللّٰهِ وَحْدَهُ
لا شَرِیْکَ لَهُ وَکَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطّاغُوْتِ وَاٰمَنْتُ بِسِرِّ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ
عَلانِیَتِهِمْ وَظاهِرِهِمْ وَباطِنِهِمْ وَاَوَّلِهِمْ وَاٰخِرِهِمْ وبخواند این دعا را
که در کفعمی از صادق علیه السلم منقولست اَللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ کَبِیْرًا

وَسُبْحانَ اللّٰهِ بُکْرَةً وَاَصِیْلًا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِیْنَ کَثِیْرًا لا شَرِیْکَ لَهُ
وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ بجهة عزت یافتن بسیار گوید وبجهة افزونی رزق
وحاجت یا کَرِیْمُ الْکَرِیْمُ الْوَهّابُ ذِی الطَّوْلِ هر که در هر روز بیست و
پنج نوبت بگوید الله تعالی می نویسد بعدد هر مومنی که گذشته و باقیست
اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِیْنَ وَالْمُؤْمِناتِ وَالْمُسْلِمِیْنَ وَالْمُسْلِماتِ تا روز قیامت
حسنه ومحو می کند از آن کس سیئه ورفع میکند برای او درجات
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ کَما هُوَ اَهْلُهُ وَمُسْتَحِقُّهُ هر که بگوید مشغول میسازد نویسندگان
آسمان را وحق تعالی فرماید که بنویسید همچنانکه گفت وثواب آن با من است
وشما ندانید یا مَنْ کَبَسَ الْاَرْضَ عَلَی الْماءِ وَسَدَّ الْهَواءَ بِالسَّماءِ وَ
اخْتارَ لِنَفْسِهِ اَحْسَنَ الْاَسْماءِ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَافْعَلْ بِیْ کَذا وَکَذا
وَارْزُقْنِیْ کَذا کَذا وَکَذا وَعافِنِیْ مِنْ کَذا وَکَذا هر که بخواند
سه چیز باو رسد دوری از آتش وتزویج حور العین ودخول بهشت
یا غَفُوْرُ یا وَدُوْدُ یا ذَا الْعَرْشِ الْمَجِیْدِ فَعّالٌ لِما یُرِیْدُ یا نُوْرَ السَّمٰوٰتِ
وَالْاَرْضِ یا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ یا حَیُّ یا قَیُّوْمُ هر روز بعد از نماز صبح بخواند
که از دیگر روز فوت نشود تا اثرها بیند انشاء الله تعالی اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ
اَسْئَلُکَ صِحَّةً وَتَقْوٰی وَطُوْلَ عُمْرٍ فِیْ حُسْنِ عَمَلٍ وَرِزْقًا واسِعًا

لا تعذبنی علیه این دعا بجهة طول عمر بخوانند البته در کفعمی و
کافی واکثر کتب ادعیه واز حضرت رسول صلی الله علیه وآله مرویست
که هر که بعد از نماز صبح پیش از آفتاب بگوید ده مرتبه و پیش از غروب
ده مرتبه ملاقات نمیکند با خدای تعالی هیچ بنده بعملی افضل از عمل او
مگر کسی که آورده باشد مثل عمل او و بعد از نماز مغرب نیز همین عدد
و کفاره گناهان اوست بخواند پیش از طلوع و غروب لا اله الا الله
وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت ویمیت و
یحیی وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر ده مرتبه
و منقولست از حضرت صادق علیه السلام که تسبیح فاطمه علیها السلام
در هر روزی در عقب هر نمازی دوستر است نزد حق تعالی از هزار
رکعت نماز در هر روز و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که
هیچ بنده عبادت نکرد خدا را بچیزی از تمجید که افضل باشد از تسبیح
فاطمه علیها السلام واگر چیزی افضل از آن می بود آنرا هدیه میکرد رسول
صلی الله علیه وآله بفاطمه علیها السلام و باید نشستن بجهة تعقیب متصل
باشد بنماز رو بقبله و بعد از سلام سه تکبیر بگو و بخوان بلا فاصله
این دعا را که در علل شرایع وغیره منقولست لا اله الا الله الهاً واحداً

ونحن له مسلمون لا اله الا الله لا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین
ولو کره المشرکون لا اله الا الله ربنا ورب آبائنا الاولین
لا اله الا الله وحده وحده وحده انجز وعده ونصر عبده واعز
جنده وغلب الاحزاب وحده فله الملک وله الحمد یحیی ویمیت
وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر و بگو بعد
از تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام را و بلا فاصله بخوان این دعا را که
در کمال الدین
در مکارم واکثر کتب ادعیه از حضرت صادق علیه السلام مرویست
بعد از نماز صبح و شام پیش از آنکه حرف زند و پای را بگرداند این دعا
بخواند الله تعالی صد حاجت او را برآورد هفتاد در دنیا و سی در آخرت
فضل و نفع بسیار فرموده اند لا اله الا الله ان الله وملائکته
یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما
اللهم
ربنا لبیک وسعدیک اللهم صل علی محمد وآل محمد وعلی اهل
بیت محمد وعلی ذریة محمد علیه وعلیهم السلام ورحمة الله وبرکاته
واشهد ان التسلیم منا لهم والایتمام بهم والتصدیق لهم ربنا
آمنا بک وصدقنا رسولک وسلمنا تسلیما ربنا آمنا بما انزلت
واتبعنا الرسول فاکتبنا مع الشاهدین اللهم صب الرزق علینا

صباً صباباً بالغاً للآخرة والدنيا من غير كدٍّ ولا نكدٍ ولا منٍّ من
احدٍ من خلقك الا سعةً من رزقك وطيّباً من وسعك من يديك
المدد عفاً فالامن ايدى لئام خلقك انك على كل شىء قدير اللهم
اجعل النور فى بصرى والبصيرة فى دينى واليقين فى قلبى والاخلاص
فى عملى والسعة فى رزقى وذكرك بالليل والنهار على لسانى والشكر
لك ابداً ما ابقيتنى اللهم لا تجدنى حيث نهيتنى وبارك لى فيما
اعطيتنى وارحمنى اذا توفيتنى انك على كل شىء قدير وسه نوبت
قسم
این استغفار کند که حضرت صادق علیه السلم فرموده باعث مغفرت گناهان
است استغفر الله الذى لا اله الا هو الحى القيوم ذو الجلال والاكرام
واتوب اليه وبخوان این دعا را که در اکثر کتب ادعیه سیما در کفعمی از
حضرت امام رضا علیه السلم مرویست که از وجوب حق ماست بر شیعیان
ما خواندن این دعا در عقب هر فریضه که اللهم ببرك القديم و
رأفتك ببريتك اللطيفة وشفقتك بصنعتك المحكمة وقدرتك
بسرك الجميل صل على محمد وآل محمد واحى قلوبنا بذكرك واجعل
ذنوبنا مغفورة وعيوبنا مستورة وفرايضنا مشكورة ونوافلنا
مبرورة وقلوبنا بذكرك معمورة ونفوسنا بطاعتك مسرورة

وعقولنا

وعقولنا على توحيدك مجبورة وارواحنا على دينك مفطورة و
جوارحنا على خدمتك مقهورة واسمائنا فى خواصك مشهورة
وحوائجنا لديك ميسورة وارزاقنا فى خزائنك مذخورة انت
الله الذى لا اله الا انت لقد فاز من والاك وسعد من ناجاك
وعز من ناداك وظفر من رجاك وغنم من قصدك وربح من
تاجرك وانت على كل شىء قدير اللهم وصل على محمد وآل محمد
واسمع دعائى كما تعلم فقرى اليك انك على كل شىء قدير وبخوان
درکافی این تهلیل را که حضرت امام جعفر صادق علیه السلم ثواب بسیار
فرموده ده نوبت پیش از حرف زدن اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شريك له الهاً واحداً احداً صمداً لم يتخذ صاحبةً ولا ولداً و
بخوان این دعا را که در کمال الدین امام محمد باقر علیه السلم فضل و ثواب
بسیار بیان فرموده اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له
له الملك وله الحمد يحيى ويميت ويميت ويحيى بيده الخير وهو
على كل شىء قدير ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم سبحان
ذى الملك والملكوت سبحان ذى العزة والجبروت سبحان
ذى الكبرياء والعظمة سبحان الحى الذى لا يموت سبحان

ربی الاعلی سبحان ربی العظیم سبحان الله وبحمده کل هذا قلیل
یا رب وعدد خلقك ومداد عرشك ورضا نفسك یا رب ومبلغ
مشیتك وعدد ما احصی کتابك وزنة ما احصی کتابك ومثل
ذلك اضعافا لا تحصی وعدد خلقك وملاء خلقك ومثل ذلك
اضعافا لا تحصی وعدد بریتك ومثل بریتك وملاء بریتك وزنة
بریتك ومثل ذلك اضعافا لا تحصی وعدد ما تعلم وملاء ما تعلم
وزنة ما تعلم ومثل ذلك اضعافا مضاعفة لا تحصی ومن التحمید
والتعظیم والتقدیس والثناء والشکر والتکبیر والمدح والصلوة
علی النبی واهل بیته صلی الله علیه وعلیهم مثل ذلك واضعاف
ذلك وعدد ما خلقت وذرأت وبرأت وعدد ما انت خالقه
من شیء وملاء ذلك کله واضعاف ذلك کله اضعافا لو خلقتهم
فنطقوا بذلك منذ قط الی الابد لا انقطاع له یقولون کذلك
لا یسامون ولا یفترون اسرع من لحظ البصر وکما ینبغی لك وکما
انت له اهل واضعاف ما ذکرت ومثل جمیع ذلك کل هذا قلیل یا
الهی تبارکت وتقدست وتعالیت علوا کبیرا یا ذا الجلال
والاکرام اسئلك علی اثر هذا الدعاء باسمائك الحسنی وامثالك

العلیا

العلیا وکلماتك التامات ان تعافینی فی الدنیا والاخرة واگر پیش از
دخول بنماز خوانده باشد دعای اللهم انی اتوجه الیك بمحمد وال محمد تا آخر
و بعد از نماز بگوید این دعا را که در کافی نقل شده تا بوده باشد با پیغمبر صلی الله
علیه واله اللهم اجعلنی مع محمد وال محمد فی کل عافیة وبلاء واجعلنی
مع محمد وال محمد فی کل مثوی ومنقلب اللهم اجعل محیای محیاهم
ومماتی مماتهم واجعلنی معهم فی المواطن کلها ولا تفرق بینی
وبینهم انك علی کل شیء قدیر و بخواند این دعا را که در مهج از حضرت
صادق علیه السلم منقولست که از حق ماست بر دوستداران و شیعیان
ما اینکه منصرف نشود مردی از ایشان از نماز تا اینکه بخواند این دعا را
و بعد از آن بکند آنچه خواهد اللهم انی اسئلك باسمك العظیم و
بحقك العظیم ان تصلی علی محمد وال محمد الطاهرین وان تصلی
علیهم صلوة تامة دائمة وان تدخل علی محمد وال محمد ومحبیهم
واولیائهم حیث کانوا واین کانوا فی سهل او جبل او بر او بحر من
برکة دعائی ما تقر به عیونهم احفظ یا مولای الغائبین منهم
واردد هم الی اهالیهم سالمین ونفس عن المهمومین وفرج عن
المکروبین واکس العارین واشبع الجائعین وارو الظامئین واقض

دين الغارمين وزوّج العازبين واشف المرضى المسلمين وادخل
على الاموات ما تقرّ به عيونهم وانصر المظلومين من اولياء
آل محمد عليهم السلام واطف نائرة المخالفين اللهم وضاعف
لعنتك وبأسك ونكالك وعذابك على الذين كفرا نعمتك
وخوّنا رسولك واتّهما نبيّك وباينا وحلّا عقده في وصيّته
ونبذا عهده في خليفته من بعده وادّعيا مقامه وغيّرا احكامه
وبدّلا سنّته وقلّبا دينه وصغّرا قدر حججك وبدءا بظلمهم وطرّقا
طريق الغدر عليهم والخلاف عن امرهم والقتل لهم وارهاج
الحروب عليهم ومنعا خليفتك من سدّ الثلم وتقويم العوج
وتثقيف الاود وامضاء الاحكام واظهار دين الاسلام و
اقامة حدود القرآن اللهم العنهما وابنتيهما وكلّ من مال
ميلهم وحذا حذوهم وسلك طريقهم وتصدّر ببدعتهم
لعنا لا يخطر على بال ويستعيذ منه اهل النار اللهم العن
من دان بقولهم واتّبع امرهم ودعا الى ولايتهم وشكّ في كفرهم
من الاوّلين والآخرين ودر كافى واكثر كتب ادعيه مرفوعا منقولست
كردست برداشته اين دعا بخواند اللهم صلّ على محمد وآل محمد واغفر لي

معفرة

ارتكبت

مغفرة عزمًا جزمًا لا تغادر لي ذنبًا ولا اكتسب بعدها ابدًا
محرّمًا وعافني معافاة لا تبتليني بعدها ابدًا واهدني هدى
لا اضلّ بعده ابدًا وعلّمني ما ينفعني وانفعني بما علّمتني و
اجعله حجّة لي لا عليّ وارزقني من فضلك صبًّا صبًّا كفافًا
ورضّني به يا ربّاه وتب عليّ يا الله يا الله يا الله يا رحمن يا
رحمن يا رحمن يا رحيم يا رحيم يا رحيم صلّ على محمد وآله وارحمني
واجرني من النار ذات السعير وابسط لي في سعة رزقك
عليّ واهدني بهديك واغنني بغناك وارضني بقضائك و
اجعلني من اوليائك المخلصين صلّ على محمد وآله آمين و
ابلغ محمدًا صلّى الله عليه وآله تحيّة كثيرة وسلامًا واهدني
لما اختلف فيه من الحقّ بإذنك انّك تهدي من تشاء الى
صراط مستقيم واعصمني من المعاصي كلّها ومن الشيطان الرجيم
آمين ربّ العالمين وبخواند اين دعا را كه در مصباح كبير واكثر كتب
ادعيه منقولست وفضل اين دعا بسيار نقل شده يا شارعًا لملائكته
الدين القيّم دينًا راضيًا به منهم لنفسه ويا خالقًا من سوى
الملائكة من خلقه للابتلاء بدينه ويا مستخصًّا من خلقه

لا يلوي

لدينه رسله الى من دونهم ويا مجازى اهل الدين بما عملوا فى
الدين اجعلنى بحق اسمك الذى كل شىء من الخيرات منسوب اليه
من اهل دينك المؤثرين بالزامكهم حقه وبتعريفك قلوبهم الرغبة
فى اداء حقك فيه اليك لا تجعل بحق اسمك الذى فيه تفصيل
الامور كلها شيئا سوى دينك عندى ابين فضلا ولا الىّ اشد
تحببا ولا بى لاصقا ولا انا اليه منقطعا واغلب لى بالى وهواى
وسريرتى وعلانيتى واشفع بناصيتى الى كل ما تراه لك
منى رضا من طاعتك فى الدين وبخوان اين دعا را كه در كافى
واكثر كتب دعا منقولست كه هر كه بعد از نماز بخواند اين دعا را الله تعالى
خير دنيا و آخرت را براى او جمع نمايد و اكر الحمد و شهد الله و آية
الكرسى و آيه قل اللهم بخواند الله تعالى فرمايد بعزت و جلال خود كه
هر روز بچشم پنهان خود هفتاد مرتبه برو نظر كنم و هر مرتبه هفتاد
حاجت او را بر آورم با قدر كناه كه دارد قبول نمايم اعوذ بوجهك
الكريم وعزتك التى لا ترام وقدرتك التى لا يمتنع منها شىء
من شر الدنيا والآخرة ومن شر الاوجاع كلها ولا حول ولا قوة
الا بالله العلى العظيم و اين دعا را براى حافظه در اكثر كتب ادعيه

خصوصا

خصوصا در كفعمى از حضرت رسول صلعم منقولست سبحان من لا يعتدى
على اهل مملكته سبحان من لا يؤاخذ اهل الارض بالوان العذاب
سبحان الرؤف الرحيم اللهم اجعل لى فى قلبى نورا وفى بصرى
نورا انك على كل شىء قدير و اين دعا در تهذيب از حضرت صادق
عليه السلام منقولست بخوان اللهم اهدنى من عندك وافض على
من فضلك وانشر على من رحمتك وانزل على من بركاتك اين
دعا در كافى از حضرت صادق عم مرويست ترك مكن اين دعا را
كه فضل بسيار دارد و از همه مكاره اللهم انى اصبحت استغفرك

ايمن شود انشاء الله

فى هذا الصباح وفى هذا اليوم لاهل رحمتك وابرأ اليك من
اهل لعنتك اللهم انى اصبحت ابرأ اليك فى هذا اليوم وفى
هذا الصباح ممن نحن بين ظهرانيهم من المشركين ومما كانوا يعبدون
انهم كانوا قوم سوء فاسقين اللهم اجعل ما انزلت من السماء
الى الارض فى هذا الصباح وفى هذا اليوم بركة على اوليائك
وعقابا على اعدائك اللهم وال من والاك وعاد من عاداك
اللهم اختم لى بالامن والايمان كلما طلعت شمس او غربت اللهم
اغفر لى ولوالدى وارحمهما كما ربيانى صغيرا اللهم اغفر للمؤمنين

والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم والاموات
انك تعلم منقلبهم ومثويهم اللهم احفظ امام المسلمين بحفظ
الايمان وانصره نصرا عزيزا وافتح له فتحا يسيرا قريبا واجعل
له ولنا من لدنك سلطانا نصيرا اللهم العن فلانا وفلانا
وفلانا والفرق المختلفة على رسولك وولاة الامر بعد رسولك
والائمة من بعده وشيعتهم واسئلك الزيادة من فضلك والاقرار
بما جاء به من عندك والتسليم لامرك والمحافظة على ما امرت
به لا ابتغي به بدلا ولا اشتري به ثمنا قليلا اللهم اهدني
فيمن هديت وقني شر ما قضيت انك تقضي ولا يقضى عليك ولا
يذل من واليت تباركت وتعاليت سبحانك رب البيت تقبل مني
دعائي وما تقربت به اليك من خير فضاعفه لي اضعافا كثيرة
وآتنا من لدنك اجرا عظيما رب ما احسن ما ابليتني واعظم
ما اعطيتني واطول ما عافيتني واكثر ما سترت علي فلك الحمد
يا الهي كثيرا طيبا مباركا عليه ملء السموات وملء الارض
وملء ما شاء ربي كما يحب ربي ويرضى وكما ينبغي لوجه ربي
ذي الجلال والاكرام وبخواند این دعا را که در محاسن برقی از نبی ص

مرویست که برطرف کننده اسقام وفقر است لا حول ولا قوة الا بالله
العلي العظيم توكلت على الحي الذي لا يموت والحمد لله الذي تا
آخر آیه در سوره اسری است در کافی از امام جعفر علیه السلام فرموده بگو
الله الله ربي الرحمن الرحيم لا اشرك به شيئا وحاجت طلب کننده بر
می‌آید وبخوان این دعا را یا من اظهر الجميل وستر القبيح يا من لم يؤاخذ
بالجريرة ولم يهتك الستر يا عظيم العفو يا حسن التجاوز يا واسع
المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا صاحب كل نجوى يا منتهى كل شكوى
يا قاضي كل حاجة يا مفرج كل كربة يا مقيل العثرات يا كريم
الصفح يا عظيم المن يا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها يا رباه يا الله
يا سيداه يا مولاه يا غياثاه يا غاية رغبتاه اسئلك يا رب بك
وبمحمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين وعلي بن الحسين ومحمد بن
علي وجعفر بن محمد وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد و — و موسى بن جعفر
الحسن بن علي والقائم المهدي الائمة الهادية عليهم السلام ان تصلي على
محمد وآل محمد واسئلك يا الله يا الله ان لا تشوه خلقي بالنار وان تفعل
بي ما انت اهله واسئلك ان لا تجعلني في النار واین دعا را دعای
اهل بیت می‌نامند بجهت برآمدن هر حاجت در کافی واکثر کتب از صادق ع

منقولست وخواندن این دعا در پیشین بعد از نماز فضل بسیار نقل شده
ودر تعقیب پیشین اظهار باید عا شده وبخوان این دعا را بجهت توسعه
رزق مسمی است بدعاء یوسف ع اللّهمّ اجعل لی فرجاً ومخرجاً
وارزقنی من حیث احتسب ومن حیث لا احتسب وبخوان این
دعا را که منقولست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله در کفعمی واکثر
کتب ادعیه با فضل بسیار اللّهمّ انّ مغفرتك ارجی من عملی
وانّ رحمتك اوسع من ذنبی اللّهمّ ان کان ذنبی عندك عظیماً
فعفوك اعظم من ذنبی اللّهمّ ان لم اکن اهلاً ان ابلغ
رحمتك فرحمتك اهل ان تبلغنی لانها وسعت کلّ شیء برحمتك
یا ارحم الراحمین وبخوان این دعا را که در کفعمی واکثر کتب ادعیه از حضرت
علی بن ابی طالب ع فضل بسیار نقل شده وفرموده اند که دعای خضر ع است
یا من لا یشغله سمع عن سمع یا من لا یغلطه السائلون یا من
لا یبرمه الحاح الملحّین اذقنی برد عفوك ومغفرتك وحلاوة
رحمتك وبخوان این دعا را سه مرتبه بجهت عافیت که از حضرت پیغمبر ص
مرویست اللّهمّ انّی اسئلك العفو والعافیة والمعافاة فی الدنیا
والآخرة در تهذیب از صادق ع منقولست که هر که در عقب هر نماز فریضه

بگوید این را کامل میکند خدا تعالی ایمان او را رضیت بالله ربّاً وبمحمّد
نبیّاً وبالاسلام دیناً وبالقرآن کتاباً وبالکعبة قبلةً وبعلیّ ولیّاً
واماماً وبالحسن والحسین وعلیّ ومحمّد وجعفر وموسی وعلیّ ومحمّد
وعلیّ والحسن والحجّة الخلف الصالح ائمّة صلوات الله علیهم اللّهمّ
رضیت بهم ائمّة فارضنی بهم انّك علی کلّ شیء قدیر در کافی مرفوعاً
منقولست که هر که بعد از نماز بگوید در حالتی که ریش خود را گرفته باشد
بدست راست یا ذا الجلال والاکرام ارحمنی من النار سه مرتبه ودر حالتی
که شکم دست چپ را بآسمان برداشته باشد بگوید پس اجرنی من العذاب
الالیم پس شکم هر دو دست را بآسمان کند وبگوید این دعا را یا عزیز
یا حکیم یا کریم یا رحمن یا رحیم وبرگرداند پشت هر دو دست را
بآسمان در نوبت دویم بعد از آن بگوید این دعا را سه مرتبه که اجرنی
من العذاب الالیم وبعد از آن بگوید صلّ علی محمّد وآل محمّد والملائکة
والروح وفقّهنی فی الدین وحبّبنی الی المسلمین واجعل لی لسان صدق
فی الآخرین وارزقنی هیبة المتّقین یا الله یا الله یا الله اسئلك بحقّ
من حقّه علیك عظیم ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد وان تستعملنی بما
عرّفتنی من حقّك وان تبسط علیّ ما قدّرت من رزقك وبخواند

یکمرتبه و یا دو مرتبه این دعا که حضرت صادق ع فرموده که هر یک
از ایشان شنیده اجابت میکند اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد اللّهمّ
اعتقنی من النّار وادخلنی الجنّة وزوّجنی من الحور العین در
کافی واکثر کتب منقولست که جهة ایمن بودن نفس واولاد وخانه
ومال استعاذه نماید باین قسم اعیذ وبروایتی اجیر وحضرت صادق ع
فرموده که این کلمات را نزد هر نماز واجبی بکو که محفوظ می ماند نفس
ومنزل ومال واولاد اجیر نفسی ومالی وولدی واهلی وداری
وکلّما هو منّی بالله الواحد الاحد تا آخر واجیر نفسی ومالی
وولدی وکلّما هو منّی بربّ الفلق تا اخر وبربّ النّاس تا آخر
وبالله لا اله الّا هو الحیّ القیّوم تا آخر هر که بکوید تا آخر در عقب
فریضه یا من یفعل ما یشاء ولا یفعل ما یشاء احد غیره سه مرتبه
انکاه سوال کند که میدهد حق تعالی انچه سوال کرده وسی یا چهل مرتبه
این تسبیحات را بعد را بکوید از نبی صلی الله علیه وآله نفع وثواب بسیار
نقل شده وبعد از ان حاجت طلب کند مستجاب شود سبحان الله والحمد
لله ولا اله الّا الله والله اکبر ولا حول ولا قوّة الّا بالله العلیّ
العظیم سه نوبت بکوید این صلوات را که از حضرت امیر المؤمنین علی ع منقولست

در ثواب

در ثواب الاعمال کر سه یا هفت یا ده نوبت بسم الله الرّحمن الرّحیم وحول و
بخواند که ائمّه علیهم السّلم فرموده اند که ایمن میشوند از امراض کثیره شدیده
ببرکت این دعا اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد فی الاوّلین وصلّ علی
محمّد وآل محمّد فی الآخرین وصلّ علی محمّد وآل محمّد فی الملاء الاعلی و
صلّ علی محمّد وآل محمّد فی المرسلین اللّهمّ اعط محمّدا الوسیلة و
الشّرف والفضیلة والدّرجة الکبیرة اللّهمّ انّی آمنت بمحمّد ولم اره
فلا تحرمنی یوم القیمة رؤیته وارزقنی صحبته وتوفّنی علی
ملّته واسقنی من حوضه مشربا رویّا سائغا هنیئا لا اظما بعده
ابدا انّک علی کلّ شیء قدیر اللّهمّ کما آمنت بمحمّد ولم اره فعرّفنی
فی الجنان وجهه اللّهمّ بلّغ روح محمّد عنّی تحیّة کثیرة و
سلاما در کفعمی واکثر کتب ادعیه از حضرت صادق علیه السلم منقولست
که بخوان الحمد لله الّذی اذهب اللّیل بقدرته وجاء بالنّهار برحمته
خلقا جدیدا ونحن فی عافیة منه بمنّه وجوده وکرمه مرحبا
بالحافظین والتفات کند بطرف راست وبکوید حیّاکما الله من کاتبین
والتفات بطرف چپ کرده بکوید اکتبا رحمکما الله بسم الله اشهد
ان لا اله الّا الله وحده لا شریک له واشهد انّ محمّدا صلّی الله علیه

وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَاَنَّ
اللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ عَلَى ذَلِكَ اَحْيَا وَعَلَيْهِ اَمُوتُ وَعَلَيْهِ
اُبْعَثُ اِنْ شَاءَ اللّٰهُ اَقْرِءْ مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنِّي السَّلَامَ در امالی
منقولست سه مرتبه بلند بخوانند در تعقیب نماز صبح تا سیّما
برسول الله صلی الله علیه وآله اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ لِي دِينِيَ الَّذِي جَعَلْتَهُ
لِي عِصْمَةً سه نوبت اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي جَعَلْتَ فِيهَا مَعَاشِي
سه نوبت اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ لِي آخِرَتِيَ الَّتِي جَعَلْتَ اِلَيْهَا مَرْجِعِي سه نوبت
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَاَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ نَقِمَتِكَ
سه نوبت اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا مَانِعَ لِمَا اَعْطَيْتَ وَلَا
مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ و بخوان انچه اذکار
امام موسی علیه السلم بهلقام تعلیم کرده سُبْحَانَ اللّٰهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ
وَاَسْئَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ هرکه در عقب
نماز صبح بخواند طلب نمیکند هیچ حاجتی مگر انکه میسّر میکرداند حق تعالی
بِسْمِ اللّٰهِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاُفَوِّضُ اَمْرِي اِلَى اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بَصِيرٌ
بِالْعِبَادِ فَوَقَيهُ اللّٰهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ
اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ

نجی

نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ حَسْبُنَا اللّٰهُ رَبِّي وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللّٰهِ
وَفَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ
الْعَظِيمِ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا مَا شَاءَ النَّاسُ مَا شَاءَ اللّٰهُ وَاِنْ كَرِهَ النَّاسُ حَسْبِيَ
الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ حَسْبِيَ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ حَسْبِيَ الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ
حَسْبِيَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ حَسْبِي مَنْ هُوَ حَسْبِي حَسْبِي مَنْ كَانَ مُنْذُ
كُنْتُ حَسْبِي حَسْبِي مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي حَسْبِيَ اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ
تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وهفتاد نوبت بکوید اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ
ویکمرتبه یاده یاصد نوبت بکوید این را اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وده مرتبه سُبْحَانَ اللّٰهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ باحول بکو اداب سجده شکر در طرفی
از ادعیه سجده شکر میباید بعد از هر فریضه و بعد از اتمام تعقیبات
باید که سجده را چنان نماید که سینه خود را بر زمین چسباند و دعاء شکر
کند و پهن شود بر زمین و بهترین وقت استجابت وقت سجده است علی الخصوص
در حالتی که کریه کند آن علامت استجابت است و ادنی انچه مجزیست در سجده
شکر شُكْراً لِلّٰهِ است سی نوبت و اکر صد نوبت بکوید افضلست و این ادعیه را
امام زین العابدین علیه السلم در سجده شکر میفرموده اَللّٰهُمَّ اِنِّي اُشْهِدُكَ
وَاُشْهِدُ مَلَائِكَتَكَ وَاَنْبِيَائَكَ وَرُسُلَكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ بِاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ

در مصباح کبیر و اکثر کتب ادعیه مذکورست

ربي والاسلام ديني ومحمد نبيي وعلي وليي والحسن والحسين و
علي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي
بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والخلف الصالح
صلواتك عليهم اجمعين ائمتي بهم اتولى ومن عدوهم اتبرأ و
هر يك از اين ادعيه را كه نوشته شده سه مرتبه در سجده شكر بگويد
اللهم اني انشدك دم المظلوم سه مرتبه اللهم اني انشدك
بايوائك على نفسك لاوليائك لتظفرنهم على عدوك وعدوهم
ان تصلي على محمد وعلى المستحفظين من آل محمد سه مرتبه اللهم انشدك اني
بايوائك على نفسك لاعدائهم لتهلكنهم وتخزيهم بايديهم و
ايدي المؤمنين ان تصلي على محمد وعلى المستحفظين من آل محمد سه مرتبه
اللهم اني اسألك اليسر بعد العسر و بعد از ان بگذار گونه راست را
بر زمين و بگو سه مرتبه يا كهفي حين تعييني المذاهب وتضيق علي
الارض بما رحبت ويا بارئ خلقي رحمة بي وقد كنت عن خلقي
غنيا صل على محمد وعلى المستحفظين من آل محمد و بعد از ان بگذار
گونه چپ را بر زمين و بگو اين دعا را يا مذل كل جبار ويا معز كل
ذليل قد وعزتك بلغ بي مجهودي ففرج عني و بگو بعد از ان يا

حنان

حنان يا منان يا كاشف الكرب العظام و حاجت خود را طلب كن و
بنا بر نسخه كافى باز بسجده رفته صد نوبت بگو شكرا شكرا و بعد از آن
بخواند دعا را يا سامع الصوت يا سابق الفوت يا بارئ النفوس
بعد الموت صل على محمد وآل محمد و حاجت خود طلب كند بكافى و مصباح كبير
مذكور است كه امير المؤمنين علي عليه السلام در سجده شكر نماز فريضه ميفرمود
اين دعا را كه الهي وعظتني فلم اتعظ وزجرتني عن محارمك فلم
انزجر وغمرتني اياديك فما شكرت عفوك عفوك يا كريم اسألك
الراحة عند الموت واسألك العفو عند الحساب و بخواند اين دعا را
اللهم اغفر لي ما قدمت وما اخرت وما اسررت وما اعلنت و
اسرافي على نفسي وما انت اعلم به مني اللهم انت المقدم والمؤخر
لا اله الا انت بعلمك الغيب وبقدرتك على الخلق اجمعين ما علمت
الحياة خيرا لي فاحيني وتوفني اذا علمت الوفاة خيرا لي اللهم
اني اسألك خشيتك في السر والعلانية وكلمة الحق في الغضب
والرضا والقصد في الفقر والغنى واسألك نعيما لا ينفد وقرة
عين لا تنقطع واسألك الرضا بالقضاء وبركة الموت بعد العيش
بعده وبرد العيش بعد الموت ولذة النظر الى وجهك وشوقا الى رؤ

بيتك

ولقائك من غير ضراء مضرة ولا فتنة مضلة اللهم زينا بزينة
الايمان واجعلنا هداة مهتدين اللهم اهدنا فيمن هديت اللهم
اني اسئلك عزيمة الرشاد والثبات في الامر والرشد واسئلك
شكر نعمتك وحسن عافيتك واداء حقك واسئلك يا رب قلبا
سليما ولسانا صادقا واستغفرك لما تعلم واسئلك خير ما تعلم
واعوذ بك من شر ما تعلم فانك تعلم ولا نعلم وانت علام الغيوب
و از حضرت صادق ع مرویست که هرگاه کسی خواهد که ایمن باشد از جمیع
بلاها و از جمیع شرور و نحوست ایام و محفوظ باشد از همه ترسها باید که
تربت حسین علیه السلم را بدست گیرد و بخواند این دعا را که مشتمل بر
فوائد است سه مرتبه که در امان الاخطار و اکثر کتب معتبره منقولست
اصبحت اللهم معتصما بذمامك المنيع الذي لا يحاول ولا يطاول
من شر كل غاشم وطارق من سائر من خلقت من خلقك الصامت
والناطق في جنة من شر كل مخوف بلباس سابغة ولاء اهل بيت
نبيك محمد صلى الله عليه وآله محتجبا من كل قاصد لي باذية بجدار
حصين الاخلاص في الاعتراف بحقهم والتمسك بحبلهم موقنا
بان الحق لهم ومعهم وفيهم وبهم واوالي من والوا واعادي من

عادوا واجانب من جانبوا واعذني اللهم من شر كل ما اتقيه يا عظيم
حجزت الاعادي عني ببديع السموات والارض انا جعلنا من بين
ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون پس ببوسد
آن تربت مقدس را و بگذارد بر چشمهای خود و بگوید این دعا را
اللهم اني اسئلك بحق هذه التربة وبحق صاحبها وبحق جده وبحق
ابيه وبحق امه وبحق اخيه وبحق ولده الطاهرين اجعلها شفاء
من كل داء واماناً من كل خوف وحفظاً من كل سوء و در روایت دیگر
آمده که بگوید این دعا را سه مرتبه اللهم هذه طينة قبر الحسين عليه السلم
وليك وابن وليك اتخذتها حرزا لما اخاف وما لا اخاف از حضرت
امام جعفر صادق ع که هر که بگوید این دعا را در صبح سه مرتبه پیچیده میشود
بپر ملائکه از شر هر آفتی و بلیه تا شب و اگر شب بگوید پیچیده میشود بپر ملائکه
از شر هر بلیه و آفتی محفوظ می ماند تا صباح اللهم اجعلني في درعك
الحصينة التي تجعل فيها من تريد در امالی از حضرت رسول صلی الله علیه و
آله منقولست که بخواند این دعا را که کفاره گناهان است اللهم انت ربي
لا شريك لك اصبحنا واصبح الملك لله و بخواند این دعا را که در کافی از
حضرت صادق ع منقولست ابتدئ يومي هذا بين يدي نسياني و

عجلتني بسم الله وما شاء الله وهركه هر روز اين دعا را بخواند الله تعالى
از روى كرم متوجه او شود وهركز روان ونكرداند تا داخل بهشت شود
لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله عبودية ورقا لا اله الا الله
ايمانا وتصديقا سجدت لك يا رب تعبدا ورقا در كلينى اين دعا
بجهة سرعت اجابت دعا از امام جعفر صادق ع كه شخصى نزد حضرت
امير المؤمنين على عليه السلام آمد وشكايت كرد كه دعايم مستجاب نميشود
آنحضرت اين دعا را تعليم او كرد كه بجهة اجابت دعا بخواند بسم الله الرحمن
الرحيم اللهم انى اسئلك باسمك العظيم الاعظم الاجل الاكرم
المخزون المكنون النور الحق البرهان المبين الذى هو نور مع نور
ونور من نور ونور فى نور ونور على نور ونور فوق كل نور و
نور تضئ به كل ظلمة وتكسر به كل شدة وكل شيطان مريد
وكل جبار عنيد لا تقر به ارض ولا تقوم به سماء ويا من به
كل خائف ويبطل به سحر كل ساحر وبغى كل باغ وحسد كل
حاسد ويتصدع لعظمته البر والبحر ويستقل به الفلك حين
يتكلم به الملك فلا يكون للموج عليه سبيل وهو اسمك الاعظم
الاعظم الاجل النور الاكبر الذى سميت به نفسك واستويت

به

به على عرشك واتوجه اليك بمحمد واهل بيته اسئلك بك و
بهم ان تصلى على محمد وآل محمد وان تفعل بى كذا وكذا
يعنى مطلب را بكويد وبجو بخوان اين دعا را كه مخصوص است بر تعقيب
نماز صبح اللهم انى اصبحت اشهدك وكفى بك شهيدا واشهد
ملائكتك وحملة عرشك وسكان سمواتك وارضك وانبيائك
ورسلك والصالحين من عبادك وجميع خلقك فاشهد لى و
كفى بك شهيدا انى اشهد انك انت الله وحدك لا شريك لك
وان محمدا صلى الله عليه وآله عبدك ورسولك وان كل معبود
مما دون عرشك الى قرار ارضك السابعة السفلى باطل مضمحل
ما عدا وجهك الكريم فانه اعز واكرم واجل واعظم من ان
يصف الواصفون كنه جلاله او تهتدى القلوب الى كنه
عظمته يا من فاق مدح المادحين فخر مدحه وعدا وصف
الواصفين مآثر حمده وجل عن مقالة الناطقين تعظيم شانه صل
على محمد وآل محمد وافعل بنا ما انت اهله يا اهل التقوى واهل
المغفرة مرويست كه در آسمان فرشته ايست كه هزار هزار سر دارد و در
هر سرى هزار هزار زبان وبا هر زبان هزار هزار لغت خدا را تسبيح ميكند

وقتی از جناب الهی سؤال نمود که آیا کسی از بندگان تو باشد که مثل من
عبادت کند از آنجناب بخطاب رسید که در زمین مرا بنده ایست که
تسبیحش بیشتر است و ثوابش عظیمتر آن فرشته رخصت دیدن
آن بنده یافته آمد و سه روز با او بود زیاده از بن عبادتی از و ندید
که بعد از هر فریضه این تسبیح میگفت سُبْحَانَ اللهِ كُلَّمَا سَبَّحَ اللهَ
شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللهُ اَنْ يُسَبَّحَ وَكَمَا هُوَ اَهْلُهُ وَكَمَا يَنْبَغِي
لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كُلَّمَا حَمِدَ اللهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ
اللهُ اَنْ يُحْمَدَ وَكَمَا هُوَ اَهْلُهُ وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ
وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ كُلَّمَا هَلَّلَ اللهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللهُ اَنْ يُهَلَّلَ وَ
كَمَا هُوَ اَهْلُهُ وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ وَاللهُ اَكْبَرُ
كُلَّمَا كَبَّرَ اللهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللهُ اَنْ يُكَبَّرَ وَكَمَا هُوَ اَهْلُهُ
وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ اَنْعَمَ بِهَا عَلَيَّ وَعَلَى كُلِّ
اَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ مِمَّنْ كَانَ اَوْ يَكُونُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ
اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْئَلُكَ خَيْرَ مَا اَرْجُوا وَاَعُوذُ بِكَ
مِنْ شَرِّ مَا اَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ مَا لَا اَحْذَرُ در کفعمی واکثر کتب ادعیه بعد از نماز صبح

هر روز

هر روز باید خواند اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَحْمَدُكَ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ وَاَسْئَلُكَ مِنْ كُلِّ
خَيْرٍ وَاَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَاَسْتَعِيذُ بِكَ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَلَا
حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ در کفعمی واکثر کتب ادعیه منقولست از حضرت
رسول صلی الله علیه واله که این دعا را بجهة حفظ که هر که در صبح
بخواند در امان خدا باشد او و فرزند او و مال او و رعیت او تا شب
و هر که در شب بخواند همچنین تا صبح و این دعا را فضل و خواص
بسیار فرموده اند بخوان این دعا را بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللهِ خَيْرِ الْاَسْمَاءِ بِسْمِ اللهِ رَبِّ الْاَرْضِ وَالسَّمَاءِ بِسْمِ اللهِ الَّذِي
لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ سَمٌّ وَلَا دَاءٌ بِسْمِ اللهِ اَصْبَحْتُ وَعَلَى اللهِ تَوَكَّلْتُ
بِسْمِ اللهِ عَلَى قَلْبِي وَنَفْسِي بِسْمِ اللهِ عَلَى دِينِي وَعَقْلِي بِسْمِ اللهِ عَلَى اَهْلِي
وَمَالِي بِسْمِ اللهِ عَلَى مَا اَعْطَانِي رَبِّي بِسْمِ اللهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ
اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْاَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اَللهُ اَللهُ
رَبِّي حَقًّا لَا اُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا اَللهُ اَكْبَرُ اَللهُ اَكْبَرُ اَللهُ اَكْبَرُ
اَللهُ اَعَزُّ وَاَجَلُّ مِمَّا اَخَافُ وَاَحْذَرُ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَ
تَقَدَّسَتْ اَسْمَاؤُكَ وَلَا اِلٰهَ غَيْرُكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ
شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ شَدِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ

واگر شب باید بعوض اصبحت امسیت گوید

بِسْمِ اللهِ الشَّافِي بِسْمِ اللهِ الْكَافِي بِسْمِ اللهِ الْمُعَافِي نسخه

بِسْمِ اللهِ لَا اُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا نسخه وَلَا فِي الْاَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ نسخه

ومن شر كل جبار عنيد ومن شر قضاء السوء ومن شر كل دابة
انت اخذ بناصيتها انك على صراط مستقيم وانت على كل شيء
حفيظ ان وليي الله الذي نزل الكتاب بالحق وهو يتولى
الصالحين فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت
وهو رب العرش العظيم فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم
ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلى الله على خير خلقه
محمد واله الطاهرين پس بخوان این دعا را که مخصوص بتعقیب نماز
صبح است و فضیلت بسیار دارد اللهم اصبح ظلمي مستجيرا بعفوك و
اصبحت ذنوبي مستجيرة بمغفرتك واصبح خوفي مستجيرا بامانك
واصبح فقري مستجيرا بغناك واصبح ذلي مستجيرا بعزك واصبح
ضعفي مستجيرا بقوتك واصبح وجهي الفاني مستجيرا بوجهك
الدائم الباقي يا كائنا قبل كل شيء ويا كائنا بعد كل شيء
ويا مكون كل شيء صل على محمد وال محمد واجعل لي من امري فرجا
ومخرجا وارزقني من حيث لا احتسب پس دست راست را برش
کیرد و کف دست چپ بسوی آسمان پهن ساخته هفت نوبت بگو
این دعا را یا رب محمد وال محمد صل على محمد وال محمد وعجل فرج محمد

وال محمد و باز بهمان قسم هفت بار بگو یا رب محمد وال محمد صل على محمد
وال محمد واعتق رقبتي من النار بعد از ان یکمرتبه بگو یا الله یا رحمن
یا رحیم یا حي یا قیوم برحمتك استغيث اللهم انت ثقتي في كل كربة
وانت رجائي في كل شدة وانت لي في كل امر نزل بي ثقة وعدة فاغفر
لي ذنوبي كلها واكشف همي وفرج غمي اللهم اغنني بحلالك
عن حرامك وبفضلك عمن سواك و در اخبار واقع شده که می باید
آخر تعقیبات تو بوده باشد این دعا در فلاح السائل مرویست که واجب است
انکه بوده باشد این دعا آخر انچه دعا کرده میشود بان بعد از نماز اللهم
اني وجهت وجهي اليك واقبلت بدعائي عليك راجيا اجابتك طامعا
في مغفرتك طالبا ما اويت به على نفسك مستجيزا وعدك اذ تقول
ادعوني استجب لكم فصل على محمد واله واقبل الي بوجهك واغفر لي
وارحمني واستجب دعائي يا اله العالمين در بلد الامين و در اکثر کتب
ادعیه مذکور است که الله تعالی بحضرت پیغمبر صلی الله علیه واله فرموده
که حایل نمی ماند میان من و میان داعی که بر آورده می شود حاجت او بسبب
این دعا که یا الله المانع بقدرته خلقه والمالك بها سلطانه والمتسلط
بما في يديه كل مرجو دونك يخيب رجاء راجيه وراجيك مسرور لا
يخيب واسئلك بكل رضى لك من كل شيء انت فيه وبكل شيء تحب

ان تذكر به وبك يا الله فليس يعدل لك شيء ان تصلي على محمد وآل
محمد وان تحوطني ووالدي وولدي واخواني واخواتي ومالي ×
بحفظك وان تقضي حاجتي بجهة افزوني رزق اين دعا واقع است
بسم الله الرحمن الرحيم يا رازق المقلين يا راحم المساكين يا
ولي المؤمنين يا ذا القوة المتين يا ارحم الراحمين ارحمني وارزقني
يا كافي موسى فرعون يا كافي محمد الاحزاب يا من لا تأخذه سنة
ولا نوم يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والاكرام وصلى الله على محمد
وآله بجهة برآمدن مهمات كلي بخواند اين دعا را كه فضيلت بسيار وشرح بسيار
دارد اللهم انت عالم بسرائرنا فاصلحها وانت عالم بحوائجنا فاقضها
وانت عالم بذنوبنا فاغفرها وانت عالم باعدائنا فاهلكها وانت
عالم بامراضنا فاشفها وانت عالم بمهماتنا فاكفها يا قاضي الحاجات
ويا كافي المهمات بحق محمد وآله اجمعين يا ارحم الراحمين دعاي صحيفه كامله است
بخوان اين دعا را در روز شنبه بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله كلمة المعتصمين
ومقالة المتحرزين واعوذ بالله تعالى من جور الجائرين وكيد الحاسدين
وبغي الظالمين واحمده فوق حمد الحامدين اللهم انت الواحد بلا
شريك والملك بلا تمليك لا تضاد في حكمك ولا تنازع في ملكك
اسئلك ان تصلي على محمد عبدك ورسولك وان توزعني من شكر

بطاعتك اللهم اني اسئلك الغنيمة من كل بر والسلامة من
كل اثم والفوز بالجنة والنجاة من النار اللهم لا تدع لنا ذنبا
الا غفرته ولا هما الا فرجته ولا دينا الا اديته ولا حاجة الا
قضيتها اللهم ما كان من خير انت قاسمه لاحد من خلقك
او معطيه احدا من عبادك فاني اسئلك وارغب اليك فيه
يا ارحم الراحمين اللهم اغفر لي ما قدمت وما اخرت وما اعلنت
وما اسررت وما انت اعلم به مني فانك انت المقدم وانت المؤخر
وانت على كل شيء قدير اللهم اني اسئلك بمعاقد العز من
عرشك ومبلغ الرحمة من كتابك واسمك الاعظم وذكرك
الاعلى وكلماتك التامات ان تنظر الي نظرة رحيمة من فوق
عرشك العظيم وبوجهك الكريم الحسن الجميل تغفر بها ذنوبي
وتجعلني من عتقائك وطلقائك من النار يا ارحم الراحمين
دعاي هفته كه از حضرت صادق ع ثواب وفضل ونفع بسيار واقع
شده وبايد كه بخواند اين دعاها هر يك بعد از بسم الله الرحمن الرحيم در هر روز
اين دعا يوم السبت بسم الله الرحمن الرحيم يا من عظم عزه وطلب
ذكره ونفذ امره رب انت بسطت يدك بالرحمة وشرحت قلوب
المخصوصين بمعرفتك والزمتهم بطاعتك اجعلنا منهم و

واحشرنا في زمرتهم يا ذا الجلال والاكرام يا ارحم الراحمين

این دعاء یوم الاحد صحیفه کامله است بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الذي لا ارجو الا فضله ولا اخشى الا عدله ولا اعتمد
الا قوله ولا امسك الا بحبله بك استجير يا ذا العفو والرضوان
من الظلم والعدوان ومن غير الزمان وتواتر الاحزان و
من انقضاء المدة قبل التاهب والعدة واياك استرشد لما فيه
الصلاح والاصلاح وبك استعين فيما يقترن به النجاح والانجاح
واياك ارغب في لباس العافية وتمامها وشمول السلامة و
دوامها واعوذ بك يا رب من همزات الشيطان واحترز
بسلطانك من جور السلاطين فتقبل ما كان من صلاتي و
صومي واجعل غدي وما بعده افضل من ساعتي ويومي و
اعزني في عشيرتي وقومي واحفظني في يقظتي ونومي فانت
الله خير حافظا وهو ارحم الراحمين اللهم اني ابرأ اليك في
يومي هذا وفي ما بعده من الاحاد من الشرك والالحاد واخلص
لك دعائي تعرضا للاجابة واقيم نفسي على طاعتك رجاء
للاثابة فصل على محمد خير خلقك الداعي الى حقك واعزني بعزك
الذي لا يرام واحفظني بعينك التي لا تنام واختم بالانقطاع

اليك

اليك امري وبالمغفرة عمري انك انت الغفور الرحيم

این دعاء یوم الاحد حضرت امیر المومنین علیه السلام

سبحانك اللهم وبحمدك جل ثناؤك و
تقدست اسماؤك وحسن بلاؤك وعظم شانك ولا اله غيرك
لك الحمد قدر عظمتك وسعة حلمك ومنتهى علمك ورضا نفسك
انت اهل الحمد واحق بالحمد واولى به وليس للحمد دونك منقضى
ولا الى غيرك منتهى ولك الحمد على نعمائك كلها ما مضى منها
وما بقي وما ارى منها وما خفي وما شكر منها وما كفر ولك
الحمد في الليل اذا يغشى وفي النهار اذا تجلى ولك الحمد في الاخرة
والاولى سبحان الذي في السماء عرشه سبحان الذي في الارض
قدرته سبحان الذي في البر والبحر سبيله اللهم صل على محمد
وال محمد ولا تشمت بي اعدائي ولا تمكنهم مني واقبض ايديهم
عني واحفظني واحفظ علي ديني اللهم اني ظلمت كثيرا من
عبادك فعوضهم من مظالمهم برضاهم ثم اغفر لي انك انت
الغفور الرحيم اللهم صل على محمد وال محمد كافضل ما صليت
وباركت وترحمت على ابرهيم وال ابرهيم انك حميد مجيد اللهم
اني اسئلك الهدى والتقى والعفة والغنى والعمل بما تحب و
ترضى اللهم بارك لنا في ديننا الذي فيه عصمتنا وفي دنيانا ما

الّتی فیها بلاغنا وفی آخرتنا الّتی الیها مصیرنا واجعل حیوتنا
زیادة لنا فی کلّ خیر ونجّنا من النّار ومن کلّ سوء اللّهمّ
ارزقنا طیّبا واستعملنا صالحا وتوفّنا مسلمین اللّهمّ انّی اعوذ
بك من زوال نعمتك ومن تحویل عافیتك ومن فجاءة نقمتك
واعوذ بك من درك الشّقاء ومن سوء القضاء ومن شرّ ما
سبق به الکتاب اللّهمّ ارحمنا بترك معاصیك ابدا ما
ابقیتنا واحرمنا من تکلّف ما لا یعنینا واعطنا قوّة ونشاطا
فی سبیلك فنسألك ان توسّع علینا من رزقك ما نستدّ به فاقتنا
ونستر به عورتنا ونصل به ارحامنا ونکفّ به جوارحنا عن
الحرام اللّهمّ اجعل النّور فی بصری والبصیرة فی قلبی والصّحّة
فی جسمی والاخلاص فی عملی والسّعة فی رزقی وذکرك علی لسانی
والشّکر لك باللّیل والنّهار ابدا ما ابقیتنی من شأنی انّك ارحم
الرّاحمین وصلّی اللّه علی محمّد النّبیّ وآله الاخیار دعاء یوم الاحد
حضرت صادق ع است بعد از بسمله یا سامع الدّعاء ویا سابغ النّعماء
وجزیل العطاء وعظیم الثّناء احاط بکلّ شیء علما واحصی کلّ شیء
عددا عنت الوجوه وخضعت له الرّقاب وسبّح کلّ شیء بامره لا
یعزب عنك شیء ولا تخفی علیك خافیة اللّهمّ اغفر لنا

بفضلك

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم صحیفه است این یوم الاثنین یا غفور یا عفوّ بفضلك
الحمد للّه الّذی لم یشهد احدا حین فطر السّموات والارض ولا
اتّخذ معینا حین برأ النّسمات لم یشارك فی الالهیّة ولم یظاهر
فی الوحدانیّة کلّت الالسن عن غایة صفته والعقول عن کنه
معرفته وتواضعت الجبابرة لهیبته وعنت الوجوه لخشیته و
انقاد کلّ عظیم لعظمته فلك الحمد متواترا متّسقا ومتوالیا مستوسقا
وصلواته علی رسوله ابدا وسلامه دائما سرمدا اللّهمّ اجعل
اوّل یومی هذا صلاحا واوسطه فلاحا وآخره نجاحا واعوذ بك
من یوم اوّله فزع واوسطه جزع وآخره وجع اللّهمّ انّی استغفرك
لکلّ نذر نذرته ولکلّ وعد وعدته ولکلّ عهد عاهدته ثمّ لم
اف لك به واسألك فی مظالم عبادك عندی فایّما عبد من عبیدك
او امة من امائك کانت له قبلی مظلمة ظلمتها ایّاه فی نفسه او فی
عرضه او فی ماله او فی اهله وولده او غیبة اغتبته بها او
تحامل علیه بمیل او هوی او انفة او حمیّة او ریاء او عصبیّة
غائبا کان او شاهدا وحیّا کان او میّتا فقصرت یدی وضاق
وسعی عن ردّها الیه والتّحلّل منه فاسألك یا من یملك الحاجات
وهی مستجیبة لمشیّته ومسرعة الی ارادته ان تصلّی علی محمّد وآل

محمد وان ترضيه عني بما شئت وتهب لي من عندك رحمة انه
لا تنقصك المغفرة ولا تضرك الموهبة يا ارحم الراحمين اللهم
اولني في كل يوم اثنين نعمتين منك ثنتين سعادة في اوله
بطاعتك ونعمة في آخره بمغفرتك يا من هو الاله ولا يغفر
الذنوب سواه دعاء يوم الاثنين حضرت امير المؤمنين الحمد لله الذي
افتخر بملكه وعلا بجبروته واعتز بعزته وقهر عباده واكتفى في ملكه
وانار في الظلمة بنوره وعلم السر والعلانية ربنا لك الحمد
والنعماء والعزة والعظمة والكبرياء والقدرة والمجد و
الغنى بديع السموات والارض ذو البطش الشديد والقوة المتين
التائب الباعث الوارث المنعم المفضل المتفضل النافع الرافع الرؤف
الرحيم احاط بكل شيء علما واحصى كل شيء عددا رب الارباب و
سيد السادات واله الالهة وجبار الجبابرة ومالك الملوك لا اله
الا هو الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى يسبح له ما في
السموات والارض وهو العزيز الحكيم اللهم صل على محمد وآله
في الاولين وصل على محمد وآله في الآخرين وآته كرامته وتقبل
شفاعته في امته وعظم برهانه وشرف بنيانه وثقل ميزانه
واوردنا حوضه واسقنا بكاسه انك على كل شيء قدير اللهم

اقبض

اقبض عني ايدي الخونة ومكر الماكرين وجور الجائرين فاني اصبحت
محترصا بك لا املك خير ما ارجو ولا استطيع دفع ما احاذر واصبحت
مرتهنا بعملي واصبح الامر بيد غيري يا فارج الهموم يا كاشف
الغموم ويا مجيب دعوة المضطرين لا تعذبني بكثرة ذنوبي واعف
عما تعلم مني فانك تعلم مني ذنوبا كثيرة فان تعذبني فبذنوبي
وان تغفر لي فانت ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد و
اختم لي اجلي بخير واجعل خير عمري آخره وبارك لي في القضاء و
ارزقني التوبة قبل الحسرة ولا تدعني في غفلة ولا تاخذني على
غرة ولا تجعل عاقبة امري خسرا وارزقني قول التوابين واعمالهم
ونور الانبياء وصدقهم ونجاة المجاهدين وثوابهم وشكر المصطفين
ونصحهم وعمل الذاكرين ويقينهم وارزقني من خشيتك ما
يحجزني عن معاصيك ومن طاعتك ما يبلغني رضاك يا ذا الجلال
والاكرام ولا تكلنا الى انفسنا طرفة عين ولا تشمت بنا عدوا ولا
حاسدا ابدا ما ابقيتنا ولا تنزع عنا صالح ما اعطيتنا انك على كل
شيء قدير وصلى الله على محمد وآله وسلم دعاء يوم الاثنين حضرت صادق
اللهم لا اله الا انت سبحانك ما اعظم شانك واشد جبروتك
القادر الحليم اللطيف الخبير اسالك النجاة بعفوك من عقابك يا عفو

يا رحيم دعاء يوم الثلثاء صحيفه كامله بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله و
الحمد حقه كما يستحقه حمدا كثيرا واعوذ به من شر نفسی
ان النفس لامارة بالسوء الا ما رحم ربی واعوذ به من شر الشيطان
الذی يزيدنی ذنبا الی ذنبی واحترز به من كل جبار فاجر و
سلطان جائر وعدو قاهر اللهم اجعلنی من جندك فان
جندك هم الغالبون واجعلنی من حزبك فان حزبك هم
المفلحون واجعلنی من اوليائك فان اوليائك لا خوف عليهم و
لا هم يحزنون اللهم اصلح لی دينی فانه عصمة امری واصلح لی آخرتی
فانها دار مقری واليها من مجاورة اللئام مفری واجعل الحيوة
زيادة لی فی كل خير والوفاة راحة لی من كل شر اللهم صل على
محمد خاتم النبيين وتمام عدة المرسلين وعلى آله الطيبين الطاهرين
واصحابه المنتجبين وهب لی فی الثلثاء ثلثا لا تدع لی ذنبا الا غفرته
ولا غما الا اذهبته ولا عدوا الا دفعته ببسم الله خير الاسماء
بسم الله رب الارض والسماء استدفع كل مكروه اوله سخطه
واستجلب كل محبوب اوله رضاه فاختم لی منك بالغفران يا ولی
الاحسان دعاء يوم الثلثاء امير المؤمنين عليه السلام الحمد لله رب العالمين حمدا
كثيرا طيبا مباركا كما ينبغی لكرم وجهه وعز جلاله الذی

لا تصفه الالسن ولا تهتدی القلوب لكنه عظمته ولا تبلغ الاوهام
شكره الذی خلق الخلق بعلمه وقدر الامور بقدرته واستعبد
الارباب بعزته وساد العظماء بجوده وعلا السادة بمجده واصطفی
الكبرياء والنور والجلال والضياء والمجد والعلو والكرم لنفسه
الحمد لله الذی خضعت الالسنة لمجده وخشعت الاصوات
لهيبته وعنت الوجوه لجلالته ووجلت القلوب من مخافته
الحمد لله الذی يعلم وهم الانفس ووسواس الصدور ونيات
القلوب وخائنة الاعين وما تخفی الصدور اللهم انك
اذنت لی فی الدعاء ووعدتنی الاجابة فنجنی من كل كرب انت
غياث كل مكروب رب اكشف عنی الضر وفرج عنی الحزن فقد
وسعت كل شیء رحمة وعلما اللهم صل على محمد وآل محمد واجز عنی والدی
بما كان من رحمتهما ایای وحرصهما على هدای وجازهما افضل
ما جزيت والدين عن ولدهما واجزهما بالاحسان احسانا وبالسيئات
غفرانا اللهم صل على محمد وآل محمد وتقبل توبتی واغفر حوبتی
واستر عورتی واجبر فاقتی وبارك لی فيما آتيتنی واجعل الانبياء
شفعاء لی اللهم لقنی فی قبری تمام المنطق وقرة العين والسعة
والرحمة فی الموت وفيما بعده اللهم انی اشهدك وحملة عرشك و

ملائكتك ورسلك بأنك أنت الله لا إله إلا أنت الحي القيوم اللهم
اجعل أول يومي هذا صلاحا وأوسطه نجاحا وآخره فلاحا اللهم
لا تدعني في غفلة ولا تأخذني على غرة ولا تجعلني من الغافلين
ولا تكلني إلى نفسي طرفة عين اللهم صل على محمد وآل محمد واجعل
خير عمري آخره واختم بأحسنه واجعل خير أيامي يوم لقائك
يا أرحم الراحمين **دعاء يوم الثلثاء حضرت صادق ع** اللهم أنت قضيت على عبادك
الموت وأنت تتوفى الأنفس عند موتها لا إله إلا أنت تباركت و
تعاليت عما يقول الظالمون علوا كبيرا **دعاء يوم الاربعا صحيفه كامله**
بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي جعل الليل لباسا والنوم
سباتا وجعل النهار نشورا لك الحمد أن بعثتني من مرقدي ولو
شئت لجعلته سرمدا حمدا دائما لا ينقطع أبدا ولا يحصي له الخلائق
عددا اللهم لك الحمد أن خلقت فسويت وقدرت وقضيت
وأمت وأحييت وأمرضت وشفيت وعافيت وأبليت وعلى العرش
استويت وعلى الملك احتويت أدعوك دعاء من ضعفت وسيلته
وانقطعت حيلته واقترب أجله وتدانى في الدنيا أمله واشتدت
إلى رحمتك فاقته وعظمت لتفريطه حسرته وكثرت زلته و
عثرته وخلصت لوجهك توبته فصل على محمد خاتم النبيين وعلى

أهل بيته الطيبين الطاهرين وارزقني شفاعة محمد صلى الله عليه و
آله ولا تحرمني صحبته إنك أنت أرحم الراحمين اللهم اقض لي
في الأربعاء أربعا اجعل قوتي في طاعتك ونشاطي في عبادتك
ورغبتي في ثوابك وزهدي فيما يوجب لي أليم عقابك إنك لطيف
لما تشاء **دعاء يوم الاربعا امير المؤمنين ع** الحمد لله اصطنع عندنا أن نحمده
ونشكره وأن نعبده حمدا كثيرا دائما دائبا واصلا متتابعا
ناميا زائدا صاعدا لا ينقطع أوله ولا يفنى آخره ولا يبيده شيء
ولا ينقطع منه شيء حمدا كثيرا كما هو أهله اللهم استرني
في العورات واصرف عني المكروهات وفرج عني الكربات يا
أرحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد وبارك لي في الموت
إذا جاء واجعل الموت خير غائب ننتظره واجعل ما بعد الموت خيرا
لنا مما قبله اللهم صل على محمد وآل محمد واجعلنا فائزين بالجنة
معافين من النار برحمتك يا أرحم الراحمين اللهم استجب دعائي
وأعطني سؤلي وارحم تضرعي واقبل شكواي وارزقني الذي
رغبت فيه من الجنة وأسألك أن تصلي على محمد وآله وأن تجعلني
في هذه الغداة من عتقائك وطلقائك ومحرريك من النار يا أرحم
الراحمين يا قدوس يا قدوس يا أول الأولين ويا آخر الآخرين يا رحمن

يا رحيم اغفر لي الذنوب التي تغير النعم واغفر لي الذنوب التي تنزل
النقم والذنوب التي تحبس القسم والذنوب التي تهتك العصم
تورث الندم والذنوب التي تهتك العصم والذنوب التي تنزل
البلاء والذنوب التي تمنع الدعاء والذنوب التي تقطع الرجاء
والذنوب التي تمنع غيث السماء والذنوب تظلم الهواء والذنوب
التي تكشف الغطاء الحمد لله الذي جللنا عافيته وجاء بالشمس
من مطلعها ولم يطلعها من المغرب ولم تسجد لها الشمس تجري لمستقر
لها ذلك تقدير العزيز العليم دعاء يوم الاربعاء امام جعفر صادق ع الله اكبر
رفيع الدرجات عظيم البركات مجيب الدعوات معطي المسألات
اسئلك باسمائك الحسنى ان تغفر لي ولوالدي برحمتك يا ارحم
الراحمين دعاء يوم الخميس امام زين العابدين در صحيفه كامله بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي اذهب الليل مظلما بقدرته وجاء بالنهار مبصرا
برحمته وكساني ضياءه وانا في نعمته اللهم فكما ابقيتني له فابقني
لامثاله وصل على النبي محمد وآله ولا تفجعني فيه وفي غيره من
الليالي والايام بارتكاب المحارم واكتساب المآثم وارزقني خيره
وخير ما فيه وخير ما بعده واصرف عني شره وشر ما فيه وشر ما بعده
اللهم اني بذمة الاسلام اتوسل اليك وبحرمة القرآن اعتمد عليك

اغفر لي

وبمحمد

وبمحمد المصطفى صلى الله عليه وآله استشفع لديك فاعرف اللهم
ذمتي التي رجوت بها قضاء حاجتي يا ارحم الراحمين اللهم اقض
لي في الخميس خمسا لا يتسع لها الا كرمك ولا يطيقها الا نعمك سلامة
اقوى بها على طاعتك وعبادة استحق بها جزيل مثوبتك وسعة
في الحال من الرزق الحلال وان تؤمنني في مواقف الخوف بامنك
وتجعلني من طوارق الهموم والغموم في حصنك صل على محمد و
آل محمد واجعل توسلي به شافعا يوم القيمة نافعا انك انت
ارحم الراحمين دعاء يوم الخميس امير المؤمنين علي عليه السلام اللهم ربنا
لك الحمد كله ولك الخلق كله وبيدك الخير كله واليك يرجع الامر
كله علانيته وسره سبحان ذي الملك والملكوت سبحان ذي
العزة والجبروت سبحان الحي الذي لا يموت سبحان الباعث الوارث
سبحان العظيم الاعظم تبارك الله احسن الخالقين اللهم اني
اعوذ بك من الكسل والجهل والقول وسوء العمل واعوذ بك من فقر
يذلني ومن مسكنة تشينني ومن فاقة تضرني ومن غنى يطغيني
ومن حرص يغويني ومن هوى يرديني ومن سقم يلهيني ومن حيوة
تشقيني اللهم اني اعوذ بك من الكفر بعد الايمان ومن الضلالة

بعد الهدى ومن الهوان بعد الكرامة ومن الذل بعد العز ومن
الخلاف بعد الالفة اللهم انت الاول فلا شيء قبلك وانت
الآخر فلا شيء بعدك وانت الظاهر فلا شيء فوقك وانت الباطن
فلا شيء دونك وانت القائم فوق عبادك والباقي بعد خلقك
سبحانك وتعاليت علوا كبيرا اللهم صل على محمد وآل محمد
عبدك ورسولك ونبيك وصفيك وخليلك ونجيك كافضل
ما صليت على احد من خلقك واجمع بيننا وبينهم في دار السلام
واغفر لي ولوالدي ومعارفي وجميع امة محمد صلى الله عليه و
آله واسئلك خير المسئلة وخير الدعاء وخير الدنيا والآخرة
اللهم صل على محمد وآل محمد الطيبين وبارك لنا في انفسنا
واعمالنا ومعايشنا وارزاقنا واسماعنا وابصارنا واجسادنا
واعضائنا واركاننا اللهم صل على محمد وآل محمد ولا تدع
لنا ذنبا الا غفرته ولا سوء الا صرفته ولا عيبا الا اصلحته
ولا كربا الا نفسته ولا دينا الا اديته ولا عورة الا سترتها
ولا حاجة الا قضيتها برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد
وآل محمد وخلصنا من شر الدنيا والآخرة ومن شر الاعداء فانه

لاحول

لا حول ولا قوة الا بك ولا يستطيع احد يخلصني غيرك فاغفر لي
بجودك وكرمك وعظمتك وسلطانك يا ارحم الراحمين الحمد لله
الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي
من الذل وكبره تكبيرا وصلى الله على محمد وآله الطيبين الاخيار
ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم دعاء يوم الخميس امام جعفر صادق ع
اللهم اني اسئلك تؤتي الملك من تشاء وتعز من تشاء وتذل
من تشاء بيدك الخير انك على كل شيء قدير تولج الليل في النهار و
تولج النهار في الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت من الحي و
ترزق من تشاء بغير حساب اللهم اغفر لي ولوالدي وجميع المؤمنين
يوم يقوم الحساب برحمتك يا ارحم الراحمين دعاء يوم الجمعه صحيفه كامله
بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الاول قبل الانشاء والاحياء
والآخر بعد فناء الاشياء العليم الذي لا ينسى من ذكره ولا ينقص
من شكره ولا يخيب من دعاه ولا يقطع رجاء من رجاه اللهم
اني اشهدك وكفى بك شهيدا واشهد جميع ملائكتك ورسلك
وسكان سمواتك وحملة عرشك ومن بعثت من انبيائك ورسلك
وانشات من اصناف خلقك اني اشهد انك انت الله لا اله الا

انت وحدك لا شريك لك ولا عديل ولا خلف لقولك ولا تبديل
وان محمدا صلى الله عليه وآله عبدك ورسولك ادى ما حملته
الى العباد وجاهد في الله عز وجل حق الجهاد وانه بشر بما هو
حق من الثواب وانذر بما هو صدق من العقاب اللهم ثبتني
على دينك ما احييتني ولا تزغ قلبي بعد اذ هديتني وهب لي
من لدنك رحمة انك انت الوهاب صل على محمد وآل محمد و
اجعلني من اتباعه وشيعته واحشرني في زمرته ووفقني لاداء
فرض الجمعات وما اوجبت علي فيها من الطاعات وقسمت
لاهلها من العطاء في يوم الجزاء انك انت العزيز الحكيم دعاء
يوم الجمعة امير المؤمنين علي عليه السلم الله اكبر اهل الكبرياء
والعظمة ومنتهى الجبروت والعزة وولي الغيث والرحمة مالك
الدنيا والآخرة رب الارباب واله الآلهة وجبار الجبابرة
ومبدي الخفيات ومعلن السرائر عظيم الملكوت شديد الجبروت
لطيفا لما يشاء الله اكبر اول كل شيء وآخره بديع كل شيء
ومنتهاه لا اله الا هو خشعت له الاصوات وحارت دونه
الابصار وفاضت اليه القلوب لا يقضي في الامور الا هو ولا

يدبر

يدبر مقاديرها غيره ولا يتم شيئا دونه القادر الحليم اللطيف
الجليل سبحانه جل وعلا ما اعظم شانه واشد جبروته ويسبح
الخلق كلهم له ويشفقون منه ويتضرعون اليه احاط بكل
شيء علما واحصى كل شيء عددا الحمد لله النور ذي النور ومدبر
الامور العظيم شانا العلي مكانا العزيز سلطانا المنير برهانا
وهو يجير ولا يجار عليه الذي لا معقب لحكمه ولا راد لقضائه
اللهم لك الحمد على حلمك بعد علمك وعلى عفوك بعد قدرتك
حمدا يملأ ما خلقت ويبلغ حيث اردت حمدا يكون ارضى الحمد لك
واحب الحمد اليك واقربه منك ولك الحمد عدد القطر والمطر و
ورق الشجر وانفاس الخلق خشع كل شيء لاسمك وذل كل شيء
لملكك ولا تهتدي القلوب لصفتك قد ضلت الاوهام فيك
وكلت الالسن عنك وانتهت العقول دونك تعاليت بقدرتك
وعلوت بسلطانك وقهرت فوق عبادك لا ينقص من سلطانك
من عصاك ولا يزيد في ملكك من اطاعك اللهم صل على محمد
وآل محمد واغفر لي ولوالدي يوم الحساب اللهم اني اسئلك اني
استغفرك من كل ذنب وخطيئة اللهم اني اسئلك [illegible]

بك ولذاذة الشوق إليك والراحة في امرك وشرف الشهادة
والسعادة في سبيلك وان تجعل ذلك في يسر منك وعافية
اللهم اغفر لي ذنوبي واصلح عيوبي وسلم لي ديني وحصن
فرجي واحفظ لي اماناتي انك انت ارحم الراحمين اللهم اجعل
خير عمري آخره واختم لي عملي باحسنه واجعل خير ايامي يوم
القاك واختم يومي هذا بخير يا ارحم الراحمين وصلى الله على
محمد وآله الطيبين ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم دعاء
يوم الجمعة امام جعفر صادق ع اللهم انا نحمدك حمدا دائما ناميا
ابدا سرمدا كما تحب ان نحمد بجميع محامدك على جميع آلائك كلها
اللهم اجعلنا ممن اقام الصلوة بحدودها وادى الصدقات
بحقوقها واجعلنا من الذين سبقت لهم منك الحسنى برحمتك يا
ارحم الراحمين فصل دویم در بیان دعاهای صحیفه کامله وکان من دعائه
علیه السلم اذا عرضت له مهمة او نزلت به ملمة وعند الکرب يا من تحل به
عقد المكاره يا من يفثأ به حد الشدائد يا من يلتمس منه المخرج
الى روح الفرج ذلت لقدرتك الصعاب وتسببت بلطفك الاسباب
وجرى بقدرتك القضاء ومضت على ارادتك الاشياء فهي

بمشيتك

بمشيتك دون قولك مؤتمرة وبارادتك دون نهيك منزجرة انت
المدعو للمهمات وانت المفزع في الملمات لا يندفع منها الا ما دفعت
ولا ينكشف منها الا ما كشفت وقد نزل بي يا رب ما قد تكادني
ثقله وألم بي ما قد بهظني حمله وبقدرتك اوردته علي و
بسلطانك وجهته الي فلا مصدر لما اوردت ولا صارف لما
وجهت ولا فاتح لما اغلقت ولا مغلق لما فتحت ولا ميسر لما عسرت
ولا ناصر لمن خذلت فصل على محمد وآله وافتح لي يا رب باب الفرج
بطولك واكسر عني سلطان الهم بحولك وانلني حسن النظر فيما شكوت
واذقني حلاوة الصنع فيما سالت وهب لي من لدنك رحمة وفرجا
هنيئا واجعل لي من عندك مخرجا وحيا ولا تشغلني بالاهتمام عن
تعاهد فروضك واستعمال سنتك فقد ضقت لما نزل بي يا رب
ذرعا وامتلات بحمل ما حدث علي هما وانت القادر على كشف
ما منيت به ودفع ما وقعت فيه فافعل بي ذلك وان لم استوجبه
منك يا ذا العرش العظيم وكان من دعائه عليه السلم في الصحيفة اذا سال الله
العافية وشكرها اللهم صل على محمد وآله والبسني عافيتك وجللني
عافيتك وحصني بعافيتك واغنني بعافيتك وتصدق علي بعافيتك

وهب لي عافيتك وافرشني عافيتك واصلح لي عافيتك ولا تفرق
بيني وبين عافيتك في الدنيا والاخرة اللهم صل على محمد واله و
عافني عافية كافية شافية عالية نامية عافية تولد في بدني
العافية عافية الدنيا والاخرة وامنن علي بالصحة والامن
والسلامة في ديني وبدني والبصيرة في قلبي والنفاذ في اموري
والخشية لك والخوف منك والقوة على ما امرتني به من طاعتك
والاجتناب لما نهيتني عنه من معصيتك اللهم وامنن علي
بالحج والعمرة وزيارة قبر رسولك صلواتك ورحمتك وبركاتك
عليه وعلى اله وال رسولك عليهم السلام ابدا ما ابقيتني في
هذا وفي كل عام واجعل ذلك مقبولا مشكورا مذكورا لديك
مذخورا عندك وانطق بحمدك وشكرك وذكرك وحسن الثناء
عليك لساني واشرح لمراشد دينك قلبي واعذني وذريتي من
الشيطان الرجيم ومن شر السامة والهامة والعامة واللامة و
من شر كل شيطان مريد ومن شر كل سلطان عنيد ومن شر كل
مترف حفيد ومن شر كل ضعيف وشديد ومن شر كل شريف و
وضيع ومن شر كل صغير وكبير ومن شر كل قريب وبعيد ومن

شر كل من نصب لرسولك ولاهل بيته حربا من الجن والانس ومن
شر كل دابة انت اخذ بناصيتها انك على صراط مستقيم اللهم
صل على محمد واله ومن ارادني بسوء فاصرفه عني وادحر عني
مكره وادرأ عني شره ورد كيده في نحره واجعل بين يديه
سدا حتى تعمي عني بصره وتصم عن ذكري سمعه وتقفل دون
اخطاري قلبه وتخرس عني لسانه وتقمع رأسه وتذل عزه و
تكسر جبروته وتذل رقبته وتفسخ كبره وتؤمنني من جميع
ضره وشره وغمزه وهمزه ولمزه وحسده وعداوته وحبائله ومصائده
ورجله وخيله انك انت عزيز قدير وكان من دعاء علي بن الحسين ع
في الصحيفة الكاملة في الاستعاذة من المكاره وسوء الاخلاق و
درپناه گرفتن　از مکروهات　دبر بها، خلقها
مذام الافعال اللهم اني اعوذ بك من هيجان الحرص وسورة
ومنزلت فعلها
الغضب وغلبة الحسد وضعف الصبر وقلة القناعة وشكاسة
الخلق والحاح الشهوة وملكة الحمية ومتابعة الهوى ومخالفة
الهدى وسنة الغفلة وتعاطي الكلفة وايثار الباطل على الحق والاصرار
على المأثم واستصغار المعصية واستكبار الطاعة ومباهات المكثرين
والازراء بالمقلين وسوء الولاية لمن تحت ايدينا وترك الشكر لمن اصطنع

العارفة عندنا او ان نعضد ظالما او نخذل ملهوفا او نروم
ما ليس لنا بحق او نقول في العلم بغير علم ونعوذ بك ان ننطوي
على غش احد وان نعجب باعمالنا ونمد في آمالنا ونعوذ بك
من سوء السريرة واحتقار الصغيرة وان يستحوذ علينا الشيطان
او ينكبنا الزمان او يتهضمنا السلطان ونعوذ بك من تناول
الاسراف ومن فقدان الكفاف ونعوذ بك من شماتة الاعداء و
من الفقر الى الاكفاء ومن معيشة في شدة وميتة على غير عدة
ونعوذ بك من الحسرة العظمى والمصيبة الكبرى واشقى الشقاء وسوء
المآب وحرمان الثواب وحلول العقاب اللهم صل على محمد وآله و
اعذني من كل ذلك برحمتك وجميع المؤمنين والمؤمنات يا ارحم
الراحمين **شرح دعای معراج** از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده
که حضرت رسول صلعم فرمود که در شب معراج چون باسمان رفتم حجابی
بعد از حجاب دیگر قطع میکردم تا آنکه هفتاد هزار حجاب قطع کردم
میانه هر دو حجاب هفتاد هزار برابر ما بین مشرق و مغرب بود تا رسیدم
بحجاب قدرت این دعا را دیدم در آنجا نوشته بنور کسی گفت بمن که یا محمد
تعلیم مکن این دعا را مگر بمؤمنان امت خود هر که بخواند این دعا را گشاده شود

جهت او درهای آسمان و نظر رحمت بسوی او میکند و دفع میکند غم
وهم و حزن او را و ادا میکند دین او را و می بخشد گناه او را و میدهد باو
مثل آنچه داده به پیغمبران و صدیقان و بنا میکند بجهت او در بهشت هزار
قصر از در و یاقوت و خدای عز و جل بجانب او در روزی سیصد و شصت
نظر لطف میکند و ندا میکند بسوی او فرشته از آسمان که کار خود از سر گیر
که خدای تعالی مغفور ساخت ترا و پدر و مادر ترا و همسایگان ترا و بدل
ساخت خدای تعالی گناهان ترا بحسنات و داد بتو ثواب عبادت هفتاد
هزار سال و جمع کرد بجهت تو خیر دنیا و آخرت و هر که بنویسد این دعا را
بمشک و زعفران و بیماری بخورد شفا یابد و هر که بنویسد و با خود دارد
ایمن شود از حاکم ظالم و شیطان و دزدان و از رفتار در مانده نشود و همه
حاجتهای شرعی او بر آید و هر که این دعا را بر طفل کوچک بیاویزد ایمن
شود آن طفل از مار و عقرب و جمیع بدیها و هر که بنویسد و بیاشامد ایمن
شود از جمیع دردها و چیزی فراموش نکند و هر که این دعا را بخواند در حالتی
که اراده مطلبی داشته باشد آسان گرداند الله تعالی بجهت او آن کار را و اگر
این دعا را در منزل خود بگذارد فراخ گرداند الله تعالی بر وی روزی او و او را ایمن
گرداند منزل او را از هر بدی بحق کسی که ترا براستی بخلق فرستاده که اگر جمع

شوند جن و انس و فرشتگان و مثل ایشان هزار برابر از آن زمان که الله تعالی
دنیا را آفریده تا روز قیامت نتوانند شمرد ثواب این دعا را و این دو سطر از
دعاهاست نزد الله تعالی پس بگردان او را وسیلهٔ خود بسوی الله تعالی
و بیاموز و تعلیم کن این دعا را بخوبان امت خود که این گنجیست از گنجهای بهشت
و از جهت گرامی تو نزد خدای عز و جل و مخصوص گردانیده بتو بان و دعا کنند
بآن امت تو و دعای ایشان مستجاب شود و بخشیده شود گناهان ایشان
و هر که قدرت برخواندن این دعا نداشته باشد این دعا را برابر خود گذارد
و بگوید اللهم بحق هذا الدعا و بحق من انزله و بحق من نزل به و بحق من نزل
علیه الا صلیت علی محمد و آل محمد و قضیت حاجتی یعنی خدایا بحق این دعا
و بحق هر که نازل ساخت این دعا را و بحق هر که فرو آمد این دعا بر او که رحمت
فرست بر محمد و آل او و بر آور حاجت مرا پس حضرت رسول صلعم فرمود که
حمد مر خدا را که انعام کرد بر من این دعا اللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ یا مَنْ اَقَرَّ لَهُ
بِالْعُبُودِیَّةِ كُلُّ مَعْبُودٍ یا مَنْ یَحْمَدُهُ كُلُّ مَحْمُودٍ یا مَنْ یُطْلَبُ عِنْدَهُ كُلُّ مَفْقُودٍ
یا مَنْ سائِلُهُ غَیْرُ مَرْدُودٍ یا مَنْ بابُهُ عَنْ سُؤالِهِ غَیْرُ مَسْدُودٍ یا مَنْ
هُوَ غَیْرُ مَوْصُوفٍ وَلا مَحْدُودٍ یا مَنْ عَطاؤُهُ غَیْرُ مَمْنُوعٍ وَلا مَنْكُودٍ
یا مَنْ لَیْسَ بِبَعِیدٍ وَهُوَ نِعْمَ الْمَقْصُودُ یا مَنْ رَجاءُ عِبادِهِ بِحَبْلِهِ مَشْدُودٌ

یا مَنْ شِبْهُهُ وَمِثْلُهُ غَیْرُ مَوْجُودٍ یا مَنْ لَیْسَ بِوالِدٍ وَلا مَوْلُودٍ یا مَنْ
كَرَمُهُ وَفَضْلُهُ لَیْسَ بِمَعْدُودٍ یا مَنْ حَوْضُ بِرِّهِ لِلْاَنامِ مَوْرُودٌ
یا مَنْ لا یُوصَفُ بِقِیامٍ وَلا قُعُودٍ یا مَنْ لا تَجْرِی عَلَیْهِ حَرَكَةٌ وَلا
جُمُودٌ یا اَللّٰهُ یا رَحْمٰنُ یا رَحِیمُ یا وَدُودُ یا راحِمَ الشَّیْخِ الْكَبِیرِ یَعْقُوبَ
یا غافِرَ ذَنْبِ داوُدَ یا مَنْ لا یُخْلِفُ الْوَعْدَ وَیَعْفُو عَنِ الْمَوْعُودِ
یا مَنْ رِزْقُهُ وَسِتْرُهُ لِلْعاصِینَ مَمْدُودٌ یا مَنْ هُوَ مَلْجَاُ كُلِّ مُقْصًی
مَطْرُودٍ یا مَنْ دانَ لَهُ جَمِیعُ خَلْقِهِ بِالسُّجُودِ یا مَنْ لَیْسَ عَنْ نَیْلِهِ وُجُودُهُ
اَحَدٌ مَصْدُودٌ یا مَنْ لا یَحِیفُ فِی حُكْمِهِ وَیَحْلُمُ عَنِ الظّالِمِ الْعَنُودِ
اِرْحَمْ عُبَیْدًا خاطِئًا لَمْ یُوفِ بِالْعُهُودِ اِنَّكَ فَعّالٌ لِما تُرِیدُ یا بارِیُ
یا وَدُودُ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ خَیْرِ مَبْعُوثٍ دَعا اِلی خَیْرِ مَعْبُودٍ وَعَلی آلِهِ
الطّاهِرِینَ مِنْ اَهْلِ الْكَرَمِ وَالْجُودِ وَافْعَلْ بِنا ما اَنْتَ اَهْلُهُ یا اَرْحَمَ
الرّاحِمِینَ فصل سیم در بیان ادعیه روز جمعه و دعای حمام و فضیلت آن مرویست از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلم این دعا را بخوان که از واجبی روز
جمعه است و در جمال الاسبوع منقولست اَلسَّلامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْیَوْمُ الْجَدِیدُ
الْمُبارَكُ الَّذِی جَعَلَهُ اللّٰهُ عِیدًا لِاَوْلِیائِهِ الْمُطَهَّرِینَ مِنَ الْاَدْناسِ الْخارِجِینَ
مِنَ الْبَلْوَی الْمَكْرُوبِینَ مَعَ اَوْلِیائِهِ الْمُصْطَفَیْنَ مِنَ الْعَكَرِ الْباذِلِینَ

انفسهم في محبّة اولياء الرّحمن تسليماً السّلام عليكم سلاماً دائماً ابداً
والتفات كن بسوی آفتاب وبخوان اين دعا را السّلام عليك ايّتها
الشّمس الطّالعة والنّور الفاضل البهيّ اشهدك بتوحيدي لله
لتكون شاهدي اذا ظهر الرّبّ لفصل القضاء وفي عالم الجديد
اللّهمّ انّي اعوذ بك وبنور وجهك الكريم ان تشوّه خلقي وان
تردّد روحي في العذاب بنورك المحجوب عن كلّ ناظر نوّر قلبي
فانّي انا عبدك وفي قبضتك ولا ربّ لي سواك اللّهمّ انّي
اتقرّب اليك بقلب خاضع والى نبيّك ببدن خاشع والى الائمّة
الرّاشدين بفؤاد متواضع والى النّقباء الكرام والنّجباء الاعزّة بالذّل
وارغم انفي لمن وحّدك ولا اله غيرك ولا خالق سواك واصعّر
خدّي لاوليائك المتّقين وانفي عنك كلّ ضدّ وندّ فانا عبدك
الذّليل المعترف بذنوبي واسئلك يا سيّدي حطّها عنّي و
تخلّصني من الادناس والادجاس الهي وسيّدي قد انقطعت
عن ذوي القربى واستغنيت بك عن اهل الدّنيا متعرّضاً لمعروفك
اعطني من معروفك معروفاً تغنيني به عمّن سواك وبعد از
نماظهر جمعه پيش از حركت از هيئت تشهّد بخوان حمد و توحيد و

قل اعوذ بربّ الفلق وقل اعوذ بربّ النّاس هر يك را هفت مرتبه وآية
الكرسي وآيه سخره وآخر سوره توبه وآخر سوره حشر هر يك را از اين آيات
يكمرتبه وبعد از ان بگويد اين دعا را اللّهمّ اجعلني من اهل الجنّة
الّتي حشوها البركة وعمّارها الملائكة مع نبيّنا محمّد وآله و
ابينا ابرهيم تا بسبب اين قرائت محفوظ مي ماند تا هفته ديگر و
بسبب اين دعا مي باشد با محمّد صلّى الله عليه وآله وابرهيم ودر روز
جمعه هفتاد مرتبه استغفار كند وصد مرتبه بگويد اين دعا را كه
در اكثر كتب منقولست اللّهمّ اجعل صلواتك وصلوات ملائكتك
وانبيائك ورسلك وجميع خلقك على محمّد واهل بيت محمّد عليه
وعليهم السّلام ورحمة الله وبركاته وبعد از نماز عصر اين صلوات را
كه چند بن حديث صحيح در كافي وغيره وارد شده هفت بار بگويد
اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد الاوصياء المرضيّين بافضل صلواتك
وبارك عليهم بافضل بركاتك والسّلام على ارواحهم واجسادهم
ورحمة الله وبركاته ودر روز جمعه دو ساعتست كه دعا در ان البتّه
مستجاب ميگردد يكي وقت زوال ودوم آخر روز تا آنكه آفتاب غروب كند
ومستحبّ است در ساعت آخر اين روز خواندن دعاى سمات كه مرويست از امام

محمد بن علی الباقر علیه السلام که این دعا از عیق مکنون و مخزون علم است
پس برای حاجات و هلاک دشمنان ما بخوانید و باطفال و سفها و
ظالمان و منافقان اظهار آن نکنید و اگر قسم یاد کنیم که اسم اعظم درین دعاست
داست گفته باشیم **دعای سمات** اللهم انی اسئلك باسمك العظیم الاعظم
الاعز الاجل الاکرم الذی اذا دعیت به علی مغالق ابواب الارض
للفرج بالرحمة انفرجت واذا دعیت به علی العسر للیسر تیسرت و
اذا دعیت به علی کشف البأساء والضراء انکشفت وبجلال وجهك
الکریم اکرم الوجوه واعز الوجوه الذی عنت له الوجوه وخضعت له الرقاب
وخشعت له الاصوات ووجلت له القلوب من مخافتك وبقوتك
التی تمسك السماء ان تقع علی الارض الا باذنك وتمسك السموات و
الارض ان تزولا وبمشیتك التی دان لها العالمون وبکلمتك التی خلقت
بها السموات والارض وبحکمتك التی صنعت بها العجائب وخلقت
بها الظلمة وجعلتها لیلا وجعلت اللیل سکنا وخلقت بها النور و
جعلته نهارا وجعلت النهار نشورا مبصرا وخلقت بها الشمس و
جعلت الشمس ضیاء وخلقت بها القمر وجعلت القمر نورا وخلقت بها
الکواکب وجعلتها نجوما وبروجا ومصابیح وزینة ورجوما وجعلت

لها مشارق ومغارب وجعلت لها مطالع ومجاری وجعلت لها
فلکا ومسابح وقدرتها فی السماء منازل فاحسنت تقدیرها و
صورتها فاحسنت تصویرها واحصیتها باسمائك احصاء فسمیتها
اسماء بحکمتك ودبرتها تدبیرا فاحسنت تدبیرها وسخرتها بسلطان
اللیل وسلطان النهار والساعات وعدد السنین والحساب وجعلت
رؤیتها لجمیع الناس مری واحدا واسئلك اللهم بمجدك الذی کلمت
به عبدك ورسولك موسی بن عمران علیه السلام فی المقدسین فوق
احساس الکروبین فوق غمائم النور فوق تابوت الشهادة فی عمود النار
وفی طور سیناء وفی جبل حوریث وفی الواد المقدس فی البقعة المبارکة
من جانب الطور الایمن من الشجرة وفی ارض مصر بتسع آیات بینات ویوم
فرقت لبنی اسرائیل البحر وفی المنبجسات التی صنعت بها العجائب فی
بحر سوف وعقدت ماء البحر فی قلب الغمر کالحجارة وجاوزت
ببنی اسرائیل البحر وتمت کلمتك الحسنی علیهم بما صبروا واورثتهم
مشارق الارض ومغاربها التی بارکت فیها للعالمین واغرقت فرعون
وجنوده ومراکبه فی الیم وباسمك العظیم الاعظم الاعظم الاعز
الاجل الاکرم وبمجدك الذی تجلیت به لموسی کلیمك فی طور سیناء

ولابرهيم خليلك عليه السلام من قبل في مسجد الخيف ولاسحق صفيك
عليه السلام في بئر شيع وليعقوب نبيك عليه السلام في بيت ايل
واوفيت لابرهيم عليه السلام بميثاقك ولاسحق عليه السلام بحلفك
وليعقوب عليه السلام بشهادتك وللمؤمنين بوعدك وللداعين
باسمائك فاجبت وبمجدك الذي ظهر لموسى بن عمران عليه السلام
على قبة الرمان وبآياتك التي وقعت على ارض مصر بمجد العزة
والغلبة بآيات عزيزة وبسلطان القوة وبعزة القدرة وبشان
الكلمة التامة وبكلماتك التي تفضلت بها على اهل السموات
والارض واهل الدنيا والاخرة وبرحمتك التي مننت بها على جميع
خلقك وباستطاعتك التي اقمت بها على العالمين وبنورك الذي
قد خر من فزعه طور سيناء وبعلمك وجلالك وكبريائك
وعزتك وجبروتك التي لم تستقلها الارض وانخفضت لها السموات
وانزجر لها العمق الاكبر وركدت لها البحار والانهار و
خضعت لها الجبال وسكنت لها الارض في مناكبها واستسلمت لها
الخلائق كلها وخفقت لها الرياح في جريانها وخمدت لها النيران
في اوطانها وبسلطانك الذي عرفت لك به الغلبة دهر الدهور

وحمدت به في السموات والارضين وبكلمتك كلمة الصدق التي
صدقت لابينا آدم عليه السلام وذريته بالرحمة واسئلك بكلمتك
التي غلبت كل شيء وبنور وجهك الذي تجليت به للجبل فجعلته
دكا وخر موسى صعقا وبمجدك الذي ظهر على طور سيناء فكلمت
به عبدك ورسولك موسى بن عمران عليه السلام وبطلعتك
في ساعير وظهورك في جبل فاران بربوات المقدسين و
جنود الملائكة الصافين وخشوع الملائكة المسبحين و
ببركاتك التي باركت فيها على ابرهيم خليلك عليه السلام في امة
محمد صلى الله عليه وآله وباركت لاسحق عليه السلام صفيك في
امة عيسى عليه السلام وباركت ليعقوب عليه السلام اسرائيلك
في امة موسى عليه السلام وباركت لنبيك محمد صلى الله عليه وآله
في عترته وذريته عليهم السلام وامته اللهم وكما غبنا عن ذلك
ولم نشهده وآمنا به ولم نره صدقا وعدلا نسئلك ان تصلي على
محمد وآل محمد وان تبارك على محمد وآل محمد وترحم على محمد وآل محمد
كافضل ما صليت وباركت وترحمت على ابرهيم وآل ابرهيم انك حميد
مجيد فعال لما تريد وانت على كل شيء قدير و بخواند اللهم بحق هذا

الدعاء وبحق هذه الاسماء التي لا نعلم تفسيرها ولا نعلم باطنها غيرك
صل علی محمد وآل محمد وافعل بي كذا وكذا وانتقم من اعداء آل
(معنی بخواهد مطلب)
محمد واغفر لي ذنوبي ما تقدم وما تاخر ووسع علي من حلال
رزقك واكفني مؤنة انسان سوء وجار سوء وسلطان سوء
انك علی ما تشاء قدير وبكل شيء عليم آمين رب العالمين وبخواند سبحانك
لا اله الا انت يا الله يا حنان يا منان يا بديع السموات والارض يا
ذا الجلال والاكرام ودر وقت غروب آفتاب هر روز یکمرتبه یا سه مرتبه
بخواند این دعا را کفعمی از حضرت صادق علیه السلم رویست یا من ختم
النبوة بمحمد صلی الله علیه وآله اختم لي يومي هذا بخير وشهري بخير
وسنتي بخير وعمري بخير در آنچه از زوال آفتاب وادعیه نماز پیشین
ونحوه ونوافل آن وغیره احکام وافعال باید بجای باید آورد فقیه نقل
نموده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله فرموده که هرگاه زایل شد آفتاب
کشوده میشود درهای آسمان ودرهای بهشت ومستجاب میشود دعا
فرموده که خوشحال کسی که بالا برده شود برای او عمل صالحی وباز فقیه نقل
نموده که پیغمبر صلی الله علیه واله فرمود که بتحقیق آفتاب را نزد زوال حلقه ایست
که در آن داخل میشود پس هرگاه داخل شود در آن زوال شمس میشود پس تسبیح

میکند

میکند هر چیزی که ما بین عرش است برای حمد پروردگار من وآن ساعتیست
که صلوات میفرستد بر من در آن ساعت پروردگار من عز وجل وواجب کرده
بر من وامت من در آن ساعت نماز را وفرموده اقم الصلوة لدلوك
الشمس الی غسق اللیل وآن ساعتیست که می آرند در آن جهنم را روز قیامت
پس نباشد مؤمنی که اتفاق افتد در این ساعت انکه وساجد یا راکع
یا در نماز ایستاده باشد مگر آنکه حرام کند خدای تعالی جسد او را بر دوزخ
وکسی که اهتمام بیافتن فضیلت اول وقت وبجای آوردن سنتها داشته
باشد باید که در خانه خود یا بر پشت بام چوبی راست را بر زمین فرو برد
آنچوب را بهفت قسم کرده باشد پس هرگاه سایه بغایت نقصان رسید یا
شروع کند در حادث شدن پس شروع کند در نافله زوال که موفق باشد
بسعادت سنتی کردن ویا شروع کند در نماز ظهر در اول وقت اگر محروم
باشد از آن سعادت وباید که ملاحظه نماید در نفی پس چون بقدر سبع
شاخص یا مثل شاخص شود وقت نافله ظهر بیرون می رود پس اگر نافله
ظهر یکرکعت تمام نکرده باشد نافله را ترک کند ومشغول شود بنماز واجبی
واگر از نافله یکرکعت تمام کرده باشد واین بفارغ شدن از ذکر سجده
دویم از رکعت اول متحقق میشود واگر سر از سجده برنداشته باشد نافله

تمام کند بعد از آن مشغول شود بفرض واظهر آنست که در اینصورت
شش رکعت دیگر هم ادا است زیرا که این هشت در حکم یکنماز است و بعد از آن
ملاحظه فی نماید که چهار سبع شاخص یا دو برابر شاخص نشده باشد
شروع کند در نافله عصر و اگر شده باشد وقت نافله بیرون رفته و
حکم این هم مثل نافله ظهر است و در اتمام و ترک اما در روز جمعه زیاده
کند بر نافله ظهر و عصر چهار رکعت دیگر که مجموع بیست رکعت باشد و
بنحوی که سابقا در آداب روز جمعه نقل شده بجای آورد و نافله روز
جمعه تاکیدا نقل می نمائیم بنحویست که شش رکعت آن در وقت پهن شدن
آفتاب و شش رکعت دیگر در وقت بلند شدن آفتاب و شش رکعت
دیگر در وقتی که آفتاب راست ایستاده بود و دو رکعت بعد از زوال و در روایتیست
از حضرت صادق علیه السلم که فضل اول وقت بر آخر وقت همچو فضل آخرت
بر دنیا و اول زوال شروع سایه است در زیادتی بعد از آنکه بنهایت
نقصان رسیده باشد یا بهم رسیدن سایه بعد از برطرف شدن زیرا
که هرچند آفتاب بلندتر میشود تا وقتی که آفتاب بنهایت بلندی رسد
در آن روز پس سایه هم بنهایت کوتاهی رسد تا برطرف شود و این وقتیست
که آفتاب بدایره نصف النهار رسد و معلوم است که آفتاب در یک وقت

نسبت

نسبت بساکنان اقالیم سبعه مختلف الاوضاع است گاه در جانب جنوب
سمت الراس بعض اقالیم است و گاه در شمال آن و گاه بر سمت الراس ایشان
پس در قسم اول و دویم سایه نصف النهار برطرف نمیشود بلکه در وقت
رو در زیادتی کند اول وقت زوالست و در قسم سیم که آفتاب در نصف
النهار بر سمت الراس ایشان باشد بالکلیه برطرف میشود و بعد از آن
ظاهر میگردد و اول ظهور آن وقت زوالست و سایه شاخص را پیش از زوال
ظل میگویند و بعد از زوال فی مشتق است از فاء بمعنی رجع زیرا که
رجوع میکند کم کم بآنچه بیش از آن بوده و وقت فضیلت ظهر تا آنکه فی یعنی
سایه که بعد از زوال بهم رسیده مساوی شاخص شود و وقت فضیلت عصر
تا آنکه فی دو برابر شاخص شود و سنت تاخیر هر یک از این دو نماز از اول
وقت بمقدار ادا نافله آن نماز و کسی که نافله نکند تاخیر سنت نیست و
نافله ظهر را صلواة اوابین می نامند و وقت او از زوالست تا آنکه فی دو
قدم شود یعنی مقدار دو سبع شاخص زیرا که قامت اغلب مردم هفت
قدم اوست و نافله عصر را سبحه می نامند و وقت آن فارغ شدن نماز ظهر است تا
آنکه فی چهار قدم شود و بعضی علما را اعتقاد بودن این نافلهاست بامتداد
وقت این نمازها پس وقت نافله ظهر ممتد است تا آنکه فی مثل شاخص شود

ونافله عصر تا آنکه دو برابر شود واین دور نیست واز اخبار معتبره دلالتی
بر این هست بلکه در بعضی از آیات دلالت بر زیادتی وسعت وقت نافله
میکند و در تهذیب بسند صحیح امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که
نماز تطوّع بمنزله هدیه است هرگاه که بجا آورده شود مقبولست پس مقدّم
دار انچه خواهی و مؤخر دار انچه خواهی اما ظاهر نیست که هیچیک از علمای
ما عمل باطلاق این حدیث از وسعت در تقدیم و تاخیر نکرده و شاید
که مراد بتقدیم ادا باشد و بتاخیر قضا والله اعلم ومشهور میانه علما آنست که
جایز نیست اعتماد بر ظن دخول وقت مگر عدم قدرت بر تحصیل علم پس
بنا بر این جایز نباشد اعتماد بر قول یک عادل ونه بر اذان مؤذن شهر اگرچه
عادل باشد مگر با عجز از علم وظاهر کلام محقق در معتبر جواز اعتماد بر اذان
یک عادلست اما خبر دادن دو عادل بدخول وقت یا اذان ایشان پس
ظاهر جواز اعتماد است بر ان اگرچه قدرت داشته باشد بر علم بان زیرا
که علم شرعی بان حاصلست چون زوال متحقق شود بگو انچه فقیه روایت کرده
که حضرت امام محمد باقر ع تعلیم نموده محمد بن مسلم را و با وگفته که محافظت و
مداومت کن برین چنانچه محافظت میکنی چشمهای خود را بگوی در وقت
زوال این دعا را سُبْحانَ اللهِ وَلا اِلهَ اِلَّا اللهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ

وَلَدًا وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ
تَکْبِیرًا وشروع کن بوضو و بنماز نافله و در رکعت اوّل بعد از حمد قل
یا ایها الکافرون و در رکعت دوم بعد از حمد قل هو الله احد و بعد
از سلام سه تکبیر بگو و تسبیح فاطمه زهرا و بخوان این دعا را بعد از هر دو
از نافله ظهر اَللّٰهُمَّ اِنِّی ضَعِیفٌ فَقَوِّ فِی رِضاکَ ضَعْفِی وَخُذْ اِلَی الْخَیْرِ
بِناصِیَتِی وَاجْعَلِ الْاِیمانَ مُنْتَهی رِضایَ وَبارِکْ لِی فِیما قَسَمْتَ لِی وَبَلِّغْنِی
بِرَحْمَتِکَ کُلَّ الَّذِی اَرْجُو مِنْکَ وَاجْعَلْ لِی وُدًّا وَسُرُورًا لِلْمُؤْمِنِینَ وَ
عَهْدًا عِنْدَکَ بعد از ان دو رکعت دیگر بکنا د و در آخر هر دو رکعت
همان دعا را بخوان تا شش رکعت و بعد از ان اذان برای نماز ظهر بگوی
و بعد از ان دو رکعت دیگر نافله را بکنا د و بعد از ان اقامه بگو و بخوان
بعد از اقامت این دعا را اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ وَالصَّلٰوةِ
الْقائِمَةِ بَلِّغْ مُحَمَّدًا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ الدَّرَجَةَ وَالْوَسِیلَةَ وَالْفَضْلَ
وَالْفَضِیلَةَ بِاللهِ اَسْتَفْتِحُ وَبِاللهِ اَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ
اَتَوَجَّهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِی بِهِمْ وَجِیهًا فِی الدُّنْیا
وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِینَ و بعد از ان مشغول شو بنماز ظهر و بسم الله را
بلند بگوی و ما بقی را آهسته و در دو رکعت ثانی یا حمد تنها یا سه مرتبه

ویکمرتبه نیز واقع شده است دعا این بخوانند سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ
اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ اَسْتَغْفِرُ اللهَ **در تعقیب مخصوصه نظهرین اما**
ظهر در اکمال الدین از پیغمبر صلی الله علیه و آله منقولست که بعد از نما[ز]
ظهر ده بار بگوید اَللّٰهُمَّ اِنْ عَظُمَتْ ذُنُوْبِیْ فَاَنْتَ اَعْظَمُ وَاِنْ کَبُرَ تَفْرِیْطِیْ
فَاَنْتَ اَکْبَرُ وَاِنْ دَامَ بُخْلِیْ فَاَنْتَ اَجْوَدُ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیْ عَظِیْمَ ذُنُوْبِیْ
بِعَظِیْمِ عَفْوِكَ وَكَثِیْرَ تَفْرِیْطِیْ بِظَاهِرِ کَرَمِكَ وَاَقْمَعْ بُخْلِیْ بِفَضْلِ
جُوْدِكَ اَللّٰهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْتَغْفِرُكَ وَاَتُوْبُ
اِلَیْكَ ویکبار دیگر بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ
فَرَجَهُمْ و از حضرت صادق علیه السلم مرویست که هر که بعد از نماز
ظهر و فجر این صلوات را بگوید نمیرد تا آنکه برسد قایم را علیه السلم و [فضیلت]
بسیار نقل شده **تعقیب نماز ظهر است** یَا سَامِعَ کُلِّ صَوْتٍ یَا جَامِعَ کُلِّ
فَوْتٍ یَا بَارِئَ النُّفُوْسِ بَعْدَ الْمَوْتِ یَا بَاعِثُ یَا وَارِثُ یَا اِلٰهَ الْاٰلِهَةِ
یَا جَبَّارَ الْجَبَابِرَةِ یَا مَلِكَ الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ یَا رَبَّ الْاَرْبَابِ یَا مَالِكَ
الْمُلُوْكِ یَا بَطَّاشُ ذَا الْبَطْشِ الشَّدِیْدِ یَا مُبْدِئُ یَا مُعِیْدُ یَا فَعَّالًا لِمَا
یُرِیْدُ یَا مُحْصِیَ عَدَدِ الْاَنْفَاسِ وَنَقْلِ الْاَقْدَامِ یَا مَنِ السِّرُّ عِنْدَهُ عَلَانِیَةٌ
اَسْئَلُكَ بِحَقِّ خِیَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَبِحَقِّهِمُ الَّذِیْ اَوْجَبْتَهُمْ عَلٰی

نفسك

نَفْسِكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ وَاَنْ تَمُنَّ عَلَیَّ السَّاعَةَ بِفَكَاكِ
رَقَبَتِیْ مِنَ النَّارِ وَاَنْ تُنْجِزَ لِوَلِیِّكَ وَابْنِ نَبِیِّكَ الدَّاعِیْ اِلَیْكَ بِاِذْنِكَ
وَاَمِیْنِكَ فِیْ اَرْضِكَ وَعَیْنِكَ وَعِبَادِكَ وَحُجَّتِكَ عَلٰی خَلْقِكَ عَلَیْهِ صَلَوَاتُكَ
وَبَرَكَاتُكَ وَعْدَهُ اَللّٰهُمَّ اَیِّدْهُ بِنَصْرِكَ وَقَوِّ اَصْحَابَهُ وَصَبِّرْهُمْ وَاجْعَلْ
لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِیْرًا وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَمَكِّنْهُ مِنْ اَعْدَائِكَ وَ
اَعْدَاءِ رَسُوْلِكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ **در تعقیب نماز ظهر که مخصوص باو نیست [این دعا]**
اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْاَرَضِیْنَ السَّبْعِ وَمَا فِیْهِنَّ وَمَا
بَیْنَهُنَّ وَمَا تَحْتَهُنَّ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ وَرَبَّ جَبْرَئِیْلَ وَمِیْكَائِیْلَ وَ
اِسْرَافِیْلَ وَرَبَّ السَّبْعِ الْمَثَانِیْ وَالْقُرْاٰنِ الْعَظِیْمِ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِیِّیْنَ
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الَّذِیْ بِهِ تَقُوْمُ السَّمٰوَاتُ
وَالْاَرْضُ وَبِهِ تُحْیِی الْمَوْتٰی وَتَرْزُقُ الْاَحْیَاءَ وَتُفَرِّقُ بَیْنَ الْمُجْتَمِعِ وَ
تَجْمَعُ بَیْنَ الْمُتَفَرِّقِ وَبِهِ اَحْصَیْتَ عَدَدَ الْاٰجَالِ وَوَزْنَ الْجِبَالِ وَكَیْلَ
الْبِحَارِ اَسْئَلُكَ یَا مَنْ هُوَ كَذٰلِكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ
بِیْ و پس حاجت كَذَا وَكَذَا خود طلب کن و سجده شکر کن و بعد از
فراغ از متعلقات نماز ظهر برخیز بنافله عصر و در آن هفت تکبیر سنت [نیست]
مکرر در چهار نماز اول نافله پیشین و اول نافله مغرب و بعد نماز و تیره

و در دیگر رکعت وتر وانچه خواهی بخوان از سورهای در نافله عصر بعد از
حمد و از امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر که مداومت کند بر خواندن
سوره قدر در نمازهای واجبی و سنتی وسیع گرداند الله تعالی بر وی روزی
او را و عطا کند کتاب او را بدست راستش و حساب کند او را حسابی
اندکی و بعد از فراغ از دو رکعت اول بخواند این دعا را که فضیلت بسیار دارد
اللهم انه لا اله الا انت الحی القیوم العلی العظیم الکریم الخالق الرازق
المحیی الممیت البدیء البدیع لک الحمد ولک المن ولک الکرم ولک الجود
ولک الامر وحدک لا شریک لک یا واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد
ولم یولد ولم یکن له کفوا احد ولم یتخذ صاحبة ولا ولدا صل
علی محمد وآله وافعل بی کذا وکذا پس دو رکعت دیگر بگذارد و بگوید
دعای اللهم رب السموات السبع تا آخر و دو رکعت دیگر بگذارد و
بخواند دعای یا من اظهر الجمیل را تا آخر و دو رکعت دیگر بگذارد پس اذان
بگوید برای نماز عصر و فاصله کن میان اذان و اقامت بسجده و مشغول
شو بنماز عصر در تعقیب نماز عصر بخوان این دعا را که فضیلت بسیار نقل شده
استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم الرحمن الرحیم ذو الجلال
والاکرام واسأله ان یتوب علی توبة عبد ذلیل خاضع فقیر بائس

مسکین

مسکین مستجیر لا یملک لنفسه ضرا ولا نفعا ولا موتا ولا حیوة و
لا نشورا اللهم انی اعوذ بک من نفس لا تشبع ومن قلب لا یخشع و
من علم لا ینفع ومن صلوة لا ترفع ومن دعاء لا یسمع اللهم انی اسئلک
الیسر بعد العسر والفرج بعد الکرب والرخاء بعد الشدة اللهم ما بنا
من نعمة فمنک وحدک لا شریک لک لا اله الا انت استغفرک واتوب
الیک و سنت هفتاد مرتبه استغفار بعد از نماز عصر و ده مرتبه سوره
انا انزلناه امام جعفر صادق ع فرموده کسی که بعد از نماز عصر استغفار کند
بیامرزد الله تعالی هفتصد گناه او را و حضرت امام محمد تقی ع فرمود که هر که
بعد از نماز عصر انا انزلناه ده مرتبه بخواند بگذرد در آن خواندن برو مثل اعمال
خلایق یعنی ثواب اعمال تمام خلایق باشد در آن روز و بعد از آن دو سجده شکر
کند و وقت اول نماز مغرب بنا بر قول مشهور بر طرف شدن سرخی مشرق است
و میکشد وقت فضیلتش تا بر طرف شدن شفق مغرب و وقت ادای آن
میکشد تا آنکه از نصف اول شب مقدار گذاردن نماز خفتن بماند پس چون وقت
شام محقق شود برخیزد بنماز فریضه شام که کلینی بسند صحیح از امام جعفر ع
روایت نموده که فرمود که بدرستی که جبرئیل نازل شد بر پیغمبر صلی الله علیه وآله
برای هر نمازی دو وقت غیر نماز مغرب که وقت آن یکیست و وقت آن سقوط

آقا بت فقیه در امالی نقل نموده از ابی اسامه که گفت شنیدم از امام جعفر ع
که میگفت کسی که تاخیر کند نماز مغرب را تا آنکه ستارها مشتبک شوند یعنی
ظاهر شوند پس من از وی بیزارم و باید که ترک اذان و اقامت نماز مغرب نکند زیرا
که جمعی از علمای ما مثل سید مرتضی قدس سره و ابن عقیل و ابن جنید قایل اند
بوجوب اذان و اقامت در نماز مغرب بلکه بعضی قایلند بانکه نماز مغرب
باطلست اگر کسی عمدا ترک فصل اذان و اقامت کند بسکته یا نشستنی روا است
از امام جعفر علیه السلم که فرمود کسیکه بنشیند میان اذان مغرب و اقامتش باشد
مثل کسی که در خون خود غلطیده در راه خدا و اما فضل بکام نهادن در کتب
فروع مذکور است و شیخ شهید قدس سره در ذکری فرموده که حدیثی
بران نیافتم و چون ادای نماز مغرب کردی بعد از تسبیح فاطمه زهرا علیها السلم
سه مرتبه بگو آنچه فقیه از حضرت امام جعفر ع نقل میکند که اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی
یَفْعَلُ مَا یَشَاءُ وَ لَا یَفْعَلُ مَا یَشَاءُ غَیْرُهُ و بعد از تعقیب برخیز بجهة نافله
مغرب روایتست از امام جعفر ع که فرمود بحارث بن مغیره که بگذار
چهار رکعت نماز بعد از مغرب در سفر و حضر اگر چه طلب کنند ترا
سواران و مکروه است سخن کردن میان مغرب و نافلهاش و فقیه روایت
کرده از امام جعفر ع که فرمود کسیکه بگذارد مغرب را و بعد از ان تعقیب بخواند

و سخن

و سخن نکند تا آنکه بگذارد دو رکعت نوشته شود در علیین
پس اگر بگذارد چهار رکعت نوشته شود برای او حجی مقبول و مخفی نیست که
اول وقت این چهار رکعت فارغ شدن از مغرب است و آخرش بر مذهب مشهور برطرف
شدن شفق است و مزاحمت نمیرساند بان نماز عشا خواه شروع در آن کرده
باشد و خواه نکرده و بعضی را مذهب آنست و گفته شده که ممتد است وقتش
تا آنکه باقی ماند بعد از مغرب و پیش از نصف شب مقدار ادای آن و میل
کرده باین شیخ شهید قدس سره در ذکری اما علامه در منتهی دلالت میکند
بر اتفاق علمای ما بر آنکه آخر وقتش غایب شدن شفق است پس باید که
عدول کردن از مشهور و اگر وقتش فوت شود باید قضا کرد مثل سنتهای راتبه
و امام جعفر علیه السلم فرمود که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که الله تعالی
مباهات میکند بر بنده که قضا کند نماز شب را بروز میفرماید ای فرشتهای من
نظر کنید به بنده من که قضا میکند چیزی را که من بر او در شب واجب نکرده ام گواه میگیرم
شما را بر ستی که من او را آمرزیدم مرویست از ابو عبدالله علیه السلم که هر گاه
گذاردی نماز مغرب را پس بمال دست خود را بر پیشانی خود و بخوان این
دعا را سه مرتبه هذا الدعاء مروی فی فروع الکلینی فی باب الدعاء بِسْمِ اللّٰهِ
الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّی

الهم والغم والحزن در تعقیب نماز عشا این بخواند این دعا که مرویست از
ائمه علیهم السلام عن احمد بن خالد اللهم بیدک مقادیر اللیل والنهار ومقادیر
الدنیا والآخرة ومقادیر الموت والحیوة ومقادیر الشمس والقمر ومقادیر
النصر والخذلان ومقادیر الغنی والفقر اللهم بارک لی فی دینی و
دنیای وفی جسدی واهلی وولدی اللهم ادرأ عنی شر فسقة العرب و
العجم والجن والانس واجعل منقلبی الی خیر دائم ونعیم لا یزول تعقیب مخصوص
مغرب اللهم انی اسئلک موجبات رحمتک وعزائم مغفرتک والسلامة
من کل اثم والغنیمة من کل بر والنجاة من النار ومن کل بلیة والفوز
بالجنة والرضوان فی دار السلام وجوار نبیک محمد وآله علیهم السلام اللهم
ما بنا من نعمة فمنک لا اله الا انت استغفرک واتوب الیک الحمد لرب
الصباح الحمد لفالق الاصباح الحمد لله الذی ذهب باللیل بقدرته
وجاء بالنهار برحمته ونحن فی عافیة وبعد از فراغ هر دو رکعت اول
از نافله مغرب بخوان این دعا را اللهم انک تری ولا تری وانت بالمنظر
الاعلی وان الیک الرجعی والمنتهی وان لک الممات والمحیا وان لک
الآخرة والاولی اللهم انا نعوذ بک ان نذل ونخزی وان نأتی ما عنه
تنهی اللهم انی اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد واسئلک الجنة

برحمتک

برحمتک واستعیذ بک من النار بقدرتک واسئلک من الحور العین
بعزتک وان تجعل اوسع رزقی عند کبر سنی واحسن عملی عند اقتراب
اجلی واطل فی طاعتک وما یقرب منک ویحظی عندک ویزلف لدیک
عمری واحسن فی جمیع احوالی واموری ومعرفتی ولا تکلنی الی احد من
خلقک وتطول علی بقضاء جمیع حوائجی للدنیا والآخرة وابدأ بوالدی وولدی
وجمیع اخوانی المؤمنین فی جمیع ما سألتک لنفسی برحمتک یا ارحم
الراحمین وبعد از فراغ از دو رکعت اول نافله مغرب شروع کن در دو رکعت
آخر وبخوان در رکعت اول بعد از حمد سوره حدید را در رکعت اول
سوره حدید بسم الله الرحمن الرحیم سبح لله ما فی السموات والارض
وهو العزیز الحکیم له ملک السموات والارض یحیی ویمیت وهو علی کل شیء
قدیر هو الاول والآخر والظاهر والباطن وهو بکل شیء علیم هو الذی
خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یعلم ما یلج
فی الارض وما یخرج منها وما ینزل من السماء وما یعرج فیها وهو معکم اینما
کنتم والله بما تعملون بصیر له ملک السموات والارض والی الله ترجع
الامور یولج اللیل فی النهار ویولج النهار فی اللیل وهو علیم بذات الصدور
ودر رکعت باقی الی آخر سوره حشر لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعا متصدعا

من خشية الله وتلك الأمثال نضربها للناس لعلّهم يتفكّرون هو الله الّذي
لا إله إلّا هو عالم الغيب والشّهادة هو الرّحمن الرّحيم هو الله الّذي لا إله
إلّا هو الملك القدّوس السّلام المؤمن المهيمن العزيز الجبّار المتكبّر
سبحان الله عمّا يشركون هو الله الخالق البارئ المصوّر له الأسماء
الحسنى يسبّح له ما في السّموات والأرض وهو العزيز الحكيم و در رکعت
دویم آخر سورهٔ حشر را و در سجدهٔ آخر رکعت دویم هفت بار بگوید اللّهم
إنّي أسألك بوجهك الكريم واسمك العظيم وملكك القديم أن تصلّي
على محمّد وآل محمّد وأن تغفر لي ذنبي العظيم إنّه لا يغفر العظيم إلّا
العظيم و بخواند از تعقیبات آنچه در صباح و شام مذکور شده و بعد
از آن بگوید این دعا را اللّهم إنّي أسألك بحقّ محمّد وآل محمّد أن تصلّي
على محمّد وآل محمّد وأن تجعل النّور في بصري والبصيرة في ديني و
اليقين في قلبي والإخلاص في عملي والسّلامة في نفسي والسّعة في
رزقي والشّكر لك أبدًا ما أبقيتني و بعد از آن دو سجدهٔ شکر کند و
اقل آنچه کافیست که در سجده بگوید آنست که در هر یک سه بار بگوید
شکراً لله و در بعضی روایات سجدهای شکر بعد از نافله مغرب است و
در بعضی پیش و بعد از آن ساعت غفلت است که بجای آورد در آن ساعت

دو رکعت

دو رکعت نماز که آنرا غفیله گویند و بخواند در رکعت اوّل بعد از حمد آیه وذا النّون
إذ ذهب مغاضبًا فظنّ أن لن نقدر عليه فنادى في الظّلمات أن لا إله إلّا أنت
سبحانك إنّي كنت من الظّالمين فاستجبنا له ونجّيناه من الغمّ وكذلك ننجي المؤمنين
و در رکعت دویم بعد از حمد وعنده مفاتح الغيب لا يعلمها إلّا هو ويعلم
ما في البرّ والبحر وما تسقط من ورقة إلّا يعلمها ولا حبّة في ظلمات
ولا رطب ولا يابس إلّا في كتاب مبين و بخواند در قنوت اللّهم
إنّي أسألك بمفاتح الغيب الّتي لا يعلمها إلّا أنت أن تصلّي على محمّد و
آل محمّد وأن تفعل بي كذا وكذا و بعد از آن بگوید اللّهم أنت وليّ نعمتي
والقادر على طلبتي تعلم حاجتي فأسألك بحقّ محمّد وآل محمّد عليه وعليهم
السّلام لمّا قضيتها لي و حاجت خود را طلب کن و روایت کرده هشام بن
سالم از امام جعفر علیه السّلم که هر که این دو رکعت را بکذارد میان شام و خفتن
و دعا کند باین دعا و طلب کند از خدا حاجتش را عطا کند الله تعالی آنچه
سؤال کند روایت کرده فقیه که امام محمد باقر علیه السّلم فرمود که ابلیس متفرق
میسازد لشکر شب خود را از وقت غایب شدن آفتاب تا غایب شدن شفق
و متفرق میسازد لشکر روز را از وقت طلوع فجر تا طلوع آفتاب و فرموده
که حضرت رسول صلّی الله علیه و آله میفرمود که بسیار کنید ذکر الله تعالی را در این دو ساعت

وپناه برید بالله تعالی از شر ابلیس و جنود او بدرستی که این دو ساعت
ساعتهای غفلتند و روایت کرده شیخ طوسی در تهذیب که امام جعفر علیه السلم
فرمود که پیغمبر صلی الله علیه وآله فرموده که بجای آورید نافله دو ساعت
غفلت اگرچه دو رکعت خفیف باشد که آنها باعث دار کرامت اند که بهشت
است گفته شد یا رسول الله چه چیز است ساعت غفلت فرمود میان مغرب
وعشا و مخفی نماند که اینجا مراد میان مغرب است و وقت عشا که میان غروب
آفتاب و برطرف شدن شفق است چنانچه مرشد است بان حدیث
گذشته نه ما بین الصلوتین و در احادیث صحیحه مذکور است که اول وقت خفتن
غایب شدن شفق است و ازین مفهوم میشود که وقت ادای نماز غفلت میان
غروب و ذهاب شفق است پس چون این وقت بیرون رود قضا میشود و
وسنت است در وقت غفلت دو رکعت دیگر نماز غفلت بطریق دیگر در رکعت
اول بعد از حمد سیزده بار سوره زلزال و در دوم بعد از حمد پانزده بار
سوره توحید از پیغمبر صلی الله علیه وآله که نداند ثواب این را مکر خدا
و شیخ طوسی از جعفر صادق علیه السلم نقل نموده که پیغمبر صلی الله علیه وآله
فرموده کسی که بکذارد این نماز را در هر شب فراحت کند با منی در بهشت و
اول وقت نماز خفتن فارغ شدن از نماز شام است بر مذهب مشهور و میکشد

وقت

وقت فضیلتش تا ثلث شب و وقت ادایش تا چهار رکعت مانده بنصف
شب و باید که تفحص شفق مغربی نمایی پس اگر شفق باقی باشد شروع در نماز
خفتن مکن تا شفق زایل شود که مذهب شیخ مفید و شیخ طوسی است که
داخل نمیشود وقت عشا مگر بعد از غایب شدن شفق و فقیه از امام جعفر ع
نقل نموده که اول وقت نماز عشا برطرف شدن سرخیست و این محمول است
بر اینکه سنت است تاخیر نماز مغرب تا برطرف شدن شفق و بعد از اتمام
نماز شروع کن به تعقیب و طول ده که وقت وسیع است و تعقیب کن بعد از
نماز بآنچه مشترکست میان پنج نماز و بآنچه مخصوص است باین نماز و بخوان
این دعا را در تعقیب عشا که مخصوص اوست اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تُؤْمِنَّا مَكْرَكَ وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرَكَ وَلَا تَكْشِفْ عَنَّا
سِتْرَكَ وَلَا تَحْرِمْنَا ذِكْرَكَ وَلَا تُحِلَّ عَلَيْنَا غَضَبَكَ وَلَا تُبَاعِدْنَا مِنْ
جِوَارِكَ وَلَا تَنْقُصْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تَنْزِعْ عَنَّا بَرَكَاتِكَ وَلَا تَمْنَعْنَا
عَافِيَتَكَ وَاَصْلِحْ لَنَا مَا اَعْطَيْتَنَا وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ الْمُبَارَكِ الطَّيِّبِ الْحَسَنِ
الْجَمِيلِ وَلَا تُغَيِّرْ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَتِكَ وَلَا تُؤْيِسْنَا مِنْ رَوْحِكَ وَلَا تُضِلَّنَا
بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ
بعد از آن بخوان هر یک از فاتحه و توحید و معوذتین را ده بار

بعد از آن بخوان این دعا را ده مرتبه که بسیار دارد سبحان الله والحمد
لله ولا اله الا الله والله اکبر و ده بار بگو اللهم صل علی محمد وآل
محمد پس بگوی اللهم افتح لی ابواب رحمتک واسبغ علیّ من حلال
رزقک ومتعنی بالعافیة ما ابقیتنی فی سمعی وبصری وجمیع
جوارحی اللهم ما بنا من نعمة فمنک لا اله الا انت استغفرک
واتوب الیک یا ارحم الراحمین پس بگوی این دعا را که از دعاهای طلب
رزق است دعای طلب رزق اللهم انه لیس لی علم بموضع رزقی
وانما اطلبه بخطرات تخطر علی قلبی فاجول فی طلبه البلدان و
انا فیما اطلب کالحیران لا ادری افی سهل هو ام فی ارض حزن ام فی
سماء ام فی بر ام فی بحر وعلی یدی من ومن قبل من وقد علمت ان
علمه عندک واسبابه بیدک وانت الذی تقسمه بلطفک وتسببه
برحمتک اللهم صل علی محمد وآل محمد واجعل یا رب رزقک لی
واسعا ومطلبه سهلا ومأخذه قریبا ولا تعننی بطلب ما لم تقدر لی
فیه رزقا فانک غنی عن عذابی وانا فقیر الی رحمتک فصل علی محمد
وآل محمد وجد علی عبدک بفضلک انک ذو فضل عظیم دعای بجهة
دفع سختیها بخوان این دعا را که بسیار نافع است یا سابغ النعم یا دافع

النقم

النقم یا باری النسم یا مجلی الهمم یا مغشی الظلم یا کاشف الضر
والالم یا ذا الجود والکرم یا سامع کل صوت یا مدرک کل فوت
یا محیی العظام وهی رمیم ومنشئها بعد الموت صل علی محمد وآل محمد
واجعل لی من امری فرجا ومخرجا یا ذا الجلال والاکرام دعای مخصوص
تعقیب عشا در طب الائمه از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر که این
عوذه حسین علیه السلام را بخواند در وقت خواب من ضامنم که نکشد او را
کشنده در آن شب اعیذ نفسی وذریتی واهل بیتی ومالی بکلمات الله
التامات من شر کل شیطان وهامة ومن کل عین لامة وبعد از آن شرور
دو رکعت نماز وتر کند ایستاده یا نشسته و بعد از سلام گونه راست را
بر زمین گذاشته بخواند این دعا را که در فلاح السائل از حضرت صادق
علیه السلام مرویست بجهت دفع بلیه یا مذل کل جبار ومعز کل ذلیل قد
وعزتک بلغ مجهودی باب پنجم در آداب خواب وثواب خواندن دعا و آداب
وادعیه نماز است وغیره فصل اول در آداب خواب هرگاه اراده خواب نمائی
پس سنت آنست که بخوابی بر جانب راست در حدیث صحیح احمد بن اسحق رحمه الله
از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نقل نموده که بدرستی خواب پیغمبران بر قفای
ایشانست وخواب مؤمنان بر جانبهای راست ایشان وخواب منافقین بر جانب

چپ دخواب شیاطین بر روبهای ایشان پس سزاوار آنست که تکیه بر پهلو راست
تو بر جانب راست و دست راست که امیر علیه السلم فرموده بزیر روی
گذاشته بگوی این دعا را که شیخ صدوق بسند حسن از حضرت امام محمد تقی
باقر علیه السلم روایت نموده بسم الله وفی سبیل الله وعلی ملة رسول
الله صلی الله علیه وآله اللهم انی اسلمت نفسی الیک ووجهت وجهی
الیک وفوضت امری الیک والجأت ظهری الیک وتوکلت علیک
رهبة منک ورغبة الیک لا ملجأ ولا منجا منک الا الیک امنت
بکتابک الذی انزلت وبرسولک الذی ارسلت   وترک مکن و بگو
بعد از ان این دعا را اللهم باسمک احیی وباسمک اموت پس بگو این دعا
امنت بالله وکفرت بالطاغوت اللهم احفظنی فی منامی وفی یقظتی
دیگر اشهد ان لا اله الا الله وان محمدا صلی الله علیه وآله عبده و
رسوله اعوذ بعظمة الله واعوذ بعزة الله واعوذ بقدرة الله و
اعوذ بجلال الله واعوذ بسلطان الله ان الله علی کل شیء قدیر
واعوذ بعفو الله واعوذ بغفران واعوذ برحمة الله من شر السامة
والهامة ومن شر کل دابة صغیرة او کبیرة بلیل او نهار ومن شر
فسقة الجن والانس ومن شر فسقة العرب والعجم ومن شر الصواعق

والبرد اللهم صل علی محمد عبدک ورسولک   وبگو این دعا را و
ترک مکن البته الحمد لله الذی علا فقهر والحمد لله الذی بطن فخبر و
الحمد لله الذی ملک فقدر والحمد لله الذی یحیی الموتی ویمیت الاحیاء
وهو علی کل شیء قدیر   وبگو این دعا را اللهم ان احتبست نفسی عندک
فاحبسها فی محل رضوانک ومغفرتک وان رددتها فارددها
مؤمنة بحق اولیائک حتی تتوفاها علی ذلک ثم   وتسبیح کن بعد
از ان تسبیح فاطمه زهرا بروایت علیها السلم وبخوان قل هو الله احد را
در روایتی صد مرتبه وبروایت دیگر یازده مرتبه انا انزلنا وسه مرتبه
قل هو الله احد و معوذتین وبخوان آیة الکرسی سه مرتبه وآیه شهد الله وآیه
سخره وسوره قل یا ایها الکافرون پس استغفار کن خدا را صد مرتبه وبروایتی
سه مرتبه نیز هست باین قسم استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم
واتوب الیه وبگو سه مرتبه یفعل الله ما یشاء بقدرته ویحکم ما یرید
بعزته وعن النبی صلی الله علیه وآله کسی که بخواند نزد خواب الهیکم التکاثر را
نگاه داشته شود از فتنه قبر واز حضرت امام رضا ع مرویست که هر گاه
کسی ترسد از فرود آمدن خانه بر سرش باید که بخواند این آیه را تا ایمن باشد
ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من

وعن النبی ص من قرأ انا انزلنا
عند نومه [illegible] الانبیاء
[illegible]
وخرج [illegible]
وعن الصادق [illegible]
[illegible] النور فوق العرش
[illegible]
[illegible]
ذلک النور [illegible]
الحدیعم [illegible]

اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهٖ اِنَّهٗ كَانَ حَلِيْمًا غَفُوْرًا وحضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
هرگاه در آمدی بفراش خواب گفتی بِاسْمِكَ اللّٰهُمَّ اَحْيٰا وَبِاسْمِكَ اَمُوْتُ
وکسی که ترسد از دزد پس بخواند در وقت خواب این آیه را تا ایمن
باشد از دزد قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ اَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ اَيًّا مَا تَدْعُوْا فَلَهُ الْاَسْمَآءُ
الْحُسْنٰى وَلَا تَجْهَرْ بِصَلٰوتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذٰلِكَ سَبِيْلًا
وکسی که ترسد از انکه محتلم شود باید که بگوید در وقت خواب اینرا
اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْاِحْتِلَامِ وَمِنْ شَرِّ الْاَحْلَامِ وَمِنْ اَنْ
يَتَلَاعَبَ بِيَ الشَّيْطَانُ فِي الْيَقْظَةِ وَالْمَنَامِ وکسی که خواهد در خواب ببیند
چیزیرا که بخواهد خاطرش باید که بخوابد بر طرف راست وبخواند سوره
والشمس واللیل وقدر واخلاص ومعوذتین واین دعا را در یک شب والا
اگر آن شب نه بیند بخوان تا سه شب وتاکیدا وتا هفت شب است پس بدرستی
که می بینی انشاالله چیزیرا که اراده کرده وهذه الروایة بخط الشهید رحمه الله
وبیرون آورده ام اینرا از کفعمی اَللّٰهُمَّ اَرِنِيْ فِيْ مَنَامِيْ كَذَا وَاجْعَلْ لِيْ مِنْ اَمْرِيْ
فَرَجًا وَمَخْرَجًا ودر بعض کتب واقع شده کسی که خواهد ببیند یکی از انبیا یا
ائمه علیهم السلام یا والدین یا شخصی را در خواب بخواند والشمس واللیل وقدر وجحد و
اخلاص ومعوذتین پس بخواند اخلاص را صد مرتبه وصلوات بر پیغمبر صلی الله علیه وآله صد مرتبه

وبخوابد بر طرف راست با وضو بدرستی ببیند کسی را که اراده کرده انشاالله
وحرف میزند با ایشان اراده کرده از سوال وجواب وبکند این را تا هفت شب
وبخوان این دعا را اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْحَيُّ الَّذِيْ لَا يُوْصَفُ وَالْاِيْمَانُ يُعْرَفُ مِنْهُ مِنْكَ
بَدَتِ الْاَشْيَآءُ وَاِلَيْكَ تَعُوْدُ مَا اَقْبَلَ مِنْهَا كُنْتَ مَلْجَاهُ وَمَنْجَاهُ وَمَا اَدْبَرَ مِنْهَا
لَمْ يَكُنْ مَلْجَأٌ وَلَا مَنْجٰى مِنْكَ اِلَّا اِلَيْكَ فَاَسْئَلُكَ بِلَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَاَسْئَلُكَ بِبِسْمِ
اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ وَبِحَقِّ حَبِيْبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهٖ سَيِّدِ النَّبِيِّيْنَ وَبِحَقِّ
عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَيْرِ الْوَصِيِّيْنَ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَآءِ الْعَالَمِيْنَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ
وَالْحُسَيْنِ اللَّذَيْنِ جَعَلْتَهُمَا سَيِّدَيْ شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِيْنَ السَّلَامُ اَنْ
تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُرِيَنِيْ مَيِّتِيْ فِي الْحَالِ الَّتِيْ هُوَ فِيْهَا ودر کافی بسند
حسن که حضرت امام جعفر علیه السلام فرموده که هر گاه ببیند شخصی در خواب چیزیرا
که کراهت داشته باشد پس باید که بگردد از جانبی که بر آن خوابیده بود باید که بگوید
بعنی از طرفی بطرف دیگر مسهره
اِنَّمَا النَّجْوٰى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَلَيْسَ بِضَآرِّهِمْ شَيْئًا اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ
پس بخواند این دعا را عُذْتُ بِمَا عَاذَتْ بِهٖ مَلٰٓئِكَةُ اللّٰهِ الْمُقَرَّبُوْنَ وَاَنْبِيَآؤُهُ
الْمُرْسَلُوْنَ وَعِبَادُهُ الصَّالِحُوْنَ مِنْ شَرِّ مَا رَاَيْتُ وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ
پس سجده کن بعد از بیدار شدن از آن خواب بی فاصله وثنا کن خدا را آنچه توانی و
صلوات فرست بر پیغمبر صلی الله علیه وآله وتضرع کن وسوال کن کفایت آن خواب را

در الفاظ دعا تقدیم
نقل است اینجا

وسلامت وعافیت آن خواب را بدرستی که نخواهی دید اثری بفضل خدا و حمیت
او وحضرت امام محمد باقر علیه السلم فرموده که هر که بخواند این کلمات را من ضامنم که
نرسد با وعقربی وکزنده تا صباح اعوذ بكلمات الله التامات التی لا یجاوزهن
بر ولا فاجر من شر ما ذرا ومن شر ما برا ومن شر کل دابة انت آخذ بناصیتها
ان ربی علی صراط مستقیم **فصل دویم در بیان ادعیه جهة برخواستن از خواب وآداب** واعمال وادعیه نماز شب
وحضرت امام جعفر صادق علیه السلم فرموده که هیچ بنده نیست که بخواند این آیه را
در وقت خواب مگر آنکه بیدار شود در آن ساعتی که خواهد در آن شب واین
از مجربات است قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم اله واحد فمن کان یرجوا
لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا ولا یشرك بعبادة ربه احدا پس هرگاه بیدار شوی
از خواب بگو این دعا را الحمد لله الذی رد علی روحی لاحمده واعبده ۝
پس بگو این دعا که کلینی بسند حسن از حضرت امام محمد باقر علیه السلم روایت کرده
اللهم اعنی علی هول المطلع ووسع علی ضیق المضجع وارزقنی خیر
ما قبل الموت وارزقنی خیر ما بعد الموت پس نظر کن بسوی آفاق آسمان و
بخوان این دعا را که وارد شده اللهم انه لا یواری عنك لیل ساج ولا سماء
ذات ابراج ولا ارض ذات مهاد ولا ظلمات بعضها فوق بعض ولا بحر
لجی تدلج بین یدی المدلج من خلقك تعلم خائنة الاعین وما تخفی الصدور

غارت النجوم ونامت العیون وانت الحی القیوم لا تأخذك سنة ولا
نوم سبحان الله رب العالمین واله المرسلین والحمد لله رب العالمین
ان فی خلق السموات والارض واختلاف اللیل والنهار الی قوله انك
لا تخلف المیعاد پس هرگاه بشنوی آواز خروس را بگو **این دعا را** سبوح قدوس
رب الملائکة والروح سبقت رحمتك غضبك لا اله الا انت وحدك
لا شریك لك سبحانك وبحمدك عملت سوءا وظلمت نفسی فاغفر لی و
ارحمنی انه لا یغفر الذنوب الا انت پس مسواك کن ووضو بساز پس
چون بگذاری دست خود را در ظرف **بگو این دعا را** بسم الله وبالله اللهم
اجعلنی من التوابین واجعلنی من المتطهرین پس هرگاه فارغ شوی از وضو
پس بگو الحمد لله رب العالمین پس هرگاه برخیزی بسوی نماز خود پس بگوی
بسم الله وبالله والی الله ومن الله وما شاء الله ولا حول ولا قوة الا
بالله اللهم اجعلنی من زوارك وعمار مساجدك وافتح لی باب توبتك
واغلق عنی باب معصیتك وکل معصیة الحمد لله الذی جعلنی ممن یناجیه
اللهم اقبل علی بوجهك جل ثناؤك پس بدانکه روایت کرده کلینی در کافی
بسند صحیح از حضرت امام جعفر علیه السلم که فرموده شرف مؤمن برخواستن
اوست در شب وعزت واستغنای اوست از مردم وروایت کرده بسند حسن از عبد الله

ابن سنان گفت شنیدم از حضرت امام جعفر علیه السلم که میفرمود سه چیز است
که از آنها فخر مومن است و زینتش در دنیا و آخرت نماز در آخر شب و نا امید بودنش
از آنچه در دست مردم است و دوست داشتن او امامی را از آل محمد صلعم
و در کافی روایت کرده از آنحضرت علیه السلم بسند حسن در تفسیر قول الله تعالی
کانوا قلیلاً من اللیل ما یهجعون فرمود اینجماعت را کم شبی فوت میشد
که بر نمی خواستند و در کافی روایت است که شخصی آمد نزد امیر المؤمنین علیه السلم
پس گفت محروم شده ام از نماز شب پس آنحضرت فرمود که گناهان ترا مقید
ساخته و در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلم در بیان آیه
انّ ناشئة اللیل هی اشدّ وطأً و اقوم قیلاً فرمود مراد برخاستن او ست
از فراش که اراده نکند بآن مگر خدا یرا و هم در تهذیب روایت کرده شیخ
طوسی بسند صحیح از آنحضرت علیه السلم که فرموده که هیچ بنده نیست مگر که
بیدار کرده میشود در هر شبی یکبار یا دو بار اگر برخاست شیطان بول
میکند در گوشش آیا نمی بیند یکی از شما که چون بیدار شود و برنخیزد و چون
برخیزد از خواب ثقیل و کاهل شده و باز بسند صحیح از عمر بن یزید روایت
کرده که او شنیده از امام جعفر علیه السلم که میفرموده در شب ساعتی است که
موافق نکرده آنساعت را بنده مسلم که نماز کند و دعا طلب کند از خدا تعالی

در آنساعت مگر که خدا تعالی مستجاب کند برای او در هر شب گفتم اصلحک
الله پس چه ساعتیست از شب فرمود هرگاه بگذرد نصف شب تا ثلث
باقی و روایت کرده در فقیه بسند صحیح از عبد الله بن سنان که او سوال
کرد از حضرت امام جعفر علیه السلم از قول الله تعالی سیماهم فی وجوههم من
اثر السجود را آنحضرت فرمود مراد بیداریست در شب در نماز و روایات از
اصحاب عصمت سلام الله علیهم در ترغیب و ثواب و اثر او بجهة دنیا و آخرت
در نماز شب بسیار واقع شده و روایات بیشمار پس خود را گران مساز
و بوسواس شیطان اعتماد مکن رضای الهی و سعادت جاودانی و منافع
دنیوی و اخروی را نظر آر و برخیز نکو ملکیست ملک صبحگاهی در آن حضرت
بیا بجهه هرچه خواهی و فقیر ذکر نموده از وصایای حضرت رسول صلی الله علیه
و آله بعلی علیه السلم یکی این بود که فرمود علیك بصلوة اللیل سه مرتبه و حضرت
علیه السلم فرموده در قول حق تعالی انّ الحسنات یذهبن السیئات فرمود نماز مومن
است بشب که میبرد چیزی که کرده از گناه روز و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله
کسی که بسیار است نماز او در شب نیکو میشود روی او در روز پس ابتدا کن پیش
از نماز شب باین دعا   اللهمّ ربّ السموات السبع و ما بینهنّ و
ربّ العرش العظیم و ربّ جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و ربّ القرآن العظیم و

رب محمد خاتم النبيين اني اسئلك بالذي تقوم به السماء وبه تقوم الارض
وبه تفرق بين المجتمع وتجمع بين المتفرق وبه ترزق الاحياء وبه احصيت
عدد الرمال ووزن الجبال وكيل البحور ان تصلي على محمد وآل محمد واسئلك
اللهم قبول التوابين وعملهم ونور الانبياء وصدقهم ونجاة المجاهدين
وثوابهم وشكر المصطفين ونصيحتهم وعمل الذاكرين ويقينهم وايمان
العلماء وفقههم وتعبد الخاشعين وتواضعهم وحكم الفقهاء وسيرتهم
وخشية المتقين ورغبتهم وتصديق المؤمنين وتوكلهم ورجاء
المحسنين وبرهم اللهم اني اسئلك ثواب الشاكرين ومنزلة المقربين و
مرافقة النبيين اللهم اني اسئلك خوف العاملين لك وعمل الخائفين
منك وخشوع العابدين لك ويقين المتوكلين عليك وتوكل المؤمنين
بك اللهم انك بحاجتي عالم غير معلم وانت لها واسع غير متكلف وانت
الذي لا يحفيك سائل ولا ينقصك نائل ولا يبلغ مدحتك قول قائل
انت كما تقول وفوق ما نقول اللهم اجعل لي فرجا قريبا واجرا عظيما
وسترا جميلا اللهم تعلم اني على ظلمي لنفسي واسرافي عليها لم اتخذ
لك ضدا ولا ندا ولا صاحبة ولا ولدا يا من لا تغلطه المسائل يا من لا
يشغله شيء عن شيء ولا سمع عن سمع ولا بصر عن بصر ولا يبرمه الحاح

الملحين اسئلك ان تفرج عني في ساعتي هذه من حيث احتسب ومن
حيث لا احتسب انك تحيي العظام وهي رميم وانك على كل شيء قدير يا
من قل شكري فلم يحرمني وعظمت خطيئتي فلم يفضحني وراني على المعاصي ص
فلم يخذلني وخلقني للذي خلقني له فصنعت غير الذي خلقني له
فنعم المولى انت يا سيدي وبئس العبد انا وجدتني ونعم الطالب انت
ربي وبئس المطلوب الفيتني عبدك ابن عبدك ابن امتك بين يديك
ما شئت صنعت بي اللهم هدأت الاصوات وسكنت الحركات وخلا
كل حبيب بحبيبه وخلوت بك انت المحبوب الي فاجعل خلوتي منك
الليلة العتق من النار يا من ليست لمخلوق دونه منعة يا اول قبل كل
شيء ويا آخر بعد كل شيء ويا من ليس له عنصر ويا من ليس لآخره فناء
ويا اكمل منعوت ويا اسمح المعطين ويا من يفقه بكل لغة يدعى بها ويا من
عفوه قديم وبطشه شديد وملكه مستقيم اسئلك باسمك الذي شافهت
به موسى يا الله يا رحمن يا رحيم يا لا اله الا انت اللهم انت الصمد اسئلك
ان تصلي على محمد وآل محمد وان تدخلني الجنة برحمتك يا ارحم الراحمين وبجان
این دعا را کرده کفعمی در مصباح کبیر و اکثر کتب ادعیه مذکور است و حضرت امام
زین العابدین علیه السلام در دل شب میخواند این دعا را الهی غارت نجوم سمائک

وَنامَتْ عُيُونُ اَنامِكَ وَهَدَأَتْ اَصْواتُ عِبادِكَ وَاَنْعامِكَ وَغَلَّقَتِ
الْمُلُوكُ عَلَيْها اَبْوابَها وَطافَ عَلَيْها حُرّاسُها وَاحْتَجَبُوا عَمَّنْ يَسْأَلُهُمْ حاجَةً
اَوْ يَنْتَجِعُ مِنْهُمْ فائِدَةً وَاَنْتَ اِلٰهِي حَيٌّ قَيُّومٌ لا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَلا نَوْمٌ
وَلا يَشْغَلُكَ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ اَبْوابُ سَمائِكَ لِمَنْ دَعاكَ مُفَتَّحاتٌ وَ
خَزائِنُكَ غَيْرُ مُغْلَقاتٍ وَاَبْوابُ رَحْمَتِكَ غَيْرُ مَحْجُوباتٍ وَفَوائِدُكَ لِمَنْ
سَأَلَكَها غَيْرُ مَحْظُوراتٍ بَلْ هِيَ مَبْذُولاتٌ اَنْتَ اِلٰهِي الْكَرِيمُ الَّذِي لا تَرُدُّ
سائِلًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ سَأَلَكَ وَلا تَحْتَجِبُ عَنْ اَحَدٍ مِنْهُمْ اَرادَكَ لا وَعِزَّتِكَ
وَجَلالِكَ وَلا تَخْتَزِلُ حَوائِجَهُمْ دُونَكَ وَلا يَقْضِيها اَحَدٌ غَيْرُكَ اَللّٰهُمَّ
وَقَدْ تَرانِي وَوُقُوفِي وَذُلَّ مَقامِي بَيْنَ يَدَيْكَ تَعْلَمُ سَرِيرَتِي وَتَطَّلِعُ
عَلىٰ ما فِي قَلْبِي وَما تَصْلُحُ بِهِ اَمْرُ آخِرَتِي وَدُنْيايَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي ذَكَرْتُ
الْمَوْتَ وَهَوْلَ الْمُطَّلَعِ وَالْوُقُوفَ بَيْنَ يَدَيْكَ نَغَّصَنِي مَطْعَمِي وَمَشْرَبِي
وَاَغَصَّنِي بِرِيقِي وَاَقْلَقَنِي عَنْ وِسادِي وَمَنَعَنِي رُقادِي كَيْفَ يَنامُ
مَنْ يَخافُ بَياتَ مَلَكِ الْمَوْتِ فِي طَوارِقِ اللَّيْلِ وَطَوارِقِ النَّهارِ بَلْ
كَيْفَ يَنامُ الْعاقِلُ وَمَلَكُ الْمَوْتِ لا يَنامُ لا بِاللَّيْلِ وَلا بِالنَّهارِ وَيَطْلُبُ
قَبْضَ رُوحِهِ بِالْبَياتِ اَوْ فِي آناءِ السّاعاتِ پس برخیز بجهت نماز و بخوان
در رکعت اول بعد از حمد سوره توحید و در ثانی بعد از حمد سوره جحد و

زین العابدین ع این دو رکعت را پیش از نماز شب میکرد و دست برمیداشت
بتکبیر و دعا میکرد پس برمیخواست بنماز شب و پیش از آن سجده میکرد و روی
مبارک بر خاک میچسبانید و میگفت اَسْئَلُكَ الرَّوْحَ وَالرّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ
وَالْعَفْوَ عَنِّي حِينَ اَلْقاكَ و ابو الدردا روایت کرده که حضرت امیر علیه السلم
در دل شب میخواند این دعا را و ابن بابویه در امالی نقل نموده اِلٰهِي كَمْ مِنْ
مُوبِقَةٍ حَلُمْتَ عَنْ مُقابَلَتِها بِنَقِمَتِكَ كَمْ مِنْ جَرِيرَةٍ تَكَرَّمْتَ عَنْ كَشْفِها بِكَرَمِكَ
اِلٰهِي اِنْ طالَ فِي عِصْيانِكَ عُمْرِي وَعَظُمَ فِي الصُّحُفِ ذَنْبِي فَما اَنَا مُؤَمِّلٌ غَيْرَ
غُفْرانِكَ وَلا اَنَا بِراجٍ غَيْرَ رِضْوانِكَ اِلٰهِي اُفَكِّرُ فِي عَفْوِكَ فَتَهُونُ عَلَيَّ
خَطِيئَتِي ثُمَّ اَذْكُرُ الْعَظِيمَ مِنْ اَخْذِكَ فَتَعْظُمُ عَلَيَّ بَلِيَّتِي آهِ اِنْ اَنَا قَرَأْتُ فِي
الصُّحُفِ سَيِّئَةً اَنَا ناسِيها وَاَنْتَ مُحْصِيها فَتَقُولُ خُذُوهُ فَيا لَهُ مِنْ مَأْخُوذٍ
لا تُنْجِيهِ عَشِيرَتُهُ وَلا تَنْفَعُهُ قَبِيلَتُهُ آهِ مِنْ نارٍ تُنْضِجُ الْاَكْبادَ وَالْكُلىٰ آهِ مِنْ نارٍ
نَزّاعَةٍ لِلشَّوىٰ آهِ مِنْ غَمْرَةٍ مِنْ لَهَباتِ لَظىٰ و وقت نماز شب باجماع علما است که از نصف
آخر شب است تا طلوع فجر صادق هر چند بصبح نزدیکتر فضیلتش بیشتر و اگر
انکه چهار رکعت از نماز شب کرده باشی صبح شود نماز شب را تمام کن بحمد تنها و
بعد از آن نماز صبح کن و اگر انکه کسی را عذری باشد پیش از نصف شب بجا آرد
و قضا افضلست از تقدیم و بگوید این دعا را در هنگام شروع بنماز شب اَللّٰهُمَّ

إني أتوجه إليك بنبيك نبي الرحمة وآله وأقدمهم بين يدي حوائجي فاجعلني
بهم وجيها في الدنيا والآخرة ومن المقربين اللهم ارحمني بهم ولا تعذبني
بهم واهدني بهم ولا تضلني بهم وارزقني بهم ولا تحرمني بهم واقض لي
حوائج الدنيا والآخرة إنك على كل شيء قدير وبكل شيء عليم [illegible]
نماز شب ودر دو رکعت اول امام زین العابدین ع بعد از حمد سه مرتبه
توحید میخوانده در کفعمی نقل شده واگر خواهی در رکعت اول بعد از حمد
توحید ودر ثانی جحد بطریق رئیس الفقهاء ابن بابویه پس قنوت کن وباید که
باشد در قنوت تو این دعا دیگر اللهم أوسع علي في رزقي وامدد لي في
عمري واغفر لي ذنبي واجعلني ممن تنتصر به لدينك ولا تستبدل بي
غيري وبدانکه جایز داشته اند در نماز سنتی بقنوت وسوره را از روی
قرآن ونوشته خواندن ودر نماز واجبی جایز نیست وباطل است وقنوت
دیگر إلهي كيف أدعوك وقد عصيتك وكيف لا أدعوك وقد عرفت
حبك في قلبي وإن كنت عاصيا مددت إليك يدا بالذنوب مملوة
وعينا بالرجاء ممدودة مولاي أنت عظيم العظماء وأنا أسير الأسراء أنا
الأسير بذنبي المرتهن بجرمي إلهي لئن طالبتني بذنبي لأطالبنك بكرمك
ولئن طالبتني بجريرتي لأطالبنك بعفوك ولئن أمرت بي إلى النار

لاخیره

لأخبرت أهلها إني كنت أقول لا إله إلا الله محمد رسول الله اللهم إن
الطاعة تسرك والمعصية لا تضرك فهب لي ما يسرك واغفر لي ما لا يضرك
يا أرحم الراحمين پس چون فارغ شوی از سلام نماز بگو این دعا را پس بخوان
اللهم إني أسألك من كل خير أحاط به علمك وأعوذ بك من كل شر أحاط
به علمك اللهم إني أسألك عافيتك في أموري كلها وأعوذ بك من
خزي الدنيا وعذاب الآخرة پس نماز کن دو رکعت دیگر وبخوان در رکعت اول
بعد از حمد توحید ودر رکعت ثانی بعد از حمد انا انزلنا وباید که باشد در قنوت
تو این دعا وآنچه دعای دیگر که خواهی پس بخوان اللهم من علي بالتوكل عليك
والتفويض إليك والرضا بقدرك والتسليم لأمرك حتى لا أحب تعجيل ما
أخرت ولا تأخير ما عجلت يا رب العالمين پس بگو بعد از سلام از رکعت دوم
این دعا پس بخوان أنت الله لا إله إلا أنت رب العالمين أنت الله لا إله إلا
أنت الرحمن الرحيم أنت الله لا إله إلا أنت العلي الكبير أنت الله لا إله إلا
أنت ملك يوم الدين أنت الله لا إله إلا أنت الغفور الرحيم أنت الله
لا إله إلا أنت العزيز الحكيم أنت الله لا إله إلا أنت منك بدء كل شيء وإليك
يعود أنت الله لا إله إلا أنت لم تزل ولا تزال أنت الله لا إله إلا أنت
خالق الخير والشر أنت الله لا إله إلا أنت خالق الجنة والنار أنت الله لا إله

انت الاحد الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد انت الله لا اله
الا انت الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان
الله عما يشركون انت الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى يسبح
له ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم انت الله لا اله الا انت الكبير
المتعال والكبرياء ردائك پس بگذارد دو رکعت دیگر را چنانچه گذشت و
بخواند بعد از حمد هر سوره که خواهی و چون قنوت خوانی باید که باشد
در قنوت تو این دعا اللهم انی اسئلك الامن والايمان بك والتصديق
بنبيك والعافية من جميع البلاء والشكر على العافية والغنى عن شرار
الناس پس بگذاری دو رکعت دیگر را و در قنوت تو این دعا باشد اللهم
ارحمني بترك معاصيك ابدا ما ابقيتني وارزقني حسن النظر فيما يرضيك
عني والزم قلبي حفظ كتابك كما علمتني واجعلني اتلوه على النحو الذي
يرضيك عني اللهم نور بكتابك بصري واشرح به صدري وافرح
به قلبي واطلق به لساني واستعمل به بدني وقوني على ذلك فانه لا حول
ولا قوة الا بك پس هرگاه سلام نماز بگوئی پس بخوان این دعا را و هو دعاء
الجامع میگوئی بعد از حمد خدا و ثنا بر او و میخوانی این دعا را اللهم انت
الله لا اله الا انت الحليم الكريم وانت الله لا اله الا انت العزيز الحكيم وانت

الله

الله لا اله الا انت الواحد القهار وانت الله لا اله الا انت الملك
الجبار وانت الله لا اله الا انت الرحيم الغفار وانت الله لا اله الا
انت الشديد المحال وانت الله لا اله الا انت الكبير المتعال وانت
الله لا اله الا انت السميع البصير وانت الله لا اله انت المنيع القدير
وانت الله لا اله انت الغفور الشكور وانت الله لا اله الا انت
الحميد المجيد وانت الله لا اله الا انت الغفور الودود وانت الله
لا اله انت الحنان المنان وانت الله لا اله الا انت الحليم الديان وانت
الله لا اله الا انت الجواد الماجد وانت الله لا اله الا انت الواحد الاحد
وانت الله لا اله الا انت الغائب الشاهد وانت الله لا اله الا انت
الظاهر الباطن وانت الله لا اله الا انت بكل شيء عليم وانت الله لا
اله الا انت تم نورك اللهم فهديت وبسطت يدك فاعطيت ربنا
وجهك اكرم الوجوه وجهتك خير الجهات وعطيتك افضل العطايا و
اهناها تطاع ربنا فتشكر وتعصى ربنا فتغفر لمن شئت تجيب المضطرين
وتكشف السوء وتقبل التوبة وتعفو عن الذنب لا تجازى ايا ديك
ولا تحصى نعمك ولا يبلغ مدحتك قول قائل اللهم صل على محمد وال
محمد وعجل فرجهم وروحهم وراحتهم وسرورهم واذقني طعم

فرجهم واهلك اعداءهم من الجن والانس وآتنا في الدنيا حسنة و
في الآخرة حسنة وقنا عذاب النار واجعلنا من الذين لا خوف عليهم
ولا هم يحزنون واجعلني من الذين صبروا وعلى ربهم يتوكلون و
ثبتني بالقول الثابت في الحيوة الدنيا وفي الآخرة وبارك لي في المحيا
والممات والموقف والنشور والحساب والميزان واهوال يوم القيمة
وسلمني على الصراط واجزني عليه وارزقني علما نافعا ويقينا صادقا
وتقى وبرا وورعا وخوفا منك وفرقا يبلغني منك زلفا ولا يباعدني
واحبني ولا تبغضني وتولني ولا تخذلني واعطني من جميع خير الدنيا
والآخرة ما علمت منه وما لم اعلم واجرني من السوء كله بحذافيره ما
علمت منه وما لم اعلم و در كفعمی و مفتاح نقل شده كه سنتست انكه بعد از
هر دو ركعت از هشت ركعت نماز شب بخواند اين دعا را اللهم اني اسألك
ولم يسئل مثلك انت موضع مسألة السائلين ومنتهى رغبة الراغبين
ادعوك ولم يدع مثلك وارغب اليك ولم يرغب الى مثلك انت مجيب
دعوة المضطرين وارحم الراحمين اسألك بافضل المسائل وانجحها و
اعظمها يا الله يا رحمن وباسمائك الحسنى وامثالك العليا ونعمك التي
لا تحصى وباكرم اسمائك عليك واحبها اليك واقربها منك وسيلة

واشرفها

واشرفها عندك منزلة واجزلها لديك ثوابا واسرعها في الامور اجابة و
باسمك المكنون الاكبر الاعز الاجل الاعظم الاكرم الذي تحبه وتهواه
وترضى به عمن دعاك فاستجبت له دعاءه وحق عليك ان لا تحرم سائلك
ولا ترده وبكل اسم هو لك في التورية والانجيل والزبور والقرآن العظيم
وبكل اسم دعاك به حملة عرشك وملائكتك وانبياؤك ورسلك واهل
طاعتك من خلقك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تعجل فرج وليك
وابن وليك وتعجل خزي اعدائه پس طلب خود و حاجت طلب نمايد پس تسبيح
زهرا كند و سجده شكر نمايد و دعا كند بچيزي كه خواهد پس بگذارد دو
ركعت نماز شفع را و بخواند در اين دو ركعت بعد از حمد قل هو الله احد و در
قنوت بخواند اين دعا را اللهم يا من اظهر الجميل وستر القبيح ويا من لم
يؤاخذ بالجريرة ولم يهتك الستر عني يا كريم العفو يا حسن التجاوز يا
واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا صاحب كل نجوى ويا منتهى كل
شكوى يا كريم الصفح يا عظيم المن يا مبتدئ كل نعمة قبل استحقاقها يا ربا
يا سيداه يا مولاه يا غياثاه صل على محمد وآل محمد واسألك ان لا تجعلني
في النار و بعد از سلام بخواند اين دعا را كه در كفعمی ذكر نموده الهي تعرض
لك في هذا الليل المتعرضون وقصدك فيه القاصدون وامل فضلك

ومعروفك الطالبون ولك فى هذا الليل نفحات وجوائز وعطايا و
مواهب تمن بها على من تشاء من عبادك وتمنعها من لم تسبق له العناية
منك وها انا عبيدك الفقير اليك المؤمل فضلك ومعروفك فان كنت
يا مولاى تفضلت فى هذه الليلة على احد من خلقك او عدت عليه بعائدة
من عطفك فصل على محمد وآل محمد الطيبين الطاهرين الخيرين الفاضلين
وجد على بطولك ومعروفك يا رب العالمين وصلى الله على محمد خاتم
النبيين وآله الطاهرين وسلم تسليما ان الله حميد مجيد اللهم انى ادعوك
كما امرت فاستجب لى كما وعدت انك لا تخلف الميعاد وبخوان آن دعائى
كرد راو راد صبح ذكر شده كه اللهم انى اسئلك باسمك العظيم الاعظم الاجل
الاكرم المخزون تا آخر وبگو بعد از ان اين دعا را كه ثواب ونفع بيشمار دارد
وبخوان اللهم املأ قلبى حبا لك وخشية منك وتصديقا وايمانا بك و
فرقا منك وشوقا اليك يا ذا الجلال والاكرام اللهم حبب الى لقائك
واجعل لى فى لقائك خير الرحمة والبركة والحقنى بالصالحين ولا تؤخرنى
مع الاشرار والحقنى بصالح من مضى واجعلنى مع من بقى وخذ بى
سبيل الصالحين واعنى على نفسى بما تعين به الصالحين على انفسهم
ولا تردنى فى شر استنقذتنى منه يا رب العالمين اسئلك ايمانا لا

اجل له دون لقائك تحيينى وتميتنى عليه وتبعثنى عليه اذا بعثتنى
وابرأ قلبى من الرياء والسمعة والشك فى دينك اللهم اعطنى نصرا فى
دينك وقوة فى عبادتك وفهما فى خلقك وكفلين من رحمتك وبيض
وجهى بنورك واجعل رغبتى فيما عندك وتوفنى فى سبيلك على ملتك
وملة رسولك اللهم انى اعوذ بك من الكسل والهرم والجبن والبخل
والغفلة والقسوة والفترة والمسكنة واعوذ بك يا رب من نفس
لا تشبع ومن قلب لا يخشع ومن دعاء لا يسمع ومن صلوة لا تنفع و
اعيذ بك نفسى واهلى وذريتى من الشيطان الرجيم اللهم انه لا يجيرنى
منك احد ولا اجد من دونك ملتحدا فلا تخذلنى ولا تردنى فى هلكة
ولا تردنى بعذاب اسئلك الثبات على دينك والتصديق بكتابك
واتباع رسولك اللهم اذكرنى برحمتك ولا تذكرنى بخطيئتى وتقبل منى
وزدنى من فضلك انى اليك راغب اللهم اجعل ثواب منطقى وثواب
مجلسى رضاك عنى واجعل عملى ودعائى خالصا لك واجعل ثوابى
الجنة برحمتك واجمع لى جميع ما سألتك وزدنى من فضلك انى
اليك راغب اللهم غارت النجوم ونامت العيون وانت الحى القيوم
لا يوارى منك ليل ساج ولا سماء ذات ابراج ولا ارض ذات مهاد

ولا بحر لجي ولا ظلمات بعضها فوق بعض تدلج الرحمة على من تشاء
من خلقك تعلم خائنة الاعين وما تخفي الصدور اشهد بما شهدت
على نفسك وملائكتك واولوا العلم لا اله الا انت العزيز الحكيم ومن
لم يشهد على ما شهدت على نفسك وشهدت ملائكتك واولوا العلم
فاكتب شهادتي مكان شهادته اللهم انت السلام ومنك السلام
اسئلك يا ذا الجلال والاكرام ان تفك رقبتي من النار پس از آن برخیز
بجهت مفرده وتر وابتدا کن بتکبیرات سبع با دعاها و بعد از حمد بخوان
توحید را سه مرتبه و معوذتین را یکمرتبه در کفعمی باین قسم نقل شده
و علماء ما رضوان الله بعضی اکتفا بقل هو الله یکمرتبه نیز نقل نموده اند
و قران در سوره را جایز نمیدانند در نماز سنتی نیز و این خالی از ضعف
نیست و در نماز واجبی عدم جواز را متفق اند بعد از حمد و چون فارغ
سوی از سوره همان در رکعت اول قنوت کن و بخوان در قنوت
این دعا را و بگو لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلي العظيم
سبحان الله رب السماوات السبع ورب الارضين السبع وما فيهن
وما بينهن ورب العرش العظيم اللهم انت الله نور السماوات والارض
وانت الله زين السماوات والارض وانت الله جمال السماوات والارض و

انت

انت الله عماد السماوات والارض وانت الله قوام السماوات والارض
وانت الله صريخ المستصرخين وانت الله غياث المستغيثين وانت الله
المفرج عن المكروبين وانت الله المروح عن المغمومين وانت الله
مجيب دعوة المضطرين وانت الله اله العالمين وانت الرحمن الرحيم وانت
الله كاشف السوء وانت الله بك تنزل كل حاجة يا الله ليس يرد
غضبك الا حلمك ولا ينجي من عقابك الا رحمتك ولا ينجي منك الا التضرع
اليك فهب لي من لدنك يا الهي رحمة تغنيني بها عن رحمة من سواك
بالقدرة التي بها احييت جميع ما في البلاد وبها تنشر ميت العباد ولا
تهلكني غما حتى تغفر لي وترحمني وتعرفني الاستجابة في دعائي وارزقني
العافية الى منتهى اجلي واقلني عثرتي ولا تشمت بي عدوي ولا تمكنه
من رقبتي اللهم ان رفعتني فمن ذا الذي يضعني وان وضعتني فمن ذا
الذي يرفعني وان اهلكتني فمن ذا الذي يحول بينك وبيني او يتعرض
لك في شيء من امري وقد علمت انه ليس في حكمك ظلم ولا في نقمتك عجلة
وانما يعجل من يخاف الفوت وانما يحتاج الى الظلم الضعيف وقد تعاليت
عن ذلك يا الهي فلا تجعلني للبلاء غرضا ولا لنقمتك نصبا ومهلني و
نفسني واقلني عثرتي ولا تبتليني ببلاء على اثر بلاء فقد ترى ضعفي وقلة

حيلتي استعيذ بك الليلة فاعذني واستجير بك من النار فاجرني
واسئلك الجنة فلا تحرمنيها كر وقت بسيار باشد اين دعا را بخواند
اللهم تم نورك فهديت فلك الحمد ربنا وبسطت يدك فاعطيت
فلك الحمد ربنا وعظم حلمك فعفوت فلك الحمد ربنا وجهك اكرم الوجوه
وجهتك خير الجهات وعطيتك افضل العطايا واهناها تطاع ربنا
فتشكر وتعصى ربنا فتغفر لمن شئت تجيب المضطر وتكشف الضر و
تشفي السقيم وتنجي من الكرب العظيم لا يجزي بآلائك احد ولا يحصي
نعمائك قول قائل اللهم اليك رفعت الابصار ونقلت الاقدام ومدت
الاعناق ورفعت الايدي ودعيت بالالسن وتحوكم اليك بالاعمال
ربنا اغفر لنا وارحمنا وافتح بيننا وبين خلقك بالحق وانت خير الفاتحين
اللهم اليك نشكو غيبة نبينا وشدة الزمان علينا ووقوع الفتن
وتظاهر الاعداء وكثرة عدونا وقلة عددنا فافرج يا رب بفتح
منك تعجله ونصر تعزه وامام عدل تظهره اله الحق رب العالمين
پس بگو اين دعا را اللهم صل على محمد بافضل صلواتك وبارك عليهم
بافضل بركاتك والسلام عليهم وعلى ارواحهم واجسادهم ورحمة
الله وبركاته اللهم كذلك على امير المؤمنين ووصي رسول رب العالمين

اللهم

اللهم وصل كذلك على الصديقة الطاهرة فاطمة سيدة نساء
العالمين وصل كذلك على سبطي الرحمة وامامي الهدى الحسن و
الحسين سيدي شباب اهل الجنة وصل كذلك على الائمة المسلمين
علي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر
وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي حججك
على عبادك وامنائك في بلادك اللهم وصل على ولي امرك الحجة
بن الحسن القائم المؤمل والعدل المنتظر حجتك على خلقك ولسانك
المعبر عنك الناطق بحكمتك وعينك الناظرة باذنك وشاهدك
على عبادك الهادي المهتدي الطاهر التقي النقي الرضي الزكي استخلصته
لنفسك واصطفيته على عينك وعصمته من الذنوب وبرأته
من العيوب وطهرته من الرجس وسلمته من الدنس اللهم اجعله
في وديعتك التي لا تضيع وفي جوارك الذي لا يخفر وفي منعك
وعزك الذي لا يقهر اللهم انصره بنصرك العزيز وايده بجندك
الغالب وقوه بقوتك واردفه بملائكتك اللهم اشعب به الصدع
وارتق به الفتق وامت به الجور واظهر به العدل وزين بطول بقائه
الارض وايده بالنصر وانصره بالرعب وقو ناصريه واخذل خاذليه

ودمدم على من نصب له ودمر من غشه واقتل به جبابرة الكفر
وعمده ودعائمه واقصم به رؤس الضلالة وشارعة البدع ومميتة
ومقوية الباطل وذلل به الجبارين وابر به الكافرين وجميع الملحدين
في مشارق الارض ومغاربها حتى لا تدع منهم ديارا ولا تبقي لهم
آثارا واجمع له ملك الممالك كلها حتى تجري حكمه على كل حكم و
تغلب بحقه على كل باطل اللهم اسلك بنا على يديه منهاج الهدى
والمحجة العظمى والطريقة الوسطى وقونا على طاعته وثبتنا على
مشايعته وامنن علينا بمتابعته واجعلنا في حزبه القوامين بامره
الصابرين معه الطالبين رضاك بمناصحته حتى تحشرنا يوم القيمة
في انصاره واعوانه ومقوية سلطانه وحتى تجعلنا محاله وتجعلنا في الجنة
معه يا ارحم الراحمين وسنت است بلند خواندن قنوت اگرچه در نمازهای
سنتی بوده باشد و همچنین است طول دادن قنوت خصوصا در نماز شب
اگر وقت وسیع باشد روایت کرده فقیه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
که از شما هرکه را قنوتش درازتر باشد در دنیا بیشتر است راحت او در روز
قیامت روایت کرده در کتاب امالی که حضرت امام زین العابدین علیه السلام
میخوانده در قنوت وتر سیدی هذه یدای قد مددتهما الیک

بالذنوب مملوة وعيناي بالرجاء ممدودة وحق لمن دعاك بالندم تذللا
ان تجيبه بالكرم تفضلا سيدي امن اهل الشقاء خلقتني فاطيل بكائي
ام من اهل السعادة خلقتني فابشر رجائي سيدي لضرب المقامع خلقت
اعضائي ام لشرب الحميم خلقت امعائي سيدي لو ان عبدا استطاع الهرب
من مولاه لكنت اول الهاربين منك لكني اعلم اني لا افوتك سيدي لو ان
عذابي مما يزيد في ملكك لسالتك الصبر عليه غير اني اعلم انه لا يزيد في
ملكك طاعة المطيعين ولا ينقص منه معصية العاصين سيدي ما انا وما
خطري هب لي بفضلك وجللني بسترك واعف عن توبيخي بكرم وجهك
الهي وسيدي ارحمني مصروعا على الفراش تقلبني ايدي احبتي وارحمني
مطروحا على المغتسل يغسلني صالح جيرتي وارحمني محمولا قد تناول الاقرباء
اطراف جنازتي وارحم في ذلك البيت المظلم وحشتي وغربتي ووحدتي
واگر وقت تنگ باشد بخواند این قنوت را اللهم ان كثرة الذنوب
تكف ايدينا عن انبساطها اليك بالسؤال والمداومة على المعاصي تمنعنا
عن التضرع والابتهال والرجاء يحثنا على سؤالك يا ذا الجلال فان لم يعطف
السيد على عبده فممن يبتغي النوال فلا ترد اكفنا المتضرعة اليك الا ببلوغ
الآمال وصلى الله على اشرف الانبياء والمرسلين محمد وآله الطاهرين وبهم

قسم کرد دست بر داشته برای قنوت بگو بعد از قنوت دعا بجهة جهل
مومن باین طریق اللهم اغفر لسلمان الفارسی ولابی ذر الغفاری وللمقداد
ابن الاسود الکندی والبراء ابن معرور الانصاری اللهم اغفر لمحمد بن
ابی بکر ولاویس القرنی ولعمار بن یاسر ولخزیمة ابن ثابت ولمالک الاشتر
اللهم اغفر للعباس بن علی ع ولمسلم بن عقیل ولزهیر ابن القین ولحبیب ابن
مظاهر اللهم اغفر لمعروف بن خربوذ القرشی ولابان بن تغلب الجوری
ولابی حمزة الثمالی ولحمران ابن اعین اللهم اغفر لزرارة ابن اعین ولبرید
ابن معاویة العجلی ولمحمد بن مسلم ولابی بصیر المرادی ولفضیل بن یسار
النهدی ولمحمد ابن النعمان البجلی ولبکیر ابن اعین اللهم اغفر لاسمعیل
ابن الفضل الهاشمی ولاسمعیل بن عبد الخالق ولزیاد بن ابی عبیدة الحذا
وللحارث بن المغیرة النصری ولزید بن موسی الشحام ولمحمد بن علی الحلبی ولعبد الله
بن سنان ولعبد الله بن ابی یعفور ولمعویة بن عمار اللهم اغفر لجمیل بن
دراج ولحماد بن عثمان وللعلا بن رزین ولعمر ابن اذینة ولحریز ابن عبد
الله اللهم اغفر لمحمد بن ابی عمیر ولصفوان ابن یحیی پس بگو
اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِمَشَایِخِنَا وَاَسْلَافِنَا وَرُؤَسَائِنَا وَفُقَهَائِنَا وَاَسَاتِذَتِنَا
وَمُجْتَهِدِی مِلَّتِنَا وَعُلَمَائِنَا مِنَ الْاَوَّلِیْنَ وَالْاٰخِرِیْنَ اِلٰی یَوْمِ الدِّیْنِ اَللّٰهُمَّ

اغْفِرْ لِاَوَّلِنَا وَاٰخِرِنَا وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا وَحُرِّنَا وَعَبْدِنَا وَذَكَرِنَا وَاُنْثَانَا
وَمَنْ كَانَ مِنَّا اَوْ يَكُوْنُ اِلٰی يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ زِدْ فِیْ اِحْسَانِ مُحْسِنِنَا وَتَجَاوَزْ
عَنْ اِسَاءَةِ مُسِيْئِنَا وَشَفِّعْ مُحْسِنَنَا فِیْ مُسِيْئِنَا حَتّٰی تَجْمَعَ بَيْنَنَا جَمِيْعًا فِیْ مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِكَ
وَتَحْتَ لِوَاءِ نَبِيِّكَ وَفِیْ ثِقْلِ اَهْلِ بَيْتِهٖ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ اَللّٰهُمَّ لَا تَدَعْ لَنَا ذَنْبًا
اِلَّا غَفَرْتَهٗ وَلَا هَمًّا اِلَّا فَرَّجْتَهٗ وَلَا كَرْبًا اِلَّا كَشَفْتَهٗ وَلَا خَوْفًا اِلَّا اٰمَنْتَهٗ وَلَا
سُقْمًا اِلَّا شَفَيْتَهٗ وَلَا غَمًّا اِلَّا اَذْهَبْتَهٗ وَلَا حُزْنًا اِلَّا سَلَّيْتَهٗ وَلَا دَيْنًا اِلَّا قَضَيْتَهٗ
وَلَا عَدُوًّا اِلَّا كَفَيْتَهٗ وَلَا حَاجَةً اِلَّا قَضَيْتَهَا وَلَا دَعْوَةً اِلَّا اَجَبْتَهَا وَلَا مَسْئَلَةً اِلَّا
اَعْطَيْتَهَا وَلَا اَمَانَةً اِلَّا اَدَّيْتَهَا وَلَا فِتْنَةً اِلَّا صَرَفْتَهَا اَللّٰهُمَّ اِنَّ لَكَ عَلَيْنَا
حُقُوْقًا فَتَصَدَّقْ بِهَا عَلَيْنَا وَلِلنَّاسِ قِبَلَنَا تَبِعَاتٌ فَتَحَمَّلْهَا عَنَّا وَقَدْ اَوْجَبْتَ
لِكُلِّ ضَيْفٍ قِرًی وَنَحْنُ الضُّعَفَاءُ وَاَهْلُ الْحَاجَةِ وَالْمَسْكَنَةِ وَالْمُضْطَرُّوْنَ اِلَيْكَ
فَاجْعَلْ قِرَانَا اللَّيْلَةَ الْجَنَّةَ يَا وَهَّابَ الْجَنَّةِ يَا وَهَّابَ الْمَغْفِرَةِ وبعد از ان کر
خواندی این دعا را پس بگو هفت مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِیْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَيُّوْمُ
بِجَمِيْعِ ظُلْمِیْ وَجُرْمِیْ وَاِسْرَافِیْ عَلٰی نَفْسِیْ وَاَتُوْبُ اِلَيْهِ پس استغفار میکنی خدا را هفتاد
مرتبه و بروایتی صد مرتبه باین قسم اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّیْ وَاَتُوْبُ اِلَيْهِ بدست راست
میشماری و دست چپ را بلند نگه دار و سیصد مرتبه بگو العفو العفو پس بعد از
خواندن این دعا را یَا نُوْرُ یَا قُدُّوْسُ یَا اَوَّلَ الْاَوَّلِيْنَ یَا اٰخِرَ الْاٰخِرِيْنَ یَا رَحْمٰنُ یَا رَحِيْمُ

اِغْفِرْ لَنَا الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ وَاغْفِرْ لَنَا الذُّنُوبَ الَّتِي تُحِلُّ النِّقَمَ
وَاغْفِرْ لَنَا الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ وَاغْفِرْ لَنَا الذُّنُوبَ الَّتِي
تُنْزِلُ الْبَلَاءَ وَاغْفِرْ لَنَا الذُّنُوبَ الَّتِي تُدِيلُ الْأَعْدَاءَ وَاغْفِرْ لَنَا
الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ وَاغْفِرْ لَنَا الذُّنُوبَ الَّتِي تُظْلِمُ الْهَوَاءَ وَ
اغْفِرْ لَنَا الذُّنُوبَ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ وَاغْفِرْ لَنَا الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ
الْغِطَاءَ وَاغْفِرْ لَنَا الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ وَاغْفِرْ لَنَا الذُّنُوبَ
الَّتِي تَحْبِسُ غَيْثَ السَّمَاءِ وَاغْفِرْ لَنَا الذُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ النَّدَمَ يَا
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس دعا کن انچه دوست داري وبگو سه مرتبه أَسْتَجِيرُ
بِاللهِ مِنَ النَّارِ ودر رکوع کن وچون سر از رکوع برداري بگو اين دعا را هٰذَا
مَقَامُ مَنْ حَسَنَاتُهُ نِعْمَةٌ مِنْكَ وَسَيِّئَاتُهُ بِعَمَلِهِ وَذَنْبُهُ عَظِيمٌ وَشُكْرُهُ
قَلِيلٌ إِلٰهِي طُمُوحُ الْآمَالِ قَدْ خَابَتْ إِلَّا لَدَيْكَ وَمَعَاكِفُ الْهِمَمِ قَدْ
تَقَطَّعَتْ إِلَّا عَلَيْكَ وَمَذَاهِبُ الْعُقُولِ قَدْ سَمَتْ إِلَّا إِلَيْكَ فَإِلَيْكَ الرَّجَاءُ
وَإِلَيْكَ الْمُلْتَجَا يَا أَكْرَمَ مَقْصُودٍ وَيَا أَجْوَدَ مَسْؤُولٍ هَرَبْتُ إِلَيْكَ بِنَفْسِي يَا
مَلْجَأَ الْهَارِبِينَ بِأَثْقَالِ الذُّنُوبِ أَحْمِلُهَا عَلَى ظَهْرِي وَمَا أَجِدُ لِي إِلَيْكَ
سِوَى مَعْرِفَتِي بِأَنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ رَجَاهُ الطَّالِبُونَ وَلَجَأَ إِلَيْهِ الْمُضْطَرُّونَ
وَأَمَّلَ مَا لَدَيْهِ الرَّاغِبُونَ يَا مَنْ فَتَقَ الْعُقُولَ بِمَعْرِفَتِهِ وَأَطْلَقَ الْأَلْسُنَ

مناجات
الهی با قدر ذنوبی اقابل
بها کرمك وما قدر عبادة
اقابل بها نعمك وانی لارجو
ان یستغرق ذنوبی فی کرمك
کما استغرقت اعمالی فی نعمك
منه

بحمده

بِحَمْدِهِ وَجَعَلَ مَا امْتَنَّ بِهِ عَلَى عِبَادِهِ كِفَاءً لِتَأْدِيَةِ حَقِّهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
وَلَا تَجْعَلْ لِلْهُمُومِ عَلَى عَقْلِي سَبِيلًا وَلَا لِلْبَاطِلِ عَلَى عَمَلِي دَلِيلًا بِرَحْمَتِكَ
يَا أَرْحَمَ پس چون سلام دهي بگو سُبْحَانَ رَبِّيَ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ سه مرتبه
وبگو الْحَمْدُ لِرَبِّ الصَّبَاحِ الْحَمْدُ لِفَالِقِ الْإِصْبَاحِ سه مرتبه پس بخوان دعا حزين را
که در اکثر کتب ادعيه ودر کفعمی نقل شده أُنَاجِيكَ يَا مَوْجُودُ فِي كُلِّ مَكَانٍ
لَعَلَّكَ تَسْمَعُ نِدَائِي فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي وَقَلَّ حَيَائِي مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَيَّ الْأَهْوَالِ
أَتَذَكَّرُ وَأَيَّهَا أَنْسَى وَلَوْ لَمْ يَكُنْ إِلَّا الْمَوْتُ لَكَفَى كَيْفَ وَمَا بَعْدَ الْمَوْتِ أَعْظَمُ
وَأَدْهَى مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ حَتَّى مَتَى وَإِلَى مَتَى أَقُولُ لَكَ الْعُتْبَى مَرَّةً بَعْدَ أُخْرَى
ثُمَّ لَا تَجِدُ عِنْدِي صِدْقًا وَلَا وَفَاءً فَيَا غَوْثَاهُ ثُمَّ وَاغَوْثَاهُ بِكَ يَا اللهُ مِنْ
هَوًى قَدْ غَلَبَنِي وَمِنْ عَدُوٍّ قَدِ اسْتَكْلَبَ عَلَيَّ وَمِنْ دُنْيَا قَدْ تَزَيَّنَتْ لِي وَ
مِنْ نَفْسٍ أَمَّارَةٍ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ إِنْ كُنْتَ رَحِمْتَ
مِثْلِي فَارْحَمْنِي وَإِنْ كُنْتَ قَبِلْتَ مِثْلِي فَاقْبَلْنِي يَا قَابِلَ السَّحَرَةِ اقْبَلْنِي يَا مَنْ لَمْ
أَزَلْ أَتَعَرَّفُ مِنْهُ الْحُسْنَى يَا مَنْ يُغَذِّينِي بِالنِّعَمِ صَبَاحًا وَمَسَاءً ارْحَمْنِي يَوْمَ
آتِيكَ فَرْدًا شَاخِصًا إِلَيْكَ بَصَرِي مُقَلَّدًا عَمَلِي قَدْ تَبَرَّأَ جَمِيعُ الْخَلْقِ مِنِّي نَعَمْ
وَأَبِي وَأُمِّي وَمَنْ كَانَ لَهُ كَدِّي وَسَعْيِي فَإِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي فَمَنْ يَرْحَمُنِي وَمَنْ
يُؤْنِسُ فِي الْقَبْرِ وَحْشَتِي وَمَنْ يُنْطِقُ لِسَانِي إِذَا خَلَوْتُ بِعَمَلِي وَسَاءَلْتَنِي عَمَّا أَنْتَ

اعلم به منی فان قلت نعم فاین المهرب من عدلك وان قلت لم افعل
قلت الم اكن الشاهد علیك فعفوك عفوك عفوك یا مولای قبل سرابیل
القطران عفوك عفوك یا مولای قبل ان تغل الایدی الی الاعناق
یا ارحم الراحمین وخیر الغافرین پس سجده کن وبگو اللهم صل علی محمد
وآله وارحم ذلی بین یدیك وتضرعی الیك ووحشتی فی الناس و
انسی بك یا کریم یا کائنا قبل کل شیء یا مکون کل شیء یا کائنا بعد کل شیء
لا تفضحنی فانك بی عالم ولا تعذبنی فانك علی قادر اللهم انی اعوذ
من کرب الموت ومن سوء المرجع فی القبور ومن الندامة یوم القیمة
اسئلك عیشة هنیئة ومیتة سویة ومنقلبا کریما غیر مخز ولا فاضح
اللهم ان مغفرتك اوسع من ذنوبی ورحمتك ارجی عندی من
عملی فصل علی محمد وآل محمد واغفر لی یا حیا لا یموت وسنت اکید
دو سجده کند وبگوید در سجده اول سبوح قدوس رب الملائکة و
الروح پس بنشیند وبخواند آیة الکرسی را پس بخواند در سجده دویم بدستور
اول می باشد از برای او اجر عظیم واگر وقت باقی باشد بخوان این دعاء
جامع را بسم الله الرحمن الرحیم اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله آمنت بالله

وبجمیع رسله وبجمیع ما انزل به علی جمیع الرسل وان وعد الله حق و
لقائه حق وصدق الله وبلغ المرسلون والحمد لله رب العالمین و
سبحان الله کلما سبح الله شیء وکما یحب الله ان یسبح والحمد لله کلما حمد
الله شیء وکما یحب الله ان یحمد ولا اله الا الله کلما هلل الله شیء وکما
یحب الله ان یهلل والله اکبر کلما کبر الله شیء وکما یحب الله ان
یکبر اللهم انی اسئلك مفاتیح الخیر وخواتمه وسوابغه وفوائده
وبرکاته وما بلغ علمه علمی وما قصر عن احصائه حفظی اللهم انهج لی
اسباب معرفته وافتح لی ابوابه وغشنی برکات رحمتك ومن علی بعصمة
عن الازالة عن دینك وطهر قلبی من الشك ولا تشغل قلبی بدنیای و
عاجل معاشی عن آجل ثواب آخرتی واشغل قلبی بحفظ ما لا تقبل منی جهله
وذلل لکل خیر لسانی وطهر قلبی من الریاء ولا تجره فی مفاصلی واجعل عملی
خالصا لك اللهم انی اعوذ بك من الشر وانواع الفواحش کلها ظاهرها
وباطنها وغفلاتها وجمیع ما یریدنی به الشیطان الرجیم وما یریدنی
به السلطان العنید مما احطت بعلمه وانت القادر علی صرفه عنی اللهم
انی اعوذ بك من طوارق الجن والانس وزوابعهم وبوائقهم ومکائدهم
ومشاهد الفسقة من الجن والانس وان استزل عن دینی فتفسد علی

آخرتي ولئن يكون ذلك منهم ضرراً عليّ في معاشي ويعرض بلاءٌ يصيبني
منهم لا قوّة لي عليه ولا صبر لي على احتماله فلا تبتليني يا الهي بمقاساته
فيمنعني ذلك عن ذكرك ويشغلني عن عبادتك انت العاصم المانع
الدافع الواقي من ذلك كله اسألك اللهم الرفاهية في معيشتي ما ابقيتني
معيشةً اقوى بها على طاعتك وابلغ بها رضوانك واصير بها الى دار
الحيوان غداً ولا ترزقني رزقاً يطغيني ولا تبتليني بفقر اشقى به مضيّقاً
عليّ اعطني حظاً وافراً في آخرتي ومعاشاً واسعاً هنيئاً مريئاً في دنياي
ولا تجعل الدنيا عليّ سجناً ولا تجعل فراقها عليّ حزناً اجرني من فتنتها
واجعل عملي فيها مقبولاً وسعيي فيها مشكوراً اللهم ومن ارادني
بسوء فارده بمثله ومن كادني فيها فكده واصرف عني همّ من ادخل
عليّ همّه وامكر بمن مكر بي فانك خير الماكرين وافقأ عني عيون
الكفرة الظلمة والطغاة الحسدة اللهم وانزل عليّ منك سكينة و
البسني درعك الحصينة واحفظني بسترك الواقي وجللني عافيتك
النافعة وصدّق قولي وفعالي وبارك لي في ولدي واهلي ومالي
اللهم ما قدّمت وما اخّرت وما اغفلت وما تعمّدت وما توانيت
وما اعلنت وما اسررت فاغفره لي يا ارحم الراحمين اللهم من كانت
حاجته هاهنا وههنا وههنا فان حاجتي اليك وحدك لا شريك

لك وبگوید تسبیح زهرا علیها السلام پس بعد از آن برخیزد و بجهت دو رکعت
نماز نافله صبح و بخوان در دو رکعت بعد از حمد سوره جحد و در ثانی بعد
از حمد توحید و قنوت کن باید که باشد در قنوت تو این دعا اللهم
اردد الى جميع خلقك مظالمهم التي قبلي صغيرها وكبيرها في يسر منك
وعافية وما لم يبلغه قوتي ولم تسعه ذات يدي ولم يقو عليه
بدني ويقيني ونفسي فاده عني من جزيل ما عندك من فضلك
لا تخلف عليّ منه شيئاً تقضيه من حسناتي يا ارحم الراحمين اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمداً عبده ورسوله
وان الدين كما شرع وان الاسلام كما وصف وان الكتاب كما انزل
والقول كما حدّث وان الله هو الحق المبين ذكر الله محمداً واهل
بيته بخير وحيّا الله محمداً واهل بيته بالسلام ۵ وچون سلام گوئی
اگر صبح پهن و ظاهر شده باشد اذان بگو و بعد از آن بگو این دعا را
که فرموده حضرت صادق علیه السلام که بخوان اللهم اني اسألك باقبال
نهارك وادبار ليلك وحضور صلواتك واصوات دعائك وتسبيح
ملائكتك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تتوب عليّ انك انت التواب
الرحيم پس هرگاه بشنوی آواز موذن را پس بگو بعد از شهادتین در حالی

وطلب اجر کنند با شیخ

که وضو کنند و بخواند این دعا را بیک احتمال مصدقا و محتسبا و بعد از آن
وَاَنَا اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللّٰهِ اَكْتَفِي بِهَا عَمَّنْ
اَبٰى وَجَحَدَ وَاُعِينُ بِهَا مَنْ اَقَرَّ وَشَهِدَ وسنت است حکایت اذان نزد
شنیدن آن واگر صبح طالع نشده باشد وباقی باشد شب اگر خواهی بخواب
و بهتر آنست که سجده کنی و دعا بخوانی تا طلوع صبح یا بخوابی بطرف
دست راست بدل سجود و بگوئی این آیه را اِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰوَاتِ
الی قوله لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ اِسْتَمْسَكْتُ بِعُرْوَةِ اللّٰهِ الْوُثْقٰى الَّتِي لَا انْفِصَامَ
لَهَا وَاعْتَصَمْتُ بِحَبْلِ اللّٰهِ الْمَتِينِ وَاَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ
الْعَجَمِ آمَنْتُ بِاللّٰهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ اَلْجَاْتُ ظَهْرِي اِلَى اللّٰهِ فَوَّضْتُ اَمْرِي اِلَى
اللّٰهِ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ اِنَّ اللّٰهَ بَالِغُ اَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللّٰهُ
لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا حَسْبِيَ اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ اَللّٰهُمَّ مَنْ اَصْبَحَتْ حَاجَتُهُ اِلٰى
مَخْلُوقٍ فَاِنَّ حَاجَتِي وَرَغْبَتِي اِلَيْكَ اَلْحَمْدُ لِرَبِّ الصَّبَاحِ وَالْحَمْدُ لِفَالِقِ
الْاِصْبَاحِ پس بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فَالِقِ الْاِصْبَاحِ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْمَسَاءِ وَ
الصَّبَاحِ اَللّٰهُمَّ صَبِّحْ آلَ مُحَمَّدٍ بِبَرَكَةٍ وَعَافِيَةٍ وَسُرُورٍ وَقُرَّةِ عَيْنٍ
اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تُنْزِلُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مَا تَشَاءُ فَاَنْزِلْ عَلَيَّ وَعَلٰى اَهْلِ
بَيْتِي مِنْ بَرَكَةِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا وَاسِعًا تُغْنِينِي

بِهِ عَنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ **فصل سیم در بیان فضیلت شب جمعه و روز جمعه و ادعیه**
و افعال آن در فقیه نقل نموده که روایت نموده ابو بصیر از ابی جعفر ع
بسند صحیح که گفت آنحضرت آنکه حق تعالی امر میکند بملکی که ندا کند هر شب
جمعه از فوق عرش از اول شب تا آخر شب که آیا نیست بندهٔ مؤمنی که دعا
کند از برای آخرت و دنیا پیش از طلوع فجر پس اجابت کنیم آیا نیست بندهٔ
مؤمنی که توبه کند بسوی خدا تعالی از گناهان خود پیش از طلوع فجر
پس قبول کنیم برای او آیا نیست بندهٔ مؤمنی که تنگ شده بر او رزق
او و سؤال از خدا کند زیادتی را در رزق پیش از طلوع فجر پس زیاد
کنیم برای او و وسعت دهیم بر او آیا نیست بندهٔ مؤمنی که بیمار باشد
سؤال کند آنکه شفا دهیم پیش از طلوع فجر پس عافیت دهیم آیا نیست
بندهٔ مؤمنی که محبوس و مغموم باشد و سؤال کند تا آنکه برهانیم او را
از گرفتاری او و پس بگشائیم راه او را آیا نیست بندهٔ مؤمنی مظلوم
که سؤال کند خدا را آنکه بگیریم از برای او و ظلمی که شده بر او پیش از طلوع
فجر پس انتقام کشیم برای او و بگیریم از برای او ظلمی که کرده شده بر او و فرمود
آنحضرت که پس همیشه منادی میکند باین کلام تا طلوع کند فجر و باز در فقیه
نقل نموده که روایت کرده اصبغ بن نباته از امیر المؤمنین که فرمود بسند صحی

شب جمعه شب سفید است و روزا و روز روشن کسی که فوت شود در شب
جمعه مینویسد خدای تعالی از برای او براتی از فشار قبر و کسی که
فوت شود روز جمعه نوشته میشود از برای او براة از جهنم روایت
کرده هشام بن الحکم از ابی عبد الله علیه السلم در مردی که اراده کند انکه
عمل کند چیزی از خیر مثل صدقه و الصوم و مثل اینها فرمود انحضرت سنت
این عمل انکه بوده باشد روز جمعه بدرستی که عمل روز جمعه مضاعف
میشود و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله غافل داخل سازید باهل خود
هر روز جمعه بچیزی از میوه و گوشت تا فرحناک شوند بجمعه و روایت
کرده ابرهیم بن ابی العلا از زرارة از ابی عبد الله علیه السلم فرمود کسی که
بخواند شعری در روز جمعه پس همانست نصیب او از این روز با زفقیه
نقل نموده که حضرت امیر علیه السلم فرموده که در جمعه ساعتیست مبارک
سوال نمیکند خدا را بنده مومنی در انساعت چیزی را مکر انکه داده
میشود و بدان که فضیلت شب و روز جمعه در احادیث طریق عامه
و خاصه بسیار واقع شده شرزمه از ان بیان نمودیم در فقیه روایت
کرده عبد الله بن سنان از ابی عبد الله علیه السلم فرمود کسی که بکوید
در اخر سجده از نافله مغرب شب جمعه این دعا را هفت مرتبه فارغ

میشود

میشود از و حال انکه بتحقیق آمرزیده میشود از برای او کناهان او
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيْمِ وَاسْمِكَ الْعَظِيْمِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ
وَاَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِيَ الْعَظِيْمِ و اکر بکوید این دعا را هر شب پس او افضلست
و روایت کرده اویس القرنی رضی الله از حضرت امیر المومنین علی علیه السلم
که فرمود آنحضرت هر که از خدا بدین دعا چیزی خواهد مستجاب کند
و برآورد جمیع حاجات او را نیز حضرت رسالت صلی الله علیه و اله فرموده
که بحق آن خدائی که مرا بحق به پیغمبری فرستاد که هر کس را کرسنکی و تشنکی
رسد چون این دعا بخواند حق تعالی او را آب و طعام رساند و اکر کسی دعا
کند مصدق تمام بر دیوانه این دعا را بخود آید و اکر بر زنی که آبستنی کرد شوار
زاید بخواند بر او آسان شود و نیز پیغمبر صلی الله علیه و اله فرمود که
بخدائی که مرا بحق به پیغمبری فرستاد که هر کس چهل شب جمعه این دعا را
بخواند خدا تعالی بیامرزد همه کناهان او را و اکر میان او و خدا باشد و
اکر نزد حاکمی بزرک رود و بخواند از بدی او ایمن باشد و اکر در محل خواب
بخواند بهر حرفی از ان حضرت عزة برانکیزد هفتاد هزار فرشته روحانی که
رویهای ایشان هفتاد هزار بار بهتر باشد از آفتاب و جهة خواننده آمرزش
خواهند و دعا کنند او را و بنویسند از برای وی نیکیها و هر کس بخواند اکر

کناهان کبیره داشته باشد خدای تعالی تمام کناهان اورا بیامرزد
واکر دران شب که این دعارا خوانده باشد بمیرد شهید مرده باشد و
حق تعالی بیامرزد اورا واهل بیت اورا وپیش نماز ومؤذن مسجد اورا
انشاالله تعالی یا سلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر الطاهر
المطهر القاهر القادر المقتدر یا من ینادی من کل فج عمیق بالسنة شتی
ولغات مختلفة وحوائج اخری یا من لا یشغله شان عن شان
انت الذی لا تغیرك الازمنة ولا تحیط بك الامکنة ولا یاخذك
نوم ولا سنة یسر لی من امری ما اخاف عسره وفرج لی من امری ما
اخاف حزنه سبحانك لا اله الا انت انی کنت من الظالمین عملت
سوء وظلمت نفسی فاغفر لی انه لا یغفر الذنوب الا انت والحمد لله
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی نبیه وآله
بانا و بس فرنی رحمه الله روایت کرده که حضرت امیر المؤمنین ع فرموده که
پیغمبر صلی الله علیه وآله میفرموده که هر کراین دعارا بخواند مستجاب
کردد وحضرت پیغمبر صلی الله علیه واله بسیار سوکند یاد فرموده که اکر
کسی این دعارا بخواند بر آب روان بسته کردد واکر کرسنکی وتشنکی بر کسی
رسد بخواند این دعارا حق تعالی اورا آب وطعام رساند واکر بر کوه بخواند

ازجای

از جای بجنبد واکر بر زن آبستن بخواند که دشوار باشد بروزائیدن
آسان شود واکر کسی بخواند در شهری وبان شهر آتش افتاده باشد و
منزل او در میان آن شهر باشد آتش باو ومنزل او نرسد ونجات یابد
واکر چهل شب جمعه بخواند حق تعالی همه کناهان اورا بیامرزد وهر کرا
غمی باشد بخواند خلاص شود از ان غم واکر از حاکمی جابری ترسد بخواند
ایمن دارد ومستجاب سازد خدای تعالی ودر باب فضیلت وثواب این دعا
روایت بسیار است بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلك
ولا اسال غیرك وارغب الیك ولا ارغب الی غیرك اسئلك یا امان
الخائفین وجار المستجیرین انت الفتاح ذو الخیرات مقیل العثرات
ماحی السیئات کاتب الحسنات رافع الدرجات اسئلك بافضل المسائل
کلها وانجحها التی لا ینبغی للعباد ان یسئلوك الا بها یا الله یا رحمن
وباسمائك الحسنی وامثالك العلیا ونعمك التی لا تحصی وباکرم اسمائك
علیك واحبها الیك واشرفها عندك منزلة واقربها منك وسیلة
واجزلها مبلغا واسرعها منك اجابة وباسمك المخزون الجلیل العظیم
الذی تحبه وترضاه وترضی عمن دعاك به فاستجبت دعائه وحق
علیك ان لا تحرم سائلك وبکل اسم هو لك فی التوریة والانجیل والزبور و

والفرقان وبكل اسم هو لك علمته احدا من خلقك او لم تعلمه
احدا وبكل اسم دعاك به حملة عرشك وملائكتك واصفياؤك من
خلقك وبحق السائلين لك والراغبين والمتعوذين بك والمتضرعين
لديك وبحق كل عبد متعبد لك في بر او بحر او سهل او جبل ادعوك
دعاء من قد اشتدت فاقته وعظم جرمه واشرف على الهلكة و
ضعفت قوته ومن لا يثق بشيء من عمله ولا لذنبه غافرا ولا لسعيه
سواك هربت منك اليك غير مستنكف ولا مستكبر عن عبادتك
يا انس كل فقير مستجير اسئلك بانك انت الله لا اله الا انت الحنان
المنان بديع السموات والارض ذو الجلال والاكرام عالم الغيب والشهادة
الرحمن الرحيم انت الرب وانا العبد وانت المالك وانا المملوك وانت العزيز
وانا الذليل وانت الغني وانا الفقير وانت الحي وانا الميت وانت
الباقي وانا الفاني وانت المحسن وانا المسيء وانت الغفور وانا
المذنب وانت الرحيم وانا الخاطي وانت الخالق وانا المخلوق وانت
القوي وانا الضعيف وانت المعطي وانا السائل وانت الآمن
وانا الخائف وانت الرازق وانا المرزوق وانت احق من شكوت
اليه واستغثت به ورجوته لانك كم من مذنب قد غفرت وكم من

مسى

مسيء قد تجاوزت عنه فاغفر وتجاوز عني وارحمني وعافني مما ترك
ولا تفضحني بما جنيته على نفسه وخذ بيدي وبيد والدي وولدي
وارحمنا برحمتك يا ارحم الراحمين در كافي بسند موثق نقل نموده از ابرهيم
كرخي كه گفت تعليم نمود مرا حضرت امام جعفر صادق عليه السلم اين دعا
وامر فرمود مرا كه دعا كنيم باين دعا در روز جمعه اللهم اني تعمدتك
بحاجتي وانزلت بك اليوم فقري ومسكنتي فانا لمغفرتك ارجى مني
لعملي ولمغفرتك ورحمتك اوسع من ذنوبي فتول قضاء كل حاجة هي
لي بقدرتك عليها وتيسير ذلك عليك ولفقري اليك فاني لم اصب خيرا
قط الا منك ولم يصرف عني احد شرا قط غيرك وليس ارجو لآخرتي و
دنياي سواك ولا ليوم فقري ويوم تفردني الناس في حفرتي وافضي اليك
يا رب بفقري ودر نسخه ديگر بجاى يا رب بفقري بذنبي سواك وبايد كه بخواني
در شب جمعه اين دعا را اللهم ارزقهم صدق الحديث واداء الامانة
والمحافظة على الصلوات اللهم انهم احق خلقك ان تفعله بهم ذلك بنا ار
اللهم افعله بهم وبخوان در شب جمعه سوره بني اسرائيل وسوره اذا وقعة
ودر روز جمعه سوره كهف ودر روز غسل جمعه كن كه اكثر علماء متقدمين
ومتاخرين بر وجوب آن رفته اند ونفع بسيار دارد در دنيا وآخرت مترتب ميشود

در فقیه پیش از غسل وضو باید ساخت و در وقت غسل بخوان این دعا را اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله
اللهم صل علی محمد وآل محمد واجعلنی من التوابین واجعلنی من المتطهرین
می باشد پاك از آن جمعه تا جمعه آینده و در فقیه نقل نموده از حضرت صادق
علیه السلم کسی که بگیرد ناخن خود را از روز پنجشنبه و بگذارد یك ناخن را از
برای جمعه برمیدارد حق تعالی از و فقر را و باز فقیه نقل نموده از
عبد الله بن ابی یعفور که گفت عرض کردم بخدمت حضرت صادق علیه السلم
که بگردم فدای تو میگویند مردمان طلب نزول رزق کرده نمیشود بچیزی که
برابری کند با تعقیب نماز صبح از طلوع صبح تا طلوع آفتاب آنحضرت فرمود بلی
اما خبر دهم ترا به بهتر از وی پس فرمود که او گرفتن شارب و گرفتن ناخن است
در روز جمعه و فرمود پیغمبر صلی الله علیه وآله کسی که ناخن بگیرد روز شنبه
و روز پنجشنبه و بگیرد از شارب خود معاف است از درد دندان و درد
چشم و در گرفتن ناخن چنانچه فقیه نقل نموده از ابی عبد الله ع در روز
جمعه امان است از جذام و جنون و برص و کوری و اگر محتاج نباشی بگرفتن
ناخن حك کن پس برسان و بمال بران ناخن کارد یا مقراض را از ابی جعفر ع
در فقیه نقل کرده کسی که بگیرد از ناخن و شارب خود هر جمعه و بگوید در وقت

گرفتن

گرفتن این دعا را بسم الله وبالله وعلی سنة رسول الله محمد وآل محمد صلوات
الله علیهم اجمعین ساقط نمیشود از و ریزه ناخن و ریزه موئی مگر آنکه می نویسد
الله تعالی از برای او بعوض این ریزها ثواب آزادی بنده و صاحب مرض نمیشود
مگر مرضی که در آن مرض رسیده باشد اجل او و کسی که ناخن بگیرد روز جمعه
ابتدا کند بانگشت کوچك دست چپ و ختم کند بانگشت کوچك دست
راست و در فقیه از حضرت صادق نقل نموده که سنت است دفن کردن ناخن
و مو و دندان و خون نیز داخل است در فقیه فرمود صادق ع شانه کردن
سر برطرف میکند وبا را و شانه کردن ریش محکم میکند دندانها را و فرمود
ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلم هرگاه شانه کنی ریش خود را و سر خود را پس
برسان شانه را بر سینه خود پس بدرستی که این قسم میبرد هم و وبا را و حضرت
صادق علیه السلم فرموده در فقیه که کسی شانه کند ریش خود را هفتاد کرته
و بشمارد یك یك نزدیك نمیشود با و شیطان چهل روز و همچنین فرموده موسی
بن جعفر علیه السلم شانه کنید بعاج که بدرستی که میبرد وبا را و حضرت صادق ع
فرموده که وبا تب است و باز در فقیه روایت نموده از حضرت رسول صلی الله علیه واله
که فرمود بجهة علی علیه السلم یا علی یك درهم در خضاب حنا بهتر است از هزار درهم
غیر او در راه خدا و در خضاب چهارده خصلت است بیرون میکند باد هارا از گوشها

و با طاعون را گویند یا هر مرض عام را منتشر

عاج استخوان فیل گویند منتشر

و روشن میکند چشم را و نرم میکند پردهٔ بینی را و خوش بو میکند بوی دهن را
و سخت میکند گوشت پای دندانها را و برطرف میکند لاغری را و کم می کند
وسوسه شیطانرا و خوشحال میشود با و مؤمن و خشمناک میشود و این زینت است
و بوی خوش است و حیا میکند از منکر و نکیر و این برائتست از برای او در قبر
او و باز در فقیه فرموده صادق علیه السلم باید که زینت کند احدی از شما
روز جمعه و غسل کند و بکار برد بوی خوش و شانه کند و بپوشد پاکیزه ترین
جامه خود را و مهیا شود از برای جمعه و باید که باشد در این روز بسکینه و
وقار و نیکو کند عبادت پروردگار خود را و باید که بجا آورد وصدقه
بقدر استطاعت پس بدرستی الله تعالی نظر میکند بسوی زمین بجهة تضاعف
حسنات فقیه روایت نموده از حضرت امام رضا عم که فرمود آنحضرت که سزاوار
است از برای مرد آنکه ترک نکند مالیدن چیزی از بوی خوش را در هر روز
پس اگر قادر نباشد یک روز بمالد و یکروز فاصله کند و اگر قادر باین نیز
نباشد پس در هر جمعه بمالد بوی خوش را و وانگذارد این را و بود پیغمبر صلی الله
علیه و آله که هرگاه میشد روز جمعه و نمی یافتند بوی خوش را می طلبیدند جامه
که رنگ شده بود بزعفران و می پاشیدند بر و آب پس میمالیدند آنرا بر روی خود
و از ائمه علیهم السلم منقولست کسی که مسح کند روی خود را بگلاب نرسد باو در آن روز

بلائی و فقری و باید که مسح کند روی و دستها را و صلوات فرستد بر پیغمبر
صلی الله علیه و آله و در کافی نقل نموده در حدیث معراج از ابی عبدالله عم
در نمازیکه حضرت پیغمبر نمود در رکعت اول بعد از حمد قل هو الله احد
و در رکعت ثانی بعد از حمد انا انزلنا و فقیه نقل نموده که در شب جمعه در
نماز خفتن در رکعت اول بعد از حمد سورهٔ جمعه و در ثانی بعد از حمد
سوره جمعه سبح اسم و در نماز صبح و ظهر و عصر روز جمعه سوره جمعه و منافقین
بعد از حمد باید بخوانی پس اگر فراموش کنی در اینها یا یکی از اینها و در نماز ظهر بخوانی
غیر این دو سوره را پس بیاد آید پس برگرد بسوی سوره جمعه و منافقین یعنی جمعه و منافقین
مادامی که نخوانده باشی نصف سوره را و بگردان آن دو رکعت را نافله و سلام
ده در آن دو رکعت و اعاده کن نماز خود را بسورهٔ جمعه و منافقین و باکی
نیست آنکه نماز کنی نماز خفتن و صبح و عصر را بغیر سوره جمعه و منافقین مگر آنکه
بدرستی فضیلت در آنکه نماز کنی باینها بسوره جمعه و منافقین علی بن یقطین
روایت میکند از ابالحسن عم در نماز جمعه در سفر چه چیز بخوانم فرمود آنحضرت
بخوان در آن قل هو الله احد فقیه نقل نموده از ابی عبدالله علیه السلم
که میفرمود آنحضرت باکی نیست آنکه بخوانی در نماز جمعه بغیر سوره جمعه و
منافقین هرگاه بوده باشی تو مستعجل و اما فقیه نقل نموده که روایتی شده
در خواندن غیر سوره جمعه و منافقین که رخصت داده اند و گفته که عمل

باین نمی کنم وفتوی نمی دهم مکر در سفر و حال مرض و ترسیدن از فوت جماعت
و باز فقیه نقل نموده بلند نخوانند قرات حمد و سوره را در نماز ظهر و عصر پس
بدرستی کسی که بلند بخواند در ظهر و عصر یا آهسته بخواند در نماز شام و خفتن
و صبح عمدا پس بر وست اعادهٔ نماز پس اکر بکند این را از روی سهو پس نیست بر و
چیزی مکر روز جمعه در نماز ظهر که بدرستی بلند بخواند قراة راسنت و اکثر علما
براین اند و بعضی آهسته خواندن را بهتر میدانند و در روز جمعه بیست و
دو رکعت نافله جمعه واقع شده و در وقت ادا آن در میان علما خلاف است
و روایات نیز مختلف است و هر یک از این روایات معتبره عمل نمودن جایز است
وانچه در بیشتر روایات صحیح است آنست که شش رکعت را در وقت بلند
شدن آفتاب کند و شش رکعت دیکر را قبل از نصف النهار و دو رکعت بعد از
زوال پیش از نماز جمعه و شش رکعت بعد از جمعه و در روایت صحیح از حضرت امام
رضا ع منقول است که شش رکعت میکنی بکرة و شش رکعت دیکر بعد از ان و
دو رکعت بعد از زوال و دو رکعت بعد از عصر و بحسب این روایت بیست و
دو رکعت میشود باب ششم در بیان آداب نماز باران و نماز آیات و طریق نماز
جعفر فصل اول در نماز باران و دعاء آن روایت کرده فقیه و هرکاه
دوست داری تو انکه بکنی نماز طلب باران را پس باید که باشد روزی که نماز
میکنی در آن روز دوشنبه پس بیرون می آئی همچنانکه بیرون می آئی روز عید

و باید نماز را حضرت صادق ع از سبب
کردانیدن ردا را حضرت رسول صلعم در نماز
استسقا فرمود علامتیست میانه او و
میانه اصحاب او که میکردانند قحط و تنکی را
بفراوانی و ارزانی منه

وانچه که بود بر طرف چپ تو م

بجهة نماز عید و پیش افتند مؤذنان تا برسند بمصلی پس نماز کن با مردمان
دو رکعت بدون اذان و اقامه پس بالای منبر برو و خطبه بخوان و بر کردان
ردا خود را انچه که بود بر طرف راست تو بر طرف چپ تو و بر طرف راست
پس رو بقبله کن و صد مرتبه تکبیر کن خدا را باواز بلند پس التفات کن بسوی
راست خود و صد مرتبه تسبیح کن خدا را باواز بلند پس التفات کن بطرف چپ
پس صد مرتبه تهلیل کن خدا را باواز بلند پس بکردان روی خود را بمردمان
و صد مرتبه حمد کن خدا را باواز بلند پس بلند کن دستهای خود را و دعا
کن و دعا کنند مردمان و بلند کنند صداها را مردمان پس بدرستی آنکه حق سبحانه
و تعالی ناامید نمیکند ایشان را انشاالله تعالی و بود پیغمبر صلی الله علیه و آله
هرکاه طلب باران میکرد میخواند این دعا را و بلند میخواند قراءة نماز استسقا را
اَللّٰهُمَّ اَسْقِ عِبَادَكَ وَبَهَائِمَكَ وَانْشُرْ رَحْمَتَكَ وَاَحْيِ بِلَادَكَ الْمَيِّتَةَ و مکرر

منقول في الفقيه

میخواند این دعا را تا سه مرتبه و باز فقیه نقل کرده که آمدند جماعتی از اهل
کوفه بخدمت علی بن ابی طالب علیه السلام پس کفتند یا امیرالمؤمنین دعا کن از برای
ما بدعائی در طلب باران پس طلب فرمود آنحضرت ع امام حسن و امام حسین
علیهما السلام را پس فرمود یا حسن دعا کن پس کفت امام حسن ع این دعا را
اَللّٰهُمَّ هَيِّجْ لَنَا السَّحَابَ بِفَتْحِ الْاَبْوَابِ بِمَاءٍ عُبَابٍ وَرُبَابٍ بِانْصِبَابٍ وَانْسِكَابٍ

یا وهاب واسقنا مطبقة مغدقة مونقة بفتح اغلاقها وسهل اطلاقها
وعجل سیاقها بالاندیة فی الاودیة یا وهاب بصوب الماء یا فعال اسقنا
مطرا قطرا طلا مطلا طبقا مطبقا عاما معما دهما بهیما رحیما رشا مرشا
واسعا کافیا عاجلا طیبا مبارکا سلاطح بلاطح یناطح الاباطح مغدودقا
مطبوبقا مغرورقا واسق سهلنا وجبلنا وبدونا وحضرنا حتی ترخص
به اسعارنا وتبارك به فی ضیاعنا ومدننا ارنا الرزق موجودا والغلاء
مفقودا امین رب العالمین پس فرمود بحسین ع دعا کن پس خواند امام حسین
علیه السلم این دعا را اللهم معطی الخیرات من مظانها ومنزل الرحمات من معادنها
ومجری البرکات علی اهلها منك الغیث المغیث وانت الغیاث المستغاث
ونحن الخاطئون واهل الذنوب وانت المستغفر الغفار لا اله الا انت اللهم
ارسل السماء علینا دیمة مدرارا واسقنا الغیث واکفا مغزارا غیثا
مغیثا واسعا مسبغا مهطلا مریئا مریعا غدقا مغدقا عبابا مجلجلا
سحا سحساحا بسا بساسا مسبلا عاما ودقا مطفاحا یدفع الودق
بالودق دفاعا ویطلع القطر منه غیر خلب البرق ولا مکذب الرعد
تنعش به الضعیف من عبادك وتحیی به المیت من بلادك وتمتن
علینا منتك امین رب العالمین پس تمام نکرده بود کلام خود را که

الله تعالی

الله تعالی آب را ریزانید **فصل هفتم در بیان نماز آیات** بدانکه واجبست نماز آیات
گاه کسوف (آفتاب گرفتن است) وخسوف (ماه گرفتن است) وزلزله ووزیدن بادهای تاریك مخوفست گردد
وقوع هر یك ازینها واجبست گذاردن دو رکعت نماز باین قسم که تکبیر
احرام گوید پس بخواند حمد را وسوره که خواهد پس رکوع کند وسر بردارد و
حمد وسوره را بخواند وبرکوع رود بهمین طریق تا پنج رکوع وبعد ازان بسجده
رود ودو سجده بجا آورد پس برخیزد ویك رکعت دیگر را بدین قسم بجا
آورد که در رکعت اول بجا آورده ومیتواند بود که بعد از حمد سوره را تبعیض
نماید تا پنج رکوع بیك سوره تمام شود ودرین قسم باید که حمد را اول که خواند کافیست
ودر رکعت ثانی نیز باید که حمد را اول بخواند وبا بعض از سوره وبرکوع رود و
سر بردارد وبخواند بعضی ازان سوره را تا پنج رکوع ودر سر برداشتن از
رکوع سمع الله را بگوید مگر در رکوع آخر که بسجده میرود ودر هر دو رکوع قنوت
کند واگر نکند قنوت را مگر در رکوع پنجم ودهم او نیز جایز است واگر پنج رکوع
تمام نشدن سوره تمام شود باید که باز حمد را بخواند از روی وجوب ووقت نماز
آیات همگی باین قسم است واول وقت کسوف وخسوف ابتداء گرفتن است
وآخر وقت ابتداء انجلاست وبقول جمعی از علما تمام شدن انجلاست ووقت
زلزله تمام عمر است واگر کسی ترك کند نماز مذکور را با حدوث یکی از اسباب مذکوره

مشهور میانه علما آنست که قضا میکنند آن نماز را مطلقا و برخی گفته‌اند
بر ناسی قضا لازم نیست مادام که تمام قرص نگرفته باشد و احتیاط آنست
که قضا بجا آورد و اگر مطلع نشود و بعد از خروج وقت مطلع شود مشهور
میان علما آنست که قضا بجا کسوفین واجب نیست مگر انکه قرص بالتمام
محترق شده باشد و بعضی قضا را مطلقا واجب میدانند و اقوی و مشهور
قول اولست و سنت تجدید نماز تا منجلی شدن قرص و فقیه نقل نموده که هرگاه
بوده باشی در نماز کسوف و داخل شود وقت فریضه پس قطع کن آن نماز را
و نماز فریضه را بجا آر و بعد از ان بجا آر نماز کسوف را و بنی کن ا بر آنجائی که
گذاشته فقیه ذکر کرده که سوال کرد سلیمان دیلمی از ابا عبدالله ع از زلزله
که چه چیز است فرمود که آنحضرت آیتیست گفت چه چیز است سبب او فرمود
بدرستی حق تعالی موکل فرموده بر رگهای زمین ملک را پس هرگاه اراده کند
الله تعالی انکه زلزله کند زمین را وحی میکند بسوی آن ملک انکه حرکت ده
رگ چنان و چنان را پس حرکت میدهد آن ملک رگ آن زمین را که امر
فرموده الله تعالی پس بحرکت میاید با اهلش راوی گوید گفتم پس هرگاه
بوده باشد این زلزله پس چه کنم فرمود آنحضرت نماز کن نماز کسوف را بعد
از فراق بیفت برو از برای خدا در حالتی که سجده کنی و بگو در سجده خودت

این آیه

این آیه الآیه یا من یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما
من احد من بعده انه کان حلیما غفورا یا من یمسک السماء ان تقع
علی الارض الا باذنه امسک عنا السوء انک علی کل شیء قدیر و فقیه ذکر
کرده که فرمود حضرت صادق ع بدرستی که برق میرسد بمومن و
کافر و نمیرسد بذکر کننده خدا و از فقیه نقل نموده که روایت کرده
شده از کامل که گفت بودم من با امام محمد باقر ع در عریض که قریه‌ایست از
قرا مدینه پس وزید باد تندی پس شروع کرد انحضرت بتکبیر پس فرمود
بدرستی که تکبیر رد میکند باد را و فرمود انحضرت که نفرستاد الله تعالی
باد را رحمت یا عذاب پس هرگاه به بینید باد را پس بخوانید این دعا را اللهم
انا نسألک خیرها وخیر ما ارسلت له ونعوذ بک من شرها وشر ما
ارسلت له و تکبیر بگوئید و بلند کنید صداهای خود را و بگوئید تکبیر پس
بدرستی که تکبیر میشکند باد را و فرمود پیغمبر صلی الله علیه وآله دشنام
مدهید باد را پس بدرستی که او مامور است و نه کوهها را و نه ساعات را و
نه روزها را و نه شبها را پس گنه کار میشوید که بر میگردد این دشنام بشما

فصل سیم در بیان طریق نماز جعفر و نماز علی بن الحسین و نماز فاطمه زهرا فقیه ذکر نموده از
امام محمد باقر ع که گفت فرمود رسول الله ص بجعفر بن ابی طالب ع که یا جعفر آیا

عطا نکنم ترا آیا بخشش نکنم ترا آیا تعلیم نکنم ترا نمازی هرگاه تو بجا آوری آن
نماز را ادا کرده بوده باشی تو گریخته از جنگ و بوده باشد بر تو مثل ریگ
بیابان وکف دریا گناه بخشیده میشود از برای تو گفت بلی یا رسول الله صلی الله
فرمود نماز کن چهار رکعت هرگاه خواهی اگر خواهی هر شب واگر خواهی هر روز
واگر خواهی پس از جمعه تا جمعه واگر خواهی پس از ماهی تا ماهی واگر خواهی
از سالی تا سالی افتتاح کن نماز را پس تکبیر بگو پانزده مرتبه باین قسم الله
اکبر سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله پس بخوان سوره حمد وسوره
و رکوع کن پس بگو در رکوع همان تکبیر مشتمل بر تسبیح را ده مرتبه پس سر بردار
وبگو همان تکبیر مشتمل بر تسبیح را ده مرتبه پس برو بسجده پس بگو همان را
که گفتی ده مرتبه در سجده پس سر بردار از سجده پس بگو همان که گفتی ده مرتبه
وباز سجده کن و در سجده بگو ده مرتبه بدستور سجده اول پس برخیز بجهة رکعت
ثانی پس بگو همان تکبیر مشتمل بر تسبیح را پانزده مرتبه پس بخوان حمد وسوره پس
رکوع کن وسجود کن بهمان عدد وبهمان طریق که در رکعت اول کردی وبگو
آنچه گفتی در آن وپس تشهد کن وسلام ده وبرخیز بجهة دو رکعت دیگر
وآن دو رکعت را باین طریق نیز بکن پس سلام ده فرمود ابو جعفر علیه السلام
پس این تکبیر هفتاد وپنج مرتبه است در هر رکعت سیصد تسبیح است می باشد

سیصد مرتبه در چهار رکعت هزار و دویست تسبیح ومضاعف میکند الله
تعالی ومی نویسد حق تعالی از برای تو بسبب آنها دوازده هزار حسنه و هر حسنه
از اینها برابر کوه احد وبزرگتر وبتحقیق روایت شده بدرستی تسبیح در نماز
جعفر بعد از خواندن حمد وسوره است وبدرستی ترتیب این تسبیح باین
قسم است سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر پس بهر یک از این
دو حدیثین بکند مصلی پس او مصیب وجایز است از برای او وقنوت در هر دو
رکعت از اینها ست پیش از رکوع وقرائت در رکعت اول حمد واذا زلزلت
ودر ثانی حمد والعادیات ودر رکعت سیم الحمد واذا جاء نصر الله ودر رکعت
چهارم رکعت الحمد وقل هو الله احد واگر خواهی بکن اینها را همه بالحمد و
قل هو الله ودر روایت عبد الله بن مغیره از حضرت صادق ع که گفته
بخوان در نماز جعفر بقل هو الله وقل یا ایها الکافرون ودر روایت کرده
ابو بصیر از ابی عبد الله علیه السلام که گفت نماز کن نماز جعفر را هر وقت خواهی
از شب یا از روز واگر خواهی حساب کن این نماز را از نوافل شب واگر خواهی
حساب کن این نماز را از نوافل روز که حساب کرده میشود از برای تو از
نوافل تو وحساب کرده میشود از برای تو از نماز جعفر وباز روایت کرده ابو بصیر
یعنی ثواب هردو نماز را میشود بجهة نماز جعفر
از ابی عبد الله علیه السلام که گفت هرگاه بوده باشی تو مستعجل پس نماز کن نماز

نماز شب را بدین طریق نماز جعفر
بکاه کند کسی ثواب نماز جعفر
وثواب نماز شب را هردو را می یابد
انشاء الله تعالی

جعفر را مجردةً یعنی بدون تسبیحات پس از ان قضا کن تسبیح را و در روایت
حسن بن محبوب که گفت بگو در آخر سجده از نماز جعفر بن ابی طالب این دعا را
در کافی که کتب دعا از ابی عبد الله علیه السلم مرویست سُبْحَانَ مَنْ
لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ
لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ
وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ
مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَاسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ
التَّامَّةِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقاً وَعَدْلاً صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تَفْعَلَ
بِي كَذَا وَكَذَا یعنی حاجت بخواهد نماز دیگر از برای حاجت بود علی بن
الحسین علیهما السلم هرگاه محزون و دلگیر میکرد آنحضرت را امری میپوشید
انکنده ترین جامه خود را و درشت ترین انها را پس نماز میکرد در آخر
شب دو رکعت تا انکه هرگاه میبود در آخر سجده از سجود خود تسبیح میکرد
خدا را صد تسبیح و حمد میکرد خدا را صد مرتبه و تهلیل میکرد خدا را
صد مرتبه و تکبیر میکرد خدا را صد مرتبه پس اعتراف میکرد بگناهان خود
همه را انچه میدانست از انها و اقرار میکرد بخدا تعالی با آنها در سجود خود انچه
بیادش نبوده از انها اعتراف میکرد بانها همه را پس دعا میکرد خدا را و برهنه میکرد

زانوهای خود را و میرسانید بزمین روایت کرده زیاد قندی از عبد الرحیم
القصیر گفت داخل شدم برابی عبد الله عم گفتم از برای آنحضرت بگردم من
فدای تو بدرستی اختراع کردم از خود دعائی را پس گفت آنحضرت واگذار
اختراع خود را پس هرگاه نازل شود بتو امری پس جزع کن به پیغمبر صلی الله علیه
واله و نماز کن دو رکعت و هدیه کن آن نماز را به پیغمبر صلی الله علیه واله گفتم
چگونه کنم فرمود غسل کن و نماز کن دو رکعت که ابتدا کن این نماز مثل
ابتدا کردن بنماز واجبی و تشهد کن مثل تشهد نماز واجبی پس هرگاه
فارغ شدی از تشهد و سلام دادی تو بگو این دعا که مذکور است در فقیه
اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَإِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلَامُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَنِّي السَّلَامَ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ
وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى رَسُولِكَ
فَأَثِبْنِي عَلَيْهِمَا مَا أَمَّلْتُ وَرَجَوْتُ مِنْكَ وَفِي رَسُولِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ
پس برو بسجده و بگو این دعا را يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا حَيّاً لَا يَمُوتُ يَا حَيُّ
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ در حالتی که در سجده
باشی چهل مرتبه پس میگذاری گونه راست را بر زمین پس میگوئی آن دعا را
چهل مرتبه پس برمیداری سر خود را و برمیداری دستهای خود را بلند پس میگوئی

یعنی تقسیمی کرد در نماز واجبی از تکبیرات سبع و دعاها و غیره میخواندی و میکردی انها را نیز بخوان و بخوان ...

همان دعا را چهل مرتبه پس بر میگردانی دست خود را بسوی گردن خود
و اشارت میکنی بانگشت سبابه خود و میگوئی همان دعا را چهل مرتبه پس
میگیری ریش خود را بدست چپ (شهادت است) و گریه میکنی یا بگریه در می آوری خود را
مثل گریه کننده کان و میگوئی یا محمد یا رسول الله شکوه میکنم بسوی خدا
و بسوی تو حاجت خود را و شکوه میکنم بسوی اهل بیت راشدین حاجت
خود را و بشماست روی من بسوی خدا در حاجت من پس سجده کن و بگو
یا الله یا الله تا قطع شود نفس تو صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بی کَذا وَ
کَذا **طریق نماز فاطمه** و می نامند این نماز را نماز اوابین فقیه ذکر کرده از ابی عبدالله
بسند صحیح که آنحضرت گفت کسی که وضو سازد و کامل سازد وضو را و افتتاح
کند نماز را پس چهار رکعت نماز کند و فاصله کند میان این چهار رکعت بسلام
بخواند در هر رکعت بعد از فاتحه قل هو الله احد را پنجاه بار بر میگردد از آن
در آن هنگام برگشتن نمی باشد میان او و میان خدای عز و جل گناهی مگر آنکه
آمرزیده میشود از برای او باز روایت کرده فقیه از ابی عبدالله گفت کسی که نماز
کند چهار رکعت پس قرات کند در هر رکعت پنجاه مرتبه قل هو الله احد می باشد
این نماز فاطمه علیها السلام و اینست نماز اوابین **باب هفتم در سهو و شک از نماز و در بیان**
تدارک و شک در نماز و احکام فصل اول در سهو کردن آن فقیه نقل نموده و همچنین در کافی نیز نقل

در نماز

شده

شده از حضرت امام جعفر صادق ع که گفت آمد مردی بخدمت حضرت پیغمبر صلعم
پس گفت یا رسول الله شکوه میکنم بشما آنچه میرسد از وسوسه در نماز من
تا آنکه نمیدانم آنچه نماز کرده ام زیاد است یا کم پس فرمود آنحضرت هرگاه داخل
شوی تو در نماز خودت بزن بران چپ خود انگشت شهادت راست خود را
و بگو این دعا را بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللهِ اَعُوذُ بِاللهِ السَّمِیعِ الْعَلِیمِ
مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجِیمِ پس بدرستی که دور کردی و زجر کردی شیطان را
از خودت روایت فقیه بسند حسن از عمر بن یزید که گفت شکوه کردم بحضرت
ابی عبدالله علیه السلام از سهو در نماز شام پس گفت آنحضرت نماز کن آن
نماز را بقل هو الله و قل یا ایها الکافرون پس کردم من اینچنین پس برطرف
شد از من و باز روایت کرده فقیه از ابی عبدالله ع بدرستی که آنحضرت
فرمود آمد بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مردی پس گفت یا رسول
الله رسیده است بمن بد از وسوسه سینه ام شدتی و من مردی ام صاحب
عیال و قرض دار و محتاج پس فرمود آنحضرت با و مکرر بخوان این کلمات را
که تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذِی لا یَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا
وَلَداً وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبِیراً گفت پس درنگ نکرد
مگر آنکه باز آمد بخدمت حضرت ص پس گفت یا رسول الله برداشت حق تعالی

داخل شوی یعنی پیش از تکبیر احرام شد

ازمن وسوسهٔ سینه را وقضا کرد دین مرا و وسیع کردانید رزق مرا
باز فقیه نقل نموده از عبد الله بن مغیره بدرستی که کفت باکی نیست
انکه بشمارد مرد نماز خود را بانکشتر یا بسنك ریزه که بکیرد بدست خود
پس بشمارد باز فقیه نقل نموده که فرمود حضرت امام رضا علیه السلم که هرگاه
بسیار شود بر تو سهو در نماز پس برو بر نماز خود و اعاده مکن و
یعنی التفات بسهو مکن
در کافی فقیه نقل نموده اند از ابی جعفر علیه السلم که فرمود هرگاه
بسیار شود بر تو سهو پس واکذار آن سهو را پس بدرستی این که واکذاری
در کافی پس برو در نماز خود و واکذار
نزدیکست انکه واکذارد ترا بدرستی که نیست این سهو مکر از شیطان
فقیه نقل نموده بدرستی که صادق علیه السلم فرمود هرگاه بوده مرد از کسانی
که سهو میکنند در هر سه احتمال دارد که مراد از سه سه نماز فریضه متوالی
یا سه رکعات متوالیات باشد پس آنکس از کسانی است که کثیر السهواند و باز
ذکرد
فقیه نقل کرده از ابی جعفر ع بدرستی که آنحضرت فرمود که اعاده کرده
نمیشود مکر در پنج جا اول طهارتست و دویم دخول وقت و سیم قبله است
مراد از طهارت وضو و غسل و تیمم است باصطلاح شرع
و چهارم رکوع و پنجم سجود پس فرمود که قراءة سنتست و ناقص نمیکند سنت
یعنی طریقه پیغمبر
فریضه را و اصل در سهو بدرستی کسی که سهو کند در دو رکعت اول از هر نماز
یعنی واجب از جانب خدا
پس بروست اعادهٔ آن نماز و کسی که شك کند در نماز شام پس بروست اعاده

وکسی که شك کند در نماز صبح پس بروست اعاده و کسی که شك کند در نماز
جمعه پس بروست اعاده و کسی که شك کند در میان دو و سه یا در سه
و چهار بکیرد زیاده را پس هرگاه سلام دهد تمام کند انچه کمان کرده است
یعنی بنا بر اکثر کذارد
که او بتحقیق ناقص است و فرمود ابو عبد الله یا عمار جمع کنم از برای تو همه
سهو را در دو کلمه هرگاه شك کنی تو پس بکیر زیاده را یعنی بنا بر اکثر کذار
پس هرگاه سلام دهی پس تمام کن انچه را که کمان کرده تو که ناقص کرده او را
و معنی خبری اینچنان که روایت شده که فقیه اعاده نمیکند نماز را اینست آن
مکر شك در میان سه و چهار نه در دو رکعت اول و واجب نیست دو سجده
سهو مکر بر کسی که نشسته باشد در جائی که باید ایستاده باشد یا بایستد
در جائی که باید نشسته باشد یا ترك کرده باشد تشهد را یا بماند زیاده
کرده یا کم و این دو سجده سهو بعد از سلام است و پیش از کلام و روایت
سخن کفتن
کرده حلبی از ابی عبد الله ع که آنحضرت فرمود میکوید در سجده سهو این دعا
بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَصَلَّى اللهُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ کفت شنیدم بار دیکر که فرمود در سجده
این دعا را فصل دویم در چیزهائی که مبطل نماز است و آن بر چند قسمست قسم اول هر که خلل
رساند بواجبی از واجبات نماز عمدا و سهوا خواه آن واجب از اجزای نماز
باشد چون رکوع و سجود و قراءت یا از صفات اجزا باشد چون ارام داشتن

در حال قرائت یا از شروط نماز باشد چون طهارت و استقبال قبله
و ستر عورت و امثال آن یا از تروک واجبه باشد چون فعل کثیر و
حرف زدن و مانند آن نماز او باطل میشود و بغیر از جهر و اخفات که
نزد قائلان بوجوب جاهل در آن معذور است و همچنین معذور است
کسی که غصبیت جامه یا غصبیت مکان یا نجاست آنها را نداند یا نجاست
بدن یا موضع سجود یا غصب آب را نداند یا پوستی را از مسلمان خریده باشد
و در واقع مغصوب باشد یا نجس باشد و هرگاه حدث کند در اثنای
نماز اگر عمداً کرده نماز باطل میشود و اگر سهواً کرده باشد یا بی اختیار سرزده
باشد مشهور آنست که نماز باطلست و بعضی گفته اند طهارت بجا باید آورد
و بنا میکند در باقی مانده از نماز را و بعضی گفته اند احتیاط آنست که
جمع کند میان هر دو و آنچه قول مشهور است آنست که بعد از سجده دویم
قبل از تشهد اگر حدثی سرزند نماز باطل است و فقیه را اعتقاد آنست که
وضو سازد و عود بجای خود کند و بنشیند و تشهد را بجای آورد و نماز
او صحیح است قسم دیگر از مبطلات نماز تکلم بدو حرف است عمداً و علماً
تکلم بیک حرف را جایز دانسته اند و بعضی گفته اند احتیاط اجتناب
از آنست و ظاهر آنست که یک حرف که افاده معنی کند مبطل باشد و تنحنح موجب

بطلان نماز نیست مگر آنکه دو حرف بر آن صادق آید و فرقی نیست در
بطلان میانه آنکه حرف زدن جهت مصلحت صلوة باشد یا نه و میانه آنکه
بجهت مصلحت ضرور باشد یا نه بقول اشهر اقوی و تنبیه کسی بتلاوت
قرآن و ذکر و دعا جایز است و باعث بطلان نماز نمیشود مثل آنکه خواهد
رخصت دخول بکسی دهد بخواند این آیه را که ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ
یا کسی با کفش بر بساط آید و خواهد منع او کند گوید فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ
یا تسبیح را بلند گوید و اشاره نماید و باو بفهماند که کسی بر در خانه است
جایز دانسته اند و در روایت معتبره واقع شده است که اشاره بدست
دایما بسر میتوان کرد و اگر از قرآن و تسبیح سوای تفهیم قصد نداشته باشد
ظاهر اینکه بر آنست که باطل نشود و بعضی نیز برین قایل اند و اگر در اثنای
نماز سهواً حرف زند نماز باطل نمیشود و اگر گمان کند که نماز را تمام کرده حرف
زند قول اکثر و اقوی آنست که نماز او باطل نمیشود دیگر از مبطلات نماز رو از قبله
گردانیدنست و در تفصیل این مسئله اختلاف و اضطراب بسیار در کلام
علما رضوان الله هست اما اقوی و قول بعضی آنست که انحراف از قبله بکل بدن
عمداً موجب بطلان نماز میشود و اگرچه بحد مشرق و مغرب نرسد و چنین
فرموده اند بعضی از علما که انحراف بر و عمداً هرگاه بحد خلف برسد موجب بطلان

میشود ودر محض یمین ویسار محل تردداست وبعضی ترجیح عدم بطلان
داده اند وهرگاه التفات باحد جانبین شود وبحد مشرق ومغرب نرسد
اقرب آنست که مبطل نیست وظاهر عدم تحریم آن نیز هست لیکن اگر التفات
بسیار طویل باشد قول بتحریم وبطلان نست وهمچنین اگر بعضی افعال صلوة را
درحال التفات مذکور بجا آورد واگر انحراف از قبله سهوا باشد اگر
بحد یمین یا یسار رسیده باشد وانحراف تمام بدن باشد یا بروی تنها
وبحد خلف رسیده باشد بعید نیست اختیار آنکه حکم آن مانند عمداست
در بطلان پس اعاده در وقت وخارج وقت باید کرد ودر این مسئله
فی الجمله ترددی هست واگر انحراف بحد یمین یا یسار برسد واز آن در
تگذرد وانحراف تمام بدن نباشد اگر بعضی افعال را بران حال بجا
آورد ظاهر آنست بین العلما که مبطل نباشد مگر آنکه بسیار طویل باشد
که درین صورت بطلان محتمل است واگر بعضی افعال را بران حال بجا
آورده اگر ممکن است تدارک آن چون قراءت ظاهر آنست که مبطل نباشد
واگر ممکن نباشد تدارک آن چون رکن ظاهر آنست که مبطل باشد واگر انحراف
بحد یمین یا یسار نرسیده ظاهر آنست که بر وجه چیزی نباشد هر چند بتمام
بدن باشد قسم دیگر از مبطلات نماز بقول اکثر علما تکفیر است یعنی دست

دست راست را بر بالای دست چپ گذاشتن است چنانچه عامه میکنند
وجمعی از علما دست چپ را بر راست را نیز درین حکم داخل دانسته اند و
بعضی ترك تکفیر را مستحب دانسته اند واین قول اقوی وبرخلاف متقدمین
ومتاخرین براین قایل اند وفرقی نیست میانه آنکه گذاشتن دست
بالای ناف یا زیر آن ومیانه آنکه گذاشتن بر بند دست باشد یا ساعد
قسم دیگر از مبطلات نماز خنده بطریق قهقهه است هرگاه عمدا واقع
شود وتبسم موجب بطلان نمیشود واگر سهوا قهقهه بجا آرد جمعی
از علما نقل اجماع کرده اند که نماز باطل نمیشود واما اخبار دال بر بطلان
شامل آن نیز هست واگر قهقهه بی اختیار واقع شود بر وجهی که از خود
دفع نتواند کرد اقرب آنست که نماز باطل میشود قسم دیگر از مبطلات نماز
بقول مشهور گریه است بجهة امور دنیوی چون فقد مال یا فوت دوستی یعنی کم شدن
واین حکم را جماعتی از اصحاب ذکر نموده اند واز علماء متاخرین درین حکم
توقف فرموده اند وظاهر آنست که مراد بگا مطلق گریه باشد واز متاخرین
بعضی ذکر نموده اند بکائی که موجب بطلان نماز میشود گریه ایست که مشتمل
بر آواز باشد قسم دیگر از مبطلات نماز فعل کثیر است عمدا ودر تحقیق حد کثرت
اشکالی هست وعمل باحتیاط مناسب است وبعضی کارها از روایات معلوم

میشود که مُخل نماز نیست مانند دست بر سنك ریزه در حین سجود و دست
بر پیشانی مالیدن اگر خاك بران چسبیده باشد و انکشت بر بینی کردن و
باد بر موضع سجود کردن در حین سجود جهة دفع غبار و دست بر دیوار
زدن جهة اکاه کردن و سنك ریزه بطرف کسی انداختن جهة رد کردن او و شستن
خون رعاف و کندن کوشتی از موضع جراحت و انداختن او و بریدن ثالول
و دست بر موضع دمل کشیدن و خون او را بر دیوار مالیدن و جاده را
بجهة منضم ساختن و شپش را در خاك پنهان کردن و برداشتن زن طفل
خود را در نماز یا شیر دادن در حال تشهد و دست زدن بر ران جهة پشه
کشی و کشتن مار و عقرب و در روایت که اگر مابین مصلی و مار یك کام باشد
پس رود و بکشد و الا فلا و دیگر کشتن کیك و شپش و پشه و برداشتن عصا
و بدست پیر دادن و طفلی که نزدیك آتش باشد رفتن و دور کردن یا
کوسفندی که داخل شود بیرون کردن و بجهة تنبیه کسی سبحان الله کفتن و
اکر دندانی بجنبد کندن و اکر جامه بنجاست طری ببیند حك آن کردن و مذهب
علما آنست که فعل کثیر مبطل است هرگاه عمدًا واقع شود و اکر سهوًا باشد
موجب بطلان نماز نمیشود و بعضی از علما در فعل کثیری که موجب انمحاء صورت
نماز شود اشکال کرده اند قسم دیگر بقول مشهور خوردن و آشامیدن است و جمعی

از معتبران علما اقرب عدم بطلان دانسته اند الا با کثرت از منتهی اتفاق
ظاهر میشود بر انکه اکر شکر در دهن کداز د و آب شود و بلع کند نماز او
باطل نمیشود و اتفاق نقل نموده اند بر انکه فرو بردن بقایای غذا
در دندانها باعث بطلان نمیشوند و هرکاه کسی اراده روزه داشته
باشد و تشنه باشد و در نماز وتر باشد آب میتوان آشامیدن
و از روایات تجویز سه کام پیش کذاشتن معلوم میشود قسم
دیگر ترك رکن است و حکم نیت و تکبیر و قیام مذکور شد و اما رکوع
مشهور میان علما آنست که هرکاه ترك رکوع کند تا وقتی که سجده کند
نماز او باطلست اعم از ان که سهوًا بوده یا عمدًا و درین باب خلافی هست و
احتیاط در عمل بقول مشهور است و مشهور آنست که هرکاه دو سجده را
ترك کند تا وقتی که برکوع رکعت دیکر داخل شود نماز او باطل است
اعم از ان که ترك سجدتین عمدًا یا سهوًا و درین باب نیز خلافی هست و
خلافی ظاهر نیست میان علما در انکه زیادتی رکن موجب بطلان نماز است
مکر در بعضی مواضع که استثنا شده قسم دیگر زیاد کردن رکعتی است عمدًا و اکر
سهوًا باشد اکر در عقب رکعت رابعه بقدر تشهد نه نشسته نماز او باطلست
و اکر بقدر تشهد نشسته و تشهد بجا آورده نماز او صحیح و اکر بقدر تشهد

نشته وتشهد بجا نیاورده اکثر علما بر انند که نماز او باطل و بعضی بر انند
که تحصیل برائت ذمه بیقینه موقوف بر اعاده است واگر زیادتی پیش
از رکوع بخاطر آید نماز او صحیح است واگر بعد از رکوع وقبل از سجود بخاطر
آید وتشهد بجا آورده باشد بعضی گفته اند صحت نماز خالی از رجحانی نیست
واگر تشهد بجا نیاورده باشد ظاهر بطلان نماز است واگر پیش از یکرکعت
زیاده کرده باشد یا زیادتی در نماز دو رکعتی باشد یا سه رکعتی اگر تشهد بجا
آورده بعضی گفته اند که صحت خالی از رجحانی نیست واگر تشهد بجا نیاورده
ظاهر بطلان نست **قسم دیگر** کم کردن یکرکعت است عمدا واگر سهوا کم کرده
باشد وبخاطر آید بعد از تسلیم پیش از انکه فعل منافی نماز کرده باشد واجب
است تمام کردن نماز واعاده بر و نیست واگرچه در نماز دو رکعتی باشد
واگر نقص بخاطر آید بعد از انکه فعل منافی بجا آورده باشد که عمدا منافی
نماز است نه سهوا چون حرف زدن مشهور واقوی عدم وجوب اعاده است
واگر نقص بخاطر آید بعد از انکه فعل منافی بجا آورده باشد که عمدا وسهوا
منافی نماز است مانند حدث وفعل کثیری که موجب انمحاء صورت نماز
باشد اکثر علما بان رفته اند که اعاده واجب است وقول دیگر آنست که تتمه را
می باید کرد واعاده واجب نیست واین قول را بعضی رجحان داده اند واعاده را

مستحب

مستحب دانسته اند واحتیاط آنست که اعاده نماید **قسم دیگر** بقول مشهور آنست
که یقین داشته باشد که دو سجده را ترک کرده ونداند که آن دو سجده از
یکرکعت ترک شده یا از دو رکعت ودر دلیل این فقها را تاملی هست **قسم
دیگر** که قبل از اکمال سجود وبعد از رکوع شک کند که آیا سر از رکوع برداشتن
از رکعت چهارم بوده یا پنجم بقول جمعی از علما وجمعی دیگر را اعتقاد آنست
که نماز باطل نمیشود وبنا بر چهار گذارد وتمام کند واین قول نزد جمعی
رجحان دارد واقوی است واگر شک بعد از رکوع باشد پیش از رفع
راس بدستور مسئله سابق خلاف جاریست ونزد بعضی بنا بر چهار
میگذارد وتمام میکند واگر شک پیش از رکوع باشد خواه پیش از قرائت
وخواه بعد از ان حکم شک میان سه وچهار دارد وبقول مشهور می نشیند
وسلام میدهد وبنا بر چهار میگذارد ویکرکعت نماز احتیاط میکند و
باعتقاد بعضی بنا بر اقل نیز میتوان گذاشت **قسم دیگر** نماز شک میانه
یک ودو در نمازهای دو رکعتی مانند صبح ونماز مسافر ونماز عیدین
در حال وجوب ونماز کسوف وهمچنین شک در عدد سه رکعتی مانند
نماز مغرب موجب بطلان نماز میشود وفرقی نیست میان انکه شک کند در
زیاده باشد یا نقصان **قسم دیگر** بقول مشهور شک در دو رکعت اول

از نماز مطلقا اعم از آن که چهار رکعتی باشد یا نه بابن قسم که شک کند که یک رکعت
کرده یا دو رکعت بقول فقیه بنا بر اقل میکذارد و تمام میکند نماز را
(ابن بابویه منه)
و صحیح است و اخبار معتبره از طرفین وارد است و جمع بین الاخبار بتخییر
نیکو است و بعضی احوط را اعاده دانسته اند و مشهور آنست که هرگاه شک
کند در عدد رکعات و نداند که چه قدر بجا آورده نماز او باطلست
و اعاده لازم و اعتقاد فقیه آنست که بنا بر اقل میکذارد و نماز را تمام
میکند و اخبار بسیار دلالت بر اعاده میکند و بعضی روایات دلالت
بر ان میکند که بنا بر جزم میکذارد و دو سجده سهو میکند و تشهد خفیف
بجا می آورد و جمیع بتخییر در این حال نیکو و احتیاط در اعاده است و بعضی را
اعتقاد اینست و مکروه است در حین نماز تثاوب و تمطی و فرقعه بانگشتان
(یعنی خمیازه ... منه — یعنی ... دو دست را کشیدن ... — یعنی شکستن انگشتان ... منه)
و عبث و باد کردن موضع سجود و بلغم دماغ و آب دهان انداختن و
(بازی کردن با اعضا منه)
بازی با سر و ریش کردن و سنگ ریزه انداختن و از روی کاهلی و گرانی
و خواب آلودگی مشغول بنماز شدن و در سجده بین ذراعین را بر زمین
فرش نمودن و مدافعه بول و غایط و باد کردن و جایز است قطع نماز
(یعنی قرض خواه ... منه)
جهة ضرورت و چون گرفتن غریم و حفظ نفس محترمه از تلف و انقاد
غریق و کشتن ماری که از آن بیم ضرر بنفسی باشد و احراز مالی که
(یعنی نجات دادن و رهانیدن کسی که مشرف بغرق شدن باشد منه)

ضیاع

ضیاع آن مضر باشد و ترس مضرت از نگاه داشتن بول یا غایط یا حین
فراغ و امثال اینها و جایز است دعا کردن بمباح از امور دین و دنیا در هر حال
که باشد از حالات نماز و هرگاه بگذرد بآیه که در و ذکر بهشت باشد طلب
ان کند از خدا و یا بگذرد بآیه که در و ذکر دوزخ باشد استعاذه
کند از ان بخدای عز و جل و بدان که جواب سلام مسلمان واجب است
و اگر کسی گوید علیک السلام در وجوب رد آن علما را تردد است
و همچنین در مانند سلام و سلاما و السلام و سلامی و سلام الله علیک
و امثال اینها و اولی در جواب تسلیم سلام علیکم است چنانکه از روایت
مستفاد میشود و علامه در تذکره گفته صیغه جواب و علیکم السلام
است و رد جواب باحسن واجب نیست و رد جواب سلام واجب کفایست
و ساقط میشود بجواب دادن کسی که داخل در مسلم علیهم بوده باشد و
ظاهر آنست که جواب فوری باشد و جمعی تصریح نموده اند که اسماع تحقیقی
یا تقدیری واجبست و مکروه است که از جمله جمعی طایفه را تخصیص کند
بسلام و مستحب است سلام دادن سواره بر پیاده و ایستاده بر نشسته و طایفه
قلیله بر کثیره و صغیر بر کبیر و بعضی گفته اند که حرامست سلام دادن زن
بر مرد اجنبی و این قول محکوم به و ثابت نیست و از بعضی روایات مفهوم

میشود که مکروه باشد سلام کردن بر زن اجنبیه جوان و ابتداء سلام بر اهل ذمه
نباید کرد و اگر ایشان سلام کنند در جواب علیك یا علیکم باید گفت و باین
اقتصار باید کرد و اقرب آنست که این اقتصار بر سبیل استحبابست نه حتمی
بقول بعضی و هرگاه کسی بنا بر این اقوال که نقل نمودیم در نماز باشد و
مسلمانی براو سلام کند ظاهر آنست که جواب باشد و مشهور میان علما آنست
که هرگاه کسی در نماز باشد و کسی بر او سلام کند باین عبارت که سلام علیکم
واجبست که جواب مثل آن باشد و جایز نیست در جواب علیکم السلام و ابن
ادریس را اعتقاد آنست که هرگاه گوید سلام علیکم یا سلام علیك یا السلام
علیکم یا علیکم السلام در جواب هر یك از این الفاظ را اگر گوید جایز است و اگر
کسی سلام کند بر کسی که در نماز باشد بغیر الفاظ مذکوره یا تحیتی بگوید
بعضی رد او را واجب دانسته اند و بعضی حرام و بعضی جایز و ظاهر و بعضی را
اعتقاد آنکه اگر در جواب قصد دعا کند جایز است و الا در وجوب و جواز آن
محل تأمل است و مشهور میان علما آنست که هرگاه در حال نماز رد سلام کند
شنوانیدن آن تحقیقاً یا تقدیراً واجبست و این مسئله در نزد بعضی محل تردد است
و اگر دیگری رد سلام کند در جواز رد از مصلی یا استحباب آن خلافست و دلیلی
بر استحباب نیست و ظاهر آنست که اگر قصد دعا کند جایز باشد در نزد بعضی

و در اثناء نماز تسمیت عاطس یعنی در جواب کسی که عطسه کند بگوید یرحمك الله
یا یغفر لك الله و امثال اینها و هرگاه مصلی عطسه کند جایز است که حمد خدای
بگوید و صلوات بر رسول و اهل بیت علیهم السلام فرستد و اگر دیگری نیز
عطسه کند مصلی بتحمید و صلوات بجای میتواند آورد **فصل سیم** در احکام
سهو و شك و در این چند مسئله است **مسئله اول** مشهور میان علما آنست که
هرگاه ظن بیك طرف باشد بآن عمل باید کرد و تردد دو فرض یعنی سه تا نمد
چنان تعقل باید کرد که نماز برین قسم است که ظن متعلق است بآن پس اگر
شك کند میان دو و سه و ظن بسه داشته باشد بنا بر آن میگذارد بی نماز احتیاط
و اگر شك کند میان چهار و پنج و ظن چهار داشته باشد بنا بر چهار میگذارد
بی سجده سهو و اگر ظن داشته که پنج است مبنی است بر خلاف سابق که
مذکور شد و ظاهر کلام ایشان متفق فرقست میان شك در
افعال یا عدد رکعات لیکن در جریان دلیل حکم در افعال بعضی را
تأملست اعتقاد اکثر آنست که فرقی نیست میان آنکه در دو رکعت اول
باشد یا غیر اولین و میان آنکه شك در چهار رکعتی باشد یا غیر چهار رکعتی
و در صحت جریان حکم در ماعدای اخیرتین از چهار رکعتی بعضی را تردد
هست و احتیاط آنست که در اینجا عمل بظن ننماید و مقتضای احتیاط

بجا آورد بقول بعضی **مسئله دیگر** هرگاه کسی فراموش کند قرائت را یعنی حمد
یا سوره را یا جهر و اخفات را یا بعضی از آیات را تا وقتی که برکوع رود
برو چیزی لازم نمی آید و نماز او صحیح است و اگر پیش از رکوع بخاطر رسد
تدارک باید کرد مگر در جهر و اخفات که اگر بعد از اتمام قراءت و پیش
یعنی باید خواند آنچه ترک شده است منه
از رکوع بخاطر آید تدارک لازم نیست بلکه در اثناء قراءت نیز اگر بخاطر
آید تدارک گذشته لازم نیست و هرگاه کسی فراموش کند ذکر رکوع را
تا وقتی که راست شود یا ذکر سجود یا بر اعضا را سوای جبهه نماز او صحیح است
اما اگر پیشانی گذاشتن بر چیزی که صحیح است سجده برو فراموش کند
در هر دو سجود نماز او صحیح نخواهد بود **مسئله سیم** هرگاه امام یا ماموم
در نماز شک کنند و دیگری ضبط کرده باشد اعتماد بر قول آنکه ضبط کرده
میتواند کرد و فرقی نیست میان افعال و رکعات و میان آنکه ماموم عادل
باشد یا فاسق و در این باب اعتماد بر قول غیر امام یا ماموم نمیتوان کرد
مگر آنکه اعلام آن شخص افاده ظنی کند و داخل آن مسئله شود که مصلی
ظن بیکطرف دارد **مسئله چهارم** هرگاه ماموم کاری کند که موجب سجود سهو شود
جمعی از علما فرموده اند که سجده را بجا آورد و برخی گفته اند که بجا آوردن
سجده واجب نیست و از این برخی بعضی گفته اند که اگر ترک کند چیزی را که موجب

قضا باشد قضاء آن بر او لازم نیست و بعضی را در این مسئله تردد است و عمل باحتیاط را
مرجح دانسته اند و مشهور آنست که هرگاه امام موجب سهو بجا آورد سجده میکند و بر
ماموم لازم نیست و بعضی لازم دانسته اند **مسئله پنجم** سهو و شک اعتبار
ندارد با کثرت و بآن التفات نمیکند و هرگاه کثیر شود و بر آن حال نماز می کند
یعنی در جائی که اعاده باید اعاده نمیکند و در جائی که نماز احتیاط باید نمی کند
و تدارک فعل مشکوک فیه نمیکند هر چند از محل در نگذشته باشد بلکه بنا
بر وقوع و صحت میگذارد و ظاهر آنست که سجدتین سهو ساقط میشود
در جائی که سهو یا شک بدون کثرت موجب آن باشد چون سهو میان نه
چهار و پنج و ظاهر عبارات بسیاری از علما مقتضی تسویه است میان شک و
سهو در حکم عدم التفات و کلام فاضلین مشعر است باختصاص و حکم
مذکور بشک و مقتضی و لعدم بطلان نماز است بسهو در رکن و عدم
قضا هرگاه سهو موجب قضاء فعلی باشد و علما تصریح باین نکرده اند بلکه
تصریح بخلاف این کرده و بعضی تصریح بسقوط سجود سهو کرده اند و اگر
کثیر السهو بجا آورد آنچه شک یا سهو کرده جمعی تصریح نموده اند که نماز او
باطلست و اقرب اشهر در تحقیق معنی کثرت سهو آنست که رجوع بعرف کند
و در این باب تحدیدی ثابت نیست و هرگاه کسی کثیر السهو شود حکم مذکور جهة

او ثابت است تا وقتی که مدتی کذرد که سهو عنی کرده باشد بحدی که در عرف
کویند که کثیر السهو نیست واکر کسی قرائت حمد را فراموش کند و در اثنای سوره
یا بعد از آن قبل از رکوع بخاطرش آید حمد را بخواند و بعد از آن سوره را و
خلافی ظاهر نیست در آنکه هرگاه رکوع را فراموش کند و پیش از آنکه بحد ساجد
رسیده باشد بیادش آید رکوع را بجا می آورد و بعد از آن سجود میکند و
هرگاه یک سجده را فراموش کند و پیش از آنکه بحد رکوع رسد در رکعت دویم
بیادش آید عود کند و آن سجده را بجا آورد و آنچه بعد از سجدتین واجب
است بعمل آورد واکر هر دو سجده را فراموش کرده باشد و قبل از رکوع بیادش
آید مذهب متاخرین آنست که مثل مسئله سابق است و جمعی بر آنند که اعاده
نماز باید کند و بعضی را اعتقاد آنست که قول اول دور نیست و مرجح است
اما مراعات احتیاط در امثال این مواضع ضرور است و در صورتی که فراموش
شده مجموع سجدتین را بخاطر آورد و نشستن قبل از آن واجب نیست واکر
یکسجده باشد اکر عقب سجده اولی نشسته بوده و اطمینان بجای آورده الحال
نشستنی و لازم نیست و الا خلافست در وجوب نشستن با اطمینان قبل از
سجده و بعضی ترجیح داده اند وجوب را و هرگاه کسی تشهد را فراموش کند و
پیش از رکوع بیادش آید واجبست که بنشیند و تشهد را بجای آورد و بعد از آن

آنچه از افعال نماز بعد از تشهد است بجای آورد و هرگاه بعد از سلام
متذکر شود که صلوات بر پیغمبر و آل او صلعم فراموش کرده آنرا بعد از سلام
قضا نماید واکر یکسجده را فراموش کند و تا رکوع بخاطر او نیاید اشهر و
اقوی آنست در نزد بعضی که بعد از نماز قضا کند و بعضی کفته اند اعاده
نماز کند و بعضی کفته اند هر سهوی که در دو رکعت اول واقع شود موجب
اعاده نماز است و مشهور میان اصحاب علما آنست که در صورت مذکوره
دو سجده سهو واجب است و بعضی واجب ندانسته اند و احتیاط در قول اول است
بقول بعضی اکرچه قول ثانی اقوی است و هرگاه کسی تشهد را فراموش کند و بعد
از رکوع بخاطر او آید مشهور میان علما آنست که در و سجده سهو میکند و جمعی
سجدتین سهو را در اینجا واجب ندانسته اند و احتیاط در قول اول است بقول
بعضی و فی الجمله ترجیحی دارد و اکر در ادله او در راه تامل مسدود نیست و
با وجود سجدتین سهو مشهور وجوب تشهد است و جمعی را اعتقاد آنست تشهدی
کرده در سجده سهو است مجزی است از تشهد علیحده و احتیاط در قول اول است
و خلافی ظاهر نیست در آنکه تشهد منسیه را بعد از تسلیم قضا می باید کرد
و در سجود اختلاف کرده اند و اکثر بر آنند که قضاء آن نیز بعد از سلام است
و فقیه ذکر نموده که سجده منسیه در اولی قضا کرده میشود و در ثانیه فی منسیه

در ثانیه قضا کرده میشود در رابعه و منبّه در ثالثه قضا کرده میشود
بعد از سلام و بعضی گفته اند احوط مراعات قول مشهور است و هرگاه
کسی سجده را در رکعت آخر فراموش کند و بعد از تشهد قبل از سلام
بخاطرش آید بنا بر قول بوجوب سلام می باید رجوع کند و سجده را
بجا آورد و بعد از آن تتمه نماز را بکند و بنا بر قول استحباب دو وجه است
یکی آنکه رجوع می کند خواه یک سجده باشد و خواه دو و یکو وجه آنکه آنچه
ترک شده اگر دو سجده است نماز باطلست و اگر یک سجده است همان سجده را
قضا کند و بر و چیز دیگر لازم نیست و هرگاه فراموش کند تشهد را و بخاطرش
او نیاید تا وقتی که سلام دهد بجای آورد بعضی گفته اند اقرب آنست که
همان تشهد را قضا کند خواه حدثی سر زده و خواه نه و اقرب آنست
که میانه آن جزو منسی که قضا میکند آنرا و میانه سجود سهو ترتیبی معتبر
نیست و شیخ شهید علیه الرحمه تقدیم قضای جزو منسی را بر سجده سهو
جهت آن جزو را بر سجده واجب دانسته اند و تقدیم سجده سهو جهت آن جزو را
بر سجده سهو جهت چیز دیگر واجب دانسته و اگر کسی شک کند در بعضی
افعال و هنوز آن در نگذشته باشد واجبست که آن فعل را بجای آورد
و اگر بعد از کردن او را بخاطر آید که آن فعل را بجای آورده بود و الحال مکرر

شده اگر آن فعل رکن بوده مشهور از مذهب علما آنست که نماز او باطل است
و اگر رکن نبوده اشهر و اقوی بقول بعضی آنست که نماز او صحیح است و اگر
کسی شک کند در رکوع و هنوز ایستاده باشد پس برکوع رود و اگر در اثناء
رکوع بخاطر او آید که رکوع را کرده بود مذهب اکثر متاخرین آنست که
نماز او باطلست و برخی از علما گفته اند که اگر در رکوع سر بر داشته بسجود میرود
و نماز او صحیح است و این مسئله محل تامل و اشکال است و بقول بعضی
احتیاط آنست که نماز را اتمام میکند و اعاده میکند و اگر بعد از انتقال
بواجب دیگر در فعلی شک کند ملتفت بان شک نشود بلکه بنا بر وقوع
آن فعل مشکوک میگذارد و فرقی نیست در این که قبل از انتقال رجوع
میکند و بعد از اشتغال بواجب دیگر التفات نمیکند بقول اشهر و
اقوی میان آنکه شک در دو رکعت اول نماز باشد یا غیر آن و بعضی گفته اند
که هرگاه شک بفعلی یا کیفیتی از افعال در دو رکعت اول متعلق شود
آن نماز باطلست و اشهر و اقوی بقول بعضی آنست که فرقی نیست میانه
شک متعلق برکن و غیر آن و بعضی گفته اند که اگر شک متعلق باشد
برکنی از دو رکعت اول آن نماز باطلست و اگر کسی بعد از شروع در سوره شک
کند در خواندن فاتحه جمعی از علما را اعتقاد آنست که رجوع کند و حمد بخواند

وجهی را اعتقاد آنست که التفات نکند ونماز او صحیح است واگر شک
کند در قراءة بعد از شروع در قنوت بعضی گفته اند که اقرب آنست
که همین حکم دارد وظاهر آنست که شک در بعضی از حمد یا سوره بعد
از اشتغال ببعضی دیگر همین حکم دارد واگر کسی شک کند در سجود در
اثناء تشهد یا در تشهد بعد از ایستادن بعضی گفته اند که اقرب آنست
که التفات نکند وهمچنین است واگر شک کند در تشهد وهنوز
خوب نایستاده باشد ظاهر آنست که رجوع میکند بسجود یا تشهد بقول
بعضی مادام که برکوع نرفته باشد واگر کسی شک کند در سجود وهنوز خوب
نایستاده باشد ظاهر قول بعضی آنست که رجوع میکند بسجود واگر در
نماز چهار رکعتی شک کند میانه دو وسه مشهور میانه علما آنست که بنا
بر سه گذارد ونماز را اتمام کند ویک رکعت نماز ایستاده یا دو رکعت
نشسته گذارد ودرین مسئله اقوال دیگر هست وروایات مختلف
است وجمع بین الروایات را بعضی چنین کرده اند که مخیر است میانه بنا
بر اکثر چنانچه گذشت ویا بنا بر اقل گذارد ونماز را اتمام کند نتیجه اینست
وبر تقدیر بنا بر اکثر مشهور آنست که مخیر است میانه دو رکعت نشسته و
یک رکعت ایستاده وبعضی دو رکعت نشسته ذکر نموده اند ومفهوم

از کلام بعضی آنکه بر تقدیر بنا بر اکثر یک رکعت ایستاده باید کرد وبباید دانست
که ظاهر اقوال علما آنست که در هر موضعی که شک تعلق گیرد بدو شرط است
در عدم وجوب اعاده اکمال سجدتین وبعضی اکتفا برکوع کرده اند ودر ذکری
گفته که اگر در سجده دویم باشد وهنوز سر برنداشته وتعلق گیرد شک بدو
بعید نیست صحت واحتیاط آنست که در صورت مذکوره اعاده کند بقول
بعضی واگر کسی شک کند میانه سه وچهار مشهور آنست که بنا بر اکثر گذارد
ونماز را اتمام کند ونماز احتیاط بجا آورد وبعضی گفته اند مخیر است میانه
بنا بر اکثر وبنا بر اقل واین قول در نزد بعضی اقرب است واما احتیاط عمل بقول
اولست واگر شک کند میانه دو وچهار مشهور میانه فقها آنست که نماز را
تمام میکند ودو رکعت نماز ایستاده میکند وبعضی گفته اند مخیر است
میانه این ومیانه بنا بر اقل ومیانه اعاده واعتقاد بعضی آنست که اعاده
کند واین قول بعید نیست واما احتیاط در عمل بقول اولست واگر شک کند
میانه دو وسه وچهار اکثر علما بآن رفته اند که سلام بجا می آورد ودو رکعت
نماز ایستاده میکند ودو رکعت نماز نشسته وفرقی برانند که بنا بر چهار گذارد
یک رکعت ایستاده ویک رکعت نشسته واین چند بنا بجوی بنا بر اقل کرده و
موافق واحتیاط بقول بعضی قول اولست ودر جای یک رکعت ایستاده بجای دو رکعت

نشسته خلاف است و بعضی گفته‌اند احوط عدم است و همچنین در وجوب
تقدیم دو رکعت ایستاده و وجه صحیح مراعات تقدیم است و اگر بعد از فعل
احتیاط آنچه شک کرده بخاطر آید آنچه کرده ضرر نمی‌رساند و اگر بیشتر بخاطر
رسد یا آنچه مقتضای آنست عمل نماید و در نماز احتیاط معتبر است آنچه
در نماز معتبر است از ارکان و اجزا و شرایط و اشهر و اقوی آنست که فاتحه
در آن معتبر است و ابن ادریس تجویز اکتفا بر تسبیح کرده و بدانکه ظاهر
قول علما آنست که قبل از فعل منافی واجبست که بنماز احتیاط اشتغال
نماید و در بطلان نماز در کردن منافی فیما بین علما خلاف است و اعتقاد
بعضی آنست که فوراً مشغول بنماز احتیاط شود بی تخلل منافی و شیخ شهید
علیه الرحمه نقل اجماع کرده بر وجوب فوریت قضاء اجزاء منسیه و احتیاط
آنست که اگر احتیاط متعدد کند جهت چند چیز ترتیب انچیزی که احتیاط
جهت جبر اوست مرعی دارد و احتیاط آنست که هرگاه در نماز نافله شک
در عدد رکعات واقع شود بنا بر اقل گذارد و اگر کسی در اثناء نماز بر سبیل
نسیان حرفی زند مشهور میان علما آنست که واجبست که دو سجده سهو
بجا آورد و از فقیه خلاف آن نقل شده و احوط بقول بعضی عمل مشهور است
اگرچه قول ثانی خالی از رجحانی نیست و هرگاه سلام را در غیر موضع

خود بجا آورد و مشهور میان فقها وجوب سجدتین سهو است و بعضی قایل
بوجوب نشده‌اند و این قول در نزد بعضی قوی است و اگر کسی شک کند میانه
چهار و پنج مشهور میانه فقها آنست که دو سجده سهو بر او واجب میشود
برخلاف اصحاب بعض علما درین باب مخالفت کرده‌اند و بدانکه شک میانه چهار
و پنج سیزده صورت نقل نموده‌اند زیرا که شک یا بعد از سر برداشتن از
سجدتین است یا قبل از سر برداشتن سر از سجده دوم است بعد از اتمام
ذکر در سجده دوم یا بعد از سجده دوم قبل از اتمام ذکر یا بین السجدتین
یا پیش از سر برداشتن از سجده اول بعد از اتمام ذکر یا بعد از سر برداشتن
از رکوع یا بعد از انحناء رکوع پیش از سر برداشتن بعد از اتمام ذکر یا قبل از
آن یا قبل از رکوع بعد از قرائت یا در اثناء قرائت یا پیش از قرائت بعد از
استکمال قیام یا قبل از استکمال قیام و در صورت اول و ثانی بغیر از سجده بر او
چیزی نیست و در صورت سیم و چهارم و پنجم و ششم محل تردد است و بعضی
ترجیح جواز بنا بر اقل درین چهار صورت داده‌اند و احکام باقی صور قبل ازین
در مبطلات نماز ذکر نموده شد و همچنین ذکر شد که اگر کسی در موضع ایستادن
بنشیند یا بعکس سجده سهو بجا آورد و در وجوب آن خلاف است و در اثبات وجوب
آن مطلقا اشکالی هست و لیکن شکی در رجحان فعل آن نیست و بعضی از فقها

بآن رفته اند که بجهة هر زیادتی و نقصانی که در نماز واقع شود سجده سهو واجب است
واشهر و اقوی عدم وجوبست و فرقی از علما بآن رفته اند که سجده سهو واجب است
بجهة هر شکی که در زیادتی یا نقصان نماز واقع شود واشهر و اقوی بقول
بعضی عدم وجوبست و بعضی گفته اند که محل آن اگر بجهة زیادتیست بعد از
سلام و اگر از جهة نقصانست قبل از سلام و عمل بمشهور احوط است و
واجبست فصل میان سجدتین بنشستن یا دو سجده بتحقیق باید و در وجوب
ذکر در سهو خلافست و مشهور وجوبست و قول بعدم وجوب خالی از
قوتی نیست و بر تقدیر وجوب در وجوب ذکر مخصوص این سجده بر
نحویکه فقیه نقل نموده و مذکور شد که در سجده بخواند آن دعا **مسئله**
ششم مشهور میان علما آنست که تشهد خفیف و تسلیم بعد از سجدتین واجبست
و اعتقاد علامه در مختلف استحبابست و این قول در نزد بعضی قوتیست
و مراد بتشهد خفیف آنست که مشتمل باشد بر شهادتین و صلوات بر پیغمبر
و آل چنانچه گوید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰه وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللّٰه
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ و بعضی گفته اند واجبست تشهد معروف
در نماز و ظاهر از تسلیم آنچیزیست که معروفست در نماز و بعضی گفته اند
سلام بر محمد صلی الله علیه و آله بجا می آورد و بان منصرف میشود و نیت

معتبرست

معتبرست چنانچه بعضی از اصحاب ذکر کرده اند و ظاهر آنست که تعیین سبب
در نیت واجب نباشد بقول بعضی و بعضی واجب دانسته اند و ظاهر آنست
که سجود بر اعضاء سبعه و گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر او صحیح باشد
واجبست و در وجوب طهارت و استقبال قبله و ستر عورت خلافست
و احوط مراعاتست بقولی و استفتاح تکبیر را جمعی مستحب دانسته اند و نزد
علما واجبست مبادرت بکردن سجدتین سهو و تاخیر را جایز ندید اند و
روایات متضمن اشاره بان هست و اما بعضی اخبار دلالت بر جواز تاخیر در
بعضی صور دارد و احتیاط آنست که تاخیر نکند و هرگاه فراموش کند هر وقت
بخاطر آید بجا آورد و اگر عمدا ترک سجدتین کند اکثر فقها بان رفته اند که نماز
او صحیح و بعضی صحیح ندانسته اند و این مسئله در نزد بعضی محل تردد است
و اگر چند چیز که هر یک مقتضای سجده سهو باشد واقع شود جمعی از
گفته اند بجهة هر کدام سجده سهوی باید کرد و اقوی این را میدانند بعضی که
یک سجده سهو بجهة همه کافیست و بدانکه خلافی ظاهر نیست نزد فقها
در آنکه سجدهای قرآنی پانزده است سه در مفصل و آن و النجم و انشقت و
اقرأ است و دوازده در باقی قرآن و آن در اعراف و رعد و نحل و بنی اسرائیل
و مریم و حج در دو موضع و فرقان و نمل و الم تنزیل و ص و حم فصلت و النجم

واقرء والم تنزیل و فصلت و واجب از این جمله این چهار آخر است و خلافی
میان علما نیست در وجوب سجده بر قاری و مستمع و خلاف در سامع
بی گوش انداختن و عدم وجوب اقربیت و اقرب آنست که موضع سجود
در این چهار موضع بعد از فراغ از آیه است و اقرب آنست که طهارت شرط
نیست و شرط استقبال قبله و ستر عورت و خالی بودن بدن و جامه
از نجاست و در شرط بودن سجود بر اعضاء سبعه یا کافی بودن جبهه
محل تردد است و بعضی ترجیح اول داده اند و مستحب است در این سجده
بجا آوردن ذکر و در بعضی روایات آنست که مثل ذکر سجود و در بعضی
آنکه بگوید این را سَجَدْتُ لَكَ تَعَبُّداً وَ رِقّاً لا مُسْتَكْبِراً عَنْ عِبادَتِكَ
وَلا مُسْتَنْكِفاً وَلا مُتَعَظِّماً بَلْ اَنا عَبْدٌ ذَليلٌ خائِفٌ مُسْتَجيرٌ و در بعضی
روایت بگوید این دعا را لا اِلهَ اِلّا اللهُ حَقّاً حَقّاً لا اِلهَ اِلّا اللهُ ایماناً وَ
تَصْدیقاً لا اِلهَ اِلّا اللهُ عُبُودِیَّةً وَ رِقّاً سَجَدْتُ لَكَ تَعَبُّداً وَ رِقّاً
و بدان که حکم زنان در آداب نماز حکم مردانست مگر در چند چیز یکی
بلند خواندن که آن بر زنان نیست دیگر زن هرگاه بنماز بایستد قدمهای
خود را جمع نماید و در میان قدمها فرجه نگذارد و دستها بر پستان خود
گذارد و هرگاه رکوع کند بگذارد دستها را بر بالای زانوها تا بسیار خم

نشود و هرگاه بیفتد جهة سجود زانوها را پیش از دستها بر زمین گذارد
و در حین سجده خود را بر زمین چسباند و ذراع دست را
بر زمین گذارد و در حین نشستن رانها را بهم چسباند و زانوها را
از زمین بردارد و بر الیتین خود بنشیند و هرگاه برخیزد بیک نوبت
راست شود بی آنکه عجیزه خود را بلند سازد باب هشتم در بیان قصر
در نماز و آداب سفر و ادعیه آن و حد مسافت فصل اول در حد مسافت
و قصر باید مسافر قصر کند نماز را یعنی نماز چهار رکعتی را
دو رکعت کند مشروط بشش شرط شرط اول مسافت و در حد مسافت
که بسبب سفر در آن نماز قصر میشود خلافست و خلافی نیست در آنکه
در هشت فرسخ قصر باید کرد و خلاف در چهار فرسخ است و در نزد
بعضی آنست که اگر بقصد چهار فرسخ رود و در خاطر داشته باشد که
پیش از ده روز عود بمکان خود نماید قصر کند و اگر قصد معاودت
قبل از ده روز نداشته باشد احتیاط آنست که تمام کند و اتفاق دارند
علما بر آنکه فرسخ سه میل است و در تحدید میل فقیه مرسلاً نقل نموده
که هزار و پانصد ذرع است و در کافی نیز مرسلاً نقل شده که سه هزار و
پانصد است و قول بهیچ یک نزد علما مشهور نیست بلکه مشهور آنست

که میل چهار هزار ذرع است و کلام بعضی از اهل لغت نیز برین دلالت
دارد و تفسیر ید بصر نیز شده است و مد بصر آن ضبط شده که سواره
از پیاده ممیز نشود نزد بنا متوسط در زمین مستوی و مراد بذرع
در این مقام ذرع شرعیست و تحدید مسافت بدو طریق شده
یکی بذراع و یکی بسیر یوم و بعید نیست که مراد یوم صوم باشد چنانچه
جمعی از فقها تصریح بآن نموده اند که ظاهر آنست که مراد سیر متعارف
قوافل شتر باشد و در نزد بعضی ظاهر آنست که عمل بهر یک از تقدیرین
توان کرد و بعضی تقدیر بذراع را اولی دانسته اند و بعضی تقدیر
بسیر را و این اقربست در نزد بعضی و جمعی از فقها ذکر نموده اند که
مبدا تقدیر مسافت اگر بلد معتدل است آخر خطه بلد است و اگر
بلد متسع است عرفا آخر محله است و دلیل بر این ظاهر نیست و اگر برو
معلوم نباشد که این مسافت بحد مسافت شرعی رسیده است برو قصر
واجب نیست و ظاهر آنست بقول بعضی که وقتی که مجهول باشد بمودن
مسافت بجهت تحقیق برو واجب نباشد شرط دویم از شروط قصد
مسافتست پس اگر کمتر از مسافت قصد داشته باشد و چون
بان مکان برسد قصد مقدار دیگر از مسافت کند قصر برو واجب

نمیشود هرچند مجموع بحد مسافت شرعی رسیده باشد پس طالب بنده گریخته
یا غریم قصر نمیکند هرچند بیش از مسافت شرعی برود و فقها شرط نموده
اند در وجوب قصر که قصد مستمر باشد تا رسیدن بحد مسافت
پس اگر قصد مسافت کند و از این عزم رجوع کند یا تردد کند قبل
از رسیدن بحد مسافت تمام میکند و در نزد بعضی حجت فقها بر این
حکم واضح نیست شرط سیم از شروط وجوب قصر آنست که سفر حرام نباشد
پس اگر سفر حرام باشد مثل اتباع جائر و صید لهو و سفر جهت اضرار مسلمین
و فساد در زمین قصد نمی باید کرد و سفر حرام شامل سفری هست که
غایت آن سفر فعل حرامی باشد و نیز شامل سفری هست که غایت سفر
حرام نباشد لیکن اصل سفر او حرام باشد چون تارک جمعه بعد از وجوب
و سالک طریقی که غالب ظن هلاک باشد یا سفر مستلزم ترک واجبی از
واجبات چون تحصیل علم ضروری یا تحصیل نفقه واجبه بوده باشد
و اگر مسافر عاصی رجوع کند از معصیت در اثناء سفر تقصیر میکند اگر
باقی سفر مسافت باشد و اگر قصد معصیت کند در اثناء سفر مباح رخصت
قصر بر طرف میشود و اگر عود کند بطاعت قصر میکند و در این صورت
خلافست در آنکه آیا شرط است در صحت قصر آنکه مابقی مسافت باشد

یانه واقرب عدم اشتراطست بقول بعضی وکسی که صید کند جهت تجارت
در حکم او فقها را خلافست ودر نزد بعضی اقرب آنست که قصر میکند
شرط چهارم از شروط وجوب قصر آنست که سفر او زیاده بر حضر نباشد
چون مکاری وملاح وکسی که از پی کیا و باران میرود وچون صحرا
نشینان وطالب اسواق وبرید وظاهر آنست که مرجع آن باشد که اسم
مکاری وملاح وامثال ایشان صادق آید عرفا ونیز صدق انکه کار
ایشان سفر است کافیست در وجوب اتمام وبعضی تحدیدات در
کلام جمعی از علما شده که مستندی بران ظاهر نیست وشیخ واتباع او از
متاخران شرط نموده اند که در بلد خود ده روز اقامت ننماید وقصر
می باید کرد ومحتمل است که تا اسم مکاری وملاح بر او صادق آید هم
او را تمام باید کرد نظر بعموم اخبار واین مسئله در نزد بعضی محل اشکال
است اما صحیحه ابن سنان دلالت بران میکند که هرگاه در بلدی که بانجا
میرود ده روز اقامت نماید وچون برگردد در منزل خود ده روز
اقامت نماید قصر کند وعمل بمضمون این روایت متجه است وجمعی
از متاخران ملحق ساخته اند باقامت ده روز در بلد اقامت ده روز
منوی در غیر بلد را نیز وبعضی اقامت عشره بعد از تردد سی روز را

نیز ملحق ساخته اند ودر سی روز با تردد خلاف کرده اند واقرب آنست
که باین حکم اتمام زایل نشود واگر ده روز در بلد خود اقامت ننماید مشهور میانه
متاخران آنست که نماز نهار اتمام میکند خواه لیلی وخواه نهاری وبرخی در این
باب خلاف کرده اند واز صحیحه عبد الله بن سنان مستفاد میشود که
اگر در منزل خود پنج روز اقامت نماید وبیشتر نباشد در روز قصر میکند
ودر شب تمام ودر نزد بعضی عمل باین متوجه است شرط پنجم از شروط قصر
حد ترخص است ودر ان علما را خلافست برخی خفاء جدران یعنی پنهان
شدن دیوارها وخفاء اذان یعنی نشنیدن هر دو را اعتبار نموده اند
واین مشهور است میانه متاخران واکثر فقها یکی ازین دو اعتبار نموده اند و
بعضی اول را اعتبار کرده اند وبعضی دویم را واز صحیحه محمد بن مسلم معلوم
میشود که حد ترخص آن باشد که از شخص از خانها پنهان شود وبنا براین
ظاهر آنست که این معنی بحصول حایل متحقق شود وظهور بعد از خفا بحایل ضرر
نرساند واز صحیحه عبد الله سنان معلوم میشود که حد ترخص جائی
باشد که اذان نشنود واقرب آنست که بمضمون هر یک از حدیثین عمل توان
نمود وفقها گفته اند مراد دیوارهای آخر است در بلده صغیره وقریه و
الا محله معتبر است وهمچنین در اذان ودر دلیل آن بعضی را تاملست

وبعضی گفته اند معتبر در دیدن دیوار صورت آنست نه شبح آن و در وقت
معاودت قوی آنست که نهایت تقصیر ظهور یکی ازین دو است و بعضی اعتبار
خصوص اذان کرده اند و بعضی گفته اند تقصیر میکنند تا وقتی که بخانه خود
داخل شود و احوط نظر با دله آنست که بان عمل شود و دیگر از شروط وجوب قصر
علامه و غیر او ذکر نموده اند و خلاف ظاهر نشده که شرط است که مسافت
بر وجهی قصد داشته باشد که در مابین قصد اقامت عشره نداشته
و بمکانی که شش ماه در انجا استیطان نموده باشد نرسد پس اگر قصد مسافت
داشته باشد اما در مابین آن مسافت قصد نماید که ده روز بماند قصر
نمی باید کرد و دلیل این حکم در نزد بعضی واضح نیست لیکن شکی نیست که
هرگاه مسافر بمکانی برسد و در انجا قصد ماندن ده روز نماید حکم سفر او
منقطع میشود و بعضی از روز روز کامل حساب نمیشود پس اگر قصد اقامت
نزد زوال باشد نهایت مدت زوال روز یازدهم خواهد بود و بعضی
احتمال آن داده اند که روز دخول و خروج داخل حساب نباشد و
مشهور میانه فقها آنست که اگر نیت اقامت کمتر از ده روز باشد قصر
می باید کرد و ابن الجنید کافی دانسته در صحت اتمام نیت اقامت پنج
روز را و موافق احتیاط عمل بمشهور است و آیا در عشره توالی شرط است

باین معنی که در مابین بحد ترخص بیرون نرود یا شرط نیست و در این دو وجه
است و ظاهر آنست که معتبر صدق اقامت در بلد باشد عرفا و عدم توالی
اکثر اوقات باعث عدم صدق عرفی میشود و کافی نمیشود و در این امور
اوجه عمل با حتیاط است و اگر در رستاقی قصد اقامت طویلی نماید
که از دهی بدهی متصل میشده باشد و عزم بر اقامت عشره در یکی از مواضع
انجا نداشته باشد حکم سفر او باطل نمیشود و اگر کسی متردد باشد تا سی روز
قصر میکند و بعد از سی روز تمام میکند و اگر کسی قصد اقامت ده روز
کند و بعد از ان نیت او تغییر یابد و عازم سفر شود قصر میکند مادام که
یک نماز تمام بعد از ان قصد اقامت ده روز نکرده باشد و هرگاه یک نماز فریضه
تمام کرده بعد از عزم بر اقامت عشره و بعد از ان عزم او تغییر یابد و عزم سفر
کند حکم او تمام است تا وقتی که سفر بیرون رود بعزم سفر و بحد ترخص
برسد و ظاهر فقها آنست که شرط نیست در رجوع حکم قصر که از نیت
اقامت برگردد آنکه باقی مانده بقدر مسافت شرعی باشد و بنماز فریضه
آیا ملحق میشود روزه واجب باین معنی که هرگاه شروع در روزه واجب
کند بعد از عزم بر اقامت عشره حکم سفر او باطل شود یا هرگاه روزه بگیرد
و بعد از عزم بر اقامت عشره و تا بعد از زوال العزم او تغییر نیابد سفر او باطل

شود والّا فلا یا روزه دار در این باب مدخل نیست چند وجه است
و اقرب اخیر است و آنچه باعث زوال حکم سفر است نماز فریضه است
پس اگر نافله کند که در سفر شرعیت ندارد چون نافله ظهر حکم سفر زایل
نمیشود بقول اشهر اقوی و معتبر اتمام نماز است پس اگر شروع در نماز
کند و در اثناء نماز تغییر عزم کند حکم سفر زایل نمیشود هرچند تغییر عزم
بعد از گذشتن از موضع قصر باشد بقول اقوی و مشهور میانه
متاخران آنست که هرگاه مسافر در اثناء سفر به بلدی برسد که در آنجا
ملکی داشته باشد که در آنجا شش ماه بوده باشد نماز را اتمام میکند
هرچند قصد اقامت عشره نداشته باشد و بعضی از فقها اعتبار مسکن
نموده اند و بعضی اعتبار وطن و ذکر شش ماه و ملک داشتن نکرده اند
و در این مسئله اقوال دیگر نیز هست و روایات اختلاف دارد و طریق
جمع منحصر در یک وجه نیست و این مسئله اشکال دارد و بر هر تقدیر
ظاهر آنست که هرگاه به بلدی برسد که او را در آنجا منزلی بوده باشد که
وطن او باشد چنانچه در عرف صادق آید استیطان کافی است در اتمام
و اگر در آن بلد منزل وطن او نباشد احوط نظر باحادیث آنست که قصر
کند **شرط ششم** هرگاه شرایط تقصیر متحقق شود واجب است که نماز را قصر کند

مکر

مکر در چهار موضع **اوّل** حرم خدای عزّ و جلّ **دویم** حرم رسول الله صلی الله علیه
و آله **سیم** مسجد کوفه **چهارم** حایر حضرت امام حسین علیه السلم که در این مواضع
اربعه مخیر است میانه قصر و اتمام افضل است و مستفاد از اخبار بسیار
جواز اتمام است در مکه و مدینه هرچند در بیرون مسجدین باشد و
این قول اکثر علما است و ابن ادریس تخصیص حکم بمسجدین نموده و احتیاط قصر
حکم است بر مسجد کوفه و اصل حایر نه بلد و تخییر در مواضع اربعه مخصوص صلوة
است و در صوم جاری نیست و اقرب آنست که نوافلی را که در سفر ساقط
میشود در این اماکن توان کرد و کسی که عالم باشد بوجوب قصر در سفر هرگاه
تمام کند نماز او باطل است و اعاده در وقت یا قضا در خارج وقت بر او
لازم نیست و اگر بنسیان اتمام کند اعاده میکند و اگر در وقت بخاطر او آید
و قضا بعد از وقت بقول اشهر و اقوی و اگر از روی جهل بحکم تمام کند بر او
اعاده نیست نه در وقت و نه در خارج وقت و جاهل مسئله در این مسئله
معذور است بقول اشهر اقوی و آیا حکم مذکور مخصوص است بکسی که در اصل
نداند که قصر واجب است در سفر یا در جاهل به بعض احکام سفر نیز جاری است
هر یک محتمل است و انسب بقواعد اوّلست بقول بعضی و کسی که فرض او تمام است
اگر قصر کند از روی جهل در صحت نماز او خلاف است و در صحیحه منصور بن حازم

منقولست که اکر کسی در بلدی قصد اقامت عشره کند وجاهلا تمام نکند برو
اعاده لازم نیست وعمل بمضمون روایت نیکوست اما در غیر این صورت
حکم ببطلان متجه است واکر کسی بعد از دخول وقت وقبل از نماز سفر
کند خلافست اکثر بر انند که قصر میکند وبعضی بر انند که تمام میکند
وجمعی قایل بتخییر شده اند وبعضی دیکر را تردد است واکر در سفر وقت
داخل شود وقبل از نماز حاضر شود اکثر فقها بان رفته اند که تمام میکند
وبعضی کفته اند قصر میکند وبعضی بتخییر رفته اند وبعضی فرق
میان سعت وضیق وقت کرده اند واحوط در این مسئله انست که تمام
کند بلکه در برائة ذمه بغیر این شک است واعتقاد بعضی نیز براینست
ودر حکم قضا هر کاه این نماز فوت شود خلافست ومسئله محل تردد است
واکر مسافر در غیر بلد خود قصد اقامت عشره کند ویک نماز تمام کند
انکاه بیرون رود بکمتر از مسافت وعزم عود داشته باشد قصر نمیکند
واکر قصد عود داشته باشد بی قصد اقامت ده روز بعضی کفته اند
در رجوع تنها قصر میکند واین حکم علی الاطلاق صحیح نیست بلکه در صورتی
صحیح است که در عود قصد مسافت داشته باشد پس اکر عود کند و
غافل باشد از فکر سفر یا متردد باشد در رفتن و نه رفتن حکم او تمامست

وجمعی از فقها ضابطه ذکر نموده اند که حاصل آن اینست که در حال
رجوع قصر میکند اکر بنیتش قطع مسافت شرعیه بوده باشد ودر حال رفتن
قصر نمیکند ودر نزد بعضی حکم اول صحیح است **فصل دویم در احکام رویت**
هلال وادعیه آن بدانکه حق سبحانه وتعالی بنا بر حکمت بالغه ومصلحت
کامله خود عدد ماهها را مختلف قرار داده که بعضی را تمام وبعضی را ناقص
وبنای تکلیفات شرعیه مانند روزه وعمره واضحیه ونمازها در ایام ولیالی
ماهها کذا ددت همه را بر دیدن هلال قرار داده وبسیار میشود که بسبب
عدم وضوح هلال یا بعلت حایلی در ان اختلاف میشود وباین سبب جمعی را
که ندیده اند حیرت رو میدهد وکاه هست که جمعی از شهود در نزد حاکم شرع
که آن مجتهد جامع الشرایط است شهادت میدهند واو را علم شرعی بثبوت
هلال میشود وکاه حاکم خود هلال را دیده است ودر این دو صورت
مجتهد علم بثبوت هلال دارد وبعلم خود عمل مینماید امر بر مقلدان و
پیروان او در مسایل دینیه مشتبه میشود وچون نظر بر عمل مجتهد میکنند
متابعت او را بر خود متحتم ولازم میشمارند وچون ملاحظه عدم علم و
عدم ثبوت هلال نزد خود مینمایند مخالفت او را بر خود روا میدانند و تحقیق
این مسئله بجهت کثرت رجوع بان وابتنای بسیاری از احکام بران کثیر النفع

اتم الفایده است لهذا لازم دید که تحقیق این مسئله را بنحوی که بیان و
تحقیق فرموده اند ذکر نماید بدان ایدک الله تعالی که هرگاه اختلاف در
رؤیت هلال شود در ماه رمضان مثلا و بعضی ماه را دیده و بعضی
ندیده باشند پس میان علمای شیعه خلافی نشده در انکه لازمست بر آن
بعض که ماه را دیده اند انکه بمقتضای دیدن هلال عمل نمایند خواه آن
بعض یکنفر باشد یا چند نفر و خواه نزد حاکم شرع شهادت دهد یا ندهد
وخواه شهادت او مقبول باشد یا مردود و اما گروهی که ماه را ندیده اند
اگر از شهود شنوند یا نشنوند و یا از شهادت شهود ایشان علم حاصل
نشده باشد پس اگر نزد حاکم بثبوت نرسیده باشد باز خلافی نیست
در انکه بنا بر عدم ثبوت هلال میگذارند و بموجب آن عمل نمایند اما اگر
نزد حاکم ثابت باشد خواه خود دیده باشد یا بشهادت عدلین نزد او
ثابت شده باشد یا بسبب کثرت شهود نزد او بشیاع رسیده یا بشهادت
جمعی او را علم شرعی حاصل شده اگرچه آن جمع بحد شیاع نرسیده باشد
پس در این چهار صورت باز خلافی نشده در اینکه بر حاکم لازم است انکه
بمقتضای علم خود عمل نماید و او بعلم خود مکلف است ولیکن آیا مقلدین
او نیز بعلم او عمل نمایند یا بعلم خود رجوع میکنند در این خلاف است شیخ

شهید

مفید اول قدس الله روحه در کتاب دروس و بعضی از اعاظم
علمای معاصرین در کتاب شرح ارشاد قول اول را اختیار کرده اند
و سید حبیب و خریب سید محمد صاحب کتاب مدارک در کتاب
مذکور توقف کرده و ترجیح احدی از طرفین ننموده و انچه در نزد بعضی
کراسته کلا ایشان بیان میشود اقوی است قول ثانی است و بیان آن
در ضمن دو مطلب ظاهر میشود مطلب اول در بیان دلایل بر اثبات این قول
وآن بر دو نوع است نوع اول انکه دلیل ثابت بر وجوب صوم در اول ماه
رمضان و افطار در آخر آن یکی از چهار چیز است اول دیدن ماه
باینکه مکلف خود ماه را ببیند دویم شیاع باینکه گروهی بسیار نزد
مکلف شهادت دهند بحدی که او را بشهادت ایشان یقین حاصل
شود بر ثبوت هلال سیم شهادت عدلین باینکه دو مردی که بزعم
او عادل باشند شهادت دهند نزد او بر دیدن هلال چهارم گذشتن
سی روز از ماه شعبان از برای وجوب صوم و از ماه رمضان از
برای وجوب افطار و اما دلیلی بغیر این چهار چیز که دلالت آن ثابت
باشد و اعتماد را شاید مانند حکم حاکم بثبوت هلال نزد او و چنانچه
فقها قول اول گفته اند و انرا دلیل پنجم دانسته اند ثابت نیست و انچه

در اثبات ان کفته اند مدخول و فرتیف است چنانچه اشاره باو
میشود وهرکاه دلیل بر وجوب صوم در اول ماه رمضان وافطار آن
در آخر ماه محقق نباشد پس باید که مکلف رجوع نماید باصل که آن
واجب نبودن صوم است در اول و واجب نبودن افطار است در ثانی
نوع دویم احادیثیست که دلالت میکند برانیکه ثبوت هلال نزد مکلف
معتبر است و نزد غیر او معتبر نیست و ان احادیث بسیار است اول شیخ
طوسی بسند صحیح از زید شحام روایت کرده که کفت از حضرت ابی عبد الله
جعفر بن محمد الصادق صلوات الله علیهما سوال کردند از اهلّه که حق سبحانه
در قران فرموده انجا که یسئلونک عن الاهلّة پس حضرت فرمود هی اهلّة الشهور
فاذا رایت الهلال فصم واذا رایته فافطر فقلت ارایت ان کان الشهر
تسعة وعشرین یوما اقضی ذلک الیوم فقال لا الا ان تشهد لک بیّنة
عدول فان شهدوا انّهم راوا الهلال قبل ذلک فاقض ذلک الیوم
یعنی مراد از اهلّه هلالهای ماهها است پس هرکاه ببینی تو هلال را
پس روزه بدار وببینی هلال را پس افطار کن زید میکوید که پس من عرض
نمودم که خبر ده مرا اکر ماه بیست ونه روز باشد قضا کنم آن روز را
یعنی روز یوم الشک را که روزه نداشته ام برای انکه ماه دیده نشده است

پس فرمود که نه مکر انکه شهادت دهند از برای تو کواهانی که عادل باشند
پس اکر شهادت دهند آن کواهان که ایشان دیده اند ماه را پیش از آن یعنی
پیش از ان شبی که تو ماه را دیدۀ پس قضا کن ان روز را یعنی یوم الشک را
واین حدیث بسند صحیح دیکر از ابو الصلاح منقولست وبسند صحیح دیکر
از حلبی وبسند موثق از مفضل وبسند مجهول از عمر ابن ربیع بصری واین
راویان همه از آنحضرت بهمین نهج روایت نموده اند پس این حدیث در حقیقت
سه حدیث صحیح ویک حدیث موثق ویک حدیث مجهول است وچون
در این احادیث امام علیه السلم نهی فرموده از قضا کردن روزه یوم الشک
مکر هرکاه شهادت دهند از برای مکلف کواهان بر دیدن ماه ودر صورت
محل نزاع بجز این است که کواهان نزد مکلف شهادت داده باشند شهود
بلکه نزد حاکم شهادت داده اند یا حاکم خود دیده وکسی نزد او شهادت نداده
است پس بمقتضای عموم مستثنی منه نهی از وجوب قضا شامل این صورت
نیز میشود وچون قضای آن واجب نباشد روزه آن نیز واجب نیست
دویم شیخ طوسی علیه الرحمه ایضا بسند صحیح از منصور بن حازم روایت کرده
که حضرت امام جعفر صادق علیه السلم فرمودند صم لرؤیة الهلال وافطر لرؤیته
فان شهد عندک شاهدان مرضیان بانهما راءیاه فاقضه یعنی روزه بدار

ای مفضول را از برای دیدن هلال و افطار کن از برای دیدن هلال پس اگر
شهادت دهند نزد تو دو شاهد پسندیده یعنی عادل باینکه دیده اند
ماه را پس قضا کن آنرا یعنی یوم الشک را و بسند صحیح دیگر روایت کرده
که هشام بن الحکم از آنحضرت روایت نموده قال فیمن صام تسعة و عشرین
قال ان کانت له بینة عادلة علی اهل مصر انهم صاموا ثلثین علی رؤیته قضی
یوما یعنی آنحضرت فرمود در باب کسی که بیست و نه روز روزه داشته باشد
انکه اگر او را گواهان عادل باشد که گواهی دهند بر اهل شهری که روزه داشته اند
ایشان سی روز تمام را برای دیدن ماه قضا کند روزی را بدانکه این دو حدیث
نیز دلالت میکند بر قول ثانی چه در هر دو حدیث قضا کردن روزه یوم الشک
معلق گردیده است بر شهادت نزد مکلف و در صورت محل نزاع شهادت
نزد مکلف واقع نشده است پس قضا واجب نباشد سیم کلینی قدس الله
روحه بسند صحیح از حضرت امام جعفر علیه السلم روایت نموده که فرمود
کان علی علیه السلم یقول لا اجیز فی رؤیة الهلال الا شهادة عدلین
یعنی حضرت امیر المؤمنین عم میفرمود که قبول نمیکنم در دیدن ماه مگر گواهی
دو مرد عادل را و بسند حسن از آنحضرت روایت کرده که قال امیر المؤمنین
علیه السلم لا یجوز شهادة النساء فی الهلال و لا یجوز الا شهادة رجلین عدلین

یعنی

یعنی آنحضرت میفرمود که جایز نیست شهادت زنان در ماه یعنی ممنوع نیست
شهادت ایشان در این باب و جایز نیست مگر شهادت دو مرد عادل و همین
حدیث را شیخ طوسی بسند صحیح از آنحضرت روایت نموده و کلینی روایت
کرده که صابر آزاد کرده آنحضرت گفت سالته عن الرجل یصوم تسعة و عشرین
یوما و یفطر للرؤیة و یصوم للرؤیة ایقضی یوما فقال کان امیر المؤمنین علیه السلم
یقول لا الا ان یجیئ شاهدان عدلان فیشهدا انهما رایاه قبل ذلک بلیلة فیقضی
یوما یعنی سوال کردم از آنحضرت از مردی که روزه میدارد بیست و نه روز را
و افطار میکند از برای دیدن ماه آیا قضا میکند روزی را پس حضرت فرمود که
امیر المؤمنین علی علیه السلم میفرمود که قضا نمیکند مگر اینکه دو شاهد عادل بیایند و
گواهی دهند آنکه دیده اند ماه را پیش از آن بشبی پس قضا میکند روزی را و شیخ
مفید بسند صحیح از آنحضرت روایت نموده که لا تصم الا للرؤیة او یشهد شاهدا
عدل یعنی روزه مدار مگر از برای دیدن ماه یا آنکه گواهی دهند دو گواه عادل
و شیخ طوسی بسند موثق روایت کرده که اسحق بن عمار گفت سالت ابا عبد الله ع
عن هلال رمضان یغم علینا فی تسعة و عشرین من شعبان فقال لا تصم
الا ان تراه فان شهد اهل بلد آخر فاقضه یعنی سوال کردم از آنحضرت از هلال
ماه رمضان که مشتبه شود بر ما بسبب ابر و بیست و نهم ماه شعبان یعنی یکروز

صبا روز

بعد از ان پس حضرت فرمود که روزه مدار مگر انکه ببینی ماه را پس اگر شهادت
دهند پس اگر شهادت دهند اهل بلد دیگر بر دیدن ماه پس قضا کن ان روز را
و بسند صحیح از امام محمد باقر علیه السلم روایت نموده که قال امیر المؤمنین ع
اذا رأیتم الهلال فافطروا او شهد علیه عدل من المسلمین یعنی حضرت علی ع
فرمود که هرگاه ببینید ماه را پس افطار کنید یا شهادت دهند بر ان
عدلی از مسلمانان یعنی دو عادل چنانچه از اخبار دیگر ظاهر میشود پس
بعد از کلام دیگر فرمود وان غمّ علیکم فعدّوا ثلثین لیلة ثم افطروا یعنی
مشتبه میشود هلال بر شما پس بشمارید سی شب را پس افطار کنید وانکه
این اخبار دلالت میکند بر انکه بغیر رؤیت یا شهادت شاهدین عدلین دیگر
بر ثبوت ماه نیست پس بمجرد دیدن حاکم چون یکشاهد است ثابت نمیشود
و همچنین بشهادت شاهدین نزد حاکم نیز ثابت نمیشود چه ظاهر است که
متبادر از شهادت شاهدین در این اخبار شهادت پیش مکلف است نه پیش
حاکم و این معنی بر صاحب تأمل مستور نیست چهارم شیخ طوسی بسند صحیح از
امام علی نقی علیه السلم روایت کرده که فرمود لا تصم الا للرؤیة یعنی روزه
مدار مگر از برای دیدن هلال و بسند دیگر از امام جعفر صادق علیه السلم
روایت نموده که فرمود که الصوم للرؤیة والفطر للرؤیة یعنی روزه از برای دیدن

هلالست و افطار از برای دیدن هلال و کلینی و شیخ طوسی بسند صحیح از ان حضرت
روایت نموده اند که فرمود لیس علی اهل القبلة الا الرؤیة لیس علی المسلمین الا
الرؤیة یعنی نیست بر اهل قبله مگر دیدن ماه نیست بر مسلمانان مگر دیدن
و در حدیث دیگر روایت کرده که علی بن محمد کاشانی نوشت بخدمت امام
علی نقی علیه السلم و سؤال نمود از روزه یوم الشک که آیا روزه داشته میشود
یا نه پس حضرت در جواب نوشتند که الیقین لا یدخل فیه الشک صم للرؤیة
وافطر للرؤیة یعنی یقین داخل نمیشود در ان شک روزه بدار از برای دیدن
هلال و افطار کن از برای دیدن هلال و بسند موثق سماعه روایت کرده که
گفت صیام شهر رمضان بالرؤیة ولیس بالظن یعنی روزه ماه رمضان بدیدن
ماهست و نیست بظن و گمان و بسند دیگر از محمد بن فضل روایت کرده که
گفت سؤال کردم از حضرت امام رضا علیه السلم از روزی که در ان شک
داشته باشیم و ندانیم که از ماه رمضانست یا از شعبان پس حضرت فرمود
که شهر رمضان شهر من شهور یصیبه ما یصیب الشهور من التمام والنقصان
فصوموا للرؤیة وافطروا للرؤیة ولا یعجبنی ان یتقدم احد بصیام یوم یعنی
ماه رمضان ماهیست از ماهها میرسد بان انچه میرسد بماههای دیگر از
زیاد و نقصان پس روزه بدار از برای دیدن هلال و خوش نمی آید مرا انکه

چنانچه کرد کسی بر روزه داشتن روزی و بسند موثق از انحضرت روایت نموده
کرده فرمود فی کتاب علی علیه السلام صم لرؤیته و افطر لرؤیته و ایاک و الشک و الظن فان
خفی علیکم فاتموا الشهر الاول ثلثین یعنی در کتاب امیر المؤمنین ع نوشته است
که روزه بدار از برای دیدن ماه و افطار کن از برای دیدن ماه و پرهیز و حذر
کن از انکه اعتماد کنی بشک و کمان پس اگر پنهان شود بر شما ماه پس تمام کنید ماه
اول را سی روز و چند حدیث باین مضمون واقع شده **بدانکه** این احادیث معتبره
و احادیث دیگر که بجهة احترازا از اطناب بطی ذکر آنها نمودیم همه دلالت باین قول
میکند چه در بعضی ازین احادیث روز داشتن یا هر یک از روزه داشتن
و افطار کردن معلق شده است بر دیدن ماه پس بغیر ان دلیلی بر روزه داشتن
یا افطار کردن نباشد مگر انکه دلیلی بر دلالت آن قایم شود و باید دلیل معلوم
کردد که ان نیز قایم مقام دیدن هلالست و ثبوت رؤیت شایعه و شهادت
عدلین و گذشتن سی روز از ماه شعبان بدلایل ثابت شده و صحت پیوسته
چنانکه در کتب علما مبین و مسطور کردیده است و اما غیر اینها مانند حکم حاکم
پس دلیلی بران که اعتماد را شاید معلوم نیست و در بعضی دیگر ازین احادیث
ما مور شده ایم باتمام سی روز از ماه شعبان و سی روز از ماه رمضان در نزد
ندیدن ماه و اشتباه در ان پس واجبست بر ما عمل موجب ان نمودن مگر انکه

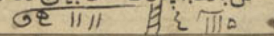
مطلب دویم
دویت شایعه ثابت شود یا عدلین شهادت دهند چنانچه گذشت
در بیان دلایل قول اول و جواب انها و آن سه دلیل است **دلیل اول** انکه ثبوت
پیوسته است انکه حاکم شرع را جایز است که حکم کند بموجب علم خود پس هرگاه
بر حاکم معلوم شده باشد و ماه نزد او ثابت باشد جایز است که بر دیگران حکم
کند و جبت و بمقتضای علم خود امر نماید **دلیل دویم** انکه اگر نزد حاکم امری ببینه
ثابت شود و بان امر حکم نماید واجبست رجوع بحکم او و روا نیست رد بر او و مخالفت
او یا انکه از بینه زیاده از ظن و کمان حاصل نمیشود و در مسئله هلال فوق ان علم
حاصل است پس بطریق اولی حکم او واجب الاتباع باشد **دلیل سیم** انکه ثابت
شدن هلال بشهادت عدلین بفتوی و گفته حاکم ثابت میشود و همچنین شرایط
عدالت و امتیاز عادل از غیر عادل نیز بگفته او معلوم میگردد پس گفته او
در همه باب متبع باشد **جواب** از دلیل اول آنست که انچه دلیل بران اقامت شده
آنست که حاکم را روا است انکه حکم کند بموجب علم خود در حد و مثل هرگاه دو شاهد
عادل نزد حاکم شهادت دهند که زید عمرو را کشته است جایز است حکم کند بقصاص
یا دیه از برای اولیای مقتول اگر چه این شهود بحسب واقع افترا کرده باشند
و زید قاتل نباشد چه بر حاکم زیاده ازین نیست که حکم کند بشاهد و بینه و اگر
این حکم بر خلاف نفس الامر باشد بر او جرمی نیست و همچنین در قضایا و مرافعات

نیز حاکم موجب علم خود عمل میکند هر چند خلاف واقع باشد و برو در این
باب اثمی نیست مثلا هرگاه نزد او شهادت دهند دو عادل بر آنکه زید
فلان مبلغ از عمرو طلب دارد و عمرو منکر باشد جایز است حاکم را که حکم کند
بان مبلغ برای زید بعد از شهادت عدلین اگرچه دروغ شهادت داده
باشند و ذمه عمرو بری باشد از آن مبلغ و همچنین در فتاوی که آنها مسایل
کلیه است که هر کس را راه علم آنها میسر نیست بلکه مجتهد آنها را از ادله استنباط
میکند و مقلد رجوع بمجتهد مینماید باز جایز است حاکم را که بموجب علم
خود حکم کند و اگرچه خلاف واقع باشد و بر او اثمی و گناهی نیست اما غیر
فتاوی از امور جزئیه مانند رویت هلال و امثال آن از جزئیات دیگر پس
حکم حاکم در آنها بعلم خود و رجوع دیگران بحکم او و پیروی بر آن قایم
نیست بلکه این جزئیات مرجوعست بمقلد و بر او لازم است که خود مطلع
شود بر آن جزئیات بعد از آنکه از مجتهد فرا گرفته باشد کلیات را مثلا
در مسئله هلال هرگاه از مجتهد اخذ کرده باشد این را که هلال ثابت میشود
بدو عادل و با نا از او اخذ نموده باشد شرایط عدالت را پس بعد از فرا
گرفتن این دو مسئله هرگاه دو شاهد عادل که متصف باشند بان شرایطی
که از مفتی اخذ نموده شهادت دهند نزد او بر دیدن هلال بر او لازم است

که بمقتضای آن عمل نماید پس معلوم شد که درین مسئله امری بحاکم مرجوعست
و امری بمکلف اما آن امری که بحاکم مرجوعست دو مسئله کلیه است چنانچه
مذکور ساختیم و اما امری که بمکلف مرجوعست تحصیل امر جزئی و اطلاع بر آن
واقعه خاصه است و استنباط آن از آن مسئله کلیه و این امر جزئی بحاکم مرجوع
نیست و متابعت او درین باب روا نیست اما بمقتضای مسئله اول هرگاه
حاکم خود ماه را دیده باشد و شهادت دهد یک شاهد عادل خواهد بود
و اگر شاهد عادل دیگر با او ضم شود واجب میشود عمل بشهادت ایشان و
بر تنهائی شهادت حاکم کافی نیست چه بمقتضای فتوی او اکتفا بشاهد واحد
عینتوان کرد و این معنی بعد از تامل کمال وضوح بهم میرساند و در این باب
نظایر بسیار است و در اینجا برای زیادتی توضیح دو نظیر ایراد میشود
نظیر اول انکه هرگاه مقلد از حاکم اخذ نماید اینرا که جایز نیست طهارت بآب
معضوب و بانا اخذ کند اینرا که معلوم میشود غصبیت بشیاع یا بدو شاهد
عدل پس بعد از دانستن این دو مسئله اگر آنچنان باشد که عالم نباشد بغصبیت
آن و حاکم گوید که این آب مغصوبست بیقین که در این صورت جایز است برای
مکلف بآن آب زیرا که حاکم یک شاهد عادلست و کافی نیست در ثبوت
غصبیت بمقتضای فتوی او نظیر دویم انکه هرگاه مقلد اخذ نماید از حاکم این را

که جایز نیست نمازکنا ردت پیش از زوال و بانا ز واخذ نماید این داکر زوال
آفتاب باین معلوم می‌کردد که سایه بفلان موضع برسد پس بعد از علم باین
دو مسئله اکر در وقتی انا وقات حاکم کوید که زوال شده و مکلف ملاحظه
علامات نماید و بزعم او زوال نباشد یقین که درین صورت جایز نیست که
او دا نماز کنا ردت تا برا و معلوم کردد و بان علامات داخل شدن زوال آفتاب
وکفته حاکم براحدی فایده ندارد و این معنی بسیار ظاهر است جواب از دلیل دویم
وسیم ظاهر شد از جواب دلیل اول چه معلوم شد که علم حاکم برای او نافعست
ومجاری مقلد نمی‌آید زیرا که در ان حکم روا نیست و متابعت جایز نیست پس
دلیل دویم ساقط است و رجوع بقول او و فتوی او در اکتفا بشهادت عدلین
و در شرایط عدالت لازم ندارد رجوع بعلم او در همه باب بلکه در هر چه
مورد تقلید و متابعت باشد پس دلیل سیم نیز ساقطست استدلال که
میتوان استدلال کردن برای قول اول بر انچه روایت کرده کلینی بسند معتبر
از حضرت امام محمد باقر ع که فرمود اذا شهد عند الامام شاهدان انهما رایا
الهلال منذ ثلثین یوما امر الامام بالافطار فی ذلک الیوم اذا کانوا شهدوا
قبل الزوال فان شهدوا بعد الزوال امر الامام بالافطار ذلک الیوم واخر
الصلوة الی الغد فصلی بهم یعنی هرکاه شهادت دهند نزد امام دو شاهد

انکه دیده اند ماه را در شب سی ام ماه امر میکند امام انکه افطار کنند آن روز را
هرکاه شهادت داده باشند پیش از زوال افتاب روز عید پس اکر شهادت
دهند بعد از زوال آفتاب امر میکند انکه افطار کنند آن روز را و نماز عید را
تاخیر میکند تا روز دیکر پس با ایشان فردا نماز میکذارد چه این حدیث دلالت
میکند بر انکه واجبست بر حاکم بعد از ثبوت ماه نزد او امر کردن مردم را بافطار
پس امتثال امر حاکم در ثبوت هلال واجب باشد اکر واجب نباشد چه فایده
دارد امر او جواب کوئیم که این حدیث چون متضمن قضای نماز عید است در روز
دیکر اکثر علما عمل نکرده اند پس استدلال بان ساقطست دیکر این حدیث محل اعتبار
باشد باعتبار راوی ممکنست که مراد از امام در ان امام اصل باشد نه مجتهد بلکه
اظهر اینست و نفاذ امر امام اصل و وجوب رجوع بحکم او شبهه نیست منقولست این
شرح از شیخ الملة والدین شیخ بهاء الدین که هر که در عمر خود یکبار دبدین شکل نکاه کند آتش
دوزخ بروی حرام کردد و اکر هر روز یکبار نکاه کند محتاج خلق نشود و اکر ماه نو را بدین
شکل مبارک به بیند آن ماه را بعیش بکذراند انشاءالله تعالی و تقدس



هلج	هلج	هلج	هلج
هلج	هلج	هلج	هلج

نقلست از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام هر که این شکل را در اول ماه نظر کند آنچه
مطلب داشته باشد بر آید و هر که هر روز ببیند خرمی بیند انشاء الله تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم		
لا اله	الا الله	محمد
رسول	الله	ح و

وع	۳۱۳	۴ ۲۲۲	ح۲۲۲
۷۷	۱۱۷	۴۱۱۹	۲۵۹
۹۹	۳۲۳	۳۴۹	ح۱۳
۳۹۳	۱۲۱۸		ماك لــ

نگاه داشتن با خود این شکل فایده بسیار دارد ع ع ع ع ع // ✕ //////
وهص منقولست که هر که در این شکل چهل صباح نظر کند صاحب دولت و شوکت
گردد منعم الم الذکر سه و بهجه دولت چهل صباح نظر کند در این و آیه قل اللهم را
بخواند مالک الملک لا اله الا الله موسی کلیم الله لا اله الا الله ابرهیم
خلیل الله لا اله الا الله عیسی روح الله لا اله الا الله محمد رسول الله
نقلست روایتست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که ماه نو بدین شکل نظر
کند آن ماه را بخوشدلی و خرمی بگذراند و فتوحات بسیار بوی رسد و محتاج
باحدی نگردد انشاء الله تعالی فروعات نزد دیدن هلال بنویسد

بنویسد

بنویسد بانگشت سبابه راست بر کف دست چپ این اسما را کرالله محمد علی الحسن و الحسین
و فاطمه و زین العابدین و محمد باقر و جعفر صادق و موسی الکاظم علی بن موسی
محمد تقی علی نقی حسن عسکری صاحب الامر محمد مهدی پس بنویسد قل هو الله
احد را تا آخر و بخواند این دعا را اللهم ان الناس اذا نظروا بعضهم الی الهلال
نظر بعضهم الی وجوه بعض و انی نظرت الی اسمک و اسم نبیک و ولیک و
اولیائک علیهم السلام و الی کتابک فاعطنی کل الذی احب من الخیر و
اصرف عنی من الشر کل الذی احب ان تصرفه عنی من الشر و زد لی من
فضلک ما انت اهله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و بخواند این
دعا مشهور در رؤیت هلال اللهم انی اسئلک خیر هذا الشهر و فتحه
و نوره و نصره و برکته و طهوره و رزقه و اسألک خیر ما فیه و خیر ما
بعده و اعوذ بک من شر ما فیه و شر ما بعده اللهم ادخله علینا بالامن
و الایمان و السلامة و الاسلام و البرکة و التقوی و التوفیق لما تحب
و ترضی و بخواند این دعا که در صحیفه کامله است چون رؤیت هلال فرمود
ایها الخلق المطیع الدائب السریع المتردد فی منازل التقدیر المتصرف فی فلک
التدبیر امنت بمن نور بک الظلم و اوضح بک البهم و جعلک آیة من آیات
ملکه و علامة من علامات سلطانه و امتهنک بالزیادة و النقصان

والطّلوع والافول والانارة والكسوف في كلّ ذلك انت له مطيع والى ارادتك
سريع سبحانه ما اعجب ما دبّر في امرك والطف ما صنع في شانك جعلك
مفتاح شهر حادث لامر حادث فاسئل الله ربّي وربّك وخالقي وخالقك
ومقدّري ومقدّرك ومصوّري ومصوّرك ان تصلّي على محمّد وآل محمّد
وان يجعلك هلال بركة لا تمحقها الايّام وطهارة لا تدنّسها الآثام
هلال امن من الآفات وسلامة من السيّئات هلال سعد لا نحس فيه
ويمن لا نكد معه ويسر لا يمازجه عسر وخير لا يشوبه شرّ هلال امن
وايمان ونعمة واحسان وسلامة واسلام اللّهمّ صلّ على محمّد وآل
محمّد واجعلنا من ارضى من طلع عليه وازكى من نظر اليه واسعد من
تعبّد لك فيه ووفّقنا فيه للتّوبة واعصمنا فيه من الحوبة واحفظنا من
مباشرة معصيتك واوزعنا فيه شكر نعمتك والبسنا فيه جنن العافية
واتمم علينا باستكمال طاعتك فيه المنّة انّك المنّان الحميد وصلّى الله
على محمّد وآله الطّاهرين وبخوان آية الكرسي وآيه سخره وچهار قل وحمد وانّا
انزلناه وانا جا، واخراج كن از مال خود قدري كه خواهي وبگو خدايا خريدم
سلامت خرجي اينماه را از تو باين مبلغ واين را تصدّق كن وبخوان دعاي
اعتصام را وببوس تربت حسين ع را چنانچه در باب اوراد صبح مذكور شد

واگرچه اينها كه گفتيم حديث بخصوص اين واقع نشده باين قسم امّا از عمومات اخبار
معلوم ميشود كه بجهة حفظ وحراست نافع است **فصل سيم در اداب سفر** در
فقيه واكثر كتب احاديث واقع شده كه در سفر افتتاح كن بصدقه باوّل مسكين
كه برخوردي فقيه نقل نموده از ابو عبد الله ع كه فرمود تصدّق كن وبيرون
هر روز كه خواهي راوي گويد در حديث ديگر گفتم بابي عبد الله عليه السلام آيا
مكروه است سفر كردن در چيزي از ايّام مكروهه مثل چهارشنبه وغير او
پس گفت افتتاح كن سفر خود را بصدقه وبيرون رو هرگاه اراده بهم رساني
وبخوان آية الكرسي وحجامت كن هرگاه اراده كني ودر اكثر اخبار واقع شده
كه تصدّق كن وبيرون رو وبزبان صدقه سلامتي راه خود را وبگو
اللّهمّ انّي اشتريت بهذه الصّدقة سلامتي وسلامة سفري وما
معي اللّهمّ احفظني واحفظ ما معي وسلّمني وسلّم ما معي وبلّغني وبلّغ
ما معي ببلاغك الحسن الجميل ودر حديث ديگر پس بخوان قل هو الله ده مرتبه
وانّا انزلنا وآية الكرسي ومعوّذتين وبر جميع بدن خود دست بمال اذا جا
بعضي ايّام از براي سفر ممدوح وبعضي مذموم نقل شده وملخّص آن بيان ميشود
روز شنبه وسه شنبه بسيار خوب ودر روز چهارشنبه مدح وذم مطلق
نيز وارد شده ودر روز پنجشنبه اگر از بلاد معتبره نباشد تا ظهر ثابت ممنوع

ودر شب رخصت واقع شده و روز جمعه تا بعد از زوال مذموم و بعد از زوال
رخصت شده و اول و دویم و نهم و یازدهم و هیجدهم و بیستم و بیست و دویم
ممدوح و سبعه منحوسه مشهوره که آن سیم و پنجم و سیزدهم و شانزدهم و
بیست و یکم و بیست و چهارم و بیست و پنجم منهی عنه و چهارم و هشتم و بیست
و ششم مذموم و بیست و هشتم میانه و باقی ایام عموماً در خبر وارد شده
که برای اکثر کارها خوبست و این احکام در ماههای فرس قدیم بتصریح مفضل
کرده در روع الواقیه و غیر آن منقولست بروایت سلمان از معصوم ع و ابن
طاوس این مدح و ذم را در ماه عربی اعتبار نموده بنابر اطلاق خبری که دلایل
عقلیه و راوی که در روع نقل نموده با وجود آنکه خبر صریح صحیح بتفصیل مقید
بفرس قدیم و مخالفت در احکام با اخبار دیگر و اگر بنا بر احتیاط در فرس و
عربی هر دو عمل نماید بهتر خواهد بود و در خبر دیگر از امام حسن عسکری ع
منقول و چنین مستفاد شده که در هر ماه عربی یک روز نحوست بدین ترتیب
از محرم بیست و دویم از صفر دهم از ربیع الاول چهارم از ربیع الثانی بیست و ششم
از جمادی الاولی دوازدهم از جمادی الثانی بیست و دویم از رجب بیست و ششم
از شعبان بیست و ششم از رمضان بیست و ششم از شوال دویم از
ذی قعده بیست و چهارم از ذی حجه هشتم و فقیه ذکر کرده از پیغمبر ص

بشماست

بشماست سیر شب بدرستی که زمین بهم پیچیده میشود بشب و باز ذکر
کرده از ابی عبد الله علیه السلم که فرمود زمین پیچیده میشود در آخر شب و باز
نقل نموده از ابی عبد الله علیه السلم که فرمود کسی که سفر کند یا تزویج و قمر
در عقرب باشد نبیند نیکوئی آن را و روایت شده در جواب سائلی که از
اختیارات نجوم برای سفر که خود عمل می نموده از معصوم علیه السلم سؤال نموده
فرمود که بسوزان آن کتابها را و سفر کن هر وقت که خواهی و بخوان سوره قدر
و آیة الکرسی و از ابی عبد الله علیه السلم منقولست که فرمود پیغمبر صلی الله علیه و اله
آیا خبر دار نکنم شما را باشرار ناس گفتند بلی یا رسول الله فرمود کسی که سفر کند
تنها و منع کند توشه خود را از مردم اگر تواند و بزند غلام خود را بیجا و در
جائی دیگر واقع شده که اگر واقع شود تنها سفر کردن بگوید این دعا را
ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله اللهم آنس وحشتی و اعنّی علی وحدتی
و ادّ غیبتی و فقیه ذکر نموده از ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلم که لعنت
کرد رسول الله صلی الله علیه و آله سه کس را اول آنها که خورند توشه خود را
تنها دویم خوابکننده در خانه تنها سیم سوار شدن در بیابان تنها و وارد شده
که چند چیز باید در سفر همراه مسافر باشد شمشیر و کمان و عمامه سفید و موزه
و ریسمان و سوزن و خیاطه و خیك و در رفتن و مقراض و سرمه دان و سواك

[illegible]

وشانه وادویه که بکار آید و توشه خوبی که با مردم صرف کنی و استخاره کردن (تو و مردم)
در همه کارها مرغب فیها است علی الخصوص جهة سفر و چون بیرون (میرود)
از خانه تحت الحنک ببندد که در اکثر کتب احادیث مذکور است و در (امان)
الاخبار مذکور است از موسی بن جعفر علیه السلم که فرمود من ضامنم از سه
چیز از برای کسی که بیرون رود و اراده کند سفر را عمامه دار و تحت الحنک
بسته باشد آنکه نرسد باو دزد و نه غرق و نه حرق و باز ذکر نموده از ابی
الحسن الرضا علیه السلم که گفت فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله اگر آنکه مردی بیرون
رود از منزل خودش روز شنبه بعمامه سفید و تحت الحنک بسته باشد
پس بیاید بسوی کوهی با آنکه بر طرف کند آن کوه را از مکانش هر آینه بر طرف
میکند آن کوه را از مکانش و دیگر مسافر بردارد همراه خود عصای بادام تلخ
و بنویسد این شکل را بر پوست آهو و عصا را سوراخ نموده آن نوشته را
دران سوراخ کند دو صورت شکل اینست سلمحس وه ه یهون بان امه ه
باوسه صاوه مصسا ه ه و فقیه نقل نموده که فرمود حضرت امیر ع که فرمود
پیغمبر صلی الله علیه و آله کسی که بیرون رود بسفری و با او عصای بادام تلخ باشد و (بخواند)
این آیه را وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ (ورد) وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ
وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ فَسَقَى

لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا
تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ
وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا
يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ
أُنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِيَ حِجَجٍ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا
فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ
قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ
عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ امن میکند خدای تعالی او را از هر سبع ضرر رساننده
و از هر حرامی عادی و از هر صاحب زهر تا آنکه برگردد بسوی اهلش و منزلش
(مثل مار و عقرب و غیره)
و میباشد با او هفتاد و هفت از ملائکه که استغفار میکنند از برای او
تا برگردد و بگذارد عصا را و فرمود پیغمبر صلعم برداشتن عصا بر طرف میکند
فقر را و پیش او نمی‌آید شیطان و فرمود کسی که اراده کند که پیچیده شود زمین
از برای او پس بگیرد نقد عصا را یعنی عصای بادام تلخ را و وارد شده که
انگشتر عقیق در دست کند و قدری از خاک تربت امام حسین ع همراه بردارد
خصوصا وقتی که از سلطان یا غیر ترسی و در وقت برداشتن تربت بگو
اللهم انی اخذته من قبر ولیک فاجعله لی امنا و حرزا لما اخاف و لما

لا أخاف وبخواند دعای فراش که در فصل ادعیه تعقیب صبح مذکور شد
و روایت شده بدرستی کسی که ترسد از سلطان یا غیر و کسی که بیرون
رود از منزل خود و عمل باین کند حرز است از برای او و انکشتر عقیق زرد که
نقش شده باشد بر او وماشاء الله لا حول ولا قوة الا بالله استغفر الله
و بر طرف دیکر محمد و علی و انکشتر فیروزج که بر او نقش باشد الملک لله و
بطرف دیکر الملک لله الواحد القهار و انکشتر حدید صینی که نقش شده
باشد بر او سه سطر در سطر اول اعوذ بجلال الله در سطر ثانی اعوذ
بکلمات الله در سطر ثالث اعوذ برسول الله و در زیر نکین که طرف دیکر
اوست دو سطر اول آمنت بالله وکتبه و دویم واثق بالله و
رسله و در دور او نقش باشد از چهار طرف باین قسم یکطرف اشهد و
طرف دیکر ان لا اله و طرف دیکر الا الله و طرف دیکر مخلصا و حضرت
صادق علیه السلم فرموده خاتم عقیق امانست در سفر در امان الاحجار
نقل نموده باسناد متصل و باز نقل نموده از ابو عبد الله ع که خاتم عقیق
حرز است در سفر منقولست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلم چهار انکشتر
در دست میکرد انکشتر یاقوت برای شرافت و زینت و فیروزه برای نصرت
و یاری و حدید صینی برای قوت و عقیق برای حرز و دفع دشمنان

وبلاها

و بلاها و از حضرت علی موسی الرضا منقولست که عقیق فقر و نفاق را برطرف میکند
و هر که قرعه با انکشتر عقیق بزند بهره او تمامش بیرون می آید و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله که هر که انکشتر عقیق در دست داشته باشد حاجتش
بر آورده است و از حضرت صادق ع که انکشتر عقیق مورث ایمنی است
در سفر و هر که او را در دست کند امید هست که عاقبتش مقرون بخیر و نیکی
باشد و در حدیث دیکر که حاکم پی شخصی فرستاده بود بسبب جرمی حضرت
صادق ع فرمود که انکشتر عقیق باو رسانید چنان کردند هیچ مکروهی باو نرسید
و از حضرت امام حسین ع که چون حضرت موسی در کوه طور با حق تعالی مناجات
و بزمین نظر کرد حق تعالی از نور روی او عقیق را آفرید پس فرمود که
قسم خوردم بذات مقدس خود که عذاب نکنم باتش جهنم دستی را که انکشتر
عقیق در آن باشد اکر ولایت علی داشته باشد سلمان اعمش روایت کند
که در خدمت حضرت امام جعفر ع بودم در دربخانه منصور عباسی شخصی را
بیرون آوردند که تازیانه خورده بود حضرت فرمود که ای سلمان ببین که
انکشترش چه نکین دارد کفتم یا رسول الله عقیق فرمود ای سلمان اکر عقیق
بود تازیانه نمی زدند کفتم دیکر بفرمایند فرمود ای سلمان انکشتر عقیق امان
می بخشد از دست بریدن کفتم دیکر بفرما فرمود ای سلمان امان می بخشد از خون

گفتم دیگر بفرما فرمود ای سلمان خدای عز و جل دوست میدارد که بلند شود
بدعا سوی او دستی که در آن نگین عقیق باشد گفتم دیگر بفرما فرمود که
عجب دارم از دستی که در آن نگین عقیق باشد چگونه خالی میماند از درهم و دینار
گفتم دیگر بفرما فرمود که ایمن میگرداند از فقر گفتم روایت کنم این حدیث را
از حسین بن علی از پدرش امیر المؤمنین ع فرمود بلی و در روایت دیگر دو
رکعت نماز که با انگشتر عقیق باشد بهتر است از هزار رکعت نماز که با آن نباشد
از حضرت علی بن موسی الرضا ع که انگشتر یاقوت در دست کنید که پریشانی را
زایل کند و از حضرت امام موسی ع که انگشتر زمرد در دست کردن موجب
آسانیست که هیچ دشواری نباشد و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا ع
بلفظ زبرجد است و فرمود انگشتر زمرد در دست داشتن فقر را بتوانگری
بدل میکند و فرمود که هر که انگشتر یاقوت زرد در دست کند فقیر نشود و در
نجف هر که در دست کند بهر نظر کردن بآن خدای تعالی زیادتی با حج و عمره
در نامه عمل او بنویسد که ثوابش ثواب پیغمبران و صالحان باشد ابن طاوس
بروایت قاسم بن العلاء نقل نموده از صافی خادم حضرت امام علی نقی ع که رخصت
طلب نمودم از آنحضرت که بزیارت جدش امام رضا ع بروم فرمود که باید که با خود
انگشتری داشته باشی که نگینش عقیق زرد باشد و نقش نگین ما شاء الله لا قوة

الا بالله استغفر الله باشد و بر روی دیگر محمد و علی چون این انگشتر را با خود داری
امان می یابی از شر دزدان و راه زنان و برای سلامتی تو تمام تر است و دین
ترا حفظ کننده تر است خادم گفت بیرون آمدم و انگشتری که حضرت
فرموده بهم رسانیدم و برگشتم که وداع کنم چون وداع کردم و دور شدم فرمود
که مرا برگردانند چون برگشتم گفت ای صافی گفتم لبیک ای مولای من فرمود که
باید انگشتر فیروزه هم با خود داشته باشی بدرستی که در میان طوس و نیشابور
شیری بر خواهد خورد بتو و قافله را منع خواهد کرد از رفتن باید که تو پیش
روی و این انگشتر را بشیر بنمائی و بگوئی که مولای من میگوید که دور شو از راه
و باید که بر یکطرف نگین فیروزه اللهُ المَلِكُ و بر طرف دیگر نقش کنی اَلْمُلْكُ لِلّٰهِ
الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ زیرا که نقش انگشتر حضرت امیر المؤمنین اللهُ المَلِكُ بود چون خلافت
بآنحضرت برگشت اَلْمُلْكُ لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ نقش کرد و نگینش فیروزه بود و چنین
نگین امان می بخشد از حیوانات درنده و باعث ظفر و غلبه میشود در جنگها
خادم گفت که رفتم بسفر و بخدا سوگند که در همان مکان که آنحضرت فرموده بود
شیر بر سر راه آمد و آنچه مامور شده بودم بعمل آوردم شیر برگشت چون از زیارت
برگشتم عرض کردم بخدمت آنحضرت فرمود که یک چیز ماند که نگفتی اگر خواهی من
بگویم گفتم ای مولای من شاید که فراموش کرده باشم پس فرمود که شبی در طوس

نزدیک روضه خوابیده بودی گروهی از جنیان بزیارت قبر میرفتند آن نگین را
در دست تو دیدند و نقش آنرا خواندند پس آنرا از دست تو بیرون آوردند
و بردند بنزد بیماری که داشتند و آن انگشتر را بآب شستند و آن آب را
به بیمار خود خورانیدند بیمارشان صحت یافت پس انگشتر را بر گردانیدند
و در دست راست کرده بودی ایشان در دست چپ تو کردند چون
بیدار شدی بسیار تعجب کردی و سببش را ندانستی و در بالین خود یاقوتی
یافتی آنرا برداشتی و الحال همراه تو است ببر ببازار و آنرا بهشتاد اشرفی خواهم
فروخت و آن هدیه آن جنیانست که برای تو آورده بودند خادم گفت که
یاقوت را بردم ببازار و بهشتاد اشرفی فروختم فقیه نقل کرده که چون اراده
کنی که بیرون روی پس جمع کن اهل خود را و نماز کن دو رکعت بحمد و سوره
و تمجید کن خدا را بسیار و فقیه نقل نموده که فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله
جانشین نمیکند احدی بر اهل خود که بهتر باشد از دو رکعت و بگوید این دعا را
انی استودعک الیوم دینی و نفسی و مالی و اهلی و ولدی و جیرانی و
اهل حزانتی الشاهد منی و الغائب و جمیع ما انعمت به علی اللهم
اجعلنا فی کنفک و منعک و عیاذک و عزک عز جارک و جل ثناؤک
و امتنع عائذک و لا اله غیرک توکلت علی الحی الذی لا یموت و الحمد

لله الذی لم یتخذ صاحبة و لا ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له
ولی من الذل و کبره تکبیرا الله اکبر کبیرا و الحمد لله کثیرا و سبحان الله
بکرة و اصیلا و هرگاه بیرون روی از منزل خود پس بگو بسم الله الرحمن الرحیم
لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم انی اعوذ بک من وعثاء السفر
و کآبة المنقلب و سوء المنظر فی الاهل و المال و الولد اللهم اسئلک فی سفری
هذا السرور و العمل بما یرضیک عنی اللهم اقطع عنی بعده و مشقته و
اصحبنی فیه و اخلفنی فی اهلی بخیر فاذا استویت علی راحلتک و استوی
بک محملک فقل الحمد لله الذی هدانا للاسلام و علمنا القرآن و من علینا
بمحمد صلی الله علیه و آله سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین و انا
الی ربنا لمنقلبون و الحمد لله رب العالمین اللهم انت الحامل علی الظهر و
المستعان علی الامر و انت الصاحب فی السفر و الخلیفة فی الاهل و المال و الولد
اللهم انت عضدی و ناصری فاذا مضت بک راحلتک فقل فی طریقک خرجت
بحول الله و قوته بغیر حول منی و قوة و لکن بحول الله و قوته برئت الیک یا رب
من الحول و القوة اللهم انی اسألک برکة سفری هذا و برکة اهله اللهم
انی اسألک من فضلک الواسع رزقا حلالا طیبا تسوقه الی و انا خائض فی
عافیة بقوتک و قدرتک اللهم انی سرت فی سفری هذا بلا ثقة منی

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
منقول است که هر که سوره عبس را بر
کاغذ سفید بنویسد و هر راهی که رود
با خود نگاه دارد در آن راه بغیر از نیکی
نبیند و از مفاسد آن راه محفوظ
باشد منه

بِغَيْرِكَ وَلَا رَجَآءَ لِسِوَاكَ فِي ذَلِكَ شُكْرُكَ وَعَافِيَتُكَ وَثِقَتِي لِطَاعَتِكَ
وَعِبَادَتِكَ حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا وفقيه ذكر نموده از صباح الحذا که
کفت شنیدم از موسی بن جعفر علیه السلم که میفرمود اکر بوده باشد مردی
از شما که اراده کند سفر را بایستد بر در خانه خود و رو کند بطرفی که میرود
پس بخواند فاتحه را پیش رو و از راست و از چپ و آیة الکرسی را پیش رو
و از راست و از چپ پس فرمود بخواند این دعا را اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِي وَاحْفَظْ مَا
مَعِي وَسَلِّمْنِي وَسَلِّمْ مَا مَعِي وَبَلِّغْنِي وَبَلِّغْ مَا مَعِي بِبَلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ
هرآینه حفظ میکند او را الله تعالی وانچه با اوست و سلامت میدارد [اورا]
وانچه با اوست و میرساند او را وانچه با اوست و باز فقیه نقل نموده که بود [صادق]
علیه السلم هرکاه اراده میکرد سفر را میکفت این دعا را اَللّٰهُمَّ خَلِّ سَبِيلَنَا وَ
أَحْسِنْ مَسِيرَنَا وَأَعْظِمْ عَافِيَتَنَا و روایت کرده فقیه از ابی الحسن الرضا که فرمود
از برای من آنحضرت هرکاه بیرون روی تو از خانه خود در سفر یا حضر [بکو]
بِسْمِ اللّٰهِ آمَنْتُ بِاللّٰهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ مَا شَآءَ اللّٰهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ
پس میرسد او را شیطان پس میزنند ملائکه رویهای ایشان را و میکویند راه [نیست]
شما را [براو] بتحقیق نام برده است خدا را و ایمان آورده باو و توکل کرده بر الله [تعالی]
و کفته ما شاء الله لا قوة الا بالله و باز نقل نموده از ابی جعفر علیه السلم که فرمود

کسی که بکوید هنکام بیرون رفتن از در خانه خود أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِمَّا عَاذَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ
اللّٰهِ مِنْ شَرِّ هَذَا الْيَوْمِ وَمِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ وَمِنْ شَرِّ مَنْ نَصَبَ لِأَوْلِيَاءِ اللّٰهِ
وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَمِنْ شَرِّ السِّبَاعِ وَالْهَوَامِّ وَمِنْ شَرِّ رُكُوبِ الْمَحَارِمِ كُلِّهَا
أُجِيرُ نَفْسِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ می آمرزد خدا تعالی او را و قبول میکند توبه او را و
کفایت میکند مهم او را و منع میکند او را از هر بدی و نکاه میدارد او را از هر [شری]
و در امان الاخبار مذکور است که بود ابو عبد الله علیه السلم هرکاه بیرون [میرفت]
میکفت این دعا را اَللّٰهُمَّ خَرَجْتُ إِلَيْكَ وَلَكَ أَسْلَمْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ
تَوَكَّلْتُ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لِي فِي يَوْمِي هَذَا وَارْزُقْنِي قُوَّتَهُ وَنَصْرَهُ وَفَتْحَهُ وَطَهُورَهُ
وَهُدَاهُ وَبَرَكَتَهُ وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُ وَشَرَّ مَا فِيهِ بِسْمِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ فَبَارِكْ لِي فِي خُرُوجِي و هرکاه داخل میشد بمنزل [وانفعني به]
میکفت مثل این روایت نموده معویة بن عمار که کفت ابو عبد الله علیه [السلم]
هرکاه بیرون روی از منزل خود پس بکو بِسْمِ اللّٰهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ لَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا خَرَجْتُ لَهُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ
شَرِّ مَا خَرَجْتُ لَهُ اَللّٰهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَأَتْمِمْ عَلَيَّ مِنْ نِعْمَتِكَ
وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِكَ
وَمِلَّةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ از ابی جعفر علیه السلم کسی که بکوید در [وقت]

بیرون رفتن از منزلش این دعا را کرد بسم الله حسبی الله توکلت علی الله
اللهم انی اسئلک خیر اموری کلها واعوذ بک من خزی الدنیا وعذاب
الآخرة کفایت میکند الله تعالی آنچه مهم او ست از امر دنیا و آخرت و دعوا
شده در امان الاختار هرگاه ایستادی بر در خانه خود تسبیح کن تسبیح فاطمه ع
وبخوان حمد و آیة الکرسی چنانکه مذکور نمودیم وبگو این دعا را اللهم الیک
وجهت وجهی وعلیک خلفت اهلی ومالی وما خولتنی وقد وثقت
بک ولا تخیبنی یا من لا یخیب من اراده ولا یضیع من حفظه اللهم
صل علی محمد وآله واحفظنی فیما غبت عنه ولا تکلنی الی نفسی یا ارحم
الراحمین اللهم بلغنی ما توجهت له وسبب لی المراد وسخر لی عبادک
وبلادک وارزقنی زیارة نبیک وولیک امیر المومنین والائمة من ولده
وجمیع اهل بیته علیه وعلیهم السلام ومدنی منک بالمعونة فی جمیع
احوالی ولا تکلنی الی نفسی ولا الی غیری فاکل واعطب وزودنی
التقوی واغفر لی فی الآخرة والاولی اللهم اجعلنی اوجه من توجه
الیک بسم الله وبالله وتوکلت علی الله واستغیث بالله والجات ظهری
الی الله وفوضت امری الی الله ربنا آمنت بکتابک الذی انزلت و
نبیک الذی ارسلت لانه لا یاتی بالخیر الهی الا انت ولا یصرف

التی

السوء الا انت عز جارک وجل ثناؤک وتقدست اسماؤک وعظمت آلاؤک
ولا اله غیرک پس بتحقیق روایت کرده شده است آنکه کسی که بیرون آید
از منزل خود در حالتی که صباح کند و دعا کند باین دعا نمی آید بر او بلائی
تا شب و بر میگردد بسوی منزل خود و همچنین کسی که بیرون رود در شب
و دعا کند باین دعا راه نمی یابد بلائی تا صبح و بر میگردد بسوی منزل خود
نزد رکوب فقیه ذکر نموده که بود صادق علیه السلام که هرگاه میگذاشت
پای خود را در رکاب میگفت سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له
مقرنین و تسبیح میکرد خدا را هفت مرتبه و حمد میکرد خدا را هفت
مرتبه و تهلیل میکرد خدا را هفت مرتبه فقیه از اصبغ بن نباته روایت
کرده که او گفت نگاه داشتم من رکاب حضرت امیر علیه السلم را تا سوار شد
و آنحضرت اراده داشت آنکه سوار شود پس برداشت سر خود را پس تبسم
نمود پس گفتم یا امیر المومنین دیدم من برداشتید سر خود را و تبسم نمودید
فرمود بلی یا اصبغ گرفتم من از برای رسول الله ص مثل آنچه گرفتی تو از برای
من پس برداشت سر خود را بسوی آسمان و تبسم فرمود پس سوال کردم آنحضرت را
مثل آنچه سوال کردی تو و زود باشد خبر کنم ترا همچنانکه خبر کرد مرا گفتم من
از برای رسول الله ص رکاب اسب شهبا را پس برداشت سر خود را بسوی آسمان
مادیان سفید و سیاه که سفید بیش غالب باشد

وتبسم نمود پس گفتم یا رسول الله ص بر داشتید سر خود تان را بسوی آسمان
وتبسم فرمودید پس فرمود یا علی بدرستی که این نیست احدی که
سوار شود آنچه انعام کرده است خدا تعالی برو پس بخواند آیه سخره را پس
بگوید این دعا را أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ
اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ مگر آنکه میفرماید
خدای کریم ای ملائکه من بنده من میداند اینکه نمی آمرزد گناهان او را
غیر من گواه باشید اینکه بتحقیق آمرزیدم من از برای او گناهان او را ذکر
الله تعالی فقیه از ابی عبد الله علیه السلم ذکر نموده که گفت بود پیغمبر صلی الله علیه
وآله در سفر هر گاه سرا پائین می آمد تسبیح میکرد و هر گاه سرا بالا میرفت تکبیر میکرد
و فرمود پیغمبر خدا صم قسم بخدائی که نفس ابی القاسم بدست اوست تهلیل
کننده و تکبیر کننده خدا را تکبیر کننده بر بلندی از بلندیها مگر آنکه تهلیل میکند
آنچه عقب اوست و تکبیر میکند آنچه پیش اوست بسبب تهلیل و تکبیر او
تا آنکه برسد آنچه عقب او و پیش اوست تا بجائی که قطع میشود و روایت
کرده صفوان بن مهران الجمال بدرستی که حضرت صادق علیه السلم وقتی که
سوار میشد جمل را میگفت این دعا را بِسْمِ اللهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ سُبْحَانَ
الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ فقیه نقل

نموده

نموده از امام محمد باقر علیه السلم یا جعفر صادق علیه السلم فرمود هر گاه بوده باشی
تو در سفر پس بگو اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَسِيرِي عِبَرًا وَصَمْتِي تَفَكُّرًا وَكَلَامِي ذِكْرًا وباز
فقیه نقل نموده از موسی بن جعفر ع که فرمود شوم است از برای مسافر در
راه در پنج چیز اول زاغی که فریاد کند از طرف راست و دویم سگی که دمش کرده
باشد دم خود را سیم کرکی که فریاد کند در روی او و نشسته باشد بر دم و پس
جسته خیز کند یعنی برخیزد و بنشیند سه نوبت چهارم آهوئی که برآید از
طرف راست و بطرف چپ رود پنجم بومه که فریاد کند ششم زنی که گیسو و موی
او سفید و سیاه شده باشد و ملاقات کنی تو فرج او را هفتم گور خر ماده
گوش بریده پس هر گاه بخلد در خاطر مسافر از دیدن هر یک از اینها چیزی پس
بگوید اعْتَصَمْتُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ فِي نَفْسِي فَاعْصِمْنِي مِنْ ذٰلِكَ فرمود
پس نگاه میدارد او را از آن و چون عزم کنی بیرون آمدن از خانه بجهة سفر چهار رکعت
نماز بگذار در رکعت اول بعد از حمد الرحمن یا تبارک و در دویم بعد از حمد سوره
واقعه یا تبارک و اگر میسر نباشد توحید یا هر سوره که خواهی و بعد از آن بگو
این دعا را اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ بِهِنَّ إِلَيْكَ فَاجْعَلْهُنَّ خَلِيفَتِي فِي أَهْلِي وَمَالِي
و ده نوبت بخوان توحید را در وقت بیرون آمدن و این دعا را بِسْمِ اللهِ حَسْبِيَ
اللهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْأُمُورِ كُلِّهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ

خزی الدنیا وعذاب الآخرة واگر خواهی بخوان بسم الله آمنت بالله توکلت علی الله
ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله واگر خواهی بگو اللهم انت الصاحب فی
السفر والحامل علی الظهر والخلیفة فی الاهل والمال والولد و در محاسن برقی
از حضرت موسی بن جعفر ع منقولست که وقتی که رسیدی بشهری یا قریه را و
معاینه دیدی آنرا بگو اللهم انی اسئلک خیرها واعوذ بک من شرها اللهم
اطعمنا من جناها واعذنا من وباها وحببنا الی اهلها وحبب صالحی اهلها
الینا بروایت دیگر هر گاه مسافرت کنی پس داخل شوی در شهری که میخواهی پس بگو
در وقتی که مشرف شدی بر آن شهر و دیدی آنرا اللهم رب السموات السبع و
ما اظلت ورب الارضین السبع وما اقلت ورب الریاح وما ذرت ورب
الشیاطین وما اضلت اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد واسئلک من خیر
هذه القریة وما فیها واعوذ بک من شرها وشر ما فیها و در وقت فرود آمدن
در منزل بگو اللهم انزلنی منزلا مبارکا وانت خیر المنزلین و هر پلی که برسی بگو
اللهم ادحر عنی الشیطان الرجیم و هر وادی که برسی دست بر داشته حمد
الهی کن و صلوات بر محمد و اهل او فرست که الله تعالی پر میکند آن وادی را
بجهت تو از حسنات و حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله چون شب میشد میفرمود
یا ارض ربی وربک الله اعوذ بالله من شرک ومن شر ما خلق فیک

وشر

وشر ما دب علیک واعوذ بالله من شر کل اسود واسد وحیة
وعقرب ومن ساکنی البلد ومن شر والد وما ولد واگر از دزد بترسی
بخوان قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی
ولا تجهر بصلوتک ولا تخافت بها وابتغ بین ذلک سبیلا وقل الحمد لله
الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل
وکبره تکبیرا و هر یک از اینها که مذکور شد در آثار کثیره واقع شده که
خواندن آن باعث سلامتی است در سفر فقیه ذکر نموده از ابی الربیع که گفت
بودیم ما نزد ابی عبد الله ع و خانه پر بود از مردمان پس فرمود آنحضرت نیست
از ما کسی که نیکو نکند مصاحبت کسی را که مصاحب او ست و کسی که نیکو نکند رفاقت
کسی را که رفیق او ست و کسی که نیکو نخورد نمک را با کسی که نمک میخورد با او و کسی
که نیکو نکند خوش خلقی را با کسی که خوش خلقی کند با او و فرمود حضرت صادق ع
که نیست از مروة آنکه نقل کند مرد با نچه رسیده است در سفر از خیر یا شر و فرمود
پیغمبر صلی الله علیه وآله هیچ دو کسی با هم مصاحبت نکردند مگر آنکه می باشد
محبوب اجر عظیم تر از اینها و دوست تر از اینها بسوی خدا کسی است که مهربانتر باشد با
مصاحب خود را و از ابی عبد الله علیه السلام که میفرمود مصاحب شو کسی را
که زین شوی از او و مصاحب مشو با کسی که زین شود از تو و فرمود صادق ع

حق مسافر آنست که اقامت کنند از برای او برادران او و هرگاه بیمار شود تا سه
روز و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که اول رفیق پیدا کن و بعد از آن
سفر کن و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله در فقیه که زاد مسافر حدیث است
و شعری که در آن نبوده باشد فحش و باز از صادق علیه السلام هرگاه سفر
کنید شما پس بگیرید سفره و پاکیزه کنید آن سفره را و از موسی بن جعفر علیه السلام
که دید سفره که در و حلقهای برنج بود پس فرمود که مکن اینها را و بجای او
بگذارید حلقهای آهن پس بدرستی که نزدیک نمیشود بآنچه در وست چیزی
از هوام و باز نقل نموده فقیه از پیغمبر صلی الله علیه و آله از بزرگی و نجابت مرد است
که پاکیزه کند توشه خود را هرگاه بیرون رود بسفری و بود علی بن الحسین ع
هرگاه سفر میکرد بسوی مکه بجهت حج یا عمره توشه میگرفت از بهترین توشهها
از بادام و شکر و آرد و ترش و شیرین **فصل چهارم در بیان فضیلت اسب و آداب آن**
فقیه از پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل نموده که بسته شده است در پیشانی
اسب خیر تا روز قیامت و نفقه کننده بر اسب در راه خدا مثل کسیست که دست
گشاده باشد بصدقه و قبض نکند آن را پس هرگاه مهیا کنی تو اسبی پس مهیا
کن اسبی که روی او سفید باشد بقدر درهم و طرف بینی او نیز سفید باشد و دست
چپ و دو پای او سفید باشد و دست راست او سفید نباشد و رنگ سرخ

صاف باشد پس اگر نباشد او پیشانی سفید باشد که سالم خواهی بود و صاحب غنیمت
و باز از ابی الحسن علیه السلام که میفرمود بر هر منخری از اسب شیطانی است پس هرگاه
اراده کند احدی از شما که لجام کند اسبی را پس بگو نام خدا را و فرمود کسی که ببندد
اسبی عتیق محو کرده میشود از او سه سیئه و نوشته میشود از برای او یازده
حسنه در هر روزی و هر که ببندد اسبی هجین محو کرده میشود از او در هر
روزی دو سیئه و نوشته میشود در هر روزی از برای او نه حسنه و
هر که ببندد اسب برذونی و اراده کند از بستن او زینت یا قضاء حاجت
یا دفع دشمن محو کرده میشود از او در هر روزی سیئه و نوشته میشود
از برای او شش حسنه و کسی که ببندد اسب سرخ صاف که یال و دم او سرخ
باشد و در پیشانی او سفیدی یا در روی او خال سفید باشد چنین اگر نبوده
باشد سفیدی پیشانی او تا بینی و سفید باشد دست و پای او دوست است
بسوی من و داخل نمیشود بخانه او فقر مادامی که این اسب در خانه او است و مادامی
که در ملک صاحب او است داخل نمیشود بخانه او ظلم و فرمود کسی که بیرون رود
از خانه خود از خانه غیر در اول صبح پس برخورد اسبی سرخی که سفیدی داشته
باشد مبارکست از برای او آن روز و اگر بوده باشد آن اسب سفیدی پیشانی
که فرو ریخته بطرف بینی پس آن عیش است و می رسد در آن روز بآن مکروه و پشیمانی

وبرمی آورد الله تعالی حاجت اورا وباز از پیغمبر صلی الله علیه واله نقل
نموده فقیه که از برای دابه بر صاحبش چند حق است ابتدا کند بعلف
برای او هرگاه پایین آید وبنماید بر او آب هرگاه بگذرد بآب ونزند روی
او را پس بدرستی که او تسبیح میکند حمد رب خود را ونایستد بر پشت آن
است مگر در راه خدا وبار نکند او را فوق طاقت او وتکلیف نکند او را از
رفتن مگر آنچه طاقت اوست وسؤال کرد مردی اباعبدالله ع را که کی بزنیم
دابه را که در زیر ماست فرمود هرگاه نرود زیر تو مثل رفتن بسوی علف گاه
وباز فرمود بزنید اسب را وقتی که بسر درآید ونزنید وقتی که دم کند پس بدرستی
که او می بیند چیزی را که نمی بینید شما وفرمود پیغمبر صلی الله علیه واله هرگاه
بشرزد دابه در زیر مرد پس میگوید بمیر تو میگوید او وبمیرد کسی که عاصی تر
باشد از ما یعنی نافرمانی خدا بیشتر کند وباز پیغمبر صلی الله علیه واله فرمود
ننشیند بورک بر دواب ونگیرید پشت او مجالس وباز فرمود پیغمبر ص
در قول الله تعالی که الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً
فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ وفرمود نازل شد
این آیه در نفقه بر خیل وباز فرمود ابوعبدالله ع که بخرید شتر سیاه بد صورت
جهت آنکه او طویل العمر است وفرمود پیغمبر صلی الله علیه واله که شتر باعث عزت است

ازبرای صاحبش ونهی فرمود آنحضرت ص از آنکه بگذرند میان قطار گفتند
یا رسول الله ص از برای چه فرمود از برای آنکه نیست از قطاری مگر آنکه میان
شتر تا شتری شیطانیست وفرمود آنحضرت ص کسی که اعانت کند مؤمن
مسافری را برمیدارد الله تعالی از او هفتاد وسه حزن را وپناه میدهد
او را در دنیا وآخرت از غم وهم وبرمیدارد از او حزن عظیم را روزی که
مشغول باشند مردمان بنفسهای خود شان وفرمود مروت دو تاست
مروت در سفر ومروت در حضر پس در حضر تلاوت قرآن است وبسیار
رفتن بمساجد ورفتن با برادران در حوایج ایشان ونعمتی که دیده شود
بر خادم جهت آنکه باین خوشحال میشود دوست وخشمناک میشود دشمن
واما آنچه در سفر است بسیار وپاکیزه بودن توشه است وبذل او از
برای کسی که بوده باشد با تو وپوشیدن تو بر مردمان امر ایشان اگر واقع
شده باشد در آن سفر بعد از مفارقت از ایشان وبسیار کردن خوش طبعی
در غیر آنچه بغضب آورد خدا را پس فرمود قسم بخدا که فرستاد جد مرا
به پیغمبری بحق آنکه خدا تعالی هر آینه روزی میدهد بنده را بقدر مروت
وبدرستی که باز از جانب خدا نازل میشود بقدر خرج وصبر نازل میشود بقدر
سختی بلا مرویست از پیغمبر ص که بپرهیزید شما از تن ولد در شب جهت استراحت

راه و میان دو دخانه پس بدرستی که اینها محل عبور درنده و ماوای مارهاست

و باز پیغمبر صم فرمود کسی که فرود آید بمنزلی و بترسد دران منزل از سبع پس

بگوید این دعا را اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیْكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ

الْحَمْدُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ

سَبُعٍ مگر آنکه ایمن میشود از شر او تا کوچ کند از ان منزل انشاء الله

از ابو عبد الله عم که فرمود در راه رفتن جلد بروید که این سبک تر است بر شما

و روایت شده است که رسید حضرت رسول صم بر جمعی از پیادگان و شکایت

کردند با آنحضرت از سختی پیادگی پس فرمود ایشانرا که با دو بجوئید شما به تند رفتن

از ابو عبد الله فرمود که گفت لقمان از برای پسرش که هرگاه سفر کنی تو با جمعی پس

بسیار مصلحت کن با ایشان در امر خودت و امور ایشان و تبسم کن در روی ایشان

ایشان و کریم باش در توشهٔ خودت میان ایشان و هرگاه دعوت کنند ترا

پس اجابت کن ایشانرا و اگر اعانت خواهند از تو پس اعانت کن ایشانرا و اگر قرض

دسی خواهند از تو پس فریاد رس ایشانرا و بسیار بکار بر کم حرف زدن را و بسیار

کردن نماز را و بکار بجود و سخاوتی که در نفس تست با نچه داری از دابه و

یا آب یا توشه و هرگاه طلب شهادت کنند از تو بر حق پس شهادت ده برای ایشان

و جهد کن رای خود را برای ایشان و هرگاه طلب مشورت کنند بتو پس عزم

مکن تا ایستادگی کنی و فکر کنی و جواب مده در هر مشورتی تا برخیزی دران

و بنشینی و بخوابی و بخوری و نماز کنی و حال آنکه استعمال کننده باشی فکر خود را

و حکمت خود را در مشورت خود پس اگر کسی خالص نکند خیرخواهی را از جهة

کسی که طلب مشورت از و برطرف میکند الله تعالی رای او را و نزع میکند از و

امانت را و هرگاه به بینی تو اصحاب خود را که پیاده میروند پس پیاده رو با ایشان

و هرگاه به بینی تو ایشانرا میکنند کاری را پس عمل کن با ایشان و هرگاه تصدق

کنند ایشان و بدهند ایشان قرض پس عطا کن با ایشان و گوش کن راز برای

کسی که او بحسب سن بزرگتر باشد از تو و هرگاه امر کنند ترا بامری و سوال کنند

ترا چیزی پس بلی و نه مگو پس بدرستی که نه گفتن عجزی و ضلالت و ملامت است

و هرگاه حیران شوید در راه پس فرود آئید و هرگاه شک کنید شما در راه راست

که این است یا نه پس بایستید و صبر کنید و مصلحت به بینید باهم و هرگاه به بینید

شخصی واحد را پس سوال مکنید او را از راه خودتان و ارشاد مجوئید از و پس

بدرستی که مرد تنها در بیابان شک انداز نده است بسا باشد که او بوده باشد

جاسوس دزدان یا بوده باشد او شیطانی که حیران کرده است شما را و

حذر کنید از دو شخص نیز مگر آنکه به بینی چیزی را که من نه بینم پس بدرستی که عاقل

هرگاه به بیند بعینه چیزی را می شناسد حق را از و و حاضر می بیند چیزی را که نمی بیند

غایبای پسر من هرگاه برسد وقت نماز پس تاخیر مکن نماز را از برای چیزی
نماز کن واستراحت بجو از نماز پس بدرستی که این نماز دین است ونماز را با جماعت
کن واگرچه بر سر نیزه باشی وخواب مکن بر بالای دابه خود پس بدرستی که این زود
زخم میکند اسب را ونیست این از فعل حکما مگر آنکه بوده باشی در کجاوه
ممکن باشد ترا که واکشی خود را از برای نرم شدن مفاصل وهرگاه نزدیک
شوی بمنزل پس پایین بیا از دابه خود وابتدا کن بعلف او پیش از خود پس بدرستی
که آن نفس تست وهرگاه اراده کنی پایین آمدن را پس بر شماست آنکه پایین
بیایید از بقعهای زمین که نیکوتر باشد رنگ او ونرم تر باشد خاک او وبیشتر
باشد گیاه پس هرگاه فرود آیی تو پس نماز کن دو رکعت پیش از آنکه بنشینی
وهرگاه اراده کنی بقضاء حاجت پس دور رو وهرگاه کوچ کنی تو دو رکعت
نماز کن پس وداع زمینی را که پایین آمده بودی تو وسلام کن بر آن زمین
وبر اهل او پس بدرستی که از برای هر بقعه اهلیست از ملائکه واگر
استطاعت داشته باشی تو آنکه نخوری طعام تا ابتدا بتصدق کنی
از پس بکن وبر تست خواندن کتاب الله عز وجل مادامی که تو سواره باشی
وبر تست بتسبیح مادامی که تو میکنی عملی وبر تست بدعا مادامی که تو خالی باشی
از عمل وبپرهیز تو از راه رفتن از اول شب وبرو در آخر شب وبپرهیز تو از بلند کردن

آواز

آواز در راه از ابی عبدالله ع فرمود هرگاه راه گم کنی پس فریاد کن یا صالح یا
با صالح ارشدونا الی الطریق یرحمکم الله و روایت شده آنکه صالح نامی
موکل است بر بر وحمزه نامی موکلست به بحر وفرمود پیغمبر ص یا علی هرگاه پایین
آئی تو منزلی را پس بگو اللهم انزلنی منزلا مبارکا وانت خیر المنزلین
روزی داده میشود خیر او ودفع کرده میشود از تو شر آن منزل وبود در وصیت
رسول الله ص از برای علی ع که یا علی هرگاه اراده کنی شهری یا قریه پس بگو وقتی
که ببینی آن شهر یا قریه را بمعاینه بگو اللهم انی اسئلک خیرها واعوذ بک
من شرها اللهم حببنا الی اهلها وحبب صالحی اهلها الینا وفرمود پیغمبر
خدا هرگاه گم کنید شما راه را پس میل کنید بطرف راست از صادق ع که
فرمود بر بلندی هر جسر شیطانیست پس هرگاه برسی بسوی او پس بگو بسم الله
یرحل عنک وفرموده رسول ص سفر قطعه ایست از عذاب پس هرگاه
قضی کند احدی از شما سفر را پس زود برگردد بسوی اهل خود **باب نهم در اعمال
رجب وشعبان ورمضان المبارک وادعیه وثواب آن وآنچه متعلق
بآنست فصل اول در آداب شهر رجب وافعال آن** بدانکه ماه رجب یکی از
اشهر حرم است وآن ماهیست عظیم ومحترم واز این جهة آنرا رجب مینامند زیرا
که رجب بمعنی بزرگیست از پیغمبر صلی الله علیه واله که حق تعالی را در آسمان هفتم

ملکیست که آنرا داعی میگویند وچون ماه رجب داخل شود هر شب تا طلوع صبح
آن ملك ندا میکند که خوشا حال کسانی که بذکر خدا مشغول باشند وخوشا حال
کسانی که اطاعت خدا کنند الله تعالی میفرماید که من همنشینی میکنم کسی را که
همنشین من باشد واطاعت میکنم کسی را که اطاعت من میکند ومی آمرزم
کسی را که طلب آمرزش از من کند ماه ماه منست وبنده بنده منست ورحمت رحمت
منست هر که سؤال کند عطا میکنم وهر که طلب هدایت کند از من هدایتش میکنم
کردانیده ام این ماه را رشته در میان خود وبندکان خود هر که در آن چنك زند
برضوان وخوشنودی من فایز شود فقیه از ابی عبد الله عم روایت نموده
که فرمود نوح عم در روز اول رجب بکشتی نشست وقوم خود را که با او در کشتی
داخل شدند امر فرمود که روزه داشتند این روز را وکفت کسی که روزه دارد
این روز را دور شود از وی آتش جهنم بقدر یکساله راه وکسی که روزه دارد هفت
روز بسته میشود از وی درهای هفت کانه جهنم وکسی که روزه کیرد هشت
روز کشاده میشود از برای او درهای هشت کانه بهشت وکسی که روزه دارد
پانزده روز عطا کرده میشود آنچه سؤال کند او وکسی که زیاده از پانزده روز
روزه کیرد زیاد میکند از برای او حق تعالی وکسی که روزه کیرد سه روز واجب میشود
از برای او بهشت ودر حدیث معتبر دیکر فرمود حضرت رسول صلعم که هر که سه روز

از رجب روزه دارد حق تعالی برای او بهر روز روزه سالی بنویسد وهر که
هفت روز روزه دارد به بندد بر روی او هفت در جهنم را وهر که هشت
روز روزه دارد بکشاید برای او هشت در بهشت را وهر که پانزده روز
روزه دارد حساب را برا و آسان کرداند وهر که تمام ماه رجب را روزه دارد
بنویسد برای او رضوان وخوشنودی خود را وکسی که حق تعالی رضای خود را
برای او بنویسد دیکر عذاب نکند او را یکی از اصحاب عرض نمود که یا رسول
الله صلعم کسی که نتواند روزه داشتن ماه رجب را بجهة ضعفی یا مرضی که او را عارض
شده باشد یا زنی که حایض باشد چه عملی بکند تا برسد باین ثوابها که وصف
نمودی فرمود که تصدق کند هر روزی بکرده نانی بر مساکین بحق آنکه نفس
من در قبضه قدرت اوست که هر که هر روز این صدقه را بدهد برسد ثواب
آنچه وصف کردم وبیشتر واکر همه خلایق از اهل آسمانها وزمین جمع شوند
که تقدیر نمایند واندازه در آورند ثواب او نتوانند رسید بده یك آنچه
با و عطا میکنند در مراتب عالیه بهشت از فضایل ودرجات پس عرض کرد
که یا رسول الله کسی که قادر نباشد بر این تصدق چه عملی بکند تا برسد بآن
ثوابها فرمود که در هر روز از ماه رجب تا آخر این تسبیح را صد نوبت بکوید
سُبْحَانَ الْإِلٰهِ الْجَلِيلِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ الْأَعَزِّ

الأَکرَمِ سُبحانَ مَن لَیسَ العِزُّ وَهُوَ لَهُ اَهلٌ در فضیلت خواندن سورهٔ
توحید در ماه رجب سید عالی‌مقدار علی بن طاوس علیه الرحمه در اقبال
از پیغمبر صلی الله علیه وآله روایت نموده که هر که در عمر خود هزار نوبت
سورهٔ توحید در ماه رجب بخواند با نیت خالص محشور گردد در روز قیامت
در حالتی که از گناهان خود بیرون آمده باشد مانند روزی که از مادر متولد
شده باشد و باستقبال او آیند هفتاد ملک و او را بشارت دهند به بهشت
و در حدیث دیگر روایت نموده که آنحضرت فرمود که هر که هزار نوبت توحید
بخواند بیاید در روز قیامت با عمل هزار پیغمبر و هزار ملک و در درگاه الهی
مقرب‌تر از او نباشد مگر کسی که زیاده از این سوره را خوانده باشد پس فرمود
که ثواب خواندن این سوره در ماه رجب مضاعف است و در حدیث دیگر
روایت نموده که آنحضرت فرمود که هر که سورهٔ توحید را صد نوبت بخواند
الله تعالی برکت دهد برای او و فرزندان و اهل و همسایگان او و هر که
این سوره را در ماه رجب صد نوبت بخواند حق تعالی برای او در بهشت
بنا کند دوازده قصر که مکلل بدر و یاقوت باشد و بنویسد برای او هزار
هزار حسنه پس ملائکه را امر کند که بروید این بندهٔ مرا و بنمائید
آنچه برای او مهیا نموده‌ام پس بیایند بنزد او ده هزار قهرمان و ایشان

ملکی چند موکل بر مساکن او در بهشت پس بگشایند برای او هزار هزار
قصر از در و هزار هزار قصر از یاقوت سرخ که همه آنها مکلل باشد بدر
و یاقوت سرخ و حلی و حلل نفیسه که وصف نتوانند کرد و احاطه نتوانند
نمود بآن مگر علم خداوند تعالی او را و چون ببیند این قصرها و مراتب عالیه را
دهشت کند و متحیر شود و گوید اینها از برای کدام یک از پیغمبران است
پس ایشان گویند اینها برای تست بسبب خواندن سورهٔ قل هو الله احد و
در حدیث دیگر روایت نموده که هر که در روز جمعه ماه رجب توحید را
صد نوبت بخواند او را در موقف قیامت نوری باشد که پیشاپیش او راه
رود تا او را به بهشت داخل سازد **ذکر** از اذکار مطلقه در رجب و شعبان
و رمضان المبارک دیلمی در اعلام الدین و کفعمی در بلد الامین روایت
نموده اند از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود
که هر که در هر روز و هر شب از این سه ماه بخواند سوره حمد و آیة الکرسی و قل یا
ایها الکافرون و قل هو الله و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق
هر یک را سه نوبت و بگوید سه نوبت سُبحانَ اللهِ وَالحَمدُ لِلّهِ وَلا اِلهَ اِلّا
اللهُ وَاللهُ اَکبَرُ وَلا حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ العَلِیِّ العَظیمِ و سه نوبت
اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و سه نوبت اللّهُمَّ اغفِر لِلمُؤمِنینَ وَالمُؤمِناتِ

وچهارصد نوبت أَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ بحق آنکه نفس من در قبضه
قدرت اوست که هر که این اعمال را بجای آورد و چیزی از آنها از و فوت
نشود حق تعالی گناهان او را بیامرزد و اگرچه مانند قطرات باران و برگ
درختان و کف دریاها باشد و در روز عید فطر از جانب حق تعالی
منادی ندا کند که ای بنده من تویی ولی من و دوست من حقا و تراست
نزد من بسبب کرامت تو پیش من بهر حرفی شفاعتی در برادران و خواهران
خود بحق آنکه مرا بحق و راستی به پیغمبری فرستاده که هر که بخواند این سورها را
و بعمل آورد این عمل را در روزها و شبهای این سه ماه و اگرچه در عمر خود
یکنوبت باشد حق تعالی عطا فرماید او را بهر حرفی هفتاد هزار حسنه که هر
حسنه گرانتر باشد از کوههای دنیا و بر آورد برای او هفتصد حاجت
در نزد بیرون آمدن از قبر و هفتصد حاجت در نزد پرواز نمودن نامهای
عمل و هفتصد حاجت در نزد صراط و هفتصد حاجت در نزد میزان
و او را در سایه عرش خود جا دهد و حساب او را آسان سازد و او را هفتاد
هزار ملک مشایعت کنند تا به بهشت داخل شود و در آنجا برای او مهیا
شده باشد چیزی چند که هیچ دیده ندیده باشد و هیچ گوشی نشنیده باشد ذکر
اذکاری که در ماه رجب خوانده شود سید ابن طاوس از پیغمبر صلی الله علیه وآله

روایت

روایت کرده که هر که در ماه رجب صد نوبت بگوید أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلَهَ
إِلَّا هُوَ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ پس بصدقه‌ای ختم کند حق تعالی خاتمه
کار او را برحمت و آمرزش بگرداند و هر که چهارصد نوبت این استغفار را بگوید
الله تعالی برای او ثواب صد کس از شهدا بنویسد و چون روز قیامت خدا را
ملاقات کند با او خطاب فرماید که تو در دنیا بملک و پادشاهت من
اقرار نمودی پس امروز آرزو کن و طلب نما آنچه خواهی تا بتو عطا کنم
بدرستی که کسی صاحب قدرت و توانایی نیست بغیر من و باز آنحضرت صلعم روایت
فرموده که هر که در ماه رجب هزار نوبت بگوید لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ حق تعالی برای
او صد هزار حسنه بنویسد و صد شهر در بهشت بنا کند و باز از آنحضرت روایت
نموده که هر که در ماه رجب هفتاد نوبت در صبح و هفتاد در شام بگوید
أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ پس دستهای خود را بلند کرده باشد و بگوید اللَّهُمَّ
اغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ اگر در این ماه بمیرد الله تعالی از او راضی باشد و آتش جهنم او را
مس نکند ببرکت ماه رجب و فقیه در کتاب عیون اخبار الرضا روایت نموده
که در شب معراج حق تعالی به پیغمبر صلی الله علیه وآله خطاب فرمود که ای محمد
هر که در ماه رجب هزار نوبت بگوید أَسْتَغْفِرُ اللهَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ مِنْ جَمِيعِ
الذُّنُوبِ وَالْآثَامِ او را بیامرزم و سه نوبت فرمود که اگر نیامرزم پروردگار

شما نباشم **ذکر آنچه** در ادعیه که در هر روز از ماه رجب باید خواند سید
ابن طاوس بسند معتبر از حضرت ابی عبد الله [جعفر بن محمد الصادق ع] علیه السلام روایت نموده که
آنحضرت در هر روز از ماه رجب این دعا میخواندند خاب الوافدون علی
غیرک وخسر المتعرضون الا لک وضاع الملمون الا بک واجدب
المنتجعون الا من انتجع فضلک بابک مفتوح للراغبین وخیرک
مبذول للطالبین وفضلک مباح للسائلین ونیلک متاح للآملین و
رزقک مبسوط لمن عصاک وحلمک معترض لمن ناواک عادتک الاحسان
الی المسیئین وسبیلک الابقاء علی المعتدین اللهم فاهدنی هدی
المهتدین وارزقنی اجتهاد المجتهدین ولا تجعلنی من الغافلین المبعدین
واغفر لی یوم الدین وشیخ طوسی و سید ابن طاوس بسند معتبر از یونس
بن ظبیان روایت نموده اند که معلی بن خنیس بخدمت حضرت صادق ع
عرض نمود که ای سید و مولای من مرا تعلیم نما دعائی که در ماه رجب بخوانم و
جامع باشد آنچه را که شیعیان در کتابهای خود ودیعه کرده اند پس فرمود که
بگو ای معلی اللهم انی اسئلک صبر الشاکرین لک وعمل الخائفین منک
ویقین العابدین لک اللهم انت العلی العظیم وانا العبد البائس الفقیر
وانت الغنی الحمید وانا العبد الذلیل اللهم صل علی محمد وآل محمد وامنن

بغناک علی فقری وبحلمک علی جهلی وبقوتک علی ضعفی یا قوی یا عزیز
اللهم صل علی محمد وآل محمد الاوصیاء المرضیین واکفنی ما اهمنی من امر الدنیا
والآخرة یا ارحم الراحمین پس فرمود ای معلی والله که این دعا برای تو جمع نموده
است آنچه از نزد ابرهیم خلیل تا زمان محمد صلی الله علیه وآله و باند روایت
نموده اند که از ناحیه مقدسه بر دست ابی القاسم حسین بن روح رضی الله
عنه که یکی از نواب حضرت صاحب الامر علیه السلام است بیرون آمده که در ایام
ماه رجب این دعا خوانده شود اللهم انی اسئلک بالمولودین فی رجب
محمد بن علی الثانی وابنه علی بن محمد المنتجب واتقرب بهما الیک خیر
القرب یا من الیه المعروف طلب وفیما لدیه رغب اسئلک سؤال
مقترف مذنب قد اوبقته ذنوبه واوثقته عیوبه وطال علی الخطایا
دؤوبه ومن الرزایا خطوبه یسئلک التوبة وحسن الاوبة والنزوع عن
الحوبة ومن النار فکاک رقبته والعفو عما فی ربقته فانت مولای
اعظم امله وثقته اللهم واسئلک بمسائلک الشریفة ووسائلک
المنیفة ان تتغمدنی فی هذا الشهر برحمة منک واسعة ونعمة وازعة
ونفس بما رزقتها قانعة الی نزول الحافرة ومحل الآخرة وما هی الیها
صائرة و باز روایت نموده اند از محمد بن ابی الرواد رواسی که گفت در روزی

از روزهای ماه رجب با محمد بن جعفر دهان (روغن فروش) رفتم بمسجد صعصعه و در آنجا
نماز میکردیم ناگاه مردی را دیدیم که از ناقه خود فرود آمد و او را در محل
سایر عقال کرد و بمسجد داخل شد و دو رکعت نماز طولانی بجای آورد
پس دستها را کرد و دعائی که مذکور خواهد شد خواند و چون فارغ شد بر ناقه
خود سوار شد و خواست که روانه شود محمد بن جعفر گفت که بیا تا بپرسیم
که کیست او رفتیم و او را بخدا قسم دادیم که تو کیستی فرمود که بگمان شما من
کیستم رفیقم گفت که ترا خضر گمان میبریم پس بمن فرمود که تو نیز چنین
گمان داری گفتم بلی فرمود که والله من آنکسم که خضر محتاج است بدیدن او
برگردید که من امام زمان شمایم و دعا اینست اللّهم یا ذا المِنَنِ السابغة
والآلاء الوازعة والرحمة الواسعة والقدرة الجامعة والنعم الجسيمة
والمواهب العظيمة والأيادي الجميلة والعطايا الجزيلة يا من لا ينعت
بتمثيل ولا يمثل بنظير ولا يغلب بظهير يا من خلق فرزق وألهم
فانطق وابتدع فشرع وعلا فارتفع وقدّر فأحسن وصوّر
فأتقن واحتجّ فأبلغ وأنعم فأسبغ وأعطى فأجزل ومنح فأفضل
يا من سما في العزّ ففات خواطر الأبصار ودنا في اللطف فجاز هواجس
الأفكار يا من توحّد بالملك فلا ندّ له في ملكوت سلطانه وتفرّد بالكبرياء

والآلاء

والآلاء فلا ضدّ له في جبروت شأنه يا من حارت في كبرياء هيبته
دقائق لطائف الأوهام وانحسرت دون إدراك عظمته خطائف
أبصار الأنام يا من عنت الوجوه لهيبته وخضعت الرقاب لعظمته و
وجلت القلوب من خيفته أسئلك بهذه المدحة التي لا تنبغي إلّا لك
وبما وأيت به على نفسك لداعيك من المؤمنين وبما ضمنت الإجابة
فيه على نفسك للداعين يا أسمع السامعين وأبصر المبصرين ويا أنظر
الناظرين ويا أسرع الحاسبين ويا أحكم الحاكمين ويا أرحم الراحمين صلّ
على محمّد وآل محمّد خاتم النبيين وعلى أهل بيته الطاهرين الأخيار وأن تقسم
لي في شهرنا هذا خير ما قسمت وأن تختم لي بالسعادة فيمن ختمت وأحيني
ما أحييتني موفوراً وأمتني مسروراً ومغفوراً وتولّ أنت نجاتي من
مسائلة البرزخ وادرأ عنّي منكراً ونكيراً وأرعيني مبشّراً وبشيراً واجعل لي
إلى رضوانك وجنانك مصيراً وعيشاً قريراً وملكاً كبيراً وصلّى الله على
محمّد وآله بكرةً وأصيلاً يا أرحم الراحمين وابن طاوس علیه الرحمة ذکر نموده
که در روایتی که بنظر من رسیده این تتمه نیز بود اللّهمّ إنّي أسئلك بمعاقد عزّك
على أركان عرشك ومنتهى رحمتك من كتابك واسمك الأعظم وذكرك
الأعلى وكلماتك التامّات كلّها أن تصلّي على محمّد وآله وأسئلك ما كان

اوفى بعهدك واقضى بحقك وارضى لنفسك وخير لي في المعاد عندك و
المعاد اليك ان تعطيني جميع ما احب وتصرف عني جميع ما اكره انك
على كل شيء قدير برحمتك يا ارحم الراحمين و دور نيست كه اين دعا
شريف اختصاص بماه رجب نداشته باشد و از شيخ رسيده از حضرت
علي بن الحسين عليه السلم روايت نموده اند كه آنحضرت در ماه رجب بجهة عمره
بمكه داخل شدند و در اكثر اوقات روز در نزد كعبه نماز ميكذاردند و در
اكثر اوقات شب و روز بسجده ميرفتند و در سجود ميكفتند عظم الذنب
من عبدك فليحسن العفو من عندك و در احاديث بسيار فضيلت عمره در
ماه رجب واقع شده و در بعضى اخبار وارد شده كه آن معادل حج است
و ثوابها دارد ذكر اعمال شب رغايب است و روز جمعه آن بدانكه شب
رغايب شب جمعه اول ماه رجب است و آن شبيست بغايت عظيم و متبرك و
در اين شب حق تعالى عطايا و بخششهاى بسيار به بندكان خود كرامت ميفرمايد
ولهذا آنرا ليلة الرغايب مى نامند زيرا كه رغايب جمع رغيبه است و آن بمعنى
بخشش بسيار است ابن طاوس از حضرت رسول صلعم روايت نموده كه آنحضرت
فرمود كه غافل مباشيد از شب جمعه اول ماه رجب بدرستى كه آن شبيست
كه ملائكه آنرا ليلة الرغايب مى نامند و چون ثلث اول از آن شب بكذرد هيچ ملكى

از آسمانها و زمين نماند مكر آنكه در كعبه و حوالى جمع شوند و حق تعالى بايشان
خطاب فرمايد كه اى ملائكه من طلب كنيد از من آنچه خواهيد پس ملائكه كويند كه
پروردكارا حاجت ما اينست كه بيامرزى روزه داران ماه رجب را پس حق تعالى
فرمايد كه آمرزيدم ايشانرا پس آنحضرت فرمود كه هر كه روزه دارد پنجشنبه اول رجب را
و چون شب شود ميانه نماز شام و خفتن دوازده ركعت نماز بكذارد
هر دو ركعت بيك سلام و در هر ركعت بعد از حمد سوره انا انزلناه سه نوبت
و قل هو الله دوازده نوبت بخواند و چون از تمام ركعات نماز فارغ شود هفتاد
نوبت صلوات بفرستد باين قسم اللهم صل على محمد النبي الامي وعلى آله پس
سجده كند و هفتاد نوبت بكويد سبوح قدوس رب الملائكة والروح
پس سر بردارد و بكويد رب اغفر وارحم وتجاوز عما تعلم انك انت العلي الاعظم
پس باز بسجده رود و هفتاد نوبت بكويد آنچه در سجده اول كفته و از حق تعالى
حاجت خود را طلب نمايد البته حاجت او برآورده شود ان شاء الله پس فرمود بحق
آنكه نفس من در قبضه قدرت اوست كه نميكذارد هيچ بنده مرد يا زن اين نماز را
مكر آنكه حق تعالى بيامرزد همه كناهان اورا اكر چه بقدر كف دريا و ريك بيابان
و كرانى كوهها و عدد برك درختان باشد و شفاعت كند او در روز قيامت
هفتصد نفر از اهل بيت خود را كه مستوجب جهنم شده باشند و برانكيزد الله تعالى

برای او در شب اول قبر ثواب این نماز را به بهترین صورتی که آید نزد او و با روی
شکفته و زبان نیکو گوید که ای دوست من بشارت باد ترا که نجات یافتی
از همه شدتها پس آنکس گوید که تو کیستی که ندیده‌ام روی نیکوتر از روی تو و
بشام من نرسیده بوئی خوشتر از بوی تو جواب گوید که ای دوست من من ثواب
آن نمازم که کردی در فلان شب در فلان بلد در فلان ماه و در فلان سال
الحال آمده‌ام تا قضای حق تو کنم و مونس تنهائی تو باشم و وحشت را از تو دور
گردانم و چون صور بدمند در عرصهٔ قیامت سایه افکنم بر سر تو و بدرستی که
تو هرگز از خیر و ثواب پروردگار خود دور و محروم نخواهی بود **شب اول** دیگر در
اعمال اللیالی و بعضی از ایام ماه رجب ابن طاوس علیه الرحمة در کتاب اقبال بسند
متصل برسول صلعم از آنحضرت روایت نموده که آنحضرت چون هلال ازان
ماه رجب را میدید این دعا میخواند اَللّٰهُمَّ بَارِکْ لَنَا فِی رَجَبٍ وَشَعْبَانَ
وَبَلِّغْنَا شَهْرَ رَمَضَانَ وَاَعِنَّا عَلَی الصِّیَامِ وَالْقِیَامِ وَحِفْظِ اللِّسَانِ وَغَضِّ
الْبَصَرِ وَلَا تَجْعَلْ حَظَّنَا مِنْهُ الْجُوعَ وَالْعَطَشَ و باز از آنحضرت روایت
نموده که هر که در نزد دیدن ماه رجب هفت نوبت سورهٔ حمد بخواند حق تعالی
او را در آن ماه از درد چشم ایمن گرداند و بدانکه این شب اول رجب یکی از
لیالی اربعه متبرکه است و سنت احیا نمودن آن بعبادات و طاعات و

قربات

و قربات از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر که احیا کند شبی از
شبهای ماه رجب را حق تعالی عطا کند باو ثواب آزاد گردانیدن بنده را و او
از آتش جهنم آزاد گرداند و شفاعت او در هفتاد هزار کس از گناهکاران
قبول فرماید و از صادق علیه السلام که حضرت علی علیه السلام را خوش می‌آید که
خود را فارغ سازد در سالی در چهار شب که آن شب اول رجب و شب نیمه
شعبان و شب عید رمضان و شب عید قربان از امیر المؤمنین علیه السلام
که براوی فرمود تا توانی محافظت کن بر چند شب و دعا و نماز و تلاوت قرآن
در آن شبها بسیار کن و از جمله آنها شب اول ماه رجب را ذکر فرمود و غسل در این
شب مستحب است بسند ابن طاوس علیه الرحمة از صاحب کتاب روضة العابدین
نقل نموده که او بسند خود از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که آنحضرت با اصحاب
خود فرمود که هر که در شب اول رجب بعد از نماز مغرب هشت رکعت نماز
بگذارد هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره توحید یکنوبت
بخواند ثواب او را میدانید گفتند خدا و رسول دانا تراند بآن فرمود که جبرئیل
تعلیم کرد مرا که محفوظ باشد او و اهل و مال و ولد او و ایمن باشد از عذاب قبر
و از صراط بی حساب بگذرد چون برق جهنده و شیخ طوسی و سید ابن طاوس رضی الله
عنهما بسند معتبر از امام محمد باقر علیه السلام روایت نموده اند که آنحضرت بیکی

از اصحاب خود فرموده که در شب اول ماه رجب بعد از نماز عشا این دعا را
میخواند اللهم انی اسئلک بانک ملیک وانک علی کل شیء مقتدر و
انک ما تشاء من امر یکون اللهم انی اتوجه الیک بنبیک محمد نبی الرحمة
صلواتک علیه وآله یا محمد یا رسول الله انی اتوجه الی الله ربی وربک
لینجح بک طلبتی اللهم بنبیک محمد وبالائمة من اهل بیته انجح طلبتی پس
حوایج خود را از حق تعالی میطلبد و باز بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر ع
روایت نموده اند که آنحضرت در این شب بعد از فراغ از نماز شب بسجود میرفتند
واین دعا میخواندند لک المحمدة ان اطعتک ولک الحجة ان عصیتک لا
صنع لی ولا لغیری فی احسان الا بک یا کائنا قبل کل شیء ویا مکون
کل شیء انک علی کل شیء قدیر اللهم انی اعوذ بک من العدیلة عند
الموت ومن شر المرجع فی القبور ومن الندامة یوم الازفة فاسئلک
ان تصلی علی محمد وآله ان تجعل عیشی عیشة نقیة ومیتتی میتة
سویة ومنقلبی منقلبا کریما غیر مخز ولا فاضح اللهم صل علی محمد و
آله الائمة ینابیع الحکمة واولی النعمة ومعادن العصمة واعصمنی بهم
من کل سوء ولا تاخذنی علی غرة ولا علی غفلة ولا تجعل عواقب اعمالی
حسرة وارض عنی فان مغفرتک للظالمین وانا من الظالمین اللهم

اغفر لی ما لا یضرک واعطنی ما لا ینقصک فانک الوسیع رحمته البدیع
حکمته واعطنی السعة والدعة والامن والصحة والخنوع والقنوع
والشکر والمعافاة والتقوی والصبر والصدق علیک وعلی اولیائک
والیسر والشکر واعمم بذلک یا رب اهلی وولدی واخوانی فیک و
من احببت واحبنی وولدت وولدنی من المسلمین والمسلمات و
المؤمنین والمؤمنات یا رب العالمین باز شیخ وسید علیهما الرحمة و
الغفران از ابن اشیم رضی الله عنه نقل نموده اند که گفت بعد از سه رکعت نماز
وتر نشسته میخوانی این دعا را الحمد لله الذی لا تنفد خزائنه ولا یخاف
آمنه ربنا ان ارتکبت المعاصی فذلک ثقة منی بکرمک انک تقبل التوبة
عن عبادک وتعفو عن سیئاتهم وتغفر الزلل وانک مجیب لداعیک
ومنه قریب وانا تائب الیک من الخطایا وراغب الیک فی توفیر حظی
من العطایا یا خالق البرایا یا منقذی من کل شدة یا مجیری من کل محذور
وقنی علی السرور واکفنی شر عواقب الامور فانت الله علی نعمائک وجزیل
عطائک مشکور ولکل خیر مذخور وباز از ابن عباس روایت نموده اند
که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در این ساعت یعنی بعد از فراغ از نماز تمام
شب میخواندند این دعا را یا نور النور یا مدبر الامور یا مجری البحور یا باعث

من في القبور يا كهفي حين تعييني المذاهب وكنزي حين تعجزني المكاسب
ومونسي حين تجفوني الاباعد وتملني الاقارب ومنزه بمجالسة اوليائه
ومرافقة احبائه في رياضه وساقي بمواساته من بحر حياضه ورافع
نجا ودرته من ورطة الذنوب الى ربوة التقريب ومبدلي بولايته عزة
العطايا من ذلة الخطايا اسئلك يا مولاي بالفجر والليالي العشر والشفع
والوتر والليل اذا يسر وبما جرى به قلم الاقلام بغير كف ولا ابهام وباسمائك
العظام وبحجتك على جميع الانام عليهم منك افضل السلام وبما استحفظتهم
من اسمائك الكرام ان تصلي عليهم وترحمنا في شهرنا هذا وما بعده من
الشهور والايام وان تبلغنا شهر الصيام في عامنا هذا وفي كل عام يا ذا
الجلال والاكرام والمنن الجسام وعلى محمد وآله منا افضل السلام روز اول رجب
وبسند معتبر از حضرت امام محمد باقر از پدرش از جدش از رسول خدا صلی الله
علیه وآله مرویست که هر که روز اول ماه رجب را روزه دارد بهشت برای
او واجب شود و در روز اول رجب نماز سلمان فارسی است شیخ طوسی
وسید ابن طاوس باسانید معتبر از سلمان فارسی روایت کرده که گفت داخل
شدم بر رسول خدا در روز آخر جمادی الآخره روزی که داخل نشده بودم بر
آنحضرت در آن وقت پیش از آن پس فرمود که ای سلمان تو از اهل بیت منی میخواهم

کبرای

که برای تو حدیثی بگویم گفتم بلی فدای تو باد مادر و پدرم یا رسول الله
فرمود که ای سلمان هر مومن و مومنه که در این ماه سی رکعت نماز بگذارد
و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون را
هر یک سه نوبت بخواند حق تعالی محو کند از و هر گناهی که در صغر و کبر سن
کرده باشد و عطا کند باو ثواب کسی که تمام این ماه را روزه داشته باشد
و او را از نماز گذارندگان بنویسند تا سال آینده و برای او در هر روز بلند
گردانند عمل شهیدی از شهدای بدر و بهر روزی که روزه دارد از این ماه
عبادت سالی برای او بنویسند و هزار درجه برای او بلند گردانند و اگر تمام
این ماه را روزه دارد حق تعالی او را از آتش جهنم نجات دهد و بهشت را
برای او واجب گرداند ای سلمان مرا باین نماز خبر داد جبرئیل علیه السلام که گفت ای
محمد این نماز علامتست میان شما و منافقان زیرا که منافقان این نماز را
نمیکنند سلمان میگوید که گفتم یا رسول الله خبر ده مرا که چگونه بگذارم این
نماز را و در چه وقت بجای آورم آنرا فرمود که ای سلمان بگذار در روز
اول این ماه ده رکعت و در هر رکعت بعد از حمد هر یک از سوره قل هو الله
و قل یا ایها الکافرون را سه نوبت بخوان و چون سلام بگوئی دستها را
بردار و بگو لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و یمیت

وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا
اَعْطَيْتَ وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ پس دستها را
بر روی خود بمال و بکذار در روز نیمه این ماه نیز ده رکعت بهمان طریق
که مرتبه اول در اول ماه کردی و چون سلام بکوئی دستها را بردار و بکو
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ
حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اِلٰهًا وَاحِدًا اَحَدًا صَمَدًا
لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا پس دستها را بر روی خود بمال و بکذار در آخر این
ماه نیز ده رکعت بهمان طریق که در اول و نیمه ماه کردی و چون سلام بکوئی
بردار دستهای خود را بسوی آسمان و بکو لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ
صَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
پس دستها را بر روی خود فرود آور و حاجت خود را طلب کن که حق تعالی
بر آورد و از او بکرداند میان تو و جهنم هفت خندق هر خندقی مانند میان آسمان
و زمین و بنویسد برای تو بهر رکعتی هزار هزار رکعت و بنویسد برای تو
برات بیزاری از آتش جهنم و کذشتن از صراط کفت سلمان که چون این حدیث را
انحضرت رسول ص شنیدم بر روی در افتادم و خدا را سجده کردم و باکریه

وزاری و شکر الهی بجای آوردم وظاهر آنست که این دعا در آخر هر دو رکعت
باید خوانده شود و باز ابن طاوس رحمه الله از سلمان علیه الرحمه روایت کرده
که پیغمبر ص فرمود که ای سلمان آیا تعلیم کنم ترا کنجی از کنجهای غرب کفتم بلی یا
رسول الله ص فرمود که هرگاه روز اول رجب داخل شود ده رکعت نماز بکذار
در هر رکعت بعد از حمد سه نوبت قل هو الله احد بخوان بدرستی که چون این
نماز بکنی الله تعالی بیامرزد همه کناهان ترا از روزی که قلم بر تو جاری شده
تا این شب و نکاه دارد ترا از فتنه قبر و عذاب روز قیامت و ایمن کرداند
ترا از خوره و پیسی و درد پهلو و در این روز زیارت حضرت ابی عبد الله ع
فضیلت بسیار دارد و بسند معتبر از حضرت ابی عبد الله جعفر بن محمد
الصادق ع منقولست که هر که حسین بن علی علیهما السلم را زیارت کند در روز
اول رجب خدا بیامرزد او را البته اکر چه علما برای این روز زیارت مخصوصی
ذکر کرده اند ولیکن بروایت نسبت نداده اند لهذا ما ایراد نکردیم و شیخ طوسی
و ابن طاوس از حسین بن روح که از نایبان حضرت صاحب الامر صلوات الله
علیه بوده است روایت نموده اند که کفت زیارت کن در هر دو روضه از
روضهای ائمه صلوات الله علیهم اجمعین که در انجا باشی در ماه رجب این زیارت
چون داخل شوی بکو این را اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَشْهَدَنَا مَشْهَدَ اَوْلِيَائِهِ فِي رَجَبٍ

وَاَوْجَبَ عَلَيْنَا مِنْ حَقِّهِمْ مَا قَدْ وَجَبَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ وَعَلَى اَوْصِيَائِهِ
الْحُجُبِ اَللّٰهُمَّ فَكَمَا اَشْهَدْتَنَا مَشَاهِدَهُمْ فَاَنْجِزْ لَنَا مَوْعِدَهُمْ وَاَوْرِدْنَا مَوْرِدَهُمْ
غَيْرَ مُحَلَّئِينَ عَنْ وِرْدٍ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ وَالْخُلْدِ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ اِنِّي قَصَدْتُكُمْ
وَاعْتَمَدْتُكُمْ بِمَسْئَلَتِي وَحَاجَتِي وَهِيَ فَكَاكُ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَالْمَقَرُّ مَعَكُمْ
فِي دَارِ الْقَرَارِ مَعَ شِيعَتِكُمُ الْاَبْرَارِ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ
اَنَا سَائِلُكُمْ وَآمِلُكُمْ فِيمَا اِلَيْكُمُ التَّفْوِيضُ وَعَلَيْكُمُ التَّعْوِيضُ فَبِكُمْ يُجْبَرُ
الْمَهِيضُ وَيُشْفَى الْمَرِيضُ وَمَا تَزْدَادُ الْاَرْحَامُ وَمَا تَغِيضُ اِنِّي بِسِرِّكُمْ
مُؤْمِنٌ وَلِقَوْلِكُمْ مُسَلِّمٌ وَعَلَى اللّٰهِ بِكُمْ مُقْسِمٌ فِي رَجْعِي بِحَوَائِجِي وَقَضَائِهَا
وَاِمْضَائِهَا وَاِنْجَاحِهَا وَاِبْرَاحِهَا وَبِشُؤُونِي لَدَيْكُمْ وَصَلَاحِهَا وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ
سَلَامَ مُوَدِّعٍ وَلَكُمْ حَوَائِجَهُ مُودِعٍ يَسْئَلُ اللّٰهَ اِلَيْكُمُ الْمَرْجِعَ وَسَعْيُهُ اِلَيْكُمْ
غَيْرُ مُنْقَطِعٍ وَاَنْ يَرْجِعَنِي مِنْ حَضْرَتِكُمْ خَيْرَ مَرْجِعٍ اِلَى جَنَابٍ مُمْرِعٍ وَ
خَفْضِ عَيْشٍ مُوَسَّعٍ وَدَعَةٍ وَمَهَلٍ اِلَى حِينِ الْاَجَلِ وَخَيْرِ مَصِيرٍ وَمَحَلٍّ
فِي النَّعِيمِ الْاَزَلِ وَالْعَيْشِ الْمُقْتَبَلِ وَدَوَامِ الْاُكُلِ وَشُرْبِ الرَّحِيقِ وَالسَّلْسَلِ
مَابَيْنَ وَعَلٍّ وَنَهَلٍ لَا سَامَ مِنْهُ وَلَا مَلَلَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ
عَلَيْكُمْ حَتَّى الْعَوْدِ اِلَى حَضْرَتِكُمْ وَالْفَوْزِ فِي كَرَّتِكُمْ وَالْحَشْرِ فِي زُمْرَتِكُمْ وَ
رَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ وَصَلَوَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ وَهُوَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

از حدیث معتبری ظاهر میشود که زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلم
در ماه رجب افضل از سایر اوقات است و ابن طاوس باسانید بسیار از ابو حمزه
ثمالی روایت کرده که دیدم حضرت علی بن الحسین علیه السلم را که در فناء الکعبه
در حجر اسمعیل نشسته این دعا میخواندند که یَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ وَ
وَيَعْلَمُ ضَمِيرَ الصَّامِتِينَ لِكُلِّ مَسْئَلَةٍ مِنْكَ سَمْعٌ حَاضِرٌ وَجَوَابٌ عَتِيدٌ اَللّٰهُمَّ
وَمَوَاعِيدُكَ الصَّادِقَةُ وَاَيَادِيكَ الْفَاضِلَةُ وَرَحْمَتُكَ الْوَاسِعَةُ فَاَسْئَلُكَ
اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَقْضِيَ حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اِنَّكَ عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ شیخ طوسی این دعا را در ادعیه هر روز از ماه رجب ذکر نموده
و بروایت عیاش روز دویم اینماه ولادت حضرت امام علی نقی علیه السلام است و بر بعضی
اقوال وفات آنحضرت نیز در این روز بوده شب سیزدهم ابن طاوس از حضرت
صادق علیه السلم روایت نموده که آنحضرت فرمود که حق تعالی باین امت
سه ماه متبرک عطا فرموده که باحدی از امتهای گذشته عطا نفرموده و آن
ماه رجب و شعبان و ماه رمضانست و سه شب باین امت عطا فرموده
که بامتهای دیگر نفرموده که آن شب سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم است از
هر ماهی و سه سوره باین امت کرامت کرده که بامتهای دیگر نکرده که آن سوره
یس و تبارک و توحید است پس هر که این سه عطیه عظمی را باهم جمع نماید بدستی

که جمع نموده باشد افضل آنچه باین امت عطا کرده شده پس کسی عرض نمود
که چگونه این سه عطای بزرگ را جمع نماید فرمود که هر شب از لیالی بیض
این سه ماه متبرک نمازی بگذارد و در شب سیزدهم دو رکعت و شب
چهاردهم چهار رکعت و شب پانزدهم شش رکعت و در هر رکعت بعد از
حمد این سوره را بخواند بدرستی که چون این عمل را بجای آورد دارای آن نموده
باشد فضیلت سه ماه را و همه گناهان او بغیر شرک آمرزیده شود و از
پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که هر که روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم
این ماه را روزه دارد و شبهای آنها را بعبادت بسر آورد سوگند بآنکه مرا
بحق مبعوث گردانیده که از دنیا بیرون نرود مگر با توبه نصوح و هر
روزی که روزه داشته باشد هفتاد گناه کبیره او را الله تعالی بیامرزد و بر آورد
هفتاد حاجت او را در وقت فزع اکبر و هفتاد دیگر چون داخل قبر شود و
هفتاد دیگر چون از قبر بیرون آید و هفتاد دیگر چون ترازوی عمل برپا
شود و هفتاد دیگر چون از صراط عبور کند و بهر روزی که روزه دارد
چنان باشد که هفتاد رقبه از فرزندان اسمعیل آزاد گردانیده باشد و هفتاد
هزار مرتبه ختم قرآن نموده باشد و هفتاد سال در راه خدا مرابطه کرده باشد
یعنی حفظ سرحد نماید
و هفتاد پل در راه خدا ساخته باشد و هفتاد نفر از اهل بیت خود را شفاعت

کند

کند که مستوجب جهنم شده باشد و در جنات الفردوس برای او هفتاد
هزار شهر بنا کنند در هر شهری هفتاد هزار قصر در هر قصری هزار حوری
که هر حوری هفتاد هزار خادم داشته باشد و بسند معتبر از صادق ع
منقولست که هر که ایام بیض ماه رجب را روزه دارد الله تعالی بنویسد
برای او بهر روزی روزه یکساله و عبادت یکساله و بایستد روز قیامت
در موقف ایمان و در روز سیزدهم این ماه موافق مشهور حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام در خانه کعبه متولد شده **شب پانزدهم** از پیغمبر صلی الله منقولست
که چون شب نصف ماه رجب داخل شود حق تعالی امر کند خازنان دیوان
خلایق و نویسندگان اعمال ایشان را که نظر کنید در دیوان بندگان من
و هر سیئه و گناهی که بیابید محو کنید و بدل کنید آن را بحسنات بسند صحیح ازدعا
سرحان روایت نموده اند که حضرت صادق ع امر نمود که در شب نصف رجب
دوازده رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی بعد از حمد سوره بخواند و چون فارغ
شود از نماز هر یک از حمد و معوذتین و اخلاص و آیت الکرسی را چهار نوبت
بخواند و بعد از آن بگوید چهار بار سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ
وَاللهُ أَكْبَرُ آنگاه بگوید اللهُ اللهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا مَا شَاءَ اللهُ
اعمال عمل استفتاح
لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ **روز پانزدهم** ابن طاوس از ابن عباس روایت

کرده که حضرت آدم علیه السلام از حق تعالی سوال نمود و گفت پروردگارا
خبر ده مرا بدوسترین اوقات و روزها بسوی تو پس وحی نمود حق تعالی
بسوی او که ای آدم محبوب ترین اوقات بسوی من روز نصف رجب است
ای آدم تقرب بجوی بسوی من در نصف رجب بقربانی کردن و ضیافت
نمودن و روزه داشتن و دعا و استغفار کردن و بگفتن لا اله الا
الله ای آدم بدرستی که قضا کرده ام در آنچه قضا کرده ام و نوشته ام در
آنچه نوشته ام آنکه مبعوث کنم از فرزندان تو پیغمبری که غلیظ القلب
و سنگ دل نباشد و آواز او در بازارها بلند نکرده و حلیم و بردبار
و رحیم و مهربان باشد و صاحب کرم و عظیم البرکة باشد و اختصاص دهم
او را و امت او را بروز نصف رجب پس سوال نکنند در آن روز از من چیزی
مگر عطا کنم ایشان را و طلب آمرزش نکنند مگر بیامرزم ایشان را و روزی طلب نکنند
مگر روزی دهم ایشان را و از گناهان توبه نکنند مگر آنکه قبول کنم توبه ایشان را
و طلب رحمت نکنند مگر آنکه رحمت کنم ایشان را ای آدم بدرستی که هر که
صبح کند روز نصف رجب را و روزه داشته باشد آن روز را و بیاد الهی
مشغول باشد و با خشوع باشد و محافظت نماید فرج خود را از حرام و چیزی
از مال خود تصدق نماید نباشد جزای او نزد من مگر بهشت ای آدم بگو

فرزندان خود را که نگاه دارند خود را در رجب از خطا با بدرستی که خطا و گناه
در آن عظیم و بزرگ است و در این روز زیارت حضرت امام حسین علیه السلام مستحب است
و فضیلت بسیار دارد و بسندهای صحیح و غیر صحیح مرویست که ابن ابی نصر از
حضرت امام رضا علیه السلام سوال نمود که در کدام وقت بهتر است که زیارت
کنم حضرت امام حسین علیه السلام را فرمود که در نصف رجب و نصف شعبان
و از اعمال این روز نماز سلمان فارسی رضی الله عنه است که در اعمال روز اول
مذکور شد و دیگر از اعمال عمده این روز خواندن دعای استفتاح است که
معروفست بدعای ام داود و سبب انتساب این دعا باو اینست که منصور دوانقی
علیه اللعنه داود بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب ع را با جماعتی از
سادات و اشراف از اولاد ابوطالب گرفته محبوس ساخت میگوید ام داود
که مدتی گذشت که فرزندم داود در عراق محبوس بود و من در مدینه بودم
و از او خبر نداشتم و پیوسته دعا میکردم و تضرع بدرگاه حق تعالی مینمودم
و از برادران ایمانی و صلحا و اتقیا طلب دعا میکردم و در این مدت اثر اجابت
نمی یافتم تا روزی بخدمت ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق رفتم که عیادت
کنم آنحضرت را بسبب آزاری که آنجناب را عارض شده بود پس سوال نمودم از احوال
آنحضرت و دعا کردم او را و من دایه آنحضرت بودم و داود همشیر آنحضرت بود پس آنحضرت

از احوال ما و مادر من خبر گرفت گفتم که ای سید من کجاست مادر و حال آنکه
مدتی بسیار است که از من جدا شده و در عراق محبوس است پس فرمود که کجائی
تو و چرا غافلی از دعای استفتاح و حال آنکه آن دعائیست که گشوده میشود بسبب
درهای آسمان و در ساعت باجابت مقرون میگردد و نیست برای
صاحب آن دعا نزد حق تعالی جزائی مگر بهشت گفتم که چگونه است آن دعا
و کیفیت خواندن آن ای فرزند راستگویان فرمود که ای ام داود بدرستی
که نزدیکست ماه حرام بزرگ که ماه رجب و آن ماهیست که در آن دعا مسموع و مستجاب
است و آن شهر الله الاصم است پس چون این ماه داخل شود ایام بیض از آن که
روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم است روزه بدار و در روز پانزدهم وقت
زوال آفتاب غسل کن و هشت رکعت نافله ظهر را بجای آور و در بعضی
روایات واقع شده که قنوت و رکوع و سجود آنها را نیکو بجا آور پس فرود
که نماز ظهر را بگذار و بعد از آن دو رکعت نماز دیگر و چون از نماز فارغ
شوی صد مرتبه بگو یا قاضی حوائج الطالبین پس هشت رکعت
نافله عصر را بجا آورد و در بعضی روایات است آنکه در هر رکعتی از این هشت
رکعت سه مرتبه توحید بخوان پس فرمود بگذار نماز عصر را و باید که نماز
تو در جامه پاکیزه باشد و در روایتی آنکه چون از نماز عصر فارغ شوی

بپوش پاکیزه ترین جامهای خود را پس فرمود که پس بنشین در خانه پاکیزه بر
حصیر پاکیزه و جهد کن که داخل نشود بر تو کسی که مشغول گرداند ترا و در روایتی
که ابن طاوس باسانید معتبره روایت کرده این چنین است و شیخ طوسی
زیاده از نماز ظهر و عصر ذکر نمازی نکرده و علامه در کتاب منهاج الصلاح از
امام جعفر صادق علیه السلام چنین روایت نموده که نزد زوال آفتاب غسل کن
و هشت رکعت نماز نافله زوال را بجای آور با رکوع و سجود و قنوت نیکو در
رکعت اول حمد و قل هو الله و در رکعت دویم حمد و قل یا ایها الکافرون
و در رکعات دیگر حمد و هر سوره که خواهی بخوان پس نماز ظهر را ادا کن
با حدود و شرایطش و رکوع و سجودش را نیکو بعمل آور پس هشت رکعت
نافله عصر را بجای آور با رکوع و سجود و قنوت نیکو و بعد از آن دو
رکعت نماز بگذار و در هر رکعت بعد از حمد آیه شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ
اِلَّا هُوَ وَالْمَلٰئِکَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ
اِنَّ الدِّینَ عِنْدَ اللّٰهِ الْاِسْلَامُ بیست و پنج نوبت و صد نوبت یا قاضی
حوائج السائلین و چون از این نماز فارغ شوی نماز عصر را ادا کن و در
روایت ابن طاوس وارد شده که پس رو بقبله کن و بخوان هر یک از حمد
و توحید را صد نوبت و آیة الکرسی را ده نوبت پس بخوان سوره انعام را

و بنی اسرائیل و کهف و لقمن و یس و و الصافات و حم سجده و حم عسق و
حم دخان و فتح و واقعه و الملك و نون و القلم و اذا السماء انشقت را
تا آخر قران و اگر نیکو نداند این سورها را و نیکو نتواند خواندن هزار
نوبت قل هو الله بخواند و در بعضی روایات دیگر صد مرتبه صد مرتبه
نیز وارد شده محتملست این روایات بر حالت ضرورت یا سفر و روایت
اول بر حالت اختیار و بعضی محمول بوده باشد و شیخ مفید گفته که هرگاه
نیکو نتواند خواندن این سورهای مخصوصه یا طاقت خواندن آنها نداشته
باشد پس بخواند حمد صد مرتبه و ایة الکرسی ده مرتبه و توحید هزار مرتبه
و در روایت اول مذکور است که چون فارغ شوی از خواندن آنها بخواند
این دعا را رو بقبله بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
صَدَقَ اللّٰهُ الْعَظِیْمُ الَّذِیْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ ذُو الْجَلَالِ وَ
الْاِکْرَامِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ الْحَلِیْمُ الْکَرِیْمُ الَّذِیْ لَیْسَ کَمِثْلِهٖ شَیْءٌ وَهُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ
الْبَصِیْرُ الْخَبِیْرُ شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهٗ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلٰئِکَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا
بِالْقِسْطِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِیْزُ الْحَکِیْمُ اِنَّ الدِّیْنَ عِنْدَ اللّٰهِ الْاِسْلَامُ وَ
بَلَّغَتْ رُسُلُهُ الْکِرَامُ وَاَنَا عَلٰی ذٰلِكَ مِنَ الشَّاهِدِیْنَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ
وَلَكَ الْمَجْدُ وَلَكَ الْعِزُّ وَلَكَ الْفَخْرُ وَلَكَ الرَّحْمَةُ وَلَكَ النِّعْمَةُ وَلَكَ الْعَظَمَةُ

ولك

وَلَكَ الْمَهَابَةُ وَلَكَ السُّلْطَانُ وَلَكَ الْبَهَاءُ وَلَكَ الْاِمْتِنَانُ وَلَكَ التَّسْبِیْحُ وَ
لَكَ التَّقْدِیْسُ وَلَكَ التَّهْلِیْلُ وَلَكَ التَّکْبِیْرُ وَلَكَ مَا یُرٰی وَلَكَ مَا لَا یُرٰی وَ
لَكَ مَا فَوْقَ السَّمٰوَاتِ الْعُلٰی وَلَكَ مَا تَحْتَ الثَّرٰی وَلَكَ الْاَرَضُوْنَ السُّفْلٰی
وَلَكَ الْاٰخِرَةُ وَالْاُوْلٰی وَلَكَ مَا تَرْضٰی بِهٖ مِنَ الثَّنَاءِ وَالْحَمْدِ وَالشُّکْرِ وَالنَّعْمَاءِ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلٰی جَبْرَئِیْلَ اَمِیْنِكَ عَلٰی وَحْیِكَ وَ
الْقَوِیِّ عَلٰی اَمْرِكَ وَالْمُطَاعِ فِیْ سَمٰوَاتِكَ وَمَحَالِّ کَرَامَاتِكَ الْمُتَحَمِّلِ لِکَلِمَاتِكَ
النَّاصِرِ لِاَنْبِیَائِكَ الْمُدَمِّرِ لِاَعْدَائِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مِیْکَائِیْلَ مَلَكِ رَحْمَتِكَ
وَالْمَخْلُوْقِ لِرَاْفَتِكَ وَالْمُسْتَغْفِرِ الْمُعِیْنِ لِاَهْلِ طَاعَتِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی اِسْرَافِیْلَ
حَامِلِ عَرْشِكَ وَصَاحِبِ الصُّوْرِ الْمُنْتَظِرِ لِاَمْرِكَ وَالْوَجِلِ الْمُشْفِقِ مِنْ خِیْفَتِكَ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی عِزْرَائِیْلَ قَابِضِ اَرْوَاحِ عِبَادِكَ بِاَمْرِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی
حَمَلَةِ الْعَرْشِ الطَّاهِرِیْنَ وَعَلٰی مَلٰئِکَةِ الَّذِیْنَ اَهْلِ التَّامِیْنَ عَلٰی دُعَاءِ
الْمُؤْمِنِیْنَ وَعَلَی السَّفَرَةِ الْکِرَامِ الْبَرَرَةِ الطَّیِّبِیْنَ وَعَلٰی مَلٰئِکَتِكَ الْکِرَامِ
الْکَاتِبِیْنَ وَعَلٰی مَلٰئِکَةِ الْجِنَانِ وَخَزَنَةِ النِّیْرَانِ وَمَلَكِ الْمَوْتِ وَالْاَعْوَانِ
یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی اَبِیْنَا اٰدَمَ عَلَیْهِ السَّلَامُ بَدِیْعِ فِطْرَتِكَ
الَّذِیْ کَرَّمْتَهٗ بِسُجُوْدِ مَلٰئِکَتِكَ وَاَبَحْتَهٗ جَنَّتَكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی اُمِّنَا حَوَّاءَ
الْمُطَهَّرَةِ مِنَ الرِّجْسِ الْمُصَفَّاةِ مِنَ الدَّنَسِ الْمُفَضَّلَةِ مِنَ الْاِنْسِ الْمُتَرَدِّدَةِ بَیْنَ

محال القدس اللهم صل على هابيل وشيث وادريس ونوح وهود
وصالح وابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب ويوسف والاسباط
ولوط وشعيب وايوب وموسى وهرون ويوشع وميشا والخضر وذي
القرنين ويونس والياس واليسع وذي الكفل وطالوت وداود وسليمن
وزكريا وشعيا ويحيى وتورخ ومتى وارميا وحيقوق ودانيال و
عزير وعيسى وشمعون وجرجيس والحواريين والاتباع وخالد و
حنظلة اللهم صل على محمد وآل محمد وارحم محمدا وآل محمد وبارك على
محمد وآل محمد كما صليت وباركت وترحمت على ابرهيم وآل ابرهيم انك
حميد مجيد اللهم صل على الانبياء والاوصياء والسعداء والشهداء
وائمة الهدى اللهم صل على الابدال والاوتاد والسياح والعباد والمخلصين
والزهاد واهل الجد والاجتهاد واخصص محمدا واهل بيته بافضل صلواتك
واجزل كراماتك وبلغ روحه وجسده مني تحية وسلاما وزده فضلا
وشرفا وكرما حتى تبلغه اعلى درجات اهل الشرف من النبيين والمرسلين
والافاضل المقربين اللهم وصل على من سميت ومن لم اسم من
ملائكتك وانبيائك ورسلك واهل طاعتك واوصل صلواتي اليهم
والى ارواحهم واجعلهم اخواني فيك واعواني على دعائك اللهم اني

استشفع

استشفع بك اليك وبكرمك الى كرمك وبجودك الى جودك وبرحمتك
الى رحمتك وباهل طاعتك اليك واسئلك اللهم بكل ما سئلك به
احد منهم من مسئلة شريفة غير مردودة وبما دعوك به من
دعوة مجابة غير مخيبة يا الله يا رحمن يا رحيم يا حليم يا كريم يا عظيم
يا جليل يا منيل يا جميل يا كفيل يا وكيل يا مقيل يا مجير يا خبير يا
منير يا مبير يا منيع يا مديل يا محيل يا كبير يا قدير يا بصير يا
شكور يا بر يا طهر يا طاهر يا قاهر يا ظاهر يا باطن يا ساتر يا محيط
يا مقتدر يا حفيظ يا مجير يا قريب يا ودود يا حميد يا مجيد يا مبدئ
يا معيد يا شهيد يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل يا قابض يا باسط يا
هادي يا مرسل يا مرشد يا مسدد يا معطي يا مانع يا دافع يا رافع يا
باقي يا واقي يا خلاق يا وهاب يا تواب يا فتاح يا نفاح يا مرتاح
يا من بيده كل مفتاح يا نفاع يا رؤف يا عطوف يا كافي يا شافي يا معافي
يا وفي يا مكافي يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا سلام يا مؤمن يا احد
يا صمد يا نور يا مدبر يا فرد يا وتر يا قدوس يا ناصر يا مونس يا باعث يا
وارث يا عالم يا حاكم يا بادي يا متعالي يا مصور يا مسلم يا متحبب يا قائم
يا دائم يا عليم يا حكيم يا جواد يا باري يا بار يا سار يا عدل يا فاصل يا ديان

يا متجبر

یا حنّان یا منّان یا سمیع یا بدیع یا خفیر یا مغیث یا معین یا ناشر یا
غافر یا قدیم یا کریم یا مسهّل یا میسّر یا ممیت یا محیی یا نافع یا رازق یا
مقتدر یا مسبّب یا مغیث یا مغنی یا مقنی یا خالق یا واحد یا راصد یا
حاضر یا جابر یا حافظ یا شدید یا غیاث یا عائد یا قابض ودر بعضی
روایات زیادتی بین هست که یا منیب یا مبین یا طاهر یا مجیب یا متفضّل
یا مستجیب یا عادل یا بصیر یا مؤمّل یا مسدی یا اوّاب یا وافی یا راصد
یا ملک یا ربّ یا منزل یا معزّ یا ماجد یا رازق یا ولیّ یا فاضل یا سبحان
برگشتیم بروایت اوّل یا من علا فاستعلا فکان بالمنظر الاعلی یا من
قرب فدنا وبعد فنای وعلم السرّ واخفی یا من الیه التدبیر وله المقادیر
یا من العسیر علیه سهل یسیر یا من هو علی ما یشآء قدیر یا مرسل الریاح
یا فالق الاصباح یا باعث الارواح یا ذا الجود والسماح یا رادّ ما قد فات
یا ناشر الاموات یا جامع الشتات یا رازق من یشآء یا فاعل ما یشآء
کیف یشآء یا ذا الجلال والاکرام یا حیّ یا قیّوم یا حیّ حین لا حیّ
یا حیّ یا محیی الموتی یا حیّ لا اله الّا انت بدیع السموات والارض یا
الهی صلّ علی محمّد وال محمّد وارحم محمّدا وال محمّد وبارک علی محمّد وال محمّد کما
صلّیت وبارکت وترحّمت علی ابرهیم وال ابرهیم انّک حمید مجید وارحم

ذلّی

ذلّی وفاقتی وفقری وانفرادی ووحدتی وخضوعی بین یدیک و
اعتمادی علیک وتضرّعی الیک ادعوک دعآء الخاضع الذلیل الخاشع
الخائف المشفق البائس المهین الحقیر الجائع الفقیر العائذ المستجیر المقرّ
بذنبه المستغفر منه المستکین لربّه دعاء من اسلمته ثقته ورفضته
احبّته وعظمت فجیعته دعاء حرق حزین ضعیف مهین بائس مستکین
بک مستجیر اللّهمّ واسئلک بانّک ملیک وانّک ما تشآء من امر یکون
وانّک علی ما تشآء قدیر واسئلک بحرمة هذا الشهر الحرام والبیت الحرام
والبلد الحرام والرکن والمقام والمشعر الحرام والمشاعر العظام وبحقّ نبیّک
محمّد علیه وآله السلام یا من وهب لادم شیثا ولابرهیم اسمعیل واسحق
ویا من ردّ یوسف علی یعقوب ویا من کشف بعد البلآء ضرّ ایّوب یا
رادّ موسی علی امّه وزائد الخضر فی علمه ویا من وهب لداود سلیمان ولزکریّا
یحیی ولمریم عیسی یا حافظ بنت شعیب ویا کافل ولد موسی اسئلک ان
تصلّی علی محمّد وال محمّد وان تغفر لی ذنوبی کلّها وتجیرنی من عذابک و
توجب لی رضوانک وامانک واحسانک وغفرانک وجنانک واسئلک
ان تفکّ عنّی کلّ حلقة بینی وبین من یؤذینی وتفتح لی کلّ باب وتلیّن لی
کلّ صعب وتسهّل لی کلّ عسیر وتخرس عنّی کلّ ناطق بشرّ وتکفّ عنّی کلّ باغ
وتکبت عنّی کلّ عدوّ لی وحاسد وتمنع عنّی کلّ ظالم وتکفینی کلّ عائق

تحول بینی و بین ولدی و تحاول ان یفرق بینی و بین طاعتک و یثبطنی عن
عبادتک یا من الجم الجن المتمردین و قهر عتاة الشیاطین و اذل رقاب
المتجبرین و رد کید المتسلطین و عن المستضعفین اسئلک بقدرتک
علی ما تشاء و تسهیلک لما تشاء کیف تشاء ان تجعل قضاء حاجتی
فیما تشاء پس سجده کن بر زمین و هر دو طرف روی خود را بخاک بمال و بگو
اللهم لک سجدت و بک امنت فارحم ذلی و فاقتی و اجتهادی و
تضرعی و مسکنتی و فقری الیک یا رب و جهد کن تا از چشم تو اشکی
بیرون آید اگرچه بقدر سر مگسی باشد که آن علامت اجابت است و در
بعضی روایات دعای سجود چنین وارد شده که اللهم لک سجدت و بک
امنت و علیک توکلت فارحم ذلی و کبوتی لحر وجهی و فقری و فاقتی
و در روایت دیگر چنین که اللهم لک سجدت و بک امنت فارحم ذلی و
خضوعی بین یدیک و فقری و فاقتی الیک و ارحم انفرادی و خشوعی و
اجتهادی بین یدیک و توکلی علیک اللهم بک استفتح و بمحمد عبدک و
رسولک اتوجه الیک اللهم سهل لی کل حزونة و ذلل لی کل صعوبة و اعطنی
من الخیر اکثر مما ارجو و عافنی من الشر و اصرف عنی السوء و در این روایت
مذکور است که پس از آن صد نوبت بگو یا قاضی حوائج الطالبین اقض حاجتی
بلطفک یا خفی الالطاف و در بعضی روایات چنین است که اللهم لک سجدت

و بک

هو
درین جا قبول
شو طاعات محمل
کننده را اگر این مجرم را
با آمرزش یاد نماید

و بک استفتح

و لک صلیت و بک امنت و علیک توکلت فارحم ذلی و فاقتی و خضوعی و
ذلی و انفرادی و مسکنتی و فقری و کبوتی لوجهک و الیک یا رب یا رب
پس بهتر آنست که همه این دعاها خوانده شود و در تتمه روایت اول وارد شده
که میگوید راوی دیگر نوشتم این دعا را و بازگشتم پس چون داخل شد ماه رجب
بجای آوردم آنچه فرموده بود آنحضرت پس چون شب شد بخواب رفتم و در
آخر شب در عالم خواب دیدم که رسول خدا صلعم و همه انبیاء که صلوات بر ایشان باد
فرستاده بودم از ملائکه و پیغمبران همگی نزد من حاضر شده اند و آنحضرت بمن
خطاب میفرمود که ای ام داود بشارت باد ترا که همه این جماعت که حاضر اند
از برادران تواند و در روایتی یاوران و برادران تواند و شفاعت میکنند
برای تو و بشارت میدهند ترا به برآمدن حاجت تو و بشارت باد ترا که الله تعالی
حفظ میکند ترا و فرزند ترا و او را بسوی تو بر میگرداند پس بیدار شدم و نگذشت
زمانی مگر بقدر زمان آمدن سواری بیا تند داود از عراق بسوی مدینه که داود
بسوی من آمد پس سوال کردم از حال او و گفت من محبوس بودم در کمال تنگی و حبس
گرانی قید و زنجیر تا روز نصف رجب پس چون شب شد در خواب دیدم که گویا
زمین در هم نوردیده شد برای من ناگاه دیدم ترا که بر حصیر نماز خود نشسته
و مردانی چند بر دور تو جمع شده اند که سرهای ایشان در آسمانست و پاهای ایشان
در زمین و تسبیح میکنند الله تعالی را بر دور تو پس یکی از ایشان که در کمال حسن

وجال بود و جامهای پاکیزه پوشیده بود و خود را معطر ساخته بود و گمان دارم
جدّم رسول خدا صلی الله علیه وآله بود بمن خطاب فرمود که بشارت باد ترا
ای فرزند عجوزهٔ صالحه که مستجاب کرد ایزد حق تعالی دعای مادر ترا در حق
تو پس از خواب بیدار شدم دیدم که رسولان منصور بر در زندان حاضر
شده اند پس مرا در آن شب نزد او بردند پس فرمود که قید و زنجیر از من
برداشتند و ده هزار درهم بمن دادند پس فرمود تا مرا سوار کردند بر اسب
نجیبی و بسرعت تمام می آوردند مرا تا اینکه داخل مدینه شدم میگوید ام داود
که پس بردم او را بخدمت حضرت صادق علیه السلم پس فرمود که بدرستی که
منصور در خواب دید امیر المؤمنین علی علیه السلم را که او را میفرمود که رها
کن فرزندم را و اگر نه ترا در آتش می اندازم و در زیر قدم خود آتشی دید افروخته
شده پس بیدار شد و رها کرد ترا ای داود و ام داود گوید که پس بآنحضرت
عرض کردم که ای سید من آیا این دعا در غیر رجب خوانده میشود فرمود
بلی در روز عرفه و اگر اتفاق افتد که روز عرفه روز جمعه باشد فارغ نشود
خواننده این دعا از خواندن مگر آنکه حق تعالی او را بیامرزد و در هر ماهی
کسی اراده خواندن این دعا داشته باشد ایام بیض آن ماه را روزه دارد
و این دعا را در روز پانزدهم آن بخواند چنانچه وصف کردم و در روایت
دیگر وارد شده که بلی در روز عرفه و در هر روزی که این دعا را بخواند

بدرستی که حق تعالی اجابت میکند ان شاء الله و در این روز بر بعضی از اقوال
رسول خدا صلی الله علیه وآله بتول عذرا را اعنی فاطمه زهرا را بولی خدا امیر المؤمنین
علیه السلام تزویج نمود و در این روز حضرت پیغمبر صلعم از شعب ابی طالب
بیرون آمدند و در این روز تحویل قبله از بیت المقدس بکعبه واقع شد
در هنگامی که آنحضرت با اصحاب باداء نماز عصر مشغول بودند و بعضی
از آن نماز را بجانب بیت المقدس و بعضی را بجانب کعبه واقع ساختند و در
این روز بر بعضی اقوال حضرت امام زین العابدین علیه السلم متولد شده
و در بعضی این روز را روز وفات حضرت امام جعفر صادق ع نیز گفته اند
روز بیست و یکم این ماه بر قول ابن عباس حضرت فاطمه ع از دنیا رحلت نموده
روز بیست و دوم این ماه حق تعالی یکی از فراعنه این امت معویة بن ابی سفیان
علیه اللعنه را هلاک گردانید پس سزاوار است که شیعیان این روز را
روز عید خود دانند و بشکر این روز مبارک را روزه دارند روز
بیست و سیم این ماه نیزه بر ران مبارک امام حسن علیه السلم زدند روز
بیست و چهارم این ماه فتح خیبر بر دست مبارک اسد الله الغالب امیر المؤمنین ع
واقع شده شب بیست و هفتم در این شب مستحب است غسل کردن و جمعی
از علما ذکر نموده اند که زیارت حضرت امیر المؤمنین ع در این شب و در روزش

نیز مستحب است و فضیلت بسیار دارد و زیارت مخصوصی برای آن نقل نموده اند
اگرچه سندی در این باب بنظر نرسید ولیکن متابعت علماء سلف نمودن
خصوصا در مستحبات مرضی و پسندیده است اما آنکه زیارت آنحضرت در
لیالی و ایام شریفه مثل سایر اعمال الخیر ثوابش مضاعف است و چون زیارتی
که علما در این شب و روز نقل نموده اند بحدیث نسبت نداده اند و زیارت
روز مولود که برای آنحضرت در روایات وارد شده و ما در عمل آن روز ذکر
خواهیم نمود از بعضی روایات ظاهر میشود که عامست و اختصاص بآن
روز ندارد پس اگر آنحضرت را در اوقاتی که زیارت مخصوصی وارد نشده
بآن زیارت زیارت نماید نیکو خواهد بود و شیخ طوسی و ابن طاوس و
کفعمی از حضرت امام محمد تقی علیه السلم روایت کرده اند و سید گفته که ثقات
اصحاب ما بروایات متعدده این حدیث را روایت کرده اند که آنحضرت فرمود
که بدرستی که در ماه رجب شبی است که بهتر است برای مردمان از آنچه آفتاب
بر آن تابید و آن شب بیست و هفتم آنماه است که رسول خدا صلعم در بامداد آن
مبعوث گردید و بدرستی برای عمل کننده گان در این شب از شیعیان ما
ثواب عمل شصت ساله است پس کسی عرض نمود که کدامست عمل در آن فرمود
که چون نماز عشا بکنی و بخوابگاه خود استراحت کنی پس بیدار شوی در هر ساعتی

ازساعتها

از ساعتهای شب که باشد پیش از نصف شب تا بعد از نصف شب دوازده
رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد سوره کوچکی از سورهای
قرآن بخواند پس چون سلام گوید بعد از هر دو رکعت بنشیند و بخواند
حمد و معوذتین و قل یا ایها الکافرون و انا انزلنا و آیة الکرسی هر یک را
هفت نوبت و بخوان بعد از آن این دعا را که اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ
صاحِبَةً وَلا وَلَداً وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَریکٌ فِی الْمُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ
کَبِّرْهُ تَکْبیراً اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِمَعاقِدِ عِزِّکَ عَلی اَرْکانِ عَرْشِکَ
وَمُنْتَهَی الرَّحْمَةِ مِنْ کِتابِکَ وَبِاسْمِکَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ وَبِذِکْرِکَ الْاَجَلِّ
الْاَعْلَی الْاَعْلَی وَبِکَلِماتِکَ التّامّاتِ الَّتی تَمَّتْ صِدْقاً وَعَدْلاً
اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ بی ما اَنْتَ اَهْلُهُ وَاَنْ تُجیرَنی
مِنَ النّارِ آمینَ آمینَ و دعا کن با آنچه خواهی بدرستی که هیچ دعا نکنی مگر
آنکه اجابت کرده شود مادام که دعا نکنی بگناهی یا قطع رحمی یا هلاکت
قومی از مؤمنان پس فرمود که باید که چون روز شود روزه بداری تا
ثواب روزه سالی برای تو باشد و در روایت شیخ و کفعمی پیش از نصف
شب واقع شده و بعد از معوذتین سوره توحید نیز هفت نوبت وارد شده

اعمال روز مبعث

روز بیست و هفتم بدانکه این روز هست که جناب مقدس حضرت رسالت

نبوت مبعوث گردید و بعد از آنکه مردمان از راه حق گردیده در بوادی حیرت
و ضلالت متحیر و گمراه شده بودند پروردگار عالمیان آنجناب را بارشاد
و هدایت ایشان فرستاد و آن بشیر نذیر بمقتضای لا یخافون فی الله لومة
لائم پروا نکرده در برابر شرک مشرکان مردانه فریاد بتوحید الهی برآورد
و چون این نعمت عظمی و منت کبری درین روز نسبت به بنی آدم بظهور
رسیده بنابراین این روز شرافت بسیار دارد و عید بزرگ از اعیاد مسلمانان
است و یکی از ایام اربعه است بسند معتبر از حسن بن راشد منقولست که عرض
کردم بخدمت ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیه السلم که آیا بغیر روزهای
عید روزی هست محترم فرمود که بلی اشرف آنها و اکمل آنها روزیست که مبعوث
شده رسول خدا گفتم کدام روز است آن فرمود که بدرستی که روزها میگردد
و آن روز شنبه بیست و هفتم ماه رجب بود گفتم چه عمل کنم در آن فرمود که
روزه بدار و بسیار صلوات بر محمد و آل و بفرست و در حدیث دیگر از ابی اسحق
بن عبدالله منقولست که پدرم و عمم اختلاف کردند در ایام اربعه که روزه
داشتن آنها فضیلت بسیار دارد و رفتند بخدمت امام علی نقی
علیه السلم تا از آنحضرت سوال نمایند پس آنحضرت از باب اعجاز خبر داد که چه مطلب
دارند که آن چهار روز هفدهم ربیع الاولست مولد نبی صلی الله علیه و آله و روز بیست و هفتم

رجب که روز مبعث آنحضرتست و روز بیست و پنجم ذی القعده که در آن روز زمین
پهن شده از زیر کعبه و سفینه نوح بر جودی قرار گرفت و روز هیجدهم
ذی الحجه که روز عید غدیر است و باسانید متعدده از امام جعفر صادق ع
منقولست که هر که روز بیست و هفتم رجب را روزه دارد بنویسد حق تعالی
برای او ثواب روزه هفتاد سال و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که
ترک مکن روزه روز بیست و هفتم رجب را که روزیست که نازل شده در آن
نبوت بر محمد صلی الله علیه و آله و ثواب آن مثل ثواب شصت ماه است برای شما
و احتمال دارد که مراد عمل شصت ماه باشد و در حدیث اول روزه هفتاد سال
وارد شده پس این دو حدیث باهم منافاتی ندارد و بعضی از احتمالات که پیش
مذکور شد اینجا محتمل است و بعضی حدیث دویم را چنین روایت کرده اند
که ثواب آن کفاره شصت ماه است یعنی کفاره گناهان شصت ماه و بنابرین
احتیاج بتاویلی ندارد و بدانکه ازین احادیث و احادیث دیگر ظاهر میشود که
این روز روز مبعث باشد و علمای شیعه خلف و سلف چنین نقل نموده اند و فقیه
قایل شده که روز بیست و پنجم این ماه مبعث آنحضرتست و بعضی احادیث نیز باین
مضمون وارد شده محتملست که مراد ازین احادیث بشارت مبعث باشد و
آن در روز بیست و پنجم شده باشد و اصل بعثت در روز بیست و هفتم والله تعالی

بعلم و در این روز صدقه و ادخال سرور بر اهل ایمان ثواب عظیم دارد
و غسل مستحب است شیخ طوسی و ابن طاوس و کفعمی بسند خود روایت کرده اند
از ریان بن الصلت که چون امام محمد تقی علیه السلم در بغداد بودند روز
پانزدهم و بیست و هفتم رجب را روزه داشتند و جمیع حشم و خدمه آنحضرت
نیز این دو روز را روزه داشتند و آنحضرت امر فرمود که باید دوازده
رکعت نماز بگذاری و در هر رکعت بعد از حمد سوره بخوانی و چون فارغ شوی
از نماز هر یک از حمد و توحید و معوذتین را چهار نوبت بخوانی پس بگو چهار
نوبت این دعا را لا اله الا الله والله اکبر وسبحان الله والحمد لله ولا حول
ولا قوة الا بالله لا اله الا الله والله اکبر وسبحان الله والحمد لله
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم و چهار نوبت بگو الله الله ربی
لا اشرک به شیئا و چهار نوبت بگو که لا اشرک بربی احدا شیخ طوسی در روایت
دیگر با اندک تغییری روایت نموده و شیخ مفید بنوعی دیگر روایت کرده همین نماز را
و چون روایت اول اوثق بود ما اکتفا بآن نمودیم شیخ طوسی و ابن طاوس بسند
خود از ابی علی بن اسمعیل بن یسار روایت کرده اند که چون حضرت موسی بن
جعفر علیه السلم را ببغداد آوردند ماه رجب بود آنحضرت در روز بیست
و هفتم این دعا را خواندند یا مَنْ اَمَرَ بِالْعَفْوِ وَالتَّجاوُزِ وَضَمَّنَ نَفْسَهُ الْعَفْوَ وَ

وَالتَّجاوُزَ یا مَنْ عَفی وَتَجاوَزَ اُعْفُ عَنّی وَتَجاوَزْ یا کَریمُ اَللّهُمَّ وَقَدْ اَکْدَی
الطَّلَبُ وَاَعْیَتِ الْحیلَةُ وَالْمَذْهَبُ وَدَرَسَتِ الْآمالُ وَانْقَطَعَ الرَّجاءُ اِلاّ مِنْکَ
وَحْدَکَ لا شَریکَ لَکَ اَللّهُمَّ اِنّی اَجِدُ سُبُلَ الْمَطالِبِ اِلَیْکَ مُشْرَعَةً وَمَناهِلَ
الرَّجاءِ لَدَیْکَ مُتْرَعَةً وَاَبْوابَ الدُّعاءِ لِمَنْ دَعاکَ مُفَتَّحَةً وَالْاِسْتِعانَةَ
لِمَنِ اسْتَعانَ بِکَ مُباحَةً وَاَعْلَمُ اَنَّکَ لِداعیکَ بِمَوْضِعِ اِجابَةٍ وَلِلصّارِخِ
اِلَیْکَ بِمَرْصَدِ اِغاثَةٍ وَاَنَّ فِی اللَّهْفِ اِلی جُودِکَ وَالضَّمانِ بِعِدَتِکَ عِوَضاً
مِنْ مَنْعِ الْباخِلینَ وَمَنْدُوحَةً عَمّا فی اَیْدِی الْمُسْتَأثِرینَ وَاَنَّکَ لا تَحْتَجِبُ
عَنْ خَلْقِکَ اِلاّ اَنْ تَحْجُبَهُمُ الْاَعْمالُ دُونَکَ وَقَدْ عَلِمْتُ اَنَّ اَفْضَلَ زادِ الرّاحِلِ
اِلَیْکَ عَزْمُ اِرادَةٍ یَخْتارُکَ بِها وَقَدْ ناجاکَ بِعَزْمِ الْاِرادَةِ قَلْبی فَاَسْئَلُکَ
بِکُلِّ دَعْوَةٍ دَعاکَ بِها راجٍ بَلَّغْتَهُ اَمَلَهُ اَوْ صارِخٍ اِلَیْکَ اَغَثْتَ صَرْخَتَهُ
اَوْ مَلْهُوفٍ مَکْرُوبٍ فَرَّجْتَ کَرْبَهُ اَوْ مُذْنِبٍ خاطِئٍ غَفَرْتَ لَهُ اَوْ مُعافاً
اَتْمَمْتَ نِعْمَتَکَ عَلَیْهِ اَوْ فَقیرٍ اَهْدَیْتَ غِناکَ اِلَیْهِ وَلِتِلْکَ الدَّعْوَةِ عَلَیْکَ
حَقٌّ وَعِنْدَکَ مَنْزِلَةٌ اِلاّ صَلَّیْتَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَقَضَیْتَ حَوائِجی حَوائِجَ
الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ وَهذا رَجَبٌ الْمُرَجَّبُ الْمُکَرَّمُ الَّذی اَکْرَمْتَنا بِهِ اَوَّلُ اَشْهُرِ الْحُرُمِ
الَّذی اَکْرَمْتَنا بِهِ مِنْ بَیْنِ الْاُمَمِ یا ذَا الْجُودِ وَالْکَرَمِ فَنَسْئَلُکَ بِهِ وَبِاسْمِکَ
الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الْاَجَلِّ الْاَکْرَمِ الَّذی خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فی ظِلِّکَ فَلا یَخْرُجُ

مِنْكَ اِلى غَيْرِكَ اَنْ تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطّاهِرِينَ وَتَجْعَلَنا مِنَ العامِلينَ
فيهِ بِطاعَتِكَ وَالاٰمِلينَ فيهِ بِشَفاعَتِكَ اَللّٰهُمَّ وَاهْدِنا اِلى سَواءِ السَّبيلِ
وَاجْعَلْ مَقيلَنا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقيلٍ في ظِلٍّ ظَليلٍ فَاِنَّكَ حَسْبُنا وَنِعْمَ
الوَكيلُ وَالسَّلامُ عَلى عِبادِهِ المُصْطَفَيْنَ وَصَلَواتُهُ عَلَيْهِمْ اَجْمَعينَ اَللّٰهُمَّ
وَبارِكْ لَنا في يَوْمِنا هٰذَا الَّذي فَضَّلْتَهُ وَبِكَرامَتِكَ جَلَّلْتَهُ وَبِالْمَنْزِلِ العَظيمِ
الاَعْلى مِنْكَ اَنْزَلْتَهُ صَلِّ عَلى مَنْ اِلى عِبادِكَ اَرْسَلْتَهُ وَبِالْمَحَلِّ الكَريمِ اَحْلَلْتَهُ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلوةً دائِمَةً تَكُونُ لَكَ شُكْرًا وَلَنا ذُخْرًا وَاجْعَلْ لَنا مِنْ
اَمْرِنا يُسْرًا وَاخْتِمْ لَنا بِالسَّعادَةِ اِلى مُنْتَهى آجالِنا وَقَدْ قَبِلْتَ اليَسيرَ مِنْ
اَعْمالِنا وَبَلِّغْنا بِرَحْمَتِكَ اَفْضَلَ آمالِنا اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ وَ
صَلَّى اللّٰهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعينَ وَسَلَّمَ **دوزسیم**
این روز آخر ماه وغسل سنت است بدستوریکه گذشت واگر ثابت باشد
و مظنون که ماه سلخ ندارد و ناقص است وافضل آنست که در روز بیست و
نهم این نماز بکنار یعنی اگر ماه دیده شود در روز آخر نیز اعاده کنی والله
الموفق **فصل دویم در آداب وافعال واعمال ماه شعبان وفضیلت آن** بدانکه ماه
شعبان ماهیست عظیم البرکات کثیر الخیرات وانرا شعبان مینامند زیراکه
درینماه روزیهای مؤمنان را منشعب میسازند ومی افزایند وخیرات و

وبرکات بسیار برایشان افاضه میفرمایند باسانید متعدده از پیغمبر صلی
الله علیه واله منقولست که فرمود که شعبان ماه منست ورمضان ماه خداست
وبسند معتبر از صفوان بن مهران جمال روایت است که حضرت صادق عم امر نمود
مرا که تحریص کن کسانی را که در ناحیه تو می باشند بر روزه داشتن ماه شعبان
پس گفتم فدای تو شوم آیا چیزی میدانی در روزه ماه شعبان فرمود بلی
بدرستی که رسول خدا صلعم چون ماه شعبان را می دید میفرمود تا منادی در مدینه
ندا کند که ای اهل یثرب بدرستی که رسول خدا صلعم میفرماید که شعبان ماه منست
حق تعالی رحمت کند کسی را که یاری کند مرا بر ماه من وبسند معتبر از ابوحمزه
ثمالی منقولست که گفت حضرت امام محمد باقر عم فرمود که هر که ماه شعبان را
روزه دارد پاک گرداند این روزه او را از هر زلت ولغزشی واز وصمی وبادرة
پس عرض نمودم که چیست وصم فرمود که سوگند یاد نمودن در معصیت ونذر
کردن در معصیت پس عرض کردم که چیست بادرة فرمود که سوگند یاد نمودن در
نزد غضب وتوبه بر آن پشیمان شدن از آنست ودر حدیث دیگر وارد شده که
در خدمت حضرت صادق عم مذکور شد روزه ماه شعبان پس آنحضرت فرمود
که در آن چنین فضل وچنین فضیلت است تا آنکه بسا باشد که مردی در خون
کسی بغیر حق دخیل شده باشد وروزه دارد شعبان را پس آمرزیده شود بیرکت

آن وصد حدیث دیگر از آنحضرت مرویست که روزه شعبان ذخیره است
برای بنده در روز قیامت و نیست هیچ بنده که بسیار روزه دارد شعبان را مگر
مگر آنکه باصلاح آورد حق تعالی امر معیشت او را و کفایت کند از و شر دشمن او را
و بدرستی که کمتر چیزی که می باشد برای کسی که روزه دارد یک روز از شعبان
آنست که برای او بهشت واجب شود و در حدیث دیگر از آنحضرت پرسیدند
که چه چیز است ثواب کسی که روزه دارد یکروز از شعبان را فرمود که بهشت
والله و باسانید متعدده از آنحضرت منقولست که فرمود که حدیث کرد مرا پدرم
از پدرش از جدش علیهم السلم که پیغمبر خدا صلی الله علیه واله فرمود که شعبان ماه
منست و رمضان ماه خداست هر که یکروز از ماه مرا روزه دارد من در قیامت
شفیع او باشم و هر که دو روز از ماه مرا روزه دارد با و گویند که عمل را از سر گیر
و بدو سند معتبر از آنحضرت که فرمود روزه شعبان و ماه رمضان دو ماه
پیاپی والله که توبه است از جانب خدا و بسند معتبر از آنحضرت منقولست که
فرمود که پدرم فصل میکرد میان شعبان و ماه رمضان بیک روز یعنی روز
آخر شعبان را افطار میفرمود و علی بن الحسین ع وصل مینمود این دو ماه را
و میفرمود که دو ماه پیاپی توبه است از جانب خدای تعالی و بسند معتبر از حضرت
صادق ع که زنان حضرت رسول صلعم هرگاه برایشان روزه واجبی بود تأخیر

مینمودند تا ماه شعبان برای آنکه مبادا آنحضرت را نسبت بایشان اراده
باشد پس چون ماه شعبان میشد روزه میداشتند و آنحضرت نیز با
ایشان روزه میداشت و در حدیث دیگر از ام سلمه رضی الله عنها منقولست
که آنحضرت تمام ماهی را روزه نمیداشت مگر شعبان که آنرا بماه رمضان وصل
میفرمود و در حدیث دیگر منقولست که اصحاب در خدمت رسول خدا صلعم فضایل
شعبان را مذکور ساختند پس آنحضرت فرمود که آن ماهیست با شرافت و کرامت
و آن ماه منست و حاملان عرش آنرا تعظیم می نمایند و حق آنرا می شناسند و
آن ماهیست که زیاده میگرداند روزیهای مؤمنان را برای ماه رمضان و
می آرایند بهشتها را و زینت میکنند و آنرا شعبان می نامند برای آنکه متشعب
و فراخ میگردد در آن ماه روزیهای مؤمنان و آن ماه عملست بدرستی که
حسنات در آن ماه ثوابش هفتاد برابر مضاعف میگردد و سیئات کم میشود
و گناهان آمرزیده میشود و اعمال حسنه مقبول درگاه خدا میگردد و خداوند
جبار در آن ماه بر بنده گان خود مباهات میفرماید و از فوق عرش بروزه
داران و عبادت کننده گان نظر ملاطفت میکند و حاملان عرش الهی بایشان
مباهات میکنند پس برخواست علی بن ابی طالب ع و فرمود فدای تو شود پدر و
مادرم یا رسول الله وصف کن برای ما چیزی از فضایل آنماه را تا رغبت ما

دردروزه داشتن وعبادت کردن درآن ماه زیاده کردد وتاانکه جد وجهد
کنیم درکردن عبادتهای بزرك درآن ماه پس فرمود که هرکه روزه دارد اول
شعبان را بنویسد حق تعالی برای او هفتاد حسنه که هرحسنه برابر باشد با عبادت
یکساله وهرکه دو روز ازان ماه روزه دارد دفع کند حق تعالی ازو کناهان مهلکه
اورا وهرکه سه روز روزه دارد ازان ماه بلند کرداند حق تعالی برای او هفتاد درجه
در مراتب عالیه بهشت از در و یاقوت وهرکه چهار روز روزه دارد فراخ کند
الله تعالی روزی او را وهرکه پنج روز را روزه دارد محبوب همه مردمان کردد و
هرکه شش روز را روزه دارد صرف کند و بکرداند حق تعالی هفتاد نوع بلا اورا
وهرکه هفت روز روزه دارد حفظ کند او را الله تعالی در تمام عمر وی از شر
ابلیس ولشکرهای او وهرکه هشت روز را روزه دارد بیرون نرود از دنیا
تا از حیاض قدس بیاشامد وهرکه نه روز را روزه دارد عطوفت ومهربانی کنند
با او منکر ونکیر در قبر چون بسوال او ایند وهرکه ده روز روزه دارد فراخ
کرداند خدای تعالی قبر او را بمقدار هفتاد ذراع وهرکه یازده روز روزه دارد
بکذرانند بر قبر او یازده منار از نور وهرکه دوازده روز روزه دارد زیارت
کنند قبر او را هر روز نود هزار ملك تا هنکامی که صور دمیده شود وهرکه
سیزده روز روزه دارد استغفار کنند برای او ملائکه اسمانهای هفتکانه

وهرکه

وهرکه چهارده روز روزه دارد طلب امرزش کنند برای او بالهام خداوند
عالمیان همه چارپایان ودرندکان حتی ماهیان دریا وهرکه پانزده روز روزه
دارد ندا کند بسوی او رب العزة که بعزة خودم سوکند که نسوزانم ترا باتش
جهنم وهرکه شانزده روز روزه دارد خاموش کرداند حق تعالی ازو هفتاد دریا
از آتش جهنم را وهرکه هفده روز روزه دارد بسته شود برای او درهای جهنم
وهرکه هیجده روز روزه دارد کشوده شود برای او همه درهای بهشت وهرکه
نوزده روز روزه دارد عطا کنند با او در بهشت هفتاد هزار قصر از در و
یاقوت وهرکه بیست روز روزه دارد تزویج کنند او را بهفتاد هزار زن
از حور عین وهرکه بیست ویک روز روزه دارد مرحبا کویند باو ملائکه و برو
بال خود را باو بمالند بجهة برکت وهرکه بیست ودو روز را روزه دارد بیاورند
برای او در هنکام بیرون آمدن از قبر چارپایی از نور که سوار شود و پرواز
کند بسوی بهشت وهرکه بیست وچهار روز روزه دارد قبول کنند شفاعت او را
در هفتاد هزار کس از اهل توحید وهرکه بیست وپنج روز روزه دارد باو دهند
براة بیزاری از نفاق وهرکه بیست وشش روز روزه دارد بنویسد حق تعالی
برای او کذشتن از پل صراط وهرکه بیست وهفت روز روزه دارد بنویسد حق تعالی
برای او براة بیزاری از آتش جهنم وهرکه بیست وهشت روز روزه دارد ساطع و
درخشان شود روی او چون ماه وهرکه بیست ونه روز روزه دارد برسد بر رضوان

اکبر حق تعالی هر که یک روز روزه دارد ندا کند با و جبرئیل از نزد عرش الهی که
که ای فلان عمل را تازه از سر گیر بدرستی که بخشیده شد گناهان گذشته تو و
رب جلیل میفرماید که اگر گناهان تو بعدد ستارهای آسمان و قطرات باران
و برگ درختان و ریگ بیابان و ایام دنیا باشد که همه آنها را برای تو آمرزیدم
بدانکه احادیث در فضایل روزه ماه شعبان بسیار است و در اینجا اکتفا بآن
نمودیم و پوشیده نماند که از بعضی اخبار که گذشت معلوم میشد که پیغمبر ص
نهی میفرمودند از وصل نمودن روزه شعبان بماه رمضان و
از حدیث ام سلمه رض ظاهر میشد که آنحضرت تمام شعبان روزه
میداشته اند و آنرا بماه رمضان وصل مینموده اند محتملست که
گوئیم وصل نمودن افضل باشد و آنحضرت خود وصل میفرموده باشند
ولیکن عامه ناس را امر بفصل مینموده باشند برای مصلحت ضعفای
ایشان تا آنکه بسبب افطار نمودن ایشانرا برای ماه رمضان
قوتی حاصل شود پس باین سبب فصل نمودن در حق ایشان افضل
بوده باشد و همچنین وصل نمودن حضرت علی بن الحسین ع و فصل
فرمودن امام محمد باقر ع میتواند بود که برای همین باشد الله تعالی اعلم
و باید دانست مستحبات بر دو قسم است سنن و تطوعات سنن مستحباتی

که رسول خدا صلی الله علیه و آله مداومت بر آنها میفرموده اند و سنت طریقه
آنحضرت بوده و ترک نمی فرموده اند مانند نوافل شبانه روز و تطوعات مستحباتی است
که در مرتبه سنن نباشد و آنحضرت گاهی تطوع بآنها مینموده اند و گاه ترک میکرده اند
و روزه ماه شعبان از جمله سنن است و آنحضرت آنرا ترک نمینموده اند چنانچه
از بعضی احادیث سابقه ظاهر شد و همچنین روزه داشتن سه روز از هر ماه
که آن پنجشنبه اول و چهارشنبه عشر دویم و پنجشنبه آخر ماه این نیز از جمله
سنن است چنانچه نوافل شبانه روز ضعف نمازهای پنجگانه است و همچنین
روزه تمام ماه شعبان و سه روز از هر ماه ضعف روزه ماه مبارک رمضان
است و روزه ماه رجب و ایام متبرکه دیگر بلکه سایر ایام بغیر آنچه مستثنی
شده از جمله تطوعات است و فضیلت بسیار دارد و لیکن هیچیک از آنها در
مرتبه سنتی که دانستی نیست **بیان صدقه و استغفار** در فضیلت صدقه
و استغفار و تهلیل در ماه شعبان ابن طاوس بسند خود از داود رقی
روایت کرده که او از حضرت ابی عبد الله جعفر بن محمد الصادق ع سؤال
نمود از روزه ماه رجب فرمود که کجائید شما از روزه ماه شعبان پس
پرسید که چه ثواب دارد کسی که روزی از ماه شعبان را روزه دارد فرمود
که ثواب او بهشت والله پس پرسید که چه چیز است افضل اعمال در ماه شعبان

فرمود که تصدق نمودن و استغفار کردن و هرکه تصدق کند بصدقه
در ماه شعبان تربیت فرماید آن صدقه را الله تعالی چنانچه احدی از شما
فصیل خود را تربیت مینماید تا آنکه برساند باو آن صدقه را در قیامت
و حال آنکه او مثل کوه احد شده باشد و شیخ صدوق از امام رضا ع روایت
کرده که آنحضرت در حدیثی فرمود که هرکه در هر روز از ماه شعبان شصت
نوبت استغفار کند محشور گرداند او را حق تعالی در قیامت در زمره
رسول خدا ص و واجب شود برای او آنکه حق تعالی گرامی کند او را و هرکه
تصدق کند در ماه شعبان بصدقه اگرچه بیک خرما باشد حرام گرداند
حق تعالی جسد او را بر آتش جهنم و نیز در حدیث معتبر از حضرت علی بن موسی
الرضا علیه السلام روایت نموده که هرکه در ماه شعبان هفتاد نوبت استغفار
کند بیامرزد حق تعالی گناهان او را اگرچه بعدد ستارگان آسمان باشد
و بسند معتبر دیگر از حضرت ابو عبدالله جعفر بن محمد الصادق ع روایت
کرده که هرکه در هر روز از ماه شعبان هفتاد نوبت بگوید أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِی
لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ وَ أَتُوبُ إِلَیْهِ حق تعالی نام او را در
افق مبین بنویسد راوی سوال نمود که کدام است افق مبین فرمود که باده
زمین هموار یست در پیش عرش و جدولها در آن زمین جاری شده است جوی های آب

فصیل یعنی شتر بچه

أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَ أَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ

وبرلب

و بر لب آن جویها نهاده است قدحها بعدد ستارگان و شیخ طوسی نیز
این روایت را ذکر کرده و در روایت او چنین است أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِی
لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَیْهِ و نیز سید در حدیث
دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده که هرکه در ماه شعبان
هزار نوبت بگوید لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِیَّاهُ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ وَ
لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ بنویسد الله تعالی برای او عبادت هزار ساله و محو کند از او
گناهان هزار ساله و در روز قیامت چون از قبر بیرون آید و بعد چون
ماه شب چهارده درخشان باشد و نوشته شود نزد حق تعالی از صدیقان

بیان در ادعیه که در هر روز از ماه شعبان خوانده شود ابن طاوس و کفعمی
بسند معتبر از حضرت علی بن الحسین علیهما السلام روایت نموده اند که آنحضرت
در هر روز از ماه شعبان در وقت زوال آفتاب و در شب نصف شعبان
دعا میکردند و باین صلوات متلفظ میگردیدند اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ
مُحَمَّدٍ شَجَرَةِ النُّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِکَةِ وَ مَعْدِنِ الْعِلْمِ وَ أَهْلِ
بَیْتِ الْوَحْیِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْفُلْکِ الْجَارِیَةِ فِی اللُّجَجِ الْغَامِرَةِ یَأْمَنُ
مَنْ رَکِبَهَا وَ یَغْرَقُ مَنْ تَرَکَهَا الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَ الْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَ
اللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْکَهْفِ الْحَصِینِ وَ غِیَاثِ

المضطرين والمساكين وملجأ الهاربين وعصمة المعتصمين اللهم صل على
محمد وآل محمد صلوة كثيرة طيبة تكون لهم رضا ولحق محمد وآل محمد
صلى الله عليه وآله اداء بحول منك وقوة يا رب العالمين اللهم صل
على محمد وآل محمد الطاهرين الابرار الاخيار الذين اوجبت حقهم
وفرضت طاعتهم وولايتهم اللهم صل على محمد وآل محمد واعمر
قلبي بطاعتك ولا تخزني بمعصيتك وارزقني مواساة من قترت
عليه من رزقك بما وسعت علي من فضلك ونشرت علي من عدلك
واحييتني تحت ظلك وهذا شهر نبيك سيد رسلك صلواتك عليه
وآله شعبان الذي حففته منك بالرحمة والرضوان الذي كان رسولك
صلواتك عليه وآله يدأب في صيامه وقيامه في لياليه وايامه بخوعا
لك في اكرامه واعظامه الى محل حمامه اللهم فاعنا على الاستنان
بسنته فيه ونيل الشفاعة لديه اللهم فاجعله لي شفيعا مشفعا
وطريقا اليك مهيعا واجعلني له متبعا حتى القاه يوم القيامة
عني راضيا وعن ذنوبي غاضيا وقد اوجبت لي منك الكرامة والرضوان
وانزلتني دار القرار ومحل الاخيار   وبانادحسين محمد روايت نموده
اند که گفت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلم وائمه طاهرین از ذریه آنحضرت

صلواة الله عليهم اجمعين در ماه شعبان این مناجات را میخوانده اند
اللهم صل على محمد وآل محمد واسمع دعائي اذا دعوتك واقبل علي اذا
ناجيتك فقد هربت اليك ووقفت بين يديك مستكينا متضرعا اليك
راجيا لما لديك ثوابي وتعلم ما في نفسي وتخبر حاجتي وتعرف ضميري و
لا يخفى عليك امر منقلبي ومثواي وما اريد ان ابدي به من منطقي واتفوه
به من طلبتي وارجوه لعاقبتي وقد جرت مقاديرك علي يا سيدي فيما
يكون مني الى آخر عمري من سريرتي وعلانيتي وبيدك لا بيد غيرك
زيادتي ونقصي ونفعي وضري الهي ان حرمتني فمن ذا الذي يرزقني
وان خذلتني فمن ذا الذي ينصرني الهي اعوذ بك من غضبك وحلول
سخطك الهي ان كنت غير مستاهل لرحمتك فانت اهل ان تجود علي
بفضل سعتك الهي كاني بنفسي واقفة بين يديك وقد اظلها
حسن توكلي عليك ففعلت بي ما انت اهله وتغمدتني بعفوك الهي
ان عفوت فمن اولى منك بذلك وان كان قد دنا اجلي ولم يدنني منك
عملي فقد جعلت الاقرار بالذنب اليك وسيلتي الهي قد جرت على نفسي
في النظر لها فلها الويل ان لم تغفر لها الهي لم يزل برك علي ايام حيوتي
فلا تقطع برك عني في مماتي الهي كيف آيس من حسن نظرك لي بعد

مالي وانت لم تولني الا الجميل في حيوتي الهي تولّ من امري ما انت
اهله وعُد عليّ بفضلك على مذنب غمره جهله الهي قد سترت
عليّ ذنوبا في الدنيا وانا احوج الى سترها عليّ منك في الاخرى الهي
قد احسنت اليّ اذ لم تظهرها لاحد من عبادك الصالحين فلا تفضحني
يوم القيمة على رؤس الاشهاد الهي جودك بسط املي وعفوك افضل
من عملي الهي فسرّني بلقائك يوم تقضي فيه بين عبادك الهي اعتذاري
اليك اعتذار من لم يستغن عن قبول عذره فاقبل عذري يا اكرم
من اعتذر اليه المسيئون الهي لا تردّ حاجتي ولا تخيّب طمعي ولا تقطع
منك رجائي واملي الهي لو اردت هواني لم تهدني ولو اردت فضيحتي
لم تعافني الهي ما اظنك تردّني في حاجة قد افنيت عمري في
طلبها منك الهي فلك الحمد ابدا ابدا دائما سرمدا يزيد ولا يبيد كما
تحب وترضى الهي ان اخذتني بذنوبي اخذتك بمغفرتك واذا ادخلتني
النار اعلمت اهلها اني احبك الهي ان كان صغر في جنب طاعتك
عملي فقد كبر في جنب رجائك املي الهي كيف انقلب من عندك بالخيبة
محروما وقد كان حسن ظني بجودك ان تقلبني بالنجاة مرحوما الهي
وقد افنيت عمري في شرة السهو عنك وابليت شبابي في سكرة التباعد

منك

منك الهي فلم استيقظ ايام اغتراري وركوني الهي لا تسلك بي سبيل سخطك
الهي وانا عبدك وابن عبدك قائم بين يديك متوسل بكرمك اليك
الهي انا عبد انتصل اليك مما كنت اواجهك من قلة استحيائي من نظرك
واطلب العفو منك اذ العفو نعت لكرمك الهي لم يكن لي حول فانتقل
به عن معصيتك الا في وقت ايقظتني لمحبتك وكما اردت ان اكون كنت
فشكرتك بادخالي في كرمك ولتطهير قلبي من اوساخ الغفلة عنك
الهي انظر اليّ نظر من ناديته فاجابك واستعملته بمعونتك فاطاعك
يا قريبا لا يبعد عن المغترّ به ويا جوادا لا يبخل عمن رجا ثوابه الهي هب
لي قلبا يدنيه منك شوقه ولسانا يرفع اليك صدقه ونظرا يقربه
منك حقه الهي ان من تعرّف بك غير مجهول ومن لاذ بك غير مخذول
ومن اقبلت عليه غير مملول الهي ان من انتهج بك لمستنير وان من اعتصم
بك لمستجير وقد لذت بك يا الهي فلا تخيّب ظني من رحمتك ولا تحجبني
عن رأفتك الهي اقمني في اهل ولايتك مقام من رجا الزيادة من محبتك الهي
والهمني ولها بذكرك الى ذكرك وهمتي في روح نجاح اسمائك ومحل قدسك
الهي بك عليك الا الحقتني بمحل اهل طاعتك والمثوى الصالح من مرضاتك
فاني لا اقدر لنفسي دفعا ولا اقدر لها نفعا الهي انا عبدك الضعيف المذنب

وعملو كان المنيب لعيب فلا تجعلني ممن صرفت عنه وجهك و
حجبه سهوه عن عفوك الهى هب لى كمال الانقطاع اليك
وانر ابصار قلوبنا بضياء نظرها اليك حتى تخرق ابصار القلوب حجب
النور فتصل الى معدن العظمة وتصير ارواحنا معلقة بعز
قدسك الهى واجعلنى ممن ناديته فاجابك ولاحظته فصعق
لجلالك فناجيته سرا وعمل لك جهرا الهى لم اسلط على حسن ظنى
قنوط الاياس ولا انقطع رجائى من جميل كرمك الهى ان كانت
الخطايا قد اسقطتنى لديك فاصفح عنى بحسن توكلى عليك الهى ان
حطتنى الذنوب من مكارم لطفك فقد نبهنى اليقين الى كرم عطفك الهى
ان انامتنى الغفلة عن الاستعداد للقائك فقد نبهتنى المعرفة بكرم
آلائك الهى ان دعانى الى النار عظيم عقابك فقد دعانى الى الجنة
جزيل ثوابك الهى فلك اسال واليك ابتهل وارغب وان تصلى على
محمد وآل محمد وان تجعلنى ممن يديم ذكرك ولا ينقض عهدك ولا يغفل
عن شكرك ولا يستخف بامرك الهى والحقنى بنور عزك الابهج فاكون
لك عارفا وعن سواك منحرفا ومنك خائفا مراقبا يا ذا الجلال و
الاكرام وصلى الله على محمد رسوله وآله الطاهرين وسلم **بيان**

بجاه كرم در

در فضيلت روز پنجشنبه ماه شعبان وعمل آن ابن طاوس بسند متصل
بامير المؤمنين ع كه از آنحضرت روايت نموده كه پيغمبر صلى الله عليه و آله فرمود
كه در هر پنجشنبه ماه شعبان آسمانها را زينت ميسازند وميگويند ملائكه
خداوندا بيامرز كسانيرا كه روزه دارند اين روز را ودعاى ايشانرا اجابت
كن پس هر كه در اين روز دو ركعت نماز بگذارد ودر هر ركعت بعد از حمد
توحيد را صد نوبت وچون فارغ شود صد مرتبه صلوات فرستد حق تعالى
براورد همه حاجات دينى ودنيوى او را وهر كه روزه دارد يكروز از اين ماه را
حق تعالى جسد او را حرام كرداند بر آتش جهنم **روز اول** در حديث ديگر از
صادق ع كه هر كه روز اول شعبان را روزه دارد بهشت براى او البته واجب
شود **روز سيم پنجشنبه** در اين روز موافق مشهور حضرت ابى عبد الله الحسين ع
متولد شده و روزه آن فضيلت بسيار دارد و شيخ طوسى و ابن طاوس ذكر نموده اند
كه بيرون آمد فرمان حضرت صاحب الامر عليه السلم بسوى قاسم بن العلاء همدانى
وكيل امام حسن عسكرى كه مولاى ما امام حسين ع متولد شده در روز پنجشنبه
سيم ماه شعبان پس در آن روز روزه بدار و اين دعا بخوان اللهم انى اسئلك
بحق هذا المولود فى هذا اليوم الموعود بشهادته قبل استهلاله وولادته بكته
السماء ومن فيها والارض ومن عليها ولما يطا لابتيها قتيل العبرة وسيد

الاسرة الممدود بالنصرة يوم الكرة المعوض من قتله ان الائمة من نسله
والشفاء في تربته والفوز معه في اوبته والاوصياء من عترته بعد قائمهم
وغيبته حتى يدركوا الاوتار ويثاروا الثار ويرضوا الجبار ويكونوا
خير انصار صلى الله عليهم مع اختلاف الليل والنهار اللهم فبحقهم
اليك اتوسل واسئل سؤال مقترف معترف مسيئ الى نفسه مما فرط
في يومه وامسه يسالك العصمة الى محل رمسه اللهم وصل على محمد و
عترته واحشرنا في زمرته وبوئنا معه دار الكرامة ومحل الاقامة اللهم و
كما اكرمتنا بمعرفته فاكرمنا بزلفته وارزقنا مرافقته وسابقته
واجعلنا ممن يسلم لامره ويكثر الصلوة عليه عند ذكره وعلى جميع اوصيائه
واهل اصطفائه الممدودين منك بالعدد الاثنى عشر النجوم الزهر والحجج على
جميع البشر اللهم وهب لنا في هذا اليوم خير موهبة وانجح لنا فيه
كل طلبة كما وهبت الحسين لمحمد جده وعاذ فطرس بمهده فنحن عائذون
بقبره من بعده نشهد تربته وننتظر اوبته آمين رب العالمين
پس میخوانی بعد از این دعا، حضرت امام حسین ع واین آخر دعائیست که
آنحضرت خوانده در روزی که مغلوب کافران گردیده بود اللهم انت متعالی
المكان عظيم الجبروت شديد المحال غني عن الخلائق عريض الكبرياء

قادر على ما تشاء قريب الرحمة صادق الوعد سابغ النعمة حسن البلاء قريب
اذا دعيت محيط بما خلقت قابل التوبة لمن تاب اليك قادر على ما اردت
ومدرك ما طلبت وشكور اذا شكرت وذكور اذا ذكرت ادعوك محتاجا
وارغب اليك فقيرا وافزع اليك خائفا وابكي اليك مكروبا واستعين
بك ضعيفا واتوكل عليك كافيا احكم بيننا وبين قومنا بالحق فانهم
غرونا وخدعونا وغدروا بنا وقتلونا ونحن عترة نبيك وولد حبيبك
محمد بن عبد الله الذي اصطفيته بالرسالة وائتمنته على وحيك فاجعل
لنا من امرنا فرجا ومخرجا برحمتك يا ارحم الراحمين ● وشیخ طوسی از
حضرت صادق علیه السلم روایت نموده که ولادت حسین بن علی ع در سیم
ماه شعبان در سال چهارم هجرت واقع شده وبعضی این روز را مولد
امام زین العابدین ع نیز گفته‌اند **روز هفتم** وبسند معتبر صفوان بن جمال
از صادق روایت نموده که حضرت امیر علیه السلم در روز هفتم ماه شعبان — یکشنبه
متولد شده **شب پانزدهم** این شبیست بغایت عظیم وبا قدر ومتبرک و از — اعمال شب برات
لیلة المبارک نامند بجهت کثرت خیر وبرکت آن وشب برات نیز گویند زیرا
که الله تعالی می‌نویسد برای بنده کان مؤمن خود برات نجات از آتش جهنم
وسنتست در این شب غسل کردن واحیا داشتن آن بطاعت وعبادت و

بندکی حق تعالی و بسند معتبر از امام جعفر صادق ع که فرمود روزه دارید
ماه شعبان را و غسل کنید در شب نصف آن بدرستی که این تخفیفی است از
جانب پروردگار شما و رحمتیست برای شما و در حدیث دیگر از پیغمبر ص
که هر که احیا کند شب عید و شب نصف شعبان را نمیرد دل او روزی
که بمیرند دلها و از امیر المؤمنین ع که رسول خدا فرمود که هرگاه شب نصف
شعبان بر شما داخل شود بسر آورید آن شب را بعبادت و روزه دارید روز
آن را بدرستی که چون آفتاب غروب کند و آن شب داخل شود حق تعالی فرود آید
بآسمان دنیا و ندا کند تا طلوع فجر که آیا نیست طلب آمرزش کننده تا بیامرزم او را
آیا نیست طلب روزی کننده تا روزی دهم او را و در حدیث دیگر از زید بن
علی بن الحسین ع که فرمود که پدرم امام زین العابدین ع در شب نصف
شعبان ما را جمع مینمود و آن شب را سه بخش مینمود در بخش اول با ما نماز
میکذارد و در بخش دیگر دعا میکرد و ما آمین میگفتیم و در بخش دیگر استغفار
میکرد و ما استغفار میکردیم و از حق تعالی بهشت سوال میکرد تا آنکه صبح
طالع میشد و بدانکه هر اعمال الصالحه در این شب فضیلت بسیار دارد و افضل
آنها زیارت حضرت ابی عبد الله الحسین ع است و بسند بسیار معتبر از
صادق ع که هر که زیارت کند حسین بن علی ع را در شب نیمه شعبان

ملکی از جانب

حق تعالی

حق تعالی گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و بچند سند معتبر از
امام زین العابدین و امام جعفر صادق ع که هر که خواهد که مصافحه کند
با صد و بیست و چهار هزار پیغمبر پس باید که زیارت کند قبر امام حسین ع را
در نیمه شعبان بدرستی که ارواح پیغمبران رخصت میطلبند بزیارت
آنحضرت پس رخصت می یابند و از ایشانند پنج پیغمبر اولوا العزم پرسیدند
که کدام اند ایشان فرمود که نوح و ابرهیم و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیه
و آله ایشانند که مبعوث شده اند بمشرق و مغرب زمین و بسند معتبر
از صادق ع که هر که در یکشب از سه شب قبر حسین ع را زیارت کند
گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود شب عید فطر یا شب عید اضحی یا شب
نیمه شعبان و در حدیث دیگر فرمود که هر که آنحضرت را زیارت کند در شب
نیمه شعبان و شب فطر و شب عرفه در یکسال بنویسد الله تعالی برای او
ثواب هزار حج مقبول و هزار عمره مقبول و بر آورده شود برای او هزار حاجت
از حاجتهای دنیا و آخرت و بسندهای صحیح و غیر صحیح که ابن ابی نصر از
امام رضا ع سوال نمود که در کدام وقت بهتر است که زیارت کنم امام حسین ع را
فرمود که در نصف رجب و نصف شعبان و از صادق ع که چون روز
اول ماه شعبان داخل شود منادی زیر عرش ندا کند که ای گروه شیعیان

حسین خالی مکذرانید شب نیمه اینماه را از زیارت آنحضرت اگر بتوانید
که چه ثواب در آنها است هر آینه از بسیاری انتظار سال بر شما دیر بگذرد
تا شب نیمه شعبان در آید و بسند معتبر از موسی بن جعفر ع که رسیده شب است
که هر که زیارت کند امام حسین ع را در آن شبها گناهان گذشته و آینده
اش آمرزیده شود و شب نصف شعبان و شب بیست و سیم ماه رمضان
و شب عید بدان که در کتب علما زیارت مخصوص برای اینشب ذکر نموده
اند اما بروایت نسبت نداده اند لهذا از ذکر نکردیم و اگر آنکه زیارتی از
زیارات منقوله که عام باشد و بوقتی اختصاص نداشته باشد بعمل آورند
نیکو خواهد بود کفعمی در کتاب بلد الامین در زیارات نصف شعبان
ذکر کرده که روایت کرده اند از صادق ع که در زیارت امام حسین علیه السلم
نزد قبر مطهر آنحضرت میایستی و میگوئی اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ وَالسَّلَامُ
عَلَیْکَ اَیُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الزَّکِیُّ اُوْدِعُکَ شَهَادَةً مِنِّیْ لَکَ تُقَرِّبُنِیْ
اِلَیْکَ فِیْ یَوْمِ شَفَاعَتِکَ اَشْهَدُ اَنَّکَ قُتِلْتَ وَلَمْ تَمُتْ بَلْ بِرَجَاءِ حَیَاتِکَ
حَیِیَتْ قُلُوْبُ شِیْعَتِکَ وَبِضِیَاءِ نُوْرِکَ اهْتَدَی الطَّالِبُوْنَ اِلَیْکَ
وَاَشْهَدُ اَنَّکَ نُوْرُ اللّٰهِ الَّذِیْ لَمْ یُطْفَأْ وَلَا یُطْفَوءُ اَبَدًا وَاَنَّکَ وَجْهُ
اللّٰهِ الَّذِیْ لَمْ یَهْلِکْ وَلَا یُهْلَکُ اَبَدًا وَاَشْهَدُ اَنَّ هٰذِهِ التُّرْبَةَ تُرْبَتُکَ

وهذا

وَهٰذَا الْحَرَمَ حَرَمُکَ وَهٰذَا الْمَصْرَعَ مَصْرَعُ بَدَنِکَ لَا ذَلِیْلَ وَاللّٰهُ مُعِزُّکَ
وَلَا مَغْلُوْبَ وَاللّٰهُ نَاصِرُکَ هٰذِهِ شَهَادَةٌ لِیْ عِنْدَکَ اِلٰی یَوْمِ قَبْضِ
رُوْحِیْ بِحَضْرَتِکَ وَالسَّلَامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ ودر روایت
که این از زیارات مطلقه باشد و هر که بدولت حضور مرقد مطهر منور
آنحضرت فایض شود در هر وقتی از اوقات این زیارت را بعمل تواند
آورد و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع که هر که در شب نیمه شعبان
از اول تا آخر شب در کربلای معلی بماند و هزار نوبت سوره توحید و هزار
نوبت استغفار و هزار نوبت الحمد لله بگوید پس برخیزد و چهار رکعت نماز
بگذارد در هر رکعت هزار نوبت آیة الکرسی بخواند الله تعالی عز شانه موکل
گرداند باو ده ملک را که حفظ نمایند او را از هر بدی و از شر هر شیطان و
سلطانی و حسنات او را برای او بنویسند و گناهی بر او ننویسند و تا با او باشند
برای او استغفار بکنند و ابن طاوس از محمد بن علی طرازی که او از خط محمد بن
هرون نقل کرده که از نماز شب نیمه شعبان نزد قبر مولای ما ابی عبد الله
الحسین ع چهار رکعت نماز است که در هر رکعت پنجاه مرتبه توحید و هر یکرا
در رکوع ده مرتبه و بعد از سر برداشتن از رکوع و در سجدها و در میان
سجدها ده مرتبه و بعد از فراغ از نماز این دعا بخواند اَنْتَ اللّٰهُ الَّذِیْ

استجبت لآدم وحوا حين قالا ربنا ظلمنا انفسنا وان لم تغفر لنا
وترحمنا لنكونن من الخاسرين وناداك نوح فاستجبت له ونجيته
واهله من الكرب العظيم واطفات نار نمرود عن خليلك ابرهيم فجعلتها
عليه بردا وسلاما وانت الذي استجبت لايوب حين ناداك اني
مسني الضر وانت ارحم الراحمين فكشفت ما به من ضر واتيته اهله و
مثلهم معهم رحمة من عندك وذكرى لاولي الالباب وانت الذي استجبت
لذي النون حين ناداك في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت
من الظالمين فنجيته من الغم وانت الذي استجبت لموسى وهرون دعوتهما
حين قلت قد اجيبت دعوتكما واغرقت فرعون وقومه وغفرت
لداود ذنبه ونبهت قلبه وارضيت خصمه منك وانت الذي فديت
الذبيح بذبح عظيم حين اسلما وتله للجبين فناديته بالفرج والروح و
انت الذي ناداك زكريا نداء خفيا قال رب اني وهن العظم مني و
اشتعل الراس شيبا ولم اكن بدعائك رب شقيا وقلت يدعوننا
رغبا ورهبا وكانوا لنا خاشعين وانت الذي استجبت للذين آمنوا
وعملوا الصالحات لتزيدهم من فضلك رب فلا تجعلني اهون الراغبين
اليك واستجب لي كما استجبت لهم بحقهم عليك طهرني وتقبل صلواتي

وحسناتي

وحسناتي وطيب بقية حيوتي وطيب وفاتي واخلفني فيمن اخلف واحفظهم
رب بدعائي واجعل ذريتي ذرية طيبة تحوطها بحياطتك من كل ما
حطت منه ذرية اوليائك برحمتك يا رحيم يا من هو على كل شيء قدير
وعلى كل شيء رقيب ومن كل سائل قريب ولكل داع من خلقه مجيب
انت الله لا اله الا انت الحي القيوم الاحد الصمد لم يلد ولم يولد ولم
يكن له كفوا احد تلك القدرة التي علوت بها فوق عرشك ورفعت
بها سمواتك وارسيت بها جبالك وفرشت بها ارضك واجريت بها
الانهار وسخرت بها السحاب والشمس والقمر والليل والنهار وخلقت
بها الخلائق اسئلك بعظمة وجهك الكريم الذي اشرقت به السموات
واضاءت به الظلمات ان تصلي على محمد وآل محمد وان تكفيني امر من
يعاديني وامر معادي ومعاشي واصلح يا رب شاني ولا تكلني الى نفسي
طرفة عين واصلح امر ولدي وعيالي واغنني واياهم من خزائنك وسعة
رزقك وفضلك وارزقني الفقه في دينك وانفعني بما نفعت به من ارتضيت
من عبادك واجعلني للمتقين اماما كما جعلت ابرهيم فان بتوفيقك يفوز
المتقون ويتوب التائبون ويعبدك العابدون وبتسديدك وارشادك
نجى الصالحون من النار اللهم آت نفسي تقواها وانت وليها ومولاها وانت

خَیْرُ مَنْ زَکّاها اَللّٰهُمَّ بَیِّنْ لَها رَشادَها وَتَقْواها وَنَزِّلْها مِنَ الْجِنانِ
اَعْلاها وَطَیِّبْ وَفاتَها وَمَحْیاها وَاَکْرِمْ مُنْقَلَبَها وَمَثْواها وَمُسْتَقَرَّها
وَمَاْواها اَنْتَ رَبُّها وَمَوْلاها اَللّٰهُمَّ اسْمَعْ وَاسْتَجِبْ بِرَحْمَتِكَ وَ
مَنْزِلَةِ مُحَمَّدٍ وَعَلِیٍّ وَفاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ وَعَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ
عَلِیٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِیِّ بْنِ مُوسى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ
وَعَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ وَالْحُجَّةِ الْقائِمِ صَلَواتُ اللهِ عَلَیْهِ وَ
عَلَیْهِمْ عِنْدَكَ وَبِمَنْزِلَتِهِمْ لَدَیْكَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ و در این شب نماز
جعفر طیار فضیلت بسیار دارد و کیفیت کذاردن آن نماز در باب
صلوة مذکور شد و شیخ طوسی و ابن طاوس بسند معتبر از امام جعفر صادق ع
روایت کرده اند که فرمود از پدرم امام محمد باقر علیه السلم سوال کردند
از فضیلت شب نصف شعبان فرمود که اینشب بعد از شب قدر افضل
شبهاست و در این شب حق تعالی فضل خود را شامل حال بندکان میکرداند
و منت برایشان میکذارد و ایشانرا می آمرزد پس جهد کنید در اینشب بتقرب
جستن بدرکاه الهی بدرستی که این شبیست که حق تعالی بر خود لازم ساخته
که هیچ سائلی را رد نکند مادام که از حق تعالی طلب معصیت نکند و این
شبیست که حق تعالی برای ما اهل بیت قرار داده در برابر شب قدر که برای

رسول

رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار داده پس جهد کنید در این شب بدعا
و ثنا بر حق تعالی بدرستی که هر که در این شب صد نوبت بکوید سُبْحانَ الله
و صد نوبت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ و صد نوبت اَللهُ اَکْبَرُ و صد نوبت لا اِلٰهَ اِلَّا الله
بکوید حق تعالی بیامرزد کناهان کذشته او را و حوائج دنیا و آخرت او را
بر آورد و آنچه طلب نماید و آنچه حق تعالی داند که او محتاج بآنست و اکر طلب
نکرده باشد راوی کوید که عرض کردم که کدام دعا در این شب افضل است فرمود
که چون از نماز عشا فارغ شدی دو رکعت نماز بکذار و در رکعت اول بعد از
حمد سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم بعد از حمد توحید بخوان
و چون سلام کفتی سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله و
سی و چهار نوبت الله اکبر بکو آنکاه این دعا بخوان یا مَنْ اِلَیْهِ مَلْجَاُ الْعِبادِ فِی
الْمُهِمّاتِ وَاِلَیْهِ یَفْزَعُ الْخَلْقُ فِی الْمُلِمّاتِ یا عالِمَ الْجَهْرِ وَالْخَفِیّاتِ وَیا مَنْ
لا یَخْفى عَلَیْهِ خَواطِرُ الْاَوْهامِ وَتَصَرُّفُ الْخَطَراتِ یا رَبَّ الْخَلائِقِ وَالْبَرِیّاتِ
یا مَنْ بِیَدِهِ مَلَكُوتُ الْاَرَضِینَ وَالسَّماواتِ اَنْتَ اللهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَمُتُّ اِلَیْكَ
بِلا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ فَیا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اجْعَلْنی فی هذِهِ اللَّیْلَةِ مِمَّنْ نَظَرْتَ اِلَیْهِ فَرَحِمْتَهُ
وَسَمِعْتَ دُعائَهُ فَاَجَبْتَهُ وَعَلِمْتَ اسْتِقالَتَهُ فَاَقَلْتَهُ وَتَجاوَزْتَ عَنْ سالِفِ
خَطیئَتِهِ وَعَظیمِ جَریرَتِهِ فَقَدِ اسْتَجَرْتُ بِكَ مِنْ ذُنُوبی وَلَجَاْتُ اِلَیْكَ فی سَتْرِ

عيوبي اللهم فجد علي بكرمك وفضلك واحطط خطاياي بحلمك و
عفوك وتغمدني في هذه الليلة بسابغ كرامتك فاجعلني فيها من
اوليائك الذين اجتبيتهم لطاعتك واخترتهم لعبادتك وجعلتهم
خالصتك وصفوتك اللهم اجعلني في هذه الليلة ممن سعد جده و
توفر من الخيرات حظه واجعلني ممن سلم فنعم وفاز فغنم واكفني شر
ما اسلفت واعصمني من الازدياد في معصيتك وحبب الي طاعتك وما
يقربني منك ويزلفني عندك سيدي اليك يلجأ الهارب ومنك يلتمس
الطالب وعلى كرمك يعول المستقيل التائب ادبت عبادك بالتكرم و
انت اكرم الاكرمين وامرت بالعفو عبادك وانت الغفور الرحيم
اللهم فلا تحرمني ما رجوت من كرمك ولا تؤيسني من سابغ نعمك ولا
تخيبني من جزيل قسمك في هذه الليلة لاهل طاعتك واجعلني في جنة
من شرار خلقك رب ان لم اكن من اهل ذلك فانت اهل الكرم والعفو
والمغفرة جد علي بما انت اهله لا بما استحقه فقد حسن ظني بك
وتحقق رجائي لك وعلقت نفسي بكرمك فانت ارحم الراحمين واكرم
الاكرمين اللهم واخصصني من كرمك بجزيل قسمك واعوذ من عقوبتك
واغفر لي الذنب الذي يحبس علي الخلق ويضيق علي الرزق حتى اقوم بصالح

رضاك وانعم بجزيل عطائك واسعد بسابغ نعمائك فقد لذت و
تعرضت لكرمك واستعذت بعفوك من عقوبتك وبحلمك من غضبك
فجد بما سألتك وانل ما التمست منك اسئلك بك لا بشيء هو اعظم منك
پس سجده کن و بگو بیست مرتبه یا رب و هفت مرتبه یا الله و هفت مرتبه
لا حول ولا قوة الا بالله و ده مرتبه ما شاء الله لا قوة الا بالله پس صلوات
بر محمد و آل محمد بفرست و حاجت خود را طلب و الله که اگر طلب کنی حاجتها
بعدد قطرات باران که حق تعالی بر آورد همه آنها را بفضل و کرم خود بدانکه
از این اخبارها و بعضی اخبار دیگر مفهوم میشود که تقدیر و قسمت اجلها و
روزیها و غیر آنها در اینشب میشود و در احادیث متعدده و اخبار بسیار
بلکه متواتره وارد شده که اینها همه در شب قدر واقع میشود و محتملست که
آجال و ارزاق محتومه در شب قدر مقدر شود و آجال و ارزاق غیر محتومه
که در آنها بدا واقع میتواند شد در اینشب مقدر کرده یا آنکه قسمت و تقدیر
آنها در لوح محفوظ در اینشب بشود و اعلام آنها بامام زمان در شب قدر
واقع شود و بعضی گفته‌اند که وعده قسمت ارزاق و آجال در اینشب میشود
و قسمت در شب قدر یا آنکه قسمت آنها در علم الهی در اینشب میشود و قسمت
در میان بندگان در شب قدر و الله اعلم و بدانکه در اینشب صاحب الامر

متولد شده و عالم را بنور خود منور گردانیده ابن طاوس و کفعمی گفته اند که مستحب است
کرد در این شب مولود آنحضرت این دعا خوانند اللّهمّ بحقّ ليلتنا ومولودها
وحجّتك وموعودها التي قرنت الى فضلها فضلاً فتمّت كلمتك صدقاً و
عدلاً لا مبدّل لكلماتك ولا معقّب لآياتك نورك المتألّق وضياؤك
المشرق والعلم النور في طخياء الديجور الغائب المستور جلّ مولده وكرم
محتده والملائكة شهّده والله ناصره ومؤيّده اذا آن ميعاده والملائكة
امداده سيف الله الذي لا ينبو ونوره الذي لا يخبو وذو الحلم الذي لا
يصبو مدار الدهر ونواميس العصر وولاة الامر والمنزّل عليهم ينزل في ليلة
القدر واصحاب الحشر والنشر تراجمة وحيه وولاة امره ونهيه اللّهمّ
فصلّ على خاتمهم وقائمهم المستور عن عوالمهم وادرك بنا ايّامه وظهوره
وقيامه واجعلنا من انصاره واقرن ثارنا بثاره واكتبنا في اعوانه و
خلصائه واحينا في دولته ناعمين وبصحبته غانمين وبحقّه قائمين ومن
السوء سالمين يا ارحم الراحمين والحمد لله ربّ العالمين وصلّى الله على محمّد
خاتم النبيّين والمرسلين وعلى اهل بيته الصادقين وعترته الناطقين
والعن جميع الظالمين واحكم بيننا وبينهم يا احكم الحاكمين
و سید روح الله روحه روایت کرده که پیغمبر صلی الله علیه و آله

در این شب این دعا میخوانده اند اللّهمّ اقسم لنا من خشيتك ما يحول
بيننا وبين معصيتك ومن طاعتك ما تبلّغنا به رضوانك ومن اليقين
ما تهوّن به مصيبات الدنيا اللّهمّ امتعنا باسماعنا وابصارنا وقوّتنا ما
احييتنا واجعله الوارث منّا واجعل ثارنا على من ظلمنا وانصرنا على من
عادانا ولا تجعل مصيبتنا في ديننا ولا تجعل الدنيا اكبر همّنا ولا مبلغ علمنا
ولا تسلّط علينا من لا يرحمنا برحمتك يا ارحم الراحمين شیخ و سید و کفعمی
روایت نموده اند بسند متصل بکمیل که از خواص اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام
و حضرت امام حسین ع بوده که گفت من جماعتی از اصحاب امیر ع در خدمت
آنحضرت حاضر بودم که یکی از ایشان از آنحضرت سوال نمود از معنی قول الله تعالی
فيها يفرق كلّ امر حكيم یعنی هر امر محکمی در آن مفروق میکردد پس فرمود که
این در شب نصف شعبانست سوگند بآنکه نفس علی در قبضه قدرت اوست
که هیچ بنده نیست مگر آنکه هر امر خیر و شر که برو جاری میکردد تا سال آینده در
شب نصف شعبان تقدیر کرده میشود و بدرستی که هیچ بنده نیست که احیا
کند این شب را و بخواند دعای خضر ع را مگر آنکه اجابت کرده میشود کمیل گفت که
چون این حدیث را شنیدم رفتم در شب بخدمت آنحضرت فرمود که بجهة
چه مطلب آمده گفتم برای دعای خضر ع فرمود بنشین ای کمیل و چون حفظ کنی

اینده المجان در هر شب جمعه یا در ماهی یا در سالی یا در عمر خود یکنوبت
تا آنکه از همه بلیات در حفظ الله تعالی باشی و فیروزی و نصرت بیابی و
رزق و روزی بر تو فراخ گردد و آمرزیده شوی ای کمیل چون از اصحاب سرّ منه
مائی بر ما لازم است که عطا کنیم بتو آنچه سؤال میکنی انگاه فرمود که بنویس
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک برحمتک التی وسعت کل
شیء و بقوتک التی قهرت بها کل شیء و خضع لها کل شیء و ذل
لها کل شیء و بجبروتک التی غلبت بها کل شیء و بعزتک التی لا
یقوم لها شیء و بعظمتک التی ملأت کل شیء و بسلطانک الذی علا
کل شیء و بوجهک الباقی بعد فناء کل شیء و باسمائک التی غلبت ارکان
کل شیء و بعلمک الذی احاط بکل شیء و بنور وجهک الذی اضاء له
کل شیء یا نور یا قدوس یا اول الاولین و یا آخر الآخرین اللهم اغفر
لی الذنوب التی تهتک العصم اللهم اغفر لی الذنوب التی تنزل النقم
اللهم اغفر لی الذنوب التی تغیر النعم اللهم اغفر لی الذنوب
التی تحبس الدعاء اللهم اغفر لی الذنوب التی تنزل البلاء اللهم
اغفر لی کل ذنب اذنبته و کل خطیئة اخطأتها اللهم انی اتقرب
الیک بذکرک و استشفع بک الی نفسک و اسئلک بجودک ان تدنینی

اللهم اغفر الذنوب التی تقطع الرجاء

من قربک

من قربک و ان توزعنی شکرک و ان تلهمنی ذکرک اللهم انی اسئلک
سؤال خاضع متذلل خاشع ان تسامحنی و ترحمنی و تجعلنی بقسمک
راضیا قانعا و فی جمیع الاحوال متواضعا اللهم و اسئلک سؤال من
اشتدت فاقته و انزل بک عند الشدائد حاجته و عظم فیما عندک
رغبته اللهم عظم سلطانک و علا مکانک و خفی مکرک و ظهر امرک
و غلب قهرک و جرت قدرتک و لا یمکن الفرار من حکومتک اللهم
لا اجد لذنوبی غافرا و لا لقبائحی ساترا و لا لشیء من عملی القبیح بالحسن
مبدلا غیرک لا اله الا انت سبحانک و بحمدک ظلمت نفسی و تجرأت
بجهلی و سکنت الی قدیم ذکرک لی و منک علی اللهم مولای کم من قبیح
سترته و کم من فادح من البلاء اقلته و کم من عثار وقیته و کم من مکروه
دفعته و کم من ثناء جمیل لست اهلا له نشرته اللهم عظم بلائی و افرط
بی سوء حالی و قصرت بی اعمالی و قعدت بی اغلالی و حبسنی عن نفعی بعد
امالی و خدعتنی الدنیا بغرورها و نفسی بخیانتها و مطالی یا سیدی فاسئلک
بعزتک ان لا یحجب عنک دعائی سوء عملی و فعالی و لا تفضحنی بخفی ما
اطلعت علیه من سری و لا تعاجلنی بالعقوبة علی ما عملته فی خلواتی من سوء
فعلی و اسائتی و دوام تفریطی و جهالتی و کثرة شهواتی و غفلتی و کن اللهم

الاحوال كلها حامد

بعزتك لي في كل الاحوال رؤفا وعلي في جميع الامور عطوفا الهي وربي
من لي غيرك اسئله كشف ضري والنظر في امري الهي ومولاي اجريت
علي حكما اتبعت فيه هوى نفسي ولم احترس فيه من تزيين عدوي فغرني
بما اهوى واسعده على ذلك القضاء فتجاوزت بما جرى علي من ذلك
بعض حدودك وخالفت بعض اوامرك فلك الحمد علي في جميع ذلك ولا حجة
لي فيما جرى علي فيه قضاؤك والزمني حكمك وبلاؤك وقد اتيتك يا
الهي بعد تقصيري واسرافي على نفسي معتذرا نادما منكسرا مستقيلا
مستغفرا منيبا مقرا مما كان مني ولا مفزعا اتوجه اليه في امري غير
قبولك عذري وادخالك اياي في سعة من رحمتك اللهم فاقبل عذري
وارحم شدة ضري وفكني من شد وثاقي يا رب ارحم ضعف بدني
ورقة جلدي ودقة عظمي يا من بدأ خلقي وذكري وتربيتي وبري و
تغذيتي هبني لابتداء كرمك وسالف برك بي يا الهي وسيدي وربي
اتراك معذبي بنارك بعد توحيدك وبعد ما انطوى عليه قلبي من معرفتك
ولهج به لساني من ذكرك واعتقده ضميري من حبك وبعد صدق اعترافي
ودعائي خاضعا لربوبيتك هيهات انت اكرم من ان تضيع من
ربيته او تبعد من ادنيته او تشرد من اويته او تسلم الى البلاء

من كفيته

مراد از حکم امر و نهی الهی است در امورات منه

مراد از دشمن شیطان لعین است منه

اجریت نمود

منزعجا معترفا لا اجد مفرا منه

من كفيته ورحمته وليت شعري يا سيدي والهي ومولاي اتسلط النار
على وجوه خرت لعظمتك ساجدة وعلى السن نطقت بتوحيدك صادقة
وبشكرك مادحة وعلى قلوب اعترفت بالهيتك محققة وعلى ضمائر
حوت من العلم بك حتى صارت خاشعة وعلى جوارح سعت الى اوطان
توحيدك طائعة واشارت باستغفارك مذعنة ما هكذا الظن بك
ولا اخبرنا بفضلك عنك يا كريم يا رب وانت تعلم ضعفي عن قليل من
بلاء الدنيا وعقوباتها وما يجري فيها من المكاره على اهلها على ان ذلك
بلاء ومكروه قليل مكثه يسير بقاؤه قصير مدته فكيف احتمالي لبلاء
الاخرة وحلول وقوع المكاره فيها وهو بلاء تطول مدته ويدوم
مقامه ولا يخفف عن اهله لانه لا يكون الا عن غضبك وانتقامك
وسخطك وهذا ما لا تقوم له السموات والارض يا سيدي فكيف بي
وانا عبدك الضعيف الذليل الحقير المسكين يا الهي وربي وسيدي و
مولاي لاي الامور اليك اشكو ولما منها اضج وابكي لاليم العذاب
وشدته ام لطول البلاء ومدته فلئن صيرتني في العقوبات مع
اعدائك وجمعت بيني وبين اهل بلائك وفرقت بيني وبين احبائك
واوليائك فهبني يا الهي وسيدي ومولاي وربي صبرت على عذابك

تعبدك

جليل

المستكين

فكيف اصبر على فراقك وهبني صبرت على حر نارك فكيف عن النظر

اصبر

الى كرامتك ام كيف اسكن في النار ورجائي عفوك فبعزتك يا سيدي
ومولاي اقسم صادقا لئن تركتني ناطقا لاضجن اليك بين اهلها
ضجيج الاملين ولاصرخن اليك صراخ المستصرخين ولابكين عليك
بكاء الفاقدين ولاناديك اين كنت يا ولي المؤمنين يا غاية امال
العارفين يا غياث المستغيثين يا حبيب قلوب الصادقين ويا اله
العالمين افتراك سبحانك يا الهي وبحمدك تسمع فيها صوت عبد مسلم
سجن فيها بمخالفته وذاق طعم عذابها بمعصيته وحبس بين اطباقها
بجرمه وجريرته وهو يضج اليك ضجيج مؤمل لرحمتك ويناديك بلسان
اهل توحيدك ويتوسل اليك بربوبيتك يا مولاي فكيف يبقى في
العذاب وهو يرجو ما سلف من حلمك ورافتك ورحمتك ام كيف تؤلمه
النار وهو يامل فضلك ورحمتك ام كيف يحرقه لهيبها وانت تسمع
صوته وترى مكانه ام كيف يشتمل عليه زفيرها وانت تعلم ضعفه
ام كيف يتغلغل بين اطباقها وانت تعلم صدقه ام كيف تزجره
زبانيتها وهو يناديك يا ربه ام كيف يرجو فضلك في عتقه منها
فتتركه فيها هيهات ما ذلك الظن بك ولا المعروف من فضلك

ولا مشبه

ولا مشبه لما عاملت به الموحدين من برك واحسانك فباليقين اقطع
لولا ما حكمت به من تعذيب جاحديك وقضيت به من اخلاد معانديك
لجعلت النار كلها بردا وسلاما وما كانت لاحد فيها مقرا و
لا مقاما لكنك تقدست اسماؤك اقسمت ان تملاها من الكافرين
من الجنة والناس اجمعين وان تخلد فيها المعاندين وانت جل ثناؤك
قلت مبتدئا وتطولت بالانعام متكرما افمن كان مؤمنا كمن
كان فاسقا لا يستوون الهي وسيدي فاسئلك بالقدرة التي قدرتها
وبالقضية التي حتمتها وحكمتها وغلبت من عليه اجريتها ان
تهب لي في هذه الليلة وفي هذه الساعة كل جرم اجرمته وكل
ذنب اذنبته وكل قبيح اسررته وكل جهل عملته كتمته او اعلنته
اخفيته او اظهرته وكل سيئة امرت باثباتها الكرام الكاتبين
الذين وكلتهم بحفظ ما يكون مني وجعلتهم شهودا علي مع جوارحي
وكنت انت الرقيب علي من ورائهم والشاهد لما خفي عنهم و
برحمتك اخفيته وبفضلك سترته وان توفر حظي من كل خير
انزلته او احسان فضلته او بر نشرته او رزق بسطته او ذنب
تغفره او خطاء تستره يا رب يا رب يا رب يا الهي وسيدي ومولاي

وَمَالِكَ رِقّي يَا مَنْ بِيَدِهِ نَاصِيَتِي يَا عَلِيماً بِفَقْرِي وَفَاقَتِي سَكَنَنِي
يَا خَبِيراً بِفَقْرِي وَفَاقَتِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اَسْئَلُكَ بِحَقِّكَ وَ
قُدْسِكَ وَاَعْظَمِ صِفَاتِكَ وَاَسْمَائِكَ اَنْ تَجْعَلَ اَوْقَاتِي فِي اللَّيْلِ
وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً وَاَعْمَالِي عِنْدَكَ
مَقْبُولَةً حَتّى تَكُونَ اَعْمَالِي وَاَوْرَادِي كُلُّهَا وِرْداً وَاحِداً وَحَالِي
فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَداً يَا سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعَوَّلِي يَا مَنْ اِلَيْهِ شَكَوْتُ
اَحْوَالِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ قَوِّ عَلى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَاشْدُدْ
عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي وَهَبْ لِيَ الْجِدَّ فِي خَشْيَتِكَ وَالدَّوَامَ فِي الْاِتِّصَالِ
بِخِدْمَتِكَ حَتّى اَسْرَحَ اِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ وَاُسْرِعَ اِلَيْكَ
فِي الْمُبَادِرِينَ وَاَشْتَاقَ اِلى قُرْبِكَ فِي الْمُشْتَاقِينَ وَاَدْنُوَ مِنْكَ
دُنُوَّ الْمُخْلِصِينَ وَاَخَافَكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ وَاَجْتَمِعَ فِي جِوَارِكَ
مَعَ الْمُؤْمِنِينَ اللّهُمَّ وَمَنْ اَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاَرِدْهُ وَمَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ وَ
اجْعَلْنِي مِنْ اَحْسَنِ عَبِيدِكَ نَصِيباً عِنْدَكَ وَاَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ وَ
اَخَصِّهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ فَاِنَّهُ لَا يُنَالُ ذلِكَ اِلَّا بِفَضْلِكَ وَجُدْ لِي بِجُودِكَ
وَاعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ
لَهِجاً وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتَيَّماً وَمُنَّ عَلَيَّ بِحُسْنِ اِجَابَتِكَ وَاَقِلْنِي عَثْرَتِي

وَاغْفِرْ زَلَّتِي فَاِنَّكَ قَضَيْتَ عَلى عِبَادِكَ بِعِبَادَتِكَ وَاَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ
وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْاِجَابَةَ فَاِلَيْكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي وَاِلَيْكَ يَا رَبِّ
مَدَدْتُ يَدِي فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَبَلِّغْنِي مُنَايَ وَلَا تَقْطَعْ
مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي وَاكْفِنِي شَرَّ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ مِنْ اَعْدَائِي يَا سَرِيعَ
الرِّضَا اغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ اِلَّا الدُّعَاءَ فَاِنَّكَ فَعَّالٌ لِمَا تَشَاءُ يَا مَنِ اسْمُهُ
دَوَاءٌ وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ وَطَاعَتُهُ غِنىً اِرْحَمْ مَنْ رَاْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ
وَسِلَاحُهُ الْبُكَاءُ يَا سَابِغَ النِّعَمِ يَا دَافِعَ النِّقَمِ يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ
فِي الظُّلَمِ يَا عَالِماً لَا يُعَلَّمُ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي مَا اَنْتَ
اَهْلُهُ وَصَلَّى اللّهُ عَلى رَسُولِهِ وَالْاَئِمَّةِ الْمَيَامِينَ مِنْ آلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً
كَثِيراً وسه مرتبه سوره یس در شب پانزدهم شعبان یکی بجهة
توسعه رزق ویکی بجهة سلامتی از بلاها والآم ویکی بجهة زنده بودن
تا پانزدهم آینده ایماه این را شنیدم از استاد خود کرا ومیفرمود کرمن
دیده ام حدیث این را وعمل نموده ام باین در صحایف الاعمال شب
بیست وهفتم از پیغمبر صلی الله علیه وآله روایت شده که هر که در این شب دو
رکعت نماز بکنارد ودر هر رکعت بعد از حمد سوره سبح اسم ربک الاعلی
ده نوبت بخواند بنویسد حق تعالی برای او هزار هزار حسنه ومحو کند از او

هزار هزار سیئه و بلند کرداند برای او هزار هزار درجه و بگشایند بر سر او
تا جای نور و بر آنکه از بعضی اخبار ظاهر میشود که فضیلت بسیار دارد
روزه داشتن سه روز آخر شعبان بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع
که هر که سه روز آخر شعبان را روزه دارد و وصل کند آنرا بماه رمضان بنویسد
الله تعالی برای او روزه دو ماه پیاپی و شیخ طایفه و ابن طاوس بسند خود
از حضرت ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق ع روایت کرده اند که آنحضرت
در شب آخر شعبان و شب اول رمضان المبارک این دعا میخوانده اند

دعای شب اول ماه رمضان

اللهم ان هذا الشهر المبارک الذی انزل فیه القرآن هدی للناس وبینات
من الهدی والفرقان قد حضر فسلمنا فیه وسلمه لنا وتسلمه منا
فی یسر منک وعافیة یا من اخذ القلیل وشکر الکثیر اقبل منی
الیسیر اللهم انی اسألک ان تجعل لی الی کل خیر سبیلا ومن
کل ما لا تحب مانعا یا ارحم الراحمین یا من عفی عنی وعما خلوت
به من السیئات یا من لم یؤاخذنی بارتکاب المعاصی عفوک عفوک
یا کریم الهی وعظتنی فلم اتعظ وزجرتنی عن محارمک فلم
انزجر فما عذری فاعف عنی یا کریم عفوک عفوک اللهم
انی اسألک الراحة عند الموت والعفو عند الحساب عظم الذنب

من عبدک

من عبدک فلیحسن التجاوز من عندک یا اهل التقوی ویا اهل المغفرة
عفوک عفوک اللهم انی عبدک وابن عبدک ابن امتک ضعیف
فقیر الی رحمتک وانت منزل الغنی والبرکة علی العباد قاهر مقتدر احصیت
اعمالهم وقسمت ارزاقهم وجعلتهم مختلفة السنتهم والوانهم
خلقا من بعد خلق لا یعلم العباد علمک ولا یقدر العباد قدرک و
کلنا فقیر الی رحمتک فلا تصرف عنی وجهک واجعلنی من صالح
خلقک فی العمل والامل والقضاء والقدر الهی ابقنی خیر البقاء وافننی
خیر الفناء علی موالاة اولیائک ومعاداة اعدائک والرغبة الیک و
الرهبة منک والخشوع والوفاء والتسلیم لک والتصدیق بکتابک واتباع
سنة رسولک اللهم ما کان فی قلبی من شک او ریبة او جحود او قنوط
او فرح او مرح او بذخ او بطر او خیلاء او ریاء او سمعة او شقاق او نفاق
او کفر او فسوق او عصیان او عظمة او شیء لا تحب فاسألک یا رب
ان تبدلنی مکانه ایمانا بوعدک ورضا بقضائک وزهدا فی الدنیا ورغبة
فیما عندک واثرة وطمأنینة وتوبة نصوحا اسألک ذلک یا رب العالمین
الهی انت من حلمک تعصی ومن کرمک وجودک تطاع فکانک لم
تعص وانا ومن لم یعصک سکان ارضک فکن علینا بالفضل جوادا

وَبِالْخَيْرِ عَوَّادًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ دَائِمَةً
لَا تُحْصَى وَلَا تُعَدُّ وَلَا يَقْدِرُ قَدْرَهَا غَيْرُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **بالجمعه**
اخر شعبان فقیه در کتاب عیون اخبار رضا بسند خود از اباصلت
بن صالح روایت کرده که داخل شدم بر حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا
علیه السلام در جمعه اخر ماه شعبان پس آنحضرت فرمود که ای ابو الصلت
که اکثر شعبان گذشته و این جمعه آخر است پس تدارک کن در بقیه
ماه تقصیری را که کرده در آنچه گذشته ازین ماه و بر تو باد با قبال نمودن
و نیک متوجه شدن بر آنچه ترا اعانت کند و یاری از طاعات و عبادات و
بسیار بکن در بقیه اینماه از دعا و استغفار و تلاوت قران و توبه
کن از همه گناهان تا انکه داخل شود بر تو ماه رمضان در حالتی که خود را
برای الله تعالی خالص کرده باشی و باید که نباشد بر گردن تو امانتی
مگر انکه بصاحبش رد کرده باشی و نباشد در سینه تو کینه از شخص
مؤمنی مگر انکه از سینه خود بیرون کرده باشی و نباشد گناهی که انرا
مرتکب بوده مگر انکه ازان استقاله نموده باشی و ترک کرده باشی و پرهیز
کار باش ای ابو الصلت و توکل کن بر خدای تعالی در امور پنهان و آشکار
خود زیرا که هر که بر خدا توکل کند پس بس است او را خدا بدرستی که الله تعالی

امر خود را

امر خود را کامل و تمام میگرداند و برای هر چیز قدری و اندازه قرار داده
و بسیار بگو ای ابو الصلت در بقیه اینماه این دعا را اَللّٰهُمَّ اِنْ لَمْ تَكُنْ
غَفَرْتَ لَنَا فِيمَا مَضَى مِنْ شَعْبَانَ فَاغْفِرْ لَنَا فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ بدرستی که
حق تعالی در اینماه بسیاری را از آتش جهنم ازاد میگرداند برای حرمت ماه
رمضان **فصل ششم در اعمال و ادعیه ماه رمضان و افعالی که متعلق**
باینماه است انچه از احادیث و اقوال فقها ظاهر بود در هر باب بیان نمایم
از انجمله **فضیلت روزه ماه رمضان** از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
که آنحضرت فرمود که هر که یکروز روزه دارد خالص از جهة رضای الهی
در هوای گرم و تشنه شود حق تعالی هزار فرشته را بفرستد که خود را
بواسطه تعظیم بر روی او مالند یا دست بر روی او مالند از باب تفقد
و مهربانی و او را بشارت دهند برحمتهای الهی و به بهشت جاودانی
و در وقت افطار حق تعالی فرماید که ای بنده من چه خوش است
بوی تو ای فرشتگان گواه باشید که آمرزیدم گناهان این بنده را و حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمودند که اگر بنده یکروز روزه دارد از جهة
طلب ثوابهائی که الله تعالی وعده فرموده حق تعالی او را به بهشت در آورد
و آنحضرت فرمودند که خداوند عالمیان میفرماید که روزه از من است

وثواب آن برمز است واحادیث در این باب بسیار واقع شده که این رساله
محل آن ندارد وایمانی دهر باب می نمائیم دیگر درباب حقیقت صوم است
وانچه در این رساله بیان میشود صوم از کف جمیع مفطرات با نیت قول
مشهور علمای خاصه وعامه است اما انچه بخاطر میرسد آنست که صوم
عبادت از اکل وشرب معتاد است وجماع در قبل زن همچنین که ظاهر آیه
کریمه بران دلالت دارد وکف وباز داشتن خود از باقی مفطرات
جزء حقیقت صوم نیست بلکه مشروط صحت صوم است از باب طهارت
از حدث وخبث واستقبال قبله که شروط نماز اند وباخلال یکی از اینها
نماز باطل میشود وجزء حقیقت نماز نیستند پس غیر از این سه چیز را در
کار بنا شد قصد امساک کردن واما احتیاط در قصد است وباینمعنی یکی
از محققین علمای عامه اشاره کرده وبعضی از علمای شیعه اثنا عشری اشاره
باینمعنی نموده اند در شرح فقیه و زیاده از این نیز ترقی فرموده احتمال
داده اند که روزه همین عبارتست از کف از اکل وشرب بسیار که بر تتبع
معتاد باشد وجماع وسایر چیزها داخل شروط باشد وانچه ذکر شد بحسب
ادله بسیار که بر متتبع ماهر ظاهر است وامساک از اکل وشرب معتاد بطریق
معتاد واز جماع در قبل زن واجبست در صوم با جماع امت چون در قرآن

مجید

مجید مذکور است که ناقض صوم است وباعث قضا وکفاره است بلا شک
ودیگر اما در اکل وشرب غیر معتاد مثل خوردن سنگ ریزه واشامیدن
فشرده گیاه که معتاد نباشد خوردن آن یا چیزی که معتاد باشد خوردن
واشامیدن آن وبطریق غیر معتاد بغیر طریق حلق فرو داده وجوف سازد
وجماع در دبر زن ودر دبر پسر العیاذ بالله ودر قبل ودبر حیوانات
در صورتی که انزال نشود هر چند که کف از بعضی از اینها در غیر صوم نیز واجبست
اما در بطلان صوم بکل واحد از اینها خلاف است میان علمای ما ودلیل بطلان
اگرچه نزد علما ثابت نیست اما احتیاط در دین وصاحب اعتقاد یقین باز
داشتن نفس است از جمیع اینها در صوم بجهت رضای الهی چنانچه در اخبار
بسیار وارد شده که صوم حقیقی آنست که جمیع اعضا از جمیع محرمات صایم
باشد واما انچه بی دغدغه جزء وحقیقت صوم است اکل وشرب معتاد است
بعنوان معتاد وجماع است در قبل زن وطلب منی کردن یا آمدن منی و
این چهار متفق علیها است وخلافی نیست که هرگاه عمدا یکی از اینها را واقع
سازد روزه اش باطل میشود وقضا وکفاره بر او واجب میشود واما در
اکل وشرب غیر معتاد بعنوان معتاد یا بعنوان غیر معتاد ومعتاد بر خلاف
معتاد بانکه بخورد یا بیاشامد چیزی چند را که معتاد مردم نباشد خوردن آن

مثل سنگ وچوب وخاك وگیاهها وآب فشرده شده از گیاهها وامثال
اینها یا آنکه آب یا شیر در بینی ریزد تا بحلق رود یا چیزی که غیر معتاد باشد
در بینی کنند تا بحلق رود وجماع در دبر زن یا مرد نعوذ بالله هرگاه
منی نیاید که اگر منی بیاید داخل است در قسم اول وهمچنین است دست
بازی با زنان یا مردان نه بقصد منی آمدن هرگاه بیاید یا نظر کند بزن
اجنبیه یا امرد ومنی بیاید خصوصا هرگاه عادت او این باشد که چون
نظر کند منی آید بلکه اگر معتاد باشد که منی از و آید هرگاه نظر بزن خود کند
یا آواز زن را بشنود یا پسر را اگر گوش دهد بآواز ایشان واز و منی بیاید
وسر بآب فرو بردن با تمام بدن یا تمام سر اگر چه بدن بیرون از آب باشد
اظهر حرمت است واحوط قضاست ونهایت احتیاط کفاره است ودروغ
بستن برخدا ورسول وائمه علیهم السّلم عمدا وباقی ماندن برجنابت تا طلوع
صبح عمدًا با قدرت بر غسل یا تیمم وخواب کردن جنب وحایض ونفسا
واستحاضه متوسطه یا کثیره بدون نیت غسل تا صبح وخواب دوم یا
سیم وبیشتر با نیت غسل یا عدم نیت هرگاه خواب رود تا صبح ودر خواب
اول محتلم شود بعد از بیدار شدن از خواب احتلام در حرمت بقای بر
جنابت عمدًا تا صبح طلوع کند میان علمای ما خلافست مشهور میان علما آنست

که حرام

که حرامست وواجبست خود را از آن باز داشتن در روزه ماه رمضان واگر
عمدا بماند برجنابت تا صبح روزه آن روز او باطل میشود وبر او واجبست قضا
وکفاره وبعضی گفته اند قضای تنها وبعضی گفته اند که حرام نیست باقی ماندن
برجنابت تا طلوع صبح ونه موجب قضاست ونه کفاره واین قول اکثر علمای ما نیز
قایل شده اند که باقی ماندن حرام نیست واگر باقی بماند قضا واجبست واین مسئله قویّة
الاشکالست باعتبار دلالات اخبار واختلاف اصحاب اما احتیاط در دین وبرائة
ذمه یقینی در آنست که قصدا امساك از آن نماید در روزه وهرگز اینقسم امری ازو
صادر نشود واگر صادر شود روزه آن روز را قضا کند وکفاره نیز بدهد واگر
خواب رود وقصد داشته باشد که غسل نکند تا صبح اظهر واشهر میان علما آنست
این هم حکم آن کسی دارد که بیدار شود وعمدا غسل نکند بهمان تفصیلی که گذشت
واگر جنب شود وبقصد آنکه پیش از صبح بیدار شود وغسل کند بخوابد وبیدار نشود
تا صبح طالع شود اظهر واشهر میان علما آنست که خواب او مشروع است وروزه
او صحیح است ونه قضا بر او واجبست ونه کفاره واگر از این خواب بیدار شود وباز
بقصد غسل بخوابد وبیدار نشود تا طلوع صبح اشهر واظهر آنست که قضا بر او واجبست
ودر خواب سیم خلافست بعضی گفته اند که بر او قضا وکفاره است وبعضی
گفته اند که مثل خواب دویم بر او همین قضاست وبس وقول آخر اشهر واقوی است

بواسطه آنکه حدیثی در این باب وارد نشده و تقیید نموده‌اند علما باین که این
در صورتیست که این مرد را عادت باشد که پیش از صبح بیدار شود یا آنکه
یک بیداری را بر خود موکل سازد که او را بیدار کند و بمجرد نیت بیدار شدن
کافی نیست بلکه حکم معتمد بر جنابت دارد و اگر نه بقصد غسل و نه بقصد
عدم غسل بخوابد این دو صورت دارد یکی آنکه او را بی‌اختیار خواب ببرد یا
آنکه باختیار بخوابد و غسل از خاطرش برود ظاهر اینست که در این دو صورت
بروی چیزی نباشد اگرچه دو سه خواب کرده باشد و اخبار دلالت بر این
دارد و نهایت احتیاط قضاست و بعضی از علما گفته‌اند کسی که محتلم شود و بیدار
شود همان خواب که در آن محتلم شده و بیدار شده است حکم خواب اول دارد و
خوابی که بعد از این میکند خواب دویم است و همچنین و این را از بعضی اخبار استنباط
نموده‌اند و در آن استنباط حرفهاست و شک نیست که احوط اینست اما ظواهر
روایات آنست که این حکم مخصوص ماه رمضان است و عبارات اصحاب مجمل است از آن حیثیت که
بقای بر جنابت را از مفطرات صوم شمرده‌اند بی‌تقییدی در قضای ماه رمضان
و حدیث معتبر صحیح و یک حدیث موثق وارد شده که اگر در آن شبی که اراده روزه
قضا دارد چنین چیزی واقع شود آن روز را روزه نگیرد و در روز دیگر بگیرد
و اما در روزه سنت ظاهر اینست که بقای بر جنابت ضرر نداشته باعتبار حدیث

صحیح

صحیح بی‌معارضی اما اشکالی که هست در روزهای واجب غیر ماه رمضان قضا است اما
مثل نذر معین و کفاره در مثال و احتیاط عظیم از ترک آنست و دیگر خلاف است
در باب زن حایض و نفسا اگر در شب پاک شوند اما پیش از صبح غسل کردن
بر ایشان واجبست و بقای بر حدث حیض و نفاس تا طلوع صبح مبطل است یا نه
و در حدیث قوی وارد شده که اگر غسل نکنند تا صبح برو لازم است قضا و جزم
بوجوب مشکلست اما احتیاط عظیم در قصد امساک از آن و غسل کردن پیش
از صبح و در نکردن غسل قضاست و همچنین در مستحاضه نیز خلاف هست واحوط
آنست که جمیع اغسال شب و روز را بجای آورد و غسل بواسطه نماز صبح را
بقصد نماز شب و بواسطه روزه احتیاطاً پیش از صبح بجای آورد تا بیقین
او را بهمه مذهب برائت ذمه حاصل شود و همچنین خلافست در جمیع این صور
که مذکور شد که اگر غسل متعذر باشد در وجوب تیمم پیش از صبح و بنا بر قول بوجوب
اگر تیمم بکند بعد از تیمم آیا جایز است خواب کردن تا طلوع صبح یا نه خلافست و دلیل
اینها از اخبار خوب ظاهر نمیشود پس احتیاط آنست که تیمم کند و بیدار باشد تا صبح
طلوع کند و دیگر صداقی کردن و حقنه بمایع بلکه بجامد نمودن چون شاف
بلکه بچکانیدن بسوراخ ذکر تا بجوف رود و بلکه بسوراخ جراحت چکانیدن
تا بجوف رود و بعضی بر آنند که قصوری ندارد تا اینها که مذکور شد و بعضی میگویند

[illegible]

[illegible]

روزه را فاسد میکند و موجب قضاست و حق قول اول است باعتبار احادیث صحیحه
وارده و احتیاط ظاهر است بلکه بکار رود بلکم خود زدن و فضلات سینه و دماغ را
فرو بردن هرگاه بفضای دهان رسیده باشد و ممکن بوده باشد اخراج آن و
همچنین آب دهان هرگاه با زبان بیرون آید و باندرون برد و بخورد و غبار غلیظ
والحاق کرده اند بعضی دود غلیظی را که اجزا از منفصل شود مثل دخان کشته
و عود و همچنین بخار دیگ طعام وقتی که در جوش باشد و بحلق رود یا غلظت علی قول
اما احتیاط آنست که مرتکب نشود و اجزاء خوردنی که در میان دندانها مانده باشد
و فرو برد عمدا یا فرو رود مع التقصیر علی قول و همچنین در وطی حیوانات با عدم انزال
منی و بوئیدن مشک و عنبر که اجزاء آن بحلق [illegible] رود و در فضلات و بلغمی که از
سر و سینه آید بعضی از علما در غیر روزه هم حرام میدانند فرو بردن آنرا هرگاه بفضای
دهن آید و بعضی گفته اند که در حلق هم که باشد و از بسهولت توان دفع کردن
فرو بردنش جایز نیست و باعتقاد آنها اینها خبیث اند و استدلال بآیه کریمه نموده اند
پس حرام باشد فرو بردن و خوردن آن و بعضی حلال میدانند فرو بردن آنرا
مادامی که از دهن بیرون نیامده باشد و این قول اظهر است و همچنین گفته اند که
آب دهنی که با آن بلغم نباشد تا در دهان است حلال است و خبیث نیست و از دهان
که بیرون آید خبیث میشود و این افراد را در یکی انکه آب دهان در ظرفی مثل تغار

جمع

جمع شده باشد خوردن آن حرام است بنا بر مذهب ایشان از راه خباثت و دیگر
انکه آب دهان را از دهان بیرون آورد و داخل دهن کند و زبان محبوب خود را
در دهان گیرد و بمکد یا انکه آبی از دهن بیرون آمده باشد باطراف لب یا زبان
باندرون برد و بخورد و یا انکه بعاشق چیزی خورد چون هر مرتبه که عاشق
باندرون و بیرون می آید در مرتبه دیگر داخل دهن میکند یا انکه خربزه و میوه را
بدندان خورد جهت انکه با بدهن آلوده میشود ظاهر از عبارات متاخرین
علمای ما آنست که در غیر حرمت در امثال اینها میشود اما عبارات اکثر علما
از اینها خالیست و ظاهر اینست که اینها همه حلال باشد و منع از ائمه علیهم السلام وارد
نشده بلکه خلافش وارد شده مکرر در صورت [illegible] کراحوط اجتناب فضلات سر
و سینه است که بفضای دهن آید و از عمدا فرو برد بعضی گفته اند که قضای آن
روز را باید گیرد که روزه او باطل میشود و بعضی قضا و کفاره جمع لازم میدانند
باعتبار افطار بحرام و بعضی گفته اند هیچ چیز بر او نیست و قول آخر بحسب ادله اظهر و
احتیاط ظاهر است و همچنین در حدیث صحیح وارد شده که اگر روزه دار زبان
حلیله خود را بمکد یا طفل خود را بوسه کند و آب دهان آن طفل بدهان او بیاید
و آن آب را فرو برد حضرت فرموده اند قصوری ندارد و روزه او صحیح است مگر
در صورتی که آب دهان در ظرفی جمع شده باشد و بخورد بنا بر مذهب جمعی قضا و کفاره است

و بنا بر مذهب ابن جنید قضا و کفاره جمع و بنا بر مذهب جمعی هیچ چیز نیست و
غبار را اکثر علما تقیید کرده اند بغبار غلیظ و بعضی مطلق غبار ذکر کرده اند
و بعضی دود غلیظ و بخار غلیظ را نیز الحاق کرده اند و در غبار خلافست
بعضی بر آنند که روزه را فاسد میسازد و موجب چیزی نیست و مشهور
آنست که روزه را فاسد میسازد و موجب قضا است و مستند قول مشهور
حدیث مجهول است که کل علما بمضمون این عمل نموده اند و حدیث موثقی وارد
شده است که هرگاه غبار بحلق روزه دار رود یا دود و عود و امثال آن از کشته
و غیر آن حضرت فرموده قصوری ندارد پس حق اولی است که مطلقا غبار
و دود و دود رقیق و غیر غلیظ اگر بحلق یا بدماغ رود در روزه مبطل صوم
نیست اما احتیاط در متابعت مشهور است و در خاییدن مصطکی و امثال آن
که چیزی از آن منفصل نشود و طعم با آب دهان ندهد و اگر خاید و آب دهان را بیندازد
قصوری ندارد بی عذر و اگر آب دهان را فرو برد خلافست بعضی گفته اند روزه
فاسد میشود بآن و بعضی گفته اند که مکروهست و روزه را فاسد نمیسازد و اقوی
قول آخر است و احتیاط در ترکست و هرگاه کسی مضمضه کند از برای وضوی نماز
واجب و آب بیاختیار بحلقش فرو رود بر او چیزی نیست باعتبار حدیث صحیح که
در این باب وارد شده و اگر عبثا آب بدهن کند یا از برای خنک شدن دهن و آب

بحلقش

بحلقش رود روزه اش باطل میشود و موجب قضا است و اگر از برای وضوی
سنت باشد خلافست بعضی گفته اند که موجب قضاست و بعضی گفته اند
که موجب چیزی نیست حق آنست که قضا می باید کرد بواسطه حدیث صحیحی
که در این باب وارد شده است و بعد از مضمضه در دیگر روایت واقع شده که
آب دهن را یک مرتبه بیندازد و در روایت دیگر واقع شده که سه مرتبه و احوط
سه مرتبه است بلکه نهایت احتیاط آنست که سعی کند که هر آبی که در دهانش
باشد دفع شود اگرچه ظاهر اینست که اینها محمول بر استحباب باشد و احتیاط
در عدم ترکست و اگر کسی دست بازی کند با شخصی خواه بحلال و خواه بحرام
و مذی بیاید از و مشهور میان علما آنست که چیزی بر او نیست و حدیث صحیحی
واقع شده که اگر دست بازی بحلال باشد قضا کند روزه آن روز را و اگر بحرام
باشد توبه کند و روزه را قضا کند و اخبار بسیار واقع شده که قضا واجب نیست
ظاهر جمع بین الاخبار اینست که قضا را حمل بر استحباب کنیم پس سنتست قضا کردن
اما احتیاط عدم ترک قضاست خصوصا در حرام و خلافی نیست میان علمای ما
که در شب ماه رمضان چیزی خوردن و آشامیدن جایز است تا وقتی که علم
بطلوع صبح صادق بهم رسد اما اگر کسی خود ملاحظه طلوع صبح نموده باشد
و ظن ببقای شب یا آنکه مخبری خبر داده باشد که شب باقیست هر چند عادل

باشد بنا بر مذهب مشهور و او چیزی بخورد یا بیاشامد و آخر متحقق شود
که وقتی که او خورده و آشامیده است صبح بوده است آن روز را روزه
میدارد و بعضی مسالک از مفطرات می نماید و قضا نمیکند و بحسب ظاهر
درین مسئله خلافی نیست میان علما و روایات صحیحه معتبره برین
دلالت میکند و اگر خود برود و ملاحظه نماید و ظن او غالب شود
ببقای شب و بخورد و بیاشامد و آخر متحقق شود فساد ظنش روزه اش
درست است و قضا نمیکند همچنین که بعضی از روایات معتبره بران
دلالت دارد و مشهور میان علما آنست اما اگر احتیاطا قضا کند به
تر است و این احکام مخصوص ماه مبارک رمضانست و در غیر ماه مبارک
رمضان ظاهر بعضی از اخبار صحیحه آنست که مطلقا خواه واجب باشد
و خواه سنت خوردن با ملاحظه باشد خواه بدون ملاحظه که
روزه او فاسد است و بعضی از علما بهمین مضمون فتوی داده اند و بعضی
از متاخرین ذکر کرده اند که این همچنین است در غیر روزه واجب معین اما
روزه واجب معین حکم ماه رمضان دارد و احتیاط ظاهر است و جمعی از
علما ذکر کرده اند که اگر دو عادل شهادت دهند بر بقاء شب و بخورد اگر
آخر فسادش ظاهر شود قضا واجب نیست و اگر شخصی خبر دهد که صبح شده

و او را بگمان آنکه او دروغ میگوید و خوش طبعی میکند چیزی بخورد روزه ان روز را
تمام میکند و قضا میکند بی خلاف و بعضی از علما ذکر کرده اند که اگر دو عادل
شهادت دهند و او بگمان آنکه خوش طبعی میکنند خورده باشد قضا و کفاره
برو لازم است و در وقت شام ظاهر مشهور میان علما آنست که اگر مانعی
نبوده باشد در حصول علم بوقت جایز نیست عمل بظن کردن بلکه می باید
یقین بدخول وقت بهم رساند حتی قول شده است که بگفته عدلین هم عمل نمی توان
کرد اگرچه بی وجه است و در صورتی که ابر باشد یا مانعی که علم نتوان بهم رسانید
ظاهر عبارات علما اینست که در این صورت ظن کافی است و خلافی نقل نکرده اند
پس هرگاه در صورتی که بظن عمل توان نمود مثل آنکه ابر باشد و او ظن بهم
رساند که شام شده است و افطار بکند و بعد از ان ظاهر شود فساد ظنش
خلافست میان علما جمعی از علما گفته اند که قضا واجب نیست و جمعی گفته اند
که قضا واجبست و از هر دو طرف اخبار واقع شده اما چون اخبار اول اصح
و اکثر است اظهر قول اولست و احادیث قضا محمول بر استحباب می تواند بود
اما احوط و بهتر قضا است و اگر کسی خبر دهد که شام شده است و بگفته او
عمل کند و افطار بکند و بعد از ان متحقق شود فساد آن خبر مشهور آنست
که قضا می باید کرد و بعضی گفته اند که اگر آن خبر مستند باشد بگفته دو عادل

که حجت شرعیست اگر فسادش ظاهر شود قضا واجب نیست و اگر بگفته
شخصی باشد که حجت شرعی نباشد برو واجبست قضا و کفاره و چون درین
باب حدیثی نیافته احتیاط عظیم آنست که در وقتی که این نباشد تا علم
شرعی بهم نرساند نخورد و اگر بخورد کفاره هم احتیاطا نیز بدهد و خلافی
نیست میان علمای ما که در روزه جایز است سرمه و دارو کشیدن بچشم
مطلقا اما خلافی که هست در اینست که این جواز با کراهتست یا بدون
کراهت بعضی گفته اند که جایز است با کراهت و بعضی گفته اند جایز است
بی کراهت و کراهت مخصوص فردیست که در ان سرمه و دارو چیزی تند
باشد مثل مرکه که طعم آن در دهن ظاهر شود و مظنون آنست که مطلقا
جایز باشد با کراهت و در این قسم که دارویی تند داشته باشد کراهتش
بیشتر است از حیثیت جمع میان اخبار صحیحه معتبره و مکروهست بوسیدن
زنان و ملاعبه و دست بازی با ایشان نسبت بجوانانی که خوف منی
یا خوف وقوع جماع باشد و اما نسبت بجماعتی از پیران و مردان ضعیف
الشهوة که این خوف در باره ایشان نباشد ظاهر اینست که جایز باشد
بدون کراهت همچنین که اخبار صحیحه معتبره دلالت میکنند و بعضی کراهت را
مطلقا قایلند و اول اظهر است و بوی خوش کردن و عطریات بر خود

مالیدن و بخور کردن بچیزهای معطر سنت روزه دار را همچنین که اخبار صحیحه
معتبره بران دلالت دارد و اما بوییدن گلهای خوشبو ظاهر بسیاری از احادیث
صحیحه آنست که قصوری ندارد و بعضی احادیث غیر صحیحه وارد شده که
مکروهست بوییدن گلها و کراهت در نرگس بیشتر است و بمضمون این
اخبار اکثر علمای ما فتوی داده اند و اجتناب اولیست خروجا عن الخلاف
و اخبار صحیحه معتبره وارد شده که حجامت کردن در روز روزه قصوری
ندارد و مادام که خوف ضعف یا غلبه سودا یا صفرا نداشته باشد که اگر
خوف یکی از اینها باشد مکروهست و اکثر علما فصد را الحاق بحجامت کرده اند
و بعضی مطلق اخراج خون را از بدن ذکر کرده اند باعتبار اشتراک العلت
و عدم حرمتش اجماعیست و همچنین دخول حمام هرگاه خوف ضعف داشته
باشد مکروهست و بدون خوف ضعف جایز است بدون کراهت همچنین که
حدیث صحیح دلالت بران دارد و خلافی نیست میان علمای ما که مردان در روز
روزه در میان آب میتوانند نشست و آب بر بدن میتوانند ریخت اما جامه را
بر بدن تر کردن یا جامه تر را پوشیدن که ملاصق بدن باشد مشهور میان
علما آنست که مکروهست و چند حدیث نیز واقع شده که دلالت بر کراهت
میکند اگرچه اسانید اینها باصطلاح متاخرین صحیح نیست اما چون مسامحه

درآدله سنن و مکروهات نزد علما تصویب ندارد استدلال کردن
باین اخبار و همچنین مشهور میان علما اینست که نشستن زنان در آب
در روز روزه مکروهست باعتبار حدیثی و حق اینست که اگر عمل
کنیم بروایت قایل بکراهت خواهیم شد و بس و بعضی از علما خنثی
و خواجه سرایان را بزن الحاق نموده اند و اخبار معتبره وارد شده که
شعر خواندن در شب جمعه و روز جمعه مکروهست و در شب مطلقا
مکروهست و در مسجد و در ماه رمضان خواه در شب باشد و خواه در
روز مکروهست و در حدیثی وارد شده که هر چند در فضایل اهل بیت باشد
و صحیحه علی بن جعفر وارد شده که از حضرت سوال کرد از خواندن شعر
در اثنای طواف فرمودند که هر شعری که بدی در آن نباشد قصور ندارد و این
منافات با کراهت ندارد یعنی حرام نیست اما هر شعری که مشتمل بر هجو مسلمانی
یا دروغی یا باطلی باشد حرامست والله اعلم و دیگر چکانیدن چیزیست
در بینی یا چیزی مسحوق را بو کنند که اجزای آن بدماغ برسد و یا بحلق
رود و در خلافست بعضی گفته اند که موجب قضا و کفاره است و بعضی گفته اند
که مکروهست و موجب چیزی نیست و قول آخر اقوی است همچنین که
سابقا ذکر کردیم که چیزی که مخل است اکل و شرب معتاد است بطریق معتاد

و این استسقاط از دو صورت خالی نیست یا اکل و شرب غیر معتاد است
یا معتاد است بطریق غیر معتاد و هر دو را ذکر کردیم که دلیلش تمام نیست و اگر
بحلق نرود با زخلافست بعضی گفته اند که مکروهست و موجب چیزی نیست
و بعضی گفته اند که باعث فساد صوم میشود و موجب قضاست و بعضی گفته اند
که موجب قضا و کفاره است و حق قول اولست و از اخبار در هر دو صورت
چیزی بغیر از کراهت ثابت نمیشود و همچنین در یک حدیثی وارد شده که چیزهای
که بوی بسیار تند داشته باشد مثل مشک و عنبر بو نکنند اگرچه سند حدیث
صحیح نیست و بان حکمی ثابت نمیشود اما اگر عمل کنیم محمول بر کراهت خواهد بود
و احتیاط در ترکست **و در باب نیت** پس بدرستی که ناچار است از نیت قربت
و احوط آنست که قصد کند که روزه میدارم یعنی خود را باز میدارم از مفطرات
مذکوره بعضی را وجوبا و بعضی را احتیاطا و بعضی را استحبابا از طلوع صبح
تا شام لله تعالی یعنی از جهت فرموده الهی و اگر در ماه رمضان قصد داشته باشد
که فردا روزه میگیرم لله تعالی کافیست و احوط در نذر معین آنست که قصد
کند که فردا روزه میدارم لله تعالی از جهت نذر و در روزه سنت کافیست که قصد کند که
فردا روزه میدارم لله تعالی و اگر از روزهای متبرک بوده باشد و خواهد که ثواب
خصوص ایام متبرکه را داشته باشد بهتر آنست که قصد خصوص آن روز بکند

روز عید بضم بردارد روزه میکیرم لله تعالی واکر شک کند باشد مثلا که ماه رجبست یا نیمه رجب یا شعبان

مثل انکه قصد کند که نیمه رجب یا شعبانست همین کافیست که قصد کند
که فردا روزه میدارم لله تعالی واکر چند روزه در ذمه او باشد مثل نذر و
عهد و یمین و کفاره مثلا می باید که قصد هر یك را جدا بکند علی المشهور
والاحوط و همچنین اولی آنست که اکر یکی از اینها بر او واجب باشد قصد همان
بکند مکر انکه متعین باشد که فردا روزه میکیرم لله تعالی همین نیت کافیست
و انچه مشکلست از نیت آنست که غرض او از صوم محض رضای الهی باشد و
قصد بهشت یا خلاصی از جهنم با آن نداشته باشد واکر ممزوج باشد این قصدها با
قصد قربة ظاهرا صحیح باشد و می باید که نیت روزه واجب را در شب واقع سازد
و احوط آنست که مقارن طلوع صبح واقع نسازد بلکه قبل از طلوع صبح صادق
واقع سازد اکر چه متصل باشد بطلوع که چون از نیت فارغ شود صبح طالع
شود و پیش از شام فایده ندارد بلکه می باید که از شام تا صبح واقع سازد
مکر انکه فراموش کند نیت را در شب که در این صورت تا ظهر نیت میتواند کرد
و همچنین روزه قضا را عمدا تا ظهر نیت می تواند کرد و اولی آنست که عمدا تاخیر
نکند تا قریب بغروب هر کاه مفطری بفعل نیاورده باشد مکر بقای بر جنابت
تا طلوع صبح که با وجود آن نیت می تواند کرد بعد از غسل بلکه پیش از غسل نیز
واکر بر جنابت مانده باشد تا طلوع صبح اکر چه عمدا نباشد آن روز را قضا ماه

رمضان نمیتواند کرفت اکر چه شب نیت کرده باشد و جمعی از علما کفته اند که
در ماه رمضان یك نیت از اول ماه کافیست بلکه بهتر است ولیکن اولی
آنست که هر شب نیت بکند واکر جمع کند اکمل است و در یوم الشك که روز
آخر شعبانست بهتر آنست که روزه بکیرد بقصد سنت واکر ظاهر شود
که از ماه بوده است همان نیت کافیست بی دغدغه واکر در اثنای روز ثابت
شود که از ماه رمضانست واجبست که تجدید نیت ماه رمضان کنند در وقت
ظهور و جایز نیست که روزه یوم الشك را بقصد واجب بدارد از ماه رمضان
ادا و آنکه بقصد قضا و نذر می تواند کرد بقول بعضی واکر ظاهر شود که از ماه رمضان
بوده است مجزی است از ماه رمضان واکر ظاهر نشود احتیاطا قضا کند و از
نذر یا قضا حساب نکند احوط است واکر تردید کند نیت را که اکر از ماه رمضان
باشد روزه رمضان باشد واکر از شعبان باشد روزه شعبان باشد ظاهرا
صحیح باشد بشرط انکه قصد سنت کرده باشد اما اکر قصد کند که اکر ماه رمضان
باشد واجب باشد والا سنت مشهور بطلان است و وجوب قضا و این احوط است
بلکه در صورت سابق نیز اولی قضا است واکر یوم الشك را قصد روزه نکند
و پیش از ظهر شود که از ماهست قصد روزه میکند و صحیح است واکر مفطر
واقع نساخته باشد واکر مفطر بفعل آورده باشد یا بعد از ظهر ظاهر شود

بقیه روز را واجبست امساک نمودن و قضای آن روز واجبست و اگر در صورت
اول نیز قضا کند احوط است و اگر در ماه رمضان در شب عمداً نیت نکند
و پیش از ظهر نیت کند واجبست که این روز را تمام کند و قضا کند و بعضی گفته اند
که کفاره لازم است و آن احوط است و اگر شب نیت کرده باشد و روز اراده
افطار کند و افطار نکند و از آن اراده برگردد و تجدید نیت کند جمعی گفته اند
که باطل کرده است و روزه اش صحیحست و جمعی قایلند بقضا و جمعی بقضا و کفاره
و اول اظهر است و ما بقی احوط و اگر در روز محتلم شود روزه اش باطل نمیشود
و ظاهرا بول می تواند کرد و آنرا استبرا می گویند و اگر گوید بعد لیلی برآرد که
هر استبرائی سهل است و اگر مشکل باشد و تاخیر کند بول کردن را تا شام احوط است
و بهتر آنست که بخواب نرود مرتبه دیگر تا غسل نکند و همچنین هرگاه شب محتلم
شود بخواب نرود تا غسل نکند استحباباً و درین باب چند مسئله است اول
آنچه مذکور شد که روزه را باطل می کند هرگاه عمداً عالماً باشد بجهت نفرت است
و اگر از روی فراموشی واقع شود بر وی چیزی نیست از قضا و کفاره و اگر جاهل
مسئله باشد مشهور آنست که قضا لازم است نه کفاره و احوط کفاره است
خصوصا در اکل و شرب و اگر جماع را جاهلا واقع ساخته باشد اولی آنست که
قضا کند بقصد احتیاط و کفاره بقصد احتیاطا و اگر بی اختیار او چیزی بحلق

نرود مانند مگس و پشه روزه اش صحیحست و اگر کسی با تخویف کند یا از روی
تقیه یوم الشک را بخورد یا آنکه بر وی ظاهر باشد که از ماهست مشهور آنست که
روزه اش صحیحست و احوط قضاست دویم باکی نیست مکیدن انگشتر و خاییدن
طعام از جهت طفل و چشیدن طباخ نمک طعام را و دانه بخورد مرغان دادن
با آنکه در دهان کند و بخورد ایشان دهد و اگر در این صورتها بحلقش رود
سهواً موجب قضا نیست علی الاظهر و اگر بعبث آب بدهان کند یا طعامی را
خاید و اندازد و بی اختیار یا سهواً بحلقش رود احوط قضاست سیم جایز است
مرد را در آب نشستن هرچند بجهت دفع تشنگی باشد چهارم جایز است مسواک
کردن بچوب تر و خشک در اول روز و آخر روز و اولی بلکه احوط آنست که
در آخر روز بچوب تر مسواک نکند و اگر آب دهان را بیندازد بد نیست و ملاحظه
کند از آنکه در وقت مسواک کردن مسواک تر از دهان بیرون نیاید که باز
بدهان برد و آبش را فرو برد که در غیر قضا و کفاره جمع میشود چون آب
دهان که بیرون آمد خبیث و حرامست علی المشهور بین الاصحاب بلکه بهتر آنست
که بعد از مسواک برطب و بعد از مضمضه سه مرتبه آب دهان را بیندازد پنجم کفاره
ماه رمضان بنده آزاد کردنست یا دو ماه متوالی روزه گرفتن یا شصت مسکین را
طعام دادنست هر مسکینی را مدی از طعام و آن یکصد و پنجاه و سه مثقال و نیم

و ربع ربع مثقال صیرفی یا مسکینی را از طعام سیر کنند و احوط آنست
که نان در سفره باشد که اگر خواهد نان بخورد یا چیزی دیگر و ظاهر آنکه اطعام
برنج کافی باشد بلکه بهتر و هر گاه یکماه هلالی و یکروز بدارد هر چند
از اول ماه ابتدا نکند که تتابع بفعل آمده است و اگر باقی را جدا جدا بگیرد
بد نیست و لیکن احوط آنست که باقی را متتابع بگیرد و احوط آنست که اگر
ممکن باشد بنده آزاد کند و اگر قدرت بر آن نداشته باشد دو ماه متوالی
روزه بگیرد یا شصت روز هر گاه از میان ماه روزه بگیرد و اگر نتواند
روزه گرفتن یا نتواند جدا جدا روزه گرفتن شصت مسکین را طعام دهد
و اگر از این نیز عاجز باشد هجده روز روزه بگیرد و اگر نتواند و احوط آنست
که جدا جدا روزه بگیرد و اگر نتواند بگوید استغفر الله بقصد توبه و احوط
احوط آنست که اگر بعد قدرت بهم رساند یکی از این سه کفارات را بجا بیاورد
احتیاطاً و اگر افطار بحرامی کرده باشد هر سه کفاره را بفعل می‌آورد خواه افطار
بشراب باشد یا زنا یا مال حرام یا در حیض وطی کرده باشد و امثال اینها و اگر چند
روز را افطار کند بعدد روز کفاره میدهد و ظاهر اینکه کفاره بیشتر واجب
و اگر در یک روز چند مفطر بعمل آورد مثل آنکه طعام بخورد و آب بخورد و جماع بکند
و استمنا بکند بعضی از علما گفته‌اند بعدد مفطر کفاره میدهد و ظاهر اینکه کفاره

بیشتر واجب نباشد و احوط تعدد کفاره است بتعدد اکل یا شرب خصوصاً
جماع کرده در روایتی وارد است که در هر جماعی یک کفاره میدهد بلکه جمعی گفته‌اند
که از برای هر فرو بردنی و داخل کردنی اکل یک کفاره میدهد و این قول احوط است
بنهایت احتیاط و اگر افطار کند روزه قضاء ماه رمضان را پیش از ظهر جایز است
و کفاره ندارد و اگر بعد از ظهر افطار کند ده مسکین را طعام دهد و اگر
عاجز شود سه روز روزه بگیرد و بهتر آنست که کفاره ماه رمضان را بدهد
و اگر قسم یاد کرده باشد بخدا که روزی معین را روزه بدارد مثل روز اول ماه
و عمداً آن را افطار کند می‌باید که بنده آزاد کند یا ده مسکین را بپوشاند
و احوط آنست که هر مسکینی را دو جامه بدهد اگر چه پیراهن و زیر جامه باشد
و اگر از این هر سه عاجز باشد سه روز جدا جدا روزه میگیرد و اگر عهد کرده باشد
با حق تعالی بآنکه گفته باشد عاهدت الله که هر پنجشنبه را روزه بدارد و افطار
کند آن کفاره آن مثل کفاره رمضانست و اگر نذر کرده باشد بآنکه گفته باشد
که اگر حق تعالی بیمار مرا شفا دهد سه روز اول ماه رجب را روزه بدارم و مریض
او شفا یابد و وفا بنذر نکند ظاهر مخیر است میان کفاره ماه رمضان و کفاره
یمین و بهتر کفاره ماه رمضانست خصوصاً در مخالفت نذر صوم و اگر روزه
ماه رجب را نذر کرده باشد و عاجز شود از آن بخورد و هر روز مسکینی را طعام

دهد یک مد و بهتر دو مد است واحوط آنست که قضا کند با امکان
وصیغه نذر لله علیّ است واحوط آنست که اگر بفارسی گفته شود که
خدا را است بر من که روزه بدارم یا در دل با خدای تعالی عهد کند یا
نذر کند یا قسم یاد کند و بزبان نگوید انها را بجا آورد احتیاطا واگر
ترک کند کفاره انرا بدهد احتیاطا واگر نذر و عهد و یمین معین نباشد
کفاره لازم نیست اگرچه افطار بعد از زوال باشد و بهتر آنست که چون
شروع کند تمام کند و افطار نکند پیش از زوال و بعد از زوال ششم
هرگاه صبح طالع شود و در دهان او چیزی باشد واجبست که بیندازد
واگر فرو برد عمدا قضا و کفاره بر او واجبست هفتم هرگاه شخصی ماه رمضان را
خود دیده باشد و کسی دیگر ندیده بر او واجبست که روزه بدارد که بر او واجب
میشود که چون دید روزه گیرد واگر افطار کند قضا و کفاره بر او لازمست
هشتم در شب جماع میتوان کرد تا این مقدار که چون فارغ شود پیش از صبح غسل
تواند کرد واگر گمانش این باشد که این مقدار وقت هست و ظاهر شود که این قدر
وقت نمانده است غسل میکند و روزه اش صحیحست هرگاه خود مراعات
کرده باشد واگر رعایت نکرده باشد و چون فارغ شود از جماع صبح شود احوط
قضا است واگر جماع در روز واقع شود بگمان بقای شب قضا واجبست

علی المشهور والاحوط نهم اگر مرد و زن طوعا جماع کنند بر مرد و کفاره واجبست
و هر یکی را بیست و پنج تازیانه میزنند واگر مرد اکراه کند زن را بر جماع کفاره زن را
مرد میدهد و پنجاه تازیانه میزنند مرد را علی المشهور والاحوط واگر اول مرتبه
باکراه باشد و بعد از آن راضی شود در حال جماع مرد دو کفاره میدهد و زن
یک کفاره واگر باکراه زنا کند با زنی یک کفاره میدهد و احوط تعدد است
و روزه زن در جمیع صور اکراه صحیحست مگر در صورتی که زن در اثنای
جماع راضی شود دهم اگر کسی افطار کند روزه ماه رمضان را و حلال داند
کافر میشود پس اگر مسلمان زاده باشد واجب القتل میشود و توبه قتل از و
ساقط نمیشود واگر توبه کند ظاهر اینست که توبه او فیما بینه و بین الله تعالی صحیح است
و عبادات او بعد از آن صحیحست و پاک میشود و زن بر وی حلال میشود
واگر در اثنای عده توبه کند واگر بعد از عده باشد تجدید نکاح لازم است
واکثر علما توبه او را مقبول نمی دانند واگر کافر زاده باشد و مسلمان شده
باشد و روزه را مستحلا خورده باشد او را توبه میفرمایند در سه روز اگر
برنگردد میکشند واگر توبه کند توبه او مقبولست واگر داشته باشند با آنکه در
جائی باشد که نشنیده باشد که روزه واجبست توبه ایشان مقبولست
و قتل ساقط میشود و همچنین انکار هر چیزی که از ضروریات دین بوده باشد

مثل نماز و زکات و حج و حرمت شراب و زنا و لواطه و ربا و امثال اینها فصل
سیم در وقت صوم است و آن روز است هر شب پس اگر نذر کند روزه شبها
یا شبانه روز را آن نذر منعقد نمی شود و احوط آنست که اگر نذر شبانه
روز کرده باشد روز را روزه بگیرد و حرام است روزه عید رمضان و
عید قربان و سه روز بعد از آن اگر در منی باشد پس اگر نذر این ایام
کند منعقد نمی شود و همچنین اگر نذر کند اینها را یا غیر اینها و احوط روزه
آن غیر است و اگر نذر کرده باشد که هر پنجشنبه روزه بدارد و آن روز عید
یا در ایام تشریق واقع شود یا مسافر شود یا بیمار شود افطار میکند آنرا
و در روز دیگر قضا میکند احتیاطا مگر آنکه نذر کرده باشد که همیشه روزه
باشد در سفر و حضر در این صورت در سفر نیز میگیرد و جایز نیست در سفر
روزه گرفتن ماه رمضان را و احوط آنست که هیچ روز را در سفر روزه نگیرد
مگر نذر معین را که احوط آنست که بگیرد باین قصد که اگر مطلوب الهی بوده باشد
فبها و الا امساکی باشد عبث و جایز نیست روزه داشتن ایام بیماری هرگاه
روزه ضرر رساند بانکه سبب زیادتی مرض شود یا بسبب آن مرض طویل شود
و آنچه افطار کرده باشد از ماه رمضان آنرا قضا میکند واجبا و نذر معین را
قضا میکند احتیاطا و در ضرر رجوع بنفس خود میکند اگر خود را یابد که روزه در

مضرتست افطار میکند و اگر خود را بیابد با طبای حاذق عادل میکند
و اگر ایشان مختلف باشند احتیاطا روزه میگیرد و قضا میکند و احکام
مسافر مذکور شد در باب سفر در هر جا که باشد نماز را قصر میکند روزه را میخورد
فصل چهارم در بیان حال مکلفست که روزه برو واجبست و از و صحیح است
و او بالغ و عاقل مسلمان صحیح مقیم یا در حکم مقیم خالی از حدث جنابت و حیض
و نفاس است و همچنین استحاضه در بعضی از صور علی المشهور پس واجب نیست
روزه قبل از بلوغ و همچنین در ایام جنون و همچنین در ایام بیهوشی و روزه
بر کافر واجبست و اما از و صحیح نیست همچنین است حکم مخالف امامیه از فرق
اسلام و بر مسافر نیست و صحیح نیست از و همچنین مریض و تفصیل حکم هر دو
گذشت بر حایض و نفسا واجب نیست و صحیح نیست از ایشان اگر روزه بگیرند
و همچنین در مستحاضه در بعضی از صور علی المشهور بین الاصحاب و حکم جنابت
سابقا بتفصیل مذکور شد و اما روزه صبی صحیحست بنا بر مذهب مشهور
و از دیوانه و بیهوش صحیح هم نیست و چون پسر را پانزده سال تمام شود بالغ
میشود و جمیع عبادات واجبه برو واجب میشود باجماع و همچنین باحتلام و
یا بروییدن موی درشت بر پشت زهار و دختر بتمام شدن نه سال بالغ
میشود و بعلامات مردان که گذشت و بحیض و حمل و می باید که اطفال را

بروزه بدارند و در هفت سالگی بهر مقداری که توانند کو وقت اگرچه بعضی
از روز باشد و مبالغه در نه سالگی بیشتر بکنند و در سیزده سالگی بیشتر
واحوط آنست که در این سن روزه را تمام بگیرد و بقصد واجب بگیرد
فصل پنجم در اقسام روزه است و آن چهار است واجب و سنت و مکروه
و حرام اما روزه واجب روزه ماه رمضانست و روزه کفاره و ده روز بدل
هدی در حج تمتع کسی را که هدی نداشته باشد و روزه نذر و عهد و یمین
و اجاره و تحمل از پدر و روزه روز سیم اعتکاف چنانچه مذکور خواهد شد
انشاء الله تعالی و روزه قضا اما روزه ماه رمضان پس واجب میشود بدیدن
مکلف ماه را یا آنکه جمعی به بینند که از گفته ایشان علم حاصل شود و یا دو
مرد عادل گواهی دهند و بعضی گفته اند که اگر مانع نباشد مثل ابر و غبار
و بخار بکمتر از پنجاه کس ثابت نمیشود و اعتباری ندارد بتقویم و نه غایب شدن
هلال بعد از شفق یا آنکه کوبلند و شبه است و همچنین طوق زدن هلال
و همچنین عمل نمیتوان کرد بعدد که ماه رمضان را سی و شوال را سی کم یک
و یا یکماه سی و یکماه سی کم یک و همچنین عمل نمیتوان کرد بحساب خمسه و آنچنانست
که اگر اول ماه رمضان گذشته شنبه بوده باشد اول این ماه رمضان
می باید چهارشنبه باشد مگر در سال کبیسه که شش روز حساب میکنند و بر این

از اینها روایات واقع شده است و جمعی از علما قایل شده اند مطلقا و بعضی در صورت
عدم صحو و لیکن معارض است باخبار صحیحه که مدار بر روایت است و سابقا در
باب رؤیت هلال احادیث آنرا و استدلال آنرا بیان نموده شد و همچنین در روایات
معتبره وارد شده است که اگر قبل از زوال دیده شود آن روز از ماه آینده است و احوط
آنست که اگر در اول ماه رمضان دیده شود آن روز را روزه بگیرد و احتیاطا و همچنین
در آخر ماه و احوط آنست که اگر ماه رمضان سی کم یک دیده شود یک روز را قضا کند
که سی تمام تا بجمیع روایات عمل کرده باشد و اگر شخصی اسیر کفار شده باشد و اگر یا در حبس
بوده باشد و نداند که کدام ماه ماه رمضانست تخمین میکند یکماه را روزه میگیرد
پس اگر این اشتباه بماند آنچه کرده است مجزی است و اگر اشتباه زایل شود پس اگر روزه
که گرفته است در ماه رمضان باشد یا بعد از آن صحیح است و اگر قبل از رمضان
گرفته باشد همان را قضا میکند و در این چند مسئله است **اول** سنت است که روز
سی ام شعبان را روزه دارد به نیت سنت پس اگر افطار کند و شب بیست و نهم
ماه را به بیند واجبست که یک روز را قضا کند و اولی آنست که دو روز را قضا کند
دویم هرگاه ماهها مشتبه شود تا سه ماه سی سی حساب میکنند و بعد از آن خلافست
و احوط آنست که اگر ماه شعبان ماه چهارم باشد آنرا سی کم یک حساب بکنند و روزه
بگیرد بقصد قربت و اگر یک روز پیشتر روزه بگیرد بهتر است بقصد سنت و پیشتر بهتر

واگر بخورد جایز است واگر ظاهر شود که از ماه بوده است قضا کند و در روایات
معتبره از ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده است در باب گرفتن روزه یوم
الشک که اگر کسی یک روز از ماه شعبان را روزه گرفته باشم بهتر از آنست که یک روز
از ماه رمضان را خورده باشم پس اولی آنست که هر روزی که محتمل باشد که
از ماه رمضان باشد بگیرد استحباباً سیم وقت امساک از طلوع فجر صادق است
که سفیدی در عرض افق ظاهر شود یقیناً پس اگر شک داشته باشد [illegible]
که ملاحظه افق بر بلندی نماید که حایل نباشد یا در صحرایی که حایل نباشد میتواند
خوردن تا یقین بصبح حاصل شود واگر در صورت اشتباه افطار نکند بهتر است
و اولی و انتهای امساک غروبست و اشهر میان علما و روایات و احوط ذهاب حمره
مشرقیه است بآنکه سیاهی ظاهر شود تا سمت الراس و احوط آنست که در وقتی
که سرخی عظیم زایل شود و اندک غبار مایل بسرخی مانده باشد افطار نکنند و
بعضی قایلند که افطار میتوان کردن هرگاه قرص غایب شود و برین قول روایات
دلالت میکند ولیکن خلاف احتیاط است چهارم سنت که چون نماز شود اول
مشغول بنماز شود و بعد از آن افطار کند مگر آنکه جمعی انتظار او کشند که تا او افطار
نکند ایشان افطار نکنند پس در این صورت اولی آنست که با ایشان افطار کند
واگر ممکن باشد که بعد از افطار نماز را پیش از ذهاب حمره مغربی بجا آورد بهتر است

والا رعایت ایشان کند واگر خود نیز صبر نتواند کرد اولی آنست که افطار بآب و لقمه
نانی یا خرمایی بکنند و مشغول نماز شود پنجم هرگاه طفل بالغ شود یا دیوانه عاقل
شود یا مغمی علیه بهوش آید یا کافر مسلمان شود پیش از صبح آن روز را روزه واجبست
بدارد واگر بعد از صبح واقع شود احوط آنست که اگر قبل از ظهر واقع شود یکی
از امور مذکوره و افطار نکرده باشند آن روز را روزه بگیرند واگر مفطری بفعل
آورده باشند آن روز را قضا کنند احتیاطاً واگر بعد از ظهر موانع ایشان زایل شود
یا قبل از ظهر صحیح شود که نتوانند روزه گرفتن یا مسافر قبل از ظهر بخانه خود آید یا
از حد ترخص شهری بجاوز نماید که قصد داشته باشد که در آنجا اقامت ده روز نماید
روز یا بیشتر یا از حد ترخص ملکی کند که در آنجا شش ماه بوده باشد چنانکه گذشت
در باب سفر و مفطری بفعل نیاورده باشند واجبست که آن روز را روزه بگیرند و
اگر بعد از ظهر باشد یا قبل از آن و افطار کرده باشند امساک میکنند استحباباً و قضا
میکنند و حایض و نفسا اگر عذر ایشان پیش از صبح زایل شود آن روز را واجبست
روزه گرفتن و احوط آنست که اگر ممکن باشد پیش از صبح غسل بکنند و الا تیمم کنند
احتیاطاً و بیدار باشند تا صبح و همچنین احوط است که مستحاضه کثیره و متوسطه
پیش از صبح قریب بآن غسل را واقع سازند با امکان و الا تیمم کنند و صبح را با تیمم
دریابند و احوط آنست که بواسطه نماز صبح تیمم دیگر بکنند اگر غسل ممکن نباشد

اورا و مستحاضه کثیره غسلی دیکر میکند بواسطه نماز ظهر و عصر و روزه واحوط
آنست که متوسطه نیز این غسل را بکند و همچنین غسلی میکند از برای نماز شام
وخفتن و روزه احتیاطا واحوط آنست که مستحاضه کثیره و متوسطه ابزای
هر نمازی وضو سازد و قصد مباح بودن نماز و روزه هر دو بکند بد نیت
بانکه قصد کند که وضو میسازم از جهة مباح بودن نماز و هر چه مباح میشود
بوضو قربة الی الله تعالی واکر حایض و نفسا بعد از صبح عذر ایشان زایل شود
انروز را امساک میکند استحبابا و قضا میکنند و همچنین اکر قبل از غروب حیض
ونفاس بیاید روزه آنروز باطل میشود و قضا می کند و امساک ایشان سنت
نیست در اینصورت **ششم** هرکاه نیت کند و بخواب رود تمام روز روزه انی
صحیحست واکر نیت نکرده باشد و پیش از ظهر بیدار شود و نیت کند صحیح است
واکر بعد از ظهر بیدار شود انروز را امساک میکند واجبا و قضا میکند و
جمعی از علما کفته اند که شخصی که بیهوش حکم نایم دارد واحوط قضاست **هفتم**
بیماری که از روزه ضرر یابد واجبست که افطار کند و قضا کند واکر روزه بدارد
صحیح نیست و واجبست قضا واکر مشتبه باشد ضرر و عدم ضرر احوط ا سنت
که روزه بکیرد و قضا کند احتیاطا **هشتم** اکر مسافر مسئله داند که در سفر روزه
جایز نیست و روزه بدارد صحیح است و قضا میکند واکر در اثنا روز عالم شود
باطلست و قضا میکند واکر جاهل مسئله باشد و روزه بدارد م

مسئله را افطار میکند و قضا میکند اکر پیشتر مسئله را داند و فراموش کرده
روزه بکیرد احوط آنست که قضا کند **نهم** واجبست روزه در سفر کردن بیکاری
و ملاح و صحرانشینان که طالب آب و علف اند و مکانی مقرر ندارند و پیله
وران و کسی که قصد سفر نداشته باشد مثل طالب غلام کریخته یا کسی که باستقبال
شخصی رود و نداند که در کجا با وی میرسد و کسی که سفر او معصیت باشد مانند
راه زنان یا کسی که بشکار لهو رود یا بسفری رود که غرضش ضرر بر مسلمانان
باشد یا بقصد تحصیل مناصب باطله رود و یا باجرای آن و جمعی از علما کفته اند
که هرکاه بر شخصی طلب علم واجب باشد و در سفر ممکن نباشد اکر بسفر رود
واکرچه بقصد زیارت قبور ائمه معصومین علیهم السلم باشد می باید که نماز را
تمام کند و روزه بکیرد و منقولست که آخوند مولانا احمد اردبیلی رضی الله عنه
وقتی که از نجف بکربلا می امدند بواسطه زیارت در اثنا سواری مطالعه
میکردند و مع هذا احتیاطا جمع میان قصر و اتمام میکردند که مبادا سفر معصیت
باشد که چون در حضر مطالعه بیشتر میتوانکرد و این نهایت احتیاط است و احکام
سفر با بقا در باب آداب سفر مذکور **فصل ششم** در شروطیست که باعتبار آن
قضا واجب میشود و سایر احکام قضا واجبست قضا هرکاه ترک کرده باشد بالغ
عاقل مسلمان که با هوش باشد پس روزه که در حالت طفولیت ترک کرده باشد قضا

واجب نیست و احوط آنست که هرچه بعد از سیزده سالکی ترک کرده
باشد قضا کند و اکر کفاره نیز بدهد نهایت احتیاط خواهد بود و
همچنین واجب نیست قضاء روزه که از و ترک شده باشد در حالت بیهوشی اگرچه
اگرچه مجنون دوری باشد و در اثناء روز دیوانه شود و بخورد ساعتی
و با نبخود آید بعد از ان قضای آن واجب نیست ولیکن سنتست اما اکر
خود شراب خورده باشد باختیار خود در شب و روز مست باشد قضا
میکند و همچنین اکر عمدا بیهوش دارو بخورد اما اکر جبرا مست شود یا
بیهوش دارو بخوردا و دهند اظاهر ا قضا لازم نباشد و اکر احتیاطا
قضا کند بهتر خواهد بود اما اکر بخواب رود و بی نیت و بعد از ظهر بیدار شود
تتمه روز را امساک میکند واجبا و قضا میکند و کافر اصلی مسلمان شود
قضا نمیکند ایام کذشته را حتی ان روزی را که مسلمان شده است اکر بعد از
ظهر مسلمان شود یا پیشتر از ظهر و چیزی خورده باشد و اکر چیزی نخورده
باشد احوط روزه کرفتن است و اکر بخورد قضا کند احتیاطا و اکر مسلمانی
مرتد شود و بعد از ان توبه کند قضا میکند مانند شخصی که قاتل نبی صلعم
باشد و انکار کند ضروری از ضروریات دین را مثل حدوث عالم یا وجوب
صوم یا حرمت شراب انکور را که روزه را که کرفته است قضا میکند بعد از

توبه و اکر ناصبی یا غالی یا غیر ایشان از فرقهای اهل سنت یا شیعه مثل زیدی
شیعه اثنا عشری شیعه شوند هرچه کرده اند در مذهب خود قضا نمیکنند
و هرچه را ترک کرده اند قضا میکنند هرچند که ان روزها باطل بوده است
ولیکن حق سبحانه و تعالی از ایشان نطلبید بتفضل خود و ایشان حکم کفار
دارند در شیعه شدن در اثناء روز و در این باب چند مسئله است اول
سنت است که قضای روزه را زود بکنند و بتاخیر نیندازند و پی در پی بکنند و
فاصله واقع نشاند دویم کسی که روزه واجب داشته باشد روزه سنت
نکیرد مکر انکه واجب را نتواند کرفت و بعضی از علما جایز میدانند مثل انکه
کفاره روزه بر وی واجب شده باشد و ماه شعبان داخل شود روزه
شعبان را میتواند کرفت بقصد سنت چون در کفاره دو ماه متتابع شرط است
که یکماه و یکروز وقت داشته باشد سیم هرگاه روزه را بواسطه بیماری
خورده باشد اکر در ان مرض بمیرد قضای آن واجب نیست و اکر از ان بیماری
به شود و قادر شود بر قضای انچه خورده است و قضا نکند و بعد از ان بمیرد
از و قضا میکنند و بسر وجهی از علما کفته اند که سنت است وارث قضا کند
انچه او را قدرت بهم رسیده است و بهتر آنست که وارث روزه بکیرد و نوا ب
انرا باو قربت کند به نیت چهارم هرگاه بیماری بکشد تا ماه رمضان دیکر قضا واجب نیست

هر روز از ماه رمضان المبارک این بکوید
اللهم ما مضى من شهر رمضان
فتقبله منا تقبلا حسنا وما بقى منه
فوفقنا لصالح الاعمال واكتب لنا برائة
من النار وامانا من العذاب وجوازا
على الصراط ونصيبا من الجنة برحمتك
يا ارحم الراحمين

وبواسطه هر روزی مدّی از طعام میدهد بمسکینی و اگر دو مد بدهد بهتر است
و اگر قضا نیز بکند احوط است و اگر از آن بیماری صحت یابد و تقصیر کند در
قضا بانکه عازم باشد بر عدم قضا تا ماه رمضان دیگر همین ماه را
میگیرد و ماه رمضان سابق را بعد از آن قضا میکند و کفاره واجب میشود
و اگر عازم بر قضا بوده باشد و موانع بهم رسد تا ماه رمضان دیگر قضا می کند
از بعد از رمضان و کفاره واجب نیست و اگر عزم بر قضا و عدم قضا
هیچیک نداشته باشد بانکه متردد باشد و قضا نکند کفاره ماه اول لازم است
و بواسطه ماههای دیگر کفاره احوط است پس اگر سه سال گذشته باشد
احوط آنست که بواسطهٔ هر روزی سه مُد کفاره بدهد و اگر روزهٔ ماه
رمضان فوت شود بواسطهٔ سفر و عذرهای دیگر غیر بیماری و تقصیر
در قضا کرده باشد احوط آنست که کفاره بدهد **پنجم** واجبست بر پسر
بزرگتر که قضا کند روزهٔ را که از پدرش فوت شده باشد بواسطه عذری
با قدرت بر قضای آن اگر قضا نکرده باشد و جمعی از علما قائل اند بوجوب
قضا بر وارث بزرگتر مثل برادر بزرگتر مثلا و این احوط است و بعضی گفته اند
که بر وارث زن نیز لازم است هرگاه بزرگتر باشد و وارث مرد نباشد و این
بهتر است و احوط آنست که ولی قضا کند هرچه را فوت شده باشد از میت و اگر

چه عمداً بی عذر ترک کرده باشد اما اگر میت زن بوده باشد مشهور میان
علما آنست که قضا واجب نیست و احوط آنست که وارث از این نیز بجا آورند
و احوط آنست که هرچه در سفر فوت شده باشد بجا آورند هرچند
ممکن نشده باشد بر قضا و احوط آنست که پسر بزرگتر خود بجای آورد
و کسی را اجیر نکند مگر آنکه میت وصیت کرده باشد که از مال او استیجار
نمایند صلوة و صوم را که در این صورت دور نیست که استیجار توان
کرد و از او ساقط شود خصوصا هرگاه ولی از عهده خود بیرون نتواند
آمدن بانکه نماز قضای بسیار داشته باشد و یا مسائل نماز ندانند یا
قرائت را درست نکرده باشد اگرچه احوط آنست که هم را درست کند
و قضای خود و میت را هر دو بجای آورد و اگر ولی صغیر باشد بعد از بلوغ
بجا آورد احتیاطا و اگر با قضای هر روز مدی از مال میت تصدق کنند احوط است
با رضای ورثه و الا ولی از مال خود بکند احتیاطا جمعا بین الاخبار و الاقوال
و اگر ولی اکبر دو یا بیشتر باشد قسمت میکنند و اگر روزی بماند که آن روز را
هر دو میکنند بهتر است و اگر یکی بکند کافی است **ششم** در روایات صحیحه
وارد شده است که هرگاه شخصی غسل جنابت را فراموش کند تا آخر ماه رمضان
قضا میکند نمازها و روزها را و در قضا نمازها خلافی نیست اما قضا

روزها را اکثر علما حمل کرده اند بر استحباب و احوط آنست که ترک نکند **هفتم** کسی که قضای
ماه رمضان کند تا ظهر می تواند افطار کردن و احوط آنست که اگر شب نیت
کرده باشد تا جائی وارد شود و باید که ایشان از خوردن روزه خوشحال
نخورد و در روزه سنتی تا شام می تواند خورد خصوصا هرگاه
میشوند در اینصورت اگر بگوید که روزه ام و بخورد ثواب روزه یکساله
دارد و اگر بگوید که روزه ام و بخورد هفتاد ثواب یا نود ثواب مثل آن
روز دارد اگر میگرفت **هشتم** هرگاه روزه کفاره رمضان اگیرد و یکماه
و یکروز نشده او را عذری بهم رسد مثل بیماری و یا شب محتلم شود و بعد
از صبح بیدار شود مشهور آنست که بعد از زوال عذر تتمه را میگیرند و بعضی
گفته اند که از سر میگیرد و این احوط است **نهم** هرگاه جزم بقضا نبوده باشد
ظاهرا جایز بوده باشد که احتیاطا قضا کند با آنکه نیت کند که اگر مشغول الذمه
باشم بقضای ماه رمضان قضا باشد و الا سنت باشد قربة الی الله و همچنین
اگر وصیت کند که از جهة او استیجار کنند صوم را احتیاطا جایز است
بلکه مستحب و شخصی را که استیجار میکند وصی مشهور آنست که میباید
عادل باشد و مسائل صوم را داند و آن اجیر چنین نیت میکند که فردا
روزه میگیرم قضای ماه رمضان بنیابت فلان واجب قربة الی الله تعم
و اگر اجیر بداند که این قضای احتیاطی است همین نیت کافی است و بهتر

آنست که قصد کند که از جهة وجوب این بر فلان باصالت و بر من بنیابت
و اگر بجب ظاهر صالح و مظنون باشد که کند ظاهرا کافی باشد و احوط آنست
که وصی رعایت کند که مسایل را داند که تا عبث نباشد و ضامن نیز نباشد
مثل صلوة و حج **دهم** در روزه ترتیب واجب نیست خواه خود بکند و خواه
دیگری مثل آنکه هرگاه قضای سابق داشته باشد و الحال از وی قضا شود
اگر اول قضای الحال را بکند درست است بخلاف نماز علی المشهور که میباید
اول سابق را کردن و بعد از آن لاحق را و همچنین در قضای صوم چند کس را
اجیر می تواند کرد که با هم روزه بگیرند بخلاف صلوة که در آنجا وقت را
قسمت می باید کردن که با یکدیگر نکنند **یازدهم** همچنانکه ترتیب میان روزه
قضای ماه رمضان واجب نیست همچنین در میان قضا و کفاره و نذر و
غیر آن لازم نیست اگر چه رعایت ترتیب کند بهتر است الاول فالاول
دوازدهم وجوب قضا و نذر و عهد و یمین غیر معین فوری نیست و تاخیر
با امکان جایز است و اولی بلکه احوط آنست که تاخیر نکند مع الامکان **اما**
روزه سنت پس اقسام او آنچه اهم است پانزده است **اول** روزه سنت رسول
الله صلی الله علیه واله چنانچه در اخبار صحیحه وارد شده است از ائمه علیهم السلم
که حضرت رسول صلی الله علیه واله مدتی همیشه روزه میگرفتند بمرتبه که

میگفتند دیگر حضرت ترک روزه نخواهد کرد و مدتی افطار میفرمودند
که مردمان میگفتند که دیگر روزه نخواهد گرفت و دیگر مدتی روزه داشتند و
میگرفتند که یکروز میگرفتند و یکروز افطار میکردند تا آخر روزه هر ماه
سه روز مقرر ساختند و فرمودند که هر که این سه روز را روزه دارد همانست
که همیشه روزه داشته است و چون ماهی سی روز است غالبا و حق تعالی فرموده است
که مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا یعنی هر که یک حسنه بکند حق تعالی یک را ده
در نامهٔ عمل وی مینویسد و فرمودند که این روزه وسوسهٔ شیطان را از دل
بدر میبرد و آن پنجشنبه اول ماه است و چهارشنبه اول از دههٔ دویم و
پنجشنبه آخر ماه و این روزه دفع عذاب الهی میکند در دنیی و عقبی و می باید که
چون این روزه را دارد و با مردم جدال و نزاع نکنند و قسم دروغ بلکه راست
نیز نخورد و اگر کسی با او در مقام درشتی در آید تحمل کند و جواب نگوید و اگر
بدون عذری ترک کند قضا کند و اگر در تابستان دشوار باشد در زمستان
بجای آورد و بهتر آنست که در غیر این سه روز قضا کند و سه روز زمستان را
ادا کند و ظاهر اگر در آن سه روز بکند و قصد ادا و قضا هر دو بکند مجزی
باشد و اگر عاجز باشد بدل هر روزی مدی از طعام بر هد یا مؤمنی را طعام
کند و اگر یک درهم بدهد بهتر است و این روزه بهترین روزهاست و

و مبالغه در وی پیش از همه واقع شده است هر چند ثواب بعضی بیشتر وارد شده
است و یکدرهم سه بیستی و سه نار است و اگر سه بیستی و یک تار کی بدهد
بهتر است **دویم** روزهٔ تمام ماه رجب است و آن ماه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلم است
و احادیث بسیار در فضیلت آن از سید ابرار و ائمهٔ اطهار علیهم السلم وارد شده است
خصوصا سه روز اول و سه روز وسط و سه روز آخر و روز بیست و پنجم
که در خبر است که کفارهٔ دویست ساله گناهانست و بر ترتیب در فضل ماه
رجب ذکر شده **سیم** روزهٔ شعبانست و اخبار در فضیلت آن بسیار است
خصوصا روز اول و سیم که روز ولادت صاحب الامر امام حسین علیه السلم
است و روز نیمه که روز ولادت صاحب الامر علیه السلم است و منقولست که
که ولادت امام محمد تقی ع و امام علی نقی ع در ماه رجب واقع شده است و ولادت
حضرت علی علیه السلم در سیزدهم ماه رجب واقع شده در مکهٔ معظمه و حضرت
رسول صلعم فرموده که شعبان ماه منست و رمضان المبارک ماه حق تعالی و
آنحضرت غالبا ترک نمیکردند روزهٔ شعبان را و بر ترتیب در فضل ماه شعبان
ذکر نمودیم **چهارم** روزه روز غدیر خم است و ثواب روزه که بطریق خاص و عام
واقع شده است و ثعلبی که از اکابر مفسران اهل سنت است در تفسیر خود روایت کرده
از ابوهریره که هر که روز هیجدهم ذی الحجه را روزه دارد حق تعالی در نامه

عمل ونبوت رسید ثواب شصت ماه روزه وامروز عید غدیر خم است ودعا واعمال
این روز را بترتیب در فصل ماه ذی الحجه نقل نموده ایم **پنجم** روزه روز
مباهله است که آن روز بیست وچهارم ذی الحجه است وبروایتی بیست وپنجم
ودراین روز الله تعالی آیه مباهله را فرستاد وبدستور این را نیز نقل
نموده ایم ودراین روز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در نماز بودند سائلی
طلب کرد آنحضرت اشاره نمودند بسائل تا آمد وانگشتری را از دست
حضرت بیرون آورد حق تعالی آیه امامت آنحضرت را نازل ساخت که
إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ
الزَّكَوٰةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ یعنی نیست ولی وامام واجب الاطاعه شما مگر خدا و
رسول خدا ص وآنان که ایمان آوردند ورسول دارند ونماز میکنند وزکات
مال خود را میدهند درحالت رکوع نماز **ششم** روزه روز ولادت سید
المرسلین ص وامروز هفدهم ماه ربیع الاول است اگر هر روز را روزه دارد
بهتر است **هفتم** روزه روز مبعث سید المرسلین ص وامروز بیست وهفتم
ماه رجب است **هشتم** روزه روز دحو الارض است که حق تعالی دراین روز
کعبه را از آسمان بزمین فرستاد واز زیر آن زمین را منبسط کردانید از
جهت انتفاع خلایق وولادت عیسی ع دراین روز شد وروزه آن کفاره

کناهان هفتاد

کناهان هفتاد ساله است **نهم** ایام البیض هر ماه است خصوصا ماه رجب و
آن سیزدهم وچهاردهم وپانزدهم است بنا بر مذهب مشهور اما ابن بابویه
فرموده که این روزه سنت بوده ولیکن چون حضرت رسول ص روزه سه روز
هر ماه را مقرر ساختند این روزه منسوخ شد اما آنچه از روایات ظاهر میشود
آنست که هر ماهی سه روز سنت است وآن سه روزی که اوّلا مذکور شد
کامل تر است **دهم** روزه اول ماه ذی الحجه است وثواب آن برابر است با روزه
هشتاد ماه وکفاره کناهان شصت ساله است واکر نه روز اول را بگیرد
چنانست که کل عمر روزه بوده است **یازدهم** روزه روز ترویه است وآن روز
هشتم ذی الحجه است وروزه آن کفاره کناهان یکساله است **دوازدهم**
روزه عرفه است وآن نهم ماه ذی الحجه است وآن نهم ماه ذی و روزه آن
کفاره نود ساله است هرگاه اول ماه معلوم باشد وشکی در رو نباشد که
احتمال عید دراین روز رود وبسبب ضعف نباشد از دعا چون دراین
روز دعا اهم است **سیزدهم** روزه هر پنجشنبه وهر جمعه است اگر روزه مانع عبادت
جمعه نشود **چهاردهم** روزه نه روز اول محرم است وبهتر آنست که علی وجه الحزن
باشد چون بر اهل بیت دراین روزها مظلوم بوده اند در دست ظالمان
پانزدهم روزه عاشورا است وآن روز دهم است وبعضی نهم را میگویند بهتر آنست

که نهم روزه بگیرد و در دهم امساک کند حزناً تا عصر و بعد از آن افطار کند
بآب یا بخاک حضرت امام حسین علیه السلام بقصد شفا از مرضهای باطنی
اگر مرض ظاهری نداشته باشد والا بقصد هر دو و جمعی از علما گفته اند که
سنت روزه روزهای متبرکه مثل روزهای ولادت حضرت ائمه علیهم السلام
شکراً لله تعالی علی هذه النعمة العظیمة و مثل روزهای فتحهای حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام و روز نوروز فرس که آن روز اول حمل است و در خصوص
این روز روایتی واقع شده است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
و علامه گفته است که در این روز عثمان کشته شد و حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام بخلافت ظاهر متمکن شدند در اعمال نوروز تفصیلاً بیان خواهد
شد ان شاء الله تعالی و در روایتی وارد شده است که سنت است شش
روز اول ماه شوال را روزه دارد بعد از سه روز بگیرد و قصد کند که
چون همیشه روزه سنت میگیرم غرض این شش روز را روزه داشتن
یا نداشتن بشرح در اعمال ماه شوال مذکور است و روزه سنت را هر وقت
که میخواهد میتواند خورد و بعد از زوال نخوردن اولی است و سنت است
امساک نمودن در هشت موضع نه بقصد روزه اول مسافر هرگاه بخوابد از
آید یا بشهری که قصد اقامت ده روز در آن داشته باشد یا بملک خود که

دران استیطان شش ماه کرده باشد و بعد از زوال در این مواضع
برسد یا از حد ترخص این مواضع تجاوز نماید یا پیش از زوال برسد
و چیزی خورده باشد سنت است که بقیه روز را امساک کند تا مشابه
روزه داران باشد بلکه سنت است مسافر را که در سفر جماع نکند و چیزی
بسیار نخورد و آب بسیار ننیاشامد و برخی از علما گفته اند که جماع مسافر در
روز حرام است دویم بیمار هرگاه صحیح شود بعد از زوال یا پیش از زوال
و افطار کرده باشد امساک میکند بقیه روز را استحباباً که اگر پیش از زوال
مرض زایل شود و چیزی نخورده باشد واجب است که روزه بدارد مثل مسافر
هرگاه پیش از زوال داخل شود و چیزی نخورده باشد صوم واجب است سیم و
چهارم حایض و نفسا هرگاه پاک شوند در اثنای روز امساک میکنند بقیه روز را
استحباباً اگر چه بعد از صبح بیک لحظه پاک شوند و آن روز را جایز نیست روزه
گرفتن بلکه قضا میکنند پنجم و ششم و هفتم و هشتم کافر هرگاه مسلمان شود یا طفلی بالغ
شود یا مجنون عاقل شود یا مغمی علیه بهوش آید در اثنای روز هر چند پیش
از زوال باشد امساک میکنند بقیه روز را و احوط و اولی آنست که اگر پیش
از ظهر موانع ایشان زایل شود و چیزی نخورده باشند نیت کنند که امساک
میکنم بقیه روز را اگر بعنوان صوم مطلوب شارع بوده باشد صوم باشد والا

اساک مستحب قربة الی الله تعالی اما روزهٔ مکروه پس آن بر پنج است و مکروه
در عبادات باین معنی است که ثوابش کمتر است وگاه هست که ثواب ندارد اول
روزه سنت است در سفر بنا بر مذهب مشهور ونگرفتن اولیست واحوط
مگر سه روز حاجت در مدینه منوره در اعتکاف یا غیر آن دویم
چنانچه خواهد آمد ان شاء الله تعالی دویم روزهٔ روز عرفه است با شك در
هلال واحتمال عید یا با ضعف از دعا سیم وچهارم روزه مهمان بی رخصت
مهماندار خصوصا هرگاه نهی کند وروزهٔ مهمان دار مگر انکه مهمان نیت
حالا وبکند بانکه میان ایشان اتحاد باشد واگر نهی کنند بی دغدغه
مکروه هست پنجم روزه کسی را که تکلیف کنند بخوردن ونخورد یا وارد
شود ویابد که خوشحال میشود از خوردن او وروزه بدارد در اینحال ثوابش
کمتر است واما روزهٔ حرام پس آن نه است اول روز عید رمضان المبارک وروز
عید قربان دویم ایام تشریق کسی را که در منی باشد وآن یازدهم ودوازدهم
وسیزدهم ذی الحجه است ونسبت بکسی که در منی نباشد اولی نگرفتن است بلکه
احوط چون قول بحرمت شده است مطلقا سیم روزه روز سی ام شعبان بقصد
ماه رمضان چنانچه گذشت چهارم نذر یا عهد یا یمین بمعصیت خواه اصل آن
معصیت باشد مانند نذر بر قطع رحم یا شرب خمر یا شرط آن معصیت باشد

بانکه

بانکه نذر کند بر ترك واجبی یا سنتی شکرا یا بر فعل معصیتی یا مکروهی زجرا
پنجم روزهٔ صمت است بانکه مفطرات را بفعل آورد وسخن نگوید چنانچه
در مذهب بنی اسرائیل بوده اما اگر ترك مفطرات کند وسخن عبث نگوید
این محض عبادت است ششم روزه وصال است بانکه دو روز یا بیشتر را روزه
دارد وقصد روزه شب وروز کند وشب چیزی نخورد وسحری چیزی
مشهور آنست که حرام نیست وجمعی حرام میدانند ولی آنست که چنین نکند
بلکه بهتر آنست که افطار کند بچیزی اگرچه اندکی آبی باشد هفتم گرفتن
روزه سنت زن بی رخصت شوهر یا با نهی از آن خواه دایمی باشد یا متعه
وخواه شوهر حاضر باشد یا غایب وخواه مانع حق شوهر باشد یا نه وهمچنین حرام است
روزه بنده بی رخصت صاحب مطلقا روزه سنتی وهمچنین در واجب غیر
معین با نهی از آن مثل قضای ماه رمضان یا نذر غیر معین هرگاه نذر بی رخصت
شوهر یا صاحب واقع شده باشد واگر بی رخصت ایشان نذر کرده باشند
منعقد نمیشود خصوصا با نهی از آن وهمچنین است روزه سنت فرزند بی
رخصت پدر خصوصا با نهی از آن بلکه بی رخصت مادر نیز ومشهور در فرزند
کراهت است وظاهر اخبار حرمت است واحتیاط ظاهر است هشتم حرام است روزهٔ
ماه رمضان در سفر اجماعا ودر باقی انواع واجب خلاف است ومشهور حرمت است

نکرد سه موضع **اول** نذر معین بسفر و حضر در سفر واجبست روزه
نذر و ردا داشتن علی المشهور و احوط آنست که چنین نذری نکند و
اگر بکند روزه بدارد بقصد آنکه اگر واجب باشد فبها و الا عبث
باشد **دویم** سه روز بدل هدی که در مکه بجا می آورد هرچند قصد
اقامت ده روز نکرده باشد یا در راه بتفصیلی که در کتاب حج خواهد
آمد **سیم** هجده روز بدل بدنه کسی که پیش از شام از عرفات بیرون شتری
میدهد و با عجز هجده روز روزه میدارد و اگرچه در سفر باشد **نهم**
روزه بیمار هرگاه ضرر یابد از آن خواه خود ضرر را یابد و بفهمد یا دو طبیب
حاذق عادل بگویند یا یکی بر قول جمعی و احوط در این صورت روزه گرفتن است
هرگاه بیابد ضرر را افطار کند و الا بگیرد و قضا کند احتیاطا و همچنین
اگر حکیم حاذق نباشد یا عادل نباشد **بدانکه** شرایط قصر صلوة و صوم
متحد است و در این چند مسئله است **اول** شرط است در جایز بودن افطار
که قصد هشت فرسخ داشته باشد یا چهار فرسخی که اراده برگشتن آن روز
داشته باشد و اختلاف در این باب میان علما هست سابقا در باب سفر ذکر
شد و ظاهر آنست که اگر اراده نداشته باشد که در این روز برگردد
مخیر است میان خوردن و روزه گرفتن پس اگر روزه بگیرد احوط است

وقضا

و اگر قضا نیز بجای آورد و اولی و بهتر است حضور مسافر که پیش از ده روز
مراجعت کند و همچنین وقتی که معلوم نبوده باشد که هشت فرسخ هست
احوط جمع است میان قصر و اتمام و روزه گرفتن و قضا کردن و
اگر سفر بقصد روزه خوردن باشد ظاهرا جایز باشد و اگر مسافر در
اثنای سفر بجائی رسد که در خاطر داشته باشد جزما که در آنجا ده روز
یا بیشتر بماند و شب برسد بآنجا یا روز پیش از ظهر و چیزی نخورده باشد
نیت میکند و روزه میگیرد و اگر از حد ترخص شهر تجاوز نماید بعد
از زوال یا بیشتر از ظهر و چیزی خورده باشد امساک میکند مستحبا و
قضا میکند و اگر قصد ماندن نداشته باشد ده روز و هر روز خواهد
بیرون رود و دست بهم نرسد و کاری داشته باشد و اگر در همان روز
ساخته شود بیرون رود و اگر ساخته نشود تا یکماه قصر میکند و
بعد از یکماه نماز را تمام میکند و روزه را میگیرد و اگر هر یک روز بماند
بعد از آن یا مقدار یکماه را و اگر مسافر در جائی قصد اقامت ده روز
کرده باشد یا آنکه در خاطر داشته باشد که از آن شهر یا ده بجای دیگر نرود
روزه را میگیرد و اگر در جائی اقامت کند و در خاطر داشته باشد که
هر روز یک فرسخ یا بیشتر یا کمتر باطراف آنجا رود و یا بیشتر از ده روز

تا حد ترخص انجا رود قصر میکند علی المشهور چون اقامت ندارد پس بنابراین
بسیار مشکلست که شخصی در جائی باشد که این حرکات ازو واقع نشود
خصوصا در بلاد عظیمه که در انجا محله را اعتبار کرده اند پس کسی که ازین
طرف شهر بطرف دیگر رود قصر خواهد کرد چون در ابتدا قصد اقامت
نداشته است مثل جماعتی که در مشهد قصد اقامت عشره نمایند و خواهند
که در اثنا بزیارت ربیع ابن خثیم روند یا در بغداد اقامت کنند و خواهند
که در هر هفته بزیارت حضرت امام موسی ع روند یا در نجف و ارادهٔ مسجد
کوفه در اثنا داشته باشند پس احوط انست که در اینجا اقامت کنند قصد حرکت
نکنند تا ده روز بعد از ده روز که حرکت کنند چون برگردد قصد ده روز دیگر
کند اگر قصد داشته باشد که بماند و اگر داند که بعد از برگشتن ده روز نخواهد
ماند احوط انست که نماز را جمع کند میان قصر و تمام و روزه را بگیرد و قضا
کند و ظاهر ان در مانند اصفهان هرگاه شخصی اقامت نماید مانند طالب العلم
یا تاجر و قصد اقامت داشته باشد در وقت امدن که بمدارس برود و هر جنب
از مدرسه تا مدرسهٔ دیگر حد ترخص نباشد از اقامت بدر نمیرود و بلکه اگر بسیر
باغات رود نیز چون همه یکجاست و قصد اقامت همه دارد اما دغدغه هست
احوط عدم تردد است اما جمعی که از اهل شهری نباشند و در ان قصد اقامت

دایمی داشته باشند خصوصا هرگاه که جدا شده باشد ظاهرا حکم شهر ایشان
بهم رساند هر چند ملک نداشته باشد و تردد ایشان ضرور نداشته باشد
اما اگر ایشان قلیلی از خانه بجز ند و صاحب ملک شوند دغدغه زایل میشود
و شرط است در قصر صوم که شب قصد سفر داشته باشد و روز پیش از
ظهر بیرون رود و بعد ترخص برسد علی المشهور بین الاصحاب و الروایات
پس اگر در شب قصد سفر نداشته باشد و پیش از ظهر بیرون رود روزه
بدارد و جمعی گفته اند که درین دو صورت مخیر است میان صوم و افطار
با قضا و احوط انست که روزه بدارد و احتیاطا قضا کند دویم مکروه است
در ماه رمضان سفر مباح کردن پیش از روز بیست و سیم و بعد از ان
اولی توقف است تا ماه را تمام بگیرد و جایز است سفرهای واجب و سنت
مثل تشییع برادر مومن یا استقبال او و سفر زیارات ائمه معصومین و غیر
آن سیم مسافر را جایز نیست افطار تا بحد ترخص برسد پس کسی که پیشتر افطار
کند اثم است و گناه کار و بعد از رسیدن افطار میکند و قضا میکند و
در کفاره خلاف است و اظهر انست که اگر جاهل مسئله باشد نیز کفاره بدهد
چهارم مرد پیر و زن پیر و مستسقی که از اب سیر نشوند هرگاه نتوانند روزه
گرفتن یا نتوانند روزه گرفتن با مشقت بسیار افطار میکنند و بواسطهٔ

هر روزی مدّی از طعام میدهد اگر داشته باشد والّا فلا و بر ایشان
قضا واجب نیست و بعضی گفته اند که اگر قادر شوند بر قضا قضا را
حضور صادر مستسقی و این احوط است **پنجم** هرگاه کسی که تشنه شود
بعنوانی که خوف هلاک باشد یا گرسنه شود جایز است که آن قدر آب
یا طعام بخورد که نمیرد و بعد از آن قضا کند و بعضی گفته اند که مستسقی
نیز آن قدر آب میخورد که نمیرد و این احوط است امّا اظهر آنست که هرچه
خواهد بخورد **ششم** زن حامله که نزدیک شده باشد وضع حملش
و زن شیرده که شیرش کم باشد افطار میکنند و تصدّق میکنند بمدّی
در وقت قدرت قضا میکنند و شیرده که بخورد خواه مادر باشد
یا دایه میتواند خورد و اگر دایه دیگر بهم رسد بهتر آنست که نخورد و اگر عذر
اینها بکشد تا ماه رمضان دیگر بعضی گفته اند که قضا ساقط میشود و
احوط قضاست **هفتم** بعضی از علما گفته اند که اگر مکاری اقامت ده روز
یا بیشتر در خانهٔ خود بکند و بسفر رود نماز و روزه را قصر میکند و نماز خفتن را
تمام و روزه را میگیرد و بر این مضمون روایت صحیح وارد شده احوط آنست
که روزه را بگیرد و قضا بکند و نماز خفتن را قصر و تمام هر دو بکند امّا
اگر مکاری در خانهٔ خود ده روز توقف کند و بسفر رود قصر میکند

تا سه سفر بکند بر مذهب جمعی دیگر که در خانهٔ خود در بین سفر ده روز
نماند بعد از آن در سفر تمام میکند و جمعی کثیر از علما قایلند که هر کثیر السفری
این حکم دارد مانند ملّاح و صحرانشینان و قاصدان و پیله وران و
تاجری که سه سفر بکند و در این سه سفر در خانهٔ خود ده روز نماند
و بی قصد چهل روز نماند نماز را تمام میکنند و روزه را در سفر میگیرند
پس اگر این جماعت در خانهٔ خود ده روز توقف نمایند یا در غیر بلد
خود بقصد اقامت ده روز بمانند هرگاه یا بی قصد چهل روز بمانند
هرگاه بسفر روند قصر خواهند کرد امّا روایت در مکاری واقع شده است
و جمعی گفته اند که ملّاح و قاصد نیز مکارینند ملّاح کشتی خود را بکرایه
داده است و قاصد خود را بکرایه ولیکن مشکلست و جمعی از علما گفته
اند که مکاری و ملّاح و تاجر و قاصد و دشتوانی که محافظت خرمنها
میکنند و جائی قرار ندارد و همیشه دور حاصل و خرمنها میگردد و گاه
باشد که روزی هشت نه فرسخ راه برود این جماعت بمجرّد این نامها نماز
تمام میکنند و روزه را میگیرند و بعضی گفته اند که بعد از دو سفر این
نام بهم رسانند و جمعی سه سفر گفته اند و احوط آنست که بیش از سه سفر
جمع کنند میان قصر و اتمام اگرچه ظاهر در سفر اوّل تمام می توان کرد و

عرفا او را مکاری میکویند هشتم هرکاه مکاری و شتربان دو منزل را یکی
کنند قصر میکنند و احوط آنست که تمام را نیز نا قضی ضم کند احتیاطاً نهم
جمعی از علما کفته اند که هرکاه صیاد شکار کند از جهة تجارت نه از جهة
قوت خود و عیال خود روزه را میخورد و نماز را تمام می کند واکر بواسطه
قوت خود و قوت عیال خود باشد هر دو را قصر میکند و در صورت
اخیره خلافی نیست اما در صورت اولی اکثر علما حکم او را مانند حکم صورت
ثانیه کفته اند و این اظهر است ولیکن احوط آنست که در صورت اولی
جمع کند نماز را با ضافه قصر بتمام دهم نیت تابع حکم قصد متبوع است
مثلا سلطان هرکاه بکوید که در این موضع ده روز یا بیشتر میمانم لشکری
نیز تمام میکنند و در وقتی میدانند هر چند پیش از ده روز کوچ کنند و اکر
پادشاه قصد اقامت بکند و لشکری ندانند که او نیت کرده است لشکری قصر
میکنند تا وقتی که با خبر شوند از قصد ملک بعد از آن اکر ده روز مانده
باشد از قصد او لشکری تمام خواهند کرد و الا قصر تا بکاه وبعد از ده
تمام میکنند و همچنین در اراده سفر پس اکر سوار شود و بکوید که بکجا میروم
و لشکری ندانند که او اراده هشت فرسخ یا بیشتر دارد ایشان قصر نمی کنند
تا وقتی که بر ایشان ظاهر شود که مقصد پادشاه کجاست اکر با مقصد هشت

فرسخ مانده باشد قصر میکنند و الا تمام و همچنین غلام تابع آقاست و زن
تابع شوهر و نوکری که البته با آقا باشد تابع اوست و اکر نوکری باشد که اکر
خواهد جدا تواند شد و قصد نداشته باشد که با آقا برود تمام میکند اکر
چه صد فرسخ رفته باشد مجملا مدار بر قصد مسافر است در همه جا پس اکر شخصی را
بزور برند و او اراده نداشته باشد سفر را چنان باشد که هر جا او را دها
کنند برکردد در رفتن تمام میکند و در برکشتن اکر مسافت هشت فرسخ
باشد قصر میکند پانزدهم هرکاه سلطان بشکار رود و جمعی که با او روند قصد
ایشان شکار باشد تمام میکنند اما اکر قصد شکار نداشته باشند اما
خواهند که تماشا کنند و با اختیار خود نروند و نیست که ایشان نیز تمام بایکرد
و اکر ایشان جمع کنند بین القصر و الاتمام احوط است اما جمعی که عمله و فعله
اشکاراند چون قوشچیان و اصحاب کلاب و خود شکار نکنند ظاهراً ایشان
نیز تمام میکنند و اکر جمع کنند احوط است اما جمعی که کارهای مشروع داشته
باشند و هیچ کو معاونت سلطان نمایند ایشان قصر میکنند اما جمعی که
آب و توشه برمیدارند یا خدمت خیمه و بارکاه میکنند ظاهراً ایشان قصر
کنند و جمع اولی است و کسانی که خدمت اسبان کنند که بر آن اسبان شکار
کنند ظاهراً مانند قوشچیان باشند تمام میکنند دوازدهم هرکاه سلطان

معصیت باشد مثل رفتن بر سر مسلمانان که بحال خود باشند و از ایشان
ضرری بمسلمانان نرسد و غرض قتل ایشان باشد بناحق هر که جنگ میکند
سفر او معصیت است و روزه را میگیرند و نماز را تمام میکنند و جمعی که مدد
ایشان میکنند بر جنگ هر چند جنگ نکنند ظاهرا حکم ایشان داشته
باشند اگر چه احوط آنست که ایشان جمع کنند و جمعی که جنگ نکنند و کارهای
شروع داشته باشند ایشان قصر میکنند تا بر شمس نرسیده اند و بعد از
رسیدن چون سپاهی لشکرانند احوط آنست که تمامی ضم کنند با قصر و جمعی که
حمله و فعله کارخانه اند یا نویسندگان و امثال ایشان از اردو بازاری
احوط آنست که در تمام سفر جمع کنند و اگر سفری روند که قصد ایشان کشتن
کسی نباشد بلکه مسخر کردن بلاد باشد که اگر اطاعت ایشان بدهند کسی را با
ایشان کاری نباشد پس اگر قصد پادشاه صحیح باشد و خواهد که ایمان
رواج دهد و سنیان شیعه شوند تا رفتن بحوالی آن بلاد سفر صحیح است
و قصر میکنند و در وقت توقف در حوالی قلعه اگر ده روز قصد کنند تمام میکنند و
اگر مظنون باشد که قلعه را بدون جنگ و کشش میدهند در اول سفر
احتیاطا جمع میکنند میان قصر و اتمام و اگر قصد ایشان صحیح باشد و
اگر قصد غلبه بر پادشاهان باشد یا مملکت گرفتن و بس تمام میکنند روزه

نیست که اگر پادشاه بگوید که غرض من رضای الهی است و رواج دین مبین
حضرت ائمه معصومین علیهم السلام کافی باشد در تصحیح نیت لشکری که نوکر
باشند و اگر ایشان نیز قصد صحیح داشته باشند اگر چه پادشاه قصد صحیح نداشته
باشد و در نیت که قصر توانند کرد و جمع اولی است و اگر جمعی از کفار بر سر مسلمانان
آیند و قصد ایشان ضرر مسلمانان باشد جنگ کردن با ایشان واجبست و دفع
ایشان لازم در سفر قصر میکنند و اگر کسی از مسلمانان کشته شود شهید است
و اگر سنیان بر سر شیعیان آیند بقصد ضرر بر ایشان دفع ایشان نیز واجب است
مانند ازبکیه و اگر قصد ایشان محض مملکت گیری باشد و چون مسلط شوند
خوف سفک دماء و نهب اموال باشد باز دفع ایشان لازم است و سفر مباح است
و با عدم شروط جمع اولی است و اگر قصد ایشان نیز مجرد مملکت گیری باشد
و با شیعیان کاری نداشته باشند مطلقا و در آن بلاد شیعیان باشند و سنیان
بر ایشان مسلط کردند اگر بدهند ظاهرا دفع ایشان خوب باشد و اگر جمع کنند
اولی و احوط است **اما مندوبات** مستحب است افطار نمودن بخرما یا رطب یا آب
شیرین یا شکر یا هر چه شیرین باشد و در وقت افطار بخواند این دعا را در هر شب
الحمد لله الذی اعاننا فصمنا و رزقنا فافطرنا اللهم تقبله منا و اعنا علیه
و سلمنا فیه و تسلمه منا فی یسر منک و عافیة الحمد لله الذی قضی عنا یوما

مِنْ شَهْرِ رَمَضانَ و بخواند اَللّٰهُمَّ لَكَ صُمْنا وَعَلیٰ رِزْقِكَ اَفْطَرْنا فَتَقَبَّلْهُ مِنّا
ذَهَبَ الظَّمَاءُ وَابْتَلَّتِ الْعُرُوقُ وَبَقِیَ الْاَجْرُ و بعد از ان مطالب خود را طلب
کند که دعا او مستجابست دیکر سنت در سحر چیزی خوردن اکر همه شربتی
از آب باشد یا خرمائی باشد خصوصا در ماه رمضان و جمعی که از سحر خوردن
انکار کنند بسویری یا اندك آبی که دهان ترکنند اکتفا نمایند و سنتست که طلب
ماه بکنند و جمعی واجب دانسته اند و چون ماه را به بینند در شب اول یا
دویم یا سیم اکر در شب اول ندیده باشند دعائیکه بر بینند حرکت نکنند و دعای
هلال صحیفه و ادعیه که در رویت هلال ذکر شد علی الخصوص در ماه رمضان
بخوانند و جمعی که از سحر خوردن و دعای دخول ماه رمضان و غیره که ذکر شده
بخوانند و اکر مقدور باشد ده ختم قران نماید در هر سه روز یك ختم قران و در حدیث
صحیح وارد شده است که راوی عرض میکند بحضرت امام موسی کاظم که پدرم در ماه
رمضان چهل ختم قران میکرد و من نیز میکنم بزیاد و کم و چون روز عید میشود
ثواب یك ختم را از جهة حضرت رسول صلعم و یك ختم بجهة حضرت علی ع و یکی بجهة
حضرت فاطمه ع و همچنین بجهة هر یك از امامان هدیه میکنم و یکی از بجهة ستمّا و
درین مدت مدید چنین کرده ام چه ثواب دارم پس آنحضرت فرمودند که ثوابش
آنست که در روز قیامت با ایشان باشی کفتم الله اکبر این ثواب خواهم داشت آنحضرت

فرمودند بلی بلی بلی اما ظاهر این حکم مخصوص مقربانست و سایر ناس را اولی آنست
که کمتر از سه روز ختم نکنند و تا توانند بتدبر خوانند و در معانی آن غور نمودن
و اکر بتدبر تمام بخوانند و در هر پنج روز یا در هفته یك ختم نماید بهتر است و در
خبر است از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله که الله تعالی بعدد هر آیه که در ماه
رمضان خوانند ثواب ختم قرانی کرامت میفرماید و از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که هر چیزی را بهاریست و بهار قران ماه رمضانست و سنتست که چون
بآیه رحمت یا بهشت رسد طلب کند انرا از حق تعالی و چون بآیه عذاب یا دوزخ
رسد پناه بالله تعالی برد از ان و سنت افطار فرمودن مؤمنان در شبهای ماه
رمضان و بعدد هر مؤمنی ثواب بنده ازاد کردنست با امرزش جمیع کناهان اکر
چه شربتی از آب باشد یا چند دانه خرما باشد کسی را که قدرت بر بیشتر نباشد و مستحبست
اطعام نیز پس اکر نزد این کس افطار کنند تا سیر شوند ده ثواب خواهند داشت
و احوط آنست که اکر وعده کند با مؤمنی که نزد او افطار کند افطار از غیر مال
او نکند و سنتست که جمیع کارهای خیر را بکنند و از جمیع مکروهات ملکه از
جمیع مباحات خود را نکاه دارد و در حدیثست از امام جعفر صادق علیه السلم
که هرکاه از صایمی پرسند که روزه او کویند نه دروغ کفته است و آثم است پس
اولی آنست که نه نکوید و آری نیز نکوید چون نمیداند که بشرایط روزه عمل نموده است

دیگر سنت کرده روز آخر را اعتکاف بدارد همچنانکه حضرت رسول خدا صلعم
میداشتند همیشه مگر در یکسال که در آن جنگ بدر واقع شده و در سال دیگر
بیست روز اعتکاف داشتند ده روز قضا و ده روز ادا و از آنحضرت منقولست
که اعتکاف دههٔ رمضان برابر است با دو حج و دو عمره و اعتکاف ملازمت
مسجد است از جهة عبادت و شش شرط اوّل نیت است و ناچار است از نیت
قربة و اگر قصد وجوب و ندب بکند بهتر است و اعتکاف واجب آنست که
نذر یا عهد یا یمین واقع ساخته باشد یا خود را اجاره داده باشد از جهة میتی
یا بواسطه تحمل از پدر اگر بر وی واجب شده باشد و نکرده باشد و همچنین روز سیم
اعتکاف سنت واجبست هرگاه دو روز داشته باشد پس احوط آنست که در
شب سیم از اوّل شب قصد وجوب کند و همچنین شب ششم و نهم و دو از دهم
هرچه بالا رود شرط دویم روزه است و اعتکاف بی روزه صحیح نیست و لازم
نیست که روزه از جهة اعتکاف باشد پس اگر در ماه رمضان واقع سازد
نیت روزه ماه کافی است و لازم نیست که قصد روزهٔ اعتکاف کند اگرچه
اعتکاف واجب باشد اما اگر نذر کند اعتکاف ایام معینه از رجب را و روزهٔ
واجب در ذمه اش نباشد روزهٔ ایام اعتکاف واجب میشود علی الظاهر و
بعضی گفته اند که بمجرد شروع واجب میشود پس اگر در روز اوّل قصد قربت کند اولی است

و صحیح نیست اعتکاف در عیدین و صحیح نیست از حایض و نفسا شرط سیم عدد است
و اقل آن سه روز است و دو شب میان و احوط آنست که سه شبانه روز باشد و ابتدا
از شب کند و اگر چهار روز بر شخصی واجب باشد جایز است چهار روز را پی در پی بجا
بیاورد و اکتفا به سه روز نتواند کرد و روز چهارم که واجبست دو روز دیگر با آن ضم
میکند و بهتر آنست که روز اوّل را قصد نذر کند و دو روز دیگر را قصد قربت
و اجبا و اگر نذر اعتکاف کند اقلش سه روز واجب میشود و اگر نذر کند اعتکاف ده
روز را لازم نیست که پی در پی باشد پس جایز است که سه روز سه روز اعتکاف
کند و روز آخر را دو روز دیگر ضم میکند از باب مقدمه و جایز است که متصل سازد
آنرا باعتکاف اوّل و دویم و سیم و جایز است که مجموع را در اعتکاف کند بانکه
یکی شش روز باشد و یکی چهار روز یا یکی هفت روز باشد و یکی سه روز یا یکی نه روز
باشد و یکی که بماند دو روز بآن ضم کند و کسی که شروع نماید در اعتکاف سنتی فسخ
میتواند کرد تا دو روز تمام نشود پس چون دو روز تمام شود روز سیم واجب میشود
و اگر شروع کند پیش از عید رمضان یا عید قربان بیک روز یا دو روز در اعتکاف
جایز نیست چون صوم شرطست و در عیدین جایز نیست شرط چهارم مکانست و
در غیر مسجد جامع جایز نیست و ظاهر امراد از مسجد جامع مسجدی است که در آنجا
نماز جماعت کنند یا کرده باشند و بهتر آنست که در مسجدی اعتکاف کنند که بزرگترین

ساجد باشد وانرا مسجد جامع گویند وبعضی گفته اند که اعتکاف نمی توان کرد مگر
در مسجد الحرام زمان سید المرسلین نه انچه زیاد کرده اند بران وهمچنین در مسجد
مدینه ودر مسجد جامع کوفه ومسجد جامع بصره وبعضی مسجد جامع مداین
داخل نموده اند واگر کسی در ان مواضع باشد احوط انست که در ان مساجد واقع
سازد واگر کسی در ان مواضع نباشد در مسجد کبیر بلد واقع سازد وقصد کند
که اعتکاف میکنم درین مسجد که اگر مطلوب شارع باشد بعنوان اعتکاف مطلوب
فیها والا در مسجد عبادت میکنم قربة الی الله تعالی نهایت احتیاط خواهد بود واگر
زنان اعتکاف کنند نیز شرطست که در مسجد جامع باشد هرگاه جائی باشد که حفظ
عرض خود توانند کرد یا پیره زنی باشد که کسی متوجه او نشود **شرط پنجم** رخصت کسیست که
استکه رخصت ایشان درکار است در صوم مثل شوهر زن را وآقا بنده را والحوط
آنست که فرزند بی رخصت پدر ومادر اعتکاف نکند ومهمان بی رخصت مهمان
دار وبرعکس واقع نسازند واگر بنده نصفش آزاد باشد وحصه کرده باشند
روزها بانکه مثلا سه روز از برای خود کار کند وسه روز از برای آقا در نوبه
خود اعتکاف میتواند کرد وبهتر آنست که در این صورت رخصت بگیرد اگر
ممکن باشد واگر انجماعت رخصت دهند تا شروع نکرده از رخصت خود برمی توانند
گشت وبعد از شروع نیز منع می توانند کرد اگر واجب نشده باشد چنانچه خواهد آمد

شرط ششم

شرط ششم آنست که از ان مسجد بیرون نرود مگر بواسطه نماز جمعه اگر در غیر
آن مسجد کنند یا عیادت بیمار مومن یا حاضر شدن در جنازه مومن یا قضای
حاجت مومن یا بواسطه حاجات ضروری خود مانند ادب بخانه رفتن وغسل
جنابت اگر محتلم شده باشد وتحصیل آب ونان کردن اگر کسی نداشته باشد که از
جهة او تحصیل کند وهمچنین جایز است بیرون رفتن از جهة گواهی دادن یا گواه
شدن اگر دیگری نباشد ونتوان که در مسجد بفعل آوردن وچون بدر اید در جائی
ننشیند تا برگردد بمسجد وبهتر آنست که در زیر سایه راه نرود تا ممکن باشد
واز راه نزدیک برود که زود برسد وتوقف بسیار نکند وچون وقت نماز
شود نماز را در جای دیگر نکند مگر در مکه معظمه که در همه جا میتواند کرد و
اگر وقت تنگ باشد وتا بمسجد خود برگردد وقت برود وهمه جا می تواند
کرد واگر سهوا از مسجد بیرون رود اعتکاف باطل نمیشود مگر انکه زمانی بسیار
شود که او را معتکف نگویند وهمچنین اگر جبرا او را بیرون برند ودرین باب
چند مسئله است **اول** حرام است بر معتکف جماع کردن با زنان در روز وشب
وهمچنین بوسیدن بشهوت ودست بردن ایشان واحوط اجتنابست از
هردو واگرچه بشهوت نباشد وطلب منی کردن واگرچه بگفتگو با
زنان هرگاه عادتش این باشد که بسبب آن ازو منی آید واحوط انست که ترک

بدکمان نمالد و حرام است بوی خوش کردن و گل بوییدن هر گلی که باشد و
جدل و نزاع با کسی نکند و احوط آنست که مباحثه علمی نیز نکند مگر بقصد
اظهار حق و خرید و فروخت نکند مگر بواسطه ضروریات خود و عیال
خود و احوط آنست که وکیلی بواسطه اینها قرار دهد که او بکند و احوط
آنست که مطلق معاملات خود را واقع نسازد حتی عقد نکاح را بلکه
جمیع کارهای دنیوی را و اگرچه دوختن و دریدن جامه اش باشد و
بدیگری رجوع کند با امکان و بهتر آنست که مباحات این واقع نسازد
مگر بقدر ضرورت و غسل جمعه و وضو را در مسجد واقع سازد و درس
علوم دینیه می تواند گفت و قرآن خواند و ملاحظه نماید که جدل نشود و مقابله کتب
علمیه می تواند کرد بلکه اینها بهتر است از نماز سنت خصوصا هر گاه واجب
باشد و جمیع آنها که در اعتکاف حرام است در روزها و شبها مگر اکل و شرب
که در شب جایز است نه در روز مگر آنکه در شب اعتکاف سنت باشد
و خواهد که اولا بجماع علیه زند و اگر اعتکاف نذر و شبه آن بر شخص واجب
شده باشد و بمیرد مشهور میان علما آنست که بر ولی واجبست که قضا کند از
جهت میت و این احوط است دویم هرچه روزه را باطل میسازد اعتکاف را
نیز باطل میسازد و اگر در روز بفعل آورده مثل خوردن و آشامیدن کردن و جماع

وطلب منی کردن و در شب افطار می تواند کرد و مفطرات غیر جماع و استمناء
واقع میتواند ساخت و اولی اجتنابست از غیر اکل و شرب سیم اگر جماع
کند اعتکاف او باطل میشود و کفاره میدهد اگر اعتکاف واجب باشد
و در روز اول و دویم اعتکاف سنت خلافست احوط کفاره است
اگرچه جماع در شب واقع شود و احوط آنست که هرچه روزه را باطل میکند
اگر آنها را در روز واقع سازد کفاره بدهد احتیاطا و کفاره بنده آزاد کردنست
اگر ممکن باشد و الا دو ماه پی در پی روزه گرفتن است و الا شصت مسکین را
طعام دادنست علی الترتیب و بعضی گفته اند که مخیر است در میان اینها
و اول احوط است بلکه اظهر این که جماع در شب واقع شود یک کفاره میدهد و
اگر در روز ماه رمضان واقع سازد دو کفاره میدهد یکی مرتبه و یکی مخیره
و اگر روزه آن نذر یا عهد یا یمین واجب شده باشد دو کفاره میدهد یکی مخیره
که گذشت و اگر باکراه با زن خود جماع کند در روز ماه رمضان در روزه
هردو معتکف باشند دو کفاره میدهد مرد و بعضی گفته اند که چهار کفاره میدهد
مرد و بعضی گفته اند که سه کفاره میدهد و احوط چهار است و اقلا سه و اگر
در غیر ماه رمضان اکراه کند بر جماع یک کفاره میدهد و بعضی گفته اند
که دو کفاره میدهد و این احوط است و اگر روزه واجب باشد بنذر و عهد

وبین وهرد و معتکف باشند و جماع کند باکراه دو کفاره میدهد
مرد و بعضی گفته اند چهار و بعضی سه و این احوط است چهارم اگر
معتکف مرتد شود و فی الحال توبه کند ظاهرا اعتکافش صحیح باشد
خصوصا مرتد ملی و اگر توبه نکرد باطل میشود و واجبست اخراج او از
مسجد پس اگر اعتکاف واجب معین باشد بعد از توبه کفاره میدهد
و احتیاطا قضا میکند پنجم هرگاه نذر کرده باشد که در این ماه اعتکاف
رمضان مثلا اعتکاف کند و ترک کند چند روز را یا باطل سازد
اعتکاف را واجبست که تتمه را بجا آورد و کفاره نذر را بدهد و اگر شرط
کرده باشد که یکماه پی در پی اعتکاف کند و بعد از چند روز بهم زند واجب است
که از سر گیرد و کفاره لازم نیست و همچنین اگر نذر کرده باشد که ماه رجب را
متتابع اعتکاف کند و بر هم زند سال دیگر بجا می آورد اما اگر این ماه رجب را
نذر متتابع کرده باشد و بر هم زند یک کفاره میدهد بجهة عزم و دو کفاره
دویم اشکالست چون فی الحقیقة دو مخالفت کرده است و در اتمام این یا کفاره
یا استیناف در ماه رجب دیگر با کفاره در استیناف در هر ماهی که باشد
با کفاره خلافست احوط آنست که این ماه را اتمام کند و ماه رجب آینده را اعتکاف
کند و دو کفاره بدهد ششم هرگاه نذر اعتکاف این ماه رجب کرده باشد مثلا و فراموش

شود و اگر تذکر کرده است تا ماه رجب بیرون رود کفاره لازم نیست
و در قضا خلافست احوط آنست که قضا کند اما اگر در اثنای آن رجب بخاطرش
آید تتمه را میکند اگرچه یکروز مانده باشد و دو روز از شعبان را باو ضم
میکند وجوبا و در قضای باقی خلافست و اگر قضا کند بیست و نه روز
قضا کند یا بیست و هفت روز چون آن دو روز را اتیان به مقدمه
کرده است اشکالست اگر ماه تمام باشد و اگر کم باشد تمام قضا میکند یا
آنچه فراموش کرده است با ذا اشکالست احوط آنست که بیست و نه روز را
قضا کند احتیاطا هفتم اگر نذر کند اعتکاف چهار روز را احوط آنست که
متصل بجا آورد و اگر سه روز را اعتکاف کند و بیرون آید هرگاه آن یک
روز را بجا آورد واجبست که دو روز دیگر با آن ضم کند و اگر نذر کند این
پنج روز را دور نیست که بهتر باشد تا جزما بقصد وجوب متصل آورد چون
در وجوب مقدمه خلافست و اگر نذر کند اعتکاف پنج روز را واجب است
که شش روز بجا آورد خواه پنج روز متصل بجا آورد یا منفصل هشتم اگر نذر
کند که یکروز یا دو روز اعتکاف کند و بس یا زیاده نذر منعقد نمیشود و محتمل
است که قید لغو باشد سیما نسبت بجاهل مسئله و باین که روز بجا آورد و این
احوط است اما اگر قید نکند بعدم زاید و نذر کند اعتکاف یکروز را منعقد

میشود و لازم است که دو روز را ضم کند و همچنین اگر دو روز دیگر
کند واجبست که یکی روز ضم نماید **نهم** سنتست که در حین شروع در
اعتکاف شرط کند مانند احرام و بگوید که اَللّٰهُمَّ حِلَّنِی حَیْثُ حَبَسْتَنِی
یعنی خداوندا مرا محل ساز که توانم بیرون رفتن هرگاه عذری بهم رسد
مرا و مشهور میان اصحاب آنست که این شرط در حین نذر نیز مستحب است
ولیکن بهتر آنست که در نذر انشاء الله تعالی بگوید موافق اخبار صحیحه تا از
مرتبهٔ وجوب بیفتد و بسبب مخالفت کفاره لازم نشود اگرچه احوط آنست
که در هر دو صورت بی عذری برهم نزند پس اگر هر دو را واقع ساخته باشد
و اراده کند که بیرون آید بی عذری جایز است با کراهت و اگر عذری بهم رسد
کراهت ندارد بیرون آمدن پیش از اتمام دو روز و چون تمام شد دو روز
روز سیم واجب میشود مگر عذری باشد که نتواند در مسجد بودن مثل حیض
و نفاس یا خوف از ظالمی یا سبعی که در این صورتها بیرون می آید و قضا لازم
نیست ولیکن مستحب است قضا و اگر شرط نکرده باشد و امثال این عذرها
بهم رسد پس آنچه سه روز یا پیشتر شده است صحیح است و مابقی را قضا
میکند نزد زوال عذر و الا همه را از سر میگیرد و اگر شرط نکرده باشد جایز
نیست بی عذری واجب را برهم زدن و مکروهست سنت را برهم زدن پیش از

سه

سه روز و از ابتداء شب سیم واجب میشود و ترکش حرامست و مشهور آنست
که نذر معین حکم سنت دارد و احوط آنست که مطلقا اگر برهم زند و اگر جماع کند
کفاره بدهد **دهم** بیع و شرا و سایر محرمات غیر از جماع سبب بطلان اعتکاف
نمیشود و کفاره باینها واجب نمیشود و در بطلان با استمنا و کفاره خلاف است
احوط اتمام است و کفاره اگر در شب واقع شود و اگر در روز واقع شود
استمنا باطل میکند اعتکاف را بجهة عذر و کفاره میدهد احتیاطا
در عشر آخر ماه رمضان المبارک دعاء وداع در عشر آخر و در هر شب از آن
بعد از نوافل و فرایض اَللّٰهُمَّ وَاَدِّ عَنَّا حَقَّ مَا مَضٰی مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَاغْفِرْ لَنَا
تَقْصِیرَنَا فِیهِ وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا مَقْبُولًا وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِاِسْرَافِنَا عَلٰی اَنْفُسِنَا
وَاجْعَلْنَا مِنَ الْمَرْحُومِینَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْمَحْرُومِینَ پس هر که بگوید این را
می آمرزد الله تعالی ورا از آنچه بیرون رفته است ازین ماه و عصمت میدهد
ورا از چیزی که باقی مانده ازین ماه رمضان **دعای توسل روی عنهم علیهم السلام**
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ یَا اَللّٰهُ یَا مَنْ لَا عَیْنٌ تَرَاهُ یَا مَنْ یَطَّلِعُ عَلَی الْغَیْبِ وَیَرَاهُ
یَا مَنْ تَنْقَطِعُ الْاَبْصَارُ دُونَ حِجَابِ سَمَائِهِ یَا مَنْ رَدَّ عَلٰی یَعْقُوبَ وَلَدَهُ
مِنْ بَعْدِ طُولِ حُزْنِهِ وَبُكَائِهِ یَا مَنْ اَخْرَجَ یُوسُفَ مِنْ غَیَابَتِ الْجُبِّ وَكَلَاهُ
یَا مَنْ اَخْرَجَ یُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ وَمِنْ ظُلُمَاتٍ ثَلٰثٍ نَجَّاهُ یَا مَنِ اتَّخَذَ اِبْرٰهِیمَ

خليلاً ومن النار انجاه يا من اتخذ اسمعيل نبيّاً ومن الذبح فداه يا من اتخذ موسى
كليماً وناداه يا من اتخذ محمّداً صلى الله عليه وآله رسولاً واصطفاه يا من
اتخذ عليّاً وليّاً وارتضاه يا قريباً من كلّ ملهوف ناداه ويا مجيباً لكلّ مضطر
دعاه يا حليماً عن كلّ ذي هفوة عصاه ويا رؤفاً بكلّ عبد اتقاه ويا
فايزاً لكلّ منيب اناب اليه فاتاه ومن عظيم جناياته تاب عليه وارضاه
يا من اذا اراد امراً انفذه وامضاه ويا قريباً اذا توكل العبد عليه كفاه
ويا عزيزاً قاهراً لكلّ من ناواه ويا وليّاً لكلّ من قصده وتولاه ويا قائماً
بكلّ ما في خزائنه على كلّ من اثره على حسناه ويا معيناً بالنصر لكلّ من توكل
عليه واستكفاه يا من ليس للبشر باله ولا رب يرغبون اليه عند الشدائد
سواه اسئلك بالعرش ورفعته وبالكرسي وسعته والميزان وحرمته و
القلم وجريته واللوح وحمليه والصراط ودقته وجبرئيل وامانته وميكائيل
ومنزلته واسرافيل ونفخته وعزرائيل وصولته ورضوان وجنته و
مالك وصفوته وادريس ورفعته وشعيب وابنته وصالح وناقته ونوح وابنه وآدم ونبائه
وابرهيم وخلته واسمعيل ودرجته ويعقوب وحسرته ويوسف
وغربته ولقمن وحكمته وداود وقضيته وسليمان وهيبته ودانيال
وكرامته وموسى وآيته وهرون وخشيته ولوط ونصيحته والخضر

وصحابته وايوب وبليته ويونس ودعوته وعيسى وعبادته ومحمد صلى
الله عليه وآله وشفاعته وعلي وشجاعته وفاطمة الزهراء وحزنها على
والدها والحسن وسمّه والحسين وقتله وعلي بن الحسين وعبادته ومحمد
بن علي الباقر وعلمه وجعفر بن محمد الصادق وصدقه وموسى بن جعفر وعلي بن موسى الرضا ورضائه
الكاظم وحلمه وثباته ومحمد بن علي الجواد واجتنابه وعلي بن محمد التقي وعفافه
والحسن العسكري ورضاه بقضاء الله والخلف المهدي الحجة وقيامه
بالحق عليهم السلام وبالقرآن وتلاوته وبالعلم ودراسته اللهم اني
اسئلك بحق هذه الاسماء الّا تجعل لنا ذنباً الّا غفرته ولا عدوّاً الّا
كفيته ولا فقراً الّا غنيته ولا عيباً الّا سترته ولا عرياناً الّا كسوته ولا باغياً
الّا قصمته ولا هاتباً الّا اذيته ولا ولداً الّا ربيته ولا همّاً الّا فرجته ولا
غمّاً الّا ازحته ولا حاجة من حوائج الدنيا والآخرة الّا قضيتها يا ارحم الراحمين

یا علی مدد کن
بفریادم برس
و قرض مرا ادا کن

مرویست باسانید معتبره از حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود که رسول خدا ص
روزی برای ما خطبه ادا نمود و فرمود که ایها الناس بدرستی که رو آورده
بجانب شما ماه خدا ماهی با برکت و رحمت و مغفرت ماهی که نزد الله تعالی افضل
ماهها است و روزهای آن افضل روزها و شبهای آن افضل شبها و ساعات
آن افضل ساعتها ماهی که خوانده شده اید در این ماه بضیافت خدا و کردیده اید

از اهل کرامت خدا نفسهای شما در این ماه تسبیح است و خواب شما در این ماه عبادت
است و عمل شما در این ماه مقبول است و دعای شما در این ماه مستجاب پس سوال
کنید از خدا تعالی با نیتهای صادق و دلهای پاکیزه اگر توفیق دهد شما را برای
روزه داشتن اینماه و تلاوت نمودن قرآن در این ماه بدرستی شقی کسیست که
محروم باشد از آمرزش الله تعالی در اینماه بزرگوار ایها الناس بیاد آورید بگرسنگی
و تشنگی خود در اینماه گرسنگی و تشنگی روز قیامت را و تصدق کنید بر فقرا
و مساکین خود و توقیر و تعظیم نمائید بزرگان خود را و ترحم کنید بر خرد
سالان خود و بپیوندید با خویشان خود و نگاه دارید زبان خود را از آنچه
روا نباشد گفتن او و بپوشید دیده خود را از آنچه حلال نباشد دیدن آن
و ترحم کنید بر یتیمان تا حق تعالی بر یتیمان شما ترحم کند و توبه کنید در درگاه خدا
از گناهان خود و بلند کنید دستها را بدعا در اوقات نمازها بدرستی که اوقات
نماز بهترین ساعاتست و حق تعالی در آن اوقات نظر رحمت میکند بر بندگان
خود و جواب میگوید ایشانرا هرگاه مناجات کنند و لبیک میگوید هرگاه ندا
کنند و اجابت میکند هرگاه دعا کنند ایها الناس بدرستی که جانهای شما در
گرو عملهای شماست پس از گرو بدر آورید جانهای خود را باستغفار نمودن
و پشتهای شما گرانست از بار گناهان شما پس سبک کنید پشتهای خود را بدراز

کردن

کردن سجود و بدانید که حق تعالی بعزت خود سوگند یاد نموده که عذاب نکند
نمازگذارندگان و سجودکنندگان را و نترساند ایشانرا باتش جهنم در روزی
که ایستاده باشند بندگان در برابر پروردگار عالمیان ایها الناس هر که افطار
فرماید از شما مؤمن روزه داری را در این ماه او را ثواب آزاد کردن رقبه
باشد و آمرزشی برای گناهان گذشته او گفتند صحابه که یا رسول الله همه
کس از ما چنین نیست که قدرت این داشته باشد فرمود که بپرهیزید از
جهنم و اگرچه بنصف خرما باشد بپرهیزید از جهنم و اگرچه بشربت آبی باشد
ایها الناس هر که در این ماه خلق خود نیکو کند آسان کند در از صراط در روزی
که بلغزد از آن قدمها و هر که در اینماه تخفیف نماید بر بندگان خود خدا
حق تعالی تخفیف نماید حساب او را و هر که در اینماه باز دارد از مردمان شر
خود را حق تعالی از و بردارد غضب خود را در روزی که ملاقات نماید خدا را
و هر که در اینماه یتیمی را بنوازد حق تعالی او را بنوازد در روزی که ملاقات
کند او را و هر که در اینماه صله کند رحم خود را حق تعالی صله کند با او
در روزی که ملاقات کند او را و هر که در اینماه قطع کند رحم خود را الله
تعالی قطع کند از و رحمت خود را در روزی که ملاقات کند او را و هر که در
اینماه سنتی بجا آورد حق تعالی برای او برائتی از آتش جهنم بنویسد و هر که در این

ماه فریضه ادا کند او را ثواب کسی باشد که در غیر اینماه هفتاد فریضه ادا
کرده باشد و هر که در اینماه صلوات بسیار فرستد بر من حق تعالی میزان
عمل او را گران گرداند در روزی که میزانها سبک باشد و هر که در اینماه
آیه از قران بخواند او را ثواب کسی باشد که در غیر اینماه ختم قران کرده باشد
ایها الناس بدرستی که درهای بهشت در اینماه کشوده است پس از حق تعالی
سوال کنید که نبندد آن درها را بر روی شما و درهای جهنم در اینماه بسته است
پس از پروردگار خود طلب کنید که نگشاید آن درها را بر شما و شیاطین در
اینماه غل کرده شده اند پس از خداوند خود مسئلت نمائید که مسلط نگرداند
آنها را بر شما پس حضرت امیر علیه السلم برخاست و گفت یا رسول الله افضل
اعمال در اینماه چیست فرمود یا ابا الحسن بهترین اعمال در اینماه پرهیزکاری از
محرمات خداست و بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست
که چون شب اول ماه رمضان شود بیامرزد حق تعالی هر کرا خواهد از خلایق
و چون شب دویم شود بیامرزد از حق تعالی دو مثل آنچه در شب سابق آمرزید
و همچنین هر شب مضاعف نماید تا چون شب آخر شود بیامرزد در آن شب
دو مثل آنچه در تمام ان شبها آمرزیده دیگر فرمود که هر کرا آمرزیده نشد در ماه
رمضان آمرزیده نشود تا سال آینده مگر آنکه حاضر شود بموقف عرفات در آنجا

آمرزیده شود **فضیلت سحور** از حضرت علی علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه
و آله فرمود که حق تعالی و ملائکه صلوات میفرستند بر استغفار کنندگان
در سحرها و سحور کنندگان در سحرها باید که سحور کنید و اگر چه بشربت آبی
باشد پس فرمود که بهترین سحور شما قاووت و خرماست و حلالست
برای شما طعام و شراب تا یقین شود طلوع فجر بسند معتبر از امام زین العابدین ع
که هر مؤمنی روزه دارد و سوره قدر بخواند در وقت سحور و افطار چنان باشد
که در ما بین افطار و سحور در خون خود دست و پا زده باشد در راه خدا
ابن طاوس از حضرت امیر ع روایت نموده که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله
هلال ماه رمضان را میدیدند و بقبله می ایستادند و این دعا میخواندند
اللّهمّ اهلّه علینا بالامن والایمان والسلامة والاسلام والعافیة المجلّلة و
دفاع الاسقام والعون علی الصلوة والصیام والقیام وتلاوة القرآن
اللّهمّ سلّمنا لشهر رمضان وتسلّمه منّا وسلّمنا فیه حتّی ینقضی عنّا شهر
رمضان وقد عفوت عنّا وغفرت لنا ورحمتنا و علامه حلی از ابن عقیل
نقل نموده که چون هلال ماه رمضان دیده شود واجبست خواندن این دعا
الحمد لله الذی خلقنی وخلقک وقدّر منازلک وجعلک مواقیت للناس
اللّهمّ اهلّه علینا اهلالاً مبارکاً اللّهمّ ادخله علینا بالسلامة والاسلام

وَالْيَقِيْنِ وَالْاِيْمَانِ وَالْبِرِّ وَالتَّقْوىٰ وَالتَّوْفِيْقِ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضىٰ و بخواند دعای
صحیفهٔ کامله رؤیت هلال که قبل ازین در باب رؤیت هلال مذکور شد
وبدانکه درین شب و هر شب از شبهای این ماه باید که نیت روزه صباح کند و بهتر
آنست که درین شب نیت روزه تمام ماه بکند و غسل درین شب و در سایر
لیالی افراد ایضاً مستحبست و از حضرت صادق ع که هر که در شب اول ماه رمضان
غسل کند در نهر جاری و سی کف آب بر سر بریزد طاهر باشد تا ماه رمضان
آینده و بازاز آنحضرت که فرمود هر که خواهد از حکه و خارش بدن ایمن باشد
باید که در شب اول ماه رمضان غسل کند تا آنکه تا رمضان المبارک آینده ایمن
باشد از آنها و سالم بماند و دیگر نقل شده که بریزد مشتی از گلاب برو و سر که نفع و
ثواب بسیار نقل شده و مقاربت نمودن با اهل خود و بسند معتبر از حضرت صادق ع
پرسیدند که آیا زیارت امام حسین ع وقتی هست که بهتر از وقت دیگر باشد
فرمود که زیارت کنید آنحضرت را در هر وقت و هر زمان زیرا که زیارت آنحضرت
خیر مقرر است هر که آنرا بیشتر بعمل آورد خیر بیشتر خواهد یافت و هر که کمتر کند کمتر
خواهد یافت و سعی کنید در زیارت آنحضرت در اوقات شریفه که اعمال صالحه
در آنها ثوابش مضاعف است و در اوقات شریفه ملائکه از آسمان نازل میشوند
از برای زیارت آنحضرت در ماه رمضان و فرمود هر که بزیارت آنحضرت برود

از روی خشوع و از برای خدا و پشیمان از گناهان و طلب آمرزش کننده از آنها در
یکی از سه شب از ماه رمضان در شب اول یا در شب نیمه یا در شب آخر اینها
گناهان و خطاها از و فرو ریزد چنانچه برگهای خشکیده بباد تند از
درختان تا آنکه از گناه پاك شود مانند روزی که از مادر متولد شده
و با این ثواب از برای او باشد مثل ثواب کسی که در آن سال حج و عمره کرده باشد
و دو ملك او را ندا کنند که ندای ایشان را هر صاحب روحی بشنود بغیر از جن
و انس یکی از آنها گوید که ای بنده خدا پاك شدی پس عمل را از سر گیر و دیگری
گوید که ای بنده دعایت مستجاب شد بشارت باد ترا با مرزش از جانب خدا
و فضیلتی بزرگ و در روایت معتبر وارد شده که صحف بر حضرت ابرهیم ع
درین شب نازل شده از حضرت امام جعفر صادق ع که فرمود که چون شب
اول ماه رمضان شود میخوانی این دعا را و در روایتی شده که هر شب بخواند این دعا را
بسند ابن طاوس اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ مُنْزِلَ الْقُرْاٰنِ هٰذَا شَهْرُ
رَمَضَانَ الَّذِيْ اَنْزَلْتَ فِيْهِ الْقُرْاٰنَ وَاَنْزَلْتَ فِيْهِ اٰيَاتٍ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدىٰ
وَالْفُرْقَانِ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا صِيَامَهُ وَاَعِنَّا عَلىٰ قِيَامِهِ اَللّٰهُمَّ سَلِّمْهُ لَنَا
وَسَلِّمْنَا فِيْهِ وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا فِيْ يُسْرٍ مِنْكَ وَاجْعَلْ مُعَافَاةً فِيْمَا تَقْضِيْ وَتُقَدِّرُ
مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُوْمِ وَفِيْمَا تَفْرُقُ مِنَ الْاَمْرِ الْحَكِيْمِ فِيْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ

الذی لا یرد ولا یبدل ان تکتبنی من حجاج بیتک الحرام المبرور حجهم
المشکور سعیهم المغفور ذنوبهم المکفر عنهم سیئاتهم واجعل فیما تقضی
وتقدر ان تطیل فی عمری وتوسع علی من الرزق الحلال بسند معتبر
از موسی بن جعفر روایت نموده که فرمود که میخوانی این دعا را در ماه [رمضان]
در هنگام رو آوردن و داخل شدن سال و فرمود که هر که این دعا را [بخواند]
باعتقاد نیکو و نیت خالص هر آینه محفوظ باشد در آن سال و نرسد
باو فتنه و هیچ آفتی نه در دین او و نه در دنیای او و نه در جسد او
و نگاه دارد او را حق تعالی در آن سال از شر هر بلیه که نازل شود
و دعا اینست اللهم انی اسئلک باسمک الذی دان له کل شیء وبرحمتک
التی وسعت کل شیء وبعزتک التی قهرت کل شیء وبعظمتک التی تواضع
لها کل شیء وبقوتک التی خضع لها کل شیء وبجبروتک التی غلبت
کل شیء وبعلمک الذی احاط بکل شیء یا نور یا قدوس یا اول قبل
کل شیء ویا باقی بعد کل شیء یا الله یا رحمن صل علی محمد وآل محمد
واغفر لی الذنوب التی تغیر النعم واغفر لی الذنوب التی تقطع
الرجاء واغفر لی الذنوب التی تدیل الاعداء واغفر لی الذنوب التی
ترد الدعاء واغفر لی الذنوب التی تستحق بها نزول البلاء واغفر لی

خرجت هذا الدعاء من کتاب [illegible] الفقیه فی باب [illegible]

الذنوب

الذنوب التی تحبس غیث السماء واغفر لی الذنوب التی تکشف الغطاء و
اغفر لی الذنوب التی تعجل الفناء واغفر لی الذنوب التی تورث الندم
واغفر لی الذنوب التی تهتک العصم والبسنی درعک الحصینة التی
لا ترام وعافنی من شر ما احاذر باللیل والنهار فی مستقبل سنتی هذه
اللهم رب السموات السبع ورب الارضین السبع وما فیهن وما
بینهن ورب العرش العظیم ورب السبع المثانی والقرآن العظیم و
رب اسرافیل ومیکائیل وجبرئیل ورب محمد صلی الله علیه وآله
سید المرسلین وخاتم النبیین اسئلک بک وبما تسمیت به نفسک
یا عظیم انت الذی تمن بالعظیم وتدفع کل محذور وتعطی کل
جزیل وتضاعف من الحسنات بالقلیل والکثیر وتفعل ما تشاء یا قدیر
یا الله یا رحمن صل علی محمد واهل بیته والبسنی فی مستقبل سنتی [هذه السنة] هذه سترک
ونضر وجهی بنورک [یا رحیم] واحبنی بمحبتک وبلغنی رضوانک وشریف
کرائمک وجسیم عطیتک [وجزیل عطائک] واعطنی من خیر ما عندک ومن خیر ما
انت معطیه احدا من خلقک والبسنی مع ذلک عافیتک یا موضع
کل شکوی ویا شاهد کل نجوی ویا عالم کل خفیة ویا دافع ما یشاء
من بلیة یا کریم العفو یا حسن التجاوز توفنی علی ملة ابرهیم وفطرته

وعلى دين محمد صلى الله عليه وآله وسنته وعلى خير وفاة فتوفني موالياً
لأوليائك معادياً لأعدائك اللهم وجنبني في هذه السنة كل عمل او قول
او فعل يباعدني منك واجلبني الى كل عمل او قول او فعل يقربني منك
في هذه السنة يا ارحم الراحمين وامنعني من كل عمل او قول او فعل
يكون مني اخاف ضرر عاقبته واخاف مقتك اياي عليه حذاراً
ان تصرف وجهك الكريم عني فاستوجب به نقصاً من حظ لي
عندك يا رؤوف يا رحيم اللهم فاجعلني في مستقبل سنتي هذه في
حفظك وفي كنفك وجللني ستر عافيتك وهب لي كرامتك عز جارك في جوارك خ
وجل ثناؤك ولا اله غيرك اللهم اجعلني تابعاً لصالح من مضى من ثناؤك وجهك خ ل
اوليائك والحقني بهم واجعلني مسلماً لمن قال بالصدق عليك منهم
واعوذ بك اللهم ان تحيط بي خطيئتي وظلمي واسرافي على نفسي و
اتباعي لهواي واشتغالي بشهواتي فيحول ذلك بيني وبين رحمتك و
رضوانك فاكون منسياً عندك متعرضاً لسخطك ونقمتك اللهم وفقني
لكل عمل صالح ترضى به عني وقربني به اليك زلفى اللهم كما كفيت نبيك
محمداً صلى الله عليه وآله هول عدوه وفرجت همه وكشفت غمه و
صدقته وعدك وانجزت له عهدك اللهم فبذلك فاكفني هول

هذه السنة وآفاتها واسقامها وفتنتها وشرورها واحزانها وضيق المعاش
فيها وبلغني برحمتك كمال العافية بتمام دوام النعمة عندي الهي منتهى
اجلي اسألك سؤال من اساء وظلم واستكان واعترف واسألك ان
تغفر لي ما مضى من الذنوب التي حصرتها حفظتك واحصتها كرام
ملائكتك علي وان تعصمني الهي من الذنوب فيما بقي من عمري الى
منتهى اجلي يا الله يا رحمن يا رحيم صل على محمد واهل بيت محمد وآتني كل
ما سألتك ورغبت اليك فيه فانك امرتني بالدعاء وتكفلت بالاجابة
يا ارحم الراحمين و چون احادیث وارد شده که استقبال کنید ماه رمضان را
بتلاوت پس سزاوار آنست که شروع قرآن بتلاوت در شب شود روایت شده یعنی تلاوت قرآن
که هر که در هر شب از ماه رمضان دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد
از حمد سوره قل هو الله احد سه مرتبه بخواند و چون سلام دهد بگوید
سبحان من هو رحيم لا يعجل سبحان من هو قائم لا يسهو سبحان
من هو دائم لا يلهو پس هفت نوبت بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله
الا الله والله اكبر پس سه نوبت بگوید سبحانك سبحانك يا عظيم اغفر
لي الذنب العظيم پس ده نوبت صلوات بفرستد حق تعالی هفتاد هزار
گناه او را بیامرزد و فقیه نقل نموده از حضرت صادق که چون ماه رمضان

داخل شود در هر شب هزار نوبت سورهٔ انا انزلنا را بخوان و چون شب بیست
و سیم شود دل خود را محکم بدار و گوشهای خود را بگشای برای شنیدن عجائب
از آنچه خواهی دید از محمد باقر روایت نموده که شخصی بخدمت امام
محمد باقر عرض نمود که چگونه بشناسم شب قدر را که در سال میباشد
فرمود که چون ماه رمضان بیاید هر شب صد نوبت سورهٔ دخان
بخوان چون شب بیست و سیم شود تصدیق خواهی نمود بآنچه سؤال
نمودی از شیخ بن صم که هر که در ماه رمضان بعد از نماز فریضه این دعا
بخواند حق تعالی گناهان او را تا روز قیامت بیامرزد اَللّٰهُمَّ اَدْخِلْ
عَلٰی اَهْلِ الْقُبُورِ السُّرُورَ اَللّٰهُمَّ اَغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ اَللّٰهُمَّ اَشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ
اَللّٰهُمَّ اَكْسُ كُلَّ عُرْيَانٍ اَللّٰهُمَّ اقْضِ دَيْنَ كُلِّ مَدِينٍ اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنْ كُلِّ
مَكْرُوبٍ اَللّٰهُمَّ رُدَّ كُلَّ غَرِيبٍ اَللّٰهُمَّ فُكَّ كُلَّ اَسِيرٍ اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ
مِنْ اُمُورِ الْمُسْلِمِينَ اَللّٰهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ اَللّٰهُمَّ سُدَّ فَقْرَنَا بِغِنَاكَ اَللّٰهُمَّ غَيِّرْ
سُوءَ حَالِنَا بِحُسْنِ حَالِكَ اَللّٰهُمَّ اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَاَغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ ابن طاوس از امام جعفر صادق و امام موسی کاظم روایت نموده
که فرمودند که در ماه رمضان از اول تا آخر بعد از نماز فریضه این دعا بخوانید
اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِي هٰذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ مَا اَبْقَيْتَنِي فِي يُسْرٍ مِنْكَ

وَعَافِيَةٍ وَسَعَةِ رِزْقٍ وَلَا تُخْلِنِي مِنْ تِلْكَ الْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ وَالْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ
وَزِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفِي جَمِيعِ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَكُنْ
لِي اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُومِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ
فیما یفرق من الامر الحکیم
الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ اَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ
سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَاجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ اَنْ
تُطِيلَ عُمْرِي وَتُوَسِّعَ عَلَيَّ رِزْقِي وَتُؤَدِّيَ عَنِّي اَمَانَتِي وَدَيْنِي آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ
و بسند معتبر از ائمه علیهم السلم روایت نموده که هر که این دعا را در هر شب از ماه
رمضان بخواند گناهان چهل ساله او آمرزیده شود اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ
الَّذِي اَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَافْتَرَضْتَ عَلٰی عِبَادِكَ فِيهِ الصِّيَامَ صَلِّ عَلٰی
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِي هٰذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَاغْفِرْ لِي
تِلْكَ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ فَاِنَّهُ لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ يَا رَحْمٰنُ يَا عَلَّامُ فقیه ادنسا دوم
روایت نموده که میگوئی در هر شب از ماه رمضان این دعا را اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ
فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُومِ فِي الْاَمْرِ الْحَكِيمِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ
وَلَا يُبَدَّلُ اَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ
الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَاجْعَلْ لِي فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ فِي
الْاَمْرِ الْحَكِيمِ فِي الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَاَنْ تُطِيلَ عُمْرِي وشیخ طائفه و ابن طاوس و جمعی از محدثین باسناد خود از امام محمد باقر ع روایت نموده اند که آنحضرت در سحرهای ماه رمضان این دعا را میخواندند و میفرمودند که اگر معلوم شود بر مردمان بزرگی حاجتها و مسئلتها که در این دعا مندرج شده و بدانند سرعت اجابت این دعا را هر آینه محاربه و مقاتله کنند با شمشیرها در یاد گرفتن او و اخذ نمودن این دعا و خدای تعالی مخصوص میسازد برحمت خود هر که را خواهد و اگر سوگند یاد کنم که در این دعا اسم اعظم الهی داخلست راست گفته ام و فرمود که جهد کنید در این دعا که آن مکنون علم خداست و از غیر اهلش پنهان کنید و از منافقان و منکران و تکذیب کنندگان ضنت نمائید که از اهل این دعا نیستند و این دعاء مباهله است و بچندین سند معتبر که ایوب بن یقطین نیز بخدمت امام رضا ع نوشت که آیا صحیح است نسبت این دعا بحضرت امام محمد باقر ع پس آنحضرت در جواب نوشتند بلی دعای آنحضرتست که در اسحار ماه رمضان میخواندند این دعا اینست اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ بَهائِكَ بِاَبْهاهُ وَكُلُّ بَهائِكَ بَهِيٌّ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِبَهائِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ جَمالِكَ بِاَجْمَلِهِ وَكُلُّ جَمالِكَ جَميلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِجَمالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ جَلالِكَ بِاَجَلِّهِ وَكُلُّ جَلالِكَ جَليلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِجَلالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِاَعْظَمِها وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظيمَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّها

اللهم

اَللّٰهُمَّ لا تَخْذُلْني فيهِ بِتَعَرُّضِ مَعْصِيَتِكَ وَلا تَضْرِبْني بِسِياطِ نَقِمَتِكَ وَزَحْزِحْني فيهِ مِنْ مُوجِباتِ سَخَطِكَ بِمَنِّكَ وَاَيادِيكَ يا مُنْتَهى رَغْبَةِ الرّاغِبينَ و شیخ مفید ذکر نموده که در این روز مامون با امام رضا ع مبالغه نموده **روز هفتم** آنحضرت فرموده که هر که در این روز این دعا بخواند الله تعالی کرامت فرماید در بهشت با آنچه بشهدا و سعدا و اولیا کرامت میفرماید دعا اینست اَللّٰهُمَّ اَعِنّي فيهِ عَلى صِيامِهِ وَقِيامِهِ وَجَنِّبْني فيهِ مِنْ هَفَواتِهِ وَآثامِهِ وَارْزُقْني فيهِ ذِكْرَكَ بِدَوامِ هِدايَتِكَ يا هادِيَ الْمُؤْمِنينَ بِدَوامِهِ بِتَوْفيقِكَ يا وَلِيَّ الْمُؤْمِنينَ **روز هشتم** آنحضرت فرموده که هر که در این روز این دعا بخواند حق تعالی بلند کرداند عمل او را با عمل هزار صدیق دعا اینست اَللّٰهُمَّ ارْزُقْني فيهِ رَحْمَةَ الْاَيْتامِ وَاِطْعامَ الطَّعامِ وَاِفْشاءَ السَّلامِ وَمُجانَبَةَ اللِّئامِ وَصُحْبَةَ الْكِرامِ بِطَوْلِكَ يا مَلْجَاَ الْآمِلينَ **روز نهم** از آنحضرت روایت است که هر که این دعا بخواند الله تعالی عطا فرماید با و ثوابیکه پیغمبران بنی اسرائیل عطا فرموده دعا اینست اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لي فيهِ نَصيباً مِنْ رَحْمَتِكَ الْواسِعَةِ وَاهْدِني فيهِ لِبَراهينِكَ السّاطِعَةِ وَخُذْ بِناصِيَتي اِلى مَرْضاتِكَ الْجامِعَةِ بِمَحَبَّتِكَ يا اَمَلَ الْمُشْتاقينَ **روز دهم** بانا از آنحضرت که هر که در این روز این دعا بخواند هر چیزی برای او استغفار کنند و در این روز خدیجه کبری از دنیا

رحلت فرموده دعا اینست اللهم اجعلنی من المتوکلین علیک
واجعلنی من الفائزین الیک واجعلنی من المقربین لدیک باحسانک
یا غایة الطالبین روز یازدهم باز از آنحضرت که هر که در این روز این
دعا بخواند حق تعالی بنویسد برای او حج مقبولی که با پیغمبر ص کرده
باشد و آن برابرست با هفتاد هزار حج و بنویسد برای او عمره که با
اهل بیت آنحضرت کرده باشد و آن برابرست با هفتاد هزار عمره دعا
اینست اللهم حبب الی فیه الاحسان وکره الی فیه العصیان وحرم
علی فیه السخط والنیران بعونک یا غوث المستغیثین روز دوازدهم باز
از آنحضرت که هر که در این روز این دعا بخواند الله تعالی گناهان گذشته
و آینده او را بیامرزد و سیئات او را بحسنات مبدل گرداند دعا اینست اللهم
زینی فیه بالستر والعفاف واسترنی فیه بلباس القنوع والکفاف
وحلّنی فیه بحلی الفضل والانصاف بعصمتک یا عصمة الخائفین و
وجنبنی فیه ما احذر و
آمنی مما اخاف
در این روز انجیل بر حضرت عیسی ع نازل شد بقول بعضی روز سیزدهم باز
از آنحضرت که هر که در این روز این دعا بخواند حق تعالی بعدد هر سنگی و کلوخی
حسنه با کرامت فرماید و درجه در بهشت عطا نماید دعا اینست اللهم طهرنی
فیه من الدنس والاقذار وصبرنی فیه علی کائنات الاقدار ووفقنی فیه

اللهم انی اسئلک من نورک بانوره وکل نورک نیر اللهم انی اسئلک بنورک
کله اللهم انی اسئلک من رحمتک باوسعها وکل رحمتک واسعة اللهم
انی اسئلک برحمتک کلها اللهم انی اسئلک من کلماتک باتمها وکل
کلماتک تامة اللهم انی اسئلک بکلماتک کلها اللهم انی اسئلک من
کمالک باکمله وکل کمالک کامل اللهم انی اسئلک بکمالک کله اللهم
انی اسئلک من عزتک باعزها وکل عزتک عزیزة اللهم انی اسئلک
بعزتک کلها اللهم انی اسئلک من مشیتک بامضاها وکل مشیتک
ماضیة اللهم انی اسئلک بمشیتک کلها اللهم انی اسئلک من قدرتک
بالقدرة التی استطلت بها علی کل شیء وکل قدرتک مستطیلة اللهم
انی اسئلک بقدرتک کلها اللهم انی اسئلک من علمک نافذ اللهم
بانفذه وکل علمک
انی اسئلک بعلمک کله اللهم انی اسئلک بارضاه وکل قولک رضی
من قولک
اللهم انی اسئلک بقولک کله اللهم انی اسئلک من مسائلک باحبها
الیک وکلها الیک حبیبة اللهم انی اسئلک بمسائلک کلها اللهم انی
اسئلک
من شرفک باشرفه وکل شرفک شریف اللهم انی اسئلک بشرفک
کله اللهم انی اسئلک من سلطانک بادومه وکل سلطانک دائم اللهم
انی اسئلک بسلطانک کله اللهم انی اسئلک من ملکک بافخره وکل ملکک

فاخر اللهم انی اسئلک بملکک کله اللهم انی اسئلک من علوک باعلاه
وکل علوک عال اللهم انی اسئلک بعلوک کله اللهم انی اسئلک
من منک باقدمه وکل منک قدیم اللهم انی اسئلک بمنک کله
اللهم انی اسئلک من آیاتک باکرمها وکل آیاتک کریمة اللهم انی
اسئلک بآیاتک کلها اللهم انی اسئلک بما انت فیه من الشأن و
الجبروت واسئلک بکل شأن وحده وجبروت وحدها اللهم انی اسئلک
بما تجیبنی حین اسئلک فاجبنی یا الله فافعل بی کذا و کذا و بیان ادعیه هر روز
در ادعیه متعلقه بروزهای ماه رمضان سید ابن باقی از ائمه علیهم السلام
روایت نموده که هر که در هر روز از ماه رمضان این دعا بخواند الله تعالی
گناهان چهل ساله او را بیامرزد اللهم رب شهر رمضان الذی انزلت
فیه القرآن وافترضت علی عبادک فیه الصیام وارزقنی حج بیتک
الحرام فی هذا العام وفی کل عام واغفر لی الذنوب العظام فانه لا یغفرها
غیرک یا ذا الجلال والاکرام روز اول در کتاب ذخیره برای هر روزی از
پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت است که هر که در این روز این دعا بخواند حق
تعالی باو هزار هزار حسنه کرامت فرماید و هزار هزار درجه برای او بلند
گرداند و هزار هزار گناه از او محو نماید دعا اینست اللهم اجعل صیامی صیام

هر روز از ماه رمضان المبارک باید بگوید
اللهم ما مضی من شهر رمضان
فتقبله منا تقبلاً حسنا وما بقی
منه فوفقنا لصالح الاعمال واکتب
لنا برائة من النار وامانا من
العذاب وجوازا علی الصراط
ونصیبا من الجنة برحمتک یا ارحم
الراحمین

الصائمین وقیامی قیام القائمین ونبهنی فیه عن نومة الغافلین وهب لی
جرمی فیه یا اله العالمین واعف عنی یا عافیا عن المجرمین و کفعمی از حضرت
امام موسی ع روایت نموده که هر که در این روز دو رکعت نماز بگذارد
در رکعت اول بعد از حمد سوره انا فتحنا و در رکعت دویم بعد از حمد
هر سوره که خواهد حق تعالی او را محافظت نماید در تمام امسال از
هر مکروهی و بلیه پیوسته تا سال آینده و در حرز و حراست الله تعالی باشد
روز دویم در ذخیره از پیغمبر ص روایت نموده که هر که در این روز این دعا
بخواند الله تعالی باو عطا کند بعدد هر گامی که در تمام عمر خود برداشته
ثواب عبادت یکساله که روزش را روزه داشته باشد و شبش را بعبادت
بر آورده باشد و دعا اینست اللهم قربنی فیه الی مرضاتک وجنبنی فیه
من سخطک ونقماتک ووفقنی فیه لقرائة کتابک یا ارحم الراحمین
در این روز بر قول بعضی بیعت خلافت با حضرت امام رضا ع واقع شده
روز سیم از پیغمبر ص روایت نموده که هر که در این روز این دعا بخواند الله تعالی
بنا کند برای او در جنت الفردوس خانه از در سفید که در بالای آن خانه
هفتاد هزار هزار غرفه باشد از نور ساطع و در میان آن خانه هفتاد هزار
هزار غرفه از نور ساطع و در هر غرفه هزار هزار کرسی گذاشته باشد و بر هر کرسی

حوریه نشسته باشد و در هر دو هزار ملک از جانب حق تعالی بر او داخل
شوند و هدیها و تحفها برای او آورند و دعا اینست اللّهمّ ارزقنی فیه
الذّهن والتّنبیه وباعدنی فیه عن السّفاهة والتّمویه واجعل لی
نصیبًا من کلّ خیرٍ تُنزل فیه یا اجود الاجودین روز چهارم از پیغمبر ص
که هر که در این روز این دعا بخواند حق تعالی با او کرامت فرماید در جنت هفتاد
هزار کرسی که بر هر کرسی حوریه نشسته باشد دعا اینست اللّهمّ قوّنی فیه
علی اقامة امرک وارزقنی فیه حلاوة ذکرک واوزعنی فیه اداء شکرک
بکرمک واحفظنی بحفظک وسترک یا خیر النّاصرین روز پنجم از آنحضرت
روایت نموده که هر که در این روز این دعا بخواند خدا تعالی کرامت فرماید
با او در جنت الماوی هزار هزار قصعه (یعنی کاسه) در هر قصعه هزار هزار لون از طعام
دعا اینست اللّهمّ اجعلنی فیه من المستغفرین واجعلنی فیه من عبادک
الصّالحین القانتین واجعلنی فیه من اولیائک المتّقین برأفتک
یا اکرم الاکرمین روز ششم از آنحضرت که هر که در این روز این دعا بخواند حق
الله تعالی با او عطا فرماید چهل هزار مدینه در هر مدینه چهل هزار خانه در هر
خانه هزار کرسی که طول هر کرسی هزار ذراع باشد بر هر کرسی حوریه نشسته باشد
که هزار گیسو داشته و هر گیسوی را خادمی برداشته باشد دعا اینست

علی التّقی و صحبة الابرار بعزّتک یا قوّة المساکین و بر قول اکثر در این روز
فتح مکه واقع شد روز چهاردهم باز از آنحضرت که هر که این دعا بخواند چنان باشد
که با پیغمبران و شهدا و صالحان روزه داشته باشد دعا اینست اللّهمّ
لا تؤاخذنی فیه بالعثرات واقلنی فیه من الخطایا والهفوات ولا تجعلنی
غرضًا للبلایا والآفات بعزّتک یا عزّ المسلمین شب پانزدهم ابن طاوس روایت
کرده بسند معتبر که بخدمت صادق ع عرض کردند که چه میفرمایید در باب
کسی که زیارت کند قبر امام حسین علیه السلام حاضر شود در شب نیمه ماه رمضان فرمود
که به هر که نزد قبر آنحضرت در شب نیمه ماه رمضان ده رکعت نماز بگذارد
بعد از خفتن یعنی از نماز شب در هر رکعتی بعد از حمد ده نوبت قل هو الله
بخواند و از حق تعالی امان بطلبد از آتش جهنم حق تعالی بنویسد او را آزاد کرده
خود از آتش جهنم و نمیرد تا در خواب ببیند ملکی چند را که او را بشارت
دهند به بهشت و ملکی چند را که او را ایمن گردانند از آتش جهنم و سنت
موکد است در این شب غسل و تاکید زیاده از شبهای افراد است روز پانزدهم
باز از آنحضرت که هر که در این روز این دعا بخواند حق تعالی برآورد برای او هفتاد
حاجت از حوائج دنیا و بیست حاجت از حوائج آخرت او را و بنا نماید برای او
در جنت در جوار پیغمبران هزار شهر از نور ساطع و در هر شهری هزار هزار قصر

باشد و در هر غرفه هزار حجره باشد و در هر حجره چیزی چند مهیا باشد
که هر نفسی خواهش آنها داشته باشد و هر دیده از دیدن آنها لذت بیابد
و او را در آنجا مخلد و ابد الآباد باشد و دعا اینست اللّهمّ ارزقنی فیه
طاعة الخاشعین واشرح صدری فیه بانابة المخبتین بأمانك یا امان
الخائفین و موافق مشهور امام حسن علیه السلام متولد شده و ولادت
امام محمد تقی علیه السلام نیز در این روز نقل کرده اند روز شانزدهم باز از آنحضرت
که هر که در این روز این دعا بخواند چون از قبر بیرون آید الله تعالی کرامت
فرماید با و نوری ساطع که آن نور راه رود و حله که بپوشد آن حله را :
و ناقه که سوار شود بر آن ناقه و بیاشامد او را از شراب طهور بهشت دعا
اینست اللّهمّ وفّقنی لعمل الابرار و جنّبنی فیه موافقة الاشرار و اوِنی
برحمتك فی دار القرار بالوهیتك یا اله العالمین و الآخرین روز هفدهم باز
از آنحضرت که هر که در این روز این دعا بخواند حق تعالی او را بیامرزد و اگرچه
از خاسران و زیان کاران باشد دعا اینست اللّهمّ اهدنی فیه لصالح
الاعمال واقض لی فیه الحوائج والآمال یا من لا یحتاج الی التفسیر والسؤال
یا عالماً بما فی صدور العالمین صلّ علی محمد و آله الطاهرین و بر قول بعضی
امام محمد تقی علیه السلام در این روز متولد شده و در روایات معتبره وارد شده که

در شب

در شب هفدهم ماه رمضان لشکر اسلام و کفار قریش در بدر یکدیگر را
ملاقات کردند و در روز هفدهم خدای عالمیان ملائکه را بنصرت پیغمبر صلعم
فرستاد و اهل اسلام را بر کافران ظفر عطا فرموده و این روز اعظم فتوحات
اسلام است باید که سرور و عید اهل اسلام باشد روز هیجدهم از آنحضرت که هر که
در این روز این دعا بخواند حق تعالی ثواب هزار پیغمبر با و کرامت فرماید
دعا اینست اللّهمّ نبّهنی فیه لبرکات اسحاره و نوّر قلبی فیه بضیاء
انواره و خذ بکلّ اعضائی الی اتباع آثاره یا نور قلوب العارفین شب
نوزدهم بدانکه این شب شبی است بسیار با قدر و منزلت و شب قدر از این شب
و شب بیست و یکم و شب بیست و سیم بیرون نیست پس باید که قدر این شب را
بدانند و حرمت آنها را رعایت نمایند و از مشاغل دنیوی و لهو و لعب اجتناب
کنند و خود را باحیا و عبادت برای خدا خالص سازند و درجات و مراتب
عالیه بهشت را برای خود آماده کردانند از پیغمبر صلعم که هر که احیا کند شب قدر را
الله تعالی در گذرد عذاب او را تا سال دیگر آینده و باز از آنحضرت که هر که
شب قدر را احیا نماید نمیرد دل او در روزی که دلها همه مرده باشد از محمد
باقر علیه السلام که هر که شب قدر را احیا کند گناهان او آمرزیده شود اگرچه
بعدد ستارگان آسمان و بگرانی کوهها و بکیل دریاها باشد و چه بسیار سهل است

بمؤمنی که بثوابهای اخروی اعتقاد داشته باشد وبحقیقت آنچه مخبر صادق
خبر داده اذعان نموده باشد جد وجهد نمودن در احیا وعبادت سه
شب برای دریافتن شب قدر شبی که بنص قرآن عبادت در آن بهترست
از عبادت هزار ماه چه باشد که سه شب را عبادت کنی تا بآن ثواب بی
متناهی فایز شوی وشبی است که روزیها واجلها وبلاها ومصیبتها وسایر
اموری که در آن سال واقع میشود ومقدر میگردد وجماعتی را از سعدا
وفایزان وگروهی را از اشقیا وخاینان می نویسند چه نماید که در سه شب
خود را بزحمت داری وتضرع واستغفار کنی تا عمر ترا دراز کرداند وروزی را
برای تو فراخ کنند وبلایا ومصایب را از تو دفع نمایند واگر از اشقیا باشی
نام ترا محو کرده در زمره سعدا نویسند از صادق عم که شبی که هر امر محکمی مفروق میگردد
ومقدر میشود در آن شب نازل میشود آنچه در آن سال مثل آن شب واقع خواهد
شد از نیکیها وبدیها ومرگها وزندگانیها ودر آن شب نوشته میشوند گروهی که
در آن سال توفیق حج خواهند یافت پس هر که در آن شب نوشته شد که حج کند البته
توفیق حج بیابد واگرچه بی زاد وراحله ومریض وعلیل باشد وکسی که نوشته
نشد در آن سال حج نکند واگرچه مالدار وصحیح باشد از صادق عم که چون
شب نوزدهم ماه مبارک رمضان شود نوشته شود حج کنندگان در آن سال

واجلها وروزیها وحق تعالی مطلع کرده بر خلایق وبیامرزد هر مؤمنی را
مگر کسی که مسکری خورده باشد یا رحم مؤمنی را از خود قطع کرده باشد
بدانکه در این شب غسل مستحب موکد است ودر این شب ابن ملجم علیه اللعنه
والعذاب ضربت بر حضرت سرور اولیا وامام اتقیا امیر المؤمنین زده ودر
روایتی واقع شده که باید که در اینشب صد نوبت بر قاتل آنحضرت لعنت
کنی وصد نوبت استغفار بسند کلینی وفقیه روایت شده که در اینشب وشب
بیست ویکم وشب بیست وسیم صد رکعت نماز ودر بعضی روایات
در هر رکعت بعد از حمد توحید را ده نوبت یا هفت یا پنج یا سه یا
یکنوبت ابن طاوس از پیغمبر ص روایت نموده که هر که در شب قدر دو
رکعت نماز بگذارد ودر هر رکعت بعد از حمد توحید را هفت نوبت
بخواند وچون فارغ شود هفتاد نوبت استغفار کند از جای خود
برنخیزد تا حق تعالی بیامرزد او را وپدر ومادر او را وبرانگیزد
گروهی از ملائکه را تا سال دیگر برای حسنات نویسند وگروهی
از ملائکه را که در بهشت برای او درختها بکارند وقصرها و
نهرها جاری کرده اند واز دنیا بیرون نرود تا همه اینها را ببیند
ابن طاوس علیه الرحمه بسند معتبر از امام محمد باقر عم که فرمود برسید

مصحف را که در سه شب ماه رمضان یعنی شب نوزدهم و بیست و یکم
و بیست و سیم میگشائی و در برابر خود میگذاری و میگوئی این دعا را
اللّهمّ انّی اسألك بكتابك المنزل وما فيه وفيه اسمك الاكبر و
اسماؤك الحسنى وما يخاف ويرجى ان تجعلني من عتقائك من النار
و هر حاجتی که داری از الله تعالی طلب میکنی و در حدیث دیگر از امام
جعفر صادق ع که بر میداری قرآن را بر سر خود میگذاری و میگوئی
این دعا را اللّهمّ بحق هذا القرآن وبحق من ارسلته به وبحق كل
مؤمن مدحته فيه وبحقك عليهم فلا احد اعرف بحقك منك
بك يا الله ده نوبت بمحمد ده نوبت بعلي ده نوبت بفاطمة ده نوبت
بالحسن ده نوبت بالحسين ده نوبت بعلي بن الحسين ده نوبت بمحمد بن
علي ده نوبت بجعفر بن محمد ده نوبت بموسى بن جعفر ده نوبت
بعلي بن موسى ده نوبت بمحمد بن علي ده نوبت بعلي بن محمد ده نوبت
بالحسن بن علي ده نوبت بالحجة القائم يا صاحب الامر پس حاجات
خود را طلب میکنی که البته بر آورده میشود ان شاء الله تعالی و از حضرت
صادق ع که فرمود شب قدر در سالی یک شب است و عبادت آن بهتر است
از عبادت هزار ماه و روز قدر مانند شب قدر است و بخوان در این شبها

دعای سحر و دعاها که سابقا مذکور شد **روز نوزدهم** از آنحضرت که هر که
در این روز این دعا بخواند استغفار کنند برای او ملائکه آسمانها و زمین
دعا اینست اللّهمّ وفّر حظّي من بركاته وسهّل سبيلي الى خيراته
ولا تحرمني القليل من حسناته يا هاديا الى الحق المبين **روز بیستم** از آنحضرت
که هر که در این روز این دعا بخواند الله تعالی بنویسد برای او بعدد هر که ماه
رمضان روزه داشته عبادت شصت ساله مقبول و بفرستد بسوی
او هزار هزار ملك محافظت نمایند او را از شر هر جباری و شیطان متمردی
و بگشایند میان او و جهنم هفتاد خندق که هر خندقی مانند مابین آسمان
باشد دعا اینست اللّهمّ افتح لي فيه ابواب الجنان واغلق عني فيه
ابواب النيران ووفقني فيه لتلاوة القرآن يا منزل السكينة في
قلوب المؤمنين و در این روز بر قول بعضی فتح مکه واقع شد و در این
روز حضرت امیر ع بر دوش مبارک حضرت پیغمبر ص بالا رفت و رفعت
و منزلت او در درگاه خدا و عزت و قرب او نسبت بجناب رسول ص
نزد خلایق ظاهر گردید **شب بیست و یکم** بدانکه این شب نزدیکتر است
بشب قدر از شب نوزدهم و فضیلتش زیاده از آن شب است بسند صحیح از
امام جعفر صادق ع از شب قدر فرمود که در شب بیست و یکم است از

امام محمد باقر ع همین سؤال نمود عبد الواحد انصاری و آنحضرت فرمود که
طلب نما آنرا در شب بیست و یکم و سیم پس عرض نمود که یابن رسول الله
تعیین کن شب قدر را برای من فرمود که چه سهلست که در دو شب
توجه و جهد نمائی و بسند معتبر از ابو بصیر که گفت بامام جعفر صادق ع
عرض نمودم که فدای تو شوم شبی که قدر در آن هست کدام است فرمود
که شب بیست و یکم و بیست و سیم عرض کردم که اگر قدرت بر دو شب
نداشته باشم کدام شب را رعایت کنم فرمود که چه بسیار سهلست
دو شب در آنچه طلب مینمائی گفتم که گاه میباشد که در هلال ماه
رمضان اختلاف میشود فرمود که بسیار کم است چهار شب در آنچه طلب
میکنی و در این شب تقدیرات بحد قضا میرسد پس باید که جد و
اهتمام تو در احیا و عبادت این شب زیاده از شب گذشته باشد و
سعی نمائی که اگر در آن شب از اشقیا نوشته شده باشی در این شب از سعدا
نوشته شوی و در بعضی روایات وارد شده که اگر تمام شب را نتوانی
احیا داشتن باکی نیست که در اول شب از خواب سرمه بچشم بکشی و در این شب
صدقه و صله رحم و همه اعمال خیر ثوابش مضاعف است و غسل سنت مؤکد
و همچنین در هر شب از شبهای دهه آخر این ماه نیز غسل سنت و در شبهای

تاق

تاق این دهه سنت مؤکد است و در حدیث بسیار معتبری وارد شده
که صادق ع امر فرمود ابو بصیر را که در این شب صد رکعت نماز بگذارد
پس ابو بصیر گفت اگر ایستاده نتوانم فرمود که نشسته بگذار گفت اگر
نشسته نتوانم فرمود که در میان فراش خود که استراحت کرده باشی
بگذار و همچنین میخوانی در این شب دعای توسل بقرآن را و در این شب
بر قول مشهور پیغمبر ص بمعراج رفت و عیسی را باسمان بردند و قبض
روح موسی بن عمران و قبض روح وصی او یوشع بن نون و قبض روح
علی بن ابی طالب علیه السلم نمودند و ابن طاوس بسند معتبر روایت نموده
از صادق ع که فرمود که میگوئی در هر شب از دهه آخر ماه رمضان این دعا
اَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ اَنْ يَنْقَضِيَ عَنِّي شَهْرُ رَمَضَانَ اَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ
مِنْ لَيْلَتِي هٰذِهِ وَيَبْقَى لَكَ عِنْدِي تَبِعَةٌ اَوْ ذَنْبٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ يَوْمَ الْقَاكَ
باز بسند معتبر دیگر از آنحضرت که در هر شب از دهه آخر این دعا اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ
قُلْتَ فِي كِتَابِكَ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي اُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ
وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ شَهْرِ رَمَضَانَ بِمَا
اَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَخَصَصْتَهُ بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا خَيْرًا مِنْ اَلْفِ
شَهْرٍ اَللّٰهُمَّ وَهٰذِهِ اَيَّامُ شَهْرِ رَمَضَانَ قَدِ انْقَضَتْ وَلَيَالِيهِ قَدْ تَصَرَّمَتْ

في الكافي ولك قبلي ذنب
او تبعة خ ل

وقد صیرتک یا الهی منه الی ما انت اعلم به منی واحصی لعدده من
الخلق اجمعین فاسألک بما سألک به ملائکتک المقربون و
انبیاؤک المرسلون وعبادک الصالحون ان تصلی علی محمد
وآل محمد وان تفک رقبتی من النار وتدخلنی الجنة برحمتک
وان تتفضل علی بالامن یوم الخوف من کل هول اعددته
لیوم القیمة الهی واعوذ بوجهک الکریم وبجلالک العظیم ان
ینقضی ایام شهر رمضان ولیالیه ولک قبلی تبعة او ذنب
تؤاخذنی به خطیئة ترید ان تقتصها منی لم تغفرها لی سیدی
سیدی سیدی اسألک یا لا اله الا انت ان کنت رضیت عنی فی هذا
الشهر فازدد عنی رضا وان لم تکن رضیت عنی فمن الان فارض عنی یا ارحم
الراحمین یا الله یا احد یا صمد یا من لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا
احد و بسیار بگفتند یا ملین الحدید لداود علیه السلام یا کاشف
الضر والکرب العظام عن ایوب علیه السلام ای مفرج هم یعقوب
علیه السلام ای منفس غم یوسف علیه السلام صل علی محمد وآل محمد کما انت
اهله ان تصلی علیهم اجمعین وافعل بی ما انت اهله ولا تفعل بی ما انا
اهله و ثقة الاسلام یعقوب کلینی و فقیه و شیخ ابو جعفر طوسی بدو طرق

ازعشر

ازعشر آخر ماه رمضان از ائمه طاهرین علیهم السلام دعائی روایت نموده اند و
و ما در اعمال هر شب ایراد مینمائیم و دعای این شب اینست یا مولج اللیل فی
النهار ومولج النهار فی اللیل ومخرج الحی من المیت ومخرج المیت من
الحی یا رازق من یشاء بغیر حساب یا الله یا رحمن یا الله یا رحیم یا الله
یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والالاء اسألک
ان تصلی علی محمد وآل محمد واهل بیته وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة
فی السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة
وان تهب لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا یذهب بالشک عنی وترضینی بما
قسمت لی وآتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق
وارزقنی فیها ذکرک وشکرک والرغبة الیک والانابة والتوفیق لما
وفقت له محمدا وآل محمد علیهم السلام بدانکه سنت مؤکد است در این دهه
اعتکاف داشتن از پیغمبر م که اعتکاف دهه آخر ماه رمضان برابر است بادو
حج و دو عمره از صادق ع که پیغمبر صلی الله علیه وآله چون دهه آخر ماه رمضان
میشد در مسجد اعتکاف میفرمود و برای آنحضرت خیمه از مو مینزدند پس
دامان بر کمر میزد یعنی مهیای عبادت میشد و فراش خود را ترک
مینمود یعنی از زنان مباشرت و مجامعت نمیکرد راوی پرسید که با زنان

معاشرت هم نمیکرد فرمود که از خدمت ایشان و معاشرت با ایشان اجتناب
نمی نمود باز از آنحضرت که عرفه بدر در ماه رمضان واقع شد و پیغمبر ص
در آن سال اعتکاف نداشتند چون سال دیگر شد دو عشر از ماه رمضان را
اعتکاف کردند یکی برای آن ماه و دیگری برای قضاء ماه گذشته و مشهور
میان علما آنست که اعتکاف نمیتوان داشت مگر در یکی از چهار مسجد
مسجد الحرام و مسجد پیغمبر ص و مسجد کوفه و مسجد بصره و بعضی بجای بصره
مسجد مداین را گفته اند و بعضی پنج مسجد گفته اند که مسجد مداین را
داخل نموده اند و بعضی را اعتقاد آنست که در هر مسجد جامعی اعتکاف
میتوان داشت و این خالی از قوتی نیست و احادیث معتبره دلالت برآن
مینماید که اگر در مسجد جامعی که غیر آن مساجد خمسه باشد اعتکاف بجا
آورند و نیت کنند که اگر اعتکاف بجا آورند و نیت کنند که اگر اعتکاف
شرعی باشد مطلوب شارع بعمل آمده باشد والا در مسجد عبادتی کرده
باشد احوط خواهد بود از محمد بن ابی نصر بسند معتبر از امام رضا ع روایت
نموده که عمره در ماه رمضان برابر است با حجی و عمره و هر که زیارت کند حسین ع را
و توقف کند در نزد قبر آنحضرت در آخر ماه رمضان چنان باشد که توقف
کرده باشد نزد قبر پیغمبر ص و کسی که توقف کند نزد قبر پیغمبر ص افضل شد

برای او از حجی و عمره بعد از حجة الاسلام **شب بیست و یکم** هر که در این روز نماید حاجت
حق تعالی قبر او را نورانی سازد و روی او را سفید کرداند و از صراط
بگذرد چون برق جهنده از پیغمبر ص مرویست دعا اینست اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِي
فِيهِ اِلٰى مَرْضَاتِكَ دَلِيلًا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ عَلَيَّ سَبِيلًا وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ
مَنْزِلًا وَمَقِيلًا يَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الطَّالِبِينَ **شب بیست دوم** از پیغمبر ص هر که در این شب
هشت رکعت نماز کند در و بهر طریقی که خواهد داخل میشود به بهشت از
هر دری که خواهد و دعای این شب اینست یَا سَالِخَ النَّهَارِ مِنَ اللَّيْلِ فَاِذَا نَحْنُ
مُظْلِمُونَ وَمُجْرِيَ الشَّمْسِ لِمُسْتَقَرِّهَا بِتَقْدِيرِكَ يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ وَمُقَدِّرَ الْقَمَرِ
مَنَازِلَ حَتّٰى عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ يَا نُورَ كُلِّ نُورٍ وَمُنْتَهٰى كُلِّ رَغْبَةٍ وَوَلِيَّ
كُلِّ نِعْمَةٍ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا اَللّٰهُ يَا قُدُّوسُ يَا اَحَدُ يَا وَاحِدُ يَا فَرْدُ يَا اَللّٰهُ يَا
اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ لَكَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى وَالْاَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ اَسْئَلُكَ
اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اَهْلِ بَيْتِهِ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ
وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاِسَائَتِي مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لِي
يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَاِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا
فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي
فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا

وآل محمد علیهم السلام **روز بیست و دوم** از آنحضرت که هر که در این روز این دعا
بخواند الله تعالی بر او سکرات مرگ و سوال منکر و نکیر را آسان کرداند
و او را بر طریقه حق ثابت قدم دارد و دعا اینست اللّهمّ افتح لی ابواب
فضلك وانزل علیّ فیه برکاتك ووفقنی فیه لموجبات مرضاتك
واسکنّی فیه بحبوحة جنّاتك یا مجیب دعوة المضطرّین **شب بیست و سیم**
بدانکه احادیث معتبره بسیار دلالت میکند بر آنکه این شب شب
قدر است بسند معتبر از امام جعفر صادق ع که سفیان سمط بخدمت
آنحضرت عرض نمود که شب قدر را برای من تعیین فرما آنحضرت فرمود
که شب بیست و سیم است و از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود بهمین قسم
راوی کوید بخدمت امام جعفر صادق ع عرض نمودم که شبی که امید شب
قدر باشد کدام است فرمود شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم
پس عرض کردم که اکر ضعفی یا مرضی مانع شود و از عبادت سه شب
بر کدام شب اعتماد کنم فرمود که شب بیست و سیم بسند معتبر از صادق
علیه السلام که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که پیغمبر صحف ابرهیم در شب
اول ماه رمضان نازل شد و توریة در شب بیست و ششم و زبور در
در شب هجدهم که قرآن در شب بیست و سیم نازل شده و فضیلت شب قدر

زیاده از آن که وصف توان نمود همین کافی که عبادت در آن بهتر است از
عبادت هزار شب از پیغمبر ص که حضرت موسی ع مناجات نمود که خداوندا
قرب تو میخواهم فرمود که قرب من برای کسیست که در شب قدر بیدار باشد
گفت خداوندا رحمت ترا میخواهم فرمود که رحمت من برای کسیست که در شب
قدر بر مساکین ترحم کند گفت خداوندا گذشتن از صراط میخواهم فرمود
که آن برای کسیست که در شب قدر صدقه در راه خدا بدهد گفت خداوندا
درختان بهشت و میوهای او را میخواهم فرمود که اینها برای کسیست که در
شب قدر تسبیح کوید گفت خداوندا نجات و رستکاری از جهنم میخواهم
فرمود که آن برای کسیست که در شب قدر استغفار کند گفت خداوندا رضا
و خوشنودی ترا میخواهم فرمود که آن برای کسیست که در شب قدر دو رکعت
نماز بکذارد و باز فرمود که کشوده میشود در شب قدر درهای آسمان پس
هر که در این شب نمازی بکند حق تعالی عطا کند باو بهر سجده درختی در بهشت
که اگر سواری صد سال در سایهٔ آن درخت براند از آن قطع نکند و بهر
رکعتی خانه در بهشت از در و یاقوت و زبرجد و مروارید و بهر آیه
تاجی از تاجهای بهشت و بهر تسبیحی غرفه از غرفهای بهشت و بهر
سلامی حله از حلهای بهشت و چون صبح طالع شود عطا فرماید
باو از دختران نو رسیده و کنیزکان پاکیزه و غلمان با کوشوارهای

زینت یافته و اسبان پرواز کنند و ریاحین خوشبو و نهرهای جاری
و نعمتهای پسندیده و تحفها و هدیها و خلعتها و کرامتهای و آنچه
همگی مردم خواهش آن داشته باشند و دیدها از دیدن آن لذت
برند و شما در بهشت مخلد باشید قدر این شب را بدانید شاید دیگر
نیابید والاخرة خیر و ابقی را بگوش هوش خود بکشانید و در این
شب غسل مستحب مؤکد است یک مرتبه در اول شب و یک مرتبه در آخر شب
و بسند معتبر از امام زاده عبد العظیم که امام محمد تقی ع فرمود که هر که
زیارت حسین ع کند در شب بیست و سیم ماه رمضان و آن
شبیست که امید هست قدر باشد و در آن شب هر امری محکمی مفروق و
مقرر میشود مصافحه کنند با او ارواح بیست و چهار هزار پیغمبر که
از حق تعالی رخصت گرفته باشند و بزیارت آنحضرت در آن شب آمده
باشند از امام صادق ع بسند معتبر که چون شب قدر میشود منادی از بطنان
عرش ندا میکند که خدا آمرزید هر که زیارت قبر حسین ع کرد و از موسی بن
جعفر ع بسند معتبر که سه شب است که هر که زیارت کند حسین ع در
در آن شبها گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود شب نصف شعبان و
شب بیست و سیم رمضان و شب عید و دیگر در این شب خواندن سوره

روم و عنکبوت است از صادق ع که هر که سوره روم و عنکبوت را در
در شب بیست و سیم ماه رمضان بخواند والله که از اهل بهشت باشد و در این
حکم استثنا نمیکنم و نمی ترسم که خدا در این سوگند بر من گناهی بنویسد و این
دو سوره را نزد الله تعالی منزلت عظیم است و از صادق ع که اگر کسی در شب
بیست و سیم ماه رمضان سوره انا انزلناه را هزار مرتبه بخواند چون صبح کند
یقینش او شدید و محکم شده باشد باعتراف بچیزی چند که مخصوص ماست از
غرایب فضایل و نیست مگر بسبب چیزی که در خواب مشاهده نماید و باید که
در این شب ترک نکنی دو رکعت نماز شب قدر را و همچنین صد رکعت که قبل از این
مذکور شد از امام محمد باقر ع که هر که شب بیست و سیم ماه رمضان را احیا کند
و در آن شب صد رکعت نماز بگذارد حق تعالی فراخ گرداند معیشت او را و کفایت
کند از و شر دشمنان او را و محافظت نماید او را از غرق و هدم و دزدان و
درندگان و دفع کند از و هول منکر و نکیر را و چون از قبر بیرون آید او را
نوری باشد که روشنی دهد اهل قیامت را و نامه عمل او را بدست راست او
دهند و بنویسند برای او برات نجات از آتش جهنم و گذشتن از صراط و ایمن
بودن از عذاب الهی و داخل بهشت شود بی حساب و در بهشت از رفیقان
پیغمبران و صدیقان و شهدا و صالحان باشد و چه نیکو رفیقانند ایشان

شیخ شهید از پیغمبر صلی الله علیه وآله روایت کرده که هر که در این شب
هشت رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از حمد هر سوره که
خواهد بخواند گشوده شود برای او درهای آسمانهای هفتگانه
و مستجاب گردد دعای او و در این شب نماز پیغمبر ص و امیر علیه السلم
و فاطمه و جعفر طیار ع فضیلت بسیار دارد و سزاوار است در این شب
خواندن دعای توسل بقرآن و همچنین ادعیه عامه خصوصا
دعای سحر و دعای اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ فیما تَقْضی وَتُقَدِّرُ تا آخر
که قبل از این مذکور شد و دعای هر شبه عشر آخر که در شب بیست و
یکم گذشت از ائمه علیهم السلم ابن طاوس و جمعی نقل نموده اند که باید
مکرر بگوئی در شب بیست و سیم خواه ایستاده و خواه نشسته
و بر هر حالتی که باشی و همچنین در تمام این ماه و هر وقتی که ممکن باشد
تا میگوئی بعد از تحمید الهی و بعد از صلوات بر نبی و آلش علیهم السلم
این دعا را اَللّٰهُمَّ کُنْ لِوَلِیِّکَ الْقائِمِ بِاَمْرِکَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدی
عَلَیْهِ وَعَلی آبائِهِ اَفْضَلُ الصَّلوةِ وَالسَّلامِ فی هذِهِ السّاعَةِ وَفی کُلِّ ساعَةٍ
وَلِیًّا وَحافِظًا وَقائِدًا وَناصِرًا وَدَلیلًا وَمُؤَیِّدًا حَتّی تُسْکِنَهُ اَرْضَکَ
طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فیها طُولًا وَعَرْضًا وَتَجْعَلَهُ وَذُرِّیَّتَهُ مِنَ الْاَئِمَّةِ الْوارِثینَ

اللهم

اَللّٰهُمَّ اَظْهِرْ بِهِ دینَکَ وَسُنَّةَ نَبِیِّکَ حَتّی لا یَسْتَخْفِیَ بِشَیْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخافَةَ اَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَرْغَبُ اِلَیْکَ فی دَوْلَةٍ کَریمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْاِسْلامَ وَاَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا
النِّفاقَ وَاَهْلَهُ وَتَجْعَلُنا فیها مِنَ الدُّعاةِ اِلی طاعَتِکَ وَالْقادَةِ اِلی
سَبیلِکَ وَآتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ
وَاجْمَعْ لَنا خَیْرَ الدّارَیْنِ وَاقْضِ عَنّا جَمیعَ ما تُحِبُّ فیهِما وَاجْعَلْ لَنا
فی ذلِکَ الْخِیَرَةَ بِرَحْمَتِکَ وَمَنِّکَ فی عافِیَةٍ آمینَ رَبَّ الْعالَمینَ
وَزِدْنا مِنْ فَضْلِکَ وَیَدِکَ الْمَلْاٰی فَاِنَّ کُلَّ مُعْطٍ یَنْقُصُ مِنْ مُلْکِهِ وَ
عَطاؤُکَ یَزیدُ فی مُلْکِکَ و بخوان در شب بیست و سیم این دعا را
اَللّٰهُمَّ یا رَبَّ لَیْلَةِ الْقَدْرِ وَجاعِلَها خَیْرًا مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ وَرَبَّ
اللَّیْلِ وَالنَّهارِ وَالْجِبالِ وَالْبِحارِ وَالظُّلَمِ وَالْاَنْوارِ وَالْاَرْضِ وَالسَّماءِ
یا بارِئُ یا مُصَوِّرُ یا حَنّانُ یا مَنّانُ یا اَللهُ یا رَحْمنُ یا رَحیمُ یا اَللهُ یا قَیُّومُ
یا اَللهُ یا بَدیعُ یا اَللهُ یا اَللهُ یا اَللهُ لَکَ الْاَسْماءُ الْحُسْنی وَالْاَمْثالُ الْعُلْیا
وَالْکِبْرِیاءُ وَالْآلاءُ اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمی
فی هذِهِ اللَّیْلَةِ فِی السُّعَداءِ وَرُوحی مَعَ الشُّهَداءِ وَاِحْسانی فی عِلِّیّینَ وَ
اِسائَتی مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لی یَقینًا تُباشِرُ بِهِ قَلْبی وَاِیمانًا یُذْهِبُ
الشَّکَّ عَنّی وَتُرْضِیَنی بِما قَسَمْتَ لی وَآتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً

وقنا عذاب النار الحريق ولا تحرمني ذكرك فيها وشكرك والرغبة اليك والانابة
والتوبة والتوفيق لما وفّقت له محمّداً وآل محمّد عليه وعليهم السلام روز
بیست وسیم از آنحضرت که هرکه در این روز این دعا بخواند از صراط بگذرد
چون برق جهنده با پیغمبران وشهدا وصالحان دعا اینست اللّهمّ اغسلني
فيه من الذنوب وطهّرني فيه من العيوب وامتحن فيه قلبي لتقوى
القلوب يا مقيل عثرات المذنبين شب بیست وچهارم از آنحضرت که هرکه درین
شب هشت رکعت نماز بکند در هر طریقی که خواهد چنان باشد که
حج وعمره کرده باشد ودر این شب غسل مستحب موکد است بسند معتبر
از صادق ع امر فرمود مرا بغسل در شب بیست وچهارم ماه رمضان و
فرمود که چه میشود ترا که غسل کنی در دو شب یعنی شب گذشته و این
شب واز دعای عشر آخر اینشب اینست بخوان اینشب این دعا را یا فالق
الاصباح وجاعل الليل سكناً والشمس والقمر حسباناً يا عزيز يا عليم يا
ذا المنّ والطول والقوّة والحول والفضل والانعام يا ذا الجلال و
والجلال والاكرام
الاكرام يا الله يا رحمن يا الله يا فرد يا وتر يا الله يا ظاهر يا باطن
يا حيّ لا اله الّا انت يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال
العليا والكبرياء والآلاء اسئلك ان تصلّي على محمّد وآل محمّد وان تجعل

اسمی

اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في علّيين
واسائتي مغفورة وان تهب لي يقيناً تباشر به قلبي وايماناً يذهب
الشكّ عنّي وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة
وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة
اليك والانابة والتوبة والتوفيق لما وفّقت له محمّداً وآل محمّد عليه
وعليهم السلام روز بیست وچهارم از آنحضرت که هرکه در این روز این دعا بخواند
حق تعالی کرامت فرماید او را بعدد هر موئی که در سر وجسد او باشد هزار
خادم وهزار غلام مانند یاقوت ومرجان دعا اینست اللّهمّ انّي اسئلك
فيه ما يرضيك واعوذ بك فيه ممّا يؤذيك والتوفيق لان اطيعك ولا
اعصيك يا عالماً بحوائج السائلين ودر این روز بقول بعضی امام رضا ع
از دنیا رحلت نموده شب بیست وپنجم در این شب غسل سنت موکد است از صادق ع
سؤال نمود عیسی بن راشد از غسل در ماه رمضان فرمود که پدرم در شب
نوزدهم وبیست ویکم وبیست وسیم وبیست وپنجم غسل مینمود ودعای
از عشر آخر این شب اینست يا جاعل الليل لباساً والنهار معاشاً والارض
مهاداً والجبال اوتاداً يا الله يا قاهر يا الله يا جبّار يا الله يا سميع يا قريب
يا مجيب يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء

والالاء اسألك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة
في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة
وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني وترضيني بما
قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق
وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة والتوفيق
لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام **روز بیست و پنجم** باز از آنحضرت
که هر که در این روز این دعا بخواند بنا کند برای او در بهشت صد قصر که بر هر یک قصری
خیمه سبزی زده باشد دعا اینست اللهم اجعل سعيي فيه مشكورا وذنبي
بعفوك فيه مغفورا وعيبي بجودك فيه مستورا يا اسمع السامعين **شب بیست و**
ششم دعای دهه آخر این شب اینست يا جاعل الليل والنهار آيتين يا من محا آية
الليل وجعل آية النهار مبصرة لتبتغوا فضلا منه ورضوانا يا مفصل كل
شيء تفصيلا يا ماجد يا وهاب يا الله يا جواد يا الله يا الله يا الله لك الاسماء
الحسنى والامثال العليا والكبرياء والالاء اسألك ان تصلي على محمد وآل
محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني
في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا
يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة

حسنة

این دعا در روز بیست و ششم است / معلم موخر نوشته و دعا در روز بیست / و ششم دعا در روز بیست و پنجم نوشته / سهو کاتب است

حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة
اليك والانابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه
وعليهم السلام **روز بیست و ششم** از آنحضرت که هر که در این روز این دعا بخواند حق تعالی
تکلم کند با او در قیامت و فرماید ای بنده من مترس و اندوهناک مباش
بتحقیق که آمرزیدم ترا دعا اینست اللهم اجعلني محبا لاوليائك ومعاديا
لاعدائك مستنا بسنة خاتم انبيائك يا عاصم قلوب النبيين **شب بیست و**
هفتم در این شب غسل نیز مستحب است بسند معتبر از صادق پرسید ابن ابی
یعفور که در کدام شب از شبهای ماه رمضان غسل کنم فرمود غسل کن در شب
نوزدهم و شب بیست و یکم و شب بیست و سیم و بیست و هفتم و شب
بیست و نهم و دعای این شب اینست يا ماد الظل ولو شئت لجعلته ساكنا
وجعلت الشمس عليه دليلا ثم قبضته اليك قبضا يسيرا يا ذا الجود و
الطول والكبرياء والالاء لا اله الا انت عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم
لا اله الا انت يا قدوس يا سلام يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر
يا الله يا خالق يا بارئ يا مصور يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى
والامثال العليا والكبرياء والالاء اسألك ان تصلي على محمد وآل محمد و
ان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في

این دعا روز بیست و ششم است

علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا
یذهب الشک عنی وترضینی بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا حسنة و
فی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق وارزقنی فیها ذکرک وشکرک
والرغبة الیک والانابة والتوبة والتوفیق لما وفقت له محمدا وآل
محمد علیه وعلیهم السلام روز بیست و هفتم از آنحضرت که هر که در این روز این دعا
بخواند چنان باشد که هر گرسنه را سیر کرده باشد و هر مؤمن و مؤمنه را
گرامی کرده باشد دعا اینست اللهم ارزقنی فیه فضل لیلة القدر و
صیر اموری فیه من العسر الی الیسر واقبل معاذیری وحط عنی الوزر
یا رؤوفا بعباده الصالحین شب بیست و هشتم دعای این شب اینست یا خازن
اللیل فی الهواء وخازن النور فی السماء ومانع السماء ان تقع علی الارض
الا باذنه وحابسهما ان تزولا یا علیم یا غفور یا دائم یا الله یا وارث
یا باعث من فی القبور یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال
العلیا والکبریاء والآلاء اسألک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی
فی هذه اللیلة فی السعداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب
لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا یذهب الشک عنی وترضینی بما قسمت لی
وآتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق وارزقنی

فیها

فیها ذکرک وشکرک والرغبة الیک والانابة والتوبة والتوفیق لما وفقت
له محمدا وآل محمد علیه وعلیهم السلام روز بیست و هشتم باز از آنحضرت که هر که
در این روز این دعا بخواند بگرداند حق تعالی او را در بهشت رفیق یحیی و [illegible]
و آنکه اگر ثواب دهند او را بدنیا چهل هزار برابر دنیا باشد دعا اینست
اللهم وفر حظی فیه من النوافل واکرمنی فیه باحضار المسائل
وقرب فیه وسیلتی الیک من بین الوسائل یا من لا یشغله الحاح الملحین
شب بیست و نهم در این شب غسل مستحب مؤکد است و دعاء این شب اینست یا مکور
اللیل علی النهار ویا مکور النهار علی اللیل یا علیم یا حکیم یا الله یا رب الارباب
ویا سید السادات لا اله الا انت یا من هو اقرب الی من حبل الورید یا الله
یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء
اسألک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة
فی السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة
وان تهب لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا یذهب الشک عنی وترضینی
بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار
الحریق وارزقنی فیها ذکرک وشکرک والرغبة الیک والانابة والتوبة
والتوفیق لما وفقت له محمدا وآل محمد علیه وعلیهم السلام روز بیست و نهم

این دعا روز بیست و هفتم است

از آنحضرت که هر که در این روز این دعا بخواند بکرداند حق تعالی برای
او در بهشت هزار شهر از طلا و نقره و زبرجد و مروارید دعا اینست
اللهم غشني فيه من الرحمة وارزقني فيه التوفيق والعصمة وطهر
قلبي من غيابات التهمة يا رحيما بعباده المؤمنين شب سیام در این
شب زیارت امام حسین ع فضیلت بسیار دارد و دعا اینست
الحمد لله لا شريك له الحمد لله كما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله وكما هو
اهله يا قدوس يا نور القدس يا سبوح يا منتهى التسبيح يا رحمن يا فاعل
الرحمة يا الله يا عليم يا كبير يا الله يا لطيف يا جليل يا الله يا سميع يا بصير
يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء و
الآلاء اسالك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة
في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة
وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني وترضيني
بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب
النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة
والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام بدانکه
در این شب وداع ماه مبارک رمضان را مانند وداع کسی کی کرد از محبوب و

ومعشوق خود جدا شود و از مفارقت او بسی مهموم و مغموم باشد
شیخ طبرسی در احتجاج و شیخ طوسی در کتاب غیبت روایت کرده‌اند از
حضرت صاحب الامر ع که آنحضرت نوشته بودند در جواب مسائل محمد بن
عبدالله بن جعفر حمیری چون سوال کرده بود که وداع ماه رمضان در
چه وقت واقع میشود بدرستی که اصحاب ما در این باب اختلاف نموده
اند بعضی میگویند در شب آخر وداع کرده میشود و بعضی میگویند
که در روز آخر آنحضرت در جواب توقیع فرموده بودند که عمل در ماه
رمضان در شبهای آن میباشد و وداع در شب آخر واقع میشود و
نوشته بودند که اگر ترسند که ماه ناقص باشد در دو شب وداع کنند
بدانکه ادعیه وداع ماه رمضان بسیار است و از انجمله دعاء امام
زین العابدین ع که در صحیفه کامله است و در بعض کتب معتبره حدیث
از ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق ع روایت نموده اند که هر که در شب
آخر ماه رمضان وداع کند و بگوید این دعا را اللهم لا تجعله آخر
العهد من صيامي لشهر رمضان واعوذ بك ان يطلع فجر هذه الليلة
الا وقد غفرت لي حق تعالی بیامرزد او را پیش از آنکه صبح شود آن شب
و او را براتی از دوزخ کرداند بسند معتبر از حضرت صادق ع مرویست

ماه رمضان داخل میشد علی بن الحسین ع غلامان و کنیزان خود را نمیزد
و چون تقصیری میکردند که مستوجب ضرب و تادیب میشدند
تادیب نمینمود و می‌نوشت که فلان این گناه کرده و نوشتها را ضبط
میکرد و چون شب آخر ماه رمضان میشد همگی ایشان را بنزد خود
میطلبید و نوشتها را با ایشان مینمود و میفرمود ای فلان تو چنین
و چنان کرده و من ترا ادب نکردم آیا بیاد تو هست پس او میگفت
بلی و همچنین یک بیک ایشان را چنین میفرمود و اعتراف بر تقصیرات
خود مینمودند پس آنحضرت در میان ایشان می‌ایستاد و میفرمود
که باواز بلند بگوئید که ای علی بن الحسین بدرستی که پروردگار مالک
تو احصا کرده بر تو آنچه کرده چنانچه تو احصا کرده بر ما آنچه کرده‌ایم
و نزد پروردگار تو نامه ایست که ناطق است بر تو بحق و هیچ صغیره و
کبیره نیست از کردهای تو مگر آنکه احصا نموده نزد خداوند خود حاضر
میبابی چنانچه ما کرده‌ایم نزد تو حاضر میبابیم پس عفو کن و در گذر
چنانچه از پروردگار خود امید عفو داری و چنانچه میخواهی که خدا از
تو عفو کند پس از ما عفو کن تا آنکه بیابی خداوند مالک خود را عفو
کننده و رحم کننده و امرزنده ای علی بن الحسین بیاد آور خواری و ذلت

مقام خود را در برابر خداوند حاکم عادل تو که بقدر خردلی ظلم نمیکند
و هر که چه کرده در قیامت حاضر میکند و حساب میکند و شاهد
و گواهست بر آنها و بس است او برای حساب خلایق و گواه بودن بر کردهای
ایشان پس عفو کن و در گذر ای علی بن الحسین تا عفو کند و در گذرد از
تو مالک تو بدرستی که پروردگار تو میفرماید وَلْیَعْفُوا وَلْیَصْفَحُوا
أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ یَغْفِرَ اللهُ لَکُمْ یعنی باید که عفو کنید و در گذرید آیا دوست
نمیدارید که خدا بیامرزد شما را و آنحضرت باواز بلند تلقین ایشان میفرمود
و ایشان باواز بلند میگفتند و خود در میان ایشان ایستاده و میگریست
و نوحه میکرد و میفرمود کلماتی چند که مضمونش اینست که خداوندا
امر فرموده ما را که عفو کنیم و در گذریم از کسی که بر ما ظلم کرده چنانچه امر
کرده بودی پس تو نیز عفو کن از ما بدرستی که تو بعفو کردن اولائی از ما
و از جماعتی که ایشان را امر کرده بعفو خداوندا امر فرموده ما را که رد نکنیم
سائلی را از در خانه خود و بدرستی که ما گروهیم سؤال کننده و مسکین و بیچاره
و بر درگاه تو ایستاده و در ساحت کرم تو فرود آمده و طلب میکنیم
از تو احسان ترا و کرم و عطای ترا پس عطا کن بما و نومید مگردان ما را
بدرستی که تو اولائی بعطا کردن و نومید نگردانیدن سائلان خداوندا

پیوسته کرم کرده پس گرامی کن مرا چون از سؤال کنندگان توام و
پیوسته احسان و نیکی کرده پس مرا داخل کن در گروهی که با ایشان
عطا کرده ای خداوند کریم پس رو با ایشان میکرد و میفرمود که من
از شما عفو کردم آیا شما عفو کردید از من و در گذشتید از بدی که بشما
کرده‌ام بدرستی که من بد مالکی ظالمی بودم برای شما و مالک من کریم و
بخشاینده و عادل و نیکوکار و صاحب تفضل پس ایشان همگی میگفتند که
عفو کردیم از تو ای سید ما و هرگز بدی نکردی نسبت بما پس میفرمود که
بگوئید خداوندا عفو کن از علی بن الحسین چنانچه عفو کرد از ما آزاد
کرد او را از آتش جهنم چنانچه ما را از بندگی آزاد کرد و چون ایشان
میگفتند خود آمین میفرمود پس ایشان را آزاد میکرد و میفرمود که بروید
که عفو کردم از شما و آزاد کردم شما را بامید آنکه حق تعالی عفو فرماید از من
و آزاد گرداند مرا از آتش جهنم و چون روز عید فطر میشد جایزهای بسیار
بایشان عطا میفرمود که ایشان را غنی میکرد و بدرستی که هیچ سالی نبود
مگر آنکه در شب آخر ماه رمضان بیست بنده یا بیشتر یا کمتر آزاد میکرد و میفرمود
الله تعالی در هر شب از ماه رمضان در وقت افطار هفتاد هزار هزار کس را
که مستوجب جهنم شده باشند از آتش جهنم آزاد میگرداند چون شب آخر میشود

مثل

مثل آنچه در تمام آن ماه آزاد کرده از آتش جهنم آزاد میگرداند و بدرستی که
من میخواهم که حق تعالی ببیند مرا که در دنیا چند بنده آزاد کرده‌ام شاید که
مرا از آتش جهنم آزاد گرداند روز سی ام از حضرت رسول صلعم که هر که در این روز
این دعا بخواند گرامی کند او را مانند گرامی که بر پیغمبران کرده باشد دعا
اینست اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صِیامی بِالشُّکْرِ وَالْقَبُولِ عَلیٰ ما تَرْضاهُ وَیَرْضاهُ الرَّسُولُ
مُحْکَمَةً فُرُوعُهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ الْاَخْیارِ الْاَبْرارِ وَصَلَّی
اللّٰهُ عَلَیْهِمْ بدانکه احادیث بسیار وارد شده که هر که در اینماه آمرزیده نشد
دیگر آمرزیده نمیشود مگر آنکه در موقف عرفات حاضر شود و در آنجا آمرزیده
شود و در حدیث دیگر وارد شده شقی و بدبخت کسی است که در اینماه آمرزیده
نشود بسند معتبر از جابر که گفت داخل شدم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله
در جمعه آخر ماه رمضان پس چون آنحضرت مرا دید فرمود که ای جابر اینک
جمعه آخر ماه رمضان است پس وداع کن اینماه را باین قسم و بگوی این دعا را
اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِیامِنا اِیّاهُ فَاِنْ جَعَلْتَهُ فَاجْعَلْنی مَرْحُوماً
بدرستی که هر که این دعا را بخواند ظفر یابد بیکی از دو امر خیر یا برسیدن ماه
آینده رمضان المبارک و یا برسیدن بآمرزش و رحمت خدای عزّ و جلّ
در کلینی و فقیه از ابی عبد الله علیه السلم در وداع شهر رمضان المبارک در شب
آخر بخواند اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ قُلْتَ فی کِتابِکَ الْمُنْزَلِ شَهْرُ رَمَضانَ الَّذی اُنْزِلَ

فيه القرآن وهذا شهر رمضان وقد تصرم فاسئلك بوجهك الكريم
وكلماتك التامة ان كان بقي علي ذنب لم تغفره لي او تريد ان تعذبني
عليه او تقايسني به ان لا يطلع فجر هذه الليلة او يتصرم هذا الشهر
الا وقد غفرته لي يا ارحم الراحمين اللهم لك الحمد بمحامدك كلها
اولها واخرها ما قلت لنفسك منها وما قال الخلائق الحامدون
المجتهدون المعددون الموقرون ذكرك والشكر لك الذين
اعنتهم على اداء حقك من اصناف خلقك من الملائكة المقربين
والنبيين والمرسلين واصناف الناطقين والمسبحين لك من جميع
العالمين على انك بلغتنا شهر رمضان وعلينا من نعمك وعندنا
من قسمك واحسانك وتظاهر امتنانك فبذلك لك منتهى الحمد الخالد
الدائم الراكد المخلد السرمد الذي لا ينفد طول الابد جل ثناؤك
اعنتنا عليه حتى قضيت عنا صيامه وقيامه من صلوة وما كان منا
فيه من بر او شكر او ذكر اللهم فتقبله منا باحسن قبولك وتجاوزك
وعفوك وصفحك وغفرانك وحقيقة رضوانك حتى تظفرنا فيه
بكل خير مطلوب وجزيل عطاء موهوب وتوقينا فيه من كل مرهوب
او بلاء مجلوب او ذنب مكسوب اللهم اني اسئلك بعظيم ما سالك به
احد من خلقك من كريم اسمائك وجميل ثنائك وخاصة دعائك ان تصلي

على محمد وآل محمد وان تجعل شهرنا هذا اعظم شهر رمضان مر علينا منذ
انزلتنا الى الدنيا بركة في عصمة ديني وخلاص نفسي وقضاء حوائجي و
تشفعني في مسائلي وتمام النعمة علي وصرف السوء عني ولباس العافية
لي فيه وان تجعلني برحمتك ممن حزت له ليلة القدر وجعلتها له
خيرا من الف شهر في اعظم الاجر وكرائم الذخر وحسن الشكر وطول
العمر ودوام اليسر اللهم واسئلك برحمتك وطولك وعفوك ونعمائك
وجلالك وقديم احسانك وامتنانك ان لا تجعله آخر العهد منا
لشهر رمضان حتى تبلغناه من قابل على احسن حال وتعرفني هلاله مع
الناظرين اليه والمعترفين له في اعفى عافيتك وانعم نعمتك واوسع رحمتك
واجزل قسمك يا ربي الذي ليس لي رب غيره لا يكون هذا الوداع مني
له وداع فناء ولا آخر العهد مني للقاء حتى ترينيه من قابل في اوسع
النعم وافضل الرجاء وانا لك على احسن الوفاء انك سميع الدعاء اللهم
اسمع دعائي وارحم تضرعي وتذللي لك واستكانتي وتوكلي عليك و
انا لك مسلم لا ارجو نجاحا ولا معافاة ولا تشريفا ولا تبليغا الا بك ومنك
وامنن علي جل ثناؤك وتقدست اسماؤك بتبليغي شهر رمضان و
انا معافا من كل مكروه ومحذور ومن جميع البوائق الحمد لله الذي
اعاننا على صيام هذا الشهر وقيامه حتى بلغني آخر ليلة منه

اکتب للحفظ وحفظ المتاع فی جمعة اخر شهر رمضان بین الصلوتین بسم الله
الرحمن الرحیم لا الا الا الا اوك یا الله محیط بر علمك ک ع س ل ه و ن
وبالحق انزلناه وبالحق نزل وما ارسلناك الا رحمة للعالمین فالله
خیر حافظا وهو ارحم الراحمین ابا تراب ابا تراب ابا تراب ✡ ااا آم ااا ام
نوع آخر ح ااا آم ح ه نوع آخر منقول عن العلامه شمس الدین محمد بن مکی لا الا
الا الا اوك وبالحق انزلناه وبالحق نزل وما ارسلناك الا رحمة للعالمین حرز لمولانا
وسیدنا امیر المومنین علیه افضل الصلوات ✡ ااا آ اااا م ه نوع آخر
اااه آم م اااا م ه نوع آخر یکتب بخط الصالح العابد فی الجمعة الاخیرة من شهر رمضان
للحفظ والحفاظ باذن الله تعالی ولو ان قرآنا سیرت به الجبال الی اخر الآیه ااا آم اااا م
وُجد مسطورا مسنوبا الی الائمه والرجال الثقات اذا کان آخر جمعة فی شهر رمضان
فاجلس تجاه الشمس فاذا صارت بین الحاجبین فاکتب لا الا، الا الا اوك
کعسلون کعسلهن ثم اکتب وبالحق انزلناه وبالحق وذکرات لذلك نفعا عظیما
فی حفظ الاموال وما یوضع فیه علی کل حال واثر قد اختص بفضائل غریبة و
اقاصیص عجیبة ولقد جربته ورایته للصداع لو کتب هذه الکلمات فی آخر
جمعة من شهر رمضان من اول الصبح الی قبل الغروب ویعلق علی الراس برا باذن الله
فینبغی ان یکتب الی قدر الف رقعة ویحفظه لینفع المومنین فی السنة وهی هذه
بسم الله الرحمن الرحیم کم لله من نعمة علی عبد شاکر وغیر شاکر فی عرق ضارب

وساکن

وساکن اسکن ایها الوجع کما سکن عرش الرحمن ویسکن ما فی السموات والارض
وهو العزیز الحکیم نوع آخر یکتب بخط الصالح العابد فی الجمعة الاخیرة من شهر رمضان
محفظة والحفاظة باذن الله تعالی بسم الله الرحمن الرحیم لا الا، الا الا اوك یا
الله محیط بر علمك ک ع س ل ه و ن وبالحق انزلناه وبالحق نزل وما ارسلناك
الا رحمة للعالمین بحق قیصو توجه حیث شئت فانك منصور ابا تراب ابا تراب
ابا تراب الله محمد علی فاطمة حسن حسین علی محمد جعفر موسی علی محمد علی حسن
الحجة جبرائیل میکائیل اسرافیل عزرائیل ولو ان قرآنا سیرت به الجبال او قطعت به
الارض او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا اااه آم م اااا م ه ههههه // ✡
ههههههه وه ص م شرح دعای افتتاح من الاقبال
ذکر دعای افتتاح وغیر او از دعاها ئیست که مکرر میشود در هر شب یعنی
خوانده میشود در هر شب تا آخر ماه رمضان پس بعضی از آن دعاها دعا است
که ذکر نموده او را محمد بن ابی قره باسناد خود وگفته است که خبر داد مرا
ابو الغنایم محمد بن محمد بن عبد الله الحسینی واو گفت خبر داد مرا ابو عمرو
محمد بن محمد بن نصر السکونی رضه که او گفت سؤال کردم من از ابا بکر احمد بن
محمد بن عثمان البغدادی رضه که بیرون آید از برای من دعاهای ماه رمضان
آن دعاها را که عم او ابو جعفر بن محمد بن عثمان بن سعید العمری که خدا از او خشنود باد

وخشنود گردانادو میخواند پس بیرون آورد برای من دفتری که مجلد بود
بجلد سرخ و در آن دعاهای بسیار بود و از جمله آنها این بود که بخوان
این دعا را در هر شب از ماه رمضان پس بدرستی که دعا در اینماه می شنود
او را ملائکه و استغفار و طلب آمرزش میکنند از برای صاحب او

دعاء الافتتاح

دعای سید الساجدین امام زین العابدین ع در هر شب ماه رمضان المبارک خوانده میشود دعای
جامع و مشتمل بر مطالب مهمه و مناجات عظیمه و در غیر رمضان المبارک نیز خوانده میشود

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم انی افتتح الثناء بحمدک وانت مسدد للصواب بمنک و
ایقنت انک انت ارحم الراحمین فی موضع العفو والرحمة واشد
المعاقبین فی موضع النکال والنقمة واعظم المتجبرین فی موضع
الکبریاء والعظمة اللهم اذنت لی فی دعائک ومسألتک فاسمع یا
سمیع مدحتی واجب یا رحیم دعوتی واقل یا غفور عثرتی فکم یا الهی
من کربة قد فرجتها وهموم قد کشفتها وعثرة قد اقلتها ورحمة وهموم خ
قد نشرتها وحلقة بلاء قد فککتها الحمد لله الذی لم یتخذ صاحبة حلقة خ ل
ولا ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له من الذل و
کبره تکبیرا الحمد لله بجمیع محامده کلها علی جمیع نعمه کلها الحمد لله الذی

۷ نفاد

لا مضاد له فی ملکه ولا منازع له فی امره والحمد لله لا شریک له فی خلقه
ولا شبه له فی عظمته الحمد لله الفاشی فی الخلق امره وحمده الظاهر
بالکرم مجده الباسط بالجود یده الذی لا تنقص خزائنه ولا تزیده کثرة
العطاء الا جودا وکرما انه هو العزیز الوهاب اللهم انی اسألک قلیلا
من کثیر مع حاجة بی الیه عظیمة وغناک عنه قدیم وهو عندی کثیر
وهو علیک سهل یسیر اللهم ان عفوک عن ذنبی وتجاوزک عن
عن خطیئتی وصفحک عن ظلمی وسترک علی قبیح عملی وحلمک عن کثیر
جرمی عند ما کان من خطائی وعمدی اطمعنی فی ان اسألک ما لا
استوجبه منک الذی رزقتنی من رحمتک واریتنی من قدرتک و
عرفتنی من اجابتک فصرت ادعوک آمنا واسألک مستأنسا لا خائفا
ولا وجلا مدلا علیک فیما قصدت فیه الیک فان ابطأ عنی عتبت
بجهلی علیک ولعل الذی ابطأ عنی هو خیر لی لعلمک بعاقبة الامور
فلم ار مولی کریما اصبر علی عبد لئیم منک علی یا رب انک تدعونی
فاولی عنک وتتحبب الی فاتبغض الیک وتتودد الی فلا اقبل منک
کان لی التطول علیک فلم یمنعک ذلک من الرحمة لی والاحسان
الی والتفضل علی بجودک وکرمک فارحم عبدک الجاهل وجد

عليه بفضل احسانك انك جل ذكرك الحمد لله مالك الملك مجري الفلك
مسخر الرياح فالق الاصباح ديان الدين رب العالمين الحمد لله على حلمه
بعد علمه والحمد لله على عفوه بعد قدرته والحمد لله على طول اناته
في غضبه وهو القادر على ما يريد الحمد لله خالق الخلق باسط الرزق قادر خ ل
فالق الاصباح ذي الجلال والاكرام والفضل والانعام الذي بعد فلا والاحسان خ ل
يرى وقرب فشهد النجوى تبارك وتعالى الحمد لله الذي ليس له
منازع يعادله ولا شبيه يشاكله ولا ظهير يعاضده قهر بعزته
الاعزاء وتواضع لعظمته العظماء فبلغ بقدرته ما يشاء الحمد لله
الذي يجيبني حين اناديه ويستر علي كل عورة وانا اعصيه ويعظم
النعمة علي فلا اجازيه فكم من موهبة هنيئة قد اعطاني وعظيمة
مخوفة قد كفاني وبهجة مونقة قد اراني فاثني عليه حامدا و
اذكره مسبحا الحمد لله الذي لا يهتك حجابه ولا يغلق بابه ولا يرد
سائله ولا يخيب امله الحمد لله الذي يؤمن الخائفين وينجي الصادقين (الصالحين خ ل)
ويرفع المستضعفين ويضع المستكبرين ويهلك ملوكا ويستخلف آخرين
والحمد لله قاصم الجبارين مبير الظلمة مدرك الهاربين نكال الظالمين (الظالمين خ ل)
صريخ المستصرخين موضع حاجات الطالبين معتمد المؤمنين الحمد لله

الذي

الذي من خشيته ترعد السماء وسكانها وترجف الارض وعمارها و
تموج البحار ومن يسبح في غمراتها الحمد لله الذي يخلق ولا يخلق ويرزق ولا
يرزق ويطعم ولا يطعم ويميت الاحياء ويحيي الموتى وهو حي لا يموت
بيده الخير وهو على كل شيء قدير اللهم صل على محمد عبدك ورسولك
وامينك وصفيك وحبيبك وخيرتك من خلقك وحافظ سرك و
مبلغ رسالاتك افضل واحسن واجمل واكمل وازكى وانمى واطيب
واطهر واسنى واكثر ما صليت وباركت وترحمت وتحننت وسلمت
على احد من عبادك وانبيائك ورسلك وصفوتك واهل الكرامة
عليك من خلقك اللهم صل على علي امير المؤمنين ووصي رسول
رب العالمين وصل على الصديقة الطاهرة فاطمة الزهراء سيدة نساء
العالمين وصل على سبطي الرحمة وامامي الهدى الحسن والحسين سيدي
شباب اهل الجنة وصل على ائمة المسلمين وحججك على عبادك وامنائك
في بلادك صلوة كثيرة دائمة اللهم وصل على ولي امرك
القائم المؤمل والعدل المنتظر واحففه بملائكتك المقربين و
ايده بروح القدس يا رب العالمين اللهم اجعله الداعي الى
كتابك والقائم بدينك استخلفه في الارض كما استخلفت الذين

وكم نعم خ ل — هذا ناله وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله الحمد لله الذي

عبدك ووليك واخي رسولك وحجتك على خلقك وآيتك الكبرى والنبأ العظيم ... علي بن الحسين ومحمد بن علي و... محمد وموسى بن جعفر وعلي ... ومحمد بن علي وعلي ... والحسن بن علي و... الهادي المهدي

من قبله مكن له دينه الذي ارتضيته له ابدله من بعد خوفه امنا
يعبدك لا يشرك بك شيئا اللهم اعزه واعزز به وانصره وانتصر به
وانصره نصرا عزيزا اللهم اظهر به دينك وسنة نبيك حتى لا
يستخفي بشيء من الحق مخافة احد من الخلق اللهم انا نرغب اليك
في دولة كريمة تعز بها الاسلام واهله وتذل بها النفاق و
اهله وتجعلنا فيها من الدعاة الى طاعتك والقادة الى سبيلك
وترزقنا بها كرامة الدنيا والاخرة اللهم ما عرفتنا من الحق
فحملناه وما قصرنا عنه فبلغناه اللهم المم به شعثنا واشعب
به صدعنا وارتق به فتقنا وكثر به قلتنا واعزز به ذلتنا و
اغن به عائلنا واقض به عن مغرمنا واجبر به فقرنا وسد به
خلتنا ويسر به عسرنا وبيض به وجوهنا وفك به اسرنا وانجح
به طلبتنا وانجز به مواعيدنا واستجب به دعوتنا واعطنا به
سؤلنا وبلغنا به من الدنيا والاخرة امالنا واعطنا به فوق
رغبتنا يا خير المسئولين واوسع المعطين اشف به صدورنا
واذهب به غيظ قلوبنا واهدنا به لما اختلف فيه من الحق باذنك
انك تهدي من تشاء الى صراط مستقيم وانصرنا به على عدوك

(هامش: وافتح له فتحا يسيرا واجعل له من لدنك سلطانا نصيرا)

وعدونا اله الحق امين اللهم انا نشكو اليك فقد نبينا صلواتك عليه
واله وغيبة امامنا وكثرة عدونا وقلة عددنا وشدة الفتن بنا
وتظاهر الزمان علينا فصل على محمد واله واعنا على ذلك بفتح منك
تعجله وبضر تكشفه ونصر تعزه وسلطان حق تظهره ورحمة منك
تجللناها وعافية منك تلبسناها برحمتك يا ارحم الراحمين مستحب است كه در سحرهاى ماه رمضان بخوانند
يا عدتي في كربتي ويا صاحبي في شدتي ويا وليي في نعمتي ويا غايتي في
رغبتي انت الساتر عورتي والمؤمن روعتي والمقيل عثرتي
فاغفر لي خطيئتي يا ارحم الراحمين اللهم اني اسئلك خشوع الايمان قبل خشوع
الذل في النار يا واحد يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا
احد يا من يعطي من سأله تحننا منه ورحمة ويبتدئ بالخير من لم يسأله
تفضلا منه وكرما بكرمك الدائم صل على محمد وال محمد وهب لي رحمة واسعة
جامعة ابلغ بها خير الدنيا والاخرة اللهم اني استغفرك لما تبت اليك
منه ثم عدت فيه واستغفرك لكل خير اردت به وجهك فخالطني فيه
ما ليس لك اللهم صل على محمد وال محمد واعف عن ظلمي وجرمي بحلمك و
جودك يا من لا يخيب سائله ولا ينفد نائله يا من علا فلا شيء فوقه
ودنا فلا شيء دونه صل على محمد وال محمد وارحمني يا فالق البحر لموسى

(هامش: ولينا)
(هامش: دعاء سحر ماه رمضان)

اللَّيلَةَ اللَّيلَةَ السّاعَةَ السّاعَةَ السّاعَةَ اللّهُمَّ طَهِّرْ قَلبي مِنَ النِّفاقِ
وَعَمَلي مِنَ الرِّياءِ وَلِساني مِنَ الكَذِبِ وَعَيني مِنَ الخِيانَةِ فَانَّكَ تَعلَمُ خائِنَةَ
الاَعيُنِ وَما تُخفِي الصُّدورُ يا رَبِّ هذا مَقامُ العائِذِ بِكَ مِنَ النّارِ هذا مَقامُ
مَن يَبوءُ لَكَ بِخَطيئَتِهِ المُستَجيرِ بِكَ مِنَ النّارِ هذا مَقامُ المُستَغيثِ بِكَ
مِنَ النّارِ هذا مَقامُ الهارِبِ اِلَيكَ مِنَ النّارِ هذا مَقامُ مَن يَبوءُ لَكَ
بِخَطيئَتِهِ وَيَعتَرِفُ بِذَنبِهِ وَيَتوبُ اِلى رَبِّهِ هذا مَقامُ البائِسِ الفَقيرِ
هذا مَقامُ الخائِفِ المُستَجيرِ هذا مَقامُ المَحزونِ المَكروبِ هذا مَقامُ
المَحزونِ المَغمومِ المَهمومِ هذا مَقامُ الغَريبِ الغَريقِ هذا مَقامُ المُستَوحِشِ
الفَرِقِ هذا مَقامُ مَن لا يَجِدُ لِذَنبِهِ غافِرًا غَيرَكَ وَلا لِهَمِّهِ مُفَرِّجًا
سِواكَ يا اَللهُ يا كَريمُ لا تُحرِق وَجهي بِالنّارِ بَعدَ سُجودي وَتَعفيري
بِغَيرِ مَنٍّ مِنّي عَلَيكَ بَل لَكَ الحَمدُ وَلَكَ المَنُّ وَالفَضلُ عَلَيَّ اِرحَم يا رَبِّ
يا رَبِّ يا رَبِّ بگويد تا چندانكه نفس بريده گردد ضَعفي وَقِلَّةَ حيلَتي
وَرِقَّةَ جِلدي وَتَبَدُّدَ اَوصالي وَتَناثُرَ لَحمي وَجِسمي وَوَحدَتي وَ
وَحشَتي في قَبري وَجَزَعي مِن صَغيرِ البَلاءِ اَسئَلُكَ يا رَبِّ قُرَّةَ العَينِ
وَالاِغتِباطَ يَومَ الحَسرَةِ وَالنَّدامَةِ بَيِّض وَجهي يا رَبِّ يَومَ تَسوَدُّ فيهِ
الوُجوهُ آمِنّي مِنَ الفَزَعِ الاَكبَرِ اَسئَلُكَ البُشرى يَومَ تَقَلَّبُ فيهَا القُلوبُ

والابصار

وَالاَبصارُ وَالبُشرى عِندَ فِراقِ الدُّنيا اَلحَمدُ لِلّهِ الَّذي اَرجوهُ عَونًا في
حَياتي وَاُعِدُّهُ ذُخرًا لِيَومِ فاقَتي اَلحَمدُ لِلّهِ الَّذي اَدعوهُ وَلا اَدعو غَيرَهُ
وَلَو دَعَوتُ غَيرَهُ لَخَيَّبَ دُعائي اَلحَمدُ لِلّهِ الَّذي اَرجوهُ وَلا اَرجو غَيرَهُ
وَلَو رَجَوتُ غَيرَهُ لَاَخلَفَ رَجائي اَلحَمدُ لِلّهِ المُنعِمِ المُحسِنِ المُفضِلِ المُجمِلِ
ذِي الجَلالِ وَالاِكرامِ وَلِيِّ كُلِّ نِعمَةٍ وَصاحِبِ كُلِّ حَسَنَةٍ وَمُنتَهى كُلِّ رَغبَةٍ
وَقاضي كُلِّ حاجَةٍ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارزُقنِي اليَقينَ وَحُسنَ
الظَّنِّ بِكَ وَاَثبِت رَجاءَكَ في قَلبي وَاقطَع رَجائي عَمَّن سِواكَ حَتّى
لا اَرجو غَيرَكَ وَلا اَثِقَ اِلّا بِكَ يا لَطيفًا لِما يَشاءُ اُلطُف لي في جَميعِ اَحوالي
بِما تُحِبُّ وَتَرضى يا رَبِّ اِنّي ضَعيفٌ عَلَى النّارِ فَلا تُعَذِّبني بِالنّارِ يا رَبِّ
اِرحَم دُعائي وَتَضَرُّعي وَخَوفي وَذُلّي وَمَسكَنَتي وَتَعويذي وَتَلويذي
يا رَبِّ اِنّي ضَعيفٌ عَن طَلَبِ الدُّنيا وَاَنتَ واسِعٌ كَريمٌ اَسئَلُكَ يا رَبِّ
بِقُوَّتِكَ عَلى ذلِكَ وَقُدرَتِكَ عَلَيهِ وَغِناكَ عَنهُ وَحاجَتي اِلَيهِ اَن
تَرزُقَني في عامي هذا وَشَهري هذا وَيَومي هذا وَساعَتي هذِهِ رِزقًا
واسِعًا تُغنيني بِهِ عَن تَكَلُّفِ ما في اَيدِي النّاسِ مِن رِزقِكَ الحَلالِ الطَّيِّبِ
اَي رَبِّ مِنكَ اَطلُبُ وَاِلَيكَ اَرغَبُ وَاِيّاكَ اَرجو وَاَنتَ اَهلٌ لِذلِكَ
وَلا اَرجو غَيرَكَ وَلا اَثِقُ اِلّا بِكَ يا اَرحَمَ الرّاحِمينَ يا رَبِّ ظَلَمتُ نَفسي فَاغفِر لي

وارحمني وعافني يا سامع كل صوت ويا جامع كل فوت يا بارئ النفوس بعد
الموت ويا من لا تغشاه الظلمات ولا تشتبه عليه الاصوات ولا يشغله شي
عن شي اعط محمدا صلى الله عليه وآله افضل ما سألك وافضل ما سئلت له و
افضل ما انت مسؤل له الى يوم القيمة وهب لي العافية حتى تهنئني
المعيشة واختم لي بخير حتى لا تضرني الذنوب اللهم رضني بما قسمت
لي حتى لا اسئل احدا شيئا اللهم صل على محمد وآل محمد وافتح لي خزائن
رحمتك ارحمني رحمة لا تعذبني بعدها ابدا في الدنيا والآخرة وارزقني
من فضلك الواسع رزقا حلالا طيبا لا تفقرني الى احد بعده سواك تزيدني
بذلك شكرا واليك فاقة وفقرا وبك عمن سواك غنى وتعففا يا
محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل يا مليك يا مقتدر صل على محمد وآل محمد
واكفني المهم كله واقض لي بالحسنى وبارك لي في جميع اموري واقض
لي جميع حوائجي اللهم يسر لي ما اخاف تعسيره عليك يسير فان تيسير ما
اخاف تعسيره عليك يسير وسهل لي ما اخاف حزونته ونفس عني ما اخاف
ضيقه وكف عني ما اخاف غمه واصرف عني ما اخاف بليته يا ارحم الراحمين
اللهم املأ قلبي حبا لك وخشية منك وتصديقا بكتابك وايمانا بك و
فرقا منك وشوقا اليك يا ذا الجلال والاكرام اللهم ان لك حقوقا

فتصدق

فتصدق بها علي وللناس قبلي تبعات فتحملها عني وقد اوجبت لكل ضيف
قرى وانا ضيفك فاجعل قراي الليلة الجنة يا وهاب الجنة يا وهاب المغفرة
ولا حول ولا قوة الا بك دعاء هر روز از ماه رمضان المبارك في الاقبال
منقولست از حضرت امام رضا عليه السلام كه سنتست انكه دعا كنند باين دعا
در هر روز از ماه رمضان بدرستی که مردمان اگر میدانستند فضیلت
این دعا را هر آینه سبقت میگرفتند بشمشیرها اللهم اني اسئلك من فضلك
بافضله وكل فضلك فاضل اللهم اني اسئلك بفضلك كله اللهم اني
اسئلك من رزقك باعمه وكل رزقك عام اللهم اني اسئلك برزقك
كله اللهم اني اسئلك من عطائك باهنئه وكل عطائك هني اللهم
اني اسئلك بعطائك كله اللهم اني اسئلك بخيرك كله اللهم اني اسئلك
من احسانك باحسنه وكل احسانك حسن اللهم اني اسئلك باحسانك
كله اللهم اني اسئلك بما تجيبني به حين اسئلك فاجبني يا الله وصل
على محمد عبدك المرتضى ورسولك المصطفى وامينك ونجيك دون خلقك
ونجيبك من عبادك ونبيك بالصدق وحبيبك صل على رسولك و
خيرتك من العالمين البشير النذير السراج المنير واهل بيته الابرار
الطاهرين وعلى ملائكتك الذين استخلصتهم لنفسك وحجبتهم عن

اللهم اني اسئلك بخيرك باعجله
وكل خيرك عاجل صح

عن خلقك وعلى انبيائك الذين استخلصتهم لنفسك ينبؤن عنك بالصدق
وعلى رسلك الذين خصصتهم بوحيك وفضلتهم على العالمين برسالاتك
وعلى عبادك الصالحين الذين ادخلتهم في رحمتك الائمة المهتدين
الراشدين واوليائك المطهرين وعلى جبرئيل وميكائيل واسرافيل
وملك الموت وعلى مالك خازن النار وعلى رضوان خازن الجنان
وروح القدس والروح الامين وحملة عرشك المقربين وعلى الملكين
الحافظين علي بالصلوة التي تحب ان يصلي بها عليهم اهل السموات
واهل الارضين صلوة طيبة كثيرة مباركة زاكية نامية ظاهرة
باطنة شريفة فاضلة تبين بها فضلهم على الاولين والآخرين اللهم اعط
محمدا صلى الله عليه وآله الوسيلة والشرف والفضيلة واجزه خير
ما جزيت نبيا عن امته اللهم واعط محمدا صلى الله عليه وآله مع
كل زلفة زلفة ومع كل وسيلة وسيلة واجعله ومع كل فضيلة
فضيلة ومع كل شرف شرفا تعطي محمدا وآله يوم القيمة افضل ما اعطيت
احدا من الاولين والآخرين افسحهم في الجنة عندك منزلا واقربهم
اللهم واجعل محمدا صلى الله عليه وآله ادنى المرسلين منك مجلسا و
اليك وسيلة واجعله اول شافع واول مشفع واول قائل وانجح سائل

وابعثه المقام المحمود الذي يغبطه به الاولون والآخرون يا ارحم الراحمين
واسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تسمع صوتي وتجيب دعوتي و
تجاوز عن خطيئتي وتصفح عن ظلمي وتنجح طلبتي وتقضي حاجتي وتنجز لي ما
وعدتني وتقيل عثرتي وتغفر ذنوبي وتعفو عن جرمي وتقبل علي ولا
تعرض بوجهك عني وترحمني ولا تعذبني وتعافيني ولا تبتليني وترزقني
من الرزق اطيبه واوسعه ولا تحرمني يا رب فاقض عني ديني وضع عني
وزري ولا تحملني ما لا طاقة لي به يا مولاي وادخلني في كل خير ادخلت
فيه محمدا وآل محمد واخرجني من كل سوء اخرجت منه محمدا وآل محمد
صلواتك عليه وعليهم ورحمة الله وبركاته پس سه بار بگوید اللهم اني
ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم اني اسئلك قليلا من
كثير مع حاجة بي اليه عظيمة وغناك عنه قديم وهو عندي كثير وهو
عليك سهل يسير فامنن علي به انك على كل شيء قدير آمين رب العالمين
هر روز از ماه مبارک رمضان بخوان این دعا اللهم ان هذا شهر رمضان
وهذا شهر الصيام وهذا شهر الانابة وهذا شهر التوبة وهذا شهر المغفرة
والرحمة وهذا شهر العتق من النار والفوز بالجنة اللهم سلمه لي وتسلمه
مني واعني عليه بافضل عونك ووفقني فيه لطاعتك وفرغني فيه لعبادتك

وَدُعَائِكَ وَتِلَاوَةِ كِتَابِكَ وَاَعْظِمْ لِي فِيهِ الْبَرَكَةَ وَاَحْسِنْ لِي فِيهِ الْعَافِيَةَ
وَاَصِحَّ لِي فِيهِ بَدَنِي وَاَوْسِعْ فِيهِ رِزْقِي وَاكْفِنِي فِيهِ مَا اَهَمَّنِي وَاسْتَجِبْ لِي فِيهِ
دُعَائِي وَبَلِّغْنِي فِيهِ رَجَائِي اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ فِيهِ عَنِّي النُّعَاسَ وَالْكَسَلَ وَالسَّاٰمَةَ
وَالْفَتْرَةَ وَالْقَسْوَةَ وَالْغَفْلَةَ وَالْغِرَّةَ اَللّٰهُمَّ جَنِّبْنِي الْعِلَلَ وَالْاَسْقَامَ وَ
الْهُمُومَ وَالْاَحْزَانَ وَالْاَعْرَاضَ وَالْاَمْرَاضَ وَالْخَطَايَا وَالذُّنُوبَ وَاصْرِفْ
عَنِّي فِيهِ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ وَالْجَهْدَ وَالْبَلَاءَ وَالتَّعَبَ وَالْعَنَاءَ اِنَّكَ سَمِيعُ
الدُّعَاءِ اَللّٰهُمَّ اَعِذْنِي فِيهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَهَمْزِهِ وَلَمْزِهِ وَنَفْثِهِ وَنَفْخِهِ
وَوَسْوَاسِهِ وَكَيْدِهِ وَمَكْرِهِ وَحِيَلِهِ وَاَمَانِيِّهِ وَخُدَعِهِ وَغُرُورِهِ وَفِتْنَتِهِ
وَرَجِلِهِ وَشَرَكِهِ وَاَعْوَانِهِ وَاَتْبَاعِهِ وَاَخْدَانِهِ وَاَشْيَاعِهِ وَاَوْلِيَائِهِ وَ
شُرَكَائِهِ وَجَمِيعِ كَيْدِهِمْ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ تَمَامَ صِيَامِهِ وَبُلُوغَ الْاَمَلِ فِي
قِيَامِهِ وَاسْتِكْمَالَ مَا يُرْضِيكَ فِيهِ صَبْرًا وَاِيمَانًا وَيَقِينًا وَاحْتِسَابًا ثُمَّ
تَقَبَّلْ ذٰلِكَ مِنَّا بِالْاَضْعَافِ الْكَثِيرَةِ وَالْاَجْرِ الْعَظِيمِ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ
الْجِدَّ وَالْاِجْتِهَادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالرَّغْبَةَ وَ
الرَّهْبَةَ وَالْجَزَعَ وَالرِّقَّةَ وَصِدْقَ اللِّسَانِ وَالْوَجَلَ مِنْكَ وَالرَّجَاءَ لَكَ
وَالتَّوَكُّلَ عَلَيْكَ وَالثِّقَةَ بِكَ وَالْوَرَعَ عَنْ مَحَارِمِكَ بِصَالِحِ الْقَوْلِ وَ
مَقْبُولِ السَّعْيِ وَمَرْفُوعِ الْعَمَلِ وَمُسْتَجَابِ الدُّعَاءِ وَلَا تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ شَيْءٍ

من

مِنْ ذٰلِكَ بِعَرَضٍ وَلَا مَرَضٍ وَلَا غَمٍّ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **فصل**
چهاردهم در فضیلت خواندن دعای جوشن کبیر و صغیر شرح دعای جوشن کبیر

چون حدیثی در باب جوشن کبیر بنظر این قاصر نرسیده واما جناب المرحوم المغفور
حاوی الفروع والاصول جامع المعقول والمنقول اعنی مهبط فیوضات
لاریبی مجتهد الزمانی مولانا ملا محمد باقر خراسانی طاب ثراه وحسن مثواه
در کتاب دعائی که تالیف نموده در شرح جوشن کبیر از سید الساجدین
امام زین العابدین علیه السلم نقل نموده که این دعائیست بلند مرتبه
رفیع منزلت روایت کرده اند از امام زین العابدین علیه السلم از پدر خود
و جد خود از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقلست که آنحضرت در
بعضی جنگها جوشنی گران پوشیده بود و از گرانی الم بر جسد شریف آنحضرت
میرسید در این اثنا جبرئیل علیه السلم نازل شد وگفت یا محمد ص پروردگار
تو ترا سلام میرساند ومیفرماید که این جوشن بیرون کن واین دعا را
بخوان که این دعا امانست جهة تو وجهة امت تو پس هر که بخواند این دعا را
در وقت بیرون رفتن از منزل خود یا با خود دارد این دعا را حفظ کند
الله تعالی او را ولازم گرداند حق را بر خود وتوفیق دهد او را بکارهای
نیکو وچون کسی باشد که چهار کتاب آسمانی را خوانده وباو دهند بهر حرفی

انندعاو زوجه در بهشت و دو خانه از خانهای بهشت و با و دهند ثواب
ابرهیم و موسی و عیسی و ثواب طائفه از بندگان خدا که در پشت مغرب
می باشند در بلادی واسع که سیر آفتاب در ان بلاد بقدر چهل روز است
و عبادت خدا میکنند و بقدر یک چشم زدن خلاف امر او نمیکنند و
پاره پاره شده پوستهای ایشان از بسکه گریسته اند از ترس خدای عز و جل
و ثواب هفتاد هزار فرشته که داخل میشوند هر روز به بیت المعمور و بیرون
میروند و تا قیامت عود نمیکنند و ثواب مؤمنین و مؤمنات از آن وقتی
که خدای تعالی ایشانرا آفریده تا روز قیامت و در خانه که این دعا در او است
دزد در آنخانه کاری نسازد و آتش در آنخانه نیفتد و هر که این دعا بخواند
پس بمیرد حکم شهید دارد که نوشته شود برای او ثواب شهیدی از
شهیدان بدر و خدای تعالی باو نظر لطف کند و حاجتهای دو جهان
او را بر آورد و هر که هفتاد مرتبه این دعا را بخواند به نیت خالص بر مریضی
که باشد خواه جنون و خواه برص شفا یابد آن مریض باذن خدای و هر که
این دعا را بر کفن خود نویسد شرم کند الله تعالی از آنکه عذاب کند او را
باتش دوزخ و این دعا نوشته شده بر قایمهای عرش پیش از خلق دنیا
به پنجاه هزار سال هر که این دعا را به نیت خالص در اول ماه رمضان بخواند

خدایتعالی شب قدر را روزی کرداند و بیافریند جهت او هفتاد هزار
فرشته که تسبیح و تقدیس خدا کنند و بکردانند ثواب ایشانرا جهت او و بفرستد
خدایتعالی جهت او وقت بیرون آمدن از قبر هفتاد هزار فرشته با هر فرشته
شتری نیکو از نور که شکم او از مروارید و پشت او از زبرجد و دست و پای او
از یاقوت بر پشت هر شتری قبه از نور که او را چهار در باشد از هر دری
از سندس و استبرق بهشت آویخته و در هر قبه هزار کنیز و بر هر کنیزی تاجی
از طلا و از ان کنیزان بوی مشک بشام و میرسد پس بفرستد خدای تعالی بوی
او بعد از ان هفتاد هزار فرشته که با هر فرشته جامی از مروارید سفید که در او
باشد مشروبی از مشروبات بهشت و نوشته باشد بر هر جامی لا اله الا الله وحده
لا شریک له این هدیه ایست از خدای عز و جل بجهت فلان ابن فلان و ندا کند او را
خدای تعالی که ای بنده من داخل بهشت شو بیحساب و هر که بخواند این دعا را در
ماه رمضان سه مرتبه حرام کرداند الله تعالی جسد او را بر آتش و واجب کرداند
برای او بهشت را و موکل کرداند بجهت او دو فرشته که نگاه دارند او را از گناهان
و در امان خدای باشد در مدت العمر ای محمد تعلیم مکن این دعا را مگر بمؤمن پرهیزکار
و از امام حسین علیه السلام مرویست که آنحضرت فرمود که وصیت کرد بمن پدرم علی
علیه السلام بانکه حفظ کنم این دعا را و تعظیم او نمایم و بنویسم از برکفن آنحضرت و تعلیم

کنم باهل خود و ترغیب کنم ایشان را باین دعا و این هزار اسم است و در او است اسم
اعظم و این دعا صد فصلست هر فصلی مشتمل بر ده اسم و در آخر هر فصل
باید خواند سُبحانَکَ یا لا اِلهَ اِلّا اَنتَ الغَوثَ الغَوثَ خَلِّصنا مِنَ النّارِ یا رَبِّ

۱ بجهت دفع بلاها

بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ

اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ بِاسمِکَ یا اَللهُ یا رَحمنُ یا رَحیمُ یا کَریمُ یا مُقیمُ
یا عَظیمُ یا قَدیمُ یا عَلیمُ یا حَلیمُ یا حَکیمُ ۲ بجهت نصرت یافتن
یا سَیِّدَ السّاداتِ یا مُجیبَ الدَّعَواتِ یا رافِعَ الدَّرَجاتِ یا وَلِیَّ
الحَسَناتِ یا غافِرَ الخَطیئاتِ یا مُعطِیَ المَسئَلاتِ یا قابِلَ التَّوباتِ
یا سامِعَ الاَصواتِ یا عالِمَ الخَفِیّاتِ یا دافِعَ البَلِیّاتِ ۳ بجهت
قوت یافتن یا خَیرَ الغافِرینَ یا خَیرَ الفاتِحینَ
یا خَیرَ النّاصِرینَ یا خَیرَ الحاکِمینَ یا خَیرَ الرّازِقینَ یا خَیرَ الوارِثینَ
یا خَیرَ الحامِدینَ یا خَیرَ الذّاکِرینَ یا خَیرَ المُنزِلینَ یا خَیرَ المُحسِنینَ
۴ بجهت عزت یافتن یا مَن لَهُ العِزَّةُ وَالجَمالُ یا مَن لَهُ
القُدرَةُ وَالکَمالُ یا مَن لَهُ المُلکُ وَالجَلالُ یا مَن هُوَ الکَبیرُ المُتَعالُ
یا مُنشِئَ السَّحابِ الثِّقالِ یا مَن هُوَ شَدیدُ المِحالِ یا مَن هُوَ سَریعُ

الحِسابِ یا مَن هُوَ شَدیدُ العِقابِ یا مَن هُوَ عِندَهُ حُسنُ الثَّوابِ
یا مَن عِندَهُ اُمُّ الکِتابِ ۵ بجهت دفع بلاها و غربت یافتن
اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ بِاسمِکَ یا حَنّانُ یا مَنّانُ یا دَیّانُ یا بُرهانُ
یا سُلطانُ یا رِضوانُ یا غُفرانُ یا سُبحانُ یا مُستَعانُ یا ذَا المَنِّ
وَالبَیانِ ۶ بجهت تعوید بزرگی یا مَن تَواضَعَ کُلُّ شَیءٍ
لِعَظَمَتِهِ یا مَنِ استَسلَمَ کُلُّ شَیءٍ لِقُدرَتِهِ یا مَن ذَلَّ کُلُّ شَیءٍ لِعِزَّتِهِ
یا مَن خَضَعَ کُلُّ شَیءٍ لِهَیبَتِهِ یا مَنِ انقادَ کُلُّ شَیءٍ مِن خَشیَتِهِ یا مَن
تَشَقَّقَتِ الجِبالُ مِن مَخافَتِهِ یا مَن قامَتِ السَّمواتُ بِاَمرِهِ یا مَنِ استَقَرَّتِ
الاَرَضونَ بِاِذنِهِ یا مَن یُسَبِّحُ الرَّعدُ بِحَمدِهِ یا مَن لا یَعتَدی عَلی اَهلِ
مَملَکَتِهِ ۷ بجهت افزونی نعمت یا غافِرَ الخَطایا یا کاشِفَ
البَلایا یا مُنتَهَی الرَّجایا یا مُجزِلَ العَطایا یا واهِبَ الهَدایا یا
رازِقَ البَرایا یا قاضِیَ المَنایا یا سامِعَ الشَّکایا یا باعِثَ البَرایا
یا مُطلِقَ الاُساری ۸ بجهت بر آمدن حاجات یا ذَا الحَمدِ وَالثَّناءِ
یا ذَا الفَخرِ وَالبَهاءِ یا ذَا المَجدِ وَالسَّناءِ یا ذَا العَهدِ وَالوَفاءِ یا ذَا العَفوِ
وَالرِّضاءِ یا ذَا المَنِّ وَالعَطاءِ یا ذَا الفَصلِ وَالقَضاءِ یا ذَا العِزِّ وَالبَقاءِ
یا ذَا الجودِ وَالسَّخاءِ یا ذَا الآلاءِ وَالنَّعماءِ ۹ بجهت برکت یافتن

اللهم اني اسئلك باسمك يا مانع يا دافع يا رافع يا صانع يا نافع
يا سامع يا جامع يا شافع يا واسع يا موسع ۱۰ بجهت دفع نحوست
يا صانع كل مصنوع يا خالق كل مخلوق يا رازق كل مرزوق يا
مالك كل مملوك يا كاشف كل مكروب يا فارج كل مهموم يا
راحم كل مرحوم يا ناصر كل مخذول يا ساتر كل معيوب يا ملجأ
كل مطرود ۱۱ بجهت دفع دشواری كارها يا عدتي عند شدتي
يا رجائي عند مصيبتي يا مونسي عند وحشتي يا صاحبي عند غربتي
يا وليي عند نعمتي يا غياثي عند كربتي يا دليلي عند حيرتي يا
غنائي عند افتقاري يا ملجائي عند اضطراري يا معيني عند مفزعي
۱۲ بجهت بخت و دولت و دفع تنگی كارها يا علام الغيوب
يا غفار الذنوب يا ستار العيوب يا كاشف الكروب يا مقلب
القلوب يا طبيب القلوب يا منور القلوب يا انيس القلوب
يا مفرج الهموم يا منفس الغموم ۱۳ بجهت آمرزش عصيان
اللهم اني اسئلك باسمك يا جليل يا جميل يا وكيل يا كفيل يا دليل
يا قبيل يا مديل يا منيل يا مقيل يا محيل ۱۴ بجهت دفع سختی جان كندن
يا دليل المتحيرين يا غياث المستغيثين يا صريخ المستصرخين يا جار

المستجيرين يا امان الخائفين يا عون المؤمنين يا راحم المساكين
يا ملجأ العاصين يا غافر المذنبين يا مجيب دعوة المضطرين
۱۵ بجهت ايمن بودن از هول منكر و نكير يا ذا الجود والاحسان يا ذا
الفضل والامتنان يا ذا الامن والامان يا ذا القدس والسبحان
يا ذا الحكمة والبيان يا ذا الرحمة والرضوان يا ذا الحجة والبرهان
يا ذا العظمة والسلطان يا ذا الرافة والمستعان يا ذا العفو و
الغفران ۱۶ بجهت گشاد كارها و نجات يافتن يا من هو رب كل شيء
يا من هو اله كل شيء يا من هو خالق كل شيء يا من هو صانع كل شيء
يا من هو قبل كل شيء يا من هو بعد كل شيء يا من هو فوق كل شيء
يا من هو عالم بكل شيء يا من هو قادر على كل شيء يا من هو يبقى ويفنى
كل شيء ۱۷ بجهت بر آمدن التماس اللهم اني اسئلك باسمك
يا مؤمن يا مهيمن يا مكون يا ملقن يا مبين يا مهون يا ممكن
يا مزين يا معلن يا مقسم ۱۸ بجهت كذشتن از پل صراط
يا من هو في ملكه مقيم يا من هو في سلطانه قديم يا من هو في
جلاله عظيم يا من هو على عباده رحيم يا من هو بكل شيء عليم يا
من هو بمن عصاه حليم يا من هو لمن رجاه كريم يا من هو في

صُنْعِهِ حَكِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي لُطْفِهِ قَدِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي حِكْمَتِهِ لَطِيفٌ
١٩ بجهت حفظ ايمان يَا مَنْ لَا يُرْجَى اِلَّا فَضْلُهُ يَا مَنْ لَا يُسْئَلُ
اِلَّا عَفْوُهُ يَا مَنْ لَا يُنْظَرُ اِلَّا بِرُّهُ يَا مَنْ لَا يُخَافُ اِلَّا عَدْلُهُ يَا
مَنْ لَا يَدُومُ اِلَّا مُلْكُهُ يَا مَنْ لَا سُلْطَانَ اِلَّا سُلْطَانُهُ يَا مَنْ
وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ يَا مَنْ
اَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمُهُ يَا مَنْ لَيْسَ اَحَدٌ مِثْلَهُ ٢٠ بجهت دفع غم والم يَا فَارِجَ الْهَمِّ
يَا كَاشِفَ الْغَمِّ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ يَا قَابِلَ التَّوْبِ يَا خَالِقَ الْخَلْقِ
يَا صَادِقَ الْوَعْدِ يَا مُوفِيَ الْعَهْدِ يَا عَالِمَ السِّرِّ يَا فَالِقَ الْحَبِّ
يَا رَازِقَ الْاَنَامِ ٢١ بجهت روشنائى دركارها اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ
يَا عَلِيُّ يَا وَفِيُّ يَا غَنِيُّ يَا مَلِيُّ يَا حَفِيُّ يَا رَضِيُّ يَا زَكِيُّ يَا بَدِيُّ
يَا قَوِيُّ يَا وَلِيُّ ٢٢ بجهت نيكوئى احوال يَا مَنْ اَظْهَرَ الْجَمِيلَ يَا مَنْ
سَتَرَ الْقَبِيحَ يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ يَا مَنْ لَمْ يَهْتِكِ السِّتْرَ يَا
عَظِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ
بِالرَّحْمَةِ يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى يَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى ٢٣ بجهت دولت يافتن
يَا ذَا النِّعْمَةِ السَّابِغَةِ يَا ذَا الرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ يَا ذَا الْمِنَّةِ
السَّابِقَةِ يَا ذَا الْحِكْمَةِ الْبَالِغَةِ يَا ذَا الْقُدْرَةِ الْكَامِلَةِ يَا ذَا الْحُجَّةِ

القاطعة

الْقَاطِعَةِ يَا ذَا الْكَرَامَةِ الظَّاهِرَةِ يَا ذَا الْعِزَّةِ الدَّائِمَةِ يَا ذَا الْقُوَّةِ
الْمَتِينَةِ يَا ذَا الْعَظَمَةِ الْمَنِيعَةِ ٢٤ بجهت اطاعت حق تعالى يَا بَدِيعَ
السَّمٰوَاتِ يَا جَاعِلَ الظُّلُمَاتِ يَا رَاحِمَ الْعَبَرَاتِ يَا سَاتِرَ الْعَوْرَاتِ
يَا مُحْيِيَ الْاَمْوَاتِ يَا مُنْزِلَ الْآيَاتِ يَا مُضَعِّفَ الْحَسَنَاتِ يَا
مَاحِيَ السَّيِّئَاتِ يَا شَدِيدَ النَّقِمَاتِ ٢٥ بجهت درجات يافتن
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُصَوِّرُ يَا مُقَدِّرُ يَا مُدَبِّرُ يَا
مُطَهِّرُ يَا مُنَوِّرُ يَا مُيَسِّرُ يَا مُبَشِّرُ يَا مُنْذِرُ يَا مُقَدِّمُ يَا مُؤَخِّرُ
٢٦ بجهت عقد اللسان يَا رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ
الشَّهْرِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ يَا رَبَّ
الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ يَا رَبَّ
النُّورِ وَالظَّلَامِ يَا رَبَّ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ يَا رَبَّ الْقُدْرَةِ فِي
الْاَنَامِ ٢٧ بجهت ديدن سلاطين وايمن بودن از ايذاء يَا اَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ
يَا اَعْدَلَ الْعَادِلِينَ يَا اَصْدَقَ الصَّادِقِينَ يَا اَطْهَرَ الطَّاهِرِينَ
يَا اَحْسَنَ الْخَالِقِينَ يَا اَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ يَا اَسْمَعَ السَّامِعِينَ
يَا اَبْصَرَ النَّاظِرِينَ يَا اَشْفَعَ الشَّافِعِينَ يَا اَكْرَمَ الْاَكْرَمِينَ
٢٨ بجهت گذشتن از عيبهاى بزرگ يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ يَا

يا راحم العبرات

سند من لا سند له يا ذخر من لا ذخر له يا حرز من لا حرز له
يا غياث من لا غياث له يا فخر من لا فخر له يا عز من لا عز له
يا معين من لا معين له يا انيس من لا انيس له يا امان من لا امان
له ۳۶ بجهة كمان كشيدن اللهم اني اسالك باسمك
يا عاصم يا قائم يا دائم يا راحم يا سالم يا حاكم يا عالم يا قاسم
يا قابض يا باسط يا ناعم ۳۷ بجهت پياده رفتن يا راحم من استرحمه
يا عاصم من استعصمه يا غافر من استغفره يا ناصر من استنصره
يا حافظ من استحفظه يا مكرم من استكرمه يا مرشد من استرشده
يا صريخ من استصرخه يا معين من استعانه يا مغيث من استغاثه
۳۸ بجهة تعويذ درد چشم يا عزيزا لا يضام يا قيوما لا ينام
يا لطيفا لا يرام يا دائما لا يفوت يا حيا لا يموت يا ملكا لا يزول يا باقيا
لا يفنى يا عالما لا يجهل يا صمدا لا يطعم يا قويا لا يضعف
۳۹ بجهة امان از علل وظفر يافتن اللهم اني اسالك باسمك يا احد يا واحد
يا شاهد يا ماجد يا حامد يا راشد يا باعث يا وارث يا ضار
يا نافع ۴۰ بجهت دفع دد و پيش پادشاهان رفتن يا اعظم من كل عظيم
يا اكرم من كل كريم يا ارحم من كل رحيم يا اعلم من كل عليم

يا احكم من كل حكيم يا اقدم من كل قديم يا اكبر من كل كبير يا الطف من كل لطيف يا اجل من كل جليل يا اعز من كل عزيز

يا من

يا من يسمع النجوى يا من ينقذ الغرقى يا من ينجي الهلكى يا من يشفي
المرضى يا من اضحك وابكى يا من امات واحيى يا من خلق الزوجين
الذكر والانثى ۴۱ جهة خفقان كند اللهم اني اسالك باسمك يا من
في البر والبحر سبيله يا من في الآفاق آياته يا من في الآيات برهانه
يا من في الممات قدرته يا من في القبور عبرته يا من في القيمة ملكه
يا من في الحساب هيبته يا من في الميزان قضاؤه يا من في الجنة ثوابه
يا من في النار عقابه ۴۲ جهة سؤال قبر اللهم اني اسالك باسمك يا من
اليه يهرب الخائفون يا من اليه يفزع المذنبون يا من اليه يقصد
المنيبون يا من اليه يرغب الزاهدون يا من اليه يلجا المتحيرون
يا من به يستانس المريدون يا من به يلوذ المحبون يا من في عفوه يطمع
الخاطئون يا من اليه يسكن الموقنون يا من عليه يتوكل المتوكلون
۴۳ جهة درد سر اللهم اني اسالك باسمك يا حبيب يا طبيب يا قريب
يا رقيب يا حسيب يا منيب يا مجيب يا بصير يا خبير ۴۴ جهة چشم بد
اللهم اني اسالك باسمك يا اقرب من كل قريب يا احب من كل حبيب
يا ابصر من كل بصير يا اخبر من كل خبير يا اشرف من كل شريف يا
ارفع من كل رفيع يا اقوى من كل قوي يا اغنى من كل غني يا اجود

مِنْ كُلِّ جَوادٍ يا اَرْأَفَ مِنْ كُلِّ رَؤُفٍ ٤٥ جهت درد گلو يا غالِباً غَيْرَ مَغْلُوبٍ

يا صانِعاً غَيْرَ مَصْنُوعٍ يا خالِقاً غَيْرَ مَخْلُوقٍ يا مالِكاً غَيْرَ مَمْلُوكٍ يا قاهِراً

غَيْرَ مَقْهُورٍ يا رافِعاً غَيْرَ مَرْفُوعٍ يا حافِظاً غَيْرَ مَحْفُوظٍ يا ناصِراً غَيْرَ مَنْصُورٍ

يا شاهِداً غَيْرَ مَشْهُودٍ يا قَرِيباً غَيْرَ بَعِيدٍ ٤٦ جهت درد سر يا نُورَ النُّورِ

يا خالِقَ النُّورِ يا مُدَبِّرَ النُّورِ يا مُقَدِّرَ النُّورِ يا نُورَ كُلِّ نُورٍ يا نُوراً قَبْلَ

كُلِّ نُورٍ يا نُوراً بَعْدَ كُلِّ نُورٍ يا نُوراً فَوْقَ كُلِّ نُورٍ يا نُوراً لَيْسَ كَمِثْلِهِ نُورٌ

٤٧ جهت درد سينه يا مَنْ عَطاؤُهُ شَرِيفٌ يا مَنْ فِعْلُهُ لَطِيفٌ يا مَنْ لُطْفُهُ

مُقِيمٌ يا مَنْ اِحْسانُهُ قَدِيمٌ يا مَنْ قَوْلُهُ حَقٌّ يا مَنْ وَعْدُهُ صِدْقٌ يا مَنْ

عَفْوُهُ فَضْلٌ يا مَنْ عَذابُهُ عَدْلٌ يا مَنْ ذِكْرُهُ حُلْوٌ يا مَنْ فَضْلُهُ عَمِيمٌ ٤٨ جهت

درد مفاصل اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يا مُسَهِّلُ يا مُفَصِّلُ يا مُبَدِّلُ يا مُذَلِّلُ يا

مُنَزِّلُ يا مُنَوِّلُ يا مُفْضِلُ يا مُجْزِلُ يا مُمْهِلُ يا مُجْمِلُ ٤٩ جهت ورم يا مَنْ يَرى وَلا يُرى

يا مَنْ يَخْلُقُ وَلا يُخْلَقُ يا مَنْ يَهْدي وَلا يُهْدى يا مَنْ يَسْئَلُ وَلا يُسْئَلُ يا مَنْ

يُطْعِمُ وَلا يُطْعَمُ يا مَنْ يُجيرُ وَلا يُجارُ عَلَيْهِ يا مَنْ يَحْكُمُ وَلا يُحْكَمُ عَلَيْهِ

يا ٥١ جهت درد شكم يا نِعْمَ الْحَسِيبُ يا نِعْمَ الطَّبِيبُ يا نِعْمَ الرَّقيبُ يا نِعْمَ الْقَريبُ يا

نِعْمَ الْمُجيبُ يا نِعْمَ الْكَفيلُ يا نِعْمَ الْوَكيلُ ٥٢ جهت درد پا يا سُرُورَ الْعارِفينَ يا مُنَى

الْمُحِبّينَ يا اَنيسَ الْمُريدينَ يا حَبيبَ التَّوّابينَ يا رازِقَ الْمُقِلّينَ

عزت غالب

يا نعم المولى يا نعم النصير

يا رَجاءَ الْمُذْنِبينَ يا قُرَّةَ عَيْنِ الْعابِدينَ يا مُنَفِّسَ عَنِ الْمَكْرُوبينَ يا مُفَرِّجَ

عَنِ الْمَغْمُومينَ يا اِلهَ الْاَوَّلينَ وَالْاخِرينَ ٥٣ جهت دفع حلق و ابرو و دفع دشمن

و عقرب اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يا رَبَّنا يا اِلهَنا يا سَيِّدَنا يا مَوْلانا يا

ناصِرَنا يا حافِظَنا يا دَليلَنا يا مُعينَنا يا حَبيبَنا يا طَبيبَنا ٥٤ جهت دفع شب

كوری يا رَبَّ النَّبِيّينَ وَالْاَبْرارِ يا رَبَّ الصِّدّيقينَ وَالْاَخْيارِ يا رَبَّ

الْجَنَّةِ وَالنّارِ يا رَبَّ الصِّغارِ وَالْكِبارِ يا رَبَّ الْحُبُوبِ وَالثِّمارِ يا رَبَّ

الْاَنْهارِ وَالْاَشْجارِ يا رَبَّ الصَّحاري وَالْقِفارِ يا رَبَّ الْبَراري وَالْبِحارِ

يا رَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهارِ يا رَبَّ الْاِعْلانِ وَالْاِسْرارِ ٥٥ جهت دفع درد پهلو

و درد پشت يا مَنْ نَفَذَ في كُلِّ شَيْءٍ اَمْرُهُ يا مَنْ لَحِقَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمُهُ يا مَنْ بَلَغَتْ

اِلى كُلِّ شَيْءٍ قُدْرَتُهُ يا مَنْ لا تُحْصِي الْعِبادُ نِعَمَهُ يا مَنْ لا تَبْلُغُ الْخَلائِقُ شُكْرَهُ

يا مَنْ لا تُدْرِكُ الْاَفْهامُ جَلالَهُ يا مَنْ لا تَنالُ الْاَوْهامُ كُنْهَهُ يا مَنِ الْعَظَمَةُ

وَالْكِبْرِياءُ رِداؤُهُ يا مَنْ لا تَرُدُّ الْعِبادُ قَضاءَهُ يا مَنْ لا مُلْكَ اِلّا مُلْكُهُ

يا مَنْ لا عَطاءَ اِلّا عَطاؤُهُ ٥٦ جهت دفع باد و ماه و درد استخوان يا مَنْ لَهُ الْمَثَلُ

الْاَعْلى يا مَنْ لَهُ الصِّفاتُ الْعُلْيا يا مَنْ لَهُ الْاخِرَةُ وَالْاُولى يا مَنْ لَهُ الْجَنَّةُ

الْمَأوى يا مَنْ لَهُ الْاياتُ الْكُبْرى يا مَنْ لَهُ الْاَسْماءُ الْحُسْنى يا مَنْ لَهُ الْحُكْمُ

وَالْقَضاءُ يا مَنْ لَهُ الْهَواءُ وَالْفَضاءُ يا مَنْ لَهُ الْعَرْشُ وَالثَّرى يا مَنْ

له السموات العلی **۵۱ بجهت دفع درد ابرو و دفع درد دندان** اللهم انی اسألك
باسمك یا عفو یا غفور یا شكور یا صبور یا رؤف یا عطوف یا
مسئول یا ودود یا سبوح یا قدوس **۵۲ بجهت دفع بادها** یا من فی
السماء عظمته یا من فی الارض آیاته یا من فی كل شیء دلائله یا من فی
البحار عجائبه یا من فی الجبال خزائنه یا من یبدء الخلق ثم یعیده
یا من الیه یرجع الامر كله یا من اظهر فی كل شیء لطفه یا من احسن كل
شیء خلقه یا من تصرف فی الخلائق قدرته **۵۳ بجهت دفع درد شکم**
یا حبیب من لا حبیب له یا طبیب من لا طبیب له یا مجیب من لا مجیب له
یا شفیق من لا شفیق له یا رفیق من لا رفیق له یا مغیث من لا مغیث
له یا دلیل من لا دلیل له یا انیس من لا انیس له یا راحم من لا راحم له
یا صاحب من لا صاحب له **۵۴ بجهت دوستی کردن** یا كافی من
استكفاه یا هادی من استهداه یا كالی من استكلاه یا راعی من
استرعاه یا شافی من استشفاه یا قاضی من استقضاه یا مغنی من
استغناه یا موفی من استوفاه یا مقوی من استقواه یا ولی من استولاه
۵۵ بجهت دفع درد دست اللهم انی اسألك باسمك یا خالق یا رازق
یا ناطق یا صادق یا فالق یا فارق یا فاتق یا راتق یا سابق یا سامق

یا سامق **۵۶ ایمنی از شر جن و انس** یا من یقلب اللیل والنهار یا
من جعل الظلمات والانوار یا من خلق الظل والحرور یا من
سخر الشمس والقمر یا من قدر الخیر والشر یا من خلق الموت و
الحیوة یا من له الخلق والامر یا من لم یتخذ ولدا یا من لیس له
شریك فی الملك یا من لم یكن له ولی من الذل **۵۷ بجهت عبادت و فتن**
یا من یعلم مراد المریدین یا من یعلم ضمیر الصامتین یا من یسمع
انین الواهنین یا من یری بكاء الخائفین یا من یملك حوائج
السائلین یا من یقبل عذر التائبین یا من لا یصلح اعمال المفسدین
یا من لا یضیع اجر المحسنین یا من لا یبعد عن قلوب العارفین
یا اجود الاجودین **۵۸ بجهت دفع درد شقیقه** یا دائم البقاء یا سامع
الدعاء یا واسع العطاء یا غافر الخطاء یا بدیع السماء یا حسن البلاء
یا جمیل الثناء یا قدیم السناء یا كثیر الوفاء یا شریف الجزاء
۵۹ بجهت دفع چشم زخم اللهم انی اسألك باسمك یا ستار یا
غفار یا قهار یا جبار یا صبار یا بار یا مختار یا فتاح یا نفاح یا
مرتاح **۶۰ بجهت طلب فرزند** یا من خلقنی وسوانی یا من
رزقنی وربانی یا من اطعمنی وسقانی یا من قربنی وادنانی یا

یا من عصمنی وکفانی یا من حفظنی وکلانی یا من اعزنی واغنانی
یا من وفقنی وهدانی یا من آنسنی وآوانی یا من اماتنی واحیانی
۴۷ بجهت روشنائی چشم یا من یحق الحق بکلماته یا من یقبل التوبة
عن عباده یا من یحول بین المرء وقلبه یا من لا تنفع الشفاعة
الا باذنه یا من هو اعلم بمن ضل عن سبیله یا من لا معقب لحکمه
یا من لا راد لقضائه یا من انقاد کل شیء لامره یا من السموات
مطویات بیمینه یا من یرسل الریاح بشرا بین یدی رحمته
۴۸ بجهت دفع شب کوری یا من جعل الارض مهادا یا من جعل الجبال
اوتادا یا من جعل الشمس سراجا یا من جعل القمر نورا یا
من جعل اللیل لباسا یا من جعل النهار معاشا یا من جعل
النوم سباتا یا من جعل السماء بناء یا من جعل الاشیاء ازواجا
یا من جعل النار مرصادا ۴۹ بجهت روشنائی چشم اللهم انی
اسألک باسمک یا سمیع یا شفیع یا رفیع یا منیع یا سریع یا
بدیع یا کبیر یا قدیر یا خبیر یا مجیر ۵۰ بجهت دفع قولنج
یا حیا قبل کل حی یا حیا بعد کل حی یا حی الذی لیس کمثله حی
یا حی الذی لا یشارکه حی یا حی الذی لا یحتاج الی حی یا حی الذی

یمیت

یمیت کل حی یا حی الذی یرزق کل حی یا حیا لم یرث الحیوة من حی
یا حی الذی یحیی الموتی یا حی یا قیوم لا تأخذه سنة ولا نوم
۵۱ بجهت دفع درد دست یا من له ذکر لا ینسی یا من له نور لا یطفی
یا من له نعم لا تعد یا من له ملک لا یزول یا من له ثناء لا یحصی
یا من له جلال لا یکیف یا من له کمال لا یدرک یا من له قضاء
لا یرد یا من له صفات لا تبدل یا من له نعوت لا تغیر ۵۲ بجهت
دفع درد حلق یا رب العالمین یا مالک یوم الدین یا غایة
الطالبین یا ظهر اللاجین یا مدرک الهاربین یا من یحب الصابرین
یا من یحب التوابین یا من یحب المتطهرین یا من یحب المحسنین یا
من هو اعلم بالمهتدین ۵۳ بجهت محفوظ بودن از اشرار اللهم انی اسألک
باسمک یا شفیق یا رفیق یا حفیظ یا محیط یا مقیت یا مغیث یا
معز یا مذل یا مبدئ یا معید ۵۴ بجهت دفع درد گوش یا من هو
احد بلا ضد یا من هو فرد بلا ند یا من هو صمد بلا عیب یا من
هو وتر بلا کیف یا من هو قاض بلا حیف یا من هو رب بلا وزیر
یا من هو عزیز بلا ذل یا من هو غنی بلا فقر یا من هو ملک بلا عزل
یا من هو موصوف بلا شبیه ۵۵ بجهت دفع درد کردن یا من ذکره

شرفٌ للذاكرين يا من شكره فوزٌ للشاكرين يا من حمده عزٌّ للحامدين
يا من طاعته نجاةٌ للمطيعين يا من بابه مفتوحٌ للطالبين يا من سبيله
واضحٌ للمنيبين يا من آياته برهانٌ للناظرين يا من كتابه تذكرةٌ
للمتقين يا من رزقه عمومٌ للطائعين والعاصين يا من رحمته
قريبٌ من المحسنين ۱۰ بجهت دفع درد شانه و دوش يا من تبارك اسمه
يا من تعالى جدّه يا من لا اله غيره يا من جلّ ثناؤه يا من تقدّست
اسماؤه يا من يدوم بقاؤه يا من العظمة بهاؤه يا من الكبرياء
رداؤه يا من لا تحصى آلاؤه يا من لا تعدّ نعماؤه ۱۱ بجهت دفع
درد شقیقه اللهم اني اسألك باسمك يا معين يا امين يا مبين
يا متين يا مكين يا رشيد يا حميد يا مجيد يا شديد يا شهيد
۱۲ بجهت دفع درد پشت يا ذا العرش المجيد يا ذا القول السديد
يا ذا الفعل الرشيد يا ذا البطش الشديد يا ذا الوعد والوعيد يا من
هو الولي الحميد يا من هو فعّال لما يريد يا من هو قريب غير بعيد
يا من هو على كل شيء شهيد يا من هو ليس بظلّام للعبيد ه
۱۵ بجهت دفع درد دل يا من لا شريك له ولا وزير يا من لا شبيه له
ولا نظير يا خالق الشمس والقمر المنير يا مغني البائس الفقير يا

يا رازق الطفل الصغير يا راحم الشيخ الكبير يا جابر العظم الكسير يا عصمة
الخائف المستجير يا من هو بعباده خبيرٌ بصير يا من هو على كل
شيء قدير ۱۰ بجهت دفع درد سپرز يا ذا الجود والنعم يا ذا الفضل والكرم
يا خالق اللوح والقلم يا بارئ الذرّ والنسم يا ذا البأس والنقم يا
ملهم العرب والعجم يا كاشف الضرّ والالم يا عالم السرّ والهمم
يا ربّ البيت والحرم يا من خلق الاشياء من العدم ۱۱ بجهت دفع درد زهار
بول وچکیدن اللهم اني اسألك باسمك يا فاصل يا فاعل يا جاعل يا قابل
يا كامل يا فاضل يا عادل يا غالب يا طالب يا واهب ۱۲ بجهت دفع ناسور
و وجع المفاصل يا من انعم بطوله يا من اكرم بجوده يا من جاد بلطفه يا
من تعزّز بقدرته يا من قدّر بحكمته يا من حكم بتدبيره يا من دبّر
بعلمه يا من تجاوز بحلمه يا من دنا في علوّه يا من علا في دنوّه ۱۳ بجهت
دست بر صید کشادن يا من يخلق ما يشاء يا من يهدي من يشاء يا من
يضلّ من يشاء يا من يعذّب من يشاء يا من يغفر لمن يشاء يا من يعزّ
من يشاء يا من يصوّر في الارحام ما يشاء يا من يختصّ برحمته من يشاء
۱۴ بجهت دفع درد پهلو را يا من لم يتّخذ صاحبةً ولا ولدا يا من جعل
لكل شيء قدرا يا من لا يشرك في حكمه احدا يا من جعل الملائكة رسلا

يا من جعل في السماء بروجا يا من جعل الارض قرارا يا من خلق من
الماء بشرا يا من جعل لكل شيء امدا يا من احاط بكل شيء علما يا من احصى
كل شيء عددا ٨٥ بجهت دفع درد كمر اللهم اني اسألك باسمك
يا اول يا آخر يا باطن يا ظاهر يا بر يا حق يا فرد يا وتر يا
صمد يا سرمد ٨٦ بجهت دفع وجع طحال يا خير معروف عرف
يا افضل معبود عبد يا اجل مشكور شكر يا اعز مذكور ذكر
يا اعلى محمود حمد يا اقدم موجود طلب يا ارفع موصوف وصف
يا اكبر مقصود قصد يا اكرم مسؤل سئل يا اشرف محبوب علم
٨٧ بجهت دفع از جميع بليات يا حبيب الباكين يا سيد المتوكلين يا
هادي المضلين يا ولي المؤمنين يا انيس الذاكرين يا مفزع الملهوفين
يا منجي الصادقين يا اقدر القادرين يا اعلم العالمين يا اله الخلق
اجمعين ٨٨ بجهت عزت يافتن در نزد خلايق يا من علا فقهر يا من ملك فقدر
يا من بطن فخبر يا من عبد فشكر يا من عصي فغفر يا من لا
تحويه الفكر يا من لا يدركه بصر يا من لا يخفى عليه اثر يا رازق
البشر يا مقدر كل قدر ٨٩ بجهت دفع سلسل البول اللهم اني اسألك
باسمك يا حافظ يا بارئ يا ذارئ يا باذخ يا فارج يا فاتح يا كاشف

يا ضامن

يا ضامن يا آمر يا ناهي ٩٠ بجهت دفع درد ناف يا من لا يعلم الغيب
الا هو يا من لا يصرف السوء الا هو يا من لا يخلق الخلق الا هو يا
من لا يغفر الذنب الا هو يا من لا يتم النعمة الا هو يا من لا يقلب
القلوب الا هو يا من لا يدبر الامر الا هو يا من لا ينزل الغيث الا هو
يا من لا يبسط الرزق الا هو يا من لا يحيي الموتى الا هو ٩١ بجهت دفع
سنگ مثانه يا معين الضعفاء يا صاحب الغرباء يا ناصر الاولياء
يا قاهر الاعداء يا رافع السماء يا انيس الاصفياء يا حبيب الاتقياء يا
كنز الفقراء يا اله الاغنياء يا اكرم الكرماء ٩٢ بجهت دفع بواسير يا كافي
من كل شيء يا قائم على كل شيء يا من لا يشبهه شيء يا من لا يزيد في
ملكه شيء يا من لا يخفى عليه شيء يا من لا ينقص من خزائنه شيء يا
من ليس كمثله شيء يا من لا يعزب عن علمه شيء يا من هو خبير بكل
شيء يا من وسعت رحمته كل شيء ٩٣ بجهت دفع وجع ناخن اللهم
اني اسألك باسمك يا مكرم يا مطعم يا منعم يا معطي يا مغني يا مقني
يا مفني يا محيي يا مرضي يا منجي ٩٤ بجهت صحيح بودن تن يا اول كل شيء
وآخره يا اله كل شيء ومليكه يا رب كل شيء وصانعه يا بارئ كل شيء
وخالقه يا قابض كل شيء وباسطه يا مبدئ كل شيء ومعيده يا

منشی کل شیء و مقلده یا مکون کل شیء و محوله یا محیی کل شیء و ممیته
یا خالق کل شیء و وارثه ۹۵ جهت قبض شکم یا خیر ذاکر و مذکور یا
خیر شاکر و مشکور یا خیر حامد و محمود یا خیر شاهد و مشهود یا
خیر داع و مدعو یا خیر مجیب و مجاب یا خیر مونس و انیس یا
خیر صاحب و جلیس یا خیر مقصود و مطلوب یا خیر حبیب
و محبوب ۹۶ جهت دفع درد زانو یا من هو لمن دعاه مجیب یا من
هو لمن اطاعه حبیب یا من هو الی من احبه قریب یا من هو
لمن استحفظه رقیب یا من هو لمن رجاه کریم یا من هو لمن عصاه
حلیم یا من هو فی عظمته رحیم یا من هو فی حکمته عظیم یا من هو
فی احسانه قدیم یا من هو بمن اراده علیم ۹۷ جهت وسعت رزق اللهم
انی اسألک باسمک یا مسبب یا مرغب یا مقلب یا معقب یا
مرتب یا مخوف یا محذر یا مذکر یا مسخر یا مغیر ۹۸ جهت دفع
درد ساق یا من علمه سابق یا من وعده صادق یا من
لطفه ظاهر یا من امره غالب یا من کتابه محکم یا من قضاؤه
کائن یا من قرآنه مجید یا من ملکه قدیم یا من فضله عمیم یا
من عرشه عظیم ۹۹ جهت درد پایها یا من لا یشغله سمع عن سمع

یا من لا یمنعه فعل عن فعل یا من لا یلهیه قول عن قول یا من لا یغلطه سؤال عن سؤال

فصل

فصل در فضیلت دعای جوشن صغیر آنچه در کتاب حسن بن
داوود بوده اینست که بعد از حذف اسناد روایت شده از امام موسی
کاظم علیه السلام و آنحضرت روایت نموده از پدر خود و همچنین تا
حضرت امام حسین علیه السلام که آنحضرت فرمود که گفت بمن پدرم
حضرت امیر المؤمنین ع ای فرزند آیا تعلیم نکنم ترا سرّی از اسرار الله
تعالی که تعلیم کرده آنرا بمن حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و بود آن
از جمله اسرار آنحضرت که مطلع نمیکرد بر آن کسی را حضرت امام حسین ع
فرمود که گفتم آری ای پدر من تعلیم کن آن دعا را حضرت امیر المؤمنین ع
فرمود که فرود آمد جبرئیل در روز یکشنبه بر رسول صلی الله علیه و آله
و آن روزی مهولی بود چنانکه پوشیده بود زره بر آن دلالت میکند و روز
بسیار گرمی بود و آن زره حضرت رسول ص را گرمی زره آزار میداد پس
حضرت رسول صلی الله علیه و آله گفت سر برداشتم بسوی آسمان و دعا کردم
پس دیدم درهای آسمان گشوده شد و جبرئیل ع فرود آمد گفت
السلام علیک یا رسول الله پس گفتم علیک السلام ای جبرئیل پس جبرئیل
گفت که یا محمد خدا ترا سلام کرده و ترا بکرامتی مخصوص ساخته و گفته
دور کن این زره را از خود و بخوان این دعا را چه هرگاه میخواندی و با خود

داشتی مثل این زره است که بر بدن تست در محافظت از اعدا رسول
صلی الله علیه و آله فرمود که این دعا مخصوص منست جبرئیل گفت یا رسول
الله این هدیه ایست از جانب الله تعالی از برای تو و امت تو گفتم ای
جبرئیل ثواب این دعا چیست گفت یا رسول الله نمیدانند تمام ثواب این
دعا را مگر الله تعالی چه هر که بخواند این دعا را در وقتی که از منزل خود
بیرون آید در وقت صبح یا وقت شام ملحق میکند او را الله تعالی بصاحبان
اعمال الصالحه و این مذکور است در توریة و انجیل و زبور و قرآن و صحف
ابراهیم میتواند بود که مراد این باشد که این در متشابهات کتب مفصله
مذکور و مبین شده بجهة اهل عصمت علیهم السلام یا اینکه این دعا
در متشابهات کتب مفصله هست پس رسول صلعم فرمود که گفتم ای جبرئیل
هر که این دعا بخواند الله تعالی این ثواب را باو عطا میکند گفت آری
عطا میکند باو و بعد ده هر حرفی دو زن از حوریان بهشت و چون فارغ
شود از خواندن این دعا بنا میکند الله تعالی برای او در بهشت خانه
و عطا میکند باو ثواب مثل ثواب ابراهیم و موسی و عیسی و مثل ثواب
تو که حضرت محمدی گفتم همه این ثوابها برای صاحب این دعاست
گفت آری یا رسول الله قسم بخدائی که خالق خلایق و خالق

دوم حق الامین و محمد حبیب که در پشت مغرب زمینی است سفید و در آن خلقی
اند از خلق خدای که عبادت میکنند خدا را و عصیان نمی ورزند و پاره از آن
شده گوشتهای رویهای ایشان از گریه و الله تعالی وحی فرستاد بایشان که
چرا گریه میکنید با آنکه شما یکچشم زدن عصیان نورزیده اید گفتند میترسیم که
الله تعالی غضب کند بر ما و بسوزاند ما را با آتش دوزخ حضرت امیر المؤمنین
علیه السلم میفرماید که گفتم یا رسول الله آیا در آن مکان نیست ابلیس یا یکی از
اولاد آدم گفت قسم بکسی که مرا به پیغمبری بخلق فرستاده که آن خلق نمی دانند که
الله تعالی آدم را و ابلیس را آفریده و عدد آن خلق را بشمار در نمی توانند آورد
مگر خدای و سیر آفتاب در بلاد ایشان چهل روز است و آن خلق منتهی نمیشوند و
نمی آشامند و میدهد الله تعالی بصاحب این دعا ثواب عدد آن خلق و عبادت ایشان
جبرئیل گفت قسم بکسی که ترا به پیغمبری بخلق فرستاده که الله تعالی بنا کرده در آسمان
چهارم خانه که از آن بیت المعمور گویند داخل میشوند هر روز در آن خانه هفتاد هزار
فرشته و بیرون می آیند از آنجا و تا روز قیامت بآنجا عود نمیکنند و خدای عز و جل
میدهد بصاحب این دعا ثواب آن فرشتگان را و میدهد او را ثواب بعدد مؤمنین
و مؤمنات از جن و انس اندرونی که ایشان را الله تعالی آفریده تا روز نفخ صور قسم
بکسی که مرا به پیغمبری بخلق فرستاده که هر که بنویسد این دعا را در ظرفی پاکیزه

بآب باران و زعفران پس بشوید و بیاشامد بقدر آنچه تواند شامید عافیت
دهد او را خدای عز و جل از هر کوفت که در جسد اوست و شفا دهد او را از
هر بیماری و هر که بخواند این دعا را بمیرد چون شهیدان و بنویسد خدای تعالی
جهت او ثواب هفتصد شهید از شهدا بدر و قسم بکسی که ترا به پیغمبری بخلق
فرستاده که کسی که در شبی این دعا را بخواند در آن شب الله تعالی بآن شخص توجه نماید
بسوی او و نظر رحمت کند و بدهد با و آنچه طلب نماید از حاجتهای دنیا و
آخرت و شری که بخواند این دعا را دفع کند خدای تعالی از و شر شیطان و مکر
ایشان را و قبول کند دعای او را و پاک کرداند مال او را انگاه جبرئیل گفت
که بمن گفت اسرافیل که الله تعالی فرموده قسم بعزت من و جلال که هر که ایمان آورد
بمن و تصدیق کند ترا یا رسول الله و تصدیق کند این دعا را میدهم او را ملکی
عظیم و بدرستی که من خدائی ام که کم نمیشود خزانهای من و فانی نمیشود عطای من
و اگر بگردانم بهشت را بجهت بنده از بندگان مومن خود کم نمیگرداند این از خزانهای
من نه اندك و نه بسیار یا محمد من آنکسی ام که هر گاه اراده کنم چیزی را میگویم بشو
پس میشود آنچه خواهم هر گاه بدهم به بنده عطیه بقدر عظمت و سلطنت و قدرت
خود میدهم یا محمد اگر بنده از بندگان من بخواند این دعا را بنیت خالص و
یقین هفتاد مرتبه بر هر کوفتی و بلائی از بلاهای دنیا مثل برص و جذام و جنون

عافیت

عافیت دهم ایشان را و بیرون کنم آن کوفتها را از اجساد ایشان خوشا حال کسی که ایمان
آورد بخدای و تصدیق کند به نبی و باین دعا و ثواب و وای بر آنکسی که انکار کند ابرا
و ایمان نیاورد جبرئیل گفت یا نبی الله اگر کسی بنویسد این دعا را در جامی بکافور
و مشك و بپاشد آن آب را بر کفن میت بفرستد خدای تعالی در قبر او
صد هزار نور و دفع کند از و هول منکر و نکیر و ایمن شود از عذاب قبر
و بفرستد الله تعالی بسوی او در قبر هفتاد هزار فرشته با هر فرشته طبقی
از نور که بر وی می پاشند و میگویند که خدای تعالی امر کرده ما را باین پس ما
مونسان تو ایم تا روز قیامت و فراخ میگرداند الله تعالی قبر او را برای او
بقدر آنچه چشم کار کند و میگشاید بجهت او دری از بهشت و میخوابانند
او را در قبر مانند عروس در حجله و میگوید الله تعالی که من شرم میکنم
از بنده که بوده باشد این دعا بر کفن او و جبرئیل ع گفت یا محمد شنیدم از
باری تعالی که میفرمود این دعا مکتوبست بر سراپرده های عرش پیش از آنکه
دنیا را بیافرینم به پنج هزار سال و هر بنده که این دعا را بخواند بنیت صادق
خالص که شکی با آن مخلوط نباشد در اول ماه رمضان بدهد خدای تعالی
با و ثواب شب قدر و خلق کند خدای تعالی در هر آسمانی هفتاد هزار فرشته
و به بیت المقدس هفتاد هزار فرشته و بمشرق هفتاد هزار فرشته و بمغرب

هفتاد هزار فرشته هر فرشته را بیست هزار سر باشد و در هر سری بیست
هزار دهن و در هر دهنی بیست هزار زبان باشد که تسبیح میگویند خدای
تعالی بلغتهای مختلف و میگردانند ثواب تسبیح خود را بجهت آنکسی که بخواند
این دعا را هیچ پیغمبری نبوده مگر آنکه این دعا را خوانده و هیچ بنده نیست
که این دعا را بخواند مگر آنکه باقی نمی ماند میان او و خدای تعالی حجابی و
سؤال نمیکند از الله تعالی چیزی مگر آنکه الله تعالی میدهد و هر که این دعا را
بخواند میفرستد الله تعالی بسوی او در وقت بیرون آمدن از قبر هفتاد
هزار فرشته در دست هر فرشته علمی از نور و هفتاد هزار غلام در دست
هر غلامی چهار شتری که شکم او از مروارید و پشتش از زبرجد سبز و دست
و پایها از یاقوت سرخ و بر پشت هر شتری قبه باشد از نور و هر قبه را
چهار صد در باشد و در هر دری چهار صد سریر و بر هر سریری چهار صد
فرش باشد از سندس و استبرق بهشت و بر هر فرشی چهار صد حوری و
چهار صد کنیزک و هر کنیزی را چهار صد گیسو باشد از مشک اذفر و هر
کنیزک تاجی باشد از طلای سرخ تسبیح میگویند و تقدیس خدای بجای می آرند
و میگردانند ثواب خود را بجهت کسی که این دعا را بخواند و بعد از آنچه گذشت
می آیند نزد خواننده این دعا هفتاد هزار فرشته با هر فرشته قدحی باشد

از مروارید سفید در و چهار لون از مشروب باشد از آب پاکیزه و شیر خوش طعم
و شراب لذیذ و عسل مصفی بر سر فرشته طبقی و برو پارچه پوشیده و بر او نوشته
لا اله الا الله وحده لا شریک له و در زیر آن نوشته که این هدیه ایست از خدای
عز و جل بسوی فلان بن فلان و مواظبت کننده بر خواندن این دعا و نمی آید
بعرصه قیامت و نگاه میکنند بسوی او خلق و میگویند کیست این شخص
از عظمتی که ملاحظه میکنند در او از بسیاری غلامان و کنیزان سوار بر شتران
و ملائکه در پیش و پس میرسانند او را بر عرش پس منادی ندا میکند از قبل الله
تعالی که ای بنده من داخل بهشت شو بی حساب یا رسول الله هر بنده که بخواند این
دعا را فرشتگان را تعب میرسد از آنکه مینویسند حسنات و محو میکنند
از و سیئات و حضرت رسول صلعم فرمود که هیچ بنده نیست از امت من که بخواند
این دعا را در ماه رمضان سه مرتبه مگر آنکه حرام کرداند الله تعالی جسد او را
بر آتش دوزخ و واجب کرداند جهت او بهشت را و اگر یکبار بخواند نیز مجری است
و هر که بخواند این دعا را گماشته کرداند الله تعالی برو فرشته که نگاه دارد او را
از گناهان و تسبیح و تقدیس خدا بجای آورند و حفظ کنند او را از بلاها و
گشوده میشود جهت او درهای بهشت و بسته میشود بر او درهای دوزخ
و چندانکه زنده است در امان خداست و نزد وفات مهیا ساخته الله تعالی

جزا و آنچه مذکور شد و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که ای برادر من جبرئیل
مرا مشتاق ساختی باین دعا جبرئیل ع فرمود که یا محمد تعلیم مکن این دعا را مگر
بمؤمنی که مستحق آن باشد و تقصیر نکند در حفظ آن و استهزا نکند بآن و هر گاه
بخواند آنرا بخواند بنیت خالص و هر گاه بر خود ببندد بطهارت باشد حضرت
امام حسین علیه السلم فرمود که وصیت نمود مرا امیر المؤمنین ع وصیت نزد
باین دعا کردن آن و حفظ آن و گفت ای فرزند بنویس این دعا را بر کفن من آنحضرت فرمود
آنچه پدرم امر فرموده بود بجای آوردم و این دعائیست سریع الاجابة و مخصوص
ساخته بان بندگان مقرب خود را و از ان منع نکرده از دوستان و برگزیدگان
خود و آن گنجیست از گنجهای خدا و معروفست بدعای جوشن ای دارنده
این دعا قسم میدهم ترا بخدای که مده این دعا را مگر بمؤمن موالی که مستحق آن
باشد و گرامی دارد آنرا و پیغمبر خدا ص بامیر المؤمنین ع گفته که تعلیم کن این
دعا را باهل و فرزندان خود و ترغیب کن ایشانرا بر دعا کردن و توسل جستن
بخدای بآن و اعتراف کردن بنعمتهای خدای و فرمود که حرام ساختم بر ایشان
که تعلیم کنند این دعا را بکسی که بخدای شرک آورد جهة آنکه هر حاجتی که از الله تعالی
میطلبد بر می آورد و کفایت میکند او را آنگاه میداند و پیغمبر ص فرمود که
یا علی جبرئیل چندان از فضیلت این دعا بیان کرد که قدرت بر وصف آن ندارم

وکسی شمار آن نتواند مگر خدای تعالی و روایت کرده ابوالوضاح نهشلی از پدر
خود که گفت شنیدم از حضرت امام موسی ع که فرمود ذکر کردن نعمت خدای
شکر است و ترک آن کفر است پس ربط دهید نعمتهای خدای خود را بشکر
و حفظ کنید مالهای خود را بزکوة دادن و دفع کنید بلا را بدعا که دعا سپر است
نجات دهنده دفع میکند بلا را در حالتی که محکم شده و قوت گرفته و روایت
کرده ابوالوضاح از پدر خود که چون حسین بن علی بن الحسن در فخ کشته
شد و لشکر او متفرق شدند سر او را با اسیران که از اصحاب او گرفته
بودند نزد موسی بن مهدی عباسی علیه اللعنه بردند موسی امر کرد
که یکی یکی از اسیران آوردند و او را سرزنش کرد آنگاه امر بقتل و نمود بعد ازان
جمعی از اولاد امیر المؤمنین ع بقتل رسانید و یکی یکی از اولاد امیر المؤمنین ع
ذکر میکرد و ناسزا میگفت تا رسید بذکر موسی بن جعفر کاظم علیه السلم
گفت خروج نکرد حسین صاحب فخ مگر بامر او و متابعت نکرد مگر دوصحی
او را جهة آنکه او صاحب وصیت است در اهل بیت پیغمبر ص پس گفت خدای
مرا بکشد اگر او را زنده گذارم ابو یوسف قاضی گفت یا امیر من حرف زنم
یا ساکت باشم گفت خدا بکشد مرا اگر عفو کنم از موسی بن جعفر و اگر نشنیده
بودم من از پدرم مهدی که او از پدرش منصور دوانیقی شنیده بود و از فضایل

ومناقب امام جعفر وانچه بمن رسیده که سفاح کفته در فضیلت وبزرکواری
او قبر او را میشکافتم واو را میسوختم ابو یوسف قاضی کفت زنان من
مطلقه باشند وبندکان من همه آزاد باشند واموال واملاک من همه وقف
باشد ولازم باشد بر من پیاده به بیت الله رفتن اکر مذهب موسی بن
جعفر یا یکی از اولاد او این باشد که بر تو خروج کنند ودعوی سلطنت
نمایند این مذهب زیدیه را می باشد واز اولاد ایشان کسی نمانده بود مکر
کروهی که با صاحب فخ خروج کردند ومقتول شدند وخلیفه بر ایشان
ظفر یافت وقاضی عبدا چندان سخن کفت که خلیفه را از مرتبه خشم
کن رانید وعلی بن یقطین که در نزد خلیفه در کمال اعتبار واقتدار بود
واز جمله اصحاب بحضرت امام موسی بود صورت واقعه را بحضرت نوشت
وچون آن نوشته بحضرت رسید اهل بیت وشیعه خود را حاضر ساخت
وایشان را بر مضمون آن نوشته مطلع کردانید ودر این باب با ایشان مشورت
کرد ایشان کفتند رای ما آنست که خود را از این ظالم پنهان سازی که از ظلم
تعدی او ایمن نتوان بود خصوصا در این وقت که تهدید وتخویف کرده
وآنحضرت تبسم فرمود وکفت بجماعتی که حاضر بودند از موالی واهل بیت
کردل خود را شاد سازید که اول نوشته که از عراق خواهد رسید متضمن فوت

موسی بن مهدی وهلاک او خواهد بود بحرمت این صاحب این قبر یعنی پیغمبر
صلی الله علیه وآله که موسی بن المهدی امروز مرده قسم بخدای که این حجت
مثل اینکه شما سخن میکوئید من نشسته بودم در جای نماز بعد از فراغ شدن
از اوراد که چشمم بخواب رفت وظاهر شد جدم پیغمبر خدا شکوه کردم بآنحضرت
از موسی بن مهدی وذکر کردم آنچه او با اهل بیت رسول صلعم کرده کفتم
من از او میترسم آنحضرت فرمود که دل خود را خوش دار که او را بر تو راهی
نیست وبر تو دستی نخواهد یافت در اثنای اینکه حضرت با من سخن میکفت دست
ما کرفت وکفت خدای تعالی دشمن ترا هلاک کردانید پس شکر خدا نیکو
بجای آور راوی کوید که حضرت امام علیه السلم رو بقبله کرد ودست بجانب
اسمان برداشت وشروع در این دعا نمود وشنیدم که آنحضرت اول آنکه در مقام شکر این دعا را خواند
چون فارغ شد رو بما کرد وکفت شنیدم از پدرم جعفر بن محمد که او روایت
نموده از پدران خود تا امیر المومنین که آنحضرت کفت شنیدم از پیغمبر صلعم که
میکفت اعتراف کنید بنعمتهای خدای وتوبه کنید از جمیع کناهان که خدای
تعالی دوست میدارد شکر کنندکان را راوی کوید که بنماز برخاستیم ومردم متفرق
شدند ودیکر مجتمع نشدیم مکر جهت خواندن نوشته که آمده بود جهت مردن
موسی بن المهدی وبیعت کردن مردم بهرون الرشید ودعای جوشن صغیر که

مذكور شد اينست الٰهي كم من عدو انتضى علي سيف عداوته وشحذ لي
ظبة مديته وأرهف لي شبا حده وداف لي قواتل سمومه وسدد نحوي
صوائب سهامه ولم تنم عني عين حراسته وأضمر أن يسومني المكروه
ويجرعني زعاق مرارته فنظرت إلى ضعفي عن احتمال الفوادح وعجزي عن
الانتصار ممن قصدني بمحاربته ووحدتي في كثير عدد من ناواني وأرصادهم
لي فيما لم أعمل فكري في الإرصاد لهم بمثله فأيدتني بقوتك وشددت
أزري بنصرتك وفللت لي شبا حده وخذلته بعد جمع عديده وحشده
وأعليت كعبي عليه ووجهت ما سدده إلي من مكائده إليه فرددته ولم يشف
غليله ولم يبرد حرارات غيظه وقد عض علي أنامله وأدبر موليا قد أخفقت
سراياه فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي أناة لا يعجل صل على محمد
وآل محمد واجعلني لأنعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين الٰهي وكم
من باغ بغاني بمكائده ونصب لي أشراك مصائده ووكل بي تفقد رعايته
وأضبأ إلي إضباء السبع لطريدته انتظارا لانتهاز فرصته وهو يظهر لي بشاشة
الملق ويبسط لي وجها غير طلق فلما رأيت دغل سريرته وقبح ما انطوى
عليه لشريكه في ملته وأصبح مجلبا إلي في بغيه أركسته لأم رأسه
وأتيت بنيانه من أساسه فصرعته في زبيته وأرديته في مهوى حفرته

ورميته بحجره وخنقته بوتره وذكيته بمشاقصه وكببته لمنخره ورددت
كيده في نحره وربقته بندامته وفسأته بحسرته فاستخذل واستخذأ
وتضاءل بعد نخوته وانقمع بعد استطالته ذليلا مأسورا في ربق حبائله
التي كان يؤمل أن يراني فيها يوم سطوته وقد كدت يا رب لولا رحمتك
أن يحل بي ما حل بساحته فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي أناة
لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لأنعمك من الشاكرين ولآلائك
من الذاكرين الٰهي وكم من حاسد شرق بحسده وشجي بغيظه وسلقني
بحد لسانه ووحرني بقرف عيوبه وجعل عرضي غرضا لمراميه وقلدني خلالا
لم تزل فيه فناديتك يا رب مستجيرا بك واثقا بسرعة إجابتك متوكلا
على ما لم أزل أعرفه من حسن دفاعك عالما أنه لن يضطهد من
أوى إلى ظل كنفك وأن لا تقرع الفوادح من لجأ إلى معقل الانتصار
بك فحصنتني من بأسه بقدرتك فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب
وذي أناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لأنعمك من الشاكرين
ولآلائك من الذاكرين الٰهي وكم من سحائب مكروه جليتها وسماء
نعمة أمطرتها وجداول كرامة أجريتها وأعين أحداث طمستها وناشئة
رحمة نشرتها وجنة عافية ألبستها وغوامر كربات كشفتها وأمور جارية

قدرتها لم تعجزك اذ طلبتها ولم تمتنع عليك اذ اردتها فلك الحمد يا رب من
مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لنعمك
من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين الهي وكم من ظن حسن حققت و
من عدم املاق جبرت ومن مسكنة فادحة حولت ومن صرعة
مهلكة انعشت ومن مشقة ازحت لا تسئل يا سيدي عما تفعل وهم
يسئلون ولا ينقصك ما انفقت ولقد سئلت فاعطيت ولم تسئل
فابتدأت واستميح باب فضلك فما اكديت ابيت الا انعاما وامتنانا
والا تطولا يا رب واحسانا وابيت يا رب الا انتهاك حرماتك و
اجتراء على معاصيك وتعدي حدودك وغفلة عن وعيدك وطاعة
لعدوي وعدوك لم يمنعك يا الهي وناصري اخلالي بالشكر عن اتمام
احسانك ولا حجزني ذلك عن ارتكاب مساخطك اللهم وهذا مقام
عبد ذليل اعترف لك بالتوحيد واقر على نفسه بالتقصير في اداء حقك
وشهد لك بسبوغ نعمتك عليه وجميل عادتك عنده واحسانك اليه
فهب لي يا الهي وسيدي من فضلك ما اريده الى رحمتك واتخذه سلما
اعرج فيه الى مرضاتك وآمن به من سخطك بعزتك وطولك وبحق
محمد نبيك والائمة صلوات الله عليه وعليهم اجمعين فلك الحمد يا رب

مقتدر

من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني
لانعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين الهي وكم من عبد امسى و
اصبح في كرب الموت وحشرجة الصدر والنظر الى ما تقشعر منها الجلود
وتفزع اليه القلوب وانا في عافية من ذلك كله فلك الحمد يا رب من
مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لانعمك
من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين الهي وكم من عبد امسى واصبح
سقيما موجعا مدنفا في انين وعويل يتقلب في غمه ولا يجد محيصا و
لا يسيغ طعاما ولا يستعذب شرابا وانا في صحة من البدن وسلامة
من العيش كل ذلك منك فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي اناة
لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين ولآلائك
من الذاكرين الهي وكم من عبد امسى واصبح خائفا مرعوبا مسهدا مشفقا
وحيدا وجلا هاربا طريدا او منجحرا في مضيق او مخباة من المخابي قد ضاقت
عليه الارض برحبها لا يجد حيلة ولا منجى ولا ماوى ولا مهربا وانا في امن
وطمانينة وعافية من ذلك كله فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب
وذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين و
لآلائك من الذاكرين الهي وسيدي وكم من عبد امسى واصبح مغلولا

مغلولاً مكبّلاً بالحديد بأيدي العداة لا يرحمونه فقيداً من أهله و
ولده منقطعاً عن إخوانه وبلده يتوقّع كلّ ساعة بأيّ قتلة يُقتل وبأيّ
مُثلة يُمثّل به وأنا في عافية من ذلك كلّه فلك الحمد يا ربّ من مقتدر
لا يُغلب وذي أناة لا يعجل صلّ على محمّد وآل محمّد واجعلني لأنعمك من
الشاكرين ولآلائك من الذاكرين الهي وسيّدي كم من عبد أمسى وأصبح
يقاسي الحرب ومباشرة القتال بنفسه قد غشيته الأعداء من كلّ جانب
بالسيوف وآلة الحرب يتقعقع في الحديد مبلغ مجهوده ولا يعرف حيلة
ولا يجد مهرباً قد أدنف بالجراحات أو متشحّطاً بدمه تحت السنابك
والأرجل يتمنّى شربة من ماء أو نظرة إلى أهله وولده ولا يقدر عليها
وأنا في عافية من ذلك كلّه فلك الحمد يا ربّ من مقتدر لا يغلب
وذي أناة لا يعجل صلّ على محمّد وآل محمّد واجعلني لأنعمك من الشاكرين
ولآلائك الهي وكم من عبد أمسى وأصبح في ظلمات البحار وعواصف
الرياح والأهوال والأمواج يتوقّع الغرق والهلاك لا يقدر على حيلة أو
مبتلى بصاعقة أو هدم أو حرق أو غرق أو شرق أو خسف أو مسخ أو
قذف وأنا في عافية من ذلك كلّه فلك الحمد يا ربّ من مقتدر لا يغلب
وذي أناة لا يعجل صلّ على محمّد وآل محمّد واجعلني لأنعمك من الشاكرين

ولآلائ

ولآلائك من الذاكرين الهي وكم من عبد أمسى وأصبح مسافراً شاخصاً
عن أهله ووطنه وولده متحيّراً في المفاوز تائهاً مع الوحوش والبهائم
والهوامّ وحيداً فريداً لا يعرف حيلة ولا يهتدي سبيلاً أو متأذّياً
ببرد أو حرّ أو جوع أو عري أو غيره من الشدائد ممّا أنا منه خلوٌ في عافية
من ذلك كلّه فلك الحمد يا ربّ من مقتدر لا يغلب وذي أناة لا يعجل
صلّ على محمّد وآل محمّد واجعلني لأنعمك من الشاكرين ولآلائك من
الذاكرين الهي وكم من عبد أمسى وأصبح فقيراً عائلاً عارياً مملقاً مخفقاً
مهجوراً جائعاً ظمآناً ينتظر من يعود عليه بفضل أو عبد وجيه
هو أوجه منّي عندك وأشدّ عبادة لك مغلولاً مقهوراً قد حمل ثقلاً
من تعب العناء وشدّة العبودية وكلفة الرقّ وثقل الضريبة أو مبتلى
ببلاء شديد لا قبل له به إلّا بمنّك عليه وأنا المخدوم المنعّم المعافى المكرّم في
عافية ممّا هو فيه فلك الحمد يا ربّ من مقتدر لا يغلب وذي أناة لا يعجل
صلّ على محمّد وآل محمّد واجعلني لأنعمك من الشاكرين ولآلائك من
الذاكرين مولاي وسيّدي وكم من عبد أمسى وأصبح طريداً شريداً حيراناً
متحيّراً جائعاً خائفاً خاسراً في الصحاري والبراري قد أحرقه الحرّ والبرد و
هو في ضرّ من العيش وضنك من الحيوة وذلّ من المقام ينظر إلى نفسه

حسرةً لا تقدر لها على ضر ولا نفع وانا خلو من ذلك كله بجودك وكرمك
فلا اله الا انت سبحانك من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد
وآل محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين وارحمني
برحمتك يا ارحم الراحمين مولاي وسيدي وكم من عبد امسى واصبح عليلا
مريضا سقيما مدنفا على فراش العلة وفي لباسها يتقلب يمينا لا يعرف
شيئا من لذة الطعام ولا من لذة الشراب ينظر الى نفسه حسرة لا يستطيع
لها ضرا ولا نفعا وانا خلو من ذلك كله بجودك وكرمك فلا اله الا انت
سبحانك من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد و
اجعلني لانعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين وارحمني برحمتك يا
ارحم الراحمين مولاي وسيدي وكم من عبد امسى واصبح قد دنا يومه
من حتفه وقد احدق به ملك الموت في اعوانه يعالج سكرات الموت
وحياضه تدور عيناه يمينا وشمالا لا ينظر الى احبائه واودائه واخلائه
قد منع من الكلام وحجب عن الخطاب ينظر الى نفسه حسرة فلا يستطيع
لها ضرا ولا نفعا وانا خلو من ذلك كله بجودك وكرمك فلا اله الا
انت سبحانك من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد و
آل محمد واجعلني لك من العابدين ولنعمائك من الشاكرين وارحمني

برحمتك

برحمتك يا ارحم الراحمين مولاي وسيدي وكم من عبد امسى واصبح
في مضايق الحبوس والسجون وكربها وذلها وحديدها يتداوله اعوانها
وزبانيتها فلا يدري اي حال يفعل به واي مثلة يمثل به فهو في ضر من
العيش وضنك من الحياة ينظر الى نفسه حسرة لا يستطيع لها ضرا ولا نفعا
وانا خلو من ذلك كله بجودك وكرمك فلا اله الا انت سبحانك من مقتدر
لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لك من العابدين
ولنعمائك من الشاكرين وارحمني برحمتك يا ارحم الراحمين مولاي وسيدي
وكم من عبد امسى واصبح قد استمر عليه القضاء واحدق به البلاء فارق اولاده
واحبائه واخلائه وامسى واصبح حبيسا اسيرا ذليلا في ايدي الكفار والاعداء
يتداولونه يمينا وشمالا قد حصل في المطامير وثقل بالحديد لا يرى شيئا من ضياء
الدنيا ولا من روحها ينظر الى نفسه حسرة لا يستطيع لها ضرا ولا نفعا وانا
خلو من ذلك كله بجودك وكرمك فلا اله الا انت سبحانك من مقتدر لا
يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لك من العابدين ولنعمائك
من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين وارحمني برحمتك يا ارحم الراحمين مولاي
وسيدي وكم من عبد امسى واصبح قد اشتاق الى الدنيا للرغبة فيها الى
ان خاطر بنفسه وماله حرصا منه عليها قد ركب الفلك وكسرت به فهو في

ولآلائك من الذاكرين

الجار وغيرها ينظر الى نفسه حسرة لا يقدر لها على فرج ولا نفع وانا خلو من
ذلك كله بجودك وكرمك فلا اله الا انت سبحانك من مقتدر لا يغلب و
ذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لك من العابدين ولنعمائك
من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين وارحمني برحمتك يا ارحم الراحمين مولاي
وسيدي وكم من عبد امسى واصبح قد استمر عليها القضاء واحدق به البلاء
والكفار والاعداء واخذته الرماح والسيوف والسهام وجدل صريعا
وقد شربت الارض من دمه واكلت السباع والطير من لحمه وانا خلو
من ذلك بجودك وكرمك لا باستحقاق مني يا لا اله الا انت سبحانك
من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني
لنعمائك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين وارحمني برحمتك يا ارحم
الراحمين وعزتك يا كريم لاطلبن مما لديك ولالحن عليك ولاجثن
اليك ولامدن يدي نحوك مع جرمها اليك فبمن اعوذ يا رب وبمن
الوذ لا احد لي الا انت افتردني وانت معولي وعليك متكلي اسالك
باسمك الذي وضعته على السماء فاستقلت وعلى الارض فاستقرت و
على الجبال فرست وعلى الليل فاظلم وعلى النهار فاستنار ان تصلي على
محمد وآل محمد وان تقضي لي جميع حوائجي وتغفر لي ذنوبي كلها صغيرها

وكبيرها

وكبيرها وتوسع علي من الرزق ما تبلغني به شرف الدنيا والآخرة يا ارحم الراحمين
بك استغثت فصل على محمد وآل محمد واغثني وبك استجرت فصل على
محمد وآل محمد واجرني واغنني بطاعتك عن طاعة عبادك وبمسالتك عن
مسالة خلقك وانقلني من ذل الفقر الى عز الغنى ومن ذل المعاصي الى
عز الطاعة فقد فضلتني على كثير من خلقك جودا منك وكرما لا باستحقاق
مني الهي فلك الحمد على ذلك كله صل على محمد وآل محمد واجعلني لنعمائك
من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين وارحمني برحمتك يا ارحم الراحمين
بعد از آن سجده كرده بگويد سجد وجهي البالي الفاني لوجهك الدائم
الباقي سجدت لوجهك العزيز الجليل سجد وجهي الفقير لوجهك الكبير
سجد وجهي وسمعي وبصري ولحمي وجلدي وعظمي وما اقلت الارض
لله رب العالمين اللهم عد على جهلي بحلمك وعلى فقري بغناك وعلى
ذلي بعزك وسلطانك وعلى ضعفي بقوتك وعلى خوفي بامنك و
على ذنوبي وخطاياي بعفوك اللهم اني ادرأ بك في نحر فلان و
اعوذ من شره فاكفنيه بما كفيت به انبياءك وطغاة خلقك يا ارحم
الراحمين والحمد لله وحده وصلى الله على صفوته من خلقه محمد والائمة
الطاهرين من آله وسلم تسليما اعلم ان الدعاء في الليل احد [illegible]

وتسميته هذا الدعاء بسهم الليل سعادة و في العدة الفهدية عن الصادق ع
ان في الليل ساعة لا يدعو فيها عبد مؤمن الا استجيب له وهي السدس الاول
من نصف الليل الثاني واين دعائيست عظيم الشان سريع الاجابة جهة مهم
مطالب على الخصوص جهة رفع اعدا و بايد كه در خواندن اين باحتياط
باشي و ناحق جهة كسي بمحض ظن نخواني **هذا دعاء سهم الليل مروي عن المهدي**
عليه السلم اللهم اني اسألك بعزيز اعتزاز عزتك بطول حول شديد قوتك
بقدرة اقتدار قدرتك بتأكيد تحميد تمجيد عظمتك بسمو نمو علو
رفعتك بديموم قيوم دوام مدتك برضوان غفران امان رحمتك
برفيع بديع منيع سلطنتك بسعات صلوات بساط رحمتك بحقايق الحق
من حق حقك بمكنون السر من سر سرك بمعاقد العز من عز عزك
بحنين انين تسكين المريدين بحرقات خضعات زفرات الخائفين
بآمال اعمال اقوال المجتهدين بتخشع تخضع تقطع مرارات الصابرين
بتعبد تهجد تمجد تجلد العابدين اللهم ذهلت العقول وانحسرت
الابصار وضاعت الافهام وحارت الاوهام وقصرت الخواطر و
بعدت الظنون عن ادراك كنه كيفية ما ظهر من بوادي عجايب
اصناف بدايع قدرتك دون البلوغ الى معرفة تلالؤ لمعان بروق

بروق سمائك

سمائك اللهم محرك الحركات ومبدي نهايات الغايات ومخرج ينابيع تفريع
قضبان النبات يا من شق صم جلاميد الصخور بالراسيات وانبع منها
ماء معينا حيوة للمخلوقات فاحيا منها الحيوان والنبات وعلم ما
اختلج في سر افكارهم من نطق اشارات خفيات لغات النمل السارحات
يا من سبحت وهللت وقدست وكبرت وسجدت لجلال جمال
اقوال عظيم عزة جبروت ملكوت سلطنته ملائكة السبع سموات
يا من دارت فاضاءت وانارت لدوام ديمومته النجوم الزاهرات
واحصى عدد الاحياء والاموات صل على محمد خير البريات وافعل بي
كذا وكذا اللهم العن صنمي قريش وجبتيهما وطاغوتيهما وافكيهما
وابنتيهما اللذين خالفا امرك وانكرا وحيك وجحدا انعامك وعصيا
رسولك وقلبا دينك وحرفا كتابك واحبا اعدائك وجحدا آلائك
وعطلا احكامك وابطلا فرائضك والحدا في آياتك وعاديا اولياءك
وواليا اعدائك وخربا بلادك وافسدا عبادك اللهم العنهما
واتباعهما واولياءهما واشياعهما ومحبيهما ومواليهما فقد اخربا
بيت النبوة وردما بابه ونقضا سقفه والحقا سماءه بارضه وعاليه
بسافله وظاهره بباطنه واستاصلا اهله وابادا انصاره وقتلا

اللهم العنهم

اطفاله واخليا منبره من وصيه ووارث علمه وجحدا امامته و
اشركا بربهما فعظم ذنبهما وخلدهما في سقر وما ادريك ما سقر
لا تبقي ولا تذر اللهم العنهم بعدد كل منكر اتوه وحق اخفوه ومنبر
علوه ومؤمن ارجوه ومنافق ولوه وولي آذوه وطريد آووه وصادق
طردوه وكافر نصروه وامام قهروه وفرض غيروه واثر انكروه وشر
آثروه ودم اراقوه وخبر بدلوه وكفر نصبوه وارث غصبوه وفيء
اقتطعوه وسحت اكلوه وخمس استحلوه وباطل اسسوه ونفاق اسروه
وغدر اضمروه وظلم نشروه ووعد اخلفوه وامان خانوه وعهد
نقضوه وحلال حرموه وحرام احلوه وبطن فتقوه وضلع دقوه
وصك مزقوه وشمل بددوه وعزيز اذلوه وذليل اعزوه وحق منعوه
وكذب دلسوه وحكم قلبوه اللهم العنهم بكل آية حرفوها وفريضة
تركوها وسنة غيروها ورسوم منعوها واحكام عطلوها وبيعة نكثوها
ودعوى ابطلوها وبينة انكروها وحيلة احدثوها وخيانة اوردوها
وعقبة ارتقوها ودباب دحرجوها وازياف لزموها وشهادة كتموها و
وصية ضيعوها اللهم العنهما في مكنون السر وظاهر العلانية لعنا كثيرا
ابدا دائما دائبا سرمدا لا انقطاع لامده ولا نفاد لعدده لعنا يعدو

وشر اظهروه
امرهم
وحكم قلبوه
وخير ابعدوه وكذب دلسوه
وجور بسطوه
وجنين اسقطوه
بعددهم
وايمان جحدوها
تقطعوها
وبدعة اظهروها
العنهم
في سره
لا يعوده

اوله

اوله ولا يروح آخره لهم على اعوانهم وانصارهم ومحبيهم ومواليهم والمسلمين
لهم والمائلين اليهم والناهضين باحتجاجهم والمقتدين بكلامهم و
المصدقين باحكامهم ثم قل اربع مرات اللهم عذبهم عذابا يستغيث منه
اهل النار آمين رب العالمين **شرح دعای شباب** روایتست از ابی عبد الله الحسین ع
که آنحضرت فرمود شبی با پدرم امیر المؤمنین ع در طواف بودیم و شبی بود بسیار
تاریک و خلوت شده از طواف کنندگان و نایمان شنیدم که شخصی استغاثه
میکرد و پناه بخدا میبرد و از الله تعالی طلب رحمت میکرد با آواز حزین از دل
اندوهگین و این ابیات میخواند **بیت** یا من یجیب دعا المضطر فی الظلم ○
یا کاشف الضر والبلوی مع السقم ○ قد نام وفدک حول البیت وانتبهوا ○ یدعو
وعینک یا قیوم لم تنم ○ هب لی بجودک فضل العفو عن جرمی ○ یا من اشار الیه
الخلق فی الحرم ○ ان کان عفوک لا یلقاه ذو شرف ○ فمن یجود علی العاصین بالنعم
حاصل مضمون ابیات آنست که ای آنکسی که اجابت میکنی دعاء **مضطر** کسی را
که مضطر است در تاریکیها وای آنکسی که رفع میکنی ضررها و بلاها و بیماریها را و مصائب
گروهی که در خانه بسوی تو آمده اند و در دور خانه تو بیدار اند و ترا میخوانند و چشم تو
ای آنکه مثلی نیست ترا هرگز بخواب نرفته ببخش بجود و کرم خود گناه مرا ای آنکه اشاره میکنند بسوی
او خلق در حرم اگر عفو نرسد بعفو تو صاحب گناه پس کرم می بخشند بگناهکاران نعمتها

ولا ينقطع

حضرت امام حسین ع فرمود که پدرم گفت بمن که یا ابا عبدالله شنیدی آواز
این شخص را که بخدا استغاثه میکند گفتم بلی فرمود او را بیاب گوی پس من در آن
تاریکی شب جست وجو میکردم در میان خفتگان تا وقتی که بمیان رکن
و مقام رسیدم دیدم شخصی ایستاده گفتم السلام علیک ای بنده بگناه خود مقر
و از جرم خود مستغفر بخدا اجابت کن ابن عم رسول الله را پس بزودی نماز
خود را باتمام رسانید و سلام کرد و هیچ سخن نگفت و بدست اشارت کرد
که پیش باش پس رفتم تا رسانیدم او را بامیر المؤمنین علیه السلام آنحضرت نظر
فرمود جوانی دید خوش روئی با جامهای پاکیزه گفت از چه گروهی گفت از بعض
طوایف عرب فرمود که چه نام داری گفت منازل بن لاحق الشیبانی فرمود که
چه گونه است حال تو و آنچه چیز است که بر تو و استغاثه تو گفت چه باشد
حال کسی که مبتلا باشد بعقوبت عقوق یعنی بدی با پدر کردن و در تنگی
باشد در سبب مصیبتها و سختی غمها والمها و مستجاب نشود دعای او حضرت
فرمود که سبب این چیست آن جوان گفت که من معروف بودم در میان عرب
ببازی و طرب و در ماههای شریف چون رجب و شعبان مداومت بر عصیان
مینمودم و ملاحظه جانب خدا نمیکردم و پدری داشتم مهربان که همیشه مرا
از حوادث روزگار تخویف مینمود و از آتش دوزخ حذر میفرمود و میگفت

بفریاد آمده از نور و روشنائی و تاریکی و روز و شب و ماه و سال و فرشتگان که ای چند انکه
او مبالغه میکرد من او را زجر و آزار میکردم و میزدم تا آنکه روزی قصد زری
کرد در موضعی مخفی بود رفتم ببرداشتن آن و صرف کردن در کارهای بدی که
بآن مشغول بودم پدرم ممانعت کرد او را زدم و دست او پیچیدم و زر را برداشتم
و رفتم پدر خواست که دست بر زانو گذارد و برخیزد نتوانست که دست را
حرکت دهد از شدت درد و المی که باو رسیده بود پس بیتی چند بخواند که حاصل
مضمون او اینست که جاری شد میان من و پسر من منازله نزد خدای میخواستم که
او را چنانچه مردمان با اولاد از خدا طلبند و او را تربیت کردم تا بکمال بزرگی
رسید و بهترین خوردنی در کودکی باو میدادم و هرچه باقی میماند خود میخوردم
تا اکنون که بحد کمال و بزرگی رسید و چون نیزه قد کشید مال مرا بزور گرفت و دست
مرا پیچید خدائی که بر همه قادر است دست او بپیچاند آنگاه بخدای قسم خورد که
بسوی بیت الله رود و بخدای عز و جل از من شکایت کند پس بعد از چند هفته
روزه گرفت و نمازها کرد و دعا کرد و متوجه شده و قطع صحراها و کوهها میکرد
تا بمکه رسید در روز حج اکبر از مرکب خود فرود آمد و رو بجانب کرد طواف و سعی بجای
آورد و جامه کعبه را بدست گرفت و خود را بدان آویخت و بدعا و تضرع مشغول
شد و بیتی چند خواند که مضمون او اینست ای آنکس که بسوی تو می آیند حاجیان بجهد

بر روی شتران از راههای دور بردستی که من بسوی تو آمده ام وای انکسی که
نا امید نمی سازی هیچ کسی را که بخواند او را از روی تضرع باسم واحد و صمد این منازل
پسر من منیش سداز نا فرمانیهای من ای جبار بحق حق مرا بگیر از پسر من تا انکه
پهلوی او را شل سازی بقدرت خود ای آنکه مقدسی که نزائیدی تو و نزائی
منازل کفت بخدائی که آسمانرا برافراشت و آبرا از زمین برآورد که هنوز دعا را
تمام نکرده بود که انچه می بینید بر من نازل شد و پهلوی خود را کشوده بآن
حضرت نمود که شل شده بود پس کفت سه سال از و طلب میکردم که دعا کند
بجهت من در آن موضع که نفرین کرده بود قبول نمیکرد تا در این سال قبول کرد
او را بر شتری سوار کردم و بتعجیل میراندم بجانب مکه بامید عافیت از این بلاها
در شبی از شبها شتری که پدرم بران سوار بود از آواز مرغی رمید و او را در منتهای
دره در میان دو سنک انداخته هلاک ساخت او را در همانجا دفن کردم و از این
عظیم تر انکه در میان عرب مشهور شده ام بعاق پدر حضرت امیر المؤمنین ع فرمود
رسید بتو فریاد رسی دو مرتبه ترا دعائی آموزم که بمن اموخته از حضرت رسول ص
و در آن اسم اعظم خداست که هر که غمزدگان بخوانند حاجت او را برآورد و بان
از وهم و غم و حزن زایل کرداند و بان اسم بیمار را صحیح سازد و شکسته را درست
کرداند و فقیر را غنی سازد و دین را ادا سازد و چشم زخم را دفع کند و کناهان

ببخشد و عیبها را بپوشد و هر ترسیده را ایمن سازد و از شر شیطان و حاکم ظالم
و اکر بخوانند این دعا را کسی که فرمان بردار خدا باشد بر کوه زایل شود از جای خود
آن کوه و اکر بر مرده بخوانند زنده کرداند او را الله تعالی و اکر بر آب بخوانند بر آب
راه تواند رفت بی انکه بجهد را بیانکاه انحضرت فرمود که ای مرد مرا رحم آمد
بر تو به پرهیز از کناهان و چنان کن که خیانت ترا صادق کرداند تا انکه این
دعا را در معصیت بخوانی و بغیر از اهل اعتماد دنیا موتی و هرکاه نیت خود را
خالص یابی الله تعالی دعای ترا مستجاب سازد و پیغمبر ص را در خواب
بینی که ترا بر بهشت و اجابت دعا بشارت دهد انحضرت فرمود که خوشحالی
من باین دعا بیشتر بود از خوشحالی انجوان بعافیت یافتن از انجهت که من هرکز
این دعا را از انحضرت نشنیده بودم و قبل از آن این دعا را نمیدانستم انکاه فرمود
دوات و کاغذ بیارید و انچه کویم بنویسید و چون نوشته شد بانجوان کفت که چون
شب دهم شود این دعا را بخوان و زود خبر بمن بیاور پس انجوان نوشته را
کرفت و رفت و چون روز شد دیدیم که آن جوان آمد صحیح و تن درست و آن
نوشته در دست او بود و میکفت قسم بخدای کعبه که این اسم اعظم است قسم
بخدای کعبه که دعای من مستجاب شد انحضرت فرمود که حکایت کن جوان کفت
که چون شب شد و چشمها بخواب رفت دست برداشتم باین نوشته و چند بار

خواندم خدا را بحق این دعا یاد دویم شنیدم آوازی که بر است تا که خدا را

باسم اعظم خوانَدی وانگاه بپهلو خوابیدم حضرت پیغمبر ص را در خواب دیدم

که دست شریف خود را بر من مالید و میگفت که محافظت کن اسم اعظم خدای

بدرستی که تو بر خیری پس بیدار شدم بعافیت چنانکه می بینی خدای تعالی

جزای خیر دهاد **هذا دعاء الشاب** بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ

يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا حَيُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا هُوَ يَا مَنْ هُوَ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ وَلَا

كَيْفَ هُوَ وَلَا اَيْنَ هُوَ وَلَا حَيْثُ هُوَ اِلَّا هُوَ يَا ذَا الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ يَا ذَا الْعِزَّةِ

وَالْجَبَرُوتِ يَا مَلِكُ يَا قُدُّوسُ يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيْمِنُ يَا عَزِيزُ يَا جَبَّارُ

يَا مُتَكَبِّرُ يَا خَالِقُ يَا بَارِئُ يَا مُصَوِّرُ يَا مُفِيدُ يَا مَحْمُودُ يَا مَعْبُودُ يَا وَدُودُ يَا — یا ودود · یا مدبّر یا شدید یا مبدئ یا معید یا شهید

بَعِيدُ يَا قَرِيبُ يَا مُجِيبُ يَا رَقِيبُ يَا حَسِيبُ يَا بَدِيعُ يَا رَفِيعُ يَا مَنِيعُ يَا سَمِيعُ

يَا عَلِيمُ يَا حَكِيمُ يَا كَرِيمُ يَا حَلِيمُ يَا قَدِيمُ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا

دَيَّانُ يَا مُسْتَعَانُ يَا جَلِيلُ يَا جَمِيلُ يَا وَكِيلُ يَا كَفِيلُ يَا مُقِيلُ يَا مُنِيلُ يَا

نَبِيلُ يَا دَلِيلُ يَا هَادِي يَا بَادِي يَا اَوَّلُ يَا آخِرُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا حَاكِمُ يَا قَاضِي — یا بدیع

يَا عَادِلُ يَا فَاضِلُ يَا وَاصِلُ يَا طَاهِرُ يَا مُطَهِّرُ يَا قَادِرُ يَا مُقْتَدِرُ يَا كَبِيرُ يَا

مُتَكَبِّرُ يَا وَاحِدُ يَا اَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ

وَلَا وَلَدٌ

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ وَلَا كَانَ مَعَهُ وَزِيرٌ وَلَا اتَّخَذَ مَعَهُ مُشِيرًا وَلَا احْتَاجَ

اِلَى ظَهِيرٍ وَلَا كَانَ مَعَهُ مِنْ اِلٰهٍ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ فَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الْجَاحِدُونَ — الظالمون ور

يا مرتاح يا نفّاح
عُلُوًّا كَبِيرًا يَا عَالِمُ يَا شَامِخُ يَا بَاذِخُ يَا فَتَّاحُ يَا مُفَرِّجُ يَا نَاصِرُ يَا مُنْتَصِرُ يَا مُهْلِكُ — یا علی ور یا ندو ک

يَا مُنْتَقِمُ يَا بَاعِثُ يَا وَارِثُ يَا اَوَّلُ يَا طَالِبُ يَا غَالِبُ يَا مَنْ لَا يَفُوتُهُ هَارِبٌ يَا

تَوَّابُ يَا اَوَّابُ يَا وَهَّابُ يَا مُسَبِّبَ الْاَسْبَابِ يَا مُفَتِّحَ الْاَبْوَابِ يَا مَنْ حَيْثُ

مَا دُعِيَ اَجَابَ يَا طَهُورُ يَا شَكُورُ يَا عَفُوُّ يَا غَفُورُ يَا نُورَ النُّورِ يَا مُدَبِّرَ الْاُمُورِ

يَا لَطِيفُ يَا خَبِيرُ يَا مُتَجَبِّرُ يَا مُنِيرُ يَا بَصِيرُ يَا ظَهِيرُ يَا كَبِيرُ يَا وِتْرُ يَا فَرْدُ يَا صَمَدُ — یا مجیر یا ایّد

يَا سَنَدُ يَا كَافِي يَا شَافِي يَا وَافِي يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ يَا مُتَكَرِّمُ — یا شکور

يَا مُتَفَرِّدُ يَا مَنْ عَلَا فَقَهَرَ يَا مَنْ مَلَكَ فَقَدَرَ يَا مَنْ بَطَنَ فَخَبَرَ يَا مَنْ عُبِدَ فَشَكَرَ

يَا مَنْ عُصِيَ فَغَفَرَ وَسَتَرَ يَا مَنْ لَا تَحْوِيهِ الْفِكَرُ وَلَا يُدْرِكُهُ بَصَرٌ وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ

اَثَرٌ يَا رَازِقَ الْبَشَرِ يَا مُقَدِّرَ كُلِّ قَدَرٍ يَا عَالِيَ الْمَكَانِ يَا شَدِيدَ الْاَرْكَانِ يَا مُبَدِّلَ

الزَّمَانِ يَا قَابِلَ الْقُرْبَانِ يَا ذَا الْمَنِّ وَالْاِحْسَانِ يَا ذَا الْعِزِّ وَالسُّلْطَانِ يَا رَحِيمُ يَا

رَحْمٰنُ يَا عَظِيمَ الشَّانِ يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَانٍ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَانٌ — یا عظیم الشان

عَنْ شَانٍ يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ مَكَانٍ يَا سَامِعَ الْاَصْوَاتِ يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ يَا مُنْجِحَ الطَّلِبَاتِ

يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ يَا مُنْزِلَ الْبَرَكَاتِ يَا رَاحِمَ الْعَبَرَاتِ يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ يَا كَاشِفَ

الْكُرُبَاتِ يَا وَلِيَّ الْحَسَنَاتِ يَا رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ يَا مُؤْتِيَ السُّؤْلَاتِ يَا مُحْيِيَ — الابرار · یا جامع الشتات

يا مطلع على النيات يا راد ما قد فات يا من لا تشتبه عليه الاصوات يا من يا مطلعا
لا تضجره المسئلات ولا تغشه الظلمات يا نور الارض والسموات
يا سابغ النعم يا دافع النقم يا بارئ النسم يا جامع الامم يا شافي السقم يا
خالق النور والظلم يا ذا الجود والكرم يا من لا يطأ عرشه قدم يا
اجود الاجودين يا اكرم الاكرمين يا اسمع السامعين يا ابصر الناظرين
يا جار المستجيرين يا امان الخائفين يا ظهر اللاجين يا ولي المؤمنين يا غياث رجئين
المستغيثين يا غاية الطالبين يا صاحب كل غريب يا مونس كل وحيد
يا ملجا كل طريد يا ماوى كل شريد يا حافظ كل ضالة يا راحم الشيخ الكبير
يا رازق الطفل الصغير يا جابر العظم الكسير يا فاك كل اسير يا مغني البائس
الفقير يا عصمة الخائف المستجير يا من له التدبير والتقدير يا من العسير
عليه يسير يا من لا يحتاج الى تفسير يا من هو على كل شيء قدير يا من هو
بكل شيء خبير يا من هو بكل شيء بصير يا مرسل الرياح يا فالق الاصباح
يا باعث الارواح يا ذا الجود والسماح يا من بيده كل مفتاح يا سامع كل
صوت يا سابق كل فوت يا محيي كل نفس بعد الموت يا عدتي في شدتي
يا حافظي في غربتي يا مونسي في وحدتي يا وليي في نعمتي يا كنفي حين تعييني يا كهفي
المذاهب وتسلمني الاقارب ويخذلني كل صاحب يا عماد من لا عماد له يا

سند من لا سند له يا ذخر من لا ذخر له يا كهف من لا كهف له يا ركن من لا يا كنز من لا كنز له يا حرز من لا حرز له
ركن له يا غياث من لا غياث له يا جار من لا جار له يا جاري اللصيق
يا ركني الوثيق يا الهي بالتحقيق يا رب البيت العتيق يا شفيق يا رفيق نجي
فكني من حلق المضيق واصرف عني كل هم وغم وضيق واكفني شر ما لا اطيق
واعني على ما اطيق يا راد يوسف على يعقوب يا كاشف ضر ايوب يا غافر
ذنب داود يا رافع عيسى بن مريم ونجيه من ايدي اليهود يا مجيب نداء يونس
في الظلمات يا مصطفي موسى بالكلمات يا من غفر لآدم خطيئته ورفع
ادريس مكانا عليا برحمته يا من نجى نوحا من الغرق يا من اهلك عادا الاولى يوسف
وثمود فما ابقى وقوم نوح من قبل انهم كانوا هم اظلم واطغى والمؤتفكة
اهوى يا من دمر على قوم لوط ودمدم على قوم شعيب يا من اتخذ
ابرهيم خليله يا من اتخذ موسى كليما واتخذ محمدا صلى الله عليه وعليهم اجمعين واله
حبيبا يا موتي لقمن الحكمة والواهب لسليمن ملكا لا ينبغي لاحد من بعده
يا من نصر ذا القرنين على الملوك الجبابرة يا من اعطى الخضر الحيوة ورد ليوشع بن نون
نور الشمس بعد غروبها يا من ربط على قلب ام موسى واحصن فرج مريم
بنت عمران يا من حصن يحيى بن زكريا من الذنب وسكن عن موسى الغضب
يا من بشر زكريا بيحيى يا من فدى اسمعيل من الذبح يا من قبل قربان بذبح عظيم

هابيل وجعل اللعنة على قابيل يا هازم الاحزاب لمحمّد صلّ على محمّد وآل محمّد
أجمعين حيّا يا مؤتي لقمان الحكمة والواهب لسليمان ملكا لا ينبغي لاحد من بعده
وعلى جميع المرسلين وملائكتك المقرّبين واهل طاعتك اجمعين واسئلك
بكل مسئلة سألك بها احد ممّن رضيت عنه فحتمت له على الاجابة يا الله
يا الله يا الله يا رحمن يا رحمن يا رحمن يا رحيم يا رحيم يا رحيم يا ذا
الجلال والاكرام به به به به به به به اسئلك وبكل اسم سمّيت
به نفسك او انزلته في شيء من كتبك او استأثرت به في علم الغيب
عندك وبما لو انّ ما في الارض من شجرة اقلام والبحر يمدّه من بعده
سبعة ابحر ما نفدت كلمات الله واسئلك باسمائك الحسنى التي بيّنتها
في كتابك فقلت ولله الاسماء الحسنى فادعوه بها وقلت ادعوني
استجب لكم وقلت واذا سألك عبادي عنّي فانّي قريب اجيب دعوة
الداع اذا دعان وقلت يا عبادي الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من
رحمة الله وانا اسئلك يا الهي واطمع في اجابتي يا مولاي كما وعدتني و
كما نطوق بارب ونرجوك يا سيدي
قد دعوتك كما امرتني فافعل بي كذا وكذا **ودر كردن دعايست** بغايت عظيم
ما انت اهله يا كريم والحمد لله رب العالمين
الشان وجليل القدر که جبرئیل اورا آورده از جانب الله تعالى عزّ شانه
بجهت حضرت رسول صلعم وفرمود که یا محمد صلعم الله تعالى بتو سلام میرساند

إنّ الله يغفر الذنوب جميعا إنّه هو الغفور الرحيم

ومیگوید که دیدم ایستادن علی را هم در این شب یعنی بر کرده او ومطلع وبهدیه
فرستادم بجهت او از علم پنهانی خود کلمه چند که هر که او را تعویذ خود سازد نزد
شیطان سرکش وظالم ستمکار رو نزد سوختن باتش وغرق شدن در آب و
افتادن بنا وعمارت واز حیوان درنده واز دزد ایمن گرداند الله تعالى اورا
از این آنچه ذکر کرد او ثبت گوید که مضمون سه مرتبه مرا طلب کرد واراده
کشتن من داشت ومن این دعا را میخواندم الله تعالى مانع شد اورا از قتل من ان
عباس بن عبد العظیم نقلست که هر شب از دکان خود بخانه میرفتم این دعا را شبی
از شبها فراموش کردم در اثنای شب بعد از آنکه بخواب رفته بودم بیدار شدم
وبیادم آمد که این دعا را نخوانده ام هم انجا خواندم وبجانب دکان اشاره نمودم چون
روز شد صبح زود بدکان رفتم شخصی را دیدم که در دکان بود دکان بر و بسته
شده باو گفتم که اینجا چه میکنی گفت حقیقت آنکه باین دکان داخل شدم که چیزی
بدزدم وچون اراده بیرون آمدن میکردم سوی از آهن حایل میشد بدانکه
شرح این دعا بسیار وفواید بیشمار دارد مختصر نمودیم **دعاء الربیع** بسم الله الرحمن الرحیم
اللّهم احرسنا بعينك التي لا تنام واكنفنا بركنك الذي لا يرام وارحمنا بقدرتك
علينا ولا تهلكنا وانت الرجاء رب كم من نعمة انعمت بها عليّ قلّ لك عندها
شكري وكم من بليّة ابتليتني بها قلّ لك عندها صبري
صبري فيا من قلّ عند نعمه شكري فلم يحرمني ويا من قلّ عند بلائه صبري

فلم یخذلنی یا ذا المعروف الدائم الذی لا ینقضی ابدا و یا ذا النعماء التی لا تحصی عددا
اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد الطاهرین و ادرا بک فی نحور الاعداء و الجبارین
اللهم اعنی علی دینی بدنیای و علی آخرتی بتقوای و احفظنی فیما غبت عنه و لا
تکلنی الی نفسی فیما حضرته یا من لا تنقصه المغفرة و لا تضره المعصیة اسئلک
فرجا عاجلا و صبرا جمیلا و رزقا واسعا و العافیة من جمیع البلاء و الشکر علی
العافیة یا ارحم الراحمین **شرح دعای مجیب** روایتست از حضرت رسول صلعم
آنحضرت فرمود که هر که خدا را باین نامها بخواند مستجاب گرداند الله تعالی دعای او را
و اگر خوانده شود این نامها بر تخته آهن گداخته شود آن آهن باذن الله تعالی
و آنحضرت فرمود که قسم بکسی که مرا بحق فرستاده به پیغمبری که اگر کسی گرسنگی و
تشنگی شدید داشته باشد پس بخواند این نامها را گرسنگی و تشنگی او ساکن شود
و اگر کسی این دعا را بر کوهی بخواند که حایل باشد میان او و میان محلی که اراده
آن دارد آن کوه سوراخ شود چنانکه او تواند گذشت و اگر نزد دیوانه خوانده
شود بهوش آید و اگر زنی که درد شوان نابد بر او خوانده شود آسان شود بر او
زاییدن و اگر کسی این دعا را بخواند و در شهری باشد که در آن شهر آتش افتاده
باشد و خانه او در وسط آن شهر باشد خانه او نجات یابد و نسوزد و اگر کسی این
دعا را چهل شب جمعه بخواند الله تعالی تمامی گناهان او را بیامرزد و قسم بحضا

که اینهمه دعا

که اینهمه دعا را هیچ مغموم بخواند مگر آنکه زایل کند الله تعالی غم و اندوه او را
و آخرت و هیچکس این دعا را نخواند نزد حاکمی ستمکار پیش از آنکه نزد او رود و نظر
کند آن حاکم بسوی او مگر آنکه بگرداند الله تعالی آن حاکم را مطیع او و هر که بخواند این دعا را
بخشیده شود گناهان او و اهل بیت او و همسایگان او و اهل مسجد او و اهل
شهر او و سید خلیل رضی الدین بن طاوس رحمه الله گوید که در روز سه شنبهی
که بلیه عظیم گرفتار بودم ملهم شدم بخواندن این دعا بجهت طلب سلامت الله تعالی
دعای مرا مستجاب ساخت و حاجت مرا بر آورد و مرا از شر حاسدان نگه داشت
دعای مجیب بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک یا من احتجب بشعاع
نوره عن نواظر خلقه یا من تسربل بالجلال و العظمة و اشتهر بالتجبر فی
قدسه یا من تعالی بالجلال و الکبریاء فی تفرد مجده یا من انقادت له الامور
بازمتها طوعا لامره یا من قامت السموات و الارضون مجیبات لدعوته یا
من زین السماء بالنجوم الطالعة و جعلها هادیة لخلقه یا من انار القمر
المنیر فی سواد اللیل المظلم بلطفه یا من انار الشمس المنیرة و جعلها معاشا
لخلقه و جعلها مفرقة بین اللیل و النهار بعظمته یا من استوجب الشکر بنشر
سحائب نعمه اسئلک بمعاقد العز من عرشک و منتهی الرحمة من کتابک و
بکل اسم هو لک سمیت به نفسک او استأثرت به فی علم الغیب عندک و بکل

اسم هو لك انزلته فی کتابک او اثبته فی قلوب الصافین حول عرشک فترا(جعت)
القلوب الی الصدور عن البیان باخلاص الوحدانیة وتحقیق الفردانیة مقرة
لک بالعبودیة وانک انت الله انت الله انت الله لا اله الا انت واسئلک
بالاسماء التی تجلیت بها للکلیم علی الجبل العظیم فلما بدا شعاع نور الحجب
من بهاء العظمة خرت الجبال متدکدکة لعظمتک وجلالک و
هیبتک وخوفا من سطواتک راهبة منک فلا اله الا انت فلا اله
الا انت فلا اله الا انت واسئلک بالاسم الذی فتقت به رتق عظیم
جفون عیون الناظرین الذی به تدبیر حکمتک وشواهد حجج انبیائک
یعرفونک بفطن القلوب وانت فی غوامض مسرات سریرات الغیوب
اسئلک بعزة ذلک الاسم ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تصرف عنی
جمیع الآفات والعاهات والاعراض والامراض والخطایا والذنوب
والشک والشرک والکفر والشقاق والنفاق والضلالة والمقت
والجهل والغضب والعسر والضیق وفساد الضمیر وحلول النقمة وشماتة
الاعداء وغلبة الرجال انک سمیع الدعاء لطیف لما تشاء

از حضرت صادق ع مرویست

بسند معتبر که پدرم میفرمود علی بن حسین علیه السلام شب عید رمضان المبارک را

احیا

احیا مینمود بنماز تا صبح و این شب را در مسجد بعبادت بسر می‌آورد و میفرمود
ای فرزند این شب از شب قدر کمتر نیست و باز از حضرت صادق ع منقول است
که حضرت علی ع را خوش می‌آمد که سالی در چهار شب خود را برای خدا فارغ
سازد و بعبادت مشغول باشد شب اول رجب و شب نصف شعبان و شب
عید رمضان و شب عید قربان از پیغمبر صلی الله علیه وآله که هر که احیا کند شب
عید را نمیرد دل او در روزی که بمیرند دلها و در این شب مستحب است غسل در اول
و آخر شب دو مرتبه اما افضل آنست که غسل اول شب را پیش از غروب آفتاب
نماید تا نماز مغرب با غسل واقع شود و مستحب است گفتن تکبیرات در این
شب بعد از نماز مغرب و عشا و همچنین در روز عید بعد از نماز صبح و نماز
عید و مشهور اینست الله اکبر الله اکبر ولا اله الا الله والله اکبر الله
اکبر ولله الحمد الله اکبر علی ما هدانا وله الشکر علی ما اولانا فقیه
از حضرت صادق ع روایت نموده که حسن راشد گفت عرض نمودم بخدمت
آنحضرت که مردم میگویند که مغفرت بر روزه داران در شب قدر نازل میشود
فرمود یا حسن کارکن مزد را بعد از فراغ میگیرد پس فرمود که مغفرت در شب
عید نازل میشود گفتم فدای تو شوم چه عمل سزاوار است که در این شب بکنم
فرمود که چون غروب آفتاب شود غسل کن و چون از نماز مغرب و نوافل آن

فارغ شوی دستهای خود را بردارد و بگو یا ذا المنّ و الطّول یا ذا الجود یا
مصطفی محمّد و ناصره صلّ علی محمّد و آل محمّد واغفر لی کلّ ذنب
احصیته و هو عندک فی کتاب مبین پس سجده کن و صد نوبت
بگو اتوب الیه پس سوال کن از حق تعالی هر حاجتی که داری که بر آورده
میشود ان شا الله تعالی فقیه از آنحضرت صلعم روایت نموده که هر که در شب
عید فطر ده رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله
ده نوبت بخواند و بجای تسبیح رکوع و سجود بگوید سبحان الله و الحمد لله
و لا اله الا الله و الله اکبر و چون فارغ شود هزار نوبت استغفار
کند و در سجده شکر بگوید یا حیّ یا قیّوم یا ذا الجلال و الاکرام یا رحمن
الدنیا و الاخرة و رحیمهما یا ارحم الراحمین یا اله الاوّلین و الاخرین
اغفر لی ذنوبی و تقبّل صومی و صلوتی سر از سجود بر ندارد تا حق تعالی
او را بیامرزد و روزه او را قبول فرماید و از گناهان او در گذرد و بسند
معتبر از صادق علیه السلام منقول است که هر که در شب عید فطر دو رکعت نماز
بگذارد و در رکعت اول بعد از حمد توحید را هزار نوبت و در رکعت دوم
بعد از حمد یک نوبت بخواند از حق تعالی هیچ حاجتی سوال نکند مگر آنکه البته
باو عطا فرماید در مصباح کبیر منقول است که مستحب است

دو رکعت نماز که مذکور شد در شب عید فطر بگذارد در رکعت اول بعد از
حمد هزار مرتبه توحید و در رکعت ثانی بعد از حمد یک مرتبه چون سلام داد
بخواند این دعاء عظیم الشان را و بخواهد مطلب خود را که باجابت مقرونست
بسم الله الرحمن الرحیم یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا الله یا رحیم یا الله
یا ملک یا الله یا قدّوس یا الله یا سلام یا الله یا مؤمن یا الله یا مهیمن
یا الله یا عزیز یا الله یا جبّار یا الله یا متکبّر یا الله یا خالق یا الله یا باری
یا الله یا مصوّر یا الله یا عالم یا الله یا عظیم یا الله یا علیم یا الله یا کریم
یا الله یا حلیم یا الله یا سمیع یا الله یا بصیر یا الله یا قریب یا الله یا
مجیب یا الله یا جواد یا الله یا ماجد یا الله یا حفیظ یا الله یا محیط یا
الله یا ملیّ یا الله یا وفیّ یا الله یا مولی یا الله یا قاضی یا الله یا سریع
یا الله یا شدید یا الله یا رؤف یا الله یا رقیب یا الله یا مجید یا الله
یا قاهر یا الله یا اوّل یا الله یا آخر یا الله یا ظاهر یا الله یا باطن یا الله
یا سیّد السادة یا الله یا ربّاه یا الله یا ربّاه یا الله یا ربّاه یا الله یا ودود
یا الله یا نور یا الله یا رافع یا الله یا مانع یا الله یا دافع یا الله یا فاتح
یا الله یا نفّاح یا الله یا نافع یا الله یا جلیل یا الله یا جمیل یا الله یا شهید
یا الله یا شاهد یا الله یا مغیث یا الله یا حبیب یا الله یا فاطر یا الله یا

یا مُطَهِّرُ یا اللّٰهُ یا مَلِکُ یا اللّٰهُ یا مُقْتَدِرُ یا اللّٰهُ یا قابِضُ یا اللّٰهُ یا باسِطُ یا
اللّٰهُ یا مُحْیِی یا اللّٰهُ یا مُمیتُ یا اللّٰهُ یا باعِثُ یا (یا اللّٰهُ) وارِثُ یا اللّٰهُ یا مُعْطی یا اللّٰهُ
یا مُفَضِّلُ یا اللّٰهُ یا مُنْعِمُ یا اللّٰهُ یا حَقُّ یا اللّٰهُ یا مُبینُ یا اللّٰهُ یا لَطیفُ یا اللّٰهُ
یا طَبیبُ یا اللّٰهُ یا مُحْسِنُ یا اللّٰهُ یا مُجْمِلُ یا اللّٰهُ یا مُبْدِئُ یا اللّٰهُ یا بَدیعُ
یا اللّٰهُ یا مُعیدُ یا اللّٰهُ یا بارِئُ یا اللّٰهُ یا هادی یا اللّٰهُ یا کافی یا اللّٰهُ یا
شافی یا اللّٰهُ یا عَلِیُّ یا اللّٰهُ یا عَظیمُ یا اللّٰهُ یا حَنّانُ یا اللّٰهُ یا مَنّانُ یا اللّٰهُ یا
ذَا الطَّوْلِ یا اللّٰهُ یا مُتَعالُ یا اللّٰهُ یا عَدْلُ یا اللّٰهُ یا ذَا الْجَلالِ (وَالْاِکْرامِ) یا اللّٰهُ یا ذَا
الْمَعارِجِ یا اللّٰهُ یا صادِقُ یا اللّٰهُ یا دَیّانُ یا اللّٰهُ یا باقی یا اللّٰهُ یا واقی یا اللّٰهُ
یا مُعینُ یا اللّٰهُ یا ذَا الْجَلالِ وَالْاِکْرامِ یا اللّٰهُ یا مَحْمودُ یا اللّٰهُ یا مَعْبودُ یا اللّٰهُ
یا صانِعُ یا اللّٰهُ یا مُکَوِّنُ یا اللّٰهُ یا فَعّالُ یا اللّٰهُ یا لَطیفُ یا اللّٰهُ یا غَفورُ یا
اللّٰهُ یا شَکورُ یا اللّٰهُ یا نورُ یا اللّٰهُ یا حَنّانُ یا اللّٰهُ یا قَدیرُ یا اللّٰهُ یا رَبّاهُ یا
اللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اللّٰهُ
یا رَبّاهُ یا اللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اللّٰهُ اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَتَمُنَّ عَلَیَّ بِرِضاکَ وَتَعْفُوَ عَنّی بِحِلْمِکَ وَتُوَسِّعَ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ
الْحَلالِ الطَّیِّبِ مِنْ حَیْثُ اَحْتَسِبُ وَمِنْ حَیْثُ لا اَحْتَسِبُ فَاِنّی عَبْدُکَ
لَیْسَ لی اَحَدٌ سِواکَ وَلا اَحَدٌ اَسْئَلُهُ غَیْرُکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ ماشاءَ اللّٰهُ

پس سجده کن و بگو

لا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ یا اللّٰهُ یا اللّٰهُ یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ یا اللّٰهُ یا مُنْزِلَ
الْبَرَکاتِ بِکَ تُنْزَلُ کُلُّ حاجَةٍ اَسْئَلُکَ بِکُلِّ اسْمٍ فی مَخْزونِ الْغَیْبِ عِنْدَکَ وَ
الْاَسْماءِ الْمَشْهوراتِ عِنْدَکَ الْمَکْتوبَةِ عَلی سُرادِقِ عَرْشِکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَقَبَّلَ شَهْرَ رَمَضانَ وَتَکْتُبَنی فِی الْوافِدینَ اِلی بَیْتِکَ الْحَرامِ وَ
تَصْفَحَ لی عَنِ الذُّنوبِ الْعِظامِ وَتَسْتَخْرِجَ لی یا رَبِّ کُنوزَکَ یا رَحْمٰنُ
بسند معتبر از صادق ع که هر که زیارت کند قبر حسین ع را در یکی از سه شب
حق تعالی گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد راوی عرض نمود که کدامست
آن سه شب فدای تو شوم فرمود شب عید فطر و شب عید اضحی و شب نصف
شعبان

در اعمال روز عید بدانکه عید فطر یکی از اعیاد عظیمه
مسلمانانست و حق تعالی در این روز عایدهای بسیار و جایزهای بی شمار
بر روزه داران و عبادت کنندگان ماه رمضان عطا میفرماید بسند معتبر
از امام محمد باقر ع که چون روز اول شوال شود منادی ندا کند که ای مومنان
زود بیائید بسوی جایزهای خود پس فرمود ای جابر بدرستی که جایزهای خدا
نیست مانند جایزهای این پادشاهان و این روز روز جایزه است بسند معتبر
از امام حسن ع که گذشت در روز عید فطر بر جماعتی که لعب و بازی و خنده میکردند
پس آنحضرت باصحاب خود ملتفت شد و فرمود که حق تعالی ماه رمضان را میدان قرار

ماده برای بندگان که مسابقت کنند و سعی نمایند که در کردن طاعات و عبادات
و تحصیل رضای الهی پس گروهی سبقت نمودند و فایز و رستگار شدند و
جماعتی تخلف کردند و خایب و نومید گردیدند پس عجب از کسی که در این روز
که نیکوکاران بثوابهای نامتناهی فایز میشوند و مقصران خایب و نومید میگردند
خنده کنند و بلهو و لعب مشغول باشند والله که اگر حجاب از میان برخیزد
هر آینه هر نیکوکاری مشغول شود بنیکی کردهای خود و بدکردار ببدی خود
از صادق ع که فرمود غسل در روز فطر سنت است و فرمود نماز عید فطر تو
وقتی کاملست که غسل کنی از نهر جاری و اگر نهری نیابی بهر طریق که میسر شود غسل
کن تا خشوع تو کامل گردد و باید که غسل کنی و در زیر سایه بنائی و تا توانی جسد
خود را در وقت غسل کردن پنهان کنی و چون اراده غسل کنی بگو اللّهمّ ایمانا
بك و تصدیقا بکتابك و اتباع سنة نبیك محمد صلی الله علیه و آله پس
بسم الله بگو و غسل کن و چون فارغ شوی بگو اللّهمّ اجعله کفارة لذنوبی
وطهر دینی اللّهمّ اذهب عنی الدنس و نیز مستحبست در این روز بوی خوش
بکار بردن و پوشیدن پاکیزه ترین جامهای خود را و در این روز زیارت
امام حسین ع فضیلت بسیار دارد و واجبست در این روز زکوة فطره دادن
حق تعالی فرموده قد افلح من تزکی و ذکر اسم ربه فصلی یعنی بتحقیق که رستگار

شد کسی که زکوة داد و یاد کرد نام پروردگار خود را پس نماز گذارد از صادق ع
که مراد از زکوة در اینجا فطره است و نماز نماز عید و مشهور در میان علما
آنست که باید که فطره یکی از این پنج چیز باشد گندم و جو و خرما و مویز و کشك
و افضل از همه خرما است و عباسی و شاهی و اشرفی نیز مجزیست و علما قوت
غالب را مجزی میدانند از صادق ع که فرمود صاعی از خرما که در فطره دهم دوستر
میدارم از آنکه صاعی از طلا دهم و صاع تقریبا نیم من و پنجاه درم شاهی میشود
و بعضی سه چهار یك شاهی گفته اند و بعضی یکمن و سی و پنج درم شاهی
تقریبا گفته اند و این احوط را اولیست اگرچه قول اول اقوی است و مشهور
انیست که ابتدا وقت وجوب فطره غروب افتاب روز آخر ماه رمضان است
و بعضی طلوع فجر روز عید گفته اند و انتها وقت آن نماز عید است و بعضی
ظهر و بعضی آخر روز عید گفته اند و اگر پیش از نماز عید فطره را از مال خود جدا
نموده باشند مجزیست اگرچه در رسانیدن بمستحق تاخیر واقع شود و باید که
بمستحق فطره کمتر از صاعی ندهند بلکه یکفطره تمام اقلا و بدهند و انشاء الله
تعالی چون فی الجمله مجملی بتقریب از زکات فطره ذکر نمودیم چون محتاج
بتفصیلست در باب زکوة بتفصیل ذکر خواهیم نمود عمّا قریب شیخ طوسی و ابن
طاوس و کفعمی بسند معتبر روایت نموده اند و گفته اند که تا بیان حضرت صاحب الامر

روایت نموده اند وگفته اند که در روز فطر بعد از نماز فجر این دعا بخوانید
اللهم انی توجهت الیک بمحمد امامی و علی من خلفی و عن یمینی و
ائمتی عن یساری استتر بهم من عذابک واتقرب الیک زلفی لا
اجد احدا اقرب الیک منهم فهم ائمتی فامن بهم خوفی من عقابک
وسخطک وادخلنی برحمتک فی عبادک الصالحین اصبحت بالله مؤمنا
مخلصا علی دین محمد وسنته وعلی دین الاوصیاء وسنتهم امنت بسرهم
وعلانیتهم وارغب الی الله فیما رغب فیه الیه محمد و علی والاوصیاء
ولا حول ولا قوة الا بالله ولا عزة ولا منعة ولا سلطان الا لله الواحد
القهار العزیز الجبار توکلت علی الله ومن یتوکل علی الله فهو حسبه
ان الله بالغ امره اللهم انی اریدک فاردنی واطلب ما عندک فیسره
لی واقض لی حوائجی فانک قلت فی کتابک وقولک الحق شهر رمضان الذی
انزل فیه القرآن هدی للناس وبینات من الهدی والفرقان فعظمت
حرمة شهر رمضان بما انزلت فیه من القرآن وخصصته وعظمته
بتصییرک فیه لیلة القدر فقلت لیلة القدر خیر من الف شهر
تنزل الملائکة والروح باذن ربهم من کل امر سلام هی حتی مطلع الفجر
اللهم وهذه ایام شهر رمضان قد انقضت ولیالیه قد تصرمت و

وقد صرت

وقد صرت منه یا الهی الی ما انت اعلم به منی واحصی لعدده من
عددی فاسالک یا الهی بما سالک به عبادک الصالحون ان تصلی
علی محمد وآل محمد وان تقبل منی ما تقربت به الیک وتتفضل علی بتضعیف
عملی وقبول تقربی وقربانی واستجابة دعائی وهب لی منک عتق
رقبتی من النار ومن علی بالفوز بالجنة والامن یوم الخوف من کل
فزع ومن کل هول اعددته لیوم القیامة اعوذ بحرمة وجهک الکریم
وحرمة نبیک وحرمة الصالحین ان ینصرم هذا الیوم ولک قبلی تبعة
تریدان تواخذنی بها او ذنب تریدان تقایسنی به وتشقینی و تفضحنی
به او خطیئة تریدان تقایسنی بها وتقتصها منی لم تغفرها لی و
اسالک بحرمة وجهک الکریم الفعال لما ترید الذی یقول للشیء کن
فیکون لا اله الا هو اللهم انی اسالک بلا اله الا انت ان کنت رضیت
عنی فی هذا الشهر ان تزید فیما بقی من عمری رضا فان کنت لم ترض
عنی فی هذا الشهر فمن الان فارض عنی الساعة الساعة واجعلنی فی هذه
الساعة وفی هذا المجلس من عتقائک من النار وطلقائک من جهنم وسعداء
خلقک بمغفرتک ورحمتک یا ارحم الراحمین اللهم انی اسالک بحرمة وجهک
الکریم ان تجعل شهری هذا خیر شهر رمضان عبدتک فیه وصمته

لعدده

واهل بیت محمد

لك وتقربت به اليك منذ اسكنتني فيه اعظمه اجرا واتمه نعمة واعمه
عافية واوسعه رزقا وافضله عتقا من النار واوجبه رحمة واعظمه
مغفرة واكمله رضوانا واقربه الى ما تحب وحتى تخرجني من الدنيا سالما
وانت عني راض وانا لك مرضي اللهم اجعل فيما تقضي وتقدر من الامر
المحتوم الذي لا يرد ولا يبدل ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام في
هذا العام وفي كل عام المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم ٨
المتقبل منهم مناسكهم المعافين على اسفارهم المقبلين على نسكهم المحفوظين
في انفسهم وذراريهم وكل ما انعمت به عليهم اللهم اقلبني من مجلسي هذا
في شهري هذا في يومي هذا في ساعتي هذه مفلحا منجحا مستجابا لي مغفورا
ذنبي معافا من النار ومعتقا منها عتقا لا رق بعده ابدا ولا رهبة
يا رب الارباب اللهم اني اسئلك ان تجعل فيما شئت واردت وقضيت
وقدرت وحتمت وانفذت ان تطيل عمري وان تنسئ في اجلي وان تقوي
ضعفي وان تغني فقري وان تجبر فاقتي وان ترحم مسكنتي وان تعز
ذلي وان ترفع ضعتي وان تغني عائلتي وان تونس وحشتي وان
تكثر قلتي وان تدر رزقي في عافية ويسر وخفض وان تكفيني ما
اهمني من امر دنياي واخرتي ولا تكلني الى نفسي فاعجز عنها ولا الى

الناس فيرفضوني وان تعافيني في ديني وبدني وجسدي وروحي
وولدي واهلي واهل مودتي واخواني وجيراني من المؤمنين و
المؤمنات والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم والاموات وان تمن
علي بالامن والايمان ما ابقيتني فانك وليي ومولاي وثقتي
ورجائي ومعدن مسئلتي وموضع شكواي ومنتهى رغبتي فلا تخيبني
في رجائي يا سيدي ومولاي ولا تبطل طمعي ورجائي فقد توجهت
اليك بمحمد وال محمد وقدمتهم اليك امامي وامام حاجتي وطلبتي و
تضرعي ومسئلتي فاجعلني بهم وجيها في الدنيا والاخرة ومن المقربين
مننت علي بمعرفتهم فاختم لي بهم السعادة انك على كل شيء قدير
مننت علي بهم فاختم لي بالسعادة والسلامة والامن والايمان
والمغفرة والرضوان والسعادة والحفظ يا الله انت لكل حاجة
لنا فصل على محمد واله وعافنا ولا تسلط علينا احدا من خلقك
لا طاقة لنا به واكفنا كل امر من امر الدنيا والاخرة يا ذا الجلال و
الاكرام صل على محمد وال محمد وترحم على محمد وال محمد وسلم على محمد
وال محمد كافضل ما صليت وباركت وترحمت وتحننت على ابرهيم
وال ابرهيم انك حميد مجيد وبدانكه در اين روز مستحب است افطار دا

مقدم بر نماز عید دارند و در عید قربان بعد از نماز و قربانی و افطار را
بقربانی نمایند و از صادق ع که فرمود در روز فطر طعام تناول کن و (پیش از رفتن بمصلی)
در حدیث دیگر فرمود باید که در روز فطر طعام تناول کنی پیش از نماز
و در عید اضحی تناول مکن تا امام از نماز فارغ شود و در حدیث دیگر
راوی بخدمت ابو الحسن ع عرض نمود که در روز فطر تربت قبر حسین ع
و خرما افطار نمودم فرمود جمع نموده برکت و سنتی را یعنی تربت آن حضرت
برکت و با خرما افطار است و از عمدهٔ عمل این روز نماز عید است ابن
طاوس از امام محمد باقر ع که فرموده چون از روز فطر و اضحی و جمعه مهیا
شده باشی برای رفتن بنماز پس بخوان این دعا را اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ فِي هٰذَا
الْيَوْمِ اَوْ تَعَبَّأَ اَوْ اَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِوِفَادَةٍ اِلٰى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَنَوَافِلِهِ
وَفَوَاضِلِهِ وَعَطَايَاهُ فَاِنَّ اِلَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهْيِئَتِي وَتَعْبِئَتِي وَاِعْدَادِي
وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ وَجَوَائِزِكَ وَنَوَافِلِكَ وَفَوَاضِلِكَ وَفَضَائِلِكَ
وَعَطَايَاكَ وَقَدْ غَدَوْتُ اِلٰى عِيدٍ مِنْ اَعْيَادِ اُمَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ
عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَمْ اَفِدْ اِلَيْكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ اَثِقُ بِهِ قَدَّمْتُهُ وَلَا تَوَجَّهْتُ
بِمَخْلُوقٍ اَمَّلْتُهُ خَاضِعًا مُقِرًّا بِذُنُوبِي وَاِسَاءَتِي اِلٰى نَفْسِي فَيَا عَظِيمُ يَا
عَظِيمُ يَا عَظِيمُ اغْفِرْ لِيَ الْعَظِيمَ مِنْ ذُنُوبِي فَاِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ

اِلَّا اَنْتَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و نماز عید واجبست با وجود (تحقیق)
شرایط و با نبودن شرایط سنت کردن بجماعت یا فرادی و ظاهر فقیه و ابن
عقیل قول بمشروع نبودن فرادا است و این قول ضعیف است و وقت نماز
عید از طلوع آفتاب است تا زوال و در روز فطر افطار و فطره را مقدم
بر نماز سنت و همچنین پا برهنه بصحرا رفتن بجهت نماز و اما کسی که در مکه
باشد سنت این نماز را در مسجد الحرام گذارد و همچنین در نماز عید سنت
بر جا نماز و بوریا نایستد بلکه بر زمین ایستد و همچنین بر زمین سجده نماید و
کیفیت این نماز چنانچه از روایات صحیحه ظاهر میشود بر این وجه است میخوانی
بعد از حمد سوره و افضل سوره والشمس است پس تکبیر و قنوتی که مذکور میشود
میخوانی و تکبیر میگوئی و باز آن قنوت را میخوانی تا پنج قنوت خوانده شود پس
تکبیر میگوئی و رکوع و سجود میکنی و چون از سجده دویم فارغ شدی بر میخیزی
بی آنکه تکبیر گوئی برکعت دویم و میخوانی بعد از حمد سوره و افضل سوره هل اتی
است پس تکبیر میگوئی و رکوع و سجود میکنی و تشهد و سلام میدهی و جمعی
گفته اند افضل در رکعت اول سوره سبح اسم است و در دویم والشمس و
بعضی در اول سوره اعلی و در دویم غاشیه گفته اند و قول اول اعلی و
اولی است و روایت صحیح دال بر آنست و قنوت نماز عید اینست

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اَهْلَ الْكِبْرِيَاۤءِ وَالْعَظَمَةِ وَاَهْلَ الْجُوْدِ وَالْجَبَرُوْتِ وَاَهْلَ
الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَاَهْلَ التَّقْوٰى وَالْمَغْفِرَةِ اَسْاَلُكَ بِحَقِّ هٰذَا الْيَوْمِ الَّذِىْ
جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِيْنَ عِيْدًا وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَرَفًا وَذُخْرًا وَكَرَامَةً وَمَزِيْدًا
اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُدْخِلَنَا فِىْ كُلِّ خَيْرٍ اَدْخَلْتَ فِيْهِ مُحَمَّدًا
وَآلَ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُخْرِجَنَا مِنْ كُلِّ سُوْءٍ اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوٰاتُكَ
عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ اِنَّا نَسْاَلُكَ خَيْرَ مَا سَئَلَكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُوْنَ
وَنَعُوْذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلَصُوْنَ وظاهر کلام ابو الصلاح
وجوب خواندن این دعاست واین قول ضعیف است واکر کسی این دعا را با دعاها دیکر که داند بخواند و سزاوار است بعد از نماز خواندن دعای صحیفه
کامله که بعد از نماز عید آنحضرت میخوانده **بدانکه** در صوم شش روز در
بعضی احادیث وارد شده که هر که روزه دارد ماه رمضان را واز عقب آن
شش روز از ماه شوال را چنان باشد که تمام دهر را روزه داشته باشد
واز احادیث ظاهر میشود بنا برین فرقی نباشد که این شش روز را متوالی
روزه دارد یا متفرق وبعد از عید بلا فاصله ولهذا جمعی از علما کفته اند
که بهر یک ازین وجوه که واقع شود مستحب بعمل آمده وبعضی از احادیث چنان
ظاهر میشود که مکروه است روزه داشتن سه روز بعد از عید بسند معتبر

صحیح حضرت صادق ع فرمود که روزه مدار یا فرمود که نیست روزه بعد از
عید اضحی تا سه روز وبعد از عید فطر تا سه روز وبعد سنی که این روزها
روز خوردن واشامیدن است ودر روز پانزدهم این ماه بقول بعضی امام
جعفر صادق ع از دنیا رحلت فرمود ودر روز نهمدهم حضرت امیر ع در جنک
احد حمایت پیغمبر ص و حمایت اسلام نموده وجلالت ومنزلت خود را برخلایق
ظاهر کردانید ونیز درین روز حق تعالی افتاب را برای آنحضرت برکردانید ودر بعضی
روایات وارد شده که بعد از انکه افتاب برکشت وحضرت امیر ع نماز کرد پیری در آنجا
ظاهر شد وبا آنحضرت سخن بسیار کفت پرسیدند که این کیست فرمود که برادرم
یوشع وصی موسی ع است **فصل دویم** در اعمال ماه ذی قعده بدانکه این ماه از
ماههای حرامست وپیوسته این ماه را در اسلام وجاهلیت حرمت میداشته اند
ودر روز پانزدهم اینماه بر قول بعضی امام محمد تقی ع از دنیا رحلت فرمود و
درین روز موافق مشهور علی بن موسی الرضا ع متولد شد ابن طاوس فرموده
که در بعضی تصانیف اصحاب خود یافتم که مستحب است زیارت امام رضا ع
در روز بیست وسیم اینماه از دور یا نزدیک از زیارات منقوله وغیر منقوله و در
بیست وپنجم اینماه موافق بعضی حضرت ابرهیم وعیسی علیهما السلم متولد شده اند
ودر روز بیست وپنجم حق تعالی زمین را از زیر کعبه پهن کرده ولهذا انرا

اعمال دحو الارض

دحو الارض می نامند و روزه این روز مستحب است و فضیلت بسیار
دارد و از حضرت امیر علیه السلام که اول رحمتی از آسمان بزمین در روز
بیست و پنجم نازل شد پس هر که این روز را روزه دارد و شبش را
بعبادت بسر آورد او را ثواب عبادت صد سال باشد که روزش روزه
دارد و شبش عبادت کرده باشد و اگر در این جماعتی جمع شوند برای
ذکر خدا از یکدیگر جدا نشوند و متفرق نگردند حق تعالی البته سؤلهای
ایشان عطا فرماید و هر که در این روز بذکر خدا مشغول باشد و شبش را
بعبادت بسر آورده باشد خدا و ندعالمیان هزار هزار رحمت برو نازل
گرداند و شیخ طوسی و کفعمی گفته اند مستحب است درین روز خواندن این
دعا و دعا اینست اَللّٰهُمَّ داحِیَ الْکَعْبَةِ وَفالِقَ الْحَبَّةِ وَصارِفَ اللَّزْبَةِ وَ
کاشِفَ کُلِّ کُرْبَةٍ اَسْئَلُکَ فی هٰذَا الْیَوْمِ مِنْ اَیّامِکَ الَّتی اَعْظَمْتَ حَقَّها
وَاَقْدَمْتَ سَبْقَها وَجَعَلْتَها عِنْدَ الْمُؤْمِنینَ وَدیعَةً وَاِلَیْکَ ذَریعَةً
وَبِرَحْمَتِکَ الْواسِعَةِ اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ الْمُنْتَجَبِ
فِی الْمیثاقِ الْقَریبِ یَوْمَ التَّلاقِ فاتِقِ کُلِّ رَتْقٍ وَداعٍ اِلیٰ کُلِّ حَقٍّ وَعَلیٰ اَهْلِ بَیْتِهِ
الْاَطْهارِ الْهُداةِ الْمَنارِ دَعائِمِ الْجَبّارِ وَوُلاةِ الْجَنَّةِ وَالنّارِ وَاَعْطِنا
فی یَوْمِنا هٰذا مِنْ عَطائِکَ الْمَخْزُونِ مِنْ حَظٍّ وَوُلاةِ الْجَنَّةِ غَیْرَ مَقْطُوعٍ

وَلا مَمْنُوعٍ تَجْمَعُ لَنا التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْاَوْبَةِ یا خَیْرَ مَدْعُوٍّ وَاَکْرَمَ مَرْجُوٍّ یا کَفِیُّ
یا وَفِیُّ یا مَنْ لُطْفُهُ خَفِیٌّ اُلْطُفْ لی بِلُطْفِکَ وَاَسْعِدْنی بِعَفْوِکَ وَاَیِّدْنی
بِنَصْرِکَ وَلا تُنْسِنی کَریمَ ذِکْرِکَ بِوُلاةِ اَمْرِکَ وَحَفَظَةِ سِرِّکَ وَاحْفَظْنی
مِنْ شَوائِبِ الدَّهْرِ اِلیٰ یَوْمِ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ وَاَشْهِدْنی اَوْلِیاءَکَ عِنْدَ خُرُوجِ
نَفْسی وَحُلُولِ رَمْسی وَانْقِطاعِ عَمَلی وَانْقِضاءِ اَجَلی اَللّٰهُمَّ وَاذْکُرْنی عَلیٰ
طُولِ الْبِلیٰ اِذا حَلَلْتُ بَیْنَ اَطْباقِ الثَّریٰ وَنَسِیَنِی النّاسُونَ مِنَ الْوَریٰ
وَاَحْلِلْنی دارَ الْمُقامَةِ وَبَوِّئْنی مَنْزِلَ الْکَرامَةِ وَاجْعَلْنی مِنْ مُرافِقی اَوْلِیائِکَ
وَاَهْلِ اجْتِبائِکَ وَاَصْفِیائِکَ وَبارِکْ لی فی لِقائِکَ وَارْزُقْنی حُسْنَ الْعَمَلِ
قَبْلَ حُلُولِ الْاَجَلِ بَریئاً مِنَ الزَّلَلِ وَسُوءِ الْخَطَلِ اَللّٰهُمَّ وَاَوْرِدْنی حَوْضَ
نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَاسْقِنی مِنْهُ مَشْرَباً رَوِیّاً سائِغاً هَنیئاً
لا اَظْمَاُ بَعْدَهُ وَلا اُحَلَّاُ وِرْدَهُ وَلا عَنْهُ اُذادُ وَاجْعَلْهُ لی خَیْرَ زادٍ وَاَوْفیٰ
میعادٍ یَوْمَ یَقُومُ الْاَشْهادُ اَللّٰهُمَّ وَالْعَنْ جَبابِرَةَ الْاَوَّلینَ وَالْآخِرینَ وَ
بِحُقُوقِ اَوْلِیائِکَ الْمُسْتَأْثِرینَ اَللّٰهُمَّ وَاقْصِمْ دَعائِمَهُمْ وَاَهْلِکْ اَشْیاعَهُمْ
وَعامِلَهُمْ وَعَجِّلْ مَهالِکَهُمْ وَاسْلُبْهُمْ مَمالِکَهُمْ وَضَیِّقْ عَلَیْهِمْ مَسالِکَهُمْ وَالْعَنْ
مُساهِمَهُمْ وَمُشارِکَهُمْ اَللّٰهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ اَوْلِیائِکَ وَارْدُدْ عَلَیْهِمْ مَظالِمَهُمْ وَ
اَظْهِرْ بِالْحَقِّ قائِمَهُمْ وَاجْعَلْهُ لِدینِکَ مُنْتَصِراً وَبِاَمْرِکَ فی اَعْدائِکَ مُؤْتَمِراً
اَللّٰهُمَّ احْفُفْهُ بِمَلائِکَةِ النَّصْرِ بِما اَلْقَیْتَ اِلَیْهِ مِنَ الْاَمْرِ فی لَیْلَةِ الْقَدْرِ مُنْتَقِماً

كلك حتى ترضى وتعود دينك به وعلى يديه جديدا غضا وتمحض الحق
محضا وترفض الباطل رفضا اللهم صل عليه وعلى جميع آبائه واجعلنا
من صحبه واسرته وابعثنا في كرته حتى نكون في زمانه من اعوانه اللهم
ادرك بنا قيامه واشهدنا ايامه وصل عليه وعليه السلام واردد الينا
سلامه والسلام عليهم ورحمة الله وبركاته وصلى الله عليه وعليه السلام
ودر روز آخر اینماه بقول بعضی وفات امام محمد تقی ع بوده **فصل سیم** در اعمال
ماه ذی حجة الحرام اینماه نیز از ماههای حرام است وآخر اشهر حج است ودر اینماه
حج بیت الله بانجام میرسد پیغمبر ص فرمود که عمل صالح در روزی از روزهای
نیست محبوبتر نزد حق تعالی از عمل صالح در روزهای دهه ذی الحجه پس
عرض کردند یا رسول الله آیا جهاد در راه خدا نیز فضیلت از آن ندارد فرمود
بلی مگر جهادی که مال وجان هر دو را در آن بذل کنند صادق ع فرمود
مراد از ایام معلومات که حق تعالی فرموده واذكروا الله في ايام معلومات
یعنی یاد کنید خدا را در روزهای چند معلوم روزهای دهه ذی الحجه است
از صادق ع که هر که روزه دارد روز اول ماه ذی حجه را حق تعالی
بنویسد برای او ثواب روزه دهر را ابن طاوس از امام جعفر صادق ع
روایت نموده که فرمود پدرم امام محمد باقر فرمودی فرزند ترک مکن در
هر شب از دهه اینماه در میان نماز مغرب وعشا دو رکعت نمازی را که بجا آوری در هر رکعت

این فصل مشتمل بر [illegible] فصلست

بعد از حمد

بعد از حمد سوره قل هو الله را وآیه وواعدنا موسى ثلثين ليلة واتممناها بعشر
فتم ميقات ربه اربعين ليلة واتممناها وقال موسى لاخيه هرون اخلفني
في قومي واصلح ولا تتبع سبيل المفسدين بر او بسی که چون این عمل را بجا
آوری شریک می باشی با حاجیان در ثواب ایشان شیخ طوسی وابن طاوس
وکفعمی بسند معتبر از امام جعفر صادق ع روایت کرده که آنحضرت از روز
اول ماه ذیحجه تا پسین روز عرفه هر روز بعد از نماز صبح وپیش از نماز
مغرب این دعا میخواندند اللهم هذه الايام التي فضلتها على غيرها من
الايام وشرفتها وقد بلغتنيها بمنك ورحمتك فانزل علينا من بركاتك و
اسبغ علينا فيها من نعمائك اللهم اني اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد
فيها وان تهدينا فيها سبيل الهدى وترزقنا فيها التقوى والعفاف
والغنى والعمل فيها بما تحب وترضى اللهم اني اسئلك يا موضع كل شكوى
ويا سامع كل نجوى ويا شاهد كل ملاء ويا عالم كل خفية ان تصلي على محمد
وآل محمد وان تكشف عنا فيها البلاء وتستجيب لنا فيها الدعاء وان
تقوينا فيها وتعيننا وتوفقنا فيها لما تحب ربنا وترضى وعلى ما افترضت
علينا من طاعتك وطاعة رسولك واهل ولايتك اللهم اني اسئلك
يا ارحم الراحمين ان تصلي على محمد وآل محمد وان تهب لنا فيها الرضا

إنّک سمیع الدعاء ولا تحرمنا خیر ما تنزل فیها من السماء وطهرنا من الذنوب
یا علّام الغیوب وأوجب لنا فیها دار الخلود اللهم صلّ علی محمد وآل محمد
ولا تترک لنا فیها ذنباً إلا غفرته ولا همّاً إلا فرّجته ولا دَیناً إلا قضیته
ولا غائباً إلا أدّیته ولا حاجة من حوائج الدنیا والآخرة إلا سهّلتها و
یسّرتها إنک علی کل شیء قدیر اللهم یا عالم الخفیات یا راحم العبرات
یا مجیب الدعوات یا رب الأرضین والسموات یا من لا تتشابه علیه الأصوات
صلّ علی محمد وآل محمد واجعلنا فیها من عتقائک وطلقائک من النار و
الفائزین بجنتک یا أرحم الراحمین وصلی الله علی محمد وآله أجمعین وسلّم تسلیماً

فصل اول در ادعیه دهه اول ذی الحجه شیخ صدوق از حضرت امیر روایت نموده
که هر که در هر روز از دهه اول ماه ذی الحجه این تهلیله را که مذکور
میشود ده نوبت بخواند حق تعالی کرامت فرماید او را بهر تهلیلی
درجه در بهشت از در و یاقوت که میان هر دو درجه از آن درجات
صد ساله راه باشد که سوار تندی در آن بتازد و در هر درجه شهری
باشد و در هر شهری قصری از ملک و در هر شهری از این شهرها
سراها و غرفها و خانها و فرشها و تختها و حورعین و بالشها و خوانهای
آراسته و خادمان و جویها و درختها و حلی و حلل افزون که وصف

نتوان نمود و چون از قبر بیرون آید نور و نوری از هر موی او درخشان و هفتاد
هزار ملک از پس و عقب و راست و چپ او راه روند تا بیاید بدر بهشت
و چون داخل شود این ملائکه در عقب او باشند و او در پیش پیش
تا برسد بشهری که بیرون آن از یاقوت سرخ و اندرون آن از زبرجد سبز
باشد و در آن شهر اصناف چیزها باشد که حق تعالی در بهشت آفریده
و چون داخل آن شهر شود گویند با وی که انچه در دست خدا آیا میدانی
در این شهر و انچه در آن آماده کرده اند برای کیست گوید نه پس از آن
ملائکه پرسند که شما چکسانید گویند که ما ملکی چندیم که حاضر بودیم
در دنیا در روزی که تو تهلیل خدا میکردی و بدانکه این شهرها و انچه
در آنست ثواب تست و ثبادت بالاتر از این باده از این ثواب خدا تا برسی
انچه خدا مهیا نموده برای تو در جوار خود در دار السلام از عطیها
که هرگز آخر شدن ندارد و تهلیله این است لا اله الا الله عدد اللیالی
والدهور لا اله الا الله عدد امواج البحور لا اله الا الله ورحمته خیر
مما یجمعون لا اله الا الله عدد الشوک والشجر لا اله الا الله عدد
الشعر والوبر لا اله الا الله عدد الحجر والمدر لا اله الا الله عدد
لمح العیون لا اله الا الله عدد فی اللیل اذا عسعس والصبح اذا تنفس

تهلیل دهه ذی الحجه

لا اله الا الله عدد الریاح فی البراری والصخور لا اله الا الله من الیوم
الی یوم ینفخ فی الصور شیخ مفید از امام محمد باقر ع روایت کرده که فرمود
حق تعالی برای عیسی ع ورد این دهه پنج کلمه فرستاد و با و خطاب فرمود
که بخوان این کلمات را در این روزها که هیچ عبادتی نزد حق تعالی محبوبتر
نیست از عبادتی که در این ده کلمه روز واقع شود اول اینست
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و
یمیت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر کلمه دویم اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له احدا صمدا لم یتخذ صاحبة ولا ولدا کلمه سیم
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له احدا صمدا لم یلد ولم یولد
ولم یکن له کفوا احد کلمه چهارم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا
شریک له له الملک وله الحمد یحیی و یمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر
وهو علی کل شیء قدیر کلمه پنجم حسبی الله وکفی سمع الله لمن دعا
لیس وراء الله منتهی اشهد لله بما دعا وانه بریء ممن تبرء وان لله
الآخرة والاولی پس آنحضرت فرمود که پرسیدند حواریین از عیسی ع که چه
ثواب است برای کسی که این کلمات را بخواند فرمود که مرا خبر داد جبرئیل که
کسی که کلمه اول را صد نوبت بخواند از اهل زمین در آن روز عمل نیکوتر از عمل نکرده

باشد ودر روز قیامت حسنات او زیاده از دیگران باشد وکسی که کلمه دویم را
صد نوبت بگوید چنان باشد که دوازده نوبت توریة وانجیل را خوانده باشد
وکسی که کلمه سیم را صد نوبت بگوید حق تعالی برای او ده هزار حسنه بنویسد
وده هزار سیئه محو کند وده هزار درجه بلند کرداند وهفتاد هزار ملک را
از آسمان فرود آیند ودستها برداشته صلوات بر او بفرستند وکسی که کلمه
چهارم را صد نوبت بگوید بیاید بسوی او ملکی و او را بلند کرداند تا در برابر
خداوند عالمیان حاضر کرداند پس حق تعالی بجانب او نظر کند وکسی را
که خداوند عالمیان بجانب او نظر کند هرگز شقی وبدبخت نشود پس فرمود
که پرسیدم که چه ثواب است برای کسی که کلمه پنجم را بگوید فرمود که آن کلمه
دعای منست وحق تعالی مرا اذن نداده که ثواب آنرا برای تو بیان نمایم فصل دویم
در اعمال متعلقه ببعضی لیالی وایام این ماه روز اول از امام رضا ع که روز اول
ایام روز ولادت ابرهیم خلیل الله است پس هر که روزه دارد این روز را
بنویسد حق تعالی برای او ثواب روزه شصت ماه ودر حدیث دیگر کفاره
کناهان شصت ساله او باشد ودر این روز حضرت رسول صلعم حضرت امیر ع را
فرستاد که سوره برائة را از ابوبکر بگیرد وببرد در مواقف عرفات ومشعر
ومنبر وسایر مواطن بر مشرکان بخواند اگرچه بر هر عاقلی ظاهر است که حکمت

منصب کردن ابوبکر برای تبلیغ سورهٔ براءة و عزل کردن و بحضرت علی ع
فرمودن آن بود که بر مردمان ظاهر شود که ابوبکر قابل تبلیغ رسالت
چند آیه نداشته باشد چگونه قابل ریاست عامّهٔ دین و دنیای جمیع امّت
خواهد بود و اینمعنی که گفتیم در احادیث صحیحه بسیار مذکور است شیخ
طوسی نقل نموده که در این روز تزویج فاطمه زهرا علیها السلم را بعلی بن
ابی طالب علیه السّلم فرمودند و در روایتی ششم اینماه و در این روز سنّت است
کنار دو رکعت نماز فاطمه ع ابن طاوس گفته روایتی یافتم در بعضی از کتب علما
که هر که ترسد از ظالمی بگوید در این روز حَسْبِی حَسْبِی مِنْ سُؤالِی عِلْمُكَ
بِحالِی کفایت کند الله تعالی شر آن ظالم را از او **روز هفتم** در این روز امام
محمد باقر ع از دنیا رحلت کرده **روز هشتم** این روز را ترویه می نامند زیرا
که ترویه بمعنی آب برداشتن است و پیش از این در عرفات آب نبوده و
روز هشتم آب بر می داشتند برای رفتن بعرفات و در این روز غسل
سنّت و روزه این روز ثواب عظیم دارد از صادق ع که روزه روز ترویه
کفاره گناهان یکساله است و روزه روز عرفه کفاره گناهان دو
ساله و در حدیث دیگر از آنحضرت که روزه روز ترویه کفاره گناهان شصت
ساله است **شب نهم** از پیغمبر ص که هر که حق تعالی اجابت میکند در شب عرفه

برای بندگان خود هر دعائی خیر را و عطا میکند هر که در این شب بطاعت عبادت
او مشغول باشد ثواب عبادت هفتاد سال پس فرمود که این شب شب
راز و مناجات و حضرت خداوند عالمیان در این شب قبول میفرماید توبهٔ هر
توبه کننده را امام محمد باقر ع فرمود که هر که زیارت کند امام حسین ع را
در شب عرفه در زمین کربلا و بماند آنجا تا زیارت روز عید بکند و برگردد
نگاه دارد خدا او را از شر امسال و بعضی گفته اند که در این شب حضرت
پیغمبر ص بمعراج رفتند **روز نهم** این روزیست بسیار عظیم و بزرگ
و روز آمرزش گناهان و روز برآمدن حاجتهای بزرگست فقیه نقل
نموده که در نهم ماه ذی الحجه توبه آدم مقبول شد پس هر که این روز را روزه
روزهٔ او کفارهٔ گناهان نود سالهٔ او باشد و در بعضی روایات منع
منع از روزه روز عرفه نیز واقع شده و از بعضی اخبار ظاهر میشود
که چون این روز روز دعا و مسئلت است پس اگر کسی را بسبب روزه
ضعفی عارض شود که مانع شود او را از زیادتی دعا یا آنکه در هلال
ذی الحجه اشتباهی باشد و روز عرفه احتمال روز عید داشته باشد پس
در این دو صورت افطار افضلست و سنّت در این روز غسل کرده
ابن طاوس از حضرت امام جعفر ع روایت کرده که هر که در روز عرفه دو رکعت

نماز بگذارد پیش از آنکه بیرون رفته باشد بدعا در این روز و در هنگام
ماندن در زیر آسمان باشد و در زیر بنائی و سقفی نباشد و اعتراف نماید
بگناهان خود تا حق تعالی نمایان شود بآنچه مایوس شده باشند یا نکرده
که در این روز در موقف عرفات وقوف کرده اند و خداوند عالمیان
گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و شیخ مفید نقل نموده که نماز
روز عرفه در غیر عرفات برای جماعتی که در آفاق و نواحی می‌باشند
دو رکعت است بعد از نماز عصر و پیش از دعا و در این زیارت ابا عبدالله
الحسین ع فضیلت بسیار و ثواب بی‌شمار دارد و بسند معتبر از حضرت
امام جعفر صادق ع منقولست که هر که زیارت کند حسین ع را در روز
عرفه با شناختن حق او بنویسد حق تعالی برای او ثواب هزار حج و هزار
عمره و هزار جهاد که با پیغمبر مرسل کرده باشد و در حدیث معتبر دیگر فرمود
که هر که قبر حسین ع را در روز عرفه زیارت کند بنویسد خدا از برای
او ثواب هزار هزار حج که با قایم آل محمد کرده باشد و هزار عمره که با پیغمبر
کرده باشد و ثواب آزادی هزار هزار بنده و فرستادن هزار هزار کس بجهاد
در راه خدا و نام برد حق تعالی او را که بنده بسیار تصدیق کننده من ایمان
آورده بوعده من و ملائکه گویند که فلان مرد صدیق است حق تعالی

او را ثنا گفته است و در بالای عرش عظمت و جلالش و در زمین او را
کروبی گویند که لقب ملائکه مقربین است و بسند معتبر از صادق علیه
السلام مرویست که هر گاه روز عرفه میشود حق تعالی نظر میفرماید بسوی
زیارت کنندگان قبر آنحضرت پس میفرماید که برگردید که گناهان شما
آمرزیده شده است و از روزی که برمیگردند تا هفتاد روز گناه برایشان
نوشته نمیشود و بسند معتبر دیگر منقولست که بشیر دهان گفت عرض کردم
بآنحضرت که گاه هست که حج از من فوت میشود و روز عرفه را نزد قبر
آنحضرت امام حسین ع میگذرانم فرمود که نیک میکنی ای بشیر هر مؤمنی
که زیارت قبر حسین ع رود با شناسائی حق آنحضرت در غیر روز عیدی
نوشته شود برای او ثواب بیست حج و بیست عمره مقبول و بیست جهاد
با پیغمبر مرسل یا امام عادل و هر که زیارت کند در روز عرفه با معرفت
حق آنحضرت نوشته شود از برای او هزار حج و هزار عمره پسندیده مقبول
و هزار جهاد با پیغمبر مرسل یا امام عادل گفتم که چگونه حاصل میشود برای من
مثل ثواب موقف عرفات پس نظر فرمود آنحضرت بسوی من مانند
کسی که خشمناک باشد و فرمود که ای بشیر هر گاه مؤمنی برود بزیارت
قبر امام حسین ع در روز عرفه و غسل کند در فرات پس متوجه

شود بسوی قبر بنویسد الله تعالی بهر گامی برای او حجی که با همه مناسک بعمل آمده
باشد و چنین گمان دارم که فرمود و عمره و بسند معتبر از صادق عم که حق تعالی
رحمت خود را متوجه زایران قبر حسین علیه السلم میگرداند پیش از اهل عرفات
و حاجتهای ایشانرا بر می‌آورد و شفاعت ایشانرا قبول میکند در سؤالهای
ایشان پس بعد از آن متوجه اهل عرفات میشود و با ایشان نیز چنین میکند
و باسناد معتبر از آنحضرت که حق تعالی در شب روز عرفه اول نظر رحمت بسوی
زیارت کنندگان قبر حسین عم میکند پیش از آنکه نظر با اهل موقف عرفات
کند راوی پرسید که بچه سبب چنین میکند فرمود که در میان اینها که در
عرفات حاضر میشوند فرزندان زنا از ابرهیم بن هاشم که گفت عبد الله بن
جندب را در عرفات دیدم که هیچکس وقوف را از و بهتر بجا نیاورده بود
پیوسته دست باسمان بلند کرده بود و آب دیده بر دو طرف رویش جاری
بود تا نزدیک که بر زمین میریخت و چون مردم از وقوف فارغ شدند و برگشتند
باو گفتم که هرگز وقوفی بخوبی وقوف تو ندیده ام گفت والله که دعا نکردم مگر
از برای برادران مؤمن خود زیرا که از حضرت امام موسی عم شنیدم که
میفرمود که هر که برای برادر مؤمن خود دعا کند در غیبت او از عرش او را
ندا کنند که از برای تو باد صد هزار برابر آنچه از برای او دعا کردی و نخواستم که

صد هزار برابر محقق مضمون را ترک کنم برای یکی که ندانم که مستجاب میشود
یا نه شیخ طوسی نقل نموده که در روز عرفه ایستاده باشی برای دعا باید که
با سکینه و وقار باشی و حمد کنی خدا را و تهلیل بگوئی و بزرگی یاد کنی
و بگوئی صد نوبت الله اکبر و صد نوبت الحمد لله و صد نوبت سبحان الله
و بخوانی صد مرتبه توحید از صادق عم بهمین قسم نقل نموده اند و
در روایتی و بعد از صد نوبت سبحان الله این زیادتی نیز هست
که باز میگوئی صد نوبت لا اله الا الله و میخوانی صد مرتبه توحید را
و اگر زیاده از اینها خواهی پس صد نوبت سوره انا انزلناه نیز میخوانی
و باز سید فرموده که در وایتی دیگر از آنحضرت یافتم که در آن روایت
چنین بود که صد مرتبه تکبیر و صد نوبت تهلیل و صد مرتبه تسبیح
و صد مرتبه تقدیس میکنی حق تعالی را و میخوانی صد مرتبه آیة الکرسی
و صد مرتبه صلوات و ادعیهٔ ماثورهٔ این روز بسیار است و ابن طاوس
در اقبال ایراد کرده افضل و اکمل آن ادعیه دعای سید الساجدین عم است
که در صحیفه است و همچنین دعای سید الشهدا حسین بن علی عم است
که ما او را در اینجا ایراد می‌نمائیم و سید ابن طاوس و کفعمی و جمعی دیگر
از علما باسانید معتبر روایت نموده اند که امام حسین عم در روز عرفه

من دعائه عليه السلام الحمد لله الذي ليس لقضائه دافع ولا لعطائه مانع ولا
كصنعه صنع صانع وهو الجواد الواسع فطر اجناس البدائع واتقن بحكمته
الصنائع لا تخفى عليه الطلائع ولا تضيع عنده الودائع اتى بالكتاب
الجامع وبشرع الاسلام النور الساطع وهو للخليقة صانع وهو المستعان
على الفجائع جازي كل صانع ورائش كل قانع وراحم كل ضارع ومنزل
المنافع والكتاب الجامع بالنور الساطع وهو للدعوات سامع وللدرجات
دافع وللكربات دافع وللجبابرة قامع وراحم عبرة كل ضارع فلا اله غيره
ولا شيء يعدله وليس كمثله شيء وهو السميع البصير اللطيف الخبير وهو على
كل شيء قدير اللهم اني ارغب اليك واشهد بالربوبية لك مقرا بانك
ربي وان اليك مردي ابتدأتني بنعمتك قبل ان اكون شيئا مذكورا و
خلقتني من التراب ثم اسكنتني الاصلاب امنا لريب المنون واختلاف
الدهور فلم ازل ظاعنا من صلب الى رحم في تقادم الايام الماضية و
القرون الخالية لم تخرجني لرأفتك بي ولطفك بي واحسانك الي في
دولة ائمة الكفرة الذين نقضوا عهدك وكذبوا رسلك لكنك اخرجتني
رأفة منك وتحننا علي للذي سبق لي من الهدى الذي يسرتني وفيه
انشأتني ومن قبل ذلك رؤفت بي بجميل صنعك وسوابغ نعمتك فابتدعت

وبالطيعين نافع

امناء

خلقي

خلقي من مني يمنى ثم اسكنتني في ظلمات ثلث بين لحم وجلد ودم لم تشهرني
بخلقي ولم تجعل الي شيئا من امري ثم اخرجتني الى الدنيا تاما سويا وحفظتني
في المهد طفلا صبيا ورزقتني من الغذاء لبنا طريا وعطفت علي قلوب الحواضن
وكفلتني الامهات الرحائم وكلأتني من طوارق الجان وسلمتني من الزيادة
والنقصان فتعاليت يا رحيم يا رحمن حتى اذا استهللت ناطقا بالكلام اتممت
علي سوابغ الانعام وربيتني زائدا في كل عام حتى اذا اكملت فطرتي واعتدلت
سريرتي اوجبت علي حجتك بان الهمتني معرفتك وروعتني بعجائب
فطرتك وانطقتني لما ذرأت في سمائك وارضك من بدائع خلقك ونبهتني
لذكرك وشكرك وواجب طاعتك وعبادتك وفهمتني ما جاءت به رسلك
ويسرت لي تقبل مرضاتك ومننت علي في جميع ذلك بعونك ولطفك ثم
اذ خلقتني من حر الثرى لم ترض لي يا الهي بنعمة دون اخرى ورزقتني من انواع
المعاش وصنوف الرياش بمنك العظيم علي واحسانك القديم الي حتى اذا اتممت
علي جميع النعم وصرفت عني كل النقم لم يمنعك جهلي وجرأتي عليك ان دللتني
على ما يقربني اليك ووفقتني لما يزلفني لديك فان دعوتك اجبتني و
ان سألتك اعطيتني وان اطعتك شكرتني وان شكرتك زدتني كل ذلك
اكمالا لانعمك علي واحسانا الي فسبحانك سبحانك من مبدئ معيد حميد

تشبهني نشوهني

تزكيا

ورضاك

مجيد وتقدست اسماؤك وعظمت آلاؤك فاي انعمك يا الهي احصي عددا
او ذكرا ام اي عطاياك اقوم بها شكرا وهي يا رب اكثر من ان يحصيها
العادون او يبلغ علما بها الحافظون ثم ما صرفت ودرأت عني اللهم
من الضر والضراء اكثر مما ظهر لي من العافية والسراء وانا اشهدك
يا الهي بحقيقة ايماني وعقد عزمات يقيني وخالص صريح توحيدي
وباطن مكنون ضميري وعلائق مجاري نور بصري واسارير صفحة جبيني
وخرق مسارب نفسي وخذاريف مارن عرنيني ومسارب صماخ سمعي
وما ضمت واطبقت عليه شفتاي وحركات لفظ لساني ومغرز حنك
فمي وفكي ومنابت اضراسي وبلوغ حبائل بارع عنقي ومساغ مطعمي و
مشربي وحمالة ام رأسي وجمل حبائل حبل وتيني وما اشتمل عليه تامور
صدري ونياط حجاب قلبي وافلاذ حواشي كبدي وما حوته شراسيف
اضلاعي وحقاق مفاصلي واطراف اناملي وقبض عواملي ودمي وشعري
وبشري وعصبي وقصبي وعظامي ومخي وعروقي وجميع جوارحي و
ما انتسج على ذلك ايام رضاعي وما اقلت الارض مني ونومي ويقظتي
وسكوني وحركات ركوعي وسجودي ان لو حاولت واجتهدت
مدى الاعصار والاحقاب لو عمرتها ان اؤدي شكر واحدة من انعمك

ما استطعت ذلك الا بمنك الموجب علي به شكرك ابدا جديدا وثناء طارفا عتيدا
اجل ولو حرصت والعادون من انامك ان نحصي مدى انعامك سالفه
وآنفه لما حصرناه عددا ولا احصيناه امدا هيهات انى ذلك وانت المخبر
عن نفسك في كتابك الناطق والنبأ الصادق وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها
صدق كتابك اللهم وانباؤك وبلغت انبياؤك ورسلك ما انزلت عليهم
من وحيك وشرعت لهم من دينك غير اني اشهد بجدي وجهدي ومبالغ
طاقتي ووسعي واقول مؤمنا موقنا الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا فيكون موروثا
ولم يكن له شريك في الملك فيضاده فيما ابتدع ولا ولي من الذل فيرفده فيما صنع
سبحانه سبحانه لو كان فيهما آلهة الا الله لفسدتا وتفطرتا فسبحان الله
الواحد الحق الاحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد الحمد لله
حمدا يعدل حمد ملائكته المقربين وانبيائه المرسلين وصلى الله على خيرته من خلقه
محمد خاتم النبيين وآله الطاهرين المخلصين اللهم اجعلني اخشاك كاني اراك
واسعدني بتقواك ولا تشقني بمعصيتك وخر لي في قضائك وبارك لي في قدرك
حتى لا احب تعجيل ما اخرت ولا تأخير ما عجلت اللهم اجعل غناي في نفسي و
اليقين في قلبي والاخلاص في عملي والنور في بصري والبصيرة في ديني ومتعني
بجوارحي واجعل سمعي وبصري الوارثين مني وانصرني على من ظلمني وارني

ما ابقى و ثارى و اقم بذلك عينى اللهم اكشف كربتى واستر عورتى واغفر لى
خطيئتى واخسأ شيطانى وفك رهانى واجعل لى يا الهى الدرجة العليا فى
الآخرة والاولى اللهم لك الحمد كما خلقتنى فجعلتنى سميعا بصيرا ولك الحمد كما
خلقتنى فجعلتنى خلقا سويا رحمة بى وكنت عن خلقى غنيا رب بما برأتنى فعدلت
فطرتى رب بما انشأتنى فاحسنت صورتى يا رب بما احسنت بى وفى نفسى
عافيتنى رب بما كلأتنى ووفقتنى رب بما انعمت علىّ فهديتنى رب بما
اوليتنى ومن كل خير آتيتنى واعطيتنى رب بما اطعمتنى وسقيتنى رب
بما اغنيتنى واقنيتنى رب بما اعنتنى واعززتنى رب بما البستنى من ذكرك عززتنی
الصافى ويسرت لى من صنعك الكافى صل على محمد وآل محمد واعنى على بوائق
الدهور وصروف الايام والليالى ونجنى من اهوال الدنيا وكربات الآخرة و
اكفنى شر ما يعمل الظالمون فى الارض اللهم ما اخاف فاكفنى وما احذر فقنى
وفى نفسى ودينى فاحرسنى وفى سفرى فاحفظنى وفى اهلى ومالى وولدى
فاخلفنى وفيما رزقتنى فبارك لى وفى نفسى فذللنى وفى اعين الناس فعظمنى
ومن شر الجن والانس فسلمنى وبذنوبى فلا تفضحنى وبسريرتى فلا تخزنى وبعملى
فلا تبتلنى ونعمك فلا تسلبنى والى غيرك فلا تكلنى الى من تكلنى الى القريب يقطعنى ام الى
البعيد يتجهمنى ام الى المستضعفين لى وانت ربى ومليك امرى اشكو اليك

غربتى وبعد دارى وهوانى على من ملكته امرى الهى فلا تحلل بى غضبك
فان لم تكن غضبت علىّ فلا ابالى سواك غير ان عافيتك اوسع لى فاسألك
بنور وجهك الذى اشرقت له الارض والسموات وانكشفت به الظلمات و
صلح عليه امر الاولين والآخرين ان لا تميتنى على غضبك ولا تنزل بى سخطك
لك العتبى حتى ترضى قبل ذلك لا اله الا انت رب البلد الحرام والمشعر
الحرام والبيت العتيق الذى احللته البركة وجعلته للناس امنا يا من عفى
عن العظيم من الذنوب بحلمه يا من اسبغ النعمة بفضله يا من اعطى الجزيل
بكرمه يا عدتى فى كربتى يا مونسى فى حفرتى يا ولى نعمتى يا الهى واله آبائى
ابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب ورب جبرئيل وميكائيل واسرافيل و
رب محمد خاتم النبيين وآله المنتجبين ومنزل التورية والانجيل والزبور و
الفرقان ومنزل كهيعص وطه ويس والقرآن الحكيم انت كهفى حين تعيينى
المذاهب فى سعتها وتضيق بى الارض برحبها ولولا رحمتك لكنت من المفضوحين
وانت مؤيدى بالنصر على الاعداء ولولا نصرك اياى لكنت من المغلوبين يا من
خص نفسه بالسمو والرفعة واولياؤه بعزه يعتزون يا من جعلت له
الملوك نير المذلة على اعناقهم فهم من سطواته خائفون يعلم خائنة الاعين
وما تخفى الصدور وغيب ما تأتى به الازمنة والدهور يا من لا يعلم كيف هو

الا هو يا من لا يعلم ما يعلمه الا هو يا من كبس الارض على الماء وسد الهواء بالسماء
يا من له اكرم الاسماء يا ذا المعروف الذي لا ينقطع ابدا يا مقيض الركب
ليوسف في البلد القفر ومخرجه من الجب وجاعله بعد العبودية
ملكا يا راد يوسف على يعقوب بعد ان ابيضت عيناه من الحزن فهو
كظيم يا كاشف الضر والبلاء عن ايوب يا ممسك يد ابرهيم عن ذبح ابنه
بعد ان كبر سنه وفناء عمره يا من استجاب لزكريا فوهب له يحيى ولم
يدعه فردا وحيدا يا من اخرج يونس من بطن الحوت يا من فلق البحر
لبني اسرائيل فانجاهم وجعل فرعون وجنوده من المغرقين يا من ارسل
الرياح مبشرات بين يدي رحمته يا من لم يعجل على من عصاه من خلقه
يا من استنقذ السحرة من بعد طول الجحود وقد غدوا في نعمته ياكلون رزقه
ويعبدون غيره وقد حادوه ونادوه وكذبوا رسله يا الله يا بديء
لا بدء لك يا دائما لا نفاد لك يا حي يا قيوم يا محيي الموتى يا من هو قائم
على كل نفس بما كسبت يا من قل له شكري فلم يحرمني وعظمت خطيئتي فلم
يفضحني ورآني على المعاصي فلم يخذلني يا من حفظني في صغري يا من رزقني
في كبري يا من اياديه عندي لا تحصى يا من نعمه عندي لا تجازى يا من
عارضني بالخير والاحسان وعارضته بالاساءة والعصيان يا من هداني للايمان

بعد ان كبر سنه وفنى عمره

نادوه
غدوا

قبل ان

قبل ان اعرف شكر الامتنان يا من دعوته مريضا فشفاني وعريانا فكساني
وجائعا فاطعمني وعطشانا فارواني وذليلا فاعزني وجاهلا فعرفني ووحيدا
فكثرني وغائبا فردني ومقلا فاغناني ومنتصرا فنصرني وغنيا فلم يسلبني
وامسكت عن جميع ذلك فابتداني فلك الحمد يا من اقال عثرتي ونفس
كربتي واجاب دعوتي وستر عورتي وذنوبي وبلغني طلبتي ونصرني
على عدوي وان اعد نعمك ومننك وكرائم منحك لا احصيها يا مولاي انت
الذي انعمت انت الذي احسنت انت الذي اجملت انت الذي افضلت انت
الذي مننت انت الذي رزقت انت الذي اعطيت انت الذي اغنيت انت
الذي اقنيت انت الذي آويت انت الذي كفيت انت الذي هديت انت
الذي عصمت انت الذي سترت انت الذي غفرت انت الذي اقلت
انت الذي مكنت انت الذي اعززت انت الذي اعنت انت الذي عضدت
انت الذي ايدت انت الذي نصرت انت الذي شفيت انت الذي عافيت
انت الذي اكرمت تباركت ربي وتعاليت فلك الحمد دائما ولك الشكر
واصبا ثم انا يا الهي المعترف بذنوبي فاغفرها لي انا الذي اخطات انا الذي
اغفلت انا الذي جهلت انا الذي هممت انا الذي سهوت انا الذي اعتمدت
انا الذي تعمدت انا الذي وعدت انا الذي اخلفت انا الذي نكثت انا الذي

اقررت

اقررت الهي اعترف بنعمتك عندي وابوء بذنوبي فاغفر لي يا من لا تضره
ذنوب عباده وهو الغني عن طاعتهم والموفق من عمل منهم صالحا بمعونته
ورحمته فلك الحمد الهي امرتني فعصيتك ونهيتني فارتكبت نهيك فركبت نذ
فاصبحت لا ذا براءة فاعتذر ولا ذا قوة فانتصر فبأي شيء استقبلك يا استقبلك نذ
مولاي أبسمعي ام ببصري ام بلساني ام بيدي ام برجلي أليس كلها نعمك عندي
وبكلها عصيتك يا مولاي فلك الحجة والسبيل علي يا من سترني من الآباء
والامهات ان يزجروني ومن العشائر والاخوان ان يعيروني ومن السلاطين
ان يعاقبوني ولو اطلعوا يا مولاي على ما اطلعت عليه مني اذا ما انظروني
ولرفضوني وقطعوني فها انا بين يديك يا سيدي خاضعا ذليلا
حصيرا حقيرا لا ذو براءة فاعتذر ولا ذو قوة فانتصر ولا حجة لي فاحتج حصير نذ
بها ولا قائل لم اجترح ولم اعمل سوءا وما عسى الجحود ولو جحدت يا مولاي
ينفعني وكيف وانى ذلك وجوارحي كلها شاهدة علي بما قد عملت يقينا
غير ذي شك انك سائلي عن عظائم الامور وانك الحكيم العدل الذي لا
يجور وعدلك مهلكي ومن كل عدلك مهربي فان تعذبني فبذنوبي يا
مولاي بعد حجتك علي وان تعف عني فبحلمك وجودك وكرمك لا اله الا
انت سبحانك اني كنت من الظالمين لا اله الا انت سبحانك اني كنت من

المستغفرين

المستغفرين لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الموحدين لا اله الا انت
سبحانك اني كنت من الوجلين لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الراجين
الراغبين لا اله الا انت سبحانك اني كنت من السائلين لا اله الا انت سبحانك
اني كنت من المهللين المسبحين لا اله الا انت سبحانك ربي ورب آبائي
الاولين اللهم هذا ثنائي عليك ممجدا واخلاصي موحدا واقراري بآلائك
معددا وان كنت مقرا اني لا احصيها لكثرتها وسبوغها وتظاهرها
وتقادمها الى حادث ما لم تزل تتعمدني به معها منذ خلقتني وبرأتني
من اول العمر من الاغناء بعد الفقر وكشف الضر وتسبيب اليسر ودفع
العسر وتفريج الكرب والعافية في البدن والسلامة في الدين ولو رفدني على
قدر ذكر نعمك علي جميع العالمين من الاولين والآخرين لما قدرت ولا هم
على ذلك تقدست وتعاليت من رب عظيم كريم رحيم لا تحصى آلاؤك
ولا يبلغ ثناؤك ولا تكافى نعماؤك صل على محمد وآل محمد وأتمم علينا نعمتك
واسعدنا بطاعتك سبحانك لا اله الا انت اللهم انك تجيب دعوة المضطر
اذا دعاك وتكشف السوء وتغيث المكروب وتشفي السقيم وتغني الفقير و
تجبر الكسير وترحم الصغير وتعين الكبير وليس دونك ظهير ولا فوقك قدير
وانت العلي الكبير يا مطلق المكبل الاسير يا رازق الطفل الصغير يا عصمة الخائف

المتحيرين يا من لا شريك له ولا وزير صل على محمد وآل محمد واعطني في هذه
العشية افضل ما اعطيت وانلت احدا من عبادك من نعمة توليها وآلاء
تجددها وبلية تصرفها وكربة تكشفها ودعوة تسمعها وحسنة تتقبلها
وسيئة تغفرها انك لطيف خبير وعلى كل شيء قدير اللهم انك اقرب من
دعي واسرع من اجاب واكرم من عفى واوسع من اعطى واسمع من سئل
يا رحمن الدنيا والآخرة ورحيمهما ليس كمثلك مسئول ولا سواك مأمول
دعوتك فاجبتني وسألتك فاعطيتني ورغبت اليك فرحمتني ووثقت
بك فنجيتني وفزعت اليك فكفيتني اللهم فصل على محمد عبدك ونبيك
وعلى آله الطيبين الطاهرين اجمعين وتمم لنا نعماءك وهننا عطاءك و
اجعلنا لك شاكرين ولآلائك ذاكرين آمين رب العالمين اللهم يا من ملك
فقدر وقدر فقهر وعصى فستر واستغفر فغفر يا غاية الراغبين ومنتهى
امل الراجين يا من احاط بكل شيء علما ووسع المستقيلين رأفة وحلما
اللهم انا نتوجه اليك في هذه العشية التي شرفتها وعظمتها بمحمد نبيك
ورسولك وخيرتك وامينك على وحيك اللهم صل على البشير النذير
السراج المنير الذي انعمت به على المسلمين وجعلته رحمة للعالمين اللهم
صل على محمد وآله كما محمد اهل ذلك يا عظيم فصل عليه وعلى آل محمد المنتجبين

الطيبين

الطيبين الطاهرين اجمعين وتغمدنا بعفوك عنا فاليك عجت الاصوات بصنوف
اللغات واجعل لنا في هذه العشية نصيبا في كل خير تقسمه ونور تهدي به
ورحمة تنشرها وعافية تجللها وبركة تنزلها ورزق تبسطه يا ارحم الراحمين
اللهم اقلبنا في هذا الوقت منجحين مفلحين مبرورين غانمين ولا تجعلنا
من القانطين ولا تخلنا من رحمتك ولا تحرمنا ما نؤمله من فضلك ولا
تردنا خائبين ولا من بابك مطرودين ولا تجعلنا من رحمتك محرومين
ولا لفضل ما نؤمله من عطاياك قانطين يا اجود الاجودين واكرم الاكرمين
اليك اقبلنا موقنين ولبيتك الحرام آمين قاصدين فاعنا على مناسكنا واكمل
لنا حجنا واعف اللهم عنا فقد مددنا اليك ايدينا وهي بذلة الاعتراف
موسومة اللهم فاعطنا في هذه العشية ما سألناك واكفنا ما استكفيناك
فلا كافي لنا سواك ولا رب لنا غيرك نافذ فينا حكمك محيط بنا علمك عدل
فينا قضاؤك اقض لنا الخير واجعلنا من اهل الخير اللهم لنا بجودك عظيم
الاجر وكريم الذخر ودوام اليسر واغفر لنا ذنوبنا اجمعين ولا تهلكنا مع
الهالكين ولا تصرف عنا رأفتك برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم اجعلنا في هذا
الوقت ممن سألك فاعطيته وشكرك فزدته وتاب اليك فقبلته وتنصل
اليك من ذنوبه فغفرتها له يا ذا الجلال والاكرام اللهم وفقنا وسددنا واعصمنا

مؤمنين خ م

وعافنا خ م

واقبل تضرعنا يا خير من سئل ويا ارحم من استرحم يا من لا يخفى عليه اغماض
الجفون ولا لحظ العيون ولا ما استقر في المكنون ولا ما انطوت عليه
مضمرات القلوب الا كل ذلك قد احصاه علمك ووسعه حلمك سبحانك
وتعاليت عما يقول الظالمون علوا كبيرا تسبح لك السموات السبع و
الارضون ومن فيهن وان من شئ الا يسبح بحمدك فلك الحمد والمجد
وعلو الجد يا ذا الجلال والاكرام والفضل والانعام والايادي الجسام
وانت الجواد الكريم الرؤف الرحيم اوسع علي من رزقك وعافني في بدني
وديني وامن خوفي واعتق رقبتي من النار اللهم لا تمكر بي ولا تستدرجني
ولا تخذلني وادرء عني شر فسقة الجن والانس يا اسمع السامعين ويا ابصر
ويا اسرع الحاسبين ويا ارحم الراحمين صل على محمد وآل محمد واسئلك اللهم
لا تمكني حاجتي التي ان اعطيتنيها لم يضرني ما منعتني وان منعتنيها لم ينفعني
ما اعطيتني اسئلك فكاك رقبتي من النار لا اله الا انت وحدك لا شريك
لك لك الملك ولك الحمد وانت على كل شئ قدير يا رب يا رب يا ربي
الهي انا الفقير في غناي فكيف لا اكون فقيرا في فقري الهي انا الجاهل
في علمي فكيف لا اكون جهولا في جهلي الهي ان اختلاف تدبيرك وسرعة طواء
مقاديرك منعا عبادك العارفين بك عن السكون الى عطاء واليأس

اطوار خ ل

منك

صفت
منك في بلاء الهي مني ما يليق بلومي ومنك ما يليق بكرمك الهي و
نفسك باللطف والرافة لي قبل وجود ضعفي افتمنعني منهما بعد وجود
ضعفي الهي ان ظهرت المحاسن مني فبفضلك ولك المنة علي وان
ظهرت المساوي مني فبعدلك ولك الحجة علي الهي كيف تكلني وقد
توكلت لي وكيف اضام وانت الناصر لي ام كيف اخيب وانت الحفي بي
ها انا اتوسل اليك بفقري اليك وكيف اتوسل اليك بما هو محال ان يصل
اليك ام كيف اشكو اليك حالي وهو لا يخفى عليك ام كيف اشكو اليك حالي
وهو لا يخفى عليك ام كيف اترجم بمقالي وهو منك برز اليك ام كيف تخيب
آمالي وهي قد وفدت اليك ام كيف لا تحسن احوالي وبك قامت الهي ما
الطفك بي مع عظيم جهلي وما ارحمك بي مع قبيح فعلي الهي ما اقربك مني
وابعدني عنك وما ارافك بي فما الذي يحجبني عنك الهي علمت باختلاف
الآثار وتنقلات الاطوار ان مرادك مني ان تتعرف الي في كل شئ حتى
لا اجهلك في شئ الهي كلما اخرسني لؤمي انطقني كرمك وكلما ايستني
اوصافي اطمعتني منتك الهي من كانت محاسنه مساوي فكيف لا تكون
مساويه مساوي ومن كانت حقايقه دعاوي فكيف لا تكون دعاويه
دعاوي الهي حكمك النافذ ومشيتك القاهرة لم يتركا لذي مقال مقالا

امنعني خ ل

اطعتني خ ل

ولا لذي حال حالا إلهي كم من طاعة بنيتها وحالة شيدتها هدم اعتمادي
عليها عدلك بل أقالني منها فضلك إلهي إنك تعلم أني وإن لم تدم الطاعة
مني فعلا جزما فقد دامت محبة وعزما إلهي كيف أعزم وأنت القاهر
وكيف لا أعزم وأنت الآمر إلهي ترددي في الآثار يوجب بعد المزار فاجمعني
عليك بخدمة توصلني إليك كيف يستدل عليك بما هو في وجوده مفتقر
إليك أيكون لغيرك من الظهور ما ليس لك حتى يكون هو المظهر لك متى
غبت حتى تحتاج إلى دليل يدل عليك ومتى بعدت حتى تكون الآثار هي
التي توصل إليك عميت عين لا تراك عليها رقيبا وخسرت صفقة عبد لم
تجعل له من حبك نصيبا إلهي أمرت بالرجوع إلى الآثار فارجعني إليك
بكسوة الأنوار وهداية الاستبصار حتى أرجع إليك منها كما دخلت إليك
منها مصون السر عن النظر إليها ومرفوع الهمة عن الاعتماد عليها إنك
على كل شيء قدير إلهي هذا ذلي ظاهر بين يديك وهذا حالي لا يخفى عليك
منك أطلب الوصول إليك وبك أستدل عليك فاهدني بنورك إليك و
أقمني بصدق العبودية بين يديك إلهي علمني من علمك المخزون وصني
بسترك المصون إلهي حققني بحقائق أهل القرب واسلك بي مسلك أهل
الجذب إلهي أغنني بتدبيرك لي عن تدبيري وباختيارك عن اختياري وأوقفني

على مراكز اضطراري إلهي أخرجني من ذل نفسي وطهرني من شكي وشركي قبل
حلول رمسي بك أنتصر فانصرني وعليك أتوكل فلا تكلني وإياك أسأل فلا
تخيبني وفي فضلك أرغب فلا تحرمني وبجنابك أنتسب فلا تبعدني و
ببابك أقف فلا تطردني إلهي تقدس رضاك أن تكون له علة منك فكيف
يكون له علة مني إلهي أنت الغني بذاتك أن يصل إليك النفع منك فكيف
لا تكون غنيا عني إلهي إن القضاء والقدر يمنيني وإن الهوى بوثائق الشهوة
أسرني فكن أنت النصير لي حتى تنصرني وتبصرني وأغنني بفضلك حتى أستغني
بك عن طلبي أنت الذي أشرقت الأنوار في قلوب أوليائك حتى عرفوك و
وحدوك وأنت الذي أزلت الأغيار عن قلوب أحبائك حتى لم يحبوا سواك
ولم يلجؤوا إلى غيرك أنت المؤنس لهم حيث أوحشتهم العوالم وأنت الذي
هديتهم حيث استبانت لهم المعالم ماذا وجد من فقدك وما الذي فقد
من وجدك لقد خاب من رضي دونك بدلا ولقد خسر من بغى عنك متحولا
كيف يرجى سواك وأنت ما قطعت الإحسان وكيف يطلب من غيرك وأنت
ما بدلت عادة الامتنان يا من أذاق أحباءه حلاوة المؤانسة فقاموا بين يديه
مستغفرين أنت الذاكر قبل الذاكرين وأنت البادي بالإحسان قبل توجه
العابدين وأنت الجواد بالعطاء قبل طلب الطالبين وأنت الوهاب ثم لما وهبت

لنا من المستقرضین الهی اطلبنی برحمتک حتی اصل الیک واجذبنی بمنک
حتی اقبل علیک الهی ان رجائی لا ینقطع عنک وان عصیتک کما ان خوفی
لا یزایلنی وان اطعتک فقد دفعتنی العوالم الیک وقد اوقعنی علمی بکرمک
علیک الهی کیف اخیب وانت املی ام کیف اهان وعلیک متکلی الهی کیف
استعز وفی الذلة ادکنتنی ام کیف لا استعز والیک نسبتنی الهی کیف ارکزتنی م
لا افتقر وانت الذی فی الفقراء اقمتنی ام کیف افتقر وانت الذی بجودک
اغنیتنی وانت الذی لا اله غیرک تعرفت لکل شیء فما جهلک شیء وانت الذی
تعرفت الی فی کل شیء فرایتک ظاهرا فی کل شیء وانت الظاهر لکل شیء یا من
استوی برحمانیته فصار العرش غیبا فی ذاته محقت الآثار بالآثار ومحوت
الاغیار بمحیطات افلاک الانوار یا من احتجب فی سرادقات عرشه عن ان
تدرکه الابصار یا من تجلی بکمال بهائه فتحققت عظمته الاستواء کیف
تخفی وانت الظاهر ام کیف تغیب وانت الرقیب الحاضر انک علی کل شیء
قدیر والحمد لله وحده وسزاوار است دراین روز خواندن دعای ام داود
که در اعمال نیمه رجب مذکور شد ودر بعضی روایات از صادق ع که اگر روز
عرفه روز جمعه باشد این دعا را دران روز بخوانند فارغ نشود خواننده این
دعا از خواندن آن مگر آنکه حق تعالی او را بیامرزد ودراین روز پیغمبر ص فرمود

تا درخانهای دیگران را از مسجد آنحضرت بستند ودرخانه امیر ع را باز گذاشتند
شب دهم این شب یکی از لیالی اربعه است وسنت است احیا کردن دراین شب وبسند
معتبر از علی ع که فرمود خوش می آید مرا که کسی فارغ سازد خود را برای خدا در سالی
چهار شب شب اول رجب وشب نیمه شعبان وشب عید فطر وشب عید اضحی
ودراین شب زیارت ابا عبدالله الحسین علیه السلم ثواب عظیم دارد از صادق ع م
که هر که زیارت کند حسین ع را در یکی از سه شب حق تعالی گناهان آینده و گذشته
او را بیامرزد راوی گوید پرسیدم که کدامست آن سه شب پس حضرت یکی از آن
سه شب شب عید اضحی را فرمود روز دهم این روز یکی از اعیاد عظیمه مسلمانانست
ودراین روز غسل موکد است وسزاوار است دراین روز بوی خوش بکار بردن
وجامهای پاکیزه پوشیدن وزیارت حضرت ابی عبدالله ع دراین روز فضیلت
بسیار دارد وازاعمال این روز نماز عید است وکیفیت آن نماز وبعضی از احکامش
در اعمال عید فطر مذکور شد وسزاوار است بعد از فراغ از این نماز خواندن دعای
سید الساجدین که دراین روز بعد از نماز عید میخوانده اند ودر صحیفه مذکور است
ودیگر اعمال اضحیه است ودراین باب مبالغات بسیار واقع شده وحق تعالی به پیغمبر ص
امر فرموده که فصل لربک وانحر ومفسران گفته اند که مراد از نحر قربانیست ودر حدیث
معتبر که ام سلمه بخدمت پیغمبر ص عرض نمود که یا رسول ص عید اضحی نزدیک شده وقیمت

اضحیه ندارم آیا قرض کنم و اضحیه بگیرم فرمود که قرض کن که این دینی است
که البته ادا میشود و در بعضی احادیث بلفظ وجوب واقع شده و لهذا
بعضی از علما بوجوب آن رفته اند و در حدیث معتبر وارد شده که چون بنده قربانی
کند اول قطره خون که از آن قربانی بر زمین ریخته شود حق تعالی گناهان او را
بیامرزد و بدانکه افضل آنست که هر کس اضحیه برای خود بکشد و اگر از برای پدر
و مادر و دیگران که مرده باشند اضحیه بجهت ایشان بکشد آن ثواب بایشان
عاید میگردد و در حدیث معتبر حضرت امیر ع بعد از وفات پیغمبر ص اول برای
آنحضرت اضحیه میکشت و بعد از آن از برای خود اگرچه هر کس اضحیه جدا
بکشد بلکه جماعتی در یک اضحیه شریک شوند هم مجزیست و علامه علیه الرحمه
در کتاب منتهی نقل اجماع نموده بر آنکه یک اضحیه مجزیست از هفت نفر و در کتاب
تذکره فرموده که یک اضحیه مجزیست از هفت نفر و هفتاد نفر خواه گاو و خواه
گوسفند باجماع علمای شیعه و باید که اضحیه یکی از انعام ثلثه باشد که شتر و گاو
و گوسفند و افضل از شتر و گاو آنست که ماده باشد و از گوسفند و بز نر باشد
و باید که شتر باشد پنج سالش تمام شده باشد و در سال ششم داخل شده باشد
و اگر گاو یا بز باشد و در سال دویم داخل شده باشد و بعضی گفته اند که اگر بز باشد
دو سالش تمام شده و در سال سیم داخل شده باشد و این احوط است و اگر

گوسفند باشد بعضی گفته اند که شش ماهش تمام شده باشد و داخل ماه
هشتم شده باشد و بعضی گفته اند که اگر پدر و مادرش جوان باشند هفت
ماهش تمام شده باشد و اگر پیر باشند هشت ماهش کامل شده باشد و باید
قربانی ناقص و معیب نباشد و کور نباشد و از گوشش چیزی جدا نشده باشد
و اگر سوراخ یا شکاف داشته باشد ظاهرا مجزی باشد و اگرچه افضل آنست
که چنین نباشد و باید که شاخ داخلش شکسته نباشد و اگر شاخ بیرونش
شکسته باشد و قصوری بشاخ اندرون نرسیده باشد باکی نیست و اگر
در اصل خلقت شاخ یا گوش نداشته باشد مجزیست و باید که خصی نباشد
و در روایت معتبری وارد شده که اگر غیر خصی یافت نشود خصی مجزیست
و باید که اعرج و لنگی که واضح باشد لنگیدن آن نیز نباشد اما اگر اعرج خفی
داشته باشد باکی نیست و لاغر نباشد بحدی که بر گرده های آن پیه اصلا
نباشد و افضل آنست که سمین و پرواز باشد و در حدیث معتبر وارد شده که
اضحیه های فربه و چاق بکشید بدرستی که اضحیهای سواریهای شما اند در وقت
گذشتن از پل صراط و وقت کشتن اضحیه در منی روز عید است و سه روز
بعد از آن و در مواضع دیگر روز عید و دو روز بعد از آن و افضل آنست
که در روز عید بکشید بعد از نماز و خود مباشر ذبح شوند و یا دست بر دست

ذابح بگذارند وکلینی بسند معتبر روایت کرده که گفتند که حضرت صادق ع
فرمود که هرگاه خریدی هدی خود را پس بگردان روی او را بقبله ونحر کن
وبگو وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا
مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلٰوتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اللّٰهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللّٰهِ
وَاللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي پس بمال کارد را وسرش جدا مکن تا بمیرد و
افضل آنست که پوست او را خود برندارد وبمزد دباغ ندهد بلکه تصدق
کنند وسه حصه کنند قربانی را یک حصه را برای برادران مؤمن بهدیه
بفرستند ویک حصه را بفقرا ویک حصه را بجهت خود واگر از وقتی را
بخورند وتمتر را بمستحقین بدهند بهتر است واولی است که اگر اضحیه پیدا
نشود قیمت او را تصدق کنند واگر قیمت مختلف باشد ادنی واعلی واوسط را
جمع نمایند وثلث او را تصدق کنند وافضل است که در عید اضحی بر خلاف
عید فطر افطار نکنند تا از نماز فارغ شوند پس از قربانی خود افطار
نمایند وسنت است در عید اضحی گفتن تکبیرات در عقب پانزده نماز
که اولش ظهر روز عید است وآخرش صبح روز سیزدهم برای کسانی که در
منی حاضر باشند ودر عقب ده نماز که از ظهر روز عید است تا صبح روز

دوازدهم برای کسانی که در مواضع دیگر باشند ودر صحیح معویه بن عمار که
از حضرت صادق ع روایت کرده آن تکبیرات برین وجه است اَللّٰهُ أَكْبَرُ
اَللّٰهُ أَكْبَرُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُ أَكْبَرُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ اللّٰهُ أَكْبَرُ
عَلٰى مَا هَدَانَا اللّٰهُ أَكْبَرُ عَلٰى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
عَلٰى مَا أَبْلَانَا وبدانکه روزه روز عید اضحی حرامست وهمچنین روزه ایام
تشریق یعنی روز یازدهم ودوازدهم وسیزدهم ازین ماه نیز حرامست کسی را
که در موقف منی حاضر باشد مطلقا بنا بر مشهور وبعضی تخصیص داده اند
این حرمت را بکسی که حاضر باشد در آن موقف ومشغول بنسک حج باشد
ومشهور آنست که حرام نیست روزه این سه روز کسانی را که در منی حاضر
نباشند واقوی آنست ومکروه است ایشان را روزه داشتن این سه روز
بسند صحیح از صادق ع که فرمود نیست روزه بعد از عید اضحی سه روز ونه
بعد از عید سه روز بدرستی که این روزها روز خوردن واشامیدن است

فصل سیم روز هجدهم

روز پانزدهم موافق مشهور این روز ولادت امام علی نقی ع است
بدانکه این روز عید اعظم اعیاد شیعیانست ودر این روز غسل مستحب مؤکد است و
روزه این روز فضیلت بسیار دارد ودر این روز انواع زینتها وتنظیفات کردن
وعطر بکار بردن ونیکوترین لباسهای خود را پوشیدن خصوصا لباس سفید

و شادی کردن و بشاشت نمودن و دیدن یکدیگر و تهنیت و مبارک
باد دادن و ضیافت نمودن و مراسم عید را بجا آوردن و صله و
پیوند با خویشان نمودن و احسان نسبت بمؤمنان کردن و سعی در
حوایج ایشان و صدقه بفقرا و مستحقین کردن ثواب غیر متناهی دارد
و همه عبادات و طاعات در این روز ثوابش اضعاف مضاعف است و
بسند معتبر از حسن بن راشد منقولست که گفت عرض نمودم بحضرت صادق ع
که آیا مسلمانان را عیدی بغیر فطر و اضحی هست فرمود که بلی عیدی از آنها بزرگتر
و شریفتر عرض کردم که کدام عید است فرمود که روزی که پیغمبر خدا امیر المؤمنین ع
را برای مردم نصب فرمود و محبت و ولایت آنحضرت خواند پرسیدم که کدام
روز است آن فرمود که روز هیجدهم ماه ذی الحجه گفتم که چه عملی نیکوست
در آن فرمود روزه داشتن و باعمال خیر تقرب بدرگاه خدا جستن گفتم که
چه ثوابست کسی را که روزه دارد این روز را فرمود که چنانست که شصت
ماه روزه داشته باشد و در حدیث دیگر فرمود که روزه روز غدیر معادلست
با شصت ماه از ماههای حرام و بچند سند معتبر دیگر از آنحضرت منقولست
که فرمود روزه روز غدیر کفاره گناهان شصت ساله است و در حدیث
دیگر بچندین سند معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که فرمود که عمل

روز غدیر برابر است با عمل هشتاد ماه شیخ طوسی و ابن طاوس روایت
کرده‌اند از امام جعفر صادق ع که فرمود روزه داشتن روز غدیر برابر است
با روزه داشتن عمر دنیا که اگر کسی در تمام روزگار زندگانی کند و تمام
عمر خود را روزه دارد ثواب کسی که روز عید غدیر را روزه داشته باشد
برابر باشد پس فرمود که روزه روز غدیر برابر است با ثواب صد حج و صد
عمره و روز غدیر عید اکبر خداست و هیچ پیغمبری را خدا نفرستاده مگر آنکه
این روز را عید کرده و حرمت آنرا رعایت کرده و این روز در آسمان روز
عید معهود است و در زمین روز میثاق مأخوذ و جمع مشهود است پس
فرمود که هر که در این روز دو رکعت نماز کند در پیش از زوال آفتاب بنصف
ساعت برای شکر حق تعالی پس کیفیت نماز را ذکر فرمود چنان باشد که
صد هزار حج و صد هزار عمره کرده باشد و از حق تعالی هیچ حاجتی از حوایج دنیا
و آخرت طلب نکند مگر آنکه در تیسیر و عافیت برآورد فرماید و اگر فوت
شود از تو این نماز و دعا پس بعد از آن قضا کن و هر که افطار فرماید بدهد
روز مؤمنی را چنان باشد که اطعام کرده باشد فئاما و فئاما پس آنحضرت
میشمرد تا ده فئام پس فرمود که آیا میدانی که فئام چیست گفتم نه فرمود که
صد هزار کس پس فرمود که بارا و در ثواب کسی باشد که اطعام کرده باشد در حرم

خدا گروهی از پیغمبران و صدیقان و شهدا و صالحان را که ایشان بعدد این
تمام باشند و با ذا ایشان را سیراب کرده باشد در روزی که عطش بر ایشان
غالب شده باشد و درهمی در این روز دادن خدا دادن برابر است با صد
هزار درهم در غیر این روز پس فرمود که شاید که تو پنداری که خدا روزی
خلق کرده که حرمتش زیاده از این روز باشد و سه مرتبه فرمود نه والله
پس فرمود که باید در این روز چون برادر مؤمن خود را ملاقات کنی بگوئی
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اَکْرَمَنَا بِهٰذَا الْیَوْمِ وَجَعَلَنَا مِنَ الْمُؤْمِنِیْنَ وَجَعَلَنَا مِنَ الْمُوفِیْنَ
بِعَهْدِهِ الَّذِیْ عَهِدَهُ اِلَیْنَا وَمِیْثَاقِهِ الَّذِیْ وَاثَقَنَا بِهِ مِنْ وِلَایَةِ وُلَاةِ
اَمْرِهِ وَالْقُوَّامِ بِقِسْطِهِ وَلَمْ یَجْعَلْنَا مِنَ الْجَاحِدِیْنَ وَالْمُکَذِّبِیْنَ بِیَوْمِ الدِّیْنِ
پس فرمود که چون این غسل این روز را بجای آوری و فارغ شوی باید که
بخوانی این دعا را رَبَّنَا اِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِیًا یُنَادِیْ لِلْاِیْمَانِ اَنْ اٰمِنُوْا بِرَبِّکُمْ
فَاٰمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَکَفِّرْ عَنَّا سَیِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ رَبَّنَا وَاٰتِنَا
مَا وَعَدْتَنَا عَلٰی رُسُلِکَ وَلَا تُخْزِنَا یَوْمَ الْقِیٰمَةِ اِنَّکَ لَا تُخْلِفُ الْمِیْعَادَ
اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُشْهِدُکَ وَکَفٰی بِکَ شَهِیْدًا وَاُشْهِدُ مَلٰئِکَتَکَ وَحَمَلَةَ
عَرْشِکَ وَسُکَّانَ سَمٰوَاتِکَ وَاَرْضِکَ بِاَنَّکَ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
الْمَعْبُوْدُ الَّذِیْ لَیْسَ مِنْ لَدُنْ عَرْشِکَ اِلٰی قَرَارِ اَرْضِکَ مَعْبُوْدٌ یُعْبَدُ

سِوَاکَ اِلَّا بَاطِلٌ مُضْمَحِلٌّ غَیْرَ وَجْهِکَ الْکَرِیْمِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْمَعْبُوْدُ لَا مَعْبُوْدَ
سِوَاکَ تَعَالَیْتَ عَمَّا یَقُوْلُ الظَّالِمُوْنَ عُلُوًّا کَبِیْرًا وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُکَ
وَرَسُوْلُکَ وَاَشْهَدُ اَنَّ عَلِیًّا اَمِیْرُ الْمُؤْمِنِیْنَ وَوَلِیُّهُمْ وَمَوْلَاهُمْ وَمَوْلَایَ رَبَّنَا
اِنَّنَا سَمِعْنَا النِّدَاءَ وَصَدَّقْنَا الْمُنَادِیَ رَسُوْلَکَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ اِذْ نَادٰی
نِدَاءً عَنْکَ بِالَّذِیْ اَمَرْتَهُ اَنْ یُبَلِّغَ عَنْکَ مَا اَنْزَلْتَ اِلَیْهِ مِنْ مُوَالَاةِ وَلِیِّ الْمُؤْمِنِیْنَ
وَحَذَّرْتَهُ وَاَنْذَرْتَهُ اِنْ لَمْ یُبَلِّغْ اَنْ تَسْخَطَ عَلَیْهِ وَاَنَّهُ اِذَا بَلَّغَ رِسَالَاتِکَ
عَصَمْتَهُ مِنَ النَّاسِ فَنَادٰی مُبَلِّغًا وَحْیَکَ وَرِسَالَاتِکَ اَلَا مَنْ کُنْتُ مَوْلَاهُ
فَعَلِیٌّ مَوْلَاهُ وَمَنْ کُنْتُ وَلِیَّهُ فَعَلِیٌّ وَلِیُّهُ وَمَنْ کُنْتُ نَبِیَّهُ فَعَلِیٌّ اَمِیْرُهُ
رَبَّنَا قَدْ اَجَبْنَا دَاعِیَکَ النَّذِیْرَ الْمُنْذِرَ مُحَمَّدًا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ عَبْدَکَ الَّذِیْ
اَنْعَمْتَ عَلَیْهِ وَجَعَلْتَهُ مَثَلًا لِبَنِیْ اِسْرَائِیْلَ رَبَّنَا اٰمَنَّا وَاتَّبَعْنَا مَوْلَانَا وَوَلِیَّنَا
وَهَادِیَنَا وَدَاعِیَنَا وَدَاعِیَ الْاَنَامِ وَصِرَاطَکَ السَّوِیَّ الْمُسْتَقِیْمَ وَمَحَجَّتَکَ
الْبَیْضَاءَ وَسَبِیْلَکَ الدَّاعِیَ اِلَیْکَ عَلٰی بَصِیْرَةٍ هُوَ وَمَنِ اتَّبَعَهُ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ
عَمَّا یُشْرِکُوْنَ بِوِلَایَتِهِ وَبِاَمْرِ رَبِّهِمْ وَبِاتِّخَاذِ الْوَلَائِجِ مِنْ دُوْنِهِ فَاَشْهَدُ یَا
اِلٰهِیْ اَنَّ الْاِمَامَ الْهَادِیَ الْمُرْشِدَ الرَّشِیْدَ عَلِیَّ بْنَ اَبِیْ طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللّٰهِ
عَلَیْهِ اَمِیْرُ الْمُؤْمِنِیْنَ الَّذِیْ ذَکَرْتَهُ فِیْ کِتَابِکَ فَقُلْتَ وَاِنَّهُ فِیْ اُمِّ الْکِتَابِ
لَدَیْنَا لَعَلِیٌّ حَکِیْمٌ اَللّٰهُمَّ فَاِنَّا نَشْهَدُ بِاَنَّهُ عَبْدُکَ الْهَادِیْ مِنْ بَعْدِ نَبِیِّکَ

النذير المنذر والصراط المستقيم وامام المؤمنين وقائد الغر المحجلين و
حجتك البالغة ولسانك المعبر عنك في خلقك والقائم بالقسط بعد نبيك
وديان دينك وخازن علمك وعيبة وحيك وعبدك وامينك المأمون
المأخوذ ميثاقه مع ميثاقك وميثاق رسلك من خلقك وبريتك بالشهادة
والاخلاص بالوحدانية بانك انت الله لا اله الا انت ومحمد عبدك و
رسولك وعلي امير المؤمنين وجعلت الاقرار بولايته تمام توحيدك
والاخلاص لك بوحدانيتك واكمال دينك وتمام نعمتك على جميع خلقك
فقلت وقولك الحق اليوم اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي ورضيت
لكم الاسلام دينا فلك الحمد على ما مننت به علينا من الاخلاص لك بوحدانيتك
وجدت علينا بموالات وليك الهادي من بعد نبيك النذير المنذر و
رضيت لنا الاسلام دينا بموالاته واتممت علينا نعمتك بالذي جددت
لنا عهدك وميثاقك وذكرتنا ذلك وجعلتنا من اهل الاخلاص و
التصديق لعهدك وميثاقك ومن اهل الوفاء بذلك ولم تجعلنا من
الناكثين والمكذبين الجاحدين بيوم الدين ولم تجعلنا من المغيرين
والمبدلين والمحرفين والمبتكين آذان الانعام والمغيرين خلق الله
ومن الذين استحوذ عليهم الشيطان فانساهم ذكر الله وصدهم عن السبيل

والصراط

والصراط المستقيم وسبيا رسيكوني اللهم العن الجاحدين والناكثين والمغيرين
والمبدلين والمكذبين الذين يكذبون بيوم الدين من الاولين والآخرين يس
سيكوني اللهم لك الحمد على نعمتك علينا بالذي هديتنا الى موالات ولاة امرك
من بعد نبيك والائمة الهادين الذين جعلتهم اركانا لتوحيدك واعلام الهدى
ومنار التقوى والعروة الوثقى وكمال دينك وتمام نعمتك ومن بهم و
بموالاتهم رضيت لنا الاسلام دينا ربنا فلك الحمد آمنا بك وصدقنا نبيك
الرسول النذير المنذر واتبعنا الهادي من بعد النذير المنذر وواليتا وليهم
وعادينا عدوهم وبرئنا من الجاحدين والناكثين والمكذبين بيوم الدين
اللهم فكما كان من شأنك يا صادق الوعد يا من لا يخلف الميعاد يا من هو
كل يوم في شأن اتممت علينا نعمتك بموالاة اوليائك المسؤول عنهم عبادك
فانك قلت ولتسألن يومئذ عن النعيم وقلت وقفوهم انهم مسؤولون و
مننت علينا بشهادة الاخلاص لك بموالاة اوليائك الهداة من بعد النذير
المنذر السراج المنير واكملت لنا الدين بموالاتهم والبراءة من عدوهم واتممت
علينا النعم بالذي جددت لنا عهدك وذكرتنا ميثاقك المأخوذ منا في مبتدأ
خلقك ايانا وجعلتنا من اهل الاجابة وذكرتنا العهد والميثاق ولم تنسنا
ذكرك فانك قلت واذ اخذ ربك من بني آدم من ظهورهم ذرياتهم واشهدهم على

انفسهم الست بربكم قالوا بلى شهدنا بمنك بانك انت الله لا اله الا انت
ربنا وان محمدا عبدك ورسولك نبينا وان عليا امير المؤمنين ولينا
ومولانا وشهدنا بالولاية لولينا ومولانا من ذرية نبيك من صلب
ولينا ومولانا علي بن ابي طالب امير المؤمنين عبدك الذي انعمت عليه
وجعلته في ام الكتاب لديك عليا حكيما وجعلته اية لنبيك واية من
اياتك الكبرى والنبا العظيم الذي هم فيه مختلفون والنبا العظيم الذين هم
عنه معرضون وعنه يوم القيمة مسئولون وتمام نعمتك التي عنها يسأل
عبادك اذ هم موقوفون وعن النعيم مسئولون اللهم وكما كان من شانك
ما انعمت علينا بالهداية الى معرفتهم فليكن من شانك ان تصلي على محمد و
ان تبارك لنا في يومنا هذا الذي ذكرتنا فيه عهدك وميثاقك واكملت
لنا ديننا واتممت علينا نعمتك وجعلتنا بنعمتك من اهل الاجابة والاخلاص
بوحدانيتك ومن اهل الايمان والتصديق بولاية اوليائك والبراءة من
اعدائك واعداء اوليائك الجاحدين المكذبين بيوم الدين فاسئلك يا
رب تمام ما انعمت علينا ولا تجعلنا من المعاندين ولا تلحقنا بالمكذبين
بيوم الدين واجعل لنا قدم صدق مع المتقين واجعل لنا من لدنك
رحمة واجعل لنا من المتقين اماما الى يوم الدين يوم يدعى كل اناس بامامهم

واجعلنا في ظل القوم المتقين الهداة بعد النذير المنذر والبشير الائمة الدعاة
الى الهدى ولا تجعلنا من المكذبين الدعاة الى النار وهم يوم القيمة واولياؤهم
من المقبوحين ربنا واحشرنا في زمرة الهادي المهدي واحينا ما احييتنا
على الوفاء بعهدك وميثاقك المأخوذ منا على موالاة اوليائك والبراءة
من اعدائك المكذبين بيوم الدين والناكثين بميثاقك وتوفنا على ذلك
واجعل لنا مع الرسول سبيلا واثبت لنا قدم صدق في الهجرة اليهم واجعل
محيانا خير المحيا ومماتنا خير الممات ومنقلبنا خير المنقلب على موالاة
اوليائك والبراءة من اعدائك حتى توفانا وانت عنا راض وقد اوجبت
لنا الخلود في جنتك برحمتك والمثوى في جوارك والانابة الى دار المقامة
من فضلك لا يمسنا فيها نصب ولا يمسنا فيها لغوب ربنا انك امرتنا
بطاعة ولاة امرك وامرتنا ان نكون مع الصادقين فقلت اطيعوا
الله واطيعوا الرسول واولي الامر منكم وقلت يا ايها الذين امنوا
اتقوا الله وكونوا مع الصادقين ربنا سمعنا واطعنا ربنا ثبت
اقدامنا وتوفنا مع الابرار مسلمين مصدقين لاوليائك
ولا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك
لا تخلف انت الوهاب ربنا امنا بك وصدقنا نبيك وواليناوليك

والاولياء من بعد نبيك وولیك مولى المؤمنين علي بن ابي طالب صلوات
الله عليه والامام الهادي من بعد الرسول النذير المنذر والسراج المنير ربنا
فكما كان من شانك ان جعلتنا من اهل الوفاء بعهدك بمنك علينا و
لطفك لنا فليكن من شانك ان تغفر لنا ذنوبنا وتكفر عنا سيئاتنا وتوفنا
مع الابرار ربنا واتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيمة انك لا
تخلف الميعاد ربنا امنا بك ووفينا بعهدك وصدقنا رسلك واتبعنا
ولاة الامر من بعد رسلك وواليننا اوليائك وعادينا اعدائك فاكتبنا
مع الشاهدين واحشرنا مع الائمة الهداة من آل محمد الرسول البشير النذير
امنا يا رب بسرهم وعلانيتهم وشاهدهم وغائبهم ومشاهدهم وحيهم
وميتهم ورضينا بهم ائمة وسادة وقادة لا نبتغي بهم بدلا ولا نتخذ من
دونهم ولايج ابدا ربنا فاحينا ما احييتنا على موالاتهم والبراءة من اعدائهم
والتسليم لهم والرد اليهم وتوفنا اذا توفيتنا على الوفاء لك ولهم وبالعهد
والميثاق والموالاة لهم والتصديق والتسليم لهم غير جاحدين ولا ناكثين
ولا مكذبين اللهم اني اسئلك بالحق الذي جعلته عندهم وبالذي فضلتهم
على العالمين جميعا ان تبارك لنا في يومنا هذا الذي اكرمتنا فيه بالوفاء لعهدك
الذي عهدت الينا والميثاق الذي واثقتنا به من موالاة اوليائك والبراءة

من اعدائك وتمن علينا بنعمتك وتجعله عندنا مستودعا فانك قلت فمستقر
ومستودع فاجعله مستقرا ثابتا وارزقنا نصر دينك مع ولي هاد من اهل
بيت نبيك قائما رشيدا هاديا مهديا من الضلالة الى الهدى واجعلنا تحت
رايته وفي زمرته شهداء صادقين مقتولين في سبيلك وعلى نصرة دينك
پس فرمود که پس حاجتهای دنیا و آخرت خود را سؤال میکنی که والله سه مرتبه
قسم یاد نمود که البته برآورده میشود و در این روز سستی و تکاهل مکن در
امور خیر و سبقت و مسارعت کن در کردن خیرات ابن طاوس از صادق علیه السلام
روایت نموده که فرموده هر که در این روز دو رکعت نماز بگذارد در هر وقتی که
خواهد بهتر آنست که نزدیک زوال باشد پس از ان سجده کند وچون سر از سجود
بردارد این دعا بخواند اللهم اني اسئلك بان لك الحمد وحدك لا شريك لك وانك
واحد احد صمد لم تلد ولم تولد ولم يكن لك كفوا احد وان محمدا عبدك و
رسولك صلواتك عليه وآله يا من هو كل يوم في شان كما كان من شانك
ان تفضلت علي بان جعلتني من اهل اجابتك واهل دينك واهل دعوتك و
وفقتني لذلك في مبتدا خلقي تفضلا منك وكرما وجودا ثم اردفت الفضل
فضلا والجود جودا والكرم كرما رافة منك ورحمة الى ان جددت ذلك
العهد لي تجديدا بعد تجديدك خلقي وكنت نسيا منسيا ناسيا ساهيا غافلا

تممت نعمتك بان ذكرتني ذلك ومننت به علي وهديتني له فليكن من شانك
يا الهي وسيدي ومولاي ان تتم لي ذلك ولا تسلبنيه حتى تتوفاني على ذلك
وانت عني راض فانك احق المنعمين ان تتم لي ذلك نعمتك علي اللهم سمعنا و
اطعنا واجبنا داعيك بمنك فلك الحمد غفرانك ربنا واليك المصير امنا بالله وحده
لا شريك له وبرسوله محمد صلى الله عليه واله وصدقنا واجبنا داعي الله واتبعنا
الرسول في موالاة مولانا ومولى المؤمنين امير المؤمنين علي بن ابي طالب عبد الله
واخي رسوله والصديق الاكبر والحجة على بريته المؤيد به نبيه ودينه
الحق المبين علما لدين الله وخازنا لعلمه وعيبة غيب الله وموضع
سر الله وامين الله على خلقه وشاهده في بريته اللهم ربنا اننا سمعنا
مناديا ينادي للايمان ان امنوا بربكم فامنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا
وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا واتنا ما وعدتنا على
رسلك ولا تخزنا يوم القيمة انك لا تخلف الميعاد فانا يا ربنا بمنك
ولطفك اجبنا داعيك واتبعنا الرسول وصدقنا مولى المؤمنين
وكفرنا بالجبت والطاغوت فولنا ما تولينا واحشرنا مع ائمتنا فانا
بهم مؤمنون موقنون ولهم مسلمون امنا بسرهم وعلانيتهم وشاهدهم
وغائبهم وحيهم وميتهم ورضينا بهم ائمة وقادة وسادة وحسبنا

بهم بيننا وبين الله دون خلقه لا نبتغي بهم بدلا ولا نتخذ من دونهم وليجة
وبرئنا الى الله من كل من نصب لهم حربا من الجن والانس من الاولين والاخرين
وكفرنا بالجبت والطاغوت والاوثان الاربعة واشياعهم واتباعهم وكل
من والاهم من الجن والانس من اول الدهر الى اخره اللهم انا نشهدك
انا ندين بما دان به محمد وال محمد صلى الله عليه وعليهم وقولنا ما قالوا
وديننا ما دانوا به ما قالوا به قلنا وما دانوا به دنا وما انكروا انكرنا
ومن والوا والينا ومن عادوا عادينا ومن لعنوا لعنا ومن تبرؤا منه
تبرانا منه ومن ترحموا عليه ترحمنا عليه امنا وسلمنا ورضينا واتبعنا
موالينا صلوات الله عليهم اللهم فتمم لنا ذلك ولا تسلبناه واجعله
مستقرا ثابتا عندنا ولا تجعله مستعارا واحينا ما احييتنا عليه وامتنا
اذا امتنا عليه ال محمد ائمتنا فبهم نأتم واياهم نوالي وعدوهم عدو
الله نعادي فاجعلنا معهم في الدنيا والاخرة من المقربين فانا بذلك
راضون يا ارحم الراحمين پس سجده كند وصد نوبت حمد خدا كند وصد نوبت
شكر كند چنان باشد كه در اين روز در خدمت رسول خدا حاضر شده باشد
وبا آنحضرت در خلافت امير عليه السلام بيعت كرده باشد واو را در جميع منزلت
گروهي باشد از صادقان كه تصديق خدا ورسول كرده اند ودر اين روز

در ولایت مولای خود امیر ع و چنان باشد که با رسول خدا ص و امیر المؤمنین
و حسن و حسین علیهم السلام شهید شده باشد و همچنین او را ثواب گروهی باشد
که رو همه از نجبا و نقبا کرده در زیر رایت و علم صاحب الامر ع و در زیر خیمه او
حاضر شده باشند و در این روز زیارت حضرت امیر ع فضیلت بسیار دارد
از امام جعفر صادق ع که فرمود هرگاه در روز عید غدیر نزد قبر شریف
آنحضرت باشی نزدیک قبر آنحضرت برو بعد از نماز و دعا و اگر در شهرهای
دیگر باشی رو کن و اشاره کن بجانب قبر آنحضرت بعد از نماز و دعا اینست
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ وَلِیِّکَ وَاَخی نَبِیِّکَ وَوَزیرِهِ وَحَبیبِهِ وَخَلیلِهِ وَمَوْضِعِ سِرِّهِ
وَخِیَرَتِهِ مِنْ اُسْرَتِهِ وَوَصِیِّهِ وَصَفْوَتِهِ وَخالِصَتِهِ وَاَمینِهِ وَوَلِیِّهِ وَ
اَشْرَفِ عِتْرَتِهِ الَّذینَ آمَنُوا بِهِ وَاَبی ذُرِّیَّتِهِ وَبابِ حِکْمَتِهِ وَالنّاطِقِ بِحُجَّتِهِ
وَالدّاعی اِلیٰ شَریعَتِهِ وَالْماضی عَلیٰ سُنَّتِهِ وَخَلیفَتِهِ عَلیٰ اُمَّتِهِ سَیِّدِ الْمُسْلِمینَ
وَاَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَقائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلینَ اَفْضَلَ ما صَلَّیْتَ عَلیٰ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ
وَاَصْفِیائِکَ وَاَوْصِیاءِ اَنْبِیائِکَ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَشْهَدُ اَنَّهُ قَدْ بَلَّغَ عَنْ نَبِیِّکَ
صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ ما حُمِّلَ وَرَعیٰ مَا اسْتُحْفِظَ وَحَفِظَ مَا اسْتُودِعَ وَحَلَّلَ
حَلالَکَ وَحَرَّمَ حَرامَکَ وَاَقامَ اَحْکامَکَ وَدَعا اِلیٰ سَبیلِکَ وَوالیٰ اَوْلِیائَکَ
وَعادیٰ اَعْدائَکَ وَجاهَدَ النّاکِثینَ عَنْ سَبیلِکَ وَالْقاسِطینَ وَالْمارِقینَ

عَنْ اَمْرِکَ صابِراً مُحْتَسِباً مُقْبِلاً غَیْرَ مُدْبِرٍ لا تَأْخُذُهُ فِی اللّٰهِ لَوْمَةُ لائِمٍ حَتّیٰ
بَلَغَ فی ذٰلِکَ الرِّضا وَسَلَّمَ اِلَیْکَ الْقَضاءَ وَعَبَدَکَ مُخْلِصاً وَنَصَحَ لَکَ مُجْتَهِداً
حَتّیٰ اَتاهُ الْیَقینُ فَقَبَضْتَهُ اِلَیْکَ شَهیداً سَعیداً وَلِیّاً تَقِیّاً رَضِیّاً زَکِیّاً
هادِیاً مَهْدِیّاً اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَیْهِ اَفْضَلَ ما صَلَّیْتَ عَلیٰ اَحَدٍ مِنْ اَنْبِیائِکَ
وَاَصْفِیائِکَ یا رَبَّ الْعالَمینَ بدانکه زیارت طویلی برای این روز در کتب علما
از امام حسن عسکری ع نقل نموده اند اگر کسی آنرا خواهد بکتب مزار رجوع نماید
و زیارتی که بعد از این در مولد می آید بهترین زیارات آنحضرت است و در این
روز بر قول بعضی با حضرت امیر ع بعد از قتل عثمان بیعت خلافت واقع شد
و در این روز حضرت امیر ع انگشتر در نماز تصدق نمود و آیه امامت
شان آنجناب نازل شد و این حکایت تصدق خاتم و نزول آیه کریمه
در شان آنحضرت از متواترات است و علمای خاصه و اکثر علمای عامه در آن اختلافی
نکرده اند بلکه روایات متعدده و اسانید متکثره در کتب معتبره خود ایراد نموده اند
و متعصبین ایشان چون ثعلبی و زمخشری در تفسیر خود ایراد نموده اند
نزول این آیه در شان آنحضرت بنا بر این مؤمنان قدر این روز را بدانند
و حرمت آنرا رعایت کنند و بعضی از علما روزه این روز را
سنت دانسته اند و از حضرت صادق ع طریق این دو رکعت نماز آنست که بخواند

در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ قل هو الله ده نوبت و آیة الکرسی تا هم خالدون
ده نوبت و انا انزلناه ده نوبت برابر باشد این عمل و نزد حق تعالی با صد
هزار حج و صد هزار عمره و از حق تعالی سؤال نکنند حاجتی از حاجتهای دنیا
و آخرت را مگر آنکه حق تعالی برآورد آن حاجت را برای او و هر کو را حاجتی
که باشد ان شاء الله تعالی و بدانکه مشهور آنست که این روز روز مباهله نیز
هست و بعضی روز بیست و پنجم این ماه را گفته اند و قول اول اشهر است
و بدانکه دعای روز مباهله در فصل ماه رمضان گذشت و این دعا دعائیست
سریع الاجابه و در کتب معتبره حدیث از حضرت صادق ع روایت شده
که امام محمد باقر ع میفرمود که اگر بگویم که در این دعا اسم اعظم داخل است
راست گفته ام و اگر بدانند مردم آنچه در این دعاست از اجابت و برآمدن
حاجات هر آینه اضطراب کنند در تعلم این دعا و میفرمود که من این دعا را
پیش از حاجات خود میخوانم پس حاجات من برآورده میشود و این دعای
مباهله است و بدرستی که جبرئیل نازل شد بر پیغمبر ص و خبر داد او را
باین دعا و گفت بیرون میروی تو با وصی خود و دو سبط خود و دختر
خود و با قوم خود مباهله میکنی و این دعا میخوانی و بپوشانید از کسانیکه
اهلش نباشد **شب بیست و پنجم** در این شب حضرت امیر ع و حضرت فاطمه و حسنین

علیهم السلام تصدق کردند بر مسکین و یتیم و اسیر و در روز بیست و ششم هل اتی در ذکر
منقبت آل عبا نازل شد کیفیت صدقه دادن اهل بیت و نزول مائده برای
ایشان و نازل کردن هل اتی در احادیث مختلف واقع شده و تفصیل آن
مناسب این رساله نبود اکتفا بهمین نمودیم **روز بیست و هفتم** در بعضی از روایات
چنین ظاهر میشود که در این روز امام علی نقی ع متولد شده **فصل چهارم در**
اعمال ماه محرم بدانکه ماه محرم آخر اشهر حرم است و پیوسته در جاهلیت از حرمت
میداشته اند و حرب و قتال را در آن حرام میدانسته اند و لهذا آنرا محرم
مینامند از علی بن موسی الرضا ع در حدیث معتبر وارد شده که آنحضرت به
ریان بن شبیب فرمود که ای پسر شبیب بدرستی که محرم ماهیست که اهل جاهلیت
در آن حرام میدانستند ظلم و قتال را برای حرمت آن پس نشناختند این امت
حرمت این ماه را و نه حرمت پیغمبر خدا را ص بدرستیکه شهید کردند در این
ماه ذریت آنحضرت را و اسیر کردند زنان او را و غارت کردند اسباب او را
پس خدا نیامرزد این را برای ایشان هرگز ای پسر شبیب اگر برای چیزی گریه
کنی از برای حسین ع گریه کن که او را مانند گوسفند سر بریدند و کشته شد
با آنحضرت از اهل بیت او هجده مرد که در زمین شبیه خود نداشتند و بتحقیق
که آسمانهای هفت گانه و زمینها برای شهادت آنحضرت گریستند و بدرستی که

که چهار هزار ملک بسوی زمین فرود آمدند برای یاری او وقتی رسیدند
که او شهید شده بود پس ایشان نزد قبر آنحضرت اند ژولیده مو و گرد آلوده
تا آنکه قایم آل محمد علیه السلام ظاهر شود پس یاوران آنحضرت خواهند بود و
شعار ایشان در جنگ این خواهد بود که یا لثارات الحسین یعنی گروهی که طلب
خون حسین ع میکنند ای پسر شبیب مرا خبر داد پدرم از جدش که چون
شهید شد جدم حسین ع آسمان خون و خاک سرخ بارید ای پسر شبیب
اگر گریه کنی بر حسین ع تا آب دیده تو بر روی تو جاری شود حق تعالی هر گناه
صغیره و کبیره ترا بیامرزد ای پسر شبیب خواهی در قیامت هیچ گناه بر تو نباشد
زیارت آنحضرت بکن ای پسر شبیب اگر خواهی در غرفهای بهشت با رسول خدا
و آل او ساکن شوی لعنت کن بر قاتلان آنحضرت ای پسر شبیب اگر خواهی که
مثل ثواب کسی داشته باشی که با آنحضرت شهید شده باشد پس هر گاه که او را
یاد کنی بگو یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزا عظیما ای پسر شبیب اگر خواهی که در درجات
عالیه بهشت با ما باشی محزون باش از برای حزن ما و شاد باش از برای شادی ما
بر تو باد بمحبت و ولایت ما که اگر مردی سنگی را دوست دارد خدا او را با آن محشور
گرداند در قیامت بسند معتبر از صادق ع که هر که مهموم و مغموم باشد برای
ستمی که بر ما رفته است هر نفسی که کشد تسبیح در نامه عملش نوشته شود و غم

او برای

او برای ما عبادت باشد و سر ما را پنهان داشتن از دشمنان ما ثواب
جهاد فی سبیل الله دارد پس آنحضرت فرمود که باید این حدیث با آب طلا
نوشته شود **روز اول** شیخ صدوق و شیخ مفید ذکر نموده اند که روز
اول محرم حق تعالی دعای زکریا ع را مستجاب کرد اینست پس هر که خواهد که
حق تعالی دعای او را مستجاب گرداند مستحب است که این روز را روزه دارد
ابن طاوس از امام رضا ع از پدران از اجداد آبا طاهرین خود علیهم السلام که
در روز اول محرم دو رکعت نماز میگذارد و چون فارغ میشد دستهای خود
برمیداشت و سه نوبت این دعا میخواند اللّهمّ انت الاله القدیم وهذه
سنة جديدة فاسئلك فيها العصمة من الشيطان والقوة على هذه النفس
الامارة بالسوء والاشتغال بما تقربني اليك يا كريم يا ذا الجلال والاكرام
يا عماد من لا عماد له يا ذخيرة من لا ذخيرة له يا حرز من لا حرز له يا
غياث من لا غياث له يا سند من لا سند له يا كنز من لا كنز له يا حسن
البلاء يا عظيم الرجاء يا عز الضعفاء يا منقذ الغرقى يا منجي الهلكى يا منعم
يا مجمل يا مفضل يا محسن انت الذي سجد لك سواد الليل ونور النهار
وضوء القمر وشعاع الشمس ودوي الماء وحفيف الشجر يا الله لا شريك
لك اللهم اجعلنا خيرا مما يظنون واغفر لنا ما لا يعلمون ولا تؤاخذنا

بما یقولون حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم آمنّا
به کل من عند ربنا و ما یذکر الا اولوا الالباب ربنا لا تزغ قلوبنا
بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب
از این دعا ظاهر میشود که محرم اول سال باشد و از بعض احادیث ظاهر
میشود که ماه رمضان باشد و در بعض احادیث ظاهر میشود که شب
قدر شب اول سال است و این اخبار با یکدیگر منافاتی ندارد زیرا که اول سال
تاریخ و معاملات ماه محرم است و اول سال طاعت و عبادت و بندگی
ماه رمضان است و اول سال و تقدیر و قضا شب قدر است **روز سیم** شیخ
مفید و جماعتی از علما ذکر نموده اند که روز سیم محرم روزیست که یوسف ع
در آن روز از چاه خلاصی یافت پس هر که این روز را روزه دارد حق تعالی کار
دشوار او را آسان گرداند و او را از هر شدت فرجی کرامت فرماید شیخ طوسی
بسند معتبر از امام جعفر صادق ع روایت نموده که هر که شب عاشورا نزد قبر
امام حسین ع بماند تا صبح در روز قیامت خدا را ملاقات کند آلوده بخون
خود و چنان باشد که در عرصه کربلا با آنحضرت شهید شده باشد **روز دهم**
این روز مصیبت و ماتم شیعیان است باید که در این روز مشغول تعزیت حضرت
سید الشهدا باشند و از مشاغل دنیوی احتراز نمایند و تا بعد از عصر روزه

باشد و از روی حزن و اندوه امساک کنند و چیزی نخورند و از مطعومات لذیذ
اجتناب نمایند بسند موثق از علی بن موسی الرضا ع که هر که ترک کند سعی در
حاجتهای دنیا و آخرت او را بر آورد و هر که روز عاشورا روز مصیبت و حزن
و گریه کند حق تعالی روز قیامت را روز فرح و سرور و شادی او گرداند
و دیده اش در بهشت بما روشن گردد و هر که روز عاشورا روز برکت نام
کند و در خانه خود چیزی کند برکت نیابد و محشور شود در قیامت با یزید
و عبید الله بن زیاد و عمر بن سعد در پست ترین درکات جهنم بدانکه نهی
از روزه داشتن و چیزی ذخیره کردن در این روز که در احادیث وارد شده
گویا مراد آن باشد که روزه تمام این روز را برای تعظیم و تکریم این روز و آذوقه
سال را در این روز جمع نکنند از برای مبارکی این روز چنانچه اکال در مکه و شام
متعارفست و در این روز زیارت آنحضرت فضیلت بسیار دارد بسند صحیح
از صادق ع که هر که حسین ع را زیارت کند در روز عاشورا و عارف بحق
آنحضرت باشد چنانست که خدا را در عرش عبادت کرده باشد و در چند حدیث
معتبر دیگر فرموده که هر که آنحضرت را روز عاشورا زیارت کند چنانست که
در پیش آنحضرت شهید شده باشد و در خون خود غلطیده باشد و همچنین
بر زیارت کننده آنحضرت بهشت واجب شود بسند معتبر از امام محمد باقر ع

که هر که زیارت کند حسین ع را روز دهم محرم مانند کسی است که در خون آن حضرت کریان شود
ملاقات کند خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار هزار حج و دو هزار هزار عمره
و دو هزار هزار جهاد که هر یک را با رسول خدا و ائمه ع کرده باشد مالک گفت
فدای تو شوم چه ثواب است برای کسی که در شهرهای دور باشد و ممکن
نباشد او را رفتن فرمود که چون روز عاشورا در آید بیرون رود بسوی
صحرا یا بالای بام بلندی در خانه خود و اشاره کند بسوی آنحضرت بسلام و
جهد کند در نفرین کردن بر قاتل آنحضرت و بعد از آن دو رکعت نماز بگذارد
و بکند این کار را در اول روز پیش از پیشین پس ندبه و نوحه و گریه کند بر
حسین ع و امر کند هر که در خانه اوست و از و تقیه نکند بگریه کردن برای حضرت
و در خانه خود مصیبتی بر پا دارد و باظهار جزع بر آنحضرت و ملاقات کنند بعضی
از ایشان بعضی را بمصیبت آنحضرت پس من ضامنم بر خدا که هر گاه این کار را بکنند
جمیع ثوابها را بایشان عطا فرماید مالک گفت تو ضامنی و کفیلی از برای
ایشان باین ثواب فرمود که بلی پرسید که چگونه یکدیگر را تعزیت بگویند
فرمود که میگویند عَظَّمَ اللّٰهُ اُجُورَنا بِمُصابِنا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ وَجَعَلَنا
وَاِيّاكُمْ مِنَ الطّالِبِينَ بِثارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْاِمامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلامُ
و اگر توانی در این روز از برای هیچ کار از خانه بیرون مرو که آن روز نحسی است

که حاجت هیچ مؤمنی در آن روز بر آورده نمیشود و اگر بر آورده شود از برای او
مبارک نیست و در آن خیری و رشدی نخواهد دید و ذخیره مکن از برای منزل
خود چیزی که هر که در این روز از برای منزل خود چیزی ذخیره کند از برای او مبارک
نیست آنچه ذخیره کرده است و اهلش که از برای ایشان ذخیره کرده است مبارک
نخواهد بود از برای او پس هر کس که چنین کند از برای او نوشته شود ثواب
هزار هزار حج و هزار هزار عمره و هزار هزار جهاد که همه با رسول خدا ص باشد و
از برای او خواهد بود ثواب مصیبت هر پیغمبری و رسولی و صدیقی و شهیدی
که مرده باشد یا کشته شده باشد از وقتی که خدا دنیا را خلق کرده تا روز قیامت
علقمة بن محمد گفت که من گفتم بحضرت امام محمد باقر ع که تعلیم فرما بمن دعائی که بخوانم در این
روز هر گاه خواهم که آنحضرت را زیارت کنم از نزدیک و دعائی که در شهرهای
دور که خواهم که اشاره کنم و آنحضرت را زیارت کنم فرمود که ای علقمه هر گاه بکنی
آن دو رکعت را بعد از آنکه اشاره کرده باشی بجانب آنحضرت بسلام و گفته
باشی بعد از اشاره قضا آن قولی را که مذکور خواهد شد پس دعا کرده خواهی بود
بدعائی که ملائکه میخوانند در وقتی که زیارت آنحضرت میکنند و مینویسد خدای
برای تو بآن زیارت هزار هزار حسنه و محو میکند از تو هزار هزار گناه و بلند میکند
از برای تو در بهشت هزار هزار درجه و خواهی بود از آنها که شهید شده باشند

با حسین ع تا آنکه شریک شوی با ایشان در درجات ایشان و نشناسند ترا
مگر آنها که با آنحضرت شهید شده اند و نوشته شود برای تو ثواب هر پیغمبری
و رسول و ثواب زیارت هر که آنحضرت را زیارت کرده باشد از روزی که شهید
شده پس میگوئی السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک یا ابن رسول
الله السلام علیک یا ابن امیر المؤمنین السلام علیک یا حسین بن علی و ابن
سید الوصیین السلام علیک یا ابن فاطمة الزهراء سیدة نساء العالمین
السلام علیک یا ثار الله و ابن ثاره و الوتر الموتور السلام علیک
و علی الارواح التی حلت بفنائک و اناخت برحلک علیکم منی جمیعا
سلام الله ابدا ما بقیت و بقی اللیل و النهار یا ابا عبد الله لقد عظمت
الرزیة و عظمت المصیبة بک علینا و علی جمیع اهل الاسلام و جلت و
عظمت مصیبتک فی السموات علی جمیع اهل السموات فلعن الله امة
اسست اساس الظلم و الجور علیکم اهل البیت و لعن الله امة دفعتکم
عن مقامکم و ازالتکم عن مراتبکم التی رتبکم الله فیها و لعن الله امة قتلتکم
و لعن الله الممهدین لهم بالتمکین من قتالکم برئت الی الله و الیکم منهم
و من اشیاعهم و اتباعهم و اولیائهم یا ابا عبد الله انی سلم لمن سالمکم
و حرب لمن حاربکم الی یوم القیمة و لعن الله آل زیاد و آل مروان

و لعن الله بنی امیة قاطبة و لعن الله ابن مرجانة و لعن الله عمر بن سعد
و لعن الله شمرا و لعن الله امة اسرجت و الجمت و تنقبت و تهیأت
لقتالک بابی انت و امی لقد عظم مصابی بک فاسأل الله الذی اکرم
مقامک و اکرمنی بک ان یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور من اهل
بیت محمد صلی الله علیه و آله اللهم اجعلنی عندک وجیها بالحسین
فی الدنیا و الآخرة یا ابا عبد الله انی اتقرب الی الله و الی رسوله و
الی امیر المؤمنین و الی فاطمة و الی الحسن و الیک بموالاتک و بالبراءة
ممن قاتلک و نصب لک الحرب و بالبراءة ممن اسس اساس الظلم و
الجور علیکم و ابرء الی الله و الی رسوله ممن اسس اساس ذلک و بنی
علیه بنیانه و جری فی ظلمه و جوره علیکم و علی اشیاعکم برئت الی الله
و الیکم منهم و اتقرب الی الله ثم الیکم بموالاتکم و موالاة ولیکم و بالبراءة
من اعدائکم و الناصبین لکم الحرب و بالبراءة من اشیاعهم و اتباعهم
انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم و ولی لمن والاکم و عدو لمن
عاداکم فاسأل الله الذی اکرمنی بمعرفتکم و معرفة اولیائکم و رزقنی
البراءة من اعدائکم ان یجعلنی معکم فی الدنیا و الآخرة و ان یثبت لی
عندکم قدم صدق فی الدنیا و الآخرة و اسأله ان یبلغنی المقام

المحمود الذي هو لكم عند الله وأن يرزقني طلب ثاري مع امام مهدي
ظاهر ناطق منكم واسأل الله بحقكم وبالشأن الذي لكم عنده أن يعطيني
بمصابي بكم أفضل ما يعطي مصابا بمصيبته مصيبة ما أعظمها وأعظم
رزيتها في الاسلام وفي جميع أهل السموات والأرض اللهم اجعلني
في مقامي هذا ممن تناله منك صلوات ورحمة ومغفرة اللهم اجعل
محياي محيا محمد وآل محمد ومماتي ممات محمد وآل محمد اللهم ان هذا
يوم تبركت به بنو امية وابن آكلة الأكباد اللعين ابن اللعين على لسان
نبيك صلى الله عليه وآله في كل موطن وموقف وقف فيه نبيك
صلى الله عليه وآله اللهم العن أبا سفيان ومعاوية بن أبي سفيان
ويزيد بن معاوية عليهم منك اللعنة أبد الآبدين وهذا يوم فرحت
به آل زياد وآل مروان بقتلهم الحسين صلوات الله عليه اللهم فضاعف
عليهم اللعن منك والعذاب اللهم اني أتقرب اليك في هذا اليوم
وفي موقفي هذا وأيام حياتي بالبراءة منهم واللعنة عليهم وبالموالاة
لنبيك وآل نبيك عليهم السلام پس صد نوبت میگوئی اللهم العن
أول ظالم ظلم حق محمد وآل محمد وآخر تابع له على ذلك
اللهم العن العصابة التي جاهدت الحسين ع وشايعت وبايعت

على قتله

على قتله اللهم العنهم جميعا پس صد نوبت میگوئی السلام عليك يا أبا عبد الله
وعلى الأرواح التي حلت بفنائك وأناخت برحلك عليك مني سلام
الله أبدا ما بقيت وبقي الليل والنهار ولا جعله الله آخر العهد مني
لزيارتكم السلام على الحسين وعلى علي بن الحسين وعلى أصحاب الحسين
پس میگوئی اللهم خص أنت أول ظالم باللعن مني وابدأ به أولا ثم الثاني
ثم الثالث ثم الرابع اللهم العن يزيد بن معاوية خامسا والعن عبيد
الله بن زياد وابن مرجانة وعمر بن سعد وشمرا وآل أبي سفيان وآل زياد
وآل مروان الى يوم القيامة پس بسجده میروی و میگوئی اللهم لك الحمد
حمد الشاكرين لك على مصابهم الحمد لله على عظيم رزيتي اللهم ارزقني شفاعة
الحسين عليه السلام يوم الورود وثبت لي قدم صدق عندك
مع الحسين وأصحاب الحسين الذين بذلوا مهجهم دون الحسين عليه السلام
علقمه گفت اگر تواني هر روز این حضرت را باین کیفیت زیارت کنی بکن امام محمد
باقر ع فرمود که جمیع این ثوابها از برای تو خواهد بود و روایت کرد محمد بن
خالد طیالسی از سیف بن عمیره که گفت من با صفوان بن مهران جمال و جماعتی
از اصحاب خود رفتیم بسوی نجف بعد از آنکه حضرت صادق ع بیرون رفته
بودند از حیره بمدینه پیش از ما پس چون از زیارت حضرت امیر ع فارغ

شدیم صفوان روی خود را گردانید بسوی قبر حسین ع و گفت زیارت
کنید امام حسین ع را از این مکان از بالای سر امیر ع که حضرت امام جعفر ع
چنین کرد در وقتی که من در خدمت آنحضرت باین مکان شریف آمده
بودم پس خواند صفوان آن زیارت را که علقمه از محمد باقر ع برای روز
عاشورا روایت کرده پس دو رکعت نماز کرد نزد سر امیر ع و وداع کرد بعد از
نماز امیر ع و رو بجانب قبر حسین ع کرد و آنحضرت را باین وداع کرد و از
جمله دعا که بعد از آن دو رکعت خواند این دعا بود یا الله یا الله یا الله
یا مجیب دعوة المضطرین یا کاشف کرب المکروبین یا غیاث المستغیثین
ویا صریخ المستصرخین ویا من هو اقرب الی من حبل الورید ویا من یحول
بین المرء وقلبه ویا من هو بالمنظر الاعلی وبالافق المبین ویا من هو الرحمن
الرحیم علی العرش استوی ویا من یعلم خائنة الاعین وما تخفی الصدور
ویا من لا یخفی علیه خافیة ویا من لا تشتبه علیه الاصوات ویا من
لا تغلطه الحاجات ویا من لا یبرمه الحاح الملحین یا مدرک کل فوت
ویا جامع کل شمل ویا بارئ النفوس بعد الموت یا من هو کل یوم هو فی
شأن یا قاضی الحاجات یا منفس الکربات یا معطی السؤلات یا ولی الرغبات
یا کافی المهمات یا من یکفی من کل شیء ولا یکفی منه شیء فی السموات والارض

أسألك بحق محمد وعلي وبحق فاطمة بنت نبيك وبحق الحسن والحسين فإني
بهم أتوجه إليك في مقامي هذا وبهم أتوسل وبهم أتشفع إليك
وبحقهم أسألك وأقسم وأعزم عليك وبالشأن الذي لهم عندك وبالقدر
الذي لهم عندك وبالذي فضلتهم على العالمين وباسمك الذي جعلته عندهم
وبه خصصتهم دون العالمين وبه أبنتهم وأبنت فضلهم من فضل العالمين حتى
فاق فضلهم فضل العالمين أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تكشف عني
غمي وهمي وكربي وتكفيني المهم من أموري وتقضي عني ديني وتجيرني من
الفقر وتجيرني من الفاقة وتغنيني عن المسألة إلى المخلوقين وتكفيني هم
من أخاف همه وعسر من أخاف عسره وحزونة من أخاف حزونته
وشر من أخاف شره ومكر من أخاف مكره وبغي من أخاف بغيه وجور
من أخاف جوره وسلطان من أخاف سلطانه وكيد من أخاف كيده و
مقدرة من أخاف بلاء مقدرته علي وترد عني كيد الكيدة ومكر المكرة
اللهم من أرادني فأرده ومن كادني فكده واصرف عني كيده ومكره و
بأسه وأمانيه وامنعه عني كيف شئت وأنى شئت اللهم اشغله عني
بفقر لا تجبره وببلاء لا تستره وبفاقة لا تسدها وبسقم لا تعافيه
وذل لا تعزه وبمسكنة لا تجبرها اللهم اضرب بالذل نصب عينيه

وأدخل عليه الفقر في منزله والعلة والسقم في بدنه حتى تشغله عني
بشغل شاغل لا فراغ له وأنسه ذكري كما أنسيته ذكرك وخذ عني
بسمعه وبصره ولسانه ويده ورجله وقلبه وجميع جوارحه وأدخل
عليه في جميع ذلك السقم ولا تشفه حتى تجعل ذلك له شغلاً شاغلاً
به عني وعن ذكري واكفني يا كافي ما لا يكفي سواك فإنك الكافي لا
كافي سواك ومفرج لا مفرج سواك ومغيث لا مغيث سواك وجار
لا جار سواك خاب من كان جاره سواك ومغيثه سواك ومفزعه
إلى سواك ومهربه وملجأه إلى غيرك ومنجاه من مخلوق غيرك فأنت
ثقتي ورجائي ومفزعي ومهربي وملجائي فبك أستفتح وبك
أستنجح وبمحمد وآل محمد أتوجه إليك وأتوسل وأتشفع فأسألك
يا الله يا الله يا الله فلك الحمد ولك الشكر وإليك المشتكى وأنت
المستعان فأسألك يا الله بحق محمد أن تصلي على محمد وآل محمد و
أن تكشف عني غمي وهمي وكربي في مقامي هذا كما كشفت عن
نبيك همه وغمه وكربه وكفيته هول عدوه فاكشف عني كما
كشفت عنه وفرج عني كما فرجت عنه واكفني كما كفيته واصرف عني
هول ما أخاف هوله ومؤنة ما أخاف مؤنته وهم ما أخاف همه

بلا مؤنة على نفسي من ذلك واصرفني بقضاء حوائجي وكفاية ما أهمني
همه من أمر آخرتي ودنياي يا أمير المؤمنين ويا أبا عبد الله عليكما مني
سلام الله أبداً ما بقي الليل والنهار ولا جعله الله آخر العهد من
زيارتكما ولا فرق الله بيني وبينكما اللهم أحيني محيا محمد وذريته
وأمتني مماتهم وتوفني على ملتهم واحشرني من زمرتهم ولا تفرق
بيني وبينهم طرفة عين أبداً في الدنيا والآخرة يا أمير المؤمنين ويا
أبا عبد الله أتيتكما زائراً ومتوسلاً إلى ربي وربكما ومتوجهاً
إليه بكما ومستشفعاً بكما إلى الله في حاجتي هذه فاشفعا لي فإن
لكما عند الله المقام المحمود والجاه الوجيه والمنزل الرفيع والوسيلة
إني أنقلب عنكما منتظراً لتنجز الحاجة وقضائها ونجاحها من الله
بشفاعتكما لي إلى الله في ذلك فلا أخيب ولا يكون منقلبي منقلباً
خائباً خاسراً بل يكون منقلبي منقلباً راجحاً مفلحاً منجحاً مستجاباً لي
بقضاء جميع حوائجي وتشفعا لي إلى الله انقلبت على ما شاء الله و
لا حول ولا قوة إلا بالله مفوضاً أمري إلى الله ملجئاً ظهري إلى الله
متوكلاً على الله وأقول حسبي الله وكفى سمع الله لمن دعا ليس لي
وراء الله ووراءكم يا سادتي منتهى ما شاء ربي كان وما لم يشأ

لم يكن ولا حول ولا قوة الا بالله استودعكما الله ولا جعله الله اخر العهد منى
اليكما انصرفت يا سيدى يا امير المؤمنين ومولاى وانت يا ابا عبد الله
يا سيدى وسلامى عليكما متصل ما اتصل الليل والنهار واصل ذلك
اليكما غير محجوب عنكما سلامى ان شاء الله واسأله بحقكما ان يشاء ذلك
ويفعل فانه حميد مجيد انقلبت يا سيدى عنكما تائبا حامدا لله شاكرا راجيا
لله جابر غير آيس ولا قانط آئبا عائدا راجعا الى زيارتكما بل راجع غير راغب
عنكما ولا عن زيارتكما بل راجع عائد ان شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله
يا سادتى رغبت اليكما والى زيارتكما بعد ان زهد فيكما وفى زيارتكما
اهل الدنيا فلا خيبنى الله مما رجوت وما املت فى زيارتكما انه قريب مجيب
وهركه در روز قتل این دعا بخواند یقین داند که در آن سال وفات نخواهد
کرد ودر سالی که وفات کند توفیق خواندن این دعا نیابد بسم الله الرحمن الرحیم
سبحان الله ملأ المیزان ومنتهى العلم ومبلغ الرضا وزنة العرش لا ملجأ و
لا منجا من الله الا الیه سبحان الله عدد الشفع والوتر وعدد کلمات التامات
برحمتک لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وهو حسبی ونعم الوکیل نعم
المولى ونعم النصیر وصلى الله على خیر خلقه محمد وآله اجمعین بعد از آن
ده مرتبه صلوات بفرست وبخوان این دعا را یا فارج کرب ذی النون یا

هو
این دعا از برای عمر درازی
در روز عاشورا بخوان

جامع

جامع شمل یعقوب یا کاشف ضر ایوب یا غافر ذنب داود یا سامع دعوة موسى
وهرون یا رحمن الدنیا والاخرة ورحیمهما صل وسلم علیهم وعلى جمیع الانبیاء
والمرسلین واقض حاجاتی فی الدنیا والاخرة وطول عمری فی طاعتک و
رضاک برحمتک یا ارحم الراحمین بسند حسن کالصحیح از عبد الله بن سنان که
گفت داخل شدم بر جعفر بن محمد ع در روز عاشورا آنحضرت را یافتم رنگ متغیر
واثر حزن واندوه وآب از دیدهای مبارکش میریخت مانند مروارید گفتم سبب
چیست شما را هرگز خدا نگریاند فرمود که آیا غافلی تو مگر نمیدانی که حسین بن علی
علیه السلم در مثل این روز شهید شد گفتم ای سید چه میفرمائی در روزه
آن فرمود روزه بدار بی آنکه شب نیت روزه کنی وافطار مکن بی از روی شماتت
وروز را تمام روزه مدار وافطار بعد از عصر کن بشربت آب بدرستی که
در مثل این وقت از این روز جنگ برطرف شد از آل رسول صلعم وکارزار
ایشان کشوده شد وسی کس از ایشان بر زمین کشته افتاده بودند با موالی
ایشان که بر رسول خدا کشتن هر یک از ایشان عظیم بود واگر در دنیا
می بود او را می بایست تعزیه بگوینه برای کشته شدن هر یک از ایشان
پس آنحضرت گریست آنقدر که ریش مبارکش از آب دیده اش تر شد پس فرمود
که بدرستی که حق تعالی نور را روز جمعه خلق کرد روز اول ماه مبارک رمضان

وظلمت را خلق کرد در روز چهارشنبه روز عاشورا و از برای هر یک راهی و
طریقه قرار داد ای عبد الله بن سنان بهترین کاری که در این روز بکنی آنست
که جامهای پاک بپوشی و بندهای خود را بگشائی و ساعد خود را تا مرفق بگشائی
مانند هیئت اصحاب مصیبت پس بروی صحرای خالی یا مکانی که کسی ترا نبیند
یا موضعی در منزل خود که خلوت باشد در وقتی که روز بلند شده باشد پس چهار رکعت
نماز بگذاری و رکوع و سجودش را نیکو بعمل آوری و بعد از هر دو رکعت سلام
بگوئی و در رکعت اول سوره حمد و قل یا ایها الکافرون و در رکعت دویم
سوره حمد و قل هو الله احد و در رکعت سیم سوره حمد و سوره احزاب و در رکعت
چهارم سوره حمد و سوره اذا جاءک المنافقون بخوانی یا هر سوره که میسر شود
از قرآن پس سلام بگوئی و رو بگردانی بجانب قبر امام حسین ع و متمثل سازی
از برای خود و در خاطر خود در آوری کشته شدن آنحضرت را و هر که با آنحضرت
بوده از فرزندان و اهل و سلام و صلوة فرستی بر آنحضرت و لعنت کنی بر قاتلان
و بیزاری بجوئی از کردهای ایشان تا بلند کند بسبب حق تعالی از برای تو در بهشت
درجهها و برطرف کند از تو گناهان بسیار پس راه روی از مکانی که هستی خواه صحرا
یا فضا یا غیر آنها چند گام و در این راه رفتن بگوئی انا لله و انا الیه راجعون رضا
بقضائه و تسلیما لامره و باید که در این حالت حزن و اندوه بسیار داشته باشی و ام

خدا بسیار کنی و انا لله و انا الیه راجعون بسیار بگو پس چون از راه رفتن
و از این فعل فارغ شوی بایست در موضعی که اول در آن نماز کردی و بگو
اللّهمّ عذّب الفجرة الّذين شاقّوا رسولك وحاربوا اولياءك وعبدوا
غيرك واستحلّوا محارمك والعن القادة والاتباع ومن كان منهم
فخبّ واوضع معهم او رضي بفعلهم لعنا كثيرا اللّهمّ وعجّل فرج آل محمّد
واجعل صلواتك عليهم واستنقذهم من ايدي المنافقين والمضلّين و
الكفرة الجاحدين وافتح لهم فتحا يسيرا واتح لهم روحا وفرجا قريبا
واجعل لهم من لدنك على عدوّك وعدوّهم سلطانا نصيرا پس دستها را
بردار بسوی آسمان و این دعا بخوان و قصد دشمنان آل محمد علیهم السلام
اللّهمّ انّ كثيرا من الامّة ناصبت المستحفظين من الائمّة وكفرت بالكلمة
وعكفت على القادة الظلمة وهجرت الكتاب والسنّة وعدلت عن الحبلين
اللّذين امرت بطاعتهما والتمسّك بهما فاماتت الحقّ وجارت عن القصد
ومالأت الاحزاب وحرّفت الكتاب وكفرت بالحقّ لمّا جاءها وتمسّكت
بالباطل لمّا اعترضها فضيّعت حقّك واضلّت خلقك وقتلت اولاد
نبيّك وخيرة عبادك وحملة علمك وورثة حكمتك ووحيك اللّهمّ
فزلزل اقدام اعدائك واعداء رسولك واهل رسولك اللّهمّ واخرب

ديارهم وافلل سلاحهم وخالف بين كلمتهم وفتّ في اعضادهم واوهن
كيدهم واضربهم بسيفك القاطع وارمهم بحجرك الدامغ وطمّهم بالبلاء
طمّا وقمّهم بالعذاب قمّا وعذّبهم عذابا نكرا وخذهم بالسنين والمثلات
التي اهلكت بها اعداءك انّك ذو نقمة من المجرمين اللهم انّ سنّتك
ضائعة واحكامك معطّلة وعترة نبيّك في الارض هائمة اللهم
فاعن الحقّ واهله واقمع الباطل واهله ومنّ علينا بالنجاة واهدنا
الى الايمان وعجّل فرجنا وانظمه بفرج اوليائك واجعلهم لنا ودّا
واجعلنا لهم وفدا اللهم واهلك من جعل يوم قتل ابن نبيّك و
خيرتك عيدا واستهلّ به فرحا ومرحا وخذ آخرهم كما اخذت اوّلهم
واضعف اللهم العذاب والتنكيل على ظالمي اهل بيت نبيّك واهلك
اشياعهم وقادتهم وابر حماتهم وجماعتهم اللهم وضاعف صلواتك
ورحمتك وبركاتك على عترة نبيّك العترة الضائعة الخائفة
المستذلّة بقيّة من الشجرة الطيّبة الزاكية المباركة واعل اللهم
كلمتهم وافلج حجّتهم واكشف البلاء واللأواء وحنادس الاباطيل و
العمى عنهم وثبّت قلوب شيعتهم وحزبك على طاعتك وولايتهم و
نصرتهم وموالاتهم واعنهم وامنحهم الصبر على الاذى فيك واجعل

لهم

لهم ايّاما مشهودة واوقاتا محمودة مسعودة يوشك فيها فرجهم
وتوجب فيها تمكينهم ونصرهم كما ضمنت لاوليائك في كتابك المنزل
فانّك قلت وقولك الحقّ وعد الله الذين آمنوا منكم وعملوا الصالحات
ليستخلفنّهم في الارض كما استخلف الذين من قبلهم وليمكّننّ لهم دينهم
الذي ارتضى لهم وليبدّلنّهم من بعد خوفهم امنا يعبدونني لا يشركون
بي شيئا اللهم اكشف غمّتهم يا من لا يملك كشف الضرّ الا هو يا واحد يا احد
يا حيّ يا قيّوم وانا يا الهي عبدك الخائف منك والراجع اليك السائل لك
المقبل عليك اللاجئ الى فنائك العالم بانّه لا ملجأ منك الا اليك اللهم
فتقبّل دعائي واسمع يا الهي علانيتي ونجواي واجعلني ممّن رضيت عمله
وقبلت نسكه ونجّيته برحمتك انّك انت العزيز الكريم اللهم وصلّ اوّلا
وآخرا على محمد وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد وبارك وارحم محمدا و
آل محمد باكمل وافضل ما صلّيت وباركت وترحّمت على انبيائك ورسلك
وملائكتك وحملة عرشك بلا اله الا انت اللهم ولا تفرّق بيني وبين
محمد وآل محمد صلواتك عليه وعليهم واجعلني يا مولاي من شيعة محمد
وعليّ وفاطمة والحسن والحسين وذرّيتهم الطاهرة المنتجبة وهب لي التمسّك
بحبلهم والرضا بسبيلهم والاخذ بطريقتهم انّك جواد كريم پس روى خود را

برسنین بمالی و بکو یا من یحکم ما یشاء و یفعل ما یرید انت حکمت فلک الحمد محموداً مشکوراً فعجّل یا مولای فرجهم و فرجنا بهم فانّک ضمنت اعزازهم بعد الذلّة و تکثیرهم بعد القلّة و اظهارهم بعد الخمول یا اصدق الصادقین و یا ارحم الراحمین فاسئلک یا الهی و سیّدی متضرّعاً الیک بجودک و کرمک بسط املی و التجاوز عنّی و قبول قلیل عملی و کثیره و الزیادة فی ایّامی و تبلیغی ذلک المشهد و ان تجعلنی ممّن یدعی فیجیب الی طاعتهم و موالاتهم و نصرهم و ترینی ذلک قریباً سریعاً فی عافیة انّک علی کلّ شیء قدیر پس سر خود بسوی آسمان بلند کن و بگو اعوذ بک من ان اکون من الذین لا یرجون ایّامک فاعذنی یا الهی برحمتک من ذلک بدرستی که این عمل بهتر است برای تو از بسیاری از حج و عمره سنت که بجا آوری و مالها را در آنها خرج کنی و بدن خود را تعب بسیار دهی آنها بفرمانی و از اهل و فرزندان خود مفارقت نمائی بدانکه حق تعالی عطا میفرماید بهر که این نماز بکند و این دعا بخواند از روی اخلاص و این عمل را بجا آورد از روی یقین و تصدیق این ثوابها ده خصلت که از جمله آنها آنست که او را از مرگ بد نگاه دارد و ایمن گرداند او را از مکروهات و از پریشانی و دشمنی را بر و ظفر ندهد تا بمیرد و نگاه دارد او را از دیوانگی و خوره و پیسی و فرزندان

اعمال ماه صفر

او را تا چهار پشت و شیطان و اولیای شیطان را بر او و بر نسل او تا چهار پشت مسلط نگرداند **فصل پنجم در اعمال ماه صفر** بدانکه در روز اوّل این ماه زید فرزند امام زین العابدین ع کشته شد و در روز سیم این ماه بروایت بعضی ولادت امام محمّد باقر ع است و روز هفتم ولادت امام موسی کاظم ع و بعضی این روز را وفات امام حسن ع گفته‌اند و در هفدهم این ماه بنابر قول بعضی این روز امام رضا ع وفات نموده و در روز بیستم این ماه که روز اربعین است زیارت امام حسین ع فضیلت بسیار دارد بسند معتبر از امام حسن عسکری ع که علامات مؤمن پنج چیز است نماز پنجاه و یک رکعت از فریضه و نافله در روز و شب و زیارت روز اربعین و انگشتر در دست راست و جبین را بر خاک گذاشتن بسجود و بسم الله الرحمن الرحیم را بلند گفتن شیخ طوسی و ابن طاوس بسند معتبر روایت نموده‌اند از صفوان جمّال که گفت

زیارت اربعین

مولای من صادق ع بمن گفت در زیارت اربعین که زیارت میکنی در هنگامی که روز بلند شده باشد این زیارت را السّلام علی ولیّ الله و حبیبه السّلام علی خلیل الله و نجیبه السّلام علی صفیّ الله و ابن صفیّه السّلام علی الحسین المظلوم الشّهید السّلام علی اسیر الکربات و قتیل العبرات اللّهمّ انّی اشهد انّه ولیّک و ابن ولیّک و صفیّک و ابن صفیّک الفائز بکرامتک اکرمته بالشّهادة و حبوته بالسّعادة و اجتبیته بطیب الولادة و جعلته سیّداً من السّادة و قائداً

من القادة وذائداً من الذادة واعطيته مواريث الانبياء وجعلته حجة على
خلقك من الاوصياء فاعذر في الدعاء ومنح النصح وبذل مهجته فيك
ليستنقذ عبادك من الجهالة وحيرة الضلالة وقد توازر عليه من غرته
الدنيا وباع حظه بالارذل الادنى وشرى آخرته بالثمن الاوكس وتغطرس
وتردى في هواه واسخطك واسخط نبيك واطاع من عبادك اهل الشقاق
والنفاق وحملة الاوزار المستوجبين النار فجاهدهم فيك صابراً محتسباً
حتى سفك في طاعتك دمه واستبيح حريمه اللهم فالعنهم لعناً كثيراً وبيلاً
وعذبهم عذاباً اليماً السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن سيد الاوصياء امیرالمؤمنین
الاوصياء اشهد انك امين الله وابن امينه عشت سعيداً ومضيت
حميداً ومت فقيداً مظلوماً شهيداً واشهد ان الله منجز لك ما وعدك
ومهلك من خذلك ومعذب من قتلك واشهد انك وفيت بعهد الله
وجاهدت في سبيل الله حتى اتاك اليقين فلعن الله من قتلك ولعن
الله من ظلمك ولعن الله امة سمعت بذلك فرضيت به اللهم اني اشهدك
اني ولي لمن والاه وعدو لمن عاداه بابي انت وامي يا ابن رسول
الله اشهد انك كنت نوراً في الاصلاب الشامخة والارحام الطاهرة
لم تنجسك الجاهلية بانجاسها ولم تلبسك المدلهمات من ثيابها واشهد

انك من دعائم الدين واركان المسلمين ومعقل المؤمنين واشهد انك
الامام البر التقي الرضي الزكي الهادي المهدي واشهد ان الائمة من ولدك
كلمة التقوى واعلام الهدى والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا واشهد
اني بكم مؤمن وباياكم موقن بشرايع ديني وخواتيم عملي وقلبي لقلبكم سلم
وامري لامركم متبع ونصرتي لكم معدة حتى ياذن الله لكم فمعكم معكم
لا مع عدوكم صلوات الله عليكم وعلى ارواحكم واجسادكم وشاهدكم
وغائبكم وظاهركم وباطنكم آمين رب العالمين بعضی گفته سر مبارک
آنحضرت را در این روز با جسد مبارک ملحق ساختند و در این روز جابر بن
عبدالله بر سر مرقد آنحضرت حاضر شد و آنحضرت را زیارت کرد و اول کسی
بود از بنی آدم که بسعادت زیارت آنحضرت فایز گردید و در روز بیست
وهشتم این ماه حضرت سید انبیا از دار فنا بعالم بقا رحلت فرمودند و بعضی
وفات امام حسن هم را نیز در این روز گفته‌اند و بعضی روز آخر این ماه و بعضی
وفات امام رضا علیه السلام را نیز در آخر این ماه گفته‌اند و باید که در روز چهارشنبه
آخر بخواند الم نشرح و والتین و اذا جاء نصر الله و قل هو الله و اینها را
تا فارغ باشی از شومی آن انشاء الله بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم اصرف عني شر هذا اليوم واعصمني من شومه واجعله علي

رَحْمَتِکَ وَ بَرَکَةٍ وَ اجْنُبْنِی مِمَّا اَخَافُ مِنْ نُحُوسَاتِهِ وَ کُنْ یَا رَبِّ بِفَضْلِکَ یَا
دَافِعَ الشُّرُورِ یَا مَالِکَ یَوْمِ النُّشُورِ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ و بجهة
هر روز از ماه صفر این دعا را ده مرتبه تا ایمن باشی و آن دعا
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ یَا شَدِیدَ الْقُوَی وَ یَا شَدِیدَ الْمِحَالِ یَا عَزِیزُ یَا عَزِیزُ
یَا عَزِیزُ ذَلَّتْ لِعِزَّتِکَ جَمِیعُ خَلْقِکَ فَاکْفِنِی شَرَّ خَلْقِکَ یَا مُنْعِمُ یَا مُفْضِلُ
یَا مُجْمِلُ سُبْحَانَکَ یَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَکَ اِنِّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ
فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ نَجَّیْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَ کَذٰلِکَ نُنْجِی الْمُؤْمِنِینَ وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَی مُحَمَّدٍ
وَ آلِهِ اَجْمَعِینَ فصل ششم در اعمال ماه ربیع الاول در شب اول این ماه حضرت پیغمبر
از مکه بمدینه هجرت نمودند و در این شب موافق مشهور حضرت امیر ع
بر فراش پیغمبر ص خوابید و در روز اول این ماه بقول شیخ در مصباح وفات
امام حسن عسکری ع و بقول کلینی و اکثر علما روز هشتم این ماه و ابن بابویه
انصاد قدم کرد در روز نهم این ماه عمر کشته شد و همچنین ولد سید جلیل ابن
طاوس در کتاب زوائد الفوائد روایتی ایراد کرده اند که آن نیز دلالت میکند
بر آنکه در این باشد و شیخ مفید و ابن ادریس و جمعی از علما موافق اکثر
اهل سنت روز بیست و هفتم ماه ذی حجه گفته اند و روایتی که دلالت
بر قول ایشان کند بنظر این قاصر نرسیده و در این دو روایت معتبر نهم ربیع الاول

اعمال عید بابا شجاع الدین

وارد

وارد شده و در اکثر اعصار علمای شیعه این روز را حرمت میداشته اند و
عیدی بزرگ از اعیاد می دانسته اند و حرمت این روز از آنست که حذیفه
گوید که چون آن منافق کشته شد داخل شدم بر مولای خود امیر المؤمنین ع
تا تهنیت گویم آنحضرت را پس آنحضرت فرمود ای حذیفه آیا بخاطر داری روزی را
که داخل شدی بر پیغمبر ص و من و سبطین با آنحضرت چیزی میخوردیم پس آنحضرت
دلالت فرمود ترا بر فضل و بزرگی این روز گفتم بلی ای برادر رسول خدا پس
فرمود که و الله این روزیست که حق تعالی روشن کرد دیده در این روز
چشم اولاد رسول خدا را و بدرستی که من میدانم از برای این روز هفتاد و
دو نام حذیفه گفت که عرض کردم یا امیر ع دوست میدارم که نامهای این روز را
بشنوم و آن روز نهم ربیع الاول بود فرمود که یا حذیفه این روز استراحت است و روز
بر طرف شدن غم و هم و روز بخشیدن گناهانست و روز برداشتن قلم است
و روز هدایت و روز برکت و روز بشارت و روز عید بزرگ خدا و روز
استجابت دعا و روز موقف اعظم و روز وفا و روز شرط و روز کندن لباس سیاهی
سیاه و روز پشیمانی و ندامت ظالمانست و روز شکستن شوکت و روز
فتح است و روز عرض است و روز قدرتست و روز فرح و خوشحالی شیعیانست
و روز تو به است و روز انابه است و روز زکوة بزرگست و روز فطر دویم است

و روز آب اندهل رفتن است و روز رضا است و روز عید اهل بیت مصطفی است
و روز ظفر یافتن بنی اسرائیل و روز مقبول شدن اعمال و روز پیشی گرفتن صلوات
و روز طلب کردن زیادتیها و روز قتل منافق و روز وقت معلوم است و روز
سرور اهل بیت و روز شهود و روز مسلط گردیدن دشمن و روز انگشت بدندان
کندن ظالم است و روز خراب شدن ضلالت است و روز عفو از مؤمنانست
و روز بلند کردیدن مرتبهاست و روز برطرف شدن تسلط منافق است
و روز شدیداست و روز راحت مؤمنانست و روز مباهله است و روز
مفاخره است و روز قبول اعمالت و روز بخشش است و روز شکر است و روز
نصرت مظلوم است و روز محبت و دوستی است و روز نجیب است و روز صوابست
و روز تزکیه است و روز برطرف شدن بدعتها است و روز زهد و اجتناب
از کبایراست و روز منادیست و روز موعظه است و روز عبادتست و روز
اسلامست حذیفه گفت که پس برخاستم و از خدمت ایشان بمنزل خود رفتم
و با خود میگفتم که اگر از اعمال خیری که امید ثواب در آنها دارم چیزی در نیابم
و توفیق کردن آنها برای من حاصل نشود همین دوستی این روز مبارک برای من
بس است و با آرزوی خود رسیده خواهم بود و روز دهم ایشان حضرت پیغمبر ص
خدیجه را بعقد خود در آورد و در روز دوازدهم ایشان حضرت پیغمبر ص از مکه

اعمال مولود پیغمبر صلی الله علیه و آله

هجرت فرمود بمدینه داخل شد و روز چهاردهم یزید بن معویه بجهنم واصل شد
و در شب هفدهم بر قول بعضی معراج پیغمبر ص واقع شد و در روز هفدهم مولود
حضرت پیغمبر ص است بدانکه اجماع علمای امامیه منعقد است بر آنکه ولادت
با سعادت در روز جمعه هفدهم ایشان است بدانکه این روز فضیلت بسیار دارد
و در این روز امام جعفر صادق ع متولد شده و روزه این روز مستحب است
و از ائمه علیهم السلم که هر که این روز را روزه دارد حق تعالی بنویسد برای او ثواب
روزه یکساله و در روایت دیگر ثواب روزه شصت ساله و در این روز زیارت
حضرت امیر المؤمنین ع مستحب است و شیخ مفید و شیخ شهید و سید ابن طاوس
بسندهای معتبر روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق ع زیارت کرد حضرت
امیر المؤمنین ع را در هفدهم ماه ربیع الاول باین زیارت که مذکور میشود و
تعلیم فرمود این زیارت را براوی ثقه عظیم الشان محمد بن مسلم ثقفی و فرمود چون
بیائی بمشهد امیر المؤمنین ع غسل کن غسل زیارت و پاکیزه ترین جامهای خود را
بپوش و قدری بوی خوش در کار بر و خود را معطر کن و برو با آرام دل و آرام
تن پس چون برسی بباب السلام یعنی در ضریح مقدس پس رو بقبله بایست
و سی نوبت الله اکبر بگو و بخوان این زیارت را و بعد از آن که این زیارت را
تمام کنی شش رکعت نماز کن هر دو رکعت بیک سلام و دو رکعت را هدیه کن

برای روح مقدس حضرت امیر المؤمنین ع و دو رکعت را برای روح مطهر آدم
علیه السلام و دو رکعت دیگر را برای روح پر فتوح نوح ع بدانکه این زیارت
بهترین زیارات آنحضرت است و ظاهر بعضی از روایات آنست که مخصوص
باین روز نباشد و در هر وقت بخواند نیکوست السَّلامُ عَلی رَسُولِ اللهِ السَّلامُ
عَلی خِیَرَةِ اللهِ السَّلامُ عَلَی البَشِیرِ النَّذِیرِ السِّراجِ المُنِیرِ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ السَّلامُ
عَلَی الطُّهْرِ الطّاهِرِ السَّلامُ عَلَی العَلَمِ الزّاهِرِ السَّلامُ عَلَی المَنْصُورِ المُؤَیَّدِ السَّلامُ
عَلی أَبِی القاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ السَّلامُ عَلی أَنْبِیاءِ اللهِ المُرْسَلِینَ وَ
عِبادِ اللهِ الصّالِحِینَ السَّلامُ عَلی مَلائِکَةِ اللهِ الحافِّینَ بِهذا الحَرَمِ وَ بِهذا
الضَّرِیحِ اللّائِذِینَ بِهِ پس نزدیک قبر برو و میگوئی السَّلامُ عَلَیْکَ یا وَصِیَّ
الأَوْصِیاءِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا عِمادَ الأَتْقِیاءِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ الأَوْلِیاءِ
السَّلامُ عَلَیْکَ یا سَیِّدَ الشُّهَداءِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا آیَةَ اللهِ العُظْمی السَّلامُ یا
خامِسَ أَهْلِ العَباءِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا قائِدَ الغُرِّ المُحَجَّلِینَ الأَتْقِیاءِ السَّلامُ عَلَیْکَ
یا عِصْمَةَ الأَوْلِیاءِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا زَیْنَ المُوَحِّدِینَ النُّجَباءِ السَّلامُ عَلَیْکَ
یا خالِصَ الأَخِلّاءِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا والِدَ الأَئِمَّةِ الأُمَناءِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ
الحَوْضِ وَ حامِلَ اللِّواءِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا قَسِیمَ الجَنَّةِ وَ لَظی السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ
شُرِّفَتْ بِهِ مَکَّةُ وَ مِنی السَّلامُ عَلَیْکَ یا بَحْرَ العُلُومِ وَ کَهْفَ الفُقَراءِ السَّلامُ

علیک

عَلَیْکَ یا مَنْ وُلِدَ فِی الکَعْبَةِ وَ زُوِّجَ فِی السَّماءِ بِسَیِّدَةِ النِّساءِ وَ کانَ شُهُودُها
المَلائِکَةَ السَّفَرَةَ الأَصْفِیاءَ السَّلامُ عَلَیْکَ یا مِصْباحَ الضِّیاءِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ
خَصَّهُ النَّبِیُّ بِجَزِیلِ الحِباءِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ باتَ عَلی فِراشِ خاتَمِ الأَنْبِیاءِ وَ
وَقاهُ بِنَفْسِهِ شَرَّ الأَعْداءِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ رُدَّتْ لَهُ الشَّمْسُ فَسامی
شَمْعُونَ الصَّفا السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ أَنْجَی اللهُ سَفِینَةَ نُوحٍ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَخِیهِ
حَیْثُ التَطَمَ حَوْلَهَا الماءُ وَ طَما السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ تابَ اللهُ بِهِ وَ بِأَخِیهِ عَلی آدَمَ
إِذْ غَوی السَّلامُ عَلَیْکَ یا فُلْکَ النَّجاةِ الَّذِی مَنْ رَکِبَهُ نَجا وَ مَنْ تَأَخَّرَ عَنْهُ
هَوی السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ خاطَبَ الثُّعْبانَ وَ ذِئْبَ الفَلا السَّلامُ عَلَیْکَ
یا أَمِیرَ المُؤْمِنِینَ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ السَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّةَ اللهِ عَلی مَنْ کَفَرَ
وَ أَنابَ السَّلامُ عَلَیْکَ یا إِمامَ ذَوِی الأَلْبابِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَعْدِنَ الحِکْمَةِ
وَ فَصْلَ الخِطابِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الکِتابِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا مِیزانَ
یَوْمِ الحِسابِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا فاصِلَ الحُکْمِ النّاطِقَ بِالصَّوابِ السَّلامُ عَلَیْکَ
أَیُّهَا المُتَصَدِّقُ بِالخاتَمِ فِی المِحْرابِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ کَفَی اللهُ المُؤْمِنِینَ
القِتالَ بِهِ یَوْمَ الأَحْزابِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ أَخْلَصَ لِلّٰهِ الوَحْدانِیَّةَ وَ أَنابَ
السَّلامُ عَلَیْکَ یا قاتِلَ خَیْبَرَ وَ قالِعَ البابِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ دَعاهُ خَیْرُ
الأَنامِ لِلْمَبِیتِ عَلی فِراشِهِ فَأَسْلَمَ نَفْسَهُ لِلْمَنِیَّةِ وَ أَجابَ السَّلامُ عَلَیْکَ

يا من له طوبى وحسن مآب ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا ولي عصمة
الدين ويا سيد السادات السلام عليك يا صاحب المعجزات السلام عليك
يا من نزلت في فضله سورة العاديات السلام عليك يا من كتب اسمه على
السرادقات السلام عليك يا مظهر العجائب والآيات السلام عليك يا أمير
الغزوات السلام عليك يا مخبراً بما غبر وبما هو آت السلام عليك يا مخاطب
ذئب الفلوات السلام عليك يا خاتم الحصى ومبين المشكلات السلام عليك
يا من عجبت من حملاته في الوغا ملائكة السماوات السلام عليك يا من ناجى
الرسول فقدم بين يدي نجواه الصدقات السلام عليك يا والد الأئمة
البررة السادة ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا تالي المبعوث
السلام عليك يا وارث علم خير موروث ورحمة الله وبركاته السلام
عليك يا سيد الوصيين السلام عليك يا إمام المتقين السلام عليك يا المؤمنين ال
غياث المكروبين السلام عليك يا عصمة المؤمنين السلام عليك يا مظهر ملجا ر
البراهين السلام عليك يا طه ويس السلام عليك يا حبل الله المتين السلام
عليك يا من تصدق في صلاته بخاتمه على المسكين السلام عليك يا
قالع الصخرة عن فم القليب ومظهر الماء المعين السلام عليك يا عين الله
الناظرة في العالمين ويده الباسطة ولسانه المعبر عنه في بريته أجمعين

السلام عليك يا وارث علم النبيين ومستودع علم الأولين والآخرين وصاحب
لواء الحمد وساقي أوليائه من حوض خاتم النبيين السلام عليك يا يعسوب
الدين وقائد الغر المحجلين ووالد الأئمة المرضيين ورحمة الله وبركاته السلام
على اسم الله الرضي ووجهه المضي وجنبه القوي وصراطه السوي السلام
على الإمام التقي المخلص الصفي السلام على الكوكب الدري السلام على الإمام أبي
الحسن علي ورحمة الله وبركاته السلام على أئمة الهدى ومصابيح الدجى
وأعلام التقى ومنار الهدى وذوي النهى وكهف الورى والعروة
الوثقى والحجة على أهل الدنيا ورحمة الله وبركاته السلام على نور
الأنوار وحجج الجبار ووالد الأئمة الأطهار وقسيم الجنة والنار المخبر
عن الآثار المدمر على الكفار مستنقذ الشيعة المخلصين من عظيم الأوزار
السلام على المخصوص بالطاهرة التقية ابنة المختار المولود في البيت
ذي الأستار المزوج في السماء بالبرة الطاهرة الرضية المرضية ابنة
الأطهار ورحمة الله وبركاته السلام على النبأ العظيم الذي هم فيه
مختلفون وعليه يعرضون وعنه يسألون السلام على نور الله
الأنور وضيائه الأزهر ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا ولي الله
وحجته وخالصته وخاصته أشهد يا ولي الله وولي رسوله لقد

جاهدت فی سبیل الله حق جهاده واتبعت منهاج رسول الله صلی الله
علیه وآله وحللت حلال الله وحرمت حرامه وشرعت احکامه و
اقمت الصلوة وآتیت الزکوة وامرت بالمعروف ونهیت عن المنکر و
جاهدت فی سبیل الله صابراً ناصحاً مجتهداً محتسباً عند الله عظیم الاجر
حتی اتاک الیقین فلعن الله من دفعک عن حقک وازالک عن مقامک
ولعن الله من بلغه ذلک فرضی به اشهد الله وملائکته وانبیائه ورسله
انی ولی لمن والاک وعدو لمن عاداک والسلام علیک ورحمة الله وبرکاته
پس تکیه میکنی بر قبر و میبوسی قبر را و میگوئی اشهد انک تسمع کلامی و
تشهد مقامی واشهد لک یا ولی الله بالبلاغ والاداء یا مولای یا حجة الله
یا امین الله یا ولی الله ان بینی وبین الله عز وجل ذنوبا قد اثقلت ظهری
ومنعتنی من الرقاد وذکرها یقلقل احشائی وقد هربت منها الی الله تعالی
والیک فبحق من ائتمنک علی سره واسترعاک امر خلقه وقرن طاعتک
بطاعته وموالاتک بموالاته کن لی الی الله شافعا ومن النار مجیرا وعلی
العدو نصیرا وعلی الدهر ظهیرا پس بازتکیه میکنی بر قبر و میبوسی و میگوئی
یا ولی الله یا حجة الله یا باب حطة الله ولیک وزائرک اللائذ بقبرک
والنازل بفنائک والمنیخ رحله فی جوارک یسئلک ان تشفع له الی الله فی

قضاء

قضاء حاجته ونجح طلبته فی الدنیا والآخرة فان لک عند الله الجاه العظیم
والشفاعة المقبولة فاجعلنی یا مولای من همک وادخلنی فی حزبک
والسلام علیک وعلی ضجیعیک آدم ونوح والسلام علیک وعلی ولدیک
الحسن والحسین وعلی الائمة الطاهرین من ذریتک ورحمة الله و
برکاته

فصل هفتم در اعمال ماه ربیع الآخر

در روز چهارم اینماه بر قول شیخ
مفید وهشتم اینماه بر قول شیخ طبرسی و دهم اینماه بر قول مشهور حضرت امام
حسن عسکری ع متولد شده و بنا بر قول شیخ مفید مستحب است روزه روز
دهم اینماه

فصل هشتم در اعمال ماه جمادی الاول

واین دو ماه را جمادی جهت آن جمادی نامند که
در وقت تسمیه در فصل شتا و زمستان اتفاق افتاده بوده و از شدت
برد آبها منجمد میشده و در روز پانزدهم بر قول بعضی حضرت امام زین العابدین ع
متولد شده و شیخ مفید فرموده که مستحب است در این روز روزه داشتن
و تطوع بخیرات نمودن و در این روز فتح بصره واقع شد **فصل در اعمال
ماه جمادی الثانی** در روز سیم اینماه حضرت فاطمه زهرا ص
از دنیا رحلت نموده و بعضی در نیمه این ماه را مولد حضرت امام زین
العابدین ع گفته اند و در شب نوزدهم اینماه امنه بحضرت رسالت پناه
حامله شد و در روز بیستم اینماه فاطمه ع متولد شد و در روز بیست و ششم

به قول کلینی امام علی نقی ع رحلت نمود و بدانکه فضیلت و شرافت
بسیار دارد **فصل یکم در بیان افعال و اعمال نوروز و فضیلت آن** شیخ جلیل نبیل ابن
فهد در کتاب مهذب از علامه روایت کرده که او سند را متصل گردانیده
به معلی بن خنیس از امام جعفر صادق ع که فرمود روز نوروز روزیست که
جناب مقدس پیغمبر ص عهد خلافت گرفت در غدیر خم از مردمان برای
حضرت امیر ع پس مردم اقرار کردند از برای آنحضرت بولایت پس خوشا
حال کسی که ثابت قدم ماند بر آن عهد و بدا حال کسی که شکست آن پیمان را
و روز نیروز روزیست که حضرت پیغمبر ص فرستاد حضرت امیر ع را بسوی
وادی جنیان پس آنحضرت از ایشان عهدها و پیمانها گرفت و در این روز
ظفر و نصرت یافت امیر ع بر اهل نهروان و ذو الثدیه که از اکابر خوارج بود
در این روز بقتل رسانید و در این روز نیروز ظاهر خواهد شد قائم آل محمد علیهم
صاحب زمان ع و در این روز آنحضرت بر دجال ظفر خواهد یافت و
در کناسه کوفه مصلوب خواهد نمود آن ملعون را و بدرستی که پیغمبری
از پیغمبران بنی اسرائیل از حق تعالی سؤال نمود که زنده گرداند گروهی را از دیار
خود بیرون رفته بودند از جهت حذر کردن از موت و آن گروه چند
هزار کس بودند و حق تعالی همگی ایشانرا هلاک گردانیده پس چون آن پیغمبر

احیا

احیاء این گروه را از حق تعالی سؤال نمود وحی باو رسید که آب برایشان بریزد
پس بمقتضای وحی الهی در این روز آب بر استخوانهای پوسیده آن قوم پاشید
پس بقدرت بالغه خداوند عالمیان همگی آن قوم زنده گردیدند و آن
قوم سی هزار کس بودند پس باین سبب گردید آب ریختن در روز نوروز
سنت شایعی و سبب آنرا نمی دانند مگر راسخان در علم یعنی اهل بیت رسالت
معلی گفت داخل شدم بر حضرت امام جعفر ع در بامداد روز نوروز
پس آنحضرت فرمود که یا معلی آیا این روز را می شناسی و شرف آنرا می دانی
گفتم نه و همین می دانم عجم تعظیم این روز می نمایند و این روز را بر خود مبارک
می دانند فرمود که بمحض همین نیست که میگوئی سوگند بآن خدا که خانه
عتیق را در بطن مکه قرار داده که نیست شرافت این روز مگر برای امری قدیمی
که بیان میکنم برای تو تا آنرا بدانی گفتم که بدرستی که دانستن من این معنی را
شنیدن من آنرا از تو محبوبتر است بسوی من از آنکه حق تعالی زنده گرداند
مردگان مرا و بمیراند و هلاک کند دشمنان مرا پس فرمود یا معلی روز نوروز
روزیست که حق تعالی در آن روز از بندگان خود میثاق و پیمان گرفت که
عبادت و بندگی کنند او را و برای او شریک قرار ندهند و آنکه ایمان بیاورند
به پیغمبران او و حجتهای او و ایمان بیاورند بامامان و اوصیاء پیغمبر آخر الزمان ع

و روز نوروز اول روزیست که طلوع کرد در آن آفتاب و شروع بوزیدن بادهای
لواقح کرد درختان از آنها بار دکر میدند و در این روز آفریده شد کلها و شکوفها
و کیاههای خرم که در زمین می باشند و روز نوروز روزیست که در این روز
جبرئیل بر پیغمبر نازل شد و آنحضرت برسالت مبعوث کشت و روز نوروز
روزیست که در این روز حضرت ابرهیم بتها را در هم شکست و در این روز
پیغمبر ص حضرت علی ع را بر دوش مبارک خود جای داد تا بتها را از بام کعبه
و اطراف کعبه در انداخت و برطرف ساخت و در بعضی احادیث وارد شده
که بیعت دویم با امیر ع بعد از قتل عثمان در این روز واقع شده شیخ طوسی
از امام جعفر صادق ع که فرموده هرگاه روز نوروز شود پس غسل کن و پاکیزه ترین
جامهای خود را بپوش و بوی خوش بکار ببر و می باید در این روز روزه باشی پس
چون نماز ظهر و عصر را کردی پس چهار رکعت نماز بکذار و بخوان در رکعت
اول بعد از حمد ده نوبت سوره قدر را و در رکعت دویم بعد از حمد سوره قل
یا ایها الکافرون را ده نوبت و در رکعت سیم حمد یکنوبت و قل هو الله ده نوبت
و در رکعت چهارم حمد یکنوبت و معوذتین ده نوبت و چون فارغ شدی
از نماز سجده شکر کن و بخوان این دعا را بدرستی که چون این عمل بجای آوری حق تعالی
کناهان پنجاه ساله ترا بیامرزد اللهم صل علی محمد و آل محمد الاوصیاء

المرضیین وعلی جمیع انبیائک ورسلک بافضل صلواتک وبارک علیهم بافضل
برکاتک وصل علی ارواحهم واجسادهم اللهم بارک علی محمد وآل محمد وبارک
لنا فی یومنا هذا الذی فضلته وکرمته وشرفته وعظمت خطره اللهم
بارک لی فیما انعمت به علی حتی لا اشکر احدا غیرک ووسع علی فی
رزقی یا ذا الجلال والاکرام اللهم ما غاب عنی فلا یغیبن عونک وحفظک
ما فقدت من شیء فلا تفقدنی عونک علیه حتی لا اتکلف ما لا احتاج
الیه یا ذا الجلال والاکرام بدانکه در تعیین روز نوروز فیما بین علما خلافیست
و مشهور روز نزول آفتاب ببرج حملست و بعضی اول سال فرس کفته اند و آن
روزیست که آفتاب نزول می کند در برج جدی و بعضی کفته اند که روز هفدهم است
از کانون اول و آن روزیست که آفتاب نزول کرده باشد ببرج جدی و روز
پیش از آن و ابن ادریس کفته که روز دهم ایار است و بعضی روز نهم شباطست
کفته اند و قول اول اشهر است و چون اشتباهی هست چنانچه در تحویل حمل که موافق
مشهور و معمول به است این نماز و اعمال را بقصد قربت بجای آورد احوطست
و در میان اهل تنجیم آنست که اگر تحویل پیش از زوال واقع شود آن روز نوروز است
و اگر بعد از زوال واقع شود روز دیگرش نوروز است والله اعلم دعای مستجاب مجرب
الهی لا رب لی سواک فادعوه ولا اله لی غیرک فارجوه انت الرب وانا العبد

والعبد یخطی والرب یعفو فان کانت دعوتی لک صادقة ویقینی لک خالصًا
فاغثنی یا غیاث المستغیثین **دعای یعقوب علیه السلام** دعا اینست که ملک الموت این دعا
تعلیم حضرت یعقوب علیه السلام نمود و چون آنحضرت این دعا را خواند صبح طالع نشده
بود که پیراهن حضرت یوسف علیه السلام باو رسید دعا اینست یا ذا المعروف الذی لا
ینقطع ابدا ولا یحصیه غیره یا کثیر الخیر یا قدیم الاحسان یا دائم المعروف یا
معروفا بالمعروف یا من هو بالخیر موصوف اکفنا شر ما یعمل الظالمون
دعای خضر علیه السلام هر که این دعا را در صباح سه نوبت بخواند از آتش و از حرق و غرق و
سرقه ایمن باشد بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله ما شاء الله لا قوة الا بالله ما شاء الله
کل نعمة من الله ما شاء الله الخیر کله بید الله عز وجل ما شاء الله لا یصرف السوء
الا الله **باب یازدهم در فضیلت بر والدین و صله رحم و پند و مواعظ و غیره فصل اول** در بر
والدین مرویست از اهل بیت علیهم السلام که بر والدین و صله رحم سکرات موت آسان
گرداند و در تمام عمر پریشانی دفع کند و بر والدین روز قیامت آید بصورت
تمام فرزند صاحب بر را برداشته داخل بهشت کند روزی جوانی بخدمت پیغمبر ص
آمد و گفت جوانم و توانایم و شوق جهاد دارم فرمود جهاد کن که اگر کشته شوی
در نزد خدا زنده و از نعمتهای بهشت متنعم باشی و اگر بمیری اجر و ثواب با خدا باشد
و اگر باز گردی از گناهان پاک گردی چنانچه از مادر متولد گشته بودی پس گفت

یا رسول الله صلعم والدین من انس دارند و میخواهند نزد ایشان باشم پس فرمود باش
که یکشب انس ایشان با تو بهتر است از یکسال جهاد در راه خدا و نیز آنحضرت را
همشیره بود رضاعی روزی بخدمت آنحضرت آمد چون او را دید شکفته گشت
و کاف خود را انداخت تا بر آن نشست متوجه او شد ملاطفت و شکفتگی
فرمود و چون او رفت برادرش آمد حضرت با او آن مهربانی که با همشیره اش نمود
نفرمود از سبب آن سؤال نمودند فرمود آن زن برش با والدین خود بیشتر از این
است و از حضرت سؤال نمودند فرمود آن زن بود که والدین مخالف مذهب
باشند با ایشان چون کنیم فرمود نیکی کنید چنانچه با دوستان و موالی ما
میکنید چهار کس بوی بهشت نشنوند با آنکه بوی بهشت را از هزار ساله راه
توان شنید عاق والدین و قاطع رحم و پیری که زنا کند و متکبر و از ائمه علیهم السلام
مرویست که از جمله حقوق والدین آنست که مصاحبت ایشان را نیکو کنی و
نگذاری که ایشان از تو سؤال کنند اگرچه مستغنی باشند بلکه مترصد احوال ایشان
باشی و همین که گمان کنی که چیزی میخواهند آنچیز را پیش از سؤال مهیا کنی و اگر
ترا برنجانند اف نکنی و اگر بزنند برنجانی بلکه دعا کنی و برای ایشان آمرزش
طلبی و بسیار نگاه بروی ایشان نکنی از روی مهربانی و رحمت و آواز بر ایشان
بلند نکنی و دست بالای دست ایشان نداری و پیش روی ایشان راه نروی

ونشینی و ایشانرا بنام نخوانی و برای ایشان دشنام حاصل نکنی و در هر حال
اطاعتشان نمائی مگر در معصیت خدا و در این حال نیز مدارا و ملایمت کنی
واگر ترا امر کنند که از اهل و مال بیرون روی بروی واگر از دنیا رفته باشند
از نماز و روزه و حج و صدقه و غیر آن از وجوه خیرات برای ایشان نمائی و
ثوابش را برای ایشان هدیه کنی و هر چه کنی مثل آن نیز برای تو ثبت شود شخصی
از امام محمد باقر علیه السلام پرسید که آیا هیچ چیز جزای حق والدین باشد فرمود هیچ
چیز جزای آن نباشد مگر آنکه اگر بنده باشد بخری و آزاد کنی واگر دین داشته باشند
ادا نمائی و هم آنحضرت ع فرمودند گاه باشد که کسی در ایام حیوة والدین با ایشان
بار باشد و بعد از فوت دینشانرا ادا ننماید و برای ایشان استغفار نکند حق
تعالی او را عاق نویسد و گاه باشد که در ایام حیوة ایشان عاق باشد چون
بعد از وفات دینشان ادا کند و استغفار نماید بار نوشته شود و از ائمه
علیهم السلام مرویست که هر چه از بر والدین بر ولد لازم است باید با فرزندان
سلوک نماید که باعث بر او باشد و چنان سلوک نکند که سبب عقوق شود
رحمت خدای بر والدینی که فرزند خود را بر بر خود دارند و لعنت خدا بر والدینی
که فرزند خود را بر عقوق خود دارند شخصی بخدمت حضرت عرض نمود که
پیش از آنکه باسلام در آیم دختری داشتم چون بحد بلوغ رسید روزی او را زینت

نمودم و بسر چاه برده در چاهش افکندم آیا کفاره داشته باشد فرمود مادرت
زنده است گفتم نه گفت خاله ات زنده است گفتم بلی فرمود با او نیکوئی کن که
بمنزله مادر است تا کفاره آن شود **فصل دویم** در صله رحم از اهل بیت
علیهم السلام مرویست که از جمله حقوق دین صله رحم است اگرچه یکساله راه
باید رفت واگرچه بشربت آبی یا بسلامی باشد و هر کس چیزی برداشته
برود تا رحم نماید بهر گام چهل هزار حسنه نویسند و چهل هزار سیئه محو کنند
و چهل هزار درجه بلند کردانند و اجر صد شهید نویسند و چنان باشد که صد سال
عبادت کرده باشد و صله رحم وضع بلاها کند و حساب قیامت آسان کرداند و
خلق را نیک کند و بخیل را سخی کند و روزی را بیفزاید و مال را زیاده کند و اعمال را
پاکیزه کند و سبب معموری دیار و زیادتی عمر باشد تا آنکه گاه باشد که عمر کسی سه
سال باشد چون صله رحم نماید سی سال مبدل شود و گاه باشد که سی باشد
چون قطع رحم کند به سه سال مبدل شود و رحم بعرش آویخته میگوید خدایا وصل
کن برحمت خود هر کس مرا وصل کند و قطع کن از رحمت خود هر کس مرا قطع کند
و در روز قیامت رحم و امانت در دو جانب صراط بایستند چون واصل رحم
و مؤدی امانت بگذرد داخل بهشت کنند و چون قاطع رحم و خائن امانت
بگذرد سرازیر در جهنم افکنند و بسا باشد که جمعی همه فاجر باشند چون باهم

مواسات و مواسلت نمایند مالشان بسیار و روزیشان وسیع گردد
واگر همه از نیکویان باشند چون از هم مفارقت کنند و قطع یکدیگر نمایند
بدیشان کردند و بلا در میانشان شایع شود شخصی بخدمت پیغمبر صلی الله
علیه واله رفته گفت خویشان من با من بسیار بدی و مخالفت میکنند و دشنام
میدهند من هم میخواهم ترکشان کنم فرمود که اگر این کار کنی خدای تعالی همه شما را
ترک کند و از رحمت خود قطع نماید و شخصی از اقربای خود بامام جعفر علیه السلام
شکایت کرد فرمود تو مدارا و مواصلت کن گفت هرچند مدارا و مواصلت
میکنم ایشان همان بدی میکنند فرمود پس میخواهی تو هم مثل ایشان باشی حق
تعالی بر هیچکدام نظر نکند و نیز مرویست که هیچ گامی برداشته نشود در ترازوی
خدا از دو گام یکی صفی که در راه خدا آراسته و یکی برحمی که قطع رحم کرده باشد
فصل سیم در حق جار مرویست از ائمه علیهم السلام که از ما نیست کسی که
همسایگی را خوب نکند نیکو کردن همسایگی عمر را زیاد کند و روزی را بیفزاید
و سبب معموری دیار باشد و هر کس ایمان بخدا و روز آخرت دارد باید همسایه را
نرنجاند و مهمان گرامی دارد و چون تکلم کند خیر گوید یا ساکت باشد و
هر که همسایه را نرنجاند و بیازارد حق تعالی روز قیامت عثرات و خطاهای
او را عفو فرماید و پیغمبر صلی الله علیه واله فرمود که جبرئیل آنقدر مرا

بهمسایه وصیت نمود که گمان کردم مگر او را وارث من خواهد کرد و باز فرمود
که ایمان بمن ندارد کسی که شب سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد و روز قیامت
حق تعالی نظر نکند باهل قریه که در میان ایشان خانه گرسنه باشد و یعقوب ع
مناجات نمود که خدایا بر من رحم نمیکنی چشمم را گرفتی و دو پسرم را بردی حق سبحانه
فرمود که اگر فرزندانت مرده بودند بجهت تو زنده میکردم آیا تو بیاد نمی آوری که
فلان گوسفند را ذبح کردی و بریان نموده تناول کردی و فلان همسایه ات صایم
بود با او بخش ندادی بعد از آن هر چاشت و شام منادی یعقوب ع تا یکفرسخ
راه ندا می کرد که هر که گرسنه باشد بخانه یعقوب آید و حضرت امام موسی علیه السلام
فرمود خوبی همسایگی همین نیست که همسایه را آزار نکنی بلکه تحمل آزار ایشان
کنی و هر که در یک وجب زمین با همسایه خیانت کند حق تعالی در روز قیامت
آن را تا زمین هفتم طوق گردنش کند و هر که همسایه را برنجاند بوی بهشت
بر وی حرام شود و هر که ما یحتاج خانه با همسایه مضایقه کند حق تعالی خیر
و فضل خود روز قیامت از و منع کند و او را بخود واگذارد و هیچ عذر از و
قبول نکند مگر آنکه همسایه چیزی که بعاریه کس ضایع کند که در آن صورت
توان از و منع نمود **فصل چهارم** در محبت و الفت و زیارت مؤمنان از
ائمه علیهم السلام مرویست که ای معاشر مؤمنان با یکدیگر محبت و الفت

کنید که خیر نیست در کسی که الفت نکند و با او الفت نکنند جمعی که برای خدای
با هم محبت و دوستی کنند روز قیامت در زمین از زبرجد سبز در سایه عرش
انجانب راست بر منابر نور نشینند و روی ایشان از آفتاب روشن تر باشد
و هر کس محب و بغض و عطا و منعش برای خدا باشد از جمله اصفیای او باشد
و امام علیه السلم فرمودند که ای مؤمنان با هم الفت کنید و یکدیگر را زیارت
نمائید و ذکر خدا و ذکر فضایل ما کنید و با احادیث ما صحبت دارید که موجب
حیوة دین و دل شماست و هیچ چیز دل ابلیس و جنودش را انقدر جراحت
نکند که زیارت مؤمنان چون سه مؤمن یا بیشتر با هم اجتماع کنند با نعدد ملائکه
با ایشان حاضر شوند پس اگر دعا کنند آمین گویند و اگر شری استعاذه نمایند
دعا کنند و اگر حاجتی مسئلت نمایند شفیع باشند و چون مؤمنی برای خدا
نه برای غرض دنیا بجهت زیارت مؤمنی از خانه بیرون رود و حق و حرمت او
بشناسد بهر گام که بردارد خدای تعالی برایش حسنه نویسد و سیئه محو
فرماید و درجه بلند گرداند و هفتاد هزار ملک بر و موکل گرداند تا بخانه
مراجعت کند اگر چه یکساله راه باشد گویند خوش باشی و خوش باشد برا بهشت
و چون بدر خانه بکوبد درهای آسمان برایش گشوده شود و چون ملاقات و
مصافحه و معانقه کنند حق تعالی متوجه ایشان شود و با ایشان با ملائکه

مباهات کند و فرماید ای ملائکه من به بینید این دو بنده مرا که برای من چون
با هم محبت میکنند لازم شد بر من که بعد از این ایشان را باتش عذاب نکنم و چون
بخانه داخل شود فرماید ای بنده من تعظیم حق و متابعت پیغمبر من کردی اگر
سؤال کنی عطا فرمایم و اگر دعا کنی اجابت نمایم و اگر ساکت باشی خود ابتدا کنم و چون
مراجعت کند بعدد هر نفسی که کشیده و گامی که برداشته و کلمه که گفته ملائکه
با او متابعت کنند و تا او را از سال آینده از بلاهای دنیا و آخرت محافظتش نمایند
و اگر در این سال بمیرد از حساب فارغ باشد و چون داخل خانه خود شود حق تعالی
فرماید ای بنده من که تعظیم حق من کردی بهشت بر تو واجب گردانیدم و ترا شفیع
بندگان خود کردم و اگر آنکس نیز حق این را چنین بشناسد برای او نیز مثل این اجر ثابت
شود و حق تعالی را بهشتی است که هیچکس داخل آن نشود مگر سه کس کسی که
از خود انصاف دهد و کسی که زیارت برادر مؤمن کند برای خدا و کسی که برادر
مؤمن را در خیر بر خود اختیار کند و زیارت یک مؤمن برای خدا بهتر است
از آنکه ده بنده مؤمن آزاد کند و از صادق علیه السلم که اگر مؤمنی بقصد
زیارت یا برای حاجتی بخانه کسی رود و او در خانه باشد و اذن خواهد در لعنت
خدا باشد تا وقتی که با هم ملاقات کنند و حضرت امام محمد باقر فرمود شیطان
میان مؤمنان نزاع و فساد میکند پس خدا لعنت کند بر کسی که میان دو دوست

ما الفت واصلاح کند وحضرت صادق علیه السلم فرمود میان دو کس صلاح
کنم دوستر دارم که دو دینار طلا تصدق کنم وفرمود چون دو کس از هم برنجش
مفارقت وهجرت کنند یکی از ایشان وکاه باشد هر دو مستوجب لعنت وبرائت
از دین شوند یکی کفت جعلنی الله فداک شاید یکی مظلوم باشد فرمود باید تقصیر را
بخود نسبت دهد وعذر خواهی کند ونکذارد که مهاجرت واقع شود هر هفته
دو روز مقرر است که اعمال العباد را بر خدای تعالی عرض کنند چون میان دو کس
عداوت ورنجش باشد اعمال ایشان را واکذارند تا وقتی که صلح کنند وچون از هم
دور هجرت کنند وصلح نکنند ولایت اسلام در میان ایشان منقطع شود و
در روایت دیکر آمده که هر که بیشتر از سه روز هجرت کند دوزخ باو اولی باشد
وهر کدام سبقت بصلح کنند سبقت بجنت کنند وهر که در اصلاح میان مرد
وزن سعی کند اجر هزار شهید یابد وبهر کامی که بردارد وکلمه که کوید عبادت
یکساله نویسند **فصل پنجم** در اداب ملاقات ومجالست مرویست از اهل
بیت علیهم السلم که شما بوسعت مال با مردم بر نیائید بشکفتکی وطلاقت وجه
ملاقات نمائید سه صفت است که هر که یکی از آن متصف باشد بهشت او را
واجب شود طلاقت وجه وانصاف وجود در پریشانی وبنی وارد شده که اصطناع
معروف وحسن بشره موجب دخول بهشت ومحبت است وبخل وعبوس موجب

دخول نار رود وربا از خداست واول ملاقات سلام است روایت است که اکر
کسی پیش از سلام حرف زند جوابش مکوئید وچون دو کس بهم سلام کنند
میان ایشان هفتاد حسنه قسمت شود شصت ونه حسنه از آنکه ابتدا کند و
یکی از آنکه جواب کوید واکر کسی بنده کس از مسلمین سلام کند چنانست که بنده آزاد
کند وافشای سلام سنت است یعنی بهر کس رسد سلام کند اکرچه ظالم باشد
که سلام خدا بظالم نرسد بخیل ترین مردم کسیست که در سلام بخل کند مرویست
که شبها که مردم در خوابند برخیزید ونماز کنید وبا مردم بملایمت کفتکو کنید
وافشای سلام کنید تا بسلامت ببهشت روید وهر که در سلام غنی را بر فقیر
امتیاز دهد مستوجب غضب خدا باشد وسلام را بلند باید کفت تا بشنوند
ونکویند که سلام کردم جواب نکفتی که شاید نشنوا ینده باشید وچون جواب
کویند بلند کویند تا نکویند که جواب سلام نکفتی وهر که سلام علیکم کوید ده حسنه
واکر ورحمة الله اضافه کند بیست حسنه اکر وبرکاته را نیز اضافه نماید سی حسنه
مرویست که سلام ودعای عطسه ودعای هر کسی را کنید بصیغه جمع کوئید اکرچه
یک کس باشد که با هر کس جمعی از ملائکه باشند وچون بر ملائکه سلام کنید ایشان
نیز جواب کویند وکسی که بر ملک براو سلام کند از عذاب خدا ایمن باشد وچنین
سلام کند سلام علیکم ورحمکم الله وعافاکم الله وادب است که سواره بر پیاده

واسب سوار بر استر سوار و استر سوار بر الاغ سوار و ایستاده بر نشسته و صغیر
بر کبیر و قلیل بر کثیر سلام کنند و بر چند کس سلام نباید کرد شراب خوار و صاحب
شطرنج و نرد و مجاهر بفسق و مخنث و شاعری که زنان عفیفه را هجو نماید و
رباخوار و کسی که مشغول قضای حاجت باشد و زنان و کسی که در دعا باشد یا
در حمام و چون سلام یا تحیتی دیگر کنند مستحب است که تلافی آن از آن احسن باشد
و سابقا در باب سهو بترتیب بتقریبی نقل نمودیم که اگر در نماز باشد چه قسم نماید
و علیک تنها را جایز داشته اند و مرویست که جواب مکتوب و کتابات مثل جواب
سلام واجبست و معنی سلام و جوابش اینست که تو از من بسلامتی و با خدای عز شانه
عهد کردم که غیبت تو نکنم و غیبت تو نگویم و چون دو مؤمن بهم رسند و مصافحه
نمایند گناهان هر دو بریزد مثل برگ از درخت تا آنکه هیچ نماند و حق تعالی نظر کند
بایشان تا از هم جدا شوند و صد رحمت برایشان فرستد نود و نه از آن کسی باشد که
محبتش بیشتر باشد و حق تعالی با او مصافحه نماید و آنکه بیشتر کند و دست بیشتر نگاه
دارد اجرش از آن دیگر بیشتر باشد و حق سلام و مصافحه هر اول ملاقاتست بعد از
هر غیبتی اگرچه دور درختی بگردد یا چند گام از هم جدا شوند و مرویست که تمام تحیت
برای مقیم مصافحه است و تمام تسلیم بر مسافر معانقه است و چون دو مؤمن معانقه
کنند رحمت ایشان را فرو گیرد و چون در پیش هم توقف کنند و بنشینند و غرض دنیوی

نباشد

نباشد ملکی ندا کند که گناهان شما آمرزیده شد اعمال از سر گیرید و چون شروع در
گفتگو کنند ملائکه حفظه با هم گویند که بیایید تا بکناری رویم که شاید ایشان را با هم
سری باشد و اگر خویشان و مؤمنان یکدیگر را بوسه کنند باید روی هم را ببوسند
و بوسه بر لب نشاید مگر زوجه و طفل صغیر را و دست بوسیدن را نشاید
مگر پیغمبر و وصی او را و دیگر واقع شده که دست کسی را بوسیدن چنانست که نماز
برای او کرده باشد یعنی بندگی او کرده باشد و هر کس در مجلسی بمکانی کمتر از رتبه
شرف خود راضی شود خدا و ملائکه بر او صلوة فرستند تا وقتی که برخیزد و مرویست
که چون بخانه کسی روید هر اکرامی که کنند قبول کنید مگر بالا نشستن و روایت دیگر آمده
که هر جا که صاحب خانه گوید بنشینید که او عیوب خانه خود را بهتر می داند و توفیق
میان این دو حدیث الله اعلم باین توان کرد که اگر معلوم باشد که غرض صاحب خانه
محض تکلفست قبول نباید کرد و الا اطاعت باید نمود چنانچه لفظ اکرام و عیوب
دالست باین و بهترین مجالس آنست که رو بقبله باشد و مرویست که حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله بسه هیئت می نشسته اند یکی دو زانو و دیگر آنکه ساقها از زمین برداشته
و دستها را از پیش ساقها که ایشان را بر ساعد می گرفته و سیم آنکه یکپا بر سر پای دیگر می گذاشته
اند و احادیث بسیار واقع شده که ائمه علیهم السلام باین هیئت نشسته بودند که کسی عرض نمود
که این قسم نشستن مکروهست فرمودند که این قول را لهو دانسته می گویند حق تعالی

چون از خلق سموات و ارض فارغ شد چنین نشست که استراحت کند من برای
ملالت چنین نشسته ام و حق تعالی را ملالت نمی باشد و مرویست که پیغمبر صلی
الله علیه و آله هرگز مربع نه نشست والله سبحانه مربع نشین را دشمن دارد و
مرویست که اگر با یهودی بنشینید همنشینی او را نیکو نمائید و چون کسی داخل مجلس
شود تعظیم کنید و جا بگشائید مثل عجم که تعظیم در مجلس برکت است و در وقت رفتن
تعظیم نمائید مثل عجم و در تابستان میان هر دو کس در نشستن مقدار یک زراع فاصله
کنائید که کسی ما را آزار نکند و اگر در اثنای حرف مؤمنی در آید چنانست که روی او را
خراشیده باشد و هر که در وقت نشستن بگوید بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی محمد و آله
خدای تعالی ملکی موکل کند که در آن مجلس او را از غیبت کردن حفظ کند و اگر در وقت
برخاستن بگوید بر اهل مجلس موکل فرماید که ایشان را از غیبت و منع کنند و هر که در وقت
برخاستن بگوید بر اهل مجلس موکل فرماید که ایشان را از غیبت و منع کند و هر که در وقت
برخاستن از مجلس بگوید سبحان ربک رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین و
الحمد لله رب العالمین کفاره گناه آن مجلس باشد و بعد هر سلی و احسنه باشد والله
تعالی بهترین کیلها ثوابش را کیله کند **فصل ششم** در سکوت مرویست از ائمه
علیهم السلم که سکوت بهشت درها از حکمت گشاید و جلب محبت کند و دلیل هر خیر است
و شیعیان ما همه لال باشند و کسی حقیقت ایمان را نشناسد تا زبان از لغو نبندد و نجاه

مومن در حفظ زبانست و زبان کلید هر خیر و شر است پس زبان را مهر
کنید چنانچه زر و مال را مهر میکنید و مومن تا ساکت است محسن نوشته
شود و چون تکلم کند محسن باشد یا مسئ و هر که کلام را از جمله اعمال خود نشمرد
و در اعمالش خطا بسیار باشد و عذابش مهیا بود و هر کس کلام خود را از
جمله اعمال شناسد تکلم نکند مگر آنچه نافع باشد حضرت امیر المومنین علیه السلم
بمردی گذشت که او حرفهای لغو بی فایده میگفت فرمود ای مرد آنچه میگوئی
ملکین می نویسند بر خدا عرض میکنند ترک بیهوده گوئی کن و سخنی گوی که نفعی
داد باشد و شرم دار از آنکه چون نامه اعمال تو بر حق تعالی معروض شود این
قسم سخنان در و باشد و حضرت رسول صلعم بمردی گفت میخواهی چیزی تعلیمت
کنم که بان داخل بهشت شوی گفت بلی فرمود سخاوت پیشه کن گفت شاید
من محتاج تر باشم فرمود مظلوم را نصرت کن گفت شاید عاجز تر باشم فرمود
جاهلان را هدایت کن گفت شاید جاهلتر باشم فرمود زبان ببند مگر از خیر بعد
از آن فرمود نمیخواهی یکی از این صفات در تو باشد که ترا به بهشت برد و باز آنحضرت
فرمود که الله تعالی زبان را عذابی کند که بهیچ عضوی چنین عذابی نکند بسا باشد
که کلمه از زبان بیرون آید که در مشرق و مغرب پهن شود و خونها بان ریخته شود
و فرجهای حرام بی حرمت شود و سخن گفتن بحق افضلست از سکوت در باطل و هر کس

زبانش راست گو باشد عملش پاکیزه شود و مرویست که نماز و روزه
و طول رکوع مردم فریفته مشوید که بسا باشد که آن قدر راست گوید
که حق تعالی او را از جملهٔ صدیقان نویسد و بسا باشد که آنقدر
دروغ گوید که از جملهٔ کذابین نوشته شود و هیچ بنده لذت ایمان
نیابد تا دروغ را مطلقا ترک نکند و کذب ایمان را خراب کند الله
تعالی بر هر شری قفلی نهد و کلید همه آنها شراب را گردانیده و کذب بد
تر است از شراب در روز قیامت از هر کذب سوال کنند مگر سه کذب
یکی کذب در معرکه جهاد با خصم گوید دوم برای صلاح میان دو کس که گفته
شود سیم کسی با اهل خود وعده کند و اراده کردن آن نداشته باشد
چون کسی گوید والله که خدا فلانی را نیامرزد حق تعالی فرماید کیست که از
جانب من قسم میخورد که او را نیامرزم او را آمرزیدم و عمل این را باطل کردم
و اگر کسی لعنت کنند یا شهادت بر کفرش دهند اگر چنان باشد راست
گفته باشد و اگر نه بگوینده بر گردد و اگر مؤمنی را فحش گوید خدا برکت از
روزیش بگیرد و معیشتش را فاسد کند و انداز نظر رحمت و تربیت
از و بر دارد منظر رحمت و تربیت و اگر در روی مؤمن طعن کند بر بد
ترین وجهی بمیرد و سزاوار آن باشد که هرگز بخیر باز نگرده و بهشت

حرامست بر هر فحاش بیحیا که پروا نکند از آنچه گوید و با او گویند و چنین
شخصی را مرویست اگر تفتیش کنی ولد الزنا یا شرک شیطان باشد و حق تعالی
دشمن دارد فحاش بخت گو را و بدترین مردم کسیست که از ترس زبانش اکرام
او کنند و مجالس را ناخوش دارند و هر کس را که از زبانش بترسند منزلتش
آتش باشد و بدترین مردم کسیست که طعام خود تنها خورد و عطایش را
منع کند و مملوکش را بسیار زند و بدتر از و کسیست که بخیرش امید و از
شرش ایمن نباشی و بدتر از و فحاشی که چون کسی پیش او مذکور شود لعن
کند و چون او پیش مردم مذکور لعنتش کنند و حضرت صادق را دوستی
بود که هرگز از خدمت آنحضرت دوری نمی نمود روزی در خدمت آنحضرت
بود براهی میرفت و غلامی همراه داشت چند مرتبه نگاه کرد او را ندید مرتبه
دیگر دید که آمده بود گفت یا ابن الفاعله کجا بودی حضرت دست مبارک بر دعی
زده فرمود سبحان الله مادرش را دشنام میدهی تو خود را متورع می نمودی
معلوم شد که ورعی نداشته گفت جعلت فداک مادرش مشرکست فرمود با شد
نمیدانی که هر قومی در میان خود نکاحی دارند که خود را از زنا باز میدارند
دور شو از من راوی گوید دیگر او را در خدمت آنحضرت ندیدم تا از دنیا
رفت و حق تعالی میدارد مزاحی را که فحش در و نباشد و مزاح از حسن خلقست

وسبب سرور مؤمنان باشد وکثرت مزاح با آنکه متضمن فحش یا کذب یا
استهزا نباشد مجملا متضمن قبح و باطل باشد و وقار و آبرو و نور ایمان برد
و موجب استخفاف و ذلت باشد و سبب بغض و کینه شود وگاه باشد که
کسی کلمه گوید که مردم را بخنداند بقدر آسمان و زمین او را از بهشت دور
کرداند و در جهنم افکند و حضرت رسول صلعم فرمود وای بر کسی که دروغ گوید
تا مردم را بخنداند بعد از آن سه مرتبه فرمود وای برو وکثرت ضحک دین را
بگدازد چنانچه آب نمک را و آبرو ببرد و در کلام معجز نظام قرآنی واقع شده
فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا و مرویست که هر کسی که یکمرتبه خنده کند یک حصه از
عقلش نقص کند **فصل هفتم** در اکرام و توقیر مؤمن مرویست از ائمه علیهم السلام که
هر که مؤمنی را اکرام کند اول خدا را اکرام کرده باشد و روی شیطان خراشیده
و دلش جراحت شود و هر که بر روی مؤمن تبسم کند برایش حسنه ثبت شود و اگر
کثافتی از روی مؤمن بردارد ده حسنه ثبت شود و اگر بمؤمنی مرحبا گوید حق تعالی
تا روز قیامت برای او رحمت نویسد و اگر با او بنحوی از انحا ملاطفت کند از خدا
جنت با و عطا فرماید و اگر کثافتی از راه مؤمن بردارد اجر قرائت چهارصد آیه از قرآن
یابد که بهر حرف از آن ده حسنه است و اگر مؤمن را بمجلس یا متکا یا طعام یا جامه
یا سلام یا غیر آن ملاطفت و اکرام کند بهشت از جا در این که مکافات کند پس

خدای تعالی فرماید من نعمتهای خود را بر اهل دنیا حرام کرده ام مگر بر نبی یا وصی و چون
روز قیامت شود فرماید امروز اولیاء مرا مکافات کن پس حور و غلمان از بهشت
بیرون آیند در دستهای ایشان طبقهای پر از نعمتهای گوناگون سرهای آن با
روپوشهای لؤلؤ و جواهر پوشیده چون بهشت و نعمتهای او را ببینند عقلشان
پرواز کند و چون جهنم را ببینند از هول آن دست نتوانند دراز کرد پس از
جانب عرش ندا آید که بخورید که هر کس طعام بهشت بخورد دوزخ بروی حرام
شود پس دست دراز کرده تناول کنند و هر که جمعی از مؤمنان را خدمت کند
بآن عدد از خدم جنت با و عطا فرمایند و خادم مؤمنان در طاعت خدا
روحش را در قبر نگذارند بلکه پیش خدا برند و آنجا باشد تا روز قیامت و هر که
مؤمن محاسن سفید را توقیر و تعظیم کند از فزع روز قیامت ایمن گردد و اگر با او
استخفاف کند الله تعالی کسی را بر او مسلط کند که با او استخفاف کند و پیغمبر
صلی الله علیه و آله فرمود که از ما نیست کسیکه پیر ما را توقیر نکند و صغیر ما را
ترحم نکند و هر که مؤمنی فقیر یا غیر فقیر را تحقیر کند الله تعالی او را دشمن دارد و
تحقیر کند تا از آنچه کرده برگردد و تلافی کند **فصل هشتم** در سرور مؤمنان
و قضای حاجات ایشان مرویست از اهل بیت علیهم السلام که هیچکس عبادت خدا
نکرده بچیزی که افضل از سرور مؤمن باشد که ادای دینش کند یا گرسنه است

یر کند و غیر آن و هر چند عظیم تر ثوابش بزرگتر باشد و هر که مؤمنی را مسرور
کند الله تعالی روز قیامت او را مسرور گرداند و چنانست که خدا و رسول
وائمه هدی را صلوات الله علیهم اجمعین مسرور کرده باشد و همچنین است
اگر مؤمنی را آزرده کند ایشان را آزرده کرده باشد و سرور مؤمن هزار
هزار حسنه باشد و حق تعالی در مناجات بموسی ع فرمود که هر که مؤمنی را
مسرور کند در بهشت او را حاکم گردانم و پیغمبر ص فرمود دل مؤمن عرش
خداست و هر که دلی را خوش کند خدای تعالی فرشته خلق کند که هزار بدن
و در هر بدن هزار سر و در هر سر هزار رو و هزار دهن و در هر دهن هزار
زبان و با هر زبان بهزار لغت برای آنکس خدای را تسبیح کند و استغفار نماید
تا روز قیامت و در روایتست که مؤمنی در مملکت جباری بود از جور ظلم او
گریخته بدیار اهل شرک رفت مشرکی او را بجا آورده مهمانی کرد چون از دنیا
رفت حق تعالی فرمود که اگر تو مشرک نبودی ترا در بهشت جا می دادم ولیکن
بهشت بر مشرکان حرامست پس با آتش دوزخ امر فرماید که او را بلرزان و نترسان
و مسوزان و هر صبح و شام روزیش را بفرستد راوی گوید عرض کردم که روزیش
از بهشت آید حضرت امام فرمود از جائی که خدا خواهد هر که رفع مضرتی یا
آفتی از مؤمنان کند بهشت او را واجب شود و هر که غمی یا شدتی از مؤمن بردارد

الله تعالی هفتاد و دو رحمت برایش نویسد یکی را در دنیا که تعجیل کند که بآن
معیشتش را اصلاح نماید و هفتاد و یکی را برای اهوال روز قیامت ذخیره
فرماید و روز قیامت مطمئن خاطر محشور گردد و هر که عورت و عیب مؤمنی را
بپوشد الله تعالی هفتاد عیب در دنیا و آخرت بر او بپوشد و هر که قضای حاجت
مؤمنی کند حق تعالی در روز قیامت هزار حاجتش را بر آورد اول آن حاجت
این باشد که اقربا و دوستان و آشنایانش را ببهشت برد اگر ناصبی نباشد و قضای
حاجت مؤمن بهتر است از آنکه هزار حج کند و هزار بنده آزاد کند و هزار اسب در راه
خدا بجهاد فرستد و افضلست از بیست حج که در هر حج هزار درهم صرف کند و در
روایت آمده است که در یک طواف کعبه ششهزار حسنه است و ششهزار سیئه
محو شود و ششهزار درجه بلند گردد و در روایت دیگر آمده است که ششهزار
حاجتش بر آورده شود و چون بر پیش ملتزم رسد هفت در از درهای بهشت
برایش گشوده گردد و قضای حاجت مؤمن افضلست از ده چنین طواف و اگر
حاجت مؤمنی بکسی رسد و قادر بر قضای آن نباشد و باین سبب دلگیر شود
الله تعالی بسبب آن دلگیری بهشت عطا فرماید و هر گامی که در حاجت مؤمن
بردارد حسنه نوشته شود و سیئه محو گردد و درجه بلند و اگر آن حاجت
از دست او بر آید ثواب یک حج و یک عمره و دو ماه روزه و اعتکاف در مسجد الحرام داشته

باشد واگر برنیاید ثواب یکحج ویکعمره داشته باشد روزی حضرت امام حسین
علیه السلم در اعتکاف بود مردی آمده ازکسی شکایت نموده درخواست
کرد ببادهٔ من با او گفتکو فرمائید حضرت برخاسته روانه گشت یکی
یابن رسول الله مگر فراموش کردید اعتکاف را دین فرمود نکردم فاما کسی
که سعی در حاجت مؤمن کند چنانست که نه هزار سال عبادة کرده که روزه
داشته وشبها بنماز برخواسته باشد وهرکه اعانت مؤمنی کند حق تعالی هفتاد
وسه غم وغصه ازو برکیرد یکی در دنیا وهفتاد ودو روز قیامت که همه
کس بحال خود درمانده باشند وهرکه دست عاجزی کرفته بخانه یا مسجد یا
بحاجت دیکر برد بهر کامی که بردارد وبکذارد عتق رقبهٔ نوشته شود و
ملائکه بر وصلوة فرستند وهرکه حاجت عاجزی را کفایت کند خدای تعالی
او را برات از نفاق واتش عطا فرماید وهفتاد حاجتش را برآورد ومستغرق
رحمت کرداند تا ازان کار فارغ شود وهرکه قادر بر قضای حاجت مؤمنی باشد
ونکند حق تعالی در قبر ماری عظیم بروی مسلط کرداند که او را میکزیده باشد
تا روز قیامت بعد ازان اکر خواهد بجشد واکر عذاب کند واکر صاحب حاجت
او را معذور دارد حالش دیکر بهتر باشد و روایت دیکر آمده که هرکه حاجت
مؤمنی را از خود یا از دیکری منع کند وقادر بران باشد روز قیامت روسیاه

وازرق چشم ودستها بر کردن بسته محشور شود پس چون او را ببینند کویند
کدانیست که با خدا ورسول خدا خیانت کرده پس در اتش افکنند وهرکه قادر
بر اعانت مؤمن باشد ونکند مبتلا باعانت دشمنان خدا شود وروز قیامت
بران معذب باشد وهرکرا خانه باشد واز مؤمن محتاج مضایقه کند حق تعالی
فرماید ای ملائکه من ببینید که بندهٔ من چون در خانه با بنده من بخل ورزید
بعزت وجلال خودم که او هرکز در بهشت مسکن نکند فصل نهم در رذایل
معاصی ومناهی مرویست از اهل بیت علیهم السلم که هرکس با حکم وامر خدا استخفاف
وبی اعتنائی کند وحق تعالی در هر دل نوری آفریده چون کسی کناهی کند واکر همچنان
معصیت میکرده باشد مرتبه مرتبه زیاده شود تا نور را بپوشد وتمام دل سیاه و
ظلمانی کردد وچون نعوذ بالله چنین شود هرکرا اصلاح نپذیرد ونجات نیابد و
بسا باشد که بنده کناهی کند وحق تعالی فرماید بعزت خودم که بعد ازین ترا
هرکز نیامرزم وبسا باشد که روز قیامت بنده را در یک کناه صد سال حبس کنند
واهل وعیال ودوستان خود را بینند که در روضات جنات مشغول نعمت و
عشرت اند وهرکه ترک فریضهٔ یا ارتکاب کبیره کند اطاعت شیطان کرده باشد
وبا او در جهنم باشد وهرکه حکم حلال وحرام قرآن داند وبرای محبت وشهوت
دنیا مخالفت آن کند مستوجب سخط الهی کردد وبا یهود ونصاری در یکدرجه

ظلمت در دلش بهم رسد واکر توبه
کند آن ظلمت زایل شود وآن نور عود
کند ۱۲

باشد وخانه کردان معصیت کنند لازم است بر الله تعالی که انرا خراب کند و
معاصی مورث فقر وحاجت وحرمان رزق وزوال نعمت وکوتاهی عمر وخرابی
بلاد وزلزله وطاعون وقحط وانقطاع باران وظلمت هوا وساير مکاره وبلایا
شود وموجب علل وامراض واوجاع واسقام وحسرت وندامت وتسلط
اعدا وکم آبی رودخانها وچشمها وآفات مزارع وباغها وزیان تجارات
ومعاملات کردد ورد دعا کنند وبسا باشد که بنده دعا کند وحق تعالی تقدیر
اجابتش فرماید پس بنده معصیتی کند والله تعالی فرماید بنده من متعرض
غضب من کشت ومستوجب حرمان شد محرومش کنید وقضای حاجتش
مکنید واکر معاصی شایع کردد ابرار واخیار دعا کنند مستجاب نکردد وهر بلیه
ومصیبتی وکدورت ومشقتی که باو میرسد بعقوبت کناهانش باشد حتی
اکر خاری در پاو رود ویا در کسی در دل بجهد با انکه اکثر کناهان بفضل ورحمت
الهی عفو شود مکر اولیاء الله که بلاهای ایشان برای زیادتی ثواب ودرجات است
وچون الله تعالی با بنده اراده خیر ورحمت داشته باشد هر کاه کناهی کند
عقب آن او را بعقوبت وبلیه خبردار کند تا توبه واستغفار نماید کناهانش را
بیامرزد واکر با بنده اراده غضب وعذاب داشته باشد او را استدراج کند
یعنی پی در پی نوازش نماید تا درجه درجه ومرتبه مرتبه کناهانش زیاد شود

ومغرور

ومغرور کردد واستغفار وتوبه را فراموش کند شخصی بحضرت صادق ع
عرض نمود که چند مرتبه از خدای تعالی مسئلت نمودم همیشه دعایم مستجاب
شد میترسم که استدراج باشم فرمود که والله اکر حمد وشکر کنی استدراج نبود
وچون الله تعالی با بنده نظر رحمت داشته عقوبات کناهانش در دنیا
یا در سکرات موت یا در قبر وعالم برزخ بحسب تفاوت مراتب کناهان
کند تا روز قیامت از کناه پاک باشد حتی انکه غم وهم وکدورت واندهی
که او را رسد یا خوابی بیند که از ان غمکین شود کناهانش را بدین سبب بیامرزد
واکر با کسی نظر غضب داشته باشد حسناتی که کرده باشد در دنیا بنعمت وصحت
وغیر آن از نیکی مکافات فرماید وعقوبات کناهش را بقیامت کذارد
وبسا باشد که مومنی کناهی عظیم کند که مستوجب عقوبت دنیا وآخرت شود
وخدای تعالی برای مصلحت او عقوبت آخرت را نیز در دنیا کند وکاه باشد
که در دنیا تقدیر مصائب وبلاها نموده باشد وچون کثرت عبادت و
طاعتش را بیند بر و رحم فرموده مصایب وبلایا را بعد از انکه مقدر شده
رفع فرماید وثواب ان بلایا را نیز ذخیره روز قیامت کند وهیچ کناه را سهل
وحقیر نباید شمرد مثل انکه کوید کناه میکنم بعد از ان استغفار خواهم کرد و
کوید کاش غیر از این کناه نمیداشتم وهر کناهم این باشد یا مثل این قسم سهل انکاری

که حقیر انگاشتن گناه هرگز آمرزیده نشود و عظیم ترین گناهان باشد و بزرگی
گناه از آن معصیت کند طاعتا و قبول نشود و هر صغیره که اصرار بر آن شود
کبیره شود و حق تعالی بر هر بنده چهل پرده از رحمت پوشیده که کسی بر گناهان
و عیوبش اطلاع نیابد چون چهل کبیره کند پردها همه برخاسته شود پس
الله تعالی ملائکه را فرماید که بالهای خود او را بپوشید و کی با نهان معاصی
و قبایح می کرده باشد تا حدی که فعل قبیح کند و او را حسن پندارد و توقع
مدح داشته باشد پس بفرماید تا ملائکه بالهای خود را از او بردارند و بعد از آن
او شروع در بغض و عداوت اهل بیت علیهم السلم کند و گناه سه قسمت یکی
آنکه البته آمرزیده شود و آن گناهیست که حق تعالی در دنیا عقوبت آن کند
و کریم تر از آنست که یک گناه را دو مرتبه عقوبت کند پس در آخرت او را بیامرزد
دویم مظالم عباد اگر کسی بظلم دست بر کسی زند یا حیوانی شاخ دار بر حیوانی
بی شاخ کله زند الله تعالی البته انتقام آن کشد سیم گناهی که کسی کند و از آن توبه
نماید و ترسان باشد و امید عفو و مغفرت داشته باشد حضرت امام ع فرمود
ما نیز مثل خود شیعیان ترسیم و امید مغفرت داریم و باید که با اهل معاصی ورد
مجلس ایشان که قادر بر دفع آن نباشی ننشینی که مبادا غضب و عذاب
بر ایشان نازل شود و ترا نیز در آن میان فرو گیرد و حضرت امام ع بیکی از اصحاب

فرمود

فرمود ترا در پیش فلانی دیدم آنجا چه میکنی گفت او خالوی منست فرمود
او معصیت خدا میکند یا باید که ترک ما کنی و پیش او روی یا پیش ما آئی و
ترک او نمائی گفت هرگاه آنچه او میکند من نکنم چه ضرر دارد فرمود نمی ترسی
که بر او غضبی نازل شود و ترا هم با او بگیرد نمیدانی که مردی که از اصحاب موسی ع
پدرش از قوم فرعون بود چون فرعونیان بموسی رسیدند آن مرد ایستاد
که پدر خود را موعظه نموده پیش موسی ع برد و چون بدریا رسیدند آب
همه را فرو گرفت و غرق شدند حتی حق تعالی جعل را در سوراخش عذاب کند
که چرا از محله معاصی بیرون نرفتی و دیگر بدان که مروی است از اهل بیت
علیهم السلم که هر کس را آخرتی و دنیائی میسر شود اگر اختیار آخرت کند خدا
از او راضی شود و سیئات اعمالش بیامرزد و اگر اختیار دنیا کند هیچ حسنه
او را نباشد که حجاب او از آتش شود و کل چیزی که سبب معصیت خدا
باشد شش چیز است حب دنیا و حب ریاست و حب طعام و حب خواب
و حب راحت و حب نسا و گرگ در گله بی راعی آنقدر ضرر نکند که حب
دنیا و جاه و شرف و بزرگی دنیا در دین مؤمن ملعونست و هر که ریاست
دنیا کند و یا اراده آن نیز کند و یا هر که بخاطرش نیز گذرد و هر چه از دنیا
زیاده بر قدر کفاف باشد ملعونست حضرت عیسی ع بقبری گذشت که همه

اهل آن حتی دواب وطیور بشومت هلاک کشته ودفن ناکرده افتاده بودند
بر بلندی بر آمده ایشانرا آواز کرد یکی از ایشان جواب داد فرمود که
اعمال شما چه بود که چنین مبتلا شدید کفت طاعت اهل معاصی وحب دنیا
وطول امل وخوف قلیل وغفلت از خدا وشغل لهو ولعب فرمود عاقبت
شما چه شد کفت در عین نعمت وعافیت بودیم ناکاه خود را در هاویه
دیدیم فرمود هاویه چیست کفت کوهها آتش که بر ما افروخته اند وهر چند
تضرع میکنیم که یکبار دیکر ما را بدنیا برند تا زهد ورزیم وطاعت نمائیم
میکویند دروغ میکوئید فرمود چرا دیکری غیر تو جواب نکفت کفت ایشانرا
با آتش لجام کرده اند که تکلم نتوانند کرد ومن در میان ایشان بودم اما از
ایشان نبودم مرا موکل در کنار جهنم آویخته اند نمیدانم خواهم افتاد یا
نجات خواهم یافت ودیکر هر کس مال حرام کسب کند یا لقمهٔ حرام بخورد یا جامهٔ
بپوشد هیچ طاعت از و قبول نشود ونه فریضه ونه نافله وبعدد آن وزر
برو نویسند وهر چه از آن مال بعد از و باز ماند توشهٔ جهنمش باشد وهر که
پروا نکند که مال را از کجا تحصیل میکند حق تعالی نیز پروا نکند که بجهنم از هر جا
در آورد وهر که را مقدور باشد واز ترس خدا دست بردارد حق تعالی او را دوست
دارد ورحمت شامل او کند واز اهل بهشت کرداند وترک یک لقمهٔ حرام بهتر است

از دو هزار رکعت نماز ودانق یکدانک از مال حرام برابر است با هفتاد نماز
مقبول ودیکر الله تعالی لعن کرده بر کسی که ربا دهد وکسی که کیرد وآنکه
نویسد وهر که شاهد بر آن باشد وربا هفتاد جزو است سهل ترین آن
مثل آنست که کسی با مادر خود در خانهٔ خدا زنا کند ویکدانک ربا عظیم
تر است از هفتاد زنا که همه با خویشان مثل عمه وخاله باشد وهیچ عبادت
مثل عفت بطن وفرج نیست که از حرام حفظ کنند ودیکر هر کس از مال یتیم
چیزی بخورد ببد وعقوبت معذب شود یکی در دنیا که خدای تعالی ظالمی را
بر اولادش مسلط کرداند ودوم در آخرت بآتش جهنم ودر هیچ خانه خیانت
یا دزدی یا زنا یا خمر راه نیابد مکر آنکه برکت از آنخانه زائل کردد وخراب شود
وهر که یکشربت مسکری بیاشامد چهل روز نمازش مقبول نشود واکر در این ایام
ترک نماز کند عذابش مضاعف کردد ودر آن ایام توبه اش مقبول نشود واکر بمیرد
کافر باشد واکر بار دیکر بیاشامد خدای تعالی از چرک ودیمی که در جهنم از
فروج زانیان می آید باو بیاشاماند واکر مداومت بر آن نماید مثل بت پرست
باشد وشراب خوار روز قیامت روسیاه وازرق چشم دهنش کج شده لعاب
دهنش روان کشته پستانش بر انکشت پا بسته بمحشر آید بهیئتی که اهل محشر همه بترسند
وهر که یکقطره شراب یا مسکر دیکر بکودکی دهد الله تعالی او را از حمیم جهنم بیاشاماند

وحمیم آنیست از جهنم که چون نزدیک آورند هنوز بلب نرسیده از شدت حرارتش
پوست روی را اندازد و هر که یک میل سرمه که شراب با مسکری دیگر در آن باشد
در چشم کشد روز قیامت میل از آتش در چشمش کشند و هر که ترک شراب کند
نه برای خدا بلکه همین برای مصلحت خود خدای تعالی او را شکر کند و از رحیق مختوم
بنوشاند که او شرابیست خاصه از شرابهای بهشت که الله تعالی سرش را از مشک مختوم
ساخته و برای خاص خود مقرر فرموده از امام رضا علیه السلام مرویست که چون سر
مبارک سرور اولیا حضرت امام حسین ع شهید کربلا را بشام بردند یزید علیه اللعنه
والعذاب گفت که آنرا در طشتی گذاشته روپوشی بران انداختند و بر روی آن شطرنج
می باخت و فقاع می آشامید و دُرد جام را در پیش طشت بر زمین می ریخت پس
هر کس از شیعه ما باشد باید که از فقاع و شطرنج اجتناب نماید و هر که نظرش بر
فقاع و شطرنج افتد و بر یزید لعین و آل او لعنت کند گناهانش همه آمرزیده شود
اگر چه مثل ستاره آسمان باشد و فقیه در من لا یحضر نقل نموده که نزد شیخ
ترا ستاد از شطرنج و داشتن شطرنج کفر است و بازیش شرک و تعلیمش کبیره
موبقه و سلام بر کسیکه بکنی بازی کند معصیت و نظر بر آلات آن مثل نظر بر
فرج مادر و هر چه بان قمار کنند مثل این باشد حتی بازی انگشتر و گردکان و
غیر آن و دیگر هر که سخن زند شیطان با او رفیق شود و ملائکه بگریزند مرویست

که چون آدم ع رحلت نمود ابلیس لعین و قابیل بجهت او شماتت نموده
با هم اسباب لهو و لعب اختراع کردند بعد از ان فرمود هر چه ازین قبیل
چنین باشد که مردم از ان ملتذ شوند مثل ان بود و در خانه کسیکه چهل روز
بربط نوازند شیطان قنفذ نام بر و مسلط کرد که هر عضو خود را بر عضو او
گذارد و بدمد بعد از ان غیرت و حیا از و زایل شود تا حدی که زنانش زنا
کنند و پروا نکند و نواختن عود و امثال ان نفاق در دل رویاند چنانچه
آب گیاه را و شنیدن لهو و غنا نیز چنین است و اهل این مجالس از مصیبت ایمن
نباشد و دعای ایشان مستجاب نشود و حق تعالی بر ایشان نظر نکند و فرشته
داخل نشود و غنا از جمله چیزهائیست که الله تعالی فرموده که برای اهل آن
عذاب مهین مهیاست و در بهشت درختیست که خدای تعالی باد را امر
کند که او را حرکت دهد پس نغمه که هیچ گوشی مثل آن نشنیده باشد مترنم شود
برای جمعی که در دنیا از غنا متقی باشند و کسیکه از ان اجتناب نکرده باشد
از شنیدن آن محروم باشد و در حدیث دیگر وارد شده که نکاح را بعلانیه
کنید و در ان دف بزنید و نیز مرویست که کنیزکان مغنیه ملعونند و ملعونست
کسیکه از کسب ایشان بخورد و بیعشان حرام و شرایشان حرام و تعلیمشان
کفر و شنیدن از ایشان نفاق و قیمت ایشان سحت است و حضرت امام محمد باقر ع

فرمود که گوش بهر کس کنی عبادت او کرده باشی پس اگر حق گوید و از خدا گوید
عبادت خدا کرده باشی و اگر باطل گوید و از شیطان گوید عبادت شیطان
کرده باشی و احادیث بسیار در مدح صوت حسن و ترتیل قران بصوت خوش
و رخصت ترنم وارد شده مثل انکه خوب نغمیست صوت با حسن و هیچ پیغمبری
مبعوث نشده مگر با واز خوش و ائمه علیهم السلم از همه مردم خوش اوازتر بودند و اگر
امام اندکی از حسن صوت خود اظهار کند هیچ کس تاب نیاورد و حضرت سید الساجدین
علیه السلم چون تلاوت میفرمود متردین از حسن صوتش بیهوش می افتادند
و مثل انکه قران بحزن نازل شده بحزن تلاوت کنید و در تلاوت قران ترجیع
صوت کنید که الله تعالی دوست میدارد صوت حسن را که ترجیع کند و پیغمبر
صلی الله علیه و آله فرمود قرانرا بالحان عرب بخوانید و بالحان اهل فسوق و
کبائر مخوانید که بعد از من جمعی آیند که قرانرا بترجیع غنا و نوحه ترجیع کنند
دلهای ایشان و جمعی که ایشانرا خوش دارند برگشته است شخصی از حضرت
سجاد سؤال نمود از خریدن جاریه خوش اواز فرمود قصوری ندارد و اگر
خرید و ترا بیاد بهشت اندازد و نیز اخبار بسیار وارد شده که باکی نیست
در کسب مغنیه که در عروسیها باشد بشرط انکه مردمان بر وی وارد
می شوند پس از مجموع این احادیث معلوم می شود که نغمه دو قسم است یکی

مذموم و حرام است که غناست و وعدهای عقاب بران واقع شده دویم
ممدوح و حلال که مدایح و رخصت در شان آن امده اما در تحقیق معیار
حلال و حرام اقوال مختلفه گفته اند اما انچه جمعی از فضلا و دانشمندان
بران رفته اند اینست که معیار حل و حرمت حق و باطل است یعنی هر نغمه
و صوت و تصنع و تضنی که سبب دوری و غفلت از خدا و رغبت بدنیا
و هیجان شهوات و لذات دنیوی و آرزوهای باطل و خیالهای فاسد
و مجملا سبب باطل باشد مذموم و حرامست و شکی نیست و هرچه منشا
رقت قلب و اشک چشم و دل سردی از دنیا و شهوات و شوق باخرت
و میل بعالم قدس و مجملا سبب حقی باشد ممدوح و حلالست چنانچه بعضی
احادیث مذکوره و سایر اخبار نیز غیر آنها مشعر است بران از انجمله تعبیر غنا
حرام است بلفظ لهو و لعب و لغو و قول زور در قران و احادیث بسیار واقع
شده و از انجمله از ائمه علیهم السلم سوال نمودند از غنا فرمودند وز قیامت که الله
تعالی حق و باطل را از یکدیگر جدا کند غنا در کدام طرف باشد سائل گفت
در طرف باطل فرمودند خود محاکمه نمودی و باز از انجمله جمعی از امام علیه السلم
از غنا سؤال نمودند فرمود شما اتقیاء کرام باشید شما را با باطل چکار و الله
اعلم و الراسخون فی العلم بدانکه انچه در غنا گفته شد در سائر نغمات گفت

چنانچه بعضی توهم میکنند زیرا که اصل ها نه مطلقا در دین مبین حرام و هیچیک
از انواع آن را رخصتی نیست بخلاف آوازخوش که اصل آن مطلقا حرمتش
ثابت نیست بلکه در اصل آن حلال و حرام هر دو هست چنانچه مذکور شد
و بباید دانست که صوتیکه اصلش حلالست گاهی بالعرض حرام شود مثل آنکه
مقرون بسازها و لهو باشد و نظیر آن طعام حرامست که اصلش حلالست و بالعرض
بجهت مأخذ حرام گشته و معیار شناختن صوت حلال و حرام آنست که در اکثر
طبایع اول مرتبه تهییج حقی یا باطلی کند اگرچه در بعض طبایع یا بسبب عادت
و ریاضت خلاف آن باشد چنانچه معیار خوبی و بدی در مطعوم و روایح
اینست که اکثر طبایع را اول مرتبه خوش آید یا بد آید و اگر گاهی بعضی طبایع را
بر سبیل ندرت یا بعد از عادت از طعمی یا رایحه خوش آید یا بد آید معتبر نباشد
این بود تحقیق این مقال و دیگر چون زنا شایع شود صوت فجاء و وجعهای غریب
که قبل از آن در میان ایشان شایع نبوده شایع شود و زانی را حق تعالی شش
عقوبت کند سه در دار دنیا باشد که نور از رویش ببرد و بفقر مبتلا شود
و اجلش نزدیک گردد و سه در آخرت غضب خدا و سختی حساب و خلود در آتش
و باز مرویست در باب زنا که سیصد هزار در از جهنم بقبرش گشوده شود که
شعلهای آتش و عقارب و حیات از دوزخ آید و عذابش کنند تا روز قیامت

و بعد از آن بجهنم برند و در روز قیامت چون زانیان محشور شوند بوئی در
نهایت و غایت عفونت از فرج ایشان آید که همه اهل محشر متأذی شوند
و هیچکس نماند مگر که ایشانرا لعن کند و دیگر هر که با زن نامحرم مکالمه کند
بهر یک کلمه که گوید هزار سال در جهنم محبوس گردد و اگر زن برغبت خود
اطاعت کند هرچه در میان ایشان گذرد گناهش مثل گناه مرد باشد و اگر
مجبور باشد گناه او نیز بر مرد نوشته شود و هر که چشم از نگاه حرام پر کند
حق تعالی آن چشم را از آتش جهنم پر کند و هر که با زن نامحرم در آویزد او را
با شیطان در زنجیر از آتش کنند پس در آتش اندازند و هر کس از زنان مردم
عفیف باشد مردم نیز از زنان او عفیف باشند و هر که از عقب زنان
مردم رود مردم نیز در عقب زنان او روند و هر نحو با مردم معامله کند
با او چنان معامله کنند پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود با فلان طائفه
تزویج نمائید که مردانشان عفیفند زنانشان نیز عفیفند با فلان طائفه
تزویج نکنید که مردان ایشان عفیف نیستند زنانشان نیز چنین اند و
هر کس را نظر بر زنی نامحرم افتد و چشم از وی بگرداند هنوز چشم بر هم نزده باشد
که خدای تعالی او را ایمانی عطا فرماید که لذتش در یابد و از حور العین بوی بهشت
تزویج نماید و دیگر هر که لواطه کند یا زنی حرام یا با مردی هیچ فریضه از او قبول

از و مقبول نگردد و از عفونت رایحهٔ او اهل محشر متاذّی باشند و او کافر
باشد و بر استبرق و حریر بهشت ننشیند کسی که را او لواط کنند و دیگر
هر کس یک کس را بنا حق بکشد چنان است که جمیع ناس را کشته باشد و جزایش
جهنم بود و حق تعالی همه گناهان مقتول را پاک کند و همه را بر قاتل نویسد
و سرکش ترین مردم از حق تعالی کسی است که کسی را بنا حق کشد یا بزند و اگر
اسمانها و زمین در قتل مسلمی شریک باشند و بان راضی باشند خدای تعالی
همه را سراز پر بدوزخ افکند و هر که بکلمهٔ اعانت قتل مسلمی کند روز قیامت مقتول
از و مطالبهٔ خون خود کند و دیگر هر کس را مؤمنی در حاجتش درفاقت کند
و خیر او را در آن ملاحظه نکند با خدا و رسول صلی الله علیه و آله و ائمهٔ اطهار
خیانت کرده باشد و ایشان روز قیامت با او مخاصمه کنند و هر که مباشر
کاری برای مؤمنان شود و از اضایع کند الله تعالی او را ضایع کند و هر که
والی و امیر جمعی شود اگر چه ده کس باشند و میان ایشان عدل نکند روز
قیامت سر و دست و پا بسته در سوراخ تابی کرده بمحشر در آورند و
هر والی که از رعیت و حوایج ایشان رو پنهان کند خدای تعالی روز قیامت
از و و از حوایجش اعراض کند و اگر در کار سازی ایشان هدیه بگیرد خیانت
کرده باشد و اگر در حکم حق میان ایشان رشوه بگیرد مشرک باشد و اگر

کسی

کسی که داخل جهنم شود والی و حاکمی است که با رعیت عدالت نکند و صاحب
مالی که حق مال ادا نکند و فقیر متکبر فاجر باشد و هر که بر کسی ظلم کند حق تعالی
او را در نفس یا در مال یا در ولد یا در ولد ولدش مواخذه نماید و ظلم در دنیا
ظلمات است در آخرت و بر صراط نیست که هیچکس با مظلمه از آن نتواند گذشت
و هر که مال کسی را بظلم و غصب بگیرد خدای تعالی از روی رحمت بگرداند و
هیچ طاعت و حسنه از و قبول نکند و در نامه عملش ثبت نکند تا آنکه توبه
کند و هر که ظالمی را در ظلم معذور دارد و حمایت کند خدای تعالی ظالمی را
بر و مسلط گرداند و در این حال که مظلوم باشد دعایش مستجاب نشود و
در آن ظلمی که بر او میشود اجر نداشته باشد و هر کس اعانت ظالمی کند یا مدّ
در گناهش شریک باشد و با او محشور شود حتی کسی که لیقه در دواتش کند هم
قلمی برایش نویسد یا سرکیسه بندد و هر که راضی بظلم باشد مثل ظالم بود الله
تعالی بدنمان پادشاه جبابره پیغمبری وحی فرمود که باین پادشاه بگو که من
ترا پادشاه نکردم که خون مردم بریزی و مالشان بگیری ملک بملک داده ام که
بداد مظلومان برسی و من از مظلمهٔ ایشان نخواهم گذشت اگرچه کافر باشند و
هر که سلطانی ظالمی را دلالت کند یا ظالمی را مسلّط ظلم گرداند در دوزخ قرین
هامان باشد و هر که صبح برخیزد و ظلم کسی در خاطر نداشته باشد گناهان آن
روزش آمرزیده شود و هر که با مخالفین و ظالمین مقاربت کند و ملازمت ایشان

نماید انا الله تعالی دور شود و هر چند با ایشان نزدیکتر از خدا دورتر باشد
و خدای تعالی ورع از دلش بردارد و حیرانش کرداند حضرت صادق علیه السلم
فرمود حقست بر خدا که شما را در آخرة با کسی رفیق کرداند که زندکانی با او کردید
و شخصی از آنحضرت پرسید که شیعیان از پریشانی کاهی کار مثل بنای عمارت
و حفر انهار برای مخالفین میکنند فرمود که اکر تمام مدینه را بمن دهند که
برای ایشان سرکیسه نه بندم و مد قلمی نه نویسم که اعوان ظالمین روز قیامت
در سراپرده های آتش باشند تا وقتی که خدای تعالی میان عباد حکم کند و هر که
صاحب سلطنتی را برای طمع مدح کند در جهنم قرین او باشد و هر که پیش صاحب
سلطنتی یا مخالفی در دین برای طمع تذلل و افتادکی کند الله تعالی او را ذلیل
کرداند و برکت از او بردارد و اکر با آن مال حج یا عتق رقبه یا سایر وجوه بر کند
اجر نیابد اما از ائمه علیهم السلم روایت است که اکر از مخالفین و اهل جور یکی
از ایشان بهر نحو بدست آید خمس او بفقرای شیعه بدهید تتمه بر شما حلالست
و شخصی بخدمت امام محمد باقر علیه السلم معروض داشت که مدتی در دیوان
مخالفین حکومت کرده ام آیا هیچ کفاره داشته باشد فرمود نه تا آنکه حق
هر کس را بصاحبش رسانی و شخصی بخدمت صادق علیه السلم عرض نمود که من
در دیوان بنی امیه مدتی نویسنده بودم و مال بسیار بدستم آمده که چشم از

ماخذش پوشیده ام فرمود اکر ایشان نویسنده و خدم و حشم نیابند که دست
بر ما یابند و حق ما را غصب کنند کفت از آنچه کرده ام مخرجی داشته باشم
فرمود اکر بکویم میکنی کفت بلی فرمود از هر چه از آن مال تحصیل کرده بیرون
آی و هر کس را میدانی و شناسی حقش را بده و هر کرا نشناسی برایش تصدق
کن تا من برای تو ضامن بهشت شوم پس آن مرد رفته چنان نمود حتی لباسی
که در بدن داشت بیرون کرد تا آنکه آشنایان در میان خود برای او قوت
و لباس توجیه نمودند و اندک وقتی بعد از آن بیمار شد یکی از اصحاب آنحضرت
کوید که بعیادتش رفتم چشم باز کرد و کفت والله که آنحضرت بوعده خود وفا
نمود و رحلت کرد پس بخدمت آنحضرت رفتم همینکه مرا دید فرمود که والله
بوعده فلان وفا نمودم و از ائمه علیهم السلم روایت آمده که اکر کسی بخدمت
مخالفین و ظالمین مبتلا شود کفاره اش آنست که قضای حوایج مؤمنین و
دفع ظلم از ایشان و ایصال نفع بایشان کند تا حسنه در برابر سیئه باشد
و دیکر چون ترک امر معروف و نهی منکر شایع شود حق تعالی با ایشان محاربه
کند و حضرت امیر المؤمنین علیه السلم فرموده تمام اعمال بر و جهاد در راه خدا
در پیش امر بمعروف و نهی از منکر مثل آنست که کسی بدمد در دریای عظیم نفث
کند و افضل آن کلمه حقیست در پیش حاکم جبار کفته شود و چون در کیل

دوزخ نقصان کنند بفقر و قحط و جور سلطان مبتلا شوند و چون منع
زکوة کنند زمین منع خیرات و برکات خود مثل زرع و ثمار و معادن کند
و چون قطع ارحام کنند اموال بدست اشرار منتقل شود و دیگر هر که
صورت حیوانی نسازد روز قیامت الله تعالی عذابش فرماید که در آن
صورت روح بدمد او نتواند و فرقی که میان سایه دارد و غیر آن مشهور است
اصلش در حدیث نامعلوم است و دیگر کسی را که غضب برو مستولی باشد
ربقهٔ اسلام از و منخلع بود و با اعراب جاهلیت محشور شود و هر که نگاه از
روی غضب بمؤمنی کند که او را بترساند الله تعالی بغضب خود او را بترساند
و هر کس یک ذره کبر در دلش باشد داخل بهشت نشود و متکبران روز قیامت
بصورت مور محشور شوند و اهل محشر پا بر ایشان گذارند و پامال باشند
تا الله تعالی از حساب خلق فارغ شود و در جهنم موضعیست بجهة متکبران که
سقر نام اوست از شدت حرارت شکایت کرد و اذن خواسته نفسی کشید از
نفس او تمام جهنم سوخت دیگر بغی و سرکشی صاحب خود را میکشد بجهنم ابلیس
بجنود خود گفت بغی و حسد در میان انسان افکنید که برابر است با شرک و
هیچ چیز برابری بغی و زیادتی بچیزی نکند مگر آنکه الله تعالی را نمایش کند و
حسد ایمان را بسوزاند چنانچه آتش هیمه را عصبیت هر که از بقدر خود را در دلش

باشد

باشد با کفار در جاهلیت محشور شود تعصب هر که کند ربقهٔ ایمان از گردنش منخلع
شود و آفت حسب افتخار است روزی شخصی در خدمت امام محمد باقر میگفت
من فلانم صاحب حسب عالی و در میان قوم خود بزرگ و عزیزم فرمود چه
منت حسب بر ما می نهی حق تعالی بلند گردانیده هر که مؤمن باشد و بکفر ذلیل
گردانیده هر که کافر باشد و هیچکس را بر کسی فضلی نبوده مگر بتقوی و دیگر هر که
با مردم بدخو و دو زبان معاشرت کند او را دو زبان از آتش باشد و حضرت
مرتضی علی علیه السلم فرمود و اگر نه مکر و خدعه در جهنم می بود من از همه کس مکارتر
می بودم و مرویست که همین عیب بس است آدمی را که عیوب مردم را ببیند و از
عیوب خود چشم پوشد عیب کند و دیگران را بر صفتی که خود ترکش نتواند
کرد و همنشین را بی سبب برنجاند و بدترین صفات نزدیک بکفر آنست که عیوب
و خطایای مؤمن را حفظ کنی تا روزی بدان تعییر سرزنش کنی و هر که در پی عیوب
مسلمین باشد حق تعالی در پی عیوب او باشد تا رسوایش کند حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله فرمود جمعی عیوب بسیار داشتند چون از عیوب مردم خاموش
بودند حق تعالی مردم را از عیوب ایشان خاموش کرد تا آنکه فوت شدند و عیبی
از ایشان در میان مردم نبود و جمعی دیگر هیچ عیب نداشتند اما عیب گوئی مردم
میکردند حق تعالی عیب چند از ایشان اظهار فرمود که بر زبانهای مردم افتادند

تا از دنیا رفتند و هرکس بدی و معصیتی از کسی افشا کند چنانست که خود آنکار
کرده باشد و هرکه مؤمنی را بعیبی سرزنش کند از دنیا نرود تا خودش بآن مبتلا
شود و الله تعالی در دنیا و آخرت او را سرزنش کند و مرویست که مؤمن از نور
عظمت و جلال خدا مخلوق شده هرکه بر او طعن و رد کند بر خدا کرده باشد
و شریک شیطان باشد و مرویست که هرکه غیر مؤمن را طعن کند به بدترین وجهی
بمیرد و هرکه از مؤمن چیزی روایت کند که باعث خفت او باشد در نظرها
حق تعالی او را از ولایت خود بیرون نماید و بولایت شیطان و شیطان نیز
قبول نکند و هرکه در مصیبت بمؤمن شماتت کند از دنیا نرود تا بآن مبتلا شود
و هرکس مؤمن را غیبت کند چنانست که گوشت میتهٔ او را بخورد و روز قیامت
از دهنش بوئی آید بدتر از بوی جیفه که اهل محشر همه از آن متأذی شوند و
از جمله آنان باشد که الله تعالی فرموده جمعی که میخواهند معصیت در میان
مؤمنان شایع شود بعذاب الیم معذب باشند و هرکه غیبت مؤمنی را بشنود
و قادر بر اعانت او باشد و نکند الله تعالی در دنیا و آخرت ذلیلش گرداند
و اعانتش نکند و گناهش هفتاد مرتبه مثل گناه کسی باشد که غیبت کرده و اگر
اعانتش کند و غیبت را از او دفع کند الله تعالی هزار نوع بدی در دنیا و آخرة
از او دفع نماید و از آتش آزادش گرداند و غیبت آنست که صفتی را که در او باشد

و او خود پنهان دارد و مردم ندانند ذکر کنند و اگر خود پنهان نکند غیبت
نباشد و اگر آن صفت در او نباشد بهتان باشد و هرکه مؤمن یا مؤمنه را
بهتان کند روز قیامت بر سر تلی از آتش نگاهش دارند آنقدر که از آن گناه
پاک شود و بهشت حرامست بر کسی که غیبت مؤمنان گوید و سخن چینی کند
تا میان ایشان فتنه افکند چهار کس را بجهنم برند از حمیم جهنم بیاشامند که
اهل جهنم از ناله و فغان ایشان زاری کنند و گویند که اینان چه کسانند که
ما را با این همه عذاب آزار میکنند پس با ایشان گویند آنکه در تابوت آتش آویخته
کسیست که اموال مردم بر گردنش بود ادا نکرده و اراده اداکردن هم نداشته و آنکه
دودها پیش گداخته و روان گشته از بول اجتناب و مبالات نمیکرده و آنکه
چرک و خون از دهنش روانست سخن مردم حکایت میکرد و میان ایشان
فتنه می‌انگیخت و آنکه گوشت خود را میخورد غیبت و نمامی میکرد و هرکه با مؤمنان
بدگمان باشد ایمان در دلش بگدازد مثل نمک در آب و هرکه مؤمنی را نزد حاکم برد
و از حاکم ضرری نرسد جزایش جهنم باشد و اگر ضرر رسد با فرعون و آل فرعون در
جهنم باشد و اگر تازیانه بر مؤمنی زند الله تعالی تازیانه از آتش بر او زند و اگر ظلما بجه
زند روز قیامت اعضایش از هم جدا گشته غل در دستهایش محشور شود تا بجهنم
رود مگر آنکه توبه کند و هرکه تازیانه یا چوبی در دست گرفته پیش حاکم جابر

بایستد خدای تعالی اژدها کند که طولش هفتاد ذراع باشد و روز قیامت
برو مسلط گرداند و خدای تعالی فرموده هر که متعرض قسمهای دروغ
شود از رحمت من بی نصیب شود و دیگر هیچکس را نرسد که قسم بغیر خدا
بخورد و قسم بخدای تعالی شانه نیز برای هر مطلب سهل اگرچه راست باشد
نشاید خورد که موجب استخفاف بعظمت آن جناب است تعالی عن ذلک و هر که
حق مومنی را حبس کند و بی عذر تاخیر نماید برکت رزق برو حرام شود و
هر که زکوة تاخیر کند مثل وزر عشاری برو نویسند و روز قیامت پانصد سال
او را برپای دارند تا رودهای او از عرقش روان شود منادی ندا کند اینست
ظالمی که حق مومن را حبس کرده چهل روز توبیخش کنند پس بآتش امر فرمایند
و هر کس نیت ادای دین نداشته باشد مثل دزد و حرامی بود و همچنین است کسی
که ترک زکوة کند و کسی که مهر زن را ببرد و هر که نیت ادای دین داشته باشد
دو ملک از جانب خدا برو موکل شوند که محافظتش کنند و اعانتش نمایند
و اگر نیتش از ادای دین کوتاهی کند ملکین نیز بقدر آن در اعانتش کوتاهی کنند
و چون کسی در راه خدا کشته شود قطره از خونش که بریزد کفاره همه گناهانش
باشد مگر دین که کفاره ندارد مگر ادای آن و یا صاحب حق حلال کند یا کسی
بعهده خود گیرد و صاحب حق راضی بآن شود و هر صاحب دینی که طلبکارش

از پیش

از پیش او راضی برگردد و آب زمین و ماهی دریا برو صلوة فرستد و اگر آزرده
برگردد و حال آنکه قادر باشد هر شبانروز که حق او را حبس کند ظلمی برو نوشته شود
و رضای طلبکار آنست که اگر مقدور باشد حقش را ادا کنند و اگر مقدور نباشد
بملایمت و همواری عذرخواهی کنند و دیگر اجیر هر که بر اجیر در اجرتش ظلم کند بوی
بهشت برو حرام شود و هر که اجیر را از نماز جمعه منع کند گناهش برو باشد و
اگر مانعش نشود در ثوابش شریک باشد و در دادن اجرت اجیر تعجیل باید نمود
مرویست که هنوز عرقش خشک نشده اجرتش را بدهید و پیش از آنکه اجرتش را
مقاطعه کنید کار مفرمائید فرمود هرچند گوید هرچه بدهید راضیم و مضایقه
ندارم و تاکید بلیغ در این باب وارد شده و هر که شهادت ناحق دهد با منافقین
در درک الاسفل جهنم بزبانش بیاویزند و هر که کتمان شهادت کند خدای تعالی
در میان اهل محشر گوشتش را باو بخوراند و زبان خود را میخاییده باشد تا
بجهنم رود و هر که گل خورد مورث حکه است و تهییج سودا و قوة ساق و قدم را
ببرد و از عبادات که پیش از این میکرد هرچه بسبب ضعف نقصان یابد بران
حساب و عذاب کنند و هر که در معصیت خالق اطاعت مخلوق کند و رضای
او جوید از دین خدا بیرون رود و حق تعالی چنان کند که هر که مدحش میکرد
مذمتش کند و مومن گناه کند بهتر است از آنکه بعمل و عبادت عجب ورزد

واگر نه چنین بودی خدای تعالی هرگز مؤمن را بگناه مبتلا نکردی حضرت
امام علیه السلام فرمود که عابدی و فاسقی با هم بمسجد رفتند چون بیرون آمدند
عابد فاسق و فاسق صدیق بود زیرا که عابد بعبادت خود مغرور بود و
معجب و فاسق از معصیت خود ترسان و پشیمان بود و استغفار مینمود و نیز
فرمود که عالمی از عابدی پرسید که عبادت تو چونست گفت کسی از مثل منی
سؤال عبادت کند من چندین سالست که عبادت میکنم پرسید که گریات
چونست گفت اشک از چشم روانست عالم گفت اگر خندان و ترسان می بودی
بهتر از آن بود که مشعوف و گریان باشی چون کسی از عمل خود مشعوف و از
خود راضی باشد هیچ عمل از و مقبول نشود امید که الله سبحانه هدایت همه
شیعیان نموده از رذایل معصیت دور و بنور عبادت و رضای خود نزدیک
گرداند بمحمد و علی و بدان که مؤمنان را نزد جناب الهی قدری عظیم و اجری
بزرگست چنانچه در احتجاج شیخ طبرسی از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
مرویست که آنحضرت فرمود شناساترین مردمان بحقوق برادران خود و شدیدترین
بجا آورنده حقوق ایشان و عظیم ترین ایشان نزد الله تعالی بحسب شان و رتبه
کسیست که تواضع کند در دنیا از برای برادران خود پس او نزد الله تعالی از
صادقین و از شیعیان علی ابن ابی طالب است از روی حق تعالی و بتحقیق آمده

بخدمت علی ع پدر و پسری کرد و برادر آنحضرت بودند بجهت ایمان آنحضرت
برخواست و اکرام نمود ایشان را و بر صدر مجلس خود نشاند و نشست آنحضرت
در برابر ایشان و امر فرمود که خوردنی آوردند و چون خوردند ایشان پس
قنبر آفتابه و لگنی از چوب و دستمالی بجهت پاک کردن دست آورد و چون
خواست که آب ریزد بدست آنمرد برجست آنحضرت ع و گرفت آفتابه را که آب
خود بدست آنمرد ریزد آنمرد بخاک غلطید و گفت یا امیر المؤمنین حق سبحانه
و تعالی مرا ببیند در حالتی که شما آب بدست من ریزید آنحضرت فرمود بنشین
و دست بشوی بدرستی که حق تعالی می بیند ترا و برادر تو که امتیازی و زیادتی
ندارد از تو و خدمت میکند ترا و اراده کرده باین خدمت کرد و خدمت او
باشد در بهشت برابر ده مثل عدد اهل دنیا و بر اینمقدار در بندگی او باشند
در بهشت پس آنمرد بنشست و علی علیه السلم فرمود بانکه قسم میدهم ترا ببزرگی
حق من که شناخته او را و بجا آورده حق ترا و بحق تواضعی که تراست از برای
خدا تا آنکه پاداشت تو داد از آن بانکه خوالله مرا بچیزی که شرفست بآن
که آن خدمت منست مرتا پس بشوی دست خود را اندوی اطمینان همچنانکه
هرگاه قنبر میریخت آب را پس آن مرد بفرموده آنحضرت عمل نمود و چون فارغ
شد آنحضرت داد آفتابه را بدست محمد بن الحنفیه و فرمود ای پسر من اگر می آمد

این پسر تنها نزد من بی پدرش هر آینه آب میریختم من بدست او و اما چون
حق سبحانه و تعالی نمی خواهد که برابر کنند در تعظیم میانه پدر و پسر یعنی
تفاوت بگذارند وقتی که هر دو در یک مکان حاضر شوند لکن چون
پدر آب ریخت بدست پسر پس فرمود حسن عسکری علیه السلم کسی که
متابعت کند علی علیه السلم را براین معنی یعنی بر تکریم و تعظیم مؤمن پس
اوست شیعه امیرالمؤمنین علی ع از روی حق یعنی براستی و درستی ای عزیزان
هرگاه حضرت امیرالمؤمنین ع با آن عظمت و بزرگی با مرتبه ولایت و خلافت
و قرب جناب احدیت نسبت بمؤمنان که آن حضرت وارد شدند چنین
قسم تکریم و تعظیم فرمودند پس بدانید که مرتبه مؤمن چیست و نظر حقارت
منگرید و تعظیم و ادب ایشان بدارید و سعی نمائید تا خود را از جمله مؤمنان
کنید تا صاحب این مرتبه شوید **فصل دهم** در دوای معاصی و سیئات مروی است
از ائمه علیهم السلم که هر دردی را دوائیست و دوای ذنوب استغفار است و
استغفار بهترین دعا است گناهان را میریزد مثل برگ از درخت هر که استغفار
بسیار کند نامه عملش نورانی و درخشان بالا برند خوشا کسی که روز قیامت عرض
در نامه عملش در پای هر گناهی استغفاری باشد شخصی بحضرت امام محمد باقر ع
نمود که مرا چیزی تعلیم فرمای که چون بآن عمل کنم در دنیا و آخرت با شما باشم فرمود

انا انزلنا بسیار بخوان و لبت را باستغفار تر و تازه دار و نیز از ایشان
مرویست که هیچ شفیعی بهتر از توبه نیست هر که از گناه توبه کند چنانست
که گناه نکرده باشد و هر که توبه نصوح کند یعنی بعد از آن دیگر رجوع
بگناه نکند و اگر باز در خطائی از وصادر شود باز توبه کند و بر گناه
خود مصر نباشد حق تعالی او را دوست دارد و بر صحت خود بپوشد و
گناهش را از یاد ملکین ببرد و باعضا و بمکانی که گناه انجا کرده امر فرماید
تا گناهانش را پوشیده دارند تا روز قیامت و هیچ چیز شهادت بر گناه
او ندهد و اگر بگناه مصر باشد و ترک نکند و استغفار میکرده باشد
چنانست که بخدای تعالی استهزا کند والله تعالی سه نعمت بتوبه کنندگان
عطا فرموده که اگر یکی از انها را بتمام اهل آسمان و زمین عطا فرماید
میفرمود همه نجات می یافتند یکی آنکه ایشان را دوست داشته و
هر که را خدا دوست دارد عذاب نکند دویم ملائکه و حمله عرش را فرموده
برای ایشان استغفار کنند و دعای ایشان را البته اجابت فرماید و باز
از ایشان مرویست که هر کس را گناهی مقدور شود پس خدا را بیاد
آرد و از ملائکه کاتبین شرم کند و از او ترک کند گناهش آمرزیده شود
اگر چه گناهش مثل گناه تمام جن و انس باشد و هر که معصیت کند پس

در دل از حق تعالی بترسد و بداند که خدا قادر است بر عقوبت گناهش را
بیامرزد پیش از آنکه استغفار کند و چون مؤمن گناه کند از او فراموش
نکند اگرچه بعد از بیست سال باشد بیاد آورد و استغفار کند آمرزیده
شود و چون کافر گناه کند و بعد از آن نکند و فراموش کند حضرت صادق
علیه السلم فرمود که گاه باشد که الله تعالی بگناه بنده را بیهشت برد شخصی
عرض نمود یا ابن رسول الله ص چون شود که گناه موجب بهشت باشد فرمود
گناه کند و پشیمان شود و پیوسته ترسان باشد و با خود دشمن باشد
و خود را عتاب و توبیخ کند پس الله تعالی برو ترحم فرماید و به بهشت
برد و با ناز ائمه علیهم السلم مرویست که هر چیزی کیلی و وزنی دارد الا گریه
که یکقطره اشک دریاهای آتش را فرو نشاند و اگر کسی بر امتی گریه کند
الله تعالی بگریه او بر آن امت رحم فرماید و اگر اشک در چشم کسی پر شود
غبار مذلت بر آن رو ننشیند و اگر روان شود الله تعالی بدنش را بر
آتش حرام کند و بهر یک قطره مثل کوه احد اجر کرامت فرماید و بهر قطره
در بهشت چشمه آب عطا فرماید که در اطراف آن شهرها و قصرها باشد
که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بخاطر هیچکس نگذشته باشد و هیچ
قطره پیش خدا دوستر از دو قطره خونی که در راه خدا بریزد و قطره اشکی که

در شب تاریک از ترس خدا بچکد هر چشمی که در روز قیامت گریان باشد
الا سه چشم چشمی که از ترس خدا گریسته و چشمی که از اطاعت او بخوابی
کشیده و چشمی که از حرام پوشیده و جبهی که از ترس خدا بگرید مقاماتش
در رفیع اعلی باشد که هیچکس با ایشان در آنجا شریک نبود و حضرت پیغمبر ص
بحضرت علی ع فرمود چند چیز ترا وصیت میکنم محافظت نمای از انجمله
فرمود از ترس خدا بسیار گریه کن که بهر قطره هزار خانه در بهشت عطا
فرماید و از ائمه علیهم السلم مرویست که اگر کسی شبانه روزی چهل کبیره از او
صادر شود چون پشیمان شود بگوید أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ
الْحَيُّ الْقَيُّومُ بَدِيعُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ
يُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ همه گناهانش آمرزیده شود و چیزی
نیست در کسیکه یک روز زیاده از چهل کبیره کند و اگر کسی هر روز صد مرتبه
أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ بگوید هفتصد گناهش آمرزیده شود و کسی که هر روز زیاده از
هفتصد گناه چیزی دیگر نبود و نیز مرویست هر که بگوید أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي
لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ گناهش آمرزیده شود اگرچه فرار از زحف روز جهاد
نموده باشد که اعظم کبائر است و مرویست که هر که بگوید اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي إِنَّهُ
لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ الله تعالی فرماید ای ملائکه من بنده من میداند

که گناهش را غیر من کسی نیامرزد گواه باشید که او را آمرزیدم شخصی در خدمت
حضرت رسول صلی الله علیه و آله از بسیاری گناه شکایت کرد فرمود که سجده
بسیار کن که سجده گناه را بریزد چنانچه باد برگ را از درخت و در روایت دیگر
آمده که بیک سجده خطیئه محو شود و درجه بلند گردد و مرویست که شخصی
در خدمت امیر المؤمنین علی علیه السلام گفت استغفر الله آنحضرت فرمود مادرت
بر تو بگرید هیچ میدانی استغفر الله چه چیز است استغفار شش شرط دارد
اول آنکه از کردهٔ خود پشیمان باشی دویم عزم داشته باشی که دیگر رجوع بآن
نکنی سیم آنکه حقوق مردم را ادا نمائی تا آنکه هیچکس را پیش تو مظلمه نباشد چهارم
آنکه هر فریضه که در آن تقصیر کردهٔ تلافی کنی پنجم آنکه گوشتی که از حرام در بدنت
رسته بغم و اندوه بگدازی تا پوست بر استخوان چسبد و در میان گوشت
تازه روید ششم آنکه بدن را الم و مشقت طاعت بچشانی چنانکه لذت و راحت
معصیت چشانیدهٔ چون باین شرایط عمل کنی استغفار کرده باشی و بباید دانست
که اگر گناه حق الناس باشد استغفار و توبه تنها کافی نبود چنانچه چند حدیث باین
معنی سابق براین ذکر نمودیم که فرمود اموال مردم کفاره ندارد الا آنکه هر کرا
دانی حقش را برسانی و هر کرا ندانی از جانب او تصدق نمائی و نیز از صادق علیه السلام
شخصی پرسید که اگر کسی با جاریهٔ دیگری زنا کند توبه اش چه بود فرمود آنکه دیگر این

عمل نکند

عمل نکند و از صاحب جاریه معذرت خواهد و التماس کند که او را حلال نماید
گفت اگر حلال نکند چون باشد فرمود زانی و خاین باشد پس گفت بجهنم خواهد
رفت فرمود شفاعت پیغمبر ص و شفاعت با همه گناهان شما وفا کند اما
تکیه بر شفاعت نکنید که چون کسی این عمل کند والله که تا الم عذاب و هول
جهنم نبیند شفاعت او را در نیابد و امثال این احادیث بسیار روایت شده
و نیز مرویست که اگر کسی تلافی ظلمی که کرده نتواند برای مظلوم استغفار
و طلب آمرزش کند کفارهٔ آن باشد و اگر کسی را غیبت کرده باشد هر مرتبه
که بخاطر رسد برای او استغفار کند کفارهٔ آن باشد و حضرت علی علیه السلام
فرمود بسا کسی که طلب توبه کند و دستش بآن نرسد بهتر آنست که ترک
گناه کنی و از بیم رد توبه فارغ باشی و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم ۵

فصل یازدهم در فضایل قرآن و آداب تلاوت آن از اهل بیت علیهم السلام

مرویست که چون روز قیامت خلایق همه صف بصف ایستاده باشند قرآن
با بهترین صورتی بحشر آید و چون بر صف مسلمین گذرد او را ببینند گویند
این مرد را بصورت و صفت می شناسیم و میدانیم که از جملهٔ مسلمین است
اما عبادت و طاعتش بیشتر بوده که این نور و جمال او را عطا شده و ما را
نصیب نشده پس بر صف شهدا گذرد گویند این را می شناسیم که از جملهٔ

شهدا است اما مصیبتش عظیم تر بوده که باین نور و بها و جمال کرامت
یافته و همچنین بر صف انبیا و رسل گذرد و مثل این گفتگو کنند پس همه متفق
مجتمع گشته بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله آمده گویند این کیست
که ما نمیدانیم آنحضرت ص فرماید این حجت خداست بر بندگانش پس سلام
دهد و از انجا گذشته بر صف ملائکه بصورت ملک مقرب گذرد
و ملائکه نیز چنین گفتگو نمایند پس از انجا گذشته تا پیش عرش رسیده
بسجده در آید پس الله تعالی گوید ای حجت من و ای کلام صادق ناطق من
سر بردار و هر چه خواهی سوال کن و هر کرا خواهی شفاعت کن که هر چه طلب
کنی باجابت مقرونست پس سر برداشته گوید خدایا بندگان تو بعضی مرا
محافظت نمودند و بقدر طاقت خود حرمت من داشتند و حق من رعایت
کردند و بعضی حرمت من نداشتند و حق مرا ضایع کردند پس خدای تعالی
فرماید بعزت و جلال من که هر کس ترا از خود راضی باشی جزای رضای تو باو رسانم
و اورا از تو راضی کردانم و از هر کس که راضی نباشی انتقام ترا از و بکشم پس بصورت
جمالی که اهل محشر نشناسند به پیش شیعیان آید و گوید منم انکه شما بشغل
تلاوت من شبها بجای خواب بیداری کشیده و روزها بعوض آب شربت
تشنگی چشیده اید و در دنیا بسبب من شقتها دیده و اندوهان مصیبتها رسیده

ایشانرا برداشته به پیش خدای تعالی برد و گوید خدایا ایشان بندگان تو
اند و تو ایشانرا بهتر شناسی و دانی که در محافظت و رعایت من چها کشیده اند
پس فرماید تا ایشانرا به بهشت برده حلهای بهشت در ایشان پوشند و
تاجهای کرامت بر سر ایشان نهند پس بدان نمایند و گویند که از این کرام
کرما و لیاء تو گردیم راضی گشتی گوید خدایا مرا با ایشان بیش از این توقع احسان
است خدای تعالی فرماید بعزت و جلال خودم که احسان بسیار باشان
کنم و ترا از خود راضی کردانم پس هر یک از ایشانرا دست راستش را مملو امان
و رضوان و دست چپش را مملو رحمت و خلود در جنان کردانم و والدینشانرا
بازاء تعلیم قران که بفرزند خود کرده اند دو حله از بهشت پوشانم و از ایشان
علیهم السلم مرویست که هر کس در نماز نشسته قران بخواند بعدد هر حرف بایش
پنجاه حسنه نوشته شود و پنجاه سیئه محو کنند و ده درجه بلند کردانند
و اگر ایستاده بخواند بعدد هر حرف صد حسنه نویسند و صد سیئه محو کنند
و صد درجه بلند کردانند و اگر در غیر نماز بخوانند بهر حرف ده حسنه نویسند
و ده سیئه محو کنند و ده درجه بلند کنند و اگر خود تلاوت نکند و گوش
بتلاوت دیگری دارد بهر حرف یک حسنه عطا فرمایند و یک سیئه محو نمایند و
یک درجه بلند کردانند و چون قرانرا ختم کند او را دعای مستجاب بود و اگر

ختم در روز واقع شود تا شب واکر در شب واقع شود تا روز ملائکه براو

صلوة فرستند از حضرت امام علیه السلم پرسیدند کراین فضایل برای کیست

کرقران داند فرمود الله تعالی کریمیست هرکس انچه می داند هرکاه ختم کند چنانست

کرختم قران کرده باشد واین فضایل را باو عطا فرماید وهرکه در مکه معظمه

از جمعه تا جمعه یا کمتر یا بیشتر ختم کند وختم در روز جمعه واقع شود از جمعه

اول دنیا تا آخر آن جمعه برای او ثواب وحسنات نویسند وهمچنین اکر در روز دیکر

باشد از شوال تا مثل آن وباز مرویست کرهرکس در شبی ده آیه بخواند او را از جمله

غافلین ننویسند واکر پنجاه آیه بخواند از جمله ذاکرین نوشته شود واکر صد آیه

بخواند از جمله قانتین واکر دویست آیه بخواند از خاشعین واکر پانصد آیه بخواند از

عابدین واکر هزار آیه بخواند یکقنطار ثواب برایش نویسند وقنطار پانزده هزار

مثقالست ومثقالی بیست وچهار قیراطاست وکوچکترین قیراط مثل کوه احد است

وبزرکترین از زمین تا آسمانست وکسی کرقران بمشقت بیاموزد ثوابش مضاعف

باشد ودر خانه کرقران خوانند وذکر خدا کنند ملائکه حاضر شوند وشیاطین دور

شوند وبرکت زیاد شود وآن خانه برای اهل آسمان نورانی باشد مثل ستاره

برای اهل زمین وخانه کرقران دران نخوانند وذکر خدا نکنند ملائکه بیرون روند

وشیاطین حاضر شوند وبرکت کم شود وسه چیز از اهل خود شکایت کنند مسجد بکه

دران نماز نکذارند وعالمی کرقدرش ندانند وقرانی کردر خانه تلاوت نکنند ناقصان

کیرد وهرمومنی کربسم الله الرحمن الرحیم بکوید بعدد هرحرفی او را حسنه عطا فرماید کر

هرحسنه بهتر باشد از تمام دنیا ونعمتهای آن وخدای تعالی کارهایش را مبارک

وتمام کرداند واکر کوش کند کرد یکری بخواند ثلث ثواب خواننده داشته باشد

الحمد هرکس از روی اقرار واعتراف بخواند خدای تعالی نعمتهای آخرت را برای او تمام فرماید

نعمتهای دنیا کردنیا کرداند وبلاهای آخرت را باضافه بلاهای دنیا دفع کند ورحمت

وافر وعطیه کامل احسان فرماید وروز قیامت حسابش را آسان کند وحسناتش را

قبول وسیئاتش را محو فرماید وثوابی کرامت فرماید کرهمه مخالفین برآن حسرت برند

ودر شداید کارها معین ودستکیرش باشد وبراه راست وطریقه اهل بیت علیهم السلم

هدایتش کند وچنانست کرد وثلث قران خوانده وبهر مومن ومومنه صدقه

داده باشد بقره وآل عمران در روایت آمده کرهرکه در مدت عمر خود یکمرتبه بخواند

بعدد هرخلقی در دنیا وآخرت برایش دو هزار حسنه نویسند ودو هزار سیئه

محو کنند واز جنون وجزام وآفات والام ایمن کردد وسکرات موت برا واسان شود

والله تعالی متوجه کردد وحشر شود ووسعت معیشتش دهد وروز قیامت خوشحال

باشد وانقدر ثواب باو دهد کرراضی کردد وجمیع ملائکه آسمان وزمین کویند

برای این بنده من استغفار کنید کرمن از و راضی کشتم وشیح این انبیا دموافق احا

که حق اند رفقای رسول الله باشد واقع شده و قلیلی از آن ما نقل نمودیم
ص هر که بخواند الله تعالی بوزن هر کوهی که مسخر داود علیه السلام کرده بود حسنات
با وعطا فرماید وهر که شب جمعه بخواند نقد وخیر دنیا واخرت با و دهند که
هیچکس نداده باشند مگر نبی مرسل وملک مقرب واورا وهر کرا او خواهد از اهل
بیتش حتی خادمش که چهار از اهل وعیال او نباشند بشفاعت او به بهشت برند
واقعه سوره حضرت امیرالمؤمنین است ع هر که هر شب جمعه بخواند از رفقای
آنحضرت باشد واز آفات ومکاره دنیا ایمن گردد وهر که هر شب بخواند پیش از
خواب رویش در روز قیامت مثل بدر تمام باشد صف هر که بخواند عیسی ع
اورا دعا کند واز برایش استغفار نماید تا در دنیا باشد ودر روز قیامت رفیق
آنحضرت باشد وهر که باین سوره در فرایض ونوافل مداومت کند ودر صف
ملائکه وانبیا ومرسلین باشد هل اتی هر که بخواند جزایش بهشت وحریر بهشت
باشد واگر در نماز صبح دوشنبه بخواند از شر روز آخر ایمن گردد واگر صبح پنجشنبه
بخواند در خدمت حضرت پیغمبر ص باشد وهشتصد بکر وچهار هزار ثیب از حور
العین با وعطا کنند جمعه هر کس بخواند بعدد هر که بنماز جمعه آمده ونیامده در
دیار اهل اسلام ده حسنه با وعطا کنند منافقین هر که بخواند از نفاق بری شود
سبح اسم هر که بخواند بعدد هر حرف که بر ابرهیم وموسی ومحمد مصطفی صلی الله علیه وآله

نازل گشته ده حسنه عطا فرمایند وهر که در نافله یا فریضه بخواند روز قیامت
گویند از هر در که خواهی داخل بهشت شود حضرت امام جعفر صادق ع فرموده
بر شیعه ما واجب ولازم است که شب جمعه نماز سوره جمعه وسبح اسم وظهر جمعه
جمعه ومنافقین کنند وهر که چنین کند چنانست که عمل رسول خدا ص کرده باشد
وجزایش بهشت باشد الحاقة برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام ومعاویه لعنه الله نازل
شده هر که در نوافل وفرایض بسیار بخواند ایمان از و مسلوب نشود تبارک هر که بخواند
از عذاب قبر ایمن باشد واگر در نماز خفتن بخواند در امان خدای تعالی باشد تا
صبح وروز قیامت داخل بهشت شود والفجر سوره امام حسین ع است هر که
در فرایض ونوافل بخواند با آنحضرت در یک درجه از بهشت باشد وهر که در ده شب
ذی حجه بخواند گناهانش آمرزیده شود انا انزلناه سوره اهل بیت طاهرین ع است
هر که بخواند چنانست که ماه رمضان المبارک روزه گرفته ولیلة القدر را احیا
داشته وهر که یکمرتبه آهسته بخواند چنانست که در راه خدا در خون خود غلطیده
واگر یکمرتبه بلند بخواند چنانست که در راه خدا شمشیر از غلاف کشیده باشد واگر
ده مرتبه بخواند هزار گناهش آمرزیده شود واگر در نماز فریضه بخواند منادی ندا
کند که اعمال را از سر گیر که گناهت آمرزیده گشت وفضایل این سوره زیاده از آنست
که در حوصله این رساله گنجد والتین هر که بخواند الله تعالی در دنیا عافیت ویقین

ودر آخرت بعد هر کس که این سوره را خواند ثواب یکروز روزه با وعطا فرماید
وهر که در فرایض ونوافل بخواند از هر جای بهشت خواهد با وعطا فرمایند والعادیات
سوره امیر المؤمنین ع است هر که بخواند این سوره را ومداومت نماید الله تعالی
انحضرت ودر پناه او باشد الهیکم هر که بخواند چنانست که هزار آیه از قران خوانده
باشد والله تعالی نعمتهای که در دنیا باو داده او را محاسبه نفرماید واکر در فریضه
بخواند چهل صف از ملایکه با او قتال کنند واجر صد شهید داشته باشد واکر در
نافله بخواند اجر پنجاه شهید داشته باشد جحد هر که بخواند چنانست که ربع
قران خوانده باشد وشیاطین از او دور شوند واز شرک بری شود واز فزع
اکبر ایمن کردد وهر کس سوره جحد و توحید در فریضه از فرایض بخواند کناهان
او ووالدین واولاد ایشان هم آمرزیده شود واکر شقی باشد از دیوان اشقیا
محو شود ودر دیوان سعدا ثبت شود ودر زمره ایشان محشور شود توحید
هر کس یکمرتبه بخواند چنانست که ثلث قران خوانده باشد وبعدد هر مؤمنی
ده حسنه عطا کند وچون سه مرتبه بخواند ختم قران کرده باشد وهر که یکمرتبه
بخواند خدای تعالی برو برکت ورحمت زیاده کند واکر دو مرتبه بخواند براو وبر اهل
بیتش واکر سه مرتبه بخواند بر ایشان وبر همسایکانش واکر دوازده مرتبه بخواند
دوازده قصر در بهشت عطا فرماید وچون حضرت پیغمبر ص بر سعد بن معاذ نماز

کذارد

کذارد دید که هفتاد هزار ملک که جبرئیل از انجمله بود برو نماز کذاردند از جبرئیل
پرسید که سعد بچه چنین مستحق این کرامت کشته کفت باین که در جمیع احوال نشستن
وبرخواستن وآمدن ورفتن وسواره وپیاده همیشه قل هو الله میخواند اذا جاء
هر کس بخواند چنانست که با حضرت رسول صلی الله علیه واله در فتح مکه حاضر باشد
واکر در فریضه یا نافله بخواند بر همه دشمنان نصرت یابد ونورانی از قبر بیرون
آید واز جسر جهنم واهوال آن ایمن باشد ودر دنیا انقدر اسباب خیر برو مفتوح شود
کرد که بخاطرش نکذشته باشد وآرزو وپیش نداشته وچون روز قیامت محشور
شود بر هیچ چیز نکذرد مکر که او را مژده خیر دهد تا داخل بهشت شود
معوذتین هر که بخواند چنانست که جمیع کتابها که بر انبیاء علیهم السلم نازل کشته
خوانده باشد آیة الکرسی هر که یکمرتبه بخواند حق تعالی هزار مکروه در دنیا که
سهل ترین آن فقر وهزار مکروه در آخرت که سهل ترین آن عذاب قبر باشد ازو
رفع نماید این بود مجملی از فضایل بعضی از سور وآیات قران مجید یاد کردیم اما هم
آن در حوصله این رساله نکنجد اما اداب تلاوت چون کسی آیه یا سوره از قران
بیاموزد باید مداومت بان نماید تا فراموش نکند که اکر فراموش نکند که اکر فراموش
کند آن سوره یا آیه خود را در بهشت بصورتی جمیل ودرجه رفیع باو نماید
وبرو سلام کند پس او کوید چه خوب نعمتی تو چیستی واز کیستی کاش از آن من

میبودی کوید من فلان سوره یا آیه را اکر فراموش نمیکردی باین درجات
میرسانیدم واز ائمه علیهم السلم مرویست که مؤمن را سزاوار است که هر روز خضوعًا
صبح بعد از فراق از تعقیبات از روی قران تلاوت کند اقلاً پنجاه آیه وافضل اعمال
آنست که کسی همیشه قران را ختم کند وباز از سر کیرد و مستحب است که مدت
ختم قران کمتر از یکماه نباشد وتا به تدبر و تفکر تواند خواند اما در ماه رمضان
المبارك هر شش روز و سه روز یا هر چه مقدور شود رخصت شده و فضایل
تلاوت بحزن و حسن صوت قبل از این کذشت و بشتاب و بی تانی نشاید خواند
و مقصود تنها به آخر سوره و حروف باشد بلکه بترتیل و تانی و تفکر و تامل باید تلاوت
نمود مرویست که آیات قران خزاین جواهر معرفت و حکمت است و در هر خزینه را
که بکشاید از جواهران نکذرد و نیز مرویست که بسا قران خوان که قران او را نفرین
کند بلکه با دل آکاه واز روی خضوع و خشوع باید خواند چون آیه مغفرت و
ذکر نعیم و جنت رسی بان رغبت نموده از روی شوق از خدا مسئلت کنی و
چون بآیه عذاب رسی و ذکر عقوبت و حساب اندیشه کنی و از ان استغفار
نمائی واز مناهی و معاصی توبه واستغفار نمائی و چون بمواضع مواعظ و نصایح
مرور کنی موعظه و نصیحت کیری و چون بحکایات و قصص بکذری از ان عبرت
کیری و بر این قیاس و آنچه مقدور باشد الفاظ قران را فصیح و سلیس ادا کنی و

[illegible]

مرویست که قران را بزبان عرب بخوانید چنانچه عرب میخوانند واکر مقدور نباشد
انچه تواند ترك نکند و مرویست که عجمان قران را عجمی میخوانند و ملائکه انرا عربی بالا میبرند
واز جمله اداب انکه با طهارت و مکان خلوت و اطمینان خاطر و رو بقبله بدو
زانو تلاوت کنند و با کسی در اثنای تلاوت کفتکو نکنند وافضل آنست که از
روی مصحف بخوانند که عذاب والدین تخفیف یابد اکرچه کافر باشند ونظر بخط
قران عبادتست واکر دیکری میخواند باشد ساکت باشد و کوش کند و چون قران
برای تلاوت بردارد بکوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَشْهَدُ اَنَّ هٰذا کِتابُكَ الْمُنْزَلُ مِنْ عِنْدِكَ
عَلی رَسُولِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ وَکَلامُكَ النّاطِقُ عَلی لِسانِ نَبِیِّكَ جَعَلْتَهُ هادِیًا
مِنْكَ اِلی خَلْقِكَ وَحَبْلًا مُتَّصِلًا فیما بَیْنَكَ وَبَیْنَ عِبادِكَ اَللّٰهُمَّ اِنّی نَشَرْتُ
عَهْدَكَ وَکِتابَكَ اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ نَظَری فیهِ عِبادَةً وَقِراءَتی فیهِ ذِکْرًا وَفِکْری فیهِ
اعْتِبارًا وَاجْعَلْنی مِمَّنْ یَتَّعِظُ بِبَیانِ مَواعِظِكَ فیهِ وَیَجْتَنِبُ مَعاصیكَ وَلا
تَطْبَعْ عِنْدَ قِراءَتی عَلی قَلْبی وَلا عَلی سَمْعی وَلا تَجْعَلْ عَلی بَصَری غِشاوَةً وَلا تَجْعَلْ
قِراءَتی قِراءَةً لا تَدَبُّرَ فیها بَلِ اجْعَلْنی اَتَدَبَّرُ آیاتِهِ وَاَحْکامَهُ آخِذًا بِشَرایِعِ دینِكَ
وَلا تَجْعَلْ نَظَری فیهِ غَفْلَةً وَلا قِراءَتی هَذْرًا اِنَّكَ اَنْتَ الرَّؤُفُ الرَّحیمُ و چون خواهد
شروع در خواندن نماید از وسواس شیطان واز غفلت و قساوت ان پناه بخدا برد و
بکوید اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیمِ و چون بآیه سجده رسد یا از دیکری بشنود سجده

کند و در سجود بگوید لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله ایمانا و تصدیقا لا
اله الا الله عبودیة و رقا سجدت لک یا رب تعبدا و رقا لا مستنکفا و لا
مستکبرا بل انا عبد ذلیل خائف مستجیر و بعد از فراغ بگوید اللهم انی قد
قرأت ما قضیته من کتابک الذی انزلته علی نبیک الصادق صلی الله علیه و آله
فلک الحمد ربنا اللهم اجعلنی ممن یحل حلاله و یحرم حرامه و یؤمن بمتشابهه
و اجعله انسا فی قبری و انسا فی حشری و اجعلنی ممن ترقیه بکل آیة
درجة فی اعلی علیین آمین رب العالمین و چون ختم کنند دعای صحیفه کامله که
بجهت ختم قرائت بخوانند کرا اللهم انک اعنتنی علی ختم کتابک تا آخر

فصل دوازدهم

در فضایل ذکر مرویست از ائمه علیهم السلم که هر که ذکر خدا بسیار کند از نفاق و از
آتش دوزخ ایمن گردد امام جعفر صادق ع فرمود دلهای خود را رعایت کنید
و بذکر خدا زنده دارید و بترسید از آنکه غافل نقض عهد ایمان در دل شما راه یابد
که چون دل از ذکر و یاد خدا غافل شود نه مؤمن باشد نه کافر مثل جامه کهنه و
استخوان پوسیده پس در آن حال خدا را یاد کنید و از نقض عهد بترسید که چون
دل را چنین حالتی روی دهد پس اگر خدا با آن بنده اراده خیری داشته باشد ایمان
در دلش اندازد و الا کفر و حق تعالی فرموده ای بنی آدم تو در دل خود مرا یاد کن
تا من در مجالس ملائکه ترا یاد کنم و خانه که در آن ذکر خدا و تلاوت قرآن کنند در و برکت

بسیار

بسیار بود و ملائکه نزدیک و شیاطین دور شوند و آن خانه برای اهل
آسمان نورانی باشد چنانچه ستاره برای اهل زمین و شیطان بهر دلی آویخته
چون ذکر خدا کند دور شود و چون ترک ذکر کند گمراهش کند و حق
تعالی فرموده مال بسیار گناهان را فراموش کند و ترک ذکر قساوة دل آورد
و هر که خدا را در دل یاد کند ثواب آن را غیر خدا کسی نداند و هر که در میان
غافلان و مشغولان ذکر خدا کند خدای تعالی هزار حسنه برایش نویسد
و در روز قیامت بیامرزدش آمرزشی که بخاطر هیچکس نگذرد و چنانست که در معرکه
که همه گریخته باشند ثابت قدم ایستاده با اعدای مقاتله کند و بهشت او را واجب
شود و مؤمن بهمه بلا مبتلا شود و کسی که مشغول ذکر باشد بصاعقه مبتلا نشود
و هیچ جمعی در مجلسی مشغول ذکر نشوند مگر آنکه جمعی ملائکه با ایشان نشسته
شریک شوند و در گریه با ایشان در گریه کنند و دعا ایشان را آمین گویند و منادی
از آسمان ندا کند که سیئات شما همه آمرزیده شد و بحسنات بدل گشت و اگر کسی در میان
ایشان باشد و ذکر نکند او نیز بمجالست با ایشان آمرزیده شود و موسی ع مناجات
نمود و گفت روزی که هیچکس را پناهی نباشد در پناه رحمت تو که باشد فرمود آنانکه
که ذکر من کنند و من ذکر ایشان کنم و برای من باهم محبت کنند و من با ایشان
محبت کنم ایشان اند که اگر خواهم بر اهل زمین عذاب فرستم چون ایشان را بیاد آرم

عذاب بکریم و بنش مناجات نمود که خدایا مرا در بعض حال شرم آید که ذکر تو
کنم فرمود در هیچ حال بی ذکر من مباش که ذکر من در همه حال خوبست و باید
دانست که ذکر بر سه قسم است ذکر با دل که معنی خدا را بیاد داشتن است
و با زبان مثل تهلیل و تسبیح و تلاوت قران و مذاکره مسایل دین و ایمان
و امر معروف و نهی منکر و غیر آن هرچه خدا را بیاد آورد و با اعضا و ارکان
مثل عبادات و طاعات و ترک مناهی و سیئات و افضل همه ذکر با دلست
که معنی نیت شیعه ایست انان و ذکر با دل بمنزله روحست و ذکر با زبان
و ارکان بمنزله بدن چون قول و فعل بی نیت خدا و یاد او باشد مثل صورتی
باشد بیجان و اعمال ریا و اغراض دنیا و عبادات مخالفین و غافلین مثل
مستان و اطفال از ینجهت است که مقبول نیست و حق تعالی فرموده من
هرکز کلام حکمت را قبول نکنم بلکه نظر بر دلش کنم اکر برای من و بیاد من کرده
اجر دهم و اکر نه با او واکذارم که برای او کرده و پیغمبر صلعم فرموده نیت مؤمن
بهتر است از عملش که بی نیت مقبول نبود همان اجر یابد و سابقا ذکر نمودیم
که ذکر خدا همین سبحان الله و الحمد لله نیست بلکه اصل ذکر آنست که در افعال
و اعمال هرچه رو دهد خدا را یاد کنی اکر رضای خدا باشد مرتکب شوی
و الا اجتناب نمائی و امثال این اخبار و احادیث بسیار است و افضل همه

اذکار آنست که ذکر دل و زبان و ارکان همه با هم جمع شود بحیثیتی که در
افعال و اقوال منظور باشد و برضای او شود مرویست از ائمه علیهم السلم که
جماعتی فقرا بخدمت حضرت پیغمبر صلعم رفته معروض داشتند که اغنیا حج
میکذارند و بندکان ازاد میکنند و صدقات میدهند و جهاد میکنند
و ما از اینها محرومیم انحضرت فرمود کسی که صد مرتبه الله اکبر کوید افضل است
از انکه بنده را ازاد کنند و اکر صد مرتبه سبحان الله بکوید افضل است از
انکه صد شتر در مکه قربان کنند و اکر صد مرتبه الحمد لله بکوید افضل است
از انکه صد اسب با زین و لجام و مردان بر ان سوار بجهاد فرستد و اکر صد مرتبه
لا اله الا الله بکوید عملش در ان روز افضل از جمیع ناس باشد مکر کسی که
بیشتر کوید و باز فرمود هر کس تسبیحات اربع بکوید بعوض هر یک درختی در
بهشت برایش نشانده شود شخصی کفت یا رسول الله درخت بسیار است
در بهشت فرمود بلی اما آتشی میفرستد که همه را بسوزد و هر کس بی انکه از
عمر چیزی تعجب کند سبحان الله بکوید مرغی از ان مخلوق شود تا روز قیامت
خدا تسبیح کند و ثواب آن همه از او باشد و همچنین اکر لا اله الا الله یا الحمد
لله یا الله اکبر کوید و اکر کسی لا اله الا الله باخلاص بکوید بهشت او را واجب
شود و اخلاصش آنست که او را باز دارد از معاصی و سبحان الله نصف

میزان او کند والحمد لله تمام میزان را و لا اله الا الله مابین زمین و آسمان را
و هر کس لا اله الا الله بگوید درختی برایش بنشانند در زمین سفید
تر از برف و شیرین تر از شهد و خوشبوتر از مشک بار آن مثل پستان
دختران باکره باشد با هر یک از ایشان هفتاد حله از حله های بهشت
و هر که الحمد لله کما هو اهله گوید کتاب آسمان دست از نوشتن باز
دارند و گویند خدایا ما ندانیم که ثواب این را چه قدر نویسیم خدای تعالی
فرماید که شما گفته او را بنویسید من دانم که چه قدر ثواب دهم و هر که
بگوید سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ سه هزار حسنه
نویسند و هزار سیئه محو کنند و سه هزار درجه بلند کنند و طایری
در بهشت خلق شود که خدا را تسبیح کند و ثوابش از او باشد و هر که ده
بار بگوید أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ إِلَهًا وَاحِدًا أَحَدًا
صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا چهل و پنج هزار حسنه نوشته شود و چهل
و پنج هزار سیئه محو کرده و چهل و پنج هزار درجه بلند شود و در آن روز
حرز او باشد از شیطان و از سلطان و کبیره دامن گیرش نشود و چنانست
که در آن روز دوازده مرتبه ختم قرآن کرده باشد و خانه در بهشت برایش
بنا کنند و هر که هر روز لا إله إلا الله حقا حقا لا إله إلا الله عبودية ورقا

لا إله إلا الله ايمانا وتصديقا بگوید الله تعالی از روی کرم متوجه او شود و
هرگز روی از و نگرداند تا داخل بهشت شود و هر که لا حول ولا قوة إلا بالله
بگوید الله تعالی فرماید ای ملائکه بنده من کار خود را بمن واگذاشت و
اعتراف بعجز و ناتوانی نمود حاجتش برآرید و هر که سه مرتبه بسم الله الرحمن الرحيم
لا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم بود و نه نوع بلا از و دفع شود که سهل
ترین آن مرض جنون باشد و هر که بگوید أشهد أن لا إله إلا الله وأشهد
أن محمدا رسول الله صم دو هزار حسنه ثبت شود و از ائمه علیهم السلام مرویست — اشهد ان علیا ولی الله وصی رسوله
که هر که یکمرتبه بر پیغمبر ص صلوات فرستد حق تعالی با هزار صف ملائکه صلوات
برو فرستد و بعد از آن هیچ مخلوقی نماند مگر که برو صلوات فرستد پس هر که
باین نعمت رغبت نکند جاهل و مغرور و خدا و رسول و اهل بیتش از و بیزار
باشند و هیچ چیز در میزان قیامت سنگین تر از صلواة بر آنحضرت نباشد
چون اعمال مؤمنان در میزان گذارند اگر حسنات سبک و سیئات سنگین باشد
آنحضرت صلی الله علیه و آله هر صلواة که برو فرستاده باشند بر سر حسنات گذارد
تا بر سیئات زیادتی کند پس برو بهشت و صلواة بر آنحضرت گناهان را بیشتر
محو کند که آب آتش را و نیز مرویست که هر که قادر بر کفاره گناهان نباشد
صلواة بر آنحضرت و آلش صلی الله علیهم فرستد که صلواة بر ایشان گناهان را

میریزد و صلواة بر ایشان برابر است با تهلیل و تسبیح و تکبیر و در پیش هر کس
آنحضرت مذکور شود و صلوات بر او نفرستد راه بهشت بر او خطا شود
و هر که دعا کند دعایش محجوب ماند و بالا نرود تا صلوات فرستد و آنحضرت
صلی الله علیه و آله فرمود در وقت دعا مرا مثل کوزه مسافر مکنید که چون
اسباب را بار کنند بعد از همه کوزه را در عقب بار آویزند که هر گاه تشنه شوند
بر دارند بلکه مرا در اوّل و میان و آخر دعا یاد کنید و نیز فرمود که هر کس بر من
صلواة بیشتر فرستد روز قیامت بمن نزدیکتر باشد و هر که از خدای تعالی
حاجتی طلب کند اگر بعوض آن صلواة فرستد حاجتش اجابت شود و ثواب
آن صلواة نیز داشته باشد شخصی بخدمت امام جعفر صادق ع گفت چون
از خانه کعبه بیرون می آمدم دعائی بخاطرم نماند غیر صلوات بر پیغمبر صلی
الله علیه و آله فرمود هیچکس بهتر از تو بیرون نیامده و هر که در صلوات بر
آنحضرت آلش را شریک گرداند درهای آسمان بر او گشوده شود و گناهانش مثل
برگ از درخت بریزد و ملائکه هفتاد صلواة بر او فرستند و الله تعالی فرماید
اگر شما هفتاد صلوات بر این بنده من فرستادید من هفتصد صلواة بر او فرستم
و اگر بر آلش صلواة نفرستد بوی بهشت نشنود و حال آنکه بوی بهشت را از پانصد
ساله راه توان شنید و میان او و آسمان هفتاد حجاب نصیب شود و خدای تعالی

فرماید

فرماید ای ملائکه دعای این بنده را بالا میاورید تا بر عترت پیغمبر من صلواة نفرستد
و مرویست که هر که بگوید صلی الله علی محمد و علی اهل بیته هزار حسنه نوشته شود
و بعضی دیگر از فضایل صلوات و صلواة مخصوص در اعمال جمعه مذکور شد
و از ائمه علیهم السلام مرویست که هیچ مجلسی نیست که جمعی بنشینند و ذکر الله تعالی
و ذکر ما نکرده صلواة پیغمبر صلی الله علیه و آله نفرستاده برخیزند مگر آنکه
آن مجلس روز قیامت بر ایشان حسرت باشد و نیز فرموده اند که ذکر ما ذکر
ذکر خداست و ذکر اعدای ما ذکر شیطان که دشمن خداست و چون دو مؤمن
با هم ملاقات نمایند و ذکر خدا و ذکر فضایل ما کنند هر گوشت که در روی ایشان است
بگدازد تا آنکه روح از شدت الم بناله آید و ملائکه آسمان و خزان جنان
از آن مطلع شوند و همه ملائکه مقربین بر او لعنت کنند و حضرت امام رضا ع
فرمود که هر که در مجلسی بنشیند که فضایل و اخبار ما مذکور شود و ولایت و حق
ما در آن مجلس زنده باشد دلش نمیرد در روزی که دلها مرده باشند و پیغمبر ص
فرمود هر که فضیلتی از فضایل علی ابن ابی طالب ع کند و اقرار داشته باشد گناهان
گذشته و آینده اش آمرزیده شود و اگر چه مثل گناه جن و انس باشد و هر که فضیلتی
از فضایل آنحضرت ع را بنویسید تا اثری از آن باقی باشد ملائکه برایش استغفار کنند
و هر که فضیلتی از فضایل او را بشنود گناهانی که با گوش کرده آمرزیده شود و بعد از آن فرمود

نظر بر عمل عبادت است و ذکر او عبادت است و ایمان هیچ بنده مقبول نشود مگر بمحبت
او و برائت از اعدا او و حضرت امام حسین علیه السلم فرمود هر که در دل
با ما محبت دارد و با دست و زبان نصرت ما کند با ما در غرفه باشد و
هر که در دل محبت دارد و با زبان نصرت نکند یک درجه از آن پست تر باشد
و هر کس محبت دارد و با دست و زبان نصرت نکند در بهشت باشد و حضرت
امام جعفر ع فرمود هر کس با زبان اعانت کند خدای تعالی در روز قیامت
زبانش را بحجتش گویا کند **فصل سیزدهم** در دعوتی چند که از مخاوف و مکاره
از جمله وسایل بسیار مرویست از اهل بیت علیهم السلم در این باب چند چیز که اهم
باشد ذکر کنیم ان شاء الله تعالی **اول** خوف از سلطان کسی بحضرت امام جعفر صادق
علیه السلم معروض داشت سلطان مرا طلبیده و من اندیشه دارم فرمود چون
از خانه بیرون می روی قل هو الله از پیش رو و جانب راست و پیش سر و جانب
چپ و بالای سر و زیر پای بخوان که در آن روز حصاریست برای تو از سلطان
و شیطان و نیز مرویست که چون بسلاطین ملاقات کنید هفت مرتبه آهسته
بگوئید خیرك بین عینیك وشرك تحت قدميك وبالله استعين عليك
اللهم اكفنيه بما شئت فانه لا قوة الا بك و چون از غضب ایشان ترسد
بگوید اطفات غضبك بلا اله الا الله حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت

وهو رب العرش العظيم و چون نظر بر ایشان افتد سه مرتبه قل هو الله بخواند
و با دست چپ انگشت بشمرد تا وقتی که از آنجا بیرون آید مکرر میخواند باشد
و نیز مرویست که کسی را سلطان بعتاب طلبید حضرت امام جعفر ع قدری
تربت مقدس امام حسین ع فرستاد فرمود با وی رسانید که امان است از
خوف و نیز آنحضرت از در خانه سلطان میگذشت دید که کسی را عقوبت
کرده بیرون آوردند فرمود اگر انگشتر عقیق با خود میداشت از این حادثه
ایمن می بود **خوف از اعدا** حضرت امام زین العابدین ع فرمود که اگر تمام جن و
انس بر من جمع شوند چون این کلمات بگویم هیچ باک نداشته باشم بسم الله و
بالله ومن الله والى الله وعلى ملة رسول الله اللهم اليك اسلمت نفسي و
اليك وجهت وجهي واليك الجأت ظهري واليك فوضت امري اللهم
احفظني بحفظ الايمان من بين يدي ومن خلفي وعن يميني وعن شمالي
ومن فوقي ومن تحتي وما قبلي وادفع عني بحولك وقوتك فانه لا حول
ولا قوة الا بك و نیز حضرت امام موسی ع فرمود که جدم امیر المؤمنین صلوات
الله علیه چون این دعا میخواند بر هیچ لشکری حمله نمیکرد مگر آنکه منهزم میساخت
و این دعا کفایت از بلاها است اللهم بك اساور وبك احاول وبك اجاول
وبك اصول وبك انتصر وبك اموت وبك احيى اسلمت نفسي اليك و

فوضت امري اليك لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم اللهم انك
خلقتني وددرفتني وسترتني وعن العباد بلطفك ما خولتني
اغنيتني اذا هويت رددتني واذا عثرت قومتني واذا مرضت
شفيتني واذا دعوت اجبتني يا سيدي ارض عني فقد ارضيتني
دعای بجهت خوف از کلاب و سباع وقل للذين امنوا يغفروا للذين لا يرجون
ايام الله ليجزي قوما بما كانوا يكسبون واذا قرات القران جعلنا
بينك وبين الذين لا يؤمنون بالاخرة حجابا مستورا وجعلنا على
قلوبهم اكنة ان يفقهوه وفي اذانهم وقرا وان يروا كل اية لا يؤمنوا
حتى اذا جاؤك يجادلونك يقول الذين كفروا ان هذا الا اساطير
الاولين خوف از سبع از حضرت امام جعفر صادق ع‌م مرویست که چون بسبع
ملاقات کنید در روی ایة الکرسی بخوانید و خطاب باو نموده بگوئید
عزمت لك بعزيمة الله وعزيمة محمد صلى الله عليه وآله وعزيمة سليمان بن
داود وعزيمة امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلم والائمة من بعده
که انشاء الله روی بگردانید و برود و راوی گوید چون بیرون آمدم سبعی
روی بمن کرد این عزیمه خواندم بعد از ان گفتم الا تنحيت عن طريقنا بس دیدم
بعضی در شوا از راه ما
سر بزیر افکنده و دم بمیان پا گرفته رو گردانید و ضرر نرسانید عقرب و سایر

کنندگان چون ترسان باشی بگو اعوذ بكلمات الله التامات من شر
ما ذرا وبرا ومن شر كل عقرب وحية ومن شر كل دابة ربي
اخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم استغاثه اول از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که هر گاه روزی کسی تنگ شود یا حاجت
ضروری او را از امور دنیوی و اخروی عارض شود پس بنویسد در
رقعه سفیدی این حرز که مذکور میشود و در آب جاری اندازد نزد طلوع
افتاب و نامها در یکسطر بوده باشد بسم الله الرحمن الرحيم الملك الحق
المبين من العبد الذليل الى المولى الجليل سلام على محمد وعلي وفاطمة
والحسن والحسين وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن
والحجة القائم سيدنا ومولانا صلوات الله عليهم اجمعين رب اني مسني
الضر والخوف فاكشف ضري وامن خوفي بحق محمد واله وبحق كل نبي
ووصي وصديق وشهيد اشفعوا لي يا سادتي بالشان الذي لكم عند الله
فقد مسني الضر يا سادتي والله ارحم الراحمين فافعل بي يا رب كذا وكذا
یعنی مطلب خود یاد کند دویم استغاثه است بحضرت صاحب الامر صلوات
الله علیه کردن در رقعه بنویسد و بیندازد در قبری از قبور ائمه علیهم السلام
یا انکه رقعه را ببندد و مهر کند و در میان گل پاک بگذارد و در نهر یا چاه

عمیقی بعد از دو کان رقعه بحضرت صاحب الامر علیه السلام میرسد و آن
حضرت متکفل بر آوردن حاجات او میشود و رقعه اینست بسم الله الرحمن الرحیم
کَتَبْتُ یا مَوْلایَ اِلَیْکَ صَلَواتُ اللهِ عَلَیْکَ مُسْتَغیثاً وَشَکَوْتُ ما نَزَلَ
بی مُسْتَجیراً بِاللهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ بِکَ مِنْ اَمْرٍ قَدْ دَهَمَنی وَاَشْغَلَ قَلْبی وَاَطالَ
فِکْری وَسَلَبَنی بَعْضَ لُبّی وَغَیَّرَ خَطیرَ نِعْمَةِ اللهِ عِنْدی اَسْلَمَنی عِنْدَ تَخَیُّلِ
وُرُودِهِ الْخَلیلُ وَتَبَرَّأَ مِنّی عِنْدَ تَرائی اِقْبالِهِ اِلَیَّ الْحَمیمُ وَعَجَزَتْ عَنْ دِفاعِهِ
حیلَتی وَخانَنی فی تَحَمُّلِهِ صَبْری وَقُوَّتی فَلَجَأْتُ فیهِ اِلَیْکَ وَتَوَکَّلْتُ فِی الْمَسْأَلَةِ لِلّٰهِ
جَلَّ ثَناؤُهُ عَلَیْهِ وَعَلَیْکَ فی دِفاعِهِ عَنّی عِلْماً بِمَکانِکَ مِنَ اللهِ رَبِّ الْعالَمینَ
وَلِیِّ التَّدْبیرِ وَمالِکِ الْاُمُورِ واثِقاً بِکَ فِی الْمُسارَعَةِ فِی الشَّفاعَةِ اِلَیْهِ جَلَّ ثَناؤُهُ فی اَمْری مُتَیَقِّناً لِاِجابَتِهِ تَبارَکَ
وَتَعالی اِیّاکَ بِاِعْطاءِ سُؤْلی وَاَنْتَ یا مَوْلایَ جَدیرٌ بِتَحْقیقِ ظَنّی وَتَصْدیقِ اَمَلی
فی کذا و کذا و حاجت خود بنویسد فیما لا طاقَةَ لی بِحَمْلِهِ وَلا صَبْرَ لی عَلَیْهِ وَاِنْ
کُنْتُ مُسْتَحِقّاً لَهُ وَلِاَضْعافِهِ بِقَبیحِ اَفْعالی وَتَفْریطی فِی الْواجِباتِ الَّتی لِلّٰهِ
عَزَّ وَجَلَّ فَاَغِثْنی یا مَوْلایَ صَلَواتُ اللهِ عَلَیْکَ عِنْدَ اللَّهَفِ وَقَدِّمِ الْمَسْأَلَةَ
لِلّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ قَبْلَ حُلُولِ التَّلَفِ وَاَسْأَلُ اللهَ لی نَصْراً عَزیزاً وَفَتْحاً قَریباً فیهِ بُلُوغُ
الْآمالِ وَخَیْرُ الْمَبادی وَخَواتیمُ الْاَعْمالِ وَالْاَمْنُ مِنَ الْمَخاوِفِ کُلِّها فی کُلِّ حالٍ اِنَّهُ
لِما یَشاءُ فَعّالٌ وَهُوَ حَسْبی وَنِعْمَ الْوَکیلُ فِی الْمَبْدَءِ وَالْمَآلِ پس میرود در نهر یا غدیر و نداکند
یکی از نوابان حضرت را یا عثمن بن سعید عمری یا پسر او محمد بن عثمان یا حسین بن روح یا علی بن محمد که اینها وکلای آنحضرت

صلوات

صلوات الله علیه و آله که در زمان غیبت صغری بوده اند که عثمان بن سعید
عمری با پسرش محمد بن عثمان یا حسین بن روح یا علی بن محمد باشند متوسل
شده بگوید یا فلان بن فلان سَلامٌ عَلَیْکَ اَشْهَدُ اَنَّ وَفاتَکَ فی سَبیلِ
اللهِ وَاَنَّکَ حَیٌّ عِنْدَ اللهِ مَرْزُوقٌ وَقَدْ خاطَبْتُکَ فی حَیاتِکَ الَّتی لَکَ عِنْدَ اللهِ
عَزَّ وَجَلَّ وَهٰذِهِ رُقْعَتی وَحاجَتی اِلی مَوْلانا عَلَیْهِ السَّلامُ فَسَلِّمْها اِلَیْهِ فَاَنْتَ
الثِّقَةُ الْاَمینُ بعد از آن عرضه را بیفکند که انشاء الله بر آورده شود و
هم از آنحضرت ع مرویست که چون خواهی برای مطلبی و حاجتی بکسی رقعه
نویسی اول با قلم بی مداد بر سر نامه بنویس بسم الله الرحمن الرحیم اِنَّ اللهَ
وَعَدَ الصّابِرینَ الْمَخْرَجَ مِمّا یَکْرَهُونَ وَالرِّزْقَ مِنْ حَیْثُ لا یَحْتَسِبُونَ
جَعَلَنَا اللهُ وَاِیّاکُمْ مِنَ الَّذینَ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلا هُمْ یَحْزَنُونَ راوی گوید که
بعد از آنکه این حدیث شنیدم هرگز برای مطلبی نامه ننوشتم مگر آنکه اجابت
مقرون گشت و هر که در یک مجلس هزار مرتبه بگوید ما شاء الله توفیق حج
یابد مرویست که ابو القمقام مردی بود بد طالع و هرگز بکاری نمیرفت که
از آن چیزی ببیند بحضرت امام موسی ع شکایت نمود فرمود بعد از نماز
صبح ده مرتبه بگو سُبْحانَ اللهِ الْعَظیمِ وَبِحَمْدِهِ وَاَسْتَغْفِرُ اللهَ وَاَسْأَلُهُ مِنْ
فَضْلِهِ گوید از آن زمانی بیش نگذشت که از جائی که هیچ گمانی نداشتم الله تعالی

راغنی گردانید و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بحضرت امیر ع گفت برای
ادای دین بگو اللهم اغننی بحلالک عن حرامک و بفضلک عمن سواک
که اگر مثل جبر دین داشته باشد ادا شود جبر کوهیست در یمن که در آن بلاد
اعظم از آن کوه نیست و کسی بحضرت امام جعفر ع شکایت نمود که دینی چند
بر مردم دارم و وصول نمی شود فرمود بگو این دعا را اللهم لحظة من لحظاتك
تیسر علی غرمائی بها القضاء و تیسر لی بها الاقتضاء انک علی کل شیء قدیر
و هم از آنحضرت مرویست که هر پیغمبری با اهل بیت خود دعاء مستجاب عطا فرمود
و پیغمبر ما صلی الله علیه و آله دو دعای مستجاب بما عطا فرموده یکی جهت اموال و آن
اینست یا دائما لم یزل یا الهی و اله آبائی یا حی یا قیوم صل علی محمد و اهل بیته
کذا دویم برای حوایج و قضاء دین و آن اینست یا من یکفی من کل شیء و لا یکفی
منه شیء یا الله یا رب صل علی محمد و آل محمد و اقض عنی الدین و افعل بی
کذا **فصل پانزدهم** در فضایل و آداب مکاسب و معاملات مرویست از اهل
بیت علیهم السلام که عبادت هفتاد جزو است و افضل اجزایش طلب حلال است
و هر که طلب حلال کند تا از مردم مستغنی باشد و رعایت احوال همسایه کند
روز قیامت رویش چون ماه شب چهارده باشد و هر که از ممر حلال کسب کند
و تحصیل معیشت از برای عیال خود نماید اجرش عظیم تر است از کسی که در راه

[حاشیه] ... بلعیشت ... سید الله ع که فرمود که ... اللهم انی اشتریت نبیة الخمس فیه من فضلک ... صل علی محمد و آل محمد اللهم فاجعل لی فیه فضلا ... انی اشتریت نبیة الخمس فیه من رزقک ... صل علی محمد و آل محمد فاجعل لی فیه رزقا ... اللهم انی استخیرک و استشیرک ... یا حی یا قیوم یا دائم یا رئوف یا رحیم ... و قدرتک و ما احاط به علمک ان تقسم لی من التجارة اعظمها رزقا و اوسعها فضلا و خیرها عاقبة فانه لا خیر فیما لا عاقبة له ... و انت علام الغیوب

خدا جهاد کند و از جمله سعادت مردان اینست که قیم عیال خود باشد و خدای
تعالی بحضرت داود ع فرمود تو خوب بنده که اگر کسب کنی و از بیت المال معاش
نکنی گفت خدایا کسب چه نمایم پس الله تعالی آهن را نرم کرد تا زره میساخت
و میفروخت تا آنکه مستغنی گشت و الله تعالی دشمن دارد آدم پر خواب بیکار را
و مرویست که روزی هر کس از حلال قسمت شده و تقدیر گشته نه از حرام
پس هر که صبر کند و از حرام اجتناب نماید خدای تعالی رزق او را از حلال
رساند و اگر آنچه از برای او مقدر شده تمام نکند از دنیا نرود و اگر هتک حرمت
الهی نماید و مرتکب حرام شود هر قدر از حرام تحصیل کند آن قدر از حلال کم کنند و
روز قیامت مطالبه و مواخذه نمایند و امثال این اخبار در فضایل کسب حلال و
اجتناب از حرام زیاده از آن که در این مختصر گنجد و مرویست که نه جزو رزق در تجارت است
و یک جزو در سایر کارها و تجارت عقل را زیاد کند و ترکش دو ثلث عقل را
کم کند و زراعت کردن کیمیای اکبر است و در روز قیامت اهل زراعت نزدیکترین
مردمند بخدای و مقام ایشان بهترین مقامهاست و بهترین کارها
زراعت است که انسان و حیوان منتفع میشوند و نیکان و بدان بخورند
برای زارع استغفار کنند و اگر بدان خورند هر چه خورند ایشان را لعنت کنند
و زارعان اهل توکل اند تخم افشانند و توکل بر خدا کنند و منتظر فضل و رحمت او باشند

مرویست که چون کسی خواهد تجارت کند اوّل مسائل و آدابِ آنرا بیاموزد و
حلال و حرام را بشناسد که رباء در معاملات خفی تر از نقش پای مور است
بر سنگ خاره و یکدرهم ربا عظیم تر است از هفتاد زنا که همه با خویشان محرم
باشد و با نوکیسه معامله نباید کرد که دست در دهن اژدها کنی بهتر است
از آنکه با نوکیسه معامله کنی و اول روز برای معاملات و حاجات مبارکست
خصوصا روز شنبه و پنجشنبه که پیغمبر صلی الله علیه و آله دعا کرد و فرمود
خدایا صبح این روز را برای امّت من مبارک گردان امّا پیش از طلوع آفتاب
مشغول کارهای دنیا نباید شد که آن ساعت عبادت و ذکر است و جنود
شیطان در اطراف برای اضلال ایشان متفرقند و چون کسی خواهد که زراعت
کند اوّل یکمشت از آن تخم در دست گیرد و رو بقبله ایستاده سه مرتبه بگوید
أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ بعد از آن سه مرتبه بگوید بَلِ اللهُ الزَّارِعُ و
بعد از آن بگوید اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ حَبًّا مُبَارَكًا وَارْزُقْنَا فِيهِ السَّلَامَةَ پس بیفشاند
و هر که درخت نشاند یا زراعت کند بر هر دانه یا هر نهالی بگوید سُبْحَانَ الْبَاعِثِ
الْوَارِثِ هیچیک از آن خطا نکند از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که فرمود
برادرم عیسی ع بر شهری گذشت اهل آن شهر شکایت کردند که میوهای
ما را همیشه کرم میزند فرمود سببش آنست که شما چون درخت می‌نشانید

اوّل در بیخ درخت خاک میریزید بعد از آن آب میدهید چنین مکنید اوّل
آب بریزید بعد از آن خاک چنان کردند از آن علّت نجات یافتند و اگر در
مزرعه یا بوستانی بیم آفت کرم باشد این افسون را بر چهار پاره کاغذ بنویسد
و در میان چهار نی بگذارید و در چهار جانب مزرعه یا بوستان جا دهید
از مضرّت جانوران ایمن شود ان شاء الله تعالی أَيُّهَا الدَّوَابُّ وَالْهَوَامُّ وَالْحَيَوَانَاتُ
اُخْرُجُوا مِنْ هَذِهِ الْأَرْضِ وَالزَّرْعِ إِلَى الْخَرَابِ كَمَا خَرَجَ ابْنُ مَتَّى مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ
وَإِنْ لَمْ تَخْرُجُوا أُرْسِلَ عَلَيْكُمْ شُوَاظٌ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ
خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ وَلِلّٰهِ فَقَالَ لَهُمُ اللهُ مُوتُوا فَاتُوا
اُخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ
لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا
عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ وَنَعْمَةٍ كَانُوا
فِيهَا فَاكِهِينَ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ اُخْرُجْ مِنْهَا
مَذْءُومًا مَدْحُورًا فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا
أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ و اگر بیم آفت ملخ باشد این شکل را نوشته
در کوزه آب ندیده گذاشته در چهار جانب
مزرعه پنهان کنند هذا الشکل

الملائکة ... لله

بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله محمد رسول
الله صلی علی ولی الله عقدت بلاء البرد وآفته
عن مزرعة فلان من ارض بعد حدودها فسیکفیکهم الله
وهو السمیع العلیم انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له
کن فیکون فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء والیه
ترجعون الم تر ان الله یزجی سحابا ثم یؤلف بینه ثم یجعله
رکاما فتری الودق یخرج من خلاله وینزل من السماء من جبال
فیها من برد فیصیب به من یشاء ویصرفه عن من یشاء یکاد سنا برقه
یذهب بالابصار سبحان ربک رب العزة عما یصفون وسلام
علی المرسلین والحمد لله رب العالمین سلام علی نوح فی العالمین
انا کذلک نجزی المحسنین نوح نوح نوح اللهم ادفع بلاء
البرد عن هذه المواضع بحرمة محمد وآله بحق جمیع المرسلین
والملائکة المقربین

وچون کمی غله وسایر ماکولات که عامة الناس در معاش محتاجند بان نشاید
احتکار کند بعضی با نتظار کرانی نکاه دارد که اکر دزدی کند بهتر است از انکه
چهل روز احتکار کند ودر روایات دیکر آمده است که ملعونست کسی که در وسعت
وارزانی بیش از چهل روز ودر تنکی وکرانی بیش از سه روز احتکار کند فصل شانزدهم
در فضایل مرض وعیادت مریض ومعالجات امراض مرویست از ائمه طاهرین علیهم
السلم که چون مومن مریض شود ملائکه موکل اند بر نوشتن اعمال او هرکاه باسمان
روند خدای تعالی از ایشان سؤال فرماید که از این بنده من در ایام مرض چه نوشته اید

کویند

کویند شکایت فرماید انصاف نباشد که من بنده خود را حبس فرمایم پس او از
شکایت منعش نمایم هرچه از عبادات وطاعات در ایام صحت برای او می نوشتید
در ایام مرض نیز همان را بنویسید ودر این ایام هیچ سیئه بر او منویسید فناله مریض
تسبیح وفریادش تهلیل است وغلطیدنش در میان جامه اش که در راه خدا
شمشیر زند پس چون صحت یابد اکر ترک معاصی کند وبخدای تعالی بازکشت نماید
کناهانش آمرزیده شود واکر خبر دار نشود وهمان بر حال سابق باشد وای بر او
بحال او ونیز مرویست که چون مومن یکشب تب کند برابر است با عبادت
یکساله وکفاره کناهانش باشد وتب دوشب با عبادت دوساله وسه شب
با هفتاد سال ویکشب صداع همه خطایا را بریزد بغیر کبایر ویکشب بیخوابی بسبب مرضی
یا وجعی اجرش عظیم تر است از یکساله عبادت وخدای تعالی فرموده چون بنده
مومن را بمرضی یا بلائی مبتلا کنم ومکسی شکایت نکند هر یک از کوشت وپوست
وخون وموئیش را بدل نمایم ببهتر از انی بان که کناه نکرده باشد پس اکر شفایش دهم
هیچ کناه بر و نکذارم واکر قبض روحش کنم بجوار رحمت خود برم وهر مومن که یکشبانه
روز مریض باشد شود وشکایت نکند با ابرهیم خلیل ع مبعوث شود وچون برق
لامع از صراط بکذرد وهر کس یکشب مرضی والمی داشته باشد وانرا قبول نماید وشکر
کند یعنی شکایت نکند شصت ساله عبادت برایش نویسند پس بدان نحو شکایت

كما مست حضرت امام عليه السلام فرمود انكه بكوئى بليه يا ازاذي كشيدم كه
هيچكس نكشيده اما اكر بكويى تب كردم يا بيچوايى كشيدم ومثل وي راست
كوئى شكايت نباشد وچون طفلى مريض شود كفاره كناهان والدينش
باشد ومستحب است كه چون كسى را مرضى عارض شود دوستان اخبر كند
تا عيادتش كنند واكر چنين كنند ده حسنه برايش نويسند وده سيئه
محو كنند وده درجه بلند كردانند مرويست كه هر كه مؤمنى را عيادت
كند داخل رحمت شود وچون پيش او بنشيند رحمت او را فرو كيرد و
چون مراجعت كند خداى تعالى هفتاد هزار ملك برو موكل كرداند كه
مشايعتش كنند وبا او رفيق باشند تا آن ساعت از روز ديكر وبراى
او دعا واستغفار نمايند وكويند خوش باشى وخوش باشد ترا بهشت و
مكانى در بهشت عطا فرمايند كه چهل روزه راه سوارى باشد ودر روايت
ديكر آمده كه هفتاد هزار ملك موكل فرمايد كه تا بخانه اش ودر تا روز قيامت
تسبيح وتقديس وتهليل وتكبير كويند ونصف عبادت ايشان
براى او ثبت شود ويك ملك را موكل فرمايد كه او را در قبر عيادت كند
تا روز قيامت برايش استغفار نمايند ومستحب است كه چون بعيادت مريض
رود سيبى يا بهى ويا تحفه براى او ببرد تا بان تسلى يابد وشكفته شود و

درپيش او بسيار توقف نبايد كرد مبادا بر او دشوار باشد وهر كه بعيادت
مريض شود وباين كلمات براى او دعا كند البته شفا يابد مكر موتش مقدر
شده باشد اسأل الله العظيم رب العرش العظيم ان يشفيك وچون
از پيش او برخيزد بكويد كشف الله ضرك وغفر ذنبك وحفظك في
دينك وبدنك الى منتهى اجلك ومريض نيز براى ايشان دعا كند كه
دعاى مريض براى كسى كه بعيادتش رود مستجاب شود وهر كه يك شبانه
روز بيمار دارى كند با ابرهيم ع مبعوث شود وچون برق از صراط بكذرد
وهر كس در حاجتى براى مريض سعى كند خواه بر آورده شود وخواه نشود
از كناهان پاك كردد مثل كسى كه متولد شده باشد شخصى پرسيد يا رسول الله ص
اكر مريض از اهل بيت اين كس باشد ثوابش عظيمتر باشد فرمودند بلى اما
معالجات امراض انچه مرويست از اهل بيت عليهم السلم بر دو قسم است يكى انكه
تاثيرش از راه توكل وانقطاع بخدا والتجا محض لطف وتوسل بولايت
وشفقت ائمه عليهم السلم واز طبيعت ومزاج را در اين دخلى نيست واكر در
بعضى از ان اندك دخلى هم باشد بجا اخلاص ويقين تاثيرش مثل ساير ادويه
باشد وهر كه اين اخلاص ويقين والتجا بحقيقت باشد از اين قسم معالجات
البته منتفع شود چنانچه در زمان حضور خدمت ايشان هم كه بجوى بالمشافهه

یا باندک واسطه می شنیده وعمل مینموده اند دران عظیمتر مرض نبوده که شفا
می یافته اند ودراین ازمنه که بسبب وفور معاصی وشیوع مناهی وغلبهٔ حب
وتشویشات دنیوی دردلهای اخلاص مشوب بشرک ویقین مغشوش
بشک کشته نادر باشد که مومنی از روی خلوص ویقین دعا کند یا معالجه
عمل نماید وباثر اجابت وصحت مقرون یابد وصدق انچه کفته شد در بسیاری
از احادیث است که ذکر انها موجب اطناب وخروج ازین باب میشود و
از انجمله انست که حضرت صادق ع فرمود روزی عیسی ع با یکی از اصحابش
براهی میرفتند بدریا رسید عیسی ع از روی یقین بسم الله کفت وبر روی
آب روان شد آن مرد نیز از روی یقین بسم الله کفت وبر روی آب روان کشت و
بان حضرت ملحق شد پس بخاطرش رسید که چه تفاوت میان من وپیغمبر خدا
پس ناکاه بآب فرو رفت عیسی ع نکاه کرد فرمود از انچه بخاطرت کذشت استغفار
کن پس آنمرد استغفار کرد وهمان بر روی آب روان کشت **قسم دویم** انکه
تاثیر غیر از راه مزاج وطبیعت است واین قسم بحسب اختلاف امراض وامزجه وامکنه
وازمنه مختلف شود بسیاری از مردم بسبب انکه فرق میان این دو قسم نکرده اند
ادویه را در امراض مخالف وامزجه نامناسب استعمال کرده اند وموجب فساد
وهلاک کشته اند وباین سبب ما در این مقام اکتفا بقسم اول نموده وآنچه

این رسا

این رساله از شرف روایه قسم دویم محروم نباشد چند روایت ازان بر صفحه
روایت نکاریم وعهدهٔ ملاحظه موافقت واحتیاط را بر ذمهٔ کسی که معالجه
کند کذاریم **قسم اول** وان دو نوع است **نوع اول** صدقه وادعیه مرویست که
بیماران خود را بصدقه معالجه کنید که صدقه امراض وبلا را دفع کند ومستحب است
که بیمار بدست خود صدقه دهد وبسائل بکوید تا او را دعا کند ودعای سائل
برای معطی مستجابست وتفصیل فضائل صدقه انشاء الله بعد ازین مذکور خواهد
شد واما ادعیه واذکار بسیار است بکو شرطها ازان اختصار کنیم وجدت
بخط السید السند الجلیل النبیل العلامة امیر محمد باقر الداماد نور الله مرقده
من اراد نیل الحاجة والعز والامن من الظلمة والجبابرة فلیکتب هذه الایات ویحملها
معه دائما بسم الله الرحمن الرحیم لا تحرك به لسانك لتعجل به ان علینا جمعه وقرانه فاذا
قراناه فاتبع قرانه ثم ان علینا بیانه صم بکم عمی فهم لا یرجعون صم بکم عمی فهم لا
یعقلون صم بکم عمی فهم لا یتکلمون وننزل من القران ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین
ولا یزید الظالمین الا خسارا **بجهت جمیع امراض واوجاع** بکوید وننزل من القران ما هو
شفاء ورحمة للمؤمنین ودست دران موضع بمالد مرویست که هیچکس از
روی اخلاص چنین نکند مکر انکه شفا یابد عن الصادق علیه السلام ان علیا ع
مرض فاتاه النبی صلی الله علیه واله وقال قل اللهم انی اسالك تعجیل عافیتك

وصبراً على بليتك وخروجاً من الدنيا الى رحمتك من روضة الكلينی از ابی
ابی عبدالله عم که آنحضرت فرمود کسی که از درد قولنج یا درد سر یا سوزش بول
داشته باشد باید که بگذارد دست خود را بران موضع وبگوید اسکن سکنت
بالذی سکن له ما فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم ایضا بهر علت وجع
هفتاد مرتبه الحمد بخواند مرویست که اگر بر میت بخوانند روح ببدنش
رجوع کند عجب نباشد و مرضی که بالحمد شفا نیابد بهیچ چیز شفا نیابد
ایضاً بعد از نماز صبح چهل مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین
حسبنا الله ونعم الوکیل تبارک الله احسن الخالقین ولا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم و دست بران موضع بمالد راوی گوید مرا کوفتی عارض
شد که اطبا از معالجه آن عاجز شدند پس من از غایت حزن واندوه کتابی
برداشتم که مطالعه کنم در پشت آن کتاب این دعا را باین شرح دیدم مروی
از حضرت صادق عم که چون نماز صبح کردم باین عمل نمودم هنوز نشسته بودم
که آن علت صحت یافت وبرطرف شد ومن میترسیدم که مبادا عود کند سه
روز صبر نمودم وهمین عمل میکردم بعد از ان پدر خود را خبر نمودم شکر
نمودیم طبیبی حاذق یهودی آورد و حکایت قضیه باو نقل کرد چون ملاحظه
نمود همان ساعت ایمان آورد و مسلمان شد تب وبیماری بند پیراهن بگشاید

وسر بدون گریبان کند اذان واقامت بگوید وهفت مرتبه الحمد بخواند
راوی گوید من تب داشتم چون چنین کردم گویا از بند رهائی یافتم طریقه دیگر
اول صبح پیش از انکه باکسی حرف زند هفت مرتبه الحمد بخواند واگر صحت نیابد روز
دیگر هفتاد مرتبه بخواند حضرت صادق ع فرمود من بعد از ان ضامن شفای
اویم طریقه دیگر یکصاع گندم که بوزن تبریز تخمینا یکمن است بیشتر بگیرد وبر پشت
بخوابد وگندم را بر روی سینه ریزد وبطوری که ریخته شود وبگوید اللهم انی
اسئلک باسمک الذی اذا سالک به المضطر کشفت ما به من ضر ومکنت له فی
الارض وجعلته خلیفتک علی خلقک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تعافینی
من علتی پس راست بنشیند وگندم را از اطراف جمع کند وهمین دعا بخواند
پس چهار قسمت کند وهمین دعا بخواند وهر قسمی را بمسکینی دهد راوی گوید
چون چنین کردم گویا از بندی نجاة یافتم طریقه دیگر مادر بیمار دو رکعت نماز
گذارد ودر سجود بگوید اللهم انک وهبته لی ولم یک شیئا فهبه لی هبة
جدیدة راوی گوید من بیماری شدید داشتم حضرت صادق عم بدیدن من آمد چون
جزع مادرم را دید باین طریقه تعلیمش فرمود چون صباح شد جمعیتی بجهته بودند
من نیز با ایشان شرکت کردم ودر روایت دیگر چنین آمده که مردم آمده بودند
که بر خانه من حاضر باشند حضرت صادق عم بمادرم فرمود که غسل کن وبر بام

خانه در زیر آسمان دو رکعت نماز بگذارد و بعد از نماز بگوید اللهم انک وهبته
لی ولم یک شیئا اللهم انی استوهبکه مبتدءا فاعرنیه **طریقه** دیگر مادر بیاید
بالای بام رفته مقنعه از سر بردارد و موی سر با آسمان کشوده و سجده کند و بگوید
اللهم انت اعطیتنیه وانت وهبتنیه فاجعل هبتک الیوم جدیدة انک
قادر مقتدر هنوز سر بر نداشته باشد که فرزندش شفا یابد **طریقه** دیگر بیمار خود
بخواند این دعا را اللهم ارحم جلدی الرقیق وعظمی الدقیق واعوذ بک من
فورة الحریق یا ام ملدم ان کنت امنت بالله فلا تاکلی اللحم ولا تشربی الدم
ولا تفوری من الفم وانتقلی الی من یزعم ان مع الله الها اخر فانی اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له وان محمدا عبده ورسوله حضرت صادق ع
فرمود که هرگز پناه باین دعا نبردم مگر که شفا یافتم و مستجابست که مریض در ایام
مرض مکرر بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له الملک وله الحمد یحیی ویمیت
وهو حی لا یموت سبحان الله رب العباد والبلاد والحمد لله حمدا کثیرا طیبا
مبارکا فیه علی کل حال والله اکبر کبیرا کبریاء ربنا وجلاله وقدرته بکل
مکان اللهم ان کنت امرضتنی لقبض روحی فی مرضی هذا فاجعل روحی فی
ارواح من سبقت له منک الحسنی **دعای دفع تب** مروی عن محمد الباقر ع
دعائی که حضرت فاطمه علیها السلم بسلمان فارسی تعلیم نمود آنحضرت از رسول

تعلیم

تعلیم گرفته بجهة دفع تب و سلمان نقل نموده که بهزار کس بیشتر تعلیم نمودم از
اهل مکه و مدینه که آزار تب داشتند همه اینها از تب نجات یافتند بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله النور بسم الله نور النور بسم الله نور علی نور بسم الله الذی هو مدبر الامور
بسم الله الذی خلق النور من النور الحمد لله الذی خلق النور من النور وانزل
النور علی الطور فی کتاب مسطور فی رق منشور بقدر مقدور علی نبی
محبور الحمد لله الذی هو بالعز مذکور وبالفخر مشهور وعلی السراء والضراء
مشکور وصلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرین **تب ولرز** و جد بخط الرضا علیه السلم
انه یکتب للحمی علی ثلث قطع من الکاغذ یکتب علی الاولی بعد البسملة لا تخف انک
انت الاعلی وعلی الثانیة بعد البسملة لا تخف نجوت من القوم الظالمین وعلی الثالثة
بعد البسملة الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین ثم یقرأ علی کل رقعة
التوحید ثلثا ویبلعها المحموم ثلثة ایام کل یوم واحدة برأ انشاء الله تعالی **قسم دیگر**
بر سه پارچه کاغذ بنویسید و هر روز یکی را با گلاب شسته بنوشد بسم الله الرحمن الرحیم
هطک هطک هطک همه شفاء من الله العزیز الحکیم بحق اطط اطیط هل ترضی
اطط اطیط هل ترضی اطط اطیط هل ترضی ایضا و دیگر بر مغز بادام بنویسید و
هر روز ناشتا بخورد روز اول بر یکطرف بسم الله و بر طرف دیگر سوما بنویسید
و روز دوم الرحمن و بر طرفی داسوما و بر طرف دیگر و روز سیم الرحیم بطرفی

بجهت تب و لرز بنویسد این شکل را و در روز
نوبت سه مرتبه صلوات بگوید و شکل آن که جری
خورده باشی فوق و تا سه روز هر روز یکی را بی شکل را
جنبهای میم گشوده باشد



وابر سوما بر طرفی دیگر و قسمی دیگر بر سه پاره کاغذ با قلم بادیك چنانچه
نتوان خواند بنویسد بسم الله ذی العزة والکبریاء والنور وکاغذها را مدور
به پیچد و هر روز یکی را ناشتا بخورد تب غب سه برك از درختی بگیرد و
بنام مریض بر یکی بنویسد طیسوما و بر دیگری ادوما و بر دیگری ابراسوما
و بر آب ریزند تب ربع بر دست راستش بنویسد بسم الله جبرئیل و بر دست
چپ بنویسد بسم الله میکائیل و بر پای راست بسم الله اسرافیل و بر پای چپ
بسم الله لا یرون فیها شمسا ولا زمهریرا و بر میان هردو کتف بسم الله
العزیز الجبار قسم دیگر بر کاغذی بنویسد این را بسم الله الرحمن الرحیم ابجد
هوز حطی عن فلان ابن فلانة باذن الله و بر پای آن کاغذ هفت مرتبه
بنویسد خاتم سلیمان و کاغذ را بر هم بپیچد بعد از آن ریسمانی که آب دهن
و آب هیچ یك ندیده باشد که هیچ بران زند پس جانب راستش چهار گره و به جانب
چپ سه گره زند در وقت گره زدن ریسمان را پیش دهن برد و بر هر گره
الحمد و معوذتین و قل هو الله و آیة الکرسی بخواند و بر بازوی راست بندد
و آیة الکرسی بخواند و با آن جماع نکند وجع در هر عضو که باشد بسم الله بگوید
و دست بران عضو بمالد و بعد از آن هفت مرتبه بگوید اعوذ بعزة الله
واعوذ بقدرة الله واعوذ بجلال الله واعوذ بعظمة الله واعوذ بجمع

الله واعوذ باسماء الله من شر ما احذر ومن شر ما اخاف علی نفسی
درد سر و درد گوش دست بران کنا ده هفت مرتبه بگوید اعوذ بالله
الذی سکن له ما فی البر والبحر وما فی السموات وما فی الارض وهو
السمیع العلیم درد شقیقه دست بران جانب کذاشته سه مرتبه بگوید
یا ظاهرا موجودا ویا باطنا غیر مفقود اردد علی عبدك الضعیف ایادیك
الجمیلة عنده واذهب عنه ما به من اذی انك رحیم قدیر درد چشم بلعقام
شفا آیة الکرسی بخواند شفا یابد ایضا آیه نور یا آیه وان یکاد الذین را با
تربت حضرت امام حسین ع و آب زمزم بر جامی نویسد و جام را بشوید در
شیشه کند و با میل در چشم کشد ایضا از بعضی صلحا منقولست که درد خواب
کسی را گفت که بگو اعیذ نور بصری بنور الله الذی لا یطفی و دست
بر چشم بمال و آیة الکرسی بخوان چنین کرد شفا یافت و مکرر تجربه نموده ام سنگینی گوش
دست بر گوش کنا ده و بگوید لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره حشر درد دندان
انگشت سبابه بران کنا ده و بگوید بسم الله وبالله اسئلك بعزتك وجلالك
وقدرتك علی کل شیء ان مریم لم تلد غیر عیسی روحك وکلمتك ان
تکشف ما یلقی فلان ابن فلانة من الضر کله خون کرا ز بینی بر پیشانی صاحب
رعاف بالخون نویسند ا دم ن دم م د سر ي ك لم م ح م د ح ذم الدب

اطلع ال دم ان ق طع ه وانهی عضو که خون آید بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
کیا ذن الله ما قطعتم من لینة او ترکتموها قائمة علی اصولها فباذن
الله ولیخزی الفاسقین وبران موضع بدمد درد دهن دست بران کذارد
وبگوید بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الذی لا یضر مع اسمه داء اعوذ
بکلمات الله التی لا یضر معها شیء قدوس قدوس قدوس اسئلک یا
رب باسمک الطاهر المقدس المبارک الذی من سألک به اعطیته و
من دعاک به اجبته اسئلک یا الله یا الله یا الله ان تصلی علی محمد
النبی واهل بیته وان تعافینی مما اجد فی فمی وفی راسی وفی سمعی وفی
بصری وفی بطنی وفی ظهری وفی یدی وفی رجلی وفی جوارحی کلها
واز سیاقت این دعا چنین مفهوم میشود که برای درد هر عضوی توان
خواند درد دل این آیات را بر آب بخوانند وبیاشامد لئن انجینا من هذه
لنکونن من الشاکرین سیهزم الجمع ویولون الدبر بل الساعة موعدهم
والساعة ادهی وامر ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن
زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا درد شکم
قدری آب کرم بیاشامد وبگوید یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحیم یا رب
الارباب یا اله الالهة یا ملک الملوک یا سید السادات اشفنی بشفائک

من کل داء وسقم فانی عبدک وابن عبدک اتقلب فی قبضتک درد کمر
دست بران بمالد وسه مرتبه بگوید اعوذ بعزة الله وقدرته علی ما یشاء
من شر ما اجد ایضا دست بمالد وسه مرتبه بگوید بسم الله وبالله محمد رسول
الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم افتح عنی ما اجد فی
خاصرتی درد پشت دست بران بمالد وبگوید وما کان لنفس ان تموت
الا باذن الله کتابا مؤجلا ومن یرد ثواب الدنیا نؤته منها وسنجزی
الشاکرین وهفت مرتبه انا انزلناه بخواند درد ناف دست بران کذارد
وسه مرتبه بگوید وانه لکتاب عزیز لا یأتیه الباطل من بین یدیه
ولا من خلفه تنزیل من حکیم حمید درد ران در آب کرم بنشیند ودست
در موضع درد کذاشته بگوید اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض
کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون درد فرج
دست چپ بران کذارد وسه مرتبه بگوید بسم الله وبالله بلی من اسلم وجهه
لله وهو محسن فله اجره عند ربه ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون اللهم انی
اسلمت وجهی الیک وفوضت امری الیک لا ملجا ولا منجا الا الیک درد ساق
وقت خوابیدن سه مرتبه وچون بیدار شود یک مرتبه بگوید الم تعلم ان الله
له ملک السموات والارض وما لکم من دون الله من ولی ولا نصیر [illegible]

نفخ شکم بگوید بسم الله الذی اتخذ ابرهیم خلیلا وکلم موسی تکلیما وبعث
محمدا بالحق نبیا بعد از آن سه مرتبه بگوید یا ریح اخرجی باذن الله دخر
بعد از نماز شب بگوید اللهم ما کان من خیر فمنک لا حمد لی فیه وما
کان من سوء فقد حذرتنیه لا عذر لی فیه اللهم انی اعوذ بک
ان اتکل علی ما لا حمد لی فیه وامن ما لا عذر لی فیه جهت دفع بواسیر بگوید یا
جواد یا ماجد یا رحیم یا قریب یا مجیب یا باری یا راحم صل علی محمد وآله
واردد علی نعمتک واکفنی امر وجعی قسم دیگر سوره یس را با عسل نوشته
وشسته بیاشامد سلسل مثانه و فالج در سجود نماز شب بگوید اللهم انی ادعوک
دعاء الذلیل الفقیر العلیل ادعوک دعاء من اشتدت فاقته وقلت
حیلته وضعف عمله والح علیه البلاء مفاصل و اعضاء فالج و قولنج الحمد و قل
هو الله و معوذتین بر آن بخواند بعد از آن بر استخوان شانه یا بر لوحی
بنویسد این دعا را اعوذ بوجه الله العظیم وبعزته التی لا ترام وقدرته
التی لا یمتنع منها شیء من شر هذا الوجع ومن شر ما فیه ومن شر
ما احذر منه و با آب باران بشوید و ناشتا بیاشامد و بخواند جهت دفع برد
من روضة الکلینی که بکر بن صالح گفت شنیدم از ابا الحسن موسی الکاظم علیه السلام
که میفرمود در کوفت باد سرخ و درد و دفع بلغم و سردی که در مفاصل و اندرون

شکم بهم رسد بگیرد مشتی از سنبل الطیب و از انجیر خشک و بخیساند در آب و
بپزد او را در دست پاکیزه پس صاف کند و سرد کند پس بخورد یک روز
در میان یعنی یک روز بخورد و یک روز نخورد تا تمام شود آنچه پخته و جوشانده
بود در هر دو روز نصف کاسه بجهت دفع میشود ازو این کوفتها قسم دیگر من روضة
الکلینی عن ابی الحسن بیمار شد غلام آنحضرت پس سؤال کرد آنحضرت ازو
گفتند او را زار و درم سپرز داد فرمود آنحضرت که بخورانید باو سه روز
کراث را یعنی گندنا پس خورد او را پس فرو نشست خون پس چاق شد
قسم دیگر سه مرتبه سوره اذا جاء نصر الله و سه مرتبه این آیه بخواند ان
الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکة الا تخافوا و
لا تحزنوا وابشروا بالجنة التی کنتم توعدون بر کف دستهای صاحب سپرز
بخواند و هر دو دست را هفت مرتبه بر سرش بمالد قسم دیگر روز چهار شنبه
آخر ماه پیش از طلوع آفتاب بنویسد و بر بازو ببندد و بعد از
ده روز بگشاید و در آب روان اندازد و اگر بر نشود چهارشنبه دیگر
چنین کند انشاء الله شفا یابد الم الم المص الر الر الر المر الر الر
حم حم حم عسق حم حم حم حم کهیعص طه طسم طس طسم الم الم الم
یس ص ق ن ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا

ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا ووضع الکتاب فتری

المجرمین مشفقین مافیه

ح اح ح	ما دىده	و ىد	حح م ر
ح ما ح ح	ما دىده	و ىد	ر ہر ح
ما ما وطا	م م	رو	ح مدر
ما ما وطال	٣ م	رو	اطا ح

الحلوع صلی الله علیه — ایها الکمال ارجع بحرمة محمد و آل محمد

پیچ شکم سه مرتبه بر آب بخواند یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر اولم

یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا

من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون و آب را بیاشامد و دست بر شکم بمالد

هنم دیگر هفت مرتبه بر آب بخواند بسم الله المتعلمون الذین لا یعلمون واعدون

فوق علیین یاکلون نورا طریا یسئلون صاحبهم من النق والعلوی کذلک

یشفی فلان بن فلان بعد از ان روغن بر ان آب بریزد و چون ممزوج شود

بر شکم بمالد و بیاشامد **حبس البول** هر دو پا را بشوید و بر ساق چپ بنویسد

ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر تا لمن کان کفر **و شوار بول** بگوید ربنا الله

الذی فی السماء تقدس اللهم اسمک فی السماء والارض اللهم کما رحمتک

فی السماء اجعل رحمتک فی الارض اغفر لنا حوبنا وخطایانا انت رب

الطیبین انزل رحمة من رحمتک وشفائک علی هذا الوجع فلیبرأ

درد زانو بعد از نماز بگوید یا اجود من اعطی ویا خیر من سئل ویا ارحم من

استرحم ارحم ضعفی وقلة حیلتی واعفنی من وجعی **درد سر هفت** **قبض**

مرتبه بگوید اتل ما اوحی الیک من کتاب ربک لا مبدل لکلماته ولن تجد

من دونه ملتحدا **درد سر با** بران بخواند انا فتحنا نا غیرنا حکیما **درد پیچ** **کف پا**

دست بران کذارد چنانچه احساس الم کند و بگوید بسم الله وبالله وما قدروا

الله حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات بیمینه

سبحانه وتعالی عما یشرکون **ورم** در هر جای بدن که باشد چون برای نماز فرض

وضو کند پیش از نماز و بعد از نماز بران بخواند لو انزلنا هذا القرآن تا

آخر سوره حشر **عرق النسا** دست بران کذارد و بگوید بسم الله الرحمن الرحیم وبالله اعوذ

باسم الله الکبیر واعوذ باسم الله العظیم من شر کل عرق نعار ومن شر حر النار

سل سه مرتبه بگوید یا الله یا رب الارباب ویا سید السادات ویا اله

الالهة ویا ملک الملوک ویا جبار السموات والارض اشفنی وعافنی

من دائی هذا فانی عبدک اتقلب فی قبضتک وناصیتی بیدک **خنازیر**

بعد از هر فریضه در سجده بگوید یا رؤف یا رحیم یا ابقی یا سیدی صل

علی محمد وآل محمد وعافنی من علتی **برص** دو رکعت نماز کذارد و بعد از ان

بگوید یا الله یا رحمن یا رحیم یا سامع الاصوات یا معطی الخیرات اعطنی

خیر الدنیا والآخرة وقنی شر الدنیا والآخرة واذهب عنی ما اجد فقد اقلقنی
واحزننی قسم دیگر سوره یس را با عسل یا جامی نوشته وشسته بیاشامد دمل
وجراحت چون بجامه خواب رود بگوید اعوذ بوجه الله العظیم وکلماته
التامات التی لا یجاوزهن بر ولا فاجر من شر کل ذی شر جوشش انگشت
سبابه بران گذارد وبرد ودکن بگرداند وهفت مرتبه بگوید لا اله الا الله
الحلیم الکریم ودو مرتبه آخر انگشت را بران بیفشارد ثالول یکپاره نمک
کرز کل گویند
برداشته بران بمالد وسه مرتبه بران بخواند لو انزلنا هذا القرآن تا آخر
ونمک را در شنی اندازد وبسرعت برگردد قسم دیگر چون ماه در تحت الشعاع
باشد هفت دانه جو بردارد وبر هر دانه هفت مرتبه بخواند اذا وقعت الواقعة
تا هباء منبثا وابن آیه ویسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا
فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا ولا امتا بعد از ان یکیک از آن
جوها را بران دانها بمالد پس در پارهٔ نو بسته بر سنگ ببندد و در چاهی
کهنه اوست اندازد و راوی گوید چنین کردم روز هفتم یا هشتم همه مثل
کف دست شده بود صرع الحمد ومعوذتین بر قدح آب بخوانند وبر سر و
روی مصروع بپاشند قسم دیگر بر مصروع بخوانند این دعا را عزمت علیک
یا ریح بالعزیمة التی عزم بها علی بن ابی طالب ورسول الله صلی الله

علیه

علیه وآله علی جن وادی الصفراء فاجابوا واطاعوا لما اجبت واطعت و
خرجت عن فلان بن فلان عرق مدنی که بفارسی رشته گویند پشم شتر را جا که
مقراض کنند یا ببینند ملکه از بدنش بکشند و ریسمانی تا بیده هفت گره بران بزنند
وبر هر گره سه مرتبه الحمد بخوانند بعد از ان سه مرتبه این دعا را بر آنکس بخوانند
بسم الله الابد المحصی لعدد الغریب لما تعدد الظاهر عن الولد العالی عن ان یولد
المتخذا وعد العزیز بلا عدد القوی بلا مدد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا
احد یا خالق الخلیقة یا عالم السر والحقیقة یا من السموات بقدرته مرخات
یا من الارض بعزته مدحوة یا من الجبال بارادته مرسات یا من تجلی به صاحب
العرق من کل آفة وبلیة صل علی محمد وآله خیر خلقک واشف اللهم فلان
ابن فلان بشفائک وداوه بدوائک وعافه من بلائک انک قادر علی
ما تشاء وانت ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد وآله فی روضة الکلینی
عن ابی الحسن ع فرمود کسی که تغییر یابد آب نشت کند و یعنی مخابس پایکه نفع
کند مران ما ظهر را لبن حلیب وعسل قسم دیگر چون شروع بخاریدن کند وهنوز
بیرون نیامده باشد بران بنویسد ویسئلونک عن الجبال تا ولا امتا چنانچه
قبل از این گذشت وصبر را بران بمالد غلبه بول در خواب بر جام نوی با زعفران
بنویسند بسم الله الرحمن الرحیم واین آیه را مکرر بنویسد نفقد که جام پر شود

الله یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد
من بعده انه کان حلیما غفورا پس بابسر دستبوید ونگاه دارد بعد از
بر پارچه پوستی یا مدادی بنویسید همین آیه را والحمد وسه مرتبه قل هو الله
ومعوذتین وآیة الکرسی وآیه ولو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره حشر و
آیه قل ادعوا الرحمن تا آخر سوره بعد از آن بنویسید بسم الله الرحمن الرحیم ان الله
یمسک تا آخر آیه پس بنویسید یا من هو هکذا ولا هکذا عین امسک عن
فلان بن فلانه ما یجد من غلبة البول پس اگر مرد باشد این بنویسد
در پشت ظهرها بر ذکرش بندد واگر زن باشد بر زانویش پس قدری زعفران
ود وبرابران سعد هر یکی را جدا بکوبید وسعد را از جو صاف کنند وهر دو
باهم با عسل بی موم معجون ساخته گلولها بسازد ودر وقت خوابیدن بدین گلوله
از آن معجون و قدری از آن آب بنوشد ودر این ایام آب کمتر بخورد وچون
قلت نایل شود تعویذ را بگشاید که حبس البول نشود **آبله** چون این شکل
نویسید وبر بازویش بندد اگر بیرون نیامده باشد نیاید واگر آمده باشد
زیاده از آن نیاید **سایر امراض** در زیر
آسمان که سقف نباشد دستها برداشته

وبالعرش	سه سه
باوس امس	الس الس ارس س

بگوید اللهم انک عیرت اقواما فی کتابک فقلت قل ادعوا الذین

زعم

نعمتم من دونه فلا یملکون کشف الضر عنکم ولا تحویلا فیا من لا یملک
کشف ضری ولا تحویله عنی [illegible] غیره صل علی محمد وآل محمد واکشف
ضری وحوله الی من یدعو معک الها آخر فانی اشهد ان لا اله غیرک
بجهة دفع طاعون و وبنویسید این دعا را ودر بازوی راست بندد
وچشمهای میم وها را گشاده کنند بسم الله الرحمن الرحیم



بجهة طاعون ٥٥١٠٦ ١١١١ ١١١٥ ٦٩١١٥٥٧٥ ١٩١١م١٩١٩٤م١٩

اللهم یا ولی الولاء ویا کاشف الضنی والبلاء اصرف عنی المحطوط العاثرة
والطعن والطاعون والمفاجاة والوباء بحق محمد المصطفی وعلی المرتضی
وفاطمة الزهراء والحسن المجتبی والحسین الشهید المظلوم بکربلاء واولاده المعصومین
وبحق جمیع الانبیاء والمرسلین وبحق ملائکة الله اجمعین وما رمیت اذ
رمیت ولکن الله رمی ولیبلی المؤمنین منه بلاء حسنا اللهم سکن
هیبة صدمة قهرمان الجبروت بالطیفة النازلة الواردة عن
فیضان الملکوت حتی نتشبث باذیال لطفک ونعتصم بک من
انزال قهرک یا ذا القوة الکاملة والقدرة الشاملة برحمتک لوا سعة
اللهم یا خفی الالطاف نجنا مما نحذر ونخاف بحق محمد بن عبد
بن عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف وصلی الله علی

سیدنا محمد وآله اجمعین الطاهرین بجهت عقرب صفت مرتبه احمد بخوانند حضرت
پیغمبر صلی الله علیه واله را در غار عقرب گزید چون از غار فارغ شد عقرب را
لعن کرد و فرمود در غار و غیر غار کسی را نمی گذارد پس نمک بر آن مالید و
قل یا ایها الکافرون و معوذتین بر آن خواندند سوخته تکبیر کو بر آن خاموش
کنند در آن عضو بگویند اذهب البأس رب الناس واشف انت الشافی لا شافی
الا انت نسیان بخوانند این دعا مداومت نماید و در روایت دیگر آمده که بر
عسل سفید پاک بر قدحی پاک بنویسد و با آب باران بشوید آنکه بخورد
دسه بنویسد سه روز ناشتا بیاشامد ان شاء الله تعالی حفظ قرآن و علم با و عطا
فرماید اللهم انی اسألك ولم یسئل العباد مثلك اسألك بحق محمد نبیك
ورسولك وابرهیم خلیلك وصفیك وموسی کلیمك ونجیك وعیسی
کلمتك وروحك واسألك بصحف ابرهیم وتورات موسی وزبور داود
وانجیل عیسی وقرآن محمد صلی الله علیه وآله وبكل وحی اوحیته وقضاء
امضیته وحج قضیته وغنی اغنیته وضال هدیته وسائل اعطیته
واسألك باسمك الذی وضعته علی اللیل فاظلم وباسمك الذی وضعته
علی النهار فاستنار وباسمك الذی وضعته علی الارض فاستقرت ووضعت به
السموات فاستقلت ووضعته علی الجبال فرست وباسمك الذی

ثبتت بر

ارزجمت ما یجهت دفع طاعون و وبا خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم یا دافع البلاء یا سامع الجهر والخفاء یا رافع ... اصرف عنا حایل الطعن والطاعون ... والکبار و ... حفیظ یا حفیظ یا حفیظ یا حفیظ ... اللهم یا عالم السر ... یا ارحم الراحمین ... ١١١٠

ثبتت به الارزاق واسألك باسمك الذی تحیی به الموتی واسألك باسمك
الذی دعاك به عبادك الذین استجبت لهم وانبیائك فغفرت لهم
ورحمتهم واسألك بكل اسم انزلته فی کتبك وباسمك الذی استقر به عرشك
وباسمك الواحد الاحد الفرد الوتر المتعال الذی یملأ الارکان کلها الطاهر
المطهر المبارك المقدس الحی القیوم نور السموات والارض الرحمن الرحیم الکبیر
المتعال وکتابك المنزل بالحق وکلماتك التامات ونورك التام وبعظمتك
وارکانك واسألك بمعاقد العز من عرشك ومنتهی الرحمة من کتابك ان
تصلی علی محمد وآل محمد وان ترزقنی حفظ القرآن واصناف العلم وان
تثبتها فی قلبی وسمعی وبصری وان تخالط بها لحمی ودمی وعظامی ومخی
وتستعمل بها لیلی ونهاری برحمتك وقدرتك فانه لا حول ولا قوة الا بك
یا حی یا قیوم قسم دیگر بجهت قوه حافظه و زوال نسیان در نماز صبح بخواند
ربنا لا تؤاخذنا تا آخر سوره بقره بعد از آن بگوید اللهم لا تنسنی ما اقرأنی
یومی هذا فانك قلت سنقرئك فلا تنسی قسم دیگر بعد از هر نماز بگوید
سبحان من لا یعتدی علی اهل مملکته سبحان من لا یاخذ اهل الارض
بالوان العذاب سبحان الرؤف الرحیم اللهم اجعل لی فی قلبی نورا وبصرا
وفهما وعلما انك علی کل شیء قدیر در داود صبح این دعا نقل نموده ایم

تعویذ است نوشته بر گردن او ببندد بسم الله الرحمن الرحیم اللهم احفظ علی ما لو حفظه غیرك لضاع واستر علی ما لو ستره غیرك لشاع واجعل ... اللهم احفظنی بما حفظت به کتابك المنزل ... علی نبیك المرسل اللهم انك قلت وقولك الحق انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون

هرگاه اسبی را چون درد بگیرد این
شکل را بر زمین نقش کند وان اسب را
بر سر آن بکند از آن شفا یابد باذن الله تعالی

ط	ح	ج	و
٥	ب	ا	٥
٨	٣	ر	و

بجهت گم شده این دعا را بخوانند یافت
شود بامر الله تعالی بعد از ... بخوانند
یا جامع الناس لیوم لا ریب
فیه اجمع علی ضالتی

قسم دیگر هر روز بعد از نماز صبح پیش از آنکه حرف زند بگوید یا حی یا قیوم
فلا یفوت شیئاً علمه ولا یؤده نوع دویم از قسم اول ادویه که تاثیر شان
نه از جهة مزاج و طبیعتست اگرچه در بعضی از آن اثر مزاج نیز مدخلی داشته
باشد و از آنجمله چند دوا ذکر نمائیم اول تربت مقدس امام حسین علیه السلام
مرویست از اهل بیت علیهم السلام که این تربت مقدس دوای اکبر است و بر هیچ
مرض نگذرد مگر که آنرا دفع کند و دوای هر علت و حرز از هر خوف است
شخصی از امام جعفر پرسید که بعضی مردم از این تربت منتفع می شوند و
بعضی نمی شوند فرمود والله که هیچکس باعتقاد اینکه خدای تعالی باین تربت
او را شفا میدهد تناول نکند مگر آنکه البته شفا یابد دیگری بخدمت آنحضرت
عرض نمود که از شما شنیدم که تربت مبارکه بر هیچ علتی نگذرد مگر که آنرا هضم
و تحلیل کند فرمود بلی چنین است گفت من تناول کردم و منتفع نگشتم فرمود
این تربت دعائی دارد که اگر آنرا نخوانند تواند بود که اثر نکند چون خواهی
تربت مقدس برداری بگوی اللهم انی اسئلک بحق الملك الذی قبضها و
اسئلک بحق الوصی الذی حل فیها ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعلها
شفاء من کل داء و اماناً من کل خوف و حفظاً من کل سوء پس در پارچه
بربندد و انا انزلناه بران بخوان چون خواهی تناول نمائی اول بوسه کن

و بر هر دو چشم

و بر هر دو چشم بگذار و بیش از قدر یك نخود تناول منما اول بوسه که
هر کس بیش از یك نخود بخورد چنانست که از خون و گوشت ما خورده باشد
و در روایت دیگر نیز آمده که اگر کسی به قصد دوا بخورد چنانست که از گوشت
و خون ما بخورد ایضا دیگری روایت کند که من با امام محمد باقر عم شکایت
کردم از دو علت که هر یك ضد یکدیگر بود و هر یك را که معالجه میکردم بدیگری
ضرر میرسید فرمود چرا تربت حسین علیه السلام نمیخوری گفتم بسیار خوردم
و نفع نیافتم چون این سخن گفتم اثر غضب بر آن حضرت مشاهده کردم گفتم
اعوذ بالله من غضبك یا ابن رسول الله صم پس آنحضرت برخاسته بجانب اندر رفت
و بقدر نخودی از تربت مقدس آورده بمن داد فرمود بخور چون خوردم
همانساعت شفا یافتم فرمود این همانست که گفتی بسیار خوردم و شفا نیافتم
پس من گفتم یا مولای بخدا قسم که دروغ نگفتم اما شما دادن علی هست اگر بمن احسان
فرمائی دوستر دارم از هرچه آفتاب بران تابد فرمود چون خواهی تربت مقدس را
برداری باید که در آخر شب غسل کنی و جامه پاك پوشیده بوی خوش بکار بری
پس بمشهد مبارك آنحضرت روی و در بالای سر مبارك چهار رکعت نماز گذاری
در رکعت اول بعد از حمد یازده بار قل یا ایها الکافرون و در دویم بعد از
حمد یکبار انا انزلناه و این قنوت بخوان لا اله الا الله حقاً حقاً لا اله الا الله تعبداً و رقاً

وَرِدْ قُلْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ
وَحْدَهُ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَالْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَ
سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا وَ
سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ پس دو رکعت را تمام کن و سلام
بده و دو رکعت دیگر بکنار در رکعت اول بعد از حمد یازده مرتبه قل
هو الله و در دویم یازده مرتبه اذا جاء نصر الله و همان قنوت مذکور را بخوان
و چون سلام دهی سجده کن و هزار مرتبه شکراً لله بگوی یا مولای یا بن
رَسُولِ اللّٰهِ إِنِّي آخُذُ مِنْ تُرْبَتِكَ بِإِذْنِكَ اللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ
وَعِزًّا مِنْ كُلِّ ذُلٍّ وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَغِنًى مِنْ كُلِّ فَقْرٍ لِي وَلِجَمِيعِ إِخْوَانِي
الْمُؤْمِنِينَ پس سه مرتبه هر مرتبه بسه انگشت از آن تربت بردار و
در خرقه پاک به بند یا در شیشه کن و سرانرا با خاتمی که نگینش عقیق زرد
باشد و این کلمات در آن نقش باشد ما شاء الله لا قوة الا بالله استغفر
الله مهر کن و چون خدای تعالی بداند که نیت تو صادق است مجموع آن تربت
که برداشته هفت مثقال باشد بی زیاد و کم و چون چنین برداری شفای
جمله امراض باشد و در روایت دیگر آمده که اگر این کلمات را با تربت بر کاسه چینی
نویسند و بگلاب یا غیر آن شسته بیاشامند باذن الله تعالی شفا یابد

اگر چه شروط مذکوره بعمل نیامده باشد بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الشافی بسم الله
الکافی بسم الله المعافی بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء
وهو السمیع العلیم وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین و در وقت
خوردن تربت بگوی بسم الله وبالله اللهم رب هذه التربة المبارکة الطاهرة
ورب النور الذی انزل فیه ورب الجسد الذی سکن فیه ورب الملائکة
الموکلین به اجعله لی شفاء من داء کذا و آن علت را نام برد پس جرعه آب
بر سر آن بیاشامد و بگوید اللهم اجعله رزقا واسعا وعلما نافعا وشفاء من
کل داء انک علی کل شیء قدیر دویم همین تربت را و قدری زعفران و قدری
عسل با آب یا آب باران معجون ساخته در امراض صعبه و اناید سیم هفت حب از این
تربت مبارک که هر حب بقدر عدسی باشد و هفت دانه سیاه دانه و هفت قطره عسل
همراه را آب یا در روغنی کنند الحمد و معوذتین و قل هو الله و آیة الکرسی و اول سوره
حدید تا ترجع الامور و آیه لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره بر آن بخوانند و استعمال نماید

چهارم آب نیسان

مرویست از حضرت پیغمبر که فرمود که شما را دوائی بیاموزم
که با وجود آن محتاج باطبا نشوید پس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام با جمعی از صحابه
پرسیدند که آن کدامست فرمود آب باران نیسان از آن بگیرید و بران بخوانید الحمد
و آیة الکرسی و قل هو الله و هر یک از معوذتین و قل یا ایها الکافرون هر یک را هفتاد

کل داء وشفع که الله تعالی برکت آن تربت هر علت و الم
وغم و همی که باشد دفع نماید و در روایت دیگر آمده که این
دعا را سه مرتبه بخوانند و بر تربت بدمند و دو تر اخو
کنند بسم الله وبالله اللهم اجعله رزقا واسعا وعلما
نافعا وشفاء من کل سقم

بار وبروایت دیکر انا انزلناه والله اکبر ولا اله الا الله وصلواة بر پیغمبر
وآلش بر هر یك را هفتاد مرتبه وهفت روز بخورد بر صبح وشام از ان
بیاشامد بان خدائی که مرا بحق بنبوت فرستاده که جبرئیل کفت از
جناب الهی که هر علت ومرض که در جمیع رکها واستخوانهای او باشد
بیرون رود وشفا یابد واکر در لوح محفوظ بنام او علتی ثبت باشد
محو شود واکر فرزندش نشود بشود اکرچه عقیم باشد واکر عنین باشد
عافیت یابد واکر زن بقصد پسر بخورد پسر آورد ودوای جمیع امراض
اینست ودر هر عضو که باشد حتی کوری ولالی وشلی ودیوانکی وامانست
از همه مکاره واز نزول آب سیاه بچشم واز وسواس جن وشیاطین و
دلش پر نور وروشن کردد والهام الهی در دلش راه یابد وحکمت از دل
بر زبانش جاری شود وهزار رحمت وهزار مغفرت برو فرستد وغش
وحسد وخیانت وغیبت وکبر وبخل وحرص وغضب وعداوت وظلم از
دلش برود پنجم آب باران هرباران که باشد پیش از انکه بر زمین رسد بکیرند
والحمد وتوحید ومعوذتین هر یکرا هفتاد مرتبه بران بخوانند ویکقدح
صبح ویکقدح شام بیاشامد حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود بخدائی
که مرا بنبوت اختصاص فرموده که برای هر علت والم که بیاشامند انرا از بدن

واستخوان

واستخوان وعروق بیرون برد وفضایل آب میزان وفرات ومذمت
آب تلخ وکرم بسیار واقع شده قسم دویم ادویه که تاثیر آنها از جهت مزاج وطبیعت
وبحسب اختلاف امزجه وبلاد وفصول لامحاله مختلف شود پس در استعمال
آنها ملاحظه مناسبه باید نمود تا مودی بفساد ومضرت نشود واز انجمله
چند دوا ذکر کنیم سنا مرویست که اکر چیزی دفع مرك تواند کرد سنا باشد
واکر مردم بدانند که چه منفعت در وست یکمثقال او را بدو مثقال طلا
بخرند وامانست از بهق وجذام وبرص وجنون وفالج ولقوه سنا ومویز
سرخ بی دانه وهلیله زرد وسیاه وکابلی واجزاء مساوی معجون ساخته مقدار
سه درم ناشتا وسه درم وقت خواب تناول کند دویم بکذر قطونا اکر صاحب
تب مقدار دو درم در شب اول تناول کند درد کوفت از مرض برسام ایمن
باشد سیم سیاه دانه مرویست که دوای هر علت است مکر مرك راوی پرسید
که چون استعمال کنیم فرمود هر شب بیست ویک دانه در پارچه بسته در آب
بخیسانید در روز اول در هر سوراخ دماغ یکقطره بچکان ودر روز دویم در جانب
راست دو قطره ودر چپ یکقطره ودر روز سیم در راست یکقطره ودر چپ
دو قطره چهارم اطریفل مرویست از حضرت صادق ع که موسی ع از رطوبت وبلغم
بحق تعالی شکایت کرد فرمود هلیله وبلیله وآمله اجزا مساوی کرفته با روغن کاو
چرب کن وباعسل معجون ساز واستعمال نمای پس حضرت صادق ع فرمود که

این همان معجونست که شما اطریفل صغیر میگویید شفاء هر علتست مگر موت **پنجم** کسی از تب ربع شکایت کرد و امام جعفر ع فرمود قدری قند صلایه نموده در آب ریزو برهم زن تا خوب شربت شود و صبح و شام بیاشام **ششم** عسل ببوست که عسل دوای هر کوفتا ست و اگر کسی هر ماه یکمرتبه عسل بخورد از همه امراض ایمن شود **هفتم** کسی که عطسه بسیار کند روغن مرزنجوش در دماغ بچکاند تخفیف یابد و مرویست که عطسه و زکام را معالجه نکنید که ما دانست از جذام و از بادی که در سر و روی بهم رسد و نزول آب و موی زاید در چشم و ستن دماغ و نیز مرویست که هر کس را رگی از جذام در سر و رگی از برص در بدن باشد چون رگ جذام بهیجان اید حق تعالی زکام را برو مسلط کند تا ماده جذام دفع شود و چون رگ برص هیجان کند دمل را برو گمارد تا ماده برص را دفع کند پس چون زکام یا دمل بهم رسد حمد الهی کنید **هشتم** صبر سقوطری و مر و کافور را ناجی مساوی هم کوفته و از حریر بیخته مثل سرمه در چشم کشند درد و رمد چشم و ضعف باصره را نافع باشد و در روایت دیگر همین صبر و مر مذکور است بی کافور فرموده اند که اگر ماهی یکمرتبه در چشم کشند همه امراض را از سر دفع نماید **نهم** مرویست از امیرالمؤمنین ع که زعفران و سعد از هر یک قدری با عسل معجون ساخته هر روز دو مثقال تناول کند از شدت حافظه بیم آن باشد که ساحر شود **دهم** حجامت و فصد مرویست که چون آثار دق

خون ظاهر شود خون از بدن بیرون کنند که گاه باشد که غافل طغیان کند و مؤدی بهلاک شود و نیز مرویست که مردم بهیچ چیز مدا وا نکنند بهتر از یک حجامت خون یا یک انگشت عسل و امام جعفر ع منقولست فرمود
هذا الحديث منقول من روضة الكليني
که حجامت سر دوای هر مرضست مگر موت پس از بینی خود و جبهه خود تا بجا که ابهام رسید فرمود این موضع را حجامت کند و چون حجامت کنید باید چیزی خورده باشید که خون در موضع حجامت جمع شود و کوفت و الم از بدن بیرون رود و اگر چیزی نخورده حجامت کنند خون برود و کوفت بماند و بعد از حجامت قند بخورید که خون تازه از ان تولد شود و حجامت روز شنبه و یکشنبه و شب یکشنبه و عصر روز دوشنبه نافع تر باشد مرویست که در روز یکشنبه شفای هر علتست و پنجشنبه پیش از زوال حجامت کنید که خون در موضع حجامت جمع شود و چون زوال شود متفرق شود و پنجشنبه آخر ماه کوفت را از بیخ بر اندازد و باز مرویست که روز سه شنبه اگر حجامت
از روضة الكافي
کنید در وساعتی است که اگر در ان ساعت اتفاق افتد که خون بگیرد خون نایستد تا انکه بمیرد یا انکه انچه خدا خواهد و باز از آنحضرت مرویست که
از روضة الكافي
سعیب بن عقرقوفی گفت بخدمت ابی الحسن الاول علیه السلم رفتم و انحضرت حجامت کرده بود و در روز چهارشنبه بود و در حبس بود انحضرت گفتم باو حضرت که این دو نمیگویند مردمان کسی که حجامت کند در این روز میرسد اورا
مراد اهل سنت باشد

برص فرمود که این نرسیده میشود بر کسی که حامله شده باشد مادرش در ایام
حیض یا در روز جمعه وقت زوال حجامت نکنید پس اگر کسی حجامت کند وقت
زوال جمعه پس برسد با و چیزی پس باید که ملامت نکند مگر نفس خود
یعنی تعلق به ابتلا شود
و مرویست که حضرت پیغمبر صلعم فرمود که از اول ماه تا وسط ماه از حجامت
احتراز کنید که هر روز موروث علتی است و مرضی و روز شانزدهم تا آخر ماه
حجامت کنید که در هر روز شفا و منفعتی است در دو مکی شنبه و چهار شنبه
که موروث برص است و روایت دیگر آمده که اگر حجامت در روز سه شنبه هفدهم
یا نوزدهم یا بیست و یکم ماه اتفاق افتد دوای امراض باشد تا یکسال و این حدیث
با حدیث سابق که در روضه کلینی است ظاهرا اختلاف هست و از سیاق کلام آن
حضرت که فرمود روز چهارشنبه بر کسی باید نرسید که حملا و در ایام حیض
باشد معلوم است که اینها چه کسانند و اعتقاد ایشان بنا بر قول راوی آن
بوده در این احادیث شاید انحضرت بنا بر قول و اعتقاد ایشان فرموده باشد
نقیة العلم عند الله و عند الراسخون فی العلم و نیز مرویست که آیة الکرسی بخوانید
و هر روز خواهید حجامت کنید که ضرر نکند و مرویست که چون طفل چهار ماهه
شود هر ماه یکمرتبه حجامت کنید برای صحتش و فصد نیز در اکثر احکام مثل حجامت
است و چون حجامت کند و خون بیرون آید هنوز فارغ نشده بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
اعوذ بالله الکریم فی حجامتی هذه من العین فی الدم و من کل سوء این بود دلیل از

ادویه طبیعت که در احادیث مذکور است حضرت امام جعفر صادق ع فرمود
که هیچ دوائی نیست که نتیجه مرضی نکند و هیچ دوائی در بدن انفع تر از این نیست که
دست از خوردن باز داری مگر بقدر ضرورت و هم از انحضرت مرویست که تا
بدن تاب مرض می آورد استعمال دوا نکنید **فصل هفدهم** در انواع لباس و آداب آن
مرویست از ائمه طاهرین علیهم السلم که الله تعالی جمیل است و دوست دارد جمال را
چون بکسی نعمتی عطا فرماید دوست دارد که آثار آن نعمت از و ظاهر شود پس
اگر اظهار آثار نعمت کند شکر گذارده بود و اگر نه کفران نعمت کرده باشد و بهترین
لباسها پنبه است که لباس حضرت پیغمبر صلعم و اهل بیت او ست علیهم السلم و هر لباسی
که موجب خشوع و تواضع و افتادگی باشد و بدترین لباسها آنکه موجب کبر و عجب بود
مرویست که امام زین العابدین ع روزی جامهای فاخر پوشیده از خانه بیرون رفتند
لمحه نگذشت که برجعت مراجعت فرموده از بدن بیرون کردند و جامه دیگر
پوشیدند و فرمودند که باس درین جامها علی الحسین نبودم و همان حضرت ع فرموده
چون بدن جامه نازک پوشد سرکش شود و از حضرت امام موسی ع مرویست که
جامه نو را آب میکشید که طراوت نوی زایل شود و بعد از آن می پوشید و هر کس
جامه برای تکبر و شهرت پوشد روز قیامت الله تعالی جامه از آتش در وی پوشاند
و در جهنم قرین قارون باشد از امام جعفر صادق علیه السلم پرسیدند که حد تکبر

در لباس کدامست فرمود آنکه چون جامهٔ خوب پوشی خواهی که مردم به بینند
و لباس طلا و حریر بر مردان حرامست و هر که در دنیا حریر پوشد در آخرت از آن
محروم باشد و حضرت پیغمبر صلعم بحضرت امیر ع فرمود یا علی حریر مپوش که الله
تعالی روز قیامت بدنیت را باتش بسوزد و بهترین رنگها در لباس سفید
است و سیاه لباس بنی عباس است و سیاهی در هر لباس مذموم است مگر
در عبا و موزه و در روایت دیگر در عمامه نیز وارد شده و زعفرانی
لباس بنی امیه است و قرمز لباس شیطانست و معصفر لباس اهل بیت
علیهم السلام است و کفش زرد لباس انبیاء است و چشم را قوت دهد و
دلگیری ببرد و بعیش و خوشی کهنه شود و قوت مباشرت دهد و کفش
سفید هنوز کهنه نشود که خدای تعالی کان مال با وعطا فرماید و کفش
سیاه لباس جبارانست و چشم را ضعیف کند و مورث غم بود و بمباشرت
ضرر کند و آهن لباس اهل نار است نشاید که مومنان بپوشند یا با آن
نماز کنند و مرویست که پاک نباشد دستی که در آن انگشتر آهن باشد و
امام جعفر ع فرموده عقیق سرخ و زرد و سفید سه کوهست در بهشت
عقیق سرخ مشرفست بخانهٔ پیغمبر صلعم و سفید بر خانهٔ علی ع و زرد بخانهٔ فاطمه ع
و خدا برا تسبیح و تقدیس و تمجید میکنند و برای دوستان اهل بیت علیهم السلم

استغفار میکنند و هر کس از شیعیان که یکی از آن را انگشتر کند غیر خیر و خوبی
و وسعت روزی و سلامت از جمیع انواع بلا نه بیند و امان یافت از سلطان
و جمیع مکاره و مخاوف و دفع پریشانی کند و نفاق را زایل کند و هیچ
دستی بدعا برداشته نشود دوستر نزد خدا از دستی که با انگشتر عقیق
باشد و حاجت باجابت مقرون باشد و الله تعالی نظر بر زمین افکند و
از نور جمال خویش عقیق آفرید پس فرمود قسم بذات خودم عذاب نکنم دستی را
که با ولایت علی ع انگشتر عقیق داشته باشد و در روایت دیگر آمده که چون الله تعالی
کوهها را آفرید ولایت اهل بیت علیهم السلم را بر ایشان عرض فرمود اول عقیق
و یاقوت قبول کردند پس ایشان را فضل و شرف عطا فرمود و در روایت دیگر آمده
که عقیق سرخ اول کوهیست که اقرار بوحدانیت الله تعالی و نبوت پیغمبر صلعم و
وصیت امیر المومنین علیه السلم و اولاد طاهرین و بهشت برای شیعیان و جهنم
برای اعداء ایشان نموده و دو رکعت نماز با عقیق برابر است با هزار رکعت
و کسی که محمد نبی الله و علی ولی الله بر عقیق نقش کرده انگشتر کند از دنیا
نرود مگر بر فطرت ایمان و جمعی را در سفر حرامی زده بود بحضرت پیغمبر صلعم شکایت
نمودند فرمود بایست انگشتر عقیق با خود دارید که امانست از جمیع مکاره
و حدیث دیگر نزدیک باین در فصل حرز و تعویذ نقل نمودیم و یکی از ملازمان

امام علی نقی گوید رفتم بخدمت آنحضرت که برای زیارت امام رضا ع
مرخص شوم فرمود انگشتر عقیق زرد با خود بردار که بر یک رویش
ماشاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله نقش و بر روی دیگرش محمد و
علی نقش باشد که امانست از راه زدن و بجهت حفظ دین بهتر و
برای سلامت تمام تر است و انگشتر دیگر فیروزه بردار که بر یک رویش
لله الملک و بر روی دیگرش الملک لله الواحد القهار نقش باشد که امانست
از سباع و ظفر است در جنگها و قبل از این در باب آداب سفر ذکر
همین حدیث را با حکایتی که شیر در سر راه بود و آنحضرت تعلیم نموده ذکر
نمودیم با خواص نگین عقیق و بعضی دیگر بمناسبت مقام در اینجا مذکور
شد با خواص بعضی دیگر که در آنجا نبود و از امام جعفر علیه السلام مرویست
که فرمود دوست دارم که شیعه ما پنج انگشتر داشته باشد یاقوت برای
زینت و دفع فقر و عقیق که اخلاص با خدا و با ما در آن بیشتر است و
فیروزه که مومنان را خوش آید و محتاج نشود دستی که فیروزه در آن باشد
و چشم و دل را قوت دهد و الله تعالی شرم دارد که نومید کند دستی را که
با فیروزه بدعا بردارد و حدید صینی را همیشه در دست نکنید لیکن با خود
دارید که سرکشان جن و انس را دور کند و در نجف هر که از آن انگشتر کند هر نظری که

بران

بران کند حجی باشد که ثوابش مثل ثواب انبیا و صلحا بود و اگر نه بسبب رحمت خدا
بر شیعیان نبود که میخواهد اغنیا و فقرا را همه مقدور نباشد قیمت آنرا
چنان میکرد که هیچ نزد او وفا نکند و مرویست جزع یمانی که فارسی آن
سلیمانی میگویند تسبیح و استغفار کند و ثوابش برای صاحبش باشد و
دو رکعت نماز با آن برابر است با هفتاد نماز اما آداب پوشیدن جامه مرویست
از اهل بیت علیهم السلام که در وقت پوشیدن و کندن جامه و هر کاری
بسم الله بگویند تا شیطان شریک نشود و هر که جامه نو بپوشد وضو کند
و دو رکعت نماز کند و در هر رکعت الحمد و آیة الکرسی و قل هو الله و
انا انزلناه بخواند و بگوید الحمد لله الذی کسانی ما اواری به عورتی و
اتجمل به فی الناس و حوله بسیار گوید که در آن جامه معصیت نکند و
بعدد هر رشته از آن فرشته برای او دعا و استغفار از خدای تعالی طلب
رحمت نماید و اگر بگوید الحمد لله الذی کسانی من اللباس ما اتجمل به فی الناس
اللهم اجعله ثوب برکة اسعی فیه لمرضاتک و اعمر به مساجدک گناهانش
آمرزیده شود و در آن جامه مکروهی نبیند و اگر گونه نوی آب کند سی و دو
و بروایتی سی و پنج انا انزلنا بران بخواند و بران جامه باشد تا رشته از آن
باقی بود در وسعت و رفاهیت باشد و چون جامه بپوشد و فارغ شود

بگوید اللّهمّ بک استترت و الیک توجّهت و بک اعتصمت و علیک توکّلت
انت ثقتی و انت رجائی اللّهمّ اکفنی ما اهمّنی و ما لا اهمّنی و ما لم اهتمّ
به و ما انت اعلم به منّی عزّ جارک و جلّ ثناؤک و لا اله غیرک اللّهمّ
زوّدنی التّقوی و اغفرلی ذنبی و وجّهنی للخیر حیثما توجّهت و چون
عمامه بر سر نهد یا انکشتر در دست کند بگوید اللّهمّ سوّمنی بسیما الایمان
و توّجنی بتاج الکرامة و قلّدنی حبل الاسلام و لا تخلع ربقة الایمان
من عنقی و عمامه را ایستاده بندد و مرویست هر که عمامه بندد و تحت الحنک
نبندد و اگر المی به بیند که دوا نداشته باشد ملامت نکند مگر نفس خود را و امام
جعفر فرمود عجب دارم از کسی که تحت الحنک بسته بحاجتی رود و چون
حاجتش بر نیاید و در این زمان که بسبب تقیّه از ابنای دنیا تحت الحنک بستن
متروک کشته بطریق اکثر سنن سنّیه اگر در اوّل عمامه بستن تحت
الحنک بندد چنانچه بعضی میکنند تا مستمرّ این سنّت بعمل آید مستحسن باشد
و چون کفش پوشد ابتدا بپای راست کند و بگوید بسم الله اللّهمّ صلّ علی
محمّد و آل محمّد و وطّئ قدمیّ فی الدّنیا و الآخرة و ثبّتهما علی الصّراط یوم
تزلّ فیه الاقدام و در وقت کندن کفش ابتدا بپای چپ کند و بگوید
بسم الله الحمد لله الّذی رزقنی ما اوقی به قدمیّ من الاذی اللّهمّ ثبّتهما

علی

علی صراطک و لا تزلّهما عن صراطک السّوی و بایکتای کفش راه نرود که
اگر جنون یا شری از اجنّه و شیاطین عارض شود زود دور و مفارقت
نکند **فصل هجدهم** در باب قدر طعام خوردن مرویست از اهل بیت علیهم السّلام
که منافق با هفت روده طعام خورد و مؤمن با یک روده و بسیار خوردن
دل را سخت و ظلمانی و بی رحم و از خدا دور و غافل کرداند و در دین بی
پروائی کند و شهوت برانگیزد و نفس را سرکش و عقل را تیره و شیطان را
اطاعت و دین را فاسد کند و موجب همه امراض باشد و هر که در دنیا
سیر تر در آخرت کرسنه تر باشد و بر سر سیری چیزی خوردن مورث برص
شود و دشمن ترین حالات در نزد خدا آنست که شکم پر باشد و دوست ترین
آنکه خفیف و سبک بود و یکلقمه بضرورت خوردن افضلست از بیست شب
عبادت کردن و هر که خدا را بشناسد دهن از کلام و شکم از طعام منع کند
تا ضرورت نشود و کرسنکی دام مؤمنست و غذا و قوت دل و صحّت بدن
و در جمیع آثار عکس سیریست و مرویست که یحیی علی نبیّنا و علیه السّلام از
ابلیس پرسید که هیچ صفتی در من می بینی که ترا خوش آید کفت بلی اینکه چون
شب افطار کنی چیز بیشتر تناول کنی و باین سبب بعضی عبادات و طاعات از تو
فوت شود فرمود من عهد نمودم بخدا که هرکز طعام سیر نخورم و این با وجود

آنست که مرویست طعام آنحضرت علف و گیاهی بود که حیوانات میخوردند
و ماکل خود را از ایشان امتیاز نمیگذاشت و پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرموده بعد از من جمعی آیند که در نعمت متولد شوند و در نعمت تربیت
یابند و همتشان غیر الوان اطعمه و اشربه نبود و چون در مجلس سخن گویند
از هر طرف تحسین شنوند ایشان بدترین امت باشند و امیر المؤمنین ع
فرموده هر که همت همانست که داخل شکمش میشود قیمتش همانست که بیرون
میرود و نیز مرویست که ثلث شکم را برای طعام بگذارید و ثلث را برای
آب و ثلث دیگر را برای نفس و خود را فربه نکنید چنانکه خوک را فربه
نمایند برای ذبح و فضایل تقلیل و رذایل تکثیر آن عقلا و شرعا زیاده از آن
که درین مختصر گنجد از ائمه علیهم السلام مرویست که بهترین اوقات برای
اکل دو وقتست یکی صبح که مرویست هر که عمر دراز خواهد چاشت را
زود بخورد دویم بعد از نماز خفتن که وقت عشاء انبیاست ع و مرویست
که وقت خفتن البته باید تناول نمود خصوص پیر اگر ترک نکند که اصل
خرابی بدن و فساد صحت و موجب ضعف مزاج و قواست و رگی در بدن
است که عرق عشا گویند اگر شب کسی چیزی نخورد آن عرق تا صباح نفرین
کند و گوید خدا ترا سیر و سیراب نکند چنانچه مرا گرسنه و تشنه گذاشتی

ودرین

و درین میان دیگر چیزی نشاید خورد که موجب اوجاع و امراض و فساد بدن
باشد و در روایات بسیار در مذمت تنها خوردن آمده که شیطان شریک
و طعام بی برکت شود و علامت کبر و بخل باشد و گاه باشد که مداومت
برین مورث بخل و کبر شود و دست بسیار در طعام موجب زیادتی برکت
بود و جمعی به پیغمبر ص شکایت نمودند که طعام میخوریم و سیر نمیشویم فرمود
تنها طعام میخورید با هم جمع شوید و بسم الله بگوئید تا برکت زیاد شود
و دست پیش از طعام و بعد از طعام بشوئید که پریشانی را دفع کند و روزی
بیفزاید و عمر را دراز کند و چشم را جلا دهد و اهل مجلس همه در یک لگن دست
بشویند و تا پر نشود و تا همه فارغ نشوند آب لگن را نریزید که خلقشان نیکو
شود و جمعیتشان مستدام گردد و در دست شستن پیش از طعام ابتدا
بصاحب خانه و مجلس کنند و بعد از آن از جانب راستش بشویند بترتیب و بعد
از طعام ابتدا بجانب چپ او ختم کنند و با او ختم نمایند یا ابتدا بجانب راست
در خانه کنند هر کس که باشد و چون پیش از طعام دست بشویند دست خشک
نکنند تا رطوبت در دست باشد برکت بیفزاید و چون خوان حاضر شود
بگویند بِسمِ اللهِ اللّهُمَّ اجْعَلْها نِعمَةً مَشکُورَةً تَصِلُ بِها نِعَمَ الجَنَّةِ و چهار
هزار ملک در وقت طعام حاضر شوند پس اگر در وقت شروع بسم الله بگویند

خدای تعالی برکت بر شما زیاد کند و شیطان جنود خود را گوید که بیرون روید
که شما را در وی نصیبی نیست و اگر بسم الله نگویند گوید بیایید که شما نیز نصیبی
دارید پس بیایید و شریک شوید و اگر بعد از آن بسم الله بگویند شیطان
آنچه خورده باشد قی کند یعنی از مشارکتش زایل شود و هر که طعام حلال
خورد و در اول بسم الله و در آخر الحمد لله گوید روز قیامت او را از آن طعام
سؤال نکنند و هر که بگوید بسم الله والحمد لله رب العالمین هنوز لقمه بحلق
نرسیده باشد که گناهانش آمرزیده شود و اگر چند نوع طعام باشد در هر یک
بسم الله گوید و اگر فراموش کند در هر یک بگوید در اول بسم الله علی اوله و
آخره و امیر المؤمنین ع فرمود بسم الله بگویید و هر چه خواهید بخورید من
ضامنم که ضرر نکند شخصی گفت من بسم الله گفتم و طعام خوردم متضرر شدم
فرمود چند نوع طعام خوردی و در بعضی بسم الله نگفتی گفت بلی فرمود
آن ضرر کرد دیگری گفت من نیز بسم الله گفتم و متضرر شدم فرمود در اثنای
طعام حرف زدی و بعد از آن بسم الله نگفتی گفت بلی فرمود لهذا ضرر کرده
و مرویست هر که عیال خود را جمع کند و در اول طعام بسم الله و در آخر الحمد لله
بگویند گناهانشان آمرزیده و اگر با محروم و با صاحب بلیه طعام خورد بگوید
بسم الله ثقة بالله وتوکلا و مرویست که امیر المؤمنین علیه السلام با امام حسن ع

گفت

گفت که هیچ لقمه سرد یا گرم و هیچ شربتی آب نخوری مگر که پیش از آن بگوئی اللهم
انی اسئلک فی اکلی وشربی السلامة من وعکه والقوة به علی طاعتک وذکرک
وشکرک فیما بقیته فی بدنی وان تشجعنی بقوته علی عبادتک وان تلهمنی
حسن التحرز عن معصیتک که چون این بگوئی از مضرتش آن ایمن شوی گردی و مرویست
که در طعام دوازده خصلتست که لازم است دانستن آن چهار از آن فرض است
که بدانی این نعمت از خداست و راضی باشی بآن و بسم الله بگوئی و شکر کنی و
چهار دیگر سنت که آن شستن دست پیش از طعام و بر جانب چپ نشستن و با
سه انگشت خوردن و انگشتان لیسیدن و چهار خصلت ادب از پیش خود چیز
خوردن و لقمه را کوچک کردن و بسیار خاییدن و نگاه بر روی مردم نکردن و
مرویست که بر طعام از روی ادب و تواضع باید نشست چنانکه بندگان بنشینند
مربع و یکپا بالای پای دیگر تکیه کنند چنانکه متکبران میکنند باید نشست اما
دست بر زمین گذاشتن بر وجهی که تکیه و تکبر نباشد ضرور ندارد و از بعضی
ائمه ع مرویست که چنین میکرده اند و با دو انگشت نباید خورد که شیوه متکبران
است و چهار انگشتان ضرری ندارد و مرویست که امیر المؤمنین ع چنین میکرده
و با دست چپ نشاید خورد مگر آنکه ضرورتی باشد و از بالای طعام نباید خورد
که برکت از بالا آید بلکه از اطراف باید خورد و مستحب است افتتاح و اختتام بنمک

کردن هفتاد و دو نوع بلا دفع شود که از انجمله جنون و جذام و برص باشد
و اگر بر لقمها قدری نمک بپاشند نقطهای سیاه و سفید که در رو باشد زایل
شود و مرویست که اگر مردم بدانند که در نمک چه قدر منفعت هست محتاج
بتریاک بغیر تریاک فاروق نشوند و روایات دیگر آمده که افتتاح و اختتام
بسرکه مثل نمک است و روایت دیگر آمده که ما اهل بیت افتتاح بنمک و
اختتام بسرکه نمائیم و مرویست که سرکه عقل را زیاد کند و دل را زنده کرداند
و گوشت دندانرا محکم کرداند و صفرا را بشکند و نان با سرکه خوردن کرم
معده را بکشد و شهوت زیاد قطع کند و مرویست که سرکه در خانه
مثل مرد صالحست که دعای وسعت رزق برای اهل خانه کند و مستحب است
که سبزی در سفره باشد که زینت سفره است و مرویست که روزی در سفره
امام موسی ع سبزی نبود میل بطعام نفرمود تا آنکه سبزی آوردند و
فرمود که در هر سفره که سبزی نباشد من طعام نخورم و در اثنای چیز
خوردن حمد و ذکر خدا بسیار کنند بازی و لهو و بی ادبی نکنند که
هرچه کنند روز قیامت شهادت دهد و طعام بسیار گرم نباشد
که بی برکت بود و شیطان شریک شود و پف بطعام نکنند که برکتش
برود و نیز از جهت ادب بر طعام و آب و بر روی مصحف و بر موضع سجود

پف

پف نباید کرد و استخوانرا از گوشت بسیار خالی نباید کرد که نصیب اجنه است
و مرویست که هر که چنین کند بهتر از آن چیزی کرد رخانه اش کم شود و
چون جمعی در سفره باشند اگر کسی زودتر سیر شود دست نکشد که مبادا
رفقا خجل شوند و گرسنه مانند و هر که قاب را بلیسد چنانست که
مثل آن تصدق کند و هر که انگشتانرا بلیسد خدای تعالی فرماید که
بارک الله فیک و خوردن نان ریزه و طعام که از خوان ریخته باشد
امانست از جنون و جذام و برص و صفرا و حمق و دوای هر علتست
و مهر حور العین و اولاد بسیار و نفی فقر کند از و و از ولد و ولد ولدش
تا هفت پشت اما اگر در صحرا و بیرون خانه باشد ریزهای خوان را نباید
برداشت هرچند بسیار باشد که نصیب طیور و حیوانانست و هر که
پاره نانی از سر راه بردارد و بخورد هفتصد حسنه باشد و اگر از میان
نجاست بردارد و بشوید و کنار بگذارد هفتاد حسنه بود و اگر
بخورد بهشت او را واجب شود و هر که پاره نانی یا خرمائی یا کره غیر آن
از نعمتها هرچه باشد افتاده بیند و بردارد و بخورد هنوز از شکمش بیرون
نرفته باشد که گناهانش آمرزیده شود و بهشت واجب گردد و چون از
طعام فارغ شود بگوید الحمد لله الذی اطعمنا فی جائعین و سقانا فی ظامئین

وکسانا فی عاریین وهدانا فی ضالین وحملنا فی راجلین وآوانا فی ضاحین وأخدمنا فی عانین وفضّلنا علی کثیر من العالمین وهر که بعد از طعام بگوید الحمد لله الذی أطعمنی فیه ورزقنیه من غیر حول منّی ولا قوّة کفارهٔ شصت ساله گناه باشد وپیغمبر صلی الله علیه وآله هرگاه شیر تناول فرمودی گفتی اللهم بارک لنا فیه وزدنا منه وچون ماهی تناول فرمودی گفتی اللهم بارک لنا فیه وأبدلنا خیراً منه وچون خوردن برداشتند بگو الحمد لله رب العالمین اللهم اجعلها نعمة مشکورة وصاحب طعام را دعا کند وبگوید اللهم بارک لهم فیما رزقتهم واغفر لهم وارحمهم اللهم أطعم من أطعمنی واسق من سقانی وبعد از طعام دست را از چربی باک بشوید که اگر چربی در دست بماند ونجوابد از مکروه احتمال ایمن نبود چون بعد از طعام دست بشوید دست برابرو بمالد وسه مرتبه بگوید الحمد لله المحسن المجمل المنعم المفضل از درد چشم ایمن گردد واگر دست بر رو بمالد کلف را زایل کند وسبب زیادتی رزق باشد وچون دست بر دو بمالد
مثل غبار ماه ...
بگوید الحمد لله الذی هدانا وأطعمنا وسقانا وکل بلاء صالح أولانا واگر میوهٔ نو ببیند ببوسد وبر چشم گذارد وبگوید اللهم کما أریتنا أوّلها فی عافیة فأرنا آخرها فی عافیة ونیز بگوید اللهم بارک لنا فی ثمرنا وبارک لنا فی

هدیتنا وبارک لنا فی صاعنا وبارک لنا فی مدّنا وچون تناول کند بگوید اللهم کما أطعمتنی أوّلها فأطعمنی آخرها وبارک لی فیها ومستحب است که اول بکوچکترین اطفال دهد ومرویست که میوه را بشویند که هر میوه زهری بد وادارد وبعد از طعام خلال کردن سنتست ودهن را خوشبو کند ودندانها را محکم گرداند وسبب زیادتی روزی باشد وملایکه را از هیچ چیز اذیت بیشتر نیاید که از طعامی که در دندان مانده باشد وبدبو شده باشد وحضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله فرموده که الله تعالی رحمت کند برکسی که در وضو وطعام خلال کند از امتِ من ومَلَکی از آسمان دعا کند که اللهم بارک فی المتخللین والمتخللین خلالین آنانند که سر که در خانه دارند ومتخللین آنانیکه خلال کنند وهرچه با خلال از دندان بیرون آید باید انداخت واگر با زبان جدا شود فرو برد وبا چوب بید وچوب انار وریحان خلال نکنید که عرق جذام را بحرکت آرد وبانی خلال نکنند که تا هفت روز دعایش مستجاب نشود وائمه علیهم السلم مرویست که فرموده اند ما وشیعهٔ ما از حلاوت مخلوق گشته ایم از انست که ما حلاوت را دوست داریم ونیز مرویست که مؤمن لذیذ وشیرینست لذیذ وشیرین را دوست دارد ومرویست که شکر تمام مرض واست وهیچ مضرت در و نیست وعسل

دوای هر علّت و بهیچ چیز ضرر نکند امّا قدر استعمال آن در احادیث
یک انگشت و سه انگشت و ماهی یکمرتبه و مثل این وارد شده نه آنکه هر قدر
و هر وقت و در هر حال که خواهند خورند و توقّع شفا داشته باشند
و مرویست که عسلی که سبز باشد بوییش عطسه آورد یا طعمش در ذایقه
تند و کننده باشد سمّ قاتلست و غیر آن نافع و دو است و مرویست که
ما اهل بیت خرما دوست داریم و شیعیان ما از طینت ما مخلوق اند
خرما دوست دارند و اعدای ما از طینت آتش مخلوق اند مسکر دوست
دارند و مرویست که اکرام کنید عمّهٔ خود نخله [درخت خرماست] را که از بقیّهٔ طینت آدم مخلوق
گشته و هر کس هر روز هفت دانه عجوه که نوعیست از خرما بناشتا بخورد دران
روز از سحر و زهر و شیطان ایمن بود و اگر در وقت خواب بخورد کرم معده را
بکشد و مرویست که اکرام نان کنید که خدای تعالی برکات سموات را برای او
انزال کرده فرموده و برکات ارض را بیرون آورده و از عرش تا ارض در آن
عمل نموده از جمله اکرام آنست که با کارد نبرند و زیر پا نگذارند و چون سفره
حاضر شود انتظار چیزی دیگر نفرمایند و در زیر صحن نگذارند و مرویست که
دانیال پیغمبر بکشتیبانی نانی داد که او را در کشتی نشاند نان را بدور
انداخت و گفت این را چکنم این در پیش ما در زیر پا افتاده است

دانیال دست برداشت و گفت خدایا دیدی که بانان چکرد و چه گفت
نان را اکرام فرمای پس خدای تعالی فرمود که باران از آسمان نیامد از زمین
نرست و قحط شایع گشت تا حدّی که در و نیی زنی با دیگری گفت بیا تا
فرزندم را با هم بخوریم و فردا فرزند ترا آن روز آن طفل را با هم خوردند و
روز دیگر مادر طفل دیگر بخوردن فرزند خود راضی نشد محاکمه را بر دانیال
بردند گفت کار شما باینجا رسیده پس دعا کرد که خدایا کودکان و بیگناهان را
بگناه کشتیبان مگیر و مواخذه مکن و بر ایشان رحم فرمای پس باران آمد و
قحط زایل گشت و مرویست که فضل نان جو بر سایر نانها مثل فضل ما است
بر سایر ناس و دوای هر علّت و صاحب سل را هیچ چیز نافع تر از نان برنج نیست
و روایات بسیار آمده که ما اهل بیت گوشت بسیار تناول کنیم و بسیار دوست
داریم و دوست داریم کسی را که گوشت دوست دارد و سیّد طعامها گوشت است
در دنیا و آخرت و هر کس چهل روز گوشت نخورد بدخلق شود و در گوشش
اوازان باید گفت و مستحب است هر سه روز گوشت خوردن و در یک روز
دو مرتبه نباید خورد و بهترین گوشتها گوشت گوسفند است و مرویست
که اگر بهتر از آن بودی از فدای اسمعیل ع فرستادی و گوشت کبک تب را
دفع کند و بهترین اعضای حیوان اعالی بدنست و مذموم ترین اعضا که

بموضع بول نزدیکتر وسید طعام کوشت وبرنج است وبرنج بواسیر را
قطع کند ومریض را نافع بود وهریسه مایده ایست که بر حضرت ص نازل
کشته وچهل روز قوت عبادت افزاید وعدس دل را رقیق کند واشک را
روان کرداند وباقلا دماغ وساقین را قوت دهد وخون صالح از آن
تولد کند وپنیر وکردو هریك بدون دیکری ضرر کند وباهم نافع باشند
ودر روایت دیکر آمده که پنیر در روز ضرر کند ودر شب نافع باشد وازامام
جعفر ع مرویست که فرموده چه خوب لقمه ایست پنیر که دهن را خوش
طعم وخوش بو کند وطعام را هضم کند واشتها آورد وهر کس اول ماه پنیر
بخورد امید هست که دران ماه دعایش رد نشود وخربزه آبش رحمت است
وشیرینیش راحت وبیك لقمه هفتاد هزار حسنه ثبت شود وهفتاد هزار
سیئه محو کردد وناشتا نباید خورد که مورث فالج است وانکور رازقی
از میوهای بهشت وانکور سیاه غم را زایل کند وهر که هر روز ناشتا بیست و
یك دانه مویز سرخ بخورد از جمیع امراض کردد مکر مرض الموت ومرویست که الله
تعالی صد وبیست نوع بشما داده وسید همه میوها انار است وفرزند را نیکو
کند واکر کرسنه بخورد سیر شود واکر بر طعام بخورد هضم کند ودر هر انار
دانه از بهشت هست واز بهر تنها وتمام باید خورد تا دانه بهشت فوت نشود

وهر که یك انار تمام بخورد خدای تعالی چهل روز شیطان را از دور کند و
اکر دو انار بخورد صد روز واکر سه انار بخورد یکسال وهر که یکسال شیطان
از دور شود کناه نکند وبه بهشت رود ودر روایت دیکر آمده که هر که
یك دانه انار بخورد دل او را نورانی کند وچهل روز شیطان وسوسه را
بیمار کند وهیچ دانه انار داخل شکم مؤمن نشود مکر که دوای چهل کوفت
باشد وسیب سحر وزهر وسایر عوارض وبلغم ووبا ورعاف وتب را
دفع کند وامام جعفر ع فرموده ما اهل بیت بیماران خود را بسیب وآب
سرد مداوا کنیم شما نیز بیماران خود را بدهید که هیچ چیز نافع تر از آن نیست
راوی کوید اهل بیت من بیمار بوده ند ایشان را سیب دادم همه صحت یافتند و
خوردن سیب ناشتا معده را قوت دهد وزهر جانوران را هیچ چیز نافع تر
از سیب نیست که بیاشامند وآشامیدن آرد سیب در رعاف نیز واقع شده
وبه معده ودل را قوت دهد ورنك رو را صاف کند ودل را دلیر کند
وفرزند را جمیل کند خصوصا ناشتا که بخورند غم را ببرد همچنانکه انکشت عرق
پیشانی را پاك کند ودل وچشم را جلا دهد وعقل را بیفزاید ومحبت در دل
زیاده کند وهر که یك به بخورد الله تعالی چهل روز زبانش را بحکمت جاری
کند واکر سه روز ناشتا بخورد ذهن صفا یابد ودل از علم وعقل مملو کردد

و از کید ابلیس و جنودش محفوظ گردد امرود دل را قوت دهد و معده را
دباغت کند و دردهای درون را تسکین دهد و بر بالای طعام نافعتر
است و دلگیری ببرد و انجیر شبیه ترین میوه هاست بمیوهٔ بهشت و بواسیر
و نقرس را قطع کند و بوی دهن ببرد و استخوان محکم گرداند و هر علتی را
نافع باشد و محتاج بهیچ دوا نباشد کدو دماغ را قوت دهد و عقل را
زیاد کند و پیغمبر صلی الله علیه و آله و چون در خانه اش طعام می پختند میفرمودند
تا کدو در آن بسیار کنند چغندر بر کناره فردوس روئید و برگ آن عرق
جذام را قطع کند و برسام را هیچ چیز نافعتر از آن نبود و بیماران را نافع باشد
و موجب خواب و استراحت ایشان بود و هیچ الم در آن نبود و از بادنجان احتراز
باید کرد که تهیج سودا کند گزر را مانست از قولنج و بواسیر و در مباشرت معین
باشد بادنجان امانست از برص و لاکام را نافع بود و المی در آن نباشد و
درسرها و گرما پیر و جوان را موافق باشد پیاز بلغم را ببرد و خون صاف
کند و دهن را خوشبو کند و عقل را بیفزاید و اعصاب را محکم سازد و مجامعت را
اعانت کند و گوشت دندان محکم کند و وصیت که چون داخل بلدی شوید
از پیاز آن بخورید که تغییرات آب و هوا را نافع است و گندنا سید سبزیهاست
هر روز هفت قطره از بهشت بر آن ریزد و بواسیر را قطع کند و دهن را خوشبو

گرداند

گرداند و بادها را بشکند و امانست از جذام و کسی که بر آن مداومت نماید و چون
سه روز بخورد سپرز را نافع باشد و کاسنی سید سبزیهاست هر روز قطره
از بهشت بر آن ریزند پس نباید آنرا افشانیدن و شستن و سبزی پیغمبر صلی الله
علیه و آله است و اولاد ذکور بسیار کند و مرویست که فضل آن بر سایر سبزیها
مثل فضل ماست بر سایر ناس و دوای هزار علتست و هر کس وقت خوابیدن
هفت برگ از آن بخورد آن شب از قولنج ایمن بود و اگر روز جمعه پیش از
نماز هفت برگ بخورد و از اهل بهشت شود و مسموع گشته که اگر تخم کاسنی را
بکارند بعد از آن دو مرتبه دست نشان کنند لطیف و شیرین شود بادروج
که بفارسی بادرنجبویه گویند سبزی امیرالمؤمنین ع است و اهل بهشت تزیین
که بادرنجبویه گویند
خوان بآن نمایند و امانست از جذام و هر علتی و امام موسی ع فرموده دوست
دارم که پیش از طعام بخورم که رسته بگشاید و اشتها آرد و دفع سل کند و چون
پیش از طعام بخورم بعد از آن هرچه بخورم پروا نکنم و اگر بعد از طعام بخورم
هضم طعام کند و دفع ثقل نماید و بوی دهن خوش کند برگ ترب طعام را
هضم کند و بادها دفع کند و بول براند و بیخش بلغم را قطع کند و هر که دو شب
جرجیر بخورد که آنرا تره تیزک گویند از جذام و برص ایمن نباشد فادوت
که فادوت گویند
بوم کلهی ساخته شده گوشت برویاند و استخوان سخت کند و برص ببرد و

بلغم و صفرا قطع کند و هفتاد نوع بلا دفع نماید و اگر بعد از طعام بخورند
معین هضم باشد و در روایتی آمده که مرمات قاووت را با شکر بخورند
کما نشیانرا مضر باشد و اگر هفت مرتبه با آب بشویند بعد از آن بقدح
دیگر بریزند تب را ببرد و تقویت ساق و قدم کند و کسی که بمرض برسام
مبتلا گشته امام جعفر ع فرمود قاووت جو بدهید شاید که شفا یافت و
قاووت عدس تشنگی بنشاند و معده را قوت دهد و هیجان خون را
ساکن گرداند و حرارت اندرون را بنشاند و دوای هفتاد علت بود
و مرویست زنی را حیض غلبه کرده بود تا آنکه مشرف بموت شده بود
امام محمد باقر ع فرمود قاووت عدس دادند شامید صحت یافت و کسیکه تخم
مداومت کند اولادش بسیار شود و ماهی بسیار خوردن بدن را لاغر میکند
و اگر کسی شب ماهی بخورد و بر سر آن چند دانه خرما یا عسل نخورد بیم
فالج بود و چربی گوشت هر لقمه که داخل بدن شود آنقدر کوفت از وی برون
کند و روغن دواست و مرویست که چون کسی به پنجاه سال رسد شب
نخابد و حال آنکه روغن خورده باشد که موافق مزاج ایشان نیست

فصل نوزدهم در فضایل آب مرویست از ائمه طاهرین ع که سید اشربه جنت آبست
و هر کس از آب ملتذ شود خدای تعالی او را از اشربه بهشت ملتذ گرداند

وگویا معنی ملتذ شدن از آب اینست که وقت دادن این نعمت و تفضل الهی در عطای
آن بداند و یکی از اطبا امام موسی ع را از آب منع کرد آنحضرت فرمود چرا منع
میکنی آب طعام را هضم کند و صفرا را تسکین کند و طغیان حرارت کند و غضب را
بنشاند و عقل را بیفزاید اما افراط نباید کرد و ناشتا نباید آشامید که گردد
تابستان که ماده هر علت است و امراض بسیار از آن متولد شود و سؤر مؤمن
خواه آب و خواه غیر آب شفای هفتاد مرض است و هر که سؤر مؤمن را تبرکا
بیاشامد خدای تعالی فرشته خلق کند که از برای ایشان استغفار
کند تا روز قیامت آب زمزم دوای هر مرض است امام جعفر علیه السلم
احوال بیماری پرسید شخصی گفت او را بموت کار شتم گفت اگر من بجای شما
میبودم آب زمزم میزاب یعنی ناودان کعبه با او میدادم راوی گوید آب
میزاب با او دادیم هما ساعت شفا یافت و آب باران بر خواندن از کلام پاک
کند تب و وسوسه شیطان دفع کند و ایمان را در دل ثابت کند آب
فرات دو ناودان از بهشت بوی میریزند و فرشته هر شب از آسمان
آید و سه مثقال از مشک بهشت در آن میریزند و در روی زمین نهری
مبارکتر از آن نیست و آب جوشیده بهر علتی نافع و بهیچ چیز ضرر نکند و
اگر آب را بجوشانند که هفت جوش بزند پس بظرف دیگر کنند و بنوشند

تبدا ببرد ساق وقدم را قوت دهد و باب کرم کر بوی کبریت کند
و آبهای تلخ بر طعم مدار و انیابی کرد کر در طوفان اجابت فوج ع نکردند
پس ایشان را لعن کرد شخصی روزی بجهت مدارا متوجه چنین آبی بود بخدمت
امام حسن و امام حسین علیهما السلم ملاقات نمود فرمودند کمان نیست
کر چنین را الله تعالی لعن کرده شفا در آن کذاشته باشد زیرا کر چشمه
اجابت فوج ع نکردند و ملعون کشتند و تلخ و شور شدند و بروایت
دیکر فرمودند آبی کر هر روز سه مرتبه انکار ولایت ما کنند مدارا بآن
میکنی نیز لکن الله تعالی ولایت ما را بر آبها عرض کرد هر کدام قبول نمودند
عذب و طیب شدند و آنکه انکار کرد تلخ و شور شد اما آداب آشامیدن
آب آنست کر روز ایستاده آشامیدن آب افضلست برای قوت و صحت
بدن و هضم طعام و شب نشسته کر ایستاده مورث صفراست و عرق
جذام را بحرکت آورد و آشامیدن بنحوی مکیدن باشد کر بغیر آن باعث
وجع سپرز شود و بسه نفس آشامیدن افضلست و روایت دیکر آمده
کر کسی کر آب آورده اکر مملوک باشد بسه نفس بیاشامد و اکر آزاد باشد
بیک نفس و در وقت آشامیدن بسم الله کوید تا شیطان شریک نشود
و اکر این دعا کوید افضلست الحمد لله منزل الماء مصرف الامر کیف یشاء

بسم

بسم الله خیر الاسماء و اکر در شب آب بنوشد برا حرکت دهد و سه مرتبه
بکوید علیک السلام من ماء زمزم و ماء الفرات از مضرتش ایمن باشد و مکروه
بسه نفس آب بیاشامد و در هر نفس بسم الله بکوید هنوز سیر نشده سر بر دارد
والحمد لله بکوید تا آن دشکش باشد برای او تسبیح کند و بهشت او را واجب
شود و از پیش دسته و جانب شکسته کوزه نیاشامد کر هر دو مقام
شیطانست و بعد از آب خوردن بکوید الحمد لله الذی سقانی ماء
عذبا و لم یجعله اجاجا بذنوبی الحمد لله الذی سقانی فاروانی و اعطانی
فاعطانی فارضانی و عافانی و کفانی اللهم اجعلنی ممن تسقیه من
حوض محمد صلی الله علیه و آله و تسعده بمرافقته برحمتک یا ارحم
الراحمین مرویست کر روزی امام جعفر ع آب آشامید پس چشم مبارکش
پر اشک کشت و کفت لعن الله قاتل الحسین پس فرمود هر کر بعد از آب خوردن
امام حسین علیه السلم و اهل بیتش علیهم السلم را یاد کند و بر قاتلش لعن کند
خدای تعالی برای او صد هزار حسنه نویسد و صد هزار سیئه محو کند و صد
هزار درجه بلند کرداند و چنان باشد کر صد هزار بنده آزاد کند و چون روز
قیامت محشور شود جکرش خنک باشد و تشنکی و حرارت نداشته باشد و مستحب است
کوزه را پوشیدن کر شیطان سر کوزه پوشیده را نکشاید فصل بیستم در فضایل ضیافت

از ائمه علیهم السلام مرویست که چون مهمان داخل خانه شود در زقش با او از
آسمان آید و چون طعام می‌خورد گناهان اهل آن خانه آمرزیده شود امام
جعفر ع از یکی از اصحاب خود پرسید که شیعیان ما هیچ دعوت می‌کنی
گفت هیچ وقت طعام نخوردم مگر دو سه نفر کمتر یا بیشتر از ایشان با من
باشند فرمود فضل ایشان بر تو بیشتر است از فضل تو بر ایشان گفت
من ایشان را طعام می‌دهم و بخانه خود می‌آورم و فضل ایشان بیشتر است
فرمود بلی چون داخل خانه تو شوند با مغفرت تو و عیال تو داخل شوند
و چون بیرون روند گناهان شما را بیرون برند و باز مرویست که هر که
مومنی را سیر کند هیچکس جزای او را نداند نه ملک مقرب و نه پیغمبر مرسل مگر
الله تعالی و مغفرت گناهانش لازم گردد و بهشت واجب و از نعمتهای
بهشت عوض یابد و بهتر است از آنکه یک افق از مردم آزاد کند پرسیدند
که یک افق چند است فرمودند صد هزار یا بیشتر و هر که دهن مومنی را شیرین بلقمه
کند تلخی روز قیامت نه بیند و فضایل طعام مومن بتفصیل انشاء الله
ذکر خواهد شد و هر که مومن تشنه را آب دهد الله تعالی او را از رحیق
مختوم سیراب گرداند و اگر در جای آب دهد که آب باشد چنانست که
یک بنده آزاد کند و بهر یک شربت آب هفتاد هزار حسنه عطا فرماید و اگر

در جائی آب دهد که آب نباشد چنانست که ده بنده از اولاد اسمعیل
آزاد کند و نفسی زنده کرده اند چنانست که تمام ناس را زنده کرده باشد و هر کس
جگر تشنه را از انسان یا حیوان آب دهد در سایه عرش خدا باشد در روزیکه
هیچکس را پناهی نبود و از ائمه مرویست که هر کس ایمان بخدا و روز قیامت
دارد مهمان را اکرام نماید و چون کسی بخانه کسی وارد شود باید طعام بر و
عرض کنند اگر میل نکند آب عرض کند اگر رغبت ننماید آب وضو معروض دارد
و نباید گذاشت که مهمان متوجه کاری شود مرویست که حضرت امام رضا ع را
مهمانی وارد شد در شب خواست که فتیله چراغ را درستی نماید آنحضرت
منع فرمود و خود متوجه آن گشتند و فرمودند که ما اهل بیت مهمان را
بخدمت نکذاریم و مرویست که چون مهمان داخل شود در آوردن رخت
و اسباب او را مدد کنند و چون بیرون رود مدد مکنید و از جمله اکرام
مهمان اینست که خلال مهیا کنند و تا او در طعام خوردن باشد رفاقت
نماید و تا او دست نکشد دست نباید کشید و اگر مهمان خود وارد شود
برایش تکلف نباید کرد بلکه هر چه در خانه باشد اکتفا باید نمود و اگر دعوت
کرده باشد تکلفی که مقدور باشد باید کرد و مرویست که معلوم نیست که کدام
عجیب‌تر باشد مهمانی که میزبان را بر تکلف دارد یا میزبانی که برای مهمان تکلف

کنند و مروتیست که هلاک شود میزبانی که آنچه در خانه دارد برای مهمان
حقیر شمارد و مهمانی که آنچه برایش آرند حقیر انگارد و روایات بسیار آمده
که محبت دوستان ما هم ازین توان دانست که طعام یکدیگر را از روی رغبت
و انبساط و شکفتگی خورند یا از روی کراهت و گرفتگی از انجمله یکی از
امام جعفر گوید روزی بخدمت آنحضرت رفتم فرمود طعام آوردند قدری
خوردم و دست کشیدم فرمود بخور گفتم خوردم بس است فرمود دیگر
بخور نمیدانی که محبت دوستان باین معلوم شود که طعام یکدیگر را از روی
انبساط و رغبت خورند پس با انگشت مبارک طعام و جمع میفرمود و من
میخوردم و دیگر چون مؤمن کسی را دعوت کند اجابت باین نمود که احادیث
بسیار آمده که اجابت دعوت مؤمن از جمله حقوق واجبست که مؤمنان را
بر یکدیگر تا بهشت و پیغمبر فرمود وصیت میکنم حاضر و غایب امت خود را
که اجابت مسلم از جمله حقوق دینست اما در مجالسی که معصیت کنند و طعامهای
حرام و مشتبه و طعامی که اغنیا در ان باشند و فقرا نباشند اجابت نباید
کرد که اخبار بسیار آمده و نهی بلیغ شده و امثال این مجالس موجب معصیت
و دوری از خدا و قساوت قلب و محبت دنیا آورد و اگر کسی نطلبیده چون
بشنود طعامی در جائی هست برود هر چه از ان بخورد چنانست که پاره

آتش بخورد و چون کسی را بطعامی دعوت کنند دیگری را بی دعوت با خود
ببرد غاصب باشد و هر چه خورد حرام باشد مگر جمعی که محبت و اختلاط
و ربط در میان داشته باشند و بیگانگی در میان نباشد و گمان مانعی و
عذری از جانب صاحب طعام نباشد در این صورت ایشان را رسد که بی اذن
در خانه یکدیگر طعام خورند و بیکدیگر نیز دهند **فصل بیست و یکم** در آداب سکنی
مرویست از ائمه علیهم السلام که در شهر و مکانی که عبادت خدا چنانچه باید بکرد
مقدور نباشد توطن و اقامت نباید نمود بلکه سفر نیز بچنین موضع نباید
کرد و الله تعالی در قرآن مجید میفرماید چون روز قیامت با ایشان گویند
که چرا در عبادت تقصیر کردید گویند در مکانی که ما بودیم مقدور نبود پس
بر سبیل عتاب و توبیخ فرماید که مگر زمین خدا تنگ بود که نقل ننمودید
نقل نمود پس ماوای ایشان جهنم باشد مگر جمعی که ضعیف و عاجز باشند
و قادر بر نقل و تحویل نباشند که ایشان معذور باشند و باین سبب است
که مردم کوهستان و قری و صحرانشینان و همچنین مردمی که در بلاد مخالفین
توطن کنند و اولاد ایشان و همچنین جمعی که در گوشها نشینند و بعلما
و اهل دین تردد نکنند از آثار و مراسم دین و آداب معالم ایمان بیخبر باشند
و جهل و حب دنیا و اخلاق و صفات سباع و حیوانات در ایشان غالب

باشد و باین سبب که این همه تاکید وامر و زیادت و الفت و مخالطت
مؤمنان وارد شده چنانچه قبل ازین شمهٔ ازان مذکور ساختیم و نیز
از ائمه علیهم السلام پرسیدند که بعضی مردم خلوت اختیار میکنند و ترک
تردد میان مردم کیرند فرمودند پس دین خود را چکونه بدست می آرند
و اخبار بسیار آمده که چون کسی تنها باشد شیطان برو دست یابد و
شیطان با تنهایان باشد و مرویست که از جمله سعادت مرد وسعت فضای
خانه است و خوبی همسایه و شآمت خانه تنکی فضا ست و بدی همسایه
و فرمودند اول همسایه را اختیار کنید بعد از ان خانه و بنائی که زیاده بر قدر
کفاف باشد روز قیامت وبال بود و هر که زیاده بر کفاف بنائی کند برای
مباهات و تفاخر بر همسایکان و مؤمنان روز قیامت آن خانه را تا زمین
هفتم آتش کنند شعله وز و طوق کردنش کردانند پس در قعر دوزخ
افکنند مکر آنکه توبه کند و هر که زکوة مال ندهد یا مالی از حرام کسب کند
خدای تعالی آب و کل را برو مسلط کرداند تا بناهای زیاده کند و در پی میرد
و برو وبال شود و فرشتهٔ موکلست که هر کرا ارتفاع سقف خانه زیاده
از هشت ذراع کند بد و کوید ای فاسق بکجا میروی و هر چه زیاده از هشت
ذراع بود شیطان و جن مسکن کنند و اکر خانه زیاده ساخته باشد در آن

زیادتی

زیادتی آیة الکرسی بنویسند تا دفع جن و شیطان کند و در خانه که سک
یا صورت انسان یا حیوان یا ظرفی که در آن بول کنند باشد ملائکه داخل
نشوند اما اکر صورت فروش یا چیزهائی باشد که پا بر آن کذارند باکی نبود
و پشتی و پردهٔ که صورت داشته باشد باید در وقت نماز بر کردانند و
دستمال چرب و خانه عنکبوت در خانه نکذارند که هر دو جای شیطان باشد
و مرویست که خانه را جاروب کنید تا شبیه بیهود نشوید و جاروب
کردن خانه دفع فقر کند و خاک روبه را در خانه و نزدیک خانه نباید کذاشت
که شیاطین جمعیت کنند و امام جعفر علیه السلام فرمود که خروس سفید دوست
من و دوست هر مؤمنی است و خروس سفید افرق یعنی آنکه تاج شق و پاره
باشد خانه صاحب خود و هفت خانه حوالی آنرا حراست کند و یکبال افشاندن
کبوتر خال دار بهتر است از هفت خروس افرق و خانه که کبوتر در آن باشد
از فرود آمدن آفت ایمن باشد و جن دفع شود و اهل آن خانه را از ایشان آفت
نرسد و مرویست که کبوتر پر پا در خانها نکاه دارید که قاتلان امام حسین
علیه السلام را لعن میکنند و در شان ذکر و تسبیح خدا بیشتر از هر چیز کند
و دوستدار اهل بیت علیهم السلام است صاحب کنز اللغة کوید در شان کبوتر
صراحیست و صاحب اختیارات کوید بفارسی مرغ اللهی کویند و فاخته در خانه

مرویست که حضرت رسول صلعم در تابستان
روز پنجشنبه از خانه بیرون میرفته و چون
هوا سرد می شد روز جمعه باز بیرون میرفت
و در روایت دیگر هم روز و هم شب جمعه وارد شده

باید داشت که صاحب خانه را تعزیت کنند و چون کسی خواهد که خانه
نو بنا کند مستحب است که گوسفندی ذبح کند و طعامی ساخته صرف مساکین
کند و بگوید اَللّٰهُمَّ اَخْرِجْ عَنِّی وَعَنْ اَهْلِی وَ وُلْدِی مَرَدَّدَةَ الْجِنِّ وَالشَّیَاطِیْنِ
وَبَارِکْ لِی فِیْهِ بِنُزُوْلِی که آنچه سؤال کرده خدای تعالی عطا فرماید

فصل بیست و دویم

در فواید مرویست از اهل بیت علیهم السلام که در ابتدا کارها بسم الله بگویید
تا از شر شیطان ایمن شوید چون روز قیامت نامهٔ قبایح و فضایح اعمال
بنده را بدستش دهند عجب عادتی که در دنیا داشته بسم الله الرحمن الرحیم
گوید و نامه را بگشاید همه را سفید بیند و هیچ نوشته از دنیا بر آن
حالت سؤال کند ملائکه گویند این نامه مملو بود از سیئات و معاصی تو
اما برکت این کلمهٔ مبارکه همه عفو و محو گشت و کلینی از حضرت ابی عبد الله
علیه السلام که چون بنده بخرد متاعی قیمت او را با و چنان کن که نه بیند قیمت
خود را در کفهٔ تو از و هرگاه بر بیند دیگر خیری در و نیست هرگاه خریدی بنده
اسم بگذار با و و چیزی از شیرینی با و اطعام کن که بخورد و تصدق کن از برای او
بقدر چهار درهم تخمیناً دویست و پنجاه دینار میشود الحدیث مرویست که
چون روز قیامت بنده را امر بدوزخ کنند بسم الله بگوید و قدم در آن نهد
آتش هفتاد ساله راه از و دور شود مرویست که چون کسی در ابتدا کارها

بسم الله الرحمن الرحیم نگوید حق تعالی او را بمکر و هی مبتلا کند تا متنبه
شود و گناه آن تقصیر از و زایل گردد و در کارهای بزرگ و عزیز ابتدا بصدقه
و دعا و استعاذه کند که اگر ضرری در آن باشد دفع گردد و شروع در کارها
در اول روز بهتر است که احادیث متعدده وارد شده که اول روز مبارک است
و مرویست از حضرت امیر المؤمنین ع که در هر ماه دو روز نحس است و اگر
کاری در آن روز شروع شود با تمام نرسد و اگر طفلی در آن روز متولد شود
نماند و اگر بجنگ رود ظفر نیابد و اگر درختی نشاند نمو نکند باین تفصیل
محرم یازدهم و چهاردهم صفر اول و بیستم ربیع الاول دهم و بیستم ربیع الثانی
اول و یازدهم جمادی الاول دهم و یازدهم جمادی الثانی اول و یازدهم رجب
و سیزدهم شعبان چهاردهم و بیستم ذی الحجه هشتم و بیستم و از حضرت
امام جعفر ع مرویست که در هر ماه یک روز نحس است که هر کس از آنها
اجتناب بکند از مکاره ایمن باشد و هر که در آنها کاری کند از مکروهی ایمن
نباشد باین تفصیل محرم بیست و دویم صفر دهم ربیع الاول چهارم ربیع
الثانی و جمادی الاول بیست و هشتم جمادی الثانی و رجب دوازدهم شعبان
بیست و ششم رمضان المبارک بیست و چهارم شوال دویم ذو القعده بیست
و هشتم ذو الحجه هشتم از حضرت صادق ع مرویست که در هر ماه هفت

روز نحس بنوروز بیاثانزده
بیست و یک بیست و چهار و بیست و پنج

روز نحس است چنانچه مشهور است اما این حساب در ماه قدیم است
کر ظاهرا اول سالش روز نوروز باشد و هر ماهی سی روز تا آخر سال مشمرند
و احادیث بسیار در نحوست روز عاشورا در روز دوشنبه و چهار شنبه
آمده چنانچه ذکر خواهد شد انشا الله و در روایت دیگر آمده که در روزها
دشمنی نکنید تا آنها با شما دشمنی نکنند و از پیغمبر صم مرویست که هر که
در روز یکشنبه جامه ببرد مبارک نبود و در آن جامه غمگین شود و
در روز دوشنبه مبارکست و روز سه شنبه دزد برده شود یا بسوزد
و یا در آب ضایع شود و چهار شنبه در آن جامه روزی یابد و مکروهی
نه بیند و بخوشحالی گذراند پنجشنبه در آن جامه علمی او را روزی شود و در نزد
مردم مکرم باشد و در روز جمعه عمر و دولتش زیاد شود و شنبه در آن جامه
بیمار باشد مگر آنکه او را بکسی بدهد اما چنانکه از بسیار احادیث معلومست
اینست که در هر کاری چون توکل بر خدا کند و متوسل بصدقه و دعا شوند
از همه چیزها ایمن کردند و مناسب این مقام است تحقیق علم نجوم و آن
چنانست که احادیث بسیار که ذکر همه آنها در اینجا نگنجد و براهین عقلیه
نیز صریح است درین که الله تعالی بمقتضای حکمت کامله و مصلحت شامله
در کارخانهٔ صنعت خود هر کاری بکار فرمانی مرجوع ساخته و برای نظام

هر امری امیری تعیین فرموده و از انجمله حوادث و جزئیات عالم کون و
فساد را از خیرات و شرور بملائکه آسمانها که آفتاب و ماه و کواکب و نجوم
همه جنود و اعوان و خدام ایشان اند مرجوع کردانیده و ایشانرا بر نسق
و نظام نشاء دنیا مقرر فرموده و هیچ جزئی از جزئیات درین عالم حادث
نشود مگر بتاثیر و امر ایشان باذن الله العزیز الحکیم اما بچند سبب اهل بیت
نبوت و حکمت امت را از تعلیم و پیروی آن منع فرموده اند اول آنکه چنانکه
منجمین معترفند بان احکام تاثیرات کواکب و حرکات افلاک و خصوص
نسب و اوضاع آنها باهم معارضه کنند و باهم مقاومت نمایند چه بسیار باشد
نظری و وضعی خاص مقتضی اثری باشد و نظری و وضعی دیگر خلاف آن
باشد و با او مقاومت کند بلکه بر او زیادتی نماید و همه ملائکه و کواکب را
حد و عدد و خصوص و تاثیرات احکام ایشانرا اما انسانرا غیر اهل بیت نبوت
و دیگری نداند و اطلاع بر حقایق همه آنها غیر ایشان کسی نتوانند و انچه از
انجمله در نجوم مضبوط است عددی محصور است و آن نیز در عقد رصد و
استخراج زیج و صنعت اسطرلاب و کتابت تقویم از سهو و غلط مصون نیست
پس با وجود این همه قصور پیروی آن سوای حیرت و تضییع عمر حاصلی نیست
و مؤید این اینست که کسی از حضرت امام ابی عبدالله علیه السلم پرسید که علم نجوم میکنم و
منقول فی روضة الکافی

مردم منع میکنند که ضرر بدین من دارد ترک کنم فرمود ضرر ندارد اما
علمیست که بسیارش را نمیدانند و کمش نفع ندارد بعد از آن فرمود که شما
بطالع قمر حساب میکنید پس فرمود یا سید آیا میدانی چند دقیقه است مابین
مشتری و زهره گفت بخدا نمیدانم پس فرمود می دانی چند دقیقه است میان
زهره و قمر گفت لا والله پس فرمود چند دقیقه است میان شمس و سنبله گفت
نه والله و نشنیده ام از هیچیک از منجمین هرگز فرمود آیا میدانی میان سکینه
و میان لوح محفوظ چند دقیقه است گفت نه والله و نشنیده ام از منجمی هرگز که
بگوید مابین هیچیک از اینها را شصت دقیقه یا نود دقیقه عبد الرحمن راوی
این حدیث میگوید شصت یا نود را شک داشته که کدام را گفت و تردد
عدد از راویست پس گفت یا عبد الرحمن این حسابیرا که حساب بکنند و دانند
مردی تواند دانست که هر نی که در میان نیستانست در چهار طرفش از زمین
و نیستانها و خلف چند عدد نی است تا آنکه یک نی از علم او بیرون نرود
دویم آنکه تاثیرات حرکات افلاک و کواکب بحسب اختلاف طالع مولود ناس
مختلف شود زیرا که نظر خاص با طالع خاص اثری کند و با طالع دیگر تاثیر دیگر
کند و اگر نه لازم آید که چون چند کس در یک ساعت کاری کنند برای همه
یک اثر داشته باشد و حال آنکه بحسب تجربه بر خلاف اینست و تخلفی بحضرت امام ع

از نجوم سؤال نموده بود فرمود که چه میگوئی چون دو لشکر با هم ملاقات
کنند و هر کدام منجمی دارند که برای ایشان اختیار ساعات سعد میکنند و
یکی منصور و یکی مقهور میگردد پس نحوست در آنوقت در کجا بود بعد از آن
فرمود که این حسابرا کسی داند که موالید خلق را داند سیم که این اهم از همه است و
آنکه مقصود اصلی از دین مبین اینست که دل خلق را از هر چه غیر
خداست بخدا باز گرداند و توکل و اعتماد در جمیع احوال بر خدا داشته باشد
و چون آدمی در مجاری احوال از سعد و نحس ساعات خبر نداشته باشد ناچار
دست از همه اسباب کشته متشبث برحمت خدا شود و از همه جز نومید
و اعتماد بر این توکل بخدا کند و دم بدم مترصد فضل و منتظر رحمت او باشد
و از هیچکس غیر او امید توقعی نداشته باشد و با وجود این غرض اصلیست
که متوسل بصدقات و ادعیه و اذکار و معترف بتقصیر و ذنوب و استغفار
شود و بثواب آن فایض گردد پس اگر آن ساعت در واقع سعد باشد و شری
در آن امر که مقصود اوست معتقد نباشد با وجود آن همه فضایل کارش نیز
بسامان بلکه بسبب آن توسلات بسا تاثیر و سعادتش بیشتر باشد و اگر
آن ساعت در واقع نحوستی داشته باشد پس آن نحوست که از امور محتومه
لازمه نباشد بصدقات و توسلات مرتفع گردد و بان فضایل و حصول

مطالب نیز فایض گردد و اگر امور محتوم باشد البته اثر کند بفضائل و
توسلات فائز گردد و شری که از نحوست ساعت روی دهد موجب زیادتی
حسنات و محو سیئات و رفع درجات گردد چنانکه مرویست که خاری
بپای مؤمنی نرود مگر آنکه برای او حسنه ثبت شود و سیئه محو گردد و امثال
این روایات بسیار است بخلاف آنکه بعضی از عصیان اگر اطلاع بر سعد و
نحس ساعت داشته باشند اعتماد بر آن کرده بقدر آنکه اعتماد کنند توکل
والتجاء ایشان بجناب الهی نقصان یابد و قصور پذیرد و گاه باشد که بسبب اعتماد
بر سعادت ساعت از فضایل صدقه و دعا و سایر وسایل بالکلیه یا
از بعضی انها محروم گردد و از نحوست در ساعت که بیند از هر ان فضایل
محروم کشته از مطالب و از کرامات اخروی بر تقدیر تاثیر نحوست بی نصیب
ماند و چون این جمله دانسته شد بدانکه نحوست بعض ایام و ساعات در احادیث
وارد شده که بعضی از انها در اینمقام مذکور شد و بعضی در باب آداب سفر
نقل نمودیم و مرویست که نکاح و ابتدا سفر در تحت الشعاع و قمر در عقرب
نکنید و مخفی نماند که این وجوه که برای نفی عمل نجوم مذکور شد در این قسم
ساعات نیز جاریست چه تواند بود که روز چهارشنبه مثلا بحسب طبیعت
خود نحس باشد اما اگر بسعادت دعا و صدقه یا بسعادت فلان روز

چندم فلان ماه یا بسعادت طالع مولودی شود مساوی شوند
بلکه گاه باشد که سعادت این غالب شود و باین سبب است که اهل بیت
علیهم السلام همه امت را از این اوقات منحوسه نهی نموده و اهتمام در اجتناب
از انها نفرموده اند بلکه همه را امر بدعا و صدقه و بسم الله و توکل بر خدا
فرموده و فرموده اند با روزها عداوت مکنید تا روزها با شما عداوت
نکنند و امثال آن که اگر نحوستی باشد ببرکت این وسائل دفع گردد و اگر
سعادتش زیاده شود و حرج لازم نیاید و در کارهای دشوار بگوید
بگوید لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم که حمله عرش چون از برداشتن
عاجز شوند حوقله گفتند برداشتن آسان گشت چون در کاری گویید میکنیم
یا مکنیم موقوف بمشیت الهی ساخته بگویید ان شاء الله مرویست که از پیغمبر ص
مسئله پرسیدند فرمود فردا جواب میگویم ان شاء الله نگفت چهل روز پیشتر وحی
از آنحضرت محبوس شد تا آنکه تنگی بآنحضرت نمودند و غبار ملال از آن جهة
بر خاطر انور نشست پس از روی تادیب و تعلیم این آیه نازل شد که
وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ و حضرت سلیمان ع گفت
با هفتاد زن مباشرت کنم و هفتاد پسر متولد شود که در راه خدا جهاد کنند
و ان شاء الله نگفت هیچیک حامله نشدند مگر یکی از ان نیز نصف طفلی آورد و

مرویست که اگر گفته میشود انشا الله جایز می بود نذر که بجا کنند
وحضرت صادق ع باصحاب فرمود کتابتی برای مطالب خیلی کسی
نوشتند چون بعرض انحضرت رسید فرمود انشا الله ننوشته اید
چون توقع ساخته شدن کارها دارید پس فرمود در هر مطلبی
انشا الله نوشتند **استخاره** چون در کارها متردد باشید استخاره
ودر استخاره طرق متعدد روایت شده از انجمله چند قسم را ذکر کنیم
اول استخاره با تسبیح ده مرتبه یا سه مرتبه یا یکمرتبه الحمد وده
مرتبه انا انزلناه بخواند وسه مرتبه بگوید اللّهمّ انی استخیرک لعلمک
بعاقبة الامور واستشیرک لحسن ظنّی بک فی المامول والمحذور
اللّهمّ ان کان الامر الفلانی مما قد نیطت بالبرکة اعجازه وبوادیه
وحفّت بالکرامة ایامه ولیالیه فخر لی فیه خیرة ترد شموسه
ذلولا وتقعض ایامه ~~ولیالیه~~ سرورا اللّهمّ اما امر فاعتمر واما نهی
فانتهی اللّهمّ انی استخیرک برحمتک خیرة فی عافیة وحاجت را
در دل بگذراند پس یکقبضه از تسبیح بگیرد وبشمارد اگر زوج باشد
نکند واگر فرد باشد واگر قصد بعکس این نیز کند تواند بود **دویم استخاره**
باقران الحمد وایة الکرسی وعنده مفاتح الغیب تا اخر آیه وده مرتبه صلوات

بفرستد پس این دعا بخواند اللّهمّ انی توکلت علیک وتفألت بکتابک
فارنی ما هو المکنون فی سرک المخزون فی غیبک اللّهمّ ارنی الحق حقا
حتی اتّبعه وارنی الباطل باطلا حتی اجتنبه برحمتک یا ارحم الراحمین
بعد از ان مصحف را بگشاید ودر صفحه دست چپ الله را بشمرد وبعدد
جلاله از جانب چپ ورق بشمرد پس بان عدد سطر از صفحه چپ بشمرد و بعد
ان سطر آخر مضمون آیه صریحه باشد عمل نماید این قسم علمای اسلام ذکر نموده
وحدیثی که باین قسم باشد ذکر ننموده اند وانچه در حدیث واقع شده اول
ماتر است یعنی چون قران را بگشائی اول آیه که در سر صفحه است نگاه کن
وانچه باشد بنا بر ان کذا در **سیم استخاره** ذات الرقاع است بر شش پاره کاغذ
بنویسید بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلان ترا بنویسید
بعد از ان بر سه کاغذ افعل وبر سه پاره کاغذ دیگر بجای افعل لا تفعل
وکاغذ پارهارا بر زیر سجاده گذارد ودو رکعت نماز گذارد بعد از ان سجده
کند ودر سجده صد مرتبه صلوات بگوید استخیر الله برحمته خیرة فی عافیة
پس بنشیند وبگوید اللّهمّ خر لی واختر لی فی خیر منک وعافیة پس کاغذها را
برهم زند ویک یک تا سه کاغذ بیرون آورد پس اگر هر سه افعل یا هر سه لا تفعل
باشد بمقتضای ان عمل کند واگر مختلف باشد یا پنج کاغذ بیرون آورد پس افعل

یا لا تفعل هر کدام بیشتر باشد چنان کند چهارم آنکه دعا کند و انا لله تعالی
در آن کار طلب خیر کند پس توکل نموده شروع در آن کار نماید اگر کار
سهل مثل بنده خریدن و فروختن و امثال این هفت مرتبه کافی
باشد و اگر کاری بزرگ باشد صد مرتبه بعد عبادت که خواهد
و اگر یکی از دو عبادت کرد در استخاره نات الرقاع گذشت گوید
مستحسن باشد و مرویست که هر که باین دعا هفتاد بار دعا کند
البته آنچه خیر است خدای تعالی برای او اختیار نماید یَا اَبْصَرَ النَّاظِرِینَ
وَیَا اَسْمَعَ السَّامِعِینَ وَیَا اَسْرَعَ الْحَاسِبِینَ وَیَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وَیَا
اَحْکَمَ الْحَاکِمِینَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ وَخِرْلِی فِی کَذَا و حضرت صادق ع
فرمود هر کس از خدای تعالی طلب خیر کند و استخاره نماید و بآنچه
الله تعالی برای او اختیار نماید راضی باشد البته آنچه خیر است الله
تعالی برایش اختیار فرماید و آنحضرت فرمود که چون استخاره کنید بعافیت
و سلامت طلب کنید چه بسا باشد که خیر کسی در قطع ید یا موت
ولد یا بلیه دیگر باشد پنجم مشورت با عقلا مرویست که با عقلا در کارها
مشاورت کنید و آنچه اختیار کنند خلاف آن نکنید که موجب ندامت
باشد و مرویست که هیچ جمعی مشاورت نکنند با کسی که محمد یا احمد یا

یا محمود نام داشته باشند مگر آنکه خیر از برای ایشان اختیار
شود ششم چشم زخم مرویست که ایمن مباش از چشم بر خود و بر دیگری که اثر
چشم حقست و اگر چیزی بر فکر راهی پیش مستی تواند کرد چشم زدن است
و چون از کسی چیزی ببیند که بنظر خوش آید و اما ارک باد کنید و
روایت دیگر آمده که بگویید ما شاء الله لا قوة الا بالله که از ضرر چشم
ایمن شود و روایت دیگر آمده که چون از چشم زخم بترسید و ان
یکاد بخوانید یا سه مرتبه بگویید ما شاء الله لا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ که از
مضرت آن ایمن شوید و نیز مرویست که چون جامهٔ نو بپوشید که
انان خوش آید وقت بیرون رفتن معوذتین بخوانید که انشاء الله از چشم
زخم ایمن شود و امام رضا ع بکسی فرمود که غالیه برای او ساخت چون
بنظر مبارک رسید از آن خوش آمد فرمود الحمد و قل هو الله و معوذتین
و آیة الکرسی بنویس و در غلاف شیشه بگذار که از چشم محفوظ باشد
بشارت چون خبر خوش بشنود بگوید الحمد لله و در روایت دیگر تکبیر بگوید شکر
چون نعمتی یا احسانی یا دفع مکروهی از خدای تعالی برسد بگوید الحمد لله
شکر آن گذارده باشد و اگر دو مرتبه بگوید ثوابش تجدید شود و چون
مرتبه سیم بگوید گناهانش آمرزیده شود و اگر سجده شکر کند ده حسنه نو شته

شود و ده خطیئه عظیم محو گردد و ده درجه بلند شود در بهشت و
مرویست که چون نعمتی که بیشتر شده بیاد آید اگر در جائی باشد که کسی
نه بیند سجده کند و اگر در پیش مردم باشد بهتر آنست که به بهانه پشت
خم کند و قصد سجده و تواضع خدای تعالی کند و اگر سواره باشد فرود
آید و سجده کند و اگر اندیشه شهرت و ریا کند بر قربوس زین سر بگذارد
و اگر نتواند بر کف دست بگذارد و حمد خدا کند و اگر مکروهی و خلاف
خواهشی سانح شود بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰی کُلِّ حَالٍ و نگوید کاش چنین نمی‌بود
و همچنین اگر از کسی انعام و احسان و مهربانی واقع شود شکر و مدح و دعاء
او باید کرد و حق او باید دانست مرویست که هر کس شکر مردم بیشتر شکر خدا
بیشتر کرده و کسی که شکر مردم نکند شکر خدا نکرده و نعمت هر چه کم باشد
خواه از جانب خدا و خواه از مردم چون شکر آن بجای آورد موجب زیادتی
شود و اگر حقیر شمارد و شکر نگذارد موجب حرمان زیاده شود و سبب
سخط و غضب گردد چون کسی را مبتلا به بلیه بیند سه مرتبه آهسته
چنانکه او نشنود بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ عَافَانِیْ مِمَّا ابْتَلَاهُ بِهِ وَلَوْ شَاءَ لَفَعَلَ
هرگز بآن بلای او گرفتار نشود و اگر خواهد چنین بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ
عَافَانِیْ مِمَّا ابْتَلَاکَ بِهِ وَفَضَّلَنِیْ عَلَیْکَ وَعَلٰی کَثِیْرٍ مِمَّنْ خَلَقَ و چون بهوی

با مخالف در دین برا بیند بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ فَضَّلَنِیْ عَلَیْکَ بِالْاِسْلَامِ
دِیْنًا وَبِالْقُرْاٰنِ کِتَابًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِیًّا وَبِعَلِیٍّ اِمَامًا وَبِالْمُؤْمِنِیْنَ اِخْوَانًا وَ
بِالْکَعْبَةِ قِبْلَةً الله تعالی هرگز ایشان را در دوزخ با هم جمع نکند **فال**
چون خبری بیند که بفال خوب نماند توکل بر خدا کند و دل را از
تشویش آن خالی سازد و حولقه مکرر بگوید از ضرر آن ایمن شود و
مرویست که فال بد چنان شود که کسی با خود بگیرد و اگر سخت گیرد سخت
و اگر سهل گیرد سهل و اگر هیچ نگیرد هیچ نشود و دوای آن توکل **غضب**
چون مستولی شود بر زمین بنشیند و برخیزد دفع شود و از شیطان
استعاذه کند و صلوات بفرستد و بگوید وَیُذْهِبْ غَیْظَ قُلُوْبِهِمْ اَللّٰهُمَّ
اغْفِرْ لِیْ ذَنْبِیْ وَاَذْهِبْ غَیْظَ قَلْبِیْ وَاَجِرْنِیْ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ وَلَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ چون صدای خروس بشنود بگوید سُبُّوْحٌ قُدُّوْسٌ
رَبُّ الْمَلٰئِکَةِ وَالرُّوْحِ سَبَقَتْ رَحْمَتُکَ غَضَبَکَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَکَ لَا شَرِیْکَ
لَکَ عَمِلْتُ سُوْءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِیْ فَاغْفِرْ لِیْ وَارْحَمْنِیْ اِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ
چون صدای الاغ و سگ بشنود از شیطان استعاذه کند و چون خنده
قهقهه کند بگوید اَللّٰهُمَّ لَا تَمْقُتْنِیْ چون عطسه کند دست بر دماغ گیرد و
بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ حَمْدًا کَثِیْرًا کَمَا هُوَ اَهْلُهُ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی

محمّد النبیّ وآله وسلّم طایری کوچکتر از ملخ و بزرگتر از مگس از دماغ
چپ او بیرون آید تا زیر عرش پرواز کند و تا روز قیامت برایش
استغفار کند و روایت دیگر آمده که چون عطسه کند و بگوید الحمد
لله ملکین که بر او موکلاند رب العالمین کثیرا لا شریک له گویند و اگر
این را هم بگوید گویند صلی الله علی محمد و اگر این را هم بگوید و علی آل محمد و اگر
این را بگوید رحمک الله و اگر بگوید الحمد لله رب العالمین علی کل حال از درد
دندان و درد گوش ایمن باشد و شخصی در خدمت امام محمد باقر عم عطسه
کرد و الحمد لله گفت و صلوات نفرستاد آنحضرت او را دعا نکرد و فرمود
حق ما را ضایع کرد و چون این را شنید صلوات فرستاد بعد از آن آنحضرت
او را دعا نمود و چون عطسه دیگری را بشنود حمد خدا کند و صلوات
فرستد از درد چشم و دندان ایمن شود و او را دعا کند و بگوید یرحمک
الله تا سه مرتبه چنین گوید و اگر از سه مرتبه بیشتر شود بگوید شفاک الله
که بیشتر از سه مرتبه از علت است و اگر طفلی عطسه کند باید گفت بارک الله
و اگر مریض باشد بگوید شفاک الله و مرویست که مومن را حقوق چند است
که اگر در آن تقصیر کند روز قیامت طلب حق خود کند و الله تعالی برای او حکم
فرماید از آنجمله دعای عطسه است و جواب دعا عطسه بگوید و یغفر لکم

الله ویصلح بالکم **نسیان** چون چیزی را فراموش کند و بیاد نیاید دست بر پیشانی
گذارد و بگوید اللهم انی اسألک یا مذکر الخیر وفاعله والآمر به ان
تصلی علی محمد وآل محمد وان تذکرنی ما انسانیه الشیطان چون **مردود طه**
گرفتار شود بگوید بسم الله الرحمن الرحیم لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
ایاک نعبد وایاک نستعین خدای تعالی آن بلا را از او دفع کند **غم و مکر**
وه و خوف و غیر آن از حضرت صادق عم مرویست که فرمود عجب دارم از چهار کس
که پناه بچهار چیز نبرند کسی که از چیزی ترسد چرا پناه باین آیه نبرند لا اله
الا انت حسبنا الله ونعم الوکیل که خدای تعالی بعد از آن وعده سلامت
و سرور و نعمت فرموده و کسی که غمگین باشد چرا پناه باین آیه نبرد لا اله
الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین که خدای تعالی بعد از آن وعده
نجات از غم فرموده و کسی که از عدو و مکر ترسد چرا پناه باین آیه نبرد و
افوض امری الی الله که بعد از آن وعده امن و سلامت فرموده و کسی که مال
خواهد چرا پناه باین آیه نبرد که ما شاء الله لا قوة الا بالله که بعد از آن وعده
مال و فرزند فرموده و روایت دیگر آمده که برای زوال غم سر بسوی آسمان
کند و سه مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم خدای تعالی کرب و غمش را دفع
کند و نیز مرویست که هر کس در غم این دعا بخواند الله تعالی غمش را

بفرج بدل فرماید اللهم انی عبدک وابن امتک ناصیتی بیدک ماض
فی حکمک عدل فی قضاؤک اسألک بکل اسم هو لک سمیت به نفسک
او انزلته فی کتابک او علمته احدا من خلقک او استأثرت به فی
علم الغیب عندک ان تجعل القرآن ربیع قلبی ونور بصری وشفاء
صدری وجلاء حزنی وذهاب غمی وهمی واگر خواهد بگوید یا من
یکفی من کل شیء ولا یکفی منه شیء اکفنی ما اهمنی که حضرت صادق ع
محبوسی را ابدا ومداومت این امر فرمود اندک زمانی نگذشت که نجات یافت
اگر خواهد این ابیات که منسوب بامیرالمؤمنین است صلوات الله علیه تکرار
کند در سختیها مجرب شده ۞ وکم لله من لطف خفی ۞ یدق خفاه عن فهم الذکی
وکم یسر اتی من بعد عسر ۞ وفرج کربة القلب الشجی ۞ وکم امر تساء به صباحا ۞
وتاتیک المسرة فی العشی ۞ اذا ضاقت بک الاحوال یوما ۞ فثق بالواحد الفرد العلی ۞
تشویش خاطر مکرر بگوید توکلت علی الحی الذی لا یموت والحمد لله الذی لم
یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره
تکبیرا حضرت پیغمبر ص کسی صاحب عیال وقرض را که از تشویش احوال وپریشانی
خاطر شکایت کرده باین ورد تعلیم فرمود اندک زمانی نگذشت که حالش
برفاهیت وجمعیت خاطر مبدل گشت **حدت زبان** وبیهوده گوئی باستغفار

مداومت

مداومت نماید وچون خسارت در کاری یابد بگوید عسی ربنا ان
یبدلنا خیرا منها انا الی ربنا راغبون مرویست که اصحاب بستان که
بتلف شدن بستان مبتلا گشتند چون این آیه را گفتند الله تعالی عوض
داد چون کوثر صدا کند بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد ذکر الله
من ذکرنی **مدح** چون بشنود که کسی او را مدح میکند آهسته بگوید انا
اعلم بنفسی من غیری وربی اعلم منی بنفسی اللهم لا تؤاخذنی بما
یقولون واجعلنی افضل مما یظنون واغفر لی ما لا یعلمون وچون
عمر کسی بچهل سال رسد بگوید رب اوزعنی ان اشکر نعمتک التی انعمت
علی وعلی والدی وان اعمل صالحا ترضیه واصلح لی فی ذریتی انی
تبت الیک وانی من المسلمین که الله تعالی فرماید از زمره اهل بهشت
حسناتش را قبول نمایم واز سیئاتش تجاوز فرمایم واین وعده صادقیست
که با ایشان میکنم **کم شده** چون چیزی کم شود دو رکعت نماز کند بعد از آن
دستها برداشته بگوید یا عالم الغیوب والسرائر یا مطاع یا عزیز یا
عظیم یا الله یا الله یا الله یا هازم الاحزاب لمحمد یا کائد فرعون لموسی
یا منجی عیسی من ایدی الظلمة یا مخلص قوم نوح من الغرق یا راحم عبرة
یعقوب یا کاشف ضر ایوب یا منجی ذی النون من الظلمات الثلث یا

یا عِلّةَ کُلِّ خَیرٍ یا هادِیاً اِلی کُلِّ خَیرٍ یا دالّاً علی کُلِّ خَیرٍ یا خالِقَ الخَیر
ویا اَهلَ کُلِّ خَیرٍ اَنتَ اللّٰه فَرِغتُ اِلَیکَ مِمّا قَد عَلِمتَهُ واَنتَ عَلّامُ
الغُیُوبِ اَسئَلُکَ اَن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ واَن تَرُدَّ عَلَیَّ ضالَّتی
واگر خواهد این دعا بخواند یا مَن لا یَخفی عَلَیهِ مَکتُومٌ ولا یَشُذُّ عَنهُ
مَعلُومٌ ولا یُغالِبُهُ مَنیعٌ ولا یُطاوِلُهُ رَفیعٌ اُردُد بِقُدرَتِکَ عَلَیَّ
ما فی قَبضَتِکَ اِنَّکَ اَهلُ الخَیراتِ یا آیة وعِندَهُ مَفاتِحُ الغَیبِ بخواند
بعد از آن بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ تَهدی مِنَ الضَّلالَةِ وتُنجی مِنَ العَمی و
تَرُدُّ الضّالَّةَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ ورُدَّ ضالَّتی وصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ وسَلَّم
یا سوره عبس و یا سوره والعادیات بخواند امانت چون چیزی یا مانت
در جائی کذارند انا انزلنا بران بخواند محفوظ ماند ان شاء الله چون باد
تند وزد بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ خَیرَ ما هاجَتِ الرِّیاحُ وخَیرَ ما
فیها واَعُوذُ بِکَ مِن شَرِّها وشَرِّ ما فیها اَللّٰهُمَّ اجعَلها عَلَینا رَحمَةً و
عَلَی الکافِرینَ عَذاباً وصَلَّی اللّٰهُ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ و تکبیر بسیار با واز بلند
بگوید ان شاء الله تسکین یابد زیادهها طلانی معوذتین بخواند و رعد و
صاعقه بگوید سُبحانَ مَن یُسَبِّحُ الرَّعدُ بِحَمدِهِ والمَلائِکَةُ مِن خیفَتِهِ و نیز
بگوید اَللّٰهُمَّ لا تَقتُلنا بِغَضَبِکَ ولا تُهلِکنا بِعَذابِکَ وعافِنا قَبلَ ذٰلِکَ

بگوید صَبّاً هَنیئاً چون از در بیرون خانه داخل شود بگوید رَبِّ اَدخِلنی مُدخَلَ
صِدقٍ واَخرِجنی مُخرَجَ صِدقٍ واجعَل لی مِن لَدُنکَ سُلطاناً نَصیراً و چون داخل
خانه نشیمن شود بگوید بِسمِ اللّٰهِ وبِاللّٰهِ اَشهَدُ اَن لا اِلٰهَ اِلّا اللّٰهُ وَحدَهُ لا شَریکَ
لَهُ واَشهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ ورَسُولُهُ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیهِ وآلِهِ پس اگر در خانه کسی بود
سلام کند و اگر کسی نباشد بگوید السَّلامُ عَلی مُحَمَّدِ بنِ عَبدِ اللّٰهِ خاتَمِ النَّبِیّینَ السَّلامُ
عَلَی الاَئِمَّةِ الهادینَ المَهدِیّینَ السَّلامُ عَلَینا وعَلی عِبادِ اللّٰهِ الصّالِحینَ و اگر نامی
از نامهای خدای تعالی بر کاغذی نوشته باشد در سر راهی و جائی بی حرمت افتاده
باشد خدای تعالی هفتاد هزار فرشته بران موکل کرداند که بیالهای خود از محافظت
کنند تا انکه یکی از دوستان خدا از ابر دارد الله تعالی نام او را در علیین ثبت
نماید و عذاب از و الدینش تخفیف دهد اگرچه کافر باشند فصل بیست و سیم در حقوق
اموال و رعایت احوال اول در جود و بخل الله تعالی در قران مجید فرموده جمعی که
از رذایل بخل منزه اند ایشان رستکارند و اهل نجات اند از اهل بیت علیهم السلم
مرویست که سخی در آسمان و زمین محبوب و از طینت پاک و آب چشمه از
کوثر مخلوقست و بخیل در آسمان و زمین مبغوض و از طینت شوره و آب چشمه
از نار مخلوقست و سخی در پناه رحمت خدا باشد تا انکه داخل بهشت شود و
کسی که الله تعالی از وامید خیر ندارد به بخل مبتلا کرداند و سخی نزدیکست بخدا

و نزدیکست به بهشت سخاوت درختیست در بهشت هر کس بشاخی از آن
در آویزد و داخل بهشت شود بخدا نزدیک و از آتش دوزخ دور گردد و بخل
درختیست در جهنم هر کس بشاخ از آن در آویزد بدوزخش کشد و هر کرا
سخاوت بیشتر ایمانش بهتر و روز قیامت سخی را بیاورند و گویند اگر حجتی و حرفی
داری بگوی گوید خدایا مرا آفریدی و هدایت نمودی و وسعت عطا فرمودی
من نیز نعمت ترا بر عباد تو منتشر ساختم بامید آنکه امروز بر من نشر رحمت فرمایی
پس الله تعالی فرماید بنده من راست میگوید او را داخل بهشت کنید و جوان
سخی مفرط در گناه پیش خدا دوستر است از پیر عابد بخیل بهترین مردم اسخیا
اند و بدترین بخلا و از جمله خلوص ایمان بر اخوان و سعی در حوایج ایشانست
و هر که در صرف مال برضای خدا بخل کند مبتلا شود بصرف اضعاف آن در
معصیت خدا از حضرت امام علیه السلم از تفسیر آیه کَذٰلِكَ يُرِيهِمُ اللّٰهُ أَعْمَالَهُمْ
حَسَرَاتٍ سوال نمودند فرمود کسی که مال خود را در طاعت خدا صرف نکند و
بگذارد تا دیگران صرف کنند پس اگر در طاعت صرف کنند حسرت برد که آن
مال خود را در میزان دیگران و خود را محروم بیند از آن و اگر در معصیت صرف کنند
حسرت برد که خود از ثواب محروم گشته و اعانت معصیت دیگری کرده روزی
امیرالمومنین علیه السلم شنید که مردی میگوید بخیل معذورتر است از ظالم فرمود

دروغ میگویی ظالم گاه باشد که توبه کند و استغفار و رد مظالم نماید و نجات یابد و بخیل
منع زکوة و صدقه و صله رحم و ضیافت و سایر حقوق کند و حرامست که
بخیل داخل بهشت شود **فصل بیست و چهارم** در فضایل زکوة و عقوبت منع آن **و در آن
چند فصل است** مرویست از اهل بیت علیهم السلم که هر که زکوة مال خود بدهد از روی
طوع و رغبت بدهد خدای تعالی در بهشت بعدد هر دانه یک قصر طلا و یکی
نقره و یکی لولو و یکی زبرجد و یکی زمرد و یکی گوهر و یکی از نور در رب العزة باو
عطا فرماید و هیچکس زکوة ندهد مگر آنکه مالش زیاد شود و مرویست که
هیچ حیوان از طیور صید نشود مگر آنکه از ذکر و تسبیح خود تقصیر کرده باشد
و هیچ مالی تلف نشود مگر آنکه در زکوتش تقصیر رفته باشد و ملعونست مالی
که زکوة آن نداده باشند و الله تعالی فرض زکوة را مقرون بفرض نماز کرده
پس هر که زکوة ندهد نمازش مقبول نشود و هر که یک قیراط از زکوة منع کند
[illegible] دینار است
نه مومن باشد و نه مسلم و چون بمیرد یهودی باشد یا نصرانی و روز قیامت
اژدهایی از آتش طوق گردنش شود و عذابش کند تا وقتی که از حساب فارغ
شود و هر که زکوة طلا یا نقره را منع کند خدای تعالی او را روز قیامت در بیابانی
محبوس سازد و ماری عظیم که از بسیاری زهر موی سرش ریخته باشد برو مسلط
گرداند و هر چند گریزد مفری نیابد ناچار دست خود را باو دهد تا بخاید

پاره پاره کند پس پر کردنش بچه وعذابش کند وهر که زکوة کوسفند وغیر آن
از حیوانات ندهد در دنیا باخی محبوس کردد که هر حیوان صاحب شم اورا پای مال
کند وهر حیوان دندان دار با دندان پاره پاره اش کند وهر که زکوة غله و
خرما وامثال انرا ندهد زمین ملکش تا هفت طبقه طوق کردنش شود ودست
کرد روز قیامت چنین از قبر بیرون آید دستها بر کردن بسته وملائکه چند
بر ایشان موکّل باشند وایشانرا سرزنش کنند وکویند اینانند که حق خدا را
از مال خود ندادند وبچیزی قلیل از خیر کثیر محروم کشتند وچون مردم منع
زکوة مال خود کنند زمین هم باذن خدا برکات وخیرات خود منع کند و
موجب قحط وتنکی شود وادای زکوة وسایر واجبات علانیه باید وزکوة سنّت
وسایر مستحبّات پنهانی افضلست وثواب مستحبات پنهانی هفتاد برابر علانیه است
بلکه انحصار اجبات زکوة بر وکه فقیه نقل نموده در باب زکوة اینست که چون
آیه زکوة نازل شد امر نمود رسول الله صلعم که منادی کنند که بتحقیق واجب ساخت
بر شما خدای تعالی زکوة را همچنانکه واجب ساخت بر شما نماز را پس فرض کرده بر شما
از طلا ونقره وشتر وکاو وکوسفند واز کندم وجو وخرما ومویز زکوة وبخشید
از شما غیر اینها را وهمین حدیث را ثقة کافی نقل نموده وشرح نصاب هر یک را
بشرح ذکر می‌نمائیم **و بدانکه سنّت زکاة** در هر چه از زمین روید که بکیل ووزن

در آید بغیر از میوها وسبزیها مثل خربزه وخیار ونعناع وامثال اینها که در اینها
زکاة سنّت نیست وتصدّق مستحب است وبعضی از فقها کفته‌اند که واجب
است زکوة در حبوب چون برنج وماش ونخود وعدس وامثال اینها وشک نیست
که احوط دادنست واما اظهر استحبابست وسنّت است زکاة در مال تجارت
وبعضی آنرا اصحاب واجب میدانند واحوط دادنست وسنّت است زکوة
مادیان هر کاه در صحرا چریده باشد واکر بیده ومادیان عربی باشد در
سالی دو مثقال طلا میدهد یعنی طلای مسکوک که هر مثقالی تخمیناً چهار دانک و
نیم بمثقال صیرفیست حاصل آنکه همین اشرفی متعارف فرنکی دو میدهد
واکر یابو باشد یعنی پدر ومادرش عربی نباشد خواه مادرش خراسانی باشد
یا هرد وخراسانی باشند یک اشرفی میدهد ودر سایر حیوانات زکوة سنّت نیست
که از نیره واستر والاغ وغیر آن واکر سکی بکوسفندی جهد وبچه آورد
اکر شبیه بسک باشد نجس است وحرام واکر شبیه بسک نباشد پاکست
وحرام واکر سکی بخوکی جهد وکوسفند بیاورد مشهور میان فقها حرمت
ونجاستست اما در نجاست اشکالست بلکه در حرمت نیز واکر شبیه بخوک
که حلالست کوشت ایشان حرام است جد عدم نباشد واکثر نجس میدانند واکر شبیه
بسک ... با خوک البته نجس باشد اکر شباهت بالکل نداشته

باشد یا شبیه بجلل باشد محل اشکالست واجتناب احوط است اما طلا زکوة دران واجب نیست تا به بیست دینار نرسد وچون باین مقدار رسد نیم مثقال میدهد که چهل یک باشد علی المشهور بین الاصحاب فی الروایات وبعضی گفته اند که نصاب اوّل طلا چهل دینار است وقول اوّل اظهر است واز اخبار معتبره چنین ظاهر میشود که هرگاه طلای مسکوك بقیمت دویست درهم برسد چهل ویك میدهد ودویست درهم دراین وقت ونمان دوازده هزار وشصت دینار است از قرار عباسی ده دانگی واز قرار عباسی نه دانك ونیمی دوازده هزار ودو بیست وشصت وسه دینار است واز قرار مثقال صیرفی یکصد وپنجاه وپنج مثقال میشود واین از قیمت ده اشرفی کمتر است واولی واحوط آنست که اگر ده اشرفی داشته باشد یا کمتر که بقیمت مذکور باشد چهل ویك بدهد احتیاطا ونصاب دویم طلا چهار دینار است ودران دو قیراط واجبست که چهل ویك وچهار دینار است چون دیناری بیست قیراطست دو قیراط چهل ویك انست وبعد از این نصاب باین قسم چهار دینار چهار دینار بالا میرود واین قسم زکوة طلا بود ودر نقره زکوة واجب نیست تا بدویست درهم نرسد وچون بدویست درهم رسد پنج درهم میدهد که بحسب قیمت سیصد وپانزده دینار است

ودرهمی شش دانگست ودانگی هشت دانه جو است بطریق مشهور ودر نواحی واقع شده که دوازده جو است ولیکن انچه مذهب بعضی از محققین فقهای است آنست که خلافی نیست که ده درهم هفت دینار است وعامّه وخاصّه نقل این نموده اند که دینار در جاهلیت واسلام تغییر نیافت ودینارهای قدیم را که ملاحظه نموده اند موافقست با همین دینار که چهار دانك ونیم مثقال صیرفی است وچون توزیع میکنیم بر درهم هر درهمی سه دانك که نیم مثقال صیرفی باشد میشود واکثر علما مثل مولانا محمد تقی مجلسی علیه الرحمه وغیره در تصنیف های خود ذکر نموده اند که چهل ویك مثقال صیرفی را چون رجوع بکتب حساب نموده اند موافق بوده باین حساب که ذکر کردیم وبنا بر حساب مشهور هر مثقالی یك درهم است وسه سبع درهم وهر درهمی نیم مثقال شرعی است وپنج یك مثقال وشرطست در وجوب زکوة بر طلا ونقره که سکه داشته باشد خواه الحال بان معامله کنند یا نه واگر سکه نداشته باشد وبان معامله کنند احوط انست که زکوة انرا بدهد ودیگر شرطست که سال در وبگردد که بحال خود باشد وتبدیل نکنند اورا بچیزی دیگر خواه طلا را بطلا معاوضه نمایند یا نقره را بنقره وبرعکس پس زکوة واجب نیست در زیورها خواه حلال باشد وخواه حرام مثل زینتهای مردان وظروف طلا ونقره وزکوة زینتهای حلال انست که بهمسایگان وغیر ایشان بعاریت

دهند و همچنین زکوة واجب نیست در شمش طلا و نقره اگرچه بقصد فرار
از زکوة شمش کرده باشد و بعضی گفته اند که در این صورت زکوة واجب است
و احوط آنست که بدهد و هرگاه نصف نصاب طلا یا نقره نقیس باشد و
نصفی نبود زکوة واجبست و زکوة را هم بآن نسبت میدهد و اگر طلا
یا نقره غش داشته باشد از مس یا سرب و غیر آن پس اگر دانند مقدار
غش را و خالص آن بنصاب رسیده باشد زکوة خالص را میدهد و اگر غش
هم مساوی باشد بآنکه مثلا هر اشرفی یا شاهی را یک دانگ غش کرده اند
از مغشوش میتواند دادن و اگر قدر خالص را ندانند که هر یک چه مقدار
غش دارد دادن خالص دیگر میدهد و اما اینها نمیدهد مگر آنکه آنقدر بدهد
که یقین بهم رساند که زکاة را داده است و اگر قدر غش را نداند پس خالص
بعوض مغشوش بدهد بنها و الا لازم است که بگدازند و صاف کنند تا ظاهر
شود که خالص چه مقدار است و زکوة از آن بدهد و در این باب چند مسئله است
اول هرگاه مال او غایب باشد یا گم شده باشد و چند سال بگذرد و بعد از آن
بدست او آید سنت است که زکاة یکسال را بدهد دویم هرگاه نفقه از جهت عیال
خود بگذارد و دو هر دو زر نقدی بردارند و صرف نمایند و چون یکسال بگذرد
نقد بنصاب یا بیشتر مانده باشد پس اگر صاحب مال حاضر باشد زکاة آنرا

میدهد و اگر غایب باشد زکوة واجب نیست و قولی شده است بوجوب
زکوة مطلقا و این احوط است اگرچه قول اول اظهر است از برای روایات
معتبره و واجب نیست زکوة تا هر جنسی بتنهائی بنصاب برسد پس اگر
نصف نصاب طلا باشد و نصف نصاب نقره زکوة واجب نیست ولکن
سنتست اما زکوة انعام ثلثه پس در آن چهار شرط است شرط اول
نصابست و نصاب شتر دوازده است اول پنج شتر است که در آن یک راس
گوسفند است دویم ده شتر است و در آن دو راس گوسفند است سیم
پانزده شتر است و در آن سه راس گوسفند است چهارم بیست شتر است
و در آن چهار راس گوسفند است پنجم بیست و پنج شتر است و در آن
پنج گوسفند است و اقل گوسفندی که توان داد آنست که اگر میش باشد
تو شش ماهه یا در هفت ماهه یا هفت ماهه یا در هشت ماهه یا
هشت ماهه یا در نه ماهه باشد و این احوط است که اگر بز باشد یکساله
یا در دو ساله باشد و بعضی گفته اند که دو ساله یا در سه باشد و
جمعی گفته اند که در هر دو اقلش آنست که گوسفند گویند در عرف
نه غیر و این اقوی است ششم بیست و شش شتر است و در آن بنت
مخاض واجبست که بنت مخاض شتر ماده یکساله است که داخل شده باشد

در سال دویم واکویند تمام نشده باشد ابن لبون دهد که آن شتر نر دو ساله یا
دو سه است و بنت مخاض جهت آن کویند که شتر یکسال شیر میخورد و در سال
دویم مادرش حامله میشود **هفتم** سی و شش شتر است و در آن بنت لبون
واجبست و آن شتر ماده دو ساله یا در سه چون مادرش زاییده
است و الحال شیر میدهد غالبا **هشتم** چهل و شش شتر است که در آن حقه
واجبست و آن شتر ماده سه ساله یا در چهار است و حقه بجهت
آن کویند که الحال چون مستحق سواری شده است یا آنکه جفت نر
بروی جهانیدن و مستحق نتاج شده باشد **نهم** شصت و یک شتر است
و در آن جذعه واجبست و آن شتر ماده چهار ساله یا در پنج است
دهم هفتاد و شش است و در آن دو بنت لبون واجبست **یازدهم** نود
و یکست و در آن دو حقه واجبست **دوازدهم** صد و بیست و یکست
و هرچه بالا رود در هر پنجاه شتر حقه میدهد و در هر چهل شتر بنت
لبون میدهد پس در مثل صد و بیست مخیر است میان چهار حقه و پنج
بنت لبون و احوط آنست که در هر جا رعایت حق فقیر بکند پس
در صد و بیست و یک سه بنت لبون بدهد و محتمل است که رعایت
قیمت بکند پس اگر قیمت دو حقه در اینصورت بیشتر باشد دو حقه

میدهد اما ظاهر اخبار و اکثر اصحاب بر تخییر است **و در گاو** دو نصاب است
اول سی است و در آن تبیع و تبیعه واجبست و آن گوساله یکساله یا
در دو است و ماده و نر مساوی است و تبیع میگویند بجهت آنکه در آن سال
تابع مادر میشود در چریدن یا شاخ رسانیدن که از عقب گوشش بیرون
می آید **دویم** چهل است و در آن مسنه واجبست که آن گوساله ماده دو ساله
یا در سه است از آن جهت او را مسنه میگویند که در این سال دندانی بدر می آورد
و هرچه بالا رود بر این نحو حسابست پس در شصت دو تبیع است یا تبیعه
میدهد و در هفتاد و یک مسنه و یک تبیع میدهد و در هشتاد دو مسنه
و دو تبیع یا تبیعه میدهد و در نود سه تبیع یا تبیعه میدهد و در صد
یک مسنه و دو تبیع یا تبیعه میدهد و بر این قیاس **و در گوسفند** پنج نصابست
بر قول مشهور میان اصحاب **اول** چهل است و در آن یک گوسفند واجبست
دویم صد و بیست و یکست و در آن دو گوسفند واجبست **سیم** دویست و
یکست و در آن سه گوسفند واجبست و تا اینجا خلافی نیست **چهارم**
سیصد و یکست جمعی از علما گفته اند که گوسفند میدهد و در چهارصد
گوسفند میدهد و از اینقرار هرچه بالا رود از صد گوسفند میدهد
و اکثر علما بر آنند که در سیصد و یک چهار گوسفند میدهد و در چهارصد

نیز چهار میدهد وچهار صد نصاب **پنجم است** واین قول احوط است
واشهر وکمان آنست که مخیر است میان هردو قول چون ترجیح بحسب
روایت مشکلست ولیکن چون قول اول موافق اقوال اکثر عامه است
قول ثانی ارجح است والله تعالی یعلم ودر این نصابها زکوة واجب است
ودر مابین دو نصاب چیزی واجب نیست ولیکن از جهت واجب فایده
دارد پس هرکه چهل کوسفند داشته زکات واجبست اما اکر صد کوسفند داشته
باشد همان یک کوسفند میدهد وتا شصت کوسفند تلف شود هیچ
از واجب چیزی کم نمیشود اما اکر از چهل بعد از سال یک کوسفند تلف
شود بی تقصیر او چهل یک کوسفند از زکات ساقط میشود وبرین قیاس
واکر مالی مشترک باشد پس اکر نصیب هریک نصاب باشد زکوة واجب است
واکر نصیب هر دو ویک نصاب باشد زکوة واجب نیست واکر شخصی
بیست کوسفند در شهری داشته باشد وبیست کوسفند در شهری
دیکر زکات واجبست ویک کوسفند میدهد در هرسال وهمچنین اکر
چهل کوسفند در شهری داشته باشد وچهل دیکر در شهری دیکر وچهل
کوسفند در شهری دیکر بواسطه هریک کوسفند میدهد بجهت آنکه
بنصاب دویم که صد وبیست ویک باشد نرسیده است واکر سه کس

بالهم شریک باشند هر این سه که صد وبیست است سه کوسفند میدهند
که هریک چهل کوسفند دارند که نصاب اولست وهرکدام یک کوسفند میدهند
شرط دویم آنست که در علف مباح چریده باشند پس اکر علف مملوک
خورده باشند زکات دادن واجب نیست واکر بعضی از سال علف
خورده باشند وهر بعضی چریده باشند بعضی کفته اند که بیشتر اعتبار
دارد یعنی علف بیشتر خورده باشند یا بیشتر چریده باشند وبعضی کفته
اند که اکر یکروز در اثنای سال العلف داده باشند از زکات می افتد واز آن
روز حساب میکنند وبعضی رجوع بعرف کرده اند واین قول اشهر است و
قول اول احوط پس بنا برین زکوة واجب نیست در بره وبزغاله وبچه شتر
وکوساله در وقتی که شیر میخورند چون معلوفه اند واز وقتی که بچرا می افتند
حساب میکنند سال را چنانکه اکثر علما کفته اند وجمعی کفته اند که از روزی که
متولد میشوند حساب میکنند واین قول اظهر است واحوط خصوصا هرکاه
شیر حیوانی خورده باشند که او در صحرا چریده باشد پس بنا برین سال اطفال
غیر سال مادرهاست واکر بچها نصاب مستقلی باشند که با انضمام
اینها با مادرها نصاب دیکر بهم نرسد مثل آنکه پنج شتر داشت واز اینها
پنج شتر دیکر بهم رسید یا چهل کاو داشت واز اینها چهل کوساله بهم رسید

باجماع حول بچهارا باحول مادرها در هیچ وقت ضم نمیکنند بلکه هر یک که (یعنی سال)
سال ایشان تمام شد انچه در ان واجبست میدهد والله اعلم پس اگر هشتاد
دو گوسفند داشته باشد و چهل بچه بزایند بعد از ششماه پس درین
صورت چون پنجاه بگذرد یک گوسفند میدهد بواسطهٔ مادرها و
چون بعد از پنجاه ششماه دیگر بگذرد دو گوسفند میدهد بواسطه اطفال
و مادرها و جمعی گفته اند که وقتی نصاب دویم رسید نصاب اول را طرح
میکنند و از انروز هر دو را با هم حساب میکنند و جمعی گفته اند که بعد از
پنجاه که نصاب مادرها تمام شد نصاب هر دو را از سر میگیرند و جمعی گفته اند
که سال اطفال با سال مادرها منضم نمیشوند بلکه یکی هر که پس چون مادرها
تمام میشود یک گوسفند میدهد و چون سال اطفال تمام میشود یک گوسفند
دیگر میدهد و قول اول احوط است و همچنین اگر یک نصاب داشته باشد
و بعد از ششماه تتمهٔ نصاب دویم را بهم رساند دراین جا احتمالست **شرط سیم**
گذشتن سالست و سال معتبر است در طلا و نقره و گاو و گوسفند و شتر و
اسب و در زکاة تجارت و در غلات معتبر نیست و سال زکوة یازده ماه است و چون
ماه دوازدهم داخل میشود زکاة بر اینها قرار میگیرد و خلافست در انکه ماه
دوازدهم داخل سال اولست یا از سال دویم است اشهر قول اولست و احوط

قول ثانی

قول ثانی است و می باید که جمیع شرایط در عرض سال باشد پس اگر بدل
کند نصاب را بجنس ان یا بغیر جنس زکات ساقط میشود اگر چه بجهت
فرار از زکوة باشد با واحوط انست که چنین نکند و اگر بکند زکات بدهد
احتیاطا و اگر بعد از سال از نصاب چیزی تلف شود بتقصیر صاحب زکات او
میدهد و همچنین اگر بدل کند و اگر بی تقصیر او تلف شود و مستحق حاضر
نباشد یا باشد و بدست ظالمی گرفتار باشد و نتواند کسی را وکیل
کردن در اخراج زکاة چیزی از نصاب بتلف شود از واجب کم میشود
و چون زکوة در عین است و اگر در اثنا سال مرتد شود و مسلمان زاده باشد
باینکه در وقت بستن نطفه او یکی از پدر و مادرش یا هر دو مسلمان باشند
بنا بر مشهور و در عرف اهل شرع او را مرتد فطری گویند زکاة ساقط
و مال او مال وارث میشود و وارث ابتدا سال را از روز مرتد شدن
حساب میکنند اگر او را بکشند و یا نکشند ایشان احکم باشد که مال را
از و بگیرند اگر ورثه دانند که او مرتد شده است و ثابت نتوانند کرد
یا نتوانند گرفت از و باعتبار غلبه حکام جور بر وارث چیزی لازم
نمیشود و چون تمکن از تصرف نیست و اگر مرتد کافر زاده باشد
باینکه در وقت بستن نطفه پدر و مادر او هر دو کافر باشند و در عرف

اهل شرع او را مرتد ملی می نامند تا نده است مال از ما لکیت او بیرون نمی رود
و چون رجوع کند از برای هر سال زکاة میدهد و مرتد فطری اگر توبه
کند ظاهر اینست که توبه اش صحیح است و زکاة میدهد اگر چه قبل از و ساقط
اما ظاهر عبارات مشاهیر علما آنست که با قبول توبه میان او و میان
زوجه و مال او بر نمیگردد بلکه زوجه را امر میفرمایند که عده وفات
بدارد و شوهر کند و مال را خود بتصرف وارث و امیگذارند والله
الله **شرط چهارم** آنست که گاو و شتر کار کن نباشد یعنی اگر بار کشند یا
کنند زکاة ساقط میشود و اگر در بعضی از سال کار کنند و باقی چند
و کار نکنند مثل علوفه که در چریدن گذشت و در این باب چند مسئله است
اول هرگاه در شتر بنت مخاض واجب باشد و بنت لبون داده باشد
بنت لبون را بعامل زکوة میدهد و تفاوت دو گوسفند یا بیست درهم
و همچنین هر چه بالا رود بعد تا جذعه و اگر بالاتر داشته باشد رجوع بقیمت
سوقی میکنند پس اگر شتر چهار ساله بده واجب باشد و شتر پنج ساله دا
باشد ملاحظه مینماید که تفاوت بحسب قیمت سوقی چند است آنرا
میستانند و همچنین در غیر شتر **دویم** زکوة تعلق بعین نصاب میگیرد
و اخراج قیمت جایز است بنا بر مذهب مشهور اما اولی آنست که از آن

جنسی

جنسی که زکوة در آن واجب شده است بدهد خصوصا در انعام ثلثه و
اگر بقیمت سوقی از شاهی و اشرفی بدهد جایز است و از غیر نقدین نیز جایز است
بنا بر مشهور و اما احوط آنست که از آن عین دهد و اگر عین ندهد نقد بدهد
سیم حیوانات صحیح باشند جایز نیست که زکاة را از غیر صحیح بدهد
مثل بیمار یا پیر یا شل و کور و سایر عیوب اما اگر همه معیوب باشند می
تواند داد و اگر بعضی معیوب باشند البته می تواند داد **چهارم** اولی
آنست که زکاة را از جمیع حساب کنند مثلا اگر چهل گوسفند داشته باشد
که قیمت مجموع چهار تومان باشد گوسفندی بدهد که قیمتش هزار دینار
باشد که چهل یک مجموع است و بعضی گفته اند که واجبست رعایت این
معنی در گوسفند و طلا و نقره و غلات و این احوط است اما در گاو
و شتر رعایت خوب کند که اگر شترانش همه نفیس بوده باشند بنت مخاض
نفیس بدهد نیز خوب و مشهور آنست که این لازم نیست بلکه میباید که معیوب
نباشد چنانکه گذشت و اول احوط است کما قال الله تعالی یا ایها
الذین آمنوا انفقوا من طیبات ما کسبتم و مما اخرجنا لکم من الارض
و لا تیمموا الخبیث منه تنفقون و لستم بآخذیه الا ان تغمضوا فیه
و اعلموا ان الله غنی حمید یعنی ای مومنان صرف نمایید مستحقین از

از نفایس آنچه ما از برای شما از زمین رویانیده ایم و بیرون آورده ایم
از حبوب و ثمار و معادن و اراده نمایید که آنچه زبون و بد باشد بدهید
و حال آنکه اگر بشما دهند نخواهید گرفت آنچه زبون آن مگر آنکه اغماض
عین و مساهله نمایید در آن پس چون روا میدارید که چنین چیزها را
در راه ما صرف نمایید و بدانید که حق تعالی بی نیاز است از اموال شما و او
محمود است بر نعمائی که بشما کرامت نموده است احتیاج باموال شما ندارد
و میخواهد که شما را باین عبادات در معرض کرامتهای غیر متناهی خود در آورد
ه من نکردم خلق تا سودی کنم بلکه تا بر بندگان جودی کنم **پنجم** گوسفند و
بز را باهم حساب میکنند و یک جنس اند پس اگر بیست میش داشته باشد
و بیست بز زکاة واجبست و همچنین گاو و گاومیش یک جنس اند و همچنین
شتر خراسانی که نر و ماده است و شتر عربی که کوهان یک جنس اند و
احوط آنست که زکوة را بالنسبة بیرون کند **ششم** چون پیش ذکر کردیم
که زکوة در عین نصاب تعلق میگیرد و اخراج قیمت جایز است بنا
بر مشهور پس اگر شخصی چهل گوسفند داشته باشد و هر سال زکوة
آنرا از جای دیگر دهد جایز است و از نصاب نمی افتد و اگر از آن
چهل یکی بدهد سال دیگر واجب نخواهد شد و اگر نه دهد و چند سال بگذرد

یک گوسفند

یک گوسفند می باید داد و اگر پنجاه گوسفند داشته باشد و چهارده سال
و زکوة نداده باشد یازده گوسفند را بزکوة میدهد زیرا که این زیادتی
بجای نصاب قرار میگیرد پس چون یازده گوسفند زکوة شد از نصاب
افتد باقی سالها نمی باید داد و آنچه متعارفست در این اوقات مثلا هزار
گوسفند بچوپان میدهد که هر سال باز آید هر گوسفندی صد درم روغن
بگیرند و اگر گوسفند تلف شود چوپان از مال خود بدهد و باقی حاصل
آنها از چوپان باشد با آنکه این مشروع نیست و خلاف شرعست بحسب ظاهر اگر
اعیان گوسفندان صاحب باقی باشد همانرا زکوة می باید داد و اگر صد گوسفند
تلف شود و چوپان از مال خود صد گوسفند داخل این گله کند زکوة این
صد گوسفند بر چوپانست نه بر صاحب و همچنین اگر جمیع تلف شود و
عوض کند **هفتم** هر چند زکاة بر عین نصاب تعلق میگیرد اما صاحب مال
میتواند که از جای دیگر از همان جنس بدهد مثل آنکه در نصاب گوسفند اورا
گوسفندی باید داد گوسفندی از غیر گوسفندان نصاب بدهد خصوصا
هرگاه آنچه عوض دهد بهتر باشد یا قیمتش بیشتر باشد **هشتم** هرگاه مالک
گوسفندی چند را از جهت خوردن خود مقرر ساخته باشد بعقیدهٔ
کرا مقدار صرف بشود عامل نمیتواند بجبران گوسفندان بگیرد و همچنین

گوسفندانی که بواسطهٔ چهار دست بر ماده باشد نمیتواند که بچه بر
گرفت و اگر مالک خود بدهد میتوان گرفت اما در حساب نصاب داخل
میکنند و بعضی داخل نمیکنند و اول احوط است و همچنین گوسفند
ماده کرد و بچه را تربیت کند او را جبر نگیرد و بهتر آنست که صاحب
نیز ندهد و همچنین گوسفندی که تازه زاییده باشد تا پانزده روز و
بعضی گفته اند که پنجاه روز نگیرد و احوط آنست که مالک نیز ندهد اما
در حساب نصاب داخل میکنند البته دیگر غلات که آن جو و گندم و خرما
و مویز و انگور است پس شرطست که بنصاب برسد و آن سیصد صاع است
و صاعی بنا بر آنکه گذشت ششصد و چهارده مثقال و ربعی است بمثقال صیرفی
که مجموع بمن تبریزی سیصد و هفت من پنجاه درم بوده باشد و بمن شاهی
کرد و من تبریز است صد و پنجاه و سه من و نیم و بیست و پنج درم باشد و انگور
هرگاه سه برابر این باشد تخمینا بنصاب میرسد چون سه من انگور یکمن مویز
میشود اما هرگاه سه من یکمن شود مویزش میگویند پس بمن تبریزی هرگاه
انگور نهصد و بیست و یکمن و صد و پنجاه درم باشد زکوة ازو می باید داد
علی الظاهر و بحساب سنگ شاهی چهارصد و شصت من و نیم و پنجاه و سیصد و نخود
میشود و این نصابست و بعد ازین دیگر نصاب ندارد اگرچه یکمن بماند که

ذکوة ازو می باید داد و شرطست که این غلات در ملک او بحد زکوة برسد
پس اگر گندم و جو را بعد از زرد و کردن بخرد بر بایع واجبست اگر زرد و نکرده بخرد
و هنوز دانه نبسته باشد و در ملک او دانه برسد بر مشتری واجبست بی دغدغه
و اگر دانه بسته باشد و هنوز دانه را گندم و جو نگویند خلافست در میان علما
جمعی گفته اند که بر بایع واجبست چون نزد ایشان وقت وجوب زکوة دانه
بستن است و اکثر علما برین اند و بعضی گفته اند بر مشتری واجبست چون
در ملک او گندم شده است و نزد این جماعت محل زکاة گندم شدن است
و این قول قویست و احوط آنست که اگر گندم و جو پیش از دانه بستن بفروشد
بی دغدغه بر مشتری باشد یا بعد از مرگ گندم که عبارتست از خشک شدن خوشه
بفروشد و چون بی دغدغه زکوة را بدهد و همچنین خلافست در خرما که وقت
وجوب سرخ و زرد شدنست یا خرما شدن چون عرب رطب را خرما نمیگویند اما
انگور ظاهر آنست که چون انگور شود زکاة واجب میشود و اکثر علما گفته اند که
وقت وجوب آن دانه بستن غوره است و احتیاط سابق را اینجا می باید کرد و
بهر حال لازم نیست که زمین ملک او باشد پس اگر زمین اجاره کند و تخم خود
بکارد برو واجبست نه بر صاحب زمین و اگر زمین را بمزارعه بر دارد بنصف
یا ثلث یا ربع یا ده چهار هرچه حاصل میشود بر مالک و زارع هر دو واجبست

هرگاه حصهٔ هر یک بنصاب رسیده باشد والا حصهٔ آنکه رسیده است واجب است
و هرگاه حصهٔ هر یک بنصاب برسد هرچند بر سر هم نصاب باشد بر هیچ یک
از ایشان زکوة واجب نیست و آنچه الحال متعارف در اصفهان ظاهر شد
آنست که بعنوان مزارعه است هرچند مقرری دارد چون وقتی که زمین را
بایشان داده اند بقرار مزارعه ده چهار داده اند و چون مشکلست که هر سال
ملاحظه نمایند سابقا سه سال ربع را دیده اند و ثلث آن را از قرار ده چهار
مقرر ساخته اند که ربع بدهند و لهذا اگر آفتی بزراعت میرسد باز دید میکنند
و هرچه حاصل شده است بعنوان ده چهار عمل میکنند و جائی که بعنوان اجاره است
باز دید نمیکنند و زکوة در اجاره بر مستاجر واجبست و جمعی که میخواهند که زکوة
بدهند بعنوان اجاره مقرر میسازند ولیکن منفعت اخروی ندارد چون زکاة
بر عین واجبست و علم دارند که رعایا زکوة حصهٔ خود را نمیدهند فکیف حصهٔ
مالک را بنابرین احوط آنست که هرچه از ایشان میگیرند زکاة آن را بدهند
قطع نظر از تهدیدات و ترغیبات الهی اما الثانی پس اگر زراعت و باغ
آب باران یا آب رودخانه یا آب قناة یا آب ریشه خورده باشد ده یک میدهند
و اگر آب دست یا گاو یا شتر یا چرخ خورده باشد بیست یک میدهند و اگر
از هر دو خورده باشد بیشتر اعتبار دارد و نصف را از قرار ده یک و نصف

دیگرا

دیگر را از قرار بیست یک میدهند و همچنین که یکبار زکاة را دادند دیگر
واجب نیست اگرچه صد سال بماند مگر آنکه بفروشند از نقد شاهی و اشرفی و بگذارند
که سال بر آن بگذرد که زکوة واجبست بشرایط گذشته و در این باب چند
مسئله است اول اکثر علما بر آنند که زکوة واجب نیست مگر بعد از اخراجات
زراعت از خرجهای دیوانیان هرچه باشد از مال و خارج المال و میرابه و
تخم و اجرت زارع و اجرت آب کشیدن و تنقیهٔ نهر و حشیه و خرج کود دادن
و غیر آن از اخراجاتی که هر سال می باشد حتی مصالح الاملاک که از کاه و خر و جوال
و امثال اینها اجرت اینها را حساب میکنند و جمعی قائلند که همین خراج سلطان را
اخراج میکنند و بس و بر هر تقدیر آیا آنچه اخراج میکنند پیش از ملاحظه نصاب است
یا بعد خلافست میان علما جمعی قائلند که بعد از وضع جمیع اخراجات بنا بر قول
باخراج جمیع و بعد از وضع حق سلطان بنا بر قول باخراج آن و بس ملاحظه
نصاب میکنند و جمعی نصاب را قبل از اینها رعایت میکنند اما زکوة را بعد از
جمیع اخراجات یا اخراج تنها میدهند و جمعی اخراجات سابق بر وجوب زکاة را
بر نصاب مقدم میدارند و اخراجات ما بعد را از جمله نصاب حساب میکنند
اما زکوة از آن میدهند اما آنچه روایات کثیره دلالت بر آن میکنند آنست که
حصهٔ سلطان را اخراج می باید کرد هر خرجی که باشد و سایر مذکورات دلیلی

نداده مگر بشهرت واحتیاط تمام آنست که هیچ چیز را اخراج نکنند خصوصاً
بواسطه ملاحظه نصاب واما ظاهر احادیث آنست که خراج سلطان را
وقتی حساب میکنند که بعنوان مزارعه با رعایا قرار کرده باشند والله اعلم
دویم چون اکثر علما برآنند که تعلق زکات بانگور در وقت غوره
شده است پس احتیاط آنست که اولا ارباب خبرت بیاورد وایشان تخمین
کنند که میوه آن چه مقدار است وباخود مقرر سازد که بآن نسبت زکاة
خام داد تا آنچه خورد حلال باشد ویا آنچه بردارد وزن کند وحساب
نگاه دارد ویا آنچه بردارد عشر غوره را بدهد و وقتی که رنگ بردارد و کند
وجو وقتی که دانه بر بندد بر نقار نان یا آنچه بردارد عشر آنرا بدهد یا
آنکه غوره را از غوره بدهد وانگور را از انگور ورطب را از رطب ومویز را
از مویز وخرما را از خرما ورطب را بجهت خرما نهد وخرما را از رطب نمیتوان
داد ولیکن مساواة اولی است خصوصا در جائی که قیمت رطب بیش از خرما
باشد یا انگور بیش از مویز واگر انگور را از مویز دهند اولی آنست که چهار من
یا پنج من را بعوض یک من مویز بدهند بآن نسبت که کم میشود وهمچنین رطب را
هرگاه از خرما دهند ملاحظه کم بود بکنند وبآن نسبت بدهند سیم اگر زکاة
واجب شود بر شخصی وپیش از دادن زکوة محتضر شود واجبست که وصیت کند

بان قدری

بآن قدری که از زکوة در ذمه اوست واگر زکوة نداده بمیرد خواه وصیت
کرده باشد وخواه نکرده باشد و وارث داند که مورث مشغول الذمه بچه
قدر از زکوة است واجبست که از مال میت زکاة را بیرون کنند وبعد از آن
ترکه را قسمت کنند واگر قرض دیگر داشته باشد پس اگر مال میت وفا بهر دو کند
زکوة وقرض را میدهند وبعد اگر از آن چیزی بماند بوارث میدهند وهمچنین اگر
زکاة بسیار در ذمه اش باشد ووصیت کند که این مبلغ زکوة در ذمه
من هست ومتهم نباشد نسبت بوارث آنچه وصیت کرده است بیرون میکنند
پیش از میراث واگر متهم باشد نسبت بایشان وظاهرش آن باشد که باعتبار
عداوت با ایشان دروغ گوید که بایشان چیزی نرسد درین صورت وصیت
از ثلث معتبر است واگر زکوة برو واجب شده باشد وبمیرد وقرض داشته
باشد و وفا بهر دو نکند وعین مال که زکاة بآن تعلق گرفته است باقی باشد
اول زکوة را تمام میدهند وبعد از آن دیون را میدهند بالحصص واگر عین مال
باقی نباشد وزکوة در ذمه اش قرار گرفته باشد وترکه وفا بهر دو نکند حصه
میکنند مال را بر زکوة ودیون بالنسبه واگر مال او وفا کند بقرض وزکوة احوط
آنست که وارث زکاة را پیش از قرض بدهند وبعد از ادای دیون میان خود قسمت
نمایند اگر زکوة واجب نشده باشد در غله بآنکه بد وصلاح نشده باشد و بمیرد

و قرض داشته باشد و بعد از مردن واجب شود پس اول قرض را میدهند و
باقی هرچه بماند میان ورثه قسمت میشود پس حصه هر وارثی که بنصاب باشد
زکوة میدهد علی الظاهر و اگر در وقتی که نصاب متصرف وارث در می آید
بعد از قسمت بدو صلاح نشده است و در ملک او بدو صلاح میشود دیگر غیر او
نیست که زکوة بران واجبست اما اگر بدو صلاح یا نامیدن آن در عرف
جو و گندم و خرما بعد از مردن مورث و پیش از قسمت میان ورثه حاصل
شود در وجوب زکوة بر وارث اشکالست و احوط آنست که بدهد والله اعلم
چهارم هرچه از زمین می روید از حبوب غیر گندم و جو زکوة در آن مستحب است
و حکم آن حکم گندم و جو است در نصاب پس می باید که هر یک از شلتوک
و نخود و عدس و ماش و لوبیا و غیر آن که بنصاب برسد و هم را باهم ضم نکنند
و اگر بعضی بنصاب رسد و بعضی نرسد آنچه میرسد زکوة میدهد و آنچه
نمیرسد نمیدهد و همچنین حکم آنها دارد در قدر زکوة باب باران و دوا
و ریشه خورده باشد عشر میدهد و الا نصف عشر و اگر از هر دو خورده
باشد بیشتر معتبر است و با تساوی نصف را از قرار ده یک و نصف دیگر را
از قرار بیست یک میدهد فصل اول در آنچه سنت است زکوة آن و آن بر چند
قسم است قسم اول حبوبست که الحال ذکر نمودیم قسم دویم زکاة تجارت است

و زکوة سنت است

و زکوة سنت است علی المشهور و بعضی واجب میدانند و احتیاط عدم ترک است
اما مال التجارت پس آن مالیست که مالک شود آنرا بعقد معاوضه و در وقت
مالک شدن قصد اکتساب بآن داشته باشد و این قصد مستمر باشد تا
آخر سال پس اگر مالی بعنوان میراث باو رسد یا بعنوان هبه یا وقف یا
تصدق و یا بزن رسد بعوض مهر یا بمرد رسد از زن بواسطه خلع یا
بخرد بقصد نگاه داشتن نه بقصد فروختن یا بقصد نفقه عیال
زکاة در اینها نیست علی المشهور بین الاصحاب و احوط آنست که بهر نحو مالی را
که مالک شود غیر نقدین و بقصد تجارت و اکتساب نگاه دارد تا یکسال
زکوة آنرا بدهد و شروط آن سه است شرط اول نصابست و لازم است که
در جمیع سال نصاب باقی باشد پس اگر یکروز از نصاب بیفتد زکوة ساقط
میشود و چون دیگر بنصاب میرسد از آن روز حساب میکنند و نصاب مال
تجارت آنست که قیمت آن بیکی از نصب طلا و یا نقره برسد پس اگر قیمت
مال دوازده هزار و ششصد دینار باشد از قرار عباسی ده دانگی یا بیست
اشرفی دو بتی باشد بنصاب رسیده است و هرچند بالا رود چهار دینار
یا چهل درهم نصاب دویم است بنحو نقدین و اگر مدتی بکند در که فایده در متاع
ظاهر نشود و بعد از آن ظاهر شود بنصاب دویم یا سیم برسد از آن روزی که فایده

ظاهر میشود سال فایده را حساب میکند و همچنین اگر بعد از مدتی فایده
دیگر ظاهر شود و نصاب سال این فایده را از وقت ظهور حساب
میکنند و اگر پیش از سال برگردد هرچه بر میگردد زکاة آن ساقط میشود
و اگر از مایه نیز کم شود و سال آن نیز ساقط میشود تا وقتی که باز بمایه
رسد و بالا رود و از آن روز دیگر حساب میکند اصل را و فایده را در وقت
ظهور و نصاب شرط دویم آنست که از مایه کم نشود هرچند مایه ده برابر
نصاب باشد پس اگر اندکی از مایه کم شود ساقط میشود چنانچه در نصاب
مذکور شد و اگر چند سال بگذرد که مایه در کمی باشد سنت است که زکوة
یکسال را بدهد شرط سیم سالست که بر مال بگذرد بنحوی که در طلا و نقره گذشت
پس اگر پیش از سال متاع را بکسی بخشد زکات ساقط میشود و اگر متاع را
بفروشد یا تبدیل کند بمتاعی دیگر اشهر آنست که ساقط نمیشود و ظاهر
اخبار و قول جمعی آنست که ساقط میشود پس دادن بقصد تصدق و احتیاط
اولی است و درین باب چند مسئله است مسئله اول هرگاه مالک شود
یکی از نصابهای زکوتی را بواسطه تجارت و سال بر آن بگذرد زکوة واجب را
میدهد و زکوة تجارت سنت ساقط میشود و اگر در اثناء سال تبدیل
کند بمثل آن مثل آنکه چهل گوسفند را بدهد و چهل یا زیاده گوسفند یا ده

بگیرد

بگیرد بواسطه تجارت پس حول واجب ساقط میشود و همچنین حول
سنت بنا بر قولی که می باید که عین باقی باشد و بنا بر قول مشهور حول
مالیه واجب را از سر میگیرد و چون سال تجارت بسر میرسد زکاة
تجارت را میدهد و بعضی گفته اند که اگر شرایط مالیه بماند تا
آخر سال کاشف می آید که مالیه را می باید داد و تجارت ساقط است
و اگر شرایط آن باقی نماند بآنکه معلوفه شود زکوة تجارت می باید داد
و چون در یک مال دو زکوة نیست بنا بر حدیث و این قول قوی است
مسئله دویم قرض مانع از زکوة تجارت نیست چنانکه مانع از زکوة مالی
نیست اگرچه همین مال را قرض کرده باشد و بعضی گفته اند که اگر زکوة
دادن سبب بقاء شغل ذمه او شود بقرض دادن اولی از زکوة سنت
دادن است و اول اظهر است مسئله سیم هرگاه در مال مضاربه نفعی ظاهر شود
زکوة اصل بر مالکست و زکوة نفع بر هر دو است و سال نفع را از زمان ظهور
نفع حساب میکنند و خلافست که بعد از سال پیش از نقد شدن زکوة
می تواند داد یا نه و بهتر آنست که عامل اگر خواهد که بدهد برخصت مالك
بدهد و مالك بی رخصت عامل می تواند داد قسم سیم سنتست زکوة
در حاصل حمام و دکان و کاروانسرا و باغات و امثال اینها بنا بر مذهب مشهور

میان علما و آیا شرطست که این حاصل نیز بنصاب طلا و یا نقره برسد و سال
بران بگذرد تا زکوة باید داد یا آنکه هرچیز که بهم میرسد از حاصل هر
قدری که باشد بهمان لحظه حین یک از آن باید خلافست میان علما
و احوط قول دویم است پس حاصل طلا و نقره باشد بنا بر قول دویم که حال
زکوة سنت را میدهد و اگر باقی بقدر نصاب باشد و سال بران بگذرد
زکاة واجب را نیز میدهد و بنا بر قول اول همین زکوة واجب کافیست و اگر
حاصل فلوس و امثال آن باشد مستحب است زکوة آن باشد در همان وقت
بنا بر قول ثانی و اما بنا بر قول اول شرطست در استحباب زکوة که این بقیمت
یکی از نصاب طلا برسد و سال بران بگذرد و اصل استحباب این زکوة
دلیلش شهرت بین الاصحابست و روایتی بر آن بنظر نرسیده تا حال
است
اما شهرت اصحاب بتنهایی مستند نمی شود و غالبا و بواسطه مستحب همین کافی
بنا بر آن مستحب خبر صحیح که هر که بشنود ثوابی را بر عملی و آن را بجای آورد حق
تعالی آن ثواب را باو میدهد هرچند موافق واقع نباشد و در خبری
دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام وارد شده که هر که را برسد ثوابی
از حق تعالی بر عملی یا دان عمل را بجای آورد بقصد آن ثواب حق تعالی باو کرامت
میکند آن ثواب را و اگرچه آن حدیث چنان نباشد که شنیده است و سنت

در خانها و جامها و ظروف و اثاث البیت و متاعی که بواسطه نگاه داشتن
خزینه باشد زکوة دادن اما در اخبار صحیحه وارد شده که از مال حقوق
بسیار است بغیر از زکاة چنانچه حق تعالی فرموده است در مقام
مدح جمعی که وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ یعنی
جماعتی اند که در مالهای ایشان حقی مقرر هست از جهت سائلان و از
جهت آن جماعتی که با وجود فقر سؤال نمی کنند و مردم ایشان را غنی می پندارند
و از این سبب محروم می مانند و یا جماعتی که بهر کاری دست می زنند نفعی
نمی یابند و آن مقداریست که آدمی بحسب وسعت حال بر خود مقرر می
سازند که هر روز آن مقدار را بفقرا بدهد اما بران مداومت کند و ترک
نکند و دیگر ماعونست که حق تعالی مذمت کرده است جمعی را که منع
میکنند ماعون را چنانکه فرموده است وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ و آن قرضی است
که بان یاوری کنند برادران مؤمن را یا متاعی از امتعه خانه مثل ظروف
و جامه و زرینه که بهمسایگان بعاریت دهند یا احسان که بمؤمنان
کنند و دیگر صلهٔ رحم و آن بر همه تصدقات فضیلت دارد و دیگر
سایر تصدقات است که الله تعالی در قرآن مجید مدح آن فرموده اند
که زکوة بر دو قسم است زکوة ظاهر و در آن بنحوی است که حق تعالی

درین چیز مقرر فرموده است واما زکوة باطنه آنست که خود را بر برادران
مومن مقدم ندارد و ایشان را بر خود مقدم دارد فصل دویم
در مستحق زکوة است و انها هشت طائفه اند که الله تعالی در قرآن مجید
ایشان را یاد کرده است اول فقرا دویم مساکین اند و ایشان کسانی اند که
قوت سالیانه خود و عیال خود را نداشته باشند که بسبب آن معاش ایشان
بگذرد و در روایات صحیحه وارد شده است که مساکین پریشان ترند
پس اولی آنست که زکوة خود را بجمعی پریشان بدهند و بجمعی که از انها
پریشان تر باشند نیز بدهند واگر کسی مایه داشته باشد و بان تجارت
کند و معاش او بگذرد غنی است واگر مایه او تمام نیز وفا بخرج او نکند
واگر ملکی یا مایه داشته باشد که بحاصل تجارت و زراعت ان معاش او
بگذرد و از قیمت اصل ملک و مایه تجارت معاش او بگذرد آیا زکوة می تواند
گرفت یا نه خلافست میان علما و مشهور انیست که نمی تواند گرفتن و جمعی
کثیر از محققین علما را اعتقاد اینست که می تواند گرفت تتمه خرج خود را
و قول آخر از بهتر دلالت اخبار صحیحه معتبره راجحست والله اعلم واگر مایه
و ربح و تجارت هر دو نیز وفا بخرج او نکند باین نحو که تجارتی باین مایه
کند و تبدیه اصل و ربح را خرج کند در این هر سه صورت بی دغدغه

زکوة میتواند گرفت و همچنین کاسبی که کسبش وفا بخرجش نکند زکوة میتواند
گرفت اما در قدر زکوتی که میگیرند این جماعت خلافست بعضی گفته اند
که تتمه خرج خود را اگر کسب و تجارت با آن وفا نمی کند می تواند گرفت و زیاده
جایز نیست و بعضی گفته اند که چون فقیر بر او صادق است هر قدر که خواهد می تواند
گرفت و ظاهر زیاده نگرفتن از قدر ضروری سنت باشد واگر خانه بقدر خود
و عیال خود و مناسب حال ایشان داشته باشد یا بنده بقدر احتیاج
یا اسبی یا شتری که بان محتاج باشد مانع نیست از گرفتن زکوة و میتواند گرفت
اما اگر خانه بزرگ باشد و زاید بر ایشان باشد یا اسب قیمتی باشد و تواند
فروختن و اسبی یا خانه مناسب خریدن و بزیادتی معاش سال را گذرانیدن احوط
آنست که زکوة نگیرد و احوط آنست که زیاده از یک اسب و غلام نگاه ندارد
واگر زاید داشته باشد و قیمت ان زیادتی بمعاش سالش وفا نکند واجب نیست
فروختن و زکات میتواند گرفت واگرچه اولی نگرفتن است و بعضی استثنا
کرده اند ضروریات خانه و جامه تجمل و کتب علمیه که ضرور بوده باشد و
ظاهر اعلیا و میتواند کرد حاصل انچه ضرور است مانع نیست حتی ابزار دکان
کفش دوزی و آهنگری و امثال اینها هرگاه معاش او از کسبش نگذرد و بعضی
از علما ذکر کرده اند که اگر بر شخصی بنده آزاد کردن در کفاره تعدی واجب شده باشد

وچیزی نداشته باشد می توان از سهم فی الرقاب غلام خرید وباو داد یا ذر
باو داد تا برای کفارهٔ خود آزاد نماید واکر شخصی دعوای فقر کند پس اکر
صاحب مال میداند فقرش را می تواند داد واکر داند کاذبست نمیدهد
واکر نداند پس اکر عادل باشد می تواند داد واکر عدالتش ظاهر نباشد وفقرش
احوط آنست که تفحص احوال او بکند تا ظنش حاصل شود بفقر وبدهد واکر ظاهر
احوال او فقر باشد دور نیست که تواند دادن بی تفحص وتفحص احوال اولی است واکر
دو عادل شهادت دهند بر فقرش بی دغدغه می تواند داد هرچند پیشتر مالی داشته
باشد خصوصا هرکاه دو عادل بکویند که میدانیم که مالش تلف شد ودرین صورت
احوط تفحص است بعضی کفته اند که درین صورت که دعوی نماید که مالم تلف
شده اکر قسم یاد کند بر تلف مال وبر فقر میتوان دادن وظاهرا اکر ممکن باشد
کواه مقدم است بر قسم وواجب نیست که انچه بفقیر دهند بکویند که این
زکوتست بلکه نیت کافیست باین نحو که بواسطهٔ خدا زکوة مال خود را
باو میدهم هرکاه جزم داشته باشد بفقر واستحقاق او بلکه اکر شخصی باشد
که لایق او نباشد که زکوة کیرد بهتر آنست که زکوة را بعنوان هدیه از جهت او
بفرستند وقصد زکوة کنند لله واکر احتمال دهند که او چیزی داشته باشد
مخفی از مردم از احوال او استفسار وسؤال کنند تا خاطر جمع کنند بر فقر او

وازجهت او بفرستند واکر ظاهر شود که انکه زکوة باو داده اند مستحق نبوده است
پس اکر در وقت دادن تفحص کرده است ونهایت سعی کرده بمثل شهادت
عدلین یا استفاضه یا معاشرت وعین مال تلف شده باشد نزد مستحق
مرتبهٔ دیکر نمی باید داد وهمچنین اکر عین مال باقی باشد ونتواند کرفت
که بمستحق دیکر بدهد ضامن نیست وهمچنین اکر زکوة را بامام یا نایب خاص یا نایب
عام که عبارت از مجتهد یا محدث جامع الشرایط باشد داده باشد مالک
بری الذمه میشود اما نایب خاص یا عام اکر تفحص نکرده باشد ضامن است واکر
زکوة را بفقیر بمجرد دعوی فقر میتوان داد ظاهر اینست که ضامن نباشد واکر نتوان
بمجرد دعوی داد بلکه ثبوت شرعی باید وبدون ثبوت بدهد ضامن است و
ظاهرا فرقی میان امام ونایب ومالک در این حکم نباشد وبعضی که فرق کرده اند
بنا بر آنست که مالک ضامن است وامام ونایب او ضامن نیستند بی عجز می نماید
وظاهر عبارات اکثر علما آنست که بمجرد دعوی می توان داد خصوصا با عدالت و
نهایت احتیاط ملاحظهٔ ثبوت است باین نحو که فقرش تا ببینهٔ شرعی ثابت نشود ندهد
واکر بدهد وخلافش ظاهر شود احتیاطا مرتبه دیکر بدهد واکر ببینهٔ شرعی
داده باشد وخلافش ظاهر شود ونتواند پس کرفتن بر او ضمان نیست والله تعالی
یعلم وهمچنین اکر مالک تفحص نکرده باشد مرتبه دیکر میدهد واکر عین باقی باشد

پس میگیرد واگر تلف شده باشد پس اگر در وقت دادن گفته باشد که این زکات است
و ممکن باشد پس گرفتن پس میگیرد واگر نگفته باشد مشکل است پس گرفتن سیم
از مستحقین زکات عاملان اند وایشان جماعتی اند که امام ع ایشان را مقرر میسازد
بواسطه گرفتن زکوة وایشان زکوة را میگیرند و بخدمت امام ع می آورند
وامام ع بمستحقین میدهد وبایشان نیز حصه میدهد وهمچنین در حالت
غیبت اگر فقیه جامع الشرایط قدرت بر نصب عامل داشته باشد ونصب کند
زکات باو می تواند داد بنا بر قول جمعی از علما واز ظاهر عمومات اولی آنست که
فقیه جامع الشرایط تواند عامل نصب نمودن وحصه از زکاة باو دادن واگر
فقیر را بواسطه این امر مقرر سازند واز سهم فقرا باو بدهند نهایت احتیاط خواهد
بود والله اعلم چهارم از مستحقین زکوة مؤلفة قلوبهم اند وایشان جمعی اند که حضرت
امام علیه السلم بواسطه آنکه ایشان را الفت فرماید باسلام از کافران یا الفت دهد
ایشان را بایمان از سنیان میدهد وچون این دو صنف را امام ع میدهد احکام
انرا ذکر نکردیم که حکمش تعلق بحضرت امام علیه السلم دارد مگر وقتی که کفار بر سر
مسلمانان آیند ودفع ایشان واجب شود بمؤلفه میتوان داد پنجم از مستحقین
زکوة فی الرقاب اند وان حصه ایست از زکاة که صرف می نمایند در آزادی بندگان
وآن بندگان بر سه قسم اند اول مکاتبان اند که با آقا مقرر ساخته اند که مالی

در وعده چند بدهند وآزاد شوند پس اگر چیزی نداشته باشند وزمان
دادن حاصل شده باشد باقا میتوان دادن وبمکاتب نیز که باقا بدهد
بواسطه مال کتابت واگر مکاتب کسبی داشته باشد که مال کتابت را
تواند داد دادن بهتر آنست که از زکاة نگیرد ومی باید که آنچه باو میدهند
در مال کتابت صرف نماید مگر آنکه مکاتب فقیر باشد ومعاش خود را
از کسب نتواند کرد [illegible] جایز که باو دهند از سهم فقرا ودر این
صورت خرج میتواند کرد در هر جا که خواهد وظاهر اینکه بمکاتب مشروط
توان دادن پس اگر همه مال کتابت اورا بدهند وآزادش کنند حرفی
نیست واگر خوف آن باشد که عاجز شود وبر بندگی برگردد نیز میتوان
دادن علی الظاهر پس اگر آزاد شود فبها واگر عاجز شود وبر بندگی
برگردد اگر آقا بی مضایقه پس دهد یا شرط کرده باشند در وقت دادن
که اگر عاجز شود ومولی وی را بنده سازد مال زکوة را پس دهد فبها و
الا خلاف است واظهر آنست که جبر نتوانند کرد واگر دعوی کند
غلامی که آقای وی وی را مکاتب ساخته اند واقا تصدیق کند وقرائن مفید علم باشد
یا دو گواه عادل شهادت دهند بر کتابت میتوان دادن والا مشکل است
اگر چه ظاهر آنست که ظن قریب بعلم کافی باشد در صدق دویم بندگانی اند

که جفا کشند از آقا و خدمات شاقه باشان فرماید از مال زکوة بخرند
ایشان را و از آقا و آزاد میکنند احتیاطا اگرچه ظاهر آنست که بخریدن
آزاد می‌شوند و احتیاج بآزاد کردن نیست سیم اگر مستحق یافت نشود
غلام میتوان خریدن و آزاد کردن هرچند در شدت نباشد و احوط آنست
که این بندگان شیعه باشند و اگر صالح باشند بهتر است **ششم** قرضداران اند
که قرض کرده باشند و آنرا در معصیت صرف نکرده باشند از سهم غارمین
می‌دهند بایشان و اگر ندانند که در معصیت صرف کرده اند یا در طاعت
اشهر آنست که از سهم غارمین بایشان میتوان دادن و بعضی گفته که بایشان
نمیتوان دادن که آن شخص قرض را در معصیت صرف کرده است اما اگر توبه
کرده باشد و فقیر باشد از سهم فقرا باو میتوان داد که او در ادای دین میتواند
نمود و اگر گوید که قرض دادم و عادل باشد میتوان داد و همچنین اگر دو گواه
عادل بر قرض بگذرانند میتوان داد و اگر عدالتش ثابت نباشد و گواه عادل
بر قرض خود نیز نداشته باشد و ادعای قرض نماید ظاهرا توان داد چون
افعال و اقوال مسلمانان محمول بر صحت است و اگرچه احوط آنست که سعی نماید
در تفحص احوال فقیر و بمجرد دعوی عمل ننماید **هفتم** فی سبیل الله یعنی در راه
حق سبحانه و تعالی و آن جهاد است و سایر خیرات از یاری حاجیان و زوار

حضرات

حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم و بنا مساجد و پلها و امثال اینها و
بعضی گفته‌اند که مراد از سبیل الله جهاد است و بس و اول اظهر است و
احوط آنست که اگر فقرا و مساکین بوده باشند زکاة را صرف ایشان نمایند
مگر آنکه جهاد ضرور باشد و مردم جفا کشند در بودن آن در این صورت صرف
بلا تمیز آن میتوان نمود و اگر در حالت غیبت امام ع جنگ لازم شود بانکه
کفار بر سر مسلمانان آیند یا سنیان بر سر شیعیان آیند و دفع ایشان
واجب شود زکوة بغازیان میتوان داد بلکه بمؤلفة قلوبهم بواسطه این
جهاد میتوان دادن و چون بغازی دهند آن نقد را باید داد که خرج راه
او باشد و کرایه اسب او و اگر برود و جنگ واقع نشود پس بگیرند اگر
نرود پس میگیرند **هشتم** ابن السبیل است و آنکسیست که بغربت گرفتار
شده باشد و خرج رفتن بخانه خود نداشته باشد آن مقدار باو میدهند
که بخانه خود رسد اگر سفرش معصیت نباشد یا آنکه اول معصیت باشد و آخر
توبه کرده باشد و همچنین زکاة را صرف مهمانی مسافران میتوان کرد هرگاه
فقیر باشند و بعضی گفته اند که مطلقا **فصل سیم** در اوصاف مستحقین
زکاتست پس شرطست که شیعه اثنا عشری باشد غیر مؤلفه پس بکافر نمیتوان
داد و اگر سنی شیعه شود و زکاة را بسنیان داده باشد مرتبه دیگر می‌باید

داد بشیعهٔ اثنا عشری وباطفال شیعیان میتوان داد که صرف ایشان کنند
واحوط آنست که عادل باشند ظاهرا که متظاهر بکردن کبایر وترک فرایض
نباشند کافیست والله اعلم واقلا اجتناب از کبایر کنند خصوصا شارب
الخمر که منقولست که زکات را باو نمی توان داد اگرچه صرف شراب نکند اما
عامل زکوة شرطست عدالت او البته دیگر شرطست که واجب النفقه مالک
نباشد مثل پدر ومادر واجداد وجدات وفرزندان وفرزندزادگان
وزن وبنده وزن بشوهر میتواند دادن هرچند شوهر صرف زن نماید
بعد از گرفتن واگر شخصی احسان کند بشخصی تبرعا ومعاش او باو کند در ظاهرا
زکاة میتواند گرفت اگرچه احوط آنست که نگیرد وهمچنین شخصی که وظیفه
داشته ومعاش او بان گذرد واحوط آنست که زکوة را نگیرد واگر شخصی را
درعیال خود داشته باشد تبرعا زکوة باو می تواند دادن واحوط آنست
که آنچه صرف او میکند از زکاة حساب نکند وبهتر آنست که زکاة خود را
بخویشان بدهد بعد از ایشان بجمعی که هر ساله با ایشان میدهد
با استحقاق ایشان واگر واجب النفقه قرض داشته قرض باشد جایز است
که قرض او را از زکاة بدهد واگر پدر غش بنده باشد می تواند خرید از مال زکوة
وآزاد می شود دیگر شرطست که مستحق زکوة از بنی هاشم نباشد اگر دهنده هاشمی

نباشد

نباشد واگر هاشمی باشد بهاشمی میتوان دادن وهاشمی منحصراست در اولاد عبد المطلب
واولاد او والحال منحصراست در اولاد ابوطالب وعباس وحارث وابولهب وولد او
عبدالله منحصر بود در حضرت سید المرسلین صلعم واز اولاد آن حضرت فاطمه
ولد داشت از حضرت امیر المؤمنین ع واز ذکور حضرت امام حسن وامام حسین
علیهما السلام ومحسن بهم رسید ومحسن بضرب عمر وقنفذ غلام او شهید شد
وبعد از ان حضرت فاطمه ع بان ضرب شهید شدند واز اولاد حضرات
حسنین علیهما السلام عالم پر شد لهذا اولاد حضرت خاتم النبیین صلعم بوعده
که حق تعالی کرد آنحضرت را در سوره کوثر واز بنی امیه وغیر ایشان اند دشمنان
آنحضرت اثری نمانده بوعده إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ والیوم از اولاد عباس کسی
نمانده است که نسبت او ظاهر باشد وهمچنین از حارث وابولهب مگر نادرا و
از اولاد ابوطالب جعفر وعقیل نیز اولاد بسیار بهم رسید اما تواتر نسبت ایشان
ظاهر نیست الحال پس باین جماعت زکوة نمیتوان داد اگر منسوب باشند بایشان از
پدر واگر مادر هاشمی باشد وپدر خلاف احوط آنست که بایشان نیز زکوة ندهند
ونیز خمس واز رد مظالم بایشان میتوان دادن واگر خمس وفا نکند بسادات از
زکوة بایشان میتوان داد قوت سالیانه را واحوط آنست که زیاده از قوت
روزانه ندهند بلکه نهایت احتیاط آنست که بقدر سد رمق هاشمی بگیرد اما

زکوة سنتی را بهاشمی میتوان داد بلکه ظاهرا واجبی غیر زکوة را نیز میتوان داد
مثل نذر و کفاره و رد مظالم   در اخراج زکوة است و آن کسی که زکوة را میدهد
بمستحقین امام است و نایب امام عم مثل عامل و همچنین مالک و نایب مالک مثل
وکیل و پدر و جد پدری و اولی و احوط آنست که زکوة را بنزد امام عم برند خصوصا
اموال ظاهره را علی المشهور و آن غلات و مواشی است و اگر حضرت امام عم طلب کند
زکوة را واجبست که نزد آن حضرت برند و این در زمانیست که امام عم حاضر باشد و
طلب زکوة نماید واجبست بخدمت ایشان برند و شك نیست و اگر طلب نماید اولی
و احوط آنست که زکوة را بخدمت امام یا نایب امام خاص او برند و در زمان غیبت
امام جمعی از علما قایلند که واجبست بخدمت نایب عام بردن که او عبارت از فقیه
عادل جامع الشرایط مفتی است و شك نیست که این احوط و اولیست خصوصا در وقتی
که طلب کند خودش یا عامل والله اعلم و در وقتی که امام طلب کند و نبرند و خود بدهند
مجزی نیست و اگر عامل طلب کند واجبست که باو بدهند چون نایب امام علیه السلم
و مخالفت او مخالفت آنحضرتست و عامل بی رخصت آنحضرت بمستحق نمیتواند
داد و چون قسمت نماید افضل آنست که بهمه اصناف مستحقین برساند اگر
ممکن باشد و از هر صنفی اقلا سه کس را بدهد و بهمه رسانیدن واجب نیست
بلکه بیك کس تمام زکوة را بیك دفعه میتوان داد و اگر بیك دفعه بمستحق بدهند

مقدار

مقدار قوت سالیانه او و عیال او را دیگر باو نمیتوان داد مگر آنکه او کسبی
ببخشد اگر از روی حیله باشد و احوط آنست که زیاده از قوت یکساله بفقیر
ندهند خصوصا وقتی که فقرا بسیار باشند و بهتر آنست که بقدر احتیاج
بدهند کسانی را که عیال ایشان بسیار باشد بیشتر بدهند که در عرض سال
برفاهت بگذرانند و علما و اتقیا و صلحا را مقدم دارند و بهتر آنست که زکوة
گاو و گوسفند و شتر را باهل تجمل بدهند که وقتی چیزی داشته باشند و الحال
پریشان باشند و واجبست که در وقت دادن بامام عم یا عامل یا مستحق نیت کنند
که زکوة مال خود را میدهم قربة الی الله و اگر قصد وجوب نکنند بهتر است و اگر
نداند که بنصاب رسیده است یا نه و قصد کنند که اگر زکوة بر من واجب باشد این
زکوة باشد و الا صدقه سنت باشد یا بگوید که اگر مال غایب من باقی باشد این
زکوة آن باشد و اگر باقی نباشد این صدقه سنت باشد صحیح است و این تردید در نیت
نیست بلکه تردید در منوی است و اگر گوید که این مالی که میدهم زکاة باشد یا صدقه
این تردید در نیتست و صحیح نیست و اگر مالك نیت نکرده باشد و عامل یا وکیل
یا مجتهد نیت کند کافیست و اگر هر دو نیت کنند بهتر است و احوط آنست
که تعیین نوع زکوة نماید باین نحو نیت کند که این زکوة مالست یا زکوة
فطره است و اگر چهل گوسفند داشته باشد و پنج شتر و دو گوسفند بر او واجب

شده باشد و یك کوسفند بدهد و قصد زکوة کند کافی است
ولیکن بهتر آنست که یکی را قصد زکوة شتر کند و یکی را قصد زکوة
کوسفند و واجبست که چون وقت تعلق وجوب برسد زکوة را
بدهند مکر در غلات که چون دانه را صاف کنند انکاه میدهند همچنین
انکور و خرما را وقتی که بچینند زکوة میدهند و احوط آنست که بی فاصله
بدهند مکر انکه مانعی داشته باشد مثل انکه انتظار عامل کشند یا
مستحق بی دغدغه بهم رسد و اکر با عذر تاخیر کنند بهتر آنست که از دو
ماه نکذرانند و ظاهرا بی عذر نیز دو ماه تاخیر توان کرد اما مکروهست و اکر
بی عذر تاخیر کنند و تلف شود ضامن است و احوط آنست که زکوة هر جا را
بمستحقین انجا بدهند و بجای دیکر نقل نکنند و اکر نقل کنند و تلف شود
ضامن است اکر در انجا مستحق یافت شود و اکر در انجا بهم نرسد نقل
میکنند و اکر تلف شود ضامن نیست و جایز نیست زکوة را قبل از وقت
وجوب بدهد مکر انکه قرض دهد بمستحق که چون وقت شود برو حساب
کند بزکوة و اکر در وقت وجوب مستحق بر صفت استحقاق باقی باشد و
مال بر صفت وجوب و اکر چه مستحق غنی شده باشد باین مال که اکر این
از وی بکیرند فقیر شود و اکر فقیر نشود مال را از وی میکیرند و بدیکری

میدهند و لازم نیست که از وی بکیرند تا فقیر شود و باو دهند بلکه بر وی
حساب زکاة میکنند و اکر چهل کوسفند داشته باشد و پیش از سال
یك کوسفند را قرض دهد زکوة ساقط میشود و اکر زیاده از چهل داشته
باشد و زیادتی را قرض دهد زکوة واجبست و اکر کوسفندی را قرض
دهد بمستحق زکوة پیش از سال و بچه بیاورد بچه آن از مستحق است
و کوسفند میکیرد اکر خواهد که بمستحق دیکر دهد و یا فقیر غنی شده
باشد یا فاسق شده باشد و بفاسق نتوان داد و اکر کوسفندی که بقرض
کرفته است لاغر شده باشد کوسفندی پس میدهد مثل کوسفندی که قرض
کرفته است و بهتر آنست که همان را پس بکیرد و سنت است که در وقت درو کردن
اکر فقیر حاضر باشد هر فقیر را یك دسته کندم بدهد هر چه بدستش آید و در
وقت چیدن خرما و انکور یکمشت خرما و یکمشت انکور بدهد و بزکوة حساب
نکنند و بعضی کفته اند که واجبست و احوط آنست که ترك نکنند و در احا
صحیحه معتبره انچه ظاهر میشود که این در درو کندم حق الحصاد می نامند
و در خرما و انکور حق الجداد آیه کریمه و آتوا حقه یوم حصاده ائمه معصومین
علیهم السلم باین حق تفسیر نموده اند که این غیر زکوة است و وجوب و استحبابش
ظاهر نیست و در تفسیر بقیه آیه کریمه و لا تسرفوا است فرموده اند که مراد

از اسراف در دادن بدو دست است بیک دست باید داد و زیاده نمی باید داد
الله اعلم **مقصد چهارم** در زکاة فطره است سابقا در اجمال شب عید رمضان فی
الجمله بر سبیل اجمال ذکر نمودیم و چون محتاج بر بسط و تفصیل بود بهذا کما
ینبغی ذکر می نمائیم بنا بر وعده که در انجا نموده بودیم بدانکه واجب نمیشود
این زکوة فطره مگر بسه شرط **اول** تکلیف است پس واجب نیست بر صبی و مجنون
و همچنین بر مغمی علیه نیز واجب نیست اگر در وقت شام شب عید بیهوش
باشد تا پیشین روز عید و اگر بعد از شام و پیش از ظهر بهوش آید احوط
آنست که بدهد **دویم** آزادی است پس واجب نیست بر بنده و در حکم اوست
مدبر و ام ولد و مکاتب مشروط و مکاتب مطلقی که چیزی از او آزاد نشده
باشد و اگر آزاد شده باشد بسبب بندگی بر آقا واجبست و بنسبت آزادی بر او
و احوط در مکاتب مطلق آنست که خود بدهد باذن آقا و همچنین اگر بنده بعضی
از او آزاد باشد و بعضی بنده باشد زکات بر مکاتب است **سیم** غناست پس
واجب نیست بر فقیر و آن کسی است که مالک نباشد قوت سالیانه خود را
و عیال خود را که واجب النفقه او باشد بتفصیلی که گذشت و اگر کسی داشته
که معاش او بآن کند و مقدار فطره زیاد آید بر خود غنیه واجبست فطره
دادن و اگر معاش او بآن کسب کند و قدر فطره او و عیال او زیاد

نباید مشهور وجوب زکات است و این احوط است اگرچه اظهر عدم وجوبست
و کسی که فقیر باشد سنت است که یکصاع را از خود بدهد بیک کس از عیال خود
و او بدیگری تا بهمه برسد و بعد از آن بمستحق دهند و اگر آخر با اول و خود
صرف نمایند ظاهرا کافی باشد و هرگاه شرایط وجوب متحقق شود واجبست که
اخراج فطره کند از خود و از هر کس که واجب النفقه او باشد بشرط آنکه عیال
دیگری نشده باشد و در شب فطر اگر عیال دیگری شده باشد بر او واجب است
و همچنین هر کس که در خانه او باشد از مهمان و غیر آن که آخر ماه رمضان پیش
از شام در آن خانه باشد و افطار کند علی الاظهر و اگر بعد از شام داخل شود
و افطار کند و یا نکند واجب نیست بر صاحب خانه و اگر پیش از شام داخل
شود و افطار نکند احوط آنست که هر دو بدهند یا یکی از ایشان باذن
دیگری بمستحق دهند قربة الی الله و در مهمان که زکوة فطره او واجب است
خلافست بعضی گفته اند که کل ماه می باید که مهمان اینکس باشد و بعضی
گفته اند که نصف آخر ماه و بعضی گفته اند که دو شب آخر ماه و بعضی گفته اند
که یکشب آخر را و مشهور میان متأخرین آنست که جزوی از ماه رمضان را
مهمان که در خانه مهمان دار دریابد زکوتش واجبست دادن
باین نحو که اندکی پیش از غروب آفتاب وارد خانه او شود و این

قول آخر احوط است وعمل علما در این زمان باین قول است الله اعلم واگر
شخصی عیال او نباشد اما نفقه وکسوه او را دهند ودر خانه دیگر
باشد زکوة او بر معطی نیست وهمچنان اگر در شب عید پیش از شام
از جهة همسایگان طعامی بفرستد یا فقیر را چیزی بدهد یا شخصی در ماه
رمضان مهمان باشد ودر شب عید جای دیگر افطار کند یا بعد از شام
عید چیزی خورده باشد وبخانه او آید یا نخورده باشد وبعد از شام باید
علی الظاهر زکوة بر او واجب نیست واحوط آنست که عیال او که واجب النفقه
او نباشد یا مهمانی را که پیش از شام طلب کرده باشد اگر اینها چیزی نخورده
باشند بعد از شام بیایند وآنجا افطار نمایند که در این دو صورت
او زکوة ایشان را بدهد واگر شرایط وجوب در ایشان باشد خود نیز
بدهند واگر غنی مهمان فقیر شود یا زوجه غنی باشد وزوج فقیر
باشد احوط آنست که مهمان غنی وزوجه خود بدهند واز مهمان دار وزوج
ساقط است وواجبست نیت قربة در وقت اخراج بمستحق واگر در
وقت جدا کردن نیت کند ودر وقت دادن بمستحق نیز نیت کند
احوط است خصوصا هرگاه فاصله بسیار شده باشد ودر نیت
همین کافیست که قصد شان از دادن زکوة اطاعت امر الهی است واگر

نیت وجوب یا ندب را ادا کند بهتر است واگر زکوة مال در ذمت
او باشد وزکاة فطره نیز در ذمت او باشد در وقت دادن در خاطر
باشد که این زکوة فطره است کافیست وبهتر آنست که نیت کند که
در وقت جدا کردن که این صاع را بیرون میکنم از مال خود از جهة
فطره خود یا فطره عیال خود از جهة آنکه واجبست لله تعالی یا اطاعة
لامر الله یا قربة الی الله ودر جائی که وجوب یا ندب ظاهر نباشد
بهتر آنست که قصد قربة تنها کند یا تردید کند که اگر واجب باشد
واجب واگر سنت باشد سنت قربة الی الله ودر وقت نیت اخراج
شام شب عید است تا ظهر روز عید پس اگر جدا کرده باشد فطره را
ونیت کرده باشد در این مدت کافیست اگر چه بعد از ظهر بمستحق برسد
وبعضی گفته اند که احوط آنست که پیش از نماز عید بمستحق برساند
واگر بعد از شام جدا کند وقبل از نماز عید رساند بهتر دانسته اند
واما مظنون آنست که اول وقت اخراج صبح روز عید است وآخرش
نماز عید همچنانکه بعد از این بتفصیل خواهد آمد الله اعلم ودرین باب چند
مسئله است **اول** کسی که بالغ شود یا مسلمان شود پیش از شام یا دیوانه
عاقل شود یا فقیر قوت سالیانه بهم رساند پیش از شام واجبست واگر این

عذرها نازل شود بعد از شام تا ظهر مستحب است و همچنین اگر مالک بنده شود
یا فرزندی بزاید پیش از شام زکوة ایشان واجبست و اگر بعد از شام
باشد تا ظهر مستحب است **دویم** زوجه اگر دخانه او باشد و چیز او را
خورد اگر چه ناشزه باشد و اطاعت واجبه شوهر را نکند فطره او بر
شوهر است و اگر عیال دیگری شود در شب عید پیش از شام و افطار از آن
خانه کند بر آن دیگر واجبست و اگر عیال کسی نباشد و چیز خود را خورد
و مطیعه باشد فطره او بر شوهر است علی المشهور و همچنین اگر ناشزه باشد
در این صورت بر مذهب بعضی و جمعی گفته اند که بر خودش واجبست احوط
آنست که هر دو بدهند **سیم** غلام و کنیز اگر در عیال آقا باشد بر آقا جایز است
و اگر عیال دیگری شوند بر او واجبست و اگر در کسب خود خورند بر آقا واجب است
اگر حاضر باشند و اگر گریخته باشند یا غایب شده باشند و خبر ایشان رسد
که زنده اند مشهور آنست که بر آقاست و اگر خبر ایشان نرسد و مدتی
مدید باشد که غایب شده باشند جمعی گفته اند که بر آقا واجبست تا علم
بموت ایشان بهم رساند و این احوط است **چهارم** پدر و مادر و جد
و جده و فرزند و فرزند زاده کان هر گاه فقیر باشند نفقه ایشان واجب است
پس نفقه او را خورند فطره بر اوست و اگر عیال دیگری باشند بر آن دیگر است

و اگر واجب النفقه او باشد و او نفقه ندهد با ایشان مشهور آنست که فطره
ایشان بر اوست و این احوط است و اگر فرزند بالغ نباشد و غنی باشد و عیال
کسی نباشد زکوة او بر پدر واجب نیست و بر وی نیز واجب نیست و همچنین دیوانه
غنی **پنجم** کسی که فطره او بر دیگری واجب باشد و او دهد از آنکس ساقط
میشود و اگر داند که او نمیدهد یا آن شخص فقیر باشد احوط آنست که خود بدهد
خصوصا زن غنیه که چیز خود را خورد و احوط آنست که مهمان غنی در شب عید
فطر افطار از مال خود بکند و بخانه فقیر آید تا جد عذر بر خودش واجب شود
ششم هرگاه مولی بمیرد بعد از شام زکوة او در مال آقاست و اگر پیش از شام
بمیرد بر ورثه است و اگر قرضی داشته باشد که فرا گیرد تمام اموال میت را احوط
آنست که ورثه فطره بنده را از مال خود بدهد **فصل پنجم** در جنس فطره است
و مقدار آن و مشهور میان علما آنست که هر چه قوت باشد میتوان داد احوط آنست
که گندم یا جو یا خرما یا مویز یا کشک بدهد و بهتر آنست که خرما بدهد بعد از آن مویز
و دیگر آنچه غالب باشد و جایز است که قیمت اینها را از شاهی و اشرفی جدید
و طاهر افلوس هم میتوان داد بلکه متاع نیز و لیکن آنست که از غیر آن سه
بقیمت ندهد مراد از سه اشرفی و شاهی و فلوس است و در بلادی که برنج شایع
باشد مثل دار المرز ظاهر این که خوب است خصوصا هر گاه گندم و جو نباشد و اگر

برنج را بقیمت جو بدهد دو نیست که بهتر باشد واما مقدار فطره پس آن یکصاع است از هر نفسی وان ظاهرا ششصد وچهارده مثقال است وربع مثقال بمثقال صیرفی واولی آنست که یکمن ونیم تبریز باشد ومظنون آنست که اگر قرار حدیث سلیمان بن حفص مروزی حساب کنیم صاع را بحساب دینار ودرهمی که سابقا تحقیق کردیم یکهزار صد ودو ونیم مثقال بمثقال صیرفی میشود وبحساب من شاهی یکمن شاهی نود وهفت مثقال ونیم کم میشود وشك نیست که ازین قرار دادن افضل واحوط است وبعضی از مشایخ ما رضوان الله علیهم بنای مثقالی که در اخبار وارد شده بر صیرفی میکرده اند احتیاطا واز قرار این حساب بها زیاد میشود پس بنا بر حدیث مشهور که گفتیم ششصد وچهارده مثقال وربع مثقال میشود باین حساب وباین حساب هشتصد ونوزده مثقال صیرفی میشود که عبارتست از دو ثلث من شاهی ونوزده مثقال صیرفی باشد واگر حدیث سلیمان بن حفص را باین حساب نمائیم هزار وپانصد وهفتاد وپنج مثقال صیرفی میشود ویکمن وسنك شاهی یکمن وصد وبیست وپنج درم میشود پس اگر آنچه اول ذکر کردیم ظاهر اینست که کافیست ونهایت احتیاط در آخر است والله تعالی یعلم واگر بادیه نشینان کشك بدهند بهتر است از شیر واگر شیر دهند اگر داشته باشند یك صاع بدهند

وبامروت چهارصد ونه مثقال ونیم کافیست واگر جمعی قوت غالب ایشان ذرت یا گاورس باشد بهتر آنست که بقیمت خود بدهند وظاهرا هرچه غالب باشد کافی باشد ووقت ان اول شام تا ظهر وپیشتر از ان نمیتوان داد علی المشهور مگر بعنوان قرض بنحوی که در زکوة گذشت واحوط آنست که اگر قبل از ظهر نداده باشد بعد از ظهر بل هند وقصد وجوب وندب وادا وقضا نکنند واز ان روز نگذرانند واگر بگذرد از وقت وهر دو وقت بیرون کرده باشد همه وقت میتوان داد وبهتر آنست که از دو روز بیرون نکنند واگر اخراج نکرده باشد اگرچه جدا باشد واز دو روز بیرون نکنند احوط آنست که بدهند وقصد فطره بجزم نکنند وهمچنین قصد ادا وقضا ووجوب وندب بلکه قصد کنند احتیاطا که اگر قضا بر من لازم باشد قضا باشد والا صدقه قربة الی الله واگر عزل کرده باشد وتقصیر کنند در دادن وتلف شود ضامن است مثل انکه از مال خود وهمچنین اگر بوکیل خود دهد ووکیل تقصیر کند وتلف شود ضامن است مثل انکه واحوط آنست که خود بدهد واحوط آنست که فطره را در جائی دهد که خود در انجا بوده باشد ونقل نکنند بشهر دیگر واگر نقل کنند وتلف شود ضامن است وبنا بر خلاف بسیار واقع شده در وقت واکثر علمای ما رضوان الله علیهم را اعتقاد اینست که اول وقت ادای زکوة فطره طلوع صبح صادق است وبعضی قائل شده اند که اولش شام شب عید است

و حق قول اولست باعتبار ظواهر اخبار صحیحه معتبره و در آخر وقتش نیز خلاف کرده‌اند
اکثر علما قایلند که آخر وقتش نماز عید است بعضی گفته‌اند که آخر وقتش ظهر روز عید است و بعضی
گفته‌اند که آخر وقتش شام روز عید است و بعضی گفته‌اند که همیشه اداست و بعضی گفته‌اند
که وقتش تا نماز عید است اما جایز است تأخیر کردن از نماز و حرام است تأخیر کردن از
نماز و حرام است تأخیر کردن از روز عید و اظهر قول اولست باعتبار ظواهر اخبار معتبره صحیحه
و بر هر احتمال آیا قضای آن واجبست یا نه اینهم خلافست بعضی گفته‌اند که قضا واجبست و ظاهر
بعضی از روایات اینست که صدقه مستحبه است و بعضی گفته‌اند که قضا ساقط است
بالکلیه پس احتیاط در این آنست که بعد از طلوع صبح صادق پیش از رفتن بمصلا بواسطه
نماز عید زکوة فطره را از مال خود بیرون کند و اگر مستحق بهم رسد پیش از بیرون رفتن
بمستحق بدهد و اگر انتظار مستحق کشد با وجود عزل تأخیر جایز است و اگر پیش از نماز عزل
نکرده باشد و نداده باشد تا شام عید بدهد و قصد ادا و قضا نکند و اگر روز عید
گذشته باشد بدهد احتیاطا و قصد ادا و قضا و سنت نکند بلکه بقصد احتیاط از برای خدا
بدهد تا بهمه قولها برائت ذمه او حاصل شود والله اعلم و احوط آنست که فطره را بفقرا و
مساکین برسانند و در حال غیبت بهتر آنست که اگر امام عم حاضر باشد بآنحضرت دهد
یا بنایب آنحضرت تا ایشان بفقرا و مساکین برسانند و در حال غیبت بهتر آنست که
بمجتهد عادل بدهد و اگر خود دهد احوط آنست که بعادل دهد یا بصالح که

احتیاط بکند و باطفال مؤمنان میتوان داد بنحوی که سابقا ذکر شد و احوط
آنست که فقیر را کمتر از یک صاع ندهند و احوط آنست که اگر شیعه اثنا عشری
بهم رسد بمستضعف ندهند مگر از روی تقیه و بیک کس از فطره چند سر
میتوان دادن مگر آنکه فقرا بسیار باشند و اولی آنست که هر کس را یک سر بدهند
و بهتر آنست که خویشان را مقدم دارند بعد از آن همسایگان را و بعد از آن کسانی
که صالح‌تر و فاضل‌تر باشند و اولی آنست که خود بایشان بدهد و بوکیل ندهد مگر
بمجتهد عادل و در اخبار بسیار وارد شده است از ائمه اطهار علیهم السلام که روزه قبول نمیشود
تا فطره را ندهند و اگر از کسی را فطره ندهند خوف مردن او هست و فطره فدای آدمیست
تا سال دیگر **دیگر** در خمس است و آن واجبست بنص قرآن و اخبار متواتره از حضرت
سید المرسلین صم و ائمه طاهرین عم و فضایل آن بسیار است منقولست از حضرت رسول
الله صم که هر که احسان کند بیکی از اهل بیت در دار دنیا من مکافات دهم او را در روز
قیامت و آنحضرت فرمود که من شفاعت خواهم کرد روز قیامت چهار طایفه را
اگر چه بیایند بمحشر با گناهان اهل دنیا کسی که یاوری و مدد کرده باشد ذریت و
عترت و نیکی ایشان دیگر شخصی که دوست داشته باشد ذریه مرا بزبان و دل
و دیگر کسی که سعی نموده باشد در قضای حوایج ذریه من در وقتی که دشمنان
ایشان را رانده باشند و از آنحضرت صلی الله علیه و آله منقولست که سخت‌ترین

هولهای قیامت در وقتی است که صاحبان خمس طلب خمس کنند و ایشان
خدا و رسول و ائمه و سادات‌اند هرگاه همه کس را چشم شفاعت بر ایشان باشد
پس وقتی که ایشان خصم آنکس باشند حال بنده چون خواهد بود و
خمس هفت چیز واجبست اول غنیمت دار الحرب است که از کفار بگیرند
یا از مسلمانانی که بر امام زمان در آمده باشند یا بر سر شیعیان آمده باشند
پس هر چه در حرب بغنیمت گرفته باشند خمس آنرا بر میدارند و باقی را
بلشکر قسمت می‌نمایند پیاده را یک حصه میدهند و سواره را دو حصه
و دو اسبه و بیشتر را سه حصه میدهند و آنچه بر سر کفار رفته باشند
و شهرهای ایشان گرفته شود بجهت خمس آن شهر از عمارات و باغات و
زمین و هرچه نقل و تحویل در آن نبود از اهل خمس است و باقی از جمیع مسلمانان
و حاصل آنرا صرف مینمایند در مصالح مسلمانان و در خبری صحیح وارد
شده است که مال ناصب اگر بدست شما افتد خمس آنرا بدهید و باقی از شماست
و ناصب کسی است که عداوت با اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه وآله داشته
باشد و بعضی از عبارات و بعضی از اخبار معتبره آنست که کسی که عداوت
با شیعیان اهل بیت داشته باشد از راه محبت ایشان با اهل بیت و
عداوت ایشان با اعدای اهل بیت آن ناصبی است بر وجاری است آن

حلیت مال و نجاست او و غیر اینها که بر ناصبی جاریست و مشهور میان علمای
ما آنست که این احکام مذکوره مخصوص ناصبی بمعنی اول است و قول آخر
خالی از قوتی نیست و احتیاط در جمیع مراتب طریق غیر نجاست والله اعلم
دویم معادنست مثل کان طلا و نقره و مس و آهن و قلعی و سرب و
یاقوت و زمرد و زبرجد و سرمه و قیر و نفط و کوگرد و امثال اینها اما
در کان سنگ مرمر و سنگ و گل سرشوی و گل سفید و گل سرخ و گچ و آهک
و امثال اینها خلافست احوط آنست که خمس اینها را بدهند و هرگاه اخراجات
کندن و گداختن را در روند و قیمت بیست دینار بماند خمس واجبست
و خلافست در معادن نصاب دیگر هست یا نه مشهور میان اکثر
علمای ما آنست که نصاب دارد و نصاب آن بیست دینار است باعتبار
حدیث صحیح که در این باب واقع شده و اکثر قدمای علمای ما قایل شده
اند که نصابی در آن نیست و هر چیزی که حاصل شود از معدن خواه
اندک و خواه بسیار بعد از وضع اخراجات خمس آنرا واجبست دادن
و ابو الصلاح حلبی قایل شده است که نصاب آن یک دینار است قوی
اظهر قول اول است و احوط قول اوسط است و مشهور میان علما آنست که
آن چیزی که از معدن بیرون می‌آید خواه بیک دفعه و خواه بدفعات

متعدده خواه فاصله شده باشد وخواه نشده باشد خواه از یکمعدن و
خواه از معادن متعدده بیرون آید مثل طلا ونقره ویاقوت وزبرجد
وغیر آن خواه در یک محل باشد وخواه در محل مختلفه بعیده که قیمت
همه را باهم حساب نمایند اگر مجموع بنصاب رسیده است خمس داخلست
وبعضی از علما گفته‌اند که اگر فاصله میان دفعات بواسطه مصلحت معدن
است ودرست کردن آلات اخراج آنست که عرف گویند که مشغول کار است
ودست از کار نکشیده همه را باهم حساب میکنند در نصاب واگر فاصله
نه بواسطه این باشد بلکه بواسطه چیزی دیگر باشد که در عرف گویند
که دست از کار معدن کشیده است اول را جدا حساب نصاب مینمایند
واخر را جدا اول قول اظهر واحوط است ومی باید که انچه بیرون میکنند از
برای خمس بعد از صاف کردن جوهر معدن از سنگ وخاک باشد که اگر
هنوز در میان خاک وسنگ باشد وخمس را از ان جدا کنند مجزی
نیست بواسطهٔ انکه جوهر معدن در خاک وسنگ مختلف میباشد
در بعضی کمتر است ودر بعضی بیشتر مگر انکه علم داشته باشد که جوهر
در میان اجزاء سنگ وخاک مساویست ودراین صورت میتوان که
خمس ان سنگ وخاک را دادن والله اعلم واگر این معادن را بعد از ان

که صاف

که صاف کند ومسکوک سازد مثل انکه عباسی کند یا اشرفی کند یا حلی و
زیور بسازد یا ظروف بسازد از غیر طلا ونقره وباعتبار این عمل قیمت
آن زیاد شود قیمت اصل جوهر را ملاحظه می نماید قطع نظر از این
عمل وخمس انرا میدهد اگر بنصاب رسیده باشد وخمس این زیادتی را
باعتبار ارباح صناعات وتجارات میدهد وتفصیل حکم خمس ارباح
تجارات وشرایط ان بعد از این مذکور خواهد شد انشا الله تعالی
مشهور میان علما آنست که در غنیمت دار الحرب نصابی در کار نیست
بلکه هرچه بدست آید خمس انرا باید داد وشیخ مفید رح قایل شده که
نصاب دارد ونصاب آن بیست دینار است پس هر چیزی که از غنیمت
دار الحرب بدست کسی افتد که قیمت آن بیست دینار یا زیاده
باشد واجبست خمس انرا بیرون کردن وهرچه کمتر باشد واجب نیست
ومستند این قول معلوم نیست پس عمل بر طریقهٔ مشهور ظاهر واحق
آنست والله اعلم وبدانکه اگر بعد از اخراجات معدن یکدینار بماند
احوط آنست که خمس انرا بدهند واحتیاط تمام در آنست که هرچه حاصل
شود خمس انرا بدهند چون جمعی از علما قایل بوجوب شده اند واگر معدنی را
کنند ودیگری باز گذارند وبعد از مدتی دیگری شروع در کار کنند

پس اگر در هر مرتبه بنصاب شده باشد خمس میدهد و اگر در هر دو با هم
نصاب شود احوط آنست که خمس انرا بدهد و تحقیق این نیز گذشت
و اگر جمعی با هم بشراکت در معدن کار کنند می باید که حصه هر یک بنصاب
برسد سیم گنج است و آن هر مالیست که پنهان کرده باشند در زمین پس
اگر این گنج را در دار الحرب بیابند که در انجا مسلمانی نباشد یا در دار الاسلام
بیابند و بران اثر اسلام نباشد و به بیست دینار برسد خمس انرا میدهند
و باقی از ایشانست و احوط آنست که اگر بنصاب نقره برسد خمس بدهد و آن
نصاب دوازده هزار و ششصد دینار است که عباسی ده دانگی باشد و
اثر اسلام آنست که سکه پادشاهان مسلمانان بران باشد یا کتب
مسلمانان باشد و در این صورت حکم لقطه دارد بنا بر مشهور و می باید
که یکسال تعریف کند اگر صاحب آن پیدا شود بصاحب دهد و الا مخیر است
یا ضمان یا تصدق یا ضمان یا بامانت نگاه میدارد تا صاحبش پیدا شود
علی المشهور بین الاصحاب و آنچه مشهور است میان علمای امامیه آنست
که گنجی که در دار الحرب بیابند مطلقا خواه اثر اسلام بران باشد و خواه
نباشد مالک می تواند شد و خمس انرا واجبست دادن در صورتی که بنصاب
برسد و اگر در دار الاسلام بیابند اگر در ملک مباحی یا خرابی که در تحت ملک مسلمی

نباشد

نباشد اینهم حکم اول دارد و اگر اسلام باشد خلافست بعضی از علما میگویند
که حکم لقطه دارد و واجبست تعریف و بعضی میگویند که مالک میتوان شدن
و قول آخر خالی از قوتی نیست و احتیاط ظاهر است و اگر در ملک خود
بیابد که املاک را خود احیا نموده باشد حکم سابق دارد و اگر در ملک
غیر یا در ملک خود که از دیگری منتقل شده باشد خواه بعنوان بیع
و خواه بعنوان میراث و غیر آن اگر معلوم باشد بقرائن که این گنج از فروشنده
این ملک نیست و اثر اسلام نداشته باشد صاحب میتواند شد و اگر
اثر اسلام داشته باشد همان خلاف سابق است و اگر علم نباشد بلکه
محتمل باشد که از صاحب اولش باشد واجبست تعریف بصاحب اول
کردن اگر او ادعا کند که از من نیست مالک می تواند شد بان تفصیلی که
سابق مذکور شد و خمس را واجبست بدهد اما آنچه از اخبار صحیحه
معتبره مستفاد میشود آنست که گنج را مطلقا خواه در ملک مباح و خواه
در ملک خود و خواه در دار الاسلام و خواه در دار الحرب خواه اثر اسلام
داشته باشد و خواه نداشته باشد مطلقا مالک میتواند شد و خمس انرا
واجبست که بدهد و تقییدات و تخصیصاتی که بعضی اصحاب ما رضوان
الله علیهم فرموده اند خبری صحیح بران دلالت ندارد مگر آنکه از عمومات

استنباط فرموده اند اما ظاهر در فتوی عموم است که از ظواهر اخبار فهمیده
میشود و احتیاط در متابعت مشهور است و همچنین در قدر نصاب گنج
خلافست مشهور میان علما آنست که بیست دینار است که عبارت از بیست
اشرفی دو بتی باشد و بعضی از محققین علمای ما باعتبار حدیث
صحیح صریحی که در این باب واقع شده قایل شده اند بتفصیل که اگر
این گنج که یافته شده است نقره است بحساب نصاب نقره در زکوة حساب
میکنند که عبارت از دویست درهم است و اگر آن گنجی که یافته شده است
طلا است بحساب نصاب طلا در زکوة حساب میکنند که عبارت از بیست
اشرفی است و اگر در غیر طلا و نقره باشد بحساب نصاب یکی از طلا و نقره
باشد ملاحظه میکنند و این قول بحسب دلیل قوی است اما در غیر طلا
و نقره احوط و بهتر ملاحظه نصاب نقره است چون قیمتش درین زمان
کمتر است از طلا حاصل انکه اگر گنج بنصاب رسیده است بتفصیلی که پیش
گذشت واجب است اخراج خمس آن والا فلا والله اعلم و ظاهر اخبار آنست
که اگر در روی زمین است لقطه است و اگر در زیر زمین است گنجست خواه
اثر اسلام داشته باشد و خواه نه و اگر گنج را در زیر زمین خود بیابد که از دیگران
باو رسیده باشد خمس از امید هد و اگر خریده باشد تعریف میکند چنانچه گذشت

بایع آن زمین و اگر نشناسد و نشانی چند بدهد که دلالت بر صدق آن
بکند ببایع دهد علی المشهور والا خمس از امیدهد و باقی از دوست و همچنین اگر
حیوانی بخرد چون گاو و در شکم او چیزی قیمتی ظاهر شود تعریف میکند
از بایع اگر آن نشان دهد باو میدهد والا خمس از امیدهد و باقی از دوست
و اگر در شکم ماهی دری یافت شود خمس او را میدهد و باقی از دوست
علی المشهور و جمعی گفته اند که اگر ماهی را بایع از حوض خود گرفته باشد
تعریف می باید کرد همچنانکه اگر دابه آهوئی باشد که از صحرا او را گرفته باشند
تعریف در کار نیست و اول منصوص است **چهارم** مروارید و مرجانست
که از دریا غوص میکنند که اگر قیمت آن یک دینار بوده باشد که عبارت از یک
اشرفیست و اگر نبوده باشد خمس از دادن احوط است که بعضی اگر کمتر باشد
از یک دینار واجب نمیدانند و اگر شیخ مفید رح فرموده که نصاب غوص مثل
نصاب معادن است که بیست دینار است و دلیلش معلوم نیست اگر حدیثی
که مستند مشهور است آن هم صحیح نیست باصطلاح متاخرین اما معاضد است
بعمل اصحاب پس اقوی قول مشهور است و احوط آنست که ملاحظه نصاب
ننماید و هر قدری که از غوص بیرون آید خمس از ابدهند اگرچه کمتر از دینار باشد
باعتبار اطلاقات اخبار صحیحه معتبره و هر دفعه و دفعات بهمان نحویست که در

معادن مذکور شد اما تفاوتی که هست اینست که غوص مروارید در هر سالی وقت
خاصی دارد و در تمام سال غوص نمیتوان کرد و معادن چنین نیست پس ظاهر
در غوص آنست که دفعات یکسال را باهم حساب کنند و این سال را با سال
آینده یا گذشته حساب نکنند و اما حیوانی مثل ماهی اگر از دریا بعنوان غوص
بیرون آورند ظاهر اینست که حکم غوص بران جاری نیست و حکم ارباح تجارات
دارد و کسی که حکم این را ملحق بغوص ساخته وجهی ندارد گفته او و اگر عنبر را
بعنوان غوص از دریا بیرون آورند حکم سابق دارد که در مروارید گذشت
و اگر از روی آب یا از ساحل بردارند بعضی گفته اند که حکم ارباح تجارات
و معدن دارد و قول آخر اظهر و احوط است و بهر حال احوط است که خمس انرا
بدهند و مراعات نصاب در ان نکنند الله اعلم و گفته اند که اگر چند
مرتبه غوص کنند باهم ضم میکنند مگر آنکه بعد از اعراض از غوص باشد که
باهم حساب نمیکنند علی المشهور و ضم کردن مطلقا احوط است و اما اگر چند
کس باهم غوص کنند ناچار است که نصیب هریک بنصاب برسد **پنجم** مؤنت سالیانه
است از ارباح تجارات و صناعات و زراعات بقدر وسط در اخراجات و
اگر اسراف کرده باشند خمس آنچه اسراف کرده است بیرون میکنند و اگر بر خود
تنگ گرفته باشد از ان هم بیرون میکنند علی المشهور و احوط آنست که از هرچه

حاصل شود و خرج بگذرد و ز بیرون ز یادتی را خمس بدهد و اگر در اثنای سال
اخراجات ضروری واقع شود مثل خرج تزویج و حج بیت الله الحرام و زیارات
رسول و ائمه علیهم السلم و امثال اینها هم را بعنوان وسط بیرون میکنند و باقی
هرچه بماند خمس انرا میدهند و همچنین تعدیات و زیادتی هائی که ظلمه
کنند جمیع را وضع مینمایند و اگر از شخصی جایزه عظیمی باو رسد یا
میراثی از جائی که گمان نداشته باشد یا مالی از دشمنان باو رسد
در حدیث صحیح وارد شده است که خمس اینها را بدهد پیش از وضع
اخراجات و عمل کرده است بان ابو الصلاح و ان احوط است و بدانکه
مراد از ارباح تجارات و صناعات و زراعات سود و فائده ایست که آدمی از خرید
و فروش بهم رسانیده یعنی چیزی که بعد از وضع اخراجات آن عمل و اصل
مایه که در ان عمل بکار رفته دارد می ماند از ربح و فایده میگویند و در این ارباح
خمس واجبست بنا بر مذهب مشهور میان علما و اخبار معتبره برین دلالت دارد
و بعضی از علما دادن این خمس را در این قسم افضل میدانند باعتبار دلالت بعضی
از اخبار بر عفو و ارجح و اظهر و احوط قول اولست و اخباری که دلالت بر عفو میکند
باعتبار آنست که خمس حق امام است باعتبار ولایتی که برین مال دارد و بعضی از ائمه
معصومین ع که در زمان خود حق خود را عفو نمایند دلالت براین نمیکند که بعد از

زمان ایشان معفو باشد و در مستحق این خمس نیز اشتباهی هست مشهور میان
علما آنست که اینهم مثل سایر افراد خمس است و بعضی از روایات دلالت میکند بر
آنکه مخصوص امام است و تفصیل آن بعد از این ان شاء الله تعالی مذکور خواهد
و اظهر قول مشهور است و ابو الصلاح حلی در میراث و بخشش و هدیه که
بانکس رسد خمس آنرا واجب میداند مطلقا اما حدیث صحیح علی بن مهزیار
که ظاهرا مستند اوست دلالت برین میکند که اگر کسی جایزهٔ عظیمی بانکس
دهد یا میراثی بانکس رسد از غیر پدر و فرزند از جائی که گمان نداشته
باشد یا آنکس غالب شود بر دشمن دینی مثل نواصب و مال او بدست آنکس
بیاید که صاحبش معلوم نباشد خمس آنرا واجبست که بدهد پیش از وضع
اخراجات و مشهور میان علما اینست که خمس در اینها واجب نیست اما احتیاط
در دین عمل بمضمون روایت صحیح و خمس در ارباح تجارات واجب نیست
الا در زیادتی از خرج سال ایشان خود و عیال خود و آنچه ضرور شود در عرض
سال از اخراجات ضروری خواه در واجبات و خواه در مستحبات مثل حج
و زیارات و هدیه و احسانی که ببرادران مؤمن خود میکنند و صله رحم و غیر
آن و اگر مالی داشته باشد که از آن خمس نباید داد و این ارباح که گفتیم هم باشد
آیا اخراجات خود را از کدام مال وضع می نماید یک احتمال اینست که از آن

مالی که خمس نباید داد بیرون کند و احتمال دیگر آنکه از هر دو بالنسبه بیرون کند
و احتمال دیگر آنکه از همین ارباح بیرون کند و بس اظهر قول اخیر است و احوط
قول اول و الله اعلم **ششم** زمینی است که یهودان و نصرانیان و مجوسان
از مسلمانان بخرند خمس آن زمین را یا خمس قیمت آن زمین را بارضای ذمی
میگیرند و در این باب حدیث صحیحی از حضرت امام محمد باقر علیه السلم
وارد شده که آنحضرت فرموده اند که هر ذمی از مسلمانی زمینی بگیرد بدرستی
که بر آن ذمی است خمس و در این باب از علمای اخیار اقوال مختلفه وارد شده
مستند همه همین روایت است مشهور میان متاخرین علما آنست که خمس
این زمین تعلق بمستحق سایر افراد میخواهد خمس خود را جدا کنند و بگیرد و
میخواهد قیمت خمس زمین را بگیرد و میخواهد بالاشاعه شریک باشد و خمس
حاصل میگرفته باشد و میخواهد قیمت خمس زمین را بگیرد و بهتر اینست
که اگر ذمی خمس عین را دهد تکلیف قیمت باو نکنند و ظاهر کلام قدمای ما
همین است که در این زمین خمس نیست و آن جماعتی که در کار میدانند
خمس را در میان ایشان خلافست بعضی میگویند که این مخصوص زمین زراعت
است و در زمین خانه و باغ و غیر آن خمس نیست باعتبار ظاهر لفظ ارض
و بعضی گفته اند که مطلقا زمین زراعت و غیر آن همه را خمس باید داد و

ظاهر و مشهور همچنین که ذکر کردیم اینست که مستحق این خمس همان خمس است که در
حدیث واقع شده و بعضی از علمای عامه و بعضی از متاخرین علمای ما را
اعتقاد اینست که این خمس نیست بلکه این مخصوص زمینی است که در آن حاصل
زکوة باشد چون ذمی خریده همان عشر حاصل که بعنوان زکوة از مسلمانان
میگرفته اند سابقا الحال آنرا مضاعف کرده خمس حاصل را از ذمی میگیرند پس
بنابرین مستحق این همان مستحق زکوة خواهد بود و آنکه فرموده اند که اگر زمین
مفتوح العنوه را از ذمی بخرد خمس آنرا میگیرند زمین مفتوح العنوه را جایز
نیست فروختن بنابر مذهب مشهور میان علما مگر در چند صورت اوّل
آنکه هرگاه مصلحت مسلمانان در فروختن بعضی از اراضی مفتوح العنوه باشد
امام و والی مسلمانان میفروشند و حاصلش را صرف مصالح مسلمانان مینمایند
دویم آنکه خمس زمین مفتوح العنوه را اگر امام جدا کند و بمستحقین خمس بدهد
بعنوان ملکیت ایشان را جایز است فروختن سیم آنکه بعضی از علما نقل کرده اند
که زمین مفتوح العنوه را بتبعیت اعیان و عماراتی که خود در آن احداث نموده
میتوانند فروخت اگر چه این قول در نهایت ضعف است حاصل آنکه در هر
صورتی که بیع زمین مفتوح العنوه جایز باشد اگر بذمی بفروشند خمس آنرا
میگیرند و این مسایل فوق اشکال و تامل بسیار دارد اما آنچه قول مشهور است

ذکر

ذکر کردیم والله اعلم و بعضی از علما ذکر کرده اند که اگر زمین مفتوح العنوه را
بخرند به تبعیت آثار آن خمس آنرا میگیرند و اگر خانه یا باغ را بخرند مشهور میان
علما آنست که خمس زمین آنها را میگیرند **هفتم** مال حلالی است که مخلوط شده
باشد بحرام و صاحب آنرا ندانند خمس آنرا میدهند بفقرای سادات و غیر
ایشان و بعضی از مخصوص سادات میدانند و بعضی میگویند که بسادات
نمیدهند و ظاهر آنست بهردو میتوان دادن و اگر مقدار حرام را دانند و صاحبش را
ندانند مقدار را بصاحبش میدهند و اگر صاحب را دانند و مقدار را
ندانند با صاحب صلح میکنند و بعضی گفته اند که آن مقداری که علم دارد
بصاحب میدهد و مابقی را با صاحب صلح میکند احتیاطا و این بهتر است
و اگر مقدار را دانند و صاحب را ندانند سعی میکنند تا صاحب را بهم رسانند
و اگر بهم نرسد از جهت او تصدق میکنند و این صورت و صورت اولی
متعلق است برد مظالم و در روایت از حضرت امیر المؤمنین عم وارد شده
در مالی که حلال و حرام با یکدیگر مخلوط شده باشد و حلال را از حرام
تمیز نتوان کردن آنحضرت فرموده اند که خمس مال را بیرون کنند که خداوند
عالمیان راضی میشود از مال بسبب دادن خمس و در دیگری ازین دو حدیث
وارد شده که تصدق کن بخمس مالت و مابقی از برای تو حلالست و علی

متاخرین ما رحمهم الله فرموده اند که مال حلال که بحرام مختلط شود چهار صورت
دارد چنانکه گذشت اجمالا و تفصیل در این نحو است **اول** آنکه صاحب آن را
میداند و قدر حرام را واجب است که خمس این مال را بدهد و ظاهر اکثر
ایشان اینست که این هم از جمله افراد خمس است و مستحق خمس ایشانند و ظاهر
بعضی از ایشان اینست که این از باب خمس نیست بلکه از باب صدقه واجبه است
و از مستحق خمس و غیر آن میتوان داد بنا بر مذهب مشهور که هیئی زکوة
واجب بر سادات حرام است و خمس و سایر صدقات واجبه و مستحبه را
با ایشان میتوان داد همچنین که حق در این مسئله اینست و سابقا اشعار
بآن شد **دویم** آنکه قدر حرام و صاحبش هر دو معلوم باشد باجماع واجبست
که همان قدر را بصاحبش برساند **سیم** آنکه صاحب را میداند و قدر را
نمیداند در این خلافست بعضی گفته اند که واجبست مصالحه کند با
صاحبش و اگر او اباکند از مصالحه خمس مال را باو بدهد و اگر قدر را هیچ
نمیداند جهت آنکه الله تعالی در چنین مال راضی بخمس شده است و اگر داند
که زیاده بر خمس است یا کمتر از خمس است آنقدر که بر ظنش غالب شود برائت
ذمه همان قدر را میدهد و بعضی گفته اند که احوط آنست که آنقدر که یقین
بشغل ذمه دارد میدهد و بعضی گفته اند احوط آنست که آنقدر بدهد که

یقین برائت ذمه او را حاصل شود و شک نیست که این بهتر است و اگر صاحب
در میان جماعتی معدود مشتبه باشد گفته اند که واجبست که با جمیع آن
جماعت محتمل صلح کند **چهارم** آنکه قدر را میداند و صاحب را نمیداند
بعضی گفته اند که واجبست تفحص از صاحبش کردن و بعد از مایوس شدن
واجبست تصدق کند بمستحقین و بعضی گفته اند که اگر زاید بر خمس باشد
قدر خمس را واجبست بمستحقین خمس دادن و باید بمستحقین صدقه
و بعد از دادن این مال بمستحقش اگر صاحب پیدا شود بعضی گفته اند
که ضامن است و مرتبه دیگر میبایدش داد و بعضی گفته اند که چون
بفرموده شارع داده است بر و ضمان نیست و جمیع مراتب مذکوره
مشتبه است و از متشابهات احکام است اما احتیاط در دین آنست
که این خمس را بسادات بدهد تا با کثر مذاهب او را برائت ذمه حاصل شده
باشد و جمعی کثیر از قدمای علمای ما این فرد خمس را در زمره اقسام خمس در کتب
خود ذکر نکرده اند والله تعالی یعلم **مقصد** در مستحق خمس است و اشهر میان
علما آنست که شش حصه میشود چنانکه ظاهر آیه است حصة الله تعالی
و حصه حضرت رسول صلعم و حصه حضرت امام علیه السلام سه حصه نصف خمس است
که در حیات حضرت رسول الله صلعم تعلق بآنحضرت داشت و بعد از آنحضرت

از امام علیه السلم و نصفی دیگر حصه یتیمان سادات و حصه مساکین سادات
و حصه ابن السبیل سادات است و مراد از سید کسی است که منسوب باشد
از جانب پدر بعبد المطلب و تفصیل آن گذشت در بحث زکاة و اما در اینجا مقام
ناچار است از بیان امری چند که بواسطه تنقیح این باب **اول** آنکه میان
علمای امت خلافست که آیا خمس بشش حصه میشود یا به پنج حصه مشهور
میان علما آنست که بشش حصه میشود چنانچه گذشت که یکحصه از الله تعالی
و یکحصه از رسول الله صم و یکحصه از ذوی القربی و در ذوی القربی خلافست
مشهور میان علما آنست که مراد ائمه معصومین علیهم السلم است و بعضی گفته اند که
مراد جمیع قرابت پیغمبر است صلی الله علیه و آله از بنی هاشم و اظهر قول مشهور است
و یکحصه از یتیمان سادات و یکحصه از مساکین سادات و یکحصه از ابناء
السبیل سادات است و یکحصه از مساکین سادات و یکحصه در زمان حیوة
انحضرت صم حصه خدا و رسول الله و ذوی القربی هر سه را انحضرت صم میگرفت
یک حصه را اصالة و دو حصه را وراثة پس بنا براین نصف خمس از امام
علیه السلم است و نصف از سادات و جمعی از علمای ما و اکثر علمای عامه قایلند
که به پنج حصه میشود باعتبار آنکه حصه خدا و رسول را یکی میگیرند و میگویند
که خمس پنج حصه میشود در زمان حیوة انحضرت یکحصه خمس و بر میدارند

و یکحصه را بذوی القربی میدهند و سه خمس دیگر میان آن سه طائفه که
پیش مذکور شد حصه مینمایند و بعد از وفات انحضرت امام علیه السلم
حصه خود را که حصه ذوی القربی است میگیرند اصالة و حصه رسول الله صم را
وراثة پس بنا براین دو خمس حق امام خواهد بود و سه خمس حق سادات
و حق قول مشهور است و قول آخر که خمس به پنج حصه میشود اگرچه حدیث
صحیح دارد اما باعتبار آنکه موافق مذهب عامه است محمولست بر تقیه
دویم آنکه ذکر کردیم که امام سهم خدا و رسول صم میگیرد با سهم خودش در این
دفعه خلاف نیست اما آنکه رسول الله صم این سه سهم را در زمان خود و بعد میان
انجماعتی که خمس را بشش سهم میکنند خلافی نیست ظاهرا و نقل خلافی نکرده اند
اما محل تامل است درین مسئله باعتبار حصه ذوی القربی باعتبار آنکه ظاهر آیه
اینست که این حصه حصه ذوی القربی است و احادیث معتبره نیز بر آن دلالت
دارد و این معنی که ذکر کرده اند که سهم ذوی القربی را انحضرت در زمان خود
میگیرند حدیثی بنظر نمیرسد پس ظاهر ادله آنست که سهم ذوی القربی در زمان انحضرت
مخصوص ذوی القربی باشد و مؤید این نیز میشود آیه کریمه و آتِ ذا القُربی حقّه
سیم آنکه مشهور میان علما آنست که یتامی و مساکین و ابناء السبیل هر سه از ساداتند
و بعضی گفته اند که مخصوص بسادات نیست بلکه بسید و غیر سید میتوان دادن و حق

قول مشهور است بنابر دلالت اخبار معتبره **چهارم** خلافی نیست میان علمای ما
در اینکه خمس غنیمت دار الحرب باین حصص مذکوره منقسم میشود اما
در باقی افراد خمس از غیر غنیمت خلاف هست مشهور میان علما آنست که
آنها هم بشش حصه قسمت میشود و بعضی گفته اند که خمس اینها همه
مخصوص امام است و ظواهر احادیث بسیار بر قول آخر دلالت دارد و
مسئله خالی از اشکالی نیست اگرچه اظهر قول مشهور است **پنجم** خلافی
میان علمای ما نیست که هر که از جانب پدر منتسب باشد بعبد المطلب
او سید و مستحق خمس است اگرچه مادرش سید نباشد اما خلافی که
هست در کسیست که مادرش سید باشد و پدرش سید نباشد مشهور
میان علما آنست که سید و مستحق خمس نیست و سید مرتضی رح با جمعی از
متاخرین علمای ما قایلند بانکه اینجماعت سید و مستحق خمس اند و در فرزند
ائمه و رسول بودن ایشان حرفی نیست باعتبار احادیث بسیار اما چیزی
که در محل حرف است استحقاق خمس است حدیثی از امام موسی کاظم علیه السلم
وارد شده که صدقه بر اینجماعت حلالست و خمس بر ایشان حلال نیست و این
حدیث باصطلاح متاخرین صحیح نیست اما معمول بها اکثر اصحابست پس بنا
برین مسئله قویترا الاشکالست و دور نیست که خمس توانند گرفت اما احتیاط

درین آنست که نه خمس بگیرد و نه زکوة مگر در حالت ضرورت و نهایت
احتیاج **پنجم** از ظواهر اخبار معتبره بسیار چنین مستفاد میشود که اگر امام
علیه السلم ظاهر باشد واجبست خمس را بخدمت آنحضرت برد و صاحب مال
خود نمیتواند داد بفقرای سادات و کل خمس مال امام است و این سه طائفه
که ذکر کردیم اینها عیال امامند باین نحو که قوت سالیانه هر یک را سال بسال
بقدر احتیاج ایشان میدهند و اگر چیزی زیاده اید از حصه نصف حق امام
خواهد بود و اگر چیزی کم اید از بقیه تمام میکند و این قول مشهور میان علماست
و بعضی میگویند که آن نصف مال امام است و این نصف مال سادات آنحضرت
حصه میکند بر ایشان نه کمی بر حضرتست و نه زیادتی از حضرت و حق قول اولست
و اگر زمان غیبت امام باشد مثل این زمان بعضی گفته اند که نصفی که حق سادات است
بسادات میدهند و نصف حق امام را از برای آنحضرت ضبط مینمایند و بعضی
میگویند که در زمان غیبت کل خمس را بخدمت نایب عام که از عبارتست از فقیه
عادل جامع شرایط فتوی میبرند و بعضی که امام ع حصه سیف مود میان عیال خود
که عبارتست از سادات عالم مذکور که نایب عام آنحضرتست بنیابت آنحضرت بهمان
نحو عمل میکند باین نحو که سالیانه بجمل سادات پریشان میدهد و بیتامی و ابناء السبیل بقدر
احتیاج ایشان میدهد و باقی اگر زیاد اید از برای امام ع ضبط میکند و اگر چند سالهای

میکرد در وقت قسمت احتیاج بآن بیفتد واین قول بسیار قوی نیست و دوم نیست که عالم
مذکور در وقتی که از حصه سادات زیاد آید تواند بشیعیان پریشان هم سایان
داد در وقتی که زکات کفایت امور ایشان نکند و بعضی از علما گفته اند که در زمان
غیبت این حصه را حضرت بشیعیان خود حلال نموده اند اما حلال نمودن حضرت
صاحب حصه خود را ظاهر نیست و در زمان غیبت صغری که هفتاد سال
و کسری بود نایبان آنحضرت عثمن عمروی و محمد بن عثمن و حسین بن روح و علی بن محمد
سمری حصه آنحضرت را میگرفتند و بفرموده آنحضرت بمردمان میدادند و ظاهر آنست
که الحال نایب عام آنحضرت تواند کرد و اکثر علما بر آنند که اگر مالک این حصه را بسادات
دهد ضامن است مگر آنکه عالم عادل نباشد و بعضی گفته اند که مالک نصف حق سادات را
بسادات میتواند داد و نصف حصه امام را بمصلحت فقیه مذکور بسادات میدهد
واین هردو قول مرجوح است بواسطه آنکه حدیثی که صاحب مال خود حق سید میتواند
داد در ظاهر نیست و تجویزی که فقها در باب زکوة کرده اند باعتبار استنباطی است
که از ظاهر آیه کرده اند و حدیث او نیز معلوم و در استنباط آیه که گفته اند دراین
حرف نیز بسیار است والله اعلم هفتم خلافست که آیا در یتیم استحقاق شرط است
یا نه مشهور اعتبار فقر است و بعضی گفته اند که فقر در کار نیست اظهر و اشهر
واحوط قول اولست و یتیم طفل نابالغیست که پدر نداشته باشد هشتم خلاف

نیست میان علمای ما که مستحق خمس می باید که مسلمان باشد خلافی که هست در
شرایط ایمانست بعضی گفته اند که ایمان شرطست و بکسی که متدین بدین اسلام
باشد از غیر فرقه اثنی عشر خمس دادن جایز نیست و بعضی میگویند که جایز است
و اظهر و احوط قول اولست و در اشتراط عدالت خلافست مشهور میان علما آنست
که شرط نیست واین قولی که عدالت شرطست قایلش معلوم نیست اما احوط و اولی
آنست که بسیدی که مجاهر بکبایر باشد و آنچه خمس گیرد صرف امور نامشروع کند
خمس را و نباید داد و اگر چنین نباشد باید داد هر چند عدالتش ثابت نباشد
والله اعلم اما انفال پس آن مخصوص حضرت امام علیه السلم است در حالت حضور و
غیبت آنحضرت و آن در زمان حضرت سید المرسلین از آنحضرت صلی الله علیه و آله
و بعد از آن حضرت با امام زمان علیه السلام است والحال از حضرت صاحب ع است
و مشهور میان علما آنست که پنج است اول زمینی است که بی جنگ بگیرند بانکه کفار
خود بمسلمانان باز گذارند بانکه خود در آن زمین باشند و اجرت و حاصل آن
زمین را دهند یا آنکه ترک جلای وطن نمایند و زمین را بمسلمانان باز گذارند و
فدک از آنجمله بود و حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله آنرا متصرف شدند
و بامر الهی آنحضرت صلی الله علیه و آله بحضرت فاطمه زهرا علیها السلم دادند و در
تصرف وکلای حضرت فاطمه علیها السلم بود در زمان حیوة حضرت سید المرسلین ص

و بعد از وفات آنحضرت ابو بکر و عمر از آنحضرت غصب نمودند و عمر بن عبد العزیز
در زمان ولایت خود فدک را باولاد حضرت فاطمه گذاشت و بعد از آن غصب
نمودند از ایشان و مکرر دادند و گرفتند **دویم** زمین موات است خواه در اصل
از کسی مالک نشده باشد یا شده باشد و اهل آن هلاک شده باشند و زمین
موات آنست که معطل باشد و آبی نداشته باشد یا داشته باشد و قنات آن
خراب شده باشد یا زمین آن جنگل و نیستان و امثال اینها و این قسم زمین را
هر کس از شیعیان اثنی عشری احیا کند مالک میشود تا ظهور آنحضرت علیه السلم
و ظاهر اخبار آنست که چون حضرت صاحب ع ظاهر میشود بایشان خواهد داد
سیم سر کوهها و شکم رودخانها و نیستانهاست و مشهور آنست که خواه موات
باشد اینجاها یا معموره باشد هم از آنحضرت است و بعضی گفته اند که موات اینها از آن
حضرت است و معموره از صاحبان اینهاست و شیعیان نیز در اینها تصرف میتوانند
کرد و اگر امام علیه السلم ظاهر باشد جایز نیست تصرف نمودن در این انفال
مگر باذن امام علیه السلم الا در مناکح و مساکن و متاجر که ایشان خود رخصت
داده اند و اما در زمان غیبت امام ظاهر روایات و مشهور میان علما آنست که
جمیع انتفاعات شیعیان از اینها جایز است خواه مناکح و مساکن و متاجر باشد
خواه غیر اینها و آیا فقر شرط است در انتفاع شخصی که منتفع میشود یا نه در میراث

من لا وارث

من لا وارث له بعضی گفته اند که فقر شرط است و در غیر آن کسی شرط نکرده ظاهر
عمومات آنست که فقر مطلقا شرط نباشد اما بر مخالفین ایشان حرام است خواه
در زمان حضور و خواه در زمان غیبت انتفاع از انفال و غیر آن از مال
ایشان بردن اگر همه یکشربت آب باشد والله اعلم و احوط آنست که هر چه معمور
باشد بی رخصت عالم عادل در ایام غیبت تصرف نکنند **چهارم** هر گاه مسلمانان
فتح کنند بلاد کفار را هر ملک نفیسی که پادشاهان میدارند مثل خانهای
نفیس و باغات و امثال اینها از نفایس مخصوص آنحضرت ع است و همچنین
از منقولات نفیسه از جواهر نفیسه اسبان نفیس و غلام و کنیز نفیس و
امثال اینها نیز مخصوص آنحضرت است و آنحضرت از غیر اینها هر چه خواهد
انتخاب میتواند نمود **پنجم** میراث کسیست که هیچ وارث نداشته باشد
باین نحو که هیچ خویش نداشته باشد اگر بنده بوده باشد و آزاد کننده و فرزندان
آزاد کننده او هیچ یک نباشد و همچنین آزاد کننده آزاد کننده نداشته باشد
ضامن جریره نداشته باشد میراث او از حضرت امام است ع باجماع علمای
امامیه و اخبار صحیحه معتبره و جمعی گفته اند که هر گاه جمعی بی رخصت
آنحضرت جهاد کنند هر غنیمتی که بهم میرسد از آنحضرت است ع و بنا بر این قول
جمیع بلاد و اراضین مال آنحضرت ع خواهد بود مگر قلیلی مثل مکه معظمه

کمال جمیع مسلمانانست چون قهراً از حضرت سید المرسلین صم گرفتند
علی المشهور و مدینه مشرفه که خود پیش از رفتن آنحضرت صم مسلمان شدند
زمینهای آن از صاحبان زمین است و در طائف خلافست و باقی بلاد
که مفتوح شد یا خود بطوع و رغبت دادند مثل فدک و آن مخصوص امام
است یا در زمان پادشاهان جور مفتوح شد و آن نیز بنابر یک قول
مخصوص امام است و جمعی قایلند که آنچه در زمان اینها مفتوح شده است
حکم مفتوح العنوه دارد و همه مسلمانان در آن شریکند چون حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام تقریر فرمودند کردهای غاصبین خلافت را و نهایت
احتیاط میفرمودند در تصرف در مال بیت المال بمرتبه که خویشان آنحضرت
ترک آنحضرت نمودند و اگر اینها مال آنحضرت میبود آنحضرت از مال خود با خویشان
مضایقه نمیفرمود و از مشایخ مسموع شد که نقل میکردند از شیخ عبد العالی
که آنچه عمر میکرد برخصت آنحضرت میکرد و حضرت امیر المؤمنین ع حضرت
امام حسن علیه السلام با لشکر اسلام فرستادند و باصفهان آمدند و در مسجد لنبان
نماز کردند و در حمامی که در حوالی مسجد جامع قدیم بود و الحال کاروانسرا است
غسل فرمودند و جمیع فتحها برخصت آنحضرت شد و جمیع فتحها بتدبیرات
آنحضرت واقع شد و آنکه عمر آنچه میکرد برخصت آنحضرت بود نه آنکه همه

امور

امور بلکه در امور فتوحات و چند امری که مشهور و منقول است مجملا اخبار
صحیحه دلالت میکند بر آنکه مفتوح العنوه بر این بلاد جاری باشد چنانکه
در بلاد و اموال و اسبابی که سلاطین جور در زمان غیبت امام از کفار
میگیرند خلافست مشهور میان علمای ما آنست که جمیع اینها مخصوص امام است
و مستند مشهور حدیث مرسلیست که معمول به اکثر اصحاب است و بعضی از
متاخرین علمای ما قایلند که حکم غنیمت دارد که جهاد باذن امام شده باشد
پس خمس از برای امام است و باقی از منقولات از برای غازیانست که در جهاد
حاضر بوده اند و غیر منقولات از اراضی و غیر آن حکم اراضی مفتوح العنوه دارد
که باذن امام فتح شده باشد بآن تفصیلی که در کتاب جهاد مذکور است و در روایت
مستند مشهور ما باعتبار ارسال عمل نموده اند اما قول مشهور ظاهرتر است بواسطه
آنکه ثقة الاسلام محمد بن یعقوب الکلینی ره در کتاب کافی فرموده اند بعنوان
جزم و قطع که کل زمین و آنچه در زمین است ملک خداوند رب العالمین است
و خداوند عالمیان حضرت آدم را که خلیفه در روی زمین ساخت زمین و آنچه در
زمین است بحضرت آدم گذاشت و بعد از حضرت آدم به پیغمبری که خلیفه آنحضرت
بود رسید و همچنین از خلفا و پیغمبران دست بدست بحضرت سید المرسلین صم رسید
و از حضرت سید المرسلین صم با ائمه معصومین علیهم السلام واحداً بعد واحد رسید تا بحضرت

صاحب الامر است هم روی زمین و آنچه در زمین است از معادن و جواهر و
آبها و شریکی نیست مگر در زمین و چیز چندی دیگر آنچه در زمین میرود
همه ملک خلیفه خدا صاحب الامر است ع و کسی را با آن حضرت شریکی نیست مگر
زمین و چیز چندی که از دست پیغمبر و ائمه علیهم السلم بدر رفته باشد و
کفار متصرف شده وقتی که مسلمانان در خدمت پیغمبر یا امام ع جهاد کنند و
مال را پس گیرند خداوند عالمیان چهار خمس این مال را از برای مسلمانان مقرر
ساخته باعتبار اعانتی که رسول خدا و امام را نموده اند بواسطه گرفتن مال
ایشان و خمس از آن برای صاحب مال مقرر فرموده و این مال را فیء مینامند
یعنی مالیست که رفته بود و الحال برگشت و هرچه بی جنگ گرفته شود
داخل انفالست و کل آن به پیغمبر یا امام تعلق دارد بواسطه آنکه مال خود را
گرفتند بی مدد کسی پس در آن مال کسی را با ایشان شریکی نیست و برین
مضمون احادیث صحیحه و معتبره بسیار نقل فرموده اند و آنچه در کلینی ره
فرموده اند همه معلوم و حق و ثابت است پس بنا برین هرگاه که اهل جور
و عدوان خصوصا نواصب مال آنحضرت را جمع فرموده و در خدمت آنحضرت
بودند و از دست غاصب که کفارند بگیرند مستحق اجرت میشوند پس بنا برین
باید که کل مال از صاحب مال باشد و این معنی بسیار ظهور دارد که در غیبت این

باب واقع شده مثل دو خبر صحیح معتبر علی السند که روایت شده که مال این نواصب را
که به بینید بهر نحوی که ممکن باشد مال شماست و خمس از آنها بما بدهید و
باقی بشما حلالست و ظاهرا وجهش این باشد که این اموالی که در دست
ایشانست یا اموالیست از امام ع که کفار بعنوان غصب متصرف بوده اند و
ایشان بی رخصت صاحب مال از کفار بعنوان غنیمت گرفته اند یا مخصوص است
که از اراضی که از آنحضرت حاصل نموده اند یا غیر اینها از اموالی که مخصوص آن
حضرتست تصرف نموده اند صاحب مال که ایشان ائمه اند ع رخصت داده اند
بندگان فدوی خود را که شیعیان اند که هرجا که اموال ما را در دست دشمنان
ما به بینید بهر نحوی که ممکن باشد استنقاذ و استخلاص نمائید از ایشان یک
خمس را از برای ما بیاورید که ما بقی را بر شما حلال کرده ایم پس ظاهر شد از
آنچه تمهید نمودیم که هرچه بی رخصت آنحضرت ع بگیرند متغلبین از کفار
کل مال امام است اما در زمان غیبت ائمه علیهم السلام که صاحبان اموال و
املاک کل روی زمین اند شیعیان خود را رخصت داده اند در جمیع اموال
خود انواع تصرفات را و بر ایشان حلال کرده اند از انواع تمتعات را تا ظهور
حضرت صاحب صلوات الله علیه و الله اعلم و در این باب چند مسئله است
اول در زمان غیبت رخصت داده اند ائمه علیهم السلم شیعیان خود را در تصرف

نمودند و مناکح تا شیعیان حلال زاده باشند و مناکح کنیزانی اند که در جنگ
میگیرند و آن مجموع از حضرت است یا خمس یا عشر از آنحضرت است بهر حال
شیعه او را وطی می توان کرد و بر سنیان حرام است و همچنین اگر مالی
بهم رسانیده باشند و خمس آنرا نداده باشند اگر مهر زن کنند حلال است
یا کنیزی که از آن زری که خمس را نداده اند بخرند حلال است و جمعی الحاق
کرده اند مساکن و متاجر را و مساکن خانهایست که بجهت آنحضرت
جنگ کرده اند و گرفته اند یا از زری که بقیمت خانه داده اند خمس آنرا
نداده باشند یا اراضی که مخصوص آنحضرت است در آنجا خانه بسازند این را
حلال نموده اند تا نمازهای ایشان صحیح بوده باشد و مراد از متاجر
چیزهائی است که بغنیمت از کفار گرفته باشند خواه همه از آنحضرت باشد
یا بعضی از آن که شیعیان اگر آنها را از سنیان بخرند نماز میتوانند کرد در آنجا
و همچنین اگر از سنیان چیزی بخرند و بخورند یا بپوشند حلال است هر چند
خمس آنرا نداده باشند و هر چه تعلق بآنحضرت داشته باشد بر شیعیان
حلال است للروایات الصحیحه دوم جمعی گفته اند که خمس را بشریف میتوان
داد و آن کسی است که مادرش سید باشد و بس و خالی از قوتی نیست
ولیکن احوط آنست که خمس و زکاة هیچیک را ندهند چنانچه سابقا

بتفصیل

بتفصیل ذکر نمودیم و اما رد مظالم می توان داد [illegible] سیم شرط نیست
که ابن السبیل فقیر باشد بلکه می باید که در غربت فقیر باشد اگر چه در شهر خود
غنی باشد و احوط آنست که اگر باو قرض دهند که در شهر او از و بگیرند خمس نگیرد
و همچنین اکثر علما بر آنند که شرط نیست که یتیمان سادات فقیر باشند و احوط
رعایت فقر است چهارم احوط آنست که بسط نمایند خمس را و اقلا بهر طایفه
سه کس بدهند و اگر بجمیع کسانی که در آن شهر باشند بدهند بهتر است اگر
وفا کند بآنکه بهر یک قدری معتد به برسد و اگر اندک باشد که هر یک را
قوت سالیانه بدهد ما بقی را بشهر دیگر می تواند فرستاد و همچنین اگر در آن
شهر مستحق نباشد نقل میتواند نمود و اگر تلف شود بی تقصیر ضامن نیست
و اگر مستحق در آن شهر باشد و نقل نماید بشهری دیگر و تلف شود ضامن
است سابقا ذکر کردیم کسی که متولی این می تواند شد امام علیه السلم یا نایب خاص
یا نایب عام که عبارت از فقیه عادل جامع شرایط فتوی است یا مالک باذن
فرموده ایشان و ذکر کردیم که در صورت کفاف قوت سالیانه بکل سادات
میدهند و اگر وفا نکند سقوط برای مصلحت امام عم و نایب اوست هر چه
اصلح میدانند همان میکنند و شیخ زین الدین علیه الرحمه در شرح شرایع ذکر کرده
که اگر خمس را در زمان غیبت امام عم خود بمستحقین سادات بدهد ضامن است

و مالک بعد الذمه میشود و باجماع اصحاب که دادن خمس را در زمان
غیبت امام ع واجب میدانند والله اعلم **پنجم** شرط است در مستحق خمس که
شیعه اثنی عشری باشد علی المشهور و الاحوط و شرط نیست که عادل باشد
و اگر سید خمس را صرف شراب کند و امثال آن بهتر آنست که باو ندهند
بلکه واجبست چون معاونت بر گناه است **ششم** بعضی گفته اند که اباحه
تجارات مخصوص حضرت امام ع است و در حالت غیبت بر شیعیان
حلالست و خمس از آنها باید داد و احوط آنست که بدهند لظاهر الآیه
و همچنین بعضی گفته اند که معادن نیز مخصوص آنحضرتست و بعضی گفته
که وجه این قول ظاهر نیست بلکه خمس او را میدهند بنحوی که گذشت و
آنانچه سابقا ذکر کردیم که زمین و آنچه در زمین است همه مال امام است
معادن نیز از آنجمله است که مال امام است پس شیعیان در زمان
حضور اگر باذن آنحضرت در معدن کار کنند یا در زمان غیبت باذن
نایب عام آنحضرت در معدن کار کنند خمس را بر موده ایشان میدهند
و اگر غیر شیعیان از اصناف خلایق هر که در معادن کار کند آنچه از معدن
بهم رسد کل مال امام است و از آن هر چه بخورد مثل لحم خنزیر بر او حرام است
والله اعلم و جمعی از قدما گفته اند که خمس ساقط است در زمان غیبت و

بعضی

بعضی گفته اند که دفن می باید کرد تا در وقت ظهور آنحضرت زمین ظاهر
خواهد ساخت و آنحضرت ع متصرف خواهد شد و بعضی گفته اند در باب
می سپارند بعدول ثقات و دست بدست میدهند تا ظهور آنحضرت ع
و بعضی باین اقوال قایلند در حصه آنحضرت ع و اظهر وجوب آنست
و قسمت بنحویست که مذکور شد سابقا اینست حد زکوة و خمس بنا بر اقوال
علمای ما رضوان الله علیه موافق احادیث والله اعلم بالصواب **فصل بیست**
و پنجم در صله اهل بیت علیه السلام و ذریه طیبین و اتباع ایشان از
از مؤمنین مرویست از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود که هر که بیکی
از اهل بیت من احسان کند من در روز قیامت از مکافات دهم و
فرمود من در روز قیامت چهار کس را شفاعت کنم اگر چه با گناه
تمام اهل دنیا بیایند کسی که نصرت ذریه من کرده و کسی که مال خود را
در وقت تنگی بذل ایشان نموده و کسی که با دل و زبان با ایشان محبت
داشته باشد و کسی که در حوایج ایشان سعی کرده و حضرت صادق ع
فرمود که روز قیامت منادی ندا کند که ای خلایق خاموش باشید
که حضرت محمد صلی الله علیه و آله با شما گفتگو میکند پس آنحضرت خواسته
بوی ای معشر خلایق هر کس پیش من نعمتی و منتی و احسانی باشد برخیزد

تا آن را تلافی کنم گویند پدر و مادرم فدای تو باد که احسان آن که نعمت و
احسان بر تو داشته باشد بلکه نعمت و منت و احسان و شفقت همه خدا
و رسول خدا راست بر جمیع خلایق پس آنحضرت گوید بلی هر کس یکی از اهل مرا
پناه داده یا با ایشان نیکی کرده یا برهنه ایشان را پوشیده یا گرسنه ایشان را
سیر کرده بیاید تا مکافات آن کنم پس جمعی که این کارها کرده باشند برخیزند
پس از جانب الهی ندا آید که ای حبیب من مکافات ایشان را بتو مرجوع داشتم
در هر جای بهشت که خواهی ایشان را جای ده پس ایشان را در وسیله که درجه است
مخصوص آنحضرت و اهل بیتش جای دهد تا در خدمت ایشان باشند
و در میان ایشان حجاب و مانعی نباشد و آنحضرت فرمود که هر کس قادر
بر صله رحم ما نباشد با صلحای شیعه ما صله بجای آورد ثواب صله
ما داشته باشد **فصل بیست و ششم** در فضایل معروف و احسان و مروت
از ائمه علیهم السلام که بهشت را دریست که آن را معروف نامند از آن در داخل
نشود مگر اهل معروف در دنیا و اول کسی که داخل بهشت و وارد حوض
کوثر شود معروف است و اهل معروفند و سه چیز است که موجب زیادتی
عمر و بقای نعمت است یکی طول رکوع و سجود دویم طول جلوس بر سفره سیم
اصطناع معروف و احسان و صاحب معروف را نعمها الله و وسطها محفوظ

باشد

باشد و چون اهل بهشت داخل بهشت شوند خدای تعالی بوی خوش بوی را
امر فرماید که با اهل معروف ملاصق شو که هر یک از ایشان که بجمعی از اهل بهشت
گذرند از بویش بشناسند که صاحب معروف است و هر که بمؤمنی احسانی کند
الله تعالی روز قیامت بآن مؤمن فرماید برو و هر کس با تو معروفی بجا
آورده اگر در دوزخ باشد بیرون آر پس برود و بیرون آورد و
دوسترین بندگان پیش خدا کسیست که معروف دوست دارد و هیچ
چیز بهتر از معروف نیست مگر ثوابش و باز مرویست که با هر کس باشد
اصطناع معروف کنید که اگر او اهل آن نباشد شما اهل آن باشید و اگر
کسی در جانب راست شما را دشنام دهد و بجانب چپ آمده عذر خواهی
کند قبول کنید و در برابر احسان اگر بهمان قدر احسان کنی تلافی کرده
باشی و اگر زیاده کنی شکر آن بجای آورده باشی و چون شکر بجای آری
کریم باشی و هر که بداند که چون بکسی نیکی و احسان کند در واقع با خود
کرده توقع مدح و شکر و زیادتی محبت از او نداشته باشد و چرا ای
توقع که باحسان حفظ عرض خود و تحصیل ثواب برای خود نمود و کسی که
اعانت و سعی برای خیری کند مثل فاعل آن خیر است و مرویست که برای
یکدیگر هدیه بفرستید که سبب محبت و اصلاح رنجش و عداوت شود

و کاری که ضررش به آن کس بیشتر از نفعش به دیگری باشد نباید کرد و چون
بکسی احسان کنند اگر تواند تلافی کند و اگر نه مدحش و شکرش کند گویا
کفتن آن کرده باشد حضرت صادق ع فرمود که الله تعالی لعن کرده قاطع
سبیل معروف را پرسیدند که کیست او فرمود کسی که با و معروف کنند و
او کفران کند که سبب این باشد که دیگران دیگر معروف نکنند و باید
دانست که هر احسان و نیکویی از مال و غیر مال داخل معروف است **فصل**
بیست و هفتم در فضایل صدقه مرویست از ائمه علیهم السلم که الله تعالی
فرماید که من برای هر خیری کسی مقرر فرموده ام بغیر صدقه که آنرا خود بگیرم
حتی اگر کسی خرمایی یا نصف خرمایی صدقه دهد آنرا برای آن تربیت
کنم و نیز باید که دائم تا روز قیامت مثل کوه احد یا بزرگتر باشد و هفتاد
نوع بلا از بلاهای دنیا دفع کند بغیر از ثوابی که در آخرت مهیاست
و صدقه از چنگ هفتصد شیطان بیرون آید همه مانع باشند و هیچ
چیز بر شیطان گرانتر از صدقه نیست و هر کس اول روز صدقه دهد
نحوس و شرور آن روز از و دفع گردد و اگر اول شب دهد نحوس و شرور
آنشب دفع گردد روزی یهودی بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
گذشت آنحضرت فرمود امروز ماری سیاهی قفای آن یهودی را زند و

بکشد

بکشد پس یهودی گذشت و پشته هیمه برد و شب بسته مراجعت کرد آن
حضرت فرمود هیمه را بر زمین گذاشت ماری سیاهی بر چوبی پیچیده بود پرسید
ای یهودی امروز چه کرده گفت چنان کاری نکرده ام اما دو نان داشتم
یکی را خوردم و یکی را تصدق دادم آنحضرت فرمود ببرکت آن تصدق
شر این مار از تو دفع شده حضرت امام جعفر ع فرمود میان من و منجمی قسمت
زمینی بود او میخواست که من در ساعت نحس و خودش در ساعت سعد
بیرون رویم چون رفتیم و تقسیم کردیم قسمت خوب من افتاد منجم دست
بر دست زد و از روی تعجب و حسرت گفت هرگز چنین چیزی ندیده بودم
من گفتم بلی من در وقت بیرون آمدن تصدق کردم و آن بهتر از نجوم
تو بود و باز از ایشان مرویست که در زمان بنی اسرائیل قحط عظیمی شد روزی
زنی لقمه نان در دهن داشت که بخورد سایلی سوال کرد آن لقمه را از دهن
بیرون آورده بسایل داد و اتفاقا آن زن را طفلی صغیر بود در صحرا گرگ
او را ربود طفل فریاد کرد مادرش خبر یافته در پی او دوان شد جبرئیل
بامر ملک جلیل طفل را از دهن گرگ گرفته باو داد و گفت این نعمت عوض
آن لقمه مرویست که هیچکس صدقه را در دنیا خوب نکند مگر که الله تعالی
بعد از و کفالت اولادش را خوب کند و مرویست آنچه مقدور باشد

تصدق کنید اگرچه نصف خرمائی باشد و از دادن چیز کم شرم نکنید
که هیچ کمتر از آن کم است و چون بنده بانچه مقدورش باشد جود کند پیش
خدا عظیم بود و اگر هیچ نباشد بکلمهٔ ملایم و زبان خوش جواب گوید و
روز قیامت خدای تعالی فرماید من بشما انعام و احسان نفرمودم و مال
و فرزند ندادم و گوش و هوش عطا نکردم گویند بلی پس گوید که ببینید
که برای امروز چه مهیا کرده اید پس هرچند باطراف نظر کنند چیزی
نیابند که آتش را از ایشان دفع کنند و زمین قیامت تمام آتش است
مگر سایهٔ مؤمن که صدقات بر ایش سایه کند و آتش را منع کند و هم که
صدقه را برای محتاجی برد مثل ثواب کسی دارد که آن صدقه را داده
و مرویست که تا توانید صدقه بدهید و از پریشانی مترسید که هرگز
کسی از صدقه دادن پریشان نشود و صدقه مال را زیاد کند و دین را
ادا نماید شخصی با امام ع شکایت کرد که پریشانی من بجائی رسیده که
فلانی دو جامه از بدن خود بیرون آورده بمن داد فرمود که روزه
بگیر و تصدق کن گفت آنچه بمن میرسد بدهم فرمود آنچه مقدور
میشود بده اگرچه خود بان حاجت داشته باشی و هر احسانی و
مهربانی که بکسی بکنی صدقه باشد حتی آنکه با کری سخن گوئی و حرف

با او بشنوانی چنانچه او از بخانی و افضل صدقات آنست که پنهان باشد
که صدقهٔ پنهان آتش غضب الهی را ساکن کند و گناه بزرگ را محو گردانند
و حساب قیامت را آسان گرداند و صدقه روزی و مال و عمر زیاد کند
و خطاهای عظیم را بگرداند چنانچه آب نمک را حضرت عیسی ع بکنار
دریا گذشت قرص نانی در آب انداخت حواریین گفتند یا روح الله
این نان قوت تو بود فرمود حیوانات آب بخورند ثوابش نزد خدا
بزرگتر است و افضل صدقات آنست که در وقت تنگی و پریشانی
باشد و دیگری را بر خود اختیار کند و اگر عیال و بعد از آن خویشان و
بعد از آن همسایگان محتاج باشند صدقه بدیگری نشاید داد هرچند کسی
نزدیکتر حقش بیشتر صدقه برا و افضل باشد و مرویست که افضل صدقات
آنست که بخویشی دهند که عداوت ایشان در دل داشته باشد و
صدقه یکی به ده عوض یابد و صلهٔ دوستان یکی به بیست و صلهٔ خویشان
یکی به بیست و چهار در صدقه منت نباید گذاشت و سایل را نباید رنجانید
که ثوابش باطل شود و بکلمهٔ خوش جواب گوئید بهتر از آنست که صدقه دهند
و برنجانند و افضل آنست که آنچه معتاد شود بدهد و ملایمت و
عذرخواهی را انضم کند که این صدقه دیگر است افضل از صدقه اول و

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلم فرمود که حق فقرا و مساکین را بشناسید
که اگر ایشان نمی بودند صدقه یکی پیدا دید وفضایل وثواب صدقه
چون می یافتند ودفع بلاها چون میکردید وچون چیزی برای خدا
وبرای صدقه جدا کنید انرا دیگر داخل مال صرف خود نباید کرد بلکه
اگر آن سائل رفته باشد یا قبول نکند بدیگری باید داد مرویست که
کسی انچه برای صدقه جدا کرده بمال خود برگرداند مثل کسی است که
قی کند وانرا بخورد **فصل بیست وهشتم** در مذمت سوال ورد سائل
مرویست از اهل بیت علیهم السلم که سائل را رد مکنید اگر بر اسب سوار
باشد که اگر نه آن می بود که سائلان دروغ گویند نجات نمی یافت کسی
ایشانرا رد کند واگر چیزی مقدور نشود بلاغت عذر باید خواست
که بسا باشد که ملکی که برای امتحان بصورت انسان سؤال کند وهرچه
بیش از سوال بدهید احسانست اما بعد از آنکه با دل طپان واعضای
لرزان وتشویش میان یاس وامید آب روی بریزد وسوال کند هرچه
دهید عوض آب روی وتشویش ویاس واحتیاج اما نیست از خدا
در پیش بندگان هر کس انرا پنهان دارد ثوابان یابد که عبادت کرده
باشد واگر افشای آن کند هر کس بشنود لازم است بروکه اعانت نماید

واگر مردم

واگر مردم بدانند که سوال چه قدر بد است هرگز سوال نکنند ونیز مرویست
که از سوال اجتناب کنید که مذلت است در دنیا وفقریست مهیا وطول حساب
در آخرت وهر کس بی احتیاج سوال کند الله تعالی اورا محتاج کند تا مضطر
بسوال شود وهر که قوت سه روز داشته باشد وسوال کند روز قیامت
گوشت در رویش نباشد ونزد جمعی از حضرت پیغمبر التماس کردند که برای
ایشان که ضامن بهشت شود فرمود ضامن شدم بشرط آنکه شما از کسی
سوال نکنید ایشان ترک سوال کردند تا حدیکه در اثنای طعام اگر آب بیکی
نزدیکتر می بود نمی طلبیدند وخود برخاسته بر میداشتند واگر در سواری
تازیانه از دست ایشان می افتاد فرو نمی آمدند وبر میداشتند وسوال
نمی کردند **فصل بیست ونهم** در رعایت حال عیال مرویست از ائمه علیهم السلم
که چون خدای تعالی بکسی نعمت دهد واجبست بروکه بر عیال خود توسعه
کند وعیال مرد اسیران اوست پس اگر صاحب نعمت بر اسیران خود توسعه نکند
نزدیک باشد که نعمتش زایل شود وچون نعمتی زایل شود زود عود
نکند وملعونست کسی که عیال خود بر دیگری بار کند وملعونست کسی که
عیال خود را مضطر گرداند تا محتاج بدیگری شوند وهمین گناه بس است
مرد را که عیال را محتاج گرداند ومومن چنانکه الله تعالی اورا وسعت دهد

اونیز عیال را وسعت دهد و هر گاه تنگ تر کند او نیز چنین کند و
بهترین صدقه و احسان آنست که بعد از قدر کفاف عیال باشد
و هر کس با اهل خود نیکو باشد روزیش زیاد شود حضرت امام زین العابدین
علیه السلم فرمود وقتی که عیال من رغبت بگوشت کنند بسیار دارم و تا
بجهت ایشان گوشت بخرم دوست تر دارم که بنده آزاد کنم و کسی دینار
طلا بخدمت حضرت پیغمبر صلعم برده گفت میخواهم باین مرکبی بخرم که برآن
سوار شوند و در راه خدا جهاد کنند فرمود والدین داری صرف ایشان
کن که افضلست رفت و چنان کرد باز دو دینار دیگر آورد و فرمود زن
داری صرف او کن که افضلست چنان کرد و دو دینار دیگر آورد و گفت
باین مرکبی بخرم فرمود بخر اما بدانکه این افضل از اینها نیست و مرویست که
مومن بخواهش اهل خود چیز میخورد و منافق بخواهش خود **فصل سیوم**
در احسان مومن بطعام و جامه مرویست از ائمه علیهم السلم که هر که مومنی را احسان
چنانست که پیغمبر صلعم کرده باشد و هر که مومنی را طعامی دهد بهتر است از
آنکه ده بنده آزاد کرده باشد و ده حج کرده باشد و اگر یک مومن غنی را
طعام دهد چنانست که یک کس از اولاد اسمعیل را از ذبح نجات دهد و
اگر یک مومن فقیر را طعام دهد چنانست که صد کس از اولاد اسمعیل را از ذبح نجات

دهد و هر که یک لقمه بمومنی دهد خدا تعالی از میوه های بهشت عوض دهد
و بهتر از آنست که یک بنده آزاد کند و اگر سه مومن را طعام دهد خدای
تعالی او را در ملکوت سموات از سه بهشت فردوس و طوبی و بهشت
عدن طعام دهد و از درختی که الله تعالی در بهشت عدن بدست قدرت
خود نشانده و امام محمد باقر عم فرمود که یک حج کنم دوست تر دارم
از آنکه هفتاد بنده آزاد کنم و اهل یک خانه از مسلمین را عیال خود کنم که گرسنه
ایشانرا سیر کردانم و برهنه ایشانرا بپوشانم و ایشانرا از حاجت مردم برهانم
دوستر دارم از آنکه هفتاد حج کنم و هر که مومنی را در معیشت اعانت
کند یا برهنه اش را بپوشاند الله تعالی هفت هزار ملک موکل کرداند تا
وقت صور برای همه گناهان او استغفار کنند و در روایت دیگر هفتاد هزار
ملک آمده و هر کس مومنی را جامه بپوشاند خدای تعالی ورا از جامهای
بهشت بپوشاند و سکرات موت بر او آسان کرداند و قبرش را وسیع
کند و چون از قبر بیرون آید ملایک استقبالش کنند و بشارتش دهند
و از جامهای خاص بهشت در و پوشند و تا از آن جامه باقی ماند ملائکه
بر او صلوات فرستند و در امان خدا باشد و نیز مرویست که هر که مومن
برهنه را جامه بپوشاند خدای تعالی ورا از استبرق جنت پوشاند

واگر مؤمن عریانی را بپوشاند در رحمت خدای باشد تا از آن جامه پارچه
مانده باشد و مرویست که احسان شایسته نباشد مگر به سه خصلت
یکی آنکه آنرا سهل و حقیر انگاری تا در نظر آنکس عظیم شود و دویم آنکه
پنهان داری تا بزرگ نما شود سیم آنکه در دادن آن تعجیل کنی تا تمام شود
و چون این سه خصلت مراعات شود احسان در نزد خدای عظیم گردد

فصل سی و یکم در فضایل قرض دادن مرویست از اهل بیت علیهم السلام
که ثواب صدقه یکی بده باشد و ثواب قرض دادن یکی بهیجده و هر که بمؤمنی
قرض دهد تا وقتی که قدرت بر ادای آن باشد با ملائکه در نماز باشد و
برای او بصدقه حساب شود و نیز مرویست که هر که بمؤمنی قرض دهد
بهر یک درهم مثل کوه احد و طور سینا و رضوی که کوهیست در مدینه حسنات
عطا فرمایند و اگر در مطالبه مدارا و ملایمت کند بی حساب و عذاب
چون برق خاطف از صراط بگذرد و نیز مرویست که هر که درماندهٔ را قرض
دهد و در مطالبهٔ او مدارا کند الله تعالی هر یک درهم را هزار قنطار از
بهشت عطا فرماید و هر که بمؤمنی قرض دهد و قضای حاجتش کند و او را
مسرور گرداند حضرت پیغمبر صلعم را مسرور گردانیده و جنون و جذام و برص از او
دفع شود و اگر مقدورش باشد و ندهد بهشت بر او حرام شود و باز مرویست

که قرض

که قرض دادن خمیر و نان و آتش و غیر آن از جملهٔ مکارم اخلاقست و جلب رزق
کند و مضایقه در آن مورث فقر باشد و هر کس قرضداری پریشانی را
مهلت دهد یا چیزی از حق خود باو بخشد در سایهٔ رحمت خدا باشد روزی که
هیچکس را سایه و پناه نباشد و از حرارت و خشم جهنم ایمن باشد و چنانست
که هر روز مثل آن تصدق کند و اگر میتی را حلال کند طلب خود را در عوض هر
درهم ثواب یابد **فصل سی و دویم** در سایر وجوه خیر و بر از آنجمله حق معلوم است
و حق معلوم آنست که کسی از حق مال خود مقداری معین بقدر وسع خود
مقرر کرده باشد که هر روز یا هر هفته یا هر ماه یا هر سال و مجملا مدتی معین بفقرا
و مساکین دهد الله تعالی در قرآن مجید فرموده روز قیامت دوزخ آواز
کند و بجانب خود طلب کند کسی را که از راه راست رو گردانیده و مالها را بر هم
کرده و ذخیره نموده مگر جمعی از طایفهٔ نمازگزاران که در مال خود حق معلوم جدا
کرده باشد و از جمله وجوه خیر بنای مساجد است مرویست از حضرت پیغمبر صلعم
که هر کس در دنیا مسجدی بنا کند خدای تعالی بقدر هر یک وجب آن یا هر یک
ذراع و تردید از راویست بنا کند خدای تعالی در بهشت شهری که چهل هزار سال
راه باشد از طلا و نقره و در و یاقوت و زمرد و زبرجد و در هر شهری چهل هزار
هزار قصر و در هر قصری چهل هزار هزار خانه و در خانه چهل هزار هزار غلام و

چهل هزار هزار کنیزک همه در اوایل جوانی و کمال خوبی و چهل هزار هزار خوان و بر هر
خوان هزار کاسه و در هر کاسه چهل هزار هزار نوع از اطعمه نعیم باشد و در
احادیث معتبره آمده که گاهی مردم در اطراف جاده سنگ چین میکردند
برای مسجد و از ائمه علیهم السلم پرسیدند که این نیز از آن جمله است فرمودند
بلی و از جمله وجوه بر بنای منازلست در راهها مرویست از آنحضرت صلعم که هر کس
در راهها پناهی و منزلی بسازد که قافله و مسافرین فرود آیند چون روز
قیامت مبعوث شود بر مرکبی از در سوار باشد و نور رویش بر تمام اهل محشر
تابان باشد و با ابرهیم پیغمبر در مکانش مرافقت نماید و اهل محشر گویند
این فرشته ایست که مثلش در میان فرشتگان نیست و چهل هزار هزار کس
بشفاعت او داخل بهشت شوند و از جمله عتق رقبه است مرویست از اهل
بیت علیهم السلم که هر که بنده مؤمنی را آزاد کند خانه در بهشت برایش بنا شود و هر
عضوی از او عضوی از آتش آزاد کنند حتی فرج بفرج و کافر و مشرک را نشاید
آزاد کردن و اگر طفل یا پیر یا عاجز همه را آزاد کنند باید نفقه اش بدهند تا
وقتی که خودش قدرت بر تحصیل معاش بیابد و بنده که در حال نزع باشد آزاد
کردنش سودی ندارد **فصل سی و سیم** در فضایل تزویج و کراهت عزوبت
مرویست از ائمه که چون کسی تزویج کند نصف دینش محفوظ گردد پس در نصف

دیگر

دیگر احتیاط و ملاحظه خود نماید و دو رکعت نماز صاحب اهل و عیال افضلست
از هفتاد رکعت عزب و هیچ بنای اسلام پیش خدا دوستر از نکاح نیست
و هیچ خرابی دشمن تر از فرقت و طلاق نه و خدای تعالی نهایت دشمنی
با طلاق ذکران در قران بیان کرده و اکثر خیر در زنان باشد و حضرت
پیغمبر صلعم فرمود که چه مانعست مؤمن را از اینکه تزویج کند شاید ولدی بهم رسد
که بلکه زمین را سنگین کند و نیز فرمود تزویج کنید و تحصیل
اولاد نمائید که روز قیامت من بشما بر سایر امم افتخار و مباهات
نمایم حتی طفلی که از شما ساقط شود و سقط شما غضبناک و خشم آلود
بر در بهشت ایستاده باو گویند داخل شو گوید داخل نشوم تا اول والدین
من داخل بهشت شوند پس الله تعالی ملکی فرماید والدین او را آورده داخل بهشت
کنند و اولاد در زیر عرش در مکانی از مشک و عنبر برای آبای خود استغفار
کنند و نیز فرمود رذل ترین اموات آنانند که عزب بمیرند و امام جعفر صادق ع
فرمود دوست ندارم که تمام دنیا و ما فیها از من باشد و یک شب
عزب بخوابم و بعد از آن فرمود دو رکعت نماز متزوج بهتر است از آنکه عزب
شبها نماز کند و روزها روزه گیرد و هر که خواهد که پاک و پاکیزه پیش خدا
رود باید توجه برود و کسی که از ترس پریشانی ترک تزویج کند بخدا بدگمان

باشد که فرموده اگر پریشان باشید نکاح کنید تا شما را غنی کردانم و هر که از
اقربای خود برای رضای خدا و صله رحم تزویج کند خدای تعالی تاج ملک
و پادشاهی بر سرش نهد و بنده که خدای تعالی خواهد خیر دنیا و اخرت
برایش جمع کرداند دل خاشع و زبانی ذاکر و جسدی بر بلا صابر و
زوجه مومنه که هر گاه نظر بر او کند مسرور و چون حکمی فرماید اطاعت
کند و چون از و غایب شود خود را و مال او را محافظت نماید و
و نیز مرویست که بهترین شفاعتها اینست که میان دو کس سعی کنی تا تزویج
بهم رسد و هر که این سعی کند بهر گامی که بر دارد و هر کلمه که کوید الله تعالی
برایش عبادت یکساله نویسد که شبهایش نماز و روزهایش روزه
باشد و هزار حوریه عطا فرماید هر کدام از قصری از در و یاقوت و هر که
عزب را تزویج کند از جمله کسی باشد که الله تعالی روز قیامت نظر رحمت
بر ایشان کند و از جمله سعادت مرد اینست که دخترش در خانه شوهر حایض
شود و هر که در مفارقت زوج و زوجه سعی کند بغضب و آفت الله
تعالی کرفتار شود و ببرزخ معذب کردد و هر که در اصلاح میان ایشان
سعی کند اجر هزار شهید یابد و بهر گامی که بر دارد و کلمه که کوید یکساله عبادت
نویسند با روزه روزها و نماز شبها **فصل سی و چهارم** در فضایل متعه

مرویست از ائمه طاهرین ع که هر کس متعه کند برای رضای خدا و مخالفت منکرین
بهر کلمه که با او تکلم کند و هر مرتبه که دست بجانب او برد برایش حسنه و چون
نزدیکی کند کناهی از و آمرزیده شود و چون غسل کند بعدد هر موی که
بر بدنش آب رسیده کناهان از و آمرزیده شود و جبرئیل بحضرت پیغمبر ص
کفت که خدای تعالی میفرماید هر که از امت تو متعه کند کناهانش را آمرزیدم
و کسی از حضرت امام جعفر صادق ع از متعه سؤال کرد فرمود دوست ندارم
که کسی از دنیا برود و سنتی از سنن رسول الله ص مانده باشد بجای نیاورده
باشد و دیکر کسی با آنحضرت عرض نمود که قسم خورده ام که متعه نکنم فرمود که
عهد کردهٔ که طاعت خدا نکنی که اکر اطاعت نکنی معصیت خدا کرده باشی و مردی
بحضرت امام محمد باقر عرض کرد که دختر عم من مال بسیار دارد و بمن پیغام کرد
که میدانی بسیار مردم مرا خواستکاری کردند راضی نشدم و رغبتی بمردان ندارم
اما چون شنیده ام که الله تعالی و رسول او متعه را حلال کرده اند و عمر آنرا
حرام کرده میخواهم اطاعت ایشان و مخالفت او کنم مرا متعه کن حضرت نیز
فرمود برو و متعه کن که الله تعالی بر هر دو صلواة و رحمت فرستد و نیز
مرویست که از کنیزان طلب اولاد کنید که در رحم ایشان خیر و برکت
و نیز مرویست که چون کسی کنیزی بکیرد باید هر چهل روز یکمرتبه با او مباشرت

کند یا بدیگری حلال کند که اگر نکند پس اگر زنا کند گناهش بر او باشد
و نیز روایات آمده که متعه حلال است بر کسی که خدا او را بزوجه مستغنی
نکرده باشد یا آنکه بسفری رفته و از زوجهٔ خود دور شده باشد و یکی از
ائمه معصومین ع بموالی خود نوشت که الحاح در متعه نکنید و از زنان
خود دوری نمائید که ایشان از ما آزرده نشوند و امام جعفر ع باصحاب
خود فرمود شما را خدای تعالی بزن مستغنی از متعه کرده شرم نمی آید و
عار ندارید از آنکه در جاهای نامناسب برپنید و فتنه شما باشد
فصل سی و پنجم در اختیار زوجه و صفات زنان مرویست از ائمه ع که زنان را
قیمت نباشد که زن خوب بهتر است از طلا و نقره و زن بد خاک از او
بهتر است و باز ایشان ع فرمودند که زنان نجیب مناسب اختیار
کنید که فرزند بخال شبیه می شود و کسی که زن برای مال یا جمال
اختیار کند از آن محروم میشود و اگر برای دین و ایمان اختیار کند از مال و
جمال بهره مند گردد و حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود زن گندم گون سیاه
چشم بزرگ سرین میان بالا اختیار کن و اگر از او راضی نباشی مهرش بر من
باشد که ایشان نجیب تر باشند و بهترین زنان آنست که عفیف و ولود باشد
و در میان قوم خود عزیز و در پیش شوهر مطیع بود و اگر شوهرش آزرده شد

خواب

خواب نکند و برای شوهرش زینت کند و از نامحرمان پوشیده باشد و چون
با او خلوت کند مطیع باشد و مثل اسب سرکش سرکشی نباشد و بدترین
زنان آنست که در وی صفات خلاف این باشد کسی در خدمت حضرت
پیغمبر ص گفت هرگاه بخانه میروم زوجه‌ام استقبال میکند و چون بیرون
می آیم مشایعت میکند و اگر مرا دلگیر بیند دلداری کند و تسلی دهد
آنحضرت فرمود خدا را در زمین حججی باشند که کارهای او را نظام
دهند و این زن از جملهٔ ایشانست و او را نصف اجر شهید باشد
و برکت زن آنست که خفیفة المؤنة باشد و ولادتش آسان و مهرش
سبک باشد و شآمت زن در آنکه مؤنتش بسیار و ولادتش دشوار
و مهرش سنگین باشد فصل سی و ششم در اوقات تزویج و آداب
آن مرویست از ائمه ع که سنت تزویج در شب باشد که برای استراحت
آفریده شده و اگر تزویج در تحت الشعاع واقع شود طفل از سقط گشتن
ایمن نباشد و اگر قمر در عقرب باشد از آن تزویج خیر نبینند و اگر
وقت گرمای روز باشد زود مفارقت بانجامد بلکه باید در طرفین
روز باشد که هوا ملایم باشد و چون ارادهٔ تزویج کند او را دو رکعت
نماز گذارد و خدا را حمد کند پس بگوید اَللّهُمَّ اِنّی اُریدُ اَنْ اَتَزَوَّجَ اَللّهُمَّ

فقدر لی من النساء احسنهن خلقا واعفهن فرجا واحفظهن لی
فی نفسها ومالی واوسعهن رزقا واعظمهن برکة واقض لی منها
ولدا طیبا تجعله لی خلفا فی حیوتی وبعد موتی ومستحبات ابتدا
کردن تزویج بخطبه مشتمل برحمد وصلوات وموعظه وترغیب نکاح
واین خطبه رضوی ع افضل خطبها است بعد از بسمله بگو الحمد
لله الذی حمد فی الکتاب نفسه وفتح بالحمد کتابه وجعل الحمد اول
جزاء محل نعمته واخر دعوی اهل جنته واشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له شهادة اخلصها له وادخرها عنده وصلی الله
علی محمد خاتم النبوة وخیر البریة وعلی آله آل الرحمة والشجرة النعمة
ومعدن الرسالة ومختلف الملائکة والحمد لله الذی کان فی علمه
السابق وکتابه الناطق وبیانه الصادق ان احق الاسباب بالصلة
والاثرة واولی الامور بالرغبة فیه والتقدیم سببا اوجب نسبا و
امرا اعقب غنی فقال جل وعز وهو الذی خلق من الماء بشرا فجعله
نسبا وصهرا وکان ربک قدیرا وقال وانکحوا الایامی منکم والصالحین
من عبادکم وامائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله والله واسع
علیم ولو لم یکن فی المصاهرة والمناکحة ایة محکمة ولا سنة متبعة ولا

اثر

اثر مستفیض لکان فیما جعل الله من فضله بر القریب وتقریب البعید
وتالیف القلوب وتشبیک الحقوق وتکثیر العدد وتوفیر الولد لنوائب
الدهر وحوادث الامور ما یرغب من دونه العاقل اللبیب ویسارع الیه
الموفق المصیب ویحرص علیه الادیب الاریب فاولی الناس به من اتبع
امره وانفذ حکمه وامضی قضاءه ورجا جزاءه فلان بن فلان من قد عرفتم فیهم
حاله وجلاله دعاه رضی نفسه واتاکم ایثارا لکم واختیارا لخطبة فلانة بنت
فلان کریمتکم وبذل لها من الصداق کذا وکذا فتلقوه بالاجابة واجیبوه بالرغبة
واستخیروا الله فی امرکم یعزم لکم رشدکم ان شاء الله نسأل الله ان یلحم ما بینکم
بالبر والتقوی ویؤلفه بالمحبة والهوی ویختمه بالموافقة والرضا انه سمیع
الدعاء لطیف لما یشاء **فصل سی وهفتم** در اداب زفاف مرویست از ائمه
علیهم السلم که در شب زفاف پیش از آنکه داماد وعروس پیش هم آیند واما
دو رکعت نماز کند وبعد از آن حمد خدا کند وصلوات بفرستد وبگوید اللهم
ارزقنی الفها وودها ورضاها بی واجمع بیننا باحسن اجتماع وایسر
ائتلاف فانک تحب الحلال وتکره الحرام وجمعی که حاضر باشند امین بگویند
وعروس نیز چنین کند اما اول دعا را چنین بگوید اللهم ارزقنی الفه و
وده ورضاه بی تا آخر وچون پیش هم آیند دو بقبله دست بر پیشانی

عروس گذاشته بگوید اللهم علی کتابک تزوجتها و فی امانتک اخذتها
و بکلماتک استحللتها فان قضیت لی فی رحمها شیئا فاجعله مسلما
سویا و لا تجعله شرک الشیطان و اگر خواهد بگوید اللهم بامانتک
اخذتها و بکلماتک استحللتها فان قضیت لی منها ولدا فاجعله
مبارکا تقیا من شیعة آل محمد و لا تجعل للشیطان فیه شرکا و لا
نصیبا و پای عروس را بشوید و آن آب را از در خانه تا آخر بپاشند
هفتاد قسم برکت داخل شود و هفتاد رحمت بر سر عروس فرود آید که
برکتش بهر گوشه خانه برسد و عروس از جنون و جذام و برص ایمن گردد
تا در آن خانه باشد و در هفته اول عروس از خوردن شیر و سرکه و گشنیز و
سیب ترش احتراز کند که رحم هر دو عقیم گرداند و اگر سرکه خورده باشد
که حایض شود هرگز از حیض پاک نشود و گشنیز ولادت را دشوار کند
سیب حیض را قطع کند **فصل سی و هشتم** در ثواب مباشرت و آداب آن
مرویست از امام ع که روزی زینب عطاره بخدمت حضرت پیغمبر ص رفته
از زوج خود شکایت کرد فرمود که اگر فضل مباشرت را بداند تقصیر نخواهد
کرد گفت کدامست آن فضایل فرمود هرگاه متوجه تو میشود چنانست
که در راه خدا شمشیر کشیده باشد و چون مجامعت کند گناهان او

ریزد

بریزد مثل برگ از درخت و چون غسل کند از گناه پاک شود و ایضا از
آنحضرت مرویست که با بوذر گفت که با اهل خود مقاربت کن تا
ثواب یابی ابوذر گفت با اهل خود صحبت دارم و ثواب یابم
فرمود بلی چنانست که حرام گناه دارد و حلال ثواب و نیز مرویست
که هر کس زنان و کنیزان زیاده از آن جمع کند که با ایشان مجامعت
نتواند کرد و ایشان زنا کنند گناه ایشان بر وی باشد مرویست که وقت
مجامعت اگر بسم الله نگوید شیطان در جماع با او شریک شود و نطفه
که بسته شود شیطان نیز شریک باشد و شرکت شیطان موجب
کفر و نفاق و عداوت اهل بیت علیهم السلام و لا اقل سبب فسوق و
معاصی در فرزند باشد و اگر بسم الله گوید از شر و شرکت شیطان ایمن
گردد و اگر باین عبارت که مرویست از حضرت امام جعفر ع بگوید
افضلست بسم الله الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو بدیع السموات و الارض
اللهم ان قضیت منی فی هذه اللیلة خلیفة فلا تجعل للشیطان فیه
شرکا و لا نصیبا و لا حظا و اجعله مؤمنا مخلصا مصفی من الشیطان
و رجزه جل ثناؤک و نیز مرویست که اگر بگوید بسم الله و بالله اللهم
جنبنی الشیطان ما رزقتنی و اگر فرزند شود از آن مقاربت هرگز ضرر

از شیطان باو نرسد و اگر خواهد در وقت مجامعت بگوید اللهم ارزقنی
ولدا واجعله تقیا زکیا لیس فی خلقه زیادة ولا نقصان واجعل
عاقبته الی خیر و در اثناء مجامعت حرف زدن موجب لالی و گرفتگی
زبان فرزند میشود و نگاه کردن فرج زن موجب کوری فرزند باشد و
اگر مرد زودتر فارغ شود باید صبر کند تا زن نیز حاجت برآرد که گاه باشد
که زن بحالتی از پیش مرد برخیزد که اگر غلام سیاهی برخورد در آویزد
و هر کدام خرقه جدائی بردارند و هر دو یکی را استعمال نکنند که اگر آب
مرد و زن هر دو برهم افتد مورث عداوت میان ایشان باشد
و در آنخانه کسی که ایشان را ببیند یعنی مرد و زن در حال جماع یا صدای نفس
ایشان بشنود خواه طفل خواه غیر آن سبب زنا در فرزند شود و رو
بقبله و پشت بقبله نباشد و اگر محتلم شده باشد تا غسل نکند جماع
نکند که سبب جنون در فرزند باشد اگر بعد از مجامعت مرتبه دیگر
خواهد وضو کافی بود و در وقت حیض جماع کردن مورث جذام و
برص باشد در فرزند و با روایات بسیار آمده که هیچکس بغض علی و
اهل بیت ع ندارد مگر کسی ولد الزنا یا شرک شیطان باشد یا در وقت
حیض نطفه اش بسته باشد و امام جعفر ع فرمود که اگر نعمت محبت ما

در دل خود یابید مادر خود را بسیار دعا کنید که با پدر شما خیانت نکرده
مرویست که سه چیز بدن را بسیار ضرر کند و گاه باشد که موجب هلاک
گردد ایستاده جماع کردن سبب بول فراش باشد در فرزند و بر بام
خانه جماع نکند که فرزند منافق و صاحب بدعت و مرائی شود و در آفتاب
جماع نکند که فرزند در تمام عمر پریشان باشد و در زیر درخت میوه دار
نباشد که فرزند جلاد و خونریز شود و اگر زن حامله باشد بی وضو
با او مجامعت نکند که فرزند کوردل و بخیل شود و اگر از زن غیری شهوت
بحرکت آید با زن خود جماع کند که فرزند مخنث شود یا دیوانه
شود و اگر در کشتی نشسته باشند مجامعت نکنند و اگر جنب باشد ابتدا
در میان جامه خواب قرآن نخواند که بیم آن بود که آتشی از آسمان آید و
هر دو را بسوزد و اگر جنب باشد و از جای خود برخیزد تا آنجا سرد نشود
دیگری بر آنجا ننشیند و اما اوقات مجامعت چند وقت مستحب است
در شب جمعه بعد از نماز خفتن که فرزند از جمله اعاظم و اکابر دین شود
و روز جمعه بعد از عصر که فرزند از جمله مشاهیر علما شود و شب دوشنبه
که فرزند حافظ قرآن و راضی بقسمت خود باشد و شب سه شنبه که
فرزند مومن و رحیم دل و سخی شود و زبانش از غیبت و بهتان پاک

باشد و شب پنجشنبه که فرزند شود از جمله علما یا اکابر شود و روز پنجشنبه وقت
ظهر که فرزند کارساز مردم باشد دین و دنیایش بسلامت بود و شیطان
نزدیکش نشود تا آنکه پیر شود و شب اول رمضان المبارک مجامعت کردن
مستحب است و در چند وقت که مکروه است جماع کردن میان اذان و
اقامه که فرزند بخون ریزی حریص شود و میان طلوع صبح و آفتاب و از غروب
آفتاب یا ذهاب شفق مغرب و وقت طلوع و غروب آفتاب که آفتاب
زرد شود و در روزی که آفتاب گرفته باشد و شبی که ماه گرفته باشد و شبانه
روزی که زلزله شود یا بادهای سرخ و زرد و سیاه وزد که در این اوقات
فرزند عجیبی نباشد و در اول و میان و آخر ماهها که زن یا فرزند را بیم
جنون و جذام باشد و در تحت الشعاع ماه که فرزند ساقط شود و بعد
از ظهر فرزند احول شود و در شب عید قربان که فرزند را شش انگشت
باشد و در نصف ماه شعبان که فرزند شوم و معیوب باشد و روز
آخر شعبان فرزند خونریز و معین ظالمین شود و شبی که فردای آن سفر
میبود که فرزند مال خود را در باطل و حرام صرف کند فصل سی و نهم در
طلب فرزند مرویست از ائمه علیهم السلم که چون کسی را فرزند نشود هر صبح
و شام هفتاد مرتبه بگوید سبحان الله بعد از آن ده مرتبه استغفار کند

کراستغفر

که استغفر الله و نه مرتبه بعد از آن سُبحانَ الله و یکمرتبه استغفر الله
راوی گوید مرا فرزند نمی شد باین طریقه عمل نمودم اولاد بسیار شد و
بسیار مردم را تعلیم نمودم همه را فرزندان بسیار شد قسم دیگر سجده
کند و در سجده بگوید رَبِّ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ ذُرِّیَّةً طَیِّبَةً اِنَّکَ
سَمِیعُ الدُّعاءِ رَبِّ لا تَذَرْنِی فَرْداً وَاَنْتَ خَیْرُ الْوارِثِینَ راوی گوید چنین
کردم دو پسر مرا روزی شد قسم دیگر بر انگشتر فیروزه نقش کند که رَبِّ
لا تَذَرْنِی فَرْداً وَاَنْتَ خَیْرُ الْوارِثِینَ راوی گوید چنین کردم یکسال
نگذشت که مرا پسری عطا شد و اگر خواهد که فرزند پسر شود پیش از آنکه از حمل
زن چهار ماه تمام شود زن را رو بقبله بنشاند و آیة الکرسی بخواند و دست
در پهلویش گذاشته بگوید خدایا این را احمد نام کردم الله تعالی او را پسر کند
پس چون متولد شود اگر بعهد خود وفا کند و محمد نام کند خدای او را
مبارک گرداند و اگر نام دیگر گذارد الله تعالی اگر خواهد او را بگذارد و اگر
نه ببرد قسم دیگر مرویست که هر که عزم کند که فرزند را احمد یا علی نام کند
البته پسر شود قسم دیگر در وقت مجامعت که مهیای این کار شود دست
راست بر جانب ناف راست زن گذاشته هفت مرتبه انا انزلناه بخواند
بعد از آن صحبت دارد و چون حمل ظاهر شود شبها هر شبه کرد میان

جا حرکت کند دست بر جانب ناف زن کذاشته هفت انا انزلناه بخوانند
راوی کوید من چنین کردم هفت پسر از پی یکدیکر آمد و بیاد مردم کردند
همه را اولاد ذکور بسیار شد **فصل چهلم** در فضایل حمل و احکام آن
مرویست از ائمه طاهرین علیهم السلم که چون زن حامله شود مثل کسیست که
روزه کیرد و بنفس و مال خود در راه خدا جهاد کند و چون وضع
حمل کند ثوابش را از بسیاری نتوان دانست و چون شیر دهد هر یک مرتبه
مکیدن پستان چنانست که بنده از اولاد اسمعیل آزاد کند و چون طفل را
از شیر باز کیرد فرشته ندا کند که اعمال را از سر کیر که کناهت آمرزیده شد و اکر
درین عرض مدت بمیرد شهید باشد و نیز مرویست که اکر زن در نفاس
بمیرد در وحش را در قبر نکذارند بلکه پیش خدا برند و آنجا باشد تا روز
قیامت و روز قیامت دیوان حساب برایش بکشایند و مرویست که
زن حامله به بسیار بخورد تا فرزند جمیل شود و اکر ایام حمل کندر بخورد
فرزند قوی دل و عاقل شود و اکر پسر باشد شجاع شود و اکر دختر باشد
بزرک سرین و در نظر شوهر عزیز و صاحب منزلت کردد و چون
وضع حمل کند اول هفت عدد خرما بخورد فرزند حلیم و عاقل شود
و در روایت دیکر نه عدد نیز آمده و در وقت ولادت زنان را از خانه

بیرون کنند که اول مرتبه نظر زن بعورت طفل نیفتد و اکر وضع حمل دشوار
باشد بر کوزه پر آب سه مرتبه این دعا را بخوانند بسم الله الذی لا اله الا
الله الحلیم الکریم سبحان الله رب السموات و رب العرش العظیم الحمد لله رب
العالمین کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها کانهم یوم یرون
ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار و قدری از آن آب بیاشامد
و قدری بر میان هر دو پستان و میان هر دو کتف بپاشند باذن
الله تعالی باسانی وضع حمل شود قسم دیکر بنویسند و بر کمر آن زن ببندد
و چون وضع حمل کند زود بکشایند بسم الله الرحمن الرحیم ان مع العسر
یسرا یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر و هیئ لکم من امرکم مرفقا
و هیئ لنا من امرنا رشدا و علی الله قصد السبیل ثم السبیل یسره
اولم یر الذین کفروا ان السموات و الارض کانتا رتقا ففتقناهما
و جعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون و آیة لهم اللیل نسلخ
منه النهار فاذا هم مظلمون و نفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث
الی ربهم ینسلون کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة
من نهار قسم دیکر انا انزلناه را بنویسند و بشویند و زن بیاشامد
و از آن بر فرج آن نیز بپاشند و اکر درد زه را انا انزلنا بخوانند زود وضع

وضع حمل شود قسم دیگر بر پشت پیمانه که غله بآن کیل کنند این صورت را بنویسند
و زن بر سر آن بنشیند **فصل چهل و یکم** در آداب تولد طفل و نام گذاشتن
و عقیقه و ختنه کردن مرویست از ائمه طاهرین علیهم السلم که چون طفل متولد
شود پیش از آنکه نافش را ببرند بقدر عدسی حنا و شیر با آب مخلوط نمایند
دو قطره در دماغ راستش و یکقطره در دماغ چپ بچکانند و در گوش راست
اذان گویند و در چپ اقامه از ترسیدن و از شر ام الصبیان ایمن شود و با
مرویست که اذان و اقامت گفتن امانست از جنون و جن و شیطان و کام
طفل را با تربت امام حسین علیه السلم و با آب فرات که بنا شد با آب باران
بر دارید و مرویست که هر کس را با آب فرات کام بر دارند دوست اهل بیت
علیهم السلام باشد و حضرت امیر المؤمنین علیه السلم فرمود که اگر کوفیان
کام اطفال خود با آب فرات بر میداشتند شیعه ما می بودند و مرویست
که کام طفل را با خرما بر دارید که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله کام امام
حسن و امام حسین علیهما السلام را با خرما بر داشت و مرویست هنوز
متولد نشده باشد که نامش کنا دیگر اگر بی نام ساقط شود روز قیامت از
پدر گله کند که چرا مرا نام نگذاشتی و مستحبست که چون طفل متولد شود
تا هفت روز او را محمد و اگر دختر باشد فاطمه گویند بعد از آن اگر خواهند نام

دیگر گذارند و از حق پدر بر فرزند اینست که او را نام خوب گذارند که
روز قیامت هر کس را بنام خود آواز کنند و مرویست که راست‌ترین نامها
آنست که بندگی در آن باشد مثل عبد الله و عبد الرحمن و امثال این
و افضل اسما اسماء انبیاست و ائمه علیهم السلم در هر خانه که نام محمد
و یکی از انبیا باشد خدای تعالی هر صبح و شام ملکی را فرستد تا اهل
آن خانه را مبارکباد و برای ایشان دعاء خیر و برکت کند و امام محمد
باقر علیه السلم از طفلی پرسید چه نام داری گفت محمد گفت کنیتت چیست
گفت علی فرمود از شیطان در پناه عظیم رفته چون شیطان بشنود
که کسی را محمد و علی آواز کنند بگدازد مثل موم در آتش و اگر بشنود که
بنام یکی از اعداء ما آواز کنند بر خود ببالد و مسرور شود و نیز مرویست
که فقر داخل خانه نشود که در آن خانه نام محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین
یا جعفر یا طالب یا عبد الله یا فاطمه باشد و مرویست که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله فرمود کسی را که چهار پسر شود و نام مرا نگذارد در بمن جفا
کرده باشد و مردی از آنحضرت پرسید که مرا پسری شده چه نام کنم
فرمود که حمزه که دوستتر دارم از همه نامها و مرویست که چون طفل را
محمد و فاطمه نام کنید رعایت ادب و اکرام با او بجای آورید و دشنام مزنید و

معهود و مرنجانید و روایات آمده که بر بعضی واجبست که روز هفتم برای
طفل عقیقه کنند و اگر فقیر باشد هر وقت مقدور باشد خواه پسر و خواه
دختر باشد که فرزند در گرو عقیقه است چون عقیقه کنند از گرو
بیرون آید و اگر کسی را عقیقه نکرده باشند خود برای خود عقیقه
کند هر وقت که باشد تا آخر عمر و افضل آنست که عقیقه پسر نر باشد
و عقیقه دختر ماده و از عیوب بسلامت باشد و اگر مقدور نشود
هرچه مقدور شود مجزی بود و هر چند فربه‌تر بود با فضیلت‌تر و در وقت
ذبح بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ اِیمَانًا بِاللّٰهِ وَثَنَاءً عَلَی
رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَالْعِصْمَةُ لِاَمْرِهِ وَالشُّکْرُ لِرِزْقِهِ وَالْمَعْرِفَةُ
بِفَضْلِهِ عَلَیْنَا اَهْلَ الْبَیْتِ اَللّٰهُمَّ لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَدَمُهَا بِدَمِهِ وَعَظْمُهَا بِعَظْمِهِ
وَشَعْرُهَا بِشَعْرِهِ وَجِلْدُهَا بِجِلْدِهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا وِقَاءً لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ
و اگر پسر باشد بعد از آن بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ وَهَبْتَ لَنَا ذَکَرًا وَاَنْتَ اَعْلَمُ
بِمَا وَهَبْتَ وَمِنْکَ مَا اَعْطَیْتَ وَکُلُّ مَا صَنَعْنَا فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا عَلَی سُنَّتِکَ
وَسُنَّةِ نَبِیِّکَ وَرَسُولِکَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَاخْسَأْ عَنَّا الشَّیْطَانَ
الرَّجِیمَ لَکَ سُفِکَتِ الدِّمَاءُ لَا شَرِیکَ لَکَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ اگر
خواهد چنین بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ عَقِیقَةٌ عَنْ فُلَانٍ لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ

ودمها

وَدَمُهَا بِدَمِهِ وَعَظْمُهَا بِعَظْمِهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا وِقَاءً لِآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِمْ
و ربع عقیقه را بقابله دهند و اگر قابله نباشد ربع از مادرست
بهر کس خواهد دهد و اگر قابله مادر مرد یا یکی از عیال او باشد او را
از عقیقه حصه نبود و باقی گوشت عقیقه را بپزند با جمعی از مؤمنان
که لا اقل ده کس باشند صرف کنند و هر چند بیشتر بهتر و افضل آنست که
مولود و هیچیک از عیال ایشان از آن گوشت نخورند و استخوانهای
آن را نشکنند که بهتر است و هم در این روز نام کنند و سرش بتراشند
و بوزن مویش طلا یا نقره تصدق کنند و بهتر آنست که عقیقه و نام و سر تراشیدن
هر سه در یک وقت باشد و هم در روز هفتم ختنه کنند که گوشت بدن
زودتر نمو کند و زمین از بول کسی که ختنه نشده چهل روز نجس شود
و بخدا شکایت کند و در وقت ختنه کردن بگوید اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ سُنَّتُکَ
وَسُنَّةُ نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَاتِّبَاعٌ مِنَّا لَکَ وَلِنَبِیِّکَ بِمَشِیَّتِکَ
وَبِاِرَادَتِکَ وَقَضَائِکَ لِاَمْرٍ اَرَدْتَهُ وَقَضَاءٍ حَتَمْتَهُ وَاَمْرٍ اَنْفَذْتَهُ
فَاَذَقْتَهُ حَرَّ الْحَدِیدِ فِی خِتَانِهِ وَحِجَامَتِهِ لِاَمْرٍ اَنْتَ اَعْرَفُ بِهِ مِنِّی اَللّٰهُمَّ
طَهِّرْهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَزِدْ فِی عُمُرِهِ وَادْفَعِ الْآفَاتِ عَنْ بَدَنِهِ وَالْاَوْجَاعَ
عَنْ جِسْمِهِ وَزِدْهُ مِنَ الْغِنَاءِ وَادْفَعْ عَنْهُ الْفَقْرَ فَاِنَّکَ تَعْلَمُ وَلَا نَعْلَمُ

و اگر در آن وقت نگفته باشد پیش از آنکه محتلم شود هر وقت که باشد برو
بخوانند خدای تعالی او را از تیزی آهن بقتل و غیر آن محفوظ دارد و
مستحب است که گوش راست مولود را سوراخ کردن و افضل آنست که
مادر خود شیر دهد که شیر مادر مبارکتر است و مرویست که شیر ده
باید که صاحب دین و پاکیزه و متقی باشد و احمق و دنی و فاسق نباشد
که شیر در طفل اثر میکند و مرویست که کمتر از بیست و یکماه شیر دادن ظلمست
بر طفل و نهایت حد شیر دو سال تمام است و بیشتر ازین نشاید مگر بضرورت

فصل چهل و دویم در فضایل اولاد و تربیت ایشان مرویست از ائمه معصومین
علیهم السلام که چون حق تعالی بر بنده خود خیر خواهد او را از دنیا نبرد تا
خلف صالحی باو عطا فرماید و فرزند خوب ریحانیست از بهشت و گریه
اطفال مؤمنان تا هفت سال تهلیل و بعد از آن تا حد بلوغ استغفار است
برای والدین و بعد از آن هر حسنه که کند والدین در ثوابش شریک باشند
و اگر سیئه کنند ضررش بایشان نرسد و گوشت اطفال کفاره گناه
والدین است و اگر فرزند بمیرد والدین را از آن ثواب و درجات با غم
حتی آنکه سقط برد در بهشت ایستاده و داخل بهشت نشود تا دست والدین
خود را گرفته داخل بهشت کند و اگر بماند برای ایشان دعا و استغفار

کند

کند و در حسنه سبب مغفرت و درجات برای ایشان باشد مرویست
که حضرت عیسی ع بر قبری گذشت که صاحبش معذب بود سال دیگر بر آن
گذشت عذاب از آن برخاسته بود در مناجات سبب آن سؤال نمود
وحی آمد که این شخص را فرزندی صالحست یتیمی را پناه داده [illegible] کرد
عذاب از و برداشتم مرویست که پسر نعمت است و دختر حسنه از نعمت
سؤال کنند و بر حسنه ثواب دهند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرمود کسی که سه دختر یا سه خواهر عیالش باشد بهشت او را واجب شود
کسی پرسید که اگر دو تا هم باشد چنین است فرمود بلی اگر دو تا هم
باشد گفت اگر یکی هم باشد فرمود بلی اگر یکی هم باشد و نیز مرویست
که هر کس دو دختر یا دو خواهر یا دو عمه یا دو خاله عیالش باشند
او را از دوزخ نگاه دارد و هر که بفرزند خود احسانی و مهربانی کند
چنانست که بوالدین خود کرده باشد و پیغمبر ص فرمود که اطفال را دوست
دارید و بر ایشان رحم کنید و چون بایشان وعده کنید وفا کنید
هر که بفرزند خود بسیار محبت داشته باشد الله تعالی برو رحمت کند
و اگر فرزند را ببوسد برایش حسنه نویسند و اگر مسرورش کنند روز قیامت
مسرورش کنند و هر که از بازار چیزی گرفته برای اطفال و عیال بیاورد

چنانست که برای حجی صدقه کرده باشد و افضل آنست که اول چیزی
بدختران و زنان دهند و هرکه دختری را مسرور کند چنانست که بنده
از اولاد اسمعیل آزاد کرده و اگر پسر را مسرور کند چنانست که از ترس
الله تعالی گریسته باشد و هرکه از ترس خدا بگرید از اهل بهشت باشد
و هرکه زنی را که با او قرابت و خویشی داشته باشد مسرور کند خدای
تعالی روز قیامت او را مسرور کند و چون والدین فرزند خود را
قرآن تعلیم کنند در بهشت ایشان را دو حله پوشانند بر تو نور آن روی
اهل بهشت را روشن کند و مرویست که مردی روزی در خدمت حضرت
صلی الله علیه و آله گفت من هرگز فرزند خود را نبوسیده‌ام بعد از آنکه او
حضرت فرمود که این مرد از اهل دوزخست و مرویست که طفل را لا
اله الا الله و آخر بنی اسرائیل و قل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا تا آخر سوره
تعلیمش کنید تا زبانش فصیح شود و نیز مرویست که چون پسر را سه سال
تمام شود امر کنید تا هفت مرتبه لا اله الا الله بگوید و چون سه سال و هفت
ماه و بیست روز تمام شود بگویید که هفت مرتبه بگوید محمد رسول الله
و چون چهار سال تمام شود هفت مرتبه بگوید صلی الله علیه و آله علی محمد
و آل محمد و چون پنج سال تمام شود دست راست و چپ از و بپرسید

و چون

و چون بگوید رویش بقبله کنید و بگویید سجده کند و چون شش سال
تمام کند رکوع و سجود بیادش دهید و چون هفت سال تمام شود بگویید
دست و رو بشوید و بگو نماز بکند و چون نه سال تمام شود وضو و نماز
بیادش دهید و هرگاه تقصیر و کاهلی کند بزنید و چون وضو و نماز
یاد گیرد گناهان والدینش آمرزیده شود و نیز مرویست که طفل را
هفت سال بگذارید که بازی کند و هفت دیگر قرآن و کتابت و خط
بیادش دهید و هفت سال دیگر ملازم خود گردانید که آداب و اخلاق
یاد گیرد و شرایع دین از حلال و حرام تعلیمش کنید بعد از آن اگر آثار
صلاحیت و رغبت بدین و ایمان در و یابید در صدد تربیتش
باشید و اگر دست از و بدارید **چهل و سیم** در حقوق زوجین
بر یکدیگر مرویست از اهل بیت علیهم السلم که حق زوج بر زوجه اینست که
خدمت و اطاعتش کند و خلاف امر و رضایش نکند و از خانه او بی
اذن او تصدق نکند و بکسی چیزی ندهد و اگر دهد گناهش از او و
از شوهر باشد و ضبط خانه و حفظ مال او کند و اگر زن در خانه شوهر
برای خیر و مصلحت خانه چیزی را از جائی بجائی دیگر گذارد خدای
تعالی بر او نظر رحمت کند بعد از آن هرگز غذا بیش نکند و از جمله

حقوق آنکه خود را از زینت خالی ندارد بهرچه مقدور شود و
دست را بی حنا نگذارد واگرچه همین بمالیدن حنا بر دست باشد
و بی اذن شوهر از خانه بیرون نرود واگر رود ملائکهٔ آسمان و زمین
و ملائکهٔ رحمت و غضب برو لعنت کنند تا وقتیکه مراجعت کند
زنی بخدمت حضرت رسول صم فرستاد که شوهرم بسفر رفته و
مرا گفته از خانه بیرون نروم تا او بیاید و پدرم بیمار شده اگر
رخصت فرمائی پدرم را عیادت کنم فرمود در خانه بنشین و اطاعت
شوهرت کن مرتبه دیگر فرستاد و باز همین جواب فرمود تا آنکه
پدرش فوت شد فرستاد و اذن خواست که پدرم فوت شده
بنماز او حاضر شوم فرمود بنشین و اطاعت شوهر کن تا آنکه پدرش را
دفن کردند آنحضرت صم پیش او فرستاد که حق تعالی ترا و پدرت را
آمرزید بسبب آنکه اطاعت شوهرت کردی و از جملهٔ حقوق آنکه
بی اذن او روزهٔ غیر واجب نگیرد و نذر نکند و قسم نخورد و بکسی
چیزی ندهد و تصدق نکند و بنده آزاد نکند اگرچه مال خودش
باشد و از جملهٔ حقوق آنکه خود را از وی باز ندارد واگرچه بر مرکب
سوار باشد حضرت پیغمبر صم بزنی فرمود که با تو از جملهٔ مسوّفاتی

گفت

گفت مسوّفات کیانند فرمود زنانیکه چون شوهر ایشان را طلبد
بهانه و مدافعه کنند تا شوهر را خواب ببرد پس ملائکه بر آن زن
لعنت کنند تا وقتی که شوهرش بیدار شود و از جملهٔ حقوق آنکه اگر
شوهر از وی آزرده باشد خواب نکند تا عذرخواهی کند و او را راضی
گرداند اگرچه شوهر ظلم کرده باشد برو و اگر پیش از آنکه او را راضی
کند بخوابد هیچ طاعت از و قبول نشود و زنیکه بشوهر گوید
من هرگز از تو خیر ندیدم اعمالش همه باطل باشد و زنی که شوهر را
برنجاند و آزرده کند هیچ حسنه از و قبول نشود اگر صوم دهر
گیرد و همیشه نماز گزارد و بنده آزاد کند و مالها در راه خدا
صدقه دهد تا آنکه او را از خود راضی کند و اگر شوهر بر زن
ظلم کند و او را برنجاند مثل آن گناه و عذاب برو ثابت شود
و هر کس بر بدخوئی زن صبر کند هر یکی بیته که صبر کند مثل صبر ایوب
برایش نویسند و بر زن هر شبانروز مثل ریگ صحرای عالج
گناه نویسند اگر زن با شوهر سازگاری نکند و او را تکلیف
چندکه مقدورش نباشد کند و بر مشقت و تعب دارد هیچ حسنه
از و قبول نشود که او را از آتش نگاه دارد ما دامی که بدین حال

باشد در غضب الله تعالی باشد وجهاد زن آنست که شوهرداری را
خوب کند وبر آزار ومشقت او صبر کند وپیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود
ای زنان تصدق کنید اگرچه از زینت خود باشد واگرچه نصف خرمائی
باشد واطاعت شوهران کنید که اکثر شما هیمه دوزخ باشید چون زنان
این سخن شنیدند همه گریستند یکی از ایشان برخاست وگفت یا رسول
الله ما با کفار در دوزخ باشیم والله که ما کافر نیستیم فرمود شما کفران
حق شوهران کنید زنی دیگر گفت یا رسول الله ما با این مشقت
حمل ورضاع وبا اینکه فرزندان مشفق صالح از ما بوجود آید بدوزخ
رویم پس حضرت صلی الله علیه وآله رقت نموده فرمود شما با آنچه گفتید
اگر شوهران را نرنجانید ونماز گذارید یکی از شما بدوزخ نروید وباز
زنی از آنحضرت پرسید که حق که بر مرد عظیم تر است فرمود حق پدر فرمود
بر زن فرمود حق شوهر واگر غیر خدا را سجده کردن جایز می بود امر میکردم
که زنان بر شوهران سجده کنند پرسید حق زن بر مرد چیست فرمود
از صد یکی نیست وزنی در خدمت آنحضرت صلی الله علیه وآله معروض
داشت که شوهرم با من بی التفات بود من چیزی ساختم که او را با خود
مهربان کنم فرمود ملائکه سموات وارض بر تو لعنت کردند پس آن زن روزها

روزه

روزه میگرفت شبها عبادت میکرد وسر خود را تراشید وپلاس پوشید
این خبر بآنحضرت رسید فرمود هیچ سود ندارد وحق زن بر مرد آنست که
نفقه وکسوه اش دهد واگر مقدور باشد معیشت را بر او توسعه کند و
او را محتاج دیگری نگذارد وخود را برای او بیاراید که سبب عفتش باشد
وجفا نکند او آرایش زن را دوست دارد زن نیز آرایش او را دوست دارد
وجهل وتقصیراتش را عفو فرماید واو را بر سر هر اندک خطا وتقصیری نگیرد
وعتاب نکند ونرنجاند ونزند وترش روئی وعبوس نکند حضرت پیغمبر ص
فرمود بهترین مردان آنست که با زن خوش سلوک باشد وبدترین مردان
آنست که زن را برنجاند وبزند واز جمله حقوق آنکه حلال وحرام وآداب
واحکام دین تعلیمش کند ودر عیدها تهیه اسباب عید سرور بقدر
مقدور وآرایش نماید **فصل چهل وچهارم** در بعض از نوادر این باب مرویست از
ائمه علیهم السلام که الله تعالی غیرت را بمردان عطا فرموده از آنجهت است که
بر زن زیاده از یکی حرام شده وزنان را غیرت نباشد بلکه غیرت ایشان
حسد است وحسد اصل کفر است واز آنجهت است که زنان مؤمنه برای متعه
وزن دیگر غیرت نکنند وزنان غیر مؤمنه غیرت کنند روزی مردی
در خدمت امام ع زن خود را تعریف بسیار کرد آنحضرت فرمود هیچ امتحانش

کرده گفت نه فرمود برو و امتحانش کن آن مرد رفت و زن دیگر کرد
زن اول همان بحال خود ثابت بود و طیش نکرد و ناخوشی ننمود بخدمت
آنحضرت آمد و حکایت نمود فرمود حالا راست میگوئی و نیز روایت
کرده‌اند که با زنان مشورت نکنید و اگر کنید خلاف ایشان کنید که
برکت در مخالفت ایشانست و از بد ایشان بگریزید و از نیکان بر حذر
باشید و در خیر اطاعتشان نکنید تا در شر طمع نکنند و ایشان را بحمام
و عروسی و عزا رخصت مدهید و مجملا ممکن نباید که هر وقت و بهر جا
که خواهند بروند که موجب فساد عظیم باشد و مردی که زن خود را
بهر جا رخصت دهد سر از بر در و نخش افکند وفقیه در من لا یحضره
نقل نموده بروایت ثابت ابن دینار از سید العابدین علیه السلم که فرمود
حق خدای اکبر بر تو آنست که عبادت کنی او را و شریک نیاوری با او چیزی را
پس هرگاه بکنی تو این را با اخلاص میکند او از برای تو بر خود که مکافات
کند امور دنیا و آخرت ترا و حق نفس تو بر تو آنست که بکار بری او را
بطاعت الله تعالی و حق زبان آنست که گرامی داری او را از فحش
و عادت دهی او را بخیر و ترک کنی فضولی را که فایده نباشد از برای
او و احسان کنی با مردمان و نیکو سخن کنی با ایشان و حق گوش آنست

که منزه کنی او را از شنیدن غیبت و از شنیدن چیزی که حلال نباشد
شنیدن آن و حق چشم آنست که بپوشی او را از چیزی که حلال نباشد
از برای تو و عبرت بگیری بنظر کردن با او و حق دستهای تو آنست
که وانکنی و دراز نکنی بسوی چیزی که حلال نباشد از برای تو و حق
پایهای تو آنست که راه نروی بانها بسوی چیزی که حلال نیست از
برای تو پس پایهاست که می ایستی بر صراط پس ببین که نه لغزاند ترا
و در شوی در آتش و حق شکم تو آنست که نگردانی او را ظرف از برای
حرام و زیاده سیر نکنی او را و حق فرج تو آنست که حفظ کنی او را از زنا
و حفظ کنی از آنکه نظر کنند بسوی او و حق نماز آنست که بدانی که وارد
میشود او بسوی جناب الهی و حال آنکه تو ایستاده پیش الله تعالی پس چون
دانستی این را می باید مثل ایستادن بنده ذلیل حقیر راغب ترسنده امیدوار
و خائف تذلل کننده از روی تضرع و تعظیم کننده از برای کسی که
در پیش او ایستاده بسکون و وقار رو و اقبال میکنی تو بر نماز بقلب خود
و اقامت میکنی بحقوق و حدود او و حق حج آنست که بدانی که وارد
میشوی او بسوی طبیبی که دوای تو کند تو گریخته بسوی او از گناهان خودت
و در وی است قبول توبه تو و ادای فرضی است که واجب کرده الله تعالی او را

بر تو و حق روزه آنست که بدانی که او حجابیست یعنی مانعیست
که زده است او را الله تعالی بر زبان تو و گوش تو و چشم تو و شکم تو
و فرج تو تا آنکه بپوشاند ترا بسبب او از آتش و اگر ترک کنی تو روزه را
پاره کرده پردهٔ خدا را که بر تو بود و حق صدقه آنست که بدانی
که او ذخیرهٔ تست نزد پروردگار تو و امانت تست آنچنان امانتی
که احتیاج بشاهد نیستی برای او پس اگر بدهی پنهانی اعتماد تو بیشتر
باشد از چیزی که بدهی او را علانیه و ظاهر و بدانکه این صدقه دفع میکند
بلاها و بیماریها را از تو در دنیا و دفع آتش میکند از تو در آخرت و حق
هدی آنست که اراده کنی با او خدا الله تعالی را و نخواهی با و خلق او را
و نخواهی با و مگر توجه رحمت خدا و نجات روح تو روزی که ملاقات
میکنی او را و حق سلطان آنست که بدانی که تو گردانیده شده از برای
او فتنه و او امتحان کرده شده است در تو بچیزی که گردانیده است
الله تعالی از برای او بر تو از سلطنت و بدرستی که بر تو است آنکه متعرض
نشوی غضب او را یعنی خود را در عرضه غضب او در دنیا و وی که
پس بیندازی خود را بدست خود بهلکه و بوده باشی شریک او
در چیزی که می آید از وی بتو از بدی و حق معلم تو بعلم آنست

که تعظیم

که تعظیم کنی از برای او و توقیر کنی او را در مجلس او و نیکو گوش اندازی
بسوی او و روی آوری بر او و بلند نکنی بر او صدای خود را و جواب
ندهی احدی را که سؤال او را از چیزی تا آنکه بگوید او جواب او را و
سخن مگو در مجلس او احدی را و غیبت مکن نزد او احدی را و دفع
کنی از او هرگاه یاد کنند نزد تو بدی او را و آنست که بپوشی عیوب او را
و اظهار کنی خوبی او را و همنشینی نکنی با دشمن او و دشمنی نکنی با دوست
او پس هرگاه تو اینرا شهادت میدهد از برای تو ملائکه خدا بانکه قصد
کردهٔ تو او را و تعلیم گرفته علم او را از برای خدا جل شانه نه از برای ناس و
حق پادشاه آنست که اطاعت کنی او را و عاصی نشوی او را مگر در چیزی
که بغضب می آورد الله تعالی را طاعت نکنید مر مخلوق را در معصیت خالق
و حق رعیت تو بسلطنت آنست که بدانی ایشان گردیده اند رعیت تو از
برای ضعیف بودن ایشان و قوی بودن تو پس واجب آنکه عدالت
کنی در میان ایشان و بوده باشی از برای ایشان مثل پدر رحیم و ببخشی از
[illegible] ایشان جهل و نادانی ایشان را و زود عقوبت نکنی و شکر کنی خدا را
از قوتی که داده ترا بر ایشان و حق متعلم تو بعلم آنست که تعلیم کنی ایشان را
بدرستی که الله تعالی گردانیده است ترا قیم از برای ایشان در چیزی که داده است

بتو از علم وکشاده است از برای تو از خزانهای خود پس اکر احسان کردی
تو در تعلیم ناس و بدخلقی نکردی با ایشان وملال نکرفتی از ایشان
زیاده میکند الله تعالی ترا از فضل خود واکر منع کردی تو مردمان را
از علم خود و بدخلقی کردی با ایشان نزد طلب کردن ایشان علم را او
ساقط کند از تو عطاها ترا و حق زن آنست که بدانی بدرستی که این
نعمتیست از الله تعالی بر تو پس اکرام کن او را و مهربانی کن با او واکرچه
حق تو بر او واجبست است پس حق او بر تو آنست که رحم کنی او را از برای
آنکه او اسیر تست و اطعام کنی او را و بپوشانی او را و هرکاه نادانی کند
عفو کنی از او و حق غلام و کنیز که مملوک تو اند آنست که بدانی که او خلق
رب تست و پسر پدر و مادر تست و کوشت و خون او را مالک نیستی
از برای آنکه تو صانع او نیستی یعنی الله تعالی و خلق نکرده تو چیزی را
از اعضای او و بیرون نکرده تو از برای او رزق را ولکن الله تعالی کفایت
کرده یعنی متحمل شده است از برای تو این را یعنی خلق جوارح و رزق را
پس مسخر کرد آنرا است او را از برای تو و امین کرده است ترا بر او و
با مانت سپرده است بتو او را تا آنکه نکه دارد و ذخیره نماید از برای تو
آنچه بجا می‌آوری نسبت باو از خیر و خوبی پس احسان و نیکویی کن

باو

باو همچنانکه نیکویی و احسان میکند الله تعالی با تو و اکر مکروه تو باشد او
بلکن او را و بترسان او را که عذاب و زجر نکنی مخلوق خدای عز و جل را و نیست
قوتی مکر خدای بزرک را و اما حق مادر تو آنست که بدانی که او برداشت
ترا در جایی که برنمیداشت احدی احدی را و داد بتو از ثمره دل خود که
نمیدهد احدی احدی را و نکاه داشت ترا بهمه اعضای خود و باک نداشت
اکر کرسنه باشد و حال آنکه اطعام میکرد ترا و باک نداشت که تشنه
باشد و حال آنکه آب میداد ترا و باک نداشت که برهنه باشد و حال
آنکه می‌پوشانید ترا و باک نداشت که بوده باشد در آفتاب و حال آنکه
در زیر سایه میداشت ترا و ترک خواب میکرد از برای تو و نکه میداشت
ترا از کرما و سرما تا بوده باشی از برای او پس بدرستی که تو طاقت نداری
بجای آوردن شکر او را مکر بعون الهی و توفیق او و اما حق پدر تو آنست
که بدانی که او اصل تست پس اکر نمیبود او نمیبودی تو پس هرکاه به بینی
تو در نفس خود چیزی که خوش آید ترا پس بدان بدرستی که پدر تو
اصل هر نعمتی که بر تست در او ست پس حمد کن خدا را و شکر کن
او را برین قدر و نیست قوتی مکر بخدا و حق فرزند تو آنست که
بدانی که او از تست و نسبت به تست در این دنیا خیر او و شر او

بدرستی که تو سؤال کرده میشوی از چیزی که ترا متولی او ساخته اند از
خوبی ادب و دلالت بسوی پروردگار خود و یاری او در طاعت خدا پس
عمل کن در امر او عمل کسی که بداند که او مثاب است بر احسان کردن باو
و معاقب است بر بد کردن باو و حق برادر تو آنست که بدانی که او
دست تست و عزت تست و قوت تست پس مگیر او را اسلحه بر
معصیت خدا و مگیر او را آماده از برای ظلم بخلق الله و وامگذار یاری
خود را از او بر دشمن او و بعض یاری او را بر دشمن او و وامگذار خیرخواهی
برادر خود را پس اگر اطاعت خدا کند و الا پس می باشد الله تعالی گرامی
تر بر تو از او و نیست قوتی مگر بخدا و حق آزاد کننده تو که انعام کرده است
بر تو آنست که بدانی که او انفاق کرده است در تو مال خود را و بیرون کرده
یعنی داده است مر
است ترا از خواری بندگی و وحشت او بسوی عزت آزادی و انس بودن
او و رها کرده است ترا از اسیری مملکیت و وا کرده است از تو بند بندگی را
و بیرون کرده ترا از زندان و ترا مالک نفس خود کرده و فارغ کرده
ترا از برای عبادت رب خود و بدان که او سزاوارترین خلق است
بتو در زندگی تو و در مردگی تو و یاری کردن تو بر او واجب است بنفس
تو و آنچه محتاج باشد باو از تو یعنی بنفس و مال اعانت او کنی و نیست

قوتی مگر بخدا و حق آزاد کرده تو که انعام کرده بر او آزادی آنست که بدانی خدای
عز و جل گردانیده است آزادی ترا بر او از برای او وسیله بجانب خود و
گردانیده است آزادی ترا پرده از برای تو از آتش یعنی آزادی باعث بریده
شده از آتش جهنم و بدرستی که ثواب تو در این دنیا آنست که میراث او از تست
هرگاه نبوده باشد از برای او میراث بری از رحم یا داشتن آنچه انفاق
کرده تو از مال خود و در آخرت بهشت و اما حق صاحب احسان کننده بتو
آنست که شکر کنی او را و یاد کنی خوبی او را و کسب کنی از برای او سخن خوب
و از برای او از روی اخلاص دعا کنی میان خود و خدا هرگاه کنی این را می باشی
تو شکر کننده احسان او سراً و علانیةً پس اگر قدرت یافتی بمکافات آن
روزی مکافات کن تو او را و اما حق مؤذن آنست بدانی که او مذکر
یاد آورنده تست رب ترا و خواننده است ترا بسوی نصیب تو یعنی بنماز
و یاری دهنده تست بر ادای فرض خدا که بر تست پس شکر او کن بر این
یعنی مثل شکر احسان کننده بتو و حق امام تو در نماز تو آنست که بدانی
او بگردن گرفته است واسطه شدن در میان تو و خدای تو و تکلم میکند
برای تو و تکلم نمیکنی برای او و دعا میکند از برای تو و نمیکنی تو از برای او دعا
و متحمل شده است ترس پیش خدا ایستادن را پس اگر بوده باشد در نماز نقصی

می باشد با وی و بتو نیست و اگر بوده باشد تمام می باشی شریک او یعنی باشد
او را بر تو زیادتی نگاه داشته و فدا کرده نفس خود را بنفس تو و مال خود
بمال تو پس شکر از برای او بقدر این و حق جلیس و همنشین تو آنست که
ملایمت ورزی از طرف تو باشد و انصاف دهی او را مکالمه و گفتگو
در و برنخیزی از مجلس خود مگر باذن او و آن همنشین ترا جایز است
از برای او که برخیزد از نزد تو بغیر اذن تو و فراموش کن لغزشهای او
و حفظ کن نیکوییهای او را و نشنوانی با و مگر خیر و خوبی را و حق همسایه
تو آنست که محافظت او کنی در حالتی که غایب باشد و اکرامش کنی در حالتی
که حاضر باشد و یاری دهی او را هر گاه بوده باشد مظلوم و پیروی نکنی آنچه
پوشیده و پنهان دارد از تو پس اگر بدانی از وی بدی را بپوشی او را برای او
و اگر بدانی که قبول میکند پند و نصیحت کن در میان خود و او و وا مگذاری
او را نزد سختیها و بکنی دی از سر در آمدن و افتادن او و بیامرزی گناه
او را و معاشرت نیکو و نیست قوتی مگر بخدا و حق مصاحب تو آنست
که مصاحبت کنی با او به نیکویی و انصاف و اکرام کنی او را همچنانکه اکرام
میکند او ترا و وانگذاری که پیش دستی کند او باحسان و اگر می پس
اگر سبقت گیرد مکافات کن او را و دوستی کن با او همچنانکه او دوستی

میکند

میکند با تو و زجر کن او را از آنچه قصد کند با و از معصیت و باش بر او رحمت
و مباش بر او عذاب و نیست قوتی مگر بخدا و حق مال تو آنست که فرا نگیری
او را مگر از جهت حلال و انفاق نکنی مگر در راه خودش و اختیار نکنی بر
نفس خود کسی را که حمد نکند ترا و حق ترا ادا نکند پس عمل کن بان مال
بطاعت رب خود و بخل مکن با و پس خواهی گشت با وزر و بال و لا قوة
الا بالله و حق قرض دهنده تو آنچنان قرض دهنده که طلب میکند از تو
پس اگر بوده باشی چیزدار بده قرض او را و اگر بوده باشی بی چیز راضی کن
او را بسخن و زبان خوش و برگردان او را از پیش خود برگردانیدن هموار
و حق کسی که مخلوطی با و آنست که بازی ندهی او را و غش نکنی با او و خدعه
بمعنی خلط است یعنی آشنائی منه
نکنی او را و بپرهیز خدا را در امر او و لا قوة الا بالله و حق خصمی که دعوی
میکند بر تو آنست که اگر بوده باشد آنچه دعوی میکند بر تو حق می باشی
تو شاهد و گواه او بر نفس خودت و ظلم مکن او را و وفا کن حق او را
و اگر بوده باشد آنچه دعوی میکند باطل همواری کن با او و بجای بیاور
در امر او غیر ملایمت و همواری و بغضب میاور رب خود را در امر او
و لا قوة الا بالله و حق خصمی که دعوی میکنی بر او پس اگر تو محق باشی
در دعوای خود نیکو گفتگو کنی با او و انکار نکنی حق او را یعنی حق برادر

دین را که با تو دارد و اگر دعوای تو باطل باشد بپرهیز از خدا و توبه کن و ترک
کن آن دعوی را و حق مستشیر یعنی کسی که مشورت میکند آنست که اگر ببینی
از برای او رای نیکو اشاره کنی او را بسوی آن و اگر ندانی راه نمائی کنی او را
بکسی که میداند و حق مشیر یعنی آنکسی که مشورت کرده شده است از و آنست
که تو متهم نسازی او را در چیزی که با تو موافقت نکرده باشد رای او و
اگر موافقت کند رای تو با رای او حمد خدا کن و اما حق مستنصح یعنی کسی
که طلب خیرخواهی میکند آنست که بجای آوری و اداکنی بسوی او نصیحت را
و باید که بوده باشد طریقه و سلوک تو با او برحمت و رفق و همواری و
حق ناصح یعنی نصیحت کننده آنست که نرم کنی از برای او جناح خود را یعنی
فروتنی و افتادگی کنی و گوش بدهی از سخن او و اگر راست و درست
گوید حمد کنی خدا را و توفیق نماید براستی و درستی بحکم کنی او را و متهم
نسازی او را و بدانی که او خطا کرده مؤاخذه نکنی او را با این مگر اینکه بوده
باشد مستحق از برای تهمت پس اعتماد نکنی بچیزی از امر او بر هیچ حال و
لا قوة الا بالله و حق کبیر آنست که توقیر کنی او را برای سن او و بزرگ داری
او را از برای آنکه پیشی گرفته است در اسلام بر تو و ترک کن برو ی او
ایستادن را در وقت مخاصمه و پیشی مگیر با و در راه و پیش او مرو و او را

منما

منما نادانی و جهل او را و اگر نسبت دهد جهل را بر تو بردباری ورز و بخود
هموار کنی و اکرام کنی او را از برای حق اسلام و حرمت او و حق صغیر
آنست که رحم کنی او را از کشیدن تعلیم او و ببخشی از وی ادبی را
و بپوشی بر و و ملایمت و نرمی کنی با و و یاری کنی او را و حق شریک
تو آنست که اگر غایب باشد متکفل احوال و مهمات او شوی و اگر حاضر
باشد رعایت جانب او کنی و حکم نکنی بدون حکم او یعنی بجا آوری و عمل
نکنی برای خود بی مصلحت او و حفظ کنی برای او مال او را و خیانت
نکنی او را در چیزی که عزیز باشد یا خار یعنی بی بها باشد یا کم خوب
باشد از امر او و بدرستی که دست الله تعالی بر شریکین است یعنی نعمت
و حفظ و برکت الله تعالی بر شریکین است مادامی که خیانت نکرده باشند
و لا قوة الا بالله و حق کسی یعنی سائل که سوال میکند آنست که بدهی
او را بر قدر حاجت او و حق مسئول یعنی سائل آنست که اگر بدهد
قبول کند از و و شکر کند و بداند فضل او را و اگر منع کند قبول
کند عذر او را و حق کسی که خوشحال کند ترا از برای خدا است آنکه
حمد کنی اولا پس شکر کنی آنکس را و حق کسی که بدی کند بتو آنست که
ببخشی از و و اگر بدانی که ان عفو ضرر میکند انتقام کشی حق تعالی فرموده

ولمن انتصر بعد ظلمه فاولئك ما عليهم من سبيل وحق اهل بيت تو آنست
که در نيت و خاطر تو باشد سلامت ايشان و رحمت از براى ايشان و
ملايمت و نرمى كنى به بد كردن ايشان و الفت كيرى با ايشان و باصلاح
آورى ايشان و شكر نيكو كار ايشان كنى و باز دارى آزار خود را از ايشان
و دوست دارى از براى نفس خود و اكراه دارى از براى ايشان آنچه
اكراه دارى از براى خود و آنكه بوده باشد پير ايشان بمنزله پدر تو و
اطفال ايشان بمنزله اولاد تو و حق اهل ذمه آنست كه قبول كنى از
ايشان آنچه قبول كرده است الله تعالى از ايشان و ظلم مكن مادامى كه
وفا كنند ايشان از خدا بعهد خدا اين احاديث در آخر جلد اول
در باب حقوق در كتاب من لا يحضره الفقيه ذكر شده **فصل چهل و پنجم**
در ادعيه بجهة حصول مطالب و ايمن بودن از هر خوف و عفو معاصى و دفع ابتلا
از پيغمبر صلى الله عليه و آله مرويست كه هر كه اين دعا بخواند اكر ملايك
هفت آسمان و زمين جمع شوند تا روز قيامت ثواب آنرا از هزار جزء
يكى نتوانند نوشت و از عبد الله بن سنان مرويست كه بعضى از فضايل
اين دعا در توريت كه هر كس از الله تعالى بفضل و منت خود اين كلمات را
در دلش جا دهد هر روز هزار روز دو مرتبه با ملائكه مباهات فرمايد

دو نوبت مباهات

و نورى از او تا عرش درخشان شود و از عذاب قبر و فتنه دجال
و فزع اكبر ايمنش كرداند و در روز قيامت كه همه كس ترسان و
محزون باشند و از خوف و حزن ايمن باشد و چون محشور شود
دلش ساكن و مطمئن باشد و هر مطلب كه باين دعا سوال كند
خداى تعالى عطا فرمايد و فضايل بسيار مذكور است كه اين رساله
حوصله ذكر همه آن ندارد بسم الله الرحمن الرحيم يا الله يا
الله يا الله انت المحجوب مِنك جميع خلقك يا نور النور
انت الذى احتجبت دون خلقك فلا يدرك نورك نور يا
الله يا الله يا الله انت الرفيع الذى ارتفعت فوق عرشك
من فوق سمائك فلا يصف عظمتك احد من خلقك يا نور
النور قد استنار بنورك اهل سمائك فلا يصف عظمتك احد
من خلقك يا نور النور قد استنار بنورك اهل سمائك واستضاء
بضوئك اهل ارضك يا الله يا الله يا الله انت الذى لا اله غيرك
تعاليت عن ان يكون لك شريك وتعظمت عن ان يكون لك
ولد وتكرمت عن ان يكون لك شبيه وتجبرت عن ان يكون
لك ضد فانت الله المحمود بكل لسان وانت المعبود فى كل مكان

وانت المذكور في كل اوان وزمان يا نور النور بكل نور خامد لنورك
خاموش
يا مليك كل ذي مليك يفنى غيرك يا دائم كل حي يموت غيرك يا
الله يا الله يا الله يا الرحمن الرحيم ارحمني رحمة تطفئ بها غضبك
وتكف بها عذابك وترزقني بها سعادة من عندك وتحلني
بها دارك التي تسكنها خيرتك من خلقك يا ارحم الراحمين يا من
اظهر الجميل وستر القبيح يا من لم يؤاخذ بالجريرة ولم يهتك
الستر يا عظيم العفو يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط
اليدين بالرحمة يا صاحب كل نجوى يا منتهى كل شكوى يا مفرج كل
كربة يا مقيل العثرات يا كريم الصفح يا عظيم المن يا مبتدئا بالنعم
قبل استحقاقها يا رباه يا سيداه يا مولاه يا غاية رغبتاه اسألك
بك وبمحمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين وعلي ومحمد وجعفر و
موسى وعلي ومحمد وعلي ومحمد وعلي والحسن والحجة القائم ان
تصلي على محمد وآل محمد واسألك يا الله يا الله يا الله ان لا تشوه
خلقي في النار وان تغفر لي ولوالدي برحمتك يا ارحم الراحمين
وان تعطيني خير الدنيا والآخرة انك على كل شيء قدير
نهج البلاغه بجهت دفع نفس جوانه اللهم تعلم سري وعلانيتي فاقبل

معذرتي

معذرتي وتعلم حاجتي فاعطني سؤلي وتعلم ما في نفسي فاغفر لي ذنوبي
اللهم اني اسألك ايمانا تباشر به قلبي ويقينا صادقا حتى اعلم انه
لا يصيبني الا ما كتبت وارضني بما قسمت لي در كليني از ابي الحسن عليه السلام
مرويست بجهت دفع اعدا كه آنحضرت فرمود هرگاه دعا كند يكى از شما بر ديگرى
يعنى نفرين كند بگويد اللهم اطرقه ببلية لا اخت لها وابح حريمه
و باز از حضرت جعفر بن محمد مرويست در كافي كه سنى شيعه را آزار ميداد
ومشهور ميساخت او را برفض آنحضرت فرمود كه چون وقت نماز شب
شود برخيز بجهت نماز نصف شب وحال آنكه تو در سجده دويم از
دو ركعت اول باشي حمد وتمجيد الهى بجاى آور وبگو اللهم ان
فلان بن فلان قد شهرني ونوه بي وغاظني وعرضني للمكاره
اللهم اضربه بسهم عاجل تشغله به عني اللهم وقرب اجله و
اقطع اثره وعجل ذلك يا رب الساعة الساعة راوى ميگويد كه رفتم بكوفه
شب بود پس پرسيدم از اهل او كه چه شد فلانى را گفتند مريض است
حرف اتمام نشده بود كه صداى نوحه وماتم از خانه او بلند شد كه
او مرده بود باز يعقوب بن سالم روايت ميكند كه بودم من نزد
حضرت ابي عبد الله عليه السلام كه عرض كرد بخدمت آنحضرت

علاوه بر کامل که فلان کس بر چنین و چنان میکند پس اگر می بینی بلی
که دعا کنی با و لکن آنحضرت فرمود که این ضعیف کرده ترا بگو این
دعا را اللّهمّ انّک تکفی من کلّ شیء ولا یکفی منک شیء فاکفنی امر
فلان بم شئت وکیف شئت ومن حیث شئت وانّی شئت

باب دوازدهم در زیارت و وصایای حضرات ائمه معصومین علیهم السلم

و آن بر سه فصلست **فصل اول** در زیارت امیر المؤمنین علیه السلم از
حضرت امام محمد باقر علیه السلم مرویست که فرمود هر کس از شیعیان
ما که حضرت امیر المؤمنین علیه السلم یا یکی از ائمه صلوات الله علیهم را
باین طریق زیارت کند زیارت او را در صحفه از نور کنانند والله
تعالی او را با خاتم محمد ص محشور سازد و بحضرت قایم ع سپارند و فتح
که بانجیت و کرامت و بشارت مصاحبش رسانند و باید دانست
که اگر باین طریق یکی دیگر از ائمه علیهم السلم را زیارت کنند بجای
لفظ امیر المؤمنین نام آن امام را برد و در زیارت امیر المؤمنین ع
و ضجیع آنحضرت زیارت آدم و نوح علیهما السلم را نیز کنند و در زیارت
امیر المؤمنین ع بگو السّلام علیک یا امین الله فی ارضه وحجّته
علی عباده السّلام علیک یا امیر المؤمنین اشهد انّک جاهدت

فی الله

فی الله حقّ جهاده وعملت بکتابه واتّبعت سنن نبیّه ص حتّی دعاک
الله الی جواره وقبضک الیه باختیاره لک کریم ثوابه والزم اعدائک
الحجّة مع ما لک من الحجج البالغة علی جمیع خلقه اللّهمّ فاجعل نفسی
مطمئنّة بقدرک راضیة بقضائک مولعة بذکرک ودعائک
محبّة لصفوة اولیائک محبوبة فی ارضک وسمائک صابرة علی نزول
بلائک شاکرة لفواضل نعمائک ذاکرة لسوابغ آلائک مشتاقة الی
لقائک متزوّدة التقوی لیوم جزائک مستنّة بسنن اولیائک مفارقة
لاخلاق اعدائک مشغولة عن الدنیا بحمدک وثنائک بعد از ان رو
بر قبر مقدس کنانیده بگو اللّهمّ انّ قلوب المخبتین الیک والهة وسبل
الرّاغبین الیک شارعة واعلام القاصدین الیک واضحة وافئدة العارفین
منک فازعة واصوات الدّاعین الیک صاعدة وابواب السّماء للاجابة
لهم مفتّحة ودعوة من ناجاک مستجابة وتوبة من اناب الیک مقبولة
وعبرة من بکی من خوفک مرحومة والاغاثة لمن استغاث بک موجودة
والاعانة لمن استعان بک مبذولة وعداتک لعبادک منجزة وزلل
من استقالک مقالة واعمال العاملین لدیک محفوظة وارزاقک
الی الخلائق من لدنک نازلة وعوائد المزید الیهم واصلة و

ذنوب المستغفرین مغفورة وحوائج خلقک عندک مقضیة وجوائز
السائلین عندک موفرة وعوائد المزید متواترة وموائد المستطعمین
معدة ومناهل الظماء مترعة اللهم فاستجب دعائی واقبل ثنائی
واجمع بینی وبین اولیائی بحق محمد وعلی وفاطمة والحسن والحسین
انک ولی نعمائی ومنتهی منای وغایة رجائی فی منقلبی ومثوای
ودر زیارت حضرت آدم بگوید السلام علیک یا صفی الله السلام
علیک یا حبیب الله السلام علیک یا نبی الله السلام علیک یا خلیفة
الله السلام علیک یا امین الله فی ارضه السلام علیک یا ابا البشر آدم
صلوات الله علیک وعلی روحک وبدنک وعلی الطاهرین من ولدک
وذریتک صلوة لا یحصیها الا هو ورحمة الله وبرکاته ودر زیارت نوح ع
بگو السلام علیک یا نبی الله السلام یا صفی الله السلام علیک یا ولی الله
السلام علیک یا امین الله فی ارضه صلوات الله وسلامه علیک وعلی
روحک وبدنک وعلی الطاهرین من ولدک ورحمة الله وبرکاته و
در زیارت حضرت فاطمه علیها السلام بگو السلام علیک یا بنت رسول الله
السلام علیک یا بنت حبیب الله السلام علیک یا بنت خلیل الله
السلام علیک یا بنت امین الله السلام علیک یا بنت خیر خلق الله

السلام

السلام علیک یا ایتها المعصومة المظلومة السلام ایتها المحدثة
العلیمة ورحمة الله وبرکاته اشهد الله ورسوله وملائکته انی
راض عمن رضیت عنه ساخط علی من سخطت علیه متبری
ممن برئت منه موال لمن والیت معاد لمن عادیت مبغض
لمن ابغضت محب لمن احببت وکفی بالله شهیدا وحسیبا وجازیا
ومثیبا ودر زیارت حضرت سید الشهداء حسین شهید بگوید
برد روضه مقدسه ایستاده بگوید السلام علیک یا وارث آدم
صفوة الله السلام علیک یا وارث نوح نبی الله السلام علیک یا وارث
عیسی روح الله السلام علیک یا وارث ابرهیم خلیل الله السلام علیک
یا وارث موسی نجی الله السلام علیک یا وارث علی امیر المؤمنین و
خیر الوصیین السلام علیک یا وارث اخیه الحسن الزکی الطاهر
الرضی المرضی السلام علیک ایها البار التقی السلام علیک وعلی
الملائکة الحافین بک اشهد انک قد اقمت الصلوة وآتیت الزکوة
وامرت بالمعروف ونهیت عن المنکر وعبدت الله مخلصا حتی
اتاک الیقین والسلام علیک ورحمة الله وبرکاته پس بعد از آن
بجانب ضریح مقدس برود ودست بران بگذارد وبگوید السلام

عَلَیْکَ یَا اَبَا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا حُجَّةَ اللهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکَاتُهُ
پس از آن بگو لَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْکَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً ظَلَمَتْکَ وَلَعَنَ
اللهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِکَ فَرَضِیَتْ بِهٖ مَوْلَایَ یَا اَبَا عَبْدِ اللهِ اُشْهِدُ
اللهَ وَمَلٰئِکَتَهُ وَاَنْبِیَائَهُ وَرُسُلَهُ اَنِّیْ بِکُمْ مُؤْمِنٌ وَبِاِیَابِکُمْ مُوْقِنٌ
بِشَرَائِعِ دِیْنِیْ وَخَوَاتِیْمِ عَمَلِیْ فَصَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْکُمْ وَعَلٰی اَرْوَاحِکُمْ
وَعَلٰی شَاهِدِکُمْ وَعَلٰی غَائِبِکُمْ وَظَاهِرِکُمْ وَبَاطِنِکُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ
وَبَرَکَاتُهُ پس از آن در پیش پای مبارک آنحضرت علی اکبر ولد آن
حضرت را زیارت کن و بگو اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ رَسُوْلِ اللهِ اَلسَّلَامُ
عَلَیْکَ یَا ابْنَ اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ الْحُسَیْنِ الشَّهِیْدِ
اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الشَّهِیْدُ الْمَظْلُوْمُ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْکَ وَلَعَنَ اللهُ
اُمَّةً ظَلَمَتْکَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِکَ فَرَضِیَتْ بِهٖ بعد از آن شهدا
را زیارت کند و بگوید اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا اَوْلِیَاءَ اللهِ وَاَحِبَّائَهُ اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ
یَا اَصْفِیَاءَ اللهِ وَاَوِدَّائَهُ اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا اَنْصَارَ دِیْنِ اللهِ وَاَنْصَارَ
نَبِیِّهٖ وَاَنْصَارَ اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَاَنْصَارَ الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ طِبْتُمْ وَطَابَتْ
الْاَرْضُ الَّتِیْ فِیْهَا دُفِنْتُمْ وَفُزْتُمْ فَوْزًا عَظِیْمًا فَیَا لَیْتَنِیْ کُنْتُ مَعَکُمْ فَاَفُوْزَ
فَوْزًا مَعَکُمْ و چون از دعا فارغ شود بزیارت عباس رحمه بگوید

اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِیْعُ لِلّٰهِ وَلِرَسُوْلِهٖ وَلِاَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ
الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ وَعَلَیْکَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکَاتُهُ وَعَلٰی رُوْحِکَ
وَبَدَنِکَ اَشْهَدُ اَنَّکَ مَضَیْتَ عَلٰی مَا مَضٰی عَلَیْهِ الْبَدْرِیُّوْنَ الْمُجَاهِدُوْنَ
فِیْ سَبِیْلِ اللهِ الْمُنَاصِحُوْنَ لَهٗ فِیْ جِهَادِ الْاَعْدَاءِ الْبَالِغُوْنَ فِیْ نُصْرَةِ اَوْلِیَائِهٖ
فَجَزَاکَ اللهُ اَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَاَوْفَرَ جَزَاءِ اَحَدٍ وَفٰی بِبَیْعَتِهٖ وَاسْتَجَابَ لَهٗ
دَعْوَتَهٗ وَحَشَرَکَ مَعَ النَّبِیِّیْنَ وَالصِّدِّیْقِیْنَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِیْنَ
وَحَسُنَ اُولٰئِکَ رَفِیْقًا **فصل دویم در زیارت امام حسین ع از دور** و بیست
که امام جعفر صادق علیه السلام از کسی پرسید که هر روز زیارت امام حسین ع
میکنی گفت نه فرمود چه جفا میکنی بآنحضرت بعد از آن فرمود هر ماه
میکنی گفت نه فرمود هر سال میکنی گفت گاهی میشود بآن فرمود چرا
میکنی بآنحضرت چه شود اگر هر روز یکمرتبه زیارت آنحضرت کنید گفت
خانه ما بسیار دور است همیشه مقدور نیست فرمود بر بام خانه برای و
بجانب راست نگاه کن بعد از آن بجانب چپ نظر کن پس سر بآسمان بالا کن
پس از آن متوجه روضه مقدسه شده بگو اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا اَبَا عَبْدِ اللهِ
اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکَاتُهُ یکزیارت برای تو نوشته میشود که برابر
باشد با یکحج و یک عمره برای تو نوشته شود و اگر روزی پنج مرتبه باین نحو زیارت

کنی و هر یک یک حج و یک عمره برای تو نوشته شود فصل سیم در زیارت جامعه و
زیارت جامعه و نیکو کرد همه مشاهد مقدسه مجربست و مروی از حضرت امام
رضا علیه السلام است اینست السلام علی اولیاء الله زیارت جامعه که فقیه
در من لا یحضره نقل نموده از علی بن الحسین هم اینست هر گاه زیارت کنی هر یک
از ائمه علیهم السلام را پس بگو هر گاه رسیدی بدر پیش در مشاهد در حالتی که ایستاده
باشی شهادتین را و تو با غسل باشی پس هر گاه داخل شوی و ببینی قبر را
پس بایست و بگو الله اکبر سی مرتبه پس راه رو اندکی و بر سکینه و وقار
و نزدیک نزدیک بگذار قدمهای خود را پس بایست بار دیگر و بگو سی مرتبه
الله اکبر پس نزدیک قبر شو و تکبیر بگوی چهل مرتبه که مجموع صد تکبیر باشد
پس از آن بگو السَّلامُ عَلَيْكَ يا اَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَمَوْضِعَ الرِّسالَةِ وَ
مُخْتَلَفَ الْمَلائِكَةِ وَمَهْبِطَ الْوَحْيِ وَمَعْدِنَ الرَّحْمَةِ وَخُزّانَ الْعِلْمِ وَمُنْتَهَى
الْحِلْمِ وَاُصُولَ الْكَرَمِ وَقادَةَ الْاُمَمِ وَاَوْلِياءَ النِّعَمِ وَعَناصِرَ الْاَبْرارِ وَدَعائِمَ
الْاَخْيارِ وَساسَةَ الْعِبادِ وَاَرْكانَ الْبِلادِ وَاَبْوابَ الْايمانِ وَاُمَناءَ
الرَّحْمنِ وَسُلالَةَ النَّبِيّينَ وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلينَ وَعِتْرَةَ خِيَرَةِ رَبِّ الْعالَمينَ
وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ السَّلامُ عَلى اَئِمَّةِ الْهُدى وَمَصابيحِ الدُّجى وَاَعْلامِ
التُّقى وَذَوِي النُّهى وَاُولِي الْحِجى وَكَهْفِ الْوَرى وَوَرَثَةِ الْاَنْبِياءِ وَالْمَثَلِ

الاعلی

الْاَعْلى وَالدَّعْوَةِ الْحُسْنى وَحُجَجِ اللهِ عَلى اَهْلِ الدُّنْيا وَالْاخِرَةِ وَالْاُولى وَرَحْمَةُ اللهِ
وَبَرَكاتُهُ السَّلامُ عَلى مَعْرِفَةِ اللهِ وَمَساكِنِ بَرَكَةِ اللهِ وَمَعادِنِ حِكْمَةِ اللهِ وَحَفَظَةِ
سِرِّ اللهِ وَحَمَلَةِ كِتابِ اللهِ وَاَوْصِياءِ نَبِيِّ اللهِ وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللهِ ص وَرَحْمَةُ
اللهِ وَبَرَكاتُهُ السَّلامُ عَلَى الدُّعاةِ اِلَى اللهِ وَالْاَدِلّاءِ عَلى مَرْضاتِ اللهِ وَ
الْمُسْتَقِرّينَ في اَمْرِ اللهِ وَالتّامّينَ في مَحَبَّةِ اللهِ وَالْمُخْلِصينَ في تَوْحيدِ
اللهِ وَالْمُظْهِرينَ لِاَمْرِ اللهِ وَنَهْيِهِ وَعِبادِهِ الْمُكْرَمينَ الَّذينَ لا يَسْبِقُونَهُ
بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِاَمْرِهِ يَعْمَلُونَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ السَّلامُ عَلَى الْاَئِمَّةِ الدُّعاةِ
وَالْقادَةِ الْهُداةِ وَالسّادَةِ الْوُلاةِ وَالذّادَةِ الْحُماةِ وَاَهْلِ الذِّكْرِ وَاُولِي الْاَمْرِ
وَبَقِيَّةِ اللهِ وَخِيَرَتِهِ وَحِزْبِهِ وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ وَحُجَّتِهِ وَصِراطِهِ وَنُورِهِ
وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ كَما
شَهِدَ اللهُ لِنَفْسِهِ وَشَهِدَتْ لَهُ مَلائِكَتُهُ وَاُولُو الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ
لا اِلهَ اِلّا هُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ وَرَسُولُهُ المرتضی ارسله
بِالْهُدى وَدينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَاَشْهَدُ اَنَّكُمُ
الْاَئِمَّةُ الرّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ الْمَعْصُومُونَ الْمُكَرَّمُونَ الْمُقَرَّبُونَ
الْمُتَّقُونَ الصّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ الْمُطيعُونَ لِلّهِ الْقَوّامُونَ بِاَمْرِهِ
الْعامِلُونَ بِاِرادَتِهِ الْفائِزُونَ بِكَرامَتِهِ اصْطَفاكُمْ بِعِلْمِهِ وَارْتَضاكُمْ لِغَيْبِهِ

واختاركم لسره واجتباكم بقدرته واعزكم بهداه وخصكم ببرهانه و
انتجبكم بنوره وايدكم بروحه ورضيكم خلفاء في ارضه وحججا على
بريته وانصارا لدينه وحفظة لسره وخزنة لعلمه ومستودعا لحكمته
وتراجمة لوحيه واركانا لتوحيده وشهداء على خلقه واعلاما لعباده
ومنارا في بلاده وادلاء على صراطه عصمكم الله من الزلل وامنكم من
الفتن وطهركم من الدنس واذهب عنكم الرجس وطهركم تطهيرا
فعظمتم جلاله واكبرتم شانه ومجدتم كرمه وادمنتم ذكره ووكدتم
ميثاقه واحكمتم عقد طاعته ونصحتم له في السر والعلانية ودعوتم
الى سبيله بالحكمة والموعظة الحسنة وبذلتم انفسكم في مرضاته
وصبرتم على ما اصابكم في جنبه واقمتم الصلوة واتيتم الزكوة
وامرتم بالمعروف ونهيتم عن المنكر وجاهدتم في الله حق
جهاده حتى اعلنتم دعوته وبينتم فرايضه واقمتم حدوده
ونشرتم شرايع احكامه وسننتم سنته وصرتم في ذلك منه
الى الرضا وسلمتم له القضاء وصدقتم من رسله من مضى فالراغب
عنكم مارق واللازم لكم لاحق والمقصر في حقكم زاهق والحق
معكم وفيكم ومنكم واليكم وانتم اهله ومعدنه وميراث النبوة

عندكم

عندكم واياب الخلق اليكم وحسابهم عليكم وفصل الخطاب عندكم و
ايات الله لديكم وعزائمه فيكم ونوره وبرهانه عندكم وامره اليكم من
والاكم فقد والى الله ومن عاداكم فقد عادى الله ومن احبكم فقد احب
الله ومن اعتصم بكم فقد اعتصم بالله انتم الصراط الاقوم وشهداء
دار الفناء وشفعاء دار البقاء والرحمة الموصولة والاية المخزونة و
الامانة المحفوظة والباب المبتلى به الناس من اتاكم نجا ومن لم ياتكم هلك
الى الله تدعون وعليه تدلون وبه تؤمنون وله تسلمون وبامره تعملون
والى سبيله ترشدون وبقوله تحكمون سعد من والاكم وهلك
من عاداكم وخاب من جحدكم وضل من فارقكم وفاز من تمسك بكم و
امن من لجا اليكم وسلم من صدقكم وهدي من اعتصم بكم من اتبعكم
فالجنة ماواه ومن خالفكم فالنار مثواه ومن جحدكم كافر ومن حاربكم
مشرك ومن رد عليكم في اسفل درك من الجحيم اشهد ان هذا سابق لكم
فيما مضى وجار لكم فيما بقي وان ارواحكم ونوركم وطينتكم واحدة طابت
وطهرت بعضها من بعض خلقكم الله انوارا فجعلكم بعرشه محدقين
حتى من علينا بكم فجعلكم في بيوت اذن الله ان ترفع ويذكر فيها
اسمه وجعل صلواتنا عليكم وما خصنا به من ولايتكم طيبا لخلقنا و

طهارة لأنفسنا وتزكية لنا وكفارة لذنوبنا فكنا عنده مسلّمين
بفضلكم ومعروفين بتصديقنا إياكم فبلغ الله بكم أشرف
محل المكرمين وأعلى منازل المقربين وأرفع درجات المرسلين حيث
لا يلحقه لاحق ولا يفوقه فائق ولا يسبقه سابق ولا يطمع
في إدراكه طامع حتى لا يبقى ملك مقرب ولا نبي مرسل ولا صديق
ولا شهيد ولا عالم ولا جاهل ولا دني ولا فاضل ولا مؤمن صالح
ولا فاجر طالح ولا جبار عنيد ولا شيطان مريد ولا خلق فيما بين ذلك
شهيد إلا عرّفهم جلالة أمركم وعظم مقامكم وشرف محلكم خطركم وكبر
شأنكم وتمام نوركم وصدق مقاعدكم وثبات مقامكم وشرف محلكم
ومنزلتكم عنده وكرامتكم عليه وخاصتكم لديه وقرب منزلتكم منه
بأبي أنتم وأمي وأهلي ومالي وأسرتي أشهد الله وأشهدكم أني مؤمن بكم
وبما آمنتم به كافر بعدوكم وبما كفرتم به مستبصر بشأنكم وبضلالة من
خالفكم موالٍ لكم ولأوليائكم مبغض لأعدائكم ومعادٍ لهم سلم لمن سالمكم
وحرب لمن حاربكم محقق لما حققتم مبطل لما أبطلتم مطيع لكم عارف
بحقكم مقر بفضلكم محتمل لعلمكم محتجب بذمتكم معترف بكم مؤمن بإيابكم
مصدق برجعتكم منتظر لأمركم مرتقب لدولتكم آخذ بقولكم عامل بأمركم

مستجير

مستجير بكم زائر لكم لائذ بقبوركم مستشفع إلى الله عز وجل بكم ومتقرب
بكم إليه ومقدمكم أمام طلبتي وحوائجي وإرادتي في كل أحوالي وأموري
مؤمن بسركم وعلانيتكم وشاهدكم وغائبكم وأولكم وآخركم ومفوض
في ذلك كله إليكم ومسلم فيه معكم وقلبي لكم متبع ونصرتي لكم معدة
حتى يحيي الله دينه بكم ويردكم في أيامه ويظهركم لعدله ويمكنكم
في أرضه فمعكم معكم لا مع غيركم آمنت بكم وتوليت آخركم بما توليت
به أولكم وبرئت إلى الله عز وجل من أعدائكم ومن الجبت والطاغوت
والشياطين وحزبهم الظالمين لكم الجاحدين لحقكم والمارقين من
ولايتكم والغاصبين لإرثكم الشاكين فيكم المنحرفين عنكم ومن كل
وليجة دونكم وكل مطاع سواكم ومن الأئمة الذين يدعون إلى النار
فثبتني الله أبداً ما حييت على موالاتكم ومحبتكم ودينكم ووفقني الله لطاعتكم
ورزقني شفاعتكم وجعلني من خيار مواليكم التابعين لما دعوتم إليه
وجعلني ممن يقتص آثاركم ويسلك سبيلكم ويهتدي بهداكم ويحشر
في زمرتكم ويكر في رجعتكم ويملك في دولتكم ويشرف في عافيتكم ويمكن
في أيامكم وتقر عينه غداً برؤيتكم بأبي أنتم وأمي ونفسي وأهلي و
مالي من أراد الله بدأ بكم ومن وحده قبل عنكم ومن قصده توجه بكم

مواليّ لا احصي ثناءكم ولا ابلغ من المدح كنهكم ومن الوصف قدركم
وانتم نور الاخيار وهداة الابرار وحجج الجبار بكم فتح الله وبكم يختم
وبكم ينزّل الغيث وبكم يمسك السماء ان تقع على الارض الا باذنه وبكم
ينفّس الهمّ ويكشف الضرّ وعندكم ما نزلت به رسله وهبطت
به ملائكته والى جدكم صلى الله عليه وآله بعث الروح الامين وا[گ]ر
بوده باشد زيارت امير المؤمنين عم پس بگو بجای جدکم والى اخيك بعث الروح
آتاكم الله ما لم يؤت احدا من العالمين طأطأ كل شريف لشرفكم وبخع
كل متكبّر لطاعتكم وخضع كل جبّار لفضلكم وذلّ كل شيء لكم واشرقت
الارض بنوركم وفاز الفائزون بولايتكم بكم يسلك الى الرضوان وعلى
من جحد ولايتكم غضب الرحمن بابي انتم وامي ونفسي واهلي ومالي
ذكركم في الذاكرين واسماؤكم في الاسماء واجسادكم في الاجساد وارواحكم
في الارواح وانفسكم في النفوس وآثاركم في الآثار وقبوركم في القبور
فما احلى اسماءكم واكرم انفسكم واعظم شأنكم واجلّ خطركم واوفى عهدكم (واصدق وعدكم)
كلامكم نور وامركم رشد ووصيتكم التقوى وفعلكم الخير وعادتكم
الاحسان وسجيتكم الكرم وشأنكم الحق والصدق والرفق وقولكم
حكم وحتم ورأيكم علم وحلم وحزم ان ذكر الخير كنتم اوله واصله وفرعه

ومعدنه

ومعدنه ومأواه ومنتهاه بابي انتم وامي ونفسي كيف اصف حسن ثنائكم
واحصي جميل بلائكم وبكم اخرجنا الله من الذلّ وفرّج عنا غمرات الكروب
وانقذنا من شفا جرف الهلكات ومن النار بابي انتم وامي ونفسي بموالاتكم
علّمنا الله معالم ديننا واصلح ما كان فسد من دنيانا وبموالاتكم تمّت
الكلمة وعظمت النعمة وائتلفت الفرقة وبموالاتكم تقبل الطاعة
المفترضة ولكم المودة الواجبة والدرجات الرفيعة والمقام المحمود
والمقام المعلوم عند الله عزّ وجلّ والجاه العظيم والشأن الكبير
والشفاعة المقبولة ربنا آمنا بما انزلت واتبعنا الرسول فاكتبنا
مع الشاهدين ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك
رحمة انك انت الوهاب سبحان ربنا ان كان وعد ربنا لمفعولا
يا وليّ الله انّ بيني وبين الله عزّ وجلّ ذنوبا لا يأتي عليها الا رضاكم
فبحقّ من ائتمنكم على سرّه واسترعاكم امر خلقه وقرن طاعتكم بطاعته
لمّا استوهبتم ذنوبي وكنتم شفعائي فانّي لكم مطيع من اطاعكم فقد
اطاع الله ومن عصاكم فقد عصى الله ومن احبّكم فقد احبّ الله ومن
ابغضكم فقد ابغض الله اللهم انّي لو وجدت شفعاء اقرب اليك من
محمد واهل بيته الائمة الابرار لجعلتهم شفعائي فبحقّهم الذي اوجبت

لهم عليك اسئلك ان تدخلني في جملة العارفين بهم وبحقهم وفي زمرة
المرحومين بشفاعتهم انك ارحم الراحمين وصلى الله على محمد وآله وسلم
تسليما كثيرا وحسبنا الله ونعم الوكيل هرگاه اراده كنى انصراف كنى
از زيارت بايد كه زيارت وداع را باين قسم كه بگو السلام عليكم سلام
مودع لا سئم ولا قال ولا مال ورحمة الله وبركاته عليكم يا اهل
بيت النبوة انه حميد مجيد سلام ولي لكم غير راغب عنكم ولا
مستبدل بكم ولا مؤثر عليكم ولا منحرف عنكم ولا زاهد في قربكم و
لا جعله الله اخر العهد من زيارة قبوركم واتيان مشاهدكم
والسلام عليكم وحشرني الله في زمرتكم واوردني حوضكم وجعلني
من حزبكم وارضاكم ومكنني في دولتكم واحياني في رجعتكم و
ملكني في ايامكم وشكر سعيي بكم وغفر ذنبي بشفاعتكم واقال
عثرتي بمحبتكم واعلى كعبي بموالاتكم وشرفني بطاعتكم واعزني بهداكم بحبكم نز
وجعلني ممن انقلب مفلحا منجحا غانما سالما معافا غنيا فائزا برضوان
الله وفضله وكفايته بافضل ما ينقلب به احد من زوارکم وموالیکم
ومحبيكم وشيعتكم ورزقني الله العود ثم العود ابدا ما ابقاني بنية
صادقة وايمان وتقوى واخبات ورزق واسع حلال طيب اللهم

لا تجعله اخر العهد من زيارتهم وذكرهم والصلوة عليهم واوجب لي
المغفرة والرحمة والخير والبركة والفوز والنور والايمان وحسن الاجابة
كما اوجبت لاوليائك العارفين بحقهم الموجبين طاعتهم الراغبين
في زيارتهم المتقربين اليك واليهم بابي انتم وامي ونفسي واهلي ومالي
اجعلوني في همكم وصيروني في حزبكم وادخلوني في شفاعتكم واذكروني
عند ربكم اللهم صل على محمد وآل محمد وابلغ ارواحهم واجسادهم مني السلام
والسلام عليه وعليهم ورحمة الله وبركاته وصلى الله على محمد وآله و
سلم كثيرا وحسبنا الله ونعم الوكيل وزيارت جامعه ديگر كه در همه
مشاهد مقدسه مجزى است ومروى از حضرت امام رضا عليه السلام است
اينست السلام على اولياء الله واصفيائه السلام على امناء الله واحبائه
السلام على انصار الله وخلفائه السلام على محال معرفة الله السلام
على معادن حكمة الله السلام على مساكن ذكر الله السلام على عباد الله
المكرمين الذين لا يسبقونه بالقول وهم بامره يعملون السلام على مظاهر
امر الله ونهيه السلام على الادلاء على الله السلام على المستقرين في مرضات
الله السلام على الممحصين في طاعة الله السلام على الذين من والاهم
فقد والى الله ومن عاداهم فقد عادى الله ومن عرفهم فقد عرف الله ومن

جهلکم فقد جهل الله ومن اعتصم بهم فقد اعتصم بالله ومن تخلی منهم
فقد تخلی منهم فقد تخلی من الله اشهد الله انی حرب لمن حاربکم وسلم
لمن سالمکم مؤمن بما امنتم به کافر بما کفرتم به محقق لما حققتم مبطل
لما ابطلتم مؤمن بسرکم وعلانیتکم مفوض فی ذلک کله الیکم لعن الله
عدوکم من الجن والانس وضاعف علیهم العذاب الالیم وابرء الی الله منهم و
السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته […] ودر وداع هریک از ائمه علیهم السلم بگوید
السلام علیک یا مولای السلام علیک یا حجة الله السلام علیک یا صفوة
الله السلام علیک یا خالصة الله السلام علیک یا امین الله السلام علیک
یا ولی الله سلام مودع لا قال ولا سئم فان امض فلا عن ملالة وان
اقم فلا عن سوء ظن بما وعد الله الصابرین لا جعله الله یا مولای اخر العهد
منی لزیارتک ورزقنی العود الی مشهدک والمقام فی حرمک وجعلنی معکم
فی الدنیا والاخرة مرویست که اگر هزار کس را در حج با خود شریک کنی وهریک
از ایشان را ثواب حجی باشد بی آنکه از حج تو چیزی کم شود وترا ثواب این احسان
علیحده باشد وهمچنین است اگر زیارت را تبرع کند یا کسی را شریک گرداند
وباید که بعد از فراغ از حج یا زیارت بگوید که اللهم اشرک فی حجتی ونسکی
وصلواتی واگر زیارت باشد بگوید فی زیارتی اخواتی وفلانا وفلانا

واگر

واگر خواهد یک یک نام نبرد بگوید وجمیع اهل بلدی حرهم وعبدهم وابیضهم
واسودهم وحیهم ومیتهم واگر بنیابت حج یا طواف کند بگوید اللهم تقبل
حجتی یا طوافی وصلواتی عن فلان وفلان هرکرا خواهد نام برد واگر
زیارت بنیابت کند بعد از فراغ از کارهای خود بگوید السلام علیک یا
مولای من ابی وامی وهرکرا خواهد پس هریک از ایشان اگر گوید که برای توجه
یا طواف ونماز زیارت کردم راست گفته باشد **فصل چهارم** در فضایل اماکن
مقدسه که در ان حدود واقعست مرویست از ائمه علیهم السلم که هرکه نظر
بر کعبه کند وحق ما را بشناسد چنانچه حق کعبه را می شناسد گناهانش آمرزیده
شود ومهمات دنیا وآخرتش کفایت شود ومادامی که نظرش بر کعبه باشد
حسنه برایش نویسند وسیئه محو کنند والله تعالی را در حوالی کعبه صد و
بیست رحمتست شصت از طائفان وچهل از نماز کنارندگان وبیست از نگاه
کنندگان وهرکس در یکی از حرمین بمیرد از اهوال قیامت ایمن باشد واگر در
ما بین بمیرد دیوان حساب براو نگشایند واگر در حرم کعبه بمیرد از فزع اکبر
ایمن باشد وبلند سبحان الله گفتن در مکه افضلست از خراج تمام عراق که در راه
خدا صرف کنند وهرکه در مکه ختم قرآن کند از دنیا نرود تا جای خود را در بهشت
نه بیند وچیز خوردن در مکه مثل روزه است ویک روز روزه در انجا

مثل یکسال روزه است و خواب در اینجا مثل عبادتست در جاهای
دیگر و هر که یکسال مجاور مکه باشد گناهان او و اهل بیت او و هر که
برای او استغفار کرده و قبیله او و همسایه او آمرزیده شود و هر که در اینجا
سجده کند چنانست که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد و
یک نماز در اینجا برابر است با صد هزار نماز و یک درهم صدقه برابر است
با صد هزار درهم و هر که یک نماز فریضه در اینجا کند رد نماز گذشته و
آینده اش تا وقت اجلش همه مقبول شود و هر چند بجانب کعبه نزدیکتر
باشد افضلست و در مسجد منی هفتصد نبی و بروایتی دیگر هزار نبی
نماز کرده اند و هر که در اینجا صد رکعت نماز کند برابر است با هفتاد
ساله عبادت و صد مرتبه تسبیح در اینجا برابر است با عتق رقبه و
صد تکبیر در اینجا با احیاء سنه و صد تحمید با خراج عراقین که در راه
خدا تصدق دهند و یک نماز در مسجد رسول صلعم در مدینه برابر است
با ده هزار نماز و یک درهم صدقه با ده هزار درهم و دو رکعت نماز
در مسجد قبا برابر است با یک عمره و کوفه حرم امیر المؤمنین است و قبور
انبیا و مرسلین و اوصیا و مؤمنین در اینجا بسیار و در مسجد اعظم
کوفه هزار و هزار وصی نماز کرده یک نماز فریضه در اینجا برابر است

با هزار

با هزار نماز و یک حج و نافله در اینجا برابر است با پانصد نماز و یک عمره و نشستن
در اینجا بذکر و تلاوت عبادتست و در مسجد سهله هر نبی و وصی نماز
کرده و خانه حضرت ابرهیم ع و ادریس ع در آن مسجد است و در آن
مسجد سنگیست که طینت همه انبیا از آنجا برداشته اند هر غمگینی که در آن
در میان نماز شام و خفتن دو رکعت نماز کند و دعا کند خدای تعالی
از آن غم نجاتش دهد

فصل پنجم

در زیارت ذریت طیبین و
صلحای مؤمنین مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که هر که امام
زاده عبد العظیم را در ری زیارت کند چنانست که امام حسین ع
را زیارت کرده باشد و هر که فاطمه بنت موسی الکاظم ع را در قم زیارت
کند بهشت او را واجب شود و از ایشان ع مرویست که هر که
قادر بر زیارت ما نباشد صلحای شیعه ما را زیارت کند ثواب
زیارت ما یابد و این احادیث اعم است از ایام حیوة و بعد از وفات
و مرویست از اهل بیت علیهم السلم که بزیارت قبور بروید که باعث
رقت قلب و اشک چشم و یاد آخرتست و چون کسی بزیارت قبور
رود اهل قبور خبردار شوند و با او انس گیرند و شکفته و مسرور
شوند چنانچه در زندگی و چون بروند ایشان را وحشت رو دهد و مفارقت

اثر کند و هر که زیارت قبور والدین یا یکی از ایشان در روز جمعه کند
ثواب یک حج مقبول برایش نویسند و بعد از زیارت و دعا، والدین حاجتی
که داشته باشد بخواهد که انشاء الله مستجاب میشود و چون زیارت
اهل قبور کند بگوید السَّلامُ عَلیٰ اَهلِ الدِّیارِ مِنَ المُؤمِنِینَ وَالمُسلِمِینَ
رَحِمَ اللهُ المُستَقدِمِینَ وَالمُستَأخِرِینَ وَاِنّا اِنشاءَ اللهُ لاحِقُونَ بِکُم
و چون ایشان را دعا کند بگوید اَللّٰهُمَّ جافِ الاَرضَ عَن جُنُوبِهِم وَ
صاعِد اِلَیکَ اَرواحَهُم وَلَقِّهِم مِنکَ رِضواناً وَاَسکِن اِلَیهِم مِن رَحمَتِکَ
ما تَصِلُ بِهِ وَحدَتَهُم وَتُونِسُ بِهِ وَحشَتَهُم اِنَّکَ عَلیٰ کُلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ و اگر
خواهد بگوید اَللّٰهُمَّ ارحَم غُربَتَهُم وَصِل وَحدَتَهُم وَآنِس وَحشَتَهُم وَ
آمِن رَوعَتَهُم وَاَسکِن اِلَیهِم مِن رَحمَتِکَ ما یَستَغنُونَ بِها عَن رَحمَةِ
مَن سِواکَ وَاَلحِقهُم بِمَن کانُوا یَتَوَلَّونَهُ و نیز مرویست که هر که بر اهل
مقابر چنین سلام کند که السَّلامُ عَلیٰ اَهلِ لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ مِن اَهلِ لا اِلٰهَ
اِلَّا اللهُ یا اَهلَ لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ کَیفَ وَجَدتُم قَولَ لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ بِحَقِّ
تَقُولُ لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ یا لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ مِن لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ بِحَقِّ لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ
اِغفِر لِمَن قالَ لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاحشُرنا فِی زُمرَةِ مَن قالَ لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ
مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ علی ولی الله ص خدای تعالی او را ثواب پنجاه ساله عبادت عطا فرماید

فرماید و پنجاه سال

فرماید و پنجاه ساله سیئات او و والدینش را عفو فرماید و هر که داخل قبرستان
شود بگوید اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الاَرواحِ الفانِیَةِ وَالاَجسادِ البالِیَةِ وَالعِظامِ
النَّخِرَةِ الَّتِی خَرَجَت مِنَ الدُّنیا وَهِیَ بِکَ مُؤمِنَةٌ اَدخِل عَلَیهِم رَوحاً مِنکَ
وَسَلاماً مِنِّی بعدد هر کس از زمان آدم تا روز قیامت برایش حسنات
نویسند و هر کس در مقبره مسلمین یک آیه از قرآن بخواند خدای تعالی
ثواب هفتاد نبی را عطا فرماید و هر که برای اموات از خدا طلب آمرزش
و رحمت کند از آتش نجات یابد و الله تعالی او را خندان داخل بهشت
کند و اگر در مقبره سوره یس بخواند بعدد اهل آن مقبره برایش حسنه نویسند
و عذاب قبر از آن مقبره تخفیف دهند و اگر آیة الکرسی بخواند و ثوابش را
باهل قبور هدیه کند بعدد هر حرف از آن ملکی برای او تسبیح کند تا روز قیامت
و اگر یازده مرتبه قل هو الله بخواند و ثوابش را باهل مقبره هدیه کند بعدد
ایشان ثواب و حسنات یابد و اگر دست بر قبر نهد و هفت مرتبه
انا انزلناه بخواند از فزع اکبر قیامت ایمن باشد او و صاحب قبر هر دو و
آمرزیده شوند و الله تعالی ملکی را فرستد که در پیش آن قبر عبادت کند و
ثوابش برای صاحب قبر نوشته شود و چون از قبر بیرون آید بر هیچ خوف و
هولی نگذرد مگر آنکه الله تعالی از او دفع کند تا آنکه داخل بهشت شود و مرویست

از پیغمبر صلی الله علیه وآله که فرمود اگر کسی بر سر اخگر آتش بنشیند و جامه [آتش]
نبوده تا آتش بپوستش رسد دوستر دارم از آنکه بر سر قبری نشیند و اما
بر سر قبور براه رفتن و پا گذاشتن قصوری ندارد و مرویست که چون [داخل]
مقبره شوید بر قبور پا بگذارید و اگر صاحب قبر مؤمن باشد راحت
یابد و اگر ظالم یابد اما ظاهر اینست که قبور اکابر و والدین و علما را رعایت
ادب باید کرد مرویست که رعایت مؤمن و حرمت او بعد از مردن مثل
ذلک او باید کرد **فصل ششم** در طریق آداب زیارت هر یک از ائمه ع [باید]
غسل کنند و در وقت غسل بگویند اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِی وَطَهِّرْ قَلْبِی وَاشْرَحْ لِی
صَدْرِی وَاَجْرِ عَلٰی قَلْبِی مَحَبَّتَکَ وَعَلٰی لِسَانِی مَدْحَکَ وَالثَّنَاءَ عَلَیْکَ
فَاِنَّهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِکَ وَقَدْ عَلِمْتُ اَنَّ قُوَّةَ دِیْنِی التَّسْلِیْمُ لِاَمْرِکَ وَالْاِتِّبَاعُ لِسُنَّةِ
نَبِیِّکَ وَالشَّهَادَةُ عَلٰی جَمِیْعِ خَلْقِکَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِیْ طَهُوْرًا وَشِفَاءً وَ
نُوْرًا اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعِیْنَ و جامهای
پاک بپوشند و عطر بکار برند و با وقار و سکینه و ذکر تسبیح و صلوة بر
ایشان متوجه شوند و اما در زیارت امام حسین ع مستحب آنست که
عطر استعمال نکنند و بندهای جامه بگشایند و از لذتها و شیرینیها اجتناب
نمایند و بهیئه مصیبت زدگان متوجه شوند و چون بر در روضات

معتقد سلت و سند اول باین طریق و بطلبند که در بر پیش در ایستاده بگوید
اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ قَدْ وَقَفْتُ عَلٰی بَابٍ بَیْتٍ مِنْ بُیُوْتِ نَبِیِّکَ وَقَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ
اَنْ لَا یَدْخُلُوْهُ اِلَّا بِاِذْنِکَ فَقُلْتَ یَا اَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا لَا تَدْخُلُوْا بُیُوْتَ
النَّبِیِّ اِلَّا اَنْ یُؤْذَنَ لَکُمْ اَللّٰهُمَّ وَاِنِّیْ اَعْتَقِدُ حُرْمَةَ نَبِیِّکَ فِیْ غَیْبَتِهِ کَمَا
اَعْتَقِدُهَا فِیْ حَضْرَتِهِ وَاَعْلَمُ اَنَّ رُسُلَکَ وَخُلَفَائَکَ اَحْیَاءٌ عِنْدَکَ
یُرْزَقُوْنَ فَرِحِیْنَ بِمَا اٰتَاهُمْ مِنْ فَضْلِکَ وَیَسْتَبْشِرُوْنَ بِالَّذِیْنَ لَمْ یَلْحَقُوْا
بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ اَلَّا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ یَحْزَنُوْنَ وَاَنَّهُمْ یَرَوْنِیْ فِیْ مَکَانِیْ وَ
یَسْمَعُوْنَ کَلَامِیْ وَیَرُدُّوْنَ عَلَیَّ سَلَامِیْ وَاَنَّکَ حَجَبْتَ عَنْ سَمْعِیْ کَلَامَهُمْ
وَسَلَامَهُمْ وَفَتَحْتَ سَمْعِیْ بِلَذِیْذِ مُنَاجَاتِهِمْ وَاِنِّیْ اَسْتَاْذِنُکَ وَاَسْتَاْذِنُ
رَسُوْلَکَ وَخُلَفَائَکَ الْمَفْرُوْضَ عَلَیَّ طَاعَتُهُمْ وَاَسْتَاْذِنُ الْمَلٰئِکَةَ الْمُوَکَّلِیْنَ
بِهٰذِهِ الْبُقْعَةِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ اَیُّهَا الْمَلٰئِکَةُ الْمُوَکَّلُوْنَ بِهٰذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِیْفِ
بِاِذْنِ اللّٰهِ وَاِذْنِ رَسُوْلِهِ وَاِذْنِ خُلَفَائِهِ اَدْخُلُ هٰذَا الْبَیْتَ فَکُوْنُوْا مَلٰئِکَةَ
اللّٰهِ اَعْوَانِیْ وَکُوْنُوْا اَنْصَارِیْ حَتّٰی اَدْخُلَ هٰذَا الْبَیْتَ اَدْعُو اللّٰهَ بِفُنُوْنِ
الدَّعَوَاتِ وَاَعْتَرِفَ لِلّٰهِ بِالْعُبُوْدِیَّةِ وَلِلنَّبِیِّ وَالْاَئِمَّةِ بِالطَّاعَةِ و در وقت
داخل شدن بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلٰی مِلَّةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ
وَآلِهِ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیْکَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ

ورسوله وانّ علیّاً ولیّ الله پس رو بضریح مقدس پشت بقبله ایستاده
زیارت کند بعد از آن نماز زیارت بگذارد و دعا و مسئلت هر قدر
خواهی بجهت خود و والدین و مؤمنین سعی نماید و در کتب مزار چنین
نقل شده که نماز در بالای سر کنارد و آمادر توقیعات صاحب الزمان
علیه السلام کسی پرسید که نماز در کجا کنادیم فرمود که پیش روی قبر
و بالای سر و پایین پا نشاید ایستاد که پیش روی امام و پهلوی او نتوان
ایستاد مکر در پشت قبر نماز کنید مرویست از حضرت امام رضا که در
زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله بگویید السّلام علیک یا
رسول الله السّلام علیک یا حبیب الله السّلام علیک یا صفوة الله
السّلام علیک یا امین الله السّلام علیک یا حجّة الله اشهد انّک قد
نصحت لامّتک وجاهدت فی سبیل الله وعبدته مخلصاً حتّی اتاک
الیقین فجزاک الله افضل ما جزی نبیّاً عن امّته اللّهمّ صلّ علی محمّد
وآل محمّد افضل ما صلّیت علی ابرهیم وآل ابرهیم انّک حمید مجید و روایت
از حضرت صادق ع که بعد از آنکه سلام کردی در بالای سر مبارک دوش
چپ بقبر مقدس داده رو بقبله کرده بگوید اشهد ان لا اله الّا الله
وحده لا شریک له واشهد انّک رسول الله وانّک محمّد بن عبد

الله واشهد انّک قد بلّغت رسالات ربّک ونصحت لامّتک وجاهدت
فی سبیل الله وعبدت الله مخلصاً حتّی اتاک الیقین بالحکمة والموعظة
الحسنة وادّیت الّذی علیک من الحقّ ورؤفت بالمؤمنین وغلظت
علی الکافرین فبلّغ الله بک افضل شرف محلّ المکرّمین الحمد لله الّذی
استنقذنا بک من الشرک والضلالة اللّهمّ فاجعل صلواتک وصلوات
ملائکتک المقرّبین وانبیائک المرسلین وعبادک الصالحین واهل
السّموات والارضین ومن سبّح لک یا ربّ العالمین من الاوّلین والآخرین
علی محمّد عبدک ورسولک ونبیّک وامینک ونجیّک وحبیبک و
صفیّک وخاصّتک وصفوتک وخیرتک من خلقک اللّهمّ واعطه
الدرجة الرفیعة وآته الوسیلة من الجنّة وابعثه مقاماً محموداً یغبطه
به الاوّلون والآخرون اللّهمّ انّک قلت ولو انّهم اذ ظلموا انفسهم جاؤک
فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توّاباً رحیماً الهی
فقد اتیت نبیّک مستغفراً تائباً من ذنوبی فصلّ علی محمّد واغفرها
یا سیّدی اتوجّه بک وباهل بیتک الی الله تعالی ربّک وربّی لیغفر لی ذنوبی
بعد از آن پناه بقبر مقدّس برده از روی خضوع واعتقاد بران و پشت کرمی
بآن پشت بقبر داده روی بقبله کرده بگوید اللّهمّ الیک الجأت امری

وبغیر نبیک اسندت ظهری وقبلتک النبی رضیتها لمحمد صلی الله علیه
وآله استقبلت بوجهی اللهم لا تبدل اسمی ولا تغیر جسمی ولا تشتد
بی غیری اصبحت وامسیت لا املک لنفسی خیرا ارجوا ولا اصرف عنها
شرا احذر الا بک وحدک لا شریک لک اللهم زدنی منک بخیر فانه
لا راد لقضائک اللهم زینی بک بالتقوی وجملنی بالعافیة واکرمنی
بالنعم وارزقنی شکر العافیة انک علی کل شیء قدیر وطلب حاجات خود
کن در این مقام که سزاوارترین اماکن باجابت این مکانست و روانه شو
بسوی منبر وببوس وبمال هردو چشم خود را بر رمانه منبر که دیگر درد چشم نمی کشی

فصل هفتم در وصایائی که پیغمبر ص بحضرت علی ع نموده از حضرت پیغمبر ص
مرویست که خدای تعالی فرموده ای آدمیزاد تو انصاف نمی آوری و شرم
نمی داری پیوسته من با تو نعمت و رحمت و شفقت و دوستی و مهربانی
میکنم و تو با من بذنوب و معاصی مخالفت و دشمنی میکنی و همیشه خیر
و رحمت من بر تو نازل میشود و شر و مخالفت تو پیش من می آید هر شب و
دو فرشته کریم از تو عمل قبیح نزد من می آورد اگر تو وصف خود را از
کسی بشنوی و ندانی که ترا میگوید هر آینه دشمن خود شوی مرا در وقت غضب
یاد کن تا من ترا در وقت غضب یاد کنم و هم از آنحضرت مرویست که منادی

از پیش عرش ندا کند که ای بنی آدم الله تعالی شما را سلام میرساند و میگوید من شما را
مشتاق خود میکنم و شما مشتاق من نمی شوید و شما را از خود میترسانم و شما
نمی ترسید و شبها را بخواب و روزها را بغفلت میگذرانید پس این راه دور
و دراز را کی طی میکنید و آنحضرت صلی الله علیه وآله بحضرت امیر المؤمنین ع
فرمود یا علی ترا چند وصیت میکنم مادام که آنرا محافظت کنی همیشه در خیر
باشی یا علی بهترین جهاد آنست که چون صبح برخیزی ظلم کسی در خاطر
نداشته باشی هرکه مردم از زبانش بترسند از اهل جهنم باشد بدترین مردمان
کسی است که از ترس و شر زبانش اکرام او کنند یا علی بدترین مردمان کسیست که
آخرت خود را بدنیا بفروشد و بدتر از او کسی که آخرت خود را بدنیای
دیگری بفروشد یا علی هرکس قبول عذر نکند خواه راست و خواه دروغ
بشفاعت من نرسد یا علی بهشت حرامست بر هر فحاش هرزه گو که از هرچه
گوید و با او گویند پروا نکند یا علی مزاح بسیار مکن که قیمت را ببرد و دروغ
مگو که نور ترا ببرد و تنها را دکر ملال و کاهلی بخود راه مده که چون ملال
یابی صبر بر حق نکنی و چون کاهل شوی ادای حق نتوانی یا علی هر گناه را توبه است
مگر بدخلقی را که صاحب خلق بد از هر گناه که بتوبه بیرون آید در گناه دیگر
افتد بلکه تو بر آن ترا دوست یا علی خدای تعالی بهشت را از خشت طلا

واز خشتی نقره آفریده ودیوارش از یاقوت وسقفش از زبرجد وریگش را
لؤلؤ وخاکش را زعفران ومشک اذفر گردانیده بعد از آن فرمود تکلم
کن لا اله الا هو الحی القیوم سعادت یافت هر که داخل من شد فرمود
بعزت وجلال من که داخل تو نشود شراب خوار وسخن چین ودیوث
واعوان ظلمه ومخنث ونباش وعشار وقاطع رحم یا علی چند کس از امت
من کافر اند بخدا سخن چین وکسی که جستجوی اسرار مردم کند و
دیوث وکسی که زنی را بحرام یا زنی محرمی را یا حیوانی را وطی کند وکسی که
در فتنه سعی کند وکسی که صلاح جنگ با اهل حرب مسلمین فروشد و
مانع زکوة ومستطیعی که حج نکرده بمیرد یا علی سه چیز از مکارم اخلاقست
در دنیا واخرت عفو کردن از کسی که بر تو ظلم کند وصله کردن با کسی که
از تو قطع کند وحلم ورزیدن با کسی که با تو ناخوشی کند یا علی نماز چند کس
مقبول نشود بنده که از صاحبش بگریزد وزنی که شوهرش را برنجاند
وازو دوری کند ومانع زکوة یا علی هر کس هفت صفت داشته باشد
حقیقت ایمان برای او کامل بود ودرهای بهشت برایش گشوده شود
وضو را پر آب سازد ونماز را در وقت با حقوق خود گزارد وزکوة
مال دهد وغضب خود را حفظ کند وخیر خواهی اهل بیت طاهر پیغ

کند

کند یا علی البته که سه طایفه دل را بمیرانند اغنیا وارذال وزنان یا علی سه چیز
از حقیقت ایمانست صدقه در وقت پریشانی وانصاف بحق وبذل علم
بمتعلم یا علی سه چیز است که هر کس نداشته باشد عملش تمام نبود ورعی که
از معاصی نگاه دارد وخلقی که با مردم مدارا کند وحلمی که جهل جاهلان را
بگرداند یا علی دو ساله برو برای برّ والدین ویکساله برای صله رحم ویک
میل بعیادت مریض ودو میل بتشییع جنازه وسه میل باجابت دعوت
وچهار میل بزیارت مؤمن وپنج میل بمدد درمانده وشش میل باعانت
مظلوم ودر استغفار تقصیر مکن یا علی چون کسی بمیرد مردم گویند چه
گذاشت وملائکه گویند که چه آورد یا علی سه چیز مورث قساوت است
شنیدن غنا وصید کردن بلهو وبدرخانه سلاطین رفتن یا علی هر کس
خلقش نیکوتر وحلمش زیادتر بود وبرّش باقربا بهتر وانصافش بیشتر
از همه کس بمن شبیه تر **فصل ششم وصایائی** که حضرت صلی الله
علیه وآله بابوذر علیه الرحمة فرمود یا اباذر وصیت مرا حفظ نمای تا
در دنیا واخرت نجات یابی خدا را چنان عبادت کن که گویا او را
می بینی واگر تو او را نمی بینی او ترا می بیند یا اباذر اهل بیت من کشتی
نوح اند هر که پناه بایشان برد نجات یافت وهر که از ایشان باز ماند

هلاک شد یا اباذر پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت دان جوانی را پیش
از پیری و صحت را پیش از بیماری و غنا را پیش از فقر و فرصت را
پیش از بی فرصتی و زندگی را پیش از مرگ یا اباذر چون کار خیری
بخاطرت رسد تاخیر مکن که نمی دانی بعد از این چه شود و اگر بعد از این
بمانی کار دیگر توان کرد و اگر نه از این کار محروم بمانی بسا کسی که روز را
بشب رساند و بفردا نرسید یا اباذر خود را غریب شمار و یا مثل
مسافر انگار و از جملهٔ مردگان بدان چون صبح برخیزی در فکر شام
مباش و چون بشام رسی خیال صباح مدار یا اباذر عمر را غنیمت شمار
و بر عمر بخیل تر از درم و دینار باش یا اباذر حقوق خدا بیش از آن
است که توان دانست و نعمتهای او بیش از آنکه توان شمرد و غیر از این
چاره نیست که صبح و شام در استغفار و توبه باشی یا اباذر مومن
از خطیئه گریزان تر باشد که صید از دام یا اباذر آدمی گناه کند و
باین سبب از روزی خود محروم شود یا اباذر کاری که نفع ندارد مکن
و حرفی که فایده ندارد مگوی و زبان را بیش از آن حفظ کن که مال را میکنی
یا اباذر جمعی در بهشت نگاه کنند و جمعی را در درجات بالاتر از خود ببینند
گویند خدایا ما و ایشان در دنیا باهم بودیم چرا ایشان را بر ما تفضیل

فرمودی

فرمودی فرماید ایشان گرسنه و تشنه می بودند و شما سیر و سیراب می بودید
ایشان عبادت میکردند و شما میخوابیدید ایشان مشقت میکشیدند
و شما راحت میکردید یا اباذر چشم من بنماز روشنست چنانکه چشم گرسنه
و تشنه بطعام و آب گرسنه و تشنه بطعام و آب سیر شوند و من
از نماز سیر نشوم یا اباذر خوشا جمعی که روز قیامت علمهای شاهی افراشته
ببهشت سبقت کنند ایشان اند که در سحرها و غیر آن بمساجد سبقت
گیرند یا اباذر دنیا زندان مومن و بهشت کافرست مومن در دنیا
نباشد مگر محزون و چون محزون نباشد که هرگز از بلا فارغ نیست و چون
از دنیا برود براحت رسد یا اباذر هیچ عبادتی مثل آن نیست که
همیشه محزون باشی اگر توانی گریه کن و اگر نتوانی دل را غمگین دار و خود را
بگریه آر که دل سخت از خدا دورست یا اباذر هر کس حسنه کند و تکیه
بران کرده از معصیت ایمن شود از بن مستوجب غضب خدا شود یا اباذر
دانا کسیست که خود را بر مشقت دارد و کار آخرت کند و نادان کسیست
که پیرو هوای نفس باشد و خود را بآرزوها فریب دهد یا اباذر
دنیا و هرچه در دنیاست ملعونست مگر آنچه برای خدا باشد یا اباذر
خدای تعالی با هر کس ارادهٔ خیر دارد در دین دانا و در دنیا زاهد

کردانند وبعیوب نفس خود بینا کند یا اباذر چون کسی را بینی که ترک دنیا
کرده سخن او را بشنو که دلش از حکمت پر است یا اباذر من دعا کردم که
خدای تعالی رزق مرا و دوستان مرا بقدر کفاف کند و اعدای ما را
مال بسیار دهد یا اباذر از دنیا بپرهیز و بیدم منما اگر از خدا میترسی و دولت را
خبر نباشد یا اباذر هرچه میکنی حتی خوردن و خوابیدن نیت
رضای خدا کن تا از آن ثواب یابی یا اباذر بهشت میخواهی آرزوی
دنیا از دل بیرون کن و همیشه منتظر مرگ باش و از خدا حیا کن گفت
ما همه از خدا حیا کنیم فرمود حیا این نیست حیا اینست که مقابر و
مرگ را فراموش نکنی و در خوردن و پوشیدن از حلال و حرام پروا
نکنی و بی پروا نباشی هر کس کرامت آخرت خواهد ترک زینت
دنیا کند چون چنین کنی از اهل دوستان خدا باشی یا اباذر اگر از زنان
بهشت در شب تاریک نگاه بر زمین کنند از نور طلعت ایشان تمام
روی زمین روشن تر از ماه شود در شب بدر و تمام اهل زمین بوی
او بشنوند و اگر جامه از جامهای بهشت را در دنیا بگشایند هیچکس
تاب دیدنش نیارد و همه بیهوش افتند یا اباذر جوانی که برای خدا
ترک لذات و شهوات دنیا کند و جوانی در طاعت بپیری رساند

اجر هفتاد و دو صدیق داشته باشد یا اباذر کسی که چون اذان نماز
بشنود و اجابت کند و مساجد را خوب عمارت کند ثوابش بهشت
باشد گفت عمارت مسجد کدامست فرمود آنکه در مسجد آواز
بلند نکنی و مشغول لغو و باطل و بیع و شرا نشوی و اگر چنین کنی
در قیامت حسرت و ندامت کشی یا اباذر تا در مسجد باشی ملائکه
بر تو صلوات فرستند و هر نفسی که کشی درجه بلند کنند و ده حسنه
نویسند و ده سیئه محو کنند یا اباذر کسی که متقی نباشد تا در اکل
و شرب و لباس تمیز حلال و حرام نکند و تا محاسبه نفس خود نکند
مثل کسی که با کمال دقت محاسبه شریک و تحویلدار خود کند یا اباذر
حق تعالی فرموده که بعزت و جلال خودم که هیچ بنده رضای مرا
برضای خود اختیار نکند مگر آنکه نفسش را غنی گردانم و قصد و
فکرش را صرف آخرت کنم و آسمان و زمین را ضامن رزقش گردانم
یا اباذر اگر آدمی از رزق خود بگریزد چنانکه از مرگ میگریزد رزقش
باو میرسد یا اباذر حق تعالی نظر بمال و جمال نکند بلکه نظر بدل
و اعمال کند یا اباذر کسی که فرج و زبان را حفظ کند داخل بهشت شود
گفت ما را بحرفی که گوئیم مگر مؤاخذه کنند فرمود مردم را سرازیر بدوزخ

نماند مگر حاصل ذنبات یا اباذر کسی که خواهد مردم در پیش او
بر سر پای ایستند جای خود را در آتش مهیا داند یا اباذر کسی که
بقدر ذرّه کبر در دلش باشد بوی بهشت نشنود تا توبه نکند یا
اباذر کسی که قادر باشد امّا از برای تواضع خدا ترک زینت
دنیا کند و خود را در پیش خدا ذلیل و حقیر کرداند و مال خود را
در غیر معصیت صرف کند و بر فقرا و مساکین ترحم نماید و با اهل
علم و دانش مخالطت کند بهترین امت من باشد خوشا کسی که
ظاهر و باطنش خوب باشد و شر خود را از مردم باز دارد و بعلم
خود عمل کند و هرچه زیاده از مؤنت عیال باشد در طاعت صرف
کند و حرف بی فایده نگوید و از حضرت امیر علیه السلم مرویست
که فرمود عجب از کسی که بندگان را بزر میخرند تا آزاد کنند چرا آزادان را
باحسان نمیخرند که بنده کنند و عجب از کسی که از ترس مرض از طعام
پرهیز کند چون از ترس عذاب و عقاب از خدا پرهیز نکند روایت
که حضرت امام جعفر علیه السلم بجمعی از شیعیان میفرمود که ای
معاشر شیعه شما زینت ما باشید و ننگ ما مباشید با مردم خوب
سلوک کنید و زبان خود نگاه دارید و از فضول کلام و قبایح

افعال

افعال احتراز نمایید و از حضرت صلعم بعبدالله بن جندب که از اصحاب آنحضرت
بود فرمود یا عبدالله ابلیس دامهای خود را برای اولیا در این دار غرور
گسترده و حال آنکه آخرت در نظر ایشان چنان جلوه کرده هیچ چیز را
بران اختیار نکنند بعد از ان فرموده آه آه بر دلهائی که از نور الهی لبریز
شده و دنیا در نظر ایشان مثل مار ارقم یا عدوی اعجم آمده بخدا انس
گرفته از اهل دنیا وحشت کرده ایشان اولیاء منند بحق و خدا بایشان
دفع هر آفتی و بلاء از اهل دنیا نماید یا ابن جندب بر هر کس که ما را
شناخته واجبست که هر روز و هر شب محاسبه نفس خود کند اگر حسنه
کرده باشد خدا را شکر کند و طلب زیادتی نماید و اگر سیئه کرده باشد
استغفار کند و در صدد تلافی آن باشد تا روز قیامت ذلیل نباشد
و خوشا بنده که چشم بر نعمت اهل دنیا و رنگینی ظاهر ایشان نداشته
باشد و بران رشک نبرد و خوشا بنده که بطلب آخرت مشغول باشد
و با آرزوی باطل دنیا از راه نرود یا ابن جندب اگر شیعیان ما براه راست
آیند و اطاعت ما کنند ملائکه با ایشان مصافحه کنند و هیچ چیز
از خدا طلب نکنند مگر عطا فرماید یا ابن جندب برای گناهکاران
شیعه بد مگویید و از خدای جهة توفیق توبه ایشان تضرع و استغفار کنید

که هر که تولا بما کند و از اعدا ما تبرا کند و اگر چیزی داند بگوید و آنچه نداند
یا بر او مشکل باشد ساکت شود از اهل جنت باشد یا ابن جندب تکیه بر
عمل مکنید که هلاک شوید و اعتماد بر رحمت نموده جرأت بر گناه مکنید که
نجات نیابید گفتم پس که نجات یابد فرمود کسی که دلش در میان خوف
و رجا مضطرب باشد رجای ثواب و خوف عقاب مثل کبوتری که در چنگل
باز نباشد یا ابن جندب هر که خواهد که خدای تعالی با حور تزویجش کند
تاج نور بر سرش نهد داخل سرور مومنان نماید یا ابن جندب شب خواب
کم کن و روز حرف کم گوی که هیچ عضو شکرش کمتر از چشم و زبان نیست
مادر سلیمان بن داود به سلیمان گفت ای فرزند خواب کم کن که هر کس خواب
بسیار کند محتاج شود در روز دیگر هر کس محتاج بعمل خویش باشد یا ابن جندب
شیطان را دامهاست که مردم را بان فریب دهد و گمراه کند از آنها
بر حذر کن و خود را در دام میندار گفت یا ابن رسول الله صلعم آنها کدام است
فرمود یکی آنکه منع بر تو احسان بمومنان دیگر که هیچ عبادتی مثل نقل
اقدام باحسان و برادران و زیارت ایشان نیست آنکه از صلوات و
فرایض غافل شوید ولی بر حجی که نمازها را فراموش کنند و در شان او
مساهله نمایند تا از اوقات خود بگذرد و حدود ارکانش ضایع شود

و دیگر

و دیگر بایات و احکام خدا استهزا کنند و از مواعظ و نصایح ما پیروا
نکنند اینانند که خدا در قرآن مجید فرموده که در آخرت ایشان را
نصیبی نباشد و با ایشان سخن نگوییم و از سیئات پاک نگردانیم و
بعذاب الیم معذب گردانم یا ابن جندب هر که با مومن غش ورزد و
تحقیرش کند و با او عداوت کند نماید ما وایش جهنم باشد و هر که بر مومن
حسد برد ایمان در دلش چون نمک در آب بگدازد یا ابن جندب هر که
برای حاجت مومن سعی کند چنانست که سعی ما بین صفا و مروه کرده
باشد و هر کس قضای حاجت مومن کند چنانست که در بدر و احد
در خون خود غلطیده باشد و خدای تعالی هیچ امتی را عذاب نکرده
مگر وقتی که بحقوق فقرا استهانت کرده اند یا ابن جندب بشیعیان
ما برسان و بگوی که خیالهای باطل مکنید و الله که ولایت ما
دست رس نباشد مگر بورع و عبادت و مواسات اخوان مومنان
و شیعه ما نیست کسی که بر مردم ظلم کند یا ابن جندب شیعیان ما را
بچند صفت توان شناخت سخا و بذل باخوان و فرایض و نوافل
شبانزدونو شیعیان ما مثل سگ زاری کنند و مثل کلاغ طامع
نباشد باخدای ما تملق و از ایشان سوال نکنند اگر چه از گرسنگی

ببینند و محافظت وقت زوال کنند و هرگز مسکن نباشند مانند گفت ایشانرا
کجا جویم فرمود در گوشها و کنارها چون داخل شهر شوی بی نام و نشانی
که از مردم کناره کرده و مردم از او کناره کرده که یا بجا و مؤمن باشد یا ابن
جندب هر گناه آمرزیده میشود مگر عقوق اهل ولایت ما و هر بری
مقبول شود مگر آنکه بر سبیل ریاست و سروری کنند یا ابن جندب
اگر خواهی در فردوس همسایه ابرهیم خلیل باشی باید مصیبات دنیا را
بر خود آسان کنی و همیشه مرگ را در نظر داری و انقدر بر دنیا بی اعتماد
باشی که برای فردا ذخیره نکنی و بدانکه از مال هرچه فرستی مال تو باشد
و هرچه بگذاری دیگران حسرت بری یا ابن جندب هر کس خود را از مال
خود محروم کند برای دیگران جمع کرده باشد و هر که پی روی هوا کند
اطاعت دشمن خود کرده باشد و هر که اعتماد بر خدا کند دنیا و آخرتش
بسامان باشد در نعمت شکور و در مشقت صبور باش نعمت ترا
موجب غفلت و بلیه موجب جزع نشود و انقدر امید برحمت دار
که بسبب اعتماد بران معصیت نکنی و انقدر نیز خوف از عقاب دار
که از رحمت نومید نشوی و زشت و ناخوش مباش که مردم از تو
دوری کنند و حقیر و دنی مباش که ذلیل و خفیف شوی با پستان

خود بدی و خصومت و با کم از خود سخریه و استهزا مکن و با مردم درکارها
منازعه منمای و مطیع سفها مباش و خود را در پیش هر کس خفیف مگردان
و در کارها تامل کن و خیر و شر آنرا تمیز نمای تا در آن در نمانی و پشیمان
نشوی طبیب نفس خود باش و خیر و شر خود بشناس و اگر بکسی احسان
کنی بکثرت ذکر و منت باطل مگردان بلکه بهتر آنان با آن ختم کن و خوبی
پیشه کن که اگر عالمی زینت باشد و اگر جاهلی پرده عیبت بود یا ابن
جندب عیسی بن مریم باصحاب خود گفت شما یکدیگر را اگر برهنه بینید جامه
از بعض عورتش کشوده آیا همه را بکشایید یا کشوده را بپوشید گفتند همه را
بپوشیم فرمود نه بلکه همه را بکشایید که عیوب یکدیگر را می بینید و نمی
پوشید تا ترک شهوات نکنید آنچه میخواهید نیابید و تا صبر بر مکاره
ننمایید بانچه میخواهید نرسید چشم از مردم و زینت ایشان بپوشید
که حاصل آن حسرت و عاقبتش ندامت است مثل مالکان نظر بعیوب مردم
نکنید بلکه مثل بندگان مشغول عیوب خود باشید مردم دو قسم اند مبتلی
و معافی بر مبتلی رحم کنید و بر عافیت شکر نمایید یا ابن جندب چون تصدق
دهی علانیه مده که مردم ترا مدح کنند و اگر چنین کنی باجر خود رسی بلکه
اگر بدست راست دهی دست چپ را خبر نباشد یا ابن جندب خیر و

شر همیشه در پیش دشت تمام خیر در بهشت است و تمام شر در دوزخ
که هر دو باقیست یا ابن جندب خدای تعالی در بعض وحیها فرموده
تمام کسی را قبول کنم که در پیش عظمت من تواضع کند و خود را برای من از
شهوات باز دارد و روز خود را بیاد من گذراند و بر خلق من تکبر نکند
و گرسنه را سیر کند و برهنه را بپوشاند و بر مصیبت رسیده رحم کند و
غریب را بنوازد و کسی که چنین باشد نورش مثل آفتاب تابان باشد
در ظلمت نورش دهم و در جهالت عقلش عطا کنم بملائکه اش بسپارم و بعزت
خود محافظتش کنم چون مرا بطلبد لبیک گویم و چون سؤال کند عطا نمایم
و چنین بنده در پیش من مثل فردوس است که میوه اش از آفات مصون
و از تغییر محفوظ است یا ابن جندب روز قیامت میان اولیا و اعدای
ما دیوانی نصب کنند محفوف بجمیع وزبرجد و مزین بدیبا و سندس چون
از طول موقف و حرارت قیامت مغز و دماغ بجوش آید و دلها بتزلزل
و جگرها پخته شود اولیا را داخل این حصار کنند و در امن و امان
باشند و هرچه آرزو کنند برای ایشان مهیا باشد و اعادی بعقوبات
عظیم و عذاب الیم گرفتار باشند و از روی حسرت گویند کجایند آنان که
ما ایشان را گمراه میدانستیم و چون اولیا بر ایشان بگذرند بر حال ایشان

خنده کنند و هر کس یکی از اولیاء مرا بکلمه اعانت کند در آن روز بی حساب
بهشت رود **فصل نهم از جمله وصایایی که حضرت امیر المؤمنین بمحمد حنفیه نموده**
بعضی گفته اند که این وصایا با امام حسن ع بوده به هر تقدیر از آنحضرت یادگار است
فرموده ای فرزند زنهار زنهار که تکیه و اعتماد بر آرزوهای باطل مکن که
آن کاذب و فریب شیطانست پس بدرستی که امانی و آمال بضایع نوکی
اند یعنی سرمایه احمقان که ایشان از انجاز خیالات باطله و آرزوهای
کاذبه شیطانی می باشند و تثبط و تعویق از آخرت که آن نیز فریب و
القاء شیطانست چنانچه وسوسه می نماید که توبه تا آخر عمر می باشد و
نمی داند که ممکن است همین دم عمر باشد و فرموده که بهترین حظ و نصیب
مرد قرین و مصاحب و همنشین صالحست که مزین و خوشنما گرداند
در نظرها اعمال صالحه را و قبیح و زشت و ناگوار سازد شهوات و لذات
دنیویه را و بهترین و فاضلترین قرین و مصاحب آدمی را دل بیناست
که بهدایت و ارشاد او از ظلمات شقاوت بدار السلام سعادت میرسند
ای فرزند بر تو غالب نشود بدگمانی بخدای عز و جل نظر بخلایق هرگاه ببینی
از ایشان مخالفتی را امر و نواهی الهی پس بدرستی که آن نخواهد گذاشت
میان تو و میان دوست تو راه مصالحه و آشتی از آنجهة که تو گمان میکنی

که ایشان بواسطهٔ این مخالفت معاقب خواهند بود پس راه صلح را بسته
باشی با آنکه در اعمال قبیحهٔ خود امید آن داری که حق تعالی عفو و مغفرت
نماید پس چرا برای برادر دینی خود بجز این فحص بد نمائی با آنکه این سوء ظن
بخدای کریم ترا نمی بخشد قنوط و نومیدی از رحمت خداست که از جملهٔ کبایر
است پس میان تو و حق تعالی راه صلح بسته شده باشد و منور و فروزان
کردن بادب با حق تعالی دل خود را و مداومت ذکر و یاد خداست دل آدمی
و مراعات حیا از جانب اقدس کبریا که از ترک ذکر و یاد خدا دل آدمی
تیره و تار و آینه قلب در حجاب زنگار می ماند تا آنکه بموت معنوی
بمیرد و یا مراد با سبب عبادات بجوارح و اذکار بلسان باشد که باعث تنویر
دل و تصفیه باطن میگردد چنانچه هیزم مشتعل و افروخته می سازد
آتش را نیکو یاری دهنده و معاونیست ادب در معرفت و زهد و صلاح و تجربه از
برای صاحبان عقول کامله و ارباب فلاح و باید که مشورت با ارباب
عقول و اصحاب تجارب کنی در هر امری چه حق تعالی به پیغمبر خود فرمود که
شاوِرْهُم فی الامْر یا تفکر و تدبر یعنی در آراء علماء ربانی و ارباب معارف
سبحانی نموده اختیار کن آنچه را که اقرب بحق و صواب و ابعد از شك
و ارتیاب باشد ای پسر من هیچ شرف و منزلتی بالاتر از اسلام نیست و هیچ

کم

کرم یعنی کمال و بزرگی اعز و انفس تر از تقوی نیست که اِنَّ اَکرَمَکُم عِندَ اللهِ اَتقاکُم
و هیچ معقل یعنی حصن و حصاری نگاه دارنده تر از ورع و پرهیزکاری
نیست و هر که احتراز کند از شبهات البته نجات یابد از محرمات و مهلکات
و هیچ شفیعی انجح و اوصل بمطلوب نیست یعنی نجات و خلاص از عذاب
و عقاب از توبه و هیچ لباسی خوش نما تر از عافیت نیست از امراض و اسقام
که اگر لباس نو و نازك باشد و در تن درستی و عافیت نباشد بچه کار آید
و هیچ وقایه یعنی نگاه دارنده نیست از آتش دوزخ که مانع تر از سلامت
در دین باشد از جهة آنکه سلامت در دین حافظ و مانع از عذاب دنیا
و آخرتست و هیچ کنجی غنی کننده تر از قناعت نیست که هر که قانع شد از
خلایق مستغنی و بی نیاز گردید و هیچ مالی برطرف کننده تر نیست
فقر و فاقه را از رضای بقوت لایموت که هر کس بدادهٔ خدا راضی شد
بقوت لایموت قناعت نمود غنی شد بی مال دنیا و اگر راضی نباشد
حریص خواهد بود و تمام اموال دنیا دفع حرص او نکند و کسی که اقتصار
کند و بسازد با اندك چیزی که وفا بمعاش ضروری کند پس بتحقیق که
منتظم خواهد بود بسلسله راحت و استراحت و از جمیع آلام و غموم
و هموم و ساکن باشد مسکن سعت عیش و راحت را و حرص داعی و

کننده بسوی تقحم و تهجم در مهالک لجه و نیت دزد نوب از آنکه حریص قانع
باندک نمی شود و مال دنیا را البته بحرام منجر میشود و حریص بصفات ذمیمه
متصف میگردد مثل بخل و امساک و بیمروتی و غیر آنها بینداز و از خود
دور کن ارادت هموم را یعنی وساوس شیطانی و خیالات فضول
یا مصایب و نوایب که باعث هم و غم میگردد بتوصل و تشبث بعزایم صبر
و شکیبائی پس بهترین خلقها صبر است که همه را اخلاق حسنه نتیجهٔ صبر است
پس صبر و شکیبائی را سپر حمایت خود ساز از امور هولناک دنیا و هموم که
ملازم آنست بدرستی که فوز و نجات سپر حمایت و نگاه دارنده از آسیب
فقر و فاقه است و در همهٔ امور و جمیع ابواب ملتجی و متوسل شو و پناه
ببر بخدای یگانه و تنها بلذروی اخلاص و مسئلت نمای که بدست اوست خیر
و شر و بخشش و منع و رسانیدن و محروم ساختن و باز آنحضرت میفرماید
ای پسر من رزق بر دو قسم است رزقی هست که تو آنرا میطلبی و آن زیاده
از قدر کفاف و ضرورت است و رزق دیگر که او ترا میطلبد که آن قدر ضرورت
یا زیاده اگر مصلحت واقعی تو در آن و تو بسوی آن نروی او بجانب تو
می آید پس تحمیل مکن و اضافه منما هم و غم روزی یکساله خود را بر هم و غم
رزق یکروزه چه کافیست ترا رزق یکروزه ترا آنچه در آن روز باشد

پس اگر

پس اگر خدای تعالی مقدر کرده باشد که ترا تا یکسال دیگر پس بتو
میرساند و هر روزی بقدر روزی تو از آنچیزی که قسمت تو کرده است در
ازل و اگر عمر تو بیکسال نخواهد رسید پس چه میکنی با غم و اندوه چیزی را
که از تو نخواهد بود و بمیراث خواران که اکثر اعدا اند خواهد رسید
چنانچه حق تعالی میفرماید اِنَّ مِنْ اَمْوالِکُمْ وَاَوْلادِکُمْ عَدُوًّا لَکُمْ و
بدان بدرستی که پیش دستی و سبقت نمی تواند گرفت بر رزق مقدر
تو هیچ طلب کننده و خواهنده و غالب نمیتواند شد بر روزی مقسوم تو
هیچ غالبی و پنهان نمی شود از تو آنچیزی که مقدر شده است از برای تو
پس آیا چند دیده باشی طالب و ساعی که در طلب مال دنیا نفس خود را
در معرض تعب و مشقت در آورده اند و روزی را بر خود تنگ گرفته
اند و پیوسته بعسرت و تنگی معاش گذرانیده اند خواه از رسیدن بآن
محروم باشند و خواه ببخل و امساک بر خود تنگ گرفته باشند و بسیار
دیده جماعتی را که اقتصاد و میانه روی کرده بودند در وادی طلب و حال
آنکه مساعدت و همراهی کرده بود با ایشان مقادیر الهی و بقسمت و افزونی
نعمت متکاثره رسیده اند و همه مقرون بصفا و نیستی و زوال اندام روز
از دست و برسیدن فردا یقین نداری و بسیار کسی که روزی در پیش دارد و پایان

نرسد یا در همان روز برود و از عزرا رفته بیند و بسیار کسی که در اول
شب مغبوط و محسود عالمیان باشد بوقوع نعم بی پایان و در آخر شب
بواسطهٔ حدوث حادثه و نزول نایبه یا زوال از نعمتها که بر کنندگان
آن برخیزند پس مغرور دنیا نشود و فریب نخورد تا از یاد خدای بزرگ
انکه حق تعالی ترا مهلت داده و مدت نعمت و ثروت و دولت و فراغت
دراز کرده و موارد نعمت که عبادت از اسباب زوال دولت و نعمت
است در رابطه تقویت و تسویل انداخته که گاه باشد که از مهلت و تعویق
آن با استدراج باشد پس اگر اکنون از فوت مراد میترسید هر اینه بتعجیل
بعقوبت پیش از موت ای پسر من قبول کن و بسمع رضا اصغا نما مواعظ
و نصایح حکمای الهیین را و تدبر و تفکر نما در احکام ایشان از اوامر
و نواهی و علوم و معارف نامتناهی و باش از گزیده ترین مردمان آنها
که مامورند به آن و باز گرفته ترین ایشان خود را از انچه نهی کرده شده
از ان و امر بمعروف را شعار خود ساز تا از اهل آن باشی که بر دستی مهمترین همه
امور نزد الله تعالی امر بمعروف و نهی از منکر است از انکه باعث استکمال غیر
میشود و تا کسی از تکمیل خود نپرداخته باشد بکامل ساختن دیگران نتواند
پرداخت پس از این جهت منتهای کمالات باشد و باید که احسان و نیکوئی کنی

باهمه

با همه مردمان چنانچه دوست میداری که احسان و نیکوئی کنند با تو
و راضی باش از برای مردمان آنچه را که راضی باشی و بپسندی از برای نفس خود
و قبیح و منکر دان از برای نفس خود آنچه را که قبیح و منکر میدانی از غیر خود
و نیکو گردان با همه مردمان خلق خود را یعنی شکفته روئی و حسن خلق
پیشه کن تا هرگاه غایب و دور شوی از نظر مردمان میل کنند بطرف
تو و مشتاق ملاقات و حضور تو باشند و اگر وفات یابی جزع کنند در فوت
تو و کلمهٔ استرجاع بر زبان رانند و طلب رحمت و مغفرت و آمرزش
تو کنند و از انجماعت مباش که در وقت فوت ایشان مردم گویند
الحمد لله رب العالمین که از و خلاص شدیم آنچنان زی که بمیری برهی
نه چنان زی که بمیری برهند بدان برادر که مقدم عقل بعد از ایمان
یعنی معرفت حق تعالی مدارات یعنی سازکاری و رفق و ملایمت با
خلق است یا تقیه در دین با ارباب عناد و مخالفین نیست خیر
و نیکوئی در انکسی که معاشرت نکند بمعروف بعض امور حسنه مباحه
از انکس که ناچار است از معاشرت او تا انکه حضرت واهب العطایا
راه نجات و خلاص از صحبت او کرامت فرماید از انجهة که من یافته ام
همه اینها را که مدار تعیش مردمان برانست و بپیمان با یکدیگر

معاشرت بیمار بری کردو ثلثان استحسانست یعنی افعال و اقوال مردمان را
تا ممکن و مقدور باشد بر محل صحیح حمل می باید کرد و جهت حسن و خوبی
بران قرار می باید داد و این دو حصه است وانچه جهت حسن و نیکی
نداشته باشد بتغافل باید گذرانید و این یک حصه است یا همه را بتقیه
گذرانید اگر محل خوف باشد و اگر محل خوف نباشد مداهنه است و آن حرام
باشد بدلیل وجوب امر بمعروف و نهی از منکر و خلق نکرده الله تعالی
چیزی بهتر از سخن و خلق نکرده است چیزی بدتر از سخن از انجهت که
بسخن نیک سفید میشود رویهای مردم و بسخن بد سیاه میشود رویهای
مردم و بدان که سخن در وثاق و حجره تست مادام که متکلم با آن نشده و
بر زبان نیاورده پس هرگاه متکلم بآن شدی و بر زبان آوردی میگردی تو
در وثاق و حجره او پس مخزون ساز و محافظت و نگاه داری کن زبان خود را
همچنانکه مخزون میسازی طلا و نقره خود را و محافظت سخن باید که نمائی
که سخن بر مثال سنگ کننده است که اگر او را رها کنی بکند و بسا سخنی که
بسبب آن نعمتی و دولتی و راحتی مسلوب و بر طرف گردد و کسی که رها
کند و واگذارد نفس خود را بی لجام تقوی و زجر و ورع و عنان اختیار خود
بدست هوا و هوس دهد بی اختیار او را نفس سرکش بکشاند و بجانب

هر مکروه

هر مکروه و شنیع و امور فضیحه قبیحه که ترک و اجتناب از آن واجب و لازم باشد
و ارتکاب بآن موجب وبال و نکال دنیا و آخرت یا بمصایب و نوایب پیش
خلاصی نباشد او را در همه عمر تا آنکه گرفتار شود بغضب و سخط خدا و مذمت
مردمان و بتحقیق که نفس خود را در خطر و بیم دارد کسی که مستغنی و مستبد
برای خود باشد یعنی بمشورت با عقلا در امور کلیه شروع نماید و کسی که
پیش برود با رای عقلا و میشناسد و درمی یابد مواقع خطا و این کنایه
از آنست که در مشورت وجوه نفع و ضرر هر امری ظاهر میگردد و قبل از شروع
کنند در کارهای بزرگ بی آنکه اندیشه در عواقب و خاتمه آنها کرده باشد
بتحقیق که متعرض شده خواهد بود مفظعات نوایب را یعنی مصایب
مفضحه را و تدبیر در عواقب امور پیش از شروع در آن ایمن میگرداند
از پشیمانی و عاقل آنست که واعظ و ناصح او تجربهای روزگار باشد و از احوال
مردمان تجربها حاصل نماید و در تجربه علمیست تازه از نو بهم میرسد و از تقلب
احوال و برگردیدن روزگار یعنی در ایام محن و مصایب دانسته و شناخته
میشود جوهر ذات مردمان که پایه ایشان در مصابرت و شکیبائی و ثبات
و وقار چه قدر و مرتبه دارند و روزگار رها نه میکند و ظاهر میکند برای تو
پرده اسرار پوشیده را یعنی بمرور ایام و تجربه روزگار حقیقت حال هر کس و

هر کار بمنصّهٔ ظهور میرسد پس بفهم و یاد دار این وصیت مرا و فراموش
مکن و اغراض متمادی از آن بدرستی بهترین سخن آنست که نافع باشد در دنیا
و دین والله موفّق و معیّن و بدان ای پسر من که بدرستی که ناچار است
ترا طلب آخرت بر وجه نیکو در مجاهدهٔ طاعات و عبادات و تهیّهٔ
توشهٔ آخرت بقدر آنچه کافی و بس باشد ترا از آنکه سفر آخرت را
نهایتی نمی باشد پس در اذّخار زاد و توشهٔ آن سفر بقدر آنچه جهد
و سعی بلیغ توانی نمای که الله تعالی فرموده که انّ خیر الزاد التقوی با
سبکبار باش از گناهان و بر خود بار مکن اینچنین بار که زیاده از طاقت و
امانهٔ تو باشد که آن بر تو بار خواهد بود در هنگام برانگیختن و محشور
شدن در قیامت و بدترین توشه در آخرت تعدّی و زیادتی کردن است
بر بندگان خدا و بدان که در روی تو از وقت وفات تا رسیدن بمحشر
و عرصات قیامت و دخول بهشت یا دوزخ و درکات مهالک یعنی
محال هولناک از دخول قبر و سؤال منکر و نکیر و فشار قبر و سؤال دوم
که فتّان قبور است و کتابت آنچه کردهٔ از خیر و شر در دار دنیا
قطع نظر از شدّت موت که در حدیث واقع است که بمنزلهٔ است
که گوسفندی را زنده پوست کنند و مها و بعضی اهوال روز قیامت

که از روز را دو بیست نامست در قرآن و حدیث و هر نامی دلالت میکند
بر هولی از اهوال و حسرتها کشیده شده بر روی جهنم و ممکن است که
هر صنفی را پلی باشد و یا باعتبار احوال هر کس از جواز و مرور و سرعت
و بطؤ و صعود و هبوط باشد و ناچار است ترا از این که بوده بزیر باید
آمد بعد از بالا رفتن پس بدرستی که مهبط تو یعنی جائی که بر آن
فرود می آئی یا بهشت است یا دوزخ پس اختیار نمای پیش از فرود
آمدن بآن مقام و آماده کن از برای خود راه بهشت را بآنکه آن مکان
تو بهشت باشد نه دوزخ و چون یافتی در دنیا کسی را از اهل احتیاج
که حمل توشه و ذخیره تو نماید برای آخرت و فردا که محتاج باشی
بتو رساند پس غنیمت دان و حمل کن و زیاده کن در ذخیره کردن
در اینحال که قادری بر آن زود و افتخار که بسا باشد که بطلبی در رای
آخرت و جزاء چیزی نیابی از آنچه خواهی و بر تو باد ای فرزند که اعتماد
نکنی بر آنکه تصدق داده و حمل کرده زاد و توشهٔ آخرت خود را بر کسی که
ورع و پرهیزکاری و امانت و دیانت نداشته باشد پس خواهد مثل
تو مثل تشنه که در بیابان سرابی بیند و گمان آب کرده بشتابد تا
نزدیک آن رسد هیچ نبیند پس تو نیز او را در قیامت نخواهی دید

که اوبین بحال خود کرفتار است پس بود در قیامت از وجدا خواهی ماند
ای او زنندمن بغی وظلم کردن بر مردمان کشاننده است انکس را بهلاکت
دینی و دنیوی ومنجر میشود بموت صوری ومعنوی هلاك وضایع
میکردد مردیکه قدر ومنزلت خود را بداند چه در انوقت کاری
نخواهد کرد که منافی دنیا واخرت او باشد وکسی که نگاه دارد شهوت
خود را ومنع وزجر قوای شهوی وغضبی کند محافظت کرده خواهد بود
قدر ومنزلت خود را کر متابعت شهوات وارزوها موجب تضییع قدر
ومنزلت آدمی میشود در دنیا واخرت قیمت واعتبار هر کس بانچیزیست
که نیکو داند وبعمل آورد انرا یعنی زیادتی علم وعمل بمقتضای آن کما وکیفا
وچون شرف علوم بشرف موضوعات انست شك نیست که علم توحید
ومعرفة الله اعظم قدرا واشرف موضوعا است از سایر علوم وشاید که
تعلم بعضی از علوم مضرتان بیش از منفعتش باشد که اگر مقصد او از علم
فقه تحصیل مناصب واعتبارات دنیوی باشد پس قیمت او بچیزی
خواهد بود که از دنیا او را حاصل شده باشد واز اخرت او را نصیبی نخواهد
بود مگر حسرت وندامت کما قال الله تعالی مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ
فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ

وبنظر

وبنظر اعتبار در حال دنیا واهل دنیا نگاه کردن وعبرت کرفتن از تقلبات
احوال وفنا وزوال هر یك یا انکه تامل وتدبر در کیفیت ایجاد عالم وملاحظه
مصالح وحکم که در هر جزئی از جزئیات منطوی ومندرجست واز انجا استدلال
بعظمت وقدرت صانع وموجدان که واحد حقیقی است میتوان کرد
ودلیل هدایت واستعداد میکردد وشریفترین وبهترین غنی آنست
که ترك آرزو وآرزومندی کنید وخود را راضی بخورسندی کنید چه فقر یعنی
احتیاج است هرگاه ترك مطالب وآرزوهای دنیوی کردی مستغنی وبی
نیاز از همه چیز می کردی وبغیر خدا هیچکس محتاج نخواهی بود از آن
جهت که معنی فقر احتیاج وحریص که پیوسته در طلب وارزوی دنیا است
اکرچه مالدار وصاحب ثروت باشد همیشه فقیر ومحتاجترین اهل دنیاست
وفقر وحاجت او را نهایتی نیست ومحبت ودوستی واحسان بیکانکانرا
بمنزله خویشان نزدیك میرساند از جهت مودت را قرابت مستفاده
یعنی مکتسب فرموده اند واین بهترین قرابتهاست از انکه در اغلب
اوقات اقارب کالعقارب می باشند ودوستان حقیقی که مودت
ومحبت صادق بسبب اعطاء علم یا مال داشته باشند از برادر و
اقوام که مهربان نباشند بمراتب بهتر اند ویکی از معارف ربانی بسید

که یار یعنی یا برادر گفت برادر وقتی که یار باشد و همانا از آنحضرت میفرماید
که دوست تو در حقیقت برادر پدر مادری تست و نیست چنین که
هر برادر پدر مادری تو دوست تو باشد از مفهوم مخالف چنین
ظاهر میشود که بسا باشد که برادر پدر مادری تو دشمن تو باشد
و نیز بسا مردم که دشمن دوست خود را دوست گیرد یعنی در حقیقت
دشمنی با دوست خود کردنست چنانچه حق تعالی میفرماید یا ایها
الذین امنوا لا تتخذوا عدوی وعدوکم اولیاء تلقون الیهم بالمودة
و امثال این آیات و روایات بسیار است و بسیار کسی باشد دور از تو
بجهة بعد و دوری مسافت یا بسبب عدم نسبت خویشی و قرابت و حال
آنکه بتو نزدیکتر باشد از همه نزدیکان بسبب قرب روحانی و تناسب
جانی و کسی که با تو وصل و ملایمت و ملاطفت و نزدیکی نماید اگر محروم
المال و پریشان باشد بهتر است از صاحب ثروت و مکنت جفا
کنند و موعظه و نصیحت پناه حرز و حصن منیع است از عذاب خدا
در دنیا و عقبی از برای کسی که کوشش کند و نگاه دارد و عمل بآن نماید
و کسی که منت گذارد بسبب احسان خود بر مستحق فاسد و باطل میسازد
احسان خود را و کسی که خلق خود را بد کرده باشد یعنی تهذیب اخلاق

وتزکیه

و تزکیه خصال خود ننموده در اصلاح حال خود نکوشیده و صفات حمیده
چون حلم و تواضع و امثال آن شعار خود نساخته باشد عذاب بخود میکند
بدست خود و دایم مبتلای هم و غم و کدورت و الم است از آنکه او ایذا و آزار
مردم میکند از بدخوئی و مردم انکار و اهانت او میکنند بنصیحت و دلجوئی
بامکافات و تلافی و در اغلب اوقات این علت از عجب و تکبر که عین حماقت
است میباشد و همچنین کسی بدشمنی اولی است از دوستی و نیست اعتماد
هرگاه وثوق و اعتماد و تصدیق و اعتقاد بکسی که دید در دین و دیانت
و محبت و صداقت تا ترا یقین حاصل نگردد بمحض ظن و گمان بر زوال
این خصال حکم کردن و اندیشه بد و باطل در حق برادران مؤمن کردن
که حق تعالی فرموده ان الظن لا یغنی من الحق شیئا و ان بعض الظن اثم
و چه قبیح است اشر یعنی نشاط و طغیان نزد بطر یعنی وفور نعم الهی و عطایای
غیر متناهی که از مبدأ فیاض میرسد و از نتیجه او را بطر فرموده که در اغلب اوقات
متلاو نماند بلکه واجب است که شکر نعم الهی با احسان با مستحقان و تواضع
با مؤمنان بجای آورد و در بعضی نسخ بجای بطر ظفر نوشته شده یعنی
قبیح است در حالتی که بر دشمن ظفر یابی نشاط و شماتت کنی بلکه شکرانه
آن احسان و نیکوئی کنی و در حدیث آمده شده که هرگاه قدرت

یا فتی بر دشمن مُسامحه کن وچه قبیح است غم واندوه در حالت نایبه
مُعضله یعنی مصیبت شدیده ازانجهت که این غم واندوه مصیبت دیگر میشود
واضافه علت میگردد بلکه در الحال الحمد لله رب العالمین علی کل حال توکل
باید نمود وصبر وشکیبائی شعار خود باید ساخت تا حضرت مفرج الکروب
بتفضل وعنایت خود دفع ازغم واندوه بنماید واگر قبل از نزول بلیه
آثار وعلامت آن ظاهر شد بدعا وتضرع واستغاثه وتصدقات وتوسل
باید نمود بخدا تا شاید ارحم الراحمین بعز اجابت مقرون سازد واگر بعد
از نزول بلا رضا بقضا باید داد وپیش از بلا هم چاره نیست درین مسئله
الا تسلیم آنچه قضای الهی است خیر وخوبی در آنست وترا دیده حقی
ظاهر بینی نیست مصلحتها است در آن پرده مگر او میداند وچه قبیح است
قساوت ودرشتی بکسی که بتو پناه آورده وطفیل تو شده باشد یا کسی که
همسایه باشد در منزل وخانه ازانجهت که حقوق همسایه بسیار واحادیث
درین باب بیشمار وبعضی از آن احادیث سابقا در محل خود ذکر نمودیم
وچه قبیح است مخالفت ومنازعت با مصاحب ویار بلکه باید که
شرایط موافقت ومرافقت بعمل آوری واگرچه مخالف طبع ونفس او باشد
وچه قبیح است خبث وغیبت یا مطلق قبایح وخبایث باخبث بجا معلم

چنانچه در بعضی نسخ است یعنی مخالفت سو کند یا مطلق گناه از صاحبان
مروت یعنی عدول زمان وچه قبیح است عذر وبیوفائی ومکر ونقض عهد
از سلطان وحاکم ازانجهت که باعث ذهاب وبرطرف شدن قدر وقیمت
ورتبت ومهابت او می شود نزد عالمیان وکفران نعمت خواه از خدا خواه
از غیر باشد در محل آفت است که زوال نعمت باشد شکر نعمت نعمتت افزون
کند کفر نعمت از کفت بیرون کند ومجالست وهمنشینی با احمق جاهل
شوم است زانکه در اغلب اوقات فساد آن سرایت میکند وناشناس حق
کسی را که او بشناسد حق ترا یعنی نیکوئی واحسان کند خواه از طرف بزرگ
ومرتبه شریف ورفیع باشد یا پست مرتبه وزیردست چون عالم ومتعلم
ومالک ومملوک وسلطان ورعیت وکسی که ترک اقتصاد ومیانه روی
کند در نفقه کردن ومعاش یا در امور معاشرت با خلایق جور کرده
خواهد بود با خود وبا مردمان وکسی که تعدی وتجاوز کند از حق وراستی
تنگ میشود مذهب او یعنی راه سلوک را بر خود تنگ ودشوار میسازد
وعنقریب که بکجا میرود وچه میکند وعاقبت کار او بچه می انجامد وچون
کسی که در بادیه راه گم کرده هدایت نمی یابد تا بر نگردد براه راست وبسا مریض
مزمن باشد یعنی بیماری که زمان بسیار بر بیماری او گذشته باشد وتفضل

رحیم حکیم علی الاطلاق نجات وشفا یابد وبسا صحیح تن درست که ناگاه
بمیرد پس بصحت وتن درستی وقوة مزاج وجوانی مغرور وفریفته
نباید شد واز طول مرض وضعف وپیری نومید نباید بود ومحتملست که
استعاره بمرض وصحت معنوی باشد یعنی بسیار باشد که کسی همه عمر را
بفسق وضلالت کذرانیده وخاتمت اعمال او بر نیکوئی وعاقبت بخیر
شود وبسبب توبه واستغفار یا فعل خیری که از وصادر کردد وکاه باشد
که کسی تمام اوقات حیات را بطاعت وعبادت مصروف داشته
باشد ودر آخر کاری کند که مستحق عذاب کردد چنانچه حضرت صادق
علیه السلم میفرماید که داخل میشوند دو کس بمسجد یکی عابد ویکی فاسق
پس چون از مسجد بیرون می آیند فاسق صدیق ناجی رستکار
وعابد فاسق مردود بدکردار از آنجهت که عابد چون داخل مسجد میشود
بعبادت خود مغرور ومعجب وهمه فکر واندیشه او آنست واینمعنی
باعث ذلت ولغزش او میشود وفاسق در فکر ندامت وپشیمانی بر
فسق خود پس توبه وبازکشت بدرکاه حضرت غافر الذنوب نموده
داخل دوستان حق میکردد وبتحقیق که می باشد یاس ونومیدی از عفو
باعث دریافت مقاصد ووصول مطالب از آنجهت که هرکاه از همه

خلایق

خلایق مأیوس شد بجناب خالق عز اسمه التجا وتوسل مینماید وحضرت
قاضی الحاجات بلطف وکرم او را بمطلوب ومقصود خود فایز کرده و
واصل میکرداند واین یأس از خلایق نیز بی تفضل الهی حاصل نمیتواند
شد وتوقع از خلایق واحتیاج بدیشان موجب هلاک دین ودنیاست
وطمع وتوقع از الطاف الهی ورحمت لاتناهی محمود وممدوحست که
حق تعالی فرموده وَلَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللهِ وَلَا تَيْأَسُوا مِن رَّوْحِ اللهِ
وانجا که فرموده ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ وآنحضرت فرموده که استرضا
کن کسی را که بترسی از عتاب وقهر او خواه ترس از خدا باشد وخواه
از خلایق والبته باید که شبی بر تو نکذرد که با غدر وبیوفائی بدترین
شعار مسلمانانست کسی که غدر وبیوفائی کند چه لایق وسزاوار آنست
که وفا کرده نشود باو وکسی که فساد در معاش یعنی اسراف وتبذیر فنا
ونابود میکرداند مال بسیار را واقتصاد ومیانه روی در معاش
نمو میدهد وزیاده میکرداند مال اندک را واز کرم ومروتست
وفا کردن بآنچه بر ذمت کسی لازم باشد خواه از عهود وخواه از اموال
اعم از آنکه این ذمت از خدا باشد یا از خلق وکسی که کرم وسخاوت
پیشه کند سیادت وبزرگی می یابد وکسی که تفهم وتدبر در تعلم علوم کند

علم او زیاده منکر دد و نصیحت برادر خود را محض و خالص گردان
از شوب اعراض دنیوی یا چون مشورت کند با تو در امری انچه محض
صلاح واقعی او بوده باشد اظهار کن نه انکه رعایت مصلحت خود نمائی
و مساعدت و یاری و همراهی او کنی در همه احوال بدست و زبان و مال
خواه در حضور و غیبت و خود در فقر و ثروت و مادام که ترا متحمل
معصیت خدای تعالی نسازد بکردن با او بهر وجه که بکردد قطع و جدائی
مکن از برادر خود بگمان و شکی که از و بخاطرت رسد و دوری منما
از وی انکه تفتیش و تحقیق کرده باشی شاید که او را عذری معقول
بوده باشد و ترا ملامت کند و قبول کن از کسی که منکر گناه خود باشد
عذر او را اگرچه ظن کذب باشد در معذرت او داشته باشی که بشفاعت
پیغمبر صلعم میرسی و در می یابی در روز قیامت و قبول عذر تو میشود هرچند
معذور نباشی و گرامی دار و اکرام کن ابنائی را که باستظهار و اعتماد بر ایشان
بر اعدا حمله میکنی و زیاده ساز از برای ایشان بر طول صحبت نیکوئی
و احسان یعنی هرچند مدت صحبت متمادی گردد باید که در رعایت
جانب و احسان و تکریم و تعظیم ایشان بیفزائی که نیست سزاوار و حرا
انکه باعث عظم و بزرگی شان و رفعت مکان تو گردد اینکه وضع کنی

دوو

و فروگذاری قدر و منزلت او را و نیست جزای کسی که ترا مسرور و خوشحال
گرداند اینکه اسائت و بدی نسبت باو بعمل آوری که هل جزاء الاحسان
الا الاحسان و نیکوئی کن بیشتر بقدر استطاعت خود بهم نشین
و جلیس خود تا که هرگاه خواهی توجه بینی رشد و خیر و خوبی او را
و کسی که حاشا و حیا باشد یعنی همیشه بحیا و آزرم باشد پوشیده
می شود از چشمها عیب او یعنی کسی دیگر متوجه عیوب او نمی شود
و کسی که میانه رو باشد در معاش امور و سعی نماید باین معاش
خفیف سبک و آسان میشود اسباب معیشت بر و چنانچه
حضرت رسول صلعم فرموده ما عال امرؤ فی اقتصاد یعنی پریشان
یا درمانده نمیشود مرد در میانه روی و کسی که پیروی هوای نفس نماید
و خواهشهای نفس را منع نماید خواهد رسید بر شر و خیر خود
و با هر تنگی و سختی فراخی و آسانی می باشد چنانچه حق تعالی میفرماید
فان مع العسر یسرا و با هر نعمه احتمال کلفتی هست یعنی با هر
لذتی از لذات دنیوی بلاهای بسیار و آفتهای بیشمار هست نمی
رسی بهیچ نعمتی مگر بعد از تعب و مشقت و اینها و آنها را کسب
و سعی و جهد در تحصیل آن و نرمی و ملایمت کن با کسی که با تو بخشم

باشد تا مطلوب خود ظفر یابی چنانچه گفته‌اند نوعی علاج خصم بد
اندیش میکنند دندان ما را نمی‌توان کشید. و ساعاتی که بر
آدمی میگذرد و در آن ساعت مهموم و محزون و مکدّر و دلگیر
می باشد بی آنکه سبب ظاهری داشته باشد ساعات کفارات
یعنی کفاره گناهان اوست تا بسبب آن هم و اندوه گناهان از و محو
گردد چه حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده ما یزال الهمّ والغمّ
بالمؤمن حتی ما یدع له ذنبا یعنی همیشه هم و غم با مؤمن است تا واگذارد
از برای او گناهی را و هر ساعتی را که بر آدمی میگذرد و قدری از عمر او
کم و فانی میگردد چه عمر موزّع و منقسم بر سنین و شهور و ایام و
ساعات اوست و هر یک از ساعات میگذرد بقدر آن از عمر
فانی میگردد و حال آنکه عزیز است که ساعتی از عمر او باقی مانده
یا نه پس وقت و حال را غنیمت داند و آنرا ضایع نگذارد و خیر و
نیکوئی نیست در لذتی که بعد از و جهنم باشد مثل لذت مباشرت
زنا که کمتر از نصف ساعت باشد و عذابی که بر آن مترتب میشود حد
و نهایت ندارد و در بعضی روایات بسیصد هزار سال تصریح شده
نعوذ بالله من ذلک پس از آن لذت در جنب این همه عذاب چه خوبی

و چه لذت دارد و نیست هیچ مالی یا چیزی که تو قسم خیری و خوبی بدان
کرده باشد خوب و نیکو در حالتی که آخر آن باعث عذاب باشد و هیچ شر و بدی
نیست در حالتی که باعث وصول بجنت باشد یعنی مشقت طاعات و
زحمت صبر بر ترک منهیات را بد نمیتوان گفت و هر نعمتی و راحتی از نعیم
بهشت باقی حقیر و اندکست از آنکه نعمتهای دنیا فانی و زایل است و هر بلا
و مشقتی در برابر آتش دوزخ عافیت و راحت است از دوزخیان پرس که
اعراف بهشتست و ضایع مکن حق برادر و دوست خود را بنا بر تکیه
و اعتماد بر صداقت و دوستی که میان تو و او باشد از آنکه کسی که حق
برادر خود را ضایع کند در حقیقت و نفس الامر برادر و دوست واقعی
تو نخواهد بود و باید که نباشد برادر و دوست تو در قطیعت و بریدن
قوی‌تر از تو بر صلت و اتحاد یعنی هر چند برادر و دوست اراده انقطاع
و دوری کند تو در مقابل آن سعی در اتصال و اتحاد و نزدیکی کن که او در
این باب از تو قوی نخواهد بود و رشته محبت و صداقت منقطع نخواهد
شد و همچنین اگر اراده بدی و دشمنی تو بخاطر آورد قوی‌تر از تو نخواهد بود
در حالتی که تو بر او احسان و نیکی کنی یعنی هر چند او خلاف مقتضای قضا
و قدر سیما بر نفس خود از آنچه که از حکیم مطلق صادر میشود مکن خیر محض

وصلاح حال هر کس هر چند بحسب ظاهر بر عکس آن نماید و در نمی یابد این معنی را
مگر علمای راسخین و عرفا و واصلین و بحجی که عطا نموده باشد معرفت الله
رب العالمین و همچنین فرموده حضرت سید المرسلین صم که بدرستی که
مردمانی که می شناسند خدا را راضی اند ایشان بقضای خدا و حضرت
سید الساجدین ع میفرماید صبر و راضی از خدای تعالی عز و جل بودن راس
و سر همه طاعت است و کسی که صبر کند و راضی شود از خدای در چیزی
که قضا کرده برو در آنچه دوست داشته باشد یا مکروه او باشد قضا
نمیکند حق تعالی عز و جل از برای او چیزی که دوست نداشته یا مکروه
او باشد مگر آنچه او خیر باشد از برای او **پند و مواعظ** امام محمد باقر ع
از حضرت رسول صلی الله علیه نقل میفرماید که آنحضرت فرمود که حق
سبحانه و تعالی فرموده که از جمله بندگان من که بسعادت ایمان فایز گشته اند
بندگانی هستند که باصلاح نمی آید امور دین ایشان مگر بغنا و ثروت
و وسعت معاش و صحت پس ایشانرا بمال داری و فراخی معیشت و صحت
بدن امتحان و آزمایش می نمایم تا بفراغ بال و رفاه حال بشرایط بندگی
و لوازم اطاعت و سر افکندگی قیام و اقدام نموده شکر نعمت آلهی
بتقدیم رسانند پس بصلاح می آید بر ایشان امور دین ایشان و از بندگان

بنعمت

بنعمت ایمان موسومند جماعتی هستند که باصلاح نمی آید امور دین ایشان
مگر بفقر و فاقه و مسکنت و درویشی و سقم و بیماری پس ایشانرا بآن
بلاها مبتلا میسازم تا طوعا و کرها بعبادت و اطاعت قیام نمایند
پس بصلاح می آید بر ایشان امور دین ایشان و من داناترم بانچیزی که
بسبب آن بصلاح می آید امور دین بندگان من و بدرستی محبت و دوستی
مینی در مقابل به نیکی و احسان مکافات کن که البته تو غالب خواهی شد
ای فرزند من هر گاه بحول و قوت الهی قوی و توانا شدی پس زور آور
بر طاعت خدای تعالی یعنی همه قوتهای اعضا و جوارح و روح و قلب
خود را در طاعت و عبادت آلهی مصروف دار تا آنکه باقی نماند قوتی
از برای معصیت و هر گاه ضعیف شوی پس ضعیف شو از معصیت
خدای یعنی راه عصیان مکن که قوت معصیت در تو باقی نماند تا
آنکه ایام شباب و جوانی که خلاصه عمر و زندگانی بسر آید عبادت
الهی مصروف دار و اگر شیطان ترا وسوسه کند بر معصیتی آنرا بدفع
الوقت از خود بگذران که امروز اگر نکردم فردا خواهم کرد تا آنکه نوبت
شباب بشیب رسد و جوانی بر پیری کشد و قوتها بضعف مبدل گردد
و خواهشها بنصرت انجامد در انحال اراده و اتیان بمعصیت ممتنع و محال

نماید جوانی گفت پیر را چه تدبیر کر بازمن کریزد چون شوم پیر جوانیش
داد پیر نغز گفتار که در پیری تو خود بگریزی از یار واگر توانی زن خود را
متحمل تکالیف مالا تکالیف یطاق نسازی از خدمات منزل که از عهده
برنیاید اینچنان کن واورا بسیار مرنجان وخدمات منزل که باعث تعب
بدن و در شتی عیشی   رجوع کن وزن خود را پاکیزه نگه دار که
دوام حسن وجمال وفراغ بال ورفاه حال او خواهد بود بد رستی
کردن دیجانراست فروتر مانزد پیراو را در بهترین احوال نگاه دار و نیکو صحبت
با او بدار تا عیش تو مصفی و زندگانی با قدر و بها باشد و متحمل قضای
الهی باش برضا وتسلیم یعنی راضی باش از خدای عز وجل وانچه جاری شده
است بران که از جمله بندگان من کسی هست که جهد وسعی میکند
در عبادت من پس از خواب راحت و بالش استراحت برمیخیزد و بیدار
میباشد شبها و در تعب و مشقت میدارد نفس خود را در طاعت
و عبادت من پس القا میکنم برو خواب را یکشب و دو شب از نظری
که مرا با او هست و شفقت و عنایتی که با او دارم و بخواب میرود تا
صبح پس برمیخیزد از خواب در حالتی که خشمناک باشد با نفس خود و عتاب
وساخط باشد برو و راضی نباشد ازو واگر او را مخلی بطبع گذاریم

میان

میان او و میان انچه مراد اوست از عبادت من هر آینه عجب براو
داخل خواهد شد ومیکشاند ومیکوراند عجب او را بسوی فتنه
باینکه مفتون و مغرور باعمال خود شود پس از نتیجه او را پیش
خواهد چیزی که در ان باشد هلاک او بسبب عجب باعمالش و
راضی بودن از نفس خودش تا انکه کمان برد که بر همه عابدان فایق
وسرامد است وگذشته است در عبادت خود از حد تقصیر
پس دور خواهد بود از قرب ورحمت من در اینحالت وحال انکه
او کمان دارد که بمن نزدیک شده وازجمله مقربانست پس تکیه
واعتماد نکنند و مفتون ومغرور نکردند عاملون عبادات
ظاهری باعمال خود که بعمل می آورند از برای ثواب وجزای کران
متوقعند وکمان نکنند که عبادت مرا بجای آورده اند زیرا که
اگر جهد وسعی کنند ودر تعب ومشقت دارند نفسهای خود را و
فانی سازند عمرهای خود را در عبادت من هنوز مقصر خواهند
بود ونرسیده باشند بکنه عبادت من در انچیزی که توقع دارند
وسیطلبند از کرامت ونعمت در بهشت من ودرجات بلند در جوار
رحمت من پس باید که برحمت من واثق وبفضل من امیدوار باشند

وبحسن ظن وتعبدالت وتفضل من مطمئن باشند بدرستی که رحمت
من دردی یابد ایشانرا ومن وفضل من میرساند ایشانرا به بهشت
من ومغفرت من میپوشاند ایشانرا لباس عفو من ازانجهت که
من خدای بخشاینده مهربانم وباین نام موسوم شده ام والجمله وصایا
که حضرت سید المرسلین بامیرالمؤمنین فرموده وازانجمله آنست
که فرموده ای علی مبادرت وپیش دستی کن بچهار چیز پیش از
ورود انها بجز حسرت وندامت نخواهد بود بجوانی خود پیش ازانکه
پیری دررسد یعنی در تحصیل علم ومعرفت وطلب کمال تکاهل و
تساهل مکن ذکرا بجه درجوانی نکردی در پیری نتوانی کرد ودر محافظت
صحت بدن خود را معاف مدار پیش ازانکه مرض وبیماری مستولی
گردد ودر هنگام وسعت وغنا در خیرات ومبرات تقصیر و
تعویق مکن پیش ازانکه بفقر ودرویشی وعنا یعنی تعب مبتلا گردی وحیات
خود را مغتنم دان ولوازم انرا از طاعات وعبادات که وسیله
رسیدن بدرجات سعادت مواظبت کن پیش از نزول موت
واجل موعود ای علی سه کس اند که اگر تو با ایشان انصاف ورزی و
مدارا کنی ایشان بر تو ظلم وستم نمایند پس جایز است ترا انصاف

بجتی که مسلط نکردند بر تو سفله یعنی مردم ادانی فرومایه خسیس
النفس تنک حوصله کم فرصت واهل یعنی زوجه وکنیزان مدخوله و
خادم خواه عبید باشد وخواه اجیر ازانکه زیادتی مدارا ومماشات باعث
جرأت وتسلط ایشان میگردد وبفساد انتظام مهام منزل واختلال
احوال معاش منجر میشود وسه کس اند که انصاف داده نمیشوند از سه
یعنی جریمه ایشانرا بعلت قلت عقل وذلت وخواری وبیوجودی
در می گذرانند یا جهت انکه کفو وهم سر نیستند عفو می نمایند آزاد مردی
که از بنده مملوک جفا بیند یا عالم دانشمند از جاهل خود پسند سفاهت
ودرشتی کشد یا قوی دست قادر دیگر از ضعیف فضول حسادت و
بی ادبی ملاحظه نماید ای علی خوبی زندگانی در سه چیز است خانه
وسیع وکنیزک یا دختر جمیله واسب لاغر میان یا علی سه چیز است
که قوت حافظه را زیاد میکند وبلغم را از مزاج برطرف میکند که ازین
باعث زیادتی حافظه است لبان مضغ یعنی کندر ومراد ازان خاییدن
باشد ومسواک کردن دندانها وخواندن قران مجید یا علی عجیبترین
مردمان از راه ایمان یعنی افضل وپرثواب ترین ایشان که بیقین
درد ین جاعتی اند که در اخر الزمان باشد یعنی زمان غیبت صاحب

الزمان واورا الخدمت حضرت رسالت منقبت صم وایام بعثت آن سرور
نموده باشند وحجت انایشان در حجاب باشد یعنی امام زمان غایب
باشد پس در اینحال ایمان آورده وکرویده باشند بدین اسلام بنوشتهای
بکاغذ یعنی علم بصحت بنوت آنحضرت وامامت ائمه معصومین علیهم السلم
بقران واخبار متواتره مثبته در کتب بهم رسانیده بدلیل وبرهان عقلی
تصدیق قران مجید واحکام شریعت نموده مومن موحد باشند جه اینجماعت
اناسند کر حق تعالی در قران مجید واحکام شریعت نموده مومن موحد باشند
جه اینجماعت اناسند کر حق تعالی در قران مجید بمدحت یاد فرموده کر الذین
یومنون بالغیب الایه یا علی کسی کر در حضور او غیبت برادر مسلمان او
کنند واو استطاعت و قدرت بر منع انجماعت ویاری وحمایت برادر
خود داشته باشد ونکند خدای تعالی او را مخذول ومنکوب دنیا
واخرت کرداند یا علی اکر بعد بر بیاورند بجهه من پاچه کوسفندی
هر اینه قبول میکنم او را واکر مرا دعوت کنند بپاچه یا بکراع غنیم کر
موضعیست مابین مکه ومدینه البته اجابت میکنم یا علی بدترین مردمان
کسی است کر رضا بقضا الهی نداده تو هم نماید کر اکر بعضی کارها خدای
تعالی بنیکو وبهتر میبود واین کفر محض است یا علی نا لر مومن در بیاری

دنیح است وفریاد او تهلیل وخواب او بر فراش عبادت وکردیدنش از پهلو
بپهلو جهاد در راه خدا پس اکر شفا یابد راه میرود در میان مردم وحال
انکه بر وینیست هیچ کناهی یا علی کافر شده اند بخدای بزرک از این امت یعنی
امت محمدی صلی الله علیه واله ده کس کر اضا لخود را حلال ومباح دانند
یکی قتاة یعنی نمام وسخن چین وفتنه انکیز ویکی ساحر یعنی کسی کر بسحر منهی
عنه اقدام نماید ویکی دیوث یعنی کسی کر از زنای زوجه ومحارم خود
عار نداشته باشد ویکی ناکح المراة حراما فی دبرها یعنی کسی کر مقاربت کند
با زنی بحرام در دبر او واین قید احترازیست وتخصیص بدبر از جهة آنست
کر کسی کمان نکند کر مواقعه در دبر با اجنبیات خبیثات زنا نمی باشد بلکه
این عمل قبیح است از انکه کراهیت یا حرمت جمع شده وکسی کر با بهایم وحیوانات
جماع کند وکسی کر با محادم خود مقاربت ونزدیکی کند وکسی کر سعی نماید در فتنه
میان مسلمانان باینکه ایشانرا باعتقادات فاسده مبتلا سازد وکرا بر بشمنی
وجنک وجدال کشانند وکسی کر سلاح ویراق جنک با اهل حرب یعنی دشمنان
دین فروشد دبحالتی کر قتال حرام باشد کر معاونت وهمراهی ومدد ایشان
کرده در کناه وکسی کر منع زکوة واجب خود را ندهد یا مانع زکوة دادن
مردم باشد وکسی کر استطاعت حج داشته باشد ومانع بنوده باشد وفوت

ترك كند تا بميرد يا علي سه چيز است كه باعث فرح و سرور مؤمن ميگردد
در دار دنيا ديدن برادر نسبي و حسبي كه المؤمنون اخوة وافطار
فرمودن روزه دار يعني طعام دادن و ديگر تهجد يعني بيداري
و نماز در آخر شب يا علي نهي ميكنم ترا از سه خصلت يكي حسد كه از
امهات صفات رذيله است و حرص در جمع مال و طلب زياده از قدر
كفاف معيشت كه آن نيز ام الفساد است و كبر كه اعظم كباير است و
معارضه با جناب كبريائي يا علي سه چيز از درجاتست يعني باعث
ارتفاع كمالات مؤمن است در دنيا و سعادت او است در آخرت و
سه چيز از كفاراتست يعني سبب پوشش ذنوب و خطيئات و سه
چيز از مهلكات يعني موجب انحطاط و پستي درجات و سه چيز
از منجيات يعني وسيله رستگاري و نجات اما درجات كامل ساختن
وضو است در برات يعني در سرماي زمستان و صبحهاي سرد و انتظار
نماز بعد از نماز و پياده رفتن شب و روز بنماز جماعت و اما كفارات
افشاء سلام است يعني بلند گفتن سلام كه مسلم عليه بشنود و طعام
دادن بمستحقان و نماز كردن در حالتي كه مردم خواب باشند و اما
مهلكات شح مطاع است يعني بخل راسخ در نفس كه طبيعت تابع او شده

باشد و عمل بمقتضاي آن كند كه اگر آن خصلت در طبيعت باشد و بجا هد
خلاف آن كند اعظم طاعات خواهد بود و هواي متبع يعني خواهش
طبع كه تسلط يافته و نفس را تابع خود ساخته باشد و اعجاب مرد
بنفس خود يعني در خود كمان كمالي كند كه در و نباشد و اما منجيات
ترس داشتن از خداي در نهان و آشكار و اقتصاد و ميانه روي در
معاش خواه در مالداري خواه در بيچيزي و سخن راست و درست
گفتن در حالت رضا و در حالت خشم و غضب يا علي نيست رضاع
يعني شير دادن بعد از آنكه طفل از شير بريده شده باشد يعني بعد از
حولين كاملين كه دو سال تمام باشد احكام رضاع مترتب نميشود
هر چند شير خوار باشد و يتيمي نيست بعد از بلوغ يعني بعد تكليف
رسيدن و بالغ شدن يا علي سه چيز از مكارم و محاسن اخلاق هست
عفو كردن از كسي كه بر تو ظلم كند و صله رحم كردن با كسي كه از تو قطع
رحم كند و حلم ورزيدن با كسي كه جهالت و خشونت با تو كند يا علي نيست
كسي از اولين و آخرين مگر آنكه آرزو ميكند فرداي قيامت كه كاش مرا
از دنيا زياده از قوت لا يموت نمي بود چه بقدر آنچه در دنيا باو داده
شده نصيب او از آخرت كم ميشود مگر بها الذين عليه الرحمه در داد يعني

نقل این حدیث نموده که مرویست از حضرت رسول صلعم که فرمود کسی که
بشناسد الله تعالی را و بداند بزرگی او را منع میکند دهن خود را
از کلام یعنی از کلامی که سزاوار نباشد گفتن او و لغو و بی فایده باشد
و منع میکند شکم خود را از طعام یعنی نمی اندازد در شکم خود را از چیزهائی
که حلال نباشد و شبهه‌ناک باشد و بر تعب می دارد نفس خود را بصیام
و قیام یعنی خود را بر تعب روزه و گرسنگی و تشنگی و ایستادن نمازهای
واجبی و سنتی و برخاستن در دلهای شب بنماز بجهة رضای جناب
مقدس الهی گفتند یا رسول الله صلعم فدای تو شوند پدران ما و مادران ما
اینها اولیاء الله اند فرمود بدرستی که اولیاء الله ساکت اند و سکوت
ایشان فکر در معرفت ربانی است که وارد شده ساعتی فکر در معرفت
الهی برابر طاعت یکساله است و تکلم می کنند و می باشد کلام ایشان ذکر
یعنی حرف زدن ایشان از برای خدا است و نام خدا و یاد خدا و کلام خدا
و از اوصاف جمیله و از آثار منیله اوست هر که شد در خلوت دل همراز
با یاد دوست هر چه آید برون باشد حکایت گفتار اوست و نظر میکنند
پس میباشد نظر ایشان عبرت یعنی باعث نظر ایشان بدنیا و اهل
دنیا نه بجهة خواهش و میل باوست بلکه بجهة عبرت گرفتن و بری بودن

از دوست

از دوست و گفتگو می کنند و می باشد گفتگوی ایشان حکمت یعنی گفتار
ایشان از روی حکمت و دانش و معرفت و بینش است و راه میروند پس
می باشد رفتار ایشان میان مردمان برکت یعنی رفتار و بودن ایشان
در میان مردمان باعث خیر و برکت و ازدیاد رحمت الهی است
هرگاه نمی بود اجلهای ایشان نوشته شده است یعنی وقتی مقرر و مقدر
و معلوم که حق سبحانه و تعالی معین فرموده که فَاِذَا جَآءَ اَجَلُهُمْ لَا یَسْتَأْخِرُونَ
سَاعَةً وَلَا یَسْتَقْدِمُونَ قرار نمی گرفت ارواح ایشان در ابدان ایشان
یعنی گویا ارواح ایشان در ابدان ایشان در تعب و زندان اند و بسوی
آرزوی مرگ و خواهش مکان اصلی که موجب لقا و بقاست می نمایند چنانچه
وارد شده الدُّنْیَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ از غایت خوفی که ایشان راست از عذاب
الهی و از نهایت شوقی که مر ایشان راست بثواب غیر متناهی از روضه
کلینی از ابی جعفر علیه السلم که فرمود بدرستی که دعا کرد ابرهیم پیغمبر علیه السلم
الله تعالی را در روزی که انداختند او را باتش باین دعا یا اَحَدُ یا اَحَدُ یا
یا صَمَدُ یا صَمَدُ یا مَن لَم یَلِد وَلَم یُولَد وَلَم یَکُن لَهُ کُفُوًا اَحَد پس گفت تَوَکَّلْتُ
عَلَی الله پس الله تعالی فرمود کفایت کردم امر ترا فرمود باتش که باش سرد آنحضرت
فرمود که میخورد از اضطراب سرما دندانهای ابرهیم بهم تا فرمود الله تعالی سلاما

علی ابرهیم و بیا این فرستاد جبرئیل ع را پس در آن وقتی که جبرئیل نشسته بود
با ابرهیم و حرف میزد پس گفت نمرود کسی که خدا بگیرد باید که بگیرد مثل آل ابرهیم
آنحضرت علیه السلام فرمود که شخصی از آنکا بر نمرود گفت که من حکم و عزم کردم بر
آتش که تا نسوزد او را آنحضرت فرمود که شراره از آتش در آن شد بر طرف او
تا آنکه سوخت او را هو الله الذی لا اله الا هو هر که روزی هزار بار بگوید از
الله تعالی هر حاجتی خواهد بیابد و او را از ارباب یقین کرداند عالم الغیب
والشهادة هر که بعد از نماز واجبی صد بار بگوید الله تعالی او را از اصحاب
کشف کرداند و بر هر چه نظر کند حکمت آن بر او ظاهر کردد الله هر که از عقب
هر نمازی نود و هشت بار بگوید جمله خلایق از آدمی و پری و ملائکه
او را دوست دارند و بر وی بخشش نمایند و هر چه از الله تعالی طلب کند
بیابد و دشمنان او را بر او مهربان کردانند و هر که هزار بار بگوید هر که او را فرزند
وزن کر سپنده هم بر او مهربان کردند الرحمن و هر که هر روز هزار بار بگوید هر که
او را ببیند مشفق و مهربان کردد و متابعت او نماید و در آخرت الله تعالی
او را منظور نظر رحمت خود کرداند الرحیم هر که هر روز نود بار بگوید از خلق
بی نیاز کردد و در دولت دنیا استقلال یابد و در عقبی از مملکت باقی
بهره مند کردد الملک هر که هر روز در وقت زوال صد و هشتاد بار بگوید

دلاو

طلا و صافی کردد و از شر نفس و وسوسهٔ شیطان امان یابد القدوس هر که
بعد از نماز جمعه بر پارهٔ نان نویسد و بخورد ملائک صفت کردد السلام
هر که صد و یکبار بر بیماری خواند شفا یابد و هر که سیصد و هشتاد مرتبه بر شربتی
دمد و بدشمن دهد تا بخورد بر وی مهربان کردد و آزار او نخواهد المؤمن
هر که بر نگین نقره نقش کند و انکشتر سازد و بشرط طهارت نگاه دارد از
شر شیطان ایمن کردد و هیچ دشمن بر وی ظفر نیابد و ایمان بسلامت برد
المهیمن هر که هر روز بعد از غسل یا طهارت (وضو) صد بار بگوید بر باطنها مشرف
کردد العزیز هر که چهل روز هر روزی چهل و یکبار بگوید هرگز محتاج خلق نشود
و هر که دایم ورد خود سازد و مداومت نماید در میان مردم عزیز و با حرمت
باشد و صاحب جاه شود الجبار برای حال ملوکست و اکابر کویند که این
مداومت نمایند و در نکین انکشتر نقش نهند تا مملکت بر ایشان باقی ماند و هر که
از پادشاه ترسد که بر وی خشم کیرد چون پیش وی رود دوازده بار
بکوید از شر وی ایمن کردد المتکبر هر که پیش از صحبت با زن در جامهٔ خواب
ده بار بکوید و بعد از آن صحبت کند الله تعالی بکوید الله او را پسری فرزند
دهد که در میان مردم معزز و موقر و از خدا ترس باشد الخالق هر که
در شبها بسیار بکوید حق تعالی فرشته آفریند که پرستش خدا کند و ثواب او

در دیوان اعمال او نویسند تا روز قیامت البارئ هر که صنعتی کند باریک
و خطرناک و از فساد آن ترسد باید که بدان عمل کند هر صباح صد بار
بگوید صنعت فهم او زیاده و نیکو شود المصوّر هر که هر روز جمعه صد بار
بگوید الله تعالی او را مونسی آفریند که در قبر او را تنها نگذارد و هر زنی هفت
روز روزه دارد و در وقت افطار بیست و یکبار بر آب خواند و بخورد
الله تعالی او را بفرزندی نیکو صورت و نیکو سیرت حامله گرداند الغفّار
هر که بعد از جمعه صد بار بگوید یا غفّار اغفر لی ذنوبی الله تعالی گناهان
وی را عفو فرماید و پرده وی نزد بندگان ندرد القهّار هر که بسیار
گوید غم دنیا از دل او بیرون رود و بر نفس غالب گردد و هر که در میان
فرض و سنت نماز جمعه بر نیت آنکه دشمن مقهور گردد صد بار بگوید
بمقصود خود برسد الوهّاب هر که در نیم شب دوشنبه بعد از دو رکعت
نماز در سجده هفت بار بگوید توانگری یابد و هر که حاجتی دارد در نیم
شب دوشنبه در صحن خانه خود یا در مسجد دست بردارد و
سر برهنه کند و صد بار بگوید و در سجده حاجت طلبد مرادش
برآید الرزّاق هر که پیش از نماز صبح رو بقبله کند بعد از آن در چهار رکن
خانه خود در هر رکنی ده بار بگوید یا رزّاق روزی بروی فراخ گردد و هر کس

محتاج نشود الفتّاح هر که بعد از نماز صبح هر دو دست بر سینه نهد و
هفتاد بار بگوید یا فتّاح دل او روشن و نورانی شود و در وی هر کاری
کند آسان گردد و همه بستگی بر وی گشاده گردد و چون بیاموزد و بدل
همراه باشد از علم معرفت بهره تمام یابد و هر که خواهد از امور پنهان آگاه
شود سه شب جمعه بعد از دو رکعت نماز صد و پنجاه بار در سجده بگوید
کماهی آن امر بر وی ظاهر شود و نیک بداند العلیم هر که خواهد از دفینه
یا سحری یا دزدی یا بنده که گریخته باشد از آن آگاهی یابد سه روز
روزه دارد و هر شب هزار بار بگوید یا علّام علّمنی من فلان و نام بگوید
و با طهارت بخوابد در خوابگاه آن امر را بیند و نماید القابض هر که از
دشمن ترسد در نیم شب هزار بار بگوید بر نیت دفع دشمن البتّه آن
دشمن هلاک شود الباسط هر که هر سحر دست بردارد و ده بار بگوید
و بر روی فرود آورد همیشه دلخوش و خرّم و شادمان باشد و از غم
و اندوه و پریشانی بیرون آید و از جایی که گمان نداشته باشد نعمت
و روزی بر وی فراخ گردد الحافظ هر که بر نیت دفع دشمن سه روز طعام
نخورد و در روز چهارم بیک مجلس هفتاد هزار بار بگوید البتّه دشمن
مقهور شود الرافع هر که در میان شب صد بار بگوید الله تعالی او را

در میان مردم عزیز و مکرم دارد المُعِزُّ هر که بعد از نماز شام شب
دوشنبه یا شب جمعه صد و چهارده بار بگوید الله تعالی او را در
میان مردم عزیز و مکرم دارد و بغیر از خدای تعالی او را از هیچکس
خوفی نباشد المُذِلُّ هر که بجهت دفع دشمنان هفتاد و پنج بار بگوید
بعد از نماز وتر در سجده دعا کند که الهی مرا از شر فلان ایمن کردان
ایمن کرداند السَّمیعُ هر که روز پنجشنبه چاشتگاه بعد از دو رکعت نماز
پانصد بار بگوید بعد از آن هر دعا که کند مستجاب شود البَصیرُ هر که
در میان فرض و سنت جمعه صد بار بگوید الله تعالی او را بنظر عنایت
مخصوص کرداند و دیده او را بصیرت بخشد الحَکیمُ هر که در نیم شب
چندان بگوید که از خود غایب کردد حق تعالی او را معدن اسرار
غیب خود کرداند و بر بد و نیک مردم حکم کند العَدْلُ هر که در شب
جمعه بر بیست پاره نان نویسد نام او بخورد الله تعالی او را بر خلق
مسلط کرداند اللَّطیفُ هر که بعد از نماز شام بهر حاجت که دارد ششصد
بار بگوید حاجت او روا کرداند الخَبیرُ هر که بسیار کوید الله تعالی او را از
شر شیطان و نفس و ظلم ایمن کرداند او را الحَلیمُ هر که بجهت فرو کشتن خشم
پادشاه صد بار بگوید آن خشم بلطف مبدل شود و هر که بجهت محافظت

زراعت و برکت بنویسد و در آب اندازد از آفات ایمن کردد العَظیمُ
هر که بسیار کوید و دلش حاضر باشد نزد خلایق محترم کردد و این ذکر
پادشاهان و بزرکان است الغَفورُ هر که جهت پنهان داشتن امری از
امور صد و بیست بار بر سنگ سیاه خواند و در چاه اندازد آن مهم
مخفی ماند و هر که جهت آمرزش خود یا مادر و پدر خود هزار و صد بار
بگوید و بجهت دفع تب و اندوه بر سه پاره کاغذ نویسد و نگاه دارد
و فرو برد شفا یابد الشَّکورُ هر که جهت دفع غم و اندوه و کدورت و
فراخی روزی چهل و یک بار در آب خواند و بیاشامد در چشم او نیز اثر روشنائی
ظاهر شود و اکر از آن آب در چشم کشد العَلیُّ هر که بسیار کوید و بدان
مداومت نماید بلند قدر و توانکر کردد و اکر در غربت بسیار کوید
بسلامت بشهر خود برسد الکَبیرُ هر که طالب جاه و حشمت باشد باید که
باین اسم مداومت نماید الحَفیظُ هر که بر توفی بنهد و بر نکین نقش کند
نفس و مال و ملک و زن و فرزند هر چه بدین ماند محفوظ باشد و
اکر بعدد اینکه نهصد و نود و هشت است بنویسد و در روز آدینه
بعد از نماز و بر بازو بندد از شر و رنج بیرونی و اندرونی در حفظ الله تعالی
بماند المُغیثُ هر که جهت دفع جوع هفت بار بر سفال خواند و بآب باران

تر کند و بو کند و بجهت طفل گران ماده چابا از شیر باز گرفته بر کوزهٔ
کرا و از آن آب خورد بخواند صابر گردد الحسیب هر که از دشمنان
یا از همسایهٔ بد یا از چشم زخم بیم دارد هفت بامداد و شبانگاه
هفتاد و هفت بار بگوید و ابتدا از روز پنجشنبه کند ایمن گردد
الجلیل هر که بنویسد بمشک و زعفران به هفت پاره شکر و به هفت بار
بخورد و هر بانانی صدقه کند در میان مردم بزرگ گردد و مردم از او
بترسند الکریم هر که بسیار خواند و با خود همراه بود و بدان مداومت نماید
الله تعالی با وی در دنیا و آخرت کرم کند و مهمات دینی و دنیوی وی را
البته کفایت کند الرقیب هر که هفت بر خود و اهل خانه خود خواند از نفس
و مال و زن و فرزند و هرچه تعلق بدو دارد همه را الله تعالی در امان
نگه دارد المجیب هر که بهر حاجت که دارد در نیم شب بعد از دو رکعت نماز
هزار بار بگوید حاجت عرضه کند روا گردد الواسع هر که بسیار گوید عالی
همت گردد و از همه غم خلاص شود و اگر بنویسد و در آب روان اندازد
هر باغ و زمین که از آن جوی آب خورد بابرکت و بسیار میوه گردد الحکیم
هر که برای آسان شدن هر دشواری هزار و یکبار بخواند آسان گردد و هر طبیب
که بدین اسم مواظبت نماید در معالجه خطا نکند الودود هر که بجهت محبت

هر دو ز

هر دو زن جمعه هزار بار بر شیرینی بخواند و بمحبوب دهد تا بخورد یار شود
و بجهت موافقت میان زن و شوهر هزار و یکبار بر طعام بخواند و اگر
زن بدخو بود شوهر بخورد و الا بعکس المجید هر که بی عزت باشد در
میان اقوام و ابنای جنس خود بعد از نماز صبح نود و نه بار بگوید
و بر خود دمد و هر که از جذام و برص ترسد ایام بیض روزه دارد
و در وقت افطار صد بار بگوید از جمله ایمن گردد و هر که بجهت شهوت
بسته هفت روز پانصد بار بگوید و این اسم با وفق و تکسیر عمل
کرده بر پشت بندد بگشاید و چون در وقت خواب دست بر سینه
نهد و صد بار بگوید دل او زنده شود و نورانی و هر کس دلش بمیرد
الشهید هر که فرزندی دارد که فرمان بردار نیست و غیر صالح است
در وقت صباح دست بر پیشانی نهد و روی سوی آسمان کند
و بیست و یکبار بگوید یا شهید الله تعالی فرزند او را از صالحان
گرداند الحق هر که را چیزی ضایع شود یا بنده بگریزد بنویسد بر ورقی
چهار گوشه نام گم شده را در میان ورق بگذارد و چون شب بنیمه
رسد و بر هر دو کف دست گیرد و روی سوی آسمان کند و صد بار
بگوید آن چیز باز آید الوکیل هر که از باد و مار و آتش ترسد بسیار

کوید و چون مظلوم در سحرگاه شصت و شش بار بگوید و بر ظالم دعا
کند ظالم را زوال پیدا شود القوی هر که بجهت دفع دشمنان هزار و یکصد و
خمس سازد و بر گلوله یکبار یا قوی بگوید و پیش دشمنان همی اندازد و نام
دشمن برد البته مقهور گردد المتین هر که صد بار بگوید و بر کاسه
چینی صد بار بنویسد و بشوید و بشربت باز خورد هر گاه که کاری
صعب پیش او آید چون بسیار بنویسد و چون بسیار گوید آن کار بر وی
آسان شود الولی هر که بجهت ستر و صلاح خانه و کنیزکان عدد و ایشان
صد بار بر سیب خواند و بمحبوب دهد تا بخورد از محبت او بیقرار گردد
الحمید هر که بجهت شفا هشتاد و یکبار بنویسد و پنجاه و نه بار
بخواند و در کوزه آب کند و بخورد هر که بگرد این اسم مداومت نماید
شود که مردم او را همه ستایش کنند و معزز گردد المحصی هر که روز
جمعه هزار بار بگوید حق تعالی حساب قیامت بر وی آسان
گرداند المبدئ هر که انگشت مسبحه بر شکم زن آبستن نهد و
بگرداند و وقت سحر بار بگوید بچه بیندازد و هر که در ابتدا هر کاری به نگاه
و شش بار بگوید آن کار دور با تمام رسد بخیر و خوبی و مبارکی المعید
هر که را غایبی باشد اهل خانه چون بخواب روند در چهار گوشه خانه هفتاد بار بگوید هر گوشه

یا معید باز گردان فلان را بسوی من البته بزودی بر گردد المحیی هر که را رنجی رسد
و یا از فوت میترسد یا از دردی بیقرار است هفت روز هفت مرتبه
بگوید و باز بر خود دمد شفا یابد الممیت هر که جهت مطاوعت نفس بوقت
خواب دست بر سینه نهد و این اسم بگوید تا بخواب رود و اگر در سلخ
ماه بر نیت ظالمی هزار و یکبار بگوید مرادش حاصل گردد الحی هر که بیمار
صد بار بخواند شفا یابد و بر هر چیز بخواند آن چیز از آفات ایمن گردد القیوم
هر که سحرگاه بسیار گوید او را تصرفی در دلها پیدا گردد و عمرش دراز گردد و
هر که حی و قیوم را یکجا بگوید رسد در مرادات و مطالبات دنیوی و
اخروی او و مهمات کلی و جزئی او کفایت شود و هر که این دو اسم را با
یکدیگر بوفق بر نگین انگشتر وضع نماید همچو نگین سلیمان گردد الواجد
هر که در وقت نشستن بطعام خوردن بر هر لقمه بگوید آن طعام در درون
او نور شود و بدان نور مشاهدهای بسیار نماید و اگر بجهت کم شده سه
روز روزه دارد و هر روز صد بار بگوید باز آید الماجد هر که را از تنهائی
ترس هزار بار بگوید آن خوف از دل او بیرون رود و او را انیسی پیدا
شود الواحد هر که تنها در خلوت هزار بار بگوید از ملائکه مشاهده کند و
او را ذوقی و شوقی و فرحی پیدا شود الاحد هر که در سحرگاه بسجده رود و صد بار

بگوید از جمله صادقان گردد و هر که در خلوت بسیار گوید او را از تشنگی
و گرسنگی الم نرسد القادر هر که در ساختن وضو بهر عضوی سه بار
بگوید بر خصمان غالب گردد و اگر چه ضعیف بود المقتدر هر که در کار
سخت بسیار گوید او را از غیب مددی رسد و بر دشمن ظفر یابد و هر که
ورد خود سازد از غفلت خلاص یابد و اگر بر وفق نوشته با خود دارد
دل او بیدار شود المقدم هر که در جنگ بسیار گوید یا در مقام خوف
و یا با خود دارد و اگر بنویسد بر وفق بر دشمن ظفر یابد و از آفات
ایمن گردد و چون صد بار بر اسب خوانند هیچ اسب باو نرسد
المؤخر هر که ورد خود سازد عمر دراز باشد و هر که هر روز صد بار بگوید
دل او بغیر حق آرام نگیرد الاول هر که فرزندی خواهد یا غایبی دارد
یا مهم حاجت چهار جمعه هزار بار بخواند حاجت او روا گردد الآخر
هر که بسیار گوید حق تعالی عاقبت او را بخیر گرداند و آمرزیده شود
اگر چه گناه بیشمار داشته باشد الظاهر هر که بعد از طلوع آفتاب
هزار بار بگوید از ضعف چشم ایمن گردد و روشنی زیاده گردد و هر که
خواهد از امور مخفی خبردار گردد ایام بیض را روزه دارد و هر روز سه هزار
بار بگوید در خواب او را از آن نشان دهند الباطن هر که امانتی می سپارد

یادفینه جائی می نهد و فوق این اسم را بران چنین نهد کسی در وی تصرف
نتواند کرد تا باز بوی رسد الوالی هر که بر کوزه نو نویسد و پر آب کند و آن
آب بر در و دیوار خانه فشاند آنجا از باد و باران و سیل و زلزله و وبا
و جمیع بلیات ایمن باشد و اگر بنویسد و در گردن حیوانات آویزد
از همه آفتی ایمن باشد و هر که با این اسم مداومت نماید منصب و جاه و
بزرگی یابد المتعالی هر زن که در ایام حیض و نفاس بسیار گوید از جمله
آفتها در امان حق تعالی باشد و اگر ورد سازد عزیز و مکرم گردد البر
هر طفلی را اگر یاد دهی تا وقت بلوغ هر روز هفت بار بگوید از هر آفتی
ایمن شود و از نیکوکاران گردد التواب هر که بعد از نماز عصر پانصد بار
بگوید الله تعالی او را توبه نصوح کرامت فرماید المنتقم هر که از صبر بر جور
و جفای دشمن نبود سه روز متصل این اسم را ورد خود سازد او مقهور
گردد العفو هر که گناه بسیار دارد چون این اسم بگوید الله تعالی گناه او را
ببخشد و هر که از غضب پادشاه ترسد در وقت رفتن نزد او صد بار بگوید
البته جرم او را عفو کند الرؤف هر که بنیت خالص از ظلم ظالم صد بار بگوید
خلاص شود و هر که بر بهی دمد و بدست محبوب دهد تا بخورد دلش بروی
نرم شود مالک الملک با یکه پادشاه بدین اسم مداومت نماید تا ملک بروی

مستقیم گردد ذو الجلال والاکرام بجهت توانگری ظاهر و باطن باید که
بدین اسم مداومت نماید المقسط هر که را فرزندی بوجود آید و بیست
و بیست بار در عسل خواند و در دهان او کند الله تعالی او را به پیری
رساند و از همه فتنها و آفت و بلاها در امان دارد و از جمله نیک بختان
گرداند و اگر بجهت عدل پادشاه سه جمعه در میان فرض و سنت صد بار
بگوید و از برای دفع وسوسه انس و جن هر روزی بار بگوید انفع است
الجامع هر که بجهت جمعیت ظاهر و باطن و پیوستگی و طلب جاه چاشت
روز دوشنبه غسل کند و بعد از آن دو رکعت نماز بگزارد و صلوات بر محمد
و آل او بفرستد و چهل و پنج بار بگوید یا جامع و دستها بردارد و روی سوی
آسمان کند پس دست بر روی خود فرود آورد و سجده کند و حاجت طلبد
روا گردد ان شاء الله الغنی هر که در تنگی یا بلائی گرفتار آید این اسم را
هر شب و هر روز بسیار گوید و بر خود دمد و بران اعضا که پریشان است
مالد بزودی خلاص از آن درد شود المغنی هر که درویش شود و خواست
از مردم نتواند این اسم را بسیار گوید و مداومت نماید توانگر گردد و در خواست
کسی محتاج نگردد یا معطی هر که حاجتی دارد و هر روز یکصد و شصت بار
بگوید یا معطی السائلین حاجتش روا گردد المانع هر که خواهد در میان زن و شوهر

ساز کاری

سازکاری و موافقت باشد در خوابگاه این اسم را بسیار گوید اثر موافقت
پیدا شود الضار هر که نفس خود را در حالتی یا در مقامی متزلزل بیند هر شب
هزار بار بگوید الله تعالی او را در آن حال در آن مقام ثابت قدم گرداند
النافع هر که در سفر یا در کشتی در هزار بار گوید در سفر از بلیات و در کشتی از
غرق شدن ایمن گردد و هر طبیب که بخواند این اسم را و مواظبت نماید بیماران
اندر او شفا یابند و هر که در معاملات بسیار گوید منفعت یابد
النور هر که در شب جمعه هزار بار بگوید دل او نورانی گردد و حضرت رسول
صلی الله علیه و آله را در خواب بیند و اگر چشم ضعیفی باشد دفع شود و هر که را
یقین و اعتقاد درست باشد و با طهارت خواند و ترک غیبت بکند و
شکم را از لقمه حرام خالی سازد و در وقت دعا تضرع و زاری کند و ترک
غیبت برادران مؤمن نماید البته بمقصود رسد الهادی هر که در نیم شب
دست بردارد و نظر در آسمان کند و این اسم را بسیار گوید و مراقب باشد
بعد از آن دست بر روی و تمامی بدن فرو مالد الله تعالی او را مرتبه اهل
معرفت دهد البدیع هر که بجهت برآمدن حاجات و مهمات خود شب جمعه
هزار بار بگوید یا بدیع السموات والارض مهم او برآید الباقی هر که
شبی صد بار بگوید یا باقی عملهای او مقبول گردد الوارث هر که هر شب

صد بار بگوید هیچ آفت و زحمت بوجود او نرسد و نسل او منقطع
نشود و در قبر بدن او خاک نشود و از و نام نیک بسیار بماند
تا ابد الرشید هر که در غمی و اندوهی فرو ماند و تدبیر کار خود
نداند میان نماز شام و خفتن هزار بار بگوید آنچه خیر او در آن
باشد میسر شود الصبور هر که در بلائی یا مصیبتی یا در مشقتی یا
در مرضی باشد سه هزار بار بگوید یا صبور باطن او آرمیده گردد
و آن بلا و مشقت بروی سهل گردد و بخیر مبدل گردد والحمد لله رب العالمین
دعای روز جنگ عن ابی عبد الله علیه السلام که فرمود بدرستی که امیر المؤمنین
علیه السلام بود هر گاه اراده قتال مینمود میخواند این دعا را اللهم انک
اعلمت سبیلا من سبلک جعلت فیه رضاک وندبت الیه اولیائک
وجعلته اشرف سبلک عندک ثوابا واکرمها لدیک مآبا واحبها
الیک مسلکا ثم اشتریت فیه من المؤمنین انفسهم واموالهم بان لهم
الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون وعدا علیک حقا فاجعلنی
ممن اشتری فیه منک نفسه ثم وفی لک ببیعه الذی بایعک علیه
غیر ناکث ولا ناقض عهدا ولا مبدل تبدیلا بل استیجابا لمحبتک
وتقربا به الیک فاجعله خاتمة عملی وصیر فیه فناء عمری

وارزقنی

وارزقنی فیه لک وبه مشهدا یوجب لی به منک الرضا ویحط به عنی
الخطایا واجعلنی فی الاحیاء المرزوقین بایدی العداة والعصاة تحت
لواء الحق ورایة الهدی ماضیا علی نصرتهم قدما غیر مول دبرا و
لا محدث شکا اللهم واعوذ بک عند ذلک من الجبن عند موارد
الاهوال ومن الضعف عند مساورة الابطال ومن الذنب
المحبط للاعمال فاحجم من شک او امضی بغیر یقین فیکون سعیی فی
تباب وعملی غیر مقبول چون در هنگام جمع این مجموعه این فقیر موفق
بتوفیقات سبحانی و مؤید بتاییدات ربانی شد بتوفیق طواف
بیت الله و زیارت حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم و
زیارت ائمه بقیع علیهم السلام یافته باین سعادت مفتخر و باین عنایت
سرافراز گردید لازم دید که ترجمه بفارسی از طرف اهل بیت طاهرین
آنچه واجب وضروری باشد نوشته باین مجموعه ملحق سازد تا جمعی که
از لسان عرب عاری و از ادراک طرق احادیث نبویه عاری باشند
ازین رساله مستفید و بهره مند گردیده ایشان را راه نمائی باشد بجو و
برای نجاتی باشد از هر صفحه و ورق والله المستعان و به نستعین
فصل دهم از اعمال حج و آداب آن و زیارت حرم و ائمه بقیع علیهم

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد واله الطاهرین اما بعد
بدان که چون اراده حج بیت الله نمائی وبیرون روی از خانه خود
باداب وسنتی که در باب سفر ذکر شده وبرسی بیکی از مواقیت که قرار
داده انرا رسول خدا صلی الله علیه واله یکی عقیق است که او احرام گاه
اهل عراق است که اولش مسلخ واوسطش غمره وآخرش ذات عرق و
مسلخ که اول او ست درانجا احرام بستن افضل است ویکی دیگر قرن منازل
که احرام گاه اهل طائف است و دیگر یلملم که احرام گاه اهل یمن است و
جحفه که احرام گاه اهل شام است و ذو الحلیفه که احرام گاه اهل مدینه است
که او را مسجد شجره گویند سنت انکه ناخن دست و پا وشارب وموی
زیر بغل بگیری پس غسل کنی ونیت چنین کنی که غسل احرام عمره تمتع میکنم
قربة الی الله وبخوان سوره انا انزلنا وبگیر دو احرام یکی بالنك ویکی را بردوش
مثل ردا و باید که احرام حریر نباشد وبهتر انست که سفید وپنبه باشد و
دوخته نباشد ودر وقت گرفتن احرامی نیت کن که می پوشم دو جامه
احرامی را در حج عمره تمتع واجب قربة الی الله وبخوان این دعا را الحمد لله
الذی رزقنی ما اواری به عورتی واودی فیه فرضی واعبد فیه ربی انتهی

فیه

فیه الی ما امرنی الحمد لله الذی قصدته فبلغنی واردته فاعاننی و
قبلنی ولم یقطع بی ووجهه اردت فسلمنی فهو حصنی وکهفی و
حرزی وظهری وملاذی وملجائی وذخری وعدتی فی شدتی
ورجائی پس نماز کن شش رکعت یا دو رکعت ودر رکعت اول
الحمد وقل هو الله احد ودر ثانی الحمد وقل یا ایها الکافرون واگر در
وقت فریضه باشد پیش از فریضه بگذار وبعد از ان فریضه را
بگذار واگر احرام را در عقب فریضه ببندی بهتر است پس بدان
که اعمال عمره تمتع پنج است احرام وطواف ونماز طواف که دو رکعت است
وسعی میان صفا ومروه وتقصیر پس چون احرام بستی تلبیه بگو آهسته
ونیت تلبیه کرده باین قسم که تلبیات اربع میگویم بجهة بستن احرام عمره
حج تمتع واجب قربة الی الله وروانه شو براه با آرام وسکینه پیاده یا
سواره وبلند کن تلبیه را بعد از انکه اندک راه رفته باشی وانچه
واجبست از تلبیات اربع اینست لبیک اللهم لبیک لا شریک لک لبیک
لبیک ان الحمد والنعمة لک والملک لا شریک لک ودر بعضی روایات لبیک
بمتعة بعمرة الی الحج نیز وارد شده واین را بجهة تقیه آهسته بگوئی واین
تلبیه را در عقب نماز واجب وسنت ودر وقت برخاستن شتر ودر وقت

سواره
سوار شدن و برآمدن بر هر بلندی و پستی و رسیدن برودخانه و بر
و در وقت بیدار شدن از خواب و در وقت سحر و در سحر و در اکثر
اوقات بلند کن تلبیه را و لازم مینیت محرم را اجتناب از صید و
جماع و بوی خوش و دوخته شده و سر پوشیدن و چیزی که پوشد
پشت قدم را مثل کفش و موزه و امثال این و فسوق و جدال و دشنام
و غیر اینها که معلوم است و باید که قطع تلبیه نمائی در وقتی که نظرت
بخانهای مکه افتد که یکی از آنها عقبه مدنیین است از برای اهل
مدینه و ذو طوی است از برای اهل عراق که در آن وقت تکبیر و تهلیل
و تحمید و تسبیح بگوئی و صلوات فرست بر محمد و آل محمد و چون برسی
بحرم کعبه سنت است غسل کردن پیش از دخول بحرم و نیت چنین
کن که غسل دخول حرم کعبه میکنم سنت قربة الی الله و نعلین را از پا
بیرون کن و بدست خود گیر و روانه شو پا برهنه بسکینه و وقار و
بخشوع تواضعاً لله و واقع شده که کسی که بکند این کار را از برای تواضع
خدای محو میکند الله تعالی از او صد هزار گناه و مینویسد از برای او
صد هزار حسنه و بنا میکند از برای او صد هزار درجه و برمی آورد برای
او صد هزار حاجت و سنت است چیدن اذخر و اگر پیش از دخول بحرم

غسل ممکن نشود بعد از دخول غسل کن در مکه بمنزل و اگر ممکن شود که
غسل را پیش از دخول کنی در بئر میمون یا در فخ که اینها مواضعیست در کنار
حرم مکه و سعی کن که با غسل باشی بسکینه و وقار و اگر کسی بخواهد بعد از
غسل دخول باز غسل کند از برای دخول مسجد الحرام که با غسل داخل شود
و از باب بنی شیبه که الحال باب طاقیست بلند از میان آن طاق داخل شود
پا برهنه بخشوع و وقار و با سکینه پای راست را مقدم دار بر پای چپ
در وقت دخول و چون داخل مسجد الحرام شدی و نظر کردی بکعبه بگو
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی عَظَّمَکِ وَشَرَّفَکِ وَکَرَّمَکِ وَجَعَلَکِ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا
مُبَارَکًا وَهُدًى لِلْعَالَمِینَ و چون رسیدی بحجر الاسود رو بروی او بایست
و بردار دستهای خود را و شکر و ثنای الهی بجای آور و صلوات بر پیغمبر
و آلش فرست و طلب قبول حج خود کن و تکبیر بگوی و با صلوات قربت
و باید که ابتدا کنی از حجر بجهة طوف و ختم از آنجا که ابتدا کرده و در وقت
نیت طرف چپ تو بطرف حجر الاسود باشد و بهمان قسم که طرف چپ بطرف
خانه باشد طوف باید نمائی و نیت طوف چنین کن که هفت شوط طواف
عمره تمتع میکنم بحج الاسلام حج تمتع واجب قربة الی الله و مقارن دار نیت را
بحرکت دور خانه و ختم کنی شوط هفتم را با جائی که ابتدا کرده که اگر یک قدم زیاد

یا کم کنی باطلست و باید که حجر اسمعیل را در میان طوف کیری یعنی از بیرون
طوف کنی و اگر در اثنای طوف دست بر کنها یا مستجار یا غیر آن بمالی باید که
بایستی و دست خود را که داخل شاذروان کرده باز برکردانی و بعد از آن
راه روی والا اگر دست تو در شاذروان باشد و راه روی بجهة طواف
طواف تو باطل خواهد بود این رعایت و احتیاط لازم و اکثر مردم ازین غافل اند
و چون هفت شوط کردی یک طوف تمام می شود و ابتدا طواف بتکبیر است
و سنت در هر شوط حجر الاسود را استلام کنی و ببوسی هرگاه ممکن باشد
والا از دور اشاره کن بسوی او و بدست خود ببوس دست خود را و همچنین
سنت در بغل کرفتن همه رکنها و چون برسی برکن یمانی ببوس او را و در میان
رکن یمانی و رکن حجر الاسود بگوی رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنیا حَسَنَةً وفی الآخِرَةِ حَسَنَةً
وَقِنا عَذابَ النّارِ و در شوط هفتم چون برسی مستجار که او بقدر یک ذرع
برکن یمانی نرسیده است بدار دستهای خود را بر خانه خدا و بچسبان
بدن خود را و روی خود را بکعبه و دعا و استغفار از کناهان کن
که محل استجابت دعاست و در شوط آخر ببوس حجر را و ختم کن و چون
فارغ شدی از طواف برو بمقام ابرهیم و در آنجا دو رکعت نماز
کن و نیت چنین کن که دو رکعت نماز طواف

کرد دو رکعت نماز طواف حج عمره تمتع میکنم ادا واجب قربة الی الله و
در رکعت اول بعد از حمد قل هو الله و در ثانی بعد از حمد قل یا ایها
الکافرون بخوان و بعد از سلام حمد و ثنای الهی و صلوات بر پیغمبر صلی الله
علیه و آله فرست و دعا کن و روانه شو بسوی حجر الاسود و ببوس و استلام
کن یا اشاره کن بسوی او و بدست خود ببوس و روانه شو بچاه زمزم و بکش بدست خود
دلوی اگر ممکن باشد و نگاه کن بمیان چاه زمزم و بنوش از آن آب بخور و بریز
از آن آب بر سر و بدن خود و بعد از آن سنت که باز برگردی بسکینه و
وقار بسوی حجر الاسود و سلام کنی او را و از در مقابل حجر الاسود بیرون روی
بسوی صفا تا آنکه بر بینی کعبه را و رو کنی برکن حجر الاسود و ذکر و شکر
الهی بجای آوری و حمد کنی خدا را آنچه ممکن باشد پس هفت مرتبه
تکبیر و هفت مرتبه تهلیل و هفت مرتبه حمد الهی کن و بگوی لا اِلهَ اِلّا
اللهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ لَهُ المُلْکُ وَلَهُ الحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ عَلی کُلِّ
شَیْءٍ قَدِیرٌ سه مرتبه پس صلوات فرست و بگوی اللهُ اَکْبَرُ عَلی ما هَدانا وَالحَمْدُ لله
عَلی ما اَبْلانا وَالحَمْدُ لِلّهِ الحَیِّ القَیُّومِ وَالحَمْدُ لِلّهِ الحَیِّ الدّائِمِ سه مرتبه و بگوی
اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لا نَعْبُدُ اِلّا
اِیّاهُ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ وَلَوْ کَرِهَ المُشْرِکُونَ سه مرتبه و بگوی اللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ

العفو والعافیة والیقین فی الدنیا والآخرة سه مرتبه و بگوی اللهم آتنا
فی الدنیا حسنة فی الآخرة وقنا عذاب النار سه مرتبه پس بگوی
الله اکبر صد مرتبه و لا اله الا الله و الحمد لله و سبحان الله هر یک را
صد مرتبه و سه مرتبه تکبیر بگوی و دعا کن و چون فارغ شوی از اینها
نیت کن باین قسم که سعی میکنم میان صفا و مروه هفت شوط سعی عمرهٔ
متمتع بحج الاسلام حج تمتع از برای آنکه واجبست قربة الی الله و حرکت کن
بوقار و سکینه تا برسی بسوی مناره که طرف سعی است پس از آنجا هروله
کن تا برسی بنقاقه عطارین پس قطع کن هروله را و روانه شو بسکینه و وقار
تا برسی بمروه و ببالای مروه رو تا نمایان شود خانه خدا متضرع کن بخدا و
دعا کن و گریه کن یا مثل گریه کنان خود را بسازن پس بپائین آی و بسوی
صفا روانه شو و چون برسی بنقاقه عطارین باز هروله کن تا برسی بمناره
اولی که در طرف چپ سعی است پس قطع کن هروله را و روانه شو تا برسی بصفا
پس بایست و رو بکعبه آور باین قسم سعی نمای تا هفت مرتبه و اگر هروله
کسی فراموش کند باید که پس پس برگردد تا بجای هروله و از آنجا هروله
کند و اگر کسی فراموش کند سعی را بر او ست اعادهٔ سعی و اگر عمدا ترک کند
حج او باطلست و اگر ممکن نباشد اعاده پس امر کند کسی را که سعی کند

بنیابت

بنیابت او و چون فارغ شوی از سعی در مروه نیت تقصیر کن باین قسم
که تقصیر میکنم از برای محل شدن از احرام عمرهٔ تمتع از برای آنکه واجب است
قربة الی الله پس بگیر از موی سر خود از اطراف و جوانب و از ریش خود و از
شارب و از ناخن و مکیدا را تا اینها چیزی از برای حج خود پس از این محل
شدی از همه چیز سوای سر تراشیدن و صید کردن و تقصیر آخر افعال عمرهٔ
تمتع است و از برای دست آنکه طواف کنی در کعبه سنت و دو رکعت
نماز طواف کنی در مقام ابرهیم یا در مسجد الحرام سنت و بدان که افعال
حج سیزده است احرام و وقوف بمشعر و افعال منی سه روز و دو روز قربان
انداختن سنگ بجمرهٔ عقبه و ذبح قربانی و سر تراشیدن و طواف حج
و دو رکعت نماز طواف و سعی صفا و مروه و طواف نسا و دو رکعت
نماز طواف نسا و بیتوتت شبهای ایام تشریق و سنگ انداختن
بجمرهٔ ثلثه در سه روز تشریق این است اعمال حجة الاسلام بدانکه چون
فارغ از حج عمره تمتع شدی و هشتم شهر ذی الحجه شود داخل مسجد الحرام
پا برهنه بوقار و سکینه و طواف کن سنتی و نماز طواف کن اگر خواهی
در مقام ابرهیم ع یا در حجر اسمعیل ع پس بنشین تا زوال
آفتاب اگر ممکن باشد پس چون زوال شود شش رکعت نماز کن

سنتست از برای احرام بیش از نماز واجبی پس نماز فریضه را بجای آور
ونیت احرام کن که دو احرام حجة الاسلام حج تمتع محرم بندم واجب
قربة الی الله بعضی که دو احرام عمره تمتع کفتی و کردی بعد از نماز فریضه
این احرام را به بند در مسجد الحرام یا در حجر اسمعیل زیر میزاب یا
در مقام ابرهیم ص این احرام در مکه باید بسته شود این مقامها
افضلست بجهة بستن احرام و نیت تلبیه ادبعه کن که تلبیات اربع میکنم
از برای حجة الاسلام حج تمتع واجب قربة الی الله و بکو لبیک اللهم لبیک
لبیک لا شریک لک لبیک ان الحمد والنعمة لک والملک لا شریک لک
پس روانه شو بعرفات بسکینه و وقار و مشغول تهلیل و تسبیح شو و
بذکر الهی با برسی برقطا که آنرا منی است غیر موضع دوم و مشرف
میشوی بابطح پس بلند کن تلبیه را تا برسی بمنی و تلبیه مکوی بعد از آن
همچنانکه در حج عمره میکفتی و سنتست آنکه بکوئی لبیک بحجة تمامها و
بلاغها علیک و بسیار بکوی لبیک ذی المعارج که حضرت رسول الله ص
بسیار میکفته اند و چون رسیدی بمنی و فرو آمدی باید که بوده
باشد نمازهای فریضه تو در مسجد خیف نزد مناره که در میان مسجد است
و از هر طرف آن منار تا سی ذرع داخل مسجد است و زیاده داخل مسجد خیف نیست

و آن مسجد پیغمبر است و مصلی انبیاست در پای آن مسجد را و نماز کن
در آن و تسبیح و تکبیر و تحمید کن و چون طالع شود فجر نماز کن در منی
و متوجه عرفات شو باید که نکذری از وادی محسر تا طالع شود
آفتاب و حد منی از عقبه است تا وادی محسر و تلبیه بکو و برو
بعرفات و چون رسیدی بعرفات خیمه بزن در نمره و بر بند بار و احمال
خود را و وقوف کن در طرف چپ کوه عرفات و هرچند نزدیکتر
باشی افضل است و چون پیشین شود قطع تلبیه کن و نیت وقوف
کن باین قسم که وقوف میکنم در عرفات تا غروب آفتاب در حج الاسلام
حج تمتع واجب قربة الی الله پس غسل کن و نماز ظهرین بجای آور بیک
اذان و دو اقامه و اکر بعد از نماز تجدید نیت وقوف کنی باکی
نیست پس حمد و تهلیل و تمجید و ثناء الهی بجای آور و تکبیر و تحمید
و تسبیح بکوی هر یک را صد مرتبه و بخوان قل هو الله را صد مرتبه و
اختیار کن دعائی را که دوست داری که این روز روز دعاست
و مسئلت و پناه کیر بخدا از شر شیطان و بپرهیز از آنکه مشغول سازی
نظر خود را بسوی مردمان و باید که بشماری کناهان خود را و کریه
کنی و دعا کنی از برای برادران مؤمن خود که کمتر از چهل کس نباشد و

مروی است کسی که دعا کند از برای برادران مومن غایبانه ندا میکنند از
عرش که از برای تست صد هزار برابر دعا از آنچه کفتی وسزاوار آنست که
وقت خود را صرف کنی تا غروب بدعا و استغفار و تضرع بخدای کریم
رحیم در زیر آسمان وبخوان دعا موقف سید الشهدا را که در اعمال
روز عرفه سابقا مذکور شد و دعا صحیفه علی بن الحسین علیهما السلم
و مکرر بکوی اَللّٰهُمَّ اَعْتِقْنِی مِنَ النَّارِ تا وقت کوچ پس نزد غروب
کوچ کن با مردمان بسکینه و وقار وبا استغفار و ترک کن تندی و
اضطراب را دکوه و دره که پیغمبر صم میکشید مهار ناقه را بحدی که سرش
بدوشش میرسید و باید که نماز شام را واکذاری تا مشعر الحرام پس چون
رسیدی بمشعر الحرام واز طرف راست راه بطرف کثیب الاحمر که آن موضعیست
باید که بکوئی در انجا اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ مَوْقِفِی وَبَارِكْ لِی فِی عَمَلِی وَسَلِّمْ لِی دِینِی
وَتَقَبَّلْ مَنَاسِکِی وچون رسیدی بمزدلفه که آنرا جمع میکویند پس فرود
آی از طرف راست راه در شکم وادی نزدیک بمشعر الحرام و واجبست بر تو
که شب باشی در انجا تا روز و نیت کن در وقت رسیدن باین قسم که
میمانم این شب در مشعر الحرام در حج الاسلام حج تمتع از برای آنکه واجبست
قربة الی الله و نماز کن نماز شام وخفتن را بیک اذان و دو اقامه و نافلها را

قضا

قضا کن بعد از نماز خفتن و کوچ کن پیش از فجر و اکر کسی کوچ کند پیش از فجر عمدا
بروست کفاره قربانی کوسفند و اکر نداند بر و نیست چیزی پس چون
صبح طالع شود واجبست بر تو که وقوف کنی تا طلوع آفتاب و واجب
است نیت کردن نزد ظاهر شدن فجر باین قسم که وقوف میکنم در مشعر الحرام
تا طلوع آفتاب در حج اسلام حج تمتع واجب قربة الی الله پس نماز صبح کن
و اکر تجدید کنی نیت وقوف را بعد از نماز صبح باکی نیست پس حمد و
ثنا و ذکر الهی بجای آور آنچه مقدور باشد وصلوات فرست و بسیار دعا
کن از برای خود و والدین خود و فرزند و اهل و مال و اخوان مومنین و مومنات
که مکانی شریف و بزرکست و سنتست که برچینی سنک ریزه از برای انداختن
جمار از مشعر الحرام واز غیر مشعر که داخل حرم باشد بغیر از مسجد الحرام و مسجد خیف
و بغیر از سنکی که انداخته شده باشد بجمره و اکر برداری سنک را از منی از مکان
خود جایز است و اکر برداری از غیر حرم جایز نیست و باید که هفتاد
سنک برداری بجهة جمار و اکر زیاده برداری احتیاطا که هرکاه کم شود
یا بعضی بجمره نخورد عوض داشته باشی باکی نیست و سنتست که بوده
باشد سنک جرم بقدر بند انکشت و نرم و سرمه رنک و نقطها دار باشد
و برنداری سنکی را و نشکنی از و چیزی را و باید که نشوی از او اکر

بر داری سنکی را و بشکنی جایز نیست وحد مشعر الحرام که وقوف میکنی
در انجا و جایز نیست بغیر انجا از مأزمین است تا حیاض و تا وادی محسّر
و سنتست از برای مرد حاجی که بکرود در مشعر الحرام پیاده یا سواره و باید که در
وقوف با غسل باشی پس چون طالع شود افتاب و بلند شود بقدر یک
وجب و بر سینه شتر جای پای خود را پس در انوقت کوچ کن و کوچ مکن
پیش از طلوع افتاب پس اکر کوچ کنی جایز نیست که بکذری وادی محسّر را
تا طلوع نکند افتاب و اکر پیش از طلوع افتاب بکذری بر تست کفاره
قربانی کوسفند و در کوچ با وقار و سکینه باش و با دعا و استغفار و ذکر
الهی پس چون رسیدی بوادی محسّر و او وادی بزرکست میان مشعر و منی
نزدیکست بمنی پس سعی کن در انجا تا بکذری یعنی اکر سواره باشی پس حرکت ده
چاروای خود را و تند کن و اکر پیاده باشی تند شو و هروله کن که پیغمبر صلی الله علیه
و اله حرکت داد در انجا ناقه خود را و کسی که ترک کند سعی را در انجا
باید برکردد و سعی کند و اکر نداند ان موضع را که کدام است بپرسد از مردمان
و واقع شده که حضرت تند شدن و حرکت دادن در وادی محسّر بقدر صد کام است
و چون رسیدی بمنی و پایین آمدی در انجا شروع در ادا و مناسک
انجا در روز عید قربان این قسم که اول رمی جمره عقبه است یعنی سنک

انداختن بجمره عقبه دویم قربانی است سیم سر تراشیدن پس واجبست اول
رمی جمره عقبه که با بدانی سنک ریزها که در مشعر بر داشته هفت سنک
ریزه بزنی آنجمره را از پیش رو و نینداز از بالای او و میان تو و جمره باید
بقدر ده ذراع یا پانزده ذراع باشد و در وقت انداختن باید که سنک را
بر روی ناخن سبابه بکذاری و بر شکم انکشت ابهام و برینداز آن
سنک را از ناخن سبابه و ان سنکها را یکیک بر بینداز و در وقت
انداختن نیت کنی باین قسم که می اندازم این جمره را بهفت سنک ریزه در حج
الاسلام حج التمتع واجب قربة الی الله و در هر سنک که می اندازی الله اکبر بکوی و
چون بر کردی از رمی جمره بمنزل خود بکوی اَللّٰهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ
فَنِعْمَ الرَّبُّ اَنْتَ وَنِعْمَ الْمَوْلٰى وَنِعْمَ النَّصِيرُ و سنتست در وقت انداختن جمرات
با وضو بودن و باید هر کاه ممکن باشد قربانی در عرفات بخری و همراه بیاوری بمنی
والا در منی بکیر و باید که قربانی فربه باشد و اخته نباشد و کوش بریده و
شاخ شکسته نیز نباشد و اکر کوسفند باشد جاق و بزرک باشد و قوچ و یکساله
و تمام باشد و اکر کوش او را شکافته باشند یا سوراخ کرده باشند که چیزی از و
جدا نشده باشد پس چون اراده ذبح قربانی کنی رو بقبله کن و نیت کن که
قربانی میکنم این کوسفند را در حج الاسلام حج التمتع واجب قربة الی الله پس بسم الله

بگو و بکش کارد را بحلقش و چون تسلیخ کردی سه بخش کن بنابر
مشهور ثلثی از برای خود بردار و نیت چنین کن که میخورم از این قربانی
حج الاسلام حج التمتع واجب قربة الی الله و کافی است مسمای اکل و بعد به
ده ثلث دیگر را بهمسایه مؤمنین و اگر فقیر و سایل نباشد بهتر است و نیت
کند که هدیه میدهم ثلث قربانی حج الاسلام حج التمتع را واجب قربة الی الله
و تصدق کند بر مساکین ثلث دیگر را و نیت کند که تصدق میکنم ثلث
قربانی حج الاسلام حج التمتع را واجب قربة الی الله و باید که ندهی بقصاب و کشنده
و سلاخ پوست و سر او را که بوجه اجرت حساب نمائی و جایز نیست که
هیچ چیز از آن قربانی را بدهی و باید که همه از آن تصدق نمائی و بیرون نبری
از منی چیزی از گوشت قربانی را و اما می توانی خوردن از آن گوشت تا
در منی هستی و چون فارغ شدی از قربانی بتراش سر خود را در آن روز
باین قسم که بنشین رو بقبله و امر کن سرتراش را که تیغ بگیرد و بشکم
دست راست پس تو نیت کن که میتراشم سر خود را در حج الاسلام حج التمتع
واجب قربة الی الله و ابتدا کن از پیشانی و بخوان این دعا را در وقت سر
تراشیدن اللهم اعطنی بکل شعرة نورا یوم القیمة و سنت بعد از سرتراشیدن
ناخن و شارب را بگیری و دفن کنی همه را در منی پس از این محل شدی از همه

چیز الا زن و بوی خوش و چون فارغ شدی از افعال منی در غسل کن بجهة
زیارت کعبه و نیت کن که غسل زیارت کعبه میکنم سنت قربة الی الله
پس متوجه کعبه شو و در روی آن براه حمد و صلوات بر پیغمبر و آله و قرائت
و چون برسی بدر مسجد بایست و دعا کن و برو نزد حجر الاسود و سلام کن و
ببوس و اگر ممکن نشود اشاره کن بدست و ببوس دست خود را و تکبیر بگوی
و نیت کن که طواف کعبه میکنم بهفت شوط طواف حج الاسلام حج التمتع
واجب قربة الی الله و طواف کن هفت شوط و بعد از طواف برو بمقام
ابرهیم و نیت کن که دو رکعت نماز طواف حج الاسلام حج التمتع میکنم واجب
قربة الی الله پس از آن برو نزد حجر الاسود و ببوس و تکبیر بگوی پس برو
بسوی صفا و بالا رو و بجای آور بنحوی که در حج عمره بجای آوردی و نیت
کن که هفت سعی میکنم میان صفا و مروه سعی حج الاسلام و حج تمتع واجب
قربة الی الله و ابتدا کن از صفا و ختم کن بمروه باین قسم که از صفا چون بمروه
آئی یک شوط و چون از مروه بصفا آئی یک شوط دیگر حساب کن تا هفت
شوط تمام شود در مروه و چون فارغ شدی از سعی محل شدی از همه چیزها
الا زن پس برو بسوی کعبه بجهة نسا و بایست در برابر حجر الاسود و نیت
طواف نسا کن که هفت شوط طواف نسا میکنم در حج الاسلام حج التمتع واجب

قربةً الی الله پس طواف کن و بعد از اتمام طواف برو بمقام ابرهیم و نیت کن که دو رکعت
نماز طواف حج نسا میکنم در حج الاسلام حج التمتع ادا واجب قربةً الی الله
پس تکبیر احرام بگوی و نماز کن پس از آن محل شدی از همه چیزها که محرم
بودی از آن و فارغ شدی از حج تماما مگر مبیت در منی و رمی جمرات
پس چون فارغ شدی از حج باید بروی بمنی و شب نمانی در کعبه و بوده
باشی در منی شبهای تشریق و لیالی تشریق یازدهم و دوازدهم و سیزدهم
است و اگر بخوابی درین شبها در غیر منی باید که کفاره بدهی بجهت هر شب
یک قربانی واجب است نیت کردن در هر شب که میخوابی در منی در وقت
غروب آفتاب و نیت چنین کن که میخوابم امشب در منی در حج الاسلام حج
التمتع واجب قربةً الی الله پس واجبست بر تو که رمی کنی در هر روز از ایام
تشریق جمرات ثلثه را و وقت انداختن جمرات از طلوع آفتابست تا غروب
و هر چند نزدیک بر پیشین باشد بهتر است و در هر یک از جمرات
نیت کند و بگوید که میزنم این جمره را بهفت سنگ ریزه در حج اسلام حج
التمتع واجب قربةً الی الله و ابتدا کن در روزها جمرات اول بجمره اولی و
دعا کن و حمد و ثنای و صلوات بر پیغمبر ص فرست و با سکینه و وقار باش و
باید که مکث نکنی درین جمرات مگر بقدر انداختن جمره و واجبست که باین ترتیب هر روز

در ایام ثلثه رمی جمرات کنی که اول جمرۀ اولی پس از آن جمرۀ وسطی پس از آن
جمرۀ عقبه اینست آخر افعال حج و سنت تکبیر در ایام تشریق استحباب
مؤکد که بعضی از علمای ما حکم بوجوب آن کرده اند و این تکبیر از برای کسی است
که بوده باشد در منی از نماز پیشین روز عید است تا نماز صبح روز چهارم
و در سایر شهرها در عقب ده نماز است اولا و نماز ظهر روز عید است
و آخر او نماز صبح روز سیم است و تکبیر اینست الله اکبر الله اکبر لا
اِلٰه اِلّا الله و اللهُ اکبر اللهُ اکبر و لِلّٰه الحمدُ الله اکبر علی ما هدانا و
الحمدُ لِلّٰه علی ما ابلانا و اللهُ اکبر علی ما رزقنا من بهیمة الانعام
و باید که تا در منی باشی نمازهای تو در مسجد خیف باشد و هر که
صد رکعت نماز کند در مسجد خیف قربةً الی الله برابر است با عبادت
هفتاد سال و کسی که تسبیح کند در آنجا صد تسبیح می نویسد الله تعالی
اجر آزادی آن بنده و کسی که تهلیل کند در آنجا صد مرتبه برابر است با
احیاء بنده و کسی که حمد کند خدا را در آنجا صد مرتبه برابر است با خراج
عراقین که در راه خدا دهد و اگر در احرام صید یا مقاربت با زنان
نکرده می توانند در نفر اول که روز دوازدهم است کوچ کنند و باید که
اما باید که بعد از رمی جمار باشد و آفتاب غروب نکرده باشد که اگر آفتاب

غروب کند واجبست بر تو که بمانی و بخوابی در منی تا نفر ثانی که او سیزدهم
است پس هرگاه صباح کردی در انجا روز سیزدهم و طلوع کرد آفتاب
دیگر بنیت بر تو ساعتی که رمی جمار کنی و کوچ کنی پیش از زوال و
بعد از زوال و هر وقت خواهی کوچ کن بعد از رمی جمار و روانه شو بسوی
مکه معظمه بتهلیل و تمجید گویان و دعا کنان و چون برسی بر بطحا فرود
آی اندک زمانی پس روانه شو بر و بمکه و سنتست انکه طوف کنی در مکه
سیصد و شصت طوف عدد ایام سنه پس اگر ممکن نباشد سیصد و
شصت شوط و اگر نیز ممکن نباشد انکه بتجه مقدور شود و همچنین سنتست
که طواف کنی بجهة برادران ایمانی خود باین قسم که برو بسوی حجر الاسود
و نیت کن که هفت شوط میکنم بجهة فلان بن فلان قربة الی الله پس بگو اللهم
تقبل من فلان و بعد از اتمام طوف دو رکعت نماز طواف نیز بگذار
و نیت طوافهای سنتی را چنین کن که هفت شوط میکنم طوف کعبه را
سنت قربة الی الله و اگر قصد شود دخول حرم حریم کعبه شرفها الله تعالی
غسل کن پیش از دخول و بیرون کن کفش و نعلین را و بگیر حلقه در را
و بگو اللهم انک قلت ومن دخله کان امنا فامنی من عذابک عذاب
النار پس داخل شو و دو رکعت نماز در میان دو استوانه که از سنگ

سرخ است بگذار و در چهار رکن آن در هر رکن دو رکعت نماز بگذار
و دعا و استغفار بسیار کن و صلوات فرست بر پیغمبر صلی الله علیه و آله
و در رکن حجر الاسود محل استجابت دعاست و موضع تولد حضرت
امیر المؤمنین و ناچار است مر حاجی را که سعی کند در دخول بیت که سنت مؤکد است
و کسی که داخل شود داخل میشود برحمت الهی و چون بیرون می آید از گناهان
و اگر ممکن نشود والله اولی بالعذر و چون اراده بیرون آمدن از
مکه کنی باید که وداع کنی باین قسم که طوف کنی هفت شوط و استلام
حجر الاسود کنی و رکن یمانی را در هر شوط و اگر ممکن نباشد در شوط
اول و آخر ببوسی و بیائی بمستجار و بچسبانی خود را باو و دعا و استغفار
و طلب آمرزش خود و والدین و مؤمنین و طلب عود نمائی پس بچسبان
شکم خود را بخانه کعبه و حمد و ثنای الهی بجای آر و صلوات فرست بر
پیغمبر صلی الله علیه و آله و برو بسوی حطیم و بچسبان شکم خود را و دعا
و استغفار کن و دو رکعت نماز طواف کن در مقام ابرهیم یا حجر اسمعیل
و روانه شو بچاه زمزم و بخور از ان آب و بیرون آی و سجده کن در در مسجد
سجده طویل پس برخیز و بیرون آی از در حناطین و پیش از انکه بیرون
آئی از کعبه بخر یک درهم خرما و تصدق کن که اگر بوده باشد بر تو کفاره

از بابت خوابیدن بسقف در احرام یا انداختن شپش و امثال آن در احرام
کفاره آن باشد و مرویست از ابی عبد الله علیه السلم که چون وداع بیت
کنی در طواف آخر بگذار دست خود را بر در بیت و بگوی المسکین علی
بابک فتصدق علیه بالجنة و سزاوار است که چون فارغ شوند از حج
ختم کنند بمدینه و بیایند بزیارت حضرت رسول صلی الله علیه واله و فاطمه
علیها السلم و ائمه بقیع علیهم السلم و مرویست از ابی عبد الله علیه السلم که حضرت
رسول صلی الله علیه واله فرمود کسی که بیاید بمکه که حج کند و زیارت نکند
مرا در مدینه جفا میکنم او را روز قیامت و کسی که بیاید و مرا زیارت
کند واجبست از برای او شفاعت من و کسی را که واجب شود شفاعت من
واجبست از برای او بهشت و سنت که برود بمشاهد و قبور شهدا کلهم
و مسجد قبا و مشربه ام ابرهیم و مسجد فضیخ و مسجد احزاب که او را مسجد
فتح میگویند و نماز کند در این مساجد از روی سنت آنچه خواهی و برو
بمسجد احد و داخل مسجد شو و نماز کن و برو بقبر حمزه و سلام کن آنحضرت را
و برو بقبور شهدا بایست نزد ایشان و بگوی السلام علیکم اهل الدیار
انتم لنا فرط و انا بکم لاحقون پس بیا بمسجدی که مکان وسیع است که
آن مسجد نزدیک کوه از طرف راست است در وقتی که داخل احد میشوی

نماز کن در آن مسجد که پیغمبر صلی الله علیه واله در آن مسجد نماز کرده
روانه شو از پیش رو تا برسی بمسجد احزاب نماز کن در آن و دعا کن
که پیغمبر صلی الله علیه واله در آنجا دعا کرده در روز احزاب و بخوان
این دعا را در آنجا که یا صریخ المکروبین و یا مجیب المضطرین و یا مغیث
المهمومین اکشف همی و غمی و کربی فقد تری حالی و حال اصحابی الهی
کما کشفت عن نبیک صلواتک علیه و آله همه و غمه و کربه و کفیته
هول عدوه و در قبور شهدا بگوی السلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی
الدار و سنت است روزه گرفتن در مدینه مشرفه و چون زیارت حضرت
رسول صلی الله علیه واله کنی باید که بوده باشی با غسل و طریق زیارت حضرت
رسول الله صلی الله علیه واله سابقا در باب زیارت ذکر کردیم و در باب
زیارت حضرت فاطمه زهرا علیها السلم اختلاف کرده اند موضع قبر مبارک
آنحضرت را که بعضی روایت نموده اند که در بقیع است و بعضی در حجره آن حضرت
و بعضی میان قبر پیغمبر صلی الله علیه واله و منبر که پیغمبر صلی الله علیه واله
فرموده میان قبر من و منبر روضه ایست از ریاض بهشت سزاوار است
که آنحضرت را در این سه موضع زیارت کنند و در زیارت آنحضرت بگوی
السلام علیک یا بنت رسول الله السلام علیک یا بنت نبی الله السلام

عليك يا بنت حبيب الله السلام عليك يا بنت خليل الله السلام عليك
يا بنت صفي الله السلام عليك يا بنت أمين الله السلام عليك يا بنت
خير خلق الله السلام عليك يا ابنة أفضل أنبياء الله ورسله وملائكته
السلام عليك يا ابنة خير البرية السلام عليك يا سيدة نساء العالمين
من الأولين والآخرين السلام عليك يا زوجة ولي الله وخير الخلق
بعد رسول الله صلى الله عليه وآله السلام عليك يا أم الحسن والحسين
سيدي شباب أهل الجنة السلام عليك أيتها الصديقة الشهيدة
السلام عليك أيتها الرضية المرضية السلام عليك أيتها الفاضلة
الزكية السلام عليك أيتها الحوراء الإنسية السلام عليك أيتها
التقية النقية السلام عليك أيتها المحدثة العليمة السلام عليك
أيتها المظلومة المغصوبة السلام عليك أيتها المضطهدة المقهورة
السلام عليك يا فاطمة بنت رسول الله ورحمة الله وبركاته صلى الله
عليك وعلى روحك وبدنك أشهد أنك مضيت على بينة من ربك
وأن من سرك فقد سر رسول الله ص ومن جفاك فقد جفا رسول الله
صلى الله عليه وآله ومن آذاك فقد آذى رسول الله صلى الله عليه وآله ومن
وصلك فقد وصل رسول الله ص ومن قطعك فقد قطع رسول الله

الله ص لأنك بضعة منه وروحه التي بين جنبيه كما قال عليه أفضل
سلام الله وصلواته أشهد الله ورسوله وملائكته أني راض عمن رضيت
عنه وساخط على من سخطت عليه متبرئ ممن تبرأت منه موال لمن
واليت معاد لمن عاديت مبغض لمن أبغضت محب لمن أحببت وكفى بالله
شهيدا وحسيبا وجازيا ومثيبا پس بگو اللهم صل وسلم على عبدك
ورسولك محمد بن عبد الله خاتم النبيين وخير الخلائق أجمعين وصل
على وصيه علي بن أبي طالب أمير المؤمنين وإمام المسلمين وخير
الوصيين وصل على فاطمة بنت محمد سيدة نساء العالمين وصل
على سيدي شباب أهل الجنة أجمعين الحسن والحسين وصل على
زين العابدين علي بن الحسين وصل على محمد بن علي باقر علم النبيين
وصل على الصادق عن الله جعفر بن محمد بن علي وصل على كاظم
الغيظ في الله موسى بن جعفر وصل على الرضا علي بن موسى وصل
على التقي الجواد محمد بن علي وصل على النقي علي بن محمد وصل على
الزكي الحسن بن علي وصل على الحجة القائم بن الحسن بن علي اللهم
أحي به العدل وأمت به الجور وزين بطول بقائه الأرض وأظهر
به دينك وسنة نبيك حتى لا يستخفي بشيء من الحق مخافة

احد من الخلق واجعلنا من اعوانهم واشياعهم والمقبولين في زمرة
اوليائهم يا رب العالمين اللهم صل على محمد واهل بيته الذين اذهبت
عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا وبگوید زیارت آنحضرت که در مصباح
و در کتاب مزار تهذیب شیخ رح نقل فرموده یا ممتحنة امتحنك الله
الذي خلقك قبل ان يخلقك فوجدك لما امتحنك صابرة وزعمنا
انا لك اولياء ومصدقون وصابرون لكل ما اتانا به ابوك صلى الله
عليه وآله واتانا به وصيه فانا نسئلك ان كنا صدقناك الا الحقتنا
بتصديقنا لهما لنبشر انفسنا بانا قد طهرنا بولايتك وزيارت کن
ائمه اربعه بقیع را که امام حسن بن علی علیهما السلام و علی بن الحسین ع و محمد
علی الباقر ع و جعفر بن محمد الصادق ع است چون آمدی بروضه مقدسه
ائمه علیهم السلام پس بگردان روی خود را پیش ایشان و بگوی و باصل با غسل
السلام عليكم ائمة الهدى السلام عليكم يا اهل التقوى السلام عليكم
يا حجج الله على اهل الدنيا السلام عليكم ايها القوامون في البرية بالقسط
السلام عليكم يا اهل النجوى السلام عليكم يا اهل الصفوة اشهد انكم
قد بلغتم ونصحتم وصبرتم في ذات الله عز وجل وكذبتم واسيئ اليكم
فغفرتم واشهد انكم الائمة الراشدون وان طاعتكم مفترضة

وان

وان قولكم الصدق وانكم دعوتم فلم تجابوا وامرتم فلم تطاعوا وانكم
دعائم الدين واركان الارض لم تزالوا بعين الله ينسخكم في اصلاب
المطهرين وينقلكم من ارحام المطهرات لم تدنسكم الجاهلية الجهلاء
ولم تشرك فيكم فتن الاهواء طبتم وطاب منبتكم انتم الذين من
علينا بكم ديان الدين فجعلكم في بيوت اذن الله ان ترفع ويذكر
فيها اسمه وجعل صلواتنا عليكم رحمة لنا وكفارة لذنوبنا اذ اختاركم
لنا وطيب خلقنا بما من علينا من ولايتكم وكنا عنده بفضلكم معترفين
وبتصديقنا اياكم مقرين وهذا مقام من اسرف واخطا واستكان
واقر بما جنى ورجا بمقامه الخلاص وان يستنقذه بكم مستنقذ الهلكى
من النار فكونوا لي شفعاء فقد وفدت اليكم اذ رغب عنكم اهل
الدنيا واتخذوا آيات الله هزوا واستكبروا عنها يا من هو قائم لا
يسهو ودائم لا يلهو ومحيط بكل شيء لك المن بما وفقتني و
عرفتني بما ائتمنتني عليه اذ صد عنه عبادك وجهلوا معرفتهم
واستخفوا بحقهم ومالوا الى سواهم وكانت المنة منك علي مع اقوام
خصصتهم بما خصصتني به فلك الحمد اذ كنت عندك في مقامي
مكتوبا فلا تحرمني ما رجوت ولا تخيبني فيما دعوت پس بگوی السلام

علی الحسن بن علی الامام المعصوم الطاهر السلام علیک یا بقیة المؤمنین
وابن اول المسلمین وکیف لا تکون کذلک وانت سبیل الهدی وحلیف
التقی وخامس اصحاب الکساء غذتک ید الرحمة وربیت فی حجر الاسلام
ورضعت من ثدی الایمان فطبت حیا وطبت میتا غیر ان الانفس
غیر طیبة لفراقک ولا شاکة فی الجنان لک السلام علی سیدی ومولای
علی بن الحسین ع السلام علی سیدی ومولای علی محمد بن علی الباقر علیه السلام
السلام علی سیدی ومولای جعفر بن محمد الصادق علیه السلام علیکم
سادتی وموالی وائمتی وعلی ابائکم الطاهرین وابنائکم المطهرین
جئتکم زائرا لکم عارفا بحقکم فاشفعوا لنا عند ربکم والسلام علیکم
جمیعا منی ومن ابی وامی واهل بیتی واقربائی وجیرانی وممن قلدنی
الدعاء والزیارة و دعا کن ورحمة الله وبرکاته از برای خود بهر چه
دوست داری پس هشت رکعت نماز کن در مسجدی که در طرف راست
نشت و بخوان بعد از حمد هر سوره که خواهی و سلام ده در هر رکعت
وگفته که حضرت فاطمه ع در این مکان نماز کرده و چون خواهی که
بیرون آئی از مدینه وداع کن بقبر پیغمبر ص و سلام کن و برو به
نزد منبر و صلوات فرست بر پیغمبر ص آنچه معروف است و دعا

کن از برای خود بهر چه دوست داری از دنیا و آخرت پس برگرد بطرف
قبر پیغمبر ص و بچسبان دوش چپ خود را بقبر نزدیک ستونی آنچنان
ستونی که خبر ستون مخلقه که نزد سر مبارک آنحضرت است ص پس نماز
کن در آنجا شش رکعت یا هشت رکعت و بخوان در هر رکعت حمد و
سوره که و قنوت کن در هر دو رکعت و سلام ده و چون فارغ شوی
برو بطرف روی پیغمبر ص و بگوی در حالتی که وداع کننده باشی آنحضرت را
السلام علیک لا جعله الله آخر تسلیمی علیک اللهم لا تجعله آخر العهد
من زیارة قبر نبیک صلواتک علیه وآله وان توفیتنی قبل ذلک فانی
اشهد فی مماتی علی ما اشهد فی حیوتی ان لا اله الا انت وان محمدا
عبدک ورسولک صلی الله علیه وآله و در وداع ائمه علیهم السلام بگو هرگاه
اراده بیرون آمدن کنی السلام علیکم سلام مودع لا سئم ولا قال ولا
مال ورحمة الله وبرکاته علیکم یا اهل بیت النبوة انه حمید مجید سلام
ولی غیر راغب عنکم ولا مستبدل بکم ولا مؤثر علیکم ولا منحرف عنکم
ولا زاهد فی قربکم ولا جعله الله آخر العهد من زیارة قبورکم واتیان
مشاهدکم والسلام علیکم وحشرنی الله فی زمرتکم واوردنی حوضکم
وجعلنی من حزبکم وارضاکم عنی ومکننی فی دولتکم واحیانی فی رجعتکم

ومكّنني في ايّامكم وشكر سعيي بكم وغفر ذنبي بشفاعتكم واقال عثرتي
بمحبّتكم واعلى كعبي بموالاتكم وشرّفني بطاعتكم واعزّني بهداكم و
جعلني ممّن انقلب مفلحاً منجحاً غانماً سالماً معافاً غنيّاً فائزاً برضوان
الله وفضله وكفايته بافضل ما ينقلب به احد من زوّاركم ومواليكم
ومحبّيكم وشيعتكم ورزقني الله العود ثمّ العود ابداً ابداً ما ابقاني ربّي
بنيّة صادقة وايمان وتقوى واخبات ورزق واسع حلال طيّب
اللهمّ لا تجعله آخر العهد من زيارتهم وذكرهم والصلوة عليهم
واوجب لي المغفرة والرحمة والخير والبركة والفوز والنور والايمان
وحسن الاجابة كما اوجبت لاوليائك العارفين بحقّهم الموجبين طاعتهم
والراغبين في زيارتهم المتقرّبين اليك واليهم بابي انتم وامّي ونفسي واهلي
ومالي اجعلوني في همّكم وصيّروني في حزبكم وادخلوني في شفاعتكم
واذكروني عند ربّكم اللهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد وابلغ ارواحهم و
اجسادهم منّي السلام والسلام عليه وعليهم ورحمة الله وبركاته وصلّى
الله على محمّد وآله وسلّم كثيراً وحسبنا الله ونعم الوكيل پس بگو السلام
عليكم ائمّة الهدى ورحمة الله وبركاته استودعكم الله واقرأ عليكم السلام
آمنّا بالله وبالرسول وبما جئتم به ودللتم عليه اللهمّ فاكتبنا مع الشاهدين

پس

پس بخواه از الله تعالی و دعا بسیار کن و سؤال کن آنکه نگرداند این را از زیارت
آخر العهد از زیارت ایشان علیهم السلام **فصل** سنّت روزه گرفتن در
مدینه و اعتکاف نزد دو ستون که روایت کرده شده است که چون باشی
در مدینه سه روز روزه بگیر در روز چهارشنبه و نماز کن در شب
چهارشنبه نزد دو ستون توبه که آنرا ستون ابی لبابه گویند و
بنشین نزد آن ستون روز چهارشنبه پس بیا شب پنجشنبه به نزد
ستونی که در پهلوی اوست از طرف پهلوی مقام پیغمبر صلی الله علیه و آله و مصلّای
تو باشد آنجا شب جمعه پس نماز کن در آنجا در آن روز و در آن شب
و روزه بگیر روز جمعه و اگر توانی که حرف نزنی در این ایّام مگو
حرفی که ناچار و ضرور باشد و بیرون مرو از مسجد مگر از برای حاجت و
خواب مکن در شب و نه در روز مگر اندکی پس بکن که بدرستی این از
چیزهائیست که شمرده شده است در فضل پس حمد خدای عزّ و جلّ کن
روز جمعه و ثنای خدا کن و صلوات فرست بر پیغمبر صلی الله علیه و آله
پس طلب حاجت خود کن و بگوی اللهمّ ما كان لي اليك من حاجة شرعتُ
انا في طلبها اولم اشرع سألتكها اولم اسألكها فانّي اتوجّه اليك بنبيّك
محمّد صلّى الله عليه وآله نبيّ الرحمة في قضاء حوائجي صغيرها وكبيرها پس

کە تو سزاواری بانکە براورده شود حاجت تو و در زیارت ان شاء الله تعالی
حمزه عم پیغمبر صلی الله علیه واله هرگاه امدی بقبر او روی بقبله کن و زیارت
کن و بگوی سَلامُ اللهِ وَسَلامُ مَلائِکَتِهِ المُقَرَّبِینَ وَاَنبِیائِهِ المُرسَلِینَ
وَعِبادِهِ الصّالِحِینَ وَجَمِیعِ الشُّهَداءِ وَالصِّدِّیقِینَ وَالزّاکِیاتُ الطَّیِّباتُ
فِیما تَغتَدِی وَتَرُوحُ عَلَیکَ یا عَمَّ رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَآلِهِ اَشهَدُ لَکَ
بِالتَّسلِیمِ وَالتَّصدِیقِ وَالوَفاءِ وَالنَّصِیحَةِ لِرَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَآلِهِ
فَجَزاکَ اللهُ عَن رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَآلِهِ اَفضَلَ الجَزاءِ بِما صَبَرتَ وَ
احتَسَبتَ وَاَعَنتَ فَنِعمَ عُقبَی الدّارِ لَعَنَ اللهُ مَن قَتَلَکَ وَلَعَنَ اللهُ مَن
ظَلَمَکَ جَهِلَ حَقَّکَ وَاستَخَفَّ بِحُرمَتِکَ اَلسَّلامُ عَلَیکَ اَیُّهَا العَبدُ الصّالِحُ
المُطِیعُ لِلّٰهِ وَلِرَسُولِهِ وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ وَمَغفِرَتُهُ عَلَی رُوحِکَ وَبَدَنِکَ
اَشهَدُ اَنَّکَ قَد بالَغتَ فِی النَّصِیحَةِ وَاَعطَیتَ غایَةَ المَجهُودِ فَبَعَثَکَ اللهُ
فِی الشُّهَداءِ وَجَعَلَ رُوحَکَ مَعَ اَرواحِ السُّعَداءِ وَاَعطاکَ مِن جِنانِهِ
اَفسَحَها مَنزِلاً وَاَفضَلَها غُرَفاً وَرَفَعَ ذِکرَکَ فِی عِلِّیِّینَ وَحَشَرَکَ مَعَ النَّبِیِّینَ
وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحِینَ وَحَسُنَ اُولٰئِکَ رَفِیقاً اَشهَدُ اَنَّکَ لَم تَهِن وَلَم
تَنکُل وَاَنَّکَ مَضَیتَ عَلَی بَصِیرَةٍ مِن اَمرِکَ مُقتَدِیاً بِالصّالِحِینَ وَمُتَّبِعاً
لِلنَّبِیِّینَ فَجَمَعَ اللهُ بَینَنا وَبَینَکَ وَبَینَ رَسُولِهِ وَاَولِیائِهِ فِی مَنازِلِ المُخبِتِینَ

مام

فَاِنَّهُ اَرحَمُ الرّاحِمِینَ جِئتُکَ یا عَمَّ رَسُولِ اللهِ وافِداً اِلَیکَ وَنائِلاً لَکَ
فَاشفَع لِی عِندَ اللهِ فِی فَکاکِ رَقَبَتِی مِنَ النّارِ وَاِصلاحِ اَحوالِی وَتَیسِیرِ
اُمُورِی کُلِّها اِنَّ لَکَ عِندَ اللهِ الجاهَ العَظِیمَ وَالمَحَلَّ الکَرِیمَ وَالشَّفاعَةَ
المَقبُولَةَ وَالدَّرَجَةَ الرَّفِیعَةَ وَالسَّلامُ عَلَیکَ وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ

خاتمه در بیان مکتوبی که اسد الله الغالب علی بن ابی طالب علیه السلام بمالک اشتر نخعی نوشته در هنگامی که او را والی مصر نموده بود

بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحِیمِ

این آن چیزیست که امر کرد بان بندهٔ خدای علی که امیر مومنانست و پیشوای
ایشان مالک بن حارث اشتر را در عهدنامه که فرستاده بود بسوی او
وقتی که والی ساخت او را در مصر بجهة کرد کردن خراج آن دیار و غزا
کردن با دشمنان تیره روزگار و صلاح آوردن مردمان آن اطراف
و معمور ساختن شهرهای آنجا امر کرده او را اولا بتقوی و ترس
کاری از خدا و اختیار کردن طاعت و فرمان برداری حق تعالی و پیروی
کردن انچه فرموده بان در کتاب خود که قرانست از واجبهای و سنتهای
خود که سعادت مند نمیشود هیچکس مگر به پیروی نمودن فرایض آن
و سنتهای و شقی و بدبخت نمیکردد مگر با نکار نمودن آن مامورات و

ضایع ساختن مضمون آن مسطورات و دیگر امر کرد که یاری دهد خدا را
بدست و دل و زبان خود باین طریق که اینها را مشغول سازد در طاعت
حضرت واهب العطایا پس بتحقیق که خداوندی که بزرگست اسم او متکفل
و ضامن شده بیاری دادن کسی که یاری دهد او را در طاعات و ارجمند
گردانیدن کسی که ارجمند گرداند او را باعزاز دوستان او از مؤمنین
و مؤمنات و امر کرد او را که بشکند نفس خود را بترک شهوات و باز
دارد او را نزد سرکشیها در پی لذات این فقره اشارتست بعلاج نفس
سرکش که لعنت فرماید او را تا منقاد و رام شود در طاعت ربانی و
بپرداز و دامی شهوانی است و غضبی و جوداست که شر که بیرون رفته
از طاعت حضرت سبحانی مگر که رحم فرماید الله تعالی بالطاف عمیم
حافظ بنده خود شود از شرور نفسانی و جذبات جسمانی پس بدانی
ای مالک بدرستی که من متوجه ساختم ترا بشهرهائی که بوده اند شده است
بر ایشان که دولتهای دیگر پیش از تو بوده از داد کردن و ستم
نمودن و بدرستی که مردمان مینگرند بکارهای تو در مثل آنچه که بودی
که نظر میکردی در کارهای والیان که واقع شده بود پیش از تو
و میگویند در شان تو آنچه که میگفتی در شان ایشان و بدرستی که

استدلال

استدلال کرده میشود بر صالحان و شایستگان بآنچه جاری میگرداند
خدای تعالی برای ایشان بر زبانهای بندگان خود یعنی استدلال
میتوان کرد بر صلاحیت بنده بذکر خیر او در مجالس و محافل پس
نوعی کن ای مالک که ذکر خیر تو بر السنه عباد جاری شود و نیک
نامی بر تو باقی بماند پس مالک شو هوای نفس باید که دوسترین ذخیرهای
بسوی تو ذخیره کردن کردار شایسته باشد پس مالک شو هوای
نفس خود را و مقهور ساز او را و بخیل باش بنفس خود از چیزی
که حلال نباشد مر ترا پس بدرستی که بخیلی نمودن بنفس انصاف دادن
و عدل کار فرمودنست از آن در آنچه دوست داشته و مکروه پنداشته
پس با نصاف و عدالت بخیلی کن بنفس خود تا نعذاب حضرت عزت
و آگاه گردان دل خود را بمهربانی برای رعیت و دوستی نمودن برای
ایشان و نیکوئی کردن و مکرمت بجا آوردن با ایشان و مباش با ایشان جانور
درنده صید کننده که غنیمت شمری خوردن ایشانرا چون شیر درنده
پس بدرستی که ایشان دو صنف اند یا برادر تو اند در دین و ملت و
یا مانند تو اند در صورت و آفرینش سبقت میکنند از ایشان انواع
ملاهی و پیشی میگیرند از ایشان اصناف معاصی و پیش می آید ایشانرا

علتها و سببهائی که باز میدارد ایشان را از طاعت و الیان و مقتدیان حکومت
داده میشود زلل و علل بر دستهای ایشان که باعث باشد بر توعل ایشان
در گناه عمد و خطا و مراد آنست که چون ایشان معصوم نیستند پس صادر
میشود از ایشان باغوای مردمان یا بفرمان نفس خود شان انواع عصیان
و طغیان پس بده با ایشان از عفو خود و از اعراض نمودن خود از گناه ایشان
مانند آنچه دوست میداری که بدهد ترا از عفو خود و اعراض خود از گناهان
تو بدانکه عفو ابلغست از صفح زیرا که صفح آنست که اعراض کنی از مجرم از صفحه
وجه خود اما باقی باشد در دل تو انتقام ان و لهذا تقدیم عفو نموده بر صفح
پس بدرستی که ای مالک تو بر بالای ایشانی و رفعت داری بر ایشان و
والی و حاکم امر تو بر تو است از روی رفعت و شان و خدای بالای آنکس است
که والی ساخت ترا در میان مردمان و خواست الله تعالی از تو کفایت کردن
تو ادکار ایشان یعنی انجاح مرام و آزمایش کرد ترا بسلوک نمودن با
ایشان نصب مکن نفس خود را برای حرب کردن خدای با تو یعنی غضب
نمودن او بر تو و ترا در سلسله عقاب کشیدن بجهت مخالفت با امر او پس بدرستی
که هیچ قوتی نیست مر ترا با قهر و خشم خدا و هیچ نیازی نیست ترا از عفو
کردن و رافت و مهربانی او بلکه در دنیا و آخرت محتاج عفو و رحمت اوئی

و پشیمان مشو بر عفو کردن از کسی و شادان مباش بعقوبت
کردن بجهت بدی کردن و شتاب مکن بتیزی غضب که یابی از آن وسعتی
و گنجایشی در نفس و نکوئی که من امارت و حکومت داده شده ام
بر رعایا و بواسطه آن امر کننده ام برانها پس فرمان برده میشوم در آن
امر پس بدرستی که آن گفتار با فساد است در دل بواسطه آنکه باعث
عجب است و تکبر بر عباد و محل ضعف و نقص است مر دین را و نزدیکی
جستن است بر تغیر ماهیت و جمعیت نعمت کقوله تعالی ان الله
لا یُغَیِّرُ ما بِقَوْمٍ حتی یُغَیِّرُوا ما بِاَنْفُسِهِم و چون بدید آید برای تو آنچه
تو در وی از سلطنت و حکومت کنند بزرگی و کبر را پس نظر کن بعظمت
پادشاهی خدا که بالای دست و توانائی او از تو بر چیزی که توانا نیستی
بر آن از نفس خود پس بدرستی که آن نظر کردن تسکین میکند و باز میدارد
بسوی تو از بلندی تو یعنی تکبر را ساکن میکند و کبر ترا برطرف میکند و باز
میدارد از تو تیزی خود سری ترا و باز میگرداند بسوی تو چیزی را
که غایب شده از تو بواسطه استکبار از خرد تو حذر کن از نبرد کردن
با خدا در بزرگی او و مانند کردن خود را با او در بزرگواری او پس بدرستی
که خدا ذلیل میگرداند هر گردن کش را و اهانت میکند و خوار میسازد

هر متکبر سرکش را انصاف ده خدا را و انصاف ده مردمان را از نفس خود و
از اهل خاص خود و بطریق عدالت و انکه ترا در وی میل است از رعیت
تو پس بدرستی که تو اگر نکنی انچه گفتم ستمکار باشی و هر که ظلم کند بر بندگان
خدا باشد خدا خصم او نزد بندگان خود در محکمه قیامت و با هر که مخاصمه
کند خدا با او باطل سازد حجت او را و باشد خدا را دشمن تا انکه برکند
اثم را از خود و روی توجه بانابت آرد و توبه کند از ان و نیست چیزی
خواننده تر بسوی تغییر نعمت خدا و تعجیل خشم و غضب او از ایستادن
بر ستمکاری پس بدرستی که خدای تعالی شنونده دعای مظلومانست
و او سبحانه برای ستمکاران بر کمینگاه هست بدانش حاضر و بینش باهر
و باید که باشد دوست ترین کارها بسوی تو میانه ترینها باشد در انچه حق
است و موافقترین انها معبود مطلق و عامترین انها باشد در عدالت
بخلق و جامعترین انها مر رضا و خوشنودی رعیت پس بدرستی که
خشم عوام میبرد رضا و خوشنودی خواص را بالتمام و خشم خواص آمرزیده
می شود با رضای عوام و نیست هیچیک از رعیت که گرانتر بر والی از روی شدت
مشقت در زمان فراخی و اسانی و کمتر از روی یاری کردن مر او را
در زمان گرفتاری و کراهت دارنده تر مر عدل را و در الحاح در خواهنده تر

بالحاح

بالحاح و مبالغه و کم شکرتر نزد عطا دادن و دیر عذر دارنده تر نزد
باز داشتن و ضعیف تر از روی شکیبائی نزد فرود آمدن بلایای عموم
روزگار از خواص رعیت که میپندارند خود را از طبقه عظمی و در رفعت
و مقدار و جز این نیست که ستون دین و جمع شدن مسلمانان و کارسازی
برای دفع دشمنان عوام امت اند از ضعفا و گدایان پس باید که باشد
محبت تو مر ایشان را و میل طبیعت تو با ایشان و باید که باشد دورترین
رعیت تو از تو و دشمن ترین ایشان نزد تو طلب کننده ترین ایشان
باشد مر عیبهای مردمان را بدرستی که در میان مردمان عیبهاست حاکم سزاوار
ترین کسیست از پوشانیدن ان عیوب پس کشف مکن و آشکارا مساز
از انچه غایب است از تو عیوب ایشان پس بدرستی که بر تو لازم است
پاک گردانیدن و اصلاح کردن انچه ظاهر شده مر ترا از ان عیوب و الله
تعالی حکم میکند بر انچه غایب است از تو از سرایر مردم پس بپوشان زشتی را
مادام که توانی تا بپوشاند الله تعالی از تو انچه دوست میداری پوشش انرا
از رعیت خود و بگشای از مردمان گره هر کینه را و قطع کن از خود پیوند
هر انتقام را و نادان نمای خود را از هر چه صحیح نباشد مر ترا یعنی لائق تو نباشد
بحال تو با وجود انکه عالم باشی بان و شتاب مکن بباور داشتن قول غماز

کم شتابنده است پیش حاکم بجهت اظهار دبدبه پس بدرستی که غماز خیانت
کننده است در کار صالحان واگرچه مانند باشد در آن قول بناصحان
و داخل مساز در مشورت خود بخیل را که باز گرداند ترا از فضل و احسان
و وعده دهد ترا ببدویشی مانند عادت شیطان که قوله تعالی الشیطان
یَعِدُکُمُ الفَقرَ چه مستحسن نزد او چیزیست که ملائم است بخوی بد او
و ترا راه مینماید بسوی آن و دیگر داخل مساز در مشاورت ترسناک [بد دل را]
که ضعیف سازد ترا از امرهای پرخطر و نه حریص جمع کننده مال را که بیاراید
برای تو شدت حرص را بمصاحبت عدوان و ستمکاری پس بدرستی که بخل
و بددلی و حرص طبیعتهائی اند پراکنده و ببدی و رذایل آگنده که جامع و شامل
آنهاست بدگمانی بخدا چه بدگمانی ناشی میشود از عدم معرفت بآنچه
لایق و سزاوار است واجب الوجود را پس کسی که جاهل است بصفات حق
سبحانه عند الله که او جواد است و فیاض و از جانب او هیچ بخلی نیست در
افاضه اعواض و جاهل باین صفت متصف است بصفت بخل و حرص زیرا [بغیر احتیاج]
که اعتماد ندارد بر مبدا فیاض و بواسطه آن منع خیر میکند از بذل و بخشش
او مینماید از فقر و توقه میدهد بنفس اماره بر حرص و ترسان تا وانشست [ببستر]
قریب در اجال بندگان و بواسطه آن میگریزد از قتال بجهان و خیال بس

او بدکانست

او بدگمانست بتقدیر خدای ذو الجلال و بدرستی که بدترین وزرای تو آنکسی است
که بوده باشد از برای بدکارانی که پیش از تو بودند وزیر و معین و مراد این
بدکاران و آنهانی اند که در ایام متعیان خلافه بوده اند و هر که شریک باشد
مر ایشانرا در تحصیل گناهان پس باید که نباشد آنکس از برای تو اهل خاص و
صاحب راز پس بدرستی که ایشان یاران گناهکارانند و برادران ستمکاران
و تو یابنده از ایشان کسی را که بهترین خلفی و بدلیست برای وزارت
از آنکسی که مرا او را باشد مثل رایها و عقلهای ایشان و مثل روان گشتن
فرمان ایشان از جور و عصیان و گناهان ایشان نیز از برای تبیین [خیر]
خلف است یعنی او از آن آنکس نباشد که یاری نداده باشد ستمکاری را بر ستم
و ظلم او و نه گناهکاری را بر گناه او ایشان سبکترند بر تو از روی مشقت و شدت
و نیکوتر و مهربان ترانند مرترا از روی یاری نمودن و مهربان ترانند بر تو مهربانی
کردنی و کمتر اند از برای غیر تو از روی الفت گرفتن پس فراگیر ایشانرا خاصه
خود از برای خلوتها و مجلسهای خود پس باید که باشد برگزیده ترین و فاضلترین
ایشان نزد تو گوینده ترین ایشان بتلخی گفتار آنچه حق و راست و موافق
رضای کردگار و کمترین ایشان از روی یاری دادن در آنچه بی که واقع شود
انتو از آنچه مکروه شمرد آنرا خدا برای دوستان خود و نخواهد که

آن چیز از ایشان صادر شود در اخلال که واقع شود از گفتار تو تضییع او
و قلت مساعدت دیگران او از هوا و آرزوی نفس تو هر جا که واقع شود یعنی
باید که منشاء آن صواب و قلت مساعدت در ناصواب هر جا که واقع شود از هوای
نفس تو باشد که بی رضای الهی بود تا آنرا زایل کردانند خواه موافق او
باشد یا مخالف نه آنکه کار دیگری به جهت مصلحت اهل دولت کار رو موافق
اراده کرده کار روا او در صدد منع و زجر آن شود و نیکبختان خود را با اهل ورع
و راستی و دور شو از اهل فسق و ناراستی پس از آن رام کرداه ایشان را
بر آنکه غلو نکنند در مدح تو و شاد نکنند ترا بباطلی که نکرده باشی آنرا
بدرستی که بسیار مبالغه در مدحت پدید می آورد کبر و نخوت را و نزدیک
میگرداند به عجب و ارجمندی و باید که نباشد نیکوکار نزد تو و بدکار
بمنزلتی برابر بی تفاوت و رجحان پس بدرستی که در آن ستوه بی رغبت
کردانیدن مر اهل احسان را در احسان ایشان و خو کردن مر اهل بدی را
در بدی ایشان یعنی ستوه محسن و مسی موجب آن میشود که اهل احسان
رغبت نکردانند از احسان خود و باعث آن است که عادت کنند بدکاران
در بدی خود و الزام کن هر یکی از ایشان را بانچه لازم کردانید بر نفس خود
یعنی مقابل ساز احسان و بدی را بمثل آن و بدانکه نیست چیزی خوانندهٔ تر

بحسن ظن حاکم نسبت برعیت خود از احسان نمودن او بایشان و سبک
کردانیدن او مشقت و شدت را بر ایشان و ترک کردن اکراه خود بر ایشان
بر آنچه نیست او را نزد ایشان یعنی ترک کردن اکراه بی موقع از ایشان
پس باید که باشد از تو در آن امور کاری که جمع شود مر ترا بان کار نیکویی
ظن برعیت خود پس بدرستی که نیکویی ظن قطع میکند از تو رنج دراز را
و بدرستی که سزاوارترین کسی که نیکست گمان تو باو آن کسی است که نیکست
امتحان و آزمایش تو نزد او و بتحقیق که سزاوارترین کسی است که بدست گمان
تو باو بیش او کسی است که بدست آزمایش تو نزد او و مسکن طریقهٔ شایسته را
که عمل کرده اند بان اعیان و اکابر این امت و جمع شده بسبب آن الفت در میان
جماعت و بصلاح آمده اند بر آن نهج رعیت و بدین سیا ورد و شیء را که گزند
رساند بچیزی از گذشته آن سنتها که مخالف آن باشد ثواب مر کسی را که
وضع کرد آن طریقه را و وبال و گناه بر تو بسبب آنچه شکستی از آن سنن
بملاحظه صواب و بسیار کردن درس خواندن با عالمان و حدیث کردن
آن با حکیمان و فقیهان در استوار ساختن آنچه بصلاح آید بر آن کار شهرهای
تو و راست کردن آنچه راست ایستاده اند بان مردمانی که پیش از تو بودند
و بدان بدرستی که رعیت بر هفت طبقه اند که بصلاح نمی آید بعضی از آن

طبقات مگر به بعضی دیگر در حصول مطالب و هیچ بی نیازی نیست
بعضی ایشان را از بعضی تا وصول مآرب پس بعضی از آن طبقات لشکرهای
خدا اند دیگر کارگذار و بعضی دیگر نویسندگان عوام اند و خواص و برخی
دیگر از آن قاضیان عدل اند و حاکمان شریعت نبوی و طایفه دیگر
از آن عاملان با عدل اند و مهربان و منصف و جماعتی دیگر از آن اهل
جزیه اند و باج از ذمیان و مسلمانان و فرقه دیگر از آن تاجران اند و پیشه
وران و گروهی دیگر از آن طبقه پست تر اند از خداوندان احتیاج و
بیچارگی و هر یک از ارباب استحقاق را نام برده است حق تعالی در کتاب
خود علی الاجمال سهم و نصیب ایشان را از صدقات همچو فقرا و مساکین و
عاملان زکوة و نهاده است بر مرتبه و منزله هر یک از آن طبقات بر آنچه
فریضه اوست از لزوم عمل واجب که ثبت نموده آن را در کتاب خود که قرآن
مجید است و سنت اطهر پیغمبر خود صلی الله علیه و آله عهدی بادا که
نزد ما نگه داشته شده است چه هر یکی را از آن طبقات هفتگانه
مقامی است از احوال بقدر طاقت پس لشکریان بفرمان خدای حصارهای
رعیت اند و آرایش والیان و حاکمان و عزت و ارجمندی دین و ایمان
و براههای ایمنی مسلمانان و نیست که قایم شوند رعیت مگر با ایشان پس

هیچ قوامی و انتظامی نیست لشکریان را مگر بآنچه بیرون آورد الله تعالی برای
ایشان از خراج که قوی میشوند بآن بر جهاد دشمنان خود و اعتماد میکنند
بر آن در آنچه بصلاح آورد ایشان را و می باشد آن پس حاجت ایشان یعنی
حاجت ایشان موقوف است بآن پس از آن هیچ قوامی و نظامی نیست مر این
دو صنف را مگر بصنف سیم از حاکمان و عاملان زکوة و نویسندگان
بجهة آنچیزی که آن نویسندگان استوار میسازند آن را از عقدها و معاملات
و مناکحات و عاملان جمع کنند آن را از منفعتهای جهاد و امین داشته
شوند آن دو صنف بر آنچه از خواص کارها و عوام آن و هیچ انتظامی
نیست مر همه ایشان را از آن طبقات ثلث مگر بتاجران و خداوندان صنعتها
در آنچه مجتمع میشوند بر آن از منفعتهای خود و بپای میدارند آن را از بازارها
و معاملات خود و کفایت میکنند خود را از طریق آهستگی و نرمی بدستهای خود
از آنچه نمیرسد بآن منفعت غیر ایشان از طبقات زیرین که اهل حاجت
و مسکنت اند پس طبقه زیرین از محتاجان و مسکینان آنانند که سزاوار است
ایشان را نصرت و یاری ایشان و در قدرت خداست و هر یکی را گنجایشی
و مر هر یکی را از رعیت بر والی حقی است بقدر آنچه مصلح اوست و ادا
کار دین و دنیا پس والی گردان از لشکرهای خود آن ناصح ترین ایشان را در نفس

خویت مر خدای راست و مر رسول او را و مر امام ترا از روی اجرای شرعیات و انفاذ
احکامات و اقامت حدودات بر وجه اراده واهب العطیات و مطابق
شریعت سید البرکات و موافق رضای امام کافه مخلوقات و پاکترین
ایشان از روی گریبان این کنایتست از امانت یعنی موصوف باشد بصفت
امانت و فاضلترین ایشان از روی علم و بردباری آن کسی که دیر جنبند
از غضب کردن و استراحت یابد بسوی عذر پذیرفتن و مهربان باشد
بضعیفان و بلندی جوید از زبردستان و میل نکند بمطالب ایشان از
آنکسی باشد که بر نینگیزاند او را درشتی خیره و نشاند او را سستی خود (خورش یا درشتی)
از چیزی که اقامتش واجبست پس لازمست بچسبانی خود را بصاحبان نیکوئیها
از مکارم و مآثرها و اهل خانهای شایسته و پسندیده و بجا و مردان سد
سابقهای نیکو پس بنایت قدمان در محاربه و دلیران در معرکه مقاتله
و بصاحبان سخاوت و جوانمردی پس بدرستی که این طوایف جامع اند
از انواع بزرگواری و شاخهائی اند از اصول پس بدرستی که این طوایف
جامع اند از انواع بزرگواری و شاخهایی اند از اصول نیکوئی پس از آن جست
وجوی کن از کارهای ایشان چیزی را پس خبر بده اگر جست و جوی
کنند والد از مادر اندو پدر او پس از فرزندان خود یعنی نهایت شفقت

و رحمت مرعی دارد در امور ایشان و باید که در دشوار ننماید بعد نفس تو چیزی را
که تقویت کنی ایشان را بآن و حقیر مشمری لطفی و احسانی را که تعهد کنی
ایشان را بآن و اگرچه اندک باشد آن ملاطفت و ملایمت پس بدرستی که
آن لطف و رأفت خواننده است ایشان را بعطا کردن نصیحت و موعظه
برای تو و به نیکو گمانی بتو و ترک مکن کارهای خورد ایشان را بجهة
اعتماد کردن بکارهای بزرگ ایشان پس بدرستی که مر اندکی را از لطف
ترا موضعیست که فایده میگیرند بآن و لطف جسیم ترا نیز موقعیست که
بی نیاز نیستند و می باید که باشد برگزیده ترین رئیسان و سرداران
لشکر تو نزد تو آنکسی که مواسات کند با لشکریان در یاری دادن خود
بایصال رزق بایشان و فضل کند و احسان نماید بایشان از توانگری خود
بچیزی که بفراخی و آسانی برسد بایشان و گنجایش داشته باشد بکسانی
که از عقب ایشان اند از بس ماندهای اهل ایشان تا آنکه باشد قصدهای
همه ایشان یک قصد در کارزار نمودن با دشمنان پس بدرستی که شفقت
تو بایشان مهربان می سازد دلهای ایشان را بر تو از صفا و کمال صحیح
نمیشود یعنی تحقق نمی یابد نیکخواهی ایشان مگر بحفظ و صیانت کردن ایشان
بر حاکمان خود که والی امر ایشانست و ترک کردن ایشان گران شمردن دو

آن حاکمان را وکم کردن دیر دانستن اخر شدن زمان حکومت ایشان
مراد آنست که حضرت صلوات الله علیه ترغیب وتحریص مینماید مالک رضی الله
عنه را بمهربانی با رعیت و میفرماید که تحقیق نیکخواهی رعایا نسبت بحاکمان
ثابت نیست که صورت و محافظت کنند حاکمان را از شر اعدا و دولت ایشانرا
برخود گوارا دارند و گران شمرند و در دل نکنند انتظار که کی باشد که زمان
حکومت ایشان باخر رسد وایضا منوطست بانکه که ناصح و خیرخواه تو باشند
وناصح بودن منوطست بحصول مهربانی قلبی و حصول مهربانی قلبی منوطست
بمهربانی تو با ایشان پس گنجایش ده در آرزوهای ایشان وپیوسته کن با
ایشان در نیکوئی و مدحت کردن وستایش نمودن بر عملهای ایشان
وشمردن واظهار کردن آنچه آزمایش نموده اند از انواع هنر و دشمنان را
در بلیه افکنده اند خداوندان آزمایش و هنر از ایشان پس بدرستی که
بسیار یاد کردن مر کارهای نیک ایشان برانگیزاند وبجنبش میآورد
دلیرانرا بحرب وترغیب میکند بازنشسته گریزانرا بحرب انشاالله پس ازان
بشناس از برای هر مردی از ایشان آنچیزی که آزمایش کرده اند وانواع مکر و
بر دشمن رسانیده اند ومده میان خود در میاور آزمایش مردرا بسوی غیر
آن مرد وتقصیر مکن بمدح آن مرد نزد پایان آزمایش او وباید که نخواند

ترا بزرگواری مردی ببزرگ شمردن از آزمایش وهنر او آنچه باشد صغیر و
حقیر و نه پستی مردی بسوی آنکه صغیر شمردی از آزمایش وهنر او آنچه باشد
عظیم وبزرگ وباید که باز گردانی بسوی خدا ورسول او آنچه گران گرداند
ترا از کارهای مشکل ومشتبه کرده بر تو از کارها در میان مسلمانان
وکشاده کن از برای او در بخشیدن چیزی که زایل سازد عذر او را در
عاجز شدن از قیام بقضا واندک شود با آن بذل وعطا احتیاج او بمردمان
وبده او را از منزلت و مرتبه که بسوی تست چیزی که طمع نکنند در آن
غیر او از ملازمان خاصه خودت تا ایمن شود بدان از ناگاه گرفتن
مردمان او را نزد تو بر بهتان پس نظر کن در این کار نظر بلیغ و رسیده باشد
امور پس بدرستی که این دین بود گرفتار در دستهای بدکاران و معتدان
از اهل ظلم وطغیان که عمل کرده میشد در او بآرزوی نفس وطلب کرده میشد
باو دنیای بی اعتبار پس نظر کن در کارهای کارکنان خودت پس کار فرمای
وتفویض شغل نمای بایشان از روی آزمایش وتجربه ووالی مساز ایشانرا بی ملاحظه
واز روی حظ گرفتن از ایشان وخود سر بودن مشورت نصب فرمای
او را بر کاری پس بدرستی که عمل داران وعاملان گرداننده شاخهای جور وخیانت
اند وطلب کن از ایشان برای ولایت وحکومت خداوندان امتحان وآزمایش

و حیا از خانوادهای شایسته و اهل رسوخ و ثبات قدم در اسلام
که متقدم اند بحسب رتبه و احترام پس بدرستی که ایشان گرامی‌تر اند
اندر وی خلقهای نیکو و صحیح‌تر اند اندر وی اسباب استحقاق و کمتر
اندر مواضع طمع اند در وی دیده ور شدن و رسنده‌تر اند در عاقبتهای
کارها اندر وی نظر کردن بدیده بصیرت پس از آن تمام کن بر ایشان روزیهای
ایشان را پس بدرستی که اسباغ ارزاق با ایشان توانائیست از برای ایشان
بر نیک شدن نفسهای ایشان در اخلاق و بی‌نیازیست مر ایشان را از
فرا گرفتن آنچه در زیر دستهای ایشان است از اموال رعایا و حجتی است
بر ایشان اگر مخالفت کنند امر ترا که آن خیانتست در آن پس از آن تفحص
نمای عملهای ایشان را و بفرست جاسوسان که از اهل دوستی و وفا باشند بر
ایشان یعنی مشرف و ناظر بر سر ایشان که تا حفظ احوال و اعمال ایشان
کنند و اخبار نمایند اعمال ایشان را بتو پس بدرستی که تعهد نمودن تو در
نهانی مر کارهای ایشان را برانگیزنده است و وادارنده ایشان را بر کار
داشتن امانت و نرمی کردن با رعیت بطریق دیانت و نگاه داشتن
خود را از زیادی دهنده که آن خیانت پس اگر یکی از ایشان بگشاید
دست خود را بسوی خیانت در مال رعیت باد که اهل عدل و تجمع

کنند آن خیانت را بمعنی در تو خبرهای دیده‌بانان تو باید که اکتفا
کنی باین اخبار اندر وی گواه پس بگسترانی بر وی عقوبت خیانت را
در بدن او و فرا گیری او را بآنچه رسیده است از کردار خویش پس از آن
نصب کنی او را در جای خواری و نشان کنی او را بخیانت و در گردن
کنی او را بمنزله قلاده سرزنش تهمت و عدم دیانت تا باین علامت
بشناسند او را و بازجوی کار خراج را بچیزی که صلاح آورد اهل خراج را
پس بدرستی که در صلاح خراج صلاحیت مر غیر ایشان را از ارباب
احتیاج و هیچ صلاحی نیست مر کسانی را که غیر ایشان اند مگر با ایشان زیرا
که همه مردمان عیال اند بر خراج و اهل خراج و باید که باشد نظر تو بر
عمارت زمین فراینده‌تر از نظر کردن تو در کشیدن خراج و باج از
ایشان زیرا که خراج دریافته نمیشود مگر بعمارت زمین و هر که طلب
کند خراج را بدون عمارت خراب کند شهرها را و هلاک کرده اند بندگان
خدا و راست نگردد و بصلاح نیاید کار او و بهیچ باب مگر اندکی در
شهرهای خراب پس اگر شکایت کنند مردمان از گرانی یا از آفتی یا
قطع شدن آب یا تری که زمین بان تر شود یا متغیر شدن زمین از
صلاحیت زراعت که بپوشاند از غرق کردن سیلاب یا هلاک کرده است

اورا تشنگی وخشک شده کیاه نا رسیده ان بجهة قلت آب وسودة حرارت
افتاب باید که تخفیف کنی از ایشان از خراجی که امید وار باشی که حاصل کاه
آید آن کار ایشان وباید که کران نباشد بر تو چیزی که تخفیف کردی بان
مؤنت ومشقت را بر ایشان پس بدرستی که آن ذخیره است که باز
میکردانند انرا بتو در عمارت شهرهای تو وارایش ولایت تو وجه مملکت
بان آبادان ومعمور میشود با وجود کشیدن تو بجانب خود نیکوئی
ثنای ایشانرا در شان تو و با وجود اظهار رشادی تو بشایع شدن خبر
عدل تو در میان ایشان در حالتی که اعتماد کنند افزونی قوت ایشان
در مال بانچه ذخیره نهاده نزد ایشان از زیت واسایش دادن ایشان
بسبب کردن انتقال واعتماد کردن ایشان بانچه عادت داده ایشان
بجنس فعال از عدالت تو بر ایشان در نرمی کردن تو با ایشان پس بسا
که بدید آید از کارها چیزی که چون اعتماد کنی در ان کار بر ایشان از
پس حسن کردار ببردارند وزاد ان حال که خوش باشد نفسهای ایشان
بان برداشتن پس بدرستی که مملکت آبادان وبردارنده است چیزی را
که بار کنی انرا از بارهای کران وبدرستی که داده میشود زمین خراب
از جهة افتقار ودرویشی اهل ان زمین یعنی فقر واحتیاج سبب

خرابی

خرابی زمین است وبدرستی که فقیر ومحتاج میشود اهل زمین بجهت مشرف
شدن نفسهای والیان وحاکمان بر جمع اسباب واموال وبکمانی ایشان
بباقی ماندن عمل در دستهای ایشان وکمی نفع کرفتن ایشان بعبرتهای دوران
واعمال ایشان مقرون برضای منان پس ازان نظر کن بحال نویسندکان
خود پس متولی کردان بر کارهای خود بهترین رعایا وخاص کردان نامهای
خود را که در می آوری در انها کیدهای خود در دفع دشمن واصلاح
عباد وامور پنهان از برای دفع فساد بجامع ترین ایشان مر وجود خلقهای
شایسته وکردارهای بایسته انانکسی که از حد در نکذراند اورا
شادی وفرح کرامت وبزرکی پس دلیری کند بسبب آن بر تو خطا در لفت
تو در حضور کروه بزرکان وکوتاه نکرد انرا ودر غفلت وبیخبر از آوردن
نامهای کارکنان تو بر تو واز باز کردانیدن جوابهای آن بر وجه صلوات
از تو ودر انچه فرا میکیرد از برای تو ومیدهد از جانب تو وضعیف نکرداند
عقدی که بسته باشد از برای تو ملکه باید که استوار ساند وعاجز
نشود از کشادن انچه بسته شده باشد بر تو ملکه باید که مجمل آن
بپرداند ونادان نباشد بمقدار مرتبه نفس خود در امور پس
پس بدرستی که نادان بقدر نفس خود میباشد بقدر غیر خود

جلدتر چنانکه بر بهرها حاکمست و درانچه افعال باید که نباشد اختیار کردن
تو ایشانرا بفراست و دریافتن تو و برآمیدن و اعتماد کردن تو بر نکوئی
کمان از تو پس بدرستی که مردمان می شناسند خود را از برای فراستهای
والیان بجهت پیش آراستن و نیکوئی خدمت ایشان شناختن بجدی
که نیست غیر آن از نصیحت کردن و امانت چیزی نگاه داشتن تا نزد
والیان ممتاز شوند ولیکن امتحان کن ایشانرا بانچه والی و دوست شده اند
مر نیکان شایسته را پیش از تو پس قصد کن مر نیکوترین ایشانرا
که بوده باشد در میان عوام از روی علامت و شناساترین ایشان
بحفظ امانت از روی وجه یعنی روشناس باشد بمحافظت امانت
و دیانت پس بدرستی که آنچه مذکور شد راه نماینده است بر نصیحت
کردن تو برای خدای و برای کسی که والی شده کار او را و بگردان برای
سرداری هر کاری از کارهای خدمت سرداری از ایشان که بان قیام
نمایند که نشکند و مغلوب نگرداند او را کاری که بزرگ باشد از ان
و ماموری پراکنده نشود بر او امری که بسیار باشد از ان و هر وقت که باشد
در نویسندگان تو عیبی که تو غفلت ورزی از ان عیب الزام کرده شوی
بان در آخرت نزد حضرت عزت پس از ان وصیت پذیر بتاجران

و پیشه کاران و وصیت فرمای بایشان امر نیکو را یعنی وصیت کن امر شایسته را
مکسبی که مقیمست از ایشان بنفس خود و مکسبی که حرکت کننده است بمال خود
در بلدان بتجارت و اکتساب منفعت و مکسبی که کار کننده است بدستهای
خود باهستگی یعنی مکسبی که طالب منفعتست بصنعت و پیشه کاری
پس بدرستی که ایشان مادهای منفعتها اند و سببهای چیزهائی که نفع
گیرند بان باسانی و کشندگان منفعت اند از مواضع دور و از زمینهای
دور با مشقت شدیده در بیابان تو و دریای تو و در صحرای هموار تو و در
کوههای تو و بجائی که بهم نمی پیوندند مردمان در جایهای ان مر آنکه موضع
نفع است و دلیری نمیکنند بر رفتن بران بجهت صعوبت سفر کردن دران
و دشواری راه آن پس بدرستی که ایشان یعنی کاسبان و تاجران آشتی اند
و محل ایمنی که ترسیده نمی شود سختی آن آشتی یعنی هیچ خوف و خطری نیست
دران و باعث صلح اند که خوف پیدا نمی شود از بدی آن صلح مطلب آنکه از
آمد و شد تاجران و کاسبان موجب امنیت و آشتی میشود و جست و جوی
کن کارهای ایشانرا بحضور خود در نواحی شهرهای دور و نزدیک خود
و بدان با وجود دانستن آن آنکه در بسیاری از ایشان هست تنگی مفرط
و بخل زشت و نگاه داشتن طعام از برای منفعتها و حکومت نمودن برای

بهای آن یعنی بحکم خود وبهوای نفس فروختن بی رجوع بشرع اقدس و
بعرف اهل اسلام واحتکاری که مذموم است در شرع حبس کندم است
وجو وخرما ومویز وروغن ونمک وعدم بیع آن در زمان احتیاج مردم
بان واحتکار در مضرتست از برای عوام ودر عیبست بر والیان امام
پس منع کن از حبس کردن اطعمه مذکوره با وجود حاجت مردم بان پس
بدرستی که پیغمبر خدای صلی الله علیه واله منع فرمود از احتکار وباید
که باشد خرید وفروخت خرید وفروختی با سماحت وجاری بر ترازوهای
راست وبنرخهائی که نقصان نرساند بهر دو گروه از فروشنده وخرنده
پس کسی کند احتکار را بعد از نهی کردن تو او را از ان کار پس عذاب کن
او را بان کار وعقوبت نمای او را بدون از حد کن در انیدن در ایذا و
انار پس بترس از خدای قهار در طبقه زیرین از آنان که هیچ چاره
ایشان از در وجه معیشت از مسکینان ومحتاجان وسختی کشندگان وافکار
شدگان پس بدرستی که درین طبقه قناعت کننده است با نچه دهند او را
بی سوال ومحتاجی که پیش آینده است بسوال از اصحاب اموال ونگاهدار برای
خدای متعال مادام که نگاهداشتی وخواهد خدا از تو حق خود را در ایشان
ومکروهان از برای ایشان نصیبی از بیت المال وبخشی از انچه ذخیره کرده

از علتهائی که حاصل شده باشد از زمینهای غنیمت اسلام در هر شهری پس
بدرستی که مزد دورترین ایشان راست مانند انچه هست برای نزدیکتر
وهر یک از مستحقان خواسته شده بنگهبانی که محافظت حق او کند پس
باید که غافل نکرداند ترا از ایشان از حد در گذشتن تو در نشاط وسرور
پس باید که غافل نکرداند بدرستی که تو نیستی معذور بضایع ساختن
اندکی از امور برای استوار ساختن تو بسیاری را از امور که مهم وضروری
باشد پس مدار قصد خود را از ایشان وباش راعی وغمخوار ایشان ومیل
مده رخسار خود را برای ایشان یعنی بوجه تکبر روی میاور بر ایشان
بلکه اقبال کن بر ایشان از روی تواضع ومحبت ودریافت کن کارهای
که نمیرسد بسوی تو از ایشان از انکسی که حقیر میدارند او را دیدهای
اعیان وخوار میشمارند او را مردمان زمان پس خالی ساز وواپرداز
برای ارباب نیاز یعنی معد ومهیا ساز از برای ایشان امین ومعتمد
خود را از اهل ترس وفروتنی بجهت رضای خدای جل ابناز پس باید که رفع کند
وعرض نماید ان امین بسوی تو کارهای بیچارگان را پس از ان عمل کن در شان
ایشان بعذر درست آوردن بسوی خدای روزی که برسی بثواب او پس
بدرستی که ایشان از میان رعیت محتاج ترند بعدالت ودادگستری از غیر

ایشان و برای هر یک پس عذری درست او دنبوی خدا دادرسانیدی
حق او با وجی تقصیر و انتظار و تعهد کن و ملاطفت نمای یتیمان و صاحبان
دقت وتنگی معاش را در سال یعنی پیرانی که بکبر سن رسیده باشند
واز وجه معاش سالیانه عاجز گشته از انکس که هیچ چاره نیست او را
در تحصیل مال و برپای نمیکنند از برای سوال نفس خود را بجهة حیا
واینها که مذکور شد بر والیان و حاکمان گرانست و حقها همه انکرانست
بر بندگان وبتحقیق که سبک میگرداند آن ثقل را خدای تعالی بر گروهانی
که طلب کردند رستگاری را پس شکیبائی فرمودند نفسهای خود را در
طاعت خدا واعتماد کردند براستی وعدهای خدا که از برای ایشان است
وبگردان از برای صاحب حاجتها از جانب خود نصیبی را تا پردازی
ومهیا سازی از برای ایشان دران قسم نفس خود را وبنشینی با
ایشان در مجلس عام برای رضای ملک علام پس فروتنی نمای
دران مجلس برای خدای که افریده قدرت خود ترا وبنشانی یعنی
منع کنی از ایشان جنود لشکر خود را ویاری دهندگان خود را از
پاسبانان وعسسان خود تا سخن کند بتو سخن گوینده ایشان که
مترددنباشد وعاجز وفرو مانده وشوریده حال وپریشان بال

درسختی

درسختی کردن سخنان ملکه بجرات هرچه تمام تر احوال ایشانرا بتو عرض
نماید پس بدرستی که شنیدم من از رسول خدا صلی الله علیه واله که میفرمود
درغیر موضع واحد بلکه در مواضع متعدده که هرگز پاک نمیشوند گروهی
که فرا نگیرند برای شخص ضعیف ونحیف که در ان امت باشد حق او را از
توانائی که حق او را باو نرسانند وخود تصرف کنند در حالتی که مترددو شوریده
حال نباشد ودر گفتار بحیثیتی که سخن را نیک ادا تواند کرد پس از ان
بردار درشتی گفتار را از ایشان ودر ماندگی را در سخنان ایشان تا
ایشان بفراغت خاطر سخن خود را بعرض رسانند ودورکن از خود بدخوئی
وبدگوئی را وننگ داشتن از مختلط شدن با ایشان تا بگسترد الله تعالی
بر تو بسبب ان اطراف رحمت خود را وواجب گرداند برای تو مزد فرمان
برداری ترا وبده انچه دهی بخاطر خوش وخوشگوار ومنع کن از نهایت
درخوبی گفتار وملاطفت کردار ودر آوردن عذر درست که
مشوب باشد بانواع مرحمت پس از ان انجا کارهاست از امور ضروری تو
که ناچار است مر ترا از انکه خود قیام نمائی ومشغول شوی بان بعضی از ان
امور اجابت نست کارکنان خود را بانچه درمانند از ان نویسندگان
تو وبعضی دیگر از ان باز گردانیدن حاجتهای مردمانست نزد وارد

شدن آن حاجتهای موقوف از آنچه تنک شود بدان سینهای یاری کنندکان
تو و عاجز شوند از اصدار آنچه وارد میشود بر ایشان و بکذاران برای
هر دو فرو کار از نوزدانی تا خیر پس بدرستی که برای هر روز نیست آنچه واقع
میشود دران بر وفق تقدیر و کفته اند کار امروز بفردا مکذار
چون بفردا برسی نوبت کار دکر است و بکردان برای نفس خود ترا در
آنچه میان تست و میان خدا از رعایت بندکان و ادا و حقوق
ایشان بهترین وقتها را و بزرکترین از بخششها را دران اوقات
و اکرچه باشد همه آن وقتهای که مصروفست بمهم سازی صغیر و کبیر
برای رضای خدا هرکاه که شایسته باشد دران کار نیت تو و سلامت
باشد از آن رعیت تو این اثنا درست باکه حسن تدبیر والی در ولایت
خود از قسم عبادتست و باید که باشد در خاصه آن وقتی که
کرده باشی خدا دین خود را بپای داشتن فریضهای خدای آنچنان
فرایضی که مخصوص است بخدا پس بده خدا را در بدن خود در شب
خود و روز خود و فاکن وبده تمامی آنچنین برا که نزدیکی جوئی بان بسوی الله
تعالی در حالتی که رسیده باشد بحد کمال بی عیب و قصور و بی آنکه کاسد
باشد و نقصان پذیرفته رسیده باشد از بدن تو بانچه رسد یعنی

بعد

بقدر وسع و طاقت آنچه توانی و هرکاه که بر خیزی در نماز خود برای
مردمان یعنی بنماز جماعت پس مباش رماننده مردمان بدراز کردن آن نماز
و نه ضایع کننده بترک واجبات و احکام مفروضه آن پس بدرستی که
در میان مردمانست کسی که بوی او ست علت بیماری و یا مر اوراست
حاجتی و بتحقیق که پرسیدم از رسول خدا صلعم وقتی که فرستاد مرا بشهر
یمن که چکونه نماز کنم با ایشان پس فرمود که نماز کن با ایشان
چون نماز کنارده ضعیف ترین ایشان از روی خفت و اقل واجب
و باش با مؤمنان مهربان و اما پس ازین زمان که این نصیحت را بسمع اصغا
قبول نمودی پس دراز مکردان در پرده شدن خود را از رعیت
خود یعنی دور شدن را از حضور پس بدرستی که در پرده شدن
والیان از رعیت جزویست از تنکی و بخیلی و کمی دانش بکارها و نهان
شدن از ایشان قطع میکند از ایشان دانش چیزیرا که در حجاب شده
اند آن والیان نزد آن پس خورد میشود نزد رعیت چیز بزرک
چون ظلم و عدوان که ناشی شود از مرد عظیم الشان چه بواسطه نهان
او او را حقیر میشمرند بجهت تصغیر مردمان حرمت آن ضعیفان او
زشت میشود نزد ایشان نیکوئی و نیکو میشود نزد ایشان زشت

وآمیخته می‌شود حق بباطل و شبهه میشود بیکدیگر و جز این نیست
که والی آدمیست که نمی‌شناسد در آنچه پوشیده‌اند و مردمان از آن
از کارهای پوشیده و نیست بر حق علامتها که شناخته شود بآن انواع
راست از دروغ اینها اشارت اند بفاسدی که لازم احتجاجاند و منحرف
از دایره صواب و جز این نیست که تو یکی از دو مردی یا مردی هستی که
سخاوت کرده باشد نفس تو ببخشیدن و دادن در وجه حق پس چه
چیز است محجوب شدن از حق واجبی که میدهی آنرا یا از فعل بزرگوار
که احسان میکنی آنرا بجهة رواج کرم و رونق آن یا مردی هستی که آزرده
شده باشد بنعمتها و مانع عطاء آن باشد و بواسطه آن محجوب شده باشد
پس چه سرعت باز داشتن مردمان از سؤال کردن تو چون نومید شدند
از بذل و سخای تو و با آنکه اکثر حاجتهای مردمان بسوی تو چیزیست که
هیچ مشقتی نیست در آن بر تو از شکایت کردن ستمی یا طلب عدالت
در معامله نمودن تو با ایشان پس از آن بدانکه مر والی راست مخصوصان
و مقربان در ایشانست بر کندن مال غیر از برای خود و دراز دستی
کردن و کمی عدل پس قطع کن مادهٔ آن کسانرا ببریدن اسباب آن
حالها که باعث این افعال قبیحه است و قطع مکن از برای هیچیک از آن

کسانی

کسانی که دور و درکنار تواند و از نزدیکان و اقارب تواند پارهٔ
زمینی از زمین خراج تا بتصرف ایشان واگذارند و باید که در طمع نیفتد
از جانب تو در گرفتن قریه یا باغی که ضرر رساند بکسی که در پهلوی
آن قریه است از مردمان در حصهٔ آبها و یا کار مشترکی که بیفکند
مشقت را بر غیر خود بطریق بیگار گرفتن پس باشد آن برای ایشان
نه برای تو و باشد عیب و عار و عقوبت بیشمار آن بر تو در دنیا
و آخرت و الزام کن حق را بکسی که لازم شده باشد آن حق او را از
نزدیک و دور و باش در آن کار صابر و خواهنده مزد صبر از خدا
در حالتی که واقع شده باشد آن الزام حق از خویشان و نزدیکان
تو هر جا که واقع شده باشد خواه مقرون بخشم ایشان باشد یا رضا
و [illegible] بکن عاقبت آن ستوده شده است در نظر مردمان و اگر گمان
آن کار را که ذکر جمیل است در دنیا و ثواب جزیل است در عقبی بچیزی
گران باشد بر تو از آن پس بدرستی که عاقبت آن ستوده شده است
در نظر مردمان و اگر گمان برند رعیت بتو ستمی و انحرافی در امری پس اظهار
کن برای ایشان عذر صحیح و دلیل واضح خود را در تبری از آن و میل
ده از خود و دور دار گمانهای ایشانرا باظهار عذر درست خود پس

بدستی که دران اظهار رضاییست از تو برای نفس تو و نرمی و ملاطفت
است و مهربانی برعیت تو و عذر آوردن درست که میرسی بدان حاجت
خود را راست کردانیدن ایشان براه حق و قطع مکن صلحی را که خوانند
ترا بدان دشمن تو که از برای خدا ست دران خوشنودی یعنی موجب
خوشنودی خدا ست پس بدستی که دران صلح آرامش لشکرهای تست
و آسایش از غمهای تو و ایمنی مر شهرهای ترا ولیکن حذر کن همه حذر
یعنی نیک حذر کن از دشمن خود بعد از آشتی او پس بدستی که دشمن
بسا که دوی بنزدیکی می آورد تا غفلت را غنیمت شمرد پس فراگیر طریق
احتیاط را و متهم ساز دران صلح نیکوئی گمان بدشمن که آن ظن وفا
داری ایشانست و اگر عقد کنی میان خود و میان دشمن خود عهدی
و پیمانی یا او را بپوشانی از خود لباس زینهار را پس نگاه دار عهد و
زینهار خود را بوفا کردن بان و رعایت کن زینهار دادن را بامانت
و نیکیانت دران و بگردان نفس خود را سپر از آنچه دادی از عهد
و پیمان یعنی نگه دار آن را همچو سپر که نگاه میدارد بدن را از تیر پران
و شمشیر بران پس بدستی که نیست از فریضهای خدا چیزی که مردمان
سخت تر باشند بران از روی اجتماع و اتفاق با وجود متفرق بودن آرزوهای

کوناکون ایشان و پراکندگی اندیشهای درون ایشان از تعظیم داشتن
وفا بعهد را مشرکون در میان خود شان نه مسلمان و حال آنکه مجانبتی
کرام بر عکس باشد بجهت آنکه یافته اند وبال را از عاقبتهای عذر و بیوفائی
در حال و مال پس بیوفائی مکن بزینهار خود و مشکن عهد و پیمانرا
و فریب مده دشمن خود را بعد از استواری پیمان پس بدستی که دلیری
نمیکند بر خدا مگر شکیبائی تو دار روی عذر مکن نادان بدبخت و بتحقیق
که گردانید خدای تعالی عهد و زینهار خود را ایمنی و امان که کشاده ساخت
و گسترانید آنرا در میان بندگان برحمت خود و حریمی که آرام میگیرند بسوی
استواری آن و محفوظ می مانند بالتجا کردن بان از ضرر و شر و میروند بانبوهی
بسوی همسایگی خدا و دستکاری او پس نیست هیچ تباه کردنی و نه فریب آوردنی
و [illegible] دادنی در عهد و پیمان و نه بند عقدی و عهدی که جایز باشد در آن
علتها و احداث معنیها و بهانها بجهت فریب دادن مردمان و اعتماد مکن
بر خطای گفتار و میل نمودن بحیله دران کردار چون تو برو تعریض
در بیعت بعد از موکد ساختن و استوار کردانیدن و باید که نخواند
ترا بر تنگی امری که لازم شده باشد بر تو در آن عهد خدای تعالی
بطلب تباه ساختن آن بغیر حق بدستی که شکیبائی تو در تنگی کاری

کامیں وار باشی بواشدن اندوه آن وافزونی عاقبت آن بهتر است از
بیوفائی که ترسی از وبال آن و انیکه محیط شود بتو از الله تعالی در ان
عهد مطلوبی که استقبال نکنی در ان مطلوب در دنیای خود و نه در آخرت
خود یعنی نباشد ترا خبر دنیا و اخرت زیرا که استقبال نمی باشد مگر
بخیر و کمال نه بشر و وبال و در بعضی نسخها بعوض لا تستقبل که بمعنی
استقبال ذکر نمودیم لا یستقبل آمده یعنی نباشد ترا از ان بیعت مطلوبی
که فسخ آن بیعت کنی در ان مطلوب نه در دنیا و نه عقبی بپرهیز و بترس
از خونهای مردمان و ریختن آن بغیر وجه حلال پس بدرستی که نیست
هیچ چیز خواننده تر مر خشم خدا را و نه بزرگتر از برای وبال و نکال یا
و نه سزاوارتر ببرطرف کردن نعمت و بریده شدن مدت حیات از
ریختن خونهای که بغیر حق باشد و الله سبحانه اول حکمی که میکند میان
بندگان در انچه ریخته اند از خونهای مردمان در روز قیامت در کوفتن
بسختترین عقوبت پس تقویت مکن سلطان خود را بریختن خون
حرام پس بدرستی که ریختن خون از چیزیست که ضعیف می سازد آن
حاکم را و سست میکرداند که محکم او را بجهت تنفر انام و غضب ملک علام
بلکه برطرف میکند او را از منصب سلطنت و نقل میکند ش بسبب این

ازین سرا برای آخرت بجهت قصاص و خونخواهی و هیچ عذری نیست ترا
نزد خدا و نه نزد من در کشتن از روی عمد و قصد زیرا که در قتل بعد
قصاص بدنیاست و اگر مبتلا شوی بقتل خطا و پیشی کیرد بر تو از حد
در کذرد و تازیانه تو یا دست تو شکنجه کردن و بواسطه آن منجر
بقتل شود پس بدرستی که در مشت زدن پس انچه بالای اوست از
دو مشت یا سه مشت جای کشتن این جواب شرطست یعنی اگر قتل خطا
از تو صادر شود بیکی از اسباب مذکوره و غیر آن پس باید که بلند
نکردد بتو تکبر و استیلای پادشاهی تو از انکه برسانی باولیای کشته
شده حق ایشان را از دیت و بپرهیز از خودبینی بنفس خود و از
اعتماد کردن بچیزی که تعجب آرد ترا از نفس خود و بعجب مایل سازد
و از دوست تو بمبالغه کردن در مدحت و ثنای او پس بدرستی که
آن اعجاب و حب اطرا از استوارترین فرصتهای شیطانست در نفس
او تا محو کند انچه هست از نیکوئی کردن نیکوئی کنند و بپرهیز از
نهادن منت بر رعیت خود بسبب احسان نمودن تو با او یا اظهار
مزید و زیادتی خود بر وی در انچه یافت شد از کردار تو یا انکه وعده
دهی ایشان را باحسان پس در پی اندازی وعده کرده خود را بسبب خلاف کردن

تو دران پس بدرستی که منت نهادن باطل میسازد احسانرا و زیاده جستن
بر عین میبرد نور حق را و خلاف کردن وعده واجب میکند اندازه خشم را
نزد خدا و مردمان و فرموده است حق تعالی در قران مجید کبر
مقتا عند الله یعنی بزرگست از روی دشمن داشتن نزد خدای عز
و جل انکه بگوئید انچه نکنید و بپرهیز از شتافتن بکارها پیش از
رسیدن زمان آن و افتادن و غلو کردن و دران امور نزد دست
دادن و قدرت پیدا کردن بان یا ستیزه کردن دران امور هرگاه معلوم
نباشد وجه تحصیل ان چه طرف افراط یا سست شدن از ایقاع
ان چون روشن باشد وجه تحصیل آن از جهت انکه طرف تفریط نیز مذموم است
پس طریقه خیر الامور اوسطها را مرعی میباید داشت پس بگذار هر کاری را
در جای خودش و واقع او کن داری را در محل وقوع خودش و برکنار از
برگزیدن برای نفس خود بانچه مردمان دران یکسانند و بترس از تغافل
و ردیدنها از انچه سزاوار است اهتمام بشان آن از انچه روشن شده
است برای دیدهای اعیان و معلوم شده بعین الیقین چون رد مظالم
و غیر آن پس بدرستی که انچه گرفته شده است از تو بغیر اینچنین را اجبارا
از تو خواهند گرفت برای غیر تو و از پس اندک زمانی منکشف شود از تو

و نمایان

و نمایان کرده پردهای خفای آن امور که بعد ان موانع احجاب ابدانست
مدد و فتجلی السرائر و بازستانیده شود اینچنین از تو برای ستمرسیده
و نیید سنت خود ساز تندی خشم خود را و تیزی غضب خود را و حمله
آوردن دست خود را و تیزی زبان خود را و نگاهدار خود را از همه
این بدیها باز گرفتن خود را از سرعت عقوبت و واپس انداختن اخذ
و گرفتن تا ساکن شود غضب تو پس مالک و قادر شوی بر اختیار و اقتدار
خود و هرگز محکم و استوار نگردانی آن تسکین و غضب را در نفس خود
تا بسیار سازی غمهای خود را بیاد کردن بازگشت بسوی پروردگار
خود و واجب و لازم است بر تو انکه یاد کنی چیزی را که گذشت مر کسی را
که مقدم شده بر تو مراد نفس نفیس خودش است از حکمی که با عدل باشد
یا طریقه برافزونی دادن نیکوئی بر غیر خود یا خبری از پیغمبر ما صلی الله
علیه و آله یا امر واجب متحتم که واقعست در کتاب خدا پس اقتدا کنی
بانچه مشاهده کردی از انچه عمل کردیم ما بان در ایام حکومت و خلافت
جهد کنی برای نفس خود در پیروی کردن انچه عهد کردم بتو در این عهد
نامه خود و طلب استواری کردم بدان از حجت گرفتن برای نفس خود بر تو
تا نباشد مر ترا بهانه نزد شتافتن نفس تو بسوی آرزوهای خود و از جمله این

عهدنامه است که در اخر اوست ومن در منهاج ام از حضرت عزت بهر نجی
نعمت او در جمیع مطلوب وبزرکی توانائی او بر دادن هر مرغوب
انکه توفیق رفیق کرداند مرا وترا مرآنچیزی که در دست خوشنودی
او از ایستادن بر عهد هویدا ودلیل روشن نیکوی خدا وخلقان
او از نیکوئی ثنا وستایش در میان بندکان واثر نیك وعلامت
خوب در شهرها وتمامی نعمت وعطا وافزونی کرامت ورحمت و
انکه ختم کند برای من وتو بسعید کشتن وشهید شدن وبدرستی که
ما بسوی او رغبت کننده ایم ورحمت او را جوینده وسلام وصلوات
بر رسول خدا باد وبر اهل بیت امجاد او ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم وبدانکه مخفی نیست بر طالب رشاد که هیچ چیزی نیست از فروعات
حکومت واز امور لابدی ارباب امارت که آنحضرت با رفعت درین عهد
نامه بودیعه ننهاده از حکمت عملی وعلمی وخلقی ومدنی وسیاستی که هر که
بعمل آورد بسعادت دارین مسعود شود واین از دانش ازلیست و
کمال قوت علی که از سید انام علیه الصلوة والسلام میراث کرفته وهمین قدر
کافیست نزد اهل بصیرت بر شرافت وکمال فضیلت آنحضرت علیه
الصلوة والتحیة والسلام کتاب فضل ترا آب بحر کافی نیست که تر کنی سر انکشت و

صفحه

وصفحه بشماری دراینجا ختم سخن نموده شد وبالله التوفیق
وهو نعم المولی ونعم الرفیق قد تم الکتاب بعون الملك
الوهاب فی اواخر شهر ربیع الاول
فی یوم الجمعه سنه ١١١٢ وصلی
الله علی خیر خلقه
محمد وآله
اجمعین

این کتاب را از [illegible]
و از [illegible] محمد صادق [illegible]
تاریخ ٢٣ ربیع الاول ١٢٠١٢

بسم الله الرحمن الرحيم لا اله الا الله عدد الليالي والدهور
لا اله الا الله عدد امواج البحور لا اله الا الله هو
مما يجمعون لا اله الا الله عدد كل شجر و
لا اله الا الله في الليل
الله اعوذ بكلمات الله التامات كلها عامة
من شر الساق الحاقة وان يكاد الذين كفروا
ليزلقونك بابصارهم لما سمعوا الذكر ويقولون
انه لمجنون وما هو الا ذكر للعالمين اهيا شراهيا
باوث اذني الاشلة كهيعص طه و
من شر النفاثات في العقد ومن شر حاسد
اذا حسد اياك نعبد واياك نستعين الى
الله تصير الامور من شر حابس وحابس و
وماء فارس العين العين الا العين بر
حمتك يا ارحم الراحمين